



و... سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...  
 سلطان الملك عادل و...



فهرست جلد ثانی من تاریخ نجف  
 ارقام هندیه صحیفه اوله  
 وقایع سنه احدی و خمسین و الف آمدن ایلیچی عجم احوال ازاق ۳ تبدیل خاب قرم دت  
 شهزاده سلطان محمد خان ابن سلطان ابراهیم خان ۴ قتل قنه اوغلی فغاندن  
 مسکری بجانب ازاق عزل قیودان پاشاه وقایع سنه اثنی و خمسین و الف قتل ساحر پاشا ۵  
 قوت شاه عجم فرار قزاق از قلعه ازاق ۸ وقعه شهاب افندی ۹ وقعه هد کینسه  
 در بر و سه قیودان شدن پیاله پاشا ولادت شهزاده سلطان احمد خان ۱۰ وقعه سنه ثانی  
 و خمسین و الف ولادت شهزاده سلطان مراد خان ابتدای ظهور وقعه نصم پاشا زاده  
 مقتولی کور خزینه دار ۱۱ انهم زام عثمان پاشا در جنگ از نکمید ۱۲ وقعه اسکندار  
 و نلاشی حسین پاشا ۱۳ تفصیل احوال فصوح پاشا زاده ۱۴ کرمانی نصوح  
 پاشا زاده ۱۵ عزل اغلی بکیر یان ۱۶ مقتولی ذوالفقار پاشا استلاء اسلام پاشا  
 بدیار قزاق احوال دو تیمار ۱۷ ظهور رسا حدار یوسف پاشا قتل فایق پاشا ۱۸ وقعه قنبره  
 مصطفی پاشا ۱۹ حکایه دلاور اغا ۲۰ وصف مرحوم قره مصطفی پاشا ۲۱ وزارت  
 سلطان زاده محمد پاشا بعضی وقایع در آستانه وفات شیخ الاسلام محی افندی ۲۲  
 احوال سرحد عجبوله وقایع سنه اربع و خمسین و الف آمدن وزیر اعظم محمد شای  
 پاشا قتل قیودان پیاله پاشا ۲۳ قتل زنجی حسن افندی تجیه ایالت صدر بالیوب  
 پاشا ۲۴ وقایع سائر احوال تاتار خان ۲۵ تیمه وقایع سلسله ۲۶ قیودانی  
 ساحر یوسف پاشا احوال انکروس قتل اسلام پاشا ۲۷ رفتن سلیک ابراهیم خان  
 بجانب ادرنه ۲۸ تبدیل تاتار خان ۲۹ قتل مقصد پاشا ۳۰ ده دار السعاده  
 اغاسی درجی ۳۱ استیلاء اسوج بر بلاد نمچه نژاد دل و نمچه ۳۲ آمدن ایلیچی  
 احوال قرال له خراج اردل صورت مکة و ب بردار اسوج ۳۳ وقعه ح قنبره  
 چول بکی عساف در حلب ۳۴ قتل سرور ۳۵ وقعه ح قنبره ۳۶ تبدیل پاشا تید بزلت  
 حکایه معمار قاسم اغا ۳۷ احوال: اچراکسه ۳۸ وقایع سنه خمسین  
 و الف ابتداء غزوات جزیره کرید و ساری قیودان یوسف پاشا ۳۹ نمونه ساری  
 مقدمه غز احوال اوجاقهای مغرور ۴۰ عزیمت کردن عسکر اسلام با سفر دو نیم  
 ۴۱ عزیمت عسکر اسلام بجانب کر ۴۲ فتح ایاتودوری ۴۳ آغاز حصاره خان ۴۴ وصف  
 قلعه خانیه ۴۵ رزم حصار رزم کتدر که سار و غلبه عسکر ۴۶ خرو بقار از حصار  
 آمدن کفار بامداد حصار و غلبه سلامیان ۴۷ آمدن کفار بر ایام حصار و انهم زام  
 ۴۸ جنگ تاییه که ۴۹ آمدن خلعت پادشاهی ۵۰ سوره خندق  
 حصار از قنبر ۵۱ یورش اول ۵۲ یورش ثانی ۵۳ حصار خانیه ۵۴  
 و ضابطان آمدن نمایین کفار ۵۵ توجیهات آمدن ۵۶ انهم زام حصارین  
 در ۵۷ به در قاری ابل مقاتله کفار در پیش ۵۸ رزم کفار و  
 ارسال ۵۹ کرید جنگ کفار و نیک به بعضی ۶۰ اسلام ۶۱  
 ۶۲ کفار تعیین مستحقان خانیه رجوع دوی ۶۳



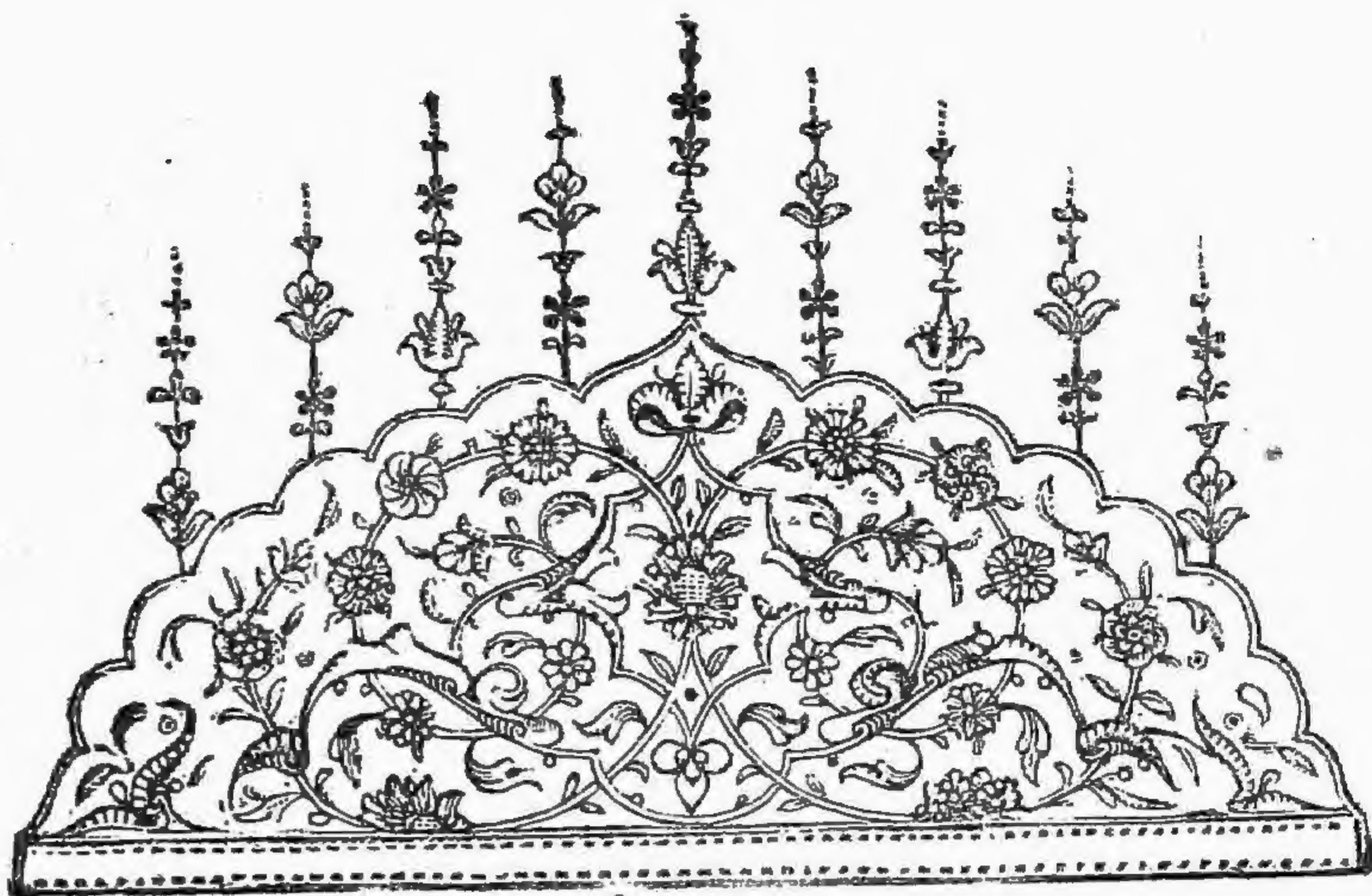
بعض وقایع گریز رفتن حسین پاشا بکریه ۸۴ عزل وزیر اعظم سید محمد پاشا  
وزارت صالح پاشا ۸۹ قتل قبودان یوسف پاشا فتح خانیه ۹۱ ذکر احوال سرحد  
انگروس ۹۳ احوال غنچه ۹۴ تهمه بعض وقایع جزیره خسف حکایه ۹۵ وقایع  
سنه ست حسین والف اطاعت کیموئید بیکفار ۹۶ محاربه حسین پاشا ۹۷ محاربه  
کفار در بوزجه اطه محاربه استرئی در کریه ۹۸ تهمه قاردنال محاربه دونهادر بوزغاز  
۹۹ جنگ و قورون و ملا قشقه ۱۰۰ فتح و تحریب استرئی جنگ اسباب در کریه ۱۰۱  
محاصره سوده ضبط حصار بوزقون محاربه در مترس ۱۰۲ وفات سردار محمد پاشا  
۱۰۳ فتح غرا بوزجه احوال محاصره محاربه اجی صو سرداری حسین پاشا در کریه و محاصره  
رئو ۱۰۵ اوصاف رتو ۱۰۶ ابتداء جنگ و انهرام کفار فتح قلعه پایوئمه هجوم عسکر  
اسلام و فتح قلعه رتو ۱۰۷ قشلاق عسکر اسلام و تدبیر محاصره قندیه ۱۱۰ شهادت  
قیوان موسی پاشا ۱۱۱ فرار مار قوه دای حسین پاشا بجانب خداوند کار بعض وقایع  
و تبدلات در آستانه ۱۱۲ احوال خواجه حسین افندی ۱۱۳ مولود سلسله علماء ۱۱۴  
مشروع بیات ابازه پاشا احوال تا تارخان و جانب ازا ۱۱۵ من الغرایب حکایه کوسه  
علی پاشا ۱۱۶ وقایع سنه سبع و حسین والف وقایع گریز جنگ دلی گتخا در قندیه  
۱۱۸ عزت حسین پاشا بمحاصره قندیه احوال دونهما ۱۱۹ قیودانی مصاحب  
قندیل پاشا فتنش بجانب کریه احوال عسکر در قندیه ۱۲۰ جنگ عرب سنان بیک  
و شاهین اغا ۱۲۱ آمدن سفاین کفار ب قندیه و عودت دونهما یون نقل طویرها  
محاصره قندیه در احوال محاصره و وصف محاصره قندیه ۱۲۲ احوال سرحد پیسنه  
خروج حیدر اوغلی محمد در اناطولی ۱۲۳ مقتولی وزیر اعظم صالح پاشا و وزارت احمد  
پاشا تاریخ تانه ۱۲۴ ذکر اختلال احوال دولت و تغلب نسوان بر امور سلطنت  
تیمه وقایع ۱۲۵ ذکر امتناع و خروج خراج ابراهیم پاشا و مقتولی  
او در بغداد ۱۲۶ وقایع جزیره ۱۲۸ وقایع سنه ثمان و حسین والف وقایع کریه آمدن ایلی  
بجزال استیلا و کفار بر حصار مرزیه ۱۲۹ ذکر محاصره قندیه ۱۳۰ هجوم کفار بر حصار  
صلوی ۱۳۱ رسیدن مترس بختی خراج کفار و انهرام و فرار ذکر احوال مترس  
محاصره ۱۳۲ خروج کفار و کار زارتایه ذکر لغزهای تاییه ۱۳۳ ذکر احوال دونهما  
فتح تاییه قندیه ۱۳۴ ذکر غزاة بمحاصره قندیه ۱۳۵ آمدن امداد کفار و متالم شدن  
عسکر اسلام ۱۳۶ قتل قبودان غارزاده ۱۳۷ اوضاع غریبه ۱۳۸ مقتولی  
وارد علی پاشا ۱۳۹ محایب ۱۴۰ مناقشه مصاحب فضلی پاشا با صدر اعظم در  
محمور همایون ۱۴۱ حکایه ابراهیم اغا برادر وزیر اعظم ۱۴۲ ثقی شکر یان ۱۴۳  
قتل ابراهیم پاشا شان عجیب احوال قزاق ۱۴۴ تبدلات ۱۴۵ زلزله سوء احوال  
صاحب دولت توزیع سکر بر اعیان مملکت ۱۴۸ نصیحت ۱۵۰ عجایب مشهور  
و اتفاق عامه ۱۵۱ دعوت بر خلع سلطان ابراهیم خان ۱۵۳ مقتولی وزیر اعظم هزار یان  
۱۵۴ قتل ملقب قاضی عسکر روم ایلی ۱۶۱ جلوس سلطان محمد شاه غازی

تحت ۱۶۷ فوت سلطان ابراهیم خان علیه الرحمة ۱۷۱ ذکر مصداق حجبی خواجه ۱۷۳ مقتولی  
چاوش زاده میر میران اناطولی باغ در قاطرچی اوغلی ۱۷۷ احوال صدر اعظم محمد پاشا  
و مبداء قتره سپاه ۱۷۹ ذکر مقدمه وقعه جامع سلطان احمد خان ۱۸۱ صورت  
فتوی ۱۸۴ ذکر محاربه جامع سلطان احمد خان و مقهوری سپاه از هجوم بکناشیمان  
ابتداء تغلب اغایان بکناشیمان ذکر احوال حیدر اوغلی و گرفتاری او ۱۹۱ جنگ طوزله دو  
گریه ۱۹۴ بعض وقایع در آستانه سلسله تهمه وقایع ۱۹۵ وقایع سنه تسع و حسین  
والف ۱۹۶ وقایع کریه احوال آستانه ۱۹۷ قتل جندی خلیل پاشا فساد قاطرچی اوغلی  
۱۹۸ حبس بالیوس و ندیک رفتن قبودان وینق احمد پاشا و دونهما همایون دراق دکتر  
۱۹۹ عزل بوستانچی پاشا ۲۰۰ مقدمه خروج کورچی نبی ۲۰۲ محاربه دونهما همایون  
در فوجه عزل وزیر اعظم صوفی محمد پاشا و صدارت مراد پاشا ۲۰۳ قتل وزیر سیاق صوفی  
محمد پاشا و بعض اتباع او ۲۰۸ ذکر اوصاف صوفی محمد پاشا ۲۰۹ حرکت کورچی نبی  
بجانب آستانه ۲۱۱ مشورت بکناشیمان در آستانه ۲۱۲ قتل قیوچی موسی پاشا  
والی بغداد ۲۲۰ عزل عبد الرحیم افندی و مفتی شدن مهیار افندی ۲۲۱ مقتولی کورچی  
نبی و اتباعش شهادت قبودان وینق احمد پاشا در کریه ۲۲۳ تفصیل ۲۲۴ فتنه  
عسکر در جزیره کریه ۲۲۵ محاصره قندیه ثانیاً ۲۲۸ احوال آستانه ۲۳۱ وقعه  
هریبه ۲۳۲ خنمان سلطان محمد خان عفو قاطرچی اوغلی ۲۳۴ وقعه بونی یارلی محمد  
پاشا حوادث شمالیه ۲۳۸ وقایع سنه ستین والف ذکر احوال بناء قلعه جدید در کریه  
۲۳۹ ظهور بدل تیمار ۲۴۲ قران حسین سرطانی ۲۴۵ فراغت مراد پاشا و صدارت  
ملک احمد پاشا ۲۴۶ مواخذة اتباع مراد پاشا قصه نامه همایون بجانب حاکم رنج  
کیفیت وصول امداد جزیره کریه ۲۴۹ غلبه سردار بیکفار ۲۵۰ احوال پیسنه  
۲۵۱ غریبه قتل منجم پاشا حسین افندی ۲۵۲ حدود برودت در میان وزیر و اغایان  
اوجاق بکناشیمان سلسله ۲۵۴ وقعه از میر ۲۵۸ وقعه ابشیر پاشا با دوزیان ۲۵۹  
غریبه احوال کریه ۲۶۰ ابتداء شکار سلطان محمد خان ۲۶۱ وقایع سنه احدى و ستین  
والف آمدن الحی و تجدید صلح بانچه مجادله وزیر اعظم ملک احمد با سیاوش پاشا ۲۶۲  
احوال کریه وقعه قضیه ۲۶۴ امور غریبه حوادث شرقیه ۲۶۵ حدود منازعه  
و فترت در میان اهل طریق و تبعه قاضی زاده ۲۶۶ مشورت برای ضرورت خرینه و امور  
غریبه ۲۷۰ عزل شیخ الاسلام مهیار افندی و نصب عزیز افندی ۲۷۱ قطع ارزاق ۲۷۵  
وقعه کشتی صدر اعظم ملک احمد پاشا ۲۷۶ تفصیل وقعه وان ۲۷۷ وفات چوی زاده  
۲۷۹ غریبه توجه دونهما محاربه دونهما ۲۸۰ غوغا برای علوه مقدمه خروج حسن اغا  
۲۸۲ سرداری قاطرچی اوغلی ۲۸۵ احوال قاطرچی اوغلی و ابشیر و حسن اغا  
وقعه داسنی میرزا ۲۸۷ سبب خروج اهل سوق ۲۹۰ عزل ملک احمد پاشا و صدارت  
سیاوش پاشا ۲۹۲ توجه عسکر بجانب آستانه وقعه انکسار بکناشیمان ۲۹۴ احوال  
والد سلطان ۲۹۵ ازین جانب ۳۰۴ سهولت مدافعه با حسن تدبیر ۳۰۸ قتل بکناش اغا



۳۱۰ قتل اغای سابق قوه چاوش ۳۱۲ قتل چلبی کتدا یک ۳۱۳ نفی عزز افندی  
 قاضی ۳۱۵ تمه و قایع سائر و تبدیلات جزیه ۳۱۷ احراق جزئی ۳۲۰ قتل جلالی  
 ابراهیم اغا احوال ابازه حسن اغا ۳۲۱ اندفاع جمعیت با حسن تدبیر و سهولت ۳۲۵  
 وقوع اختلاف و شقاق در میان وزیر اعظم سیاوش پاشا و اغای دارالسعادة عزل سیاوش  
 پاشا و صدارت کورچی محمد پاشا نفی یونانی اگری محمد پاشا بسرحد قنیه ۳۳۰ تمه  
 ۳۳۲ وقایع سنه ۳۳۱ وستین والف ۳۳۴ سوء تدبیر ۳۳۵ احوال سرحد یوسنه  
 عجیبه ۳۴۱ تفصیل بعض اخبار ۳۴۲ احوال اناطولی ۳۴۳ غریبه احوال  
 مصریه و مشورت عجیبه ۳۴۴ احوال دونما ۳۴۸ عزل کورچی پاشا و صدارت  
 طرخونی احمد پاشا ۳۵۳ کیفیت عزل و اخذ مهرهایون علی التفصیل ۳۵۴ کیفیت  
 شروع احمد پاشا در امور ۳۵۸ احوال سرحد ۳۶۰ عزل اغای دارالسعادة ۳۶۱  
 مناقشه ۳۶۲ عجیبه ۳۶۴ تبدیلات و قعه شیخ الاسلام ابوسعید افندی و جمعیت علما  
 ۳۶۵ عزل ابوسعید افندی و مفتی شدن بهانی افندی ثانی ۳۶۷ نزاع سپاه و بکچری برای  
 قصاص ۳۷۴ احراق سلسله وقایع سنه ثلاثه وستین والف ۳۷۶ احوال شمالیه  
 ۳۷۷ آمدن الحی و ندیک و قعه ابطال شروع طریقه ۳۸۰ از طمع و حماقت ۳۸۳ وقوع  
 شقاق در میان وزیر طرخونی احمد پاشا و قبودان درویش محمد پاشا ۳۸۴ زلزله و خسوف  
 سلسله مدخوله ۳۸۵ احوال شمالیه ۳۸۶ احوال اناطولی مشورت برای امور  
 دولت ۳۸۷ قتل طرخونی پاشا و صدارت درویش پاشا تفصیل ۳۸۹ تمه  
 تبدیلات ۳۹۸ وفات اعرج مصطفی افندی و سلسله جزیه ۴۰۴ غریبه ۴۰۸  
 احراق ۴۰۹ قتل بویاجی حسین ۴۱۰ قتل خادم عبدالرحمن پاشا و الی مصر ۴۱۱  
 آمدن پاشا ۴۲۰ احوال دونما ۴۲۲ سلسله و حکایات عجیبه ۴۲۳ احوال  
 افلاق و بغداد ۴۲۷ استیلاء تاتار بر بلاد ۴۳۲ عقد صلح در میان  
 تاتار و دولت ۴۳۳ رفع ارداد قضایه و قایع سنه اربع وستین والف قبودان شدن وزیر  
 سالف مراد پاشا ۴۳۶ مفتی شدن ابوسعید افندی ثالثا ۴۴۰ وقعه خادم قرنداشی  
 حسن اغا در قونیه قتل دلی سیاهی ۴۴۲ آمدن اپاجی له سلسله ۴۴۳ احوال دونما  
 ۴۴۴ وقوع شقاق در میان مراد پاشا و صدر اعظم درویش محمد پاشا ۴۴۸ جنگ  
 قبودان پاشا با سفاین کفار ۴۵۰ غارت جزیره استندیل ۴۵۲ تمه در تکامل والی  
 مصر و حکایت عجیبه در اثناء عزل قاضی مصر ۴۵۳ حوادث شمالیه ۴۵۷ اختلاف  
 جزئی برای عزل اغای دارالسعادة ۴۵۸ علامت سماویه مفلوجی وزیر درویش  
 پاشا ۴۷۱ فرستادن مهر بابشیر پاشا ۴۷۳ وقایع سنه خمس وستین والف احوال  
 دیار مصریه ۴۷۷ تفصیل احوال وصول مهر بابشیر پاشا و حدوث اراخیف ۴۷۸  
 سلسله وفات وزیر سابق درویش پاشا ۴۸۸ احوال ابشیر پاشا ۴۹۲ وقعه غریبه  
 در سرای عامره برای ابشیر پاشا ۴۹۳ فرستادن خواجه رحمان اغا استیالت ابشیر پاشا  
 ۴۹۵ آمدن وزیر ابشیر پاشا با ستانه ۴۹۹ زفاف وزیر اعظم شروع وزیر اعظم تبدیلات





## جلد الثاني في تاريخ نصيبا بسم الله الرحمن الرحيم

اولا وآخر احمد و سياس و ظاهر اوبا طناشكر في قياس اول مبدع بدایع مصنوعات و اول  
محدث حوادث موجودات جل شانہ و عم نوالہ حضرتہ اولسون کہ بموجب تقابل اسما  
وصفات و مقتضای کریمہ و رفعنا بعضکم فوق بعض درجات اصناف مخلوقات ماہیات  
مختلفہ و استعدادات غیر موقوفہ بہ مظهر ایتکله کینی شاه کینی درویش و کینی شادان کینی  
دل ریش کینی دانا و عاقل کینی نادان و جاہل و کینی اکامہ و کامل کینی کرامہ و غافل قلوب  
یومغایرت ایله احوال کائناتہ ثبات و یروب دائرہ جمعیت مخلوقات یومبایت ایله منتظمہ  
الحركات ایلدی و تحیات بعد و تسلیات لایعد اول خاتم النبیین و سید الاولین و الاخرین  
حضرت نوریہ ذات اقدس و روح مقدس سرینہ اولسونکہ مکمل ظاهر و باطن اولان دین  
مبین و ناسخ ادیان پیشین اولان شرع مظهر و رصین ایله عامہ عالمیانہ مبعوث اولوب اوضح  
دلالات و اعظم معجزات اولان قرآن عظیم و فرقان حکیم ایله جملہ عبادی طریق نجاتہ  
ارشاد ایلدی و دخی دعایم بنیان دین و قوانیم ارکان شرع مبین اولان آل و احباب و عشریت  
و احباب لرینہ اولسونکہ تقویت امر دین و تمسیت احکام سید المرسلینہ بذل جان ایله دامن  
درمیاں اولد بلر اما بعد وقتا کہ بوحدیقہ انیقہ عجایب و ریاض پرخیاض غریب دولت  
عالیہ مخلدہ الافبالک ازهار بدایع تواریخ و اخبار یله سرافراز و رلال سلسال سلسیل مثال  
روایات و درایات مناقب آثار سلاطین آل عثمان مجدۃ الحضال ایله زینت یولوب محایف  
کتاب عبرت نصیب کلاک نوید او خامہ حکمت احتوای فن طبع و تمثیل ایله رسم و تسطیر  
اولنہ رق ترتیب عبارت بوخله رسید اولدی مطالعه سنہ رغبت ایدن ارباب رشد  
و استقصایہ ثقل حجم نسخہ باعث فتور و کلال اولماق ایچون فاصله و ریابوب جلد اوله ختام  
ورلدی و ریاض مرقومہ قطعہ سنک ساحہ سیاسی یعنی جلد ثانیٹک سرلوحہ عنوانی  
پرکاویتنہ مال فرخندہ فال نام نامی سلطان کامیاب جوان بخت پادشاه کیوان جناب آسمان

تحت فرمان فرمای سلاطین عالی مقدار شهنشاه دین پروردیدار بالانشین خلافت  
کبری وارث نجابت سلطنت عظمی سلطان بنی السلطان الغازی سلطان محمود خان  
بن سلطان مصطفی خان کراملو و نجابتلو و مہابتلو افندی عز حضرت نوریہ ایدوب رشک  
کازار جنان و مطبوع اهل دلان انس و جان قلندی کلام مستطاب درستایش آن جناب  
ازلسان طابع کاب الہی دولتی دایم ایله سریر معدنہ قائم ایله ایدوب سرکشترین فرمانہ  
وام خلایق دولتنہ بولسون آرام رضای حتی مردم طالب اولسون عدوی کینہ جوہ غالب  
اولسون کسوب عرقینی تیغ بی دریغی هلال آسما صلسون عرشہ تیغی دعاسی ایریشوب  
هر اهل حالک بششسون ہمنی مردم رجالک چراغی عزتی تابندہ اولسون ہم الی دولتی پایندہ اولسون  
اولوب سر سیزامیدی شاخساری بششسون ہرنفس بیک برک و باری وقایع سنہ احدی  
و خستین و الف ماہ محرمہ اوزی محافظہ سنہ اولان حسین پاشا ازاق فتحہ سرعشکر اولوب  
خان و قیودان ییلہ وارمق فرمان اولندی سلا نیکن معزول شہاب افندی مہر قضا سنہ  
نصرب اولندی و چغتہ لری عثمان پاشا شامدن معزول اولوب برینہ قبہ التندہ اولان و وزرادن  
سابقا حیدر معزول احمد پاشا شام بکر یکسی اولدی و عثمان پاشا اناطولی بکر یکسی اولدی  
وصفر اخیر دہ ردوس بکی بکر پاشا کہ آق دکر محافظہ سنہ دعوت اولنمشیدی کلوب  
ایکی فرنک اقطار مہ سی کتوردی آمدن الچی عجم ماہ ربیع الاولک یدنجی کوئی شاه عجم طرفندن  
موقان حاکمی ابراہیم خان نام الچی کلوب پادشاهہ ایلق آتار و منقش ابرشیم قاپچہ لرو تحف  
عجم ہدایا کتوروب صلح و صلاحی ابقا و تمینیت جلوسی متضمن نامہ شاهی تبلیغ ایلدی  
جمادی الاولیہ روم اہلی قاضی عسکری ابوسعید افندی معزول اولوب برینہ معید افندی  
انک برینہ استانبولدن معزول عبد الرحیم افندی کلدی و توقیق زاده افندی ادرہ قاضیسی  
اولوب منلا چلبی معزول اولدی سلسلہ دن معزول ایشیر پاشا کہ روم اہلی امیر الامرائی ایله  
قلبہ دہ ایدی بودفعہ معزول استانبولہ واصل اولوب مرعش ایالتی ویرلدی و ربیع الاخرک  
یشنجی کوئی عجم ایلیجیسی پادشاهہ بولشوب دسنبوس ایدوب پیشکش چکدی بحکمہ اللہ  
اولکون زیادہ بروق و صواعق اولوب استانبولہ اما کن متعددہ یہ صاعقہ اینوب باب  
ہمایین مقابلہ سنہ ایاصوفیہ جنبہ واقع بر قوی کنیدی کہ ابنیہ بالیہ دن ایدی فوق  
و تختی ایلیجی الاین سیرایدنلر ایله مالا مال اولوب مزاحمہ دن منہدم اولوب اوندن زیادہ  
نفوس تلف و برنجہ سی دخی سقط اولدی الچی ال اویدکد نصبرکہ یدی قلدہ دہ محبوس  
اولان قزلباشلر ایله عودہ مأذون اولدی قتل امیر کونہ اوغلی بو اتشادہ سابقا سلطان مراد  
رواندن کتوردیکی امیر کونہ اوغلی کہ وزارت ویریاوب دیوانہ او توررایدی وجودی لازم  
اولماغلہ ازالہ اولندی و کاغد خانہ دہ بنالیتدیکی خطیرہ دلار او قصیر زیاسنہ پادشاه  
حضرت نوریہ رقم اختصاص چکدی امیر کونہ اوغلینک قتل عجم ایلیسنک دسیسہ سنہ  
حمل اولندی احوال ازاق ماہ محرمہ قیودان سیاوش پاشا دوغما ایله بکچیری کتخداسی  
حیدر اغازادہ ییلہ قرہ دکرہ چیقوب ازاق قلعہ سی استخلاصنہ مامور اولشلرایدی وزیر  
حسین پاشا سلسلہ عسکر یلہ تاتار خان بہادر کرای لشکر تاتار ایله و کفہ پاشاسی یوسف



پاشا جمله اول سفره مأمور اولغله معیت اوزن اولوب ازاق قلعه سی محاصره ایندیله کفار  
ایچرودن برلغم اتوبیدی یوزمقداری مسلمانن هوایه پران و شهید ایلدی بعد برلغم دخی اتوب  
وافر آدم شهید ایندیله اوچخی کیجه کافر طشیره چیقوب عظیم جنگ اولوب بر قاج آدم اسیر  
دوشدی بعد کفارک لغملری بحسب اولنوب برلغمی بولنوب باروتی اخذ اولندی بعد  
هر طرفدن اقدام تام ایله محاصره و جنگ اولوب طرفیندن نفوس کثیره تلف اولدی  
اول ائنده ایچرودن بر تاتار چیقوب قلعه ده بش بیگ کافر وارد دیکله بوخبر عسکر بیننده  
مشایع اولغله تهویل وقتور باعث اولوردیو اول شخصی غائب ایندیله بعد حسین پاشا  
برلغم اتوب کفار خارج حصان انچدن یاپد قلمری سوریکه طیراغله طولشیدی طوتشد برل  
کفار اطفا سنه قادر اولامیوب برکون بر کیجه یانوب منهدم اولوب کفار حصان قاجدیله ارون  
برکونده عسکر اسلامک باروتاری دوکتوب بکرمی ایکی کون مقدم عاطل و بیکار دایره  
حصاری بکلیوب کفه یه و آستانه یه باروت طلی ایچون کوندرد کاری آدملری بکدیله  
یومر تبه صعوبت احتمالی ویریکین وزیر اعظم اوچ بیگ قنطار باروت ایچون فرمان ویرمشیکن  
بیگ سکریمز قنطار یتدیله از کوندرلشیدی تکرار آستانه دن باروت ایر شجه قرق کونه قریب  
اولوب قاسم کونی کلوب فصل شتا حلول ایتکین ناچار بی فتح قانقوب کیرویه مراجعت  
اولندی کرچه قلعه فتح اولندی اماروس مخوس شیقه یایمق ایچون تدارک و جمع ایندیله کاری  
کر استه و دایره قلعه ده اولان اغاچدن واروش جمله احراق اولوب بر قاج بیگ کفار دخی  
تلف اولدی بوغرا اولسه ایکیوژ پان شیقه یایلوب قره دکن بالیاینه هجوملری مقرر  
ایدی آستانه طرفیندن امداده کوندریلان بر قاج قدرغه بکچر یلر و باروت و مهمات  
کفه یه وارد قلمده عسکر اسلام و دونما دوشش بولنوب انلر کفه ده محافظه و قشلاق  
ایچون قالدیلر تبدیل خان قریم خانی بهادر کرای از اقدن خسته دوئوب کوزلوی یه کلدکه  
وفات ایتکین ماه شعبانده بری ینه برادری محمد کرایه ویریلوب قره جانبندن کوندرلدی  
شعبانده دونما قره دکن کلوب بوغازدن طشیره ده خیل فورتنه چکوب ترسانه یه دخوله  
اجازت حاصل ایدنجه خوف و تردید ایله وافر چورلدیلر بالاخره مفتی یحیی افندی پادشاه  
حضرت نرینه تسل ویروب بعضی سفرارده فتح میسر اولماق اوله گلشدر حضرت رسول  
اکرم صلی الله علیه وسلم زمان شریف لرنده دخی واقع اولشدرا کرچه فتح ازاق سنه آتیه یه  
قالدی لکن کفار دخی عظیم غزاونکابت اولندی دیوب دونما نیک دخولنه اذن الیوریدی  
بواثناده پادشاه استانبولده اولان سرای زیبا و خطایر عنارده مشغول سیر و تماشا اولدیله  
ولادت شهراده سلطان محمد خان ابن ابراهیم خان خلق عالم ذریت پادشاه عالمه محتاج  
و مترقب ایدیلر سنه مزیم رمضانک آخر کیجه سی لیلله اتمیسده ورا پرده غیبندن  
سلطان محمد خان ساحه وجوده ظهور ایدوب استانبول و غلطه واسکدرده اوچ کون اوچ  
کیجه دونما فرمان اولنوب خلق عالم کمال تشوق ایله منبسط اولدیله و مولود شهراده یه  
نجه تاریخلر سوزیلندی جمله دن معقولی شکانی وانی نیک سوزیلدیکی تاریخدر مصرع نورد  
کلدی محمد صلیب ابراهیمدن عطار محمد چای سلطان محمد حضرت نرینیک طالع ولادت برین

بوجوله استخراج ایلش ایام سلطنت لرنده احوال لری اکثریا مطابق اولغین بوجوله اشارت  
اولندی احکام و تعیین مدت یازدیغی تفصیلات طی قلمدی زایجه معلوم اولجه مقتضاسی  
عند الاالی منقهم اولوغرا ب اتفاقا قلمدن کد اول کیجه خلق صلوة تراویحدن چقد قد نصکره  
بر عظیم زلزله اولش قتل قنه اوغلی مشهور آفاق قنه اوغلی که بالدفعات خروج و طغیان  
ایدوب آیدین و نکه ایلار ینه منتهی اولوب تغلب ایله اول حوالی یه مسلط اولمشیدی  
وزر و امرا انی صید مراد ایدوب اله کلدی سلطان مراد خان دورنده ساحدار پاشایه انجا  
ایدوب انک ر جاسیله عقوبتندن انماض اولمشیدی داغا ساحدار پاشایه انلر و هدایا  
کوندروب مننصب یکنوردی لکن دامه دوشه جک مضیقه اوغرا مزیدی چون میراخور  
شهر یاری نکه لی مصطفی اغا بکچری اغاسی اولدی همشهر بلاک واسطه سیله عهد  
و موافق ایله مزبوری اینان یروب آستانه یه کتوردی کندویه سیمواس ابائی ویریه ب  
مهماتن کوروب قانقوب اوزن ایکن شکانی پادشاه حضرت نرینه بشت شکوی ایدوب بلا مهل  
صلبه نه فرمان ییو د قلمده وزیر اعظم مزبوری چاغردوب کلدکه ماه ستوالک اون سکرچی کونی  
ایدی ایاصوفیه چارستوسنه قصاب دکانه صلب اولندی مزبور ک براوغلونیده سلطان  
مراد خان قتل ایتمشیدی سائر اولاد و امتعه سن موأخذه و اموالنی قبض ایچون ولا یننه  
آدمار تعیین اولندی فرستادن عسکر بحسب انب ازاق مصر ایلندن معزول اولوب  
ضرر بخانه نظارتنه مأمور اولان سلطان زاده وزیر محمد پاشا کد ستم پاشا اخفادنند روجوان  
قیوجی باشی دیکله معر وفدر ازاق فتحی ایچون روسر سفر یننه مأمور اول جانبه سردار نصب  
اولندی رابع ذی القعدة ده دسنبوس هایون ایله مشرف اولدی شهاب افندی مصر دن  
عزل اولنوب یرینه قاضی اولان حنفی افندی اول کون معال اویدی و غره ذی القعدة ده  
کتخد ایک حید راغازده عزل اولوب زغرچی حسین غاکه مقدمانصوح پاشا اراده ایله قیوجی  
باشی ایکن روم ایینه عسکر سورمکه اوجاق جانبندن مأمور اولغله ییله کیدوب ناحق یره چوق  
بکچری قتل ایتکین قنلر چاوش دیکله ملقب اولدی کتخد ایک نصب اولندی اولدی از اغه  
مأمور اولدی عزل قیودان پاشا قیودان سیاوشر پاشا ازاق سفر نده امر اعدولت ایله حسن  
حرکت و معاملله ایلدی کدن ماعداتر سانه عامره مصاحبه دخی مبتدی و عدولیاتنی  
متبیین اولغله حاصل ایله قبه التنه او تورمق فرمان اولندی مقیودانلق اول سنه کسنه یه  
توجیه اولنوب مهمات دونمایه وزیر اعظم حضرت نرینه بالذات کندولر مباحثه اولدیله و ماه  
ذی القعدة نیکر میدسنه نکه لی مصطفی اغایه از غروم ابائی ویریه ب سکیان باشی بتمناش  
اغانک یرینه بکچری اغاسی اولدی از ضرر و مدن معزول کوجک حسن پاشا معزول کلوب  
قونیه ده او تورمق فرمان اولدی و حید راغازده سکیان باشی اولدی و قیو بیس ایلتنندن  
قره شاطر دیکله معر وف حسین پاشا عزل اولنوب یرینه کوسه علی پاشا کوندرلدی  
و دکشهری بکی کوسه شعبان و قارص بکری بکسی کتاغاج مصطفی پاشا و اولدن معزول علی  
پاشا آستانه یه کلوب کثرت شکانه بناء کتاغاج مظهر عتاب و علی پاشا نیک قتلده فرمان  
اولوب محل قتله وارد قند قدمای وزرادن کورچی محمد پاشا شفاعتیه عفو اولوب کوسه



۴ شعبان ارضای شکایت مشغول اولدی بوسالده مورخک پدری بوسنه دن مغرول شارح  
المنار افندی که صالحای عصر دن ایدی زمضه سالک اون یدنجی جمعه کوئی وفات ایتدی  
وقدس شریف دن مغرول مارنلوس زاده وغیره ذی القعدة ده یکیشهر دن مغرول حاجی  
زاده عبدالرحمن افندی مرحوم اولدی و عجم افندی قلبه دن مغرول اولوب پیرینه کل افندی  
زاده ابراهیم چلبی بروسه پاییه سیله نصب اولندی والد سلطان حضرت نرینگ اسکدار ده  
پنایلد کاشی جامع شریف و مدرسه تمام اولوب چفته حمام دخی اتممه قریب اولدی  
وسالستورده دن حسین پاشا بوسنه ایالتنه کیندرلشدن اول دیارده حسن سلوک ایدوب مشاهیر  
استقبالی کحقندن وازاق سفیرنه سردار اولان سلطان زاده محمد پاشا جمله روم ایلیک زعامت  
و تیماری دفتری و یریاوب باجمله فقر ورتق امور سفری کف کفایتنه مفوض ایتدی یلرماه  
ذی الحجه ده چیقوب قره جانبندن ازاق سمتنه روان اولدی ترسانه کتخاسی اوزون  
پایله و کتخا بک جمله بستانجی و غیردن قیویه چقان بشیور قدر بکچری و سائر دو نماجی  
بکچری یلر ایله بله یغاز حصار دن کچجه فوسه اولمین زیاده اضطرار چکادی الی باو کدن  
برمقدار سپاهی دخی عمو ل غر باغاریله مامور ایدیلر جمله بیک کیلری قدرغه لایله اوتوز  
سیکر پان چکدرمه ایدی قیاده اون اوج کون یاتوب تهم مهماتدن صکره روانه اولدی یلر  
پوشاده وزیر اعظم مقرب کیندرلشدن برروس اوغلای طینت رذیه سی مقتضای نسخه  
ازاق کفایتنه حقوق ایچون دو نما کیلرینک اسیر لری ارسنه تختی اولدی وزیر اعظم اقدام  
ایدوب بعد الاخذ عبرت ایچون افسر لری چاروشونده رقبه سی ضرب اولندی و بغداد  
محافظی اولان درویش محمد پاشا عصیان ایدن عربان عشرتی اوروب التیوزدن زیاده  
کله کسوب غنایم عظیمه ایله بغداد عودت ایلدی و ماه ذی الحجه ده بعد العید ارضروم دن  
مغرول حسن پاشایه بغداد توجیه اولندی و قایم سنه اثنی و خمیسین و الف محرک اون  
بشخی کوئی شهر زاده ثانی سلطان سلیمان وجوده کادی طالع ولادت بی بوهجه اوزن ضبط  
ایتیلدر در قتل ساحدر اریاشا و حیثی مرحوم تحریری اوزن طمشوار بکار بکیتی اولان  
ساحدر اریاشا که مقدماخرم همایندن ایکن مقبول پادشاه جهان اولغله طنطنه شهرتی  
ملاء اعلا یه ایرتمشیدی مرحومک ایسه کمال محبتلرندن هر سوزینه مخالفی اولماغله  
مراء ایلدی بکی ناعبی استدی وکی آدملره الیوروب دیلد و کئی کند و طرفندن ضبط و آدم لری نه  
توجیه ایدیلر و ب اموال عظیمه تحصیل ایتیلر ایدی بورتبه ایله قناعت لازم ایکن بیت المال  
مسلیمه عائد اولان قنریس خزینه سی که سنه ده سکسال بیک غروش ایدر داخل خزانه  
هامره اولیوب قول مواجبه و یریاوردی اوج دورت سنه مقداری مال مذکور ی بالکلیه  
اخذ ایدوب اندن ماعد اخرانه پادشاهیه اولان ملوک مخصوص تحف بی نظیر و تقاریق  
بی عدیل بی تکلف الوب حفظ ایدوب دخی حجه انعامات ملوکانه ایله تحسود عالم اولشدی  
سلطان مرادخان و ناستند نصکره ایتد منصبیه چقد قلندن برمقدار ذی قیمت اشیای میریه  
النشیدی فکر اسائر اشیایک مطالبه و تحصیل ایچون ادرنه بستانجی باشیسی اولان سنان  
اغایله فرمان هماین کوندر یلوب بر موجب امر شریف قلعه یه حبس اولنوب تفتیش

۷ ایتد کارند بقود اموال مقوله سندن الی بیک غروشلق مقداری اشیایک دفترین ارسال  
ایدوب بوندن زیاده یه قدرتم یوقدر دیو تعلل ایتمکه قتلنه خط همایون صدور ایدوب بعد القتل  
داخل خزانه پادشاهی اولان بقود و آلات مجوهر زرین و سیمین و تحف نامعد و ده بش بیک  
کیسه لکدن زیاده ایدی اما مورخ قتلنک ظهورینه سبب اولان معنای تفصیلا دیرکه سلطان  
مراد خان مرحوم حال حیاتنه صلیبه قری قیاسلطانی ساحدر پاشایه نامزد ایتمه سی  
بین الاعیان خصوصاً سراسر ای عامره خدای بیتند شایخ ایدی قیاسلطان کتخاسی  
موقوفاتی محمد افندی که برمتعین آدم ایدی وزیر اعظمک استقلال و شوکتی التند مقهور  
اولغین سلطان ساحدر پاشایه تزویج اولنسه اول تقریبه استانه یه کلوب قائم مقام و یا  
آخر منصب ایله قرب دولته شاد کام اولق و سیله سیله کالاول تعین کسب ایتک ممکندر  
ملاحظه سن ایدوب بوند بیر صورت پذیر اولور سه کندوسی و سائر توابع کالاول منافع  
دولته مقام و مشارک اولق طمعنه دوشوب بورای نامعقولک تمشیته مباشرت ایتدی یلر  
مرقوم محمد افندی ساحدر پاشایه هوادار یکینن کسنه لایله هر بار مشورت ایدره رک  
بو خصوصی قوتدن فعله کتورمکه شروع ایدوب بو خیال خام و مصاحت ید فرجامی ام المؤمنین  
والد سلطان حضرت نرینه بر طریقله تبلیغ ایتدی یلر انلر دخی همزبان اولوب تدارک مصالح  
سورایچون ساحدر پاشا نیک استانه یه کله سی قصد یله جناب پادشاهی یه عرض  
ما فی البال ایله استند های عنایت ایتدی یلر چون وزیر اعظم امور دولته استقلال اوزن متصرف  
و پادشاه حضرت نری هر خصمه و صدمه کند ولر ایله اسنشان یه متوقف ایدیلر بومعنای کند ولر  
ایله مذاکره بیورد قلندن وزیر اعظم سوزده کلوب پادشاهیم نیم مقصودم اوغور دین  
ودولتکده استقامتله خدمت ایدوب احوال ملک و رعایایه نظام و یرمکد رومعنی ایسه  
اتفاق کله و اتحاد قلوبه محتاجدر ساحدر پاشا کلد کلد انلر پادشاه مرحوم زمانند امور  
مداخله و اخذ روشی ایله مصالح مهمه یه معارضه ایتمکه معتاد اولشاردر امور دولته تعارض  
اضداد ایسه فتنه و فساد مؤدی اوله جفته شک یوقدر دیوب جناب پادشاه  
عالمیناهی بی اغصاب اید جک بعضی کدشته ذلاتن تذکر ایدوب اول حیثانه اولد چقه  
کوته بینلر فتنه ملاحظه سندن خالی اولزلر و کندوده مدخر اولان خزانیه  
دخی تحصیل ممکن دکلدر دیوب هر نه سویلدی ایسه سویلر یلوب قتل ایچون خط هماین  
الوب ادرنه بستانجی باشیسی سنان اغای تعین ایتدی یلر قرق نقر جلدی اسنان  
پوستانیان ایله واروب طمشوار قلعه سنه قالدروب بوغدی بو حقیق ققیر یرمکه مقرب  
پادشاه اولنلر خصوصاً وزارت عنوانیه رفعت و شان بولنلر دولت علیه ده نافذ الکلام  
اولوب جناب پادشاهی دن تحف و عطایا ایله مکرم اولق و بعض امور قاریشوب  
بعض مستعدینه مناصب الیورمک و آدم لری چراغ ایتک و منافع دولت علیه دن  
وجوه ایله منتفع اولق محود العاقبه دکل ایسه ده اوله کاش معناردر مال میریدن  
شی الموق مکرره ایسه ده انک مجازاتی مصادن واسترداد در ووزرا عظام و وکلا عکرامک  
اتبعه و هوادار لری افندی یلرینی دولته تقریب ایچون سی ایتمه لری حب جاه و سودای تعینه



۸  
 مبنی بر امر ذم جلی در بونک دخی جزای نغی و تعدی و بامصادر ایلله نادیدر بوجله مشار  
 الیهک قتلنه علت مستقلة اولان مرکز ساختار یا شاعر دولت و نخوت حدادت ایلله  
 التفات پادشاهه مغرور اولوب عاقبت اندیشلک ایتیموب ناحق ره طبانی بیوک مجن  
 پاشا و برقاج کسینه نک قتلنه سبب اولد قلر بکه محالرنه مذکور در چون طبیعت وجود  
 مکافات اوزن مینیدر فلا جرم سوء عمل مجازاته گرفتار اولوب انتقام الهی ظهور ایلدی بیت  
 جبین بنو سید اینی وفا که اخر زرد سیل از قضا منم و منجه ساختار یا شای مشار الیه  
 بر زمان عز و اقبالله اتوب طو توب عاقبت ایام جوانیسی و اعوام عز و کامرانیسی منقضى اولوب  
 راه اضحلاله کندی مشار الیهک جانبگیردن بر عورت که والد سلطانیه مزبورک احوالی  
 اعلام ایدر مصاحبه لر دن ایدی خنق اولندی پاشای مشار الیهک طمشور دن کلان  
 اموال عظیمدن ماعد استانبول و بعضی خانلرده و بچه پرلده امانت قوغش قتی چوق اموال  
 و اشیای چقدی جمله سی میری به قبض اولندی غره ماه صفر ده وزیر اعظم قره مصطفی  
 پاشا مرحوم سلطان مراد خان امیر کونه اوغلنه باغشیلد قلی باغچه که روم ایل حصار دن  
 یوقار و بالته لیا نندن اوتیه فریدن باغچه سی دیکله معروف برجای دلکشادر امیر کونه  
 اوغلی قتلند نصبر که پادشاه اول باغچه فی وزیر اعظمه باغشلا مش ایدی پادشاه عالیجاهه  
 اول مسرتگاهه بر عظیم ضیافت ترتیب ایدوب پادشاهه و خواص مقرینه هدایا و یردی  
 فوت شاه عجم شاه عجم سام بن صفی فوت اولوب اوغلی عباس نام صبی شاه اولدیغی  
 معتق اولدی چون مجتهد معاهد به احتیاج اولمغین سکر یوزمقداری بغداد قوی  
 یازیلوب بغداده کوندرلدی فرار قزاق از قلعه ازاق سلطان زاده محمد پاشا سردار اولوب  
 واروب کفه حد وین یکد که تاتار خان دخی عسکر بشمار ایلله مخلمدن قویدی آستانه ده  
 بر خیر شایع اولدیکه قزاق براغوب ازاق قلعه سندن کتمش صدر اعظم حضرت ناری  
 رجب اغا نام قبوجی با شیشی صحیح خبر ایچون ایلغا رایله اولجانبه کوندردی واروب  
 خانه بولیشوب برقاج یوز تاتار اتلوسی ایلله بالذات ازاق التنه ایلغار ایدوب دبل المغه  
 قصد ایتد که قبیل سهرده واروب کوردیلر ازاق قلعه سنک اچر و سی برطر فدن  
 طوئیشوب یارمکر قزاق ملعون مسوقر التندن امداد بولما مغله عسکر عثمانی به مقاومت  
 محال ایدو کین یلوب قاشمش و برطر فدن آتش اورمش ایش رجب اغا قلعه بی خالی  
 بولوب کیروب بفضل الله بویوزدن سهولتله فتح میسر اولوب انشی اطفا ایتدیلر صباح  
 غازی جامعت ادا و طهر و قننه دک اسایش ایدوب طهری دخی جماعتله قیلوب برایکیوز  
 آدم ایلله بر معتمد کسینه قلعه ده قویوب خانه نبشیر ایدوب بعد برزورق ایلله آستانه به  
 مسارعت ایدوب وصول بولد قلعه پادشاه حضرت ناری مومی الیه رجب اغایه و افر احسان  
 و رکورک و ورپ قبوجیلر کتخد الغن و عده ایلدی وزیر دخی التی یک غروش ایلله ایکی کورک  
 و یردی کلیبولدن سابقا بوسنه ده وفات ایدن علی افندی نک اوغلی درویش صنعی که قاضی  
 ایکن مولوی اولمشیدی مصرع هله الندی قزاق دن ازاق سهولتله مصرع اعنی تاریخ سولیوب  
 صدر اعظمه و یرد که ازاق فقی تا اولقدر فتح عظیم دکدر که انک شانه تاریخ سولیله

۹  
 اما سنی بوش کوندر میله دیوب صنعی به اللهی غروش صله تاریخ عطا ایتدیلر و ازاق فتح  
 اولند قلعه کفه بکریکیسی اسلام پاشا که مرد شجیع در زعمیر و محافظه سنه مأمور اولدی  
 وینه بو شهر ربیع الاخر ده ظهور ایدن حو اشدندر که روم ایلله ادرته و سلا نیلک  
 ماییننده و اقر حیدود استقیاسی جمعیت ایدوب و قطع طریق ایتد کیری خیری  
 کلوب صاحب دولت بیوردی بکچری اوجا غندن اولان اوجیلر طائفه سی معتاد  
 اوزن پوتره مثال چیقوب اولمقوله ملا عینی دفع ایدله اوجیلر یا یا یا شیلردن بر مخصوص  
 اوطه جماعتیدر که پادشاه ایچون شکان نملک دأب و خد متلیدر و انلردن ماعدا  
 وضع قوانین عثمانیه ایدن قانون شناسان خردمند بویه وضع قانون ایتمشیر ایشکه  
 سائر بکچری اوطه لرینک هر برنده دورت بش نفر یولداش اوجیلر اولوب دفتر هما یونده  
 اسامیلری اوزن شکاری دیو قید و اشارت اولوب انلر پادشاهدن منفک اولوب  
 او ایچون بویه بزغائله دفعیچون حاضر بر سریه اولور لایش بعد زور بار زمانده دفتر و قانون  
 احوالی نوعا تحتی اولمغین اول اوطه لرده متفرق اولان شکار یاری حیات ایتیموب  
 بغداد واکره و قنیه و یدون امثالی بلاد قاصیه به وحد و دبیه به نوبی نامیه تشیت  
 ایتمشیر ایش بود دفعه شکار یار جمع اولق ایچون بکچری کاتبه بیوردی کلد که اسامیلری  
 موجود کند و لر مهمان و سر حدلده نوبی نامیه غائب و مفقود اولد قلین اعلام ایلدی  
 بواسطه حیدود ملا عینی قرق کلیسیایه واروب بعضی مواضعی باصوب غارت ایتد کیری  
 شایع اولوب فریاد جیلر کلکله ادرته بوستانجی با شیشی بوستانجیلر ایلله و سکبانان ایلله  
 سکبان باشی حیدر اغا زاده مأمور و روانه اولدیلر و افر ملا عینی قتل ایدوب بکرمی مقداری  
 مغلول استانبوله کتوردیلر جمادی الاولینک بکرمی ایکسندن بعد العصر یوم الثلث ایلدی  
 استانبول عظیم زلزله اولدی و بوسالده علو بین برج حوتله قران ایلدیلر و حافظ پاشا  
 سلطاننک زوجی احمد پاشا شام دیارنده کتخد ایلک اولان ارناود اوغلی نام مشهور اغایی مال  
 بسیارینه طمعاً قتل ایتدوکی استماع اولمغین شامدن عزل اولوب دیکر جلب احمد  
 پاشا وینه نصب اولوب کندوسی آستله به کلد که حبس و مصادر اولندی و چرکس  
 احمد پاشا قارصدن معزول اولوب یری چرکس دلاور پاشایه و یردی و جمادی الاولیه  
 نائب محمد افندی معزول و قبه قولاق زاده قوجه محمد افندی استانبول قاضیسی اولدی  
 وزین العابدین چلبی ادرنه دن عزل و او ان زاده مصطفی افندی یرینه نصب اولندی و یاوز  
 زاده چلبی بروسه دن عزل و حلبدن اون سنه قدر عزلی اولان خواجه زاده مسعود  
 چلبی بروسه قاضیسی اولوب سائر لر دن الیشربیک اچیه مرده الشمس ایکن مسعود  
 چلبی نک چکدیکی شد اید عزله مرجه التیموب منشون منصبی شیخ الاسلام کند و ایلله  
 و یردی وقعه شهاب افندی مشهور شهاب افندی بیکه بوندن اقدم مصر مولوتی و یریاوب  
 حدت طبیعتنه بناء مصرده حسن زندگانی اید میوب تشکی ایتد بکنه بناء التی اید نصبر که  
 عزل اولوب یری حنفی افندی به و یرلش ایدی کندوسی استانبوله کلد که شیخ الاسلام  
 افندی به اطاله لسان ایتکه باشلادی اصلنده صدر اعظمه منسب و لسان زمانه بی



بكر جسور و متصليب اولغين وزير اعظم الم چكوب امساك لسان ايچون كندويه نتيجه  
 ايلد كد نصيكره يينه متنبه اولموب شيخ الاسلامه وارمديغندن قطع نظر چهارمذمت  
 و ستوم ايله جناب فتوى پناهه اذيت و از دراء ايتمكين نفى فرمان اولنوب بر قايعه  
 قونم اولوب ساقزه كوندرديلر يينه صدر اعظم ترحم ايدوب ساقز قضاى منشور ينى كندويه  
 كوندرديلر جزيره طاعون اولغين برقاج كون مكث ايلد كد نصيكره بلا اذن ساقز دن  
 بركى يه بنوب طاعون دن فرار هم سانه سيله استانبوله كدى و كلد يكي كى تبديل قيات  
 صدر اعظمه واردى بلا اذن كلكه سبب ندرديد كرنده يا سلطان طاعون دن احتراز  
 كلكد ديدى فاضل مشار اليه يه مرتبه غلظت طمع و جسارت و خفتي صاحب دولته  
 خوش گليوب شيخ الاسلام افندي نك دخی خاطر رينه رعایت لازم اولغين اول ساعت يه  
 كلد يكي قايعه بند بريوب ديار مصره نفى ناميله بوغازده كلد البحر قلعه سنه كوندرديلر  
 تعيش ايله جك مرتبه مصر دن برقاج پان و جريا و بر قوقيه نام مدرسه منشور يله  
 عقبه بر آدم وارنجه كلد البحر ده عوق اولنوب وظيفه و مدرسه اوامرى كلكه  
 مصره يوللا ديلر بطريق النفي و التقاعد واروب مصره اكلندى برايكى سنه دن  
 صكره مدرسه بر قوقيه به عنقادن بر مستحق ظهور ايدوب الدى شهاب احمد افندى  
 بالكر حرايا ايله قالدى حفظ لسان حسن سلوك عقلايه جميع طرفه لازم و مهم سرمايله در  
 وقعه هدم كنيسه در بروسه بروسه ده اولان ذمير شهرده بر كليسا احداث ايدوب  
 هاكلر اچيه المقله سكوت ايدر لردى خواجه زاده مسعود افندى قاضى اولدقه انكار ايدوب  
 بعد الثبوت بو محدث كليسا يي هدم ايدرم ديوقوسنى كلد لدى وزير اعظم طرفه خلاف  
 انها اولغله در دولته عرض ايتزدن مقدم بويه مصاحبه شروع ايتدك ديوقاضى  
 مظهر عتاب و عزل اولندى بروسه خلقى قاضى تاحق يره عزل اولدى ديوايعه قلقوب  
 اول كليسا يي و اندن ماعدا اوج كليسا يي دخی بر باد ايدوب سقديلر وزير اعظم غضبه كلوب  
 وزرادن ايوب پاشا يي و مصر دن معزول شمعان افندى يي تفتيشه كوندروب هدم دير  
 ايدنلرك متعينلر دن نجه كسه لرى ديوان هماينه احضار ايدوب نجه عتاب و سرزنش  
 ايله تعذير اولنديلر و كليسا لركير و ابقا و نفعه فرمان و برديلر ماه شعبانده عجم شاهى طرفندن  
 مقصود نام الحى كلوب كما كان صلح و صلاح حله اسوده مال اوراق رجا ايلد كد قرين اكرام  
 اولندى قيودان شدن پياله پاشا سابقا سيمائوش پاشا قيودانلقدن رفع اولنوب برسته  
 قدر كسنه نصب اولنوب ترسانه امور ينى وزير اعظم كند و لرى كوردردى شوالده پياله كندا  
 قيودان اولوب لكن وزارت عنوانيله شريف اولندى محرم رولايت وزير اعظم چون اتابك  
 دولت اولوب استقلال اوزن مقام صدارتدك تمكين ايتشيدى هر خصمه مقيد اولوب  
 باعث اختلال اولان احوالى دفع ايله تقيد ايدوب تحييج سكه نصيكره بمالك محروسه خانه  
 لر ينى تحريره كوند رمش ايدى كيمي بومبانه ايله نجه ظلم و كيمي جلب مال ايله فساد ايندى جمله دن  
 منن قاضى محرايدى تجاوز ايدى حاكم هجوم عامه ايله مقتول اولدى ولادت شهر زاده سلطان  
 احمد خان سنه مزيون دى الحجه سنك التخي يوم اربعه كه شباط رؤمينك اون بشى ايدى

سلطان ابراهيم حيدر نرينك صلبندن خاصكى ثاني معزز خاندن سلطان احمد نام  
 بر شهر زاده وجوده كلدى انلرك دخی طالع و لادن ينى بوو جهله ضبط و تحرير ايتشيلدر  
 سنه ثلث و خمسين و الف محرمى غره سنه سلطان مراد نام بر شهر زاده وجوده كلدى  
 ابتداء ظهور و وقعه نصوح پاشا زاده حلب بكار بكيلى نصوح پاشا زاده حسين پاشا وزير  
 اوغلى يديوپند ارايله بعضى اوضاع ناهموار اظهار ايدردى وزير اعظم حقندن جور باجى عنوانيله  
 طعنه متعلق سوز لرسوبلردى مرقوم حسين پاشا سابقا روم ايلندن نجه ظلم و فساد  
 ايتشيدى بو دفعه عفت اوزر حركت و نيكنام تحصيل ايچون عاقلانه حكومت  
 ايدوب حسن سلوكى شايع اولمشيدى اول اجلدن وزير اعظم طرفندن دخی عرق  
 حسد حركت ايدوب مقتضاي طبيعتك خلا فى اولان قسرى عدالت اظهارندن  
 مرادى بزم پريره طالب اولمقدرديو متكرار اولوب حقندن سويلدوكى جور باجى نعيم ينى  
 ونجه كلاتى دخی ايتشيدوب ارايله برودت و عداوت واقع اولدى پاشا يي مشار اليه  
 هنوز ضرور مالاكن سرحدلرده اولان طغرا كش وزير لر طغرا دن منع اولنوب هر برينه  
 اوامر عليه كوندردى نصوح پاشا زاده يه ده بعد اليوم طغرا اچكميه سن ديومر شريف ايله  
 وزير اعظم اغاسى وارد قلع عمل ايتيوب طغرا كشكلك بكامير اندرين وزير ابن وزيرم و طغرا يي  
 بكاسطان مراد مرحوم كى برغازى صاحبقران اصمردى سنك پاشاك ارناود ديارندن  
 كلوب اولقامه نائل اولده بكا طغرا كشلكى چوق كورمكه موجب ندر و بومر شريفندن  
 پادشاهك خبرى يوقدر بومنع كندى چانلندن در ديوزر اغاسنك عرضى يعقوب رد جواب  
 ايدوب طغرا دن فراغت ايتدى اغا كلوب وزيره خبر و يرد كد مبادا ابازه پاشا كى تحصى  
 ايليه ارض روم صعب قلعه و جوانى و اسعه لشكر صقلا مقمكن بر ولايت عسير التسخير در  
 ديوعزل اولنوب كندويه حلب يالى و برلشيدى صدر اعظم نكرار مزبورك قدر ينى پست بلكه  
 عرضى شكست ايچون حلبى مير اخور اولان قلاق سيمائوش پاشا يه توجيه ايلدى بو شاهده  
 منصبلر دن اچيه النفعه باشلنوب مزبور حسين پاشا يي بومنصبه اللى كپسه دن زياده اچيه  
 ويردم هوزدنيما اولندى ديومر مسلم وارد قلع رد ايلوب حلبك تمكين صورتى كوستردى  
 مسلم ماه صفرده دولته كلوب ماجرا معلوم اولدقه متعلبان حركتى جناب پادشاهه عرض  
 و اعلام اولنوب باعث تحريك سلسله فساد اولموب سهواتله دفعى مراد شهنشاه والا تراد  
 اولغين سيمواس ايلالتنى احسان ايدوب يينه مخالفت ايدرسه اوزر يينه حواله عسكروالتمنى  
 مشعر خط ايله ارسال خبر ايلدى يلمر مقتولى كورخزينه دار صدر اعظمك كندويه عداوتندن  
 حسين پاشا مسندشعر اولوب صابريجه و سكمبان و اكثر نصوح پاشالى و اقر عسكرك جمع ايدوب  
 حلبدن چيقوب سيمواسه طوغرى كندى ابازه پاشا پرورده سى كورخزينه دار ابراهيم  
 پاشا نغسندى يرار و بهادر كسه اولوب سيمواس امير الامراسى بولغله وزير اعظم طرفندن  
 نهانى امر و مکتوب كوندريلوب منصبك لاجل المصاحبه نصوح پاشا اوغلنه توجيه  
 اولندى لكن سن جمع لشكر ايدوب نه طريقيله اولورسه مزبورك حقندن كله سن  
 ديوسپارش ايتمكين كورخزينه دار دخی حسب الامر سيمواس ايلالتى عسكرى جمع ايدوب



نصوح پاشا زاده قیصریه قریبه کلد کله اوز زینه یور ییوب تقابل قریقین واقع اولدی  
اول جمله ده کورخ زینه دار تفنگله اوریوب دوستدیکی کبی سیواس عسکری منیر ما  
رجوع ایتدی یور حسین پاشا دخی سیواس ضبطنه مقید اولوب وزیرک کندویه شکر کیر  
اولدوغندن منفعل ود لکیر اولوب واررم انکله حضور همایه نده شرعله مراقعه اولورم  
دیوداد خواهانه آستانه یه طوغری یوریدی و طرف سلطنته دولت خواهی اولنلر ایله  
خبر لشوب ائلردن کلان دروغ و مد اهنه خبر لینه اعتماد ایدوب اطراف جواننده اولان وزرا  
وامرایه وزیر اعظمک دفع و رفعی ایچون دامن در میان ایتشردن دیا نمره کلکدن احتراز ایتدی ککتر  
صورته عزیمتیه مانع اولتیق ایچون وارد اولان فرمانه عمل ایتیموب نائل مر ام اولدیغمن  
صورته فوق العایه منون احسان اولمک مقرر در دیومکتوبلر ارسال ایدوب طرفدار لری  
ایله مکتوب باشه رک کوردی بو خبر استانبولده شیوع بولوب نصوح پاشا اوغلی وزیر اعظم  
ایله شرعی دعوام وارد در دیوشوقدر بیک عسکر ایله کورمش دیو خلقه خیلی دهشت و قلوبه  
و خشت مستولی اولوب راغب فساد اولان حر امراده لارا حیف احداث ایدوب خلق  
دکانلرین قیایوب فتنه یه منتهی اولدی یار صدر اعظم ثبت ایدوب یکچیری اغاسنی قوله  
بند یروب دکانلری اچدی یروب نصوح پاشا اوغله متعلق کفتکویه یساغ ایدوب بی معنی  
سوز سویلینلردن بر قاجنی اخذو تعذر ایدوب قهر زنده مستحق قتل اولان محبوس  
حیاندن مأیوس کیسه دیی مجرم لردن اون نفر آدمی جاجا اسواقه صلب و سیاست  
ایدوب فتنه یه متعلق کلماته ناسه دغدغه و برنلرک جزاری بودردیند ایتدی یروب اراجیقی  
دفع ایلدی و اناطولی بکتر بیکسی چفته لری عثمان پاشایه امر شریف کوندروب  
مز یورک منع و دفعنه سردار تعین ایلدی امیرام عثمان پاشا در جنگ از تکمید وزیر اعظم اعانت  
صدورته تشبث ایدوب مز یور حسین پاشای خروچ علی السلطان تهمتی ایله متهم ایدوب  
حجج مرجوحه ایله اراقه دی حله حکم ایتدردی پادشاه عالمپناه و شیخ الاسلام و صدور  
علماسان پاشا کوشکنده عقد مجلس ایتدی یور نصوح پاشا اوغلی احوالی نیه مخر اولوردیو  
مشورت ایتدی یور بعضی کوته بین و غلط اندیشلر اولجسده شرعله دعوام وار دین آدم ایله  
مقاتله اولورمی دیدک وزیر اعظم رفع صوت ایله اولمز عاصیدر پادشاه قتل و اجید روکیل  
السلطنه ایله مراقعه صورتده خصوصت ایدوب بویه جمعیت ایله کلک و اکام مساعده  
اولتیق آب روی سلطنته تقصیر در صکره نجه سی دخی باش قالد رمق لازم کور دیوب  
افندی یور حق سویلسنه گزه دیو صدور کر امه توجیه خطاب ایدوب ثبت کوشتر مکن افندی یور  
دخی کلام وزیر ی نصمدیق ایتلری ایله نصوح پاشا زاده نکل از اله سنه اتفاق واقع اولدی  
وزیر اعظم بر قاج یوز دستاخی و قول اوغلی قیویه چقاروب زور قلا ایله از تکمید کوندروب سدر راه  
مخالف ایچون خند قلا کسمکه امر اولندی و محسب اغاسی شعبان اغا قازطافی سمتنه  
لوند جمعنه کوندرلدی عثمان پاشا ایسه اناطولی امراسی و عسکر یله نصوح پاشا  
اوغلندن بر قوناق کیر و عقب بکیر لک ایدوب آدمیسی بی نهاییه اوز زینه وار لقی ممکن دکلدردیو  
محاربه یه تردد کوشتر دیکندن مرقوم ایله متفق و متحد در دیو کندویه سوء ظن اولنشیلیدی

نصوح پاشا زاده ایسه قلوب خلقی جلب ایچون بذل واحسان و اظهار مکارم ایلد رک  
کلوب از تکمید بر ارنده بی خواجه پایی نام محله نزول ایتد کله آستانه دن قیطاس اغا ایله  
کوندریلن لشکر و ساقا حیدر سجاغی بکی شهر سوار بیک و بعضی امر اوابطال که ما مور  
ایدیلر اناطولی بکتر بیکسی عثمان پاشایه ملحق اولد قلا نده هجومه جرأت کلوب نصوح  
پاشا زاده یه مقابل اولدی یور آستانه دن تعین اولنان دلی قیطاس اغا چفته لری عثمان پاشایه  
طنز و عتاب ایدوب پاشا سلطام یوقدر کوندر نصوح پاشا اوغلنک اردنجه کلوب نجب  
جنگ ایتدی بکتر غالب اسوز بکتر بر اولتیق کر کدر دید کله عثمان پاشا اتفاق تهمتدن ذمتنی بری  
ایتمک ایچون نصوح پاشا زاده جانبنه خفیه خبر کوندروب معذور اولسون احوال  
معلوم در دلی قیطاس بزی لسانه الوب بد نام ایلدی یارین مقابله ایلد لم دیوب ایرتشی صورتا  
غیر تانبوب ابتدا کندوسی سوزوب لشکر خصمه مقابل اولوب جنگه شروع ایتدی یور  
قرشودن لشکر مخالف پیاده لری قورشون سر یوب عثمان پاشا نکل عسکرندن وافر آدم  
دوشوب عثمان پاشا بوزلد قلا قیطاس اغا مردانه لک ایدوب عظیم جنگ ایلدی بالا خره  
قوله و غی التندن زخم نیزه ایله مجروح اولوب اتباعندن اوچموز قدر آدم خاکه دوشوب  
از تکمید عسکری منیر مراجعت ایتدی یور نصوح پاشا زاده تعقیبه زخصت و یرمدی بیخسه  
دبل چقمیوب جمله سی قیر لقی ممکن ایدی دیر لاول سیل کوه اندازا کونه من بعد کسه  
طورمدی ایکی بیک مقدار ی عسکر یور ییوب مهیا اولنان خند قلا اوز زینه اوغرا میوب  
راه و بی راه اسکدان توجه ایتدی یور وقعه اسکدار و تلاشی حسین پاشا آخر کار  
ربیع الاولک واسطنه وزیر اعظم اسکدان عسکر و طویلر کیروب یکچیری اغاسی والی  
بلوک اغالری نفرا تیله کچوب کورجی محمد پاشا سر عسکر تعین اولندی سعادت تو پادشاه  
دخی اسکدار با نجه سنه واروب قرار ایتدی یور نصوح پاشا زاده دخی عسکر یله کلوب بولغورلی  
حوالی سنه سیران دپه سی نام محله نازل اولدی چون وزیر اعظم مصطفی پاشا نکل  
مقام صدورته استقلال اوزن تمکنی بعضی دولت خائیلرینه کران کلوب مجرد مزبور رک  
نکبتی وز والی کوره لم دیو بمقوله طرف خلافت اولنلری تحریک ایدر لردی و دائما تخفیفه  
نصوح پاشا زاده یه مکتوب کوندروب الم چکمیوب جمعیتکرایله اسکدان کله سر خلق  
جمله وز بردن روگردان اولوب سزک جانبکرمه میل و محبت اوزن در لرسز اسکدان کلدیک کربکی  
مهر شریف سز قرشو کیدر فلان دخی سزک طرف فکرتده در فلان شویله در شویله  
سویلیدی دیو برالای مهملات اکاذیب ایله تحریک ایدر لردی حسین پاشا کند و فساد  
دماغندن غیری بمقوله محرک رک اغواسی علاوه اولوب بو مشکل ایشه شروع ایلدی  
بو مقوله کلان مکتوبلری باشنده مجتمع اولان اراذل اجلافه اشاعت و اشته آدملرینه و باوک  
پاشایرینه اراءت ایدوب اسکدان وار دیغمر کی مهر زه کوردیو عسکر یی الدایوب  
جمعیت ایله کلدی کا تب چلبی دیر که اول کون عظیم غلبه و هیبتله کور ییوب مثلاً بر قاج  
اتلوسی اسکدان هجوم ایسه بر و طابندن پریشانلق و انهرام مقرر ایدی لکن بو وضع  
خارج طو ر ادب اولغین اختیار ایتیموب محرک رک وعده سی اوزن مهر شریف ورودینه



منتظر اولدی واول کیجه طرف پادشاهیدن دارالسعادة اغاسی واروب زسل ورسائل  
 وخط همایون ارسال ایدوب انقیاده دعوت اولند قده حضور همایونه وارمقدن احباب  
 وامتناع ایدوب مهر شریفک کله سندن مایوس اولوب ارباب اعوامک وعدلری دروغ  
 وافسانه ایدوکن یلدی غیری بالضرر وون پادشاهک امرینه رام وخالقتم یوقدر شرعله  
 دعوائی کورمکه کادم چون ممکن اولدی امر پادشاهمکدر دیوب وارن آدمه جواب ویردی  
 علی الصبح بروجا بدن وزیر اعظم عسکره قومه ایدوب فوج فوج جنکه آهنگ ایچون  
 یوریدیلر مکر آخر لیلایه نصوح پاشا زاده اول ورطه هولناکدن تخلیص جان امید یله  
 یارو بنکه وخیمه وخرکاهن براغوب بر قاج معتد آدمی یله بر جانیه فرار ایدوب دلو با شیشی  
 و بعضی بلوک باشیلر سنجاقلری منکوس ایدوب وزیر کلوب پایسوس استیجان ایلل امان  
 بولوب نقرار یله معفو اولدی یلر سائر مجتمع اولنلردخی آن واحده پریشان اولوب آورد وری  
 وجهله استیاء واثقاللری یغما و غارت اولندی و اطراف وجوابنه اخدی ایچون آدم  
 تعیین اولنوب اوج کوند نصبر کره استانبوله عودت اولندی تفصیل نصوح پاشا زاده  
 حسین پاشا نیک استانبوله توجهندن شیطان بکر نام کتخدا سی مد بر جمیع اموری  
 ایدی حقا که رتق وفتقه قادر حر با وسایلت بیر ده ماهر کسه ایدی ارضروم منصبینه  
 دخی کتخدا سی ایدی اما پاشا نیک قریب اشی علی بیگ که کباردن آستانه ده اولوردی مزبور  
 بکر کتخدا ای سو میوب دائما مکتوب یلر و خبر لکوند روب بکر کتخدا امناف قدر صدر اعظم  
 مصطفی پاشا ایلل متفق و سکاید خواهد دیویازاردی حتی بردفعه که سیواسه کوز خزینه داره  
 غلبه ایدوب قتل ایتد کد نصبر کره از نکمید کلشیر ایدی قرائتشی علی بکدن ینه  
 مکتوب کلوب ابتدا بکر کتخدا نیک الیه دوستوب اچوب کور دیکه ایچنله کند وینی کلوب  
 بکر کتخدا نیک منافق قی مقرر در قتل ایلیه سن بو طرفه علما و صالحا و اعیان جمله سکارا غبار در  
 دیش و سائر خلقدن قره مصطفی پاشا نیک بدخواهی اولان حساددن ایسه مهر  
 شریف سکارا قریب وارر همان اناغک مردانه باص دیوچه دفعه مکتوب یلر کلشیدنی دردمند  
 نصوح پاشا زاده اول مکتوب یلره اعتماد ایدوب امام حسین حضر نلرینه اهل کوفه مکاتبی  
 کبی اوله جغنی بلزدی ولان سلم خلق و عوام ناس اکا راغب اولش احباب حل و عقدک  
 میل واعاتی اولد قچه ایش باسته چقمیه جغنی وحل و عقد احبابی دخی اعانت و محبت  
 ما بنده یولند قهری صور نیک تسلط و زور و هجوم جمهور ایلل نائل مرام اوله نیک نتیجه سی  
 قساده بادی پاکه هلاک مو دی اوله جغنی فکر ایلزدی بکر کتخدا قضیه یه مطلع  
 اولد قد نصبر کره مکتوب یلر مهرین دوزلدوب متجا هلا نه کتور وب پاشایه ویردی پاشا  
 او قویوب بکر کتخدا ای مسمون مکتوبیدن غافل صانوب صداقتنه حمل ایتدی و بکر کتخدا ای  
 قتل ایلل جگ بر جرم بولما مغین قریب ایشنک یازدینی سوزی غرضه حمل ایتدی اما  
 اول خصوصه قریب ایشنک ابرامندن عاجز قالوب آنی ارضایچون بکر کتخدا ای عزل  
 ایلدی و ساقا ابازه یه خد مت ایشنک دلی مسلم محمد اغا که پاشایه اغا اولمشیدی  
 و هر چند که مزبور دلنیش کعب شوم حر یقدر یانکله طور مسمون دیو دوستلری نصیحت

ایتد بجه اصغای تیوب خدمت الیه قومش ایدی اول شخص خیمای بکر کتخدا یرینه کتخدا  
 ایلدی بویه محل مخاطره ده عزلندن بکر اغا ممنون اولدی اما چونکه قدیمی ولی نعمتی در  
 ینه جمله امور نه مدبر و مستشار اولوب حقیقه ینه بناء منقطع اولدی گرفتاری نصوح پاشا  
 زاده حسین پاشا چونکه پاشای مشارالیه اول ورطه دن قورنلق ایچون بر قاج امکدر ایلل  
 کیجه آخر نه فرار ایدوب قره دکر کارینه واردی صلی اوغلی واون قدز آدمیسی یله عاقبت  
 کاری ملاحظه ایتک سترین بر قایغه کیروب قارشو روم ایل یقاسنه یلخی مکرنتی تاتار  
 خانه واروب استشفاع طلب ایتک ایش وادینه یه واروب پر اودی ترشینه ذوقه نام محله اولان  
 چفتلکنه وارد قده اوغلنی چفتلکنه الیقویوب کند ووشی خفیه خانه جان اتیق ایچون  
 رو سنجغه دک واردی اما قضا کمنی اجر ایلل جگ ایش کونون زورق بر موافق هو ایلل سریرعا  
 استانبوله کلوب سوز قاجر مغله حکامه طویوب وزیر اعظم کتخدا سی محمد اغا بر جم ایلل  
 کوند رلدی و روم ایل طرفنه کچمشدر دیه طنه مبنی مقید مالدینه بستانجی با شیشی سنان  
 اغایه خط شریف کیدوب اخدی فرمال اولند قده سفال اغا اول سمته سکر دوب اطراف  
 احاطه ایتکله پاشا رو سنجقدن ایلر و کچه میوب اند بر احسان دیدر سی نه سنده اختفایه  
 قرار ویری اما بو ستانجی باشی ایشوب هنوز رو سنجقه کیره جکی کون قرق نفر بو ستانجیان  
 زور کاران ایلل اطرافنی احاطه ایدوب ضرب و جرحله کند وینی اخد و انیاعنک کی قتل  
 وکی مجروح اولوب طاغلد یلر کند ووشی قید و بند ایلل ادرینه یه کتوزوب آستانه دن کان  
 مباشره تسلیم و عربیه ایلل ارسال ایتد یلر وزیر کتخدا سی ایسه چفتلکنه واروب اوغلنی یلد قده  
 اخد و آستانه یه احضار ایلدی اون الی پاشنده نسل طاهر مرتضویدن بر تازه جمیل  
 الصوره سید چلی ایش پاشنده یشل شال حضور همایونه کتوزد ککرند تقیب الاشراف  
 شفا عتیلل قتلدن قور تولدی باباسی قید و بند ایلل عربیه ایچنله کله جکی و بر اعظمه  
 اعلام اولند قده طوب قیوسی خارجندن اولان با یچمه سنه سیر طریقیله چیقوب نصوح  
 پاشا زاده یی قریب و سنه کتوزد ککرند شتم و آزار مالا کلام ایلل تمام اخد انتقام ایتد کد نصبر کره  
 العهده علی اراوی بیوردی انواع عذاب و اشد سیاسله قتل ایدوب بعد پاشی کلد و کتی  
 ناخیر ایدوب ایرتسی رأس مقطوعی سرای عامر قیوسی اوکله براغلدی و یادر لری  
 سالف الذکر علی بکی قریب ایشنی مکتوب ایلل تحریک ایتک تهمتیله اخد و بر سفینه ایلل  
 علی طریق النقی دریایه چیقاروب حکمجه ده بوغوب دریایه ایدیلر و برادر بکر یوسف  
 بکی نفی و عمر بکی حبس ایتد یلر اگر چه وزیر خصم سندن اخد انتقام ایلل شاد کام اولوب مقامنه  
 مستقلا آرام ایلدی اما بو وضع خلقه غایت کران کلوب وزیردن نفرت و اعراض زاده اولدی  
 بو قضیه ربیع الاخر ده ایدی بحکمة الله تعالی کند و دخی سنه آخرینه وارمدی  
 بو ستانجی باشی رو سنجق پاشنده حسین پاشایه ایرشد کله کند وینی طوتد یلر کتخدا سی دلی  
 مسلم آت بو یینه دوستوب قاجدی بر تاور بو ستانجی اوزرینه آت سوروب ایرشد کله دلی  
 مسلم بر قایچا لوب بو ستانجیمک کله سن ابکی شق ایلدی ساز لری خوف ایدوب وان مد یلر  
 ناکه کلیمولی حد و دینه کلوب کشان سمننه وارد قده جزیه دار صالح چلی کشان ویده سی



صالح چاکي گشتان و پوده سنی بولغین براسلوب ایله اخذ و آستانه یه ارسال الید که عقوبته  
 قتل اولندی بکر کتخداسی فرار ایلرکن طو تیلوب وزیر اعظم حبس ایلدی و نصوح یاشا  
 زاده نیک دینه ان افندیسی او رفله لی قره باقی افندی یوم هنریمده فرار ایلوب اول کجه اق بابا  
 طاغیری و راستنه قلوب ایرتمی کون کونک صومستنه کلد که یستناخیلر مزبوری تبدیل  
 صورت کوروب التندن بارکیرینی الدیلر هله کنندی بانیوب اسکندران کلوب مصلی اغانام  
 برکسه نیک منزله بلا تقرب ضیف اولوب ایکی کون انده طورب خدمتکارینه بر قاج التون  
 و یروب یوزدردی خدمتکار اگزندن خیر النوب قو کشیلر طویدیلر مصلی اغابن یاشادن  
 خوف ایلمرم افندی معقولی بدرکه کنندی ایاغکله و راستن سکا ضرر کلزده تعهد ایله الوب  
 کوتوردی وزیر کتخداسنه وارد قیرنده مصلی اغابه قره باقی دکلیدر دید که باقی افندی جواب  
 و یروب بلی سلطانم قره سعید کند و سیدر دید که اله صوابشی دیب حبسه کوندردی آیدنلی  
 میکرده حسن اغار جا و نکفل ایله یانندی الیقوب بکر کتخدایله بر محبسده جمع اولدیله بعد رجا  
 اولوب کاتبک جرمی ندر سوزی مسموع اولدوغی صورته و خلاصه ده مجالیه قدر ضروری  
 خدمتینه قالمشیدی یکنه اولدوغی ظاهر دردی قتلدن خلاص ایتدیله نصوح یاشا زاده نیک  
 محرملرندن بعضیلری نقل ایتدیله که یاشای مشار الیه دانما قره مصطفی یاشادن تشکی  
 ایدوب دیر ایلی بن مقدم قیوچی یاشیلغم زمانه ارناده لقدمه مخایف کور رکن مصطفی  
 یاشانک اقر یاسمندن برنی طو توب کثرت شکاتنه بناء صلب ایش ایدم شفعاسی مصطفی  
 یاشایه منسوب دردی کوردیلر دیکلمدم مال فروان تکلیف ایتدیله لمادم اول زماندن پرو  
 بکا خصومت ایلدی مابینمزه فیق اولمق محالدر فرست یولور سه بکالمان و برمز دوردی  
 بالاخره کاتدین تدان مضمونی ظهور ایلدی و نصوح یاشا زاده وقعه سنه مدافعه  
 و جنک ایدنلر مظهر نوازش اولوب مون محرری مشهور فایق بکه روم ایلی ویریلوب  
 عثمان یاشایرینه اناطولی ایالتی واردار علی یاشایه و سلسله نشانچی بوستارییه توجیه  
 اولندی جوان قیوچی باشی مجد پاشا قبه الننده او تورمش ایدی خلقت کندویه  
 توجه واقبال و وزیرک معلومی اولمق ماه رجیک اون بشنده شام ایالتن و یروب استبحال  
 ایله شامه کوندردی سابعام مقصود یاشادیار بکردن مصر ایالتنه کوندردلکه مصطفی  
 یاشا معزولا کلش ایدی حبس و سکسانیه کچه سسی و نیجه استیاسی مصادره اولنوب  
 اطلاق اولندقدن صکره نکر ارجیمس اولنوب انوز بک اچیه سسی دخی الدقدن صکره وزارت  
 مقررره ایله دیوانده او تورمسینه اذ و بر ایلی دیوان افندیسی تعبیر اولنان کاتب السکره  
 صاری احمد خلیفه دراندن الی یوک اچیه طلب اولندقدن مولویت اعتبار یله مقدمه  
 ابعاله یه قاضی اولان بشمقی زاده کفیل بالنفس اولوب احمد خلیفه خوفندن فرار  
 واختفا ایتدی که مزبور بشمقی زاده معاتب اولوب قدرغه ایله کلید البحر قلعه سنه نفی  
 اولندی عزل اغای یکچیریان ربیع الاخرده بکنش اغامعزول اولوب بو ستانچی باشی  
 هزارغرای احمد اغای یکچیری اغاسی اولدی ربیع الاخرده حنفی افندی مصر دن عزل اولنوب  
 یزکرجی موسی افندی مصر قاضیسی اولدی وجدید یکچیری اغاسی هزارغرای تکه لی یه

تقلید ایدوب دخان ایچون دکانلر و اولر باصوب تبدیل قیافت اسواق و محلاتی کروب  
 اجرای حکومته زیاده شدت کومستردی یواشاده بکلک آخور سمته لوغریوب ات اوغلنلری  
 طشره هجوم ایدوب اغالیله عظیم عربده ایتیلرله وزیر اعظم ایشیدوب تنبیه و تفریح  
 ایتکله اغامظهر انفعال اولدی مقتولی ذوالفقار یاشا صقد سنجاغندن معزول ذوالفقار  
 یاشا نصوح یاشا زاده نیک مکتوبلریله الدانوب عسکر یله اکامحق اولمق سودا سیله  
 کلوردی صکره نیک احوالی برکشته اولدقدن اتحاد لری شیوع بولغین و همتدن آستانه یه  
 کلکه اقدام ایدم یوب قویه اطرافنده اقامت اوزن یکن قهریس ایالتی ویریلوب قیوچی  
 یاشی کوندریلوب بیک قدر آدمینسیله خواه و نا خواه بیک مکروال ایله قهریسه کور دیلر  
 مکر مقدما قهریفر قاضیسی ایله اوجاق ضابطه لینه خفیه امر کوندریلوب یاشای مزبوری  
 قلعه ره دخولدن منع ایچون تنبیه اولمش انلر دخی الی ایله اکرام ایدوب انجق قلعه یه دخوله  
 مانع اولدیله و صدر اعظمه منسوب محاسب شعبان اغا در یادن استبحال ایله کوندریلوب  
 قهریس یکچیری اغالی نامیه وارمشیدی نهانی ذوالفقار یاشانک باشی المغه مأمور ایدی  
 تاقیودان پیاله یاشادونما ایله قهریسه وارنجیه دیک متر صد اولوب انواع تالقلر ایله یاشایه  
 خواب خرکوش و یروب اغفال ایلدی قیودان پیاله یاشا ایسه بحر سفیدی طولا شوب  
 اسپانیه توابعندن قنور نام قلعه یه یاشا شوب و افرار دو کوب اوزوب غارت ایدوب  
 و بر معظم قلیون الوب بعد قهریسه کلدی مکر ذوالفقار یاشانک قتل ایچون اکاده  
 خفیه امر کوندریش دو تنما قهریس لیانه لیکر افرادقدن ذوالفقار یاشا قیودان یاشای  
 ضیا فته دعوت ایچون یاشا زاده یه واردقدن پیاله یاشا کندویه وارد اولان امر همایه تی ابراز  
 ایدوب اول ساعت یوغوب باشی کسری یکچیری اغالی نامیه کلان محاسب شعبان اغا  
 یاشانک باشی الوب قره دن منزل ایله آستانه سعاده روانه اولدی و وصولنده باب  
 هما یونه القا ایتدیله استیلاء اسلام یاشاید یاز قراق ازاق مح فطه سنه اولان اسلام  
 یاشاد انما قره دکر سوا حلی غارت ایدن قراق استقیاسی قرار کاھی اولان اطه یه چرکس  
 کرمان و متاجه نام حصار لینی ضرب شمشیر ایله تسخیر ایدوب بش بیک قدر مسلمان  
 اسیری اطلاق و اهالیسنی استرقاق ایلدیکی خبری کلدی احوال دنما پیاله یاشا  
 دو تنمای همایون سفینه لریله اق دکره چقدقدن ایاماور دن اسپانیه یه صالدر یوب  
 قلووی یقاسنه واردقدن یاشا شوب هر کیدن الی آدم چقمق فرما اولندقدن هر کیدن  
 سکساندن تجاوز آدم چیقوب یکچیریلر ایله دو تنما اغاسی حسین اغا دخی چیقوب  
 لوند مقدمه و یکچیری اغاسی دم دار اولوب یزیدیلر قلاع کفاردن باغ و یساتنی نا محصور  
 بر قلعه عظیمه و معموره اوزرینه قوشلق و قتمه ایرشدیلر که کفار غافل ایدیلر بلند  
 مناسترقله لرندن یاس نا سیاس کوروب بام کلیمسلیه چیقوب بیراق صالعه یاشا لیکه  
 کفان اشارت قرار ایش بر خطه ده کفار قاچوب شهری خالی یزیدیلر عسکر دخی ایریشوب  
 یس مانده لردن التمش قدر اسیر و ایکی قزاسیر ایدوب طو بولمغه قیولدیله او لقدر  
 امتعه و تقایس یغمال ایتدیله که تفنگ و زنه لرین و حبیب و همیانلرین انجو و فضه و ذهبه



ایله طولانی زیاده اعتنا نام نه کرده و روشی احراق و تخریب ایدوب دونوب کیلره کیروب  
آلارغه اولد قارنده دخی استاغی ینه اسپانیه سواحلندن قنورون نام قلعه معمور اوکنده  
برقلیونه راست کلدیلر قلیون دوتمایی کوردکنه قنورون ساحلنه واروب قلعه ینه یاشوب  
کفارنی طشره یه دوکدی اون پان قدرغه چاتوب قلیونی الدیلر مکر یوک قمرنی اطلس  
قرنکی و شمع کافوری ایش بر غنیمت عظیمه یه واصل اولدیلر اول محل دریاده یلکن کورنگله  
باشا کند و صالوب تمام چاته حق محله ملعون قاچرکن دومن یا نلرند اولان قیچ طوبلرینه  
آتش و یروب دانه لر یاشندن کیروب قالیته التمه وارنجه قیچ طوغری کیدوب برقاج  
یکیدی شهید و مجروح ایلدی فی الحال باشترده چاتوب لوند دوکوب فتح ایشدی لر کش  
صبیکه لر غنایم بسیار النوب کافر لرین اسیر ایشدی لر سائر لرین تخویر ایچون برقاج  
کافری کسیدیلر اندن سالما و غنائم دونوب قیبرسه واروب ذوالفقار یاشایی بر طرف  
ایدوب اتمام خدمتند نصکره اول حوالیه دورت فرقه که مالتنه کیش ایش الوب الی یار دوقه  
کیلری فرار ایتیکله بعد دونوب مدلی جزیره سنه کلوب صغری ده قلعه یه تل  
بر ایدیلر مجموعی الی ایدن زیاده دریاده کزوب ایکی بوزون برقلیون ایکی تارنه  
ایکیوزدن زیاده اسیر کتوروب ترسانه غامریه وصول بولدی رکاب همایونه یوز سوروب  
یوخدمت مقابله سنه کندویه وزارت پایه سی و رلدی وقایع عجیبه دندر که ییک کیلرندن  
یش یان کی که ساقزلی مهر دار و حسام بکرزاده و علی یاشا و غیره راسکندریه یه واریدیلر  
مکرانده طغری نام رئیس قلیون بایدرمش دریاه ایشدرمک ایچون بکر دن اسیر جا  
ایلدی انلر دخی اوچورمه لرندن یوز اسیر چقاروب قلیونی ایشدرمکه کوند رلر مکر اسکله ده  
واقرنوب و مطراق یغاش ایش کفارک هریری بری قاپوب مسلمانلره قبولدیلر و اسیرلر دن  
و مسلمانلر دن برقاج یوز نفس تاف اولدی ملعونلر زور ایله کیلره قبولوب فرار ایدیلر  
ایکیسی طوب ایله غرق اولنوب باقیلری فرنکستانه قاچدیلر سفینه لرک بکری ماه رجبه  
ذخیره کیلریله استانبوله کلد کلدن قاسم یاشا و مهر دار یاشا و ساقزلی سرد ارزاده اوچی  
دخی غفات و فضاحت ایچون معاتب و محبوس اولوب بعد اطلاق اولدیلر چفته لرلی عثمان  
پاشانک منصبی وارد ار علی پاشایه و بریکله کندوسی استانبوله کلوب برقاج کون محبوس  
بعد اطلاق اولندی بناء قصر عالی دریالی ساحل بحر ده سنن یاشا قصر ینه حواله برج  
اوزینه سیت کوشکی دیکله معروف قصر صغیر که دو تمام قد قد قبولدیلر انلر انال او پرلدی  
اساسندن توسیع و بنا اولنق فرمان اولغین اوتاغ همایون طرزنده بر قصر دلکش بنا  
اولنوب شعبانده الی آئی تمامده قرین اتمام اولدی ظهور جنی خواجه کاتب چلبی  
مرخوم و وجهی تحریری اوزن پادشاه عالمنه مقدمه حش خانه ده بم جان ایله  
خفقان و شهر و بعضی سودای علمتیه مبتلا اولوب مداوات جسمانیه چند ان تاثیر  
ایتمزدی دیوار باب غرام و نیرنجاته کندولرینی اوقتی سمتیه مصاحبین حرم سوقیه  
میل ایشلیدی و اولقوله علاج روحانیه دن نوع استراحت حس ایدر لیدی اتفاق  
مدرسه ده ساکن حسن افندی زاده سوخته لرندن بری که اصلنده زعفران

بورلیسندن حسین نام کسینه مشاهیردن بر شخصیک اوغلی اولوب پد رندن بعضی  
ادعیه ماثون و غرام غریبه او کرنش ایدی مرضای نسوان و اطفال مقوله سی کندویه  
واروب او قتلله مدرسه ده شهرت و برمشیدی معرفلرندن بری والده سلطان حضر تارینه  
تعریف ایدوب شومقوله برکسه واردر پادشاه عالمنه حضر تارینه او قوسه محبت  
بولورلدی دیکله سوق اولنوب سرایه دعوت ایله واروب پادشاهه او قیوب قوت  
واهمه و ثانی اعتبار ایدله بر حالت وجدانی کلیحک مزبور رغبت و التفات و عنایت بیوردیلر  
داخل دفتر ملازمت دکل ایکن دفعه خارج مدرسی اولق ایچون اصدار فرمان بیورد قارنده  
شیخ الاسلام محی افندی قانون دکلردی و استکثار صد دنه ایکن خط همایون ایله دفعه  
محی مدرسه سی و بری یوب وافر وظایف و تعینات و بر عالی سرای مکمل بساطیلله احسان  
اولندی برقاج کوند نصکره اسپانیه مدرسه سی و بری یوب در عقب غلطه قضاسیله  
خواجه لقی خطی صادر اولوب جنی لقبیله مشهور انام و آستانه دولتی مرجع خاص و عام  
اولدی بعد قره چلبی زاده محمود افندی یه داماد اولوب و افق مشن طبقه مثلنک مضمونی  
ظهور ایلدی کیدرک تعین کسب ایدوب نجه مصالح امور قارشمغله ماتجای جمهور اولوب  
جمع امواله باشلدی مورخ شارح المنار جنی حسین افندی نیک لساندن نقل ایدر که  
جنی حسین افندی ابن محمد ابن قره باش ابراهیم افندی عنعنه ایله مشاهیر مشایخن  
ایمشرو شیخ صدر الدین قونوی سلطان علاء الدین ساجوقینک دخترین تزوج ایدوب  
ولودایدن ولد حسین افندی نیک بشخی جدی ایش و جدی مرقوم قره باش ابراهیم  
افندی که مسقط رأسی زعفران بورلیسندن واعظ ناصح بر مر تاض مرد صالح ایش  
بر کون کورسید دیرکه حق تعالیدن بر بلا نازل اوله جقدر بزدالو لو رز سائر  
مسلمانلره ضرر اولمقضا ایله اول ائشاده شیخک منزله حریق واقع اولوب شیخ  
یش نفر اولادیه محترق اولور باقی قلان اولادندن بری حسین افندی نیک باباسی محمد  
چلبی وری حاجی نورالله وری امرالله افندی نام قاضیدر و مزبور قره باش ابراهیم  
افندی مبلغ یسیر ایله برجامع شریف بناسنه باشلوب رأس المال یسیره امکان یوغینکن  
اتمامه موفق اولوب نره دن صرف ایلدوکی احباسنک معلومی اولدی دیرلر مشار  
ایله جنی حسین افندی طالب علم زینده استانبوله کلوب برقرند اشی حسن فندی  
اوغلی شیخ محمد چلبی یه دانشمند اولدی اسپانیه مدرسه سندن از میر قضا سنه جقد قد  
فقیر ملا حسینی استحقاق ایدوب ملازم ایتدی یکندن ماعد منصبه بیله کوتورموب  
استانبوله بر اقدی فقیر اغلیوب افندی سنک بعضی اخوان و احباسندن استشفاع  
ایتد که انلر دخی شویچان یه یاز قدر بوقدر زمان دانشمند یکنر اولدی بیله کوتورک  
دیر رجالتید کار نه بهی افندی بزم عرضیمز واردر عورت و اوغلانله اقسون اوقیان بر سحر  
نابکاری بیله کوتوروب منته بزمه بدنامی اولم دیوب در ایلد که بیچان جنی مکدر و حزین  
مدرسه یه کلوب نالان و کریان قالدی جناب رب العالمین حضر تارینک حکم  
خفیه سنه عقل ایر شمر افندی سنک عار ایلدی کی افسوس نکرلک صنعتی اول فقیره سبب



مایه غرت اولوب برسنه مروا یتدین مقرب پادشاه و نائل عز و جاه اولدی ظهور ساحدار  
 یوسف پاشا برکون سلطان ابراهیمک خاطر لینه خطوراید که برادر م سلطان مراد مرحومک  
 بر مقبول ساحداری و ارایش نجون بنم بر مقبول و مقرب ساحدارم اولیه دیو و خصومی  
 لسانه کتوب بعضی مصاحب لیه اسنشان ایدر لاندرون همایه نده اولمقوله کسه ظم و ریتمک  
 خواص و مقربینک فواید ماحوظه سی اولدوغنه بناء پادشاهی بومعنایه ترغیب ایدوب  
 واقعا پادشاهمک نظر اختصاصی ایلر بر مستعد قوللری مقام قرینته اختیار اولتمق شان  
 مشرفلرینه باعث افتخار در دیر ماه شوالک اوشده ساحدار وزارت سابعه ایلر چیقوب برینه  
 ساحدار اولان رکابد اریوسف اغا وزارت ثانیه ایلر حل و عقد امون مدار اولق وجه اوزن  
 مصاحب نامدار اولدی لر بونلر فاتح کرید یوسف پاشا در که مخصوص سرای عالی دوستوب  
 جمله اسباب اختشام و لوازم مالاکلامی میریدن کوریاوب ماتجای خاص و عام اولدی لر  
 و سلطان مراد خان مرحومک ساحدار پاشا سنه متعین اولان شیر بر موجب دفتر  
 بونلر ده اعطا اولتوب سابقا بر محمد پاشا یه کتخدا اولان حاجی بیرام اغا که مالدار لدن  
 ایدی کندویه کتخدا نصب اولندی و جیحی خواجه ایلر اتفاق ایدوب وزیر اعظمه  
 معارضه صد دینه باشلیدیلر ذی القعدةک التخی کونی شهرزاده سلطان مراد خان فوت  
 اولوب جدی تربیه سنه دفن اولندی قتل فایق پاشا مشهور افاق طور خان بیک  
 نسلدن اولان فایق بیک محصل اموال ایکن مون تحریردن کلوب نصوح پاشا  
 زاده جنکنده خدمتی ظاهر اولوب صدر اعظمک مظهر التفاتی اولمغله روم ایل امیرالامراسی  
 اولمشیدی صوفیه ده جور وظلی حددن کچوب آلتی آق قدر حکومت ایلدی بر قاج  
 حریفی بلاذن شرعی صلب ایدوب صوفیه قاضیسی سنجاری محمد افندی که معز لدین  
 دیملکه معروف در بعد السیاسنه اندن بخت استیوب ابرام و جفا ایتد کده قاضی مزبور  
 التی کونده ایلغار ایلر استانبوله کلوب دیوان همایونه نظم و فریاد ایدوب مواد  
 مظالم دفتر نی صوند قده بیوک میراخور لقدن عثمان پاشا روم ایل امیرالامراسی اولوب  
 فایق معزولک احضارینه قیوجیلر کتدی قاضی دخی منصبدن اعراض ایتمکین آخره  
 توجیه اولندی و قیوجیلر کتخدا سی صالح افندی بیوک میراخور اولدی قیوجی باشی  
 مشرباز اغا قیوجیلر ایلر واروب فایق پاشای قید و بند ایلر استانبوله کتور دیلر مزبور فایق  
 پاشا مرحوم غازی طور خان بیک که ملغره ده مدفوندر لک نسلدن اولوب اجدادی امراء  
 نامدار و کندودخی اجدادی او قافنده و ضیاع و عقارندن و سائر متوجها تندن سنوی  
 او توز بیک غرورش قدر اراد صاحبی ایکن قناعت ایتیموب عسف و ظلم ایلر مشهور اولغین  
 معظمان امور و تحریر ولایت و تحصیل بقایای ایالت مقوله سی مصالحه قاریشوب خلقه  
 جور و تعدی ایتملکه مشرف اباسنی طامس و ما حق اولوب خسرو پاشا وزیر ایکن کندویه  
 ظلم و جور و تهمنی ایلر بیک دکنک اوروب تعذیر ایتشکین و سنی حدود سبعینه ابرمش  
 آق صقاللور بریر ایکن نه ظلم فقر او ازیت علما دن ال چکمیبوب خصوصاً امیرالامرا  
 اولدقد نصمکره احکام شرعییه اصلا اتقیاد ایتیموب عنود و استکباری حددن تجاوز

۲۱  
 ایتمشیدی پادشاهالیناه یالی کوشکنه اینوب فایق پاشای حضوریته احضار و صوفیه  
 قاضیسی ایلر مرافعه ایدوب احوالی تفحصیه بالذات اشتغال بیوردیلر قاضی مشارالیه که  
 سابقا بازاره پاشا خدمتندن ظهور ایدوب از میر قاضیسی اولاندرو مواجبه سنه مزبور لک  
 تعداد مظالمه باشلیوب پادشاه فایق استنطاق ایتدکن انکار ایدوب کفتکو چو غالدی  
 وزیر اعظم فایق سوردی و قتلدن خلاص ایتمک استردی ساحدار پاشا ایلر جیحی خواجه  
 دغا و وزیرک علیهنه سعی ایدوب فایق قتل ایتدر ملک استراردی بالاخره فایق پاشا دیدی که  
 پادشاهم بندن اقدام روم ایل بکیر بیکیمی دلاور پاشا که حالامعزولدر بر طوغری سوزلی  
 قولکدر بنم کیفیت عالم اندن سوال اولسون نه دیرسه راضیم دیدی اما یوسوزی اگا  
 بناء دیدیکه دلاور پاشا منصب رجاسته وزیر اعظمه متردد و متمخص اولمغله شاید وزیر اعظم  
 خاطری ایچون حسن حالنه شهادت ایدر صانوردی دلاور پاشا ایسه حصول مطلوبنه  
 ساحدار پاشا و جیحی خواجه جانی دخی ارجح ایدوکنی بلد و کندین غیری طوغری سوزی کتم  
 ایتزدی دلاور پاشا احضار و سوال اولند قده پادشاهم بوقاضی بر نیجه ایام بنم ایتلم و قتلدن دخی  
 صوفیه قاضیسی ایدی شرعه رعایت و اعتدال اوزن حرکت ایدردی و جمله خلق کندودن  
 خوشنود ایدی اما فایق پاشا وارد قده قاضی یه جفا ایدوب خلقه تعدی ایلدوکی شایع در دید کده  
 شیخ الاسلام یحیی افندی دعوت و استفتا اولند قده پادشاهم بونک قتل واجب اولالی او توز  
 میلدر دپو جواب ویردی پادشاه بوستانجی باشی یه اشارت ایتدی فایق بوغوب جسته سن  
 محن صحرای سرایه بر اقدیلر و میراخور اغا مقتول مزبورک اموالی اخذ و قبضه تعین اولوب  
 تر حاکم و یکیشهر ستمارینه کوندردی فایقک قتل عاشردی الحجه ده ایدی وزیر اعظم  
 مزبورک قتلندن غایت بیخضور اولوب مهر شریفی و اتق مرتبه سی پادشاه ایلر مجادله  
 و مکافحه ایلدی و قعه قتل قره مصطفی پاشا بر مقتضای ارادت حی بیچون و اقتضای قضای  
 کن فیکون موجبی اوزن که عالم عالم کون و فساد هر کون ایچون فساد و هر فساد عقبنده کون  
 کردون کردوند حواد شدن اولق بر موجب فرمان مسبب الاسباب معتاد ایدوکی معلوم  
 قلب اولی الالباید رولن محمد لسنه الله تبدیلا تاریخ هجرتک بیک الی ایکی ذی الحجه سی  
 خلا لنده برج حوتک یکر می سکر نیجی درجه سنه اولان قران علویین احکامک تمامتندن  
 صورت پذیر اولان قضایله سنه ندر که اشبو سنه ثلث و خمسن و الف محرا حر امک  
 غره سنه که یوم سبت ایدی نوروز فیروز سلطانی اولوب طالع سال عالم برج عقرب  
 سهم السعاده و سهم الغیب ایکسی دخی عقربده خداوند طالع میرام انتقام مثله ناریه دن  
 برج جوزاده که نامن طالع و بیت النکبه در واقع اولوب زخل حوتک که برجیت اعتبار یله تربیع  
 مرغیله بولنوب نیرین عطار دو مشتری برج جمله ذنب ایلر محاسد و بنه سنه بیک الی اوج  
 ذی القعدة سنک اون التخی یوم ثلث ده تربیع نحسن واقع اولوب برجیت ایلر که مرغیت  
 الشرف یعنی جدید و زخل جمله و مشتری دخی جمله اولمغله برجیت اعتبار یله اولدخی  
 تربیع مرغیدن حصه مند اولش و شمس دلو ده و قراسنده ایکن که تربیع نحسیندن اوج  
 کون مقدمدر و زهره درجه شرقه افریب برج حوتک بولنوب بالجمله بوتریعک دلالتی



بوگونه صورت پذیرا و لد بکه قادر بچون جل جلاله ارادیه فایق پاشا قتلندن صکره دور دخی  
 کونکه یوم الاحد در صدر اعظم مدبر امور ام قره مصطفی پاشا مظهر غضب پادشاه اولغله  
 دهر و عالم بقا و لدی تفصیل مورخ دیر که وزیر مشارالیه شجاعت و شهامت و عقل و کیاست  
 ایله موصوف وجود و سخا و تربیت عرفایله معروف ایدی لکن جلوسدن بری کمال استقلال  
 ایله ملک عثمانیه حکمی جاری اولوب دولت علیه ناک ایدنی نکثیر و مصارفی تقلیل ایتیک  
 خصم و صند تقید تام و افراط اوزن اهتمامدن ناشی کند و دن بعضی حالات ظهور ایتیش  
 اید بکه خلقک قلوبی کند و دن متنفر اولشیدی همان اذا اراد الله انفاذ قضائه اذهب عن  
 قوی العقول عقولهم حدیث شریفک سر مکتومی ظهور ایدوب اندن یونوع حالات  
 ظهور کلس ایدی جمله دن مشاهره دن کرکدن و میریدن و سایر علوفه و وظایفه متصرف  
 اولنلرک جهت معاشلری اولان علوفه لرندن بر مقدار نزیل ایدوب و بعضیسی  
 فامستقدردی و محروم ایدوب قطع ارزاقه متعلق جور ایلدی و یوقلمه نامیه نجه اسامه لری  
 چالوب عسکری طائفه سنی نکدیر ایتدی و روم ایلی بلاد نه عوارض تحریری اچون دلاور  
 افندی بی کوندروب قدیمه مغایر زیاده خانه لر باغلیوب رعیت و عسکری مجاور و مقیم  
 و سفری بکه سادات و قضات یکسان عوارضه باغلیوب آه فقرار بنا و لا تحمل مالالا  
 طاقت لایا به کویان آسمانه ایرمشیدی و باش محاسبه جی استانبولی حاجی علی افندی بی  
 جزیه تحریرینه تعیین ایدوب اسامی اهل جزیه بی نکثیر فرمان ایتیکله اطفال صغیره بی  
 بله دفتره قید ایتیکله اهل ذمه تعدی ایلدی بونلردن ماعد اقایق کبی قرق ییلدن بروقتی  
 چکمش بر ظالم مشهور صاحب چیقوب روم ایلی و مون تحریرینه حواله ایدوب نجه عباد اللهی  
 خصم و صاتیجه قضا و اعیان بلادی درز نجیر ایتیکله از دراء و تلیل و فقر و وضعفای قتل  
 و حبس و تنکیل ایتیش ایکن مشکور المساعی اولدک دیوروم ایلی امیر الامراسی ایتدیکی  
 عبرت افزای جهانباز اولمش ایدی و ساحد ارپاشای مصادره و بر جزیره نه نفی ایتیکله تعذیر  
 کفایت ایدرکن غرض سابقه بناء قتل ایتیه سی دخی بیوجه ایدی دخی نجه بونک کبی اسباب  
 باطنیه که اکثری عالمیانه خفی و حقه ظاهر در وقوع بولان اسباب ظاهره نک دخی اشهری  
 بواولدی که ساحد ارپاشای جدید مظهر التفات پادشاهی اولوب جنجی حسین افندی ایله  
 اتفاق و اتحاد ایلوب امور دولته قریشوب وزیر اعظمه معارضه صد دنه اولغه باشلدیلر  
 وزیر اسبه ساحد ارک ابتدا نظم و رایجکی اشناده پادشاهی منعه یا لشوب پادشاه امور دولت  
 مشارکت قبول ایتیزوزرا چوقدر ساحد ارپاشایه ویریه جک منصب و خواص و لوازم احشامه  
 ایراد دولتک تحمل یوقدر خزینه بی کرکی کبی مال مال ایدیه لم بعده مراد شریفکر اولد و خی  
 قدر چر اغلر ایلاک شمدی وقتی دکلردیه کوردی فائده ایتیموب ساحد ارپاشا تعیین بولدی  
 و جنجی خواجه ایله اعتضاد ایدوب وزیر غلبه چالغه باشلدی وزیر هر نه ایشلر سه کیمدن نه  
 الور سه نه توجیه ایدر سه بونلر خبرالوب خفیه پادشاهه اقبح وجه اوزن ییلدروب رقیبلاک ایدر  
 اولدیلر کتدی که بونلرک اوضاعندن وزیر لکیر اولوب کند ویه مانع استقلال اولدقلمچون  
 اولاله لر نه چان اندیش اولدی و حسن تدبیر ایله پادشاهه سهو بلکه دفع نامکن ایدیکنی بلد و کی

جلدن چراغ خامی قول کتخداسی حسین اغایله بیسری در میان ایتد که حسین اغاشوبله  
 معقول کوردیکه تحریک فتنه راجلیه ایله قول دیوانده جور بایموب مزبور لک ابعاد قائمه سی  
 تلقین لازمدر شاید غلو و غائله سی و همنندن مزبور لک ابعاد اولنوب صکره تدریجیه حقلرندن  
 اکثریه طریقله کشور استقلال سزه صاف اولق متصور در دید که پاشای ساده دل کتخدای  
 بکک رایته وجود و یروب ایدی سکایو کیهسه آنچه ویریه اوطه لره و سوز صاحب لرینه توزیع  
 ایدوب جور بایمکدن امتناع خصوص صند اتفاقه سی ایله دیدی کتخدایک دخی بومصاحفه  
 متعهد اولوب خانه سنده واردی و اوطه باشیلردن و اختیارلردن سوزینی دیگر ظن ایتدیکی  
 کسنه لری چاغردوب آنچه ویروب ماجرای بربر تعلیم و تنبیه ایلدی اما چون که  
 اوجاق خلقینک اکثری و نافذ الکلام اختیارلری تقلیل علوفه و قصر منافع و قطع  
 فواید ایتدیکی اچون وزیردن چندان مخطوط دکلامر ایدی معقول شناس اولنلری  
 بر بر ایله مشورت ایدوب پادشاهمزدن بزنه جور و اذیت کوردک که جور بایموب  
 بیعنی تصدیع ایدیه وزیرک مرادی بزم بهانه مزایله ساحد ارپاشایله حسین افندی بی  
 ارادن قالد رمقدیر که کندوسی مستقل اوله بوقدر زمان مستقل ایدی بزنه فائده سنی  
 کوردک اوجا غمزدن بوقدر بیک اسامه قالدیروب نجه لریمزک دیر لکیرین چالوب بزم وغیری  
 اچون بر جهت انتفاع قومدی بیهله کسه اچون بمقوله امر و خم العاقبه یه شروعک  
 فائده سی بوقدر دیدیلر بوجهله اسدشان ایدرک مصلح الدین اغایه واروب بوقضیه بی انکله  
 در میان ایتد کلرند مصلح الدین اغا که معمار دامادی اوجاق خلقک معتبر صاحب رشادیدر  
 فریاد ایدوب الحذر ثم الحذر سلطان مراد مراد ک نجه بیک نفوس قتل ایله اطفال ایلدیکی  
 آتش فتنه بی یکیدن اشغال ایتیک استر سزایاغه سوزد و شد کدن صکره ایشرفتی مشکل  
 او اورینه اصل رأی فاسد در دیب رضا ویرمدی و آتیه بنوب وزیر واروب سلطام بونه اصل  
 اسد در دید که وزیر قضیه نک شیو عنندن منفعل او اوب خبرم بوقدر دیه یمن ایلدی ندن  
 مصلح الدین اغایه کچیری اغاشنه واب بونه بیعنی اسد سزک یودن خبر لکوار میدردید که  
 اغا خیراکاه دکلم دیب و خوفندن پادشاهه واروب حکابه بی اعلام ایلدی پادشاه عالمینه  
 حضر تری مصلح الدین اغایه چاغیروب بقه اختیار قوللرم شور بایمک استر لایش اصل  
 وار میدردیوسوال یسورد کلرند حاشا پادشاهم جمله سنک بی بی قیلدن آنچه در وجهله سی  
 امریکه مطیع لر در یوسوزدن اعتلا خبر لری یوقدر اگر چه لالا کتخدایک ایله بعضی اوطه لره  
 بر قاج کیهسه کوند رمش لکن انلرک اغوا سیله بویه ایش ایتیک محالدر دید که پادشاه جهان  
 حضر تری یابن شمدی لالامی قتل ایتسم قوللرم بکا انجور لری دید که حاشا پادشاهم بلکه  
 جمله سی حظ ایدر لر پادشاهه خبرد عالیدر دیب کلوب کتدی ایرتسی احد کونی وزیر دیان  
 همانیه واروب دعا جیلردن برینه تعزیه و آزار ایتد و کتی پادشاه حضر تری قفسدن کوروب  
 ایکی کره قفه سی قاقوب دیوان یوزلمه اشارت ایتد بلردیه ان بوزیاد عرضیه کیر مکه اذن  
 اولدی وزیر متفکر سرایه وارد قلدن درون خدامندن بیرم اغا نام کسنه مصلح الدین اغایک  
 پادشاهی خبر ایتد و کتی طوبوب وزیر اعظمه بر تذکره کوندرو کیهسه لر قضیه سی طویلدی



۲۳  
باشکه بر جان کور و دیو خوار و وزیر اعظم قوبنده بر مصطفی شریف قویوب سوار  
اولوب تیمور قبوندن ایچره وادیر پادشاهی ایاق میری ایدر بولوب زمین بوس ایدر بی دعوت  
کلد و کندن پادشاه خشمه کلوب لالا نجیب بابا کلوئی کبی دعوت ستر کور سن دیو تغیر  
ایند که قوبندن مصطفی چیقاروب قدم پادشاهی به یوز سوروب دولتلو پادشاه  
بو قولنه افتر ایدوب پادشاهه شوبله دیشار خیرم یوقدر کذب صریح ردیوب ابراء ذمت  
ایچون ایمان غلاطه باشلدی پادشاه حضرت نلری عتاب کونه یاسن تعالیم ایلدک ایسه قوللرم  
شور بایمکن نچون امتناع ایدر لروینلر ند یوقوله کلامی نجه سویلشه یلورلر دیک  
پادشاهم انلرک طغیانلر شمدی اولمش دکلر نجه دفعه ایتیشلر درو آنه دیک  
درلوتد بیر ایله بن ضبط ایدرم لکن شمدی استقلال اولدوغنی طویدیلر بکا مطیع اولیوب  
سوزیمی دیکلر اولدیلر بعد الیوم ضبطلرینه قادر دکلر دیو جواب ویدی پادشاه  
حضرت نلری هب یلان سوبار سن بوسوزلریک کذب رانلر بندن راضیلر فتنه بی سن قالدیرمق  
استر سن دیو سور دقلر ذره مصحف اوزرینه ال قویوب اکر کذب وار ایسه بو کلام قدیم بکا  
خریم اولسون و بکا پادشاهمک نعمتی حرام اولسون ضبطلرینه قادر دکلر دیو نجه ایمان  
غلاطه ایلدی پادشاه حضرت نلری غضبه کلوب هب سوزلرک کذب درو بر میری بن ضبط  
ایدر آدم بولورم دیو سوروب دخی بوستانجی باشی به آل شونی دیو اشارت ایلوب کندولر  
حرمه طوغری کندیلر بوستانجی باشی کوشک یا ننه محاور بی استماع ایدردی پادشاهک  
آل شونی دید و کن مهری آل دیک فهم ایدوب پادشاه مهری ویرک دیدی پادشاه مهری  
تسایم ایدوب کندوسی طشره به طوغری توجه ایتد که بوستانجی باشی مانع اولد یغندن  
پادشاهک کلامنی فهم ایدر میوب غلط ایتد و کتی یلیدی و فرمان پادشاهی کندینک حبسی  
ایدیکنی ادراک ایدوب بوستانجی باشینک غلطی غنیمت عد ایدوب آتیه سوار اولوب کال  
حیرت واضطراب ایله سرانیه جان اتوب قبولی قیایوب اتباعنه سلا حلتک دیو امر ایتدی  
اتباع و حواشی جمع اولوب بونه اصل سوؤتدیرد ر بو استانبول شهر بدر جمله مزی  
قاچیدن کچورلر بر غیر چاره ک وار یسه فی کور دیدیلر ناچار هول جان ایله حرمه ک یوب  
یرسیاه قیابار بشل مقدم بر چوقه سرحدی ایله تبدیل جامه بر کورده حائل ایدوب حرم  
طامنندن نعلی مسجد طرفنه ایندی برو جانیده ایسه پادشاه چیقوب بوستانجی باشی به  
نجه ایتدک دید که مهری تسایم ایدوب پادشاهک کتد و کتی سویلیدی پادشاه غضبه کلوب  
بیز کافر یا باشی یا پادشاهک دید که بوستانجی باشی غلط اید و کتی اولوقت یلوب دورت  
بشیموز بوستانجی ایله سکر دوب وزیرک سرانیه کلدیلر قبولی قیایوش اطرافنی احاطه  
ایتدیلر وزیر ایسه تبدیل قیافت نعلی مسجد جانیه اکر چه ایندی اما اوزاقدن  
بوستانجیلرک هجوم واحاطه سنی کوروب قورنلق متعسر اید و کتی یلوب هاری  
اعشامه دیک بر موضع اکلنوب کجه فرار ایدیم دیو مسجد مزبور قرینه بر یغن اولتاق  
واریش انک التند کز لنور بوستانجیلر ایسه سرانی اجد یوب ک یوب فراری  
طوید قلدن مسجد سمتنه اولان لقی دیواری بولوب ارارلر ایکن بالای دیو اردن بری

۲۴  
اوتانک حرکتی کوروب خبر و برالتندن چیقاروب طوتد قلندر سل سیف ایدوب  
بر بوستانجینک بر مقارین طوغرار بر بوستانجی بجا ق ایله قفا سندن اوروب قانی روان  
ایدوب بنه چکدیلر اخذ اولندیغی ساعت پادشاهه خبر کنشیدی قتل ایدوب میتنی  
کتور سونلر دیو نذیمه همایون صندور ایدوب بوستانجی باشی پادشاهی مغلول کتوروب سیل  
جانیه اوکنه کلدک قتل فرمانی قارستو کلکین قتلنه منشر اولدیلر پادشاه هر چند یلواروب  
بنی حضور همایونه زند کتورک پادشاهه سویلیه جک سوزم واردر دیه کوردی مفید  
اولیوب خواجه پادشاه شوسنده طر نقی سرانی قیوسی و سبیل خانه اوکنه علی  
ملاء الناس قره علی دید کلری اهرمن روسپاه کند آتوب بوغوب بر کلیم ایله جسته سنی حضور  
همایونه کتور دیلر بعد کتوروب مهیا ایتد و کتی تبه سنده دفن ایتدیلر اشوب سنده رجب الفردند  
وقوع بولان خسوف مناسبتی ایله عزرا فندی زاده بهایی افندی که وزیر دن خشنود دکل ایدی  
بودی سوبلشدر بیت مهر اقبال وزیر اولدی گرفتار کسوف یوزی آغ اوله ظهور ایتدی هله  
حکم خسوف نثروزرک جمله اموالی طاشنوب میری به قبض اولندی برا کر هکیمه سنده  
اوتوزینک فلوری بولنوب غیر ی چوقلق تقودی چقمادی بر مقفل حجره ده بر حصیو  
دوشنش اوزرینه بر کرسی ذی قیمت انک اوزرینه بش قطعه تصویر که بری کند و تصویر  
یا قیسی اعیان دولتش و بر تخته اوزرینه معادن میخلر کبکملر قاشش بولندی احباسی  
خواص مقوله سی بعضی افات دفعی ایچون در دیدیلر اعداسی سحر و عقد لسانه متعلق  
اعمال نیر مجاندردیدیلر العهد علی الراوی حتی پادشاه متعلق و متردد بر مغربی واریدی  
پادشاه ایچون سحره عقد لسان ایدردی دیو مت اولنوب نفی ایتدیلر پادشاهی مشار الیهک  
قتلنه بر سبب دخی جسور و بهادر اولغله اکثری احوالده رفق و ملایمت بلیوب تمور و شدت  
اوزن حرکت ایتیکله خلق خصو صا خدمه باب عالی و ارباب دیوان عقوبت و ازاردن  
اقراط اوزن خائف و لرزا ایدیلر و لطف و کرمی ایچق برابکی شخصه مخصوص اولوب  
خلقک مال میریدن اولان تعیشنی بالکیمه قطع ایتیکله لطفندن قانط اولشلر ایدی خلقی  
ضبط ایتیک تخویف و تهدید محتاج اولدینی کبی ترغیب و استمالته دخی محتاجدر  
افلاطون الهی دیر که خلق اوج قسمدر او لکیمی طبقه علییه در حجت والزام ایله ضبط  
اولنور ایتکیجیسی اوساط ناسدرا کثر امورده ترغیب و استمالته استخدام اولنور طبقه  
ثالثه که سفله در ترهیب و تهدید ایله ضبط اولنور بو طبقات ثالثه به عنف مجرد ایله  
حکومت مشکدر اقطاع رغبت عدم محبت سببدر من لم یامن شرک لم یردخیرک مضمونی  
معلومدر پادشاهی مشار الیه ایسه خواصه رفق و مدارا ایتیک دکل نجه امورده پادشاهه  
حدت و رعوت ایله جواب و یروب دولت عالمه نیک نظامند سقیم مشکور دیو خیر خواهاق  
یوزندن مجادله و محسوس ایدردی و خاطر خواه پادشاهی اولان امورلرده کندی مرادینه  
موافق اولمیه مساعده ایتزدی مرضیسی اولمیان مصالحدن پادشاهی حسن ملا طفت  
ایله تحویل ایچون خواص مقبولندن بر عقل راجح صاحبی قوله الوب اولقوله مشکلا ننه  
انکله استعانت ایتیب مجرد استقلال دعوا سیله جرح و تعدیل امورده مستقل بالرأی



اولوب پادشاه نازنورایدی واسرافات مقوله سیدردیوسرای عامره نك اكثری  
 مصارفی تنقیص اینکله خدمت اندرون هماین کندودن اعراضه باشلشایدی وقیوجیلر  
 کاتبی حسین افندی که سلطان کتخد اسیدر نقل ایدر که مصطفی پاشا مرحوم جزئیات  
 اچون پادشاه کندوی دعوت ایتدوکنه دایما متغیر اولوب پادشاهنه فرمان اینسه منع  
 ومعارضه معامله سن ایدردی حتی قبیل واقعه ده پادشاه حضر تری ساجدارلقدن  
 دلاور پاشائی اناطولی ایاالتیه چقاردقه وزارت ایله کامیاب ایتیک مراد ایلدک مصطفی  
 پاشا رضا ورمیوب پادشاهم وزرا چوقدر نه لازم دیو منع ایدوب برکون وزیره برخط هماین  
 ورود ایلدیکه مضمونه سبب ندر سنک ویردک رک طوئیلوب بمر ویرد کلیم طوئیله  
 بن دلاور وزارت ویردم دیونجه جکرگاه سوزلریاز مشلرایدی بمر تیه تعندی پادشاهه  
 خوش گلزدی بردومه نکهان پرده کیان حرم خاص کتخد لقا تون اچون بشیوزچکی  
 او طون فرمان اولوب معظمان امور اشتغال سببی ایله تأخیر اولمش برکون وزیر دیوانه  
 امور مهمه کوررکن عادتدن ایکی ساعت مقدم وزیره خبر کلوب دیوانی بوزدیروب اچرو  
 دعوت ایتدیله وارد قده کتخد انا تونه فرمان ایتدو کم او طون بووقته دك نجون ویرلدی  
 دیوب عتاب بیورد قلدن پادشاهم تنبیه ایدلم ویرلسون دیوجواب ویردکد نصکره خطاب  
 کستخانه ایدوب پادشاهم بن سنک وزیر کم دیوانی بوزدیروب بومقوله جزئی مصاحت اچون  
 بنی چاغردرسن بشیوزچکی او طون اون بش ییک انچه ایدر بوقدرشی خسیس اچون بنی  
 کتوردوب امور مهمه بی تعویق ایتدو رسر بکار عیت خزینه و سرحدل احوالی صور مزسر  
 دیورده بیرون کلمات ایله پادشاهی مغیر ایلدی ناقل حکایه حسین افندی که وزیر کم محرم  
 اسراری ایدی بوحکایه بی ایشدکد عقل باشتدن کیدوب واروب شیخ الاسلام یحیی  
 افندی یه شکایت وعرض ماجرا ایتدکد یحیی افندی همان کوزلرین اچوب اللربن قلدیروب  
 نره زمره رصا قنسون پادشاهمه بویه سوز سوزیا نر اول امور عظیمه دیدوکی مصاحتلرب  
 گوریاور اولور بتر همان اثره لازم اولان پادشاه عالمیناهک نطق شریفلرینه امثالدر استه  
 امور عظیمه پادشاهک تنبیه بیوردیغی معنادرینه یعنی ایشدر بزدن او غلزه سلام ایله  
 زنه بار بکونه خشونت ودلال ایتسونلر و پادشاه ایله بومعامله دن جذر اینسونلر دیدی  
 حسین افندی بر تقریب ایله کلوب مفتی افندی نك سلامنی تبلیغ ایدوب دیدوکی  
 نصیحتی سویلیدی جوانده یحیی آدم بر منصب اچون کذب و مدارائی ارتکاب ایتیک  
 بکا کوچ کلور بنم سعیم کندی دولتی اچوندر هر کس بر طرفدن سوز سوزیلوب تحریک  
 غضب ایدر جک نفاقه باشلدیلق قنقی برینک مرادی اوزن مدارا ایدیم بویه حیاتدن  
 موث دخی بکدر دیوب مقتضای مشربدن رجوع ایتدی الی ان ال الحال الی مال وینه  
 سابق الذکر حسین افندی نقل ایدردی قره مصطفی پاشا وزیر اوامرا و احباب  
 مناصبدن رستوت الما یوب معتاد سابق اوزن اوله کان هدیه دن غیری شی آلدیغنه  
 وضعیسی یوغیدی حتی برکون حضورینه دخول اچون سرایه وارد یغمه تذکره جی  
 احمد افندی بی اچو ودن مرعوب و خوفناک چیتا کوردم بیره سی متغیر و پریشان

اولش بواول احمد افندی در که صکره دفتر دازیم وزیر اعظم اولوب قتل اولمشدر تغیر  
 وتلاشتدن سوال ایتدم وزیر کندوبه غضب واعتاب وازاله سنی مراد ایدوب خوف جان  
 دوشد یکنی خبر وروب صورت استشفاع کوستردی وار او طه که صبر ایلنجه اولور کون لم دیوب  
 آتی وثاقنه کوندروب ایجره کیردم وزیر اعظمی منقبض وغضبان بولدم بنی کوردیکی کبی  
 رنه قنده سن هی آدم دیدی بندخی یورک سلطانم سیمیا کرده آثار ملالت مشاهد اولنور  
 اصلی ندرنه مقوله امر مشکل طهور ایتمشدر دیو متجاهلان سوأل ایتدکد شول ولد الزنایه نه  
 دیر سن بن ویردیکم براتلری درکناو ایدوب بکلر بکیلری حقار ایش شمدی قتل ایشم  
 کر کدر دیدی یایرینه استخدا مه کیمی تدارک بیوردیکر دیدیکمه کوی نکلو محوده خبر کوندردم  
 شمدی کوردیدی بندخی اما سلطانم اولا کوی نکلو محود بیر ضعیفدر حضور بیکر ده ایاغ  
 اوزن طور مغه قادر دکلدر تذکره جیلک صعب خدمتدر اما بو حرامزاده بتون کون ایاغ  
 اوزن طور مقتدن عاجز دکلدر و سر قلدن او تومز مکتوب بیور سکر بر ساعت یازوب  
 رحمت چکمز سریع القلم راسخ کاتبدر ثانیاً بونجه زماندر سزونی استخدام ایدوب جمله  
 اسرار بیکر محرم اتخاذ ایتدیکر اگر شمدی قتل ایدر سکر قان ایتمش اولور سز اولمقوله نك  
 قانی نه شیدر که دامانکری تاویش ایتیکی ارتکاب ایدر سز اگر عزل ایدر سکر محرم اسرار کز  
 واروب محرم اعدا کز اولمق لازم کوردیدم جوانده یا همان ایتدوکی یاتنه قالسونی  
 دیدی بندخی معقولی بودر که رسوخ کتابتنه نظرا ینه همان تنبیه و عتاب ایله اکتفا  
 و خدمت ابقا اولنده دیدم ایدمی سن بولد الزنایه باصتی اول سنک خاطرک اچون او یله  
 ایدلم دیدی بندخی احوالی نظارته نعهد ایدوب طشره توجه ایتد مکه کتوردوب الی اویدورم  
 آردنجه چاغردیکه حسین افندی هم شو حرامزاده نك بریوک عیبی دخی وارد دیوانه  
 وینده طوررکن اوچقوری صارقوب فارسو مزده کورینور اوابنک قیافتی پریشان قیامه سی  
 آچیلوب اوچقوری کورنریکنندن خبر دار اولمز اللهی سورسک شواد بسره تنبیه ایله  
 اوچقورین صاقلیوب لباسنی آدم کبی کیسون دیدی بندخی بوجمله یه نعهد ایدوب  
 چیقوب بو خصوصاری کندوبه تفهیم و تنبیه ایلدکد نصکره کتوردوب ینه الی اویدورم  
 تذکره جیلک خدمتده برقرار ایدم بعد تذکره جی مرقوم احمد افندی مقتضای دور  
 زمان ایله مسند صدارته کچوب حضورینه وارد یغمه بکا بوحقوق مقابله سنده التفات  
 لازم ایکن مرحوم بندن صقیلوب استقبال ایلدوکنی حس ایدردم و تقارندن مسعودر که قره  
 مصطفی پاشایه محرم لریخی خواهلر یوزندن سلطانم ساجدار یوسف پاشایه مدارا اینسکر  
 معقولد دید کلرند سلطان مراد کبی قهرمان زمانک مقبولی و مرغونی ساجدار ینه مدارا  
 ایتیبوب ذل وتواضی قبول ایتدم دیوینلر نه سبقت ایدن ماجرا یی نقل ایش تفصیل  
 ماجرا بودر که مرحوم سلطان مراد خان عصر نده بیرام پاشا وزیر ایکن رند وصاحب عقل  
 او اخی کال اخترا زندن ساجدار پاشایه زیاده مدارا ایدوب پادشاه حضر ترینه هر نه ناخیم  
 ایدر سه بعینه ساجدار پاشایه ده بر تذکره یازوب معا کوندروب اعلام ایدردی ساجدار  
 پاشاده بیرام پاشایه طرفدارلق ایدوب هر کلامنی تنفیذه سعی ایدردی چون بیرام



پاشا وفات ایدوب مهر طیار محمد پاشایه کیدوب قره مصطفی پاشا قائم مقام اولدی  
 طبعی نده فضاحت و دماغنه نخوت حد اعتدال دن تجاوز اولغین ساحداره التفات  
 ایتوب هر ماده بی انجق پادشاهه یازار دی ساحدار پاشا پادشاهه شکوی ایدوب  
 قره مصطفی پاشا بوقولگری آدم زینه قومز مقدمه و بالا عرض ایلدیکی اموره نامحرم  
 عدا ایدر نلم یاتنه جرمنز ندر دیکه پادشاهه دخی مصطفی پاشایه عتاب ایدوب  
 چون ساحدارم جانبی اطراح ایدوب اموری اکاده یاز مر سن دید کارنده دستور  
 وقور جواب باصواب و یروپ شوکتلو پادشاهم اولایه قوئکه بیلدر ساحدار قوئلک  
 سنک سلطنتکده اورتاقلغی وارمیدر یوقیدر اکر وارایسه امر پادشاههک هر اموری اکاده  
 یازمق لازم کلور یوغیسه پادشاهم بن یانکر سنی پادشاهم بیلورم انجق سکا یازارم ولایق اولان  
 بودر که بنمله پادشاههک میانه وقوع بولان مکاتبات و معاملات مقوله سنی اسرار  
 قطعاً ساحداروغیر سی مطلع اولیه والا بن حکومت و وزارت ایدم دیو ختم کلام ایتدیکه  
 یوجرات صاد قانه طبع همایونه خوش کلوب ساحدار ده یازمقدن کند و بی معاف  
 بیور مشلر ایدی بوجه اوزن ساحدار پاشا ایله یینلری خوش اولیوب مرخوم روزنامه چی  
 ابراهیم افندی بی ساحدار ایله متفق و متحد دردیو قتل ایتکه بهانه ارادی اما اجل  
 سنی سی سبقت ایدوب انتقامی ایله الامدی صکره صدر اعظم اولوب سلطان  
 ابراهیم جلوسند ه ساحدار ی طمشوان آندی مع هذا دائما مجلسه دیر ایش که بنم  
 ساحدار پاشایه غرضم وعد اوتتم یوقدر انجق امور دولته حدی و وظیفه سی اولیان  
 معظمت مصالحه مداخله ایتدیکی ایچون دولتی قایر دیغمدن الله کند و به بغض  
 ایتشیدم نهایت بغداد ایتدیه بدفعه سلطان مراد مرحوم بکتاش اغایه غضب و قتل فرمان  
 ایدوب چوکر دکارنده بر ایافنه ساحدار پاشا و بر ایافنه خشی پاشا صلیوب رجا ایله  
 قور تاردیلر تا اول کوندن بری ایکسینه دخی عد اوتتم نجسته مبدل اولوب بکتاش کی بر  
 مرد یکنه بی تخلص ایتد کار چون ایکسینک دخی حمایه سی اوزریه الزم اولمشدر دیرلیدی  
 اما ساحدار پاشا تک طور میوب طمشواردن خلاص اولوب آستانه یه کلک سودا سیله  
 اندرون همایون جانبیه خفیه کاغذ لکون دزوب عمل ایتکه منصب صداری و کند و باشی  
 خوفندن قتل ار تکاب ایلدی نغمه چون قره مصطفی پاشا قتل اولندی کنعان پاشا  
 قائم مقام اولوب یکچیری اغاسی حضور همایونه دعوت و کتخ ابلک قتل نثیه اولندی  
 اغاق یوسنه کلوب کتخ ابلک قهوه ایچر کن یوغوب اغاق یوسنی اوکنه عبره للناس بر اقدیلر  
 وزیرلی قیوده ساکن هماری حسین اغا کتخ ابلک اولدی و وزیر مقتولک مقررلندن  
 معمار قاسم و ترسانه امینی ترخچی حسن افندی و قیو جیلر کابی سالف الذکر حسین افندی  
 و تکره بی احمد افندی و رجب اغا حبس اولندی بعد پادشاهه رجب اغایی و محمد کتخایی  
 خدمتینه کتورب سویلتدی رجب اغا جو اید پادشاهم بن برایشه قارشیمز دم انجق دورت آت  
 بسلیوب اعیان دولته خبر کوندر دم غیر امون مدخل یوغیدی دیمکه عفو اولنوب ایکسینی  
 دخی ساحدار پاشا خد متنه قوشیلر و پادشاهه عالمپناه وزیر قتل ایتدیکه نصکره

شیخ الاسلام محیی افندی به بر سرور کورک ایله ییک فلوری احسان ایدوب کد لای  
 ابوسعید افندی و صدر روم احمد افندی مظهر التفات اولوب بن علمانی سورم دیو یور مشلر  
 و پاشا تک مالی و فایق مقتولک اموالی نفحص اولنوب اناطولی قاضی عسکری عبد الرحیم  
 افندی تک کتخ اسندن که محمد جلیبدر اون بش یوک آنچه مقداری فایق مال و دیعه سی  
 چقمقله کتخ ای مزبوری حبس ایتدیلر و افندی سی عبد الرحیم افندی هم بر کتخ  
 وزیر روم فایق قیو کتخ اسی اولغله کوب اقبالی میل رجعت ایتدی حکایه دلاور  
 اغا دیار مصریه رعایا سنک تکلیفی حدن فزون اولوب خصو صا پاشای مقتولک  
 زمانده نیجه بدعت تکلیف ایله فقرات حملدن قالوب مقصود پاشا والی مصر بولنوب عامه  
 رعایا دارالامان به جمع اولوب مقنن اولان مال میری سابقدن شومقد ایدی هر سنه  
 کلن والیلر ترقی قویوب بر مرتبه یه ایرشدر دیلر که ادا ایتکه بر وجه طاقم یوقدر تکلیف  
 مالا بلاق ایله خراب و یریشان اولوب زراعت و حراسته قدر تمز قالدی دیو بشت  
 شکوی ایتدیلر مقصود پاشا دخی بن بویه بولدم و بن ارتور مد مدله شمدی بو مال معلومی  
 ادا ایلک بعد کیفیت حالگری در دولته عرض و محضر ایدم امیددر که حالکزه مرخت  
 اولنه دید که نیجه قال و قیلدن صکره پاشا و اهالی مصر عرض و محضر لیا زوب  
 امکداران حرم همایون دن سلطان محمد مرحوم خواجه سرالندن دلاور اغا نام طواشی که  
 براغای هفتاد ساله در بش پادشاهه خدمت ایدوب مصر ده متوطن ایدی عرض  
 و محضر لیا نکه استانه یه کوندر مشلر ایدی پاشا تک قتلندن اولخه وصول بولوب  
 پادشاهه بولشد قدر نیجه مکاتب وزیردن استیکایی متضمن اولغین پادشاه مکتوبلری  
 استد که دلاور اغا اوزردن خوف ایدب بنمله دکل کیروده کلن مصریلر ده دردیو جواب  
 ویردی بواشاده پاشا ارادن رفع اولنوب عالم شکل آخر اولدی مصریلر ده کلدی  
 پادشاه عرض و محضر ایتد که دلاور اغاده در دیدیلر دلاور اغایی یا غروب محضر لری  
 استد که چقاروب تسلیم ایلدی یا نیچون مقدم عرض و محضر ایشد دکلدر دیو  
 حضور مد کذب ایلدک دیو پادشاه مزبور غضب ایلدی و اول ائشاده مصطفی پاشا تک  
 بدخواه لری دلاور اغا تک کلدو کنی پادشاهه خلاف اکلا دوب وزیر اعظم مزبوری  
 دارالاسعاده اغاسی ایتک ایچون کتور مشدر که تمام ایچرویه دخی مستولی اولق استر دیو  
 یکمشلردی دلاور اغا تک وصولنک ایکچی کونی وزیر قتل اولنشدی حضورده خلاف  
 سویلدک دیو آزالدیکه دلاور اغا تک وجودی آئش قهر پادشاهی ایله سوزان اوله مقربلر  
 رجا ایدوب براختیار قوئلر رقیه پادشاهم دیلر یله کلبولی به نفی و حبس فرمان ایدوب  
 قیودان پیاله پاشایه کوندر دیلر امر شریف و برچاوش ایله ایکسینی غره ذی الحجه ده برقایه  
 قویوب محل مذکور کوندر دیلر بر و جانبدار قائم مقام کتخ مان پاشا دلاور اغا طرفندن  
 بسط اعتدال ایدوب پادشاهم مقتول لالا ک خوفندن پادشاهه طوغری سوز سوبامکه  
 کم قادر ایدیکه دلاور قولک جرأت اید و الاحاشاکه اوله امکدار قولک خیانتدن کذب  
 ایتش اوله دیوب پاشا دهک غضبی تسکین ایدوب بعد مصر لور دن دخی نفحص



اولند قده مصر خلقی دلاور اغایی مؤتمن بامکله ابرام ایله کوندرد کربن انلردخی اعلام  
ایند کړند عفو بیوریوب اطلاق فرمان ایندیلر دلاور اغا کلوب قدم پادشاه یوز  
سوروب اوکوز عزیه سیله کلدیم پادشاهم اغلا دقه پادشاه وافر خنده ایدوب بشیوز  
التون وقوناق وتعیینات احسان ایلدی وصف مرحوم قره مصطفی پاشا کاتب چلبی  
قد لکه ده ووجیهی تاریخچه پاشای مشارالیه ثنا ایدوب اوصاف محامدینی به وجهله  
املا ایتشدر وزیر مشارالیه ارناد واصلیدر اوجاق اغارندن قره حسن اغایه خدمت  
ایدوب یکچیری وصولاق اولوب تیراند از لکه هوس ایدوب ماهر کاندکش اولشیدی  
کیدرک طریقیه یکچیری کتخاسی اولوب سلطان مراد ادرنه یه کتد کده سبکان باشی  
اولدی ارضروم محافظه سنه کوند رملکه ابازه پاشا مزبورک روش و حرکتی بکنوب  
سلطان مراده تقرب حالتده ترسه ایلشیدی پادشاه دخی التفات ایدوب روان سفرند  
یکچیری اغاسی ایلدی نفراتی دخواه پادشاه اوزن تقلیل و قهرانیوب سرکشلینی دیار  
عدمه کوند رملکه پادشاه یاننده تقرب کسب ایدوب روان دوتشند قیودان اولوب  
توسانه اوجاغنده اولان اسرافات واختلالی قالدیروب بهر سنه قرق قدرغه اوجا قلق  
ایلدی بعد قائم مقام بعد بغدادده وزیر اعظم اولوب اون ایکی بیک نفر سیاهی واون  
یدی بیک یکچیری الیقویوب باقیسنی دفتر دن اخراج ایندی استانبوله کلوب زحیمی  
حسن افندی ایله زخ امورن کوروب سکه پی نهج ایلدی وولا یتلری مجدداً تحریر  
ایندردی وندا کری قالدیروب خزینه نک ایراد و مصارفی نقد ایلوب ایرادی ارتورردی  
وهر اوج آی تمامنده سیاه و یکچیری و سائر علوفه خوار لک موجب لینی سنکساز اقچه یه  
محسوب اولوق اوزن صافی ریاله حاض وریلوب ناخیر ایتزدی ویدی سر لیک ایچ اوغلنلری  
علوفه سنی دیوانه ربط ایدوب و بهر سنه خزینه دن قفتان بهاسی ویر لک پاشای مرحومک  
لثربدر زمان وزارتده که بش سنه دن زیاده جده درجه مصارف و مواجی تکمیل  
ویرد کد تصکره الی بیک کیسه اقچه ارتوب خزینه عامریه تسام ایتشدر هر خصوصه  
استقامت و اهتمام اوزن سعی مالا کلام ایدوب وهر امره انتظام ویروب دولته چوق  
سعی و خدمت ایلدی لکن اکثری خلقک مرادی اوزن اولمغله کوچلرینه کلوب بوضبط  
ویربطن صقلیدر سلطان ابراهیم خان ایسه خیر و شرو دولته نفع و ضرری ملاحظه  
ایتیکسزین مفسد لافساد و شیاطین انس اغواسیه استقامتدن ناشی ایلدوکی  
دلال و غلطندن متکدر اولوب ناحق یره ظلم قتل ایلدی سنی خمیسنه قریب ایدی  
بش سنه دورت ای وزیر اعظم اولدی بین الوزر امدوح اولان وزیر ذیشاک بریدرکه مسلکی  
صکره کلنلره دیوانده دستور عال اولدی وزیر مزبور عاقل و مدبر اولوب انجق نقصانی او قور  
ویازد کلا ایدی کندی دخی اعتراف ایدوب بن بومقامه لایق دگم نهایت خط رجال اولمغله  
بنی نصب ایتدی یوزر اتمه نصب صد ارتک شرطی اوقویوب یا ز مقدر پادشاه ایله وزیر اراننده  
اسران متعلق نجه امور وازد در کاتب واقف اولوق لازم کلوریدر ایدی مع ذلک وزرای عظامک  
سرافرازی ایدی نجه اثار خیری وارد کعبه مکرمه یه عرفتندن کلن صویک حجر اسنه

۳۱ بر عظیم سنک سیاه سدر راه اولمغله مقدماساعی خیر اولنلر مشقت و اهتمام ایله دورت  
اصبع مقداری انجق قطع ایتدیروب قلیل الانتفاع ایدوکی مسعود اولد قده وافر مال کوندرب  
اول سنک سیاهی بر اول قدر دخی قطع ایتدیروب آب فراوان اهالی حرم محترمه کفایت  
مقداری جریان ایتمکله نائل دعاء خیر اولدی و کعبه مکرمه ده عین زر قازوزینه برقلعه بنا  
ایتدیروب حرمین فقراسنه و قلعه مزبور مستحق ظرینه موجب و خیرات سائره شی  
لوازمیه اوقافندن بهر سنه ایکی بیک بشیوز سکه حسنه ارسال اولنور یرمق قیوده  
بر مدرس و بر تبه سی وارد و غلطه ده قور شونلی مخزنه متصل ایزمه اولان کنیسه مسلمانلر  
شکواسیه مهر لشمیدی بیک الی ابیکده انی جامع ایلدی و توقات و سیواس بیننده ویرانه  
مجد پاشا خاننی تجدید ایدوب جامع و حمام یایدیروب اطرافدن دورت بشیوز اوکتوردوب  
معمور ایتدی و سیواس یکیشهری دیمکله مشهور قاضیایق اولدی و ادرنه دن میخال بیک  
کوپروسنک اکثریری خرابه ایدی بکرمی بیک غروشدن زیاده اقچه صرف ایدوب مجدداً  
یایدردی چور لیدن اوتیه براغاج کوپری یایدردی اکره نام قلعه که سرحد اسلامدر فحن  
بری برجام یایلیوب اهالیسی زیاده زحمت چکرلردی بر عالی حمام و مکتب و بار و تخانه یایدردی  
و استانبولده واسکدارده محتاج اولان مواضعه چشمه لرینا ایتدیروب زوم ایلنده صعب المرور  
اولان یلدرده قالدیروم و صوبو بولماز یرلده چشمه لرینا ایدوب وافر اثار خیری قالدی و باجمله  
وزراء عصرک اشبعی ایدی رحمة الله علیه ایام صدرتده تعیین تام و نفوذ کلامی نقل ایدلندن  
مسموعدر کند و وقتنده قزاق سلاعی کلوب مدیه قریه سنی اوروب غارت ایدوب بر آل محدی  
نجه مسلمانلر ایله اسیر ایتشدر مسعودی اولد قده اول اشیا سیرلر بله کلور و الا کند و یرلور  
دیو خیر کوندرد کده جمله سنی کلدوکی شایع اولشدر نفوذ کلامی بر تبه ده ایدیکه سابقا کلدوکی  
سبق ایدن وندیک وقعه سیکه علی بچین اوغلی تونس چکر رمه لریله کلدی و طویلق الوب  
اولونیه لیما ته کلد کده وندیک دو تناسی عقبیکیر لک ایدوب طویلا دقه تونس لوندی قریه  
دو کیلوب کیمیرنی کفار الوب طوب اتمغله اولونیه نک منان سنی هدم ایتشدر ایدی بوقضیه  
قهرمان زمان سلطان مرادک مسعودی اولد قده غصبه کلوب وندیکه سفر مقرر اولوب  
اسپلت اسکله سنی قیامتش ایدی و پادشاه حضرتلری قبیل وفاتده وندیک اوززینه وارلق  
لوازمه اهتمام اوزن اولوب اتقاللرینه کله اول امور تمشیتنه اشتغال اولنوردی اول  
اشارده وندیک کافری معتاد قدیملری اوزن بالیوسلری ایله مال عرض ایدوب عفو رجاسنه  
اولد قده قیل و قالدن صکره قرق بش بیک فرنکی التون ویرمک اوزن ضد عفو  
کلد کړند مرحوم سلطان مرادخان غازی عزم آخرت ایتمکله ملاعین نقض عهد ایدوب  
دخی مال مزبوری کوند رملکدن اعراض ایتدیروم وزیر دلیر اول ملاعینه خبر رسال ایدوب  
طلب مال اید کده سلطان مرادک وفاتیه اول داعیه بر طرف اولد و غنی اشراپ ایتلری ایله  
وزیر ستم نظیر دیر و نیا کیمیری حاضر اولسون دیوب یدی بیک فلوری جزیره واون بیک  
فلوری تونس کوندریلوب تمش پان قدر سفینه اوجا قلدن اول بهارده کلوب دونه ای  
همایونه ماحق اوله و جمله معیت ایله وندیک اوزرینه واروب محاصره و فتح ایدلر دیننیه



اگرچه ایدوب تدارک مشغول اولدی کفارک جان باشته عیاریوب عظیم نیاز ایلانیش بیک  
فلوری دخی اولدن قضیه وزیر حق استر ضایع مبلغ معهودی دخی ادایه بیک جان ایلان  
راضی اولوب فی الحقیقه الی بیک مشعشع قرمزی فلوری بی بالیوس ییلان تسام و دفع  
بیم ایتدی یلر پاشا دخی قرق بیک فلوری بی پادشاه حضرت تارینه تسام ایدوب بیک  
فلوری بی دخی کندی و سی قبض ایلدی لشریف الرضی فی المقلد حسام الدوله و قل  
للعدی آمناعلی کل جانب من الارض و نوامعلی کل مرقد فقد زال من کاتب طلائع خوفه تعارضکم  
فی کل مرعی و قد قد وزارت سلطان زاده محمد پاشا قره مصطفی پاشا قتل اولندی بی کی مهر  
شریف شام و الیسی جوان قبوچی باشی دیکله شهرت شعرا اولان وزیر مکرم محمد پاشا  
حضر تارینه قبوچیلر کتخدا سی ییلان ارسل اولندی وزیر اعظم کجه کنعان پاشا قائم مقام  
اولوب دفتر خانه ایلدی و عزل و نصب و معظمت امور قارشمادی بعض وقایع در آستانه  
ماه رمضان پاشا محاسبه جی ترخی حسن افندی سعائیلله کرک امینی علی اغا حضور  
همایونه دعوت و تمام مصادن اولوب بعد عفو اولندی و قدر کجه سی دفتر دار محمد پاشا  
معزول اولوب سابقا قائم مقام دفتر دار اولان قره حسن افندی باش دفتر دار اولوب  
قسطه ویندن معزول دفتر دار زاده ابراهیم پاشا اورته دفتر دار اولدی رابع شواله وفات ایتکله  
یرینه کوچک دفتر دار قلدن ایه دامادی ابراهیم افندی اورته دفتر دار اولوب حرم همایوندن  
بری کوچک دفتر دار غلله چقدی و ترسانه امینی صالح افندی قبوچیلر کتخدا سی اولد قن  
ترخی حسن خلیفه که هم ارپه امینی هم محاسبه جیدر ترسانه امینی اولوب استانبوللی علی  
افندی باش محاسبه جی اولمشیدی وینه سنه مزبور رمضانده حلب امیرالامراسی سیاوش  
پاشا جور و تعدی اوزن حرکت ایتکین شکایتیلری کلوب حلب ایالتی چفته لری عثمان  
پاشایه ویریلوب سیاوش پاشا معزول در دولته کلک فرمان اولندی اناطولی ایالتی نکه لی یه  
ویرلدی سیاوش پاشا آستانه یه کلد که بر قاج کون قله یه قونوب بعد عفو اولوب ادرنه  
ایالتی ویریلوب ماه شواله رجب پاشا نک که هر خان سلطان دن اولان دختری که صفیه خانم در  
سیاوش پاشایه تزویج اولوب داماد اولدی ادرنه بوستانچی با شیمی دیوانستان سنان اغای  
پادشاه کتور دوب ساحد ار پاشا و غیره قتلنه مأمور اولدی پاشا زدن الدینی مالی نه  
ایلدک دیو پرشس و آزاردن صکره بطریق النفی کندویه تر حاله سنجانی ویریلوب همان اولد کون  
چیقار دی سلطان مراد مرحوم عصر نکه مزبور سنان اغا نک عربیه یه قویوب نفی ایلدی کی  
آدملر دورت بیک قدر اولور که جمله سی ییلان نایوب اولوب برینی محله ایصال ایتامشدر یویل  
بر جلا دخنوزر بوستانچی باشی ایدی دیرلر بکچری اغا قلندن چقان احمد اغای دخی بطریق  
الایعاد بو سنه ایالتنه کوندروب همان بو کون چیق دیارام یورد قلندر عاریتی مهتر اولیدن  
دوشرمه عسکر ایلدرمه چاتمه آلا کوستروب چیقوب ادرنه قیوسندن طشره اولد قن  
پادشاه اردن آدملر کوندروب کتخدا سی احمد اغای که بوستانچیلر یازمچیلغندن چقمش  
ایدی آلایدن دوندروب تحت همایون اوکند بعضی حرام سابقه سی چون یاردوب اوچدوز  
دکنک احسان لیدوب میت کی کلیم ایلان چیقار دیلر وفات شیخ الاسلام یحیی افندی بو عید

انجی ده یحیی افندی زیاده حسنه اولغین دشت بوسه وان میوب ابو سعید افندی یرینه  
دستبوس ایتمشیدی سنه مزبور ذی الحجه سنک سکرنجی لیلله سبتیه وفات ایدوب  
ایرتنی جنازه سی سلطان محمد خان جامع بشریفنه کتوریلوب اعیان وارکان دولت بلکه  
جمله استانبول خلقي میدان طولوب نمازین قیلدی یار نعشی بر مق اوزرنده کتوروب پدیری  
ذکر افندی ترینه سنه دفن ایتدی بلور و نه صیبت قنوی ابو سعید افندی یه توجیه اولندی  
کاتب چلبی دیرکه مولانا مشمار الیه بیک تاریخچه شیخ الاسلام ایکن وفات ایدن ذکر افندی بیک  
اوغلیدر طریق علمه سلوک ایدوب والده مدرسه سندن حلب منلا سی اولوب شام  
وادرنه قضایه متصرف اولد قد نصکره بیک اون ایتکین استانبول قاضیسی بعد اناطولی  
والتی آید نصکره روم ایلی قاضی عسکری اولوب بیک اوتوز زده وقعه عثمانیه ده شیخ الاسلام  
اسعد افندی اختیار عزت و فراغت ایتکین منصب فتوی بونلره ویرلشیدی اوج دفعه ده  
یکرمی سنه یه قریب اول مقام عالی ده تمکن ایدوب آخر عصر لرنده استقلال تام اوزن  
مرجع انام اولوب سلطان مراد خان ایلروان و بعد ادرنه کیدوب تقرب تام حاصل  
ایتشیلیدی سلطان مراد کند ولره زیاده اعزاز و اکرام ایدوب خاطر لرنه فوق العاده رعایت  
ایدر لر ایدی بعد سلطان ابراهیم خان حضر تارینه اوکند دخی مصطفی پاشا ایلان یکدل  
ویکجهت اولوب کالاول مستشار امور دین و دولت اولغله کار و بار اعتمار لری استشاره ایدی  
صکره جخی خواجه ظهور ایدوب طور آخر یوز کوستر مکه بعضی مفسد ل فرجه بولوب  
پادشاه غتانه مظهر ایتدی یار لطف واکرامه مألوف اولش و پادشاه لرنده التفات کون کلش  
منلا ی ذیشان ساقط و مهان اولغله تحمل ایلد میوب سن انحطاط دخی غایته ایر مکه استیلان  
هموم و غومدن صاحب فراش اولوب عزم آخرت ایتدی منلا ی مر قوم الطف مخدیم روم  
لطیفه کوی کشاده روی خوش صحبت شاعر طبیعت متواضع خلوق و کریم زمانده نظیری  
عدم ایدی ابوالسعود افندی نصکره کل مفید لک ممتازی ایدی آثار دن مرتب و مدون  
اشعاری وار در جمله ایاتی قصید لطیفی متضمن استادانه دوو حسن قیصریتک فرائض  
منظومه سنه شرحی وار در خانه سی اوکند بر مدرسه بنا ایتشد ره ورخ یحیی افندی کی  
برمدوح شیخ الاسلامه زبان دراز لقی ایدوب دیرکه سید معنی نام بر منسید رافضی دیار  
عجمدن کلوب عرفی و فیضی سوز مزی انجی اکثر شبلی و یازید طالزه همراز اولور دیک  
یولندن اکاذیب سیب خانه بسط ایلدرک مرحومک اول قدر مقبول و مرغوبی اولدیکه  
بر آن مجلسندن مفارقت ایتوب ایدن زیاده مقر بی یوغیدی کندولر بومرتبه رافع ریات  
اشعار بلند امری القیس بایغنه مانند قایق امون واقف پیر عارف ایکن بومرتبه  
فریفته اولسی مستغرب عقلا ایدی مکر اول منسید معنی بی معنی بر ساخته نکتله لیلر بوده  
قلمش قضیه بوکیم کند و نک اقام هند دن رومه سبب عزیمتن بوجهله بیان ایشکله  
سزک فلان غزلکرده اولان فلان بیاتی اکبر شاه مجلسنده اوقیوب عوما حاضرین کمال  
تحیر ایلان تحسیندن صکره بن بویله سوز ایشتمش دگم مست و حیران اولوب عظم کندی  
بر مقدار دفع حیرت ایدوب اوزومه کلام سوال ایتیشم هی بوییت زیبا کیمک کلامی



وقتی شاعر قطی بلاغت انجامید ایندی یلر شیخ الاسلام روم فضائل رسوم محیی افندی  
 حضرت نرینکدر پش همان وقت دروغه بر آتش محبت دوستدی والته من یوینتک قائل کورر  
 و پاشنه یوزم سوررم دیوب یو باعث اولدی که هند دن رومه سفر ایشم و محمد الله اوله دن  
 یومرادیه نائل اولشم دیش درد مند محیی افندی یور بشخند رندانه و افسون عجمانه یه  
 فریفته اولوب اول قلمبانی جمله خواصنه تقدیم ایلدی جمله خواص و توابعی مزبور  
 همی استنقال ایتدی یلر تا که بروسه لی و صنفی زاده و حکیم عمر و غیر هم اتفاق ایدوب هربری  
 بر مناسبت مذمت ایله ذم ایتدی یلر مغید اولد قده مستراح دن طوغری محرابه یکدیکنی  
 شهادت و اختیار ایتدی یلر ضروری رد ایتدی یلر احوال سرحد نمچه وله بوسال ایچندن ماه  
 شواله ایپر اطور فرد نیاندوس استانه یه قیو کتخد اسنه مکتوب کوندروب مقدم ماصون  
 صحر اسنه عقد اولنان اون یدی سنه صاحبک الذیسی کیدوب اون بری قالمغله اوزرینه  
 طقوز سنه ترقی ایله بکرمی سنه یه دنگر احوال صلی سولاشیمک اوزن بر قاج ماده ذکر  
 ایش مزبور دخی عرض ایلدی بر ماده اردل ویوده سی راقوچی کورکی کند و ایله دشمنک  
 اوزن اولد و غندن شکایت اولوب نمچه دن الدینی قلعه لری رد و اول ولایتین رفعتی رجا ایش  
 و مسقوما کی میخانو و قودروزیکنن وزیر اعظمه مکتوب کلوب مفه و منقذ قزاق ازا ق قلعه سنی  
 بر اقله امتنان و تاتار و کفه عسکری و لایت روسدن بر قاج قصبه اوروب اسیر الدی غندن  
 شکایتی متضمن ایدی وله قرالینک مواد کاغدی کلوب ترجمه اولند قده تاتار خاندن شکایت  
 و بوجاق تاتاری رفعتی و بر قاج ماده یا زمش و شواله راقوچی کور کینک یوله طوتیلان  
 کاغده بر قاج ماده لریا زمش بری بوسکه فرانسه و اسوج طرفندن مزبور کاغدلر  
 واروب القای ایشلر که روم ایپر اطور فرد نیاندوس اوزرینه اردلن عسکر ایله قلقوب  
 سفر ایشکه اذن اله و یولر کند و یه امداد ایدلر و یوقار و مجار و لایتنک اوزرینه وان نمچه طویوب  
 نامه ایله احوالی در دولتله اعلام ایلوب راقوچینک رفعتی و تجدید صلی التماس ایش  
 سنه اربع و خمسن و الف امدت وزیر اعظم محمد پاشا باستانه غره محرم الحرام و وزیر اعظم  
 شام شریفدن کلوب آلائی عظیم ایله شیخ الاسلام ابوسعید افندی ایله همعنان باغچه  
 قیوسندن کیروب کوشک التنه وارد قلرند سمند کوه پیکره مهمیز ایدوب سلا ملیوب  
 دستبوس همایون ایله مشرف اولدی محرمک اوچخی کونی دیوانه او توردیلر و ترسانه  
 امینی ترخی حسن افندی رد و سه نفی اولندی قائم مقام کنعان پاشایه اناطولی ایالتی و کورچی  
 محمد پاشایه شام و سیاوش پاشایه ارضروم و بدوندن وزیر موسی پاشا عزل و استانه یه  
 دعوت ولنوب و سیاوش پاشا طوراق اغایه قرمان ایالتی و یرلیوب دفتر دارلقدن متقاعد وزیر  
 قوجه محمد پاشا مکر راد فتر دار اولوب سلفی قره حسن افندی یه طرابلس شام ایالتی و یرلدی  
 و مصداق سلیحد ارجدید یوسف پاشایه بروجه ایله لقم دمشق شام ایالتی و یرلیوب  
 ضبطی ایچون طرفندن منسل کوندرلدی قتل قیودان پشایه پاشا قیودان پشایه پاشا آق  
 دکره کیند که مغرب طرابلسنه قصد ایدوب اندر رئیس الغزاة محمد طایی که شوکت و مالله  
 بی اقران کسه ایدی قیودانن خوف ایدوب سابقا قوجه خلیل پاشا مغرب طرابلسنه سفر

طاییه ایتدیکنی اید دیومسشن سر اولدی حمار اوغلی محمد قیودان کینه پیاله پاشا جارا غلرندن  
 ایدی قیودان پاشا طرفندن رسالت ایله محمد طاییه واروب ملاقاته دعوت ایلدی  
 محمد طاییه خوفندن ملاقاتدن اعراض ایدوب قیودان پاشا بزی ملاقاتدن عفو  
 پیور سونر العبد و مافی ید کان لوله دیو ایکی سفره لک التون مسبوک محملرو ایکی  
 سفره لک دخی سیم خا مدن معمول محملر قیا قریله جمله پادشاهه اولمق اوزن اهد ایدوب  
 وکیل السلطنه یه دخی وافر هدا یا که دکه ملوکده بولمز کوندروب بونلردن ماعد اقیودان  
 پاشانک کند و سنه هدایای عظیمه ارسال ایتدی نقل ایدر لکه طوب دانه سی وضعند  
 مسبوک یکر می التي قنطار زر خالص کوندرمش العهده علی الراوی قیودان پیاله پاشا دکر  
 اولنان تحف و اموالی قبض ایدوب دخی محمد طاییه ملاقات ایچون ابرام ایتیموب  
 دو نوب استانبوله کلد که بر سفره التون صحن بر سفره لک کش صحنی پادشاهه و پروب  
 و بر سفره کش صحن وزیر و پروب بر سفره التون صحن ایله التون کله لری کتم ایلدی مکر سفردن  
 مقدحه حمار اوغلنه بر جرم ایچون بر قاج دکنک او روب تغیر ایتیشیدی حمار اوغلی  
 استکک ایدوب کندی چراغی و بر کشید سی اولدو غنه بناء اول قدر شی هضم ایتک  
 لازم ایکن تحمل اید میوب اول کینه یی استیفایه فرصت ازار ایش بود دفعه غلطه قاضیسی  
 داعی حسین افندی که حنی خواجه دراکا انساب ایدوب ترسانه کتخد الغنه طالب اولور  
 رجا ایتدر دکه قیودان جواز کوستر میوب محمدومی قره خواجه عزل اولنغی روا کور میوب  
 این الحمار لایق دکلردیو ذم ایلدی ابن الحمار دخی بیت سوف تری اذا انجلی الغبار اقرس  
 تحتک ام الحمار نر دیوب بالاده ذکر اولنان معنایی حنی خواجه واسطه سیمله معروض پایه  
 سر بر سلطنت مصیر قلد قده حمار اوغلی حضور همایونه کتور دوب سویلندیلر اولدی  
 وقوعی اوزن سویلد که توقیف اولنوب پیاله پاشا یالی کوشکنه دعوت قلندی ماه محرمک  
 دردیجی احد کونی ایدی که حضور همایونه پیاله پاشا غماز ابن الحمار ایله روبرو اولد قلرند نهتم  
 ایتکین منزلی باصیلوب اول التون محملر که محمد طایی کنارینه نام پادشاهی یازدرمش ایش  
 ظهور کلوب حضور همایونه کتور دکرند اما و یرلیوب بیچار پیاله پاشا اول ساعت مظهر  
 غضب خسروانی اولوب حسب الفرمان بستنجیلر او شوب بوغد یلر بعد قیودانق  
 خطهما یون ایله امرای در یادن بکر پاشایه توحیه اولندی ابن الحمار دید کوری حمار اوغلی  
 حمارک نقا قیله پیاله پاشا مقتضای سرنوشتنه او غرادی لکن اول منافق غدار دخی  
 مقصودینه نائل اولیوب ترسانه کتخد اغی وارد یان باشی قورد چلبی یه و یرلکه کندوسی  
 محروم قالدی قیودان جدید بکر پاشا داود پاشا باغچه سنده یا بیوس ایدوب خلعت کیروب  
 ترسانه عامر یه واروب قیودانق امورینه مشغول اولدی بواشاده پادشاه بکر پاشایه  
 توقیر قصیدله ترسانه یه واروب بر مقذارا کلوب کتد کلرند بر رسم یایلد از تشریف عقب  
 خد اوند کاردن دورت بیگ فلوری اون کیسه چیل اچیه کوندردی قره خواجه ترسانه  
 کتخد الغندن ردوس سنجاغنه کوندرلدی و حسین پاشا بوسنه ایا لمتدن کلوب کوچک  
 حسن پاشا یرینه بغداد ایا لته کوندرلدی و کوچک حسمه مرعش ایالتی و یرلیوب مرعشدن



پیشی مصطفی پاشا که بغداد سینه سی رگبار لقتدن اغا لوق ایله چقا ندر قارص ایالتنه  
 کوندرلدی قتل زنجی حسن افندی مزبور حسن افندی قره مصطفی پاشا  
 عونه وانصار ندن و معتمد خدمتکار ندن اولوب مناصب دیوانه دن باش محاسبه واره  
 امانتی و ترسانه امانتی ضبط ایدوب جسور و جبار مردکا رکزار اولمغه مصطفی پاشا  
 خدمت متلوه قوللنوب تعین کسب ایشیدی پاشا ناک قتلندن صکره پادشاه مزبوری  
 قتل مراد ایتد کده ساحدار یوسف پاشا یا غنه دوستوب تخلیص ایدوب برقج کون  
 حبس اولند قد نصکره جزیره رود و سه نفی ایشیلر ایدی بواشاده علمادن بری ساحدار  
 پاشا یه واروب سلطانم بکرمی سینه کوندر صائم کیجه قائم عبادت اینسکر زنجی حسنی  
 قتلندن تخلیص ایتدیک کزک و بالندن قورنلق محالدریدی ساحدار پاشا متاثر اولوب  
 فکر آستانه چاوشلندن سرخوش حسین چاوشکه سابقا استانبول صوباستیسی  
 دخی اولمشدر فایق ایله کوندر یاروب حسن افندی بیچاره ندر دوسه یوغوب حلیه حیاتدن  
 عاری و شر و تسلطنندن خلق عالمی بری ایدوب جمله ما ملکن میوی یه قبض ایتدیلر باش  
 دفتر دار قره حسین افندی منصبه چیقوب برینه فکر ارباش دفتر دار اولان مولوی محمد  
 پاشا زنجینک قتلنه سبب مستقل اولمشدر و ساحدار پاشا یی تحریک ایتدیرن اولدر  
 زنجینک اون بریاشنده بررشد اوغلی و ارایدی شیخ الاسلامه واروب بابامز ارمزاید بسه  
 قتل ایله جزاسن بولدی ارث ایله بزه انتقال ایدن اموالی میوی یه قبض اولنوب  
 ولاتقر بوا موال الیتیم آیت کریمه سن پادشاه حضر نلری تذکر بورمد بلیسه تقیم  
 ایتک سزه واجب کلیدی دید کده شیخ الاسلام پادشاهه واروب اعلام ایتد کده  
 بالک اولادی واری ایش بزه یوق دیدیلر دیوجواب ویردیلر شیخ الاسلام حضر نلری  
 بلی پادشاهم راوغلی ایکی قری واردر دید کده جمله منزللری و عقارات و دکا کینی و بعض  
 امتعه مخصوصه سی و اون رأس اکثری جمله اولادنه رد اولندی توخیه ایالت مصر  
 یا ایوب پاشا سابقا ذکر اولنان مصر و قعه سنه اهالی مصر در دولتیه دلا و راغاید یله عرض  
 و محضر لر کوندر وب والی مصر مقصود پاشا ایله حسن امتزاج ایدم مدکر ندن یوسف  
 کوشکنه ایندر دکلرینک خبری کلد کده سلطان مراد مرحوم ملک دادیسی قوجه سی وزیر  
 ایوب پاشا که نشاچی ایدی مصر ایالتنه نصب اولندی و کاتب السراج ایدو دن  
 نشاچیلوق ایله چقدی و موقوفاتی محمد افندیکه قیاسلطان کتخدا سید رسابقا سلطان  
 مراد ساحدارینک مقرب و معتمدی ایدی ساحدار پاشا قتل اولنوب کندوسی دولته  
 متعین آدم اولمغه بیکس قالوب اورته لغک اختلالنی کوروب متمول و عاقل آدم اولمغین  
 ایوب پاشا ایله مصره کیمکه رغبت ایلدی باعث بو اولدیکه پاشاده صدر اعظمی ایچرو  
 چاغروب مصری ایوب لالامه ویردم دید کده صدر اعظم دخی کوزل اولش پادشاهم  
 امام و قوفاتی محمد افندی بنمکه مصرده بیله ایدی زیاده اهل و قوفدر اگر اول بیله کیدرسه  
 ایوا و اوروالا لک کیدرسه مال میری تحصیلندن شاید فتور و قصور ایلنه دید کده پادشاه در حال  
 دیوات و قلم استیوب سنکه موقوفاتی محمد افندی سن سنی ایوب لالامه دیوان افندیسی

ایتمش بیله کید سن دیو خط هایین وردی موقوفاتی ایسه اگر چه مصره تو عارضیت  
 کوشتر مشیدی اما طرف پادشاهیدن حکم لاحق اولد کده تفکر ایدوب هر سال قیا  
 سلطان خاصاری جزیه ها سندن اقل مرتبه اون بش یوک اچه یه واصل و موقوفات  
 منصفیندن دخی بش یوکدن زیاده با جملیه هر سال یوکرمی یوکدن زیاده مبلغه نائل  
 و کیده سی حوزه سته یوقدر اچه داخل اولور کن دار السلطنه پی ترک ایدوب بلادبعیده  
 کیمک مشاق کلکین مصره رغبتدن رجوع ایدوب واروب استعفا کان پای خداوند کان  
 یوزسورد کده پادشاه جبین پرچین ایدوب باعشک کسرم و اریک مال مصرک حسابن سندن  
 استرم دیو بیورمغه اجابت ایدوب کندی ایوب پاشا اسکندریه بکی قاسم پاشا ناک کیسی  
 ایله ردوس پاشاسی قره خواجه بیل و مصر دن کلان طواشی دلا و راغادی ایوب پاشا  
 ایله معامعه متوجه بر سفینه ده ایدیلر سلخ محمد کلیمولی اوکنه وصول یولوب اولکون  
 قبودان بکر پاشا دخی کلوب مجتم اولدیلر و بشیراغا مصرده دیشیه قطارتی و شیخ  
 لهرم اولوق اوزن قره دن مصره کشیدی وقایع سائر اون التی کون وان ایالتندن  
 منفصل ایدی آی دیا زبکرده مکث ایدن محمد پاشا که ساحدار پاشا یی مقتولک  
 کتخد الغندن ایالت حلب ایله چیقاند کلوب داود پاشاده پادشاهه بولیشوب مظهر  
 و اطاف خسروانی اولدی دلی قاسم اغا ناک ساوری قبوسو خارجند اولان باغچه سی  
 حسب فرمان بر ایله برابر اولمشیکن پادشاه داود پاشادن عربه ایله کاور کن چفتلکی  
 اوکنه اوغرا دقه قرشو چیقوب آیتک یا غنه دوستوب مظهر لطایف و الطاف بی حساب  
 اولوب نه دیر سن قوجه دلی شوار ناود عجب معاند دکل ایدی دیو قره مصطفی پاشا یی  
 یاد ایتدیلر دلی قاسم جواب ووروب پادشاهم تا کوچکدن بری بویه معاند ایدی دیدی  
 یاسن انک کوچکلکنی نه بیلور سن دید کده پادشاهم لول بجمه متکرم ایدی اتی آی آتم بیلور  
 ایشدر دیدی یاسن اجداد مه قاج بیلدر خدمت ایدر سن دید کده التمس بیلدر اجداد  
 عظامکه خدمت ایدرم حالا سکسان یاشندیم دید کده بی دلی قوجه معتوه ایش سن  
 دیو بیور دبار او محل دلی قاسم بر او یوب پادشاهم ظلم کورن پادشاهه شکوی ایدر  
 بکاسن ظلم ایتدک باغچه جکمی خراب ایتدردک بن کیمه واریم دید کده الم چکمه یینه  
 بیلدرم دیوب فکر ارتعیه یینه نغمیه ایلدی و دلی قاسمه التفتا تایلدر کله جک واردر اگر چه  
 قاسم دلون پادشاه اولماشدر اما سنک خاطرک ایچون انک اسمی قاسم قویام دیو مزید التفتات  
 ایدوب دلی قاسم یینه مرجع انام اولدی معمار قاسم عزل اولوب مصادن غوغا سنه  
 اوغرا دیو مرجی مصطفی اغا معمار نصب اولندی بووقه دک معمارلک قید حیات ایله  
 اوله کلشیمکن عزل مزبور واقع اولدی جندی خلیل پاشا طمشاوردن عزل اولنوب قلاق  
 ویکله ملقب حلبدن مغرول صاری سیاوش پاشایه وریلوب بکی معمار ایله ایکیمی  
 برکوندر داود پاشا باغچه سنه دستبوس ایدوب خلعت کیدیلر ساحدار یوسف پاشا ناک  
 قبه التنه و تورمه سی فرمان اولنوب و زرای عظام و علمای ذوی الاحترام اوکنه دوستوب  
 اجلال واکر ام ایله سرانیه کوندر دیلر احوال تا تاریخ اسلامتکرای اوغل اسلامتکرای کتخدا سی



صفر اغا استانبول بعضی کبار دولته دخول ایدوب عمل ایتمکله خاتلی اسلامکرلیه توجیه  
ایندیروب کندوسی خلعت کیشیدی لکن بوخصوصه وزیر اعظم حضرت نرینک رضاسی اولوب  
ناچار حکوت ایتشیدی اوائل صفر اخیرده کفه پاشاسنک اوغلی باباسندن و تارخاندن  
مکتوبلر ایله کلوب مضمونه اسلامکرای سلطان قریم خلقنه خبر کوندروب استنه بوکون یارین  
خاتلی الوب واررم دیه اراجیف القا ایتمکله خلق بکا اطاعتدن قالب هرکون بکونه خبر ایله  
اختلال چکیلمور مزبور تبعید اولما پنجه بزه خاتلی محالدر و کیدرک بواطر افندنه حدوث ایدر  
دیو خازاده اسلامکرای ردوسه نفی اولمق اچموت غنی زاده کتخداسی مجودیاوش مباشر و قواله  
یکی جغاله اوغلی یلک قدرغه سیله سفر اغانی دخی ییله الوب واروب قلعه سلطانیه دن  
اسلام کرای الوب ردوسه نقل ایتدی لرطان خصوصنه سفر اغاندن رشوت المق تهستیه  
پالنه جیلر کتخداسی دخی برقایقه قونوب نفی اولندی نتمه وقایع بدون محافظی وزیر موسی  
پاشا آستانه به دعوت اولنشیدی میر آخور لقدن چیقان روم ایلی امیر الامراسی  
عثمان پاشا وزارت ایله بدون ایالتنه نقل اولنوب ایالت روم ایلی واندن کلان محمد  
پاشایه عنایت اولندی و نکه لی مصطفی پاشایه مرعش و بشیر مصطفی پاشا موصلدن  
وله نقل اولنوب ضبط ایتیموب قرمان ایالتنه کوندرا دی موصلدن معزول درویش  
محمد پاشا عقبه علیه به کلدی موستاری مصطفی پاشا سلستره دن عزل ویرینه وزیر  
یوسف پاشا نصیب اولندی وزیره دن معزول کوسه علی پاشا که بیرام پاشا کتخداسیدر  
استانبوله کلدی و یکجیری اغلایندن مغضوب بوسنه ایالتنه چیقان هزار غرادی احمد  
پاشا قید بند ایله بوسنه دن احضار و حبس اولندی واندن معزول وادار علی پاشا  
بوسنه به کندی وزیره دن معزول قوجه محمد پاشا شاهین پاشا یرینه قنیر به محافظ  
نصیب اولندی و مصر دن کلوب مصادن اولنان وزیر مصطفی پاشایه دیاربکر توجیه  
اولندی سلسله واسطه صفر اخیر ده سلسله علماء وقوع بولوب بهائی افندی او ان زاده  
یرینه ادرنه قاضیسی اولدی وایا صوفیه مدرسه سندن محرم زاده یکیشهره بستان  
زاده اوزون چلبی یرینه اولوب قدسین مملک زاده چلبی عزل صد دنده قاین اتاسی  
معید احمد افندی که صدر و مدر صدر اعظمه خبر کوندروب بن الکنه قور قورم سر  
سعاد تلو پادشاه مره یاد یورک داماد اعلی یرینه شام قضاسنی توجیه مناسب دروق سندن  
شاهه نقل لطف عظیم در دیوب وزیر اعظم بوخصوصه تانیخس ایتد که پادشاه  
حضرت لری مصر و شام قنقیسی بیوکدر دیو سوال بیوروب وزیر دخی پادشاه مصر  
بیوکدر دید که ایدی مصری و پردم دیوب مملک زاده عنایت سلطان بلکه ارادت رحمان  
ایله قضای مصره نقل اولنوب تذکره جی موسی مصر دن معزول اولدی بولردن ملعدا  
قرق تفر مقداری دخی علما منصب و مدرسه ایله بهره مند قلنوب قره چلبی زاده محمد موسی  
عثمان چلبی دخی ابتدا خارج اولمق مدرسه بی بکتمیوب رؤسی زایدوب پدیری مجود  
افندی اوغله الحق مدرسه ویریدلر دیو مفتی افندی به نوع رنجش اظهار ایلدی معید  
احمد افندی برادری زاده سی تذکره جی احمد چلبی نشانی مدرسی ایدی یرنده داخل

اولدی و کلیبولی شیخ زاده شریف چلبی خاصکیدن شیخ وفامدرسه سنه وارد بکه  
سلطان محمد ابوالفتح مدرسه سندن معتبر و کثیر الدرس مدرسه در که مدارس ارستانه  
خاتانیه دیمکله معروفدر استانبول قاضیسی زین العابدین چلبی معزول اولوب طلوعی  
حسام افندی که محمد موسی عبدالرحمن افندی که پنجه کیلکده پهلوان و تعلیق توبسلکده  
نادر الاقران ایدی استانبول قاضیسی اولدی روم ایلی صدرندن معید احمد افندی  
هزل اولنوب یرینه قره چلبی زاده ابوالفضل مجود افندی صدر روم اولدی دخی ارنسی  
عبدالرحیم افندی اناطولیدن معزول اولوب داعی حسین افندی یعنی جیحی خواجه  
اناطولی قاضی عسکری اولوب غلطه بوجه اریه لق نصرفنده قالب پادشاه خواجه لغی  
منصبی دخی ضمیمه مناصبی اولمغله کمال التفات پادشاه ایله مشار با لبنان اولدی  
سنه مزبور ربیع الاولینک اون ایکجی خیمس کونی سلطان احمد جامعده مولود شریف  
جمعیتی اولوب محرابک صانع طرفنده وزیر اعظم صول طرفنده معلم سلطان صدرا طولی  
جیحی حسین افندی او توروب حسین افندی که الی یا ننده صدر روم ایلی ابوالفضل  
مجود افندی و انلرک الی یا ننده معید احمد افندی انلرک الی یا ننده چوی زاده قرار ایدوب  
شیخ الاسلام حضرت لری کلد که ارکان واعیان و علما قیام ایدوب صدر محرابه قعود  
ایلدی جمله گفت و شنودی جانب پسرانده خواجه حسین افندی ایله اولوب  
جهت آخره ملتفت اولدی لر اولمغله پادشاه حضرت لری مقصود فوقانی قفسلرین  
آچوب جمعیته اوج دفعه سلام ووروب اندن او تور دیلر شیخ الاسلام افندی بی یوقارو  
دعوت ایتدی لر واروب اذن همایون اولمغله حضور پادشاهیده قعود ایدوب مکالمه به  
مشغول اولدی لر مجلس وعظ اخر اونجه او توروب بعد اجازت اولوب اینوب مقام لر نه  
او تور دیلر اندن مقربان حضرت پادشاهیدن ایکی سر اسر قوشاقل کلاهی بر ربحر  
مجره ایجره فراوان عنبر کتوروب بجره نک برین شیخ الاسلامه و برین حسین افندی  
اوکنه قویوب بوالنفات ایله ایکسینی دخی سائر اعالیدن ممتاز ایتدی لر اندن صدر اعظم یوقارو  
دعوت اولنوب وارد قده مراد همایون مقداری قائمال قاوشوروب مخاطبات خسروانه به  
مظهر اولد قد نصبر که اینوب بین محرابه قرار ایتدی لر امام معید احمد افندی جیحی خواجه نک  
اللی یا نده او تور دیغندن متالم اولوب جبر نقصان تدارکنه دوشد که کتخداسی رجب اغا  
وزیر اعظم محمد پاشایه واروب اعلام مافی الضمیر ایتد که محمد پاشا عارف و قلاشت صاحبی  
متصرف اولمغین جلب ماله فرصت بولوب بودرده علاج مفتی اولمقدردیدی معید احمد  
افندی دخی جاتنه منت ییلوب بتمش کیسه غروش ویردی پاشا مبلغی آلوب بوکون  
یارین دیو نامعزول اولنجه سوف ولعل ایله تأخیر ایلدی بعد الغزل کریدر مأمور اولد قده  
مصاحب قیودان یوسف پاشایه اصبر لیوب عاقبت اول ویریلن کیسه رقبوض همایون  
اولوب الشروع ملزم قاعده سنجه دخی آنچه کرکدر دیو طلب اولنوب یوزاللی کیسه به دگ  
نسایم ایتشد ربعده مفتی اولوب جیحی خواجه نک تقدمنه بوجهله جبر نقصان  
ایلدشدر قیودان بکر پاشا یکرمی بش پان قدرغه ایله کلیبولیدن ایدی ردوس یکی



قره خواجه دن ایکی یان کافر چکدرمه سی کز دیو خبر گلکین ماه ربیع الاولده چیقوب  
 آق دکره روانه اولدی صمصومچیلقدن مغزول اولان قوجه حمزه اغلیه یا یا بکلکی وریاوب  
 قبول ایتیموب دوراوب واطاله لسان ایتیمین ماه ربیع الاولده ساقزه نغی اولندی وخسرو  
 پاشا اتباعندن افندیسنک انتقامن الملق ایچون زوربالق ایدن اوزون یوسف محتفی ایدی اله  
 کیروب قتل اولندی قیودانی ساجدار یوسف پاشا شهر ربیع الاخرده کافی الاول عنوان  
 وزارت ایلده قیودانلق ساجدار یوسف پاشایه وریاوب الای عظیم ایلده ترسانه ییه وارد قده  
 ضیافت بهیمه ویدل نغمه شیهه مراسمی اجر اولنوب اول خد متده ترسانه امینی حسین افندی  
 دامن درمیان ایدوب نکوبنده کی وجوده کتوردی جمعه کونته مصدا دقه دو شمکین  
 قیودان پاشا اسکدران پادشاهه کیدوب امین حسین افندی دخی پرینه برآدم قویوب  
 برافتنضا حسبله خانه سنه کیمش بولنوب اول محل ساجدار پاشایه در عقب کلوب امینی  
 بولمده کلنجه صبر ایتیموب وزیر صاحب نخوت غضبه کلوب پادشاهه امینی پکوب  
 ساقزه نغی ایتدردی بوقدر سعی وخدمتی هبا اولدی بیجان پی اون تفریح اوغلانی ایلده  
 برقایقه قویوب برخطه اکلندریموب ساقزه سور دیرلر بعد شفعا توسط ایدوب یینه  
 عفو اولنوب کلدی ویدوندن مغزول مصطفی پاشا بروزیر صاحب نام اولغین مغزولا  
 استانبوله کلشیدی وزیر اعظم اولسه کر کدر دیوار احیف عوام سببندن ابعادی  
 اقتضا ایتیمکین اولاحالا انکروس سرحدنده اولان اختلال وحرکت اعدای رضلا  
 سبب سنک قصه ورواهمال کدر دیو نوعا صمنع عتابه مظهر اولدقد نصکره ایالت سیواسه  
 کوندردی موسی پاشا بیجان دخی بوباید بتم جرم یوقدر انجق خلقت اساتمه حق  
 بلا ورسون بزی بیعضه ورا تیکه سبب اولدیلر دیود شنام کنان سیواسه روانه اولدی  
 احوال انکروس اورته مجاریله نجه محاربه ایدوب اورته مجاری و جانبیه منقاد اولغله بدون  
 طرفندن استفسار ایتد که برمقد از تفروریاوب نجه غالب کلکله سرحدلی عهد جاسار  
 منقضی اولدی وهیمیله زیاده تحفظه آغا ایدوب سرحد اسلامه دخی کافر ک تعرضی  
 احتمالا سوبلند که اشبوماه ربیع الاخر خلالتده استانبولده بولنان زغما واریاب تیمار سرحد  
 محافظه سنه کیمک اوزرند اولمشیدی جندی خلیل پاشا که مصاحب عنوانیله مشهور در  
 ساجدار پاشا مرحوم پرینه طمشوار و الیسی اولان حسین ابن سرحد ویرا هم پاشا پرینه والی  
 طمشوار اولمشیدی سکرای مرورنده بومحله عزل اولنوب تیره سنجاقی کندویه اریه لقی  
 وریاوب کلیمولی معبرندن پکوب تیره یه کندی و طمشوار سیاوش پاشایه ویرلدی  
 مصطفی پاشای قتل توابعندن اوخری سنجاقی بکی حسن بیگ کثرت شکا تنه بناء عزل  
 واحضا اولندی و سابقا سیاه غلو سنه نامدار حجر ملردن مطر اچقی سلیم که بوستانچی  
 اوجاغندن سیاهلک ایلده چقمش ایدی دقتلی زورباردن اولوب ارض ورم امیر الامراسی  
 وزیر احمد پاشا توابعندن ایدی قتل اولندی و سابقا ایدین و مننشه ایلده طغیان ایدن  
 قنه او غلینه کتخداسی بکراغا احضار و قتل اولندی قتل اسلام پاشا مزبور اسلام پاشا  
 شجاعت مفرطه اصحابندن اولوب طرز وند ساکن ایکن صدر اعظم سلطان زاده محمد

پاشا قبل الصد ان اراق فتنه سر دار اولوب از اغی کافر براغوب کتمکله ضبط و محافظه سنه  
 مزبور اسلام پاشا تعین اولنوب محمد پاشا عودتند نصکره قراق ملعونلرینک ماجا و ما ولسی  
 اولان قامشلی و اطه لری باصوب قتی جوق کافر قتل و اسیر ایدوب عظیم یواز قلی  
 ایشیدی کندوسی از اقله ایکن کفه دن اوغلی چرکس اغاظم و تعدی ایتیمکین عصر شجیع  
 و مهادر عصری اولغله دلاور ککنه رغبت اولنوب جزئی مهانه ایلده قتل ایتدیلر بواشناده  
 خواجه افندی انا طولی قاضی عسکر لکی ایلده معزز و مکرم و وجوه التفات ملو کانه ایلده موقر  
 و محترم اولد قلدن ماعد کند ولره بر عظیم سرای بناسنه مباحثرت اولنوب بنایه صرف  
 اولمق ایچون میریدن ایکیوز یوک اچقه یه دکر ویر ملک باند فرمان هماین صدور ایتدی بر سرای  
 دلا راتعمیرنه باشلدیلر که کورنر مقبر اولوردی اولرمان بعضی طرفای علمایو بیی دیمشدر بیت  
 بنا امله سن بلزدی جینی انکیچون باشلدی اول بنایه نثر بواشناده قلبه منصبی داود زاده  
 اوزرندن سنجاری معزالدین افندی یه ویرلدی بواول معزالدین افندی در که فایق پاشا نک  
 قتلنه سبب اولمشدر اصلنده بازه پاشا امامیدر که کورچی الاصل اولوب قضایه انا تولیدن  
 بر بر شناکک معتقد رکه اشراق قضاتدن برمالد ارکسه اولوب مقتضای کیف ایلده  
 رقه لره طوس و نیر زوماردین و بغداد و همدان امثالی بلاد اسمی سن یازوب وافر  
 غلمان الوب اول قرعه لری توزیع ایدردی هر غلمانک الدوغی کاغده بولنان اسمیلر ایلده غلام  
 مسمی اولور ایش یو طریقله مولانای مومی الیه سنجار رقه سن المغله اسمی سنجاری اولش  
 و بروسه قدسی زاده یه وریاوب متهی نالی زاده افندی اریه لقی ایلده تسلیت اولندی  
 و سابقا مهان اولان ایداله دن مغزول بشمقی زاده جاشمی زاده پرینه باغراد قاضیسی  
 اولدی و پکیچری اغاسی صالح پاشایه وزارت احسان اولنوب رکبدر شعبان اغا اچرودن  
 یکچیری اغا غلیله جقدی دفتر داره ولوی محمد پاشا مغزولا حج شریفه مأذون اولوب  
 اغا لقدن چقمه وزیر صالح پاشا باش دفتر دار اولدی وحیدر اغا زاده سکبان باشیلقدن  
 بیوک میراخور اولمشیدی شهرزاده یه تخمینا اون بش بیگ غرو مشلق آت وهدیه دونادوب  
 پکیچری اغا لقی امیدند ایکن اغا لقی ایلده اچرودن شعبان اغا چقمه لره حیدر زاده حلب  
 ایالتنه کوندریاوب بر هفته قدرایام مرورنده وزارت ایلده بغداد ایالتنه نقل اولندی و بوسنه  
 سنجاغندن مقید و مغلول کن هزار غرادی احمد پاشا بر زمان قیو حیلر او طه سنه  
 محبوس اولوب بعد عفو مظهر واده نه ایالتیله بهره ور اولدی وساجدار یوسف پاشا  
 قیودان ایکن حلب ایالتی دخی کندویه وریاوب ضبطنه طرفندن منسل کوندردی  
 کولجنه دن مغزول حمدی چلبی شیخ الاسلامه واروب بابالری اسعد افندی نک ملازمی  
 اولمق تقر پیلله مرحمت رجاسنه وافر نیاز ایلدی شیخ الاسلام یوزو پریموب شمدی حالکه  
 مناسیب برشی یه قدر سکا نه اصل منصب ویره لم دیو اعراض صورتن کوسترد که حمدی  
 چلبی بر متکلم آدم ایدی سلطانم کندی اتباعنه فائده سز درخت بی ثمره بکردیه وافر کلات  
 طعن آمیز سوبلیوب آخر واروب معلم سلطانی خواجه افندی یه مراجعت ایتکله بغداد  
 قضاسنه نائل اولدی وقره چلبی زاده توابعندن امینی چلبی یه ردوس فتوا سی تکلیف



اولنوب دفعنه نیاز ایدوب امکان اولمچق کابن قولنو غنه الوب دیوانه واروب وزرا و قضایه  
 عیسا کر اوکنده ادعای فضیلت واستحقاق وملاذدن تشکی ایدوب سلطام عالم بکا  
 ظم ایلدی دید که وزیر اعظم مطایبه یوزدن مزبورک مقد ماجنون وسفاهت ایله اشتها رنه  
 شاه یوق افندی عالم معمولسن دیوخندان اولد قلن قاضی عسکر غیور محمود افندی مزبوری  
 از ایدوب چیق بره حدین بلز سفیه دیوب دفع مجلس اولند قدن صکره مولوبت پایه سیله  
 انقره قضاسی وریایوب تطیب خاطر اولندی واورتالق صب فی قندیل سعدان مع النسام  
 رسا درجه سنه واردی واسعد چلبی مصر قاضیسی اولدی رفیق سلطان ابراهیم خان بجانب  
 ادرنه جمادی الاولینک بکرمی سکرته پادشاه عالمیناه ادرنه سفرینه توجه ایدوب حرامی  
 دره سنه اولان باغچه یه برکیجه قونوب چراغان ایندیلر صدر اعظم آنده ینشوب معیت ایله  
 کتیکه اذن طلب ایند که بن صیند و تفرجه کیمه رم وزر و قاضی عسکر لر بله اولور سه  
 هر طرفدن خلق اوشوب سیر و تفرجه مانع اولور اردعواسی وشکواسی اولنار دیوانه  
 وارسونلر خواص ومقریندن غیری کسینه بنمله کلسون دیوب انجق خواجه حسین افندی  
 ورئیس الکتاب افندی دخی مامور ابله وکننداسی حاجی نورالله ووزرادن قیودان ساجدار  
 یوسف یاشا و بعضی اندرون اغاری ومصاحب لر یله قلقوب سلوریه وارد قلن سلوری ناخی  
 افندی لوازم ومهماتی کوروب اندن ارکلی جوارنده قنقلی نام قریه یه نزول یوردوب مصاحب  
 عجم میر محمد مقد حجه ارکلی یه وارمش ایدی ارکلی نائینه حالا وتاغ همایون قوریلان محل هم  
 ثقیل الهوا هم صومسوز دایروده فلان موضع آب وهواسی کوزل پردر پادشاهه برعر خحال  
 یازوب اولحلی ترویج ایله بوخله قونوسونلر دیدی نائب افندی اعراض ایدوب بنم نه حد مدر  
 پادشاهلر بومقوله سوزیازمق اولمقوله امون مامور خدام وارد بوزم وظیفه مزدکدر دیو  
 امتناع ایلدی اما خبیث عجم ابرام ایدوب اگر پادشاه بوموضعدن محظوظ اولز سه بنی نچون  
 بویله نامناسب بره نزول ایندردیلر دیو غضب ایند که جرم اوزر یکه تحمیل اولنوردیو توهم  
 ایتمکه عجمک کلامنه وجود ویروب بیجان نائب اول مضمونده برقع یازوب کوندر دی پادشاه  
 ورقه یی اوقیوب ناخی کتوردوب بوکاغدی سنی یازدک دید که نم ایله جواب وپرد که پادشاه  
 غضبه کلوب سنی برنائب پارچه سی ایکن بنی ملکه قوند مزمن الک شونی قتل ایلاک دیو  
 پیورد قلرند بوسنایچیلر یاشوب کشان کشان فقیر ناخی کتوردیلر ساجدار پاشا یاغنه  
 دوشوب خلاص ایلدی بوخبر شایع اولد قلن چورلی قاضیسی بالی زاده مخدومی خوفندن  
 طون میوب غیبت ایلدی پادشاه وارد قلن اهل قصبه دن بر پیرمتر وکه چورلی قضاسنی قید  
 حیات ایله ویروب خط همایون احسان ایندیلر اندن ادرنه یه واروب بر قاج قلاب طونلش  
 حرامی کتوردیلر حر امیلر قتل اولنوب قلابک بری حسین نام بکچری ایتمس سیاست  
 فرمان پیورد قلرند بن بکچری یم دید که بند دخی پادشاهم دیوب امر ایلدی اللربن ویاقلربن  
 قیروب یار شوایچنه القالیند یار پادشاه ادرنه ده ایکن اول شهرک اوطونی طبع همایونه ناملایم  
 کورینوب استانبولک اوطونی ایوا تشی وافر ایدی استانبولدن اودون کتورسونلر دیو  
 پیور مالزله استانبولدن حاللر ایله قره دن اوطون ارسال اولندیغی بین الناس عجیب ورتکین

کورینوب قیل و قاله باعث اولمشیدی مکر استانبولدن توجه پیورد قلرند فینه کمریه بر موجب  
 عادت مستمره بخشش خروج استرلر بکای بکچری صید وشکان کیدرکن لازم دکدر دیو  
 جمله سن ارجاع ایتشلا ایدی اول ائشاده سیمکش جامعنه ومیدان قیوسنه وجمع ناسر اولان  
 بعضی مواضعه فتنه انکیر کاغدلر راغیلوب کفتکواولمغین مشفقان دوات فساددن  
 خوف ایدوب ادرنه یه عرضحاللر کوندر مکین سبب سرعت عودت اولدیلر استانبولدن  
 چیقوب یینه عودت لرینه دک بر ماهه قریب مدت اولمشیدی تبدیل تاتار خان خان تاتار  
 عزل اولنوب ردوسه نفی اولنلن اسلامکرای خان نصب اولندی تفصیلی بوکه مرقوم  
 اسلام کرای سلامتکرای مرحومک اوغلی اولوب اولو برادری مهادر کرای خان زمانی قلغه  
 ایدی دخی مقدم له ومسقو کفار یله جنکک اسیر اولد قلن له قرالی یدی ییل ککندوی  
 بر اوطه ده حبس ایدوب اطلاق ایتدی بعد له قرالی اوزرینه یینه طوایف کفاردن بر قوی  
 دشمن ظهور ایدوب قرال دشمنی ایله قتلنه توجه ایدوب خال زاده مشارالیهی دخی خدامیله  
 ییله همراه ایدوب ات وسلاح ویروب مواعید جمیله ایله سوارو پناه صف کارزار ایدو  
 خان زاده دخی همیاری اولان تاتار دلیر لر یله مردانه جنک وحربه باشلوب عرق شجاعت  
 جنکیزی مقصدا سجنه مر اسم دشمن کشی بخور بزید فوق الماحوظ حملات پی در پی ایله  
 صفوف دشمنه تفرقه براغوب قرال دشمنی منهزم اولوب تحتکاهنه کد کزنده عهدی اوزن کال  
 دلیر لکنندن محظوظ اولوب خان زاده یی مخاطب ایدوب خان زاده م دشمنه کوزل قلیچ اوردک  
 پس سنی آزاد ایدرم اما کرکدر که نیم لشکر وشوکتی کوردیکک کبی سلطان مراده دیه سن  
 دیوب آزاد ایدر خان زاده چقوب کلوب یاشبولید قرار ایلدی قرینداشی یلک قرق الی سنه سنه  
 خان اولد قلن کندونی قلغه ایدوب ازا ق سفر لند واقینلرند ومنصور اویمانی استیصالند  
 خدمات پسندیدم ظهور کتوردی بعد مهادر کرای فوت اولد قلن مصطفی پاشا صدر  
 اعظم بولنوب وکوچک قرینداشی مح کرانی خاں نصب ایدوب مزبوری حصار سلطانیه یه  
 کوندروب لوازم ومصافق میبریدن تعیین ایدوب بر قاج سنه اندن قرار ایتشیدی اول ائشاده  
 مورخ شارح المغار زاده شیخ الاسلام ابوسعید افندی طرفندن ارپه لقری کلیبول ده  
 قائب بولمغین بر تقریبله سلطانیه حصارینه واروب خان زاده ایله هم محبت اولمش بیتلرند  
 الفت وچنارلق نام مسیره ده محبت و ضیافتلر اولوب کریمیت اوزن معاشرت ایتشلا وزیری  
 سفر اغا ائشاه مصاحبته دیمشکه حق اوزن خاتلق خان زاده مشارالیه کدر انجق قره مصطفی  
 پاشا عرض فاسد بئاء کوچک قرینداشنه وپردی یوک قرید اش وازایکن کوچک قرینداش تحت  
 فشین اولمق قانون جنکیزی یه مخالفدر امانه استیله لم حکم غالبکدر دیو اظهار ناسف ایدردی  
 خان زاده دخی دین ودولت اوغورینه بلالر چکدو کئی وله کافر ی النده حبس اولدیغنی نقل ایدوب  
 له قرالی بنی اوطه ده حبس ایدوب باباک سلامتکرای دخی بو کاشانه ده حبس اولمشدو  
 دیدیلر دیو حکایه ایلدی مورخ دخی تسلیت وتغال یولندن چون پدر عالی قدر یکر حبس  
 اولندوغی اوطه ده حبس مقد رایش وقوع بولمش دلیلدر که انشاء الله تعالی پدر یکر تحتنه  
 واصل اولور سز دیش برادری خان مرحومک خطوطان و کتب ملوکانه سن احضار و سیر



ایند و رب جملة دن بر مدب حافظ دیوانی کند و خطیله ایمن مورخه صوب اولدی  
تفعل ایند که مصرع یوسف ککشته باز آید بکنعان غم خور نثر معناسنی تقریر و عن قریب  
خان اولمسی مرده و نبشیر ایند که عظمی و مستبشر اولوب وافر هدیه باغشلیوب  
وعایت ایتمس قره مصطفی پاشا قتلندن صکره سفر افا آستانه یه واروب عمل ایدوب  
عالمی توجیه ایند ردوب خلعت کید که ذکر اولند و غی اوزن کفه پاشاسی اسلام پاشا اوغلی  
هانن مکتوب ایله کلوب اسلام کرای رد و حبه تبعید اولند و غی اراجیفدن قور تولق  
واستقلال اوزن حکومت ایتمک بزه متصور دکلردیو اعلام ایتمک سفر اغانک عملی بوزایوب  
خان زاده رد و سه نفی اولمشیدی تنک ذکر اولمشید چون کفه پاشاسی اسلام پاشا زاده  
چرکس دیارینی بوجه اور مق تمثیله و کفه یه ظلم ایتمک جرمیله قتل اولندی سو و تدبیر  
تمثیله محمد کرای دخی خان قتلندن عزل اولنوب مشارالیه اسلام کرای قدره ایله رد و سدن  
کتوردیلوب خان نصیب اولندی و معزول محمد کرای انک یرینه رد و سه کوندی یوب خرج مالزم  
میرین تعیین اولندی و صارالامیرامیر و کان ذلک علی الله یسیرا من خضر بیتر الاخیه وقع فیله  
معاینه اولندی خان جدید اسلام کرای حضور همایونه واروب خلعت کید و کنی کند و لری بوجه  
اوزن نقل ایتمشید در خان اچر و کرد که پادشاه حضرت لری بر حوض کارند و زان و در و سازه یه  
علی جانبه انکا ایدوب ساده عرقین ایله بی اکثر اثار او تیرر لریش خان زمین بوس و بده قیام  
ایند که پادشاه حضرت لری هیچ حرکت و تغییر صالات بیور میوب فتح کلام ایدوب بقه اسلام سنی  
استه خان ایتمک کونیم سنی هم دسته دوست دشمنه دشمن اواق کرکسن دیو بیورد قلندر  
هانن ذکر از زمین بوس و قیام ایدوب الله تعالی سعادت تلو خنکاریمک وجودین خطادن صقلیه  
ان شاء الله تعالی خدمتده قصور ایتم همان خنکاریمک دعاسی بناله اولسون دیو جواب باصواب  
ویرد که تکرار پادشاه هم دعام سنکله یله در اگر سن و اگر اسلاف واجد انک هم آبا واجد اد  
ظلمک نان نعمتیه حاصل اولمش سزدر بکا طوغریلق ایله قوللق ایتمک کرکس زنه ار همان  
بکا باقوب غیری کسنه انک سوزینی دیکمه پک صفین دیو بیورد قلندر خان جوابنده کرچک  
خنکاریمک نان و احسانی پرورده سی و قولیوز دینی تکرار خطاب ایدوب قاج یاشندن سن  
و اینمکه و اینمکه غیجه سن دیو بیورد قلندر پادشاه تمام قرق یاشندن هم و اینمکه نیمکه دخی شمدی  
باختلا میشم سنک دولتکده ایم پادشاه دیدی و ارایمدی کونیم سنی نوجهله دوسته دوست  
و دشمنه دشمن اولور سن دیو بیورد قلندر اچ اوغلنری سراسره قیلور سمر غاخر طو توب  
اشارت ایندیلر واروب کریمانی اوپوب کیوب و بر مرصع شمشیر ویردیلر قوشا توب زمینبوس  
ایندوب طشره جقهش صدر اعظم محمد پاشا دخی عقبیجه چیقوب اولحل خان حضرت لری  
پادشاهک لطفه و سن بکا بقی غیریپنک سوزینی دیکمه دید کارینه غرالنوب وزیر اعظمه فتح کلام  
ایدوب چون بی تانار خان ایند بکر شمد نصکره یاز دیغم شیاره قولق طوتک و فلان کافر ایله  
یور سیه و فلان کافر مد ارایله فلان ایله بار شیه فلائی ایتمه و فلائی فلان ایله دیو بکا زنه ار کاغذ  
کوندوب اولطر فلرک امورینه بو طرفدن غایبانه رای و تدبیر ایدوب قارشد مرک که بن غیجه  
ایتمک کر کردی یلورم کفار ایله دوستلق احتمالم یو قدر بعد الیوم انلر ایله ارامری قلیج ارالدستلق

ایلمک صاحبزاده رغبت ایتمک محالدردیو وافر ملوکانه و مغرورانه کلمات نابرجا سوبلدی صدر  
اعظم محمد پاشا ایسه شهری و مردم تانی و مداری اولغین حسن تلقی ایله جواب و یروب  
همان الله توفیق ویره امور بکزه قار بشلمازدیوب کندیلر خان واروب تحت قریه جلوس  
ایلدی کوزلوی یه وارد قلعه و زیری سفر غازی و سائر اتباعی اغوا سیله کوزلوی امینی سلیمان  
چلبی بی بوجه قتل ایلدی خان سابق محمد کرای او توزیک غروش اتفاق ایدوب لشکر  
عظیم جمع ایلیوب مسقوه کیمک صید دند ایکن عزلی خبری کلمکله اول غریت فسح اولدی  
قتل مقصود پاشا مصر دن معزول مقصود پاشا انک سلفی نقاش مصطفی پاشا و الی مصر  
ایکن تحصیل اموالده عدم قدر تندن ایکی سنه ده خزینه یه الیموز کیسه مصری نقصان  
کوستر مش ایدی ایالت مذکور مقصود پاشایه توجیه اولند قل طرف سلطنت علیه دن  
تفتیشی و اول مال مکسور انک تحصیل فرمان اولمشیدی وارد قلعه اول جانبده بر مقداری  
موجودندن تحصیل و یا قیسی نقاش پاشا آستانه یه کلد که کاه قیوار اسندن کاه یدی قله یه  
حبس اولنوب ماملکن فروخت ایند مرکله تکمیل اولمشیدی چون نقاش پاشا داماد  
پادشاهی ایدی پادشاه حضرت لری انک همشیره لرینه غیرت دوستوب نیم پاشاه اعانت  
ایدوب مدیون ایلمک مقصود پاشا انک اشیدردیو ناحق یه عداوت ایدوب اعدا منه سعی  
اوزن اولمشیدی مقصود پاشا اصلندن پرزین قصبه سندن اولوب دفتر دار عمر افندی  
خدمتده پرورش اولوب سپاهی عداد نه یکم شیدی آستانه ده دفتر دار کتخداسی ایکن  
قره مصطفی پاشا مزبورک استعداد و قابیلنه پسند ایدوب کتدوسی وزیر اعظم ایکن بوکه  
ترسانه امانتی الیوروب رشید آمد مدردیو ایلر و چکوب دفعه قیوجیلر کتخداسی بده  
میراخو ایدوب وزارت ایله دیار بکر ایالتنه کوندروب اندن مصره نقل لیدی قره مصطفی  
پاشا ایسه کند و ز غیجه عالمی تصحیح سودا سنه دوستوب مقصود پاشای کتدویه معین و یار غار  
وامین اتحاد ایدوب وزیر اعظم اولان او قور یاز کر کدر بن بو مقامه لایق دکل انحق مقصود  
پاشای قائم مقام ایتم کر کردر بکا همدم اولوب عالمی نظامه اعانت ایدر بند نصکره مهره  
لایق انحق مقصود پاشا وارد دیو سوبلردی و صاع قاسه مصر دن کتوردوب قائم مقام ایدوب  
کند و یه یار و همراز اتسه کرک ایدی مقصود پاشا ایسه نفسنده کریم الطبع و حایم النفس  
مد بر حکیمانه حکومتده ماهر و معارف جزئیه دن حصه سی اولغله اوضاع و اطواری عالمانه  
وزیر و قور ایدی لکن احوال عالیه عدم تجربه سندن اقبال پادروایه فریفته اولوب روز کارک حالی  
برقرار اوزن قالمیه جغنی و هر امور کاهو حقه شروع ایله نظام ویرلمک عقلایه میسر اولیه جغنی  
فکر ایتمیوب مقتضای عصره رعایت ایتمدی وزیر اعظم بی کند و صدر نه لایق کوردی و  
استقامت کماله ایتمس دیوز عم ویند ان گرفتار اولوب حکام مصره الزم اولان سمت مد ارایه کندی  
وزیر اعظمه طیانوب استقلال رأی مقتضای سنجه مصره بعض اولند عوالمه یا شوب خلقی  
یاشنه او شور دی بالاخره مصر خلقی عموم اوزن غلوا ایدوب قصیر یو سفده محبوس ایدوب  
احوالی دردولته اعلام ایند کار نه مصر ایوب پاشایه وریلوب دریادن سفینه ایله کوندلردی  
و مقصود پاشا دریادن استعجال اوزن آستانه یه کلیسیا بندن فرمان ارسال اولندی و پاشای



مشار الیه مصدره صدر اعظم والی مصر اینکین وضع ایلدی یکی بعضی خصوصاً نوری تقض ایدوب  
 خجه مواده انلک رضالربنه مخالف حرکت اینکین وزیر اعظم دخی خاطر مانده اولوب عداوت  
 ایتشیدی ومطلق مصطفی پاشا چراخی اولدیغنه بناء انک اعداسی بونک دخی ازاله سنه  
 متفق اولوب مصرده سحرار لپیدا ایدوب مصطفی پاشایه محبت ایچون پادشاهمه سحر  
 ایتدردی دیو پادشاهه یکمشر ایدی ماه رجبک یکرمی او چخی ثلثا کونی مقصود پاشا  
 قدرغه ایلک کلوب سرای بورنه ییاشوب بر قاج طوب اتوب باخجه یه ییاشد قدر پادشاه یالی  
 کوشکنده بولنوب مقصود کادی دیو سور مشر مکر مقد مابرقاج دفعه لسانه کتوروب مقصود  
 مصرده اولار ناووده سحر باز لار ارارش والله وبالله کوردیکم کی اولدورم دیو سور مشر حالاً  
 بیچان مقصود پاشا ایاغنی سفینه دن قره یه باصدیغی کی حسب الفرم ان جلادی امان  
 کربیان دوشروب بی سوال وجواب بوغوب باب همایونده ایاصوفیه او کنه القایتدیلو  
 ذلک تقدیر الغریز العلیم بیت خطر هاست در کارشاهان بسی که پادشاه خویشی ندارد  
 گمی سلسله شهر رجبک مفتش احمد افندی یه سلیمانیه دن سلاتیک قضاسی ویریلوب  
 یرینه بر او غوردن التمثلی ایلک اسمخان سلطان مدرسی جراح شیخی اوغلی که خواجه  
 سلطانی حسین افندی نیک مکتوب محیسیدر مفتش اولدی زیراجراح شیخی ابراهیم افندی که  
 سلیمان زاده محمد افندی نام عالم ربانیدن نلذو تعلم ایتشدر چخی حسین افندی پدري  
 قره باش افندی ایلک محبت والفت قدیمه لری اولغین خواجه حسین افندی اوائل  
 جالنده بابادوسنیدر دیو جراح شیخه تردد ایدر مش اول سمیدن حالاً دولته واصل اولد قدر  
 جراح شیخی ابراهیم افندی نیک مخدومی اعزاز و تربیت ایلک محسود اصاغر ومغبوط اکابر  
 ایلدی و بوندن مقد حجه قاضی عسکر محمد افندی نیک مخدومی عثمان چلبی یه سابقات  
 بازارنده مطموس الاثر یوسف پاشا مدرسه سنی شیخ الاسلام حضرت تری توجیه  
 ایدوب اولدخی قبول ایتیموب رؤسی رد ایلد که حالاً بشکطاشده خیرالدین پاشای  
 خازی مدرسه سنی عرض ایتیکله رؤسی یازلمشیدی لکن صاحب مدرسه اندن  
 التمثلی ایلک موصله سلیمانیه اولق اوزن عایشه سلطان مدرسه سنه نقل مراد اولد قدر  
 عبدالله چلبی امتناع ایدوب ینه مدرسه سنه تقریر اولنوب عایشه سلطان دفعه  
 عثمان چلبی یه خواجه نیک همتی ایلک ویریلوب چقاقل عبا یی ایلک تشکر املا یه وارد قدر  
 خیرالدین پاشایه اولدی صاوب اول بقعه مبارک بقعه درخی بز طالب اولوب اوائل  
 میسر اولما مشیدی حالاً سزه میسر اولدی با نیسی دخی شویله بر غازیدر دید که مخدوم  
 بز خیرالدین پاشایه اولدق عایشه سلطان اولدق دیوب منلا متخیر ایاروش  
 سزه زه دن واردی دیوب وهن کلی مشاهد حضار مجلس اولدی سنه مزبور شعبانده  
 انطا ولیدن مغرول عبدالرحیم افندی شیخ الاسلامی لسانیه رجبک ایتسی سبب ظاهر  
 اولوب بطریق النفی اده قضاسی ایلک صله سنه کوندلدی ورحمة الله افندی  
 سلیمانیه دن چشمی زاده یرینه چلب قاضیسی اولدی اوائل رجبک قدیمدن باغرا دده  
 یکچیری سرداری اولان علی ییک استقله دن امر شریف ایلک بیت المال ضبطنه وارن

یاوشه بیت المال خدمتی ضبط ایتدر میوب پاوش وناظر می دست کلوب یکچیری  
 اغاسی شعبان اغایه مشکوی ایدوب باغرا دسر داری اول اطرافک حاکمیدر امر شریفی  
 استخفاف ایدوب طوتمادی دید کاردن یکچیری اغاسی دخی پادشاهه غمز ایدوب  
 احضار ینه فرمان کتدی مزبور علی ییک باغرا ددن قید و بند ایلک کلد کله پادشاه داود پاشا  
 باخجه سنه ایدی جلاده امر اولنوب کتفندن ذواللر چقار یلوب اشد تکمیل ایلک قتل  
 ایدوب معمود لربنه رعا عجمی اوغلا فی اوطه لری باشنه بر اقدیر ورو اشد مرقق کلیسا  
 وحتاجه سمندن خیدود ملاعینی ظهور ایدوب قطع طریق ایتد کارندن غیری سکسان  
 مقداری ملعون اق بیکارلی احمد اغا نام کسینه یی قله سندن طشره ده بولنه قله چفتلکنده  
 طو توب شیشه صاچوب کباب ایدوب طاوتی دخی طو توب قیز مش باقر نیسی اوزرینه  
 اوتوردوب کر لومقد ار ماللری وریسه سق ایدوب دختر ییک پستانلربنه قیز مش ات نعلی  
 یا صوب التون وانجو و جواهر مقوله سنی مالک اولد قاری شیلری سویلیدوب جله بکرمی  
 ییک غرو شلقدن زیاده ماللری الوب بعد مرد پریان شیده یی دروت پان ایدوب برانوب  
 عورتی اولوب دختری صاغ قالدی یه که مانند خجه فسادات ایتد کاری پادشاهه  
 عرض اولد قدر خور باخیلردن مصطفی اغا وحتاجه اوسته سی تعیین اولنوب واردیلر  
 استرا نجه طاغی ائکنده بلشوب جنگد نصکره الی مسلمان شهید والی یدی کا فر  
 دوشوب پاشای بر قاج ملعون ایلک کیریوب استانبولده قازغه اور دیلر و پادشاهه  
 ایالت بغداد توابعندن عانه و هیت سمندر ندن امیر غریبان یه ایدریش طائفه سندن که  
 طایفرد خالد عجاج نام عرب بکه شجاعته عنتر قالیسی کی یا لدر بشیم و زاده قرشو  
 قور رهن خبیث ایدی قزلباش طرفندن حاکم بغداد بکتاش خانه منقاد اولوب قرق  
 الی عرب ایلک کا هیجه کلوب بغداد قزلباشده ایکن التفاتنه مظهر اولوردی واقعه  
 مملکتدن باش وکیل کتوروب بمحشش الوردی حنی بردفعه بکتاش خان امر یله تاحلب  
 اطرافندن خجه باش و مواسیلر سوروب کتور مشیدی اهل سنتک دشمن جانی ایدی  
 بردفعه ابن العرب نام بر صحیح النسب کیلانی بکتاش طانه بش ییک غرو شته صاوب اولوقت  
 محصه ده جان قور تار مق ایچون لازم دردی اولمقدار اچیه وروب آفر المشیدی والتون  
 زنجیر ایلک دائما اگر لو کوزی قرشو سنه صقر دی برکون بکتاش خان سوار اولد قدر  
 سرکشک ایتدین خالد عجاج دعوت اولنوب ابن العرب بدخوی اولمشدر دید که  
 اول خیال اسب معبودی اگر لیدوب بنوب خان ایلک شیخ شهاب الدین تر به سی اوکنه  
 یققدیلر بونی سزید خوی ایشش سزیدوب دخی دورت با رداق صو حاضر لیدوب هر  
 سرکشک ایتد کله بار داغک برنی باشنه پان لیوب اصلاح ایلدی بر خیال بی مثال بهادر  
 خبیث اولوب هیت و عانه اطرافندن کسینه یی پکور مزدی اتفاق بو سنه بغداددن  
 حلیه کلن کاربان اوکنه ایوب معتاد شجیه عانه سی اوزن صول بکنی یوزینه چکوب کانه نیر  
 و تفنک دانه سنه سیر اتخ ایدوب یا لکر کاربان ایچمه و رودی برتمول بازو کازک  
 کوله لردن تفنک انداز بر تازه چرکس کوله سی تفنکی طوغر لیدوب ملعونک کوکسنه



برفندق اوروب ارقه سندن چيقوب يلاقدي غير ياري بوسالى كوزوب پريشان اولديله  
 جفته لى عثمان پاشا ايشيدوب مملوكه خلعت واحسان وردى بعد ذلك مرقوم كولمك  
 شجاعتله پايه سى رتبه كيوانه ايرستى وقعه دار السعاده اغاسى در بحر قزاقاغاسى  
 سنبل اغاكان بعضى وضع وجر كنى طبع يادستاهى به مخالف كاوب مصهر دن طاش  
 ياتر على اغاينى ككتور دوب دار السعاده اغاسى ايدوب سنبل اغاينى مصهر نقي فرمان  
 ايتدكارند دريا طرفندن كتمك مقرر اولوب آلاى كينلى كتمش بولمغله هنوز قهره دكردن  
 جديد ياپاوب گلش ابراهيم چلبى نام رئيسك سفينه سى حاضر بولوب بلا توقف اول  
 كنى به كيروب جمله اموال واشياستى وخدمه وخدمه واطرينى بيله تحمیل ايدوب مكه مكرمه  
 قاضيسى بروسوى محققندى دخی اغاي مرقومه رفیق اولمش ايدى حجاج مسليندن  
 دخی نجه امت محمد بيله كيروب عجله واقدا مدن رئيس سفينه كركى كى طوب وباروت  
 وسازالات حرب تكميلنه قادر اوله ميوب انجق دورت طوب قومشيدى بوسال اوزن  
 جمادى الاوليه دريا به صالوب بر سفينه نك طوب سزوتفنك سزولون سز يودكوا موال  
 كثيره ايله كندىكى شايخ اولوب مالتة نك التى پان چمك رمة سيله قورصا نلرى اطه لى  
 اراسنه كزوب سفينه نك چقد يفتى خبر الد قلزنه فى الحال مصهر بولى اوزرنه كريد  
 اطه سته واروب محتفى وسفينه نك ورودينه منتظر اولديله سنبل اغا دخی موافق  
 روزگار ايله ردوس ليكاته واروب مزبور حربى كيمر كريد ده سز مهنتدار در ديو بعضى  
 ابناء سبيل خيرو بروب ردوس خلفى اغايه واروب بولمانده بر قاج ككون آرام ايلك ديديله  
 رئيس دخی اول كيمر يوكرك كيمر در اوكلرينه دوشرسك ينشور لجنكه باشه چقلمز مهمات  
 وعسكرى عزير بوقدر بر قاجكون ردوس ليكاته تاخير ايمه مز معقولد رديه كوردى مفيد  
 اولموب سنبل اغاوملا ابرام ايدوب بوسنه ججه ينشمك لازم در ديه ايله بر روز مخصوصه  
 ردوس ليكاته چيقوب كرك په اطه لرينه واصل اولد قهره زننان كفار بلاى ناكهائى  
 كى نمان اوب فى الحال ايرشد كرنه قوغوش طوبلرينه كى نى نشله ايدوب سنبل  
 اغا واهل سفينه نا چارچنكه قائم اولديله اثناء محاربه ده اغا و رئيس شهيد اولوب  
 بروسوى محققندى اسير اولوب اسيرى لقميله شهرت شعار اولان فقوى امينى بروسوى  
 محمد جلبيدر كه جخي خواجه طرفندن عمل ايدوب بش بيك غروش ويرمكه مكه  
 قاضيسى اولوب سنبل اغا ايله معاكى به نبوب كتمشيدى اسير دوشوب مكه يه وارفق  
 نصيب اولدى سائر جنك اوران دخی جنكه دوشوب التيوز مقدارى خلقدن قليون  
 ايجنه التمس مقدارى زنده قالوب بالاخره كافر صاروب قليونى يدكه الو بودكوا مال  
 قراوان ايله كتوروب كريد اغرا ديلر غنا يلرندن كريد حاكمه پيشكش ووروب  
 جمله دن سنبل اغاكان اقلرندن يربى قنديه بكنه كوند رمكه طشره چقاروب كوندركن  
 اول جزيره راهلرندن بر قاج واقف حكمت اهل بصيرت رهبان جزيره مزه تركك  
 آتيتك اياغى باصديغى زمما بوعلامت دكلدر سابقا ردوسه وقبر سوسا رجزيره لده  
 مثلى سبق ايتشدرد ديوفال ايلديله فى الحقيقه اويله واقع اولوب مزبور كيمر بر قاج كوندن

صكره مسينه يه طوغرى پراغوشته حصارينه يكرمى فرسخ قالد قله اول الد قلى  
 كى غرق اولوب اكثر اموال وارزاق والتو قهر دريا به كندى بواحوال تدر عجله استانيول  
 شايخ اولوب ايج اغازدن سمع همايون واصل اولد قله دو تيمار تيمى اسبابنه شروع اولوب  
 كريد سفرى ظهورينه باعث وعجه ولايتلر فتنه سبب حادث اولمشدر استيلاء اسوج بر بلاد  
 نجه روم ايمپراطورى فردنيان دوس خيانتده كند واوغلى بدي الكتور بكره كه انلره بوديارد  
 يدى قبال ديرلايمپراطور معين ايتد رملك استيوب انلرون بركه رد الكتور بدي در فتنه طرفندن  
 اولمغله ايمپراطور واسپانيا قراالى اتفاقيله مزبوري باصوب اولد رديله قراجه قراالى دخی غيرته  
 كاوب اسوج ايله اتفاق ايلدى ونجه ديارى لوزرينه يور يوب اسكى براغى الوب ضبط  
 ايتدكارنى اعيان سرحد بدون دردولته عرض واعلام ايلديله عرضلرى شوالده كلى  
 اسوج ايله نجه اراسنه بوجنك تمتد اولوب بيك اللى يدى سته سندن صلح اولمغله سورندى  
 بالاخره نجه ناچار قالوب ضعيف اوليحق السا سيما اولكه سنى قراجه يه وپومرانيا اولكه سنى  
 اسوج ووروب صلح اولديله نزاع اردل ونجه سابقا نجه ايمپراطورى اردل سرحد نه  
 واقع نجه اولكه سى اراضيسندن يدى ناحيه بى بتلن غابون ووروب كندى حيائنه  
 اولد نجه متصرف اولوب كيرون نجه بكرينه وريله ديوعهد نامه سندن شرط ايلوب بتلن  
 مرد اولد قد نصكره راقوجى بواثنا ده اول ناحيه لره ال اوزادوب ايمپراطور رضا ويرميوب  
 راقوجى اسوج عسكريله خبر لشوب دردولته پى دري آدمار ومكتوبلر كوندروب فرصت  
 زمانيدر اورتادن اسوج سر داري اغر عسكر و تيمش پان طوب ايله كاوب بتر  
 بورغدم ايله بر سا قوم شهرلى اراسنه نجه دن نادار عسكرى بوزوب بر طرفندن اردل  
 ممالكى اوزرينه سردار اولان پلاطينوس بكي كه يدى الكتورك بريد اغر عسكرى ايله  
 گلش ايكن كيرون دونك اقتضا ايلشدر اردل عسكرى اردينه دوشوب هر كون قيروب  
 قومقده در مقدار عسكر ايله امداد اولنور سته تمام مرتبه مصالحت كوريلوردى ديو  
 ابرام ايدوب ايمپراطور دخی دردولته مكتوبلر يازوب راقوجيدن شكائى مشعرو صلح  
 وصلاحي تجدد ايجون تكرار اچلى كوند رملك اوزن اولد وغن ييلد يروب تكرار  
 راقوجيدن مكتوبلر كاوب پاساريموده صاحبه طالب دكلدر بوطرفه سردارى اوج بيك  
 تفنك اندازويدى بيك اتلوايله برد فعه يدى ناحيه قلعه لرندن اولان سمنده قلعه سنده دك  
 گلش ايكن اردل نيسه عسكرى كارنده جمع اولوب اون بيك قدر پيده وسوار اولد قله  
 پلاطينوس بكي دخی قالقوب اق يايلاغه كندى زير اسوج عسكرى نجه لويى  
 بوزوب ولايتنه قشلا يوب دردولته دخی مكتوبلر كوند ر جكدر ايمدى ايمپراطور اول  
 اجلدن صاحبه طالب اولدى ديمش سرحد عسكرندن بيك بشيوز قدر اتلوايله امداد  
 اولنوب اورته كوزاينه اردل نجه ايله ملاقات ايدوب نجه عسكرندن چوق بالا پاشا وكسه  
 دوشوب انهمزاه قريب بر حال ايله تنك طاغستان يولاره دوشوب يول وافر اغر لى  
 دوكر ك كيدوب اردل قلا عتدن چمنه نام قلعه يه پلاطينوس عسكر كوند زوب  
 محاصره ايتدر مشيكن راقوجى ينشوب تخليص ايلدى اسوج سردارى دروزن دول



طوقوزيك تفنگ اندازوييك سكرتور اناويله دانيلك عوستاوش نام سرداري اون ييك  
 پياده ويدي ييك اتلو ايله يوريب ايمپراطوريج قلعه سندن عيالتى قالد يروب كيرو طونه  
 او زردن لوغجه نام قلعه يه كيودي اسوج دخي نمجه ديارينه محكم كيرو كندن راقوجي  
 مكتوبند جا سارك مراد نه دفعه مساعده اولميو ب عوق كوستيله كون لم نه ظهورايدر  
 باري بو وجهله ضعفي حالند برغاليله صلح اوله ديم ياندي ياقلدی لكن بری طرفه عدم  
 اتفاق و دغدغه اختلاف و شقاقدن اعتيان مجال اولدی و اولیدی ناحیه دن بجه يه  
 بلا طينوس قودوغي قيودانی سكرتار می ايله طوتوب ساير لرني قتل ايلدي يور ائنده  
 اورته مجاردن مكتوب كلوب راقوجي بو بهانه ايله ظهورايتيمك استر سرحد ده اللى الشمس  
 پان قريه يي خراب ايلدی ديه شكايت ايتلمی چاسان قائم لی اولدی بالاخره نمجه  
 عسکری لبوه نام قلعه كه اوج چانی عظيم خندق و تباقي ورجانی قلعه ایدی تحصن  
 ايدوب اوتورديلار دل عسکری ظفر بولا ميوب دوندی چاسار دخي له قرالی لادس  
 لاوسی اورته يه قویوب اردل ايله صاحبه طالب اولدی روسيه و يوه سی له طرفندن  
 اردله كلوب صاحبه متعلق سوزكلجي ايتدي لریدی ناحیه كيرو اردل قالمق اوزن قرار ویرلدي  
 اسوج عسکری ايار نام نمجه سرداری بوزدقد نصحه پتر بيو رغوم شهريني الوب عسکر  
 قودی واپكجي سرداری اول جنگ اولان محله قریب برادر بنده يدي ييك تفنگ انداز  
 وضع ايدوب مزبوري چاسار جانيه پکورمك استد كده كتر مارقواكه اولوب باشيما كمينك  
 عسکريني ياتنه الوب اول محله قریب نمجه نك تارغوينا نام معتبر قلعه سنی محاصره و فتح  
 ايلدی كتر مارقونك يواحوالی ساقسو نيادوقه سی ايشيدوب برمتين قلعه يه تحصن ايلدی  
 كتر مارقونكر ابرو نام برمتين قلعه اوزينه واروب حاكي خلقی ايله دين بابنده نزاع اوزن ایدی  
 اختلافی سببی ايله بوزولدي لر حاكي بر قاج آدم ايله اق دكرده خان بوزاغ نام قلعه يه فرار ايدوب  
 دامادی جنگده دوشدی وفلاندر يادن غراته هوام نام مشهور قلعه يي فرايحه عسکری  
 الوب غاد تا دام شهريني محاصره ايلدي لر و هولاند يادن نكرار اسوج عسکرينه فرانسلك  
 امدادی كلوب اول سنه اند قشلا دی آمدن اياجي نمجه استبوسنه اربع و خسين والف  
 شعبان المعظمه نك اون يدن ثلثا كونی نمجه دن استعجال از نه اياجي كلوب غليه  
 ديوان اولوب يوم تر بوزده عتبه هما يونه رويال ايلدی نمجه قرالی جانبندن متعين اياجي  
 كليه لي اون دورت ييل اولش ایدی حتى ره قمصطغي ياشا بغداددن صدارت ايله كلوب  
 مقامند استقرار بولدي قه اياجي سرحد كلوب و خبر كوندروب استه بزوار مق اوزر يوز  
 بشرط انكه سزدخي رهن طریقه يله برآمد مكری بو طرفه كوندن سز زه بدل بوننه طون  
 ديمشیدی دردولته قيو كتحدا سی ايله ترجمانلر يو مد عايي و زيره عرض ايتد كلرنه  
 غضبه كلوب چقمز سه جهته باشی اكابدل رهن كوندن مه نك معناسی ندر پادشاهمرك  
 قايجی اوزوندر خصوصا يوبيله وقتك آدم كو ندر مك بي وجهدر حاجتی ايسه چقسون  
 ديوب كفره يي تعنيف ايتد كه خبر واروب ملعون ينه تعند ايدوب سرحددن مملكتنه  
 عودت ايلدی وعادت طبيعيارى اولان بطوه و نامل ايله چقمق و چقماق خصوصنه

تردد اوزن ايتكن رو جانده فتن غريبه و تبدلات عجيبه ظهور ايلديوب اول طرف ايله تعيد  
 معوق اولمشیدی چون مصطقي پاشا دوری كچوب عالم مجدد اولدی و نمجه ايله  
 مجار ار اسنده شقاق ظهورايلدی بالضروره اياجي كوندروب دردولته مراجعت ايلدی  
 نمجه ايله مجار طائفه سی بينمندن اولان شقاقك ذكر اجماليسي بو محله كاجه فذ لكه دن مأخوذدر  
 امامورخ شارح المنار زاده تفصيل ايدوب دير كه سابقا مجار كفاری نمجه چاساري طرفندن  
 قز الوب قزه جهاز ديوب قراج ناحیه سيله برقلعه يي محان تملك ايتمشلر ايش بعد زمان قز  
 هال كه اولد قه نمجه اول قلعه يي استرداد ايجون خبر كوندروب مجار دخي سزانی جهازلك ویرديتر  
 حالا بزم ملكمز اولدی استرداد نامعقو لدرديد كه چاسار بزانى اگرچه قزه جهاز ویردك  
 لكن حيانده اولد قه متصرف اولوب بعد الوفات استرداد اولمق اوزن قول ايتمشيدك ديب  
 منازعه و مجادله محاربه يه مو دی اولوب چاسار طرفندن لشكرو واروب اولحصاری  
 قهررا اخذ و استرداد ايدوب مجار دخي عسکر جمع ايدوب نمجه ايله اغاز جدال ايتد كد نمجه  
 عسکری دخي مجار قصدينه مجتمع اولوب مايينلر نه حروب و وقایع كچوب اسوج واقره سده دخي  
 نمجه اوزينه ظهورايدوب چاسار ك اوغرا ديف مضايقه مفصل ذكر اولمشدر طوايف كفار  
 بر لريله خردل اشرق ضرر لری سرحد اسلاميه يه طوقفق احتمالی اولوب حتى سرحد  
 محفوظه قلاعی مضافاتندن بريانقه تاراج اولمشدر ديو سرحد لر طرفندن دخي عرض  
 و محضر لر كلد كده مقدم ماها رفصلنده روم ايل امراسی و عساکرندن جموع فراوان  
 صورتا سرحد محافظه سی و معنا مجار طائفه سنه امداد ايجون كوندرباوب اوسك  
 ويدون سرحد لر نه عظيم جمعيت ايتمشلر ایدی نمجه چاساری ايسه حددن زياده عجب  
 ويندار صاحبی اولوب ادعا و استكباری بر مرتبه ده ايد يكه سلطان مرادخان مرحوم  
 فتح بعد ابشارت نامه سيله مقدم قيو جي باشی خندان اغازاده يي كوندرد كلرنه  
 چون بو طرفدن اياچيلاك ايله اند واران قيو جي باشي لره تعظيما چاسار لر قيام ايتك رسم  
 قدیم ایدی بو چاسار مزید كبر و غرورندن خندان اغازاده يه اون يوك اقچه كوندروب  
 بني قيام ايله الزام ايتكدن فازغ اولسون ديد كه خندان اغازاده معاذ الله اوتورديني خانه يي  
 زرمسكوك ايله طولدرسه محالدر عرض ياك دين و دولته نقص ترتب ايدجك امر جزييه  
 دنيا مالنه رغبت ايتم ديوب مبلغی قبول ايتميوب وارد قه يينه چاسار متجاهلانه كويا  
 باغچه تماشاسی ايجون قيام ايدوب وهله اوليد اياچي نك يوزنه بقميوب پنجره دن  
 طشره باغچه يه نكران اولمشیدی بعد زمان اياجي يه باقوب مقتضای مراسم اوزن توقير  
 ايتد كد نصكره قعود ايتدی اول طائفه نك نكبر و تعندی بمر تبه ده درجناب حقت  
 هنايت عليه سيله اول چاسار باهر الخسار بو قدر غرور و استكبار ايله هجوم خصما مضايقه  
 سندن ناچار اياجي كوندروب دولت عليه طرفندن محان امداد ویرلكدن و همه دوشوب  
 كاكان صلح و صلاح مقرر اولمق رجاسنه عرض عبوديت و نيازی اخذ ايلدی كان  
 اياجي سابقا سلطان احمد خان مرحوم عصر نه كان كبر ایدی اياجي خانه قوندرباوب ذكر  
 اولنان ثلثا كونی غلبه ديوان اولوب و اچينك پادشاهه بولوشمه سی تنبيه يورلدي اتفاق



اول کون زیادہ یغمو ریغاردی حسب الامر چاوش باشی مستند ام کھنڈ ازادہ و اختیار چاوش خانہ  
واروب ترجمان واسطہ سیلہ قالمق پادشاہ عالمینہ حضرت نازینک خا کیا یونینہ دیودعوت  
ایلی ایلی کبرمالا کلام ایله او تروپ ہدیہ سنی مقدم کوندردی بیشکشی اولاکشدن  
مصنوع برشادروان ایلی یکہ قم ساعتی کی چوریابو اشاعیدن یہ قاروصوچرا یوب تاسقفتی  
دو کردی وساعت مفتاحی کی مفتاحیله یوریابو مناسب فسقیہ ولولہ لری وضع اولند قہ  
کاه برکاه اوج کاه بش کاه اون بشدن زیادہ صوچرا یوب اقردی تمام صونی دو کند کاه اول  
برجانی دو ندیابو ینہ همان اول صوصنعترا یلیه صوچرا یوب حبہ سی ضایع اولمزایدی  
وقوریلوردی وینہ یوزیاوردی بہ رمہ میخرا یلیه ساعت شکند ضابطہ ورباطہ لری واریدی  
یوشادروان غریب الارکاندن ماعد الوتوزعد سیم حن کہ طلالیله اندودہ ایدی کذلک  
برستی و براکن واریق کہ غلاقرا یچندہ اولی فضہ ایدی جلہ ہدیہ سنی سرای عامرہ یہ  
نقل ایندیلوچاوش باشی ایلی یہ ابرام اثناسندہ براقضا حسبیلہ طشرہ کتد کہ مکرانمندن  
ایلی مغبراولش چاوشلورہ ترجمان وساطتیلہ خطاب ایدوب بن پریاشاھک ہدایاسن  
پریادشاھہ کتوردم وحالا بیشکشی حضور ہمایونہ وارذیمی یوحسہ وصول بولمادی خبر  
کلمبجہ یرمدن حرکت ایتیم یوچاوش باشی اغاچون اولیلہ ابرام و ترک حرمت ایدراولاییلہ یغمو رلی  
کوندہ زہ ابرام نہ دیکدر بزم نہ عرض نہ رغبت نہ بیشکشی نہ صورتی قالور طوتالم  
بزم پادشاھمزک عرض ورغبت نہ تقید اولندی یاسزک پادشاھمزک عرض نہ اعتبار لازم  
دکلمد رکہ بویله یغمو رلی وچامورلی کوندہ زہ ابرام ایدرلردید کہ کلام یاردینک مفہوم سردینی  
ترجمان چاوشلورہ تفہیم ایلد کہ چاوشانک اسکی اختیاری و آستانہ دولتک قدیمی امکداری  
پیری چاوشکہ اخی وسادہ دل ایدی لکن بابایانہ سوزلریلور معقول کوی آدم ایدی جواب  
صوابہ موفق اولوب دخی ترجمانہ دیدی ایلی بکہ سوریلہ اچیلور برکشادہ کوندہ مرتب الای  
کونہ جمعیتیلہ واروب ہدایاسی دخی متعدد دکسہ لریلہ کیدوب طنطنہ مالا کلام  
ایلی خلقہ عرض احتشام ایتیم مراسمی بربلر دکیلوز اما ابرامزک اصلی بودر کہ بزم پادشاھمزک  
سوزی بردر ایکی دکلدہر همان ہرنہ لفظ کہ بیون لموجی اجر الوتغہ محتاجدر تغیر و تبدیلی  
محالدر بیورد قوری سوزدن برفردانلری صرف و تبدیلی نہ احتمالدر لکن کون مبارک  
لسانلرندن سزئی اکوب بیوردیلر کہ ایلی یتر زجت جکدی باغلرہ باغچہ لہ اوکرتش آدم  
خان یوچاغندہ طارلسون کلوب بولیشوب جوان آلوب ایلنہ ولایتنہ صفاوراحتہ کنسون  
قننی کون کلسون دیواسنیدن اولند قہ یوکون ایچون صالی کون کلسون دیویور مشلردی  
سوزلری براولغلہ امرینہ امتثالادیان ترتیب اولنوب سزئی دعوتہ کلدک حالا پادشاھمزایسہ  
کلیبور دیمنتظردر واعیان دیان مہمی استقبالدراول سبیدن ابرام اولنوراکر کلاملری  
اوزن حرکت ایتیم سیک اللہ صقلاسون وزیر اعظم حضور نازینک باشی کتمک لازم کلوردید کہ  
ایلی ملزم اولوب طوتالم بویله دریا بونیر قالمق دیہ ابرام ایلیہ ترک حرمت نہ لازم دیہ تشکی  
صورت نہ مستمر اولد قہ ینہ پیری چاوش لوندا نامہ دن ضبط مقال و ترجمان لسانیلہ جواب  
ویروب عالاتاج ساعتدر پادشاھمز ایلی قدومنہ منتظر درجائز کہ کج وارلد قہ متالم اولوب

ایلی بکہ برالم ویا دن تطرق ایلی کسندہ شفاعتہ قدرت یوقدر قرال جانی رنجیدہ اولہ حق  
پوشی ظہور ایتسون دیر ز ایلی یکی قایدیغمر ایچون عجلہ ایدہ رزدیوناز کانیہ توہم ایلیہ  
ایلی بی برندن قالدردی دیوانہ وارد قہ عادت اوزن قیوچی باشیلر قولتوغنہ کیروب اوکنہ  
دوشوب ایلرودہ وزیر اعظم بیشکاکہ تحت ہمایونہ وارد قہ قیوچیلر دامن ہمایونی مزین بوس  
ایتدر دیر سلطان ابراہیم خان حضور نازی شدت و سرعتلہ نیر تیر بعضی نسنہ ل صورتوب  
ایلیچینک عقلی پراکندہ و سر سوداویسی سراسمہ اولوب اکرا اکمز ہما مکن جواب ویروب  
حیرتندن لرناک اولوب ارتعادتدن پرماعندہ دورت بیک فلوری قیلتور الماس انکشت رینی  
حضور ہمایونہ دوشوروب مہابت مجلس ہمایون حیرتندن خبر دار اولیوب طشرہ چقوب  
قوانغنہ کلد کہ خاتمی خدمتہ سرای ہمایونہ بولد قہ نازینک بوقولی ایلیہ کوندردیلر کتوروب  
کندویہ خاندن تسام ایتدی لری ایلی سراسمہ اولدوغنی نقل ایدوب بن سلطان احمد خان  
حضور نازینہ کلد ایدی حلیم و متانی پادشاہ ایدی بکا سواللری رفق و ملائمتلہ اولدی  
اما یو پادشاہ عالیجاہ عجب یاوزونیر مزاج پادشاہ اولوب قتی نیز نیز سویایوب عجلہ ایلیہ  
صور مغلہ سواللری بر خوش اکیلہ مدم ہم قیوچیلر ال اویدر مہ دہ بازولری بیک طوتوب  
اوتور تمقد قالدردی علف ایلیوب میانمی اغرتدی لری دیوچیر و دہشتنہ اعتراف ایلدی  
نامہ سنک خلاصہ سی یویشکہ اردل حاکی راقوچی کندویہ تعین اولنان یدی ناحیہ ایلیہ  
قناعت ایتیموب نجہ طوپراغنہ تعین و تجاوزدن قصیرید ایتیمی ایچون مستقل حکم  
ہمایونہ آدم کوندردی رجا ایدوب کا کان صلح صلاح اولغنی نیازلش طرف پادشاھیدن  
ماملونہ مساعلہ یورلدی احوال لہ لہ قرالی لادسلوس دخی دردولتہ نامہ کوندروب تاتار  
خاندن شکایت و ظہار نظم ایلیوب یوطرفدن قزاق ضبط اولندی اوتہ دن دخی تاتار ضبط  
اولنہ صلح یوزلیہ و خانک ویرکوسی یورجمر دکلد لکن اجدادیمز وعدہ ایتیمکلو ویریلہ کلشدر  
یوچاق تاتاری سابقا قریمہ سوراشیکن کیر و کاوب تمکن ایتدی لری دیو قالدردی رجا ایلدی  
خراج اردل سابقا سلطان سلیمان خان اردل ولایتی اون بیک التون خراجہ کسوب سلطان  
سلیم عصرندہ برایکی سنہ اون بش النغلہ کیر و اون بش بیک طلب اولند قہ راقوچی یو بابدہ  
ضراعت نامہ کوندروب دیشکہ اگر چہ برایکی سنہ اون بش بیک ویرلشدر لکن بتلن حاکم  
ایکن بش بیک انعام اولنوب کیر و اون بیک ویرلک اوزن قرار ویرلشیدی اول منوال اوزن بش  
بیک عفو اولغنی رجا ایتیمش دردولتدن مساعلہ اولنما مغلہ نکرار مکتوبی کاوب روز حضوردہ  
جملہ بزرگوار اولزمان بقولہ قرار ویریلور دیاول وقتہ حوالہ ایدوب نکرار جمہور طرفندن  
عفو رجا اولنغلہ اون بیک التون قہ قرار ایلدی صورت مکتوب اسوج اسوج سرداری اردل  
حاکی راقوچی یہ اولد خا آستلہ یہ کوندردی کی کاغذک ترجمہ سید زار دلہ کانیہ معلوم اولہ کہ نجہ  
ایپراطور بیک سرداری غلامش جملہ عسکریلہ مرویدن آخر کوز ایتیمک بشخی کونی مارده  
بورغوم نام شہر یاننہ قونوب بندخی واروب اوہ یاننہ قریب یردہ زول ایدوب بعد غلامش اول  
مجلہ قریب برکوجک واروشہ عسکر کوندروب بن دخی برمقدار کزیدہ عسکر ایلیہ اوزرینہ  
توجہ ایتد کہ غلامش کندی اردینر جہ عزیمت ایدوب طابور بزرگ طابور نغلہ دوشوب بردخی



اوزر اینه وارد قلعه عظیم قتال اولند قلعه الله تعالى بزی غالب کتوروب عظیم یوزاقلنی ایلدک  
 وجه طو بلرینی وجبه غانه سنی واوردوسنی الدق تمام یوزد قدن صکر غلامش اول واروش  
 غارتنه کوندر دیکی عسکر اوزرینه دخی واردق اخی دخی یوزوب قیردق سرداراری کرفتار  
 اولدی بواننده عظیم قیش اولقله عسکر یزده سا قسونیا وجه ناحیه لرینه قشلاق  
 ویریلوب ان شاء الله تعالى هو الصند قلعه بزم ثانی سردار یزمار قونی عسکر ایله ایکی اوج کون  
 کند و مزدن یلر کوچوروب کند و مزدخی اردجه یچ قلعه سنه توجه ایدرز خروج قالمق سنه  
 مزین و قایعندند که قریب هتوز محمد کرای ابن سلامتکرای تاتارخان ایکن قالمق  
 طائفه سی که مانند سباع بر قسم طائفه در خروج ایدوب یوزیک قدر ملاعین که دوز  
 وانات جوشن پوش واردر خروشار در عورتلری ارزندن زیاده جنک ایدرلر اوزون  
 تبال تاوکیه قولانوب اوق و سیفدن غیری سلاح بلر لائل صوبن یچوب قریه قصد  
 ایتد کلر نایه لاری چراکسه یه اوغرایوب چراکسه امراسینک اعظمی اولان الایق که  
 قیارتای طائفه سنک بیکدر که حقشوق و استوقدن بیو کدز اون بک تفنک انداز  
 چراکسه ایله مرلری اولان دربندی سد ایدوب صباحدن وقت عصره وارجه قرشون  
 اوردیلر انلر ایدسه خوف و هم بلیوب حمله ایتد کار بجه یوسیده اشجار کی یقیلوب اول  
 اشناده خال قراندن طوغهش باتار میرانندن اولان سلطاناش میرا که خان تاتار طرفندن  
 الایق بکه آمد ادموار مشیدی قضا ایله باشنه اوق اصابت ایدوب شهید اولدی قالمق  
 ملاعینک ایدسه بککری پیو این اکثر ایله کشته اولوب باقیلری منم بزم دویوب مملکتلرینه  
 کتدیلر مرخوم سلطاناش میرا زوم بیک اوغلیدر روقعه چول بکی عساف در حلب  
 یاد شاه عالیه ادرنده تفرج کاهه کتد کلری اشناده حلب ایالتی وزارتله ساحد اراضه  
 ابراهیم پاشایه احسان یور مشلر ایدی انلردخی واروب ایالت حلبک ضبط و ربط و حکومتنه  
 مشغول اولدیلر اول اشناده حلب اطرافده کرن خول عربانک بکی میر عساف نعین  
 صاحبی اولوب وزرا و امرا اولد بقی دیارلره اوغرایوب زمیه و اخوه نامیله عربستان  
 قریه لرینی انصافدن خارج حقلیوب زمان امارتنه عربان استقیب سنک دخی جوز  
 و تسلطاری و قطع طریق و مفاسد لری اکسک اولیوب ماصلی ازاله شتی متعسر ایدی  
 حلب والیسی ابراهیم پاشا کوردیکه عزل قبول ایتدی و تیغ سیاست التنه کلز ککند و  
 قریحه سنندن برتد بیز نادرسته شروع ایدوب بعد ایوم سیننه صافی اولق قولیله میر  
 عسافه رای وروب ضیافت ایتک ایچون دعوتنه آدم کوندردی عساف ایدسه اولدن  
 امین دکل ایدی یوخصوصه اعیان حلبدن بر معتمد القول معتبر آدمک توسطی اولدیغندن  
 مسشعر اولوب بزیاده و حجازلر معتمد اولمش عربان قبیلندن نوزیلا معظمه یه و قرب  
 شهره وار دیغمز یوقدر پاشا حاضر تلری بزی ضیافتدن غفویور سو نلر حلیه وار مقدر  
 بزم ایچون محمد و وار دودوب بر قاج ات کوندر ووب عذر دیندی اعیان شهر دن دلی  
 قورد نام کسنه بی پاشا ماینه توسط ایدوب وار شوغری ایلندر را یزده اعتماد ایتد وروب  
 ضیافتنه کتوردید که دلی قورد بچواننده سلطان عربان حلیه یقین کلز یچ اولمسه

حلبه بر قوناق قدر مسافه تبعید یزه کتون ییلورنم ینه سوزم یکمش اولور دیدی  
 پاشا و ایددی زه یه راضی اولور سه ضیافت اول موضع کورلسون دیوب کوندردی  
 دلی قورد وروب نه سویلیدی ایدسه سویلیدی حلبه تخمینا بش ساعت قریب نام محله  
 کله لری اوزن قول و قرار ایدوب هدیه لایله دوندی پاشا دخی اول مو ضعه متعدد  
 چرکلر و طباخلر و سائر لوازم ضیافت هر نه ایدسه بر قاج کون اول کوندر ووب شهر  
 خلقی عوم اوزن تدارک عظیمه ایله جیقوب پاشا چول پادشاهنه ضیافت اید ویرمش  
 دیو عامه خلق انفس لباسی کیوب مزین آتله ده بنوب سیر و تما شایه کیدر کی  
 قوج قوج محل ضیافته چکدیلر یوم معهودده پاشا دخی آلائی عظیم ایله بنوب لوندات  
 وایچ اوغلانی و شهر اغلاری عموما شهر دن چقدیلر امدادی قورد پاشایه علی السحر  
 واروب دیمشکه سلطانم اگر عسافی اولدر مکه نیتکرو ارایسه بودعهده محالدر زیر امان  
 یورلدیسی و دستمال ویردیکر ویردیکر امان یورلدیسی قویننه قویوب دآب دیرین  
 عرب اوزن دستمالکری بویننه صاردی کانه بعد ایوم سنک اما نکز تحتنه امین اولق اوزن  
 کاورلکن عرب طائفه سنده اولکی کی حق بدوت قالمشدر اکثری حیل خدعه یه  
 واقفدر قتی چوق عربان ایله کلک کرکدر طرفکردن بر قصد بکتر ظهور اید رسه ظفر  
 متعسر در مقاتله اقتضا ایدرسه بزم عسکر یز غافلدر خوف بودر که بر فضاحت اوله  
 معقولی بودر که بودعه ملاقات و مهادت مراسمی اجر اولنوب بعد لک تدارکنه  
 وجه آخر ایله چان کوریله و هم رای و امانه خیانت ایلدی نامی حقکرده شیوع یولورسه  
 بردخی هم بر مملکتک عشایر و قبائلنی استمالت و تسخیر اید مرسر دیو وافر سویلیدی  
 پاشا جلب مشرب معتبر جه دولتلو ایدی دلی قورده ازار ایدوب ضیافته طاغردیغمز  
 آدمی رای ویرمش ایکن اولدر سکمی کرکدر دیوب اسکات ایلدی دلی قورد سزاعلمسز  
 دیوب چقدی محل معرکه یه یعنی موضع ضیافته واردیلر مکر پاشا مطرچی و تفنگچیلرینه  
 تنبیه ایتمش ایش اولان آلائی تفنگلرینه چفته قورمشون طولدر ووب عساف  
 رکاب یوسه کلد که دوردی بدن تفنگلرینه آتش وروب اوزن لاندرد تفنگلرین  
 طولدر ووب حاضر و مهیا ایلشور پاشا آلائی ایله بروجانیدن یو ریوب عساف بیک دخی  
 آتی بیکدن متجاوز مرز اقلوسیه پاشا عرب اتلوسی ایله قورمشون کلدیلر عرب بککریک  
 خزینه سی اولان بر قاج بیک زن داودی که دائما هر کیم بیک اولورسه انک یاننده دوه ل اوزن  
 تخمیل اولنوب کزمت قانونلر رود یوان خانه مقامنده سیاه قیلدن بافته بروسیم چولچادر که  
 اول زرها لایله چوچادر بککریک شعار دولتیدر اول زرها لایله جمله عربانه کیدر مش بر قاج بیک  
 عرب جمله پولاده فرق اولمش ایدی پاشا آلائی ایله ضیافت چرکه سنه یقلمشدر قلعه  
 عساف بیک دخی بر قاج یوزن پوش عرب ایله سچیلوب سائر عربان صحرانکها پننده  
 توقف ایدوب کندوسی ایلر و ات سور ووب حضور پاشاده اینوب تقبیل رکاب ایچون  
 یورودی پاشا دخی انیکه یوزط ووب ضیافت چرکه سنه توجه اوزن ایکن مطره چی  
 و تفنگچیلر مکر بالورنده متعدد چقما قیلری چفته قندق ایله طولدر ووب حاضر ایتیشلر



عساف دامنبوسه کادیکی کبی ایکی چقماقلی بدن کو کسنه و بر چقماقلی ارقه سندن  
یوکرینه بوستانوب عرب منان مثال بر دیو کوه تن اولغله یواوج چقماقلینک ضربدن بپقلیوب  
مکر ایچ و دن اوج عدد زن کیش ایش قورسئونلر زهرلرک برندن کجوب مسائرلینه صواشوب  
ایچ و تاثیر ایش عرب نیه اوغرادو غنی یلوب سل سیف ایدوب یا ننه اولان عربلر  
کندوی اورتایه الوب قسراغنی بنشدردیلر بوب اول عربلر ایل پاشایا ننه اولان جمعیه  
سوردیلر یکر میدن متجاوز ایچ اغاسی پاشالی قتل ایتدکد نصکره و رای محرابه صف  
بسته اولان عربانه طوغری قاجدی و قوماک خائیلری بکاغدر ایتدیله سزه اذن دیدک  
یوقدر بیک عربان فتن دفعه واحده زلغیت دیدکاری ولوله کمریه ایل صدالین  
آسمانه ابر کوروب مزراقلین سلکوب پاشا الانی اورتاده ایدی اطرافه اولان یوقدر بیک  
اتلویه قیولدیله آتی بکرک اولاب حلب یولنی طوتوب فرار ایدن قورتولدی فران محالی  
اولیان دورت بش بیک آدم صویلوب عربان راه خلیه شتابان اولدیله عربیک بعضی  
کروهی پاشا آلاینه دخی سوروب انلرده مدافعه و جنگ ایدوب طرفیندن بر قایح آدم تلف  
اولد قد نصکره عربلر چکیلوب پاشا دخی شهره کلدی ضیافت چادر لری و لوازمی و طبع  
اولمان اطعمه کثیره قازغانلر ایل تاراج کرده عربان اولوب ضیافت و عربان سیرینه  
چیقانلرک اکثری آت و اثوابین چیقوب نجه ل اولوب و بان لنوب بویه بر فضاحت عظیم ظهور  
ایلدی امیر عساف غیری عثمانویه اعتماد ایتوب عصیانن اشکان ایتکلک عربان دخی  
یوز بولوب اولکیدن زیاده فساد و طغیان باشلدیله یو خبردر دولته منعکس اولد قد  
سو تدبیر تهستی ایله مشار الیه ابراهیم پاشایی عزل ایدوب حلب ایلالتی بغداددن مغزول  
درویش محمد پاشایه توجیه ایدوب کوندر دیلریدر مرحوم حلب سرداری محمد اغا نقل  
ایلدی عساف وقعه سنه بن ابراهیم پاشا الانی ایچنده بله ایدم پاشا لیدن انجق بکرمی  
اوتوز کسه تلف اولوب پشمانه لردن قرق الی آدم صویولدی لکن شهر لیدن سیره  
چقانلرک اکثری صویلوب چوغی مجروح اولمش لیدی صکره طرف دولتدن عسافه  
استعالت نامه ایله روی لطف کوستر یلوب لمصاحت مدارا اولمشیدی صکره کتخدایک  
یکتاش اغا عسافه صاحب چیقوب قیو کتخدایق ایدوب مقرر فرمائی احسان اولند قد  
جدیز مرحوم کوچک علی اغا حلب اعیانندن کارکند بر آمدردیه مقرر امرینی عساف بکه  
کوندر مشلر و حسن تدبیر ایله دائره اطاعته کتورمسی خصوصنی سبازش ایتشلر اولوقت  
پدر دخی معاکش عسافه وارد قلندن کالعه آلا ی ایدوب عربانه زره کیدروب امر شریفی  
و خلعتی استقبال ایدوب تقبیلدن صکره اثناء مصاحبتن جد مرحوم بشط کلام ایدوب  
دولت علیه نک اطاعتنه بولنق جمله ملل دولتنک مایه افتخاری اولوب عرب و عربان  
وقبائل فصاحت پیمانک اصلی و عرقی ابوریش نسلی ابکن و خارج طور ادب حرکتی هیچ بر فرد  
سزک اوجا غکره لایق کورمز ایکن یومقوله اوضاع و هم العاقبه نک صدورینه باعث اولدی  
دیودورادور نصیح و نه باشلد قد میر عساف آه ایدوب یا علی والله بنم جورجه قدر ابراهیم پاشا  
نجمه معاهد ایچون رای و یروب ضیافته دعوت ایتدکد یعلم الله بعد الیوم صدق و خلوصه

۵۷ خدمته متعهد اولوق اوزن وارمشیدم دیدی هاوا الذروع دیو طوغری یوم معهودده ارقه سنه  
اولان اوج زرخی میدانه کتور دیلر سیر ایتدم تا کک و کسی تخته سی اوزرندن ایکی فندق  
زرخک برنی سوکوب ایکسینه صواشوب ایچ و پاشایه میخلرواری ایچ صایجه لری صایپاش  
ارقه سی جالبند کذلک بر قورسئون زره سیر ایتدیروب ورب الکعبه یوقورسئونلرک ضربندن  
ایکی آی قان قوصدم کاهم ندرکه بکابویه قیدی دیو ابراهیم پاشادان شکایت ایلدی علی اغا  
قسل و یروب اولیای نغم سنک قدر یکی یلورلر سنک احد امکه رضالری یوقدر بر اشدر اولمش  
بعد الیوم سکا واجب اولان مقام اطاعت و خدمته بولنوب عربانی ضبط ایلکدر دیه تطیب  
خاطر ایدوب ابراهیم پاشانک سکاسوه قصدینه دولت علیه نک رضاسی اولدیغی مقرر درو حلب  
ایالتندن انک عزلی سنک ایچون اولدوغی و انجدر عربان زمره سنی ضبط ایتکلک سندن  
بعد الیوم مردانه حرکت ایتک کر کسن که طرف کیرلک کلماتی تصدیق ایتمش اوله سن دیه  
هزار افسون ایله عربیک قلبنی تسخیر و طرف اطاعت و محبتن تحویل ایلدی و افراآت و قسراق  
در دولتیه هدیه اولق اوزن کوندر دیکندن غیری علی اغایه ویدن مخصوص اون قدرآت وانی  
قسراق وایکی بیک التون و یروب وایکی بیک التون دخی حلبدن حواله ایدم نقد انجام یوقدر  
دیوب مکتوب و یروب جمله آت و قسراق و سائر هرا یادن غیری اون بیک غروش نقد له رعایت  
ایلمش قتل مغربی معتقد قهر مصطفی پاشا تونسلی شیخ محمد نام مغربیکه قهر مصطفی پاشایه  
اوائل کلندن برومستب اولوب سبب انتساب اعمال سحریه ایدی دیو عداستی سروطن  
ایدرادی وزارت عالیه امر شریفه ایدر ایتددریکه کندینسی مغربیه قسام غزاة اولوب اوجاق  
کیمیری کفاردن الدقلری سفاین و غنایمی بین الفزاة شیخ افندی نهم ایدوب خدمت قسمت  
مقابله سنه کند و دخی برشی اله مصطفی پاشا زمان مغربیه واروب فرمائی ابراز ایتدکده اوجاق  
خلقی وزیرک خوفندن سکوت ایدوب معقول دیو جواب ویرمشلر ایدی اما برستیده تعرض  
ایتدمدیلر تکرار مغربی کلوب ناکید مصاحت ایدم دیرکن مصطفی پاشا برکشته اولوب  
کندوی نفی ایتدیلر مغربی واروب نیه اول بدعته مباشرت ایدم دیرکن طوتوب حبس  
ایتدکاری خبری کلدک احضارینه آدم کیدوب کتور دکر نیه سیاسته قتل اولندی تبدیلات  
مناسب ساقابو ستانچی با شیلقدن یکچیری اغاسی بعد بوسنه ایالتندن کلدک  
حبس و اطلاق اولنان وان بکیر بکیمی هر از غرادی احمد پاشا اوائل رمضان عذر  
اولنوب وان شهباز پاشایه ویرلدی بواشاده مراد اغایند اددن کلوب کتخدایک اولوب قهر  
حسن اغازاده حسین اغا صفر الید قالد قهر صهری قوجه مصلح الدین اغا سکبان با شیلغی  
حسن رضا سیله دما دی مشار الیه فارغ اولوب توجیه سلطانی مقارن ایله قهر حسن اغازاده  
سکبان باشی اولدی و جدید کتخدایک که مراد اغا در تجدید رسوم و قوانین مندرسه ایله تقید  
کوستر وب اوطه با شیلر قنی جو قدن قلاوی دستار کیمز اولمشلر ایدی جمله سنه قلاوی کیمک  
اوزن ننبیه کید ایتدی کذلک رسم قدیم اوطه با شیلر کتخدایکی دیوان دوشلرند بر دفعه  
ارسلا ن خانه اوکند سلا ملیوب و علی الاستبحال سکر دوب بر دفعه دخی سامیانه اوکند  
سلا ملق دآب اولوب ایکی کره سلا ملنور کن نجه سنه مرور ایتمش ایدیکه اول قاعد متروک



اولوب انجق سايمايه ده بر دقه سلا ملق ايله اکتفا اولنوردي کماکان ارسلان خانه  
 پيشکاهنده دخی سلا ملق اولق اوزن نبيه ايلدي صدر اعظم حضرت تاري روضان  
 او اسطنده صدرين افندي يله ضيافت والفت و محبت ايدوب اناق حساد راغه  
 اولدي سلسلته محافظي يوسف پاشا کندو في عرض والتمندن قصريد ايدوب دورت  
 گونده منزل ايله استانبوله کليکين بو خصوص ايچون ايکي کون حبس وينه عفو اولنوب  
 وزارتده برقرار اولدي بعد العيد اشير پاشايه طمشوار و پريلوب اولکون ينه استرداد  
 اولنوب و کماکان سياوش پاشايه مقرر قلندي ماه ذی القعدة نك منتصفنده خواجه  
 حسين افندي توسل ايله قدسي زاده افندي بروسه دن ادرنه قضاسنه نقل اولنوب  
 برينه عصمتي افندي بروسه قاضيمي اولدي و بواسطه يعقوبچه زاده وفات  
 ايمکين خواجه افندي حضرت تاري شيخ الاسلام افندي يه خبر کوندر ووب کوتاهيه يه  
 بر قاضي کوندر سو نرديو بيور ووب عيني ايله بيت آن کربه ستيزه قربه ازان تووان اشتر  
 خموشی لاغر ازان من مضمون اجرا بيور ديلر بواسطه مکة مکرمة قضاسندن منفصل  
 شيخ زاده افندي که تهور و صرامت ايله شهرت شعارد در صدر اعظمه واروب بومقوله اطفال  
 وضيمانه بويله مناصب کبار و پرلک نه ديمکدر ايچون بزم احوال ايله ثقيد ايتير سزديد که  
 بالي کسره بي اربه لق و يروب ارضا واسکات ايتديلر و بالي کسره قاضی يونس افندي  
 کوتاهيه يه نقل اولندي خواجه افندي علی ايله ادرنه قدسي زاده يه و پريلوب نايي وارمش  
 ايکن صدر اعظم شيخ زاده نك اطاله لسانی بهانه ايدوب بو توجيها ت مدخول بهادر علما  
 و شيوخ طريق طعن ايدورلر ديوب ادرنه بي مصدر دن معزول بسنوي شعبان افندي يه  
 توجيه ايتديلر حکليه معمار قاسم اغامعمار مشار اليه مرحوم قره مصطفی پاشا نك جمله  
 المكي و محرم و همدی اولغله منکوب اولوب سنه مئرون چماذی الاخر سنه کليبولي يه  
 نفی بعد عفو اولنوب خانه سنه مئروي ايدی ايو لک ضايح اولنورلر مکر خجی خواجه نك  
 ابتداء ظه ورنه بر مقدارد و سئل قري و معامله محبت ايله مناسبتلری و ارايش حتی  
 خواجه افندي ابتدا مدرس اولد قده صوف و عرف ولو ازم مهمه سيچون قاسم اغادن  
 بر مقدار لچه قرض استر اولدخی يوزالتون صره ايدوب بو کند و لزه هبه اولسون ديوسلام  
 کوندرر خواجه مدرسه تشکرينه عرف و صوف ايله صدر اعظمک دست يوسنه واروب  
 دخوله استيدان ايتد که مرحوم مصطفی پاشا مقتضای طبعي اولان قضاظت و غلطت  
 اوزن قاشلرين چا توب بومقوله مجهول کسه يه مدرسه و يروب خلقيک اوزرينه تسليط  
 نه بلادر ديوب حضور ينه اجازت و يرمدي معمار قاسم انده حاضر ايدی يعنی سلطانم ايچون  
 تهور ايدرسز لياقت ديد کلي پادشاهلرک ووزر انک نظر هم تليد رکسر خاطر معقول  
 دکدر پادشاه حضرت تاري چراغ ايتش معقولي سز دخی التفات ايله مجبور خاطر ايتکدر  
 ديوب چيقوب خواجه نك قولتو غنه کيروب افندي بيور صاحب دولت حضرت تاري نك  
 حرججه استعالي لري و ارايدی شمدی سز ي استديلر ديوب ايچو و ککو تور ووب وزيرک النی  
 اوپديروب خواه و ناخواه اکرام ايتد يروب خواجه بي مطيب خاطر يوللادی اول اجلدن

خواجه افندي دخی پادشاه معماری قتل مراد ايتد که رجا و تخليص ايدوب کليبولي يه  
 نفی ايله قور تاروب بعد شفاعت ايله خانه سنه کتورتشيدی و هل جزاء الاحسان  
 الا الاحسان مصدر اقبچه طرفدار لغتده قصور ايتديلر اتفاق بواسطه پادشاه حضرت تاري  
 معمار جديد مصطفی اغايه فرمان ايدر که اسکدرده معمار قاسم اغاي ايدوغي اخور ماتندی  
 و اخور يابه رمضان آخر نك تمام اولوب خواجه افندي ايسه دائما قاسم اغا ايچون مترصد  
 فرصت ايدی پادشاهم عجب باو اخور نقد مرصوف کندی معلوم همایون اولسه ديد که  
 پادشاه دفتر استدی معمار جديد دفتر و يروب کورد بيلر که اون بيگ بشيوز غروش يازلش  
 پادشاه غضبه کلوب بو اخور اولکي اخورک نصفی قدر انجق و اربه قدر مال نه يه کندی ديوب  
 قاسم اغادن اخور قد يک دفتر ني طلب ايچون خاصکي کوندردي قاسم اغا ايسه محزون  
 گوشه عزلتده او تروب عنايت الهي ظم و رينه منتظر ايدی خاصکي کلوب دفتر استد که  
 والله اول اخوري ياپديغمدن پروان سنه دن زباده مرور ايلدي خاطر مدن کمتشدر اما  
 اول عصرده شهر اميني اولان حسين افندي نك روز ناچه سنه وازدر ايدن يوقلنسون ديوب  
 جواب و يردی زوز ناچه دن صورت دفتر چيقاروب پادشاهه کتورد بيلر اوج بيگ اللى غروش  
 يازلش استقامتی ظهور ايدوب پادشاه ديرک قاسم طوغری ايتش ناحق يره افر عزل ايلدک  
 چوق کچمدی مصطفی اغامعمار لقدن عزل و خواجه افندي هميله قاسم اغا نکرار معمار  
 اولمشدر احوال خان باچرا کسه چرکس طائفه سنک بيکي اولان حشمتيک بيگ که بهادر کرای  
 خان زمانی ساثر چرکس بکدر نك نصبر که کلوب خانه بولمشوب بهادر کرای عتاب ايتد که چرکس  
 بکليرى تمله اندلشوب عهد ايتمشلر ايد بکه سکا کليمه لر کند و لر اندی يوزوب کلد پلر بن اندیمی  
 محافظه ايدوب کلد م تا که اناجر جمله کلد پلر اند بوزان بن اولدم اکصبر که بن کلد م ديمشيدی  
 برادری اتونق بيگ دخی کلوب خلعتلر کيوب کتمشيدی و خان اللى مقداری سکبان ايله  
 نفتکچيلر اغاسی رمضان اغايي حشمتيک و کذلک تيمور اغايي اتونقه قوشوب کوندرمشيدی  
 و خان کند و اوغلي صغير خا زاده بي اتونقه و يروب اتابک دیکدی حشمتيک بواشدن الم چکوب  
 شايد اتابک اولغله چرکس امارتن بالکليه اتونقه و يره ديولشکر چکوب قرنداشی اتونقی  
 يا صوب جنگ و تالان ايلشيدی اتونقه دخی کلوب بهادر کرای خانه شکايت ايتد که بهادر  
 کرای اسلام اغايي برکروه تا تار عسکری ايله حشمتيک طومغه کوندردي حشمتيک دخی ازاق  
 بيکي سياوش پاشايه قاچوب اولدخی مزبوري خانه و يرميوب عرض ايتد که مرحوم مصطفی  
 پاشا اشار بيله امر اصدار اولنوب حشمتيک آستانه سعاده کتورد يلوب پادشاهه ال  
 اوپديروب سلطان احمد خان وقتند کند و يه ويزلان منشور امارت چرکس تجديد اولنوب  
 کوندرمشيدی اول ائاده بهادر کرای خان فوت اولوب محمد کرای خان اولد قده وزيری قيد و  
 اغا و ساطعيله اکار عايت و استمالت ايتمشيدی حالا اسلام کرای خان وارد قده حشمتيک کلوب  
 خانه بولشدي که قرنداشی اتونقه تقدم ايدوب انتقام اله و تارخانی قريدن قالد يروب  
 کند و ولا يئنه کتور ووب ضيافت واکرام صد دنه ايکن اتونق چون عاقل ايدی عمل نهانی يه  
 شروع ايدوب خفيه خانه شی و عدا ايتکين عقلاي مملکت دخی طرفنده بولمغله خان دخی



دفعاً الخصام حشمی قتل ایدوب چرکس امارتی سراپا آشوتقه و یروب ینه انک رایله  
حقشقی اولکده سن اوروب وافر چرکس اسپری پیدا ایتدی و انتو تقدن بیحد هدایا  
اوب ملک چرکس زیر حکمنه صاف اولدی بوشاده قیودان بکر پاشا وفات ایتدی یکی خبری  
کاری ماه رمضان یکچری کاتبی محمد افندی مغرول ویرینه ارناد و محمد افندی یکچری  
افندی اولدی مقداد و سلطان مرادخان ساجد ازلقدن حلب الشهبایا ایلانیه چیقوب  
بعد ایکی دفعه شام شریف والیسی اولان وزیر احمد پاشا که فاطمه سلطان شوهر یدرجتف  
انقه وفات ایلدی استانبولده عددوززاده ایدی بوشاده نکه سنجاقی بکی کورچی پاشا زاده  
بعضی مجنون و خفته بنه عزل اولوب حواجه افندی رجاسیله طوپال بک که نکه بکی  
اولمشیدی برناه مورده سیدی شهرلی حاجی ایواداغلی دیمکله معروف احمد بیگ اوتوزانی  
یوک اچیه محمد ایلک طوپال بیگ اوزرندن نکه سنجاقی الیدی بوشاده رئیس الکتاب قوجه  
یوسنوی حسن افندی وفات ایلدی خلال شوالده معید احمد افندی ایکبوزالی اچیه تقاعد  
ایله مرعی اولدی محمد سارندن کلان اچی جولبی الوب ولایتنه منصرف اولدی کانون ثانی نکه  
طغوزنجی و ذی القعدة نکه بکر میخی کونی برش زاده وجوده کلوب باوجود برده شدیدی و وفرت  
برق و جلید شهر ازین باغلنوب عجب دونما اولدی بوشاده دلی حسین پاشا بغداددن کلوب  
حضور رهمایونه مصاحب شکلنده دخوله مأذون اولوب تاسلطان مراد خان دوزندن بی  
پروا سو بلکه معتاد اولغین ینه حضور رهمایونده بی تکلفانه کستاخلقه جرأت ایدوب  
خواص مقر بینک هر برینه حسب حاللرینه متعلق حرف اندازلقد قصدو رایتیوب خدمه  
و مصاحبینی انجیدردی حتی برکون ندیم خاص سلطان فی عجم میر محمد ایله ملا طغه ایدرکن  
لطیفه طعنه غلیظه به منجر اولوب میر محمد ابدن خارج نجه درشت کلمات ایتدی یکی  
طمع پادشاهی به خوش کلیوب اسماندن متالم اولان مصاحب جملہ اتفاق ایدوب حسین  
پاشا دفعی مجوز نشیمن ساق ایتدی بار بالاخره طمع همایونی دخی تحویل ایتدی یله سرحد اسلامه  
برکاردان صاحب وجود والیدن لایب اولغین حسین پاشایی بدون ایا لته ارسال ایتدی یلو  
وقایع سنه خمس و خستین و الفابتداه غزوات جزیره کرید و سرداری قیودان  
یوسف پاشا سنه سابقه ده ذکر میرو ایدن مالت کیمیری آستانه دن مصره کیدن  
دارالسعاده اغاسی سفینه سنه مستولی اولوب الدقلری سمع همایونه واصل اولدقد  
کفاردن اخذ انتقام و ثاره همت شهر یاری اولوب آق دکره سفر فرمان ایلدی یلو وروم ایلی  
امراسنه احکام شریفه کوندرلدی که اول بهارده محروسه سلا نیکه واروب آلات پیاده کی ایله  
میر میرانلری یا ننه موجود اوله لروا ناطولی ایالتندن قسطنطونی و صاروخان و حمید و نکه  
و انقره و آیدین منجاقلرینه و ایالت قرماند قیر شهر ی و نیکنده و اقسرای بکر نیه و ایالت  
سیواسدن چورم و اماسیه و یوزاق بکر نیه و سائر عسکری به حکم کوندرلدی که جمله سی  
ساقز مقابله سندن چشمه دیمکله معروف اسکله یه واروب میر میرانلری مأمور اولما مقله  
سردار لری اولان میرانور سابق بالفعل اماسیه بکی احمد پاشایا ننه موجود بولنه لروالی  
ولایت قرمان طوراق پاشا بوجله یی سفینه قویوب کوندون و سابقا حرم همایون

مغرب پادشاه اولان سلجور یوسف پاشا که طشهره چیقوب قیودان ذیشان اولمشیدی  
دو تنهای همایونه سردار اولسی قرار داده رأی پادشاه اولغین قیودانلق منصبه لشکر  
عبر و برسمه سالارنی دخی ضم و الحاق یورلدی و الطاف عطیه دن ماعد اشرف مصاهرت  
ایله سائر ارکان دولتن سردار یوز یارب ایکی یچق یاشنده دختر پادشاه جهان  
کندویه نامزد قلنوب عظیم خالرا ایشلمکه شروع فرمان اولندی آت مید اننه ناظر  
ابراهیم پاشا سراجی تریم و برایکی قصردلار او غرقه بیهمتا ضعی ایله تعمیر اولندی و خالرا  
مروارید جک یوللرده مضایقه و برر شمشینلر از الله و توسیع طریق قلنوب لوازم تزویج  
اهتمام تام ایلدی یلو و رسانه اما نندن کلیمولی به نفی اولنان حسین افندی که اعیان دولتن  
ایلی عید الفطرده قیودان پاشایه نامزد اولان سلطان بلقیس شانه کتخدا نصب اولنوب  
کوکب اقبالی بوو سیله ایله آهنگ صعود ایلدی چون یوسف پاشا حاضر نلری بونوازش عظیم  
وعنایت عیمه مظهر اولوب بیله بر مصالح عطیه ایله مأمور اولدی همان روزد بیر مهمانه مباشرت  
ایدوب قضایه مسلمینه کوزجی اچون او امرایله آدمکوندردی وروم ایلی ایالتی دخی بغداددن  
مغرول کوچک حسن پاشایه توجیه اولنوب اول هفته سلا نیکه ارسال اولندی که روم  
ایلی مسکری بی جمع ایدوب بنفشه ساحلنده قیودان پاشایه منتظر اوله بغداد دن کلوب  
زغربی با شلیقدن یکچری کتخدا سی اولان مراد اغا یکچری اغاسی برینه سفره تعیین  
یورلدی و بمصوبی باشی ابراهیم اغا و خاصکی علی اغا دخی سائر چور با جیلر ایله مأمور  
اولد یلو و وزاردن سابقا قائم مقام اولان بسنوی قوجه موسی پاشا دخی سفر مر قومه  
تعیین یورلدی که سردار ذیشان رفیق و سمیر اولقله تخییر بلا دده حسن تد بیر ایله لر  
حسن پاشا سلا نیکه واروب روم ایلی امراسنی دعوت و جمع ایلدی و بو طرفدن اجرت ایله  
البدن متجا و زبا زرکان کیملری استیجار اولنوب عساکر مذکور نکه زاد و زواده لرینی  
تحمیل و دو تمان اول ارسال قلندی طقسان یان قره مرسل و قلیون و شیفه سلا نیکه  
و التمش یان سفینه دخی چشمه یه واروب لیمانلره لنگر انداز اولدی یلو و بو کیملره مهماتدن  
اون بش بیگ قنطار یاروت واللی بیگ آهین یو والاق واللی قعظه بد الو شقه طویلره قازمه  
و کورک و سائر آلات جیه غانه و لوازم قلعه کیری که بی حساب ایدی تحمیل اولنوب کوندرلدی  
نمونه نمای مقدمه غزا بوشاده امرای بی حضور سردار باوقار و یوز سورمکه اغاز ایتدی یلو  
اناردن می پاشا اوغلاری رود سندن چیقوب عازم سده سعادت اولوب کلورکن  
آق دکره طار ایدن اسکری اطه سی لیمانه واصل اولدقد لیمان مزبور دن اوتوزالتی کافر ایله  
اون بندر مه طوب چکر بر مالت کیمینه راست کلوب عون الهی ایله بی درد سر اول مقوله  
کفره جنگ آوری مسخر ایدوب ضرب شمشیر ایله ملا عینی در زنجیر و کیملرینی تسخیر  
ایدوب ید کلیوب حضور سردار کتور و ب خلعتلر ایله انواع رعایتلرینه مظهر اولدی  
و یو قصه همان فقهه دال و برقال فر حنده مالدردید یلو احوال او حقه های مغرب جزایر  
طاییلرینک دعوت اوزن تسلط و حکومتلری بر قاج زماند رمتد اولوب وارن بکر بکیلمی  
قطعا بر ایشه مدخله ایتدی میوب حجر ایدوب بر منزلت مفلسا لیتور لر دی صالح پاشا



میرخو ملک قریب دانی ابراهیم پاشا کچن سنه جزیره کندی کندی پادشاه جهان سلطان ابراهیم  
خان حضرت ناری جزایر دن کل طایق قیودانله عتاب کونه خطاب ایدوب بقه سزیم  
مماکتدن قاجمه چفت بوزان رعیتیم ایکن نجون بویه فرعونلک ایدر سزازمیده فوجه  
قره برون نواخیلری کویلدن چغتای یکریمی بوزوب و مغریه واروب تجمع ایدوب امریه  
انقیاد ایتیموب وارن بکلیر بکلیرمی جروز جزایر تک نه دیمکدر شمدی سزیه ویردیکم پاشایه  
دخی بویه ایدر سزکز جمله کزی قیوایرم دیو تهیدید عظیم ایتیمیدی جزایره وارد قلونله یینه  
کما کان ایدر کلد کلدی وجه اوزن حرکت ایدوب ابراهیم پاشایه دخی ذن قدرو وجود ویرمدیلر  
والی سابق اوینس پاشا زاده ویری دخی محصل کلام اوج بکلیر بکی مفلس و محجور جزایره  
مجمع اولوب برافوب کلوب کتمکده طاییدن اذن الامزلدی حی مزبور ابراهیم پاشا  
کتخداسی حضرت اغادیرکه الی کون طایق دیوانه ملازم اولد مکدر جوعه اذن الام واذن  
صد دینه متعلق بر سوز آچام بر کره اتوردیموب قعوده رخصت ویرمیوب طایق حضورنده  
قیام ایدردم اخر نایار قالب بکایتدیکی سوء معامله یی کندویه تقریر ایتدی کمد پاشا  
کتخداری بوند قیام ایدر کیشلر دروغه مؤحدین دیو ایتدی قیامدن عاری ایلدی یکر قانون  
وقایع مزبور دیدی او محله جزایر تونس و طرابلس او چاقیرینه احکام مطاعه و صدر  
اعظم مکتوبلری کلوب اول بهار دماق دکره سفرو وارد کیلر یکرانه عموما غزایه حاضر  
اولوب روز حضرت دن مقدم کلوب دوتمای همایونه ماحق اوله سز دیه دعوت اولندیلر  
اوجاق خلقی غزایه دعوت اولندیلر نه جوش و خروش و خروشاری نیاده اولوب جان و باش ایلر  
او غورهمایونله خدمته حاضر و قدوم سپهسالار منتظر اولد قلیبی عرض ایدوب  
سفر امریه وارن چلوش ایلر مزبور حضرت کتخد ایتیموب قور تیلوب آستانه یه کلدی بیجان  
پاشا زینه محجور اجزایره قالدیلر عزیمت کردن عسکر اسلام باسفاین دوتمای  
سردار اکرم یوسف پاشا ترسانه عامره ده لشکر بحری که جزایر قلی ایلر مسمی دریو قلیوب  
ماونه لره و قدر غله توزیع و تقسیم ایتدی کور کچیلر و سارمهمات تکمیل اولنوب  
اول بهار بخسته اثارک دخی اوائل ایرشمش ایدی اما حضرت پادشاه دریان تدارک  
وامور غزاده کمال اهتماملرینه بناء هر کون ترسانه عامره یه بالذات کند ورتشرف ایتیمکه  
سفاین دوتمای سوارلات قلعه کیری احضارینه کند وراقدام وکیلر و عسکر امورینه اهتمام تام  
بیورلردی ماه صفرک یکریمی لیکنی چهارشنبه کونی وقت عصرده سفیره مأمور اولان اوجاق  
اغارینه و چور باجیلر خلعت سفر کید بریابوب همان عزیمت فرمان ایتدی کور قیودان یوسف  
پاشا دخی ماه ربیع الاولک دوردخی روزیکشنبه ده که ماه اردم شتک یکریمی بری ایدی عظیم  
دوتمای و شتک کلیلر مالته سفیری نامیلر عزم غزالیدوب جانب حی سفینه بادبان کشای متوجه  
اولدی دوتمای ایلر ساقر جزیره سنه وارد قلونله سلا نیک لیمانله اولان کیلر ایچون ردوس  
یکی ابراهیم بیگ که قره خواجه دیکله معروفر سکر مکمل قدرغه ایلر کوند بریابوب قزلحصار  
لیمانله جمع اولدی نیمی بیورلردی و ساقره داخل اولد قله اناطولی سر عسکر احمد پاشا  
سیواس و قرمان و اناطولی بکلیر ایلر دامنبوسه کلوب مظهر التفات اولدی ربیع الاولک

یکرمی بشنی کونی اناطولی عسکر کیلر کیروب قرق یان شیفه ایلر ساقر لیمانله وضع  
لشکر اولدی یلر سکر کون استراحتد نصکره کویچیلوب قزل حصار لیمانله کلد یلر یوللر  
عظیم قورتنه ظهور ایدوب کیلر پراکنده و بریشان اولمشیدی مدلللی یکی ولی بک کزوب  
جمله سنی ترمش نام محله کله سزکز یوجع ایلدی اوج کوند قرق طقوز سفینه جمله کلد یلر  
روم ایلر سپهسالاری حسن پاشا دخی ایالتی عسکر یلر ربیع الاولک یکریمی دوردند صالوب  
سردار قزل حصار لیمانله انجق دورت کون او تروب مون دن ترمش نام حصار لیمانله کیرمشلر  
ایلدی سواحل ایدار و محراسی لطافتله مشهور دارود یارد دیو طرفدن روم ایلر عسکر  
قزل حصاری کلوب غره ربیع الاخرده ترمش سواحلنه کلوب طقسان سکر یان سفینه  
ایلر و بقدر جبهه خانه و مهمات ایلر دوتمای همایونه ملاقی اولدیلر ایرتسی او تراق فرمان  
اولنوب علی الصبح یوسف پاشا باشترده دن چیقوب او تاقله جمله امراء کرام و سالاران  
لشکر اسلام میرمیران حسن پاشا ایلر کلوب دامنبوس سردار ایلر مشرف اولوب  
تشریفات شاهانه ایلر سر اقرار اولدی سردار کامکار هر برنی تطیب و غزاه و جهاده ترغیب  
ایلدی قرون سکانتدن قره بتاق بیگ فرقه سنه بنوب برکرید فرقه سنی اقنارمه ایدوب  
قیودان پاشایه کتوردن خلعت ایلر رعایت اولندی ایچنده بولنان اون ایکی  
کافری کورکه قودیلر ایرتسی کویچیلوب بنفشه سواحل مقابله سنه کلد کلد کلد بامر الله بر عظیم  
روز کار پید اولدی کرچه موافق ایدی لکن شتدن دوتمای لیمانله کیردیلو و بعضی شیفه  
و بیورتلری مانیه بورتنه طوغری چکدی دریاده بولنان بعض امر الیمانله کیرمک ممکن  
اولوب چوقه اطاسنه دوستدیلر سردار دن دور اولد قلیینه ناسفده ایکن مکرونیک  
طرفیندن کیرید امدادینه بر صبارفتار ایچی باروت و دانه و قوروشون و خمپره و تفنگ و قلیل ایلر  
مالا مال کی ارسال ایتیمش لطف کرد کار ایلر مزبور بکلیر اوزرینه دوستوب بی زحمت جنگ  
اخذ و قبض ایدوب حقاب و خصوص دخی بر فال مبارک اولدی ایچندن خیل کافر چیقوب  
کورکه قودیلر و هم اثناء راهله مرحوم قیودان بکر پاشا نیک اوغلنه ایالت تونس و بریابوب  
اجاز تله پای تحت مغرب زمینه عزیمت ایلدی ربیع الاخرک لیکنی کونی یوم جمعه ایدی  
دید به شاهانه ایلر و ارینه واریابوب یدی قطعه قلیون اندا حاضر بولندی اهل سفره  
مالته سفیری تدارکن ایلر دیو فرمان اولندی و عسکر اسلام خیام ایلر محرایه چیقوب  
سفاین دوتمای یغلغه بشلر یلر و اندا ایکن طرابلس و تونس پاشاسی عبدالرحمن پاشا  
وسکر یان چکدر قدرغه لری عظیم آلا ایلر کلوب دوتمایه ملاقات ایتدی یلر امراء مغرب  
و سفینه قیودانلری و اوجاق ضابطلری سر اسر دیبا خلعتلر ایلر سر باند اولندیلر  
عزیمت عسکر اسلام بجانب کیریداون اوج کون اولقاده مراد اوزن مهمات کوریلوب  
ربیع الاخرک یکریمی بشنی کونی چهارشنبه ایدی او اربن لیماندن چیقوب هر کس  
انکینه صانور قیاسنده ایکن امرای دریو قیودانلر دعوت اولنوب کیرید سفینه مأمور  
اولد قلیینه خط شریفی ابراز و مضمونی اعلام و کشف راز ایدوب جزیره کیرید فقی  
نیمته مانیه بورتنه طوغری کتدی یلر اتفاقات حسنه دندر که بعنایه الله برایام لطیف



ویر روزگار موافق و شریف اولد بکه سفاین دو نیمه اصلا بری بزدن متباعد اولوب معیت  
ایله شوکت و مهابت کو ستره رک اولکون کیدوب کچه چوقه اطه سی قرینه لنگر لند از اولد یاق  
ایرتمی ینه یور یوب ایدندی زما فی کید قرینه سکلیه نام خرابه اطه به وارلد قله کوزجی  
کافر لدخان ایله دونما کلد بکنی کریده اعلام ایلد بلردخی ایرتسی روز جمعه ایدی اخشام زما فی  
کیریدک طاغری سچیلوب گیلده فائوسلر باندی روز کار قوی اولغله فی الحال عسکر اسلام  
سواحل کریده لنگر لند از اولد یلر همان اولساعت مرقوم قره شاق دید کلری فرقه ربشی  
تیدیل شکل ایله سکلیه اطه سنه واروب کوزجی کافر لک ایکسی جنگ ایتمکله مقتول اولوب  
دوردی زنده اخذ اولنوب دیل کتوردی اولکون عسکر اسلام سردار صاحب احترامله کان  
دو کیلوب قری و بیوت کفاری فی الحال تار مارا یلد بلر ویر قاج کافر کسری پیشگاه سردان  
قلطان اولدی جمعه ایرتسی سحری کیریدک قلیچ بوزنی طولانیلوب کیرید ایله تودوری اراسنده  
لیمان مثال بر موضع لنگر لند از اولوب طشره چیقلدی کفار باش کو ستر میوب روم ایل بکر  
بکیسی حسن پاشا روم ایل عسکر یله ویکچری کتخداسی مراد اغا و مصوبنجی باشی ابراهیم اغا  
یکچرینک اوکنه دوشوب کیلردن مهمات اخراج اولد قد نصکر حانیه حصاری محاصره سی  
فرمان اولغین اخشام وقتی حصار مزبور جانبته توجه اولندی اولکجه کیدیلوب نصف  
اللیل صبح اولنجه بر نهر خوشکوار کنارنده ارام ایلد یلر اول اثناده دشمن ایرشدی دیو  
بر آوازه ظهور ایدوب اصلی یوقدر دیناچه خیل تفنگ اتلدی ایرتسی بین الصلانی حانیه  
قلعه سی مقابله سنده اولان جسر سنگین قرینه دیله لده نزول اولغله بو طرفه کفار فارغ  
البال باغ ویاچه لنده اثواب کر انبها ایله مزین و مجنشم ذوق و صفارنده ایکن عسکر منصور  
اول مقهور لک سر وقتنی باصوب غنایم پیشمار ایله مغتم اولوب وافر مال و اسیرال دیلر لکن  
سردار ک حسن تدبیرندن بری یواولد یکه کرفتار غازیان اولان رعایا و اهل قریه نک اطفال  
ونسوانی کتوردی کتورن غازیله انعام و احسان ایدوب کرفتار لری ازاد ایدوب احراق  
بمالک و قطع اشجار و قتل اسیردن عسکری منع ایلدی انلر که عاقبت کار ملاحظه سنده  
قاصر لایدی سردار کامکار ک بوراینی پسندایتمز لدی زیر اقلعه نک متانتن و عسکر ک قتلن  
کوروب اصلا فتن خاطره کتور مزلدی همان قتل و غارت و احراق خسارت ایدوب مغتم  
کیدلم دیلر ایدی اما جناب سرداردن بو مرحمتی استماع ایدن اهالی مملکت هر طرفدن  
اوردویه کلوب ذخیره ایله خدمت ایلدی یلر عسکر اسلامه مائل و جزیره انلر ک اولغله قائل  
اولد یلر فتح ایا تودوری کیرید جزیره سنه قریب اوج دورت میل مدور جزیره صغیره کدایکی  
طرفند یالک قبه او زنده بنا و لشمس اولری بر میل ایکی حصار متین ک ایا تودوری قلعه لری  
دیملکه معروف قدر بمالک حانیه نک نکبسا نلری شکلند و اقعدر دیوار نیک عرضی الی  
قزاع و ارتفاعی اون ایکی ذراع هر بری خسروانه بالیز طوب و یلر وجبه خانه و ذخایر ایله  
مالا مال ایدی اول ایکی قلعه ک بری بالاتر محفظ بیرون و بری زیر ترکه خارس  
دریای اندرون دور سا عتده قبضه صغیره کلدی چون دونمای همایون لیما نه  
واصل اولد و غن کفار کسار مشاهد ایتدی بونلر محاصره اید جکیرین بیلوب

قلعه زیر متانته اعتماد لری اولغله جمله سی اشغی قلعه به اینوب جمع اولد یلر و لشکر اسلام ک  
قدومنه منتظر طور دیلر بو طرفه سردار کامکار کچه عسکری حانیه جانبته ارسال نصکره  
امامیه میرو اسی احمد پاشا و تر حاله بکی احمد بک و سرد نکجیدی اغاری و یکچری و تونس  
و طرابلس عسکر ندن بر مقدار عسکر کیلردن چقار یوب صندلر و یلاشکر مه لریله  
ساحل جبل جزیره مزبوریه ارسال اولندی لشکر مرقوم کینه ایله حصار میانشه و ارد قلزنده  
حصار بالای کوردیلر که قیولری اچلمش فی الحال بی جنگ وجدال کیروب قبض ایتد یلر علی الصبح  
کد روز شنبه و ربیع الاخر ک یکرمی سکری ایدی غازیله اشغی قلعه بی دخی محاصره ایدوب  
ایکی طرفدن طوب و تفنگ جنگن ایتد یلر سردار دخی جمله دونما کیر یله عزم رزم ایدوب  
باشترده دن قلعه به طوب یلر ایدی سار امرادخی اقتد ایدوب قدرغه لردن و ماویه لردن اولقدر  
طوب اورد یلر که صداسی آسمانه پیوسته اولدی همان اول ساعت قدرغه لردن ایکی طوب  
اخراج اولنوب قلعه به حواله ایتد کلرند غازیله غیرته کلوب برا و غوردن حصان هجوم ایدوب  
اعلام نصرت انجام نصب اید کارینی کفار کورد کد خلاصدن مایس اولوب بری دین و حیل کار  
پیشگاه کنکره حصان کلوب ید نامبار کنه بریاض مقرمه الوب کلک قلعه سز کدر الک  
دید کد غازیله هجوم ایدوب اول محله از دحام ایله وارد قلزنده سار ارباب ضلال اچی و فر ایدوب  
انجق بر کافر قالدی مکر مقدما قیوبانده بو محل اچون آماده ایلد کلری باروت لندمنه آتش  
ویر مشلر زرمیندن الوب او شند و یاتند بولنا نلر ک کنی افلاک پر تاب و کینی مثال کباب بریان  
ایلدی غازیان کرام و کفار لثامدن خیل اجسام طعمه آتش اولدی دیوار حصار پر رخنه دار  
اولد قله غازیان ظفر قرین هجوم دلیرانه ایله قلعه بی فتح ایدوب اچند بولنان کفار یکسر  
طعمه تیغ آبدار اولوب کله لری حضو و سرداره کلد کد انعام فراوان ایله نادر لری شادمان  
ایلدی بعد دونمای همایون صفای خاطر ایله کلوب لیمان راحت رسان ایا تودور بده آسوده  
اولد یلر آغاز محاصره خایه چون یو فتح میسر اولدی سردار اکرم ماه مزبور ساختند که یوم  
احد ایدی کیدن چیقوب حانیه قرش و سندن قور بلان بارگاه نزول ایلدی سار امر او حکام  
دخی کونا کون خیام ایله سحر اودستی تریین ایتد یلر و فرمان صدو ر ایلدی که طوب و یلر و ضر بزنده  
وجبه خانه و سار مهمات سفایندن اخراج اولنه پس جمله لوازم و مهمات اخراج و لشکر  
مها اولد قله ماه جمادی الاول نیک اوجنی کونی اخشام و قتلند عسکر منصور قلعه حانیه به  
حواله اولان کلیسای قسطنطین دپه سنده مترس قور مغه آغاز ایلدی اولانل مرقومده  
روم ایل بکر بکیسی حسن پاشا و صانع قول و وصول قول آلا ی بکری و آلاجه حصار او لویه  
وایلب همان بکری یدی قطعه بالیز طوب ایله آماده اولوب پیشگاه طوبخانه ده یکچری  
کتخداسی مراد اغا یکچری عسکری ایله مترسه کیردی بعد بین امیرالامرا ده امرای تر حاله  
و کوسندیل و اسکنند ریه به دورت طوب و یر یوب او کلرینه خاصکی علی اغا بعضی یکچر یلر ایله  
صیبه سوردی و یسارنده کلب در یادر یانه و اسکوب و سلا نیک و اوخری و ولجترین بکرینه  
آلتی طوب و یر یوب مصوبنجی باشی ابراهیم اغا نفر یله مترس قوردی و میرلوی دوقه کین  
علی بیک سپاهیلر یله و سرد نکجیدی اغاری و تونس دلار لری سوده بو عازنده



محافظة به تعیین اولند یکمه امداده کلن کفاری حصاره دخولن منع ایدر لوجناب سردار  
سر لشکر اولوب کندی توابعی ایله اولاطاش کوپریده عسکر طرفنه و ثانید و نما کیلری  
طرفنه نکم بانر قودیلر وصف قلعه حائیه قلعه مزبور بناسندن عقل عقلا قاصر و حصار درکه  
روی زمینده مانند یوقدر و مالک محروسه ده یوظر ز اوزن قلعه کورلما مشدر ایدر اوندیک  
دور تیوز سنه دن بروی حصارک عمارت و بنیانه و سائر جبهه خانه و مهماتنه بذل مقدور ایلیوب  
کمال مرتبه استحکام و متانت و یرمشر ایدی کرچه ارتفاع و وسعت و متانت به مالک محروسه  
قلای چوقدر لکن بو حصار معتبرک طریقی غیر مکر در اولاد و زورده غلظه قدر طولانی واقع  
اولوب یدی برج رفیعی که هر یری وسعت و ارتفاع بهر حصار بکتر و هر یری بکتر میشربالیز  
طوب قونوب یلک نفر جنک اری آدم آلود یوارینک عرضی بش اتلو و هر کاب رفتار ایدر جنک  
قدر در و پس دیواره اولان طولیه طیر اقد خود دیگری اتلو و مراد اوزن یوردی ارمق و ماک  
کنکره والا سندن یوقر و اون ذراع قدر طوپراق مرتفعدر که اهل حربک جای رزمی اند اولاق  
اوزنه نه طوب کار ایدر و نه غیر شی ثا تیر ایدر و بناسی محکم مرتب سنک تراشیده دن  
دیوار لوط و زعد طایفه لکه سائر و روجدن یوجه آسمانه عروج ایلشدن راون بشر بالیز و صایحه  
طویلر ایله شهری محافظه ایدر و بعد ایکی گوشه لرنه ایکی خاکی طاع چبقار لشدن که جمعا  
بروج و تاییه لره و بروجه ناظر لرد و هر یری بکتر میشربالیز و طوب کرا تبه اوضع  
اولشدن که جوانب اربعه یی محافظه ایدر و بو که سارک التی بکسر محجوف و قبه اندر قبه در که  
طوب دانه لری وجبه خانه همچون مخزن لردر اما جانب جریسی دیوار عظیم البنیان ایله  
چکله ش بر لیمان اطیفدر که قبو سندن انجق قدر غه کیر و بینه قبو سندن دریا به ناظر  
عظیم طویلر قوغشدر و کار کیر قبه او قرشون اور تیلو بکرمی اوج خانه ترسانه سی که  
روی زمینده بر دخی نظیری یوقدر هر یرینه غجه خزینه صرف اولشدن خصوص صایوت  
و سربایر که شهر ایچنده در صافی مر مردن کسلش شدادی بنال و خسروانی کا ستانه لره  
قصر خورنق یا نلرنه بر شی دکلدر مصلح چشمه لرو اسواق و دکا کین که کوزلر کور مشدر  
خلقی احباب اموال و اهلی جمال اولغله معروف لدر دختی میسر اولد قده قبضه تصرفه  
کلن جبهه خانه لری حد دن بیرون ایدی یا لکن اوجیوز طقسان بش پان طوب کرا تبه  
دفتر اولندی و بیرون حصار خندق عقی اون پیش فرسخ و عرضی تیش ایکی زراع معمار ایدر  
وا کثر لب خندق سنک تراشیده در نقل اولنور که پس دیوار حصارده اولان طیراخی هر سال  
خائیه نک یوک باز اینه کلن مردوزن اوچر تریه خاک خندق دن پس دیوار نقل ایله بغلق  
سکسان ییلدن مجاوز بر پاپاس مرتاضک و صینی ایله اولوب پجه یلک نصاری هر سه  
بازاره جمع اولد قده مزبورک طوق لعنت و صیتن در کردن ایدوب اول اوچر تریه طیراخی  
جکر لایمش توار یخدن خبر دار اولان بعضی رؤسای کفار دن نقل اولنور که حائیه  
بو وجهه بنا اولنه لی سکسان سنه اولوب اول همان حصار اندرون و ایدر یک یوک  
قلعه بناسندن صکره قبولی قالدیر یایوب بروج و قله لری برر کسنه یه مسکن  
قلندی بوندن اقدم شهری تاییه لرو طوپراق و خندق محافظه ایدر دی حتی

اسپانیه عسکری کلوب اول عال اوزن محاصره ایلیوب المغه قادر اولما دیلر صکره امر اوندیک  
بذل مقدور ایدوب بو حصار رفیعی چور دیلر و بو شهرک محراسی لطیف آبی خوشکوار  
خاکی منبت و کم ساری پانهار باغ و باغچه لری بی نهاییه و اشجاری بر آثار یایلا قلی دورت  
ساعتک ییلدر که ایلولک اولنه دک برف سفید ایله مستور درخا کنده صنوبر و کستانه و ترنج  
ولیمون بتر عجیبدر که صنوبر و کستانه ییلاق پرله مخصوص اشجار دندر ترنج ولیمون ایسه  
اکثر سواحلده اولور کن یونک باغچه لرنه جمع اولشدن سر وستان و کستنان دخی زیر باغ  
و باغچه لری مزین قلمشدر رزم حصار ماء مرقومک دور دخی کونی که روزنه شنبه و حزرینک  
اون یدیسی ایدی علی الصباح طویلر ایله قلعه دو کله که با شلیوب کفار خا کساردخی پای  
ثبات و وقاری محکم با صوب جنک و محاصره ده اصلا قصور ایتدیله محاصره نک ایکنی  
کونی سردار طو یخانه یه کلوب غزائی جنکه تحریص ایدر کن کافر بدکار بر طوب صاعقه  
بان آتش و یروب وزیر طو ر دخی یه کلدی روم ایلی سپاهیلر دن بش آدمی شهید ایدوب  
وزر و ارکان حرزالهید مصمون و محفوط اولدیله اما محوم و دماء شهد الباس سردار عالی  
مقداری آلوده ایلدی طوب مزبور دانه سی اولقدر ضرب شدید ایله کلدی که اوج  
عظیم طوپراق طلوسیتدن کوب کندی محل مرقوم قلعه یه بر مقدور بعد اولغله محاصره نک  
اوچنی کونی جمعه کجه سنه متر سار دکی شلوب اناطولی عسکری دخی سردار لری اولان  
احمد پاشا ایله ایکی طوب کتور و روب روم ایلی متر سارینه ملحق اولدی و قرمان عسکری  
ایکی طوب ایله محصور یی قولنه تعیین ییورلدی و بوزاق بکی دخی سنجاقی عسکری ایله  
قبه لو کلیساده قراوله امر اولندی علی الصباح محل مزبور دن قلعه یی سنکسار ایتدیله  
کرچه حصار و شهره و محلدن خیل خسارت اولدی اما کفار طویلرینک آتش شران پاشی  
خیلی غزائی پروانه مثال سوخته ایلدی حسن پاشا و سائر امر اطویلرک پیشگاهنده خیام  
قور و ب سیبه لرسور دیلر مراد اغا دخی مثر یسنی ایلر و سور و ب اقدام ایلدی سردار کامکار  
دخی کفارک طویلرینه و تفنگلرینه با قیوب اوردوی همایونی قالدیر و ب مقابله حصارده  
مقدماط و یخانه اولان نل رفیعده قور و دودی سپاه و لشکر ظرفر پناه جمله متر سارده ثابت  
قدم اولوب جنکه اتمام تام ایلدی لر رزم کفار در که سار و غلبه عسکر اعدا شکار کفار لئام غازیان  
ظفر انجمک همچون کور و ب در دخی در مانلرینه چان جوی اولوب مالک کربیده اولان بعضی  
سوار و پیاده کفار نامه لر کوندر و ب حصار دن آغاز جنکه محریک ایتدیله اوله که عسکر انلره  
مشغول ایکن محصور لره بر مقدار راحت کله لاجرم اهالی کربید و سوده لیمانده تیان اونییدی  
پان قدر غه و اون و دورت قلیونک لشکری جمع اولوب زعملر نجه هجوم ایتکله عسکری  
حصار دن قالدیر متی تدبیرین کون دیلر بو طریقه دو قه کین بکی علی بک و سرد نکچدی عسکری  
اوزرینه کلوب عرض شوکت ایلد کالرنه ییکدن زیاده پیاده و سوار کفار آلات حرب وجبه  
وجود مثله مانند دیوار استوار ایکن اوچیموز قدر غازی بی پروا بونه قویوب رزم پیشمار دن صکره  
عنایت یاری ایله غالب کلوب کره مکر و مغلوب و مقهور اولدیله رایات عزیمت اثر لیه اوتوز  
قدر نیش حضور سردار عرض و اعلام اولند قده عنایت علیه لری مغازن حال غازیان اولدی



خروج کفار از حصار محاصره ننگ بشی کوفی مراد اغا اقدامیله متر سواریلر و کیدوب پیشگاه  
حصار وار مغله کافر دیکرا و اوب لاجرم قرق قدر فدایی فاجر او غریب قبولدن چیقوب  
متر سواره راه نهانکه او غریب یولندن عبارتند از استلین بلد ارلری غافل با صوب اوزر لاند  
معتد اولان قره چاوشی شهید ایتدی لر اوج دورت گسننه دخی شهید اولوب عسکر  
ایرشد که حصان فرار ایتدی لر التخی کوفی یوزدن زیاده کافرینه متر سواره چیقوب هجوم  
اتد کلر نده مراد اغا و نجبه بادر حاضر بولوب اول کافر لری تفنگه طو ثوب دوندر دیلر ورم ایلی  
وسایر عسکر تیغ خونریز ایله ایریشوب اکثرین قتل ایدوب با شلرینی سردار کتوردیلر  
قور تیلا ن ملاعین مجروح و مقهور خند قه دو کلدیلر اول روز کافر سوزده کفار خا کسار عسکر  
اسلامک دست بردر ستمانه سن مشاهده ایدوب بردخی حصار دن چقمغه جرأت ایدم دیلر  
یو محله طرابلوسدن اوج سفینه و بر قاج شقیقه کلوب مضمر عسکرندن دخی خیل دلاوران  
باروت فراوان ایله کلوب دو نمای هما یونه ملاقات ایتدی لر و مضمر عسکری دخی سوده  
لیانی بوغاز نده یوصوده طور وب قراول بکلمک فرمان اولندی و روز مزبورده دزون حصارده  
خالا سردار کامکار جامع ایلدی بکی کیساده که صان فرانسجه و دیملکه معروفه معبد قدیمدر  
پاکلی گکه عجوبه دهر ایدی جمله اینیه حایه ننگ سز افرای بریلند میل اولوب ذروه  
اعلا سنده برضلیب آهنین واریدیکه بر قاج فرسخ یردن کوزینوردی طوب ایله اوریلوب  
حاکله یکسان قلندی آمدن کفار بامداد حصار و غلبه اسلامیان چون بودیاری فخی مراد  
پرورد کار اولمشیدی لاجرم هر اموره تدبیر اهل اسلام با جمله موافق تقدیر اولوب کار کفار  
صورت ادیان یوز طو تدی امیرالامراء کبرید که انرا اصطلاحند جنرال دیر لدرار الملک کرید اولان  
قندی ده او تر وب حایه ننگ محاصره اولندی یعنی تحقیق ایتد که کتخدا سنی بشیوز تفنگ انداز  
قدایی کافر لری ایله سوده لیما نه کویدر وب اندن دخی دور تیوز قدر گسننه الوب جمله سی  
محاصره ننگ طقوز می چهارشنبه کوفی محصورینه استمالت نامه لری ایله کلوب قلعه قرشو سینه  
ایرشد که قراول تعیین اولنان سرد نکچدیلر دو قه کین و تونس و مضمر عسکرینه که  
با جمله بشیوز قدر بادر اولوردی صبح کاذیب وقتند راست کلوب کفار کثر تمدن اصلا  
پروا ایلوب تفنگ و تیر و خند ننگ و شمشیر ایله محکم جنگ ایدوب بر ساعتده کروه مکروه  
پوزیلوب پریشان اولدی لر اثناء جنگ سردن کیدی اغاسی یحیالی زاده ارناود حسن اغا  
شهید اولوب کتخدای جنرال الیدن زیاده کافر ایله قاچیدن یکوب با شلر ویرادیلر  
و طبایلری ایله علی الصباح حضور سردار عرض ایلد کلر نده جمله سینه عنایتلر ایدوب علی  
یکه و سردن کیدی اغا رینه فاخر خلعتلر کیدیر وب شهید اولان حسن اغا ننگ یرینی حسن  
باشا اغا لردن یوسف اغایه و یردی بعون الله تعالی بونجه کافر و اصل دار البوار اولوب سائری  
دخی ثلال و جباله فرار ایلوب بریسی قلعه یه کیرمکه محال اولدی انجق عسکر اسلامدن  
دور کسه شهید اولدی محاصره ننگ او نخی پنجشنبه کوفی فرمان سردار ایله مراد اغا  
قولندن قلعه حصار کوشه سنده یکچیری تاییه دوزوب سیله سورمکه آغاز ایلدی  
ایرتسی جمعه کوفی حسن پاشا ورم ایل عسکر ایله یکچیری تاییه ستنک عینده حصار سیله

سورمکه آغاز ایدوب بعنایه الله تعالی امان سنجای دیگلدیکی محله طوغریکه قلعه ننگ  
انتهاسی ایدی بیریکه مباشرت اولندی طر فیندن طوب و تفنگ صداسی آسمانه ایرشدی  
کفار زیر زمیندن کندولره بر چاق قصد ایدوب جانب عسکره لغم سوردی اما سالاران  
کاردان ملاعینک حیل و تدبیرین بلکه غافل اولوب انلردخی استاد بلد ارلر ویرار لغمنلر  
تعیین ایلدی لر روز پنجشنبه که جمادی الاولینک اون طقوز می و محاصره ننگ اون ید می کوفی  
ایلی روی در یادن جزایر عسکر ایله ملو یکرمی پان فاک یکرم نمایان اولد قه عسکر فیروز اترده  
بهجت سرور ظهور ایلدی همان ساعت سفاین دو نمایونلری استقبال ایدوب هزارا کرمله  
یونلری لیما نه کتورد کلر نده مترس و سفایندن بروجه طوب و تفنگ شتلیکی اولدی که صحر  
ودریایی رود کبود قیلادی رؤسای لشکر جزایر کپای آصف شوکتیه یوز سوروب نواز ش  
خسروانه و تشریفات شاهانه ایله جمله سی مشرف اولدی لر و در عقب کفار خاکسار  
دخی کانه اسلامیانک شتلیکنه اقتدا و جلالت اظهار ایدوب جمله طوپلره برقتیلدن  
آتش ویرمکه عظیم شتلیکلر ایدی اول عسکر جدید سوده لیما نه محافظه یه تعیین اولوب  
حسب الامر مان جزایر لشکری آلات شوکت نمایا لیه اعدا و کندن یکوب محل مر قومه خیم  
نصب ایلدی لر اول طرف مراد اوزن مسدود اولوب کافر حصار دخولدن مأیوس اولدی  
بعد سردار تاییه سورمه سینه اقدام ایدوب اهل دو نمایانی امراء مجرایله طپراق سورمکه  
مأمور قلعه تراب جمال مثال خند قه وارد قریب و یسار نه قلعه مثال ایکی تاییه دوزیلوب  
یکچیری و سکنان و روم ایل تفنگ انداز لریله مالال قلعوب کنگره حصار چیقان کافر لری  
مقهور قلدی کفار دن دخی قلعه دن تاییه یه کلجه بر راه اوروب اوزرینی تحتلر ایله اورتدی لر که  
تاییه التنه لغم استلدر لری جانبدن لعجیان کفاری قرشولغه استاد تقابلر تعیین  
اولوب اردلر نجح محافظه یه بهادر لر کوندر لری و تاییه لرو طوپراق اوزرینه میرا و استکونی  
علی بیگ و چور باچی علی اغا و سردار اغا لردن بر کار دیدر مقدم قونوب اتمام کلی ایله  
بدل مقدور ایدر لری کیچه ایچندن لعجیان کفار و اهل اسلام زیر زمینده بری برینه راست  
کلوب حربه و خنجر و تیغ و تفنگ ایله عظیم ضربلر اوروب بعنایه الله تعالی سینه مؤمنر غالب  
و کفار مغلوب و خائب اولدی آلات لغمارین قبض و کید و مکرلرین ابطال ایلدی لر محاصره ننگ  
اون سکر نجی جمعه کوفی سردار اکر معتادی اوزن متر سواره کلوب و زرا و سائری غزاتی نوازش  
واکرام ایله سز افرایند کدن صکره عسکرینه کور هر قوله کیسه کیسه بخشش لار سال  
ایلدی مقدم مال و لویه سنجای عسکری سوده طرفند محافظه یه قونوب عسکر جزایر و ده غله  
اول طرف قوت بولوب لواء مزبور بکی حرم خاصدن چقمش مصطفی بیگ عسکر ایله قراولدن  
چیقوب خاصکی علی اغا قولنه تعیین یورلدی و ساقا و خری بکی احمد بیگ که بریر جنگ  
آورد دیر دورت طوب ایله سوده جانبدن اولان قیو طرفندن محاصره یه امر اولندی و برزین  
بکی بیگ عسکر ایله و اسکندریه آلا ی بکاری و سپاهی لریله و صاروخان و قسطنوز و آفسرای  
عسکرین طوپلر خند متند و متر سار محافظه سینه فرمان ایدوب پیشگاه طوپخانه به  
ایکیوز تفنگ انداز یکچیری ارسال یورلدی آمدن کفار برای امداد حصار و انهرام و فرار



۷۰ محاصره ننگ یکرخی برنجی سبت کونیکه ماه مزبورک یکرخی اوچی ایدی کون غیبیدن  
برفتح ونصرت اثری ظهور ایلدی تفصیل بودرکه محصور اولنار کوردیلرکه شوکت  
عسکر اسلام روز بروز زیاد اولمده ردینه ناچار جنرال طرفنه امداد ایچون آدم  
کوندروب اولدخی بشیوزار فدایی پیاده لری قندیه دن سوده یه ارسال ایلدی  
عسکر مرقوم کلوب محصور اولان ملا عینه خبر کوندر مشار ایدی اناردخی جنگه  
آماده طوروب نصف الیلک اول کلان خنازیر قتیلاری ینار قراول عسکرینه صتا شوب  
لشکر نظرات اول گروه مکروه نپتنه نعره بلند ایلد عالمه ولوله و یروب آتش فشان  
اولد قلزده لشکر کفار پامال ومنهزم ومنکسر البال اولوب روم ایلی ارلری ومغرب  
دلاورلری وسردن یخد یهادرلری پیش و پس لرین باغلیوب بر قهرمانی سیف چکدیلرکه  
اکثرینک کله سی خاله غلطان اولوب نجه لری اسیر وبقیه السیوف اولنلری هول جان ایلد  
دریا یه دوشوب سناور لکله حصان جان آتدیلر اما یهادر لرنلری دخی تعقیب ایدوب  
خندنک وتفننک ایلد کیمی غرق وکیمی اخذ ودرزنجیر ایتدیلر ماعونلردن قتی از کسنه  
قورتلدی صبح غازیلر هنوز کفار خاکسارک خاشاک وجود لرین تیغ آشتساب ایلد  
نابود ایتیمکه مشغول لر ایکن حصارک آهن پوش سواریلری دخی قلعه قیوسی اوکنده صف  
باغلیولر ایدی وطویلرکه کیچه دن قلعه یه ائلق ایچون آماده ایدی صفوف مخصوصه یه  
دوندرباوب آتش ایتد کلرند نجه سوارو پیاده بی ریزه ریزه ایدوب آنلردخی چاه جهنمه  
سایر یولد استرینه مالحق اولدیلر کون طوغد قلعه غازیان نصرت یار حضور سردان  
کلوپ یوز سوردیلر احسان و خلعتلر و انواع رعایت واستمالتلر ایلد خاطرلری تطیب قلندی  
باش و دبل و طبل و رأس کتورنلر و تیمارلر و ترقیلر ویرلدی اولکون پیشکام سردان اوج  
طبل وایکی بیراق و یوزاون زنده کافر وایکیوز کله کلوب عرض اولندی اپکیه وزدن زیاده یار  
کافر دخی مغرب عسکرند کرفتار قالدی زیر انلر اخذ ایتد کبری اسیرلری سردان کتور میوب  
کیلرینه وضع ایدرلردی جنگ تاییه کفار بوندن اقدام عسکر اسلام مالتیه عزم  
ایلدن جکدر صداسی ولوله انداز مالک کفار اولد قلعه بونلر مالتیه دیو غزم ایدر اما مراد لری  
کمرید اولق احتمالی وارد دیو وینیک کفاری بسیاردان و دائم فکر و نظردن تدقیق و امعان  
ایلد یورر بر قوم باریک خیال اولد قلزیه بناء احقر از ایدوب وندیکدن بر استاد ارسال  
ایتدیلر حایه یه کلد کله رعایا و اهل شهری پا پا و کورک ایلد جمع ایدوب باب حصار مقابله سندن  
خند قدن طشره بر طوپراق تاییه ترتیب ایدوب برقات تراب و برقات حیم قودیکه  
حیم دید کبری اوتاق کوکندن عبارتدر هر کون کافر اول طاپورن پیچوق طوپراق سورن  
عسکره یاتندن اورردی وز زیاده ضرر ایدردی سردار اکرم غزائی بونک فخته ترغیب ایلدی  
هر کس فرصت کوزه دزدی روز مرقوم بین الصلواتین غازیان عطا مکله حارس تاییه  
اولان کفار لثامه کوز دکشلا ایدی سردار اکرم و امیر الامرا مراد اغا ننگ فرمانی یوغیکن  
یکپیچری سردن یخد یلرندن بر قاج یهادر تاییه یه یوریش ایتدیلر مکر محافظه سندن اولان  
کفار زهر مار تنا ولنه حصان کشلا نحق بر ملعون اله کپروب قتل اولندی اما حصار

۷۱ بروجند اولان ملعونلر عسکری تفنکه نشله ایدوب صدای جنگ مسجوع غازیان  
اولد قلعه اولوبنه عسکریکه اول طرفه ایدی و سردن کچدی بیراقلریکه انا طولی قولنده  
ایدی تاییه یه یور یوب یکپیچریلرینک اتوان و یجاد لرین غارت ایتدیلر اما تاییه زیر  
حصارده اولوب بر حصن ایدو جنگ یروا مافله رایات منصوره کیر و چکیلوب خیل یهادر  
شهید و نجه سی مجروح اولدی جمله دن سابقا حصن کیف بکی از ناود یعقوب بیگ  
دوشوب اولوبنه آلا ی بکی مجروح اولدی مکسور اکبر و دوندیلر یو خصوص سردان  
وعسکره خیل الم ووردی بیت چنینه دست رسم سرای دو در زدن بال مطرب رسد نوجه کر  
کفار خاکسار غرور باغلیوب پیچشینه ککوتی خند قلعه بر هنر عرضه سعی ایلدی  
یعنی غافل با صوب غازیلری کیرورد ایتیمک قصدند غازیان رستم نبرد ایسه کینکاهده  
حاضر طوررلر ایدی ملا عینه هجوم ایدوب ینه حصان قویدیلر محمراده دخی اولکون  
وافر کافرک باشی کسلدی و اتلردن بر اسب کرانمایه النوب حضور سردان عرض اولندی  
آمدن خلعت پادشاهی جمادی الاولینک یکرخی یدنجی کونیکه محاصره ننگ یکرخی بشی  
ایدی پادشاه عالمینه طرفندن حضور سردان بر قبضه مرصع شمشیر وایکی زد  
بغت سمور قیلو خلعت کرانمایه کلوب جمله وزرا و امرا مبارک باد ایتدیلر عنایت پادشاهی  
ایلد مسطور اولان خط همایون دیوانده قرأت اولنوب عسکر اسلام استماع ایتد کله  
التفات پادشاهیدن مسرور اولوب خیر دعای ایتدیلر هجوم عسکر اسلام بخندق  
طیراقلر و تاییه لر خند قلعه وارد قلعه سردار بنام خندق عقی و وسعتن و قلعه ننگ رفعتن  
گوروب فکر ایلدیلرکه بو خندق طویل و اغله طولی ممکن دکلدر اکر اقدام و اتمام ایلد  
طولق ممکن اولورسه بیت کاکلک مدت مدید استر عمر ایسه اولزمانه قتلان نماز  
کافره امداد کملک احتمالی وارد و هنگام شتادخی قریب اولوب بر قاج کوندن صکره لیان  
نودوریلدی کی طور مق محالدر دیو خندق قبضنه چان جوی اولدیلر لا جرم فرمان  
سردار یو وجهله صدور ایلدیکه کافر کند و دوزدیکه راه خندق یوریش اولوب اله  
کتورنلر و غازیان خندقه متمکن اوله پس او لکون وزیر دیو حسن پاشا و مراد اغا نصف  
یهارده روم ایلندن و یکپیچری وسردن یخد ی عسکرندن خیل یهادر کسنه لری زیر لواء  
نصرت النواده جمع ایدوب فرمان موجب یور یوب کافر کار خندقدن تاییه التنه  
کلد وکی یولن همان اشکان با صوب کافر لر ناچار راه حصان قا چوب کتدیلر غازیلر تخته  
بند لرین بری برندن ایروب راه مرقومه صوقیلوب جنگ عظیمه نصکره بروفق مراد  
راه پنهان و خندق رفیع البینان معمر غازیان اولدی کرچه خیل کسنه لرد و شوب نجه لر  
دخی مجروح اولدی اما بروج و کتکره حصارده طوران کفارک دخی چوغی جهنمه کندی  
هر چند که طوب و تفنک و خیمه و سنک ایلد عسکر منصور ی خندقدن سور مکله اقدام  
ایتدیلر اما عون حقیله ملا عینک سعیلری سودمند اولوب عسکر اسلام خندقده  
ثابت قدم اولوب یلشدیلر خلعت کله سی و خندق فنی بر روز فیروز ده بر روز ایدوب  
ذوق و سرور موحدین ازدیاد بولمفلر سفاین و متر سلرده اولان طویلر آتش ویریلوب



عظیم شکر اولدی طوپراق التند لعل اولق خوفی بر طرف قلنوبینه طوپراق وسیبه  
سورمه اقدام ایتدیله اما طراف خندق شکرلاخ وکار کیرقدیمینار اولغله طوپراق  
سورمه غایت عسیر اولدی خلق طوپراق سورمه سندن عاجز قالوب خصوصاً کافر  
طوپراق کزنلری هدف طوب کران سنک ایدوب بلدلار و طوپراق سورن کجیار  
وسپاهیلر تاییه اوزینه چقماقدن بیزاز اولدی عاقبت سردارو امر اکور دیلر که طیراق  
خصوصی حاصل اوله حق معناد کدر حکام کرام بونی جائز کوردیلر که خندق قلعه یه  
سپت وحوال و توریه ایله جانبین طوپلرینه محکم سپرایده لر بعد ارانی طولد یروب  
یوریشه قابل کوری ایله لرورای صائبه وجود و یروب طوپراق سورمکدن فراغت  
ایلدیلر و تاییه لرک کارندن خندقه ناظر ایکی عظیم درجه اچد یروب خندق مطلق  
غازیلر الله اولدی اما یان طوپلرندن خندقه آدم کزه مزدی وزیر مکرم حسین  
پاشا روم ایلی عسکرینه طوب سپتلی کتوردوب محکم سد بناسنه اغازایلدی تدیجمله  
لب سور اخندن دیوان وارنجه سپت و طوریه دن برسد سدید چکدی لر لکن تمام اولنجه  
خیلی آدم مجروح و شهید اولدی حتی تراله بکی مجروح و برطوپدن التي سپاهی بر سپت  
اردنه یان یان اولدی بعد حسن پاشا و مراد اغا صواب دید سردار ایله دیوار حصار ده  
ایکی تیشه زن تقابلر قویوب درجه لر آچمه اغازایلدیلر اما دیوار حصار بر طرزه محکم و پایدار  
ایدی که براستاد هزار جد و جهد ایله کونده انجق بر طاش قویان بیلوردی هر نه حال ایسه  
بر قاج کونده اول دیوار متینی دلوب خاک بورجه ناثل اولدی و یوبله رأی اولدی که اول سوراخلو  
مراد اوز نه برجه چیقوب یوریشد ایلدن دخی عروج اولنوب جمله متر سار دخی بو محله  
لب خندقه ایدوب هر طرفدن غازیانک غلبه سی و کفارک ادباری صورت پذیر  
اولدی و بودفعه کافر خندقه چقمدن ایاق کسوب دلیرانه جنکه منتهی و حصان عروجه  
منتظر اولدی لر سردار کامکار دخی بالذات خندقه کیروب ارکان دولت و غازیان شیر صوابی  
جنکه تحریک ایلدی هر کون خندقه چمکر اولوب کافر دخی سنک کران و خیمه آتش  
فشان ایله خلقی زخم ارایلر لدی و سدک اکثری اورمه چوقدن اولوب کونشدن قورومغله  
کفار شیشه دن معمول خیمه لر و نفت بولشمش بعضی کرباس پانلری الوب طونشدردقه  
غازیلر مانند سمندر آتش سوزانه کیروب طوب و تفنگدن مچده سی شهید و مچده سی دخی  
خیمه ایله یانار ایدی انکه اولیوب بعضی کی صندلرین زفت و قطران ایله طولد یروب  
و خیمه ایله محکم بند ایتد کد نصکره سپتله اوزینه ایتدیله بودفعه اول لهب عظیمی سوپندر مک  
غایت مشکل اولدی و اول محله یکر میشر و قیه کله آهنین طوب ایله آتسه آتش  
دو کوب خیل خسارت و یردی اما غازیلر فی سبیل الله جانلرین فداییمکی دریغ ایتدیله و با جمله  
کافرک من بعد خندقه بقمه قدرتی یوغ ایدی انجق استاد لغمچیلر قویوب ایچروندن  
خندقه قازمغه و لغملری بولغله اقدام ایلیوب سفاین ایله مجدن طرفه بر مقدار ملعون امداده  
کیرمکه تعویت بولوب اهتمام و دقت ایلدی بو محله پاشا عسکر به بالجمله کوچوب خندقه  
کیردی مراد اغا دخی جمله متر ساری و سیبه لری خندقه ولب حصان کتوروب جمله عسکر

اتفاق و کوکلی ایله فتح حصان اقدام اوزن اولدیله اما قیوقله سندتکه سر خندق  
و کوشه برج و محل یوریش ایدی محافظه ایدن کافرک یان طوپلری عسکره خیل الم  
ویرمکه ابطاله اقدام اولنوب بعض گسنه نکر رأی ایله خاصکی علی اغانک تاییه سی محل  
طونجانه کفان قریب اولغله ایکی بالیز طوب و اوج شاهی ضرر زن قونلغله جل همت اولنوب  
کجه ایچنده طوپلره سپر اوله حق سپت طولغله امر ایتدیله کوشندیل و تراله عسکر لیکه  
اول طرفه ایدی امر عالی موخجه سپت و سیبه لری کمال مرتبه متین و حصین دوزدیلر  
صباح اولغله طوپلر قونغه بتشمیوب اولکجه کافر آلی یان طوپلر چوروب مقابله سندن  
ماضر ایلتس ایرتمی طوپلر لر شوب انلغله باشلدقه اول ساعت آلی طوپه صاچمه  
ایله آتش ایدوب عسکره اوله اوردیکه خیل آدم شهید و مجروح ایدوب طوب عربه لرینی  
و سپتلی زریه وزیر ایلدی اما طوپلره ضرر اولمادی لکن بردخی آتلق ایشی بر طرف  
اولدی زرا کوشندیل و تراله عسکرندن و طوپلر دن و اقر آدم ضایع اولدی  
حکمت خدا قلعه یی تحریک ایدن اسلام طوپلری کیسی جید و کیسی عشیق اولغله  
خیلی طوب یان لنوب و مچده سی دخی نشانه طوب فرنک اولغله ابطال اولندی اما  
سردار غازیینه مجد دایر طوپلر اخراج ایدوب متر ساری مکمل ایدردی حتی  
یادشاه جهانگیر بالذات مقید اولوب آستانه دن سفینه ایله اوج طوب ارسال  
بیوردی محاصره نکر او تودردی کونی حسن پاشا بعضی بکرا ایله زیر حصار ده طوبروب  
غروب قورده سیبه سورمه منتظر ایکن کفار بام حصار دن عسکری تفنگه طوبروب  
میرلوا اسکوب علی بکی و بوقچک مورخی بیری پاشا زاده فخری بکی زخم دار ایدوب  
خیمه و سنک ایله دخی مچده غزاة شهید و مجروح اولدی حکمت خدا نقب زنان کفار  
قلعه یه اچیلان سوراخلری بولوب سالاران اسلام راز مغموم اولدیله بیر تسویه خندق  
لغملر بولغله بویله تدبیر اولندی که لب خندقه بش طوب قیوب یوریش یرینه که  
طوریه و غراروزیتون اشجاری ایله طولوب یوکسک اولمشیدی انجق بر مقدار دیواری  
قالمشیدی آلی ایندر مکه و اندن یوریمکه اقدام اولنه طوپلر میر میران و اغا تاییه سی  
اور تاسنه ترتیب و آماده اولنوب علی الصباح دیوان حواله اولندی و بروجله خراب  
ایلدیکه کفارک درونه آتش دوشوب اولدخی طوب و خیمه و تفنگله طوپلر ابطالنه  
صرف مقدور ایلدی انجق بر طوپه بر مقدار طوقند یروب اکا دخی ضرر اولدی  
واولوبینه عسکری کجه قیو اوکنده اولان تاییه یه یوریب وارد قلندر طوب و تفنگله  
خیل غازی شهید اولدی جمله دن حسن بکراده حسین بیگ که اولوب نیه دن بر ماه  
جهان آرا و شجیع و بهادر محبوب زیلیدی اولنکده دوشدی انهدام برج حصار از نقب  
محاصره نکر قرق برنجی کونی که حمادی الاخره نکر اون اوچیدر مقدار کفار هر طرفدن  
مهمپا اولان لغملری بولق ایله راحت اولوب زخمجه اول غازیلر دن قورنلشیر ایدی سالاران  
کرام جائز کوردیلر که مراد اغا تاییه سی یسارنه که مصوبی باشی ابراهیم اغانک و اول  
قولل اولان روم ایلی بکرنک مقابله سی ایدی و یوک مترس اکیلوردی اوکنده اولان



روح عظیمه بر لغم آوردی که دولت عثمانیه دن بمقوله بر لغم عظیم اولامشد و روز لالی قنطار  
 باروت قودیلر یولمق خوفندن فرمان اولندی که همان آتش ویریه نصف نهار که منکام  
 کر میت هر ایدی سائر عسکرک لغم احوالندن خبر لری اولیوب هر کس آسوده کوشه  
 متر سارده ایدی اول قوا و اولان عسکر لغم پولندن صا و لغه اذن اولیوب هر کس یرنه  
 طور مدغه امر اولندی استاد لغه آتش و یردیکه بر ساعت مقداری زیز میمنده بوجهله  
 قینایوب دیواری جو هوایه بر تاب ایدنجه بر عظیم زلزله اولدی بعد دود کبود ایله دیوارک  
 طاشلری آسمانه چیقوب بوجهله ییره دوکدیکه متر سارده اختف الین آدم لری کی  
 ضرب شدید سنک و کی سرنیدی زخمیه راه عدمه کندی بوهنکامه ده اپکیوز قدر آدم  
 شهید و مجروح اولوب بر قاج سنک حصار اوج میل یره کندی ننبیه سرداردن غافل  
 اولان عسکر یوریش قیاسیه محاربه یه آغاز ایدوب قلعه یه حتمق اردنجه اولدیلر محصور لر  
 جمله شهر و حصار آسمانه اوچدی یا خود یره کندی صانوب این المفردیه رک لب  
 دریایه دوکدی غازیلر بر ج اوزر نه کافر لری طعمه شمشیر ایدوب تفنک واثوابی  
 غارت مشغول اولدیلر امامراد اغا بیراقلری و سائر اشکر ماذون اولماغله یورومدیلر  
 لاجرم ایکی ساعت نصکره کفرینه ایریشوب بر مقدار مد تد نصکره غزاة متر سارینه  
 دوکدیلر امانغ یری بر مرتبه آچلدیکه سوار مراد اوزره کیروب چیقاردی بعد الفتح  
 اوچیلوب تمام سکسان برزراع بر قلعه نک درو شده اولان قباب و سائر دیواری ریزه  
 ریزه ایلدیکدن غیری اهل حصار پولغمدن غایت و همه دوستوب هر کس خانه سنک  
 جدار لری التی قازوب ارامغه باشلادی وهم اولکون جزایر قولندن پر زین آلائی  
 بکیسی احمد بیک طوب ایله او ریلوب شهید اولدی و کافر غراتک پنجه غضنفر بستندن  
 قورنایه جغنی بیلوب کلایه سارنده اولان یه کسک چاکلقلنده سیاه خانلر کویستروب  
 سائر اصحاب شرکدن بر درمان طلب ایدر لردی محاصره نک قرق ایکنجی کونی کفار  
 کیه ایله تاپیه سیتارین یا تفقه خمیره و زفت ایله آلوده سفینه تحته لرین یا قوب  
 خند قده اولان سیتار و زیتون اغاجلری یکپان آتش اولوب غزاة سمندر واراتشه کیروب  
 سویندر مکه اقدام ایلدکلر نه طوب و تفنکدن خیل آدم شهید و مجروح اولدی  
 ایله صمان آلائی بکیسی محمد بیک زمره شهیدایه ملحق اولدی ونکه آلائی بکیسی  
 موسی بیک که قراول طرفنه تعیین اولمشیدی ککندویه حفظ عسکر تعیین  
 اولمشیکن باغلرده ذوق و صفایله عمر سورردی تجدید وضویه بر پیاده عربی و شاطری  
 ایله بر استر بی فرم سوار اولوب الایدن خیل یرایر یوب کتدکه کفار کینکاهدن  
 اوزرینه دوستوب ککندوی و شاطری شهید ایتدیلر لکن عسکر ایریشوب باشتی واثوابی  
 المغه مجال بوله مدیلر جسمی اور دویه کتوروب دفن ایتدیلر قرق دور دنجی کون عسکر دن  
 بعضی دلیر لرام حصار چیقوب عظیم محاربه ایلدیلر هم اولکون یوریش اولغله مشاور  
 اولتوب امرا و آلائی بگلری و بکچری و سائر عسکره ننبیه اولندی که صباح یوریش  
 ایچون هر کس آماده اوله یوریش اول محاصره نک قرق بشخی کونی جمادی الاخره نک

اون ید پسی روز پنجشنبه ایدی بعد صلاة الصبح فرمان صادر اولمشیدی که خند قده  
 اولان بش پان طوبیه بر یردن آتش ویرلدکلر یوریش اوله لکن اول محل طویلر بر یراتلدی  
 هر چند که طوبیچاره ننبیه اولندی و چاغلر دی ایدمدیلر حصار دن کفاریات اسلامی  
 و عسکری متر سارده عادتدن خارج کورمکله طوبوب طوب و تفنک و نیر و سنک ایله  
 حاضر طور دی غزاة الله الله آوازه سی ایله یورودکلر نه کروه مکروه پای ثباتی محکم ایدوب  
 عظیم جنک اولدی سر برجه صعود ایدنلر کیکسی مجروح و کیکسی شهید اولد قده آلائی  
 قول قول عسکر اقدام ایتدیلر مفید اولدی من بعد قلعه یه حتمق بر طرف اولوب  
 دورت ساعت قدر جنکدن صکره رایات اسلام دوندی اثناء جنکده آلاجه حصار کی  
 داوونک و نجه بکزاده لر و حضر چور باجی و او طه با شیلر و اغا لری مجروح و کیمی شهید  
 اولدی بیکدن تجاوز ارباب تیمار و بکچری و پاشا اغا لری تلف اولدی حسن پاشا  
 و مراد اغا دخی طاش زخمیه مجروح اولدیلر علی اغا فولندن دخی یره یوب قیو قلعه سنک  
 مردانه جنک ایتدیلر مصوبی باشی قولندن دخی دلیرایه یوریش اولدی لکن لب دریاه  
 اولان قلعه دن پان طوبیلر یله خیل آدم شهید و دوستی جزایر و تونس عسکرینک متر ساری  
 اولماغله اشکان یور یوب خیل آدم مجروح اولدی دریاه دخی عسکر بحر صندلر ایله  
 یوریش ایلدکلر بر روز کار پیدا اولوب هر یری بر طرفه پریشان اولدی واکرچه سردار  
 بو احوال دن ملول اولدی لکن مقتضای حال اوزنه هر کسک خاطر مجروحی مرهم لطف  
 و احسانه تطیب ایدوب شهیدانک اولاد نه و برادر لرینه یرلرینی توجیه ایلدی ایرتسی  
 یوریش احوالی رکاب هماینه عرض ایدوب عسکر و خزینه و ذخیره امدادی رجا ایلدی  
 و امر اچر دن شعبان بیک چکدرمه سیله کوند دی بوخبر ناملایم لامق سمع پادشاه اولد قده  
 واندن کلن احمد پاشایی و سکبان باشی حسن اغایی موریه واروب التی بلوک خلقتدن  
 و بکچری دن اول طرفه اولنلر ایله محافظه ده اوله لر و انا طولی و قرمان بگلری دخی کلیدیلدن  
 بکوب بنفشه اسکله سنک فرمان سردار نا خطر طون لر دیه فرمان اولندی و بکچری یه  
 قیو اولوب ایکی بیک جدید نفر ذورت قلیون ایله کوند رلدی وجهه خانه و ذخیره ایله  
 مالامال بو رتونی پی در پی ارسال اولدی یه ریشک ایکنجی کونی سردار خند قده عسکری  
 سیمه سورمکه ترغیب ایدرکن بر طوب صاچه سی کلوب سرداری و عسکری دود کبود  
 یورودی بو ار القده مراد اوزنه دیار حصار بیقلوب سیمه لر دخی محله بنشیدی و دیاردن  
 یوقاری عسکر اسلام چیقوب سر برجه متر سار قور دیلر و بر جک طپراغی التمه ایکی  
 عظیم دلاک اچوب باروت قودیلر و آتش ایتمکه فرمانه منتظر اولدیلر یوریش ثانی  
 محاصره نک الی ایکنجی کونی روز پنجشنبه ده فرمان سردار ایله وقت صحن نصف  
 روزه دگ غازان خند قده و تاپیه لره طوبوب استاد باروته آتش ویردکلر قلعه نک طولی  
 اوستنده اولان محافظان اشاری یوزدن زیاده کفار ایله جو هوایه قالد یروب غایبان فرصتی  
 غنیمت بیلوب رایات نصرت ایاتی سر برجه دیکدیلر صدای نکبیر و غلغله سورتا و نفیر  
 آسمانه پیوسته اولد قده کفار بد کار پای ثباتی محکم ایدوب مبسخر قده ال اولدیلر



مقصود می باشد قولند اولان روم ابل وانا طولی عسکری ویکچری و سورد نکچدی باردخی  
 لم کدیکندن حصان صعود ایدوب امیرالامرا حسن پاشا و مراد اغا و احمد پاشا زور اولان  
 اولان دلیران ایله قلعه یه کیروب کدکری ضبط ایتدیله حکمت خدا اول ساعتکه کفار محل  
 رزم اولان برجدن یو کسک تاییه یه فرار ایلوب لب دریا و برج مفتوح میانه اولان  
 تاییه یه دیکه آند تصور یو شیر اولغله ارسلان برچی تاییه سی دیرو باب حصار ایله ضبط  
 اولنان برج اراستند اولان تاییه رفیع دین یعنی یمن و یسار و مقابله دن عسکری نشانه  
 طوب و تفنگ ایتدیله اما غازیله هر چند که تاییه لک فتنه کوشش ایتدیله هر رینه  
 ابواب مستحکم ایتشیر ایدی و یوللرنه انگلی طوبیلردن صاچه لقوبوب خیل کسسه شهید  
 ایتدیله ایچنه دخول ممکن اولدی بر ساعتدن زیاده حصار ضبط اولنوب فتح فیروزی  
 آل ویرمشیدی رزم ایچره مچه امرا شهید اولغله زمره مجاهدین قلعه دن ایتدیله صانع قول  
 آلائی بکی مصطفی بک و سابقا لاجه حصار بکی محمود بیک و سورد نکچدی اغاسی یوسف  
 اغا و یکچری سورد نکچدی اغاسی دلی قورد شهید اولدیله یاییه بکی ارسلان پاشا و مچه  
 چوریا جیلر و اوطه باشیلر و سالار لر مجروح اولدی بوندن صکره عسکر اسلام ناکام  
 خنده چکدیلر سردار و امرا هریری تقد رسی ایدوب یورودیله ایسه بالذات جناب  
 یارینک مراد شریفی اولما مغله قاچ ایله التوق ممکن اولدی علی اغا قولندن دخی یورودیله  
 کوشندیل بکی قیابک و مچه دلیر لاندن دوشوب ما یو سا کیر و دوندیلر بوندن صکره جمله  
 عسکر قیاس ایدر لریکه کیجه ایله جبه خانه و طوبیلر متر سالدن اخراج اولنه زرا  
 اکثری امرادوشوب قلانلر دخی مجروح یا تور لری ایدی اما سردار صاحب و قار شوکت  
 و جرات ایله خند قله اوتروب عسکره انعاملر و تزیینات و تیمار لر ویرمکله نواز شلر ایلدی  
 سم وزری کیسه کیسه هر بلوکه و یروب مردانه حرکت کوشتر مکله جمله سی پای ثبات اوزن  
 کلوب همان اول ساعت طوره و غرار و خاکله لم آندینی سر برجه مترس ایدوب رایات  
 اسلامی سر برج اوزرینه دیکدیله فتح حصار خانه چون عسکر و طوب و اقدامدن سردار  
 امیدی کسوب عنایت حقه دل بسته اولدی لاجرم حضرت حق معین و دستگیر اولوب  
 فتح میسر اولدی و قلعه یی زور بازو ایله التوق ممکن اولوب قوت و قدرت حق تعالی نیک  
 ایدوکنی مشاهد ایتدیله تمام اللی دورت کون محاصره اولنوب سر برجه مترس الندی  
 ائین کونی ینه یوریش تخمین اولنمشیکن جنود فرنگ کوردیکه سعی و کوشش ایله اولنر  
 یو نلرک بری دوشسه یرینه بیک کور ویری اوندن دشمنه مقابل اولور خصم و صا جاسوسلری  
 سردارک مراد نه لکنی کوروب سولردی ملعو نلرک دزدار لری و قیودانلری و طوبیچیلری  
 اکثری هلاک اولوب مقرر یلیدیله که بردخی یو قوم یوریش ایدر لسه خواه ناخواه حصار ی  
 آلوب پنجه لرندن خلاصه چان انجق تسام حصار ایله در پس جمله سی مشاور ایدوب  
 امرا و عسکر و شهر خلقی تسام حصار و یروب سبت کونی بین الصلانی قیودانلری  
 طبل چالاراق محل یوریش اولان کدکه کلدیلر سیمبه ده اولان عسکر آلات جنکه  
 دست اورد قله کوردیلر که کلن کسه لریج حصار ده نشانه جنگ اولان رایات سرخ

سیاهی سرتکون ایدوب برآق سنجاق دیکدیله و صدای امان رسیده کنکره آسمان  
 اولدی و همان ساعت بربالو باشلو قیودانلری ارنا و اصل اختیار قائد لشکر  
 گفاری ایدی بپراقره اینوب امان پادشاهی وارمیدر دید که سالاران لشکر امان  
 ویرلک مقرر در دیو جواب ویرد که فی الحال اینوب حسن پاشا نیک ایتدی  
 و سردار حضورینه وارمی استدعا ایلدی ایکی متعین کسسه حصان رهن وضع اولنوب  
 امراء فرنگدن ایکی مصاحبت کدار که بری و ندیکدن کله ویری شهر ده اولان روم  
 طاغنه سنک استبهیدر چیقوب حضور سردار کلدکارند اولا کیدن جک کفارک باشنه  
 و مالنه و عیالنه کسسه دکیوب کیلر ایله ملککنرینه کتمکه برامرویردیله و اهل شهره دخی مال  
 و عیال و خانه لرینه کسسه علاقه ایتیب هر کس املا کنده آسوده حال اولوب سبای  
 رعایای مالک محروسه کبی یکینه لردیو برامردخی و بریابوب قلمبری مطمئن اولدی و یوایکی  
 ایباچی به خلعت فاخره کیدیرلدی و همان عسکر دن کسه اهل حصان دست درازلق  
 ایتماکه فرمان اولنوب مرده امن و امان رساننده کوش اهل زمین و آسمان اولدی  
 ایخیر مرده حیات بخش ایله حصان و اربوب بشیر ایتد که اعدای باقوان شادمان اولدیله  
 یکشنبه و دوشنبه کوئی بر موجب عهد جمله فرنگ احوال و اقبالن اوج قدرغه و یلیکی یورتونه  
 تحمیل ایدوب سه شنبه کوئی جمله ملاعین فرنگ امرانسون و عیالیه استبارین  
 آلوب چکیلوب کتدیله و بیک قدر نفوس دخی جزایر لیلر قولندن حصار دن چیقوب  
 سوده سواحلنه دو کلدیلر فرمان سردار ایله عسکر ایکی صف اولوب نصاری میان  
 عسکر دن یکوب بر فرده تعرض ایتدیله همان ساعت بروج و حصان چیقوب اولان ازان  
 محمدي اوقوندی بعد هر کوشه سنه رایات اسلام دیکیلوب طرف طرف بر چور باچی  
 یلوکری ایله تعیین اولندیکه اسواق شهری تاراجدن حفظ ایدر ل سردار کامکار دخی  
 شهر و بازار ی طولا شوب دکانلر آچلدی رعایایه نعدی ایدن او باشلر نادیب اولنوب  
 ندا اولندیکه هر کسه لجازتدر املا کنه متصرف اولوب سایه ظل الهیه حضور ایلسون  
 اهل شهر بوندن صکره سیف خوفندن امین اولوب هریری کند و عالمکنده آسود حال  
 اولدیله یو فتح جلیل جمادی الاخره تک یکرمی طقوزنجی یوم الثلاثه ایدی بوندن صکره  
 عسکر اسلام خیاملرین پیرامین حصان قوردیلر جمله دن مقدم صائنه نیقولا دیکله  
 معروف کلیسا که بر معبد قدیم ایدی جامع قلنوب محراب و منبر وضع اولندی و پادشاه  
 بامنه منسوب اولوب حالا خنکار جامع دیکله معروف و بوندن ماعد حایه ده ایکی معظ  
 کلیسا که اوچی دخی مشهور و اوقاف بی شمار ایله معروف و مذکور در جمله دیوار لری رخامدن  
 یا بلش مزین و منقش اندرون و بیرونی کونا کون تصویر و تمثال لر ایله عبرت نمای روزگار  
 و هر رینه خزینه لخرج اولنمش بر یادگار ایدی اوچی دخی جامع قلنوب بری یوسف  
 پاشایه بری موسی پاشایه منسوب اولدی یو معبد لر لوث اوشان و مزارستان اهل طغیاندن  
 پاک اولوب طوب رخنه لری یایلدی خنکار جامع منبر و محراب و محفله محتاج اولوبوب  
 یونلرک هر رینه مناسب ایچندن بر مقام بولندی انجق طرز اسلامه قودیلر و بوجوامعه



مال غزادن اوقاف عظیمه تعیین اولندی واپکی حسام بن اسحق بن محمّد بن تنبیه  
و تعیین بیوزلدی فتحک اوچنی کونی حصار مرما تته تنبیهه اغاز اولوب هر کس قلعه  
محاصره سنده نه پردن مترسه کوردی اینه مرمانی دخی اولوب امرایندوب مراد اغا فتح  
اولنان کد بکه مصدونی باشی لغمدن آتیلان دیوان کوستندیل و تر حله عسکر لری  
علی اغا ایله ابواب حصان و اماسیه بکی احمد پاشا حانیه به کلان صوکر لینه تعیین  
اولنوب استاد معمار و نجار لرد کلدی و خراب اولان یرلری تجدیده اتمام ایدوب  
از زمانه کالاول احیا اولنوب الشمس کونده بومصاحت غایت ایددی و مترس یرلری  
دوزه لوب مستوفی طویلر و جبهه خانه سی که یالکتر ایکی بیک بشیموز قنطار باروت قونوب  
کرکی کی تکمیل اولندی و عزربار و حصار ارلری یازیلوب طویچی و جبهه جی و عسکر  
واغلاوات تعیین اولندی در دنجی کونی سردار با وقار جمعه نمازند نصکره قیوجیلار  
کنند اسی حسین اغایی و چور باجیلر زمره سندن عمر اغایی جعفر قیودان نام رئیس بنامک  
چکدری قلیتمه سیله بوفتح جلیک خبر بشارت رسائی ایله آستانه سپهر اشیانه کوندردی  
دو تنمائه رجبک اون در دنجی کونی مرثده فتح ایله ارسال اولنان کشتی دار السلطنه به  
واصل اولوب اول وزیر اعظمه واروب نوازش و التفات ایله مهربان اولد قد نصکره  
صدر عالی قدر حمد و شایدرک کلن اغا لری آلوب حضور همایونه کتوروب عرض  
سرداری جناب پادشاهه ایصال ایندک مشکر لیدوب کلناره خسروانه خلعت کیدر لیدی  
واوچ کون اوج کچه دو تنمائه فرمان اولنوب حکام بلاده و امر علیه کوندردی و استانبول  
شهری ترین اولنوب کچه لده خلچ غلطه قنادیل و طیارات ایله مزین زور قار ایله ملو اولوب  
بازوتدن معمول قلعه لر و طویلر و فکشکار ایله مرتب آتیلوب عظیم چراغان اولمشدر بعد  
قیوجیلار کنند اسی حسن اغایی مرصع سیف و خلعت سمور ایله سردار اکرم جا نینه ارسال  
ایتدیلر خلعت عموم ضابطان سردار اکرم مرما ت حصار ده ایکن فتحک سکرنجی کونی  
دربا بکاردن بش عد دیگ غدرغه لریله و بش شیشه ایله اغریوز کوندردی بکه اند اولان  
بیکلک ذخیره بی عسکره یئشدره لر فتحک اون بشنجی کونی سردار سرایدن چیقوب  
او تاغه کلدی اولا بکچیری و سائر عسکرینک علوفه لری و یریلوب دیوان ترتیب اولندی  
وزرا و امرا و اعیان و سائر ضابطلر فتح خلعتلری کیوب تمام نوازش و الطافدن  
صکره جمله سی دامن بوس ایدوب یرلور لینه کتدیلر آمدن سفاین کفار فتحک اون  
دوردنجی کونی کفارک دو تنمائی قلاع کیددن قره بوسه نام حله گلش ایدی دو نمانک  
یرار بکری اغریوز کیدوب امرادن معمر اسکندریه سی بکی قاسم پاشا و صالحیانه  
بکاردن مصطفی اغریواوغلی و فات ایدوب سائر سفاین یغانغه چیقوب جزایر تونس  
و طرابلس عسکرلری صحرانشین بولغله روزمر قومه موافق روز کار ایله عرض شوکت ایدرک  
سکسان قدر چکدرر قدرغه و دورت ماونه و خیل یورتن ایله قلعه اوکندن کوب سوده  
قلعه سیلما تته مالت و دوقه و فراجه و پایا و اسپانی و نیک کیاری انده وضع لندر ایتدیلر  
لکن اصلا طشره چقغه و قریه واروب ذخیره المغه در مسالری اولیوب چقانلری

طعمه تیغ غازیان اولدی فرمان سردار ایله مغرب عسکرلری سفینه لینه کیدیلر توچیها ت  
ایله صمان سنجائی محلول اولغین اوخردن معزول احمد بکه و لاجه حصاری داودینک  
محلولندن جمالی حسن بکه و اوخری بکی یانیه لی مصطفی پاشا یرار زعامت الوب یری  
خواجه زاده علی بکه و یریلوب و دوقه کین وصول قول آلا ی بکری دخی محلولدن  
اولدیلر بیک بکی سابقا قیوجیلر کنند اسی اولان حسن بیک و فات ایتمکین حسن پاشا  
کنند اسی روم محمد بکه و یریلوب کوستندیل و وچترین و پرزین آلا ی بکری دخی محلولدن  
اولدیلر و حانیه فتحی مورخی پیری پاشا زاده نخری بیک دخی روم ایلی دفتر دار کنند اسی  
اولدی سرد نکجی اغایی حضور اغا یرار زعامت ایله رعایت اولندی بوند نصکره دفتر خانه  
آجیلوب محلول زعامت و تیمار و خدمت یولدا شلقه یولنان غازیره و یرلدی فتحک  
یکرمی کونی روم ایلی عسکرینه یوقله فرمان اولنوب بالذات کوردی هر کس  
براتی ایله حضور سردار کلوب براتارینه خطی ایله اشارت اولندی و کلینلرک تیمار  
وزعامت لری معزول و موجود اولان بهادر لر و یرلدی و شهدانک زعامت و تیمار لری یوز بیکه  
وارنجه اولاد و برادری وار ایکن آخره و یریلوب انلره احسان اولندی اگر چه قانون  
دکل ایدی لکن بوفتح بولغانلره رعایت و اکرامی التزام ایتیشلر ایدی آمدن حسن اغا  
شعبانک بشنجی کونی دریادن جعفر چلبی قدرغه سیله حسن اغا کلوب خلعت و شمشیر  
ایله خط کتوروب امر اوغایان اسکله ده استقبال ایدوب توقیر و تعظیم ایله حضور  
سردار کنوردیلر خط همایون قرأت اولنوب جمله عسکر پادشاهه دعا لرایلدیلر بعد  
موسی پاشا و حسین پاشایه دخی ارسال اولنان سمور قیل و خلعتلر و یرلدی بچشمه کونی  
سردار امرایچری دیوانه کتوروب خلعتلر کیدر یوب هر برینه انواع رعایتلر ایله سرافراز  
ایلدی و عظیم شلکرا اولدی اوج کون صکره شعبانک سکرانه مقدمه مادر دولته اقامت لر ایله  
وازن شعبان بیک عسکره ملاقات ایدوب فتحک مقدم امداد همچون کتمش ایدی لاجرم  
دورت عظیم قلیونه مقدمه ماذکر اولندی اوزن بکی قلیویه چیقان ایکی بیک بکچیری قویوب  
مطره جی باشی بی مرصع شمشیر و ایکی خلعت ایله سردار کوندر مشلر ایله ی ساقره  
کلد کلرند فتح خبرین ایشدوب دکر منلک نام اظه ده وضع لندر ایدیلر و شعبان بیک  
مطره جی باشی بی آلوب استبحال اوزن عسکره ایرشدی اغایان وارکن آلا ی ایله استقبال  
ایدوب دیوانه کتوردیلر و شلکرا ایتدیلر قیوجیلر کنند اسی و مطر جی باشی بی ایکی کون  
ایله قویوب یوللادی بش یار قدرغه ایله بنفشه ده سائر ذخیره کیلری و سفاین عسکر ایله  
کلکه ما مور اولدی محاربه سفاین در باللو بادن کفارک دو تنمائی کور فوز حصارندن  
محافظه ده ایکن عسکر اسلام حانیه بی محاصره ایلد و کن ایشدکده ممالک محروسه ده  
ضرر قعدن ایدوب اولامور بلادن باللو بادن تحریک ایدام ایلدی قرق چکدری  
و دورت ماونه و او تو قدر فرقه ایله ساحل بحر کلوب دو کلد کده اهل شهر که مقدمه  
کفار دن خیمه اولغله جمله ماملک لری حصان قوم مشلر ایدی و کند و لری آلات حرب ایله  
حاضر طوروب کفار جرأت عظیمه ایله شهره قویلد قل اهل اسلام بیق یسازدن تفنک



وخذتکله طوب عظیم محاربه را ولدی بر قاج خانه بی آتشه یا قدیلر هله اسلام غلبه ایدوب  
اول کروه مکروعی شهر دن سوروب چقار دیلر التمش کافرک باشلری مید اند غلطان اولدی  
مسلمانلردن انجق ایکی آدم شهید دوشدی حضور سردار کله کتورنلره احسان ایلدی  
محاربه در قارلی ایل وندیک ولایتی خلقی ممالک وسیعه پادشاهینک نم فراوانیله تعیش  
ایدوب بود دفعه هیچ بر اسکله دن ذخیره ویرلما مکه وندیک توابعدن کفالونیه و زاکلیسا  
اطه لری قحط وجوعه مبتلا اولوب سفاین ایللردن ییشار استقیاقارلی ایل لواسنه تابع  
بعضی نواحی به جقوب حنطه وغنم و سائر اموال رعایایه دست خسارتی دراز ایتد کلرند  
ایامون قلعه سنک غازیلری ایریشوب اول قوم ضال ایله صبا حدن وقت زواله دک جنکر  
ایلدیلر عنایت حق ایللر غالب کلوب سکسان باش والی بر اردل النوب سائری مجروح  
و مکسور کینلرینه جان ایتدیلر کفار ایکی ییکدن زیاده و غازیلر در تیزو قدر ایدی جناب حق  
قصدت احسان ایلدی و دیلری بنفشه دن حضور سرداره کتوروب مظهر عنایت اولد قلرند  
ماعد اقلعه مزبوریه باروت و دانه و قورشون وجبه خانه ویرلدی مقاتله کفار  
در پیش حصار حایه مقد ما ذکر اولندیغی اوزره سفاین کفار سوده لیمانه کلوب  
خیلی زمان اکلدیلر سعیلری بی فائده اید و کن ییلوب کفار بر برینه دوشوب اسپانیه  
وندیکه سزک ولایتلری کتزه قریب در بزوبخه اندین یکسک کر کدر او تور مقدن اصلا  
بر فائده یوقدر بر طویلمغه نائل اوله مدق دیدیلر وندیک جاسوسلری عسکر اسلامه کلوب  
خبردار اولمشلر ایدیکه امرانک یهادرلری کی اغریبوزه کی بنفشه یه کلوب سار قدرغه لڑ  
کور کلرین چیقاروب لیمانه اسوده یا تور و بور تونلر قدرغه لردن بعید تودوری قلعه لری  
التنه یا تورلر عسکر اسلامه عرض شوکت ایده لم دیویش قدرغه و مانه و او توشش برتون  
ایلر بر صباح سوده پورندن چیقوب حایه حصاری اوکنه ایرشدیلر قلعه دن طوب  
ایتیلوب عسکر اسلام رزمه ماده اولدی سردار فی الحال با شتر ده یه کیروب یکچیز و سائر  
عسکر کیلره قوی ییلوب لیماندن خروجه اغاز ایتد کلرند هنوز صف سفاین راسته اولمادین  
برشدیلر روز کار نمایان اولدی سفاین اهل اسلام انجق لیمانه کیرمکه فرصت بولوب کفار  
کیلرینی روز کار بوجهله تارماز ایلدیکه هر بری بر قایمه دوشوب کتدیلر کله لری و کتلمری انجق  
بر ساعت اولوب بی رزم رجوع ایتدیلر اوج دورت کوند انجق بینه سوده لیمانه کلوب جمع اولدیلر  
رزم کفارد کوهسار بر قاج کوندن عسکر احوال فرنگدن خبر ایچون دیل لازم اولغین سردار  
اکرمک کوکلو اغاسی بر قاج کزیده یهادر ایللر کیجه سوده لیمانی طرفنه واروب بر براردیلر الوب  
علی السحر حضور سردار کتوردی بو خصوص کافره کوکلو اولوب انلردن آدم المغه سعی  
ایدوب بشیموزدن متجاوز کافره حایه مقایلمند اولان نلال اوزن کلدیلر مکر نصف الیللر  
او توز قدر مجاهد اول کوهسارده شکار ایچون کینه کیرمشلر ایدی کون طوغر کن بوزحق  
عسکر اول کروه خیانت اثره صتا شوب کفار یونلره تفنگ اوردی انلردنخی پای ثباتی محکم  
باصوب جنگ ایتدیلر صد ای تفنگ مسبوع غازیان اولد قل بلوک بلوک طرف جنبه اغاز  
ایتدیلر سردار دیلر کفارک جمله عسکر خروچ ایلدی قیاسیله راپات اسلام حرکته امر

ایلدی فی الحال غزاة آلات رزم ایللر عزم ایدوب بالذات سردار مکرک کاهه ایرشد کله  
جانب مجردن قدرغه لری صف اولوب عسکر طویه طوتدیلر عسکر دخی لب دریاه واروب  
سفاین ملاعینه قورشون یاغیدیلر لکن قورشون منزلدن بعید اولمیلرله کیر و دوشوب  
اول صحرالده اولان اتلره طوغری بعضی کوکلو عسکر کتدی ینشوب بر قاج  
ملعون کس دیلر باقیلر قاجوب بر سنکلاخ یه کیردیلر بوند نصکره کفار بر برینه دوشوب  
پای ثباتلری منزلزل اولدی کوردیلر کتزه غزاتدن بر شکار الملق محالدر و ذخیره لری دو کلوب  
رعایا اوردودن اوجوز یه ایللر بغدادی و یکسماط الوب اغریلر ایللر کفار صتا رلردی مالتنه  
ودوقه واسپانیایا کیلری و ندیکدن مفارقت ایدوب چوقه اطه سنه کتدیلر تا که اول  
ییللر اوردوبه کلجک قایتلردن و کیلر دن بر طویلمق الال امام عسکر انلرک مکر و کیدندن خبیر  
اولوب تنهاتر دد ایتدکلر فارغ اولدیلر اندن دخی مایوس اولوب دیارلینه ییقیلوب کتدیلر  
ارسال امداد یجزره کیرید وندیک کافرینک دریاه دونما چیقروب ایامون و باللی بادن  
طرفلرینه قصد خسارت ایتد کلرینی سردار اکر دم دردولته یازوب و کیرید ده دخی کفار اتاولری  
اوردوی اسلام داتره سنه غارت قصدند اولمیلرله انلر ایللر مقابله و مقاتله یه اتلر عسکر  
طلبنه عرض ایتمشیدی عرضلری جمادی الاخره اوللرند در دولته وصول بولد قلعه  
حسن اوغلی سکبان باشی حسین اغاسکیانلر جماعتیله اول بایه تعین اولنوب عجله  
کوندلردی و بعد المشون والد سلطان کتخداسی یه ارام اغانک اشارت واستصوابیله قیو ایتدک  
فرمان اولنوب علوفه سی چالق یکچیز بلرک علوفه لری طوغرلدیلوب کیرید مأمور اولدیلر  
وامکدر اسپاهی لرک مقطوع الوظایف اولنلرین تعیح جمله ممنوعانن و اشده محالندن ایکن  
بحسب الاقتضای ایتد ان سیاهی یازلق فرمان اولنوب ایچ اوغلانی و بالته جی و سائر نوع مناسبی  
اولنلردن ایکی نیکه قریب سیاهی التیشرا قچه علوفه ایللر یازیلوب التی باوکه توزیعدن صکره  
علو فحیان یساروغر باعین بلوکلری دخی کیرید مأمور اولغین یکی یازیللردنخی انلر  
مرافقت ایللر مأمور قلنوب ذکر اولنلر ایکی بلوکلر اغازی عجم ابراهیم اغا جمله سنه ضابط  
نصب اولندیلر و عسکر عشر اواسط جمادی الاخره ده سلا نیکدن کمی یه کیرمک اوزن  
استانبولدن چیقوب داود پاشایه قونوب محل مأمون عزیت ایتمشلر ایدی جنگ کفار وندیک  
بای بعضی سفاین اسلام سابقادر دولتن کوندیلر دورت سفینه ایللر ایکی ییلک یکچیزی یه  
قرمانلی رئیس نام قبودان باش و بون تعین اولنوب ذکر منلکه کلشیدی ذکر منلک  
اطه سی ایسه قلعه سزیر دیا تمق جائز دکدر و اوردوبه وارمغه ایام یوقدر دیو بنفشه یه  
عزیمتله هر چند که اقدام ایلدی یکچیز یلر اتباع ایتیموب عناد ایلدیلر آخر کندی و سی بنفشه  
اسکله سنه واروب سائر امرایه ملاقات ایتدی اوج قلیون ایسه اول لیمانه استراحت  
ایدوب فرمان سردار منتظر اولدیلر سردار دخی مزبور طره کیرید کله سز دخی در پی  
مکتوبلر کوندردی لکن ایام مساعد ایتدی لاجرم سردار دونما کیلرینه تنبیه ایدوب  
حاضر ایلدیکه بالذات واروب بنفشه و ذکر منلک لیمانلر اولان سفاین جمع ایدوب  
حایه یه کتون لروا شاده طرف شهر یاریدن خاصکی اغا بنفشه اسکله سنه کلوب انلر اولان



امرا و اعیان دولت ارایه نیر سردار بنشده سردیوب جمله سنی سفینه طویل و یوب کندی  
 بر بکاک قدرغه سینه بنوب خط همایون ایله حضور سردار عزم ایلدی شعبان شریفک  
 اون سکرچی کونی کلوب ملاقی اولدی و جمله کیلر که جکرین خبر و بر مکه سردار اکرم اول  
 فائله دن بری اولدی و همان حضوره ایونه احوال عسکر و ممالکی عرض ایدوب یی پان قدرغه  
 ایله انلر دخی بنفشه ده اولان کیلره امداد اولمغه همت بیوردیلر لکن یواز سالدن سردار  
 انفعال کلوب شعبانک بکرمی برنجی کونی التمن مکمل قدرغه ایله چیقوب عزم ایلدی که  
 روز کار قار شولوب تودوری لیانه هزار زحمت ایله لنگر صالیدی و اوج رئیس که ممش رئیس  
 و چاوش رئیس و جعفر اوغلی ایدیلر کیلر ده اولان بکچیری ایله دکر مناک لیانه اولد قلیونی  
 کفار طویوب تیمور اوزرنه با صغفه جه ایدیلدی ماونه لری و قدرغه لریله کجه سوده دن عزم  
 ایدوب پنجشنبه کونی منور رئیس لردخی دکر مناک لیانه چیقوب عزم کرید ایلشتر ایدی  
 همانکه لیانه چقدیلر طلوع شمسدن ایکی ساعت یکم شیدی کفارک دونماسی اوتوز  
 ایکی قدرغه و دورت ماونه و بر قاج فرقه نمایان اولوب بواج کی یه اوشوب صاردیلر  
 حکمت الهی بر قاصرغه ظهور ایدیلر بکه بحر یلر اکاز یغوس دیرلر جمعیه سفاین اسلام و کفاری  
 موج طوب اول یوکسک قلیونلری شویله ایدردی که صوالدیلر اول روز کار شدیدن  
 کافرک ایکی قدرغه سی باشی امشاهه کلوب اچندن اولان ملاعین ایله دریاه غرق اولدی  
 ابوز جعفر کیسنگ که قرق ایکی پان طوب چکر بر عجاب کی ایدی یوک دیره کی یلکنلریله  
 پان پان اولوب التند بولن خلقک اکثری بکچیری ایدی یلکن ایله صویه کندی و کمی  
 ضرب ستون و آلا تندن خرد اولدی چون روز کار شدید کچوب هوا ملایم اولدی کافرک  
 دونماسی کلاب مثال اول کیلری اورتایه الوب ماونه لردن و با شترده لردن قوغوش طویلریله  
 سنکسار ایدیلر اهل اسلام دخی طوب و تفنگ اور مقده قصور ایدیلر چاوش رئیسک  
 سفینه سی اوزرنه دورت ماونه کلوب بیوک بالیز طوب ایله محاصره ایدیلر اما سفینه  
 بر ضعیف صبار قنار اولمغه ماونه لک کورکنی طوب ایله شکست ایدوب ارلندن کندی کندی  
 ماونه لر زخم دار و رسوای لرلرند قالدیلر بر کروه ماونه و بر قاج با شترده لری دونوب ممش رئیس  
 اورتایه الیدیلر اولدخی عنایت حقه انکا ایدوب برجهنگ ایدیلر بکه فلک کرده ملکر تحسین و آفرین  
 او قودیلر اولدخی وقت عصره دگ دو کیشوب خیل آدمی شهید اولدی اما کفاری تمام  
 ایدوب زخم دار و مجروح بر اغوب چکدی کندی بود فعه جمله کیلر و ماونه لردن و ابوز جعفرک  
 قلیونن اورتایه الیدیلر قوغوش طویلریله دو ککه با شلدیلر اما جعفر رئیسک بند ایدن سایمان  
 و تیسکه او غلینک وصیتی بر مردلیر ایدی ساغر غزاة ایله دل بر ایدوب یا غزا و یا شهادت  
 دیوب مردانه محاربه لرایلدی بتون کون و کجه محکم دو کیشوب یلکنلری اولما مغه ارلندن  
 چقمغه در سان اولدی عاقبت بر قاج آدم قلوب انلر دخی کافره اسیر اولغی روا کور میوب  
 دو کشدیلر کفارین و یساردن طویله طوب بالا خره سفینه کوه پیکر غریق لجه بجز اولدی  
 جمعه کون غایت قورتنه اولوب سردار تودوری لیانه چیقوب بنفشه یه طوغری صالاق  
 مراد ایدی لکن ممکن اولدی اخشام چاوش رئیس کلوب احوال جنکی تفصیل اوزن



تقریر ایلدی باذن خدا روز کار دخی ساکن اولدی عزم سردار بجانب سفاین کفار اول ساعت  
 سردار کامکار حمراده اولان لشکری کیلره قویوب دونمای نصرت مقرون ایله کفار اوزرنه  
 عزم ایلدی بکچیری کندی اسی مراد اغاس سردار ایله کیدوب وزیر موسی پاشا و حسن پاشا  
 و مصنونی باشی حصار محافظه سینه قلوب هر رجه بر ریسک محافظه جی قونلیدی سبت  
 کونی می رئیس دخی کلوب ملاقات ایدیلر اما سردار دونمای کفار اچون دکر مناک و جوقه  
 اطه لرینی هر چند که تحسین ایلدی اصلا اثر لری بولمیدی زیرا کافر بوجنکندن صکره همان  
 چکیلوب سوده لیانه و بعضی شکافره کیو مشیدی سردار بنفشه یه واروب انده اولان  
 عسکر بالکبه کیلره کیروب بر قاج میل عزیمت ایلشتر ایدیلر روز کار قار شولوب دونور ممش  
 ایدی جمله سفینه لشعبانک بکرمی التخی کونی کلوب حایه لیانه لکر بر اقدیلر تعیین  
 مستحفظان حایه مقد مباروت و جبه خانه و وافر ذخیره ایله قلعه مالا مال اولمشیدی  
 و دفعه کان عسکر دن دورت پیک سیاه و دورت پیک جدید و عتیق بکچیری و طویجی  
 و جبه جی و دورت پیک حصار اری خدمت محافظه یه تعیین اولوب بعد حسن پاشا خیر خواه  
 دین و دولت و لایق محافظه مملکت اولمغه خلعت کیدوب محافظه حصار فرمان ایدیلر  
 و بکچیری اوزرنه خاصکی علی افتاعین اولندی و تحریر ولایت و اوقف و دکا کیش و بیوت  
 و املا که از باب حسن افندی پر هیز کار و صاحب وقوف اولعین مأمور اولدی و قضاسی  
 اوردوی همایون قضاسیله کان مدرس فخری محمد افندی یه مولویت ایله ویرلیدی و سکیان  
 باشی حسین اغا و بابک اغا لرندن صول غربا اغاسی ابراهیم اغای و سائرانی یاو کدن ییله کلان  
 ضابطه خلعتلر کیدوب تعیین سردار ایله هر کس عالی سر ایلره کیروب مکان طوتدیله  
 ماه شعبانک بکرمی ییجی هکونی روز چهارشنبه مأمور اولان لشکر اسلام قلعه نک  
 طرف شرقی سینه اولان حمراده صف صف اولوب قیویاننده سردار سریر اوزن قعود  
 ایدوب بر ر حضور نندن یکدیله و شهادت و صلابت ایله کیروب قلعه ده ممکن اولدیلر  
 عسکر اسلامک ترتیب عجیب و شوکت غریبین کورناری حیرت الوردی کرید جزیره سینه  
 و افرات کورلشیدی جمله سی انده قالمق فرمان اولوب سائر عسکر کیر و کیلره گیر دیلر  
 و جزایر و طراناوس و تونس عسکر لرینه خلعتلر کیدوب ارباب انفات و عیادت ایله اجازت  
 ویردی رجوع دونمای همایون روز شنبه که غره رمضان ایدی سردار غازی وقت تحجید ده  
 قلیونلره و شیعیه لر عزیمت فرمان ایدوب کندی لردخی نصف نهاده لیانه چیقوب عزم  
 روم ایلدی بر موافق روز کار ایله اغریبوز اطه سینه قزل حصار کلدیلر اول محلدن هر کس  
 ولایتنه وارمغه اجازت ویرلیدی سفاین اسلامیان شنبه و یکشنبه دیرینوب دوشنبه کونی  
 علی السحر سواحل ممالک محروسه یه وضع لکر ایدیلر دونمای همایون دخی قزل حصار  
 لیانه ایکن بر شدیلر روز کار قویدی که هر سفینه بی بر اطه یه پریشان ایلدی سردار قورسه  
 قدرغه لرایله کیلری دوشروب بر ره جمعی ایلدی و بوروز کار ناموافق اون دورت کون تمتد  
 اولوب دونما غرمته بلکه یندن حرکت قادراولدی رمضانک اون سکرچی کونی سلامت ایله  
 یینه قزل حصار لیانه کیر دیلر اول لیانه ایکن طرف سلطنتدن احمد پاشا ایکی قدرغه



۸۴ و سکر قلیون و شیفه ایله وصول بولدی کریده قلان عسکر ایچون بغدادی و بک سواد  
 ورنج و سارما کولات و ذخائر اسال ایشلار و مصردن دخی شول قدر کیمار کلدی که  
 برنج کیمه سی یکر می سکر اچیه یه بیع اولندی و بوسفرده واقع اولان نصرت یقین زمانیده  
 اولدوغی مسیوح دکلدرغله و ذخیره فراوان میوه و آب خوشکوار بی پایان ایدی انجیق تغییر  
 هوا و عدم برهین سیبیله حایه التند عسکره ذخیره و اسهال مثالی و خسته لک دوستوب مبیطونا  
 قتی چوق آدم هلاک اولدی دو نفاقز خضارده ایکن طرف سلطنتدن آدم کلوب بودیندن  
 معزول دلی حسین پاشا عسکر یله مأمور بانقشه یه کلوب اندن حایه یه یکمک باشیه  
 فرمان پادشاهی اولدوغی خبرین کتوردی و مراد اغا دخی بیله کیمک خصوصیت خط همایینه  
 صادر اولغین قدرغه لایله سردارا کرمک کتخداسی بنقشه یه کوندردی اندن دو نفاقز  
 سافر لیانه کلوب سفینه لر عوما آستله یه کیمکه ایام مساعده ایتمکله ایکی قورسه قدرغه  
 ایله سردارا کرمک همایینه تمایز سورمکه عزیت ایدوب عید الفطر کونی استانبوله  
 کلدی و رکاب همایینه یوز سوروب خلعت و التفات ایله معزز و مخترم اولدی و ونمای همایون  
 دخی وزیر موسی پاشا ایله سالدین و غانین شوالک التخی کونی آلا ی عظیم ایله طویل تارق  
 و عرض شوکت ایدرک سرای بورنی اوکنه کلوب پادشاه عالمپاه حضور لری دخی یالی کوشکندن  
 سیر ایدوب حضور همایونه کلوب دستموس ایدن اوجاق اغارینه و امراء بحره و سایه فاخر  
 خلعت کید یروب التغانلر کوستردی و یوقخ جلیل القدر شعرای زمان و افر تار بخار  
 دیدیلر موسی پاشا کاتی قحری افندی تاریخ غزای اول لفظی بولدی مورخ فتح پیری پاشا زاده  
 حسین بیگ دخی بوکونه نظم ایشلدن تاریخ سیاه رومه صوردم فتح اولدم دیدیلر فتحه  
 تاریخ غزائمورخ شارح المنار زاده بوتارخی سوبلشدر تاریخ بارک الله نصر ایزد حیندا  
 فتح جدید کیم اولور طومار وصفی عالمه تعویذ جان لفظا و معنا یه فتحه اولدی تاریخ متین  
 بحرب ایله بیگ الله بشه قلعه الندی همان بعض و قایم کرید و اخر شعبانده سوده لیانه  
 براز کافر کیلوی کلوب بر قاج بیگ کفار قلعه یی محاصره قصد یله چیقوب شهره قریب  
 قریه لره کلد کارنده حسن پاشا چیقوب عسکر اسلام ایله اوزر لینه هجوم ایتد کارنده بعونه  
 تعالی غالب کلوب کفاری منهزم ایلدی نجه سی اسیر و اکثری طعمه شمشیر اولدی ماه  
 رمضانده بنقشه لیانه کافر دوستوب یدی قطعه بور تون ایله بر قلیون الیدلر و قلعه یه بر قاج  
 طوب اتوب ینه سوده یه روانه اولدیلر رفتن حسین پاشا بکری دلی حسین پاشا بودیندن  
 کلوب کرید محافظه سیله مأمور اولمشیدی و ایکنی وزارت خاصی و مون سنجانی ارپه انی  
 ویریاوب خزینه و مهمات ایله کوند ریشیدی قره دن انابولی یه وارد قن کورمک ایچون  
 تعیین اولنان اون بر قطعه یک کیلری ییاشوب شوالک ایکنی کونی موجود اولان قول  
 طائفه سیله سنوار اولوب ذخیره شیفه لری ید که الندی و بنقشه طرفه کیدرکن مخالف  
 روز کار چیقوب مایینه واقع خیابان لیانه کیر دیر اوج کون متوالیا فور تنه ایدوب بر ذخیره  
 شیفه سی پان لوب برینک دخی دیرکی قزلدی بری دخی کسکین پاشا زاده قدرغه سیله  
 تیمورین قروب دریا به ایلدی نابود و نابود اولدی پاشا زاده سائر کیلر بلا مور و کور کارین

۸۵ قیروب خرده قایقار و صندل لریان لندی هر کس حیاتدن نا امید اولوب بو حال اوزن او توز قرق  
 ساعت قدر کورک اوزرنده کاه قره یه اوروب کاه اچیلوب اکثر التلر تانف اولدی هزار شدا  
 و آلام ایله اون بر کونده زئیل پری کوجه قطع ایدوب بنقشه یه قول مواجی ایچون تعیین  
 اولنان خزینه اندن حاضر اولغله قیوجی باشی حسین اغایدن قبض اولوب تحسین کفان  
 آدمار کوندردی و نابود اولان قدرغه و شیفه روز کار ایله انابولی یه دو شمشیر مور یالیدر ند واقع  
 اولان قاضیلر دریاده چکدر روبر تون الشمس یار یه قریب کفار کیسی کی کرید سمند و کی خوقه  
 اطه سند کشت و کزار ایتمه ده در خزینه و عسکرینک حایه یه عبور اید چکندن آگاه اولوب  
 بکلر ایدو عرض و اعلام ایلد کلر ند مشاور اولوب بروجه یله کید ملک معقول کوندردی بنقشه  
 روز کار اتی و صوبی ازیر اولغله کیر و انابولی یه عود اولوب واقع حال درد و لته عرض اولندی  
 ذی القعدة ده عرض و محضر لر کلوب پادشاهه ناخیر او لند قدر ترسانه کتخداسی عمار زاده  
 یدی قطعه قدرغه ایله امداده کوندردی و اون قطعه ردوس قدرغه لری تعیین اولندی  
 کتخدای مشار الیه انابولی یه داخل اولد قدر اصلا توقف اولنیوب ذی الحجه دنک اون برند لیاندن  
 چقوب کرید کتدیلر بر موافق هوا ایله اوج کون کیدوب ماه مزبورک اون بشنده سلا متله طایه  
 لیانه و اصل اولوب عظیم شملکلر ایله شهره داخل اولدیلر محافظه ده اولان غازی کوچک حسن  
 ناشار موجب فرمان عالی قدرغه یه کیروب ماه مزبورک یکر می برنجی کونی جمله چکدر رر ایله حایه  
 لیاندن چیقوب آستله یه توجه ایلدی حایه ده ذخیره یه قلت کلوب ماکولات عزت  
 بولمشیدی بروقیه خرده یکسماد قرق اچیه طوز طقسا اچیه بیع اولنوردی کیلردن یکر می  
 بش بیگ کیل حظه و یکسماد و غیری ذخایر توزیع اولغله هر شی رخیص اولوب حسین پاشا تک  
 وصولی عسکر اسلامه قوت و اعدایه باعث قهر و محنت اولوب غزاة مسلمان هر جهتدن  
 مسرور و کامین اولدیلر منقولدرک حسین پاشا بنقشه یالیشند اکلنوب کافر دو نفاقز  
 دریاده کشت و کزار ندن اندیشه ایتکله کیمکه فرصت یه له میوب بو وجه یله عاقلانه تدبیر  
 ایتدیکه شمدی حایه ده اولان عسکرک امداد و ذخیره یه چندان ضرورتاری یه قدر رود و نما  
 دخی استانبوله کتشدن یوقه ز کیرد یکمک متعسر در یقین یه نیک قشلا یوب اوله یه ایدر ده کیدر  
 سوزنی خلقه شایع ایدوب صورت معامله خلقه قشلاق تعیین ایدوب کیلری ایله  
 یاغلی تدارکنی کوستردی اما مخفیجه واقع حالی درد و لته عرض ایتشیدی موره قاضیلری حتی  
 پاشا تک اغاری و محرملری قشلاق مقرر اولدی ملا حظه سند ایدیلر و تعیین اولنان  
 قشلا رینه کیمکه متهی اولدیلر کفار جا سوسلری دخی برحالی کرچک صانوب صورت احوالی  
 کفار یلدر دیر وقت دخی اربعین و خمین اشاری اولغین یکملری بر طرف اولدی دیور هنر ناک  
 قصد یله سدر اه ایدن دو نمای کفار دخی مملکتلرینه عود ایشلر ایکن ترسانه کتخداسی  
 قدرغه لایله ترسانه دن علی الغفله قلقوب شویله که نه طرفه کیدر جکی کی اربانک یله  
 معلوملری دکل ایدی واروب حسین پاشا عسکر یله و ذخیره کیلر یله بنقشه ساحلندن  
 الوب اوچکوند کیرد یکیروب صکره کفار بو تدبیر صائی طوید قدر پشت دست جملت  
 میوستلرین دندن تحیرر ایله حایه قلدیلر و بوندن اقدام عسکر قلعه ایچندن طشره



چشمیوب کافر اولی بر میل قدر بر رده طور و بقریه اردن در عایا شهره گلکی منع اید رلدی  
 ذی القعدة واسطه بش التي ييك قدر نك بدر نك برره كلوب طو بسرسل سيف  
 خصمان هجوم قصد بن ايدوب وافرزد بانو كتور و بخصمان يوارينه طياوب دخول مراد  
 ايند كارند حسن باشايكي نيك مقداری عسکر ايله چيقوب جنگ عظيم ايلدی  
 كفار غلبه صورتن گوستروب عسکرى خصمان قيوسته سور دكلرنده حصارده اولان  
 دلاورلردن ييكدن متجاوز بهادر دخی چيقوب كفاری کيرو و توسکروب وافر خناز بر قاچدن  
 يکروب بر مقداری دخی اسير ايتمشلرايدی حشيش پاشا کريده وارد يفتك ايرتسی  
 بر مقدار عسکر ايله سوده يه چيقوب دريا کنارينه واروب بر قاج يوزقيون سور مکه  
 جر اتندن كفار دهشت کشتيدی بری برندن استمداد ايله حددن افزون اسباب وآلات  
 و عسکر احضار ايدوب بحر او بر هجوم تدارکنده اولدق قريش خبر اولوب در دولت عرض  
 و اعلام ايلدی و سوده مقابل طوزليه و انچه عسکر اسلام يا ييلوب هر خروجلرنده  
 كفارک نجه سن اخذ و اسير ايتمکه اطراف اولان قرار عایاسی بی پروا حنيه يه كلوب  
 کيد راولد يلمر ما کولات و حوم و ميوه مقوله سی اشيا يه غنا كلوب سائر ذخائر دخی را بكان  
 اولدی احوال آستانه و وقایع جزئیة ربيع الاخر او اخر نده ساجد افضل الله العالی طولى  
 ايا تيله چيقوب پایة وزارتله مكرم اولدی و اناطولى امير الامراسی نکهلى مصطفى  
 پاشا استانه يه كلوب صالح پاشا الله او چخی وزیر مقامند او توردی و شامدن معزول  
 کورجی محمد پاشا يه و کعبان پاشا يه اوزيوك انچه ايله تقاعد احسان اولدی و خواجه  
 حسين افندی حنا يه سيله معمار سابق قاسم اغا نك استقامتی متعين اولقله يته معمار باشی  
 اولوب معمار جديد مصطفى اغامعزول و منکوب اولدی و جندی خليل پاشا تره دن  
 معزول و استانبوله کلدی و جمادی الاخره ده مقدمه بصره دن عزل و مصادره نصبره  
 ديار بکره والی اولوب اندن معزول اولان مصطفى پاشا که خاتراده سلطان زوجيد ريدون  
 امير الامراسی اولوب دلی حسين پاشا بد وندن معزول و كلوب حانیه محافظه سنه  
 کوندرلشيدی و مستاری مصطفى پاشا سلسله دن معزول و لوب اناطولى دن معزول  
 سياوش پاشا يه و يرلدى و ماه صفر ده کريد جريره سی نيتنه پادشاه حضر تار نك  
 تقيد و اهتماملى اشاسنده بکی قيويه چقندر دن بعضی بکچر يار غوغايدوب بکچرى  
 اغاسی شعبان اغا صاحب تهمت اولان بکچر نك ياقه سنی کسد که اول بکچرى  
 پادشاه رفيع رفته ايتمکه مغضوب اغا لعدن عزل و مرعش ايا لقمه کوندر يلوب مصاحبه  
 متکبر يار خاتون کتخداسی موسی اغا که تر سنله امينى اولدی مسفور و سيله بکچرى  
 اغاسی اولمشيدی و اغا لقمه قانون قدیم سلطانی اوزن وزارت ضم اولمشيدی و هذا المرم  
 ريمهد صکره قتلک سياوش پاشا نك خاصلى دخی الوب بکچرى اغاسی مشار اليه  
 موسی پاشا يه تعين ايتد يار و موسی پاشا نك اسکی خاصلى يکه التي يوك انچه حاصل اولور  
 ايدی لندن النوب مقبوله خدیجه خاتون زوجی قبوجی باشی بالته جی حسين لغا يه تعين  
 اولندی و يته کريد تدارکنه اهتمام اشاسنده دريا بکارندن عبدی پاشا زاده طور غود ييك

مغضوب باخناق اولدی و اخر شهر صفر ده دار السعادة اغاسی طاش يار علی اغا عزل و از عاج  
 اولندی جلالي ابراهيم اغا دار السعادة اغاسی اولدی شهر ربيع الاخر ده بيوك مير اخور  
 نفی اولنوب كوچك بيوك اولوب قيوچيلر کتخداسی باوك اغاسی اولدی ربيع الاول  
 او اخر نده وزير اعظم محمد پاشا حضر تارى خیارق زحمتندن خسته اولوب ينه دفع ايدوب  
 محت بولدی سلسله علمار ربيع الاولک يکر ميسنده طلومجی زاده عزل اولنوب  
 عزيز زاده بهايی افندی استانبول قاضيسى اولدی و بر وسه دن عصمتی عزل اولنوب  
 داخل پایه سيله علی پاشا مدرسی و يقينده سرای مفتشی اولان بولوی مصطفى  
 چلبی دفعة عنايت سلطانی ايله بر وسه قاضيسى اولوب علم و سائر ناسه سبب  
 استعرا ب و گفتگوی فراوان اولدی و سلا نيكدن معزول امام زاده افندی نك يکچرى  
 اغاسی موسی اغا يله حقوق قدیمه سی او لغین موسی اغامز بوری بود فقه مکرر اسلا نيك  
 قاضيسى ايتمکه يديضا کوسر مکن صاحب ظهو راو لان خواجه عاليشان متالم اولوب  
 بينارنده دشنام و شکراب ظهو رايلدی و سابقا مولويت اعتبار يله ايصاله قاضيسى  
 اولوب بعد النفي و الاثبات عنايت خاصکی سلطان ايله باغراد قاضيسى اولان بشمقي  
 زاده يه جمادی الاوليه نقل طريقيه ادرنه قضا سی و يريلوب شعبان افندی معزول  
 اولدی و داود زاده اسکدار قاضيسى اولوب سلفی پاشا امامی احمد افندی بالذات  
 فرموده پادشاه ايله باغراد قضا سنه نقل اولندی او اخر رجبه منلا افندی حضر تار نك  
 محمد و اصغر مکرملری فيض الله چلبی فی دفعة سحافل عبا يی ايله مهر ماه سلطان  
 مدرسه سنه مدرس ايتد يار و عيد شريفک دوردجی کونی قره چلبی زاده مجود افندی  
 صدر رومدن عزل اولنوب عبد الرحيم افندی نصب اولندی و از مير قاضيسى عصمتی  
 افندي دن بعض شکاة ظهو رايدوب بش آى قدر ضبطی وارا يکن معزول اولوب ايوب  
 انصاری قضا سندن عجم محمد افندی از مير و داود زاده چلبی اسکدار دن ايوب قضا سنه  
 نقل اولندی جمادی الاخره نك بکرمی التجی سبت کونی غلظه قاضيسى حسن افندی  
 زاده محمد و می مصر قضا سنه نقل اولنوب قوجه کبیری ثانيا غلظه قاضيسى اولدی  
 پو اشاده استانبول قاضيسى بهايی افندی که مظهر التفات پادشاه اولوب اناطولى  
 صدرين کندی نك ييلورکن اندرون هيايون خلقتندن بعضی نافذ الکلم کسنه لرک بر  
 دعواسی ظهو رايدوب حضور هيايون ده کندی و قبل العزل روم ايلي صدری مجود افندی  
 دعوت اولنوب دعوی استماع اولند قده بهايی افندی حکم قطعیه بيش دستک  
 ايله جبه فرو شلق ايدوب اجازت ايله قالقوب کتد که مجود افندی متالم اولوب بهايی  
 افندی رغما انعاب قصد يله بن استانبول قاضيسى ايکن هر کجه قول کر درم ديوسم هما يته  
 القايتمکه بهايی دخی شير و لک خدمتيله مأمور اولوب هر کجه دوراز قه استانبوله  
 مبتلا اولدی بعد داود زاده يرينه اسکدار قضا سنه نقل اولنوب بشمقي زاده ادرنه  
 قضا سندن استانبول قضا سنه نقل اولندی و سلا نيك قضا سندن امام زاده افندی  
 ادرنه يه نقل اولنوب بولوی مصطفى افندی يرينه سرای مفتشی اولان صاری بالی افندی



سلانیک قضااسته نصب اولندی مزبورالی افندی معید افندی به وار دقده بزم حقیرده  
 غیرت حق ظهور ایندی دیوب بوسوزمنلا حضر تکرینه نقل اولند قده یاوززاده افندی  
 معنی استقبال ایله ایدر دیک استر دیه توجیه معقول ایند وکنده بولطیفه دکلدر و اواخر  
 ذی القعدة ده حسن افندی زاده مصر دن عزل و بستان زاده احمد چلبی مصر قاضیسی  
 اولدی عزل معنی ماه ذی القعدة ده ابوسعید افندی صدر فتوان عزل اولنوب معید  
 احمد افندی شیخ الاسلام اولدی علما دن بعض مصر عی بی کس نواز عالم مفتی الانام عادل  
 مصر اعلی تارنچ دیشدر بعض وقایع جزئیة مقدمه مانیة فتحی خبری کلزدن اول لشکرک عجزی  
 و اسهال و زخیر دن ضعیفی خبری منتصف شعبانده ورود ایند که خواجه افندی  
 بر مقدار محزون اولوب کوب اقبالی رجعته میل ایشیددی زیرا کرید سفرینی صدر  
 اعظم معقول کور میوب خواجه ایله یوسف پاشانک صوابدیدی اولغله امر سفره شروع  
 اولمشیدی بوار القاه وزیر اعظم غلبه ایدوب خواجه افندی یک رای و همیله توجیه اولنان  
 مناصبی اخر کسه ره توجیه ایندر مکه شروع ایدوب انجق یکچیری افندی یکی که ارناد محمد  
 افندی اون بیک غروش و یروب اولمشیدی الی عزل ایدوب قیون اوغلنی یکچیری افندیسی  
 ایلدی و اون بش سنه دن برو یکچیری قلنده باش خلیفه اولان حسین افندی فی  
 خواجه به تردد ایند یکی ایچون عزل ایلدی صکره خبر فتح کلد که خواجه  
 افندی اولکیدن زیاده معزز و ملتفت اولوب صدر اعظم بمعنی یه اظهار عداوت  
 و تاراجا لفتدن شرمند و بشیان اولدی طور ناجی باشی پریمچی زاده احمد اغا که  
 استانبولده کتخدا بیک یرینه قالمش ایدی دفعه کتخدا بیک اولدی و کریده قلان  
 مراد اغا شکبان باشی اولوب کتور مکه آدم کندی و شکبان باشی قره حسن اغا زاده  
 حسین اغا کربله واروب محافطه ده قالسون دیو مأمور ایدی قیودان پاشا اعانتی ایله  
 کتیوب مراد اغا کتد کد نصکره انک کتبه سی وایکی معتبر اوجاق اغا سی بریده  
 اولسی معقول دکلدر دیوب بسط عذر ایله استانبولده کلشیدی کریده کتبه مک تهستی  
 ایله ماه شوالده نفی اولمشیدی ینه عفو اولنوب خانه سنه محتفی اولق اوزن استانبولده  
 کلکه اذن ویرلدی و غلطه لی مسلم دیمکله معروف و مشهور کسه که خسرو پاشا وقتند  
 اسکدر از زور بالینک بقیه سی ایدی و نصوح پاشا زاده خروجنده کتخدا سی اولوب از نکمید  
 کلد که زعمجنه پاشا سنه نصیحت ایدوب بومرتبه به کلد کد نصکره استانبولدن  
 سکا ساخته مکتوبلر کوندن اعیانک سکافان لری یوقدر سوزلری لغوه چیقیدی  
 مقتضای حال بودر که اعلان طغیان به مبادرت ایدسن وزیر قره مصطفی پاشایه غلبه  
 مراد ایدرسک ایولک ایله متصور دکلدر بکا بش یوز آدم قوش اسکدری ایکی اوج بردن  
 آتسه اون لم دید که نصوح پاشا زاده علی انیمیوب احوالی برکشته اولد قد نصکره  
 مزبور مسلم دخی کلیمولی قرینه کشان قضااسته درویش صورتده زاویه نشین اولمشیدی  
 کشان و یوده سی جامعی زاده چلبی باصوب اخذ ایدوب زنجیر ایله استانه سعاده  
 کوندردی ربیع الاخر ده پادشاه داود پاشا باجمه سنه ایکن کتوردیلر دوالر چبقار یلوب

تغذیب اولند قد نصکره رقیه سی ضرب اولندی احراق جمادی الاولینک ایکچی  
 کجه سیکه لیلله ثلثاد برج انتها سال قران بیت رابع اولان برج قوسه منسوب  
 اولان اما کندن استانبولده ضربخانه قرینه باشی دکاندن حریق پیدا اولوب تقریباً  
 کجه دن دورت ساعت مرورنده ظهور ایدوب سلطان بایزید حریمی قبولزدن مدرسه  
 طرفینی یازب اندن یحیی قبان سرای و سلطان بایزید حمامی اندن ضربخانه و اول  
 چارشتو سرایا یانوب پوزار ووزکار ایله آتش بین المغرب و الجنوب توجه ایدوب  
 ریخی حسن افندی اولری و بیوک خواجه زاده منزلی و بالجمله نشانی جامعی و حمامی  
 سمندرده منتهی اولجه یانوب اطقایه سعی ایدنر عاجز قالوب مدافعه و قطعی ممکن  
 اولدی انجق اطرافنی کسر لردی آتش لانتقه ایله قوم قیویه منتهی اولجه یانوب  
 اول کجه و ایرتسی اخشام اولجه تمتد اولوب لانتقه دن یکی قیویه و ارنجه سور قسطنطنیه به  
 دیانوب اندن لیلله اربعاده قم قیوایحی و سی و طشره میخانه لروا لحوالی صباحه دیک یانوب صبح  
 اربعاده قدرغه لیمانه منتهی اولغله اول کون دخی وقت عصره دیک کفره محلاتنی و ارمنی و روم  
 کلد ساری یانوب کر استه جیلر و چنگانه لره منتهی اولد قده وقت عصره ده بعون الله تعالی  
 منطقی اولدی او توز ساعتدن زیاده امتداد حریق دیمج او توز قرق سنه دن بری معلوم  
 دکلدر آتش شدن لغظی تارمچ دوشمشدر عزل وزیر اعظم سیمین محمد پاشا و وزارت صالح  
 پاشا جوان قیوچی باشی دیمکله معروف اولان سیمین محمد پاشا قره مصطفی پاشادن صکره  
 وزیر اعظم اولوب هر خصوصه مراد پادشاهی به مماشاة ایله مزاجیکر لک وادیسنه  
 سلوک ایدوب هر هفته پادشاه عالمپناه حضر تکرینه تقود و استیاضه محف کرانها هدایا  
 و یروب طمع همایونی اخذ و هدایا به میل ایندر دی کندیلردخی ارباب مناصب و عمال دن  
 مبالغ بیشمار الوب حکامی زمان قایلده عزل و تبدیل ایتیمک اقتضا ایش ایدی و اوائل  
 حاله قیودان مصاحب یوسف پاشا حضر تکرینه متفق و متحد اولوب صورت ظاهرده  
 محبت و موالات اوزن معامله ایدر لردی لکن یقنی علی اثنی علیه و فی القلوب ضعف  
 مفهومی اوزن مناصب جلیله و رتب علیه اربابی بیننده امور ضروریه دن اولان تخاسد  
 و تنافس عالم درون درکار و بر برینک فرصتن کوزه دوب غیضه و نقیصه ظهورینه انتظار  
 اوزن ایدیلر تا که قیودان یوسف پاشا خانه فی فتح ایدوب کلوب حضور پادشاهیده  
 اولکیدن معتبر و ملتفت اولدی وزیر اعظم زوال صدارت خوفندن دامن درمیان ایدوب  
 نحو دن بیخبر اولغله یوسف منصرف اولدوغن بیلیموب انی قرب پادشاهیدن  
 صرف و تبعید بذل اهتمام ایلدی حتی هنوز قیودان پاشا در دولته کلزدن اقدام  
 کند و به مصر منصبی توجیه اولنق اوزن خط همایون اصدا ایدوب حایه دن مصره  
 کتبه سیچون فرمان کوندر مک صد دنه ایکن قیودان پاشا شوکت تامه ایله کلوب قدم  
 پادشاهه یوز سوروب مصر ایله مدافعه تدبیری عاظم اولمشیدی وزیر اعظم مکیدت  
 اخری تدار کنه دوشوب یوسف پاشا حقنده پادشاهه دیدیکه شوکتلو پادشاهم یوقدر  
 خزینه و اموال عظیمه صرف ایدوب هر نه عرض ایلدی ایسه مساعده اولنوب دریغ



اولنا مشيكن بر قوری قلعه بی صاحبان آلوب ایچند اولان کفاری بو قدر کره یوز بیک  
التون وجواهر نوادایله صاغ و سالم کیلره قویب دارا لکفره یوللامق عقلایشیدرمکرکه  
کندوسی کفاری مخفی حقیقوب مبارک عظیمه المش اوله والابو قدر غنیمت عظیمه بی مفتیره  
الذن چقارمق روامیدرخزانه عامره دن بو قدر بیک کیسه صرف اولنوب و بو قدر بیک  
ابطال رجال دوستوب مقابله سنده بر بوش قلعه که بهر سینه مستحفظلرینه بو قدر بیک  
غروش آستانه دن کنکه محتاج اوله فتح ایندم دیو پادشاهه ایکی مرمر دیرک کتورمک  
برایشیدرمصدارفه موازی و مقابل خزانه اغتنام اولتین ایش افتخار شایسته خدمتیدر  
ظلم یودر که کافرستانه یوللا دیغی کفاردن وافر مال و تحف وجواهر التمشدر سوال و نفخه  
ایرام یور یور سه ظهور چیقاردی دیو یوکه متعلق وافر سوز سوبلدی واقعا یوسف پاشا  
حانیه غنائیمدن پادشاهه بر قاج اسیر ایله ایکی عدد موزون سماقی احمد بر کدن غیری  
اعتباره سزارشی کتورمشلرایدی کله الشیخ مطاعه فحوا سی اوزره بوکلات قلب پادشاهی بی  
تغیر ایدوب مال فته و حات مطالبه سیچون یوسف پاشایه صورت غضب کوستروب  
یوستا بی باشی یه آل شونی دیو حبس ایچون فرمان ایندی یاراما خواجه افندی والد سلطان  
حضر نلری ایله متفقاً تخلیه صده سعی ایندی یار پادشاه حانیه کی بر قلعه فتحی خدمتند بولنان  
قولنری مطالبه مال نامیله حبس ایتمک شان ملوکانه یه دوشتر معنی دکلدر سائر وزرا  
وعسکری قوللری بیکرک قلبی تغیردن غیری اعدای دین محظوظ اولاجقلر نه شبهه  
بو قدر دیوب فی الحال عفو ایندیروب یینه معامله الطاف پادشاهی یه مظهر اولوب  
ید النفاثه سرور وین سوده کف نوازش ایندی یار اثناء مصدا جتند صعو بت فتح حانیه  
وئاخیر امر و نسخیره عسکرک تعب و خسته لکی ذکر صددند مهمات وعسکر  
کوندز مه ده وزیرک عدا تفصیرین بیایدوب رخصت کلام بولغله وزیردن فرصت  
انتقام دردی پادشاهم بوسقره ابتدا وزیر اعظمک رضاسی یوغیدی غلطه ده اولان  
بالیوس کندویه التمش بیک فلوری وعد ایدوب بو عزیمتی فسخه مراجعت ایتمشیدی  
اکاباء سفری استصواب ایتیموب منعه مجد اولدی دفعی ممکن اولما بجه مهمات وعسکر  
وسائر اوزم ایله امداده تعمد اتقصیر ایله باعث تعویق وئاخیر اولد بگندن غیری شمدی  
قولنره اظهار عداوت و اعدا ام ایچون تشیر ساق همت ایتمشدر دیوقادر اولدیغی مرتبه  
سویلدی پادشاه وزیر اعظمی چاغیدوب ایکسی معاضور همایینه حاضر اولد قلرنه پادشاه  
حضر نلری یینه اول صددن سوزا چوب قیودان پاشائی تحاشی کلام اولی اعاده ایدوب  
مواجهه وزیرده جلیمه الحالی کالاول تقریر ایلدی وزیر اعظم کال تعیین واستقلالنه غرنوب  
کند و صدارتیه زوال احتما لن ویر میوب قیودان پاشایه تغذ ایله جواب ویروب  
نچون یوله سویلر سن نه مقوله مصاحبه تصدیق اولندی عرض ایندی بیک خصم و صبارک  
قبض سینه مساعد اولندی جلبکی قویه لفظی ایله مشهر خطاب باعتبار ایلدی ماه  
شوالک یکر می سکر نجی احد کونی وزیر دیوانه واروب قاضی عسکر لرله اوتروب سباط  
همایین توقعنند اپکن قیو جیلر کتخدا سی مجد اغا ایله مصاحب عجم میر مجد اغا کلوب

برخط همایون صوندیلر لالام مجد پاشا مهر بی شمدی کوندن سن دیو تحریر یورلش  
اولوب همان مهر شریفی چقاروب انلره تسلیم ایلدی و کندوسی قلوب سرایه کیدوب  
طنطنه دواتی مضحک اولدی پادشاه حضر نلری مهر همایونی قیودان پاشایه مکررا  
تکلیف یوردیلر ایا واستغنا ده مبالغه ایتمکین هنوز وزیر دیواندن کتبه مشلرایدی صالح  
پاشایه آدم واروب اچر و چاغریلوب حضور همایونه وارد قلعه مهر صدارت کندویه ویر یلوب  
سباط چکمز دن اقدام چیقوب صدر دیوانه قرار ایلدی و اول کون بکچیری افندی سی  
قیون زاده که ثانی حامد بن العباس اولان وزیر سابقک چراغیدر منصبندن عزل اولنوب  
ارناود مجد افندی یه تخمین اولتیشیکین نه صرف اولنوب بو ستانلر ده ساکن قوجه  
مجد افندی یه ویرلدی و بکچیری اغاسی موسی پاشا که شکر یاره زوجیدر باش دقتدار  
اولوب بر سیل احبار اشتر اولنان کورچی پاشا سر اینده صدر نشین صغه ناز اولدی وینه  
شکر یار رجاسیله پر نجی زاده بکچیری اغاسی اولدی اول زمان بعضی طرفا تعمیمه ایله  
یومصدراعی تاریخ دوشدر دیلر صدراع عمل سکر ایله اولدی پر نجم زرده و سابقا محضر اولان  
ابراهیم اغا که حالا مصوبی باشدیر کتخدا ایک اولوب عالم آیین تازه باغلادی قتل قیودان  
یوسف پاشا فاتح حانیه وزیر مشارا لیه مهظر انظار پادشاه جهان و نامزد سلطان و سر  
عسکر و قیودان اولوب کرید سفرند غرامهمن تمشیت و حانیه قلعه سن فتح ایند که  
کفره بی مال و جائز یله امان ایله وندیکه کوندروب قلعه بی ضبط ایتشیدی و تحف  
روزگار دن اولمق اوزره ایکی قرمز سماقی عمود پادشاهه کتورمشیدی وزیر سابقک  
مقدماسو یلدیکی سوز لقلب پادشاهیده عقد قلوب ماله متعلق کلمات اولغله خاطر دن  
کشمش ایدی یوسف پاشا ایسه نفسند صالح و متدین و عقیف النفس اولغله نه  
کسه دن ناحق یره جلب مال ایدردی و نه آخره خوقا و کر ماشی ویرردی نه اب و وهاب  
اولان کرمای عصرک انعام و احساننه مالوف اولش خواص مقربین پادشاهی ایسه  
یوسف پاشا دن شی کثیر امید ایدوب بر قلعه عظیمه فتح ایلدی ویدن بو قدر بیک کیسه  
صرف اولندی مال فراوانه مالک اولدیغنه شبهه بو قدر هیچ اولنر سه بر قاج اسیر  
هدیه سن الور زامید یله جمله سی امیدوار لطف ایدیلر امیوسف پاشا صلابت صلاح  
واستقامتله پادشاهک لطفنه مغرور اولوب بدل مکارم قیوسن کسه یه فتح ایتدیکندن  
خلق دخی ابواب محبت و خیر خواهی بی سدا ایدوب طرف حلاق طو تدیلر مصاحبان  
و مقربان دائما پادشاهه نیک اطوارینی تقبیح ایدوب جمله هنر لرن عیب تقیصنه اولمق  
اوزره ذم و قدحه باشلاد یلر و اعدای دینی حانیه دن زند قیو ویروب جمله مال و منال لر یله  
چیمقاروب پادشاهه ایکی طاش دیرک کتوردی ظاهر بو ایکی طاش دیرک غزایه  
صرف اولنان بو قدر بیک کیسه قیمتلو جواهر اولمق کر کردی یوکه جده هل یوزدن مذام  
و مغضبه ایله قلب پادشاهی بی تحویل و محبتی بغض و کراهته تبدیل ایتدیلر  
برایکی دفعه بو معنی ایچون سرزنش و عتاب پادشاهی یه مظهر اولوب یینه عفو  
اولتیشیدی اماید خواهر یینه نفاق دن خالی و قلب پادشاهی بی کدورت دن تهی



دکل ایندی اماذی الحجه نك يوم رايی که روز دوشنبه ایدی سرایه دعوت اولوب وارد قلعه  
الیمه ایچ ایلند اولان بکریکیلر ایلله همان کیت وارکیدی بتون ال دیو بیوردیلر یوسف  
پاشا یار اوپوب یادشام رعایایه کراسته صالونوب حالا کیلر یایی اوزن درو و قنزار بعین  
اشامیدر موسم سفر بجای اولدیغندن قطع نظر اولقدرمیر میرانلره اول جزیره ده کجایش  
یو قدر شمدی کیده هم دید که پادشاه غضبه کلوب درونلر ندجا یکیر اولان عقده سابق  
لسانه کتوروب سن کندوکی برخد متی ایندم صانورسن بو قدر خزینه می صرف  
ایلیوب عاقبت برآلای ملعونی قتل عام ایتمیوب مال و مناللر یله دیار لینه کوندرد که دیو  
عتاب بیورد قلعه یوسف پاشا جوابده اگر چه خزینه صرف ایلدم اما کلمة اللهی اعلا  
ایدوب اعدای سیف قهر پادشاهی ایلله ند لیل و بر قلعه عظیمه بی مالک محروسه یه  
ضم ایلدم مان طلب ایدن کفاری قتل عام و ماللرینی اغتنام برایش دکل ایدی لکن عاقبتی  
وخیم اولان تقض اماندن صافندم و بن قادر اولدوغم مرتبه او غور همایه نکره خدمت  
ایندم بر قو لکزدخی واروب بن قدر خدمت اینسون دیوبی باکانه سویلد که غضب  
ملوکانه مشتمد اولوب نه یابانه سوپار سکا و اکیت دیدم طور مه کیت یخسه سنی قتل  
ایلدم دیو ته دید بیورد قلعه قدیدن التفات و نوازشه مألوف اولمش دولتنو حساسه قدیدن  
قلبی منکسر و ولی النعم از ارندن زیاده متأثر اولقله بی اختیار حالت باسله درشت کویاق  
ایدوب شمدی وقتی دکلدر کیدلر دید که بوستانجی باشی حسن اغسانیه قالد رشتونی  
دید بلر یوسف پاشا دخی دلیرانه همان اولدر نه طور رسن دیو بوستانجی باشی ایلله چکیلوب  
کندی اول ساعت قملنی فرمان ایند که صدر اعظم صالح پاشا ایاغنه دوشوب رجا ایلدی  
مجال اولیوب بر قاج دفعه آدمکلوب هر برینه نأ کید فرمان ایندیلر بر ساعتدن زیاده  
نأخیر اولوب وزیر اعظم صالح پاشا و دفتر دارموسی پاشا خارج قصرده کریان اولوب  
هیچ بری تخلیصه قاد اولیوب بالاخره خاصکی اغا کلوب قیوجیلر کتخداسی ایلله  
بوستانجیلر حنقه مباحثرت ایدوب معاودت و مراجعت مفید اولیوب اول غازی  
وزیری ره رودار اقرار ایدوب ایلدیکی خدمت مقابله سنه مظهر جزای ستمکراولدی  
مورخ نقل ایدر که قبیل وقعه کیمه سی بوستانجی باشی حسن اغا و یاده کور مشکه مزبور  
یوسف پاشا ایکی النده ایکی طبق کاغدن مصنوع لوح مزار طوتوب اوزرنده کایت  
اولنل ایاتی قرأت ایدریدر اولد قلعه خاطر ند بو قالمشکه یوسف بن عبد الله جنتلکسن  
انشاء الله دیر ایش اول صباح وقعه هائله ظهور ایدوب هر کس مغموم و محزون  
اولدی و سبت کوئی عید اضحی اولوب عید اضحی سلطانی تاریمچ دوشندی فذلکه ده  
یازار که پاشای مشارالیه بوسنوی الاصل ایدی عورت بازار ند ساکن باوک اغاسی  
ارمنی مصطفی اغا اخدا مندن اولوب اغاسی وفاتندن صکر حرم همایونه کیروب  
یولی ایلله ساحد راوالمش ایدی سلطان مراد مر حومک ندیمی ساحد ارایکن تقرب ایدوب  
منظر التفات بی پایان اولد یغی قرینه سی ایلله مزبوری دخی سلطان ابراهیم خان اول پله ده  
مصباح و ندیم ایدینوب وزارتله طشره چیقار دقدن صکره ایکی یا شنده کریمه لرینی

ترویج ایلله شاتی عالی قیلوب قیودان و سردار ایلدی دوشنبه ایلله واروب کرید فخی  
مقدمه سی باعث و دور ادور سفر لظهور ینه مزبور ایلله جخی خواجه سبب حادث  
اولشیدی چون پادشاه کامکارک التفات و غضبی متعاقب و مشربلرینه تلون غالب  
ایدی سفردن کلد که ذکر اولندیغی اوزن ادنی سبب ایلله اولندی پادشاه مرحوم  
وزیر مرقومی بو قدر دقدن صکره نادم اولوب میتنی حصون کتوروب نگاه مرحمت ایلله  
نظر ایلد که نه کوزل قرمزی الماکی یتاقلری واریش یازق اولدیکه قیدم دیو کریمه  
های های ایلله و اقربکا و سبب اولنلره بد دعا ایلد کیری تواتر مرتبه سنه شایع اولمش  
ایدی پاشای مزبور حد ذاتده متدین و صالح وجود اولوب حد ائت سنی ایلله مشیخته  
لایق و امور جمهور تدبیر ند سائر اقران و امثالندن فایق کسه ایدی معمر اولسه نجه خدمت  
ایتمک شاندن و کار گذار لغی صحیفه خصال حمیده سنی عنوانندن ایدی فقیر دیر مکه  
ساحد اریوسف پاشا ک قتلنه صور تار سبب مستقل یوغیدی انجق قره مصطفی  
پاشا ک قتل خصوصند خواجه حسین افندی ایلله متفق اولوب ایلله بر کار گذار وزیر  
اعدا منته اقدام ایلد یکی جرمک مجاز ایند که امر حق ایلله بوصورتند مرور ایلدی ذکر احوال  
سرحد انکروس سابقا ذکر اولندیغی اوزن نجه ایلله فرا نجه نك امیر اطورلق خصوصند  
نزاعاری سببی ایلله اسوج طائفه سی فرا نجه تحریکی ایلله جرم ما ینایه نجه قرالری  
ولا یتارینه عسکر چکوب یلک قرق تار منحنن برو غارب و خسارتدن خالی ایدی اسوج  
تحریکی ایلله اردل و یوده سی راقوچی دخی حرکت اوزن اولوب نجه دیار لرینه تجا و ونعدیدن  
خالی اولیوب سنه مزبور اوانلند اگر هیه قریب بالفعل نجه امیر اطوری تصیر فند  
اولان سمندن قلعه سنی محاصره ایلدیکی عرض و اعلام اولند قلعه نجه ایلله مجددا  
منعقد اولان صلح و صلاح حد نصیر و اولندیغی اوزن اردل حاکم نصیر فند اولان ایدی ناحیه یه  
قناعت ایللیوب نجه طور اغنه مداخله ایلد و کنه رضای همایون اولما قلعه انواع تنبیه  
و نأ کیدی مشعر صدر اعظم طرفندن مکتوبلر ایلله بکراده چاوش محمد کوندردی  
ربیع الاولک اون سکرچی کوئی مزبور چاوشر بدونه واروب حسین پاشا آدم قوشوب مکتوب  
ایلله اگر هیه کوندردی اگر هیه پاشا سی دخی فارسان اغاسی مختار اغانی قوشوب کوندردی  
راقوچی مقدم محاصره ایلدیکی سمندر و اروشتی خراب ایلد ک نصکره فراغت و نجه نك  
قیناک نام قلعه سنی دخی محاصره یتنی ایلله اول طرفه عزیمت ایشیدی انک دخی واروشتی  
یاقوب بیقادی محل مزبورک ایکی میل قرینه واقع ریمه سوینوب نام قلعه قرینه چاوش  
مزبور راقوچی یه ملاقی اولوب تنبیه نامه بی کندویه نسایم و فرمان اولنان خصمومی  
تفهیم لیدر که انواع تعلل و بهانه ایدوب اسوج ایلله اتحاد و اتفاق و ما بینزده نجه عهد و میثاق  
اولما قلعه ملاقاته کیدرم دیدر عقب قاقوب بدونه بش میل قدر قریب یرده سنجان نام محل  
کلوب ایدن کرمات ولیوه اوزرندن اوپان واروب اوتنه جانندن دخی اسوج عسکر کی کلوب  
ملاقاتی اولق اوزن بریره جمع اولور سه بو جانه دخی خیر کور غمزدیو حسین پاشا عرض ایلدی  
مزبورک جمعیتی سببی ایلله اگر هیه خطوان و نو یغراد و صولنق و سنجان قلعه لینه تابع دورت



بیشویز یا قلعه که بوجانبه ویرکوب و روبرو اطاعت اوزن ایدیلر خراب اولوب رعایا فرار  
ایتمکله کره و بدون نفرا تیک مواجیلرینه یوزونک انچه دن متجاوز کسر کورینوب زعما و ارباب  
تیمار محموللرینه کلی ضرر اولدی احوال انچه فردینا دوس ایمر اطوره طرف  
سلطنتدن ایلک ایله کیدن یوسف چاوش ربيع الآخر ک بشخی کونی بج قلعه سنه  
وارد قده اعیان دولتی استقبال ایدوب انواع اکرام ایله ایمر اطون کتوردیلر نامه همایون  
ایلله طرف شهر یاریدن کوندریلان هدایای ایلنوب بولشد قده اناغ اوزن قاقوب  
استقبال وزیاده اکرام ایتدی مزبور چاوشک روایتی و مکتوبی اوزن بواشاده اسوج  
عسکری طونه نك قرشویقه سنه واقع بج قلعه سنه تخمینا سکر میل یرده انچه نك  
بریم نام قلعه سنی محاصره ایدوب نجه زمادن برودوکوب وراقوچینک سر عسکری  
یا قوس دخی آق یا یلاق اونه یوزنه بج قرالی مملکتینه کشت و گذار و تعدیسندن  
قری اهالیسی فرار ایدوب راقوچی دخی حرکت و جمعیت اوزن اولغله ایمر اطور غایت مختیر  
و مضطرب اولوب بج حصاری اطرافنه قوی خند قله چکوب یکیدن قبول و قلعه اطرافنه  
طیراقدن سدرل یاپدردی برادری بوندن اقدام عزلت نشین اولمشیدی اتفاق اعیان  
ایلله کتوروب سردار تعیین ایتدی ویکرمی بش ییک قدر عسکر ایلله تونه نهرنی چکوب  
اسوج عسکری اوزرینه وارمق امر ایلدی و قومران قیودانی اولان غروف بوهامی دخی  
بوقاس اوزرینه سردار ایدوب اکادخی نجه و مجار و خروات عسکرندن یکرمی ییک قدر  
لشکر قوشدی ایمر اطور یوزون محراسنده درنک ایدوب باکان اوغلی و زین اوغلی  
ونادارلی اوغلی قرال یانسه کلدی و عسکرلرندن تخمینا اون ایکی ییک آدم افراز  
ایدوب یوزون محراسنده میا طور دیلر که راقوچی عسکری و لایتنرلر چیقوب کتورسه  
اوزرینه وانلرو راقوچی نوه قلعه سی التمه ایکی کون اوتوروب بعد سپندیک نام محله که  
معدنلر ستمیدر اوچانبه توجه ایلدی و نجه عسکری بواسلوب اوزن اوج بولک اولوب  
هر بری بر خصومه مترقب طور دیلر بونلر یاغ اوزن اولغله بوطرفه بوسنه عسکری اوسکره  
جمعیت ایتیک فرمان اولندی یا قوس دخی آق یا یلاق اونه جانبنده مورلیه چکوب ایکی ییک  
قدر عسکر ایلله اسوج فرقه سنه ملاقی اولوب نتره تام قلعه یه کلدیلر در دولتدن ارسال  
اولنان موکد احکامه راقوچی اصلا اعتبار ایتیموب نجه یه تعدیدن ال چکمدی او یوار قیودانی  
فورغاج مجار عسکرینه سالار اولوب نجه سرداری قومران قیودانی غروف بوهام یانسه واروب  
عسکری طونه یی چکوب فیالک اوزرینه توجه ایلدی جمادی الآخره ده حسن یاشایه مکتوب  
کوندروب راقوچینک صاحبه مغایر حرکتی و کندی نك مملکت محافظه سیچون سردار تعیین  
اولندی غیری ملاحظه اولتمه دیو اعلام ایلدی بالاخره بدون بکربیکسی حسین یاشا  
طرفندن مزبور وراقوچی یه آملر و مکتوبلر واروب حسن معامله و تنبیه و تآکید  
مشعر نصایح ایلله مایه نلری اصلاح اولوب ماه رجب راقوچی قاشایه عودت ایتیمکله غروف  
دخی بجه روانه اولدی بواشاده بدون سرحدینه باروت و روغن نفت و زفت و بعض  
مهمات لزومی عرض اولغله اون سکر عربه مهمات جبه جیلر چور باجیسی ایلله

کوندرلش ایدی ماه رجب و اصل و سرحد لوله قوت قلب حاصل اولدی  
وبواسلوب اوزن نجه واسوج کشا کشته اولوب اراننده جنک و فتنه اوزادی بالاخره  
ایمر اطور فراجه واسوج مرادی اوزن صکره صاحبه رضاوردی تنه بعض وقایع  
جزیه وزیر شهید ساحدار یوسف یاشانک خیرانی که ابراهیم یاشا سرایید صاحب دار لقطن  
چیمقان فضل یاشایه وزیر یوب مصباحک و سلطانیه نامزد اولیق و عزت سائر که یوسف  
یاشا مرحومک سبب افتخاری ایدی جمله سنه فضل یاشا منظر را اولوب الا قیودانلق منجه  
قوجه موسی یاشایه احسان بیوردی اواخر سنه مزبور ده شهرزاده سلطان محمد خان  
حضر نلرینه مغنیسا منجه وزیر یوب وزیر اعظم اغالریدن یحیی اغا منسل نصب اولنوب ضبط نه  
کوندرلدی بکچیری اغاسی برنجی زاده نك اغالغنه وزارت ثلثه ایلله مصباحک ضمیمه  
قلندی خسف ذی القعدة نازل و کوزل حضارده قیوجوق ویکجه نام قریه لرده خسف  
واقع اولوب یوزون آدمک نمازی قلندی و روس منجوس طرفندن یدی یان شیق ایلله  
قرق اشقیانی چیقوب طر بزون ساحلرینه ایرشد کارنده طر بزوندن معزول عمر یاشا  
زاده اتباغیله و ایل ارلر یله ایریشوب ملعونلری سوروب اوروب قیروب اکثرین باغلیوب  
شیقه لری دریایه اچیلوب کتدی و بوخذ مت مقابله سنه عمر یاشا زاده محمد یاشایه  
پادشاه خلعت و وان یالتن احسان ایلدی ماه جمادی الاخری سالخنده عقد رأسدن اوج  
اصبعه قریب کسوف جزئی واقع اولدی برج کسوف اسد مستولسی زحل سادسه د  
طالع کسوف قوس مستولی مرغ زهره غطار دعا شره ده ایدیلر و ماه ذی الحجه نك نصف نه  
چهارشنبه کیجه سی صباحه قریب برج اسد ده خسف کلی ایلله معاهده و زلزله واقع اولدی  
احکام نا نهری محندن ذکر و اشارت اولنه جقد رحه ماه جمادی الاولینک اون یدنجی خمس  
کونی بالدفعات استابول قاضیسی اولوب الی الان عمل مانده و منسی الاسم اولان طولوچی  
قوجه حسام افندی فوت اولوب جنازه سنی سلطان محمد جامعنه چقدی رحمة الله علیه  
کویا که معاذ مره حقه سوبلین شعر بونک حقه سوبلینش ایدی شعران معاذین مسلم  
رجل لیس لمیقات عمره مدد قد شتاب رأس الزمان واکشیل الدهر واثواب عمره جد دقل  
لمعاذ الامررت به قد صبح من طول عمرک الابد یا نسر لقمان کم تعیش وکم تسحب ذیل الزمان  
یالبد قد اصحت دار ادم خیرت وانت فیها کانتک الوتد نسأل غریبا نها اذا مجلت کیف یکون  
الصداع و لرم مد غرایب ند که سردار یوسف یاشا عسکر اسلام ایلله حایه محاصره سنه  
اولوب جوامع عسکر نصرت اثر ایچون دعا فرمان اولمشیدی حسام افندی مرحومک  
جنازه سی دعا کونه مصادف اولوب خاص و عام جامع ابو الفتح غازی محمد خاندن ایکن  
کتوروب مصلا اوزرینه قودیلر نمازیه شروع اولنوب تکبیر اولدن ماعد اسنی جامع ایچنده  
اولنلردن برگسه ایشتمیوب دست بسته قلو لر بعد کوررلر که قیام ووقوف حددن چکوب  
تکبیر دن اثر یوق خلق مختیر قلوب اول محل فاتحه ند اولند قده اللرین چه زوب بر لرینه  
بقارلر جمله دن صدر اعظم محمد یاشا یاشا مفتی افندی یه باقوب بونه اصل نماز در دیر مکر  
جنازه یی طشره ده یلنلر نمازین قیلوب کوتور مشر ابو سعید افندی دخی وزیر مراد برد عادر



دو جواب و یروپ خواجه افندی. اسوری قره چلی زاده عنبر افندی طوز زدی همان  
 فقامت صا توپ صلو جناه در اعاده و قضا و لغز دیو جواب ویدی وینه بوماه اچره حافظ  
 بغداد محاصره سن ایتد کده کتخ ایلیک اولان اسکی اوجاق اغارندن بهرام اغا و شمام  
 مولوی بندن معزول اتاوداود افندی مرحوم اولدی یلر وزیر اعظم سابق محمد پاشایه نیکیبولی  
 و بولی سنجاق قری اریه لقی ویر یابوب سردار لقی ایله کریمه ما مور اولدی یلر و حایه محافظه سنه  
 اولان کوچک حسن پاشایه آستانه یه کله سن دیو فرمان همایون ارسال اولندی حسن  
 پاشادخی حسب الامر اسارادن برکروه کفره یی کیلره قویوب آستانه یه کلوب اسیر لری  
 حضور همایونه عرض ایتد کده او توز مقداری کفره یه سیاست فرمان اولنوب ادرنه قیوسی  
 وایوب انصاری قیوسی خارجلر نه کار خند قده ملا عین قازغه اولدی و حسن پاشا مظهر  
 التفات پادشاهی اولوب یار اغله رجال دولت ییتندن موقر و محترم اولدی بغداد دن معزول  
 حیدر اغا زاده محمد پاشا خرذی الحجه ده کلوب رکاب همایونه امد ایتدی کی پیشکش لری  
 مقبول همایون اولوب قبه التند عداد و زاده قعود فرمان اولندی و بغداد ایالی حلب دن  
 معزول ابراهیم پاشایه ویر لشمیدی وقایع سنه ست و خستین و الف سا بقا فرمان عالی  
 موجب حجه حسین پاشا و احمد پاشا مور ایالتلرینه کلوب عبور اید نجه تحریر ایلدی کی سیاه  
 و بیکیری حایه قلعه سنه کچوب انده موجود اولنلری یو قلیوب ایکیوز نفر سیاهی و یوزاللی  
 نفر یکچیری دفتر لری در دولت کوندر لیدی غره محرمه مقبول همایون اولوب دفتر  
 یکدی یلر اول سیاهیلر تودوری قلعه لینی محافظه یه قوندی اطاعت کیم مو عایه توابعندن  
 جزیره نک طرف غرب و شمال دن کیم مو نام قلعه لب دریاده واقع اولوب ایچنده ایکیوز قدر  
 سولتات تمکن ایتکله سککن حسن پاشا و حسین پاشایه کلبوب اطاعت ایتمکله سککن  
 باشی مراد اغا سردار تعین اولنوب پیاده و سوار اوج یلیک قدر عسکر ایله محرم الحرام ک  
 یکر منی کونی وقت غروبده کوندر لشمیدی ایکیخی کونی علی السخر وارد قلدن قرشوکلن  
 کفار بوز یابوب حصه ان سکر دنلرک پای ثباتلری متزلزل اولوب قلعه یی ویردی یلر دور تیوز قدر  
 زن و دختر اسیر و عنایم النوب سلا متله اولکون یینه حایه یه کلد یلر اخذ اولنلر ایکیوز قدر  
 کفار من بعد قلعه لرینه سولتات قوم یوب انقیاد شرطیله امان ویرلیدی یونن صکره سائر  
 سرکش رعایا دخی یومافیه و ما کلوب عرض انقیاد ایتکله باشل یلر یو فتح محرمک یکر می سکر نه  
 اولاق ایله کلوب رکاب همایونه ناخیم اولندی و مقدمایه سف پاشا مور دن حایه یه  
 یکیر یوب انده بنا اولنلر اوج چامعلک متولسی مور کی زعم سنان اغایه تسلیم ایتدی کی یوزدن  
 زیاده اتلر که شهر ذمیلرینه توزیع اولنلشیدی النوب عسکر اسلام بهادر لرینه توزیع اولغله  
 بوزمانه کلنج قرق قدر سوار انحق و ارایکن یوزاللی یه بالغ اولوب اطراف دن کرن حر فی کفاری شکار  
 ایله قوت قاهره اسلامیه یی آشکار ایلدی تدبیر کفار قلد یه دن حسین پاشایه جاسوسلر  
 کلوب خبر ویردی که کفار قلعه لرینک استخاکمیلر چند ان مقید اولیوب کوجه بندلر و تاییه  
 یا یدر یوب طویلر و جبه خانه و باروت و سائر لوازمه مالا مال لیدی و اطراف قریه لدن  
 اون بش یلیک قدر رعایا جمع ایدوب ایچلر دن قتاله قادر سکر یلیک قدر کافر انتخاب ایتد یلر

وون یلیک اطراف دن دخی اون یلیک قدر سولتات و سکر یوزا تو جمع اولوب زاکیم نام محله  
 داخل اولد قده اتلری دخی کچورمک اچون سوده دن یوز تونلر کیدوب مار نه جمله سوده ده  
 جمعیت ایتد کدن صکره کیمی رعایا سوروب حایه یی محاصره و کیمی دونه ایله محاصره  
 اید جکر بن بلد رملکه در دولت نه عرض ایلدی سوده نک طشره طرف دن دیواری اوکنه  
 اولان میدانه طیراق سوروب قلعه یی طویدن حایه یی اچون سن ایلدی یلر یرو طرف دن  
 حایه خند قنه دخی سرا پا خند ق کسد یروپ ایچنه صولر افندی و برج و بارولرینه محکم  
 متر سار ایتد یلر و سوده دن بر کافر فرار ایدوب محاصره اید جکر بن خبر ویرمکله دونه ای  
 همایه نک علی التجهیل امداد ایر شمه سنه در دولت اولای کوندر یوب امداد و ذخیره کچورمک  
 اچون سوده کیلر دن اون بشر یکر میشر چکدر لر ایله یوز تون و بنفشه کارلر نه دائما کرمک  
 اوزن اولدی یغن یلدر دی صفرک اوائل سنه سوده لیاند اولان کیلر دن قرق دورت قطعه یوز تون  
 اطهار اوزرینه کیدر نامیلر جیقوب کتد یلر و اوئنده او توز یان چکدر لر لری کلوب داخل  
 اولدی اول اشاده قوری نالی نام قریه نک قیودانی حایه یه فرار ایدوب اسلامه کلد کده  
 خبر ویردی که سوده قحط لقد رولکن کیلر ک کور کیلری ناقص اولغله اون یان سی تدارک  
 اچون قندیه قلعه سنه کچوب سائر کیلر لیاند حایه یی جاقند و واقع طوز له کارینه  
 کلوب جمعیت اید جکر بن خبر ویردی محاربه حسین پاشا گروه کفار بالذ فعات سوده  
 لیاند اولان سفاین صولتی اچون طشره چقندن قلوب زعلر نجه لیاند بر طرفی که  
 صکر اسلام قراوللرینک مکانی اولان طوز له نام لب در یادر بر قایح یان چکدر لر ایله ایکی  
 یلیک قدر کافر صفرک یی نخی کونی محل مزبون کلوب حسین پاشادخی بر مقدار پیاده  
 و سوار ایله وارد قده ملا عین هجوم عزاته تحمل اید میوب بری برین بصهر قی صندالره  
 جان اتد یلر بهادران غزاة اید ککرینه امان ویر میوب قتل ایتد یلر نجه سنی دخی صویه دو کیلوب  
 یوزدن متجاوز کلا یلیک باشی کسلدی کنان دو کیلان آلات و مهمات طایوری الامیوب  
 کیلر نی الارغه ایلدی یلر یونن صکره یینه طایور قور و رمق امرند مصر اولوب ماه مزبورک اون  
 اوچنده بش الی قطعه قدرغه محل مزبون کلد یلر خبر النوب بر مقدار عسکر ایله حسین پاشا  
 اوز لرینه واروب سائر چکدر لر لری دخی اول کنان کور کن کورد کلدن کیر و دوتوب غزات  
 اسلام دریا کنارینه چقان کافر اوزرینه هجوم ایلد کده قدرغه لدن طوب ویرودن تفنگله  
 خیل جنک لرایدوب بعون الله تعالی بر فرد ضرر اصابت ایتدی طشره ده بولنلر کفار کیلرینه  
 فرار اید نجه یتش قدری مقتول و اکثری مجروح اولوب دریا کنار دن قدرغه نجه فرار  
 اید جکنی بلدی مقهور و منهزم سوده یه وارد قلدن سوده یه قریب یوزون نام محلدن  
 ایکی قبودان ایله اوچیه و زانی کافر کتوروب اسلامیا نک طوز له یه کیدر یولی اوزن یوسویه  
 قودیلر و طوز له یه کیر و الی یدی قطعه قدرغه لری کلوب خبر ویرد کلدن حسین پاشا  
 او توز قرق اتلر ایله طوز له کور یوزورده شکان واروب کور کتی یوسولری اوزرینه اوغرایب  
 کفار یوسودن جیقوب اوزلرینه هجوم ایلد کده عظیم جنک اولوب بفضل الله تعالی  
 آرزمانده کفار بوز یلوب مجروح اولنلر دن ماعد اللی دورت کله و قرق سکر دیری کافر ایله



قبو دانلرنيك ايكسنى دىخى اخذ اولندى بوجنكده حسين پاشا كندى ايله بش اون كافر  
 قتل ايتد كدن صكره مار قودى بىكده معروف برنامدار قودلى سقوب قهرمان وارى بند چكوب  
 گرفتار ايلدى بو ند نصكره حسين پاشا فرط اقدام وشجاعت ايله بلند آوازه اولوب صيت  
 وصد اى استهمارى ديار اعدايله ووله ووردى حتى مصور لقيطاس نام اسب سياه صبار قنار ايله  
 قصديرين يازوب فرنگستانه و اطراف بلادده كوندردى لر معركه دن قور تيلان بقيه  
 سيف اولانلر كيمارينه فرار ايدوب پراكنده اولدى لر اسير لره سوال اولند قن وند بكنده  
 او تون قطعه چكدر رقايقن ايله بشر او ز جنگي لرى قند يه ده جمع اولدن خالى دكلدر  
 تدبير لى جمعيت تمام اولد قن دونمايه قرشو كتمكدر اكر وار منلر ايسه مهمات ايله كلوب  
 قوه دن ودر يادن حايه نى محاصره ايله چكدر در ديو خبر ووردى لر مقدمه قند يه دن طابور بنا سته  
 ارسال اولنان معمار اسير لرا چندين بولنوب تعين كسب ايلدى حايه ده اولان اعيان عسكر  
 كلوب پاشايه تهنيه غزاليدن بولنود قعه كفاردن النان اولد دى عسكره توزيم اولنوب سواران  
 متبره كند ارك عددى او چيوز قدر اولدى و اطراف ايله اولان رعايانك اكثرى بى تكلف كلوب  
 كيدوب عسكر ايله مانوس اولد بلر محاربه كفاز در بوزجه اطه ماه صفر ك بكر ميسند ونديك  
 كافر نيك بكمى يان قليونى بوزجه اطه يه دوستوب قصد ايلد كرتن قلعده دن ضرب طوب  
 ايله برى غرق اولوب يناسد رمد قلرند كافر جزيره نك جانب قبله سن طولا شوب پوراز  
 نمايندن اردو كوب قلعده يه حواله دكر منلك نام ربوه دن طولا يرنى قلعده يه چكوب محاصره  
 ايلد يلر دونما و سردار بوغازده وار مشلر ايدى ترسانه كخدا سى حجاز اوغلى بكمى قدرغه  
 ايله كوندريابوب حصار منور امداد پنه ايشك فرمان اولندى حصار منور ك باروت و مهماتى  
 اولما قلع قلعه لماند بولنان يولجى كيملى خلقى كوچك حصان كيزوب طولا يرنى و باروتلرى  
 ايله برايكى كون جنگ وند افعه ايتد بلر و بزر سابق سردار محمد پاشا كليمولدين سلطان  
 قصبه سنه كچوب اندمتمكن جامع صاحبى طوبل احمد اغا بشيوز مقدارى تفنگ  
 انداز لوند قاز غاغى انگلرندن جمع ايدوب وزير مرقوم بشر غروش وروب بونلر بمقدار  
 بكمى ايله قايقلر قوريلوب جريره استخلاصنه كوند رلدى بوشاده سابقا كريدن  
 كلن روم ايلي بكمى بكمى حسن پاشا دونما عسكريله ييله بولن قلعده بش قدرغه نى ياننه الوب  
 سردنكچى دلاور ايله واروب على الغفله كفار اوزر ينه دو كيه وب هجوم ايتد كرتن كفار  
 اور كوب حصار دن فرار ايتد يلر و كيمارينه كيزوب تيمور قوپاروب اناطولى كنارينه چكدر ياز  
 بوزجه اطه قلعده سى بو طريقه خلاص اولدى محاربه استرتى در كريد سوده نك حايه طرفند  
 اولان قرشو سنده كافر ك استرتى نام متين قلعده مثابه سنده عظيم مناسقوى وارايدى  
 سوده نيه حواله اولغله اطرافه متر مار قور يابوب ايچنه اوج دورت ييك تفنگ اندا كافر كير دى  
 ايدى فرجه بولد قچه چقوب حايه دن سوده نيه طوب كيد حلك يوللر طاشلردو كوب سد  
 ايتك قصد نده اولور دى صفر ك بكمى برنجى كونيكه عيد نصارى ايدى حسين پاشا بر مقدار  
 پياده و سوار ايله واروب اول يوللرى تخليه ليد ركن گروه كفار حيه وجوشن و بيرا قنار ايله چيقوب  
 متريسه كيد بلر و مناسقوى اوزر نده بر مقدار طوب و تفنگ اتغله راز جنگ و قتال اولدى

كافريقن كلكه اقدام ايله ميوب قلعده التندن كفارى ايرمق ايچون قچامق كوستر يابوب  
 پاشا قدم بر قدم اول جوارده واقع اولان بيل دكر منلوى جانبنه طوغرى واردى ملا عين دى  
 ضرور ايله اردلر ينه دوستوب طويدن ايرلد قن جمهور دلا و ران يكيان دو توب كفار  
 بر مرتبه قلع اورد بلر كه مثل سبق ايتام شيدى ايلر بولنان يكرمى او تون سوان بر يابلم تفنگ  
 ايتد قن فران ييز طوبو چق اتولر ك هر برى يديشر سكر ر كافر كسوب صكره وار نلر دى بوش  
 قالمدى ملا عين طوب التمنجان اتقى ايله فران با شلدى ممكن اوليوب اكثرى بكه باشى ايله  
 قالمشكن ينه غاز يلر بشوب چوغنى طعمه تيغ ايتد بلر ييش سكر كله بكمى اوج زنده  
 كافر گرفتار اولوب ميانلر نده زياده معتبر اولوب يوز سورد كلرى بياض اوزن مصور صان  
 مار قوبير اغنى خدام پاشان احمد اغا نام يزدلا و رير اقدارى ايله كتوروب حضور پاشايه  
 كتوردى پاشاى كشور كشاد دى اون قدر كافرى ييقدر قند نصكره بر سنده اهن پوش كافرى  
 قاپوب خيلى كتوروب قفادار اولان خد متكان تسليم ايلدى و بود كلو جنگه عسكر  
 اسلامدن بر قردك بورى قنما ميوب سلامت ايله حايه يه كلد يلر نسخيز قارد نيال بوندن  
 اقدام مزبور قلعده نك بالو باشلرينه خطا بلر بر نام جاسوسن ايله كاغد كوندريابوب شوييله كه  
 ياد شاهك اماننه كله سز مراد يكره كهيل او اور زدنلش ايدى پس اول اجلدن ارالرينه  
 تفرقه دوستوب ايكى و زللى نفره باش و بشيوز نفر باشى ايله سكر يوز نفر صاحبي كه قارد نيال  
 دير لر اتفاق ايدوب نفر باشلر دن بر قيودانلر ين محاربه كونيكن ايرتسى امان طلبى ايله  
 حايه يه كوند رمكن النان باشلر واسيرلر ايله پاشا غاغلما حايه يه كلد كند بولشوب امانلر ينى  
 عرض ايلدى قبوله قرين اولوب اول كلن قبودانك كهفالى ايله اخذ اولنان بر قدار اطلاق  
 و انواع احسان وعد اولغله امان نامه و يريلوب مزبور قارد نيال صفر ك يكرمى دور دنده فرصت  
 يولوب اول ايكي بالو باشلو والنش يدى نفر خد متكار لرى ايله فرار ايدوب حايه يه  
 كلد كرتن پاشا هر ينه خلعتلر و كللى احسانلر ايتدى بعد مزبور لر نفرلر بىرى امان ايله  
 اخراج ايدرز ديور مقدار عسكر ايله قلعده لرى مقابله سنه وارمق رجا بلكين مراد اغا پاشا  
 كخدا سنى پياده و سوار ايله قوشيلوب وارد قن قلعده ده بر مقدار ارا ناود كفارى اولوب موافقت  
 ايتمكله اخراج ممكن اولدى ومقدار واقع اولان اتلو محاربه سنه و حالا بو استرتى جنگه  
 اخذ اولنان كافر لر دن احوال بيلورايكى كافر و قارد نيال و كخدا سنى يانقو و سرنان  
 نيقو حاجى ابراهيم اغا ايله در دولتته كوند رلدى كلد كرتن حسين پاشا براسيله كللى التفاتلر  
 اولندى بر كون غلطه ده ونديك باليوزينه واروب بولشد قن ضيافت ترتيب ايدوب حيله  
 ايله اليقويوب كچه ايچنه تلف ايتمكىن باليوزمو اخذ اولندى و محاربه ده اخذ اولنان  
 استاد مهندس معمار كريدده اولان قلعده لك جمله سنى حسين پاشا تصوير ايتد يروب  
 در دولتته كوند رمش ايدى كلكه منظور ياد شاهيند پسند يده اولدى و ربيع الاول  
 ايتد اسنده قند يه جنرالى اون بر چكدر رودورت ماونه و دادوب بوغاز ستمنه يوللادى  
 و بوندن اقدام او تونش قطعه بورتون و قليونلرى سوده دن چيقوب اول ستمه و غرى  
 كشملايدى محاربه دونما در بوغاز چون حايه طرفند حسين پاشا نك عرضى و مكنو بلرى



ایله اولاق کلوب احوال معلوم اولدی دو تئمای غمایون اول بهارده ایرشک ازومنی رکاب  
همایونه ناخیمس ایندی یار محمد داغجه سفاین دوناتوب مرتب و مکمل دو تئمایله قیودان  
موسی یا شادریاد نوزیر اعظم سابق سردار محمد پاشا قرادن بو غاز حصار لرینه  
ارسال اولنوب کلیبولی به وار مشا ایدی ریسع الاخرک اوحنی کونی سردار  
محمد پاشاد و تئمایله کلیبولیدن قاقوب کفارک یکریمی التی پان قلعه مثال  
قلیونلوی بوغاز دن طشره مغار زکور فزی اطرافنده صولانور ایکن اوزر لینه واروب  
گوزند کله ملاعین فوجیلرینی براغوب جمله یلکن اوزرینه کلوب بر مقد اردریله چقدیلر صلا  
اشراق وقتیکه مباشرت اولنوب ایکندی وقتنه دك عظیم تفنگ و طوب جنکی اولوب  
کافر قیودانینک کیسینه بر طوب واروب سنجای ایله درکنی دوستروب صوبیه برابر  
اتیشیمکن جست دیره نوب غرقدن خلاص اولدی بر قاج کیلری دخی شکست اولوب  
کلی خسارت کوردیلر بر طرفه دخی قاسم پاشا زاده سفینه سنه بر طوب دانه سی کلوب  
اون اسیری دوستدی و سارژدن بر راپیکش ادم دوستوب روز کار چقمقله چاقمق ممکن  
اولوب جریره هالته وارلدی و من بعد روز کار مساعدا ولما مقله کرید توجه ایتدیلر  
و سردار محمد پاشا بنوزیر اعظم اولیشم حال سردار م دیو تحکم واستقلال دعوا سیله  
موسی پاشایی کوزمالدر میوب موسی پاشا دخی بر پیروشن ضمیر دولتشا مکداری  
وروی دریانک بالفعل قیودان صاحب وقاری اولد و غنه بناء نجه امور سدید  
واری مفیده ستوز یز ره رغبت لازم ردیمکله اپکیسینک اراسنده اتفاق میسر  
اولوب بر برینی عرض اتمکله قره دکر دن احمد پاشا دعوت اولنوب ماه مزبورک یکریمی  
اوچنده اون قطعه قدرغه ایله امداده کوندردی جنک ابو قرون و ملا قشدر  
کرید کفار ساقا اوستورنی قلعه سنی براغوب کتد کد نصکره جنرال بد فعال  
قندیه دن ابو قرونه کلوب قریه لر دن سلاحه قادر اولان رعایا دن بیک مقداری  
کفره جمع ایدوب و ندیکدن کناللییدی بیک تفنگدن انلره توزیع ایلدی ابو قرون یولی  
غایت ضعیف و سنکستان اولوب بوندن اقدام اول سمتلره عسکر ظفر اژدن کسه کتیموب  
اول ناحیه قریه لر دخی کلوب اطاعت ایتد کاردن غیر جنرالک نجه ایام اندک مکث  
واری کارزار قصد یله قیامی باعث و نادی اولوب اقتضا ایلدی که اول ناحیه عسکر کوندریله  
پاشای کشور کشا سکبان باشی مراد اغانی پیاده و سوار برکروه کرید عسکره سردار  
ایدوب ریسع الاولک اون برنجی کونی علی السحر عسکر کوندرا مشیدی عسکر منصور محل  
مزبور وارد قدره دروازه حصار ده اولان کفار هجوم اسلامیا نی کور یجک طاقت کتوره میوب  
قرینه اولان کوه عظیم بالاسنه فرایندیلر درون حصار ده طوب و تفنگله جنکه  
آهنک اید یجک پیشگاه حصار ده اولان کفار دن خیل باش و دیل النوب سائر جنرال  
ایله درون حصان فرایلدی غزاة اسلام سالم و غام دونوب حانیه به کلدیلر بو جنکه  
یوزاللی قدر اسیر و قرقیدی باش الندی ریسع الاخرک اونحنی کونی حانیه دن جنوبه  
دورت مساعدا یول ملا قشده نام بر صعب سنکستان طاعده کفار نکر اربابور قوروب

مزبور رعایای ایکی بیک قدر قریه ایله ایچنه وضع ایلدی ماه مزبور و اخرنک با سوس  
کلوب تابع اولان کسمیونام قلعه دن اوتیه بعضی قریه لر دن بیک قدر رعایا دخی سورمک  
ایچون دورت بشیوز کافر تعین اولندی دیه خبر ویز مکله بیک بشیوز قدر عسکر ایله حسین  
پاشا کتد اسنی سر اهلرینه کوندروب ملاعین آگاه اولغله کتیموب براز توقدن صکره  
عود ایلوب کورکن ملا قشده نام کوه داماسنه اوغرا قدره بر ایکی فرقه کفار لانی کورنمکله  
اوزر لینه واروب قتاله شروع ایلد کله حسین پاشا دخی آگاه اولوب اوچ بیک قدر عسکر ایله  
ایرشدی کفار خبردار اولد قدره طایون فرار ایدوب جنرال در حال کفاری برکد یروب  
متریسه قودی عسکر اسلام سوروب اوزر لینه وارد قدره خیل جنک ایتدیلر لکن ممکن  
اولا مقله قچاق کو مستروب کروه مکروه مغرورانه یکپان طایوزدن چیقوب اردلر نجه  
بر قاج قدم وار قدره نکرارد و نیلوب نجه زمان تفنگ جنکن ایتد کدن صکره بالآخره  
ملاعینک یوزی دونوب اردلری المقله اکثری طایون کیده میوب سلا حله بری دو کوب  
صعب یزله چقدیلر بر مقداری طایون کیروب خبره لر اسلامیا نه قالمسون دیو آتش  
ویروب ینه کتد و اوزر لینه شران بار اولد قدره یوزدن متجاوز کافری هلاک ایلدی اللی الشمس  
قدر اسیر النوب بشیوز دن زیاده سک باشی کسلدی قیودانلردن و سارژ بلو  
باشلوردن یکریمی قدری درز نجه یز اولوب بشا التی بیراق و اوچ بیک قدر تفنگ غنایمی  
ایله حانیه به کلفدی بو غزاده جانب اسلامیا دن انحق بر نفر شهید اولدی اسیرلردن بری  
حسین پاشانک صاحب خانه سی بر قاج بیک کافرک ضابطی اولان قارنج نام مشهور بر کافر  
ایدی فتح و تحریب استر فی جمادی الاولینک اوائلنده پاشای کشور کشا استر فی  
مناسرتنی فتح قصد یله اسباب تسخیر و طوب و تفنگ و ادوات جنک احضار ایتد و کئی کفار  
ایشیدوب مقد مادعوت نامه واروب و دفعاتله جنک کرده کوردکاری قهر و غلبه و هیبت  
وصلا بت خوفی جانلرینه کار ایدوب قران محال محال اولغله ماه مزبورک اوحنی کیجه سی  
یکپان مناسرتن چیقوب سودیه فرار ایلد کفری غزاتک مسموعی اولیحق اردلر دن  
ایریشوب نجه سن اسیر و نجه سنی طعبه شمشیر ایلوب برازی دخی کیلره کیدرکن غرق  
اولوب دوکلن ماملکرین اغتنام ایلدیلر چون اول مناسرتک ضبط و محافظه سی  
عسیر ایدی بنیاتی خاکه برابر یقوب اطرافنده اولان اوج ناحیه بری ضبط ایلدیلر  
جنک اسباب در کرید جمادی الاولینک دور دند عسکر اسلامدن بر ایکیوز نفر دقیق  
ایتدرمک ایچون حانیه دن دورت ساعتک مسافه ده اطاعت اوزن اولان قریه لر جوارند  
واقع اسبابلره سعری روانه اولوب کفار میانشده دعوی دلوری ایدن بر قاج قیودان  
بیکدن متجاوز کافریله دکر منلری علی الغفله احاطه ایدوب غزاة اسلام دخی حرب  
وقتاله باشلا قدر حسین پاشایه خبر کلوب در حال اپکیوز سوار و بیک قدر پیاده ایله  
یشوب کفار خبردار اولد قدره اولحله قریب بر صعب سنکستانه جان اتوب فرایندیلر  
سواریلر یشوب اپکیوز قدرینک اوکنی الوب جنک ایدرک سحرایه دوندروب سائر سوار لر  
دخی ایریشوب خیل دلیرانه جنکدن صکره بعون الله تعالی غالب کلوب یکریمی او توز قدری



کر قنار و اسیر و باقیسی طمعه شمشیر اولدی بو محاربه ده انجق برسیماخی لشکر اولوب  
 کفارک ایکی اوج قیودانلری کسلدی بواشاده مالنه و دوقه و وندیکدن جمله اوتوریدی  
 بوزتون و طغوز چکدرمه کفارخا کسان امداد نامی ایله سوده لیماشه کردی لکن قره دن  
 حسین پاشانک نامی ایشیدیان پرزده کفار قرار اید میوب بود کا و جنکارک جمله سده  
 بعون الله تعالی منصور و مظفر اولوب حایه ایله سوده مادیی کفار لاشه سیله طولدی  
 اون ای دفعه آلا یه مقابل جنکارک هر برنده کفارخا کسان امداد نامی ایله منهنم  
 اولغله نجه بیگ ملاعین قریاب حایه خار جده بش بیگ قدر پاشانکدن اوج قله بنا  
 اولمشیدی اکبناء حایه اطرفدن بعید یرده رتخو و سائر قلعه لره و کوهستانه قرار  
 ایلدی پاشای کشور کشاعسکره ذخیره و روبر دو نهای نمایین قد و منته مترقب اولدی  
 و بواشاده حایه نک صوبی پشاد روله محصور اولغله طبره دن مستوفی صورلکتوروب  
 عسکر و سوار خلقی سیراب ایلدی محاصره سوده جمادی الاولینک یکریمی سکرخی کونی  
 عین واقبالله دونهای نمایین حایه لیماشه داخل اولوب سردار اکرم وزیر سابق محمد پاشا  
 سوده فتحی جمله دن امداد دیو محاصره سده سعی و همت ایلدی کیندن طویل چقار یابوب  
 قره دن پیاده عسکر ایله ملا قشیه یالندن اوج کونده سوروب سوده کارینه ایصال ایلدی  
 کافر و تناسی مقد مادوقه و مالنه کیلری ایله جنکده ییله اولوب تورگاری یوزدق دیو خبر  
 کوندر مشرد و تما کربله کد کد عظیم ماتم زده اولدی یلمالنه و دوقه کیلری براریکشیر کتمدن  
 حالی اولوب مسلمان اسیرلری دخی یومافینوما خلاص بولوب کلور ایلدی جمادی الاخره نک  
 ید بی کونی ایکی طرفدن طویل قورنیوب سوده حصاری دو کله مباشرت اولندی  
 لیماشک ایکی طرفی حکم ضبط اچون یوز قرق پان کئی حایه او کندن اطرافنی محافظه یه  
 قورنیوب سوده او کندن کیندن ازلان کافر و تناسی طویل حواله ایلوب لیماش و قلعه دن  
 ایزمق بانه اهنام اولندی ضبط حصار اوقورون حصار متره ری کفار راعوب کینک اوزن دو  
 دیو خبر اولغله جمادی الاخره نک سکرخی کونی نصف الیلده سردار کا مکار اذینله  
 حسین پاشا بر مقدار عسکر اوب وارد قده اچندن اولان کفار جمله فرار ایش بولغله  
 کلید سارینه اذینلر اوقونوب ضبط اولندی پاشای مزبور دئوب کلور ایکن ملاعین عسکرینک  
 کیلری کار ده یاشوب یوله قریب یه بر مقدار تفنگ انداز چقاروب بوصویه قوم مشر  
 اوزر لینه او غراد قده خیل جنک اولوب عون حق ایله کفار بوز یلیوب دریا یه دو کله  
 یش سکیسان قدری هلاک اولدی انجق اون سکر یاش و بش دبل اوب منصور و مظفر  
 حایه یه کد یلر محاربه در مترس چون ملا قشیه بولندن سردار و عسکر اوقورون عکراسنه  
 واروب نزول ایلد یلر حصار مزبور اچق یرده اولغله کفار کیلری طوب ایله عسکر اسلامی  
 منصور ایدر کردی سردار امر ایلدی که اوج قلو سورنه و اوج بالینر چکوب علی الفور لیماش  
 مزبور کارینه قورد یلر سلفکه یه متصرف اولان جرکس عثمان پاشا و دلونه و اولونیه  
 و دوقه کین بکری مباشر اولوب وقت ظهرده طویل یلری محله ایدر دیلر کیجه مترس  
 قورنیوب ایتسی کفار کیلرینه حواله اولیق دریا یه اچلغله ارباب بیمار را کندن اولوب سائر

عسکر طوب چکمه دن یوز غون و فرو مانده برز جنک پان سایه سینه مستطیل ایکن وقت  
 ظهرده کفار تجسس اخبار ایدوب جمله چکدر رو مانده لرندن بر قاح بیگ کافر طشره  
 چقبوب مترس اوزرینه دو کلد یلر عسکر اسلامه پریشا نلق ال و یروب دلونیه بکی  
 زین الدین بکک صاغ الی طوب ضررندن شکست اولوب بر قاج ارباب بیمار مجروح اولدی  
 مخبری سردار واصل اولیق حسین پاشا بیلوک عسکر نصرت اثر ایله بر محله ایدر شد یکه  
 ملاعین جنکدن استعفا ایدوب طویل یلر پلا مار بغلق صددینه وارمش ایدی پاشای  
 مزبور عسکر منصور ایله هجوم ایدوب گروه مقهوری بر مرتبه اورکندیکه طوب الملق دکل  
 گیلرینه دو شمکی غنیت بیلوب بری برنی تعقیب ایدر کتدی لرجنکده یکروز قدر کافر قریابوب  
 انجق اون قدر مسلم مجروح اولدی وفات سردار محمد پاشا چونکه وزیر مشارالیه نازک طبع  
 و چلبی مشرب حضور و رفاهیته مالوف کسه ایدی صالح پاشانک مکر و خدیومه سیله  
 منصب صد ارتدن دور و مسکن مالوفندن مجبور اولدیغندن غیر کمال مرتبه منفوری  
 اولان دریا جنکی و سردار لاق یارینی تحمیل ایله نفی صورتده مقهور و امهان گردید کتمه سی الی  
 قلبنه نایز ایدوب غم مفرطه باعث و به سببیدن وجود نده امراض عائله حادث اولدی  
 گند یکه زجاج مزاجی منکسر و قلب خرنی هوم مهملکه دن زیاده متاثر اولغله ماه مزبورک  
 یکریمی برنجی کرف حمای محرقه یه مبتلا اولوب سانی کیجه سی تسایم روح ایلدی فذلکده  
 دیر که پاشای مشارالیه سابقا وزیر اعظم اولان رستم پاشا خاندانندن و والد سلطان اولغله  
 سلطان زاده دیمکله اشتها ریه اوب حرم همایونه خاص اوطه خدامندن ایدی جوتن سفر نده  
 هنوز تازه جوان ایکن قیو جی با شیلای ایله جقمغله جوان قیو جی پاشای عنوانی شاه بیت  
 قصیده حسب حالی اولمشیدی کیدرک تعین بولوب استعداد ذات و شرف نسبله دیوان  
 وزیری اولوب بیگ قرق یدی تاریخنه وزارت ثانیه پانیه سیله مصر ایالتنه نائل اولوب  
 اوج سنه مقداری اول دیارده حکومت و تحصیل مالده حددن افزون جمعیت ایله نائل  
 خزانن بسیار اولوب ثروت عظیم ایله معزولا آستنه یه کاد گن دیوان همایونه اوتروب بعد  
 ازاق فتحه سردار اولوب اوزی اوزرندن وارد قده مساعدت بخت ایله کفار حصاری براغوب  
 گنیش بولغله بلا رحمة ضبط اولوب ذکر جمیل ایله دردولته کلشیدی خلقت مزین توجه  
 قلمی صدر اعظم قره مصطفی پاشا کوروب هضم ایتیمکله شام شریف ایالن و یروب  
 کوندردی چوق لخمیوب قورقد یغنه او غرامق ایله وزیر مشارالیه شامدن کتور یابوب  
 یینه وزیر اعظم اولمشیدی بر مدت مدار ایله کتوب صدارت ایتدی بالاخره صالح پاشا  
 عمل ایله صدارتدن اریابوب سردار لغله گردید کندی استیلاء غوم هجوم ایله انده فوت  
 اولوب جنازه سی استانبوله کتورلدی توابعندن ایوبی امین زاده محمد اغا سی و خنی  
 مشکل سفان چلبی سی خبر و فاتی ابلاغ ایدوب مال فراوانی و انلری چیمامیری یه  
 قبض اولوب کریده اولان مخلفاتی دخی قبض اچون میر علم بالطه جی حسین اغا قره دن  
 کوندرلدی متوفای مومی الیه متصرف اولدیغی یولی سنجای اوجینی خاصکی یه و نیکیبولی  
 سنجای التینی خاصکی یه باشملاق نامیله توجیه اولندی مزبورند و قلاش بر شهر او غلانی



عیار و عیاش اوراق اوزن مشهور ایدی سنی دخی اربعینی خوب خمینه بالغ دگل ایکن  
 آخرته کندی برکون عبد الرحیم افندی قاضی سکر ایکن تنها کاتب جلای ایله مصاحبت  
 اثنا سنده دیدیکه سلطان ابراهیم تالونی و افاعیل غریبه سی کریمین اولدی بقی زمان ایدی  
 پادشا همزک بویله بوالعجب اولما سنده باعث مرقوم محمد پاشا دزیر اعایت مداهن ایدی  
 قره مصطفی پاشا فتلندن صکره صدر اعظم اولوب جان خوفنه دوشمکه مداهنه بی  
 بمرتبه ایدی بکه خالی الذهن پادشاه سیله ماهیتین یلوب برکون سببندن استکشاف ایتدی  
 لالام مصطفی پاشا کاهی بکا اعتراض ایدردی و بواش نامعقولدر دیر ایدی سندن هیچ  
 انک کی بر سورا ستمدم و صادر اولدی جمله کلامک صدق الامیر قاعده سنده ناء اولدی یغنی  
 اصل در برید و دقلند و وزیر مرزبوعفیت فاسدی اشرا ب ایتدی بکه سزیه زینک خلیفه سی  
 ظل الله سزیه بر منبر بکزه لایح ایلان خواطر جمله الهام ربانیدر قول و فعلا سزیدن بیهوده  
 و خطا صدور ایلنر که اعتراضه مجال اوله صورت ظاهره نامعقول کورینن بعضی حالات  
 ظهور ایدر سده انک تحتند بعضی حکمت خفیه واد که بزه معلوم دکلدر انکچون انکار و زده  
 مجرات ایدم دیملکه بوشخندی پادشاه صافی مشرب دخی حقیقته حمل ایدوب اول  
 اعتقاد اولدی و دخی بوند نصیره مقرر بر بعضی وضع ناپسندیده به اعتراض ایتدی بکه  
 سزیه سوزیکتر غرض در بکالام بویله تعایم ایدر بکه بدن خطا صدور ایتنر ظهور ایدن  
 شیلر ده بر حکمت خفیه وارد سزیه سزیدیمکه باشلادی بوندن صکره بر قاج وزیر اتفاق  
 ایلر اولمکی اختیار ایدوب بوقته انک ازاله سنده سعی ایدر لر سه احتمالدر که پادشاه  
 رجوع ایدر و الا مامول دکلدر که بر حال ایلر اصلاح اوله دیشد فی الحقیقه اول وزیرک  
 انقا سیله عافیت کار نچه اولدی بقی مخلصه ذکر اولنسه کرکدر مورخ دیرکد زعیر نقل  
 ایدر دی غیر پاشا انک افراط مداهنه سندن سلطان ابراهیم اوضاع نا شایسته بی  
 ارتور مشن ایدی برکون مشارالیه محمد پاشا فتمیری دعوت ایدوب شهادت انکاملکه  
 مشغول ایدک بر خط همایین چقاروب اوزریمه ایدی کندویه خطا بیره متولی یاپه لی  
 قودش بره قاریز قیامت پوزه ونک هتک عرضه متلق دخی نجه الفاظ شتیعه لیلر خطاب  
 ایدوب اجداد مدینه به بقدر خواهر و اموال کوند رمشار آدم کوندروب ائنه اولان  
 اموال و جواهر جمله کوردده سن والا سنک در بکی عووب صمان طولدرم مقرر در شویله  
 بله سن دیویشتر اشته بر لای روس وله و محار و فیرک کفره سنک بناتی اولان جواهری باقصا انک  
 سوقیله بویله بویله تکلف بد عینقه اوغرا دم بتم حالم نیه مجر اولاجقدر دین بشت شکوی و بکا  
 ایلدی نه جواب و ردیدم شمدلک فرمال پادشاه مکرر دیب کرید متعلق اشتغال  
 تحلی ایلر اشغال ایدم دیدی تا که صدارتدن عزل اولوب کرید که کله او تدردی چون  
 سردار محمد پاشا فوت اولدی دفتر خانه مهر لنوب حسین پاشا و قیودان موسی پاشا شویله  
 امون ناظر اولوب کوچک حسن پاشا روم ایلر قولند و چفته لری عثمان پاشا اناطولی قولند  
 اولان طویلا اوزریمه طووزوب امور محاجره و محاربه ده اصلا قصور و فساد کو ستر میوب بلکه  
 اولکیدن زیاده سعی و اهتمام ایتدیر کفارک چکدر روز و نون و ماوه مقوله سی یوزدن تجاوز

سفای سوده آمد ایشنه دو نوب طور واکثری حایه قرشو سنده چیه قوب کورینور ایدی فتح  
 غرابوسه حسین پاشا کرچه حایه محافظه سیله مامور ایدی لکن سائر امور خصوصاً سردار  
 وفاند نصکره جمهور لیاقت حسبیله باش و بونع اولوب کرکی کی اوغور همایونه بزل مقدرور  
 ایدر ایدی مقدمات کتخداسی محمد اغا و سکیان باشی مراد اغا و ساطتیه ایدی کفار دن انتزاع  
 اولنان کسبو قلعه سی قریب دریا اچینه غرابوسه نام بر حصار وار ایدی اولزمان تسخیرینه  
 همت اولتمیوب اچینه اولان کفار رعایای رنجیده ایتمکه شکایت کشتن ایدی بر مقدار همادریله  
 رجبا یکرمی بشی کونی کفارک جمعیتلری مخلصه نازل اولوب اکثرینی قتل واستیصال و قلعه لرینی  
 ماوایر جالالیوب ساحل ارغاسی یو اشجه علی اغای محافظه سنده تعیینند نصکره حایه به  
 کلدی احوال محاصره بکرو پاشا و سائر ایشار لر سردار وفاند نصکره امر محاصره ده بزل  
 مقدور ایدوب کوچک حسن پاشا روم ایلر قولند عثمان پاشا اناطولی قولندن دو کک ایلر  
 سوده حصارینه خیل رخنه ویر دیلر لکن حصار مزبور دریا اچینه وسط ده براطه هر جانی  
 کناردن بعید متین قلعه اولوب بر وجهله یوریش ممکن اولما مغله فتح و تسخیری دورادور  
 محاصره به محتاج اولوب وقتک تنک قالمه سیله ناخیر اولندی سابقا سردار عرض ایش  
 ایدر بکه بوجز به نک فتنی بر قاج کونک خدمت اولوب زمان مدید ده کلی خرینه و مهمات  
 صرفنه محتاج اولدی بوندن غیری روم ایلر و اناطولی عسکری و قیو قولی بو طرفه قشلا مق  
 ایلر انجق اولور یوک مصاحبت در مکمل بر سنده لک ذخیره و مهماتی و خرینه سی وقتی ایلر  
 ارسال اولتی و قندی ورتو قلعه لرینه طوب چکملک اچون جاموس و بار کیر و عسکر عبور  
 ایتدیرلک امور دندر دیونکرار اعلام ایتدیر یوروند نصکره ابو قرون حصارینی احیا اچون  
 تجار لر کوندریاوب معمور اولد قد نصکره اچینه عسکر تعیین اولنوب اطرافه مجددا خندق  
 حفر اولندی و کسبو قلعه سنده دخی طویلا و مهمات و عسکر تعیین و ارسال اولندی  
 محاربه اچی و مقدمات مواوز رنه وراملیه نام منزل قریب کفار خاکسار بش پرده طابور  
 قوروب هر برینه بیکدن زیاده کافر تحصن ایتشیدی بواشاده اول سمت بر مقدار عسکر  
 کوندریاوب اچی و نام محله قریب وارد قارند پیاده و سوار بش التیوز کفان ملاقی اولوب  
 عظیم جنگ ایتدیر بعون الله عسکر اسلام غالب کلوب کفارک اساعه و انلری غنیت فراون  
 اولد قد نصکره یتش باش و بکر میدن تجاوز اسیر لنوب تماما اوردویه کلدیلر سرداری  
 حسین پاشا در کرید و محاصره زتمو بوندن اقدام کان عرضلر موجب قیودان پاشا دونما  
 کیمیری ایلر روم ایلر کارلنده فرمان اولنان محارک ذخیره سنی الوب ککرید نقل اچون  
 حکمران یازیاوب کرید محافظی حسین پاشا به یاردلار در دیو سردار لقی امری و مرصع  
 شمشیر وایکی خلعت فاخره و برسمور کورک خط همایون ایلر کوندرباش ایدی اوائل  
 شعبانک و اصل اولوب مراسم استقبال و تعظیم و رعایت و لوازم نکریله خط شریف قرأت  
 اولند قد نصکره بر موجب فرمان عالیشان سکیان باشی مراد اغای حایه محافظه سنده  
 الیقوب حسین پاشا غزاة ایلر ماه مزبورک اون ایتکی کونی ابو قرونه کلوب اوردوی همایونه  
 داخل اولدی ایرتسی قیودان موسی پاشا و سائر پاشا و بکر دعوت و سوده اموری



ایچون مشاؤون اولنوب حصاری دریا اورتیه سنه بریالک قیابک اوزرنده بر مستحکم قلعه اولغله قره دن یه ریش ممکن اولیوب لیان کنارنده وضع اولنان طویلر ایله خواه و ناخواه اخراج اولنان دونمای کفارخارج ایمانه طوب ایشمیزده وضع لنکر ایدوب قلعه یی دونمای همایندن حمایه ده اولدوغندن غیری شب نیره ده دائما مهمات و ذخیره ایله امداد ایدوب وسوده قلعه سنک هر جاننده صویه برابر عظیم طویلری اولغله دونمای شمشق بروجله ممکن دکلدر زمان مدید محاصره دن غیری تدبیر قبول ایلریاری رتمو قلعه سی ادنی همت ایله تسخیر اولنور دیمکله اوزرنده وارلیق مناسب کورینوب سوده دلیمانی محافظه سنه دخی کفایت ایدر عسکر ایله چوقه دار مصطفی پاشا تعین اولنوب زعیایدن طوب چکمکه و ذخیره کتور مکه اجرت ایله اوکوزلر و مرکبلر تدارک ایتدیریلوب بش پان طوب واون ایکی قلنبورنه ایله شعبانک اون التیسنه ابو قرونه کوچلدی اناطولی بکار بکیسی عثمان پاشا یمینده وروم ایلی بکار بکیسی حسن پاشا و قرمان بکار بکیسی یسارده الایر قوروب قانون اوزن بور و دیلر وزاردن یغلی مصطفی پاشا سردار غازی ایله همعنان کیدوب اول کون ارستونام قریه محراسنه قوندریلر ماه مزبورک اون طقوزنجی کونی مدامینه نام منزله نزول اولند قده کفارک اقرب طابورلری اوزرنده جز خه جیلر واروب ایکی طرفدن هجوم ایتیمکه ملا عین طابوری قویوب صعب و سنگستانه فرایتدیرلر سائر دورت طابور ابایی دخی انلری کوروب فرار ایتیمکه عسکر اسلام اردلرندن ایوب یوزدن متجاوز باش و او تزدن زیاده اسیر المشر و یول اوزرنده اولان رعایایه استیالت ویره رک شعبانک یکر می اوچنجی کونی رتمو باغلرینه نزول میسر اولد قده مقدمه ماصادر اولان فرمانی مؤ کد امر عالی ایله زعمادین سیامی محدو قیوجیلر وارد اولوب مفه و میده یوسنه مبارکده عسکر اسلام دونما کیلری اقتضایند وکنه کون قشلا ندریلوب قارشو یقه ده حاضر اولان یه زیل کیل ذخایر و مهمات سائر دن غیری دخی نقدار خزینه و ذخیره لازم اولور سه عرض و اعلام اولنه بای حال انواع خدمات مشکون وسیعی موفور وجوده کتور یله یورلغین ایتسی واریلوب قلعه مزبورنک التنه نزول اولندی اوصاف رتمو اولار رتمو قلعه سی لب دریا ده واقع وایچ قلعه سی بریالک مرتفع قیا اوزرنده غلظه حصاری وسعتیه طشرده ده قلعه سی محمینا طویحانه دن شود ایجه مابینی قدر و اکثر خانه لری کار کیر بنا و غایت صیق و معمور اولوب اون یلک بایدن متجاوز خانه و قرق الی کلیسا و یوزلیدن زیاده مکلف و منقش سرای کی فرنک خانه لری اولوب حصاری دخی عریض و مستحکم و مهماتی مکمل اولدوغندن غیری عظیم خندق دخی اولوب اوکارینه سراپا اوچ آدم یویندن مرتفع حصاریچه چوریلوب عظیم کی در کلرندن ایکی اوچ سرن بونجه قازقلر نصب اولنوب انک خارجنه دخی رواسع خندق حفر اولمش و اوکنده کوه کی تاسیه لر بنا و لشمس و ملا عینک دونماسی امدادینه کلوب قلعه نک و واروشک ایکی جانبته لنکراند از اولوب طوب التنه المغله کلی تدارک و مکمل مهمات ایله محاصره لازم کلوب بر قیاج طوب ایله دخی نجه لوازم نقل ایتدیرلک ایچون حاییه طرفنه آدم لار سال اولنوب و جتلر و سپتار وریلوب شعبانک بکر می التخی کیه سی متر سه کیرلدی ابتداء جنک

وانهزام کفار بوندن اقدام عسکرک قدومی اثناسنه کفارغا کسار چیقوب پیرامن حصان غزاة اسلام بر مرتیه هجوم و اقدام ایتدیرلر که ناچار درون حصان دونوب فراردن غیری یه مجاللری قالیوب مایه لرندن و حصار لرندن یخچ طویلر ایتدیرلر و اشاده بکیمشهر یکی چاوش پاشا مجروح و ایلبصان آلا ی بکیسی حسین بک شهید اولدی روم ایلی عسکری و قول کتخداسی ابراهیم اغا ایله عثمان پاشا و زجر جی باشی مصطفی اغا تاسیه لره مقابل متریس الوب کیردیلر جزایر و تونس دلاورلری بر طرفدن سائر عسکر دخی طرف طرف محاصره و جنکه مشغول اولدیلر اولکون کفار حصاردن وکیلر دن یلک سکر یوزدانه اتوب حصاردن ایتیلان دانه لک بعضیسی یکر میشر و یکر می بشر و قیه چکر ایدی شعبانک بکر می طقوزنجی کونی شتافی وقتیه یالی قیوسندن طویلری چوبلک قصد یله اوج دورت یلک کافر چیقوب متر سله یورید کده عسکر اسلام غافل یه لیموب فی الحال قارشو لیوب سردن یلک یلر سپر لرین باشنه چکوب هنوز اعدا متر سه ایشمدن قارشو لیو وضرب تیغ ایله یوزلرین دوندروب چایک وچالاک غازیلر اردلرین الوب بی دینلر اور تاده قالوب بر قهرمانی قیاج اوردیلر که تعبیر اولنر قلعه خندق اوکنده اولان بعضی وادیلر کفار جته سی بری بری اوزرنده ییغلوب غزاة اسلام و سروران صاحب اعلامک هر بری اوزر واون بشر باش کیمکه کسه باش المغه رغبت ایتیموب سردار عالیقدر حسین پاشا و تاغی اوکنده یلک بشیوز دن زیاده باش ییغلوب یوزلیدن متجاوز برادر و توانا لرندن دیلر نتموردیلر بعد یومافیمو متر سله یوریلوب حصارده بشی یردن لغم وایکی قولدن طپراق سنور لکه مباشرت اولنوب اوج دورت کونه دک جمله متر سله و طپراق خندق کنارینه واروب خارج خندق اولان تاسیه لرده تحصن و جنک ایدن کفاری اچر و حصان قیاجوردیلر فتح قلعه پایو یوتمه رتمویه بعدی اوچ بودق ساعت مسافه ده پایو یوتمه نام بر حصار یجه و اطرافنده التمش مقداری قریه لری واریدی درو تنه تحصن ایدن کفار اطرافه چیقوب خیل رخنه و ذخیره یوللرین کسمدن خالی اولماغله جنک کونینک ایتسی چفته لری عثمان پاشا ایله حصار مزبورک تسخیری مهمرد یو عسکر ارسالنه قرار ویرلشیدی دلی کتخدا و سپاه و ساجدار یولک لری یلک قدر زیاده و حصار ایله حصار مزبور و اروب خالی بولدیلر مکر مشاؤون دنصکره جاسوس و اروب ایچنده اولان ملا عین خاسرین قرینده اولان طباغله فرار ایشلار ایدی مزبور دلی کتخدا حصار ی ضبط ایدوب عسکر اسلامدن براز کزیده تفنک انداز ایله وقت عصرده اول کروه مکر و اوزرنده واروب کفار دخی برمقاگ هولنا کده تحصن ایدوب بر مقدار جنک حریدن صکره کتخدای مزبور کلوب اقدام ایدیمک عصر دن اخشامه دک حکم جنک و التمش مقداری کافر زرخک هلاک دوشوب یوز طقسان قدر اسیر النوب کتدیلر اخذ دنصکره اولولری طماغه فرار و کوچیله قیودانلری خلاص اولدی عسکر موجدین سالم و غانم اوردویه کلدیلر و حصاره سردی قلعه سید دیلر هجوم عسکر اسلام و فتح قلعه رتمو رمضان شریفک سکرنجی کونی متر سله لغملر ایشمدن قلعه نک ترسانه سی اطرافندن سردن کچیدی اغالری ایله حصار یجه نک خندقنه کیروب اول کون



اخشامه دك واخشامدن صباحه دك عسکر اسلام خندقدن وكفار حصار چچه اردندن  
 ویدنلردن طاش وخبیره ایله عظیم جنگ ایتدیله بعون الله تعالی عسکر اسلام غالب  
 کلوب واول کون خندق ضبط وایرتسی وافر چتار و طومر قلو و طوز به لرتدارك اولنوب  
 لول کیمه خندقدن ترسانه ل اوزرینه چیمه حق مرتبه طولدری اوب ایرتسی ماه مزیرك  
 اون اوچنی شنبه کونی طلوع شمسند نصکره سردار ظفر شعار الله کان سزدن یکدیله  
 اراسنه واروب روم ایل سردنکچدی اغارندن ابراهیم اغانام بر مردلیر که کند و چرانخی  
 ایدی نه طور رسن یوری دیه کان ایله ارقه سنه واروب اول دخی نوله فندم دیه برج  
 قلعه یه نیر واری سکر دوب غر وچ ایدوب عقبچه سائر غزات اسلام یوروش  
 ایدوب ترسانه اوزرینه چقدیلر و برقچ پردن بیر اقلردیکوب اذانلر اوقیوب کفار  
 یدکردار ایسه حصار چچه نک ایچیه زدن ویدنلردن وغزات مسلمان و موحدین ترسانه  
 اوزرندن نصف النهاره دك خبیره و طاش و اوق ایله محکم جنگ ایدوب لطف حق ایله  
 وقت ظهرده عسکر اسلام غالب کلوب کفاری یزندن قویاردقلرند عموم اوزره  
 یوریشنه رخصت ویریلوب غرجانبندن دلاورلر حصار چچه کنارندن نصب اولنان  
 دیرکلردن ایخویه اتیلوب اول محله کفاری سرپا قاچیدن یکوردیلر لاشه لری حصار  
 خندقده بدنلره برابر یغلوب وکوزیا جدر میوب حصار کیردیلر روم ایل بکلیر بیکسی  
 کوجک حسن پاشا امر اواعیان ایالتیله یه ریوب درون شهره وارنجه طایر و تابیله رده  
 اولان کفاری قیروپ اردنجه سردار کامکار حضر نلری دخی امداد ایلوب صحوه کبراده  
 شهره کیردیلر ایچیه اولان کفارک اکثری طعمه شمشیر آبدار اولوب بر ساعتده  
 بش ییکدن زیاده کافر قاچیدن یکدی بو جیکده جنرال وسوده قیودانی طوپال کافر  
 قتل اولندی بقیه السیفوف اسیر اولوب بفضل الله تعالی لغمه محتاج اولدن طشره  
 قلعه تصرفه کلوب طوپلری و جبهه خانه لری ضبط اولندی لکن محاصره اولندقد امداده  
 کان کیمیلر ایله جمله مالکین قاجروب جمله خانه لرن حصاره وارنجه عربان ایتیشلر ایدی اول  
 اجلدن عزات مسلمان مال غنایمندن صفر الید اولدقلری ایچون آتش غضبیلری علو کیر  
 اولوب بر مقدار اسیر و بعضی دواب و رکوب النوب مقبول اولان کافر لک اوزرند  
 یولنان ایشیانی اخذ و قبض ایتیشلر ایدی و حصار الله قد نصکره کیمینه عظیم خوف  
 دوشوب جبهه خانه ایله ملور شیمه لرن یدکه الامیوب لیان اغزنده برانقب فرا ایچمکه مزیر  
 کی اخذ اولنوب ایچمکه بشیموز قنطار باروت و اوچیموز قنطار قنیل یوز قنطار ویشون  
 وایکی ییکدن متجاوز ییالق و وافر خبیره و نجه مهمات سائر بلنوب باطف الله تعالی  
 حصار ایچون صرف اولنان باروت و مهمات زیاده سیله اله کلدی و ابتداء محاصره دن  
 طشره حصار فتح اولنجه اهل اسلامدن یا کتر الی تفرغازی شهید اولدی بعد عسکر  
 اسلام داخل قلعه یه نقل و خانه لره نزول ایدوب دکانلر اچیلوب شهر کا کان معمور اولدی  
 و کفار کیمیلری یناشد رملق ایچون لیان اوکنه طوپلر قنوب کفار خاکسارک بقیه سی  
 ایچ حصار قیا نغله ایچ قلعه دخی محاصره اولندی لکن ایچ قلعه دن شهره ویش قنر

۱۰۹ طوب حواله اولنوب عسکر اسلامی کزدر مزاولدی نه حال ایسه روم ایل و اناطولی عسکری  
 و یکچیری متر سلندیلر بوقلعه ایله شهرک اراسی نصف قر سنخ میدان سنگ تراشیده ایله  
 مفروش اولوب بلکه خدایی قرش ایله افرشته اوج جانبی دریاطاطه ایلش بر غریب متین  
 حصار ایدی قلعه دن دریایه نزول اید جنگ یری منار بلند مانتدی بر خوف سلم و قره  
 جانبی بروج صعب العروج ایله محکم کوشه بندلری و تابیله لری میانه علم ایدی حایه دن  
 بالیز دخی کتور یلوب اول میانه قوردیلر ایچ و دن کافر چیقوب طویلره هجوم ایلد که  
 یوز قدر که کسیلوب تابیله لره وضع اولندی طائب و سائر کیر و حصار فرار ایلدیلر بر قاج  
 کون محاصره امرند اتمام اولنوب عسکر منصور متر سلر ایله دریادن جانبه واروب تحفه دن  
 کوریلر قوروب اول جانبی اولان تابیله لره وارنجه تدبیر ایتدیلر لکن حصار مکنده دکل ایدی  
 عثمان پاشا قولندن لغمه مباشرت اولنوب حصار دیه ارینک الی متین قیا و نغله ال ویرمدی  
 یو ائشاده حایه دن تکرار طویلر و مهمات لازم کلوب دریادن نقلنه موسی پاشا متکفل  
 اولمشدی اتفاق ایکی کون مقدم ویدیکدن جبهه خانه و باروت ایله ملو الشمس طوپلی بر یوزتون  
 قنبدیه یه کیدر کن دو تما کیمیلری اوزرینه واروب آلدیلر و سائر کفار کیمیلری قنبدیه یه  
 کتمش ایدی قیودان پاشا قرق پان قدرغه ایله حایه دن مستوفی تمات و طویلر نقل ایایوب  
 کیر و حایه یه کتدی عسکر اسلام محاصره امرند اقدام و زور و اتمام ایدوب کفاری جاتندن  
 ییز ایتدیلر استاد تقا باندن شاطر پاشا محمد زمان بیگ حصار قبوسنه قریب اولان  
 قلعه دلفریب کوشه بندی التنه برلغم ترتیب ایدوب متر سده عسکر میا اولدیلر  
 شوالک بشی کونیکه محاصره نک اوتوز طقوزنجی کونی ایدی باروت دوشنوب سحری  
 فتیل وضع اولنوب صحوه کبراده قلعه هوایه پان اولدی کبی عسکر اسلام بر اوغوزدن  
 یوریدیلر لکون اخشامه دك خندق و برج اوزرند عظیم جنگ اولدیکه بیحد کافر طعمه تیغ  
 غازیان اولدی لکن فخری میسر اولدی ایرتسی کفار یأس کلوب بیم جان ایله نکرار غیرت  
 ایدوب برج و بارودن نکرار جبهه اقدام ککو ستر دیلر سردار شجاعت شعار مهادران  
 عسکره غیرت و پروب توازش کارلق ایدر کن بر صیپان قیاسی کلوب قضا ایله باشنه  
 طوقنوب خون روان اولدی یرینه بر مهم ساز قولتی تعیین ایدوب کندویان سنه علاج  
 ایچون او تاغنه کتدی عسکر اسلام اقدام ایدوب سردنکچدی و روم ایل غازیلری تابیله  
 اوزرند چیقوب بیراق دیکدیلر اول ائشاده صاخ قول الای بیکسی شهید اولوب اسکوب  
 الای بیکسی قره مصطفی خیر مسرت ایله سردار کلدی اخشام ایریشوب مزبوری احسان  
 فر او ان ایله برج اوزرند ثابت قدم اولان غازیلره کوندزدی بوتلری بروجله دفع ممکن اولدی  
 غروب شمس وقتی برار ناود بیاض بیراق دیکوب صلح معنا سنه باک باک دیو چاغردی مرده  
 و سان حسین پاشای دیشانه وارد قلعه ولی کتخد ایی کوندروب مزبور دخی کوجک حسین  
 پاشا و یکچیری کتخد اسی مصطفی اغا ایله پای حصار واروب روسای کفار ایله صلح احوالی  
 سوریلشدی ایچ و دن بر قاج متعین آدم چیقوب جانلر ینه و ماللر ینه امان نامه  
 ویریلوب طرفینه اوچر آدم رهن وضع اولنوب صباحه دك حصار قیولری اچیلوب وارمه



کله اولدی صباح دیوان قورباوب قلعه نك مفتاحی ایله بر متعین قیودان کلوب نامه  
 کتوردی مقدماجنکده اسیر اولان قار دنیل نام سردار اطلاق قی رجا ایتیشار پاشا  
 سوا لرنی قبول ایدوب اسیر مزبوری از ادور کو بی خلاص ایله کفاری دلشاد ایلدی  
 و سکان حصار کتمه ماذون اولوب مراد ایدنلوی چیقوب کتدی پلر ضابطان حصار  
 پر کشتی ایله قندیه یه ارسال اولندی سردار حسین پاشا و سائر وزرا و امرالچر و کیروب  
 برر خانه یه نزول ایتدی و اطراف حصار بریر ارجی یار تعین اولنوب کفارک بر عظیم لغمی  
 بولمقله ایچیندن سکسان قنطار باروت چیقوب اولدخی ضبط اولندی قلعه ده اولان  
 طویلر و اسلحه دفتر ایله قبض اولندی آلات حرب و سلاح مقوله سندن احبابنه  
 شی و برلدی مصراع اولدی فتح کبیر و لطف عیم تاریخ دستوب باب حصار ده نقش  
 اولندی منهدم اولان برج حصار ترمیم و تجدید اولندی اوائل شواله او تونز نفرزنده  
 کافر که اون دانه شی قیودان و یکر میسی بللو باشلو لایدی و اون نفر جاریه لایله دردولته  
 هدیه ترتیب اولنوب فتح خبری ایله علی اغا دار السلطنه یه کوندرلدی خبر فتح آستانه  
 سعادت کلدکه اوج کون شهر دو نتماسی فرمان اولنوب کیجه لروی دریاده فشکر  
 ایتیلوب اطراف چراغان ایتدی لر رتموده کلیسانک بری پادشاه اسلام نامه جامع قلینوب  
 بش پان قریه وقف اولندی و قیودان پاشا و بکر بریره کلوب قشلا مق ایچون طرف  
 سلطنتدن طلب اولنه حق ذخیره و مواجب و مهات و جبه خانه و آلات ایچون مشورت  
 ایدوب التی ایلق مواجب و ذخیره ملری بیک کیمایله بکرمی اوج قطعه جزایر و تونس و طرابلس  
 پورتونلر بیک قومانیه سی و ناولنی کسملوب دفتر بیک صورتی دردولته کوندرلدی شواله  
 یکر می یدنجی کونی پاشای کامکار بر قاج کار گذار ایله مقدمه مفتوح اولان مله پوتنه نام  
 حصار و اروب سیاهی اوغلانی بولک اغار یله انده محافظه یه تعین اولندی طوب یقان  
 یرلر بی تعمیر و طرف بحره حواله اولان باروسنه برج الحاقیله استحکامی توفیر ایلدی  
 و صاغر مصطفی پاشا که ایچ ایل سنجاغنه متصرف ایدی سنجاغی عسکر یله محافظه سنه  
 وضع ایدوب ایرتسی نه رتمویه کلدی و دردولتدن اسکمه لجی باشی کلوب خلعت  
 فاخره کتوردی قشلاق عسکر اسلام و تدبیر محاصره قندیه بعد الفتح عسکر اسلام  
 سردار بلند مقام ایله یوقیش شهر مزبور ده مقیم و اعیان و ارکان هر بری برکاتانه ده ممکن  
 اولدی اشای اقامته پاشا کندی سرانی قریه نیجه ابنیه خیر احداث و نیجه کافری بنار  
 تعمیر ایتدردی جمله دن زیر قلعه ده برجامع شریف یاپدردی و بالای حصار ده اولان  
 سرای عجیب که دونه دونه چیقیلور بر جای رفیع و غریب در تجدید ایتدی لر و مقابلته اولان  
 کلیسای عتیقی دخی جامع ایتدی لر و قریه بر مدرسه و برجام دخی بنا اولنوب جامع جدید ده  
 ذی الحجه نك بشیجی کونی جمعه نمازی ادا اولندی لکن بامر الله تعالی و بای عظیم مستولی  
 اولغله عسکر یین بعد کسنه فوت اولدی غره ذی القعدة ده طرف شهر یار یین مصاحب  
 میر محمد کلوب سردار باوقان شمشیر ایدار و خلعت زرین تار و کورک سمور ایله حسن پاشا  
 و عثمان پاشا و بکچری کتخد اسنه خلعت کتوردی توقیر و احترام ایله استقبال اولنوب

بکله بکلیزه و اغار ه خلعت کیدری یلوب پادشاهه دعال و شال اولندی و قندیه یه یوللار نی  
 کورمک ایچون سردار اکرم میر محمدی بله آلوب ذی القعدة اوائلده قاربورنی یولندن کتدی لر  
 و یوللری غایت صعب و سنگستان اولوب قاربورنی در بندینه وارد قلعه اغار نی اول  
 قریه ده قویوب کتدی لر صالت و سبکبار ایغار ایله ایرتسی قندیه حصار ی بعدی ایکی  
 ساعت مسافه ده بتلسو نام قریه یه نزول ایتدی لر کفار خبردار اولوب یوله حواله طویلر  
 قوغشیدی ذی القعدة نك یدنجی کونی ایدی خلاف ماحوظ لری قریه اولان یولده حصار  
 طرفه واروب طاش کوپری یه واصل اولدی لر و بیشکانه بریو کسک دپه یه چیقوب  
 حصار ی تماشا ایلد کیرین کفار یلوب حصار دن بیحد و بیحساب طویلر اتدی  
 و طشره ده صف چکن کفار ایله خیل عربده ایدوب حصار ده اولنور حیران اولوب  
 دو کشته رک عاقبت کفاری حصاره قاچردی لر او تونز قدر اسیر قرق قدر باش آلوب بیک  
 مقداری اغنام اغتنام ایلدی لر و سلامت و محبت و شوکت و صلابت ایله دونوب رتمویه  
 کلدی لر سر دار کامکار اول حصارک متانت و احوال فکر و ملا خطه ایلدی کتدی کلری  
 یوللر ده حیوان و پیاده بربرر یکمکه محتاج برلری چوق طوب و مهمات قره دن نقل  
 اولتیق مقدور بشر دکل ایدو کتی یلوب جمله سی دوتما کیمایینه محتاج در یهاردن مقدم  
 عسکر و ذخیره و مهمات و ایکیوز نفر مقداری لغمی و بنا و طاشچی ارسال و ایصال اولنه دیو  
 میر محمد ایله عرض و اعلام اولندی و قندیه اطرافنده واقع اولوب اطاعت ایلین قریه لر  
 کفره سنه امان و یریلوب هر برینه ایکبشر اوچر بکچی تعین اولندی و حسین  
 پاشا رتمو و کیسام و ابو قرون و مله پوتنه نام قلعه لره مستوفی عسکر و ذخیره قویوب  
 لوازمی کورد کد نصکره قیودانک دوتما ایله کله جک وقتی اولغله قلعوب حانیه یه توجه  
 ایتدی و قیودان موسی پاشا ذخیره نقلی ایچون روم ایل یقاسنه واروب ذی القعدة  
 آخر نه الشمس قدرغه و ایکی قلیون و یکر می شیق و خزینه و ذخیره و یوزاللی بار کیر نقل  
 ایدوب حانیه لیمانه کله عسکر مسرور اولدی لر ذی الحجه نك اوائلده سردار طفر شتعار  
 ذی حسین پاشا حمای محرقه یه مبتلا اولوب براز ایامدن صکره یه افاقه بولدی شهادت  
 قیودان موسی پاشا قیودان موسی پاشا حانیه لیمانه واصل اولوب کیلردن ذخایر اخراج  
 ایدرکن حکمت خدا قیش ایامی اولغین عظیم فورتنه اولوب لیمان اغرنه لکمر انداز  
 اولان کیلردن بش پان شیق و ذخیره و اکثری آدملری غرق و هلاک اولوب  
 باقیلری دخی خلل پذیر اولغله حانیه لیمانه مکث و آرام ممکن اولوب ذی الحجه نك  
 اون یدنجی کونی قیودان پاشا دوتما ایله کیر و حانیه دن صالوب مور سمته نه توجه  
 ایلش ایدی قضا و قدر اغریوز جزیره سی اوکته بر حرنی کفار قلیو نه مصادف اولوب  
 صار لد قلع عسکر اسلام کوزاجدر میوب کفار غالب اوله حق محله بامر الله الواحد القهار  
 مزبور قیودانک و عده سی تمام اولغین بر قورشون اصابت ایتمکه سربت شهادتی نوش و غم  
 دنیای فراموش ایلدی کافر فرصت بولغله پنجه غاز باندن خلاص اولدی لر و یوخیر دردولته  
 واصل اولد قیودانلق سابقا بکچری اغاسی و دفتر دار اولان قیوجی پاشی موسی پاشایه



توجیه اولندی فرار مار قو حسین پاشا مانیه ده ناخوش اینکن سا بقا اسیر ایندی یکی  
 مار قونام پاید عنید مدت مدیده ایدیکه جبهه جی باشی پاشا محبوس ایدی فرصت بولوب  
 بر قایق ایله قندیه یه فرار ایلدی اردنجه شاطر مصطفی بر قاج آدم ایله کوندی یلوب لیمانده  
 با صمشی اینکن قور تیلوب قندیه قلعه سنه داخل اولدی انجق ایکی اوج نفر خد امنی  
 اسیر ایندی یلر هدا یای حسین پاشا بجانب خداوند کار پاشای کامکار جزیره مرقومه یه  
 عبور ایلدی شوکتلو پادشاه عالیقدر از حضر ثلینه هدایان بر سنه کوندی ریش ایدی  
 از سال لازم کملکه بود فعه حائیه و کیمسو ناحیه لرنه واقع قریه لورده کلدیکی مال  
 مقطوعدن یکرمی کیسه غروش و کند و مالندن اللی کیسه و یکرمی ایدی کیسه وفات  
 ایدن یکچیری کتخداسی ابراهیم اغا و اوج کیسه طوچی باشی مخلفاتندن جمعا یوز کیسه  
 غروش ارسال ایلدی و اون کیسه دخی صدر اعظمه حاصلندن تحصیل و نسایم کاغدی  
 و پردردی و اول بهارده قندیه قلعه سنه طویل و مهمات نقل ایچون مکمل دو تملک  
 کر کدر و احمد پاشا ایله آستانه دن کوند ریلان ذخیره کیلرینک بر قاجی سا قزده  
 قالمشدر دیو عرض و اعلام ایلدی بعض وقایع و تبدیلات در آستانه سنین سائرده ده  
 سفر واقع اولد قچه نسیر عسکر ایچون اکثر یا قبوجیلر و قیوچی باشیلر و اوجاق اغاری  
 کیدردی کرید سفری ایچون عسکر خصوصنه اهتمام زیاده اولغله بوسال ایچنده  
 موستاری وزیر مصطفی پاشا اناطولی یه و ملک احمد پاشا روم ایلنه تنقیر عسکر ایچون  
 کوند رلدی عسکر خصوصنه تعیین اولان مباحث پندن و کرید طرفندن کلوب کیدن  
 اولاقلردن مونه و اردنجه اولان بلاد سکانی و سائر عباد اللهک چکد کیری محنت واذیت  
 تعبیر اولنردی ماه محرم الحرامک یکرمی اوجنی کونی پادشاه عالمپناه داود پاشا  
 با نجه سنه کوچ ایدوب نینه ایرتسی سرای همایونه نقل ایتدی لور ماه محرمک یکرمی  
 یدنجی کونی بیوک سلطان فضل پاشایه نکاح اولنوب ایکی معظم نخل که الیشیر آدم  
 کو تور منار مانند ایدیلر ضریخانه قرینه استلنوب کنعان پاشا سرایی لوکندن اسکی  
 سرایه و اردنجه که سلیمانیه طرفیدر مرنخل اولان زوقا قه ناظر سقفوف طره لری و اکاثر  
 و اصا غریبوتک غرفه لری قلع و هدم و توسیع اولنوب صدر اعظم صالح پاشا صاغدج  
 اولغله ایکی نخل سمین واللی بونجه طرایف البسه و ایکی قه قاطر لر اوزرنده اموال  
 و اشیای متنوعه و شکر دن مصنوع تمایل عجیبه و اشجار غریبه که جمله سنه صدر اعظم  
 مال بسیار صرف ایدوب تخمینا اللی بیک غروش اتفاق ایله حصولنه امک چکمش  
 ایدی مهیا اولوب ایمان دولت الایه حاضر لنندیلر شیخ الاسلام دفتر دار پاشا ایله همعنان  
 ینوب نشانجی پاشا دن غیری جمله وزرا سمید پوش الای ایله نخللری کو توروب اسکی  
 شیر ایدن عروسی الوب سرای کو شکرده پادشاه حضر تتری او توروب سیر ایدوب  
 رجم القهقری دونوب قوشیلر ایچنده آت میدانه لدن سرایه ایصال ایتدی لور پادشاه  
 بیوک میر آخور که له دامادی محمد اغا عزل اولنشیکن نینه حاتونی رجا ایتکله ایفا اولندی  
 ماه محرم واسطی اثنا سنه پادشاه عالمپناه مرمت اولان مرحوم مصطفی پاشا سرائیه

چیتقوب و وزرا و اعیان و قضاة عسکر جمعیتنه حاضر اولدی لور اول مجلسه خواجه حبیب  
 افندی صدر روم عبدالرحیم افندی یه تصدیق ایلدی ماه صفر ده ایالت مصر ایوب  
 پاشا اوزرنده بغداد دن معزول دیوان وزیر اسفند حیدر اغا زاده محمد پاشایه توجیه  
 اولندی احوال خواجه حسین افندی سنه مزبور محرمک یکرمی کونیکه یوم جمعه  
 ایدی معتاد اوزن اناطولی قاضی عسکری خواجه افندی تر سانه یه واروب دونمای  
 همایون مهماتنه زیاده ثقیله بناء اعیان دولت جمله کیدر لرایدی مگر انقره ده ساکن  
 کدر زاده نام شریفک سابقا نائی طویل احمد خواجه افندی یه و درت بیک غروش  
 و یوب انقره قضاسن ایش انقرده کدر زاده نک کتخداسی فوت اولوب قسمتدن معاف  
 طو تمق ایچون کدر زاده قاضی مومی الیه نه زجانامه کوندردی ولی النعمی اینکن سوزین  
 اصغال تیموب قسمن کوروب و افر اچه لور کدر زاده متالم اولوب قوت مالیه صاحبی  
 وجوه اعیان دن اولغله عبادا قاضی عسکر افندی یه بیک التون کوندروب انقره قضاسن  
 استر طویل احمدک ضبطی دخی الی ایه بالغ اولش ایدی قاضی عسکر افندی بیک  
 التونی الوب انقره قضاسنی کدر زاده یه توجیه ایش زمره قضاتدن مزبور طویل  
 احمدک برادری یونس نام قاضی که قنداشی طویل احمد ایچون دورت بیک غروشی و یوب  
 منصب کاغذینی آلان اولدر تر سانه یه کوب قاضی عسکر خواجه افندی حضورینه  
 چیتقوب قنداشمک دورت بیک غروشن الوب انقره قضاسن و یوب بی موجب الی  
 اید عزل ایتدک دیو محاجه یه جرأت ایتدک چیق بره جاهل دیو تعریف ایلد کلرنه  
 یونس رد کلام و اطاله استعانت ایتکله تر سانه کتخداسنه الیقوشون دیوب کتخدا  
 جرأت اید میوب اعتذار ایلدک محضر لرله استانبوله کوندروب حبس ایتدردی  
 محضر لر طاغلیغین کندی کلدک مجلسه فالتقمه الحوت اولش اینکن دیوان خانه سنه  
 یا تر دوب یکرمی او تورد کنگ ایله تعزیر ایدوب فنبذ بالاعراء و هو سقیم ماصدق اولدی  
 قاضی مزبور دخی نجه لک کبی رشوت و بر مش محروق الفواد گسه لرله مجلس به مجلس  
 کروب خواجه افندی بیک دم و قد حن ایدوب بد دغایه باشلیدیلر خواجه افندی بیک ایکی  
 سنه دن زیاده کوک اقبالی فر و ضیاده ایکن اصابت غین الکمال ایله بنای رفعتی خراب  
 و حرص و طمع بلا سیله آب روی دولتی نایاب اولمشنک مقدمائی ظهون باشلیدوب  
 یومقوله فضیح و قبیح اشارینی سمع پادشاهی یه القا ایتد کلرنه اولانا طولی صدارتندن  
 زیمع الاولک غرسنه معزول اولوب بهائی افندی اناطولی قاضی عسکری اولوب ثانیاً مجدداً  
 احداث و ایجاد ایلد یکی سرای شدادی بنیاددن اخراجی فرمان اولنوب اول سرای زیمانی  
 پادشاه عالمپناه کریمه محترمه لرینه مقر و مأوی تعیین ییوردیلر بوسیلله متاع اعتباری  
 کاسد و بازار نیم و شر آسی فاسد اولدی و جمادی الاولی ده بر فضیحه غریبه دخی ظهون  
 ایلدیکه التمشل مدرسلر دن صنعی زاده انشته سی علی یار افندی بیک برادری قاضی اسمعیل  
 اوج بیک غروش رشوت ایله قیصریه قاضیسی اولوب ایکی آی ضبط ایدوب عزل  
 اولتمق حرقیتله خواجه افندی یه واروب استرداد ایچون عرضحال ایدوب بیک غروسی



با چارده ایتد کارنده ایکی بیگ غروشمی دخی ویرک زیر امر ایچک لری دخی سکر یوز غروش  
اولمشدر ایکی آی ضبط می اول سکر یوز غروشمی طوتک دیدکده خواجه افندی تعنیف  
ایدوب بره قومک شونیدید که خدام اوستوب قاضی فی ضربات فی در پی ایله دوستوروب  
بر الی مجروح ایدرلر دردمند شیخ الاسلامه واروب راشی ومرتشیمنک عاقبت حالی  
بویله اولوریدی قاضی فقیر شوت ایله منصبه طالب اولدوغنه عین ایدوب بعد التوجیه  
اوزینه چاوش قویوب دین ایله بولد یروب الدقلربی بیان ایلدی مفتی افندی ترجم  
ایدوب پاشایه وار عر حال ایله سکا اذن دیمکه وزیر اعظمه واروب احوالی یلدردکه  
خواجه افندی کتخداسی احضار اولوب مبلغ معهودی بالتام استرداد ایلدی  
مولود ریح الاوله سلطان احمد جامعده مولود شریف مجلسنده شیخ الاسلام معید احمد  
افندی محرابه صانع طرفنده جمله وزراصول طرفنده عبدالرحیم افندی صدر روم یا نجه  
قره چلبی زاده محود افندی التندی جفی حسین افندی التندی غریز افندی وجوی زاده دخی  
التندی یایی افندی اوتوزرکن قیوجیلر کتخداسی طرف پادشاهیدن مأمورا کلوب  
بهایی افندی بی قالد یروب قره چلبی زاده محود افندی اوست یانه اوتور تیغی غریب  
وقایع ندیر سلسله علما استنبول قاضیسی بشمقی زاده نک کوچک مخدومی طونه  
یالیسنده یتیمش پایه سنده سابقا حرام قاضیسی ایکن ساقر مولوتی ایله شادکام اولدی  
ماه صفرده استنبول قاضیسی مشارالیه بشمقی زاده محود افندی بیوک مخدومی  
حالا چوی قضا بسک قیدی اوزرند ایکن مر حبا زاده احمد افندی رینه قلبه مولوینده  
تصیب اولنغله ارباب طریق رشکه مبنی استغراب ایله کفته کو ایتدیله وعاشر صفرده  
سابقا ایدین وصاروفان سنجاقلرند محصل اموال اولان کونطصاری راعی زاده که قاسم  
افندی اوغلیدر وقره چلبی زاده عزیز افندی داما دیر که یکشهر مولوینته نائل اولوب  
بختی زاده معزول اولدی وانسی چلبی مرعش قاضیسی اولدی مزبور راعی زاده که عزیز افندی  
دامادی اولنغله یکشهر مولوینته نائل اولمشیدی قضاء آسمانی اواخر صفرده نامراد  
وفات ایدوب سینه یکشهر بختی زاده یه مقرر قلندی وریع الاوله ادر نه قاضیسی امام زاده  
معزول اولوب بولوی مصطفی افندی بروسه دن ادر نه یه نقل اولندی وکوتاهیه دن معزول  
ادریس افندی اون بیگ غروش ویرمکه فضل یاشایدیله بروسه قاضیسی اولوب خسرو  
پاشا امامی ترک مصطفی که تیره دن قونیه یه قاضی اولمشیدی ونیره معهوده اوزرینه  
وزیر مر قومک یدیله سلا نیگ قاضیسی اولدی وقضاة متمولیندن اوغلان بزونکی  
دیمکه معروف مصلح الدین افندی که السنه کبارده ملقب دیو مذکور در اون طقوز  
بیگ غروش ویروب مقابله سنده کندویه شام قضا سی توجیه اولنوب ویردیکی  
اچیه شام منصبیندن پیدا اولیه جفی ملا حظه ایدوب یکشهره طالب اولدی  
فضل یاشادخی مفتی یه خبر کوندروب یکشهری ملقب ایچون ربا ایلدکه مفتی  
افندی وزیر مزبور تذکره ربا یازوب نیم اوغلم لطف ایدوب دورت آی مقداری دخی  
توقف اولنسون دیوارام ایدوب قو کشیمز بختی زاده کبی حدید اللسان آدمک طعن

ولومنه بزی مظهر ابلک دیمکه تعویق اولنوب بختی زاده منصبنده قالدی شیوع حیات  
ابازه یاشا ضرورمه سابقا ظم ورایدوب خسرو یاشا واسطه سیمله در دولته کلوب صکره  
سلطان مرادخان قتل ایلدیکی ابازه پاشای مزبور کویا عصر مرادخانده حمله جلاد  
ایله قتلدن قورتیلوب جزایروین دیارلرینه سیاحت وغیبت ایدوب حالا ارض روم  
کلدی دیو ارض روم بکیر بکیسی سلیمان پاشا دن عرض ورود ایتدیکی مشهور اولوب  
اقوال مختلفه سوینمکه یاشاندی طرف سلطنتدن مستقل آدم کوند ریلوب ابازه  
نامنه طوئش بر شخصک باشی کسیملوب ریح الاخرک سکرنجی کونی آستانه یه کلدکه  
کله مزبور ابازه پاشا باشی اولدوغی خصم و صدمه اشتباه واختلاف واقع اولوب امامی  
اولان سنجاری محود افندی دن سوال اولندقه حین غسله انشیر پاشا کریان ایدی  
وال برمانی اراسنده یان سن کوردم بندخی بر خوش بلم دیدی پادشاه حضر تلری بالذات  
جلاد قره علی بی پاغروب سوال ایتدکه والله پادشاه صلوة مغربدن صکره  
قرا کولق یرکوشه ده یوزی اوستنه یا تمش بر حریفی بکا ابازه دردیو کوستر دیلر یوغدم  
یوزینی وشمک ثلثی کوردم دیدی ارض رومدن کلن باش ایمه صوبلش اولنغله بر خوش  
تخصیص اولنردی بالاخره باحقه لواسنه متصرف دوجه پاشاکه سلطان مراد زمانده  
بوستانجی باشی اولوب ابازه نک قتلنه مباشر ایدی آدم کیدوب اشتکشاف حال ایچون  
استانبوله کتوردیلر حضورهما یونه واروب سوال اولندقه قلدن اولان خط همایونی  
ابراز ایدوب پادشاهم بو خطله بنی هلاک ایلدم بو کلن باش ابازه نک دکلدر دیو  
جواب وردی نجه قیل و قالدن نزاع وجدالد نصکره اولیموده غوغا فیصل بولوب  
ارض روم والیسی سلیمان پاشا وقاضی ولایت احضار اولنوب بالذات کشف ستمه ابلک  
فرمان اولندی صکره نتیجه سی بوکه چقدیکه صورته نوعا ابازه یه مشایه بر شخص مجهول  
ابازه یاشا ثلثی دعوا سنده دوشمکی دولته سبب وصول ظن ایدوب احق روزگار بوداعیه  
ایله کندوستی بویلا یه گرفتار ایلش بومرتیه شیوعدن صکره ابازه اولندیغی صورته  
اولیه شخصک صانع قالمسی باعث فساد اولوق احتما لدر دیوا زاله ایتش لر زلزله بوسالده  
وان قلعه سی زلزله عظیمه دن پریمه ندیم اولوب خرابه مشرف اولدیغی والی ولایت عرض  
ابلکله ایالتند واقع امرای اگر ادر عاییه حصار مزبورک تجدید و تعمیر یابنده مو کد  
وامر شریفه کوندردی احوال تاتارخان وجانب ازا ق بوندن اقدام اسلا مکرای خان  
قریم خانی اولوب محمد کرای خان معزولاردوسه کوند ریلوب اسلام کرای خان  
کوزلوی امینی سلیمان چلبی بی وچرکس بکی حشمی قتل ایتدیکی ذکر اولمشیدی  
بعد وزیر تعبیر ایتد کیری معین کتخداسی سفر اغا قیوقولی ایله ضد دوستوب قتلنه قصد  
ایتد کارنده خان سفر غازی اغایی حبس ایدوب بر طریقله محبسدن قاچوب تاتار ایچنه  
دوستوب طوایف تاتار ایله خان بیننه القاء شقاق ایتمکه قیوقوللر یله قره تاتار خصومت  
ونالاهر خانی محاصره ایدوب خان قوللو غندن مفارقت ایتش لر ایدی مصاحبه قصد  
صلح ایتد کار نجه سفر غازی یه تاتار طائفه سی طرفلرندن کرخان اتباع مخصوصه سندن



د آغا اوغل الياس اغايي و بالا وزيرى رمضان و مرضى اغايي و ميدان قولى بكي نزه و پرده  
 ورسون تاكه پاره ليليمه خانه مطيع اولور رزديوب ماتمسخر خلاف معقول اولغين مساعده  
 اولمغله تاتارلوياسلو باسئنه جمعيت وكافره اقن ايدوب او توز بيكدن زياده اسير چيقاروب  
 اوربو غارنده اوروب بيعة مشغول اولد قلمرى خيبرى كلى بواشاده مسقواچيسى كلوب  
 مسكر تاتار ملكه ليمزى غسارت و خسارت ايتدى ديو تاتار خاندن شكايت ايلدى  
 و جمادى الاولى اواسطنده جانب شمالدن خبر صحيح كلى بكيه مسقو قرالى سكسان ييك  
 قدر روس كافرلرين جمع ايدوب ازاق قلعه سنه و تاتار خانه قصدايت مشدر اكلبناء بشيوز  
 تفر بكيچرى قويه چيقاروب وسياه و ساحدار بلوكلرندن دخی بشريوز آدم تعيين اولنوب  
 اول سرحدلر محافظه سچون باش دفتر داراولان وزير موسى پاشا ايله قدرغه لره  
 قونوب كوندرلدى و اشاغى بلوكلر دن ايكي باوك و اون عدد او طه بكيچرى ضابطلرى  
 ايله سلسلستره محافظه سنه فرمان اولنوب طرابلسدن معزول وزير حسن پاشا ايله  
 كوندرلدى مكر ازاق قلعه سى اوزينه كن كفارك دفعي ايچون مقدمان خان عاليشان سردار  
 ايله مسكر بى بايان كوندر مشلر ايش قلعه يه قريب اولديغى محالرده هر طرفدن هجوم  
 ايله جنكه آهنگ اولنوب عون حق ايله اعداى دينى تارمار ايدوب بالاخره اميد نجات  
 ايله كلكلرى جانبه فرار ايلدىلر دور تيوزدن متوجه و زاسير و سكرتور بوزمقدارى طعمه  
 شمشير اولديغن خان عاليشان در دولته عرض و اعلام ايلدى كه مكارم شاهانه خسروايندن  
 سپاهيلر اغاسى حمزه پاشا زاده ايله خلعت قاخره و مرصع شمشير ارسال اولدى  
 بواشاده دوبره و نيكدن اولونيه يه آدم و مكتوب كلوب يكرمى سكرتور چكدرمه و ابكى ماونه  
 و بعضى سفينه ايله كفار خا كسار قوتور نام ساحله كه عامى از ناودو لاينيد رار ناود عصا سته  
 اللى ييك غروش و يرمكه انلر قرده دن بونلردر يادن ربيع الاولده اولونيه يه ياشاوب باصق  
 قصد نده اولد قلرين بيلد يروب او اونيه قاضيسى و اردار باغرادى قاضيسنه مكتوب و محضر  
 ارسال ايدوب باروت و امداد درجا و التماس ايدوب اولد خى آستانه يه كوندر وب اعلام حال  
 ايلدى و من الغرايب الوقايع مصباح شهر يارى مير محمد ك برخد منكرارى تعاليم خانه جيلو  
 اوطه سندن بريكيچرى يي قاسغندن خجرايله اوروب قتل ايدوب و ليسى متوفلك قيرداشى  
 بر سپاهى ايش دعوا دن منع ايدوب حمايه دم و ديت طلبندن حجر ايتديلر و استانبول  
 صوقا قلمرى مزبله ولاشه دن ملوث اولوب تغيير مزاج هوليه باعث وحدوث عفونته سببدر  
 ديو جمله محلاته ننييه اولنوب هر كس خانه سى و دكالى او كنى سپور مكه مشغول اولد يلر حكايه  
 قيرس امير الامراسى كوسه على پاشا و اقر مبلغ و يروب قيرس منصبى تحصيل ايتد كه  
 و اروب جزيره خلقنه بيجد ظلم و تعدى ايدوب دى رعايا جزيره ايچون حاضر لد قلمرى  
 اموالى كاه دور و سلاميه و كاه جريمه و مسوده ناميله اللرين الوب جزيره جايسى اولان  
 درویش اغادن دخی بر قاج برك آنچه مصادن ايدوب اهل جزيره يي تمام صويوب برباد ايلدى  
 و اسكله لره و عبور ايله جك رلر ده ديه يانلر قويوب اهل قيريسدن برفردى طشمره قيو  
 و يرميوب قير باو تبارك امتعه و اشيا سنى نفحص ايدوب عرض و محضر و شكايت نامه ل اولسون

دنيا احتياط تام ايدوب يدى سكران قيريس خلقندن برفردى طشمره قويه و يرمى بنگل  
 كوسه على پاشا معزول اولوب جمله لونديله اناطوليه خا كنه كجوب ميرميران جديدارى  
 على پاشا يه راست كلكلر ييلندن ننى ايدوب لار دن يه كلكلر اردندن عرض و محضر ليله  
 شاكيلرى كلوب در دولته شكايت ايتديلر تاخير اولوب تركه دلى پاشا كندوسى كلوب  
 جست در نوب عصر ك نافذ الكلام اولان دولتلر لور يه هد ايا و يروب خصم اسنى ارضا ايتك  
 مشرطيله جرمنى عفو ايتديلر بواشاده پادشاه عالمينه حضرت نرى مباشرت نسوئه مائل  
 اولمغله هر بر نى تعليم ايچون آستانه يه و طشمره ده اولان مناسب بيع من زيد اولوب  
 يومافوما افاعيل عجيبه و امور غريبه ظه و رايد اولدى و اطراف مناصبه اولان وزرا  
 و امرا يه مالا يطاق تكليف اولمغه باشلدى خنى اناطولى بلكر بكيسى درویش محمد پاشا كه  
 سخاوت و شجاعت ايله مشهور و عسارت و مكنه ايله بين الامرا معروف ايدى در دولته  
 اون ييك غروشلق ييشمكس كوندر دكه مقبوله كنيوب كندودن يكرمى ييك غروشلق  
 تقد طلب اولند قومه مقدما بشير پاشا نك كفاتيله آستانه يه كلوب حبس اولند قومه انك  
 توسط و شفاعتيله اطلاق اولمغه بينلر نده حقوق سابقه وارايدى درویش محمد پاشا نك  
 يونكليف عنيقى سببى ايله آستانه دن امنيتى قالمغا مغله ايشير پاشا عظيم مسكر صاحبى  
 و اناطولى ممالكند جمله دن نامدار و زرا و امله انكه خيرا شوب او كيمسك دخی شما نلندن  
 محائل عصيان پيد اولوب درویشك ايكي بيكدن زياده لوندان بلوك بلوك كرميان ولايتى  
 تخريب و زعايا سته تكليف و صوده ايله انواع جفا و تعذيب ايدوب بونلر ك خروج  
 و عقوقلرينه منعلق انواع اراجيفله جهان مالا مال اولدى صكره درویش محمد پاشا يه  
 تكليف اولنان مبلغ عفو اولنوب سلسلستره طرفه سرعسرت تعيين اولمغه اول غائله طرف  
 و سلسلستره منصبى درویش محمد پاشا يه و يروب سلسلستره دن معزول سياوش پاشا يه  
 اناطولى منصبى و يروب مبادله منصب ايتديلر و كليبول اوسعيد افنديك ارپه لى  
 اولوب ناشى رمضان افندى عوارض آنچه سى دور تيوز غروش ايكن ييك غروش جمع  
 ايدوب اشرفى نام قريه امامى يوسف كه وكيل كاينات بر مردى الفضل ايدى مال عوارض  
 زياده النيه ديو شكايت امرى ككتوروب نائيه كتوزدكه نائب امرى اليقويوب امام  
 امرى طلب ايتدكه نائب يرندن قالقوب بردست چوب ايله امامى ضرب ايتدكه دروستانى  
 اترك جمهورايله هجوم ايدوب امامى الندن الوب نائى يقوب ضربات ايله كاوين تمام  
 ايدوب خد متكارلرين دخی ده كوپ بر نى دخی مجروح ايدوب عظيم غوغا قونارد يلر اعيان  
 ولايت كلوب ما بينه كيروب دفع فتنه ايتديلر رمضان افندى استانبوله كلكلر شكايى  
 و بنگل يوب ملازم دن توح نام كسمنه نائب كوندرلدى و ماه ربيع الاخره حاجى بكتاش  
 لقيله ملقب اولان بكيچرى افندي سى قوجه محمد افندى ضيق النقصدن مرحوم اولدى  
 او جاقه خيلى نام آور و اسه قامة له معتبر كسه ايدى و ربيع الاخر ك اوچنى جمعه كوئى  
 معمر يندن دور سلطان عثمان غاينه حكيم با شيلقدن اناطولى قاضى مسكرى اولان قوجه  
 موسى افندى مرحوم اولوب نماز جمعه ايله سلطان محمد ده جنازه سنى قشوب ارپه لى اولان



بر اوادی قضاسی ادرنه دن مغزول شعبان افندی یه استنبول قضاسی یایه سیده اربه لق  
ویریلوب پایه امری اربه لق امری مغاغبایت اولندی وجمادی الاولیه کمرک امینی  
مال اشکی قوجه مان علی اغا حنف افنه مالک اولوب مال موجودی میزی یه قبض اولوب  
کهنداسی حسین چلبی یرینه کمرک امینی نصب اولندی و بوجمادی الاخره او اخرجت والد  
سلطان حضرت نرینگ کهنداسی اسکنداری قوجه بهرام کهندا وفات ایدوب کهنداسی  
ارسلان لفاکه سیدی شهرلی قورد اغا اوغلندر یرینه والد کهنداسی اولوب منیر بهرام  
کهند اعظم دولت و تعین و وسعت صاحبی کسه ایدی والد سلطان حضرت نرینگ  
چله اموزینه و بنا ایتدردیکی خیراته ناظر و معتمد علیه اولوب خیل مال و املاک پیدا  
ایتمشیدی کند و نصمکره اولاد و اعقاب ی پرین طو تمیوب اشیا و امتعه سی مضبیل اولدی  
وقایع سنه سبع و خمسين و الف سنه مزیه محرمک یکرمیسنده شیخ الاسلام  
اولان معید احمد افندی فوت اولوب و زرا و علما جامع سلطان محمدیه مجتهد نمازین ادا  
ایتد کزنده طرف شهر یازیدن وزیر اعظم ایله عبدالرحیم افندی دعوت اولوب مسند  
رفیع فتوایه رفیع ایله تعظیم و نوازش ملوکانه ایله نکریم قلندی وقایع کزید سردار  
حسین پاشا طایفه و کسمیر و ابو قرون زو و قلعه لرینه محافظه ایچون تعیین ایلدی و کی قول  
طائفه سنک و نقراتک بر مواجینی و ایکیشیرایلق ذخیره سنی و یروب سائر عسکره  
دخی قرض طریق ایله ذخیره و خرجلق و یردکد نصمکره آشانی شهره اینوب فصل بهان دک  
اذنه مقیم اولوب حاییه ده بو ستانجی پاشا یلقدین وزارت و یریان مصطفی پاشایی  
محافظه یه قویب ذی الحجه نک یکرمی یدنجی کونی رتویه توجیه ایلدی سادسی محرمه سرایه  
کیروب برهفته نصمکره آشانی شهره اینوب فصل بهان دک اذنه مقیم اولوب قندی طرفنه  
ککک ایچون چیه خانه و مهمات تدارکی اوزن ایکن محرمک یکرمی ایکنی کونی خاصکی  
هراد اغا کلوب دردولتدن کتوردیکی مکتوبلری و یردی و ذکر اولمان قلاع نواحیسنندن  
اولان رعایا امان ایله یرلرینه کلوب کار و کسمبلرینه مشغول اولدوغندن غیری قندی یه  
قرار و تجمعن ایدن کفره فرصت بولدقچه بشر اوز قاجوب کلکندن خالی دکل ایدی  
یو ائشاده طویلر نقلی دونما کیلرینه محتاج اولغله دردولتدن ارسال اولنان قیودان  
موسی پاشا اغریبوز و واروب ماه صفرده داخل اولدی و حاییه محافظه سنه تعیین اولنان  
وزیر مصطفی پاشا خند متنده شعیب افندی نام کسنه یه کزید دفتر دارلغی و یریلوب طرف  
سلطنتدن فتح اولنان ناحیه لری تحیری سیارش اولندی لکن حسین پاشای غازی رضا  
و یرمیوب تحیر محل دکلده هنوز تمام جزیره یه مالک اولماق رعایایی استمالته برو جابه  
اطاعته سعی ایدیه رز دیونا خیر ایلدی صکره قیودان طرفندن الحاح و یری طرفدن  
ابرام کونه خبر و ارمغله ربیع الاول و حاییه نواحیسنی تحیره اذن و یروب تحیره شروع ایلدی  
اول ناحیه ده واقع فرنگه متعلق چفتلک کمرک اعجابی اولماغله طرف میری یه راجع اولوب  
یازلق بولاده کفارک التی پان چکدرمه سی حاییه اوکته طوب ایرشمرده بقره مرسل کیستی  
ایلدی چنگ دلی کهند ادر قندی یه ماه صفرک بشی کونی قاصد کلوب قندی یه ایچنده اولان

کفاردن مرمری نام کافر پیاده و سوار بر بلوک فاجرا ایله اطاعت ایدن قریه لر غارتنه چقدوغش  
خبر و یرمکه دلی کندی یه دور تیوز مقداری کزیده عسکر قوشیلوب اول سنه کزیدردی  
ایغا را ایله صفرک یدنجی کونی قندی یه عسکر سنه واروب نمایان اولد قزندن کفار چیقوب  
صف صف طو یریلر قندی یه حصارندن ایکیز قدر طوب پی در پی اتیلوب یری طرفدن  
سردار و عسکر یرامن حصارده صحرادن جاری اولان نهرا و زن طو روب دلاور لر خند قه  
وارنجه کفار اوز دینه آت صالوب هجوم ایلدیلر محومه کبرادن هنگام غروب به دک عظیم جنگ  
اولوب محه ملعون کیر و توستکروب مردانه جنبش لر کوستردیلر ناره حرب اشتعال  
بولدیغی ائشاده سپاهیلر دن صولاق و فریدون نام ایکی بهادر مجروح و اون ایکی نفر غازی  
شهید اولوب کفاردن اون سنگر باش و دورت اسیرالنوب قندی یه قلعه سنک شرقیسنده  
هم قیودن دورت یلک قدر قیون سوزوب اغتنام ایتدیلر جهاد و غز ایله دونوب رتویه کلدیلر  
هزیمت حسین پاشا محاصره قندی یه ماه ربیع الاولک اون یدنجی کونی رتو خارجنه سردار  
کامکار او تاغی چیقوب سائر عساکر نصرت ماثرت نصب خیام ایلدیلر ماه مزبورک دورنجی  
کونی پاشای ذی شان یمن و یسار الایر ایله شهر دن او تاغه نزول ایلدی اقسرای سفاحنه  
متصرف نجر بیگ رتو و محافظه سنه سفاحی عسکر یه مأمور اولوب قلعه کیرلک لوازمی  
ایچون دو نماز و لنه توقف و آرام ایله ربیع الاخرک یکرمی دور دنده آستانه دن قونا قچی  
حلی اغایله پاشایه خلعت و سائر اعیان عسکره ایکیز قدر خلعت کیدرلدی احوال دونما  
قیودان پاشا مقدر ما اغریبوزده بعضی مهمات و لوازم کوردند نصمکره ابتدا الطاولی عسکرینی  
یکورمک ایچون ساقزه واروب چشمه ده اولان عسکرکی و خر حلقچیلری کیملره لایق صد دنده  
ایکن کفار دوزخ قرار کیلری اطرافدن هجوم اوزن اولغله قراریدن میوب کیر و اغریبوز  
دوندی جزیره مزبون یه یقلشدق کفارک ظقوز یان بورتی اغریبوز لیانی محاصره  
ایلد کلرین خبرالوب اغریبوزده اولان روم ایلی عسکرلر دن و خر حلقچیسندن و جزیره  
کزیده فرمان و تعیین و ارسلان اولمان بش بیگ یکچیزیدن برنقر المادین و جزایر و تینس  
کیلرین دخی لیما دن بچقارمندن کر بیه دونوب عسکر اسلام رتو و خار جنده منتظر ایکن  
ماه ربیع الاخرک یکرمی یدنجی کونی ترسانه عامره کیلری ایله کلوب رتو لیما تده طویلری  
اخراج ایلوب انحق ایکی یوز قدر بلدار و لعمی و بر مقدار مهمات کتور ب ماعد اولان حبه  
خانه و مهمات ماونه و چکدر رلده قالمغله بوسالده قندی یه نک محاصره سی عوق و تاخیر لازم  
اولدی رتو لیما ت شک اولغله کیملره ارامه بحال اولیوب دخی احتیاج و ارا یکن دریا یه اچلدیلر  
ماه مزبورک یکرمی اوحنی کونی دردولتدن ارسال اولنان میر محمد اغا و اصل اولوب مطلوب  
اولان عسکر و مهمات و خزینه کوند رلشتن ردین دولته لایق خدمت لر وجوده کتور بیه  
دیو خط همایون و امر شریف قرأت اولوب جوابده انلرک عدم وصولی خبری کزن سنه  
شهید و مطعون اولنلرک تیمارلری و زعامت لری قانون اوزن صله لر دنه او غلارینه و یریلوب بنفسه  
و با حبه لیلری کلجک ایکن بری کلیموب عسکرک قلی و خر جلغه مضایقه سنی یازوب  
عرض و اعلام ایلدیلر وصول عسکر اسلام بحصار قندی یه و اهرام کفار قندی یه کفره سنی



قرینه اولان قریه لک رعایا سینه فرصت بولد قجه ضرردن ورهبانلره مکتوب و خبرلر  
 کوندر ووب افساد و اضلالدن خالی اولما لریله ایاقاری طشره دن کسیلوب و افساد و اضلالدن  
 اتقطاعلری ایچون حسن پاشا و عثمان پاشا مشاوری ایلیوب یاتلارنده اولان عسکر ایله قالد  
 قندیه قوشون سینه قونه حق بریدارک ایدوب محفوظ طومق فکرینی معقول کورمشلر ایدی  
 اوچ دورت دفعه کفارخا کسار ایله جنگ ایدوب جمله سینه غالب کیشلر ایدی حسین پاشای  
 غازی دخی بکچری کتخد اسبله عیالت اول ستمه وارمق ایچون رتمودن ککوچوب جمادی  
 الاخره تک اوچچی کونی اولکی منزله وارد قده وزیر اعظم دن کلان محمود اغا امر شریف و مکتوب  
 ایله واروب ملاقات ایلدی ایرتسی ایکنی قوناقدن حسین پاشایه ملاقی اولوب عسکر دن بیک  
 قدر پیاده و بشیموز اتلوالیه قندیه قلعه سینه یوزودی بر ساعت لک یز قالد قده پیاده عسکری  
 اولمخله ایقونوب اتلوالیه طوب ایریشوریره وارد قده قم قیوسی دیکله معروف قیوسیمند  
 بر قاج قیون و بر قاج اوکوز کوریلوب سورمک ایچون او حیوز قدر اتلوا کوندر یلوب مزبورون  
 واروب چوبانلری ایله چادره طوغری سوروب ضبط ایتدیلر سرداراندا باقی دلاور ایله طویلر  
 و مترس برینی کورمک ایچون اطرافه نگاه ایدرکن کفارنا بکار پاشانک بیله اولدوغن خبر اولوب  
 جبهه وجوشنه مستغرق بش بلوک اتلوا دورت بیک قدر پیاده ایله چیقوب اوزرینه هجوم  
 ایلد کده پاشای کشو کشاعون حق ایله توکل ایله پایدار اولوب ایکی ساعت قدر عظیم جنگ  
 اولوب بالاخره عسکر موحدین منصور و اعدای دینی مقهور اولوب فرار ایتدیلر غازیلر ایدرکن  
 قلعه قیوسینه وارنجه قیروب آپکیوزباش و الی قدر دیل الوب بو جنگه پاشانک محمود  
 قام چوقدازی ایله عسکر دن اون قدر آدم شهید اولدی بو محاربه دنصکره حسین پاشا  
 و عثمان پاشا یاتلارنده اولان عسکر ایله کوچوب قلعه مقابله سینه بر ساعت لک یز قوندر یلوب  
 حصاری طشره دن بر مرتبه محاصره ایلدیلر که قیودن کیرن و طشره چیقان غایان  
 اولوردی قلعه دن سوریلان قیون و صغر شکرانه طفر امر او عسکره توزیع اولنوب قندیه  
 اوزرینه حسن پاشای باش و بوغ تعیین ایتد کد نصکره حسین پاشا کور و تمویه دو توب  
 یکریمی دور دخی کونی اوردوی همایونه واصل اولدی قیودانی مصاحب فضل پاشا و رفتش  
 بجانب کیرید جمادی الاخره ده قیو دانلق فضل پاشایه ویریلوب بیک بشیموز بکچری اتوز  
 قطعه قدرغه ایله چیقوب او اخر شهر مزبورده ساقز وارد قده اون بورتون ایله جمع اولوب  
 اناطولی عسکرینی چشمه دن کیلره آلوب در دولت دن مجددا ارسال اولنغان الی  
 پان قدرغه یه منتظر ایکن و کیرید صامغه حاضر ایکن انا بولیده یان کفار کیلر ندن الی  
 پان مالته کیسی و دورت قلیون ایریلوب ماه رجبک اون ییدیسنه ساقزه کلد کلرند  
 عسکر اسلام کیلری دخی علی السحر لیاندن چیقوب سفاین کفارک قییلر ندن طوب  
 ایله ضربه اغاز ایدوب غرو به دک عظیم جنگ اولوب بالاخره کفار نابکامنر مادریا یه  
 چکیلوب عسکر اسلام سا لما ساقز لیانته کلدیلر کفارک باقی سفینه لری دخی انا بولیدن  
 حکمت اوزن اولمخله قیودان پاشا فکر احسن و رای پسندیده مستحسن اوزن فرصت  
 ولوب جمله دو تمای همایون ایله قلقوب کربله روانه اولدیلر احوال عسکر در قندیه

سردار غازی رتمویه عودت ایلدی ایکی آیه قریب زمان کفارنا بکار هر بار عسکر اسلامه  
 و مطیع قریه رعایا سینه قصد مضرتدن خالی اولوب عسکر اسلام دخی مقاتله و مدافعه ده  
 اهتمام ایدوب جنگ و حردن اصلا فارغ اولدیلر و حصار دن کفار چقد قجه ضرب شمشیر ایله  
 خند قه دک سوروب باش و دیل المقدن تهی دکل ایدیلر مرینله قسنتلی نام موضع رعایا سی  
 عصیان ایدوب حبیب اغا ضرب شمشیر ایله نکرار تسخیر ایلدی بو خبر لر سرداران مدان منعکس  
 اولد قده توقف ایتدوب شعبانک بشیخی کونی قندیه یه عزیمت وروم ایلی بکار بیکسی کوچک  
 حسن پاشا منزله نزول ایلدی جنگ عرب سنن بیک و شاهین اغا بوشاده قلعه کفاری  
 اضطرابه دو شوب سردار بالذات کادی تدبیر ندر دیو بریره کلدیلر هنوزوند یکدن امداده  
 کلن مقیر نام قیودانلری و افر لاف اوروب سرخوش اولد قدن صکره مار قونام کافر بهادر  
 ایله منا قشیه اغاز ایلدی در حال بر بار کیره سوار اولوب روم ایلی غازیلرین دست بسته  
 کتور مکه نقراتی ملا عین ایله چقدی روم ایلی بهادر لری دخی خبر دار اولوب سوار و پیاده  
 هجوم ایلدیلر سردار غازی دخی خواص خدامیله صکره روانه اولوب خدامندن یکچشم  
 شاهین کفال هجوم ایدنجه بر کفاری کسوب دوندی ائی کوردیلر که جانب عدودن تیمون  
 فرق اولش بر کافر چیقوب مینه عسکره مقابل طوردی شاهین اغا نیزه سن  
 طوغر لدوب اول ملعونه بر ضرب شدید اوردی لکن جبهه وجوشنندن نأثیر ایتدی  
 سپاه زمره سندن عرب سنن که بلوک چاوشی ایدی اولدخی بر نیزه قهرمانی حواله  
 ایدوب اولدخی نأثیر ایتچک سوار اولدی رخس سبک پا قوتیله قفا سندن قاپوب  
 زور ایله ایکسیسه اثر ندن ایرلدیلر ملعون میدانده عرب سننک یندنه ناتوان وزبون  
 قالیچق شاهین دخی امداده مسارعت ایلدی کفار بونلری لاطه و عظیم هجوم و غلوا یله  
 جوانبارین اکلدیلر لکن عرب سنن چاوش شکارین ویر میوب خواه و نا خواه حنیزی  
 کربیا ندن سلکوب اشاغه ییقدی فی الحال باشن کسوب سردار غازی حضورینه  
 کتوردی مکر بو کافر بد نهاد دعوی دلاور لک ایله عسکر خروجنه با عث اولان ملعون  
 ایش بعده براوغوردن کفار عسکری اول ایکی دلاورک اوزرینه جمله ایلد کلرینی سردار  
 حالجناب کورد کده قراری قالمیوب بالذات کندوسی هجوم ایتکله کروه مکروه به زیابوب  
 حصار خند قنه دک قیروب قووب سردار غازی بالذات سنن جانستان ایله دورت کافری  
 دپلیوب اخشام دخی ایر شمس ایدی طرفیندن دوندیلر عرب پاوشک کسدیکی  
 کافرک سلاح وجوشننده خیل ذی قیمت امثیا سی وار ایدی پاشا آت ایله اثوابی عرب  
 ایله شاهنه احسان ایلدی بو وقعه شعبانک سکرند و قوع بولدی شعبانک اون طوقوزنده  
 سردار غازی حبیب اغا و اشخی علی اغا ایله پره پتره ستمند اولان مرینله نام قسنتل حصارینه  
 واروب بر قاجکون او تروب شرایط محافظه بی تکمیل و اون الی پان طوب ایله محافظه سینه  
 آدم قویوب دوندی بر ایکی دفعه دخی جنگلر اولوب سردار غازی روم ایلی بکار بیکسی  
 کوچک حسن پاشا ی قندیه اوزرند اولان عسکره سردار تعیین ایدوب کند و رتمویه  
 عودت ایلدی و بشیخی منزله اوردوی همایونه داخل اولدی ماه شعبانک یکریمی سکرند



دو تها حایه لیا تنه واصل اولوب عسکر اسلام قوت تام یولوب قره دن قیودان پاشا  
و تمویه واروب سردار حسین پاشایه ملاقات ایتدی یلر پاشای کامکار مراسم استقبال و نکیریم  
تقدیمندن صکره دو تنه ایله نه کتور دیکتر دیه سوال ایتدیکه ساقردن فوجیه واروب  
کمی یاغلقدن صکره اناطولی عسکرندن حاضر یولنان دورت بیک قدر یکچیری و بر مقدار  
جبهه خانه و ذخیره کتور و ب کفار کیلری روم ایل یقاسنه اولغله اول طرفه اوغرا میوب  
نه حال ایسه کادکرین خبر و ردی آمدن سفاین کفار یقندیه و عودت دو تنه ای همایین  
قندیه محاصره سنه دو تنه کیلری ایله طویلر تها چون مشا و اول نورکن کفار کا سارک جمله  
چکدرمه لری و قیونلری و مایه لری کلوب طوب ثقلی منع اچون قندیه اوکنده وضع  
لنکر اتمکله دریادن طوب نقلی ممکن اولیوب طرف پادشا هیدن دو تنه ای همایون ایله  
برکون اول کله سن دیه فرمان جلیل القدر صادر اولغله سابق الذکر عسکری مزبور  
قیودان پاشا کید جزیره سنه چقارقدن صکره ماه رمضان سکر نه دن و نوب ساقردن تنه  
متوجه اولدی و او اخر شهر مزبورده دو تنه ای همایون ایله ترسانه عامره یه داخل اولدی  
نقل طویله محصار قندیه سردار کا مکار دو تنه کدک صکره طوب نقلی تدارکن قره دن  
کور مکهدیل مقدور ایدوب قندیه یه کیده جک یه لاری دوزلنک اچون رعایا سوزوب  
واو کوز لرا لنوب التي قطعه قلنبور نه که بری طقوز و قیه و ایکسی بدیشرو قیه و اوچی  
بشرو قیه کله اتردی او کوز لره قوشدیر و ب مهیا ایلدی ماه رمضان شریفک یکرمی  
سکرنجی کونی خاصکی حسن اغا ایله ارسال اولنان خط همایون و مرصع شمشیر ایدار  
و سموره قیلو خلعت سردارا کر مه و اصل اولوب شملکرایلدیلر مفهومند قندیه فتحی  
ایله دولت و دینه لایق خدمتلر سیارش ییورلش ایدی ساقردن قلان ذخیره کیلری  
و بشی پان اغر بوز کیلری و دروت پان انا بولی کیلری کیدده قشلا مق مهندرتا که بتفشیه  
یه ان محافظه ایدلر ویدی سکر بوز لعمیجی ارسال اولنوب بوجانده توجیه اولنان تیمار و زعامت  
اول طرفه آخره ویر لیه که عسکره فتور کلیه و عسکره ذخیره و مواجب بیک کیلری ایله  
ارسال اولنه اقل مرتبه بوقیش ذخیره لرینه یز بیک کیل حنطه واللی بیک قنطار بیکسما  
آجق کفایت ایدر دیو عرض ایلدی و خامس شواله قره دن التي قدر عرب طویلر رتمودن  
قالقوب قندیه قلعه سی طرفه عزم اولنمشیدی ذکر اولنان طویلری صعب  
و سنکستان اولان محالردن اشروب ماه مزبورک اون سکرنجی کونی قندیه اوکنه داخل  
اولدی یلر بوز لردده چکیلن فلاکت و زحمتلر وصفه کلوزد کلدربعد حایه دن اون سکر  
مرحله ده طقوز عدد طوب دخی هزار زور و زار ایله نقل ایتدی یلر به بابیه چکلن زحمت و اولان  
اقدام و اهتمامه دوست دکل دشمن بیله تعجب ایلدی ذکر احوال محاصره و وصف حصار  
قندیه چون عسکر اسلام قندیه یه واصل اولدی مترس زمانه اولما غله قلعه  
قر شوشنه قونیلوب مهمات لازمه کور ملک اچون قرار ایتدیلر کفار کا سار ایله متعدد  
جنگلر اولنوب سپاهیلر اغاسی ازینقی بکراده علی اغا شهید اولوب بری حبیب اغایه ویردی  
قندیه حصا ری بر متین قلعه اولوب اوج دروت سنه دن بری کفار تدارک کور و ب کلی

اعتماد ایدلر جک مرتبه استحکام و یدیلر انعملرندن غیر قوند اغه بنشس مهیا سکر بوز یلر  
قدر طویلری اولوب اون ایکی بیک فرنک جنگی صولتا تندن غیر او توز بیک قدر بری  
جنگ آورکا قری وار محاصره سنه اقل مرتبه قرق بال یز طوب لازمدر و الا اون بش  
پان طوب ایله بو قلعه یه مباشرت مناسب دکلردن کرا و لنان اطویلر و صالیله اتمکله  
جبهه لی و سائر مهمات کلنجه مترسه کیر لردیه اعیان عسکر مشا و ن ایدوب واقع حالی  
در دولتیه عرض و محضر ایتدی یلر روم ایل بکر بیکسی حسن پاشا سابقا تعین اولندیغی سندن  
پاش و بوغ اولوب قلعه فی طشره دن محاصره ایلمکله اچ و دن کفار چقمغه قادر دکل ایدی  
حسین پاشا کیر و رتمویه رجوع ایلدی ذی القعدة نک اونچی کونی پادشا طر قندن  
مطره جیلر ایله کوند ریلان خط همایون که استمالت و تنبیه و تآ کیدی متضمن ایدی واصل  
اولدی ذکر اولنان مواجب و ذخایر قیش اچمنده بیک کیلری ایله کلک مهندرسکر بوز لعمیجی  
واو حیوز طویچی و ساقردن کلان مصر قوی کیدده واصل اولمق لازمدر دیو عرض اولندی  
احوال سرحد بوسنه بوسالده بوسنه ایاللی عسکری شبنک و زادن اوزرینه مأمور ایکن  
والیسی ابراهیم پاشا اهمال و نکاسل اوزن او لاسیله ملا عین کفار حرکت و بعضی قلاع  
و نواحی غارت و انواع خسارت اتمکله بوسنه ایاللی نکله لی پاشا دیدکاری بی عان ویر یابوب  
زادن و شبنک اوزرینه سر عسکر نصب اولنوب او اخر محر مده اشاغی بلوکاری بری ایله  
گوند ر یابوب سلخ محر مده ایکی بیک یکچیری ایله خاصکی حسین اغا وصول غر با بلوکی  
وایکی یوز سپاهی دخی مأمور اولوب آلا ی ایله سراج خانه قرینده اچی چشمه یانندن کجوب  
پادشا عا لینه صالح پاشا خانه سندن الانی سیر ایلدی بو اثناده چتالجه قرینده  
واستراجه طاغنده وادرنه طریقند و افر حید و د کفره سی جمعیت و خیل شفاعت ایدوب  
بعضی قریه لری و قله لری باصوب ممول کسه لری قتل و ماللرین اخذ و خسارت ایدر لردی  
حتی جاذی الاخره یزاللی قدر حید و د کفره سی مناسرت قصبه سن باصوب کجه  
ایله بزیستانی اچوب اموال عظیمه یغما ایتدی یلر مناسرت لی جنگ و مدافعه یه مسارعت  
ایدوب ملعونلردن التي کافر و مناسرت لیدن اون یدی مسلمان دوشوب اپکیوزه قریب آدم  
یرالندی ملا عین طاغیه الدقلری اموال ایله طماغه چیقوب کتدی یلر اهل اسکوب  
و سائر اول نواحی خلقی احتراسه مشغول اولدی یلر بو خبر آستانه یه منعکس اولد قده برحاله  
سبحا غندن معزول منان پاشا که مقدمه ادرنه بوستانجی یا سنیسی ایکن اول اطرافک  
ضبط و ربطنده اهتمامی و رفع اشتها خص و عسکر و قوف نامی اولغله مکررا درنه بوستانجی  
باشلیغی عنایت اولنوب کوند رلدی خروج حیدر اوغلی محمد درانا طولی برقاج سنه دن  
بری اناطولی و لایقند کزوب ابناء سبیل صوبوب کار بانلری یوزان حرای قره حیدر نام شقی  
بو اثنالده حمید قصبه اتندن اولوب رلوده مشهورولی بابا نکیه سنه واروب یا تورکن بعضی  
کسنه لر سنی مزبوری قتل ایتد کدک صکره اوغلی محمد نام سنی بر کجه انتقام اچون ولی  
بابا نکیه سنی باصوب متعلقاتی ایله جمله سن قتل ایدوب و یاتنه برقاج اشتقا جمع ایدوب  
بابا سندن زیاده ذروه فساد و عروج و سکوت طاغنده خروج ایلدی مقتولی وزیر اعظم



صالح پاشا و وزارت احمد پاشا پادشاه حضرت نیرنگ مزاج لطیفی حرکت اقتضای دوبه  
گاهی تحت روان و گاهی اسب صبارفتار و گاهی قوچیلره سوار اولوب شهرده سیر و سلوک  
هادنلری اولغله بر قاج دفعه عربله قرشوگلکله زوقاقلده مضایقه ویرمکله عربله شهره  
کیرمسون و شهرده بر فرد عرب به یه سوار اولسون استانبول ایچیند بر دخی عرب به کوریم  
هویوساغ ایتیشلری و یورک صقله سنه و سودی علتله مبتلا اولد قلردن بعض مشایخدن  
ارباب غریبه کند ولین اوققله مستخرج اولورلردی ماه شعبانک اون یی اثنین کونی داود  
پاشا سمند مشهور چنار اغاجی یانین ساکن ارباب غریبدن برامامه کیدرکن قضای الہی  
اوکلرینه بر عربله کورمقد مامنع و تنبیه اولمش ایکن متنبه اولد قلمی وزیرک عدم تقید نه  
حمل اولغله غضبه کلوب نیر وزیر چاغرک دیوی در پی آدملر کوندلردی دردمند صالح پاشا  
سرایین ایکندی دیوانه حاضر لنورکن پادشاه استردیو متعا قبا آدملر کلوب اصلی بلتر  
بر چبقونه سوار اولوب واروب امام مزبورک اونل پادشاهه بولشد قلم بن عربله یساع  
ایتیکشین چون نم تنبیه طو تولین پادشاه دگلم نیر بوغک دیواوزیند ایل چاغر دیلر صالح پاشا  
هذر دیلوب تخلیص جانه چالشد قلم قطعاً اصغال و نیمیوب نیر بوغک دیو تور ایل چاققروب  
خدم رکاب دخی امامک سانه سنه اولان قیو اورغانی ایل بیکناه صالح پاشای اول ساع  
پوغدیلر اولان مهر و زارنی قیوچیلر کتخدسی ایل قبودان موسی پاشایه کوند ریلر اول کلجه  
دفتر دار اولان احمد پاشا کوره مصطفی پاشا تکره جیلکندن گله در قائم مقاملق خدمتی  
ایل ما مور اولدی لکن احمد پاشا مشهور اوغلانی و مزاج کیر قلاش اولغین نیلدی ایسه ایایوب  
مهرمایونی دوندروب کیدوسی وزیر اولق دامیرنی قوروب خاتم و کالی صید ایلوب و بر خط  
همایون ایل استرد ادینه شاهین اغا نام ادمیسی کوندردی پوله کیدرکن شاهین اغا مطعون اولدین  
قیوچیلر کتخد استنه وصول میسر اولوب بیچان موسی پاشا سرور وزارت ایل آستانه سعادت  
کلد کده مهر احمد پاشایه ویریلوب موسی پاشا مأیوس محروم ایکنی وزیر مقامند قرار ایلدی بعض  
وقایع آستانه مقدمه سپاه اوغلانی اغاسی اولان حمزه پاشا زادهیه ضمیمه وزارت ایل بیکجری  
اغالی ویرلشیدی چوق کچمدین شق ثانی دفتر داری سید محمد اغلی بیکجری اغالی ویریلوب  
وزیر اعظم اولان احمد پاشا باش دفتر دار ایلدی لک سرانده خلاف عادت خلعت کیمسی فرمان  
اولندی عجایبند که حمالان خاصه دن حاجی محمد نام بر مرد توانا عربی الاصل بر رجل بالابند  
اولغله بواشاده قیوچیلر کتخد اسی اولوب چوق کچمدین اطهار سیادت ایدوب یشیل صاری  
بواشاده مزبور قیوچیلر کتخد اسی و بیکجری اغاسی و مصر پاشا اسی و صاری بیراق اغاسی  
و فزل بیرق اغاسی جمله سادات اولوب یشیل صاریلر وزیر سیاوش پاشایه دیار بکرایانی  
تاریخ توجیه بددن دورت آی مؤخر ضبط ایلک اوزن ویرلشیدی جناب پادشاهک همشیره  
لری اولان عایشه و فاطمه و خاترا ده سلطان ادرنه یه نفی اولندیلر و بواشاده ترسانه عامره  
پانجه سنه اولوب پانجهک دریا طر فند واقع حرم دیوار لری هدم اولوب من بعد اول طرفدن  
برمه و قایق یکماملک ایچون محکم یساع اولندی بواشاده بشخی خاصکی به جمید سنجانی  
یدنجی خاصکی به بشیقلاق نامیل ایلالت شام انعام اولنوب کورپلی محمد پاشا مذکور طرفندن

مسلم تعیین اولنوب کوندلردی ذکراختلال احوال دولت و تعالی نسوان بر امور سلطنت  
سابقا مرحوم سلطان مراد خان زمانده اولان توانا شهزاده لر اعدام اولنوب سلطنت  
دولت علیه سلطان ابراهیم خان حضرت ترینه منحصر اولوب ایلرک صایندن شهرزاده لر  
کلیک الزم و اهم مهمات بی نوع ادمدر دیوارکن دولت و اعیان سلطنت حین جلوسه بر  
حسنا جاریه کوندروب پادشاه حضرت ترین توالد و تناسل سمند ترغیب ایتدی لر زمره  
نسوان دخی مطلبلری اولان وجه اوزن اول خصوصه اقبالی کورد کلد فرجه یولوب  
زمان مدید شد ایلد مضیق محبسدن هنوز رها بولان ساده دل شهری یاری شیوه  
کارلق ایل شکاف عمیق القهر هوا ولذته دوستوروب زن دوستلق فننک مسائل  
عربی سین تعام ایتدی لر کیدرک پادشاه عالیجاه نسوان ایل الفتنه مألوف اولوب اکثر  
امور دن اول ناقصات العقلارک سوق و تحسین ایتد کلد و ایلر سلوک ایتدیلر کرچه  
یوپیانه ایل بر قاج شهزاده وجوده کلوب بر مقدار خلقت یوزی کولدی لکن مداخله  
واستیلای زنان ایل مزاج نظام محتل اولوب دید دولت المندن اغلامغه باشلادی بش التي  
خاصکینک سنوی حاصلرندن یوزینک غروش حاصل اولد و غندن ماعدات وایع ولواحق  
وسائر ارباب اسرافک ایچروده و طشره ده کثرت اتلاف و اسرافندن خزینه عامره یه  
کلی کسر طاری اولوب قول مواجی ویرلک عظیم عسرت چکیلوب بعض اصنافه علوفه لری  
قلت اوزن ویریلوب اکثری ارباب وظایف معتاد قدیم اوزن و وظیفه المقدن محروم قالدیلر  
اکثر خدمات و مناصب نسوان شقا عتیله ایچرودن ویریلوب طشره دخی ضرورت  
پهانه سیله جمله مناصب علیه و سیفیه بی بیع من زید ایل اشکان فروخت ایلر اولدیلر کثرت  
تبدیلدن منسلم و نائب خلف سلفه سلف خلفه یوللرده اولاق مثال مصداق فیه یه  
باشلا یوب رشوت ایل منصب الانرو ویردیکی اچقه بی حاصل ایتزدن اول منصب بر آخره  
بیع اولنوردی کزید سنجاقلر و محصورلدار ایلنلر کیمی مصاحب و ندیم اولنلره و کیمی دخی  
خاصکیلره و کتخد الرینه توجیه و تقسیم اولغله قدیم الایامدن متصرف ایالت اولان  
امکدارلر و امرای نامدارلر اطراف و جوارین مستغرق دیون خان گوشه لند و ویران سرابلرده  
عشاء اللیل یه محتاج فقیر و زبون بیت امیرن سنجاق محکم زمان دیباخی علمدار دوندی همان  
ماصدیق اولمشلر ایل رعایا پایمال و تحرینه بر باد اولوب آستانه ده مناصب و مصالح  
شمند النان رشوتدن غیری پاشا لره و بکاره منصبلرندن نجه درل و تکالیف بری برین تعاقب  
ایدوب عالمک اختلالی کوردی و جزئی پهانه ایل مصر و بغداد و وسائر بلاد اولاق  
کیدوب منزل جویری بر طرفدن قریه لری خرابه ویردی حاصلی آستانه ده و طشره ده  
هر کون ظهور ایدن تکالیف کونا کون دن اعلا وادنا جگر خون اولمشلر ایلدی ثمة وقایع  
غریبند که پادشاه حضرت ترینه قار لازم اولوب بروسه ده کشیش طاغندن کتورسونلر  
دیومو کد امر شریف صدور ایدوب بروسه قاضی مولانا دریس افندی تهمت تقصیر  
ایل عتابه مظهر اولوب بالذات کتخدوسی طاقه قار کسد رمل ایچون چیقوب منصبی یوز  
اوزن اولغله قارالتنه قالمش هلاک اولمش دیوشایع اولد قلم مصاحبه لر دن جامه سنوی



خاتون شیخ زاده اوغلان شام قاضیسی ایتمک ایچون مقنی به ابرام ایله شفاعت ایتشیدی بو خبر  
استماع اولند قده بروسه حاضر مخلولرد یو توجیه ایلدی بعه ادریسک حیاتی مقرر اولد قده  
ینه منصبی تقریر قلندی بو ائشاده سلسله اولوب عشاقی زاده خروس افندی دیار بکردن  
معزول و کورد ملا چلی حبلدن دیار بکره نقل واثک برینه صنعی زاده بروسه پایه سیله حلب  
قاضیسی واسمعیل زاده محمد افندی قدس شریفه اولوب امام اوغلی طوقوز زاده برینه  
بوسینه یه قاضی اولدی و ثالث شعبانده امام زاده عزل و برینه ممک زاده غلطه قاضیسی اولدی  
و شعرانی زاده قدس شریفه نقل و برینه ملقب مصطلح الدین شام قاضیسی اولدی و اوائل  
و مضایه شیخی زاده عبد الرحمن چلی اونی یلک غروشن و یروب قاسم پاشا د اخلندن سلا نیک  
قضاسنه نصب اولندی بو ائشاده قرقدن معزول بر سوخته مجهول طریاس مولوتی و یرلک  
ایچون حرم همایون طبر فندن رجا اولنوب منلا اجابت ایتما مکین وزیر اعظم فرمان ایله توجیه  
ایلدی و مصاحبه جامه شوی خاتون مذکور محاف شیخ زاده یه بروسه مولوتی رجا ایدوب  
کند و یه نامزد اولدی ماه رجبده صغیره سلطان که مصطفی پاشا مر حومک سرانی اکا وریاوب  
تملیک اولمشیدی فوت اولوب شیخ الاسلام نمازین قلدی ماه رجب اخرته بدون والیسی  
مصطفی پاشا عزل و برینه بیوک میر آخور مرتضی پاشا که صالح پاشا اریدر وزارت ایله بدونه  
محافظ تعیین اولندی و برینه قیو جیلر کتخداسی بیوک میر آخور اولدی و قرمان ایالتندن  
معزول بیونی اگری طور اقسطه موئی پاشا لغن دخی ضبط ایتشیدی ابراهیم اغیارینه  
چاوش باشی اولوب اول وقتده اولان غیر تکشان کندویه طعن ایدوب نه بی حیمت ترک اولور که  
پاشا لقتن صکره اغالغه نزل ایلدی و ماه رجبده اوحنی خاصکی سلطان ایچون جوهر طویا و  
برعربه استلنوب داو د پاشایه کیدلد که آلا ی مثال اول عربیه بی تماشایچون خلق جمع  
اولوب سیره چقد یاز ماه شعبانده هزار غرادی احمد پاشا که محافظه دن عود ایدوب  
استانبوله کلدی و اور تالغ پر یچی زاده سیکه اجه اباد محافظه سنه ایلدی کلیولی  
اول نواحینک اغنیاسنی مصادره قیدنه دوستوب الحق بالک زرده سی اولمشیدی وفات  
ایدوب غائله چرخ جفا کاردن قورتلدی ذکر امتناع و خروج وارد ار علی پاشا بالفعل  
سیواس بکر بکیسی وارد ار علی پاشایه رمضان شریفه طرف دولتدن آدم کوندریاوب  
حید خرچلغی او توزیک غروش ارسالی تکلیف اولند قده پاشای مزبور اعیان شهری  
جمع ایدوب سیواس ایالتک سنوی محصولی و کند و زمانه دوستی تقریر ایتد یروب  
بر وجهله ادا یه قدرنی اولدوغنی بیان واعتد ارد نصکره او امر کوندریاوب طلبه اقدام  
و ابرام اولند قده مزبور دخی واران مباشره بن بوقدر راجحه بی زه دن و یریم خلقت مالی الوب  
قطع طریقیمی ایلدی یروب تمید شدید ایله رد ایدوب مقام امتناعه قیام کومستردی یندن  
ماعد البشیرک سیواسه بر منکوحه سی واریدی انی دخی بیله استدی لرانی دخی و یرمیوب  
بر مسلیک منکوحه سنی نجه غیره تسام ایلدی یو بدیند اراق ایله ثبت کومستردی طرف  
دولت بونلری هضم ایدوب اول اردن عزلی مصمم ایکن مد ارایدوب مقر فاهه سن کوندریدیلر  
لکن علی پاشا عالمک دلگیر لکنه مغرور اولوب خلقی کند و یه یار اولور صاوب دیلدیکه کاوه

آهنک رک خالی کی صاحب ظمور اولوب بو اختلال فساد ی عالندن دفع ایله بومقوله امورایسه  
امداد سماوی یه محتاج اولوب یغی و خروج ایله علاج پذیر اولدوغن ملاحظه ایلدی بعضی  
محرک ر دخی مزبوری خروجه تحریک ایتکله پانیه ایتلوب تمیز دعوایه یا بشدی و پادشاهک  
احوال عالم ایله تعیدی اولما مغله حل و عقد امور سلطنت طائفه نسوان الفده اولد یغندن  
امرا و بکر بکیلر زمان قلیلک عزل و آمد شد حکامله رعایا بریشان اولغله عالم خرابه واردی  
متصرفی منصب اولننر جمله بریره جمع اولوب علی الاتفاق بو قاعده مکروهه بر طرف قائمه سن  
حضوره همایونه عرض و انما ایتلک مهمات دینییه دندر اوج سنه تمام اولد قجه مناصب سیفیه  
تبدیل اولغماق ایچون خط همایون اخراج ایتد رلک ایله نظام ممالکه باعث اولوب مظهر  
اجر جزیل اولق امر مقرر ددیو حکام بلاد و امصار معیت ایله اسکدر ان عزیمت ایچون خبر لر  
کوندر روب جمع عساکره مباشرت ایلدی و طشره چقمش بولغله آستانه یه کیدرم دیو  
عز مندن دوغیوب بر مقدار عسکر ایله برو جانبیه توجیه اوزن پاشای مزبور صورت حقن ظهور  
ایتکله ظلم و تعدی یه رضاسی یوغیکن یاشه جمع اولان لوندات و استقیار عابا و اغنیادن مراد لری  
اوزن مال و منال المغه مرخص اولد قجه یاشنده قرار ایتیوب طاعلغه باشلد قلرین کور دکنه  
تایار رخصت و یروب اول اراذل و ار غادر دخی جها و قهرار است کلد کلدی کسه لک اموال الوب  
او غر اقلری قصبات و قرانی اوروب بر مرتبه ظلم و ملغنت ایتدی لر که مقدما و الی لردن صدور  
ایدن جور و تعدی اکانسبتله لطف و مرحمت اولمشیدی علی پاشا نک احوالی معروض سده  
سعادت اولد قده تحقیق حال ایچون معتمد عیله آدم لمر سال اولنوب تحصیل اطلاع  
بعده دفعیچون حکام ممالک اوزرینه حواله اولنوب اپشیر پاشا سر عسکر تعین اولندی وارد ار  
علی پاشا نک لوند لری بر طرفدن انا طولی یی تحریب ایدوب حیدر اوغلی دید کلدی شقی  
دخی بر طرفدن حمید و اول نواحینک اشرا سنی جمع ایدوب قریه لر صالیله صالوب یوللرده  
کاربان و سائر آئینه و رونده یی صویوب غارت ایتکله امنیت مرتفع اولوب عالمه ولوله دوستدی  
وارد ار علی پاشا نک نتیجه احوالی کلجک سنه ده بیان اولنسه کز کدر خروج ابراهیم پاشا  
و مقتولی اودر بغداد بوندن اقدام وزیر صالح پاشا بغداد ایالتی خزینه داری ابراهیم پاشایه  
ویروب کوندر مش ایلدی سنه مزبور شوالنده بعد العید وزارت عظمی امید یله آستانه یه  
کلن قیودان موسی پاشایه بغداد توجیه اولند قده تمارض ایدوب استمدی بروجهله دفع ممکن  
اولمیوب منسلم کوندر روب اردنجه کند و دخی کتمشیدی صلی مرقوم ابراهیم پاشا لندی سی صالح  
پاشا نک قتلندن خبر دار اولوب دولتدن مایوس اولغین بغدادی قبضه تسخیره الوب  
مستقلا حکم قر مالوق سود اسنه دوستوب تدبیر عصبانه مباشرت ایلدی بغداد قولی ایله  
یکدل اولوب موسی پاشا نک منسلن رد ایدوب دماغی فسادده اولد یغنی محافظه ده اولان  
یکچر بلر مشاوزه ایدوب مقام معارضه ده قیام کومستردیلر ایک عسکر بر ریه قتال ایدوب قیو  
قولی ابح حصارده اولغین ضبط ایدوب طشر دن بغداد قولینک و پاشای بی ادراکک هجومی  
دفع ایتد بلر بالا غره پاشا ساده دل حادث و سفید اولغله قول ضابط لری حیل یه سالک  
اولوب صورتا منازعه دن فارغ اولدیلر و زده سکا تابع اولدق دیور یشتخنده ایله اچر و یه الوب



بر او طه به حبس ایشان را طشمره بن بغداد قول عظیم هجوم را بر او بدی فانی کوشش را اندیلو  
 قضیه در دولت استماع اولند و بعد ادایالتی وزیر مقتول صالح پاشا را در بیرون مغزول  
 مرتضی پاشایه و بر یایوب کوند رلدی و بغداد قلعه متدله محبوس اولان طایخی ابراهیم پاشا  
 قتا چون خط همایون صد و رایدوب میرا خورثانی بدیله کوند رلشدیدی و والی بغداد مرتضی  
 پاشا نك قتا چون فرمان صد و رایدوب ایالت بغداد والی سابق موسی پاشایه و بر یایوب  
 تعیین اولنان مباشر دیار دیگر شهر نده مصداق اولوب مرتضی پاشا نك باشتی کسوب میرا خور  
 ثانی دخی بغداد ابراهیم پاشای دخی قتل ایدوب ایکسنتک دخی پاشای معاذر دولته  
 کلوب باب همایونه وضع اولنوب والی بغداد ابراهیم پاشا ایله کتخداسی و دخی عصیانته  
 معین بر قاج مشهور اغاسی بیله قتل اولنوب اعیان ولایتدن بعض بغداد متعینلوی قهت  
 بلقیان ایله حبس و مصداق ایله نادیب اولندیلر بغدادی موسی پاشا ضبط ایدوب یرلی  
 قولندن ابراهیم پاشایه هوادار اولننک بر قاجنی قتل ایدوب بر کوهی قاجوب قریب باشه کیتدیلر  
 حیدر اوغلینک در دولتله آدمیسی کلوب سنجاق طالبی اولدوغن عرض ایلد که کل آدمی  
 حبس اولنوب شقی بد بختک اوزرینه اناطولی والیسی تعیین و سزدار قلعه تسلیط اولنوب  
 ایالت قرمان معاماً مورق قلندی وقایع جزیه آب قدیم خاندان عثمانی باند عقد نکاح  
 اولوب تسری ایله زندگانی ایکن جناب شهنشاه والا جاء محض انص کریمه فاکوایه امتثال  
 ایله اجرای سنت سفیه نبوی ایچون داخل خرم سرای دولت اولان جوازیدن برینه نکاح  
 شرعی ایله متصرف اولغله رغبت ایدوب سوره های نه مباشرت ایتدیلر بر موجب فرمان  
 وزراء اهل دیوان آلات جواهر ایله برزیز بر جاربیه ماه پیکر اهدا ایدوب بغداد داود پاشا  
 پانجه سندن آلا مرتب ایله سرای عامره یه کتوردیلر جانب معهوددن دارالسعاده اغاسی  
 و طرف شهر یاریدن وزیر اعظم وکیل اولوب عقد نکاح ایتدیلر و وزیر اوعلایه خلعتلر کیدریایوب  
 باقیلری دخی بحسب القانون اعزاز و اکرامه مقرون اولدیلر ماه ذی القعدة نك سکرته فضل  
 پاشا که داماد پادشاهی ایدی قیود لاقندن عزل اولنوب یری ترسانه کتخداسی عمار اوغلنه  
 ویرلدی و فقره وی تعقیب محمد افندی محرمک اوتشده و فاته ایدوب دورت کوند نصبرکه  
 برینه زیر کزاده یونس افندی تعقیب اولمشیکن ذی الحجه نك اون ایکسنتک ینه عزل  
 اولنوب نقابت مرحوم قوجه تعقیب افندی نك اوغلنه اناطولی پایه سیله توجیه اولندی  
 صفیرک دورندنک زاده مصطفی افندی استانبول قاضیسی اولوب ماه شوالک بکرمی  
 ایکسنتک اناطولی قاضی مسکری اولغین قدسی زاده افندی استانبول قاضیسی اولدی  
 شوالک بکرمی اوچنده جوی ازده روم ایل قاضی مسکری اولوب ذی الحجه نك اون ایکسنتک  
 بخواجه زاده و همک زاده و قبا قولاق زاده روم ایل پلیر ویرلدی شعبانته موسی پاشا  
 کتخداسی دباغ احمد پاشایه صلب ویرلدی داماد پادشاهی جعفری پاشا و فاته ایدوب سلطان  
 رکابدار خاصه مصاحب کنعان پاشایه تزویج اولندی خاشا سب بنی لیدن بر خیاط ذمی فتوی  
 ایله یرمق قیوده صلب اولندی و کیرید جزیره سنه امداد طایچون سردار حسین پاشا دن  
 و فاته عرصه کلشیدی و بکچری اغاسی السید محمد اغایه مصر ایالتی و بر یایوب اغا لک کوچک

چاوش دیکله معروف احمد اغایه ویرلدی وقایع سنه ثمان و خستین والف وقایع کیرید محمد مر  
 کفارنا کسارد و نمانسی سافر توابعندن اصبان نام جزیره لیمانه التي یدی قطعه کشنسی داخل  
 اولد قل بامر الله تعالی بر قوی روز کار و فورتنه ظهور ایدوب اون سکر قطعه قدرغه سی و سکر  
 قلیونی منکسر اولوب ایچنده بولنان کفارک اکثری یو غلشدرد یوساقر منلاسی و محافظه ده  
 اولان ساجان پاشا در دولتله اعلام ایتدیلر یارونه قیودانی اولان عرمانی کافر دخی غرق بحر عدم  
 اولان فرقه دن الدی کیرید جزیره سنه حبیب اغا کیرزه حصار بنی بیقد قدر نصبرکه اوردویه  
 کلوب یوزدن متجاوز باش ویتش اسیر کتوردی پاشا دخی همان اولکون ردوسدن استیه  
 سمته کوندروب یوز الی اتلوا یله روانه اولدی محرمک اون طقوزنجی کونی آستانه دن خاصکی  
 کلوب قندی نك استحکام ایله موصوف ابنه غریبه سن کورمک مراد اید بچک سردار غازی  
 ایله قلعه خند قنه دك واروب تماشا ایلدی و مقدر ما پاشا نك خزینه داری اصلندن کوله جنسی  
 اولغله کافره فرار ایدوب بر قاج خدمتکاری دخی از دروب بیله کتورمش ایدی محرمک بکرمی  
 دورندن کفار نکرار عقد مصداق ایدوب بش بیکدن متجاوز پیاده و سوار طشمره چیققد قلر نه  
 کورپی باشتند حاضر اولان دلا و زلر او غوردن هجوم و دلیرانه جنگ ایتدیلر بیکلی مصطفی پاشا  
 یوز مقداری پیاده و سوار ایله ینشوب آن واحدده دوندیلر کورپی بیکد کافرک اتی باخچه  
 یاتوب غرات ایریشوب کسیدیلر عشری مقداری حصار صاغ کیرمدی آمدن ایل  
 جنرال مقدر ماقور فوج حراسنده لغتیه نام قریه قریه جنرال اوغلی اون بر قیودانی ایله اسیر  
 اولمش ایدی بودفعه باباسی سردار غازی یه ایل کوندروب عرض استکانت و درلومسکنت  
 وایتد وکی جنگ و حرب بلرده مجبور اید و کنه معذرت ایدوب اوغلینک خلاصی رجا و کونه  
 کونه عبودیت و تملقرا ایله نیاز و تمنا کوستروب استغنان نام قیو دلی رتعودن قندی به  
 کلجه اوج دورت دفعه واروب کلدی لکن عذری مقبول ورجاسی حصوله موصول  
 اولوب روم ایل و اناطولی و سپاه و بکچری صف صف الایلرین قوروب ایل یه  
 کوستردی و کوردوکن سوبیلک ایچون اچر و کوند رلدی صفیرک التیجی کونی تکرار  
 جنگ اولوب روزمره اسکوب آلا بکیسی سلیمان بیگ و خدام سرداردن کوچک  
 بورجه ویتکه آلا بکیسی کورچی علی اغا که هر بریسی برهادری همتادر مشید اولدیلر  
 کفاردن دخی وافر ملا عین قتل اولندی صفیرک اون اوچنی کونی دیوان اولوب اعیان  
 عسکر حضور سردان کلوب مشورت اولندی دنماقد و منه توقف اولغنی رأی ایتدیلر  
 استیلا کفار بر حصار مرینه کار بخرده سابقا حبیب اغا معرفتیه فتح اولنان مرینه حصار  
 محافظه سنه براز بکچری و طویجی وجهه جیلرله یواشجه علی اغا قونش ایدی بر کچه  
 علی الغله بر قاج چکدر ر ایله بیکدن متجاوز کافر واروب بر کون بر کچه طوب ایله  
 محاصره و محاربه ایدوب ایچنده اولان غازی اوردویه استمداد ایچون خبر کوندروب مقام  
 مدافعه ده قیام ایتدیلر سردار دخی کتخداسی ولی اغا بی تعیین و یاغنه متصرف طوغانچی  
 حسن پاشای و قدوز علی اغای عین و یسار الای بکاری ایله امداده کوندروب مزبور  
 اوتوز ساعت مسافه بی بر کوند قطع ایدوب حصار قریه اول محله واردیلر که محافظین



اوج کون جنک ایدوب چوریا جیلر دوشوب نفرات ملا عینک عهد نه اعناده ایله حصاری وروب یواشجه علی اغا طشره چقمش کفار امدادینه وارن عسکره قرشو چیقوب جنک ایلدیلر دیردن الی یار چکدرمه و بورتون یناشوب طوب و تفنگله صیبا خدن اخسامه دک چالیشوب جنک آیتدیلر مقید اولدی دوندیلر کتدیلر معرکه ده براق ازناود کفره سی اسلامه کلدی صفرک بکرمی اوچخی کونی کیر وعظیم جنک اولوب ایرتسی دخی مستقر اولدی بواشاده طایفه محافظه سنه ما موراولان مراد اغامغزول اولوب کتخدالقی ایله قره چاوش یرینه کره پکن جزه اغایه یری توجیه اولنوب کتخدالقی مصلی الدین دامادی بوسنوی محو داغایه ویرلش ایدی مراد اغاسر دار ظفر شعان کلوب محاصره احوالن مشورت ایلدی و بهارده مباشرت معقول کورینوب مراد اغا آستانه سعاده کیمکه اجازت ویرلدی و خاصکی مراد اغا دخی معاروانه اولدی و ربیع الاول ابتدا سندن مقرر خدام اولان منزلدن براز مسافه دخی ایلر و حرکت اولنوب تدبیر محاصره یه شروع ایتدیلر کور محاصره قندیه سابقه عسکر اسلام کریده قندیه حصاری خار جنه قشلا یوب قره طرفنی بالکلیه ضبط وربط و فبضه تسخیر و تصرفه ایشلاییدی و مقدمانقل اولنان الی طویدن غیری وار قوتی بازوبه کتوروب صعب و سنگستان اولان طمسیمه یوقیشی دیدکری طاغدن اون یار بالیز طوب دخی آتیشروب اوردوبه کتوردیلر و قلعه کیرلک مهمانی ممکن مرتبه اماده قلوب مترسه کیرمکه دونما وصولنه توقف ایتیشلایدیکه مواجب و ذخیره و لغمی و طوبی کلوب امداد ایلایه بواشاده قلعه دن دیلار اخذ اولنوب سویلند کد دونما مزب غاره کیدوب ترکک دونماسنی طشره چقاریمیه چقدر دیو خیر و یرمکه عسکر اسلام متالم اولوب یاس مقامنده ایکن و بیع الاولک نصیفند قلعه دن براق دبل النوب خبر و یردیلر کدونمای مخوسلری ساقز قریبه فورتنه یه راست کلوب اون الی چکدرمه ایکی ماونه سکر بور تونلری غرق و هلاک اولدی براق کوند نصکره ساقز زدارندن دخی بو مضمونی مؤید مکتوب کلکین عسکر اسلام مسرور اولوب دونما کلوب مترسه کیر یورامینده اولدیلر زیر اربع الاولک برایکی قطعه خط همایون ایله قیوجیلر واروب وقتی ایله دونما چقارمغه وعد بیورلش ایدی و کریددن مواجب و مهمات طلبی اچون ایکی آلا یکی ایله اوجا قدن حسین اغا کوند ریا یوب پکن سنه روم ایل خرق حلقجیلری و جبه لولری و ذخیره لری کلیوب اناطولی عسکرینک چشمه ده کیملری یا تمغله و قول طائفه سنک اوج مواجی و ذخیره لری و یرلیوب عسکر مترسه کیرمک یوز کیر اولنان مهماتک وصولنه موقوف دردی عرض اولتیشیدی و یکچری کتخداسی قره مصطفی دخی کریددن کلوب اولدخی بواحوالی پلدرمشیدی لکن بوسالده دخی بومهمات ولوازمک وصولی و مصاحتک حصولی میسر و ممکن اولدی ایچق علی اغا حسین پاشا کیمسی ایله اناطولی به وارد قده احمد پاشا اندک کش بولنوب قولک بر قسط مواجی و یرلک و یرللق چوقه سی ایله کیروب کرید جزیره سنه ایشال ایدوب اولاشدردی ذخیره قسمندن نسبه نقلی ممکن اولیوب چون کفار استانبولدن دونما کلنجه مترس

اولدوغنی خبر الدقه حرکت کلوب کوندن کونه خند قدن طشره طایر و تاییه لریا پمغه سعی و کوشش لری ایدوب یایدیلر و یرایکی دفعه جنک لری اولوب نجه باشلر و دیلار النوب غلبه میسر اولدی و مشاوع اولنوب قندیه حصاری شرقی سنه و مقابلندن نظارت نام محل اوکند قلعه یه قریب دیه اوزینه براق یار طوب قوریا یوب دونما کلنجه قلعه یی و لیمانی دوکک معقول کورملکله ربیع الاخرک التبحی کوئی ایکی قطعه بالیز طوب و الی قلوبورنه ایله محل مزبوری و لیمانی و قلعه لری و شهرک اچر و سی دکلمکه مباشرت اولندی و کفار خاکسار یوند نصکره قبولدن چقمز اولدی لکن وار قوتن بازوبه کتوروب یردی سکر یی زقدر طوپی دوندروب اهل اسلام جانینه اتمغله جنک اقدام کوستردی عسکر اسلام ملا عینک طوب و تفنگله باقیوب طویلری قوریدیلر و چادرلر دخی مقدم قوریلان محلدن قالدیلر یوب قلعه نک طوب التتله جواب اربعه سنی لاطه ایلدیلر لکن ذخیره قسمی اصلا بولنر اولدی و لباس مقوله سندن عسکرده برنسنه قالدی بعضیلر نباتات و اعشاب کوکی دوشروب یرلدی و کفار دن دیلار النوب کیفیت تدبیر لری سوال اولند قده هنوز بلنلر دیدیلر که وندیک دونماسی بو غازه واروب قیامتشلردر بر قایق حکمک احتمالی یوقدر بشون جزیره ده اولان ترک بویقیندن ما یوس اولوب کورچرلر دیو شایع اولدوغنی خیر و یردیلر بوندن ماعد اهر کون دریادن کفان کلان امدادی عسکر کوروب ضعف قلب حاصل ایتیشلاییدی سردار غازی و نمودن نکرار اوج طوب دخی کتوروب عسکره استمالت و یردی و نجه مواعید عرقوبیه ایله بونلرک عرقنه کیروب دونما کلدیکی تقدیرده مترسه کیرمکه جمله سنی قائل ایلدی و کلدیکی تقدیرجه حاضر کرک دیو طوبلر قوراجق مناسب یرکوروب روم ایل و اناطولی عسکرینه بر رقولدن یر تعین ایدوب سخن یی لری قلدروب بر تاییه وضع اولندی هجوم کفار بر حصار سلوی بوندن اقدام فتح و تسخیر اولنان حصار سلوی کدمله پوتمه دیکله مشهور در النوب ایچنه عسکر قولش ایدی کاهیجه قندیه کفاری دشت درازلق ایدرلردی باش چکدرمه سی بشیوز کافر ایله کلوب صار دقه محافظلری زموده و اطراف بولنوب همان ایچنه اون یردی سپاهی قالمشیدی اون برین شهید ایدوب بولد قریب الوب فرار ایتیشلاییدی بواشاده کیر و هجوم ایتیمکه سلفکه سنجان یکی کوچک مصطفی پاشای مضر عسکری ایله ربیع الاخر اولندن امداده کوندردی ملا عین مالت کیملری ایله علی الغفله چیقوب نصف اللیلده هاون طویلری ایله حصاری محاصره ایتیشلاییدی پاشا دخی ایریشوب حصار کیردی و لوازم حفظ حصار مشغول اولوب طوب و تفنگله رفع اعدایه آهنک ایلدی ایرتسی صباحه قریب حصار دن چیقوب بشیوز آدم ایله کفار اوزینه هجوم ایدمچک مقاومتیه قادر اولیوب ملا عین خاسرین کیملرینه فرار ایلدیلر و دریا کنارندن طوروب نکرار جنکه شروع اولنوب طرفیندن قتال عظیم اولدی سردار غازی لرندن کوردنچر اغا اول محلله امداده ایریشوب چند مسلمین قوت بواوب مالته قیوداننه اسمعیل آلا ی بکیمی علی اغا بر قوروشون اوروب جان خبیثن جهنه تسلیم ایلدی انا کوروب کفار بوزیا یوب یریشان اولدیلر سکر باش و بش دیل النوب



بقیه السیوف اولنلر کیلرینه کیروب فرار ایتدیله رسیدن مترس بخندق ذبیح الاخرک  
اون برنجی کونی فرمان سردار کامکار ایله کوچک حسن یاشاروم ایلی عسکری ایله مترسه  
کیروب سرداردخی بالذات پیشگاه قلعه ده اتباعی ایله کیروب اناطولی عسکر بله بقلی  
مصطفی یاشانک صاغنه سردار لغی ایله مترسه قوندی محود یاشا آق تاییه محاصر سینه  
تعیین اولنوب اوج قولدن طوپلری حصان حواله ایلدیله یوما فیوما متر سار یور یوب  
خندق کنارینه قریب مستحکم تاییه لر وار ایدیکه بین ویسار سردان دوشمنی ایدی  
یونلردن زیاده بری آق تاییه درکه حصار مائندی محود یاشا ایله عربکی بکی محود بیگ سوروب  
خندقه ایرشدیلر لکن یونلری کوب حصان وار مق خیل عسیر ایدی خروج کفار ان  
حصار وانهم زام وفرار ذبیح الاخرک بکرمی التخی کونی وکیجه سی ثلث اخیره کفار خاکسار  
اوج بیگ قدر زیاده تفنگ اندازویدی سکر یوز قدر اناطولی قولنه چیقوب تاییه ده  
قراوللر کوردکده سردار اکر مه خبر ویردیله فی الحال پاشای کامکار توابعی ویکچیری  
وکننداسیله سکر دوب اردنجه یاشا لدخی ایریشوب لشکر کفار نابکار تمام طشر چیقوب  
ایحروده اولنلرک بر قاج بیکی دخی بارول اوزن طوروب صایحه طوپلر حاضر لیوب مهیا اولدیله  
پس کفار یوریش ایدوب سردار اولدوغی تاییه اوزرینه کلوب کیجه قرا کولقد ایکی ساعت  
قدر عظیم جنگ اولوب شافعی وقتند مابین فرق اوله جق قدر زمان عسکر اسلام اتفاقله  
بریدن هجوم اید یجک ملاعین دونوب فرار ایلدیله ایکی عسکر مختلط خندق کنارند وضع  
اولنان تاییه لری ایچنه کیروب اند دخی قرار ایدوب بر قاج برج وبارودن طوب و تفنگ  
انلیوب انجق جنگ سیر ایتدن نسنه یه درما بلری اولدی کفار ناچار خندقه دو کیلوب  
غزاة اسلامی خندقه وارنجه بیگ ایکیو زکافر قاچیدن کوروب کله لرین الدیلر محل معرکه  
خندقلی یرو اولغله اتاو کفار دخی فرار ایتد کلرند کیمسی نکلر لوب اتن ضبط ایدوب میوب کندی  
دوشوب وکنی بنشوب طویدیلر ایکی یوزدن متجاوزانلری انوب زند صاحب لری ایله  
کوردیلر و خندق یاشا لرنده واقع تاییه لره قونیلن طوپلری چو یلیوب تاییه ده اولان  
پیرا قاری و آلانلری بالکلیه اخذ اولندی یونلردن قاجوب اچریه دوشن کفارک اکثری  
مجرور اولوب حکمت الهی بومقوله بر جنگ عظیم اهل اسلامدن ایکی آدم مجروح اولدی  
ذکر احوال مترس و محاصره بوقعه دنعسکره حصار محکم محاصره اولنوب لیان مقابله سینه  
نظارته دیدکاری محله قونیلان طوپلر کن کفار کیلرینی منع ایدوب لیان اغرندن کیرمکه قادر  
اولد قاری ایلدن لیانک اوتنه جانی دیواری دلوب یوما فیوما قلیونلر ایله کندولر ککن  
امداد و ذخیره یی اچریه الوردی اول ایلدن کفار کتدیکه قوتلنوب سجن بیلری و طوب  
متر ساری مقابله سینه خندق اولنلر بر قاج تاییه لرو متر سار قاز مغه یاشیلوب حرکت  
اولغله یاشا لرواغالر و اعیان عسکر مشاونه ایدوب دو نمایینده کاورامیدی ایله مترسه  
کیرلک مناسب ددیا اتفاق اولغله جمادی الاولینک یکر منجی کونی روم ایلی بکار بکیمی کوچک  
حسن یاشا عسکری ویکچیرینک نصفی ایله بر قولدن و بوجه اریه لق قره حصار سناغنه  
متصرف اولان مشهور زمان بقلی مصطفی یاشا و نیکه یه متصرف طوربه لی محمد

پاشا ویکچیری کندی اناطولی عسکر بله ویکچیرینک نصفی ایله بر قولدن تعیین اولنوب  
ومقد مالیمان مقابله سینه وضع اولنان قلیونلر طوپلر دخی اول محلدن قلقوب قلعه نک  
برج و بارولری حواله سینه وضع اولنوب محل مزبور دخی بوجه اریه لی کاتقیری سناغنه  
متصرف طوغاچی حسن یاشا ایله سابقا دنه و الیسی چرکسی عثمان یاشا بر قاج سناجق  
و بر مقدار عسکر ایله تعیین اولنوب سردار غازی حسین یاشا دخی توابعیله روم ایلی و اناطولی  
عسکری ارا سینه مترسه کیروب یادرلرند انجق بکیلر قالدی الی بالینر طوب روم ایله والی  
بالینر اناطولی قولنه وریاوب قلعه محکم دو کلمه یاشا لندی لکن قلعه نک اطر افنده خندق  
طشره کفار تاییه لرایدوب هر رینک اکتی خندق والقی ایکی مشراو چرافم ایلدیله کورک عسکر  
اسلام یورید کله لگ اتوب قلعه یه یکمیه لر پس تاییه التی ارا مغه لغمچیلر اید اکنه محتاج اولوب  
قلعه یی و تاییه لری متر سار ایله تصویر ایتدوب صورتی در دولته ارسال و واقع طالی عرض  
و اعلام ایلدیله یروا شاده علی اغا کربلر واروب دو نمایله ارسال اولنان خزینه و جبهه طنه و ذخیره  
وسائر مهمانک دفترین ویرد کتدو نما کوردیوب عسکره قوت قلب حاصل اولوب در عقب  
قوز بکیچی دخی اول خبر له وار مغین عسکر وار قوتن بازو یه کتوروب اقدام تام ایله کون  
یکون مترس سوروب خندق قریب وار دیلر خروج کفار و کار زار تاییه جمادی الاخره نک  
ایکی سینه کفار پیاده و سوار وقت عصرده روم ایلی قولنه چیقوب جفکه آغلاز ایلد کله  
سردار کامکار بنشوب ایکی ساعت عظیم جنگ اولوب وقت غروبده اهل اسلام هجوم  
واقدام ایدوب کفارک یوزین دوندردیلر فرار ایدوب تاییه لره وارنجه غزات مسالین تعقیب  
ایدوب و مختلط کیردیله کفارک بر مقداری قریاوب نجه سی خندقه دو کلدی تاییه لغمچینه  
آتش ویردیله لکن غازیله تاییه ده کلنوب کفارک عقیر نجه خندقه یولندیلر انکیچون  
ضرر اصابت ایتوب ایچند بولنان اوج آدمه افت ایرشدی و اشنای جنگده حسین  
پاشای بهادرک چکه سینه ایکی قرشون اصابت ایدوب بری بر طرفدن کیروب جانب  
آغردن چیقوب کتدی و بریسی ایچند قالدی لکن پاشای غیور عسکره فتور کلسون دیو  
بردستمال ایله چکه سن صابوب جنگ بر طرف اولنجه غیرت ایدوب کیرو متر ساری کروب  
غازیله استمال و یروب بعددوب کتدو متر بسنه کلوب یان سینه مرهم و علاج تدبیرین  
ایتدی ذکر لغمهای تاییه متر سار وریاوب خندقه یقین اولد قله اناطولی قولی تاییه یه  
قریب وار مغله بری جانیدن دخی لگ بیر نکه غیرت اولنوب سردار اکر مک شاطر با شیمی  
محمد زمان بیگ عجم فرزند اولوب چوق کشت و کذار و مالک عجمه جنگلرده لغمچیلق  
صنعتی تحصیل ایدوب اول قنده زیاده ماهر و کامل اولغین یاشا آدمه قوشیلوب متر سار  
اوکنده تاییه یه لغمچیلر ایشلدوب قوشلق وقتند کفار اوزرینه اتوب ایچند بولنان کفار  
هلاک اولدیلر اول ساعت ویکچیری سکر دوب لگ اتیلان تاییه نک ایچنه کیروب مترس  
المشرایدی اول کون جانب کفار دن مزبور تاییه اوکنده متر سه طوغری لر لگ اتیلوب  
ایرتسی روم ایلی قولندن دخی ایکی لگ و اناطولی قولندن لر لگ اتیلوب جمادی الاخره نک  
یدنجی کونیه دک روم ایلی قولنه یدی لگ و اناطولی قولنه لر لگ اتدی لکن بفضل الله تعالی



هجری عسکر اسلامه ضرر اتمدی ذکر احوال دو تها بوطر قدن دو تهای هایلان ارسال  
 اولوب بوغازه وارد قلعه واقع کفار خاکسار قلعه یونلری بوغازده لنگر لاند اولوب کدر کاهی  
 نسل اتمکین چیقامیوب بوغاز ایچینده محصور اولدی یوروری قره دن بعضی مهمات  
 کوروب طشردن بیک کیلوی ایله کریم کوندلدی جمادی الاخره نیک سکر نی کونی  
 بیک کیلوی حایه قلعه سنه واروب قیودلن مکتوب ایلتدی لکه کفار بوغازی سد  
 ایلدی دنما کیلوی بوغازدن چقمق بروجله ممکن دکل بناء علیه راز اشبار موجب دفتر  
 درتوز تیش لغیمی کوندلک اوزن درد یو یازمش بواحو الدن عسکر اسلام المرده اولوب  
 متخیر قالدیلر و بیک کیلوی بر قوری سوزایله کلوب ذخیره و مهمات دن نسنه کتور میوب  
 قورسه اسیر لیزک بکسار دلری اوچر کونکدر بونلر نه ویره لم دیوکر ییدن ذخیره  
 امید نه اولدی لمر ادایسه لر قیش ایامنه روم ایلی و اناطولی کارلر نه اکلنوب نوله  
 ذخیره نقل یدرلدی لکن احوال و نکاسل ایتدکاری مقرر ددیو سردار غازی پادشاه  
 حضرت نرینه و صدر اعظمه و شیخ الاسلام حضرت نرینه عرض و اعلام ایدوب هر برینه شکوی  
 ایلدی اول وقت ایسه آستانه نیک احوال اختلاله یوز طوبوب امر غزیه کسه صدق و همتله  
 مباشرت ایتدی فتح تاییه قندیه کفار کفر بار ذخیره و امدادی کلوب طرف اهل اسلام دن  
 امداد منقطع اولغله متر سار حصان قریب وارمشیکن عسکره فتور کلشیدی لکن سردار  
 شیرت شعار انواع استمالات ایله عسکری تحریص ایدوب غیرت و حمیته کتور رایدی  
 روم ایلی و اناطولی متر ساری اوکنده اوچ قلعه مثال تاییه لرایحی صایحه طوبولری و جنگی لاری  
 ایله مالامال اولغله خندقه آدم یقلشد مرلردی روم ایلی طرف قدن اولان لغملر یوریدیلوب  
 ماه جمادی الاخره نیک نصفه اخشام نماز ند نصکره اناطولی قولندن برلغ یشنوب کفار  
 اوزرینه اتیلوب اول ساعت سردار حسین پاشا توبه میله اول قولده اولان یکچیری و اناطولی  
 عسکر یله تاییه یه هجوم ایدوب نیش ساعت قدر اول محله عظیم جنگ اولوب کفار بیحد  
 خیمه لر و صایحه طوبولر اتوب بالاخره غازی یور یوب نصف اللیله دیک دوکشه رک خواه و نا  
 خواه تاییه لر کیروب ایچینده اولان کفاری قیروب صاغ قلانه لری حصار خندقه  
 دوکدیلر طشرده اولان الی عدد شیفه طوبولری که اون التیش و قیه اتار و بشیوز  
 تفنگ و یوزدن متجا وز خیمه و باروت کیسه لری و سائر آلات حرب و سر نکون بیراقلری  
 و طبخا نه لری انوب اوچ عدد قلعه مثال تاییه لری ضبط اولندی و ایچینده اذان مجدی  
 او قندی و ایتسی کچه روم ایلی قولندن یوریدیلان لغم دخی تاییه یه وارمغله نصف اللیله  
 آتش و یریلوب تاییه لده اولان کفاری باصردی اول محله دخی ایکی ساعت قدر  
 عظیم جنگ اولوب بالاخره عسکر اسلام غالب و کفره مغلوب اولوب خندقه  
 فرار ایتدی لمر غاز یلر تاییه لر کیروب ایچینده بولنان کفار ک اکثر نی قیریدیلر اول تاییه لده  
 دخی الی عدد طوب و بشیوزدن متجاوز تفنگ و آلات حرب و طبول و بیراقلر انوب  
 تاییه لرک جمله سی قبضه تصرفه کیردی بوند نصکره متر سار اوکی آچیلوب خندق  
 کفار یوریکه باشلادی ذکر هجوم غزاة بحصار قندیه چون متر سار بر قاج یردن

سوریلوب خندق کارینه وارلندی و خندقه دنگر آچیلوب عسکر اسلام خندق ضبط نه  
 اهتمام ایتدی لمر حصار دیو ایسه سچین یوللری آچیلوب او غرین قیودن بر قاج دفعه کفار غزاة  
 اوزرینه هجوم ایلد کک کفاری تاییه لر دن تفنگ لاند از لرا و غر اتیوب نجه سنی خندق قل قتل  
 ایدوب خندق ضبط ایتدی لمر بوند نصکره قلعه دیواری اردنن لغمله تملدن کلوب سچین  
 یوللری التمه لغملر ایدوب بر قاج دفعه آتدی لمر کیمی بو شته چیقوب کیمی خندق قل بولنان  
 غاز یلری باصردی برو طرفدن دخی قلعه دیواری نه الی لغم اناطولی قولندن دورت لغم  
 روم ایلی قولندن یوریدیلوب هر بری اتلد قلعه دیواری رخنه دار اولوب کد کار  
 آچیلوب عسکر ییتننک مشاوه اولنوب کد کار دن ایچرو بود کلوحد و حصری یوق کفار  
 جمعیتی ایچنه یوریش ایلیک نفوس عسکر اسلامی آتش تهلکه یه القایمکدر دیو معقول  
 کورمدیلر زیر اقدیه ایچینده جنگی کافر دن غیری هراودن بر آدم چقسه اوتوز بیکدن  
 متجاوز اولدوغندن غیری کون بکون امداد اکسک دکل دیه اتفاق اولندی که اچیلان کد کاره  
 عسکر چیقوب ضبط ایدیلر و دیو اراوز رنه متر سار طور مق قابل اولد قدن صکره  
 طوبولر ایله ایچرویه دو کیلوب متر سیله حصان کیر یله نیش شافی و قشند ایکی  
 قولدن ذکر اولنان کد کاره هجوم اولنوب یورد کلر نه کفار وار قوتنی بازویه کتوروب اول  
 محالده تیش سکسان وقیه اتار خیمه و هوائلر ایله طرفیندن زنجیر لی کلر یاغدیروب  
 انواع آتش باز لقلر ایلدی لمر ایله زمانه ایر نجه جنگ عظیم اولوب غزاة اسلام ملا عینک  
 آتش باز لقلر یینه باقیموب سمندر مثال دریای آتسه جان آتوب کدک باشلوند متر سارنوب  
 طوردیلر و ایچرویه قرشون یاغدیروب کد کار ضبط اولندی دیو عسکره سرور و قوت  
 کلش ایدی ملا عین کفار تحته صف و قلر ایله کدک التمه لغم ایدوب اولیه زمانی کد کار  
 متر سار غزاة التندن آتش ایتد کک بر قاج آدم تاف اولوب عسکر اول محل خندق  
 ایچنه دو کد یلر بو محاربه عظیمه ده کفاردن بیحد کافر جان خیشن جهنه اصمردی بری  
 طرفدن ایسه الی قدر مردها در شهید اولوب قتی چوق آدم مجروح اولدی کفار اچیلان  
 رخنه لری اردنن یاغغه مقید اولوب برو جانیدن تکرار کد کار التمه لغم یوریدیلوب  
 اتد قاری کبی کدک باشلرینک ضبط نه اتفاق ایله مشغول اولدی لمر نصف اللیله اناطولی  
 قولندن لغم اتیلوب کفاری و لغملر نی باصردی عموما اناطولی عسکری و یکچیری  
 هجوم ایدوب کدک وار دیلر محل مزبور ده دخی نصف اللیلدن قوشلق زمانه دکن عظیم  
 جنگ اولدی کفار خاکسارینه اسلوب سابق اوزن آتش لری یاغدر مغه باشلادی لمر غاز یلر  
 متوس المشاوه ایکن کیرو کدک طرفنه تحته بند لایله لغملر چاتوب طپراق ایله باصدیروب  
 آتش ایتد کلر نه دشمن حاضر باش بولنوب غاز یلر او رکوب کیر و خندقه ایتدی لمر اچیلان  
 قتی چوق کافر هلاک اولدی بکر ارغیرت اولنوب صبا حدن مقدم هجوم ایتد کلر نه دشمن  
 ینه حاضر باش بولنغله و افر جنگ اولدی ایتسی اولیه و قشند دکر روم ایلی قولندن اچلش کد کار  
 التندن تکرار لغم اشلنوب اتد قلعه روم ایلی غاز یلری سکردوب کدکی متر سارنوب لمر اناطولی  
 دخی امداده سکردوب وقت عصره دک شوبله جنگ اولدی بکه صایحه طوبولر و کله لر و خیمه لر



قلعه دن امطار مانند یغاردی ینه غازیلر وجود ویرمیوب مترسانش ابکن ملاعین  
حمله کارنکار ایکی طرفدن مصنع لغم لیریدلیدوب اتد قلرند اوز رنده بولنان آدملر شهید  
اولوب صاع قلندر دخی خندقه ایندی یلر بوجنکه دخی شهید اولان اسلامیک اضعاقي  
قدر کافر قلدی ینه غازیلر غیرت ایدوب خندقدن ایرلیوب کدک باشلرینه سچن  
یوللری یورتمکه مشغول اولدی یلر آمدن امداد کفار و متالم شدن عسکر اسلام ذکر اولنان  
جنک کونی اخشامه قریب آق تاپیه دید کلری تاپیه دن کفاریدن باشنه چیقوب سزکله  
سوزمزلر وارطوب و تفنگ انلسون شمد نصکره حصاری رضا مزله و پریرزدیوب طرفیندن  
سردوسرور اولوب یارین آدم چقار صباحه دخی جنک اولیه یارنکی کون صلح واردو  
دیو ایچرودن خبر ویرلیوب اخشامین غازیلر جنکدن فارغ اولدی یلر و مسرور اصباحه  
منتظر اولدی یلر اولکیجه ونیدیکن او نیدی چکدرمه و سکر قلیون امدادی و ذخیره سی  
کالد و کندن ماعد امانته و دوقه و پاپا کیلری دخی کلوب قلعه لمانده لنگر انداز اولوب  
کفان قوت قلب حاصل اولوب کالاول جنکه شروع ایلدی یلر یوندن صکره عسکر اسلامه  
کلال کلوب اللری و یاقلری ایشدن صوغدی زیر اکثری شهید و مجروح اولان عسکرک  
کزیده سی و جنک آوری اولوب یونن نصکره یوریشده دشمنی قووب قلعه ضبطه عسکرک  
هرمانی قالدیکه مقدمامقدور بشر اولمین جنک وجدال و حرب و قتال لدره اقدام و احتیام  
سردار اگر مک حسن تدبیری ایله ترضیب و تحریصی برکاتیله و عسکر اسلامدن یار  
وتوانا مردان کارزارلرک بذل جان ایله صرف مجهود ایلدی کلری سبی ایله ظهور کلشیدی  
و دوتما کلوردیو بوانمبه موهومه ایله فوق القدر بومرتبه پالیشوب جانسیار لقله دقیقه  
فوت اولندی اما چنکه دوتمان خبر یاس کلوب امداد و ذخیره و علوفه دن قطع امید  
ایتد کلرندن ماعد ایچرو قلعه ده اولان کفارک حد و حصری اولیوب عسکر اسلام  
انله نسبت مقدار بسیر ابکن یوریش دخی ممکن اولیوب یار القدر و ندیکدن امداد لری  
کلدیکی دخی بر محذور عظیم اولوب غزاتک شعله شوق و طلب لری خجوده یوز طوبوب  
طبیعتلرینه فتور کلدی اگرچه بر مقتضای غیرت تثبت کوستروب تاپیه لردن و مترساردن  
طوبوب و تفنگ یاغدیروب بر قیاح کون باش کوسترمدن و خندقه چقمان اعدایی  
منع ایتدی لکن ملاعین قونالمکه مدافعه ده اقدام ایدوب هر کون طوبوب و تفنگ  
و جبهه لری یاغدیروب روم ایلی قولنه یدی لغم و اناطولی قولنه اون بر لغم ایدوب یوقدر نفوس  
شهادتیه سبب اولوب آتش بازی ایدرکن ینه امت محمد غیرت ایدوب یونن صکره دخی  
روم ایلی قولندن بش لغم و اناطولی قولندن یدی لغم استلنوب مستوفی کد کار اچلیدی لکن  
یوریش ممکن دکل و ضبط ایدوب تدیجاد خوله امکان وسعت و مجال قوت نامساعد بوماله  
حیرت مال ایله قالدیلر قضیه علی التفصیل سردار کامکار حسین پاشاک مکتوبندن ما خود  
و وقعه لرده حاضر اولان بی غرض مردان کار کد اردن مسعود لکن افواهد شایع اولان  
یودرکه صکره ضرورت حال حسبیله سرداردن بعضی مرتبه رخصت ایله کتخدا سی ولی اغا  
ملعن و فساد احوالی تعویق خدمت و بطوه مصباحته سبب اولدی دیرلر یونن اقدام ماه

رجب خط هایلر و قیاح و قفقان و ارب متر ساله ایکن آلائی عظیم ایله استقبال اولوب  
و تاپیه لری انوب خندق ضبط اولندی غرض قلمشیدی بو وقعه لردخی یازلیوب اعلام اولندی  
یو امداد حصاردن مفسد لر رعایای افساده چیقوب اسقعه نام برک سار صعب المرورده  
واقع نوا حینک رعایا سی سرکشکه اغاز ایتد کله پاوک کوندریلر انقیاده کتوردی  
اطرافنده اولان اراضی ایا واصل و کسام و وسائر نوا حینک رعایا لری قبول ذمت و اطاعت  
ایتد لری ایدی قندی ده دن افساده کوندربلن پاپاسلر اخذ و مر تاس اولان یوللرده صلب  
اولندی قتل قیودان عمار زاده و جمعی مرحوم دیرکه کریده سردار اولان غازی حسین  
پاشادن فریاد نامه لر کلوب عسکرک تاب و طاقی قالدی ذخیره و مو اجب و امداد ایله  
بر کون اول دو نملک کلسی اهرم و الزمدر دیو اعلام ایدردی دوتما کیلری ایسه بو غارده کفاز  
کیلری سدره ایتلریله محصور اولوب طشره چیقما میوب مدت مدیده قالدیلر  
استله طرفندن مؤ کد او امر علیه کوندریلر یوب قیودانه طشره چقمق و اعد ایله مقابل  
اولق تکلیف اولندی قچه تخو بی مشعر جواب ایله اغفال و کریده امداد ایرشد ر مکله  
تقصیر و امر غزاده اهرمال ایلدی صدر اعظم کوردیکه سفاین کفار خوفیلد بوقدر ایام  
دوتمای هایلر محصور قلوب ریاشه پر امدادی قیودانک قتلنی تلخیص ایدوب قیو حیلر  
کتخدا سی کوندریلر یوب عمار زاده قتل و بو غار حصاری محافظه سنه اولان وینوق احمد پاشا  
قیودان نصب اولندی یو امداد بو غازی سدا یدن کفار کیلرندن ملاعین صندلر ایله چیقوب  
اچه ابادده لطافت ایله مشهور اولان صودن صولا نور ایدی الب قره یه سی و سائر قری  
اهالی سی صویک ایچنه بی حد سولن القا و نسیم ایتلریله اول صودن ایچن خنازیر اسهال  
قیچ و موت دربع ایله قریلر درو ساقز محافظه سنه اولان وزیر شعبان پاشا دخی  
جزیره اهالی سنه ظم و تعدی ایلدیکندن غیری امور غزایه متعلق بعضی خدمتده تقصیری  
معین اولغین بستانجیلر خاص کیسی کوندریلر یوب جزا سی ویرلیدی کد لک اناطولی یه  
عسکر سورمکه تعیین اولنان وزیر ابراهیم پاشاک فقرایه تعدی سی طاهر اولغله احضار  
و حبس بعد یدی قله ده قتل اولندی یو امداد ذکر اولنان مقتول لارک و بغداددن کلان ابراهیم  
پاشا و غیرک التي عدد در آس مقطوع لری باب هایلر جمع اولشیدی وزیر اعظم احمد  
پاشا اصلندن وزیر مقتول صالح پاشایی سومردی صالح پاشا زمان قلیلده جمیل انساب ایله  
میدانی الوب بدل مکارم یوزندن دروغ مصباحت آمیز ایله ظهور ایتد شخص حادث ایدی  
وزیر احمد پاشا دخی رند شهر اوغلانی و دقایق حیلله یه واقف مرد ضمیر شناس و عارف اولغله  
ایکی جانباز را پید اوینا مزید کاری مثل کبی بینلرند اتفاق و اتحاد واقع اولیوب جعل  
الفت و صورتی آشنالق ایله صحبت ایدرلردی چون صالح پاشا قتل اولندی و قرینداشی مرتضی  
پاشا که ایالت بغداد نامیله طرد اولمشیدی دیار بکرده باشی کسملوب کتخدا سی ابراهیم  
پاشا دخی بغدادده ازاله اولنوب باشلری کلدی احمد پاشا درو سنه اولان عداوتی اظهار  
ایدوب صالح پاشا منسبلرینک عرقی قطع ایتکه سعی ایلدی صالح پاشاک برادر دخی  
ذوالفقار اغادر آستانه ده اخذ و حبس و اموالی تماما مصادن اولندی قتل صکره قتل



اولندی بعد صالح پاشا مخدومی بالفعل ارضروم بکمر بکیسی دزدار زاده محمد پاشایی  
دخی اعدا مه قصید ایدوب منصبی قارصه تبدیل ایدوب و وارد قه ازاله اید سزدیو  
قارص قولنه قتل ایچون حکم همایین ارسال ایلدی اما محمد پاشا احواله واقف و وزیر  
اعظمك سو قصیدینه مطلع اولغین قارص منصبینه کتمیوب جمله توابع و لواحق ایلله  
طشره یه چیقوب بصیرت اوزن حرکت ایدوب عالمك اختلالی بویه متمادی قالمز  
البته بر نقش اخر طم و رایدردیوب منتظر اولوب دشمنك دانی قریب وحیلله سنه دوشمندی  
وارضروم ایالتلندن قانقوب تیقط و انبناه ایلله یورنهر ك اقسرای سمنلرینه کلدی اما صالح  
پاشانك قرنداشی مرتضی پاشانك و ابراهیم پاشانك و سایر صالح پاشا لینك یلیم قلان  
اغوات و انبای عواماد و کلوب محمد پاشا قیوسفه واروب محمد پاشا دخی وزیر ك غدرندن  
اتقا ایچون لویدین طاغتمیوب صالح پاشالی زمره سندن دخی حرب ضربه قادراش ارلین  
ماننه آلوب تعیین و یروب متبصرانه حرکت ایتدو کئی اعداسی وزیر اعظمه بلد یروب جمعیته  
شروع ایلدی دیمله لیلله کوجك میراخو رشعبان اغا کوندریلوب فرصت بولورسك باشقی  
کس دیو حکم و یروب ننبیه اولتمشیدی اما پاشای مشارالیه غافل بولنمیوب میراخوری  
دائرة سنه اوغرا تمندی صالح پاشانك کورچی باسیسی یناکی ذمی پاشانك بدل ایتدو کئی  
هدایا کورکره کند و مالنی صرف ایتدو کندن ماعد اللی بیک غروش سائر ناسه مدیون  
اولغین پاشانك قتلد نصمکره فلاحدن مایوس سا کندو بی دریایه اتوب هلاک اولدی  
حیدراوغلی دید کلمی شقینك استیصالنه سابقا نا طولی بکمر بکیسی ایشیر پاشا تعیین  
اولتمشیدی فرمان عسکری دخی کلوب حمید سنجاغنده درنك ایتدو کد نصمکره حیدر  
اوغلنك جمعیتی سکوت طاعنه کیمدوب اوز رینه وارلد قه بعضی بلوکاری کورینوب کیرو  
پیشان اولدی لر و کندوسی کهسان کیروب تحصن ابلکله سردارد نوب عسکره اجازت  
ویردی هر کس بر او رینه وارده یشتی مزبور کیرو وظهور ایدوب کالاول بغی و فساد مشغول  
اولدی انجق بوسفر بهانه سیله رعایا و افرط و تعدی و ستم کوروب بر نیجه ویرمدی انجق  
ماه صفر ك بکرمی بشنده که نورو زایدی ایشیر پاشا طرفندن مکتو یلر کلدی حیدر  
اوغلنی قاجردق واله کیرن استقیاسندن یه زمقداری آدم اخذ و ارسال اولندی دیو عرض  
ایش اما کوندر دیک کسه لر اول اطراف ک رعایا سندن ضروری حیدراوغلنه متابعت  
کوستنلر ایدی اون بش مقداری اسواق قسطنطنیه ده صلب و سیاست اولوب و سکسان  
مقداری کور که کوندرلدی حنی اول جوانبك اعیانندن کوزلحصاری علی چلبی دخی اقتضای  
ضرورتله حیدراوغلنه مطاوعت و اتقیاد اطهار ایتمشیدی بواشاده فرار ایدوب کندی  
ایاغیلله توبه کنان ایشیر پاشایه کلد که انی دخی باغلیوب اول اشخاص ایلله کوندر مشیدی  
انك عنقی ضرب و باب همایینه القا اولندی اوضاع غریبه دن بری دخی بواشاده ایکیشیر  
اوچر یاشنده سلطانلری عظیم نخللر و جمعیتلر ایلله وزاردن برر مستحقینه تزویج و زمره زنان  
رأی و کارلرینی پادشاه عالمیناه یاشاره تحسین و تزویجدن ال چکمیوب نجه اعاجیب احداشه  
صیب اولدی لر و پادشاه والا زاده وزیر اعظم اولان احمد پاشایی داماد ایتك ایچون اسکی

زوجه سنی تطلیق ایتدو رب مهمات مسوره و ترتیب نخل سیمین و کونا کونه مبا شرت  
اولندی بعد الا تمام وزرای عظام و علمای ذوی الاحترام اسکی سرایه جمع اولوب دختر  
پادشاه سعد اختری صدر اعظمه عقد نکاح نصمکره سرای و زیره نقل ایچون حرکت  
اولنوب انواع زیب و زینت و اظهار فرو شوکت ایلله غریمت ایتدی لر منار یه بکمر رایکی نخل  
جواهر و سیم و زر ایلله پر زیور ایدی اون سکر کون سرای پادشاهیه پی اندر پی جمعیت  
سور و اطعام و انعام پادشاه ایلله عامه خلق مسرور اولدی لر و آت میدانلر اولان ابراهیم  
پاشا سرائین پادشاه حضرت تلمی کند و منکوحه سی اولان سکر نچی خاصکی یه و یروب  
مذکور ایلله اول مقام عالیله پی آرمکاه ایتك مراد ایتکین بروجده استعجال دوشمسی  
ایچون دفتر دار پاشا تعیین اولندی بعض خیر خواهر سو قیلله سرائیک تماما فرستندن  
فراغت اولنوب انجق میدانه ناظر بر قبه لواطه پی خاص پادشاهی اعتباری ایلله دوشمکنه  
قرار ویرلدی سور سرور ایچون و کاشانه مرقومنه ک فرستنه لازم اولان بساط و زردوز  
آتشه هندیه طلا و وزوسائر تحف و نوادر مقوله سی اثواب و اشیا تحصیل ایچون  
کیجه لرده بدستانلر و مخزنلر و خانلر آچیلوب صاحبنك اذنی و ارایسه خوش یوغیسه  
خواه و ناخواه دکانی و مکانی باصیلوب پادشاهه برار اولمقوله امتعه نفیسه علی مهل  
میریدن انچه لری ویرلک اوزن جبراقهرا النوب سور و سرور لوازمه صرف و اول  
سرائیک کاشانه معهوده سنك فروش و تزینی ایچون ناف اولوب وزیر اعظم و دفتر دار  
حالبی زاده هزار زجت و مشقت و خلقدن غصب و ازیت ایلله تدارك ایتدو کاری انواع  
دیبا و زیبا و سور و شق ایلله پر رونق ایتمشلر ایتک بعد التکمیل پادشاه حضرت تلمی  
سرائی معهوده کلوب فرش و تزینی قبوله قرین واقع اولمیب دفتر دار پاشایی عززل  
و بستانچی باشی حبسنه کوندریلوب دفتر دارلغ پاییه وزارتله دفتر امینی کوسه اسمعیل  
افندی یه توجیه ایتدی لر نقل ایدر لر کداوطه معهوده نك سراسر فرشی و شق و سحر  
وزر اندرز امتعه معتبره ایدی لکن بروساده نك نقشی قرینی اولان و ساده یه مغایر بولمغله  
جمله سی نظر خسر و ایندن ساقط اولدی لکن بوضع حلقه کرال کلوب خصوصاً  
تجار و ارباب دکان و سوقه و اصل بدستان اشیالینك غصب ایلله لند و غندن دلگیر اولوب  
بود یازدن امن و امان مرتفع اولدی دیواشکان سویلشوب ذی قیمت اشیالینی بدستان  
و دکاتلردن قالد رمغه باشلد یلر دفتر دار حالبی زاده بوجرم ناچیز ایلله اوچکون حمیس  
اولتمشیدی اول اثناده بلا سبب بر سوار اسکی سرای سمنندن بدستانه طوغری سکر درك  
دکاتلر قیامتق فرمان اولندی نیز قیامک دیوچاغر برق کزوب خلق دخی اولدن مرعوب القلب  
بهانه استرلر فی الحال جمله دکاتین قیاقوب حنی محلات و استانبول قیولری بیلله قیاندی بعد  
ینه و لکون دلدارلر ایدوب آچدر دیلر اول غلغله ده نجه نك اسیر و امتعه سی ضایع اولدی  
اولکون قیاقوب سینه در عقب آچمله سنك سیمینی معلوم اولدی و ایرتسی کونیدی یان انکلیز  
قلیونی غلطه لوکنده دریا اورتیه سنه اتق بیراق دیکوب اطراف سفینه ده هر کفریه بر بقر آج  
زفت یا قوبه غیر معهود و وضعله جانب سلطنته بٹ شکوی کوستر دیار مکر اللی بیک غروش



مقابلہ سنہ ۷۰۰ ہجری میں ویرا یوب پوزدہ اوج کرک ایلہ اکتفا مشروط ایکن پوزدہ الی غرض  
استنوب و تقریباً اون بش بیک غرض شلق متاعلری شتر اولنوب الخیہ سیئاً خیر ولند و غندن  
غیری کریه انقریه شکند کتماری فرمان پیورلدی غندن متاڈی اولوب جملہ انکیز  
طائفہ سی با لیدو ساریله سفینه لره کیروب لسان طالله اوزریندن بوظالم رفع پیورلسون  
یا خود سفینه لری ایلہ عوما آتشلره ینارزدیمک استر لیمش مراد لری بعد الاستفسار معلوم  
همایون اولدقہ چاوش باشی کوندریلوب علمتری از الہ وارض اولندیلر و مصباحه ل  
پواشاده طشره جیقوب خوبیار قادی وزیر اعظم برادری ابراهیم اغا تزوج ایلدی و داماد  
شهریازی فضلی پاشا اناطولی عسکرین سورمکه تعیین اولنوب امتناع ایتدک  
وزیر اعظم ابرامیلہ خواه و ناخواه روم ایلنه کوندردی مصاحب جعفر پاشا سابق  
روم ایلنه نفی اولنمشیدی وزیر اعظم احمد پاشا رجا سیله کلدک وفات ایلدی و بوسنه  
سرحد نیکه لوندک سوؤتد بیر و طمعندن ناشی لشکر متفرق اولغله کفار هجوم  
ایدوب قرقه سنجاغده اولان قلعه لره و پلنقه لره تمام مستولی اولوب انحصار حدودینه  
کلوب سرای اهلنسی خوف لردن محرابه اورد و چیقاروب مشغول احتیاس اولوب بعد  
کفار کیس قلعه سی اوزینه دوستوب امداد ایر شمکه اوب بوقدر ممالک استیلا و نجه امت  
محمدی قتل و اسیر و اموال لری یغما ایتمکه خسارت عظیمه وقوع بولد و غنک خبری در دولته  
ماه صفر اواخر ده وصول بولدی طرف سلطنتدن نه اصلی و نه حقیقی سؤال اولندی  
ونه وکلای دولته خطاب و عتاب اولندی عباد اللہک لومندن بیری ایچون اولسون  
صورجه سؤال و جواب بله وقوع بولد و غنک خلق مقیر اولوب عقیده محبت اجتماعیه  
قسا دطاری اولدی نعوذ بالله منه و پواشاده مشعلہ جی حاجی محمد نام عربکے پادشاهک  
زیاده التفاتند و کاه و بیکاه طشره حرکت و کجه لردنه وقت طشره عزیمت پیوردق لردن  
حاجی محمد مشعلہ سیله حاضر بولغله مظهر نظر عنایت اولمش ایدی سابقاً حاضر  
باشیلقدن قیو جیلر کتخداسی اولان تلبیس حسین اغا بیچاره عربہ حسد ایدوب  
هر زمان پادشاهه کورمه و نوبتک کلد یکہ سرای قیوسنه کله دیوننبیه ایتمکه عرب منقطع  
اولوب باب همایونه ملازمت ایتیز اولدی رنوتی کون پادشاه مزبوری کوروب های حاجی  
محمد نجون کونفر سگ دیدک الله ینصرك الله یا سلطانم قیو جیلر کتخداسی بزی قومزدیدک  
فی الحال تلبیس حسین اغا عزل و حاجی محمدی دفعه قیو جیلر کتخداسی ایتک اوزن  
خط همایون ویردیله مقتولی واردار علی پاشا مقدمه کراولندی فی اوزن واردار علی  
پاشا طرف سلطنتدن تکلیف اولنان مبانی ویرمکن امتناع ایدوب فصیح  
احوال عالم سودا سیله خلقی باشنه دوستوب طریق مخالفتہ سلوک ایتدیکی در دولته  
معلومی اولدقہ منصبی اولان سیواس ایالتی ایشیر پاشایه ویریلوب حقندن کلک  
اوزن واردارک اوزینه سردار تعیین اولنوب اطراف و جوانبه نفیر عام حکملری پراکنده  
قائمشدی لکن هرا یالتہ کوندربیلان حکم خفیه ارسال اولنوب بربرهانه دیگر ایلہ مجتمعا  
جیقوب صکره مقتضای حاله کون واردارک از الہ سیچون ایشیر پاشایانه جمع وادای

خدمت ایدیه لردیوننبیه لاولنمشیدی ایشیر پاشانک واردار ایلہ علاقه سابقه و حقوق  
قدیمه سی اولغین اول امر دن امتناع صورتی کوستروب حق سوز سولین آدمک اوزرینه  
وارنلاحق بره نجه قتل ایدیه لدمدیشیدی صکره میراخور شعبان اغا ایلہ موکد خط  
همایون واروب یاباشی یا پاشانک دیدن کید اولغله بالضرور درونی عزیمت ایلدی ایشیر  
پاشا چون سیواسه عزیمت ایدوب واردقہ واردار علی پاشا استقباله جیقوب بن پادشاهه  
هامی دکلم استنه منصب چونکه سزه توجیه اولنش مبارک اولسون ضبط ایلاک سیواسی  
ایشیر پاشایه تسلیم ایتمشیدی و نیم شرعی دعوا م وارد دیو عقبه علیه آهسته  
روبراه اولوب نصوح پاشا زاده کید ادخواهانه جمعیت عظیمه ایلہ یوله کیروب اولن  
دعویه شروع ایتمشیدی ماه ربیع الاول استانبول قیو اولوب بر مقدمه ایشیر پاشا زلدی  
بعد اد محافظه سی نامیلہ اسکداره کچوردیلر اقتضا ایدریاسه سردار ایشیر پاشا بانه  
واروب واردار ایلہ جنک ایلہ لوالا بغداده کید لردیوننبیه اولندی واردار علی پاشا  
توقاته کلدک با نیک سنجاغنه متصرف دلاور پاشانک ظلمندن پریشان اولان  
رعایا کروه کروه توقاته کلوب وارداره شکوی ایتدک لردن بر اغاسنی بر تاج یوز لوند ایلہ  
دلاور پاشانک احضار یته کوندروب کند و سی قالقوب آهسته یه ل کیردی ایشیر  
پاشا دخی و رود ایدن خط همایون موجب قیقوب بعضی بهانه ایلہ عقبه یوله کیروب  
آهسته یورردی اما واردار ایلہ ارزنه علی طریق الموضع مکاتبه لری اکسکده کل ایدی  
امایک یا قلشہ مزدی تاکه علی پاشا قازانده لدرین چایلدوب چرکس قصبه سنه قوندقہ  
یاندیش بش بیک مقداری لشکر جملہ دن کاغاج مصطفی پاشا شجاعانن ایدی دخی نجه  
کتابکتر امرار کند و ایلہ متفق و یکدل اولمشلر ایدی و اول محل ینہ مزبورک استیصالنه مأمور  
شام منسلی محمد پاشا بر قریب موضع فرصته مترقب طور ردی آستانه دن بر مقدمه  
تفتک اند از بوستانجی ایلہ بر خاصکی دخی بو خدمت ایچون معین کلوب منسل محمد پاشایه  
لاحق اولمش قرمان بککری کسی کوریل محمد پاشا و قره حصار سنجاغنه متصرف اولان  
حسین پاشا ایکبسی دخی فرمان همایون ایلہ واردار علی پاشا اوزرینه مأمور اولوب اولغله  
قریب موضعه کلشلر ایدی و بوندن اقدام نسیر عسکره کوندربیلان عجم ابراهیم پاشا  
دور مالک و تنغیر عسکر نامیلہ جمع اموال ایدیه لک سیواس حدودینه واردقہ واردار دخی  
کندوب یوجوانیک عسکرین بزجم و سق ایدوب آستانه یه کورتوروز بودا تره دن دست  
کشاد اولوب غیری بره کلسونلر دیو ابراهیم پاشایه مکتوب یازوب پاشا سی ایلہ کوندردی  
ابراهیم پاشا معقول دیو جواب ویردی اما سائر پاشا لکی اولدخی واردارک استیصالنه مأمور  
اولغله غیری بره کیموب اول حوالیه دوران ایتمکه پاشلدی واردار نکیر اربخبر دار اولدقہ  
پلوک کوندروب ابراهیم پاشایا ناصر ردی ابراهیم پاشا الفرار ما لایطاق من سنن المرسلین  
حد بین اوقیوب جمع ایتدوکی اموال و اغر لفی واردار یان قبض ایدوب پاشا زینه ایصال  
ایتدیله توقضیه و نصکره واردار هر طرفدن کند و یی لاطه ایتدک لری خصوصاً بوستانجیلر  
ایلہ خاصکی کلوب منسل محمد پاشا ایلہ بریده مترقب فرصت اولدقہ لری خبر الد قله تهر



ایدوب لشکر ندن برکروه چالاک ایله او زر زینه یاغارا ایدوب باصدی محمد پاشا ایله  
خاصکی بی ایکسینی دخی باغلیوب کند و اوردوسنه کتوردی اما ایشیر پاشا یقین یرده  
اولغله واردار محمد پاشا اوز زینه کندیکی خبرین استندیکی کی اطرافده درکین مترصد  
اولان پاشا ره خبر اوچروب کند و دخی تقدیر صالت اتلوسی واریسه ایچ اوغلانی  
واغوات و لو اندات جمله مکمل و مسلح سوار اولوب واردار او زینه یاغارا ایدوب واردار  
محمد پاشا و خاصکی بی اخذ ایدوب یورغون اوردوسنه کلد و کی ایشیر پاشا دخی  
اطرافی قوشادوب اطرافدن ایرشن مامور اهرادخی منضم اولوب اوردوسنی باصوب  
کتفدا سنی و بر قاج بلالو باشلوا آدم لرنی چادر لرنه طو تدی لرون لرن بعضیسی تفنگ  
و قاج ایله مدافعه قیدند اولدی لرن قاجی مقتول و مساعدی منهرم اولوب قرشو  
طوره مدی لرون دخی تحیر ایله برآته سوار اولوب فرار ایدوب درکین ایشیرک اغا لرن  
یوسف افغانام بر متهور ایریشیوب بازوسنه بر خشت اوروب آندن یی قوب باغلیوب ایشیر  
کتوردی جمله اوردوبی یغما و تالان ایلدی و عسکری پراکنده و پریشان اولوب  
ایشیر پاشا کند و او تاغنه واردی واردار علی پاشا دخی مغلوب و مجروح حضورینه  
کتوردی لرن ایشیر پاشا کانه تطییب ایدوب پاشا با با بونه خالدی مجون کند و کی بویه  
مخاطره یه او غارتدیک دید که اذابلش الانسان طال لسانه فحوا سنجه واردار سوزه  
کلوب بن نه اشلدن سکاسنک عورتکی سیواسدن طلب ایدیلر عرضکی صیانت ایدوب  
ویرمدیکم ایچون سنک کی حریفی اوز زینه تسلیم ایدیلر ظلمت عباد للهک مالی آلوب  
ویرمدیکم ایچون بکاقتل ایجاب می لیدر دیو ایشیر پاشا یه اول مرتبه تقریم و تشنیع  
ایدیکه ایشیر پاشا خد ائندن استیحا ایدوب خدمه بی مجلسدن دفع ایلدی تطویل  
کلام ایتیمه لم فرمان موجبجه واردارک باشتی کسوب آستانه یه کوند دی عبرت چوق  
یکم دین ایشیر پاشا آستانه یه کلوب وزیر اولوب در عقب قتل اولوب حنی استانبولده  
سرای یغما لندیک کون وارداری قولندن اوروب ییقان متهور یوسف اغلاک قولنه  
بر قرشون اوروب شکست ایدوب اول زخمین غلاک اولوب مجازات یرین بولشدر  
آستانه ده خلق ایکی فرقه اولوب وزیر احمد پاشا یه و رجال دولته غیظی اولاب کونه  
پینلر واردارک ظهور یله بونلره بر نادن اصابت ایتیم امید ایدر لردی قتلنی استند کلرنده  
ایشیر پاشا یه سبب و لعن ایتیمکه باشلدیلر فرقه اخرکه عقلا دن ایدیلر بومقوله  
ظهور ایجابنک عاقبتی نیه مجراوله جغنی ییلور لردی انجق واردارک ظهوری وزیر اعظمک  
دسیسه سیله در بویه ایقظا فتنه دن مرادی جلوسدر دیوار ایچیف متنوعه احداثیله  
پادشاهی اضطراب عظیمه و غیظ خشیست و نلاشه دوشور دیلر قتل اولوب باشی کلوب  
باب همایینه القا اولند قه طائفتینک بری غلط امنیه دن وری مکر و حیله دن قانیط  
وما یوس اولوب غنائله بر طرف قلندی واردار اخذ اولند قه کند و چادر نه اولان  
خزینه و اشیا سی قبض و آستانه یه کوند لردی او غلارینک بری زخمیاک ایشیرک ییتنه  
قلاوب بری نابید اولدی و من العجایب واردارک باشی کلد که منزلی جمله اشیا سیله

میری به قبض اولندی خلفه سی عریان یل موملویه چار میغه گریاوب تشهر قاتق  
ایچون فرمان همایون صدور ایلدی وزیر احمد پاشا رجا ایدوب اول ضعیفه بیکنایه  
قهرنی جایگاهدن تخلیص ایچون سی فروان ایتیمکه ناره غضب پادشاه کوجه تسکینه  
اولندی دیو مورخ ذکرا یلیوب نجب ایتیمشدر و بو خدمت مقابله سنه میر اخور کبیر  
ایشیر پاشا یه سمور قیلوسر اسرو خدمتده بولنان امرایه خلعت کوند لردی مناقشه  
مصاحب فضل پاشا با صدر اعظم در حضور همایون داماد پادشاهی مصاحب  
فضل پاشا بوندن اقدام روم ایلی محافظه سنه عسکر تسبیحینه ما مور او ب  
کتشیدی استبوسنه ر بیع الاولی ده آستانه یه کلوب قبه نشین اولدی پادشاه  
بولشدر قه روم ایلینک احوالی دیگر کون ورعایا پریشان و ضعیف اولد و غنی  
و کفار بوسنه سرحدینه مستولی اولدی غنی سویلیدی پادشاه عالیناه حضور لری  
یا بکا ویرم دیدیکه بوسنه حد و دند براییکی پلنقه ایله بر کلیسا الد بلیینه اولدن  
کافرک ایشی بوسنک سویلیدیک سوزنه کوبه سوزدر بوکلامی لالامک اوکنده سویلیه  
پیلور میسن دیو بیورد قلندر غافل فضل پاشا لاینفعلک الامیر اذا عا دك الوزیر  
کلامندن غافل اولغله استقبامتنه مغرور اقوال بالحق اولتی داعیه سیله  
پادشاهم لالاکک مواجهه سنه سویلرم دیدی پادشاه عالیناه وزیر سراینه کادی  
ضیافت ترتیب اولوب اول مجلسه وزیر اعظمه فضل پاشا بی بولشدر دی فضل پاشا  
سباق سباق اوز روم ایلینک خرابغنی و کفارک بوسنه یه استیلا سنی تفصیلا مواجهه  
وزیر ده سویلیدیک وزیر اعظم مزبورک قولتی نقض و تکذیب ایدوب پادشاهم بونلر  
کوزیوکلکی ایدوب جزئی لموری قباردوب او رتالغه وهم القایتمکه کند و لره خیر خواه  
دیدر مک استر لر سرحد اسلامیه ده کفار ایله محاربه شمیدی اولمش دکلدر کاه غالب  
کاه مغلوب اولتی اوله کلشدر بوسنه ده اولان وزیر لر یز برایکی قلعه کافر دن الدیلر  
کفار جمعیت ایله کلوب ها بر مقدار تجا و زابلش دولتکده و افر عسکر و برار امر اوسر عسکر  
کوندریاوب جمله سنی استرداد دن صکره دخی ممالکنی پادشاهمک خیر دعای سی  
و همی برکا تیله بر بادید رزوروم ایلمنه سلفدن زیاده زما نمزده تکلیف اولند بیکه  
خرابلقارینه یز سبب اوله لم دیو جواب ویردیکه فضل پاشا پرده بیرون سویلیوب  
بعی پادشاهم عالمک احوالنه بالذات تقید ایدوب بحصول و قوف بیورک لالاک  
ار تشا ایله عالی خرابه ویردی خزینه یوق رعایا و عسکر نینک حالی اللهه قالمشدر  
بو حرکتک عاقبتی نیه مجراوله جغنی ملاحظه بیورک بومقوله مدافعه یه چندان التفات  
بیورماک دیدر که احمد پاشا حاجه و مجادلده حاضر جواب ایدی پادشاهم بومقوله منازعات  
و اعتراضات نهایی صاحتیه مبنی و حسدن ناشیدر مهر همایون طلبکاری اولندر مقام  
و کالتکرده اولان قولکره حسد ایدوب معنی پادشاهمک فرمان شریفیله اولمش حل  
و عقد تدبیراتی بکنیوب کاه دشمن احوالی کاه عسکر و رعایا اختلافی موضوع بحث ایتیمکدن  
خبر ضرری یز وزیر اولستی دخی بکرک تدبیر ایدر دیک استر لراما رجال دولته



دهشت و عباد الله خشیت ویره جك بویله بد خبر لك برسته اون قاتوب عالمه  
شایع اینه نك قمع و ضررینی بلین امور عامه بی عجه تدبیر اینسه کر کدر قولك و سعم  
مرتبه دین و دولت خدمتته بدل مقدور ایلدم اعتراض مجرده نه اعتبار پادشاهمك  
امردن خارج راشمی اشلدم بیان ایلسون پادشاهم بمقوله صورت حقندن کور و نثار  
کند و لره خیر خواه دیدرمك ایچون امور سلطنتك بجهل سینه اعتراض ایدوب معایب  
و تقایص بولورلر حقیقتا پادشاهمك تدبیر بی تزییف ایتیش اولورلر بونلرک غرض  
آمیر سوزلرینه وجود ویر لمسون که قلوب خلقه نفرت و بین العامة فترت و وقوعه  
باعثدر دیوب مغلطه حکمای نه ایله فضلی پاشادن تحویل نکه رغبت ایله سکون  
ایتد کمر نه فضلی پاشادخی سولیم دیرکن وزیر اعظم فرجه بولوب پاشاقرنداش همان  
هرایشید یان جزئیاتی کر اتملو افندیژه سولیم دیوب نکدیر خا طرایمک معقول دکلد  
دولت علیه لرنده اتفاق و اتحاد ایله پاره سن کوروب پادشاهمك رضای همایونلرینه لایق  
خدمته سعی ایدلم اش کیده لم دیوب طشره چقارلر اول آن فضلی پاشا قوللری امر غزاده  
وقوف تام صا حبیدر کرید سفرینه تعیین بیوریله دیو ناخیص ایدوب خط شریف  
اصدار ایتدی فضلی پاشا امتناع ایتمکه پادشاهم استه امون اعتراض ایدر لرخد مت  
تکلیف اولنسه ابا واجتباب ایدرلر دیو ناخیص ایتد که حبس فرمان بیورلغین فضلی پاشانی  
قیوار سنده محبوس ایتدیلر بش کون حبسندن صکره قره دکره کتمکه راضی اولوب دروت  
پان قدرغه ایله ازا ق محافظه سنه کوندر لدی و کفار کیلری بوغا زاوکنی سدا ایدوب  
دو تنجایی طشره قیو ویر میوب مصدر دن وغیری یردن سفینه لک ذهاب وایا بنه مانع  
اولمشیدی پادشاه سول ایتد بکه احمد پاشا ضروری دروغ اختیار ایدوب کفاریه کلری  
قالقوب کندی دیو ستر ایدوب دو نمایه و جره متعلق سوز حضور همایونلر سولیمسون دیو  
محکم تنبیه و یساع ایتشیدی حکایه ابراهیم اغا برادر وزیر اعظم صاحب دولتک برادری  
هم کتخداسی ابراهیم اغا که مصاحبه خوبیا رقادی بی تزویج ایدندر قدرغه لیما تی قریبنده  
یشیر اغا خانه سنده ساکن اولور دی کندوسی و توابعی عیش و نوشه مستغل و لهو  
ولعبه توغل ایله غافل اولغین جمادی الاولیه ساکن اولدغی منزل مطبخندن طو تشوب  
یائنده مصرف کاتبی علی افندی منزله معاحترق اولوب رضوان افندی منزله منتقل  
و خوبیار و کند و زیاده متضرر اولدیلر بر کجه پادشاه طرفندن بعضی خصوص ایچون  
منزبور ابراهیم اغایه بر بوستانجی و ارر مجلس شرب میداند کله لکرم بوستانجینک باشنه بر  
طبق اوروب شکست ایلدی اتفاق اول کجه پادشاه حضرتلری وزیر چاغروب سرایه  
وارمغله بوستانجینک وقعه سندن خبر اولمغله سرایه کتوروب بر کیسه غروشی ویروب  
بوخالی افشا اینه دیو مطیب ایلدی منزبور ابراهیم اغا اینسه شرب مدامه مأوف ایلدی  
مستورالاحوال اهل عرض طرفا ایله محبت ایتیمک ارادل و مصاحک مقوله سیله هم محبت  
و دور خرابات این متهنک غدله بی رغبت ایله کرم الفت اولوب قم قیو ستملر نه سبور دوش  
اعلان فساد ایدن مطراچی نام فاسقی کتخد ایدوب بمقوله اطوار قیچه سندن اگر صاحب

دولت و اگر خیر خواهری دلگیر اولوب نصیحت نایب ایتد و کندن متکدر ایدیلر بوستانجی  
وقعه سی ظهورند وزیر اعظم کندوی چاغروب بونه اصل و مصدر دیو پرشش و تنبیه  
ایتد کد مستک فاعلیله خشونت امیر جواب ویرمک عز و صدارت شفقت اخوته غالت  
و قاهر اولغین دکنک دریب اشاغی التماس فرمان ایلدی توابع و خدامدن هیچ بری یا پیشغه  
جرات ایتد کد وزیر غضبندن اتش محض اولوب محض اغا یولد استرینی چاغروب  
اندره امر ایتد کد علی الرسم اشاغه الوب اول عز و نازله قبه فلکه و سعدن ابا واستغنا  
ایتدیکی ایاجقلین فلق نادیسه کچیروب ایکوز چوب راست و نکمیلندن صکره یوزی  
اوزرینه چور دید کندن همان قیو جیلر کتخداسی کندوی او زرینه براغوب دولتی  
عزیز یاشک ایچون عفو ایله دیو کریان اولوب اطرافدن هجوم رجایله کوجله تخلیص  
ایتد پلرخزانه اوطه سنه حبس اولنوب بعد ایه به نقل و اندر بر خانه ده اسکان اولندی  
ویرینه قیودان ایکن شهید اولان مرحوم موسی پاشا کتخداسی اولوب حاله شریفدن  
قفول ایدن ارناود احمد اغایی کتخدانصب ایتدیلر احمد اغا برشدید البأس ضابط آدم  
اییدی کتخد الق بو سننه او تور دینی کبی عموما اتباع و لواحقنه تنبیه اکیید ایدوب اگر بر فرد  
بعد الیوم طریق فسخه شروع ایدوب شرب خمر و محرمانه متعلق ذن قدر جرمی ظهور  
ایدسه صاحب دولته دانشمندن سیاست و صلبله عالمه عبرت ایدرم دیدی و افعایوننصکره  
اول قیو خلعتندن قضاحته متعلق شی ایشدلمدی برآی قدر ابراهیم اغا محجور و مهجور  
قالوب هر تقدیر سه برادر صاحب دولتندر رأفت و مرحمت مقتضای سنجه جرمین عفو ایدوب  
دعوتنه آدم کوندر دکه اجابت ایتیمک بر مقدم نازنیکلک ایلدی بالاخره بازرکان باشی  
هارون یهودی واروب کتوروب ال اویدردی بارشدیلر ول اشناده بغداد محافظه سنده  
اولان وزیر موسی پاشا عزل اولنوب ایلالت بغداد مشارالیه ابراهیم اغایه توجیه اولمغله  
خاطر محرومی تطیب و رضا قلندی نفی شکرپان جمادی الاولینک اوچنجی حمیس کونی  
مصاحبه لردن شکرپان خاتون کجه مصاحله قریشوب اتباع و لواحقین بدیله رشونلر  
الوب حدیجی تجاوز ایتدیکی ایچون سائر مصاحبه لرایله ضد دوشوب والد سلطان  
حضرتلرله بینارنده محاور و مناقشه سبقت ایتکین حتی مهد علیا حضرتلری مزبور بی  
ضریات دن نأدب ایله تغذیر ایتدیکی شایع اولمشیدی کیدرک احوالی سمع پادشاهی به  
القا اولغین یوم منزورده منزلده اخذ و بر قایغه قونوب ساقره نفی او اندی جلبندن مغزول  
چسین پاشا خلیله سی ایه قری حامد خاتون اکثر مزبور ایله محبت ایتمکه اول محله  
سرایتده بیلوب اولدغی نفی اولنوق فرمان بیورلدی املا مامد خاتونک بر عارفه جاریه سی  
حامد خاتون نیم دیو خبر ویرمکین آنی حامد صایوب شکرپان ایله بر قایغه قونوب سور دبلر  
حامد بو طریقه قورنش بعد زمان معلوم اولوب جاریه عالمه بر نام قودی و شکرپان نك مالی  
مصادق فرمان اولنوب توابعلری سیرنجی سامان و دده نام ایکی حریفدن بعد الاخذ  
استفسار اولندی بوانکی شخص که مزبور نك قوه و شایله وافر مال جمع ایدوب قارون عصر  
اولمشیر ایدی والد سلطانک ایدر دینی خانده اراوطه ده اون الی صند و فکه جواهر و زروسیم ایله



مالا مال ایدی مفتاحترین سبزه چی تسام ایدوب صندوق قاری حضور همایونه کنوردیو  
 جمله سی شکر یان مک مهر به اجد قلند هرری لب برب جواهر و انجوا به ملوساژند التون  
 وریال و ذی قیمت طلا کار هند یاد کارلری و سائر تحف ذی قیمت طوطی و پادشاه بوستانی  
 کورد که های کافر بکا اخشام اتمک اله حق اچه م یوقدر دیومین ایدردی باق نلری چقدی  
 هب نم ملدردیو بر مشر و منزلی کسر اولد قده بریاض بر صاری زربفت قیلو کوزک و بر قاج  
 نیم تن کور کمره لوب اینکیوزیور غا که بری انجولی اینکیسی زردوز سائری انواع اقمشه دن  
 ایدی سائردی قیمت سائری دخی وافر ایدی نقد اینکیوزاللی کیسه سی چقدی دیرلر قاج  
 کوند نصکره شکر یان کتخد اسی مزبور سبزه چی دید کلر یکه اسپناچی باشی دامادی ابراهیم  
 چلبی دیرلر یونی اوریابوب افسرای چار شوسنه القا اولندی و سلیمان دده بی ذخی کچه ایله  
 یوغوب نابود ایدیلر شکر یار خا تون قوچ بیگ اوغلی پهلوان احمد اغا نام بر مباشر ایله ابریه  
 نفی ایشلر ایش احمد اغا نقل ایدر مش شکر یار غافل اخذ و نفی اولغله یانه خر خلق  
 الایوب بولدر ضرورتی مباشر اغایه اظم یار ایتد که پهلوان دخی التیوز اچه ویر مش بی اختیار  
 پهلوانک دامین بوس ایتد که اینکیسنه دخی بکا کلوب اغلا مشر حدود مصره وارد قلند  
 حمید راغازه محمد پاشا راست بکوب مزبوره به اوچیوز التون و مصره وارد قده بالفعل مصر  
 والیسی کوچک امیر پاشا بشیموز غروش خر خلق و وروب مباشری ابریه کتور ووب کلش دیو  
 مورخ نقل ایدر قتل ابراهیم پاشا انا طویلید لشکر سورمکه متاور اولان قواوز ابراهیم پاشا  
 کلوب کثرت مظالم همتمیله موأخذ اولوب اراده وزیر اعظم ایله یکی قله به قونوب تمام  
 اموالی مصداق اولند قدن صکره چاوش باشی یونی ایزی کورندریابوب حنقاقتل اولندی  
 وجهه سی یی قله دن سرای قیوسنه کلجه ایانندن سورنمک فرمال اولمشیدی اخشام  
 وقتی میتن توکل چشمه سنه دک بارکی ایله کتور وروب انا یه بر اغوب ایاننه اورغان باغلیوب  
 سرایه دک سور یوب اچیده سیاست چشمه سی اوکته القا ایتدیلر اون کوندن زیاده اولیت  
 باب همایونده یابوب رایحه کریمه وصدید ندن خلق متاذی اولوب بعد قالدردیلر وزیر  
 نامه بر آدم اینک حقه و قوچ بولان اهانت که شرعاً و عقلاً مستقیم ایدی مدار تعجب  
 و تنفر اولدی و توابعدن کتخد اسی و حسین اغاسی و خزینه داری حبس و شکنجه اولوب  
 جمله ماملک لری سوبله دیابوب اخذ اولندی آثار عجیبه دندر که اوائل جمادی الاولیده احتراق  
 زخل واقع اولوب مرغ و عطار دخی مقارن ایدیلر وارد علی پاشا و صاری محمد اغا  
 و چو لاق حسین پاشا و ابراهیم پاشا عونه سیمه و قیودان عمار اوغلی بوجمله سنک کله لری  
 و قواوز ابراهیم پاشا نک جسته سیمه باب همایونده جمع اولدی احوال قراق ماه ربیع الآخره  
 غره سنه قهریم خانی طرفندن آدم کلشیدی سابقا صاری قاشش نام برلده سائری اولوب  
 اوزی صوفی دید کلری آق صودن شیفه لایله قره دکره چاقوب یالیزی غارت و ایصال  
 خسارت ایدن و خوتون سفر نه طابور ایچنه کیروب عساکر اسلام ایله جنگ ایدن قراق  
 طائفه سی بوانه ده که قرالده تابع یکنوب حالا برایکی سنه در ونیک اسناد ایتمکه  
 قرالری انلری زادن به کوندروب علوفه و ذخیره ورمیوب بعضی خلاف مرضیاری

اولان نکالیف شاقه و انواع اهانت ایتمکه طائفه مزبور عموم او زره لهدن روکردن  
 اولوب اطاعتدن اعراض ایلد کد نصکره برایکی بالو باشل بویارلین قریم خانه کوندروب  
 من بعد مستان اولوب سنرکه واقع اولان سفر لرده دین اسلام اوغورینه باش و جان ایله  
 خدمت ایدوب لهدن کلیمه قطع علاقه ایشزدور و رهنامیزی الوب عقد عهد مزبوری  
 قبول رجا ایدر زده لایله کلان بویار لرینه خان کلی رعایتلر ایدوب جمله شروط و قیود ایله  
 اولان عقد یمانی قبول ایتد کد نصکره له اوزرینه ایدر جگری سفره امداد کوندرمک  
 و تانار عسکری ایله عظیم اقل ایتمکه وعده و هر حاله معاونت ایتمکه در عهد ایتدی و کلن  
 آدمه عن قریب له اوزرینه سفر مقرر ددیو جواب ویردی صکره تانار خان کافره اقل  
 ایدوب قرق بیکنن متجاوز اسیر چقاروب روس مجوسک قلعه لرین یاقوب ییقبوب  
 غزای عظیم ایشیکن بشارت فتوح ایله کان آدمیسنه وزیر اعظم احمد پاشا خلعت  
 کیندر میوب روس بزمله یاریشق ایشیددی خان نجون انلرک اوزرینه اقل ایلدی البتله  
 اول الدیغک اسیر لری بوجانیه کوندرسنه که صاحبه بناء اطلاق ایدر لم دیو عتایی متضمن  
 امر و مکتوب ایله خانک قیو کتخد اسی جمشید چاوشی و قیوچی باشی ایله کوندروب انلردخی  
 خان حضورینه واروب ابلاغ پیام عتاب انجام ایتد کد اسلام کرای خان هیچ متغیر  
 اولوب زیاده شاهک بنه لری یوز روس کفاری صورتا صالحة ادعا ایدرلر و تاقیه  
 باشلرینی صقد قچه طرف سلطنه ایشینی عرض ایتمکه قریب وهم فرصت بولد قچه  
 شیفه لایله چیقوب انا طولی سواخلنی خراب ایتدیلر شونده ایکی خالی قلعه واربالد فعات  
 عرض ایدوب ایچنه نفر تعین ایدرک مواجیلری ینه بوسوا حاک بالق محمولندن استیفا  
 اولتوردیه کوردک تقید اولندن آخر روس مخوس اول ایکی قلعه بی ضبط ایدوب  
 ایچنه جنکی قراق طولدر دیغندن صکره یکر میدن متجاوز قلاع متناسفه احداث  
 ایدوب بوییل دخی صبر اولنسه آق کرمان و لابنی بالکلیه استیلا ایدوب بغداد دیارین  
 بالکلیه تملک مقرر ایدی آخر اوج بیگ قراق شیفه لرینی یاقوب بزه بدرقه اولدیلر اقل  
 ایتدیکم زده مالا کلام قرق بیگ قراق بزه تابع اولدی بریوک خطمانلریله بوجمه کفاری  
 اسیر ایدرک انلرک عهدی محض خدعه ایدی انشاء الله عزیم بودر که روس قرالنی بغداد کی  
 طرف سلطنتدن نصب ایتدیرم دیو ختم کلام ایلدی اول جاهل قبوچی باشی یا نجون هم  
 پادشاهک قولیوز دیر سرهم امرین طوتمز سریدی اولحل تا تا و امر اسندن بر میرزا جواب  
 و وروب پادشاهک بوقضایادن خبری یوقدر کفارک مکر فریبین صلح تصویب ایدر سر  
 اولملعون جهانی خراب ایلدی بوند یوز بیکنن متجاوز تاناروار که زراعت و تجارتلری  
 یوقدر اقل ایتمکجه نه ایله میوشت ایدرلر حالا دخی سلطان حضر تاری اللی بیگ تانار ایله  
 اقنه کیشدر پادشاهه قوللق و دوستلق بودردیدی اندن اینکیسی دخی بوجوابلر له  
 کمی به کیروب عودت ایتدیلر تیدیلات ماه صفرده کوچک چاوش دیتمکه معروف  
 یکجیری اغاسی احمد اغا معزول و کوتاهیه ایالتنه کوندریابوب رینه جزایرلی محمد اغا که  
 سابقا بستنجی باشی لقدن تقاعد ویریلندر یکجیری اغاسی اولدی و ربیع الاولده



حزبه پاشا زاده نخسته و بی فائده اولاده بدوندن عزل اولنوب سابقا قیودان اولوب  
 ساستره دن کلان سیایش پاشا بدون ایالتنه نصب اولندی و ماه صفر ده قدسی زاده  
 برینه ملقب مصلح الدین قاضی استانبول اولدی مورخ ملقب افندی به حرف اندازلق  
 ایدوب دیرکه مصلح الدین قاضی اولوب و مولوک دبیرین قراردوب جاملری و دکاتری  
 یطنه لدوب یوز اغر تمشیدی شه کیم دیمشلد دریت مرده خیز انه که اولدی قاضی شهر  
 امغلان بزونی بالذات سابقا مفتی سکد کارینی شمدی حکم ایندی یروب الور ککرات وغره  
 ربیع الاولده چوی زاده برینه غلطه دن بالی زاده دفعه صدر روم اولدی و ادرنه دن معزول  
 حنفی افندی قرق کیسه اچیه و یروب اناطولی قاضی عسکری اولدی و جاذی الاولیده  
 یعقوب خواجه غلطه دن عزل اولنوب مفتی زاده مجد افندی غلطه قاضی اولدی  
 برینه والد مدرسه سنه مفتش کوسه علی افندی که چراغ مخصوص صاحب دولتر طالب  
 و بالقوه اولمش حکمنده ایکن وزیرک انحرافنه بناء تحلف ایدوب محمود افندی زاده عثمان جلی به  
 ویرلدی بر قاج کون مقدم ملک زاده نکرار اناطولی به و یوق یوق زاده استانبول اولمشرایدی  
 تکرار تبدل واقع اولوب ملقب مصلح الدین بالی زاده برینه صدر عاقل در روم و اعلی الاعالی  
 مرزوم اولدی ملک زاده و ملقب باب رشاقتمند علم اولمشرایدی بعضی شاعر ادیمشدریت  
 جمله حکمنی باطل کور یحکد دیش اوغلان پوزونکینه ملک بویه حکم ایلر ایسک دیوانده  
 انالا اذهب والله معک لا بعیش الفواد عیشاضنکالا یولی من لم یکن بزکاء بوقت مناسب  
 واقع اولدی و مقدمان من جاد سادو من ساد فاد مثل مشهورایدی حالا قلب اولنوب من  
 حاد فادو من فاد ساده و صف حال زمانه اولدی و شاهاده باب ارتشایی محابا اچیلوب مرتشیلر  
 قول قول یورسوب مناصب علیه و سیفیه بیج من یزید ایله صانغه باشلیوب قلبه دن  
 صیامی ملایک منصبنه اون یسک غروش عرض ایتمکله توجیه اولنوب اچیه سی  
 اولما مغله تحصیلنه مباشر قونوب مراجحه ایله اکوب ویردکد نصمکره مدیون و مستغرق  
 و عبتدن ساقط منصبته کیدرکن عندن هلاک اولدی بونک امثالی اولعصرده اچیه و یروب  
 منصب الانک بریسی خیرین کور میوب اکثری منکوب ویر باد اولدی شامت رشوت  
 طوق لغت کی بوغاز لینه یکوب اصله قالدی یو ایام هرج و مرج و مر جیه بر قاج کون صبر و الم  
 عزلی جمع ایله نفسلرینه جیر ایدنلر صکره ظهور کلوب مراتب علیه نائل و مراملرینه  
 و اصل اولدی عادات الله بونک اوزرینه جاری اوله کاشد رامورجه و نظامنه خلل ورن کان  
 مباشرت ایدنلر بخورد اولوب جزالین بولور زلزله جمادی الاخره نک التبی کونیوم احمد  
 ایدی قبل الغروب استانبول بر زلزله عظیمه اولوب محله معلق خانه لرو او جاقرو منان  
 کلا هاری ییقلدی بونک امثالی زلزله بر عصرده کور لما مشدی بعض مجرب  
 ماحمه لرده و حوادث کائنات احوالی یازان کتابلرده خیرانه کوندر زلزله اولوق  
 روم قان دو کیلوب بر پادشاه هلاکنه دلالت ایدر دیه مسطور بولندی سوء احوال  
 صاحب دولت و توزیع سمور بر اعیان مملکت مورخ دیرکه پادشاه عالمیناهک ذکر ی سبق  
 ایدن اوضاعندن و حرکتلرین عباد الله متضرر اولوب بوفسادات جمله وزیرک باشی

التندندر مراد ایتمسه دفع ایدردی عالمک نظامنه سعی ایلردی دیو احمد پاشای سپرناوک  
 طعن ایتمکله باشلد یلر و بوسنه حد و دینه کفار مستولی اولوب او توز قرق پان قلعه و بلنقه  
 الدینی شیوم یولوب دوئمای همایون بوغازدن طشره چقمیوب کریده اولان غزات  
 اسلامک احوالیه تقید اولند یغندن خلقک لسانته دوستوب گفتکو چوغالیدی چونه  
 حکم قضای مقتضایستی اجر ایله جکدر عالمه اسباب متنوعه هویدا اولمغه باشلدی احمد  
 پاشا بر سوزا کلا و قوریا ز احوال عالمدن خبرداروزر رشید ایکن مقتضای قضای و قدرایله  
 اوضاع نامعقوله بشلیوب اطرافله اعدانک حرکتی و اوضاع نامعقولندن عباد اللهک  
 محنتی مقرر ایکن بویه و قتله طریق مستقیم اوزن یورسوب پادشاه ایله خلق بیتمی  
 توفیق ایچون طرفینه حکیمانه معامله و حسب الامکان تحذرو توقی واجب ایکن دولت  
 دنیا به فریفته اولوب خلقک طعن و تشنیعنه وجود ویرمیوب بویه ایام مخاطره ده  
 لا ابالی جمع مال و آشکان ارشایله کسب و زروو بالدن اجتناب ایتدی و خلقی ردع و تحویف  
 ایچون قرط عبس و سرعت عقوبت ایله متصف اولد قارندن غیری کخدا لری  
 ارناود احمد و تذکیره جیلری شاهی زاده مجد افندی و چاوش باشی کر کردن طوراق و سلام  
 چاوشی صاری مصطفی بولردخی شیه نو دولتان اوزن خلقه قهر و تعنیف معامله سنی  
 ایدوب دوست و دشمن کند و لردن هراسان و ارباب مصالح ضرب و شکنجه لردن  
 برک پید کی لرزان اولوب فقر و اضغافط و کرملردن محروم و اغنیامصادن و تعدیلردن  
 خائف و مهموم ایدیلر طرح بنا و انشای انا ایتمه نک وقتی دکل ایکن اناطولی حصارنه  
 و لجر لیه و استانبولده متعدد یزیده و کوچک حکمجه ده شدادی بنالریاید مرغه مشغول  
 اولوب حساد لسانته سر رشته ویردی عالم خرابه واردی دولتو عباد اللهک خون  
 جکرمین اکوب مخلص قلاجق بناله بشلیوب دنیا زوالی و حقتک جلالن فراموش ایتدی  
 دیمکه بشلد یلر و دولت عثمانیه ده وسار دوتلرده اکثر اوقاتک مناصب عیننده اچیه  
 التبی معتاد قدیم اولوب عالمدن رشوت دفع و اچیه ایله منصب ویرلک منع و دفع اولندی  
 یوقدر انجق یومقوله امورده وجه اعتدال ایله عمل اولنوب رسم قدیمه مبايئت فاحشه  
 ایله مغایر توجیهاتدن و انصافدن خارج شی الوب نامستحقار تقدیم مثلوتبد لاتدن  
 حذر لازم و نوع مناسبتی اولان یلردن وجه معقول ایله النان شی دخی غایت مستور  
 و مکتوم اولوق واجب و مهم ایکن رشوتی بر مرتبه مشهور ایتد یلرکه جمله مناصب علیه  
 و سیفیه بیج من یزید ایله آشکان صایتلوب هر کس منصبه تقدیر رشوت ویردی عامه نک  
 بلکه اهل سوقک مسموعی اولوب وعد ایدوب ویرمینلردن فرمانده و مباشر ایله  
 حقوق لازمه کی تحصیل اولنوردی کرید سرداری حسین پاشادان امداد طلبی ایچون  
 پی اندر نی عرضلر کلوردی دنما بوغازدن چقامیوب تقید اولند یغندن ماعد احسین  
 پاشانک پاشا اولان امرا و بکیر بکیرک منصبلرینی آستاده ده اولان مشتری بلرینه فروخته  
 ایدوب سر عسکرک ویردیکی زهامت و دز لکیر بوجا بنده مراد ایتد کیرینه ویریاورایدی جماعی  
 پاشانک التیش بش کیسه سی الوب اون بش کیسه خی تکمیل ایتلک سر طبله ارضرو



ایالتی کند و یه ویریاوب گورجی یاشابی وجه عزل اولندی بشقی زاده ملک کوچکدن  
 اون سکر کیسه انوب سلا نیک ادره پایه سیله ویریاوب عزیت و وعد اولندی لکن توجیهه  
 فاک مساعده ایتدی بوجله دن ماعد اسرای عامره ده اولان قصر معلا و کاشانه زیبارک  
 هرری سراپا بساط سمور و دیبا ایلده دوشمک فرمان اولنوب حکام مالک سمور کورکار  
 و نقوبت ایچون جناب شهر یاری عیبری زیاده تناول بیور معله شامه غنیرلوزریج  
 اولنوب آستله سغا دنه اولان قیو کتخد الزدن جبراً و قهر تحصیل ایتدر مشاییدی  
 بونکالیف بر قاج دفعه واقع اولوب عدم قدرت اظهار ایلینلرک کیمی مغزول و کیمی محبوس  
 اولوب اذیت و حقداده دقیقه فوت اولتیق امر محال اولاشیدی بساط دینا و نالین زرکار  
 و منقش مانند افتاب تابان و صفا بخش ایکن طبع همایونلریته موافق دوشمیب سمور دن  
 اولدنیچه نظر اعتبار لیده پست و زمان دولترنک بی سمور امید مناصب ایدلر محروم  
 و بادست ایدلر و ایدلر ماعد ایدلر زردوز و مظلای تعلیق اولنه حق محالره اوختله اولان  
 مذکور ایدی محصل کلام بدش نکاهنده معتبر و منظور اولان سمور ایدی طرف پادشاهیدن  
 بومقوله اعتبار اولمغله شهرده وجودی بولمز و هر دانه سی یوز غروشه صایتلر اولنوب  
 بیکر غروشه التز اولدی شغرای عصر دن بری بوقطعه بی اولزمان سویلیوب و جیحی  
 تاریخنه ذکر ایتشد در نظم اولقدر رغبتی وار سمورک اولدی تحصیل ائک امر عسیر بویله  
 قالورسه اولور ذی قیمت نافه کاب و قفای خنیر مسقو کافری بوسیلله ایله بچد سمور  
 کورک کوند روب برنجه مصر خزینه سی قدر مال المش ایدی نصیحت قدما ی حکما  
 کتابلرنه مذکور در که بلاد اعدادن کان بلکه اخر دولته اقلیندن حاصل اولان ترف  
 و احتشامه متعلق امتعه و استیایه چندان رغبت ایتک پاشا هله معقول دکدر که  
 انلرک رغبتی ایلر و واج بولوب ملکته نقود و اموالی اول متاع سبیلله اخر ممکنه کتیه  
 اکثر یا کند و ملکتهدن حاصل اولان امتعه به رغبت ایتک لازمدر که مال ملکتهدن خارج  
 یوه طاعلیه التان کرکار دولته فائده در دینلره جواب و برزکه مالک ساثره دن امتعه  
 کتوروب فروخت ایدلر الد قاری مبلغی بلاد اسلامییه محمولندن یکنده و لره لازم استیایه  
 و برلر سه دور دایم ایچینه مملکته قالمش اولور بوضو رتبه دفعاتله التان کرک فائده دن  
 صد اولور افریج طائفه سی چوقه و قاش کتوروب بلاد اسلامییه دن بیایغی و قشک  
 و ما زو و شپ و قلینه و رماد و سائر غیر ممنوع شیلر الوب سفینه ایله بلواسدی  
 و التونی از میروپاس و صید اواسکندریه اسکله لرنه بوشانوب اطراف ممالکه توزیع اولندیغی  
 کبی که انقره دیاری و حلب و صیدا و طرابلس و جمله درزی جبال اول اموال ایله ملوا و لور  
 امام مسعود دیارندن کن سمور و سائر انواع ذی قیمت کورکاره ویریلان ایچیه بی اول  
 ملاعین ممالک اسلامییه ناک متاعنه صرف ایتلر کذلک هند متاعلریته بوقدر خزینه  
 اموال کیدر هند یار ممالک عثمانیه دن رشئ المازر و لازملری دخی دکدر بوندن کرک  
 التیق فائده سی شمنند اولان ضرر معنوی به دکر ایراد لری چوق و بلاد آخره عدم  
 احتیاجله مصر قاری یوق منزله سندن اولمغله دینانک مالی هند و قهوس سی سببی ایله

جمع اولوب مموللری قارونه معادل اولشلردر دیونقل ایدلرینه صدده رجوع ایللم  
 مشوکتلو پادشاه عالمینه خضر نلری ایجری سی و طشره سی بالجمله سموردن اولق اوزن  
 ذات مکرملریته مخصوص مرصع دوکه لور نوع لباس اختراع ایتلر ایدی هر بریسی الحق  
 سکر بیک غروش ایله حصوله کلوردی مورخ شارح المازاده کنار کتابده دیرکه ایوبده  
 ساکن بوده قری دیرل فالحی بر عورت و ارایدی منتظم سوزه قادن و یکنیدن حکایه لردوزوب  
 سوبلکده ماهره ایدی خاصه کیلر ده دخول ایدلرک حکایه سندن حظ اولنه رق پادشاه  
 خضر تلرینه تقرب ایدوب هر کیجه حکایه ایللر اکتلر زردی بر کیجه اشای نشا طلرنه زمان  
 اوائلده شویله پادشاه و ارایش لباسی و سرلیک قرشی و یصد قری و پرده لری جمله  
 سموردن ایش بویله ایش دیو شاپلرک طبع همایونی پرشوق ایدوب سمورده نفسندن  
 بر جلد معتبر و بین الحکما جوهر حیوانی تعبیر اولنور مش ناسق و کافندن مغرار جوهر  
 اولغین پادشاه خضر تلری میل ایدوب جمعه اتمام تام بیوردیلر کراروزرا و علمانک معزول  
 و منصب اولندن و شیخ الاسلام و قاضی عسکر لک هر بری سندن اول سموردن مصنوع لباس  
 شاهانه ناک بریسی رکاب همایونه اهدا اولتیق فرمان بیورلدی عدم قدرت اظهار ایلدله  
 دیوان چاوشلری نعمین اولنوب جبراً تحصیل ایتدیلدی ویرمکه نفسندن قدرتی اولمیان  
 علمایه دفتر دار مهتدی طرفندن دیوان تذکره سیله و دیوان چاوشی بیورلدی ایللر کابوب  
 قضیق ایدلر دی غلطه قاضیسی شیخ الاسلام زاده محمد جایی قدس سره که عالم  
 متصوف برزجل عارف ایدی بریوخجه به برعباخرقه ورمولوی کلاهی قوبوب وزیر سرایینه  
 واروب ابتدا تذکره اول شامی زاده به بولشوب افندی بن کورک ویرمکه قادر دکلم  
 شوخرقه و کلاهی کیوب منصبندن یکرم دیدی شامی زاده خبری ابلاغ ایتدکده وزیر  
 اعظم جایی حضورینه کتوروب افندی یچون بویله خشونت ایدرسک پادشاهی  
 یلزمیسک باباک ویدی سن یچون عناد ایدرسک دیدکده بابام منصبی خوفندن ویرمش  
 بن بکون غلطه به نائب کوندردم بنم سلطامندن رجام بودر که بی پادشاه حضورینه  
 کوتون سرکادخی جواب ویره ییم بو طریقیله مصادق علما اولولامره مناسب دکدر رغایبی بکا  
 اوج حالک بری اصابت ایدلر اگر قتل ایدر سه شهادت جامع منتدرا کرفی ایدر سه ایکی  
 آیه قریب در استانبول زلزله دن خالی دکدر بوا سلوب ایللر بکون یه یکر بو شهرده بولتمق  
 غنیمتدر اگر عزل ايسه بکون بن نائب کوندردم و شول خرقه و کلاهی کیرم دیوختم کلام  
 ایلدی وزیر اعظم محمد و منک دلیرانه حق کویاغنی کوروب شاید برسوزنه باعث و غیرک  
 دخی امتناعه جرأته سبب حادث اوله دیوا غماض عین ایلدی قضیه کبار و علمانک  
 مسعودی اولدقدن محمد و منک بوضوح و جسارتنه تحسین و افرینلر دیوب انشاء الله فتح  
 الباب میسر در دیو کفتکو و جو غالدی شیخ الاسلام و قضاة العسک کر و روزا و سائر  
 موالینک بغضیلرندن کورکار و غنیرلر تحصیل و نسایم اولمشیدی و یکچری اغاستندن  
 دخی النوب برکوشک دخی دوشندیلر لشدی بروسه قاضیسی بیانی وادرنه قاضیسی  
 مصطلح زاده دن کورکار کابوب نسایم اولندی و پواتنده وزیر دانا اوجاق اغالندن بکناش



اغاو مصلي الدين اغا و مراد اغا و قره چاوش مصطفى اغايه ستور دن معهود ملوگ  
 كور كار و كيسه لركليف اولنوب يا لكر مراد اغا دن ايكي كورك و الشمس كيسه طلب ايلدي  
 اوجاق اغا لاري بو تكليف عنيقتن دلكر اولوب مابينارنده يواحوال مورت الملالي  
 سويلشوب منشر دامن اتفاق اولوب ياد شاه و وزير دن متنفر و نائرة فتنه ايقاينه حاضر  
 اولد بلر يدرم مرحوم سردار محمد اغا نقل ايدر ديكه كريدن كان قره مراد اغا كه  
 وجيه القياقه و طويل القامة اوجاق اغا لرينك عهدي بر قور قچ آدم ايدى بشيوزدن مجاوز  
 يرار توابعي وار نيكيچري اوجاغى عموما سوزين طوتار بر مرد صاحب وجود ايدى برگون  
 مجلسه حاضر ايدم دفتر دار جاندن باقي قولى كلوب انكلى اوپدى و الله ديوان بذكره سنى  
 ووردى بوندر ديو سوال ايتد كده سلطانم حضرت تلميند مطلوب اولان ايكي سمور قبا نچه  
 و ستوقدر غير و ستوقدر نقد كيسه امداد ميري ايچون كوندرديلر لطف ايدوب برگون  
 اول نسام بيورك ديد كره قره مرادك كوز لري طاس پر خونه دونوب متهورانه جواب و يروب  
 وار دفتر دار افندي يه سويله بن كريدن كادم انچه پرداخت باروت ايله ياغلى قور شتوندن  
 قيري بر نسامه يوقدر سمور و عتبرك ادبى بزالدن ايشدر زكور مشرا نچه ديسك دين ايله  
 الوب خرج ايله يور زبزن سلام ايله بويله سويله ديدى باقي قولى نكرار جواب ايدم  
 صاندى چيق ديو بر حايقر ديكه او طه يي ذلزله يه و ردى بو وضعندن جمله متغير و متا لم  
 اولدق مكر جمله سى سوزلرين بريره قوب قلا ده اطاعتدن خليف العذار اولمشار ايش  
 و عجم شاهنه بوا شده نامه همايون يازياوب ايكي فيل و بشيوز عدد زرفت و سراسر  
 ارسال ايتك اوزن سپارش اولنوب خلاف عادت بو ستانچيلر ايله ارسال اولندى و والله  
 سلطان ياد شاه عالم پناهه كاهيجه نصع و پندى مشتمل كلمات مشفقانه سويلوب كلامى  
 اصفا و انما مق ايله محبتلريند استغنا ايدوب مدت مد يد طوب قيو سنده اولان با نچه لرنده  
 ساكن اولور لردى بوا شده بعضى كلمات نقل او كنى سببى ايله غضبه كلوب وزير اعظم احمد  
 پاشاي كوندروب مهديا حضرت تلميند اسكندر چلبى با نچه سنده نفى ايتدر مكله قلوب  
 اكابر و اصاغرى منكرسرا ايلديلر عجايبندركه بوسالار دن عالم برينه كيروب حدوث فتنه يه  
 استعداد تام ككش ايكن ينه حل و عقدا سخا يي متيقظ اوليوب قوت اولان اغنيانك  
 وار ثارى و ارايكن متروك تلمين المغه شروع ايتديلر قافله حجه قوت اولان طويجي احمد  
 اغا نك و انك كى بر قاج آدمك خلفان قبض ايدوب ورشه سن محروم ايتديلر و قرق بيك  
 زبال مصروف تخميني ايله ياد شاه عالم پناه حضرت تلمينه بر مجموع قايق يا يغه صدر اعظم  
 حضرت تلمين بالذات كند و رتقيدي ايدوب ظاهر او باطن سبب زوال و موجب انحلال نعمت  
 اولان امور توغله افراط اولندى ماه رجبك اون التيجي كونيكه تموز و مينك يدي نجي كوفى  
 ايدى معتاد اوزن يوك اغا لري بختشبهه سلامنه وزيره وار دفتر دن بكون صاحب دولت كوچك  
 اوغلى باقي بكي اولند يروب مصطفى پاشا مرحومك ستر ياشنده دخترين الوب امر  
 سمور و سرور مشغول اولد بلر ديوادن و رليوب بعضى موالى و علمادخى كيرويه دويديلر و لكون  
 طوب قيو سنده قره كند دن جبر او قهر ايشتر ايتديكي با نچه ده سور لوز منه بنياد اورديلر

كوندز طعام و ضيافت و كچه لرده رقاص و خيال ظل و سائرالات له و ايله صبحه دك عيش  
 و عشرت ايدوب با نچه چرخ دغلبازدن غفلت ايد يار نامد ارا و جاق اغا لرين غرا ييدندركه  
 يكتاش اغا و قوجه مصلي الدين و قره مراد اغا و قره چاوش كه كورك و اچه تكليفندن امتناع  
 ايتمكله كند و حقلرند و وزير دن بزادن اصابتن تفرس ايدوب غايت اضطراره دو شمشلرايدى  
 و نهان بر بيله متفق اولوب خرم و تيقظ لوزن حركت ايدر لردى حاصل بوا عث نه يچ فتنه دن  
 امن معتبر و خوف موسوم مضبوط قى آشكار اولمشيدى وزير اعظم ذكر اولنان اغا لري سون  
 دعوت ايدوب اول با نچه ده اعدا ملرين مراد ايلدي و بوندر دن استشعار تامى اولغين  
 دوكون بهانه سيلاه چاغروب بر او طه ده صيق بو غاز تداركنى تدبير ايلدي اغا لردخى بو غازى  
 عهدين لي چوقه دار لار اوتوز قرق طومه لي بكيچير يار ايله سور سرور ضيافتنه با نچه يه واروب  
 بر او طه ده اوتروب اطعامه متر صدر ل ايكن رعب اغاسى كه اوجاق خليفه نك طرفدارى  
 ايدى خفيه كلوب نه اوتوز سرز دولتلونك سرزه سوء قصدى واردر دن ايلوم خانه لري كرده  
 ييله بولنميه سرزديخبر و يردك مراد اغا كو كره يوب يا قضيه بويله ميدر بز اسانغله اوليوز  
 غيري بزدن صوج كندى ديوب قالقوب خله لرينه ككتد بلر مشورت و اتفاق عامه  
 اعيان دولت بر خلع سلطان ابراهيم خان حضرت حكيم قادر جل شانه ظهر حوادث  
 كوتيه دلائل آثار علويه يه ربط ايتدو كى اهل علم و عرفان قتلرند ثابت بالير هاندر مقدم  
 سنه اثنى و خمسين ذى الحجه سنه واقع اولان قران علويين حوتى احكامنده بيان  
 اولند و غنى اوزن ارباب فن استخراج احكام ايتشرو و تجديد دولته حكم خصوصنده متفق  
 اولمشلرايدى بوندين ماعد اسلطان ابراهيمك طالع جلوسلرند ذنب ديد كلى عقده  
 منحوسه عاشرده بولنق دائما حركتلى كند و دولته مضرا و لى و عطار دكه صاحب طالع  
 و عاشردر خامسه و راجع بولنسى امورند عاجز و خيران و دائما عشق هوا و ابتلايه شتابان  
 اولغله سلطنته و وجودينه مضرا و لان احواله بالطبع مائل اولغه دلالت ايتشيدى بوندين  
 ماعد ايسك اللى بش جمادى الاخره سنه كسوف و ينه اول سنه ذى الحجه سنه خسوف  
 كلى ايله ذلزله بر بريك احكامنده بو معنائى مؤيد دلائل موجوده ايدى على الخصوص بيك  
 اللى سكر جمادى الاخره سنه استانبول و ذلزله عظيمه كه مجرب ملا حجه بر ياد شاه عظيمه زوال  
 و قتل اختلالى ديو مصرخ ايدى بوا شده اشارت عالم مثال بعض صاحبانك رويا سى كه  
 شعبان ايند كورمش بر كسه ند ايدر قتل الوزيرم الكبير و حمدى زاده امير چلبى باباسى  
 احسن افندى يي كور رانيا عليه السلام و اولياى كرام ارواح شريفه ليله عموما امر جلوسه  
 ما مورز ديش چون فرمان العى بويله ايش اسباب قلقيه و شواهد علويه دخى بو وجهه  
 صورت تراغاش مجبور فى صور قاعل مختار اولان انسان حقير المقدر مقتضيات قضاء و قدره  
 تهيان اينسون بو جمله دن ماعد اجناب ياد شاهينك طالع تحوير لري تسميرى درجه ستر نچه  
 وارمق كه خلعه دليل قاطع در بوسالده واقع اولوب تر بيع زخلده و قوعى مونه دخى دلالت  
 قسيحان الله القاهر بيت بيك ساعت بيك خطه بيك دم ذكر كون شده همه احوال عالم  
 نيز چون اوجاق اغا لري مستشعرا و وزيرك ضيافتندن قالقوب منزل لرينه ككتد بلر مراد اغا



جمله سندن جسور اولغین انك باشنه جمع اولوب بوغائله نك دفعی باندن عهد و میثاق  
 ایندیله واروطه جامعه واروب اوجاق اختیارلری و اوطه باشلری جمع ایذب بوفسادلری  
 پادشاهه تعیم ایدن وزیردرانی ارادن قالدروب بر مستقیم آدمی وزیر ایندیله دیو اینده  
 یوقول اوزن قرار و جمله نی کند و له اویدردیلر و کجه ایله سلطان مجد واعطی ولی افندی نی  
 اغار مفتی افندی یه کوندروب جمله اوجاق بویاده منعقد در کند و لدخی علما ایله سوزی  
 بریره قویوب حاضر اولسونلر دیو خبر کوندروب مشلر ایدی رجبهك اونیدنجی جمعه کونی اغار  
 مرتب و مسلح یکچیلر ایله واروطه جامعه مجتمع اولوب صلوة صعدن اول مراد اغایی  
 جمله نك لساندن بر تکره ایله شیخ الاسلامه کوندردیلر کلوب تذکره اوقندی خصوص  
 مر قومه نی جمله اتفاقله یاز مشلر عبد الرحیم افندی فریاده باشلیوب اغا اوغلو م بوچکد بکمر  
 نه عذابدر مال و جائز دن امن و راحت کندی بولیکه بوغائله سهولتله حصوله کلیدی  
 دید که مراد اغا تقویت قلب ایچون بهی افندی بواشیلر جمله سرك سکو تیکر و عدم  
 اتفاق کرایله بومرتبه له کلسدر یوخسه بونك چان سی کورلك امر سهلدر همان سز علما نی  
 جمع و سلطان مجد جامعه یوزك بوغائله بر طرف اولد قچه جمعینر محل اولق محالدر دیوب  
 کندی بعده علما دفتر اولوب جمله سنه دعوت تذکره لری کوندریاوب منلادخی سوار  
 و سلطان مجد جامعه واروب محرابه قعود ایلیدی بهایی افندی ایله محمود افندی یالیده بولنریله  
 ایکی سندن ماعد اجمله قاضی عسکر لرو مالی و مدر سین و قرقدن معزوللرک استیله رینه  
 وارنجه جامعه کلوب او تر دیلر اوجاق اغاری دخی بر سلاح توابعلریله و هر اوطه چور باجیلری  
 اوطه باشلریله کلوب جامع حر می مالامال اولوب اوجاق اغاری جامعك ایچی و قیوسی  
 یاتنه اولان صغه زده او تر و بقرانلری قرشورلندال باغلدی مفتی محرابه سائر علما  
 یوللویونجه جناحین تاجام قیوسنه کفجه قات اندر قات دیرلمشیدی مراد اغا جمعیت  
 علما یه خطاب ایدوب بویاده سیاه طائفه سنه محتاج دکوزانلری قارشدر مسق دخی  
 اولوردید کار ننه یه اغار دن بعضیسی بومصاحت جه و در داندلده بله بولنسون نه ضرری  
 واردردید کار ننه مع انکراهه ضابطلرینه آدم کیدوب دعوت ایندیله راندره عموم اوزن  
 سیاه طائفه سن الوب جامعه کلدیلر جمعیت تمام اولد قعه وزیر احمد پاشایه آدم کوندرب  
 جامعه کلسونلر عباد اللهك احوالی سویله شلسون دیو طلب ایندیله روزیاسه دخی کجه دن  
 قضیه نی طویوب فرار ایتمشیدی تنکم ذکر اولنسه کر کدر چاوش باشی اگری بیون جامعه  
 کلد که مفتی اکا خطاب ایدوب وار سویله وزیر کورکن و اسباب احتشام کیوب مهری الوب  
 بوارایه کلسون دیدیلر چاوش باشی بو عبارتی از برلیه رك کندی و خوفندن غیبت ایدوب  
 پردخی کورندی قضیه پادشاهه منعکس اولوب خاصکی اغایی کوندردی مفتی یه بوجعیتك  
 اصلی ندر ادبلیله اولوب طاعلسونلر دیو جواب کوندرد که مفتی جواب و یروب وزیر  
 نزه تسام ایشسون بوجعیت طاعلسونلر علیه سوزیز واردردید یار حضاردن بری نقل ایدر که  
 خاصکی کمال حماقتندن فضوللق ایدوب پادشاهه قارشو قومق مناسبتیدردید که مفتی  
 حق سکا سویانن جوابی کورتور مادامکه وزیر ویرمیه ایش بجز دیو آزار ایلد که اول حلد

بولنان اهل سلاح خاصکی بی طور لیوب کوجه الارمن تحلیص ایندیله طشره ده  
 یکچیلر اصلنی بلز ره اورك دیملکه خاصکی خدمتکار یله کوجه قور تیلوب ینه برسل  
 یکچیری نی بوستانجی ظنیه قلیچ ایله چالوب ذقن مجروح ایندیله بوندن صکره قره چاوش  
 هلمایی و عمومی واروطه جامعه دعوت ایتملکه جمله سی اند و اردیلر روم ایل قاضی عسکر ی  
 ملقب دخی مجلسه کلك استدی مفتی خبر کوندروب کلسون صکره کندی یلموردیش  
 ایدی واروطه جامعه مشورت اولوب وزیر احمد پاشا مفسد و واجب القتلدر راله اولوب  
 سابقا دفتر دارلقدن معزول مولوی مجد پاشا وزیر اولسون دیو اتفاق و هزار ابرام ایله مجد  
 پاشایی جامعه کتوروب جمله بالاتفاق الن او یوب وزیر لکه قبول ایدیلر بوز جالیله پادشاهه  
 کوندردیلر و جیعی دیر که اول وقت طرف پادشاهیدن معما حب و وزیر طاو قچی مصطفی  
 پاشا کلوب جمعینی طاعلسونلر مسئوللری نه ایسه قرین قبول اولور مجد پاشا ایله  
 مفتی کلسون دیو دعوت ایند که جهوز مفتینك تمسینه رضا ویرمیوب احمد پاشا تسام  
 اولنسون و مجد پاشایه صدارت ویرلسون جوابی طاو قچی پاشا ایله اعلام ایدوب مجد  
 پاشایی جبرامعا کوندردیلر مجد پاشا دخی هزار اندیشه ایله حصه ره مایونه واروب کندی و  
 جبراکتور کار بن بیان و اعتدال ایلیدی احمد پاشا غائب اولمقله خاص اوطه باشیده اولان  
 مهری مجد پاشایه و یروب پادشاهه یوردیکه احمد پاشایی عزل ایتدم لکن داماد مدرجه  
 ویریمانی کند و لدن رجایدرم و تحلیصی سندن یلورم دیوب مجد پاشا غیری تکرار ایدم میوب  
 مهرمایو فی الوب خلعت کیوب بریاننه قیواغاسی و بریاننه خزینه دار باشی قولتوغنه  
 کیروب تکریم ایله چقاردیلر مجد پاشا جامعه کلوب هر کس بیریك ایتد کذ نصکره احمد  
 پاشایی تحلیصه متعلق پادشاهك جوابی سویلد کله جمله سی براندرن خیر دولتی  
 یاوله حق ایش دکلدردیوب خواه نا خواه مجد پاشایی تکرار پادشاهه کوندردیلر هزار خوفله  
 حضور همایونه واروب جمله نك جوانی تبلیغ و کریان اوله رق پادشاهم بزم کی هزار وزیر  
 سکا قربان اولسون همان سنك وجودك صناع اولسون احمد پاشایی و یروب یو فتنه دفع  
 اولق معقولدر دید که کاتب چلبی محزری اوزن پادشاهه غضبه کلوب بره کویك قوجه  
 وزیر اعظم اولق ایچون قولی تحریك ایتدک بوجعیت بر طرف اولد قد نصکره کور سن  
 سنك حقکدن کلورم دیدی امامورخ تهنه دن نقل ایدر که بو تغذیر عقبجه پادشاه  
 غضبیلرین یکه میوب قلقوب مجد پاشایه بنفسه ضررات مشت ایله محکم اوردی مجد  
 پاشا بیجان مست ولا یعقل خانه سنه دو مشوب بر خدمتکاری ایله قضیه نی جامعه مفتی یه  
 بلد یروب مهر ایله خلعتی بر یو عجه یه قویوب کوندروب عزلت نفسی دیدی بکتاش اغا و قوجه  
 مصطلح الدین اغا سرائی وزیر و واروب دولتمو خوفك معناسی ندر سنك و بزم کی قوجه لر  
 دین اوغرینه اولمکدن غیری نه یاز قاق بواشی پاشه چیقان لم دیو ابرام ایله قالدیروب  
 جامعه کتوردیلر و شهر قیولرین ضبط ایندیروب و شهر زاده لری محکم حفظ اتسونلر دیو والد  
 معظمه یه تذکره و قیواغاسی و بوستانجی باشی یه خبر کوندروب من بعد احمد پاشایی بای  
 حال قتل و سلطان ابراهیمی خلع و شهر زاده نی جلوس ایند ر مک اوزن اتفاق عهد و میثاق



ایندیلر اولمحل ایچ ورن میراخوراغا که مصطفی پاشا در محل مزبور کلوب پادشاه طرفندن  
 بوجمیتک اصلی نه درخون طاعنا زل زنگله اون یکه قریب قول وارد طاعنا زل ایسه جوعی  
 قرارم وزیر قنده در نه بیله یبولسونلر جوعانی کو تور دیکه قوجه انا وایلر و کلوب بزوزری  
 کف ورن استرزا کر پادشاه ایسه چقسون ایاق دیوانی اتسون مراد لیزی عرض ایلم اول  
 بویه غفلت ایله سلطنت اولمزلتته وزیری و پرزوار داریل پاشا برار وصال و دند ار آدم اییدی  
 انک باشی و ابراهیم پاشا نیک جسدی باب همایونده ناحق یزه یکر می کون یاتوق قنفی  
 کتا بده وارد دیدی اندن قوجه مصیح الدین میراخور خطاب ایدوب بقه اغا پادشاه  
 بر ظالمی عالمه مسلط ایدوب جمع مال وار تشا و ترک شریعت ایله عالم بو حاله واردی  
 حورنلر امون مسلط خزینه یا لکتر اسرافاته بنشمر عایا پرشان کفار بو سنه سرحدندن  
 قرق پان حصار الدی حالا بو قدر کفار قلیونی بو غازه یا تور دفعنه تعید یوق استانبول  
 محصور قالدی بو احوالی بیچون کورمز اولاستکشاف احوال ایچون بو غازه واران سن  
 دکلمی ایدک پادشاه بو احوالی بلمز و بلدر مد کیم ایچون صو چوم وارد اماوزیرک  
 خلاف رضاسی اولمقن باشمدن قورقوب سوبله مدد مال مراد بکتر نه درالبته پادشاه  
 ابلاغ ایدرم دیدی مصیح الدین اغایمدی اولار شوت عالمدن قالمسون نایب  
 صاحبکیلر یانندن کتسون نالشا وزیر یزه ورسون رابعافلان اینسون دیو تلقین ایدوب  
 بودورت جواب ایله میراخوراغا ایچ و کتدی پوئشاده پادشاه یخی سرای بارورینه  
 طویلر چیقاروب بوستا بحیلری تیغ و تفنگ ایله قوشادوب جنکه حاضر اولد قلمی  
 خبری کلدی بو آمد شد و گفتکو صورت پدیر اولجه اخشام دخی ارسندی اوجاق اغاری  
 علمایه یوزطوب افندیلا کر یو کچه جمعیت پراکنده اولور ایسه یارین نکرارا جمعیت  
 محال لوار صکره سلطان ابراهیم ریمزی صاغ قومار جمله بریدن قریوب یا عالمی اصلاح  
 ایدنجه طاغلیوب سزکله یو کچه جامعده کچه لر دیدیلر جمله سی بو سوزه رضی اولوب  
 اولکچه جامعده قالدیلر اولکون جمعه غازی قانچوب جمله د کاکین قیام شیدی کچه علمانی  
 یکچیری او طه لرینه توزیع ایدوب ضیافت و اکرام لازمی برینه کتوردیلر و صباحه دگ مساج  
 یولد استلر نوبت ایله او طه لر اطرافنی طولا شوب خر است ایندی یلر مقتول وزیر اعظم  
 هزار پان جمد پاشا اولکچه دردمند احمد پاشا اغارک و علمک جمعیت اید چکرندن  
 حیدر اولوب کمال حیرتمدن فرار و اختفاتد بیرین ایدوب ناخیم جیمی عبدی چلبی  
 و خلیل نام بر محرم غلامی ایله کو تون جکری قدر بر قاج بیلک فلوری الوب  
 تبدیل صورت اخشامدن صکره یوله کیر دیلر شاشد دیغندن زهیه کیده جکن دخی  
 بلوب سالیما نیه قوربنه پردو سنی خانه سینه واردی اول قبول ایتیموب دلی برادر  
 احمد اغا منزلنه و آردی اولدخی اول امر دن قبول ایدوب صقلادی و در عقب پاشا  
 سراینه کلوب متجاهلانه تحسین ایتد که پاشا کند و طانه سنه کلد و کندن اتباعی  
 خبردار اولوب کلوب پاشایه انلاری براغک و بر آخر امین یزه وارک دیو بیلا یوب خوفندن  
 قبول ایتد که اندن مشهور اوزون هلی اغا منزلنه و آردی اولدخی جهان قلاشی سوز

میلواتی بر افغان خریف اولمغله پاشانی قارستولوب افندم صفا کلدک سنی صاقلق  
 او غور که باش ویرمک امر سهند بریورک سنی حرم ایچنده اخفایده ایم اما بز مشهور آدمیز  
 و محملر یکرندن اولد و غمز جمله یه معلومد ریز ده اولد و غمز خیال لکوب ابتداء بنم خانمی  
 آزارلر عیاذ بالله تعالی اله کیر سکر حال مشکل اولور لایق بودر که برچمبول کیمسه نیک منزلنه  
 مختفی اوله سزدیوب باشندن صاودی اندن کیدوب مر حوم روزنامه جی ابراهیم افندی  
 اتیاعندن مراد پاشا تریه سی او کنده ساکن بشانقه حمله کارلندن حاجی بهرام نام  
 کیمسه نیک منزلنه واردی حاجی بهرام استقبالا انکین او پوب ایچ ویه الدی و وزیر اعظم  
 محمد پاشایه خبر اوچوردی هزار پان مر حومک مهر داری سلا نیکی احمد دن مرویدر  
 اصم روایت اولمق اوزن مورخ صکره طفر بولوب یازمش احمد پاشا اوغلی باقی بکی  
 اولند یروب طوب قبو سنه اولان با نجه ده ایدی ذوق وصفایه مشغول ایدیلر وزیر اعظم  
 کند و سی اغار دن مستشعر اولمغله اولکچه با نجه یه کتمیوب ناخیم عبدی و خرنه دار  
 و مهر دار و بر قاج غلام خاص ایله سرایه قالمشدی غاز عشانی منفرد ادا ایدوب کمال نلاش  
 ایله یاتدی ناگاه بشی ساعته سکسان برنجی بلو کک او طه با شیمی کند و چراغلرندن  
 اولمغله یوزنی صاروب کلوب ایچر و کیروب پاشانی دوستکندن قالد یروب اورطه جامعده جمعیت  
 اولد و غن خیر و یردی و کتدی پاشا قاقوب ابدست الوب معتادی اوزن محمد قیلوب  
 خرنه دار و مهر داری چاغروب آت اصهار لدی حضورینه واردق ناخیم عبدی ایله  
 او طه وروب مکالمه ایدر خرنه او طه سنه الی کیمسه فلوری وار کتورک دیدی بره کبه نیک  
 ایکی کوزینه اوچر کیمسه قویوب اته یو کتدی یلر و اوج یوزک ایکسی الماس اوزنیک غروش  
 کردی بری کیر یاقوت دخی قیت ایدی انلری و شیخ خطی بر مصحف شریف عبدی  
 و خلیل نام ایکی غلام ایله بر آته سوار اولوب کتدی یلر خرنه دار و مهر دار قنده کتد کلرین بلزلر  
 بقا بر آخر شخص کلوب اورطه جامعده جمعیت وارد دیریم مردان خبر و یردی بونلر دخی عبدی  
 نام بر مهتری وار یوقله پاشا انده میدردیو کوندیلر مهتر واروب طشره ده خلق اغزندن  
 پاشا بونلر لفظنی اشیدوب کند و پاشا سنی ظن ایدوب کلدی و پاشا جامعده دردیو خبر  
 کتوردی اند اولان اینسه صوفی محمد پاشا ایدیکه وز آرت ایچون کتور مشلر ایدی پاشا  
 قبو سنه نوبتی اولان یکر می نفر محضر بولد اشلرندن بری مکر پاشا ایکی آنلوا ایله بی وقت  
 کتد و کتی کوروب عجبازه یه کیدردیو خیمت اردینه دوستوب اراقندن کوز تمش کلوب مهر دار  
 دیدیکه هیچ یلور میسر پاشا قنده کتدی مهر دار ظاهر اورطه جامعده کتمشردیو جواب ایتد که  
 یکچیری کلوب خیر بن اردنجه کتدم دلی برادرک خانه سینه واردی دیدی بونلر اغما د ایتیموب  
 حریف قسم ایتدی بونلر دخی تحقیق ایتد یلر هر کس اشیا سنی واله کیرن کله پوری  
 قالد رمق اردنجه اولدیلر اول محل دلی برادر سرایه کلوب مهر دار متجاهلانه پاشا  
 بیتنه میدردیدی یوق دیدیلر زهیه کتدی دید که مهر دار یانه صور رسن پاشا سنک لویکه  
 کتمش همان هنرک وار سه بر خوشجه صاقله دید که دلی برادر سینه دکلر دیو غیمنه باشلدی  
 بره وار حریف سکا کیم عین و پر زهیه کتد یسه وار سون صاغلغله دیو تعریف ایله دلو زادری



طریقتی یلمر مکر دلور را در ابتدا پاشایی ایچروالوب ککند و به کلد یکی طویلیدی دیو  
قبویه استخبران ککش خبر اولد قلین خبر آلوب بهی سلطانم اوج آت ایله سر اید اشکان  
صیقبوب اختفاهج اولور می بونه شاشقنقد رزه کلد یککری طویمشیر غیری بزدن کتک  
کر کسزدیدی پاشا بیجان التون کیده لرینی عبدی و خلیلک قوینونه و یروب انلری ائله  
پراغوب پیاده بوله کیددی احمد اغایه بعد بهرام اغایه واروب صاقلندی بر قو له دلی  
برادر ویر قو له بهرام اغا بعد اعظم حضر نایزه خبر ایتدی دیر لپاشا اخذ اولنوب وزیر جدید  
سر اینه اولدوغی صباحه قریب شیوع بولوب دو کندن پاشا اول سرایه کلوب امتعه  
و تحف و بساط و اشیا بیغما سنه باشلدی یلر صباح اولد قده پاشایه بدون ایالتی ویرایش خبری  
سرایه کلوب خزینه دار و مهر دارد پلد یلر که تالان ایتد کاری اشیا بی بر اقدیره لر انلار  
ایکیوز نفر وار ایدی سرای حولیسنده صف چکوب بونلره بره اورک دیو جمله ایتد کلرنده  
نلچارال چکوب الدقلری اشیا ایله طشره پراکنده اولد یلر مرحوم احمد پاشا زکی و عاقل  
و عارف و مختدان وزیر ایدی اما غفلت دولته غرور و پندار طبعنه غالب کلوب مشورت  
و نصیحت اینسه لر خنده استهزا ایله بزومی به محتاج دکلزدیو نصیح قبول ایتدی و دائما  
پلد کینه کیدردی بویه وقت ایچون بر یار صادق اتخاذا ایتمش ایدی مشربلری حزم  
و احتیاط اوزن اولوب زمانه به حسن اعتقاد ایله غفلت ایدردی قوجه و الله سلطان  
کند و اوغلندن بیدار اولوب تمام استشعار ایتد که بوکه خبر کوند روب عاقبت پیرینی  
وستی صانع قوم از دولت الدن کیدوب عالم خرابه وار دی همان جلوس ایتدر  
و میشدی دردمند جرأت اید میوب کال خلوص ایله بویه مهلمکه ده مخاص ظن ایدوب  
بنی اولد و درسه اولد و رسون بن آکاسو قصه جرأت ایدم دیوب بیگ جانله رضاسنه  
صرف قدرت ایدردی و هر نوع لباس و تحف و اشیا حاضر بویجه بویجه طور ردی هر کون  
و هر کیجه خنکاردن بر قاج دفعه ادم کلوب اشیا متنوعه و مختلفه استر دی مثلا  
خاص کیلر ایچون بری کلوب بیگ مثقال قلدان استردی برایی بویجه قنقال قلدان  
کوند رردی بری کلور عطر شاهی ایستر روغن زیت شیشه سی قدرملو زنا جه لایله یوزر  
ایکشر یوزر مثقال کوند رر ایدی کذلک غنبر شمامه اطلس کیسه لایله عودیکر میشر او توزر  
وقیه و لو لو کذلک کیسه لایله همان ایستد که کوند رر ایدی و بالجملة خاطر کلر نوادر اشیا بی  
جمع و حاضر لردی ایستد که لاینقطع کوند رردی مورخ برکه فرار ایتمیوب اگر هیچ سر ایندن  
طشره چقماسه اوزرینه کیسه کلزدی کسه دخی قلعه مانند سر اینه محصن ایدوب  
قضیه بر طرف اولد قد نصکره بدون یا آخر ایالت ایله چقمق ممکن ایدی فقر دیر مکه  
مستبعد دکل لکن جهون بر تدارک ممکن اولسه پادشاه ایدردی بونک حصانت سرایی سرای  
همایون قدر اولیه اوجاقلو و علما خصم جانی ایکن امتنا قبول ایتد محصن و دفعه متصو در  
فتک عهد قریب سیاهوش پاشا تحصن ایدوب نه حاله کرفتار اولدوغی محلنده ذکر اولنسه  
کر کدر کندویه کم یار اولوب مدافعه اینسه کر کدر پاشا لرینک حالی نامعلوم  
ایکن سرانی یغما این اتباع و لذتزاری او غور نه چالیشوری طوتام بر ایالتله چقمق

بحال بوغیدی بوسوزیموده درهمان مقتضای عقل اوزن ایش وقت وسعتیه صدق  
و خلوصی مجرب بر یار صادق ورجل حاذق پیدا ایدوب وافرجه التون قالدروب انک  
رأی ایله یولجه اختفاییدی تاکه درود دوله حالت اخری ظاهر اولد قده طریقیله عمل ایدوب  
ظهن کلک اسان اولوردی لکن مقدحجه تدارکی کورمکه قصور ایتیش ورجل صادق  
ایله مداهن تشخیصنده قاصر ایتیش تجاوز الله عنه تاخیمصی عبدیدن منقولدر احمد پاشا تن  
پرور ملحم آدم ایدی اولکیجه پیاده بوقدر یری طولاشوب حشلیه رقی غرق عرق اولوب  
آه سر دایتد که عبدی دیمشکه بهی افندی بوکون ایچون بر مخصوص دوست و بر یار صادق  
پیدا ایتدیکر حیف دید که پاشا تحسیر ایله آه ایدوب بهی اوغلان احوالز بویه اولاجغنی  
پلور میدک دیمش یاتمه اولان غلام خلیل مکر عاقل ولد ایتیش بهی افندم ابتداء  
وزارتکردن برو اولان حرکات و سکناتکردن عاقبت حال بوکه میجر اوله جفی بدی بهی ایدی  
انجق غفلت دولت ایله نه سز متفطن اولوب بر تدارک قیدینه دوستد بیز و نه غرور و  
جبر و تکبری کورن خبر خواهر ابقاظه قادر اولد یلر همان الله تعالی خلاص ایلیه دیمش  
نفس الامر بودر که احمد پاشا کال عقل و تدبیر و فطانتنه غرالنوب نا محکمه قهقهه استهزا  
ایدردی و هر کیجه الفت و معاشرت ایسه بر تفع دونیوی جلب ایدوب دوستترین جمله  
منافع عاجله و مصالح یومیه سنه صرف ایتدن غیری معامله ایلیوب اوقات بلیات ایچون  
بر خیر اولور بر دوست پیدا اسی خاطرینه خطور ایتدی مصاحب وزیر عسوفی مجد پاشا ک  
خانه سی شهزاده جامعی قریب ایدی خبردار اولد قده قرق اللی آدم تعیین و کلوب حاجی  
بهرام خانه سندن احمد پاشایی ادملری التونلریله اخذ ایدوب وزیر کتوردیلر وارد قده وزارت  
اکراما مجد پاشا قیام ایدوب معانقه و حال و خاطرین سوال ایدرک زانو بزانو پاشاه الوب  
او توردیلر وزیر سابق نیازه باشلوب نیم با باجم بکا قیما اهل و عیالیم ایله بنی کعبه یه کوند  
دیو یا لوار مغه باشلدی اولدخی تسلیت و یروب الم چکمه ان شالله تعالی نسنه بوقدر  
قول طائفه سینک بویه حرکتلری اوله کلشدر همان علاجی بذل مال ایتد ریندل اموال  
اولندوغی تقدیرجه دفع واسکات اولنور دیوب ککندی حریمی انده اولما مغله احمد  
پاشایی کند و حر مکانه کوند روب وارک ایچروده بر مقدار استراحت ایلک دیدی و اول  
ساعت مفتی به خبر کوند روب فتواستی طلب ایتدیکه یدندک تمسک بولنه احمد پاشا  
منعوب و مرعوب ایچرواوطیه کیروب طور مازی اندرینی قارایله تبرید اولنمش استلامه  
صوایچردی اول محل مجد پاشا ک کتعداسی بر غملی حسین اغازاه مجد اغا کلوب اندین  
اوپدی و صاحب دولت بابا کز سلام ایدر الم چکمه سونلر مرادینر انلازی ورطه دن  
تخلع عبیدراما مالسز قول رضاسی ممکن اولماز کند و لایچون مصاحبت بودر که نقدار ماللری  
وار ایسه وقایه جان شیرین ایچون بذل ایدوب مجموعن دفتر و تسلیم ایلیه لر تاکه کند ولین  
تخلیص اید یوزدید و کئی تبلیغ ایتد که ارقه سنه اولان سمور قاباققر مزی حور اینسنک  
صانع جانبین سر یوب کاغد و دوات طلب ایلدی کتوردیلر کند و ایله اوچیوز کیسه دفتر ایدوب  
بودر دید که مجد کتخدا نکرا روجه معقول اوزن کلام زم سوقنه باشلوب نیم سلطان



اوچیز کیسه بویتنه ایتدو کیگزدر بونکله اولماز مادامکه جمله مالکری باسره دفتر وفدا  
ایتمه سزا اولماز بایده مال جانده سپر اولمورد دیوب مجموعن دفتر ایتدک بعضی رلده اولمورد  
دیه رک اوج ییک کیسه دفتر ایدوب غیر نفود قلدی دیو ایمانه باشلدی نکرارا محمد  
گنهدا الحاح ایتدک قویندن برکیسه ایله ییک وعبدیدن اوج ییک و خلیفک قویندن  
دخی اوج ییک فلوری چیقاروب جمع ایدوب ییک فلوری بی صاحب دولت بابامزه  
بزدن هدیه اولسون غیری راقچه نفودم یوقدر دیو ایمان غلاظ ایلدک محمد گنهدا سوزده  
کلوب یوق سلطانم باشا باکر سزدن کندو ایچون بر حبه استمر همان انک مرادی لشکر  
هائله سن دفع ایتدک ربونی دخی البته یازار سردیوب یازردی اندن دفتری وفلوری ثی کتوروب  
وزیر پیره نسایم ایلدی وزیر دخی نشی لشکر ایچون حریفک رفقاسنه عازم اولوب چون  
فتواسی دخی کلشیدی زاده دن کان سپاه بلوکی کاتبی علی افندی بی تعیین ایلدی برو  
جانبه احمد پاشا دخی دفتر والتونی کوند دکه یینه وافر قارلی و بوزلی صوایچوب باشندن  
حر تاوی دستارین چیقاروب عبدی جلی به ویردی و حور بعد انکور اولغین شودلبندی  
جوزوب کندی صارغک کی قفسی صار دیو یوردی اولدخی پاشانک صارغین جوزوب  
مریج صاردی دستاری کیوب عبدی و خلیفه سز یور غونسز یا توب استرحت ایلاک  
دیو اذن و یروب انلارده یاغی اوجینه باشلرین قو یوب یا تدیلر کندو دخی مقدمه خواب  
گران فنا اولان نغمه لره مشغول اولوب کاهجه بلکلیوب کوزینی اچارینه یوماردی اوله  
زمان بعض ظرفا یوقطعه بی سویلیوب مورخ دخی ایراد ایلشدر قطعه اوغرا دی چون  
صفا جمه دستور طو تیلوب ضیق صدر دن نفسی قفس ایچنه قوش کی قالیحق بوزدی  
دستارین ایلدی قفسی نثر بو ائشاده لیل عجیب الویل دخی یدنجی ساعته وارمشیدی  
یوطور علی وزیر خواب الودک زانوسنه یاشیدی کوز آجد قده زانوسن او یوب بیورک سلطانم  
دید یزه دیو هول جان ایله محرابوب لشکر سزی استر صاحب دولت با با کر مایینه کیروب  
غنائیکره سعی اینسه کر کردیدی بیجان مغرو ظلم ایله جمع ایتدوکی اموالی اعداسنه  
نسایم ایدوب وزرو بای کندی ورقه سنه قالوب یرندن قلقوب قچانکه نرباندن اشاغی  
ایندی صاغ قولتوغنه بر آدم کیردی دونوب کوردیکه قره علیدر قضیده اولدوغن ییلوب  
های کافر نجبه اوغلی دیدی جلاد بی امان تبسم کنان های نیم دولتی افندم دیوب اکیلوب  
حینه سن اوپدی صول قولتوغنه دخی شا کردی جمال علی کیروب سرای وزیرک اخوری  
قیوسنه توجه ایتدک لرنه بر کره کربلوب طور دی اول محل قره علی کندو باشنده اولان  
قرمزی فس تقیه بی چقاروب میانه صوقوب وزیرک دستارینی باشندن قاپوب زور  
ایله اخور قیوسی ایچنه سوزوب اندن قفاسنه بریومرق اوروب دیزلری اوزن چو کدک  
کند مهبانی میانندن چقاروب حلقه سن کر دینه طاقوب اوچلرین کندی و شا کردی  
چکوب صقد پلر اول محل دخی های کافر نجبه اوغلی دیمکدن غیری برکله صدور ایتدین  
دور انوب سلکوب مؤخیری اوزن دوشروب کارین تمام ایلدی حیف صد حیف نرتبه  
خافل اید بکمالی بومرتبه و اردی یمه دنیادن امید وار اولوب وضو و صلو و توبه

و استغفار تدار کند او لیوب آخر ته ده غفلت ایله متوجه اولدی بعوذ بالله تعالی من الرکون  
الی الدنیا بعد جلاد دیوز ادا البسه سن صوبوب فرمان وزیر ایله میتن بر بار کیره باغلیوب  
شا کردی یدوب کندی تازیانه ایله سوزوب آت میداتده چنار الله القا ایلدی سبحان الله  
والعظمة لله بونجه عظمت وجبروت بر خطه ده نابود اولدی ایتسی ماه رجیک اون سکر نجی  
سبت کونیکه خسرو خورشید شیر شعاع ایله وراء پرده مشرق دن اشراق ایلدی مفتی  
و بهانی افندی و محمود افندی و حنفی افندی و ممک زاده و قبه و قولا ق زاده و چوی زاده و سایر  
علما و مدرسین بالاتفاق اوطاق اغاری و عومامه سکر و وزیر اعظم محمد پاشانک اوکینه دستوب  
آت میداتنه واردیلر یکجیری عومامه مسلح و مشایخ شهر دخی کلوب جمله دکا نر قی کلوب  
سلطان احمد جامعنه جمع اولدیلر اغار میدانه وارد قده چنار الله احمد پاشا حجه سی یانندن  
چکوب حرم جامعده داخل اولدیلر قتل ملقب قاضیه سکر روم ایلی مشارالیه کرده لو مصلح الدین  
افندی باب ارتشامفتوح اولد قده بهانی افندی دن بر منصبه طالب اولوب پایه سنه  
اولما مغله ویرمدک سز بومنصبی ویرمز سز امام ولایت ایله بر عالی منصبه نائل اولمز مقرر در  
دیو واروب بعضی مقر بلره هدایای عطیه و یروب انساب ایتکله انلرک رجاسیله شام قضاسی  
امرینی الوب بهانی افندی خانه سی اوکندن کچرکن بهانی اتباعنه تقاخر کونه بزدن فلان  
منصبی دریغ ایتدیکر اشته شام شریف منلا سی اولدق دیو سروزو غرور ایله اوینه واروب  
منصبه کتمش ایدی بر قاج آی ضبطد نصکره کلوب بد اید سنه مز یور ده استانبول  
قاضیسی و بر قاج کوند نصکره روم ایلی قاضیه سکر ای اولوب بن الناس خیلی استهار  
بولشیدی لکن جمله علما خصم جانی اولغین مجلس مجلس ذم و قدح ایله رک عامه خلقی  
کندویه عدو ایتیشلر ایدی اولکون شیخ الاسلام افندی طرفندن اکا خبر کیدوب صافنوب  
بوججه عینه کلسون دیونیه اولمش ایدی لکن بر مقتضای غیرت او یله کونه متهملر کی خانه  
نشین و مختفی اولغی روا کور میوب رتبه کاذبه سنه مغرور امر کزنه بولنق و قطار دیزلک  
ادعاسیله مجوزه لی محضر لری و کچه لی محضر باشی و چوقه دارینی و خدمتکار لری یانه الوب  
عرف و اضافت و طمطراق و مهابت و تمام حق و رعوت ایله سوار اولوب ایایی خانی اوکند  
سایمانیه واعظی شیخ عثمان یاشوب کیدردی و هر کورن کندویه اشکان شتم و لعن ایدردی  
والله جمای اوکند انا طولی قاضیه سکر مملک زاده یه همعنان اولق داعیه سیله دخی علما  
کیروده اولغین توقف ایدوب شیخ عثمان چکوب کندی علما جمله سی یانندن چکوب  
هر کچن کندویه شتم ایتدیلر مرتدع اولیوب طور دی تا که مملک زاده کلوب اکلیناشد قده  
مملک زاده دخی مقار شدن استنکاف ایدوب جرب چالوب اتق ایلر و سوزوب چکدی بوکر  
جمله دن کیر و قلوب تنها خلق ازاسند کید رک آت میداتنه چقدی اثناء راهده  
تکرار کلسون دیو مفتی افندی طرفندن ننبیه کلشیدی امامتیه اولدی میدان باشنده  
سایمانیه مدرسلر دن کر دهان دامادی عبد الله افندی مزبورک یانه اوغرایوب دخی  
کندویه خطاب ایدوب بره بو محله نجون کلدک یو محل نه محلدر بره الله انصاف و بره جک  
واربر طرفدن چکل کیمت دیدک اول احق اغاز رعوت ایدوب بوسوز سنه نه حد کدر



دیوبند و خصمه با شلدی عبد الله افندی نکران نصح ویند ایتدی مقید اولدی جامع خرمنه  
صلد دد خولده علمای مری ینه کلور کوروب اول مغبوض عالمک حماقتنه حیران اولدی یار  
اولحل شیخ الاسلام کپورده یولنوب علمانک بعضی جامع زربانه چقوب بعصیلر ایتدن اینمکه  
مشغول لر ایدی همان ملقبک اعداسندن خواجه زاده مسعود افندی وقدرسی زاده  
وحنفی افندی عنانتاب اولوب کیزویه آت قویاروب مفتی به قرضو واروب سلطانم  
یوملغون بوندنه ارانچون کلدی دید کارنه مفتی افندی بزونسون یوکون کلسون دیو  
شیر کوندردک کلش کندی ییلور دیوب قهرینه معنوی تلیم ایلدی ایتدن علما حریفک  
دائرة سن آلوب شتم و لغن و تعنیغه مشغول اولدی یار اول محل مسعود افندی طاشه  
ینامشوب ایتدی عقبجه ملقب دخی ایتدک نر دبان ایاغنده مدرسمیندن اهل علم مصلی  
چلبی که بر ظریف مشهورلر دن ایدی بزه ملعون یقل کیت دیو شته و مه اغاز ایدوب مسعود  
افندی دخی اکا همزبان اولوب اول احق دخی ایتدک له محاربه و مجاوریه مشغول اولد قده  
مشرور مصلی چلبی جسور ایدی همان حریفک عرفق قاقوب احق باشنه مسعود افندی  
دخی بیرق ایله اوروب قدسی زاده دخی بزه اورک ملعونی دیه اظهار خصام ایتدک حریفی  
بنک طاشندن اشاغی براغوب مصلی چلبی لشکره حایقربوب نه طور رسزاورک  
شو ملعونی دیدکک لشکر دن بری حریفک اردندن باشنه برحق بری دخی تفنگ قوند اغیله  
المنه اوروب باشی ایکی یردن یاریوب قان چکریوب حریف نه اوغرا دوغن ییلوب مفتی  
دخی کلش ایدی همان باشی احق عریان سکر دیوب مدد سلطانم امان دیومفتینک  
و کا بنه صارلر قده دپه سندن اقان قان منلا نک سیاض صوفینک دامانی خون آلود  
ایدوب باب نائی قونوی مصلی چلبینک دخی عرفنه قان سریلدی اولحل مفتی بر کره ایله  
لشکره اشارت ایدوب ال چکک دپسه مریدع اولور لر دیو حریف قور تیلور دیو مفتی  
دخی اوزنکی ایله حریفک صورتن دیوب ایلرویه آت سوردکک بیجان میداند قلوب سفهاء  
لشکر مفتیدن بو معامله بی کوردکک قانچلرین چکوب هر بری حریفه جمله ایتدی یار اولار  
تازه اوغلانکه قدسی زاده اتباعندن صولا قدر دیو شایع اولمشدر چهره سنه بر قایم  
اوروب باشی ایکی یار ایدی حریف یقلد قده سلاح اوشروب یان لیدی بر مرتبه که  
باشی زیر و زورنا بودوب فی یار یار اولدی البسه سنی یار لیوب یغما ایتدی یار و خصما سنک  
چوقدر لر اولان اصلا جقار و سازازل کال حسد لرندن مصراع اولدی ینه قورنلدی  
خلقک ستمندن مفهومی اوزن لارندن کان اهانتی درینغ ایتیموب ارمایش شمشیر  
غدر ایلد کارند نصیحه سراو یلیمک اردین چاک ایدوب یوزی قوی مکشوف العون  
بر اقد یار بعد سور یوب وزیر احمد ایشانک جته سی یاننه کتوردیلر منلا جامعه واروب صول  
صفه نک محرابنه کوب وزرا و قضاة عسکر و موالی واروب او توروب اغار ایاق اوزن طور دیلر  
ملا افندی صوف خون الودی چقاروب برینقشی صوف کیدی خبی حسین افندی  
جامعه کلوب لشکرانی دخی یار ملک فکرند اولمغله قاین اتاسی محمود افندی میلادن رجا  
ایدوب همان خبی بی محاسندن قالد یروب جامعک برکوشه سینه عرف و کورکی راقدر یوب

۱۹۳  
برکوجک صارق ورفر اجه کیدروب قره پاوش مصطفی اغا جامعک اردقیوسندن حریفی  
چقاروب کتخداسی حاجی نورالله ایله سلا متنه چقاروب ایکسی دخی قاقدی یار  
اوپاق اغازی ملقبک یوجوله یان لند و کندن نیری کویستروب افندی یاروشی زدن اولدی  
ینه سزدن اولدی دیدیلر اولحل استنباع فساد دن خوف اولنوب مراد اغا طشره  
چیقوب علما یار لند بکنه رضامز یوقدر و زدن اولما مشدر ادبکتر ایله اولک دیو جهون  
تنبیه ایلدیوب اوطه باشلری چاغروب سفهاء لشکری ضبط ایلاک زنه بارکسه یه تعرض  
ایتسونلر دیکله اوطه باشلردخی نقرلری ضبط ایتدی یار و زیر مقتولک چراغی مفتش  
کوسه علی افندی دخی محن مدرسلر دن اولمغله کلشیدی مفتش سابق کفله  
عبدالرحمن منصب غرضی اجرایه مساع فر صت یولوب بره کوسه ملعون سنی نه  
کلدک سنی دخی دپه ملک کر کدر دیو علی افندی یه شتم و اطالیه اغاز ایتدکک فتنه دن  
خوفا کردهان دامادی عبد الله افندی بزه عبدالرحمن بزه سفیه بو محل اجرای غرض  
محامیدر ایسم اول دیه نعره اوردی یریر علما دخی عبدالرحمنی بره صوص دیکله  
اسکات عتف آمیزه تحمیس ایتدی یار بیجان کوسه علی افندی دخی نهمنه صوچم واردو  
وزرایه انساب عبیدر قاتون وادیدن خارج حرکت و اراپسه سویلسونلر دیو جواب  
اوزره اینکن اکادخی صوص دیدیلر بیجان عبد الله افندی بنک اردینه او تروب سکوب قالدی  
حاضریندن بعصیلر نقل ایدر بو کون ابتدا جامعه اغار و علما کلوب و زیر محمد پاشا هنوز  
کلش ایدی احمد پاشا زمانی محضرا و لال مصطفی اغا که جمله طلمه دندریولی کلدین  
کتخد ایری عمره رشوت ایله تقدم ایدب یولسز محضرا و لال ایدی و دونکی کون اغار  
محضر مزبور عتاب ایدوب یوقدر ظلم ایلدک پاشاکی البته سکایلد رزدیو حرب و آزاد  
ایتمشرا ایدی اولدخی یوغلق خوفندن فراتیمیوب اغار لک قرضو سنده ال بغلیوب  
فرمان سرکدر دیو انقیاد و تسام کویستر مکله اعدا منه تصدی ایتما مشرا ایدی بو کون  
دخی ایرکن اغار ایله جامعه کلوب سکوت معموده سیله حاضر ایدی مصلح الدین اغا  
وسائر اغار محضر مزبور نه طور رسن واروب صاحب دولتی کتور سکده دیدکک قوقه  
وسرغوج ایله اتنه بنوب یولدا شلر ایله وزیر جیدی کتور مکله کندی بحسب الطريق  
محضرنه مستحق و مزبورک تقد میله کیر و قالان عمر اغا که کتخا یریدر بکتاش اغایه  
منسوب ایدی چاغردوب نه طور رسن محضر لقی یولک دکلیدر وار سور غوجنی الوب  
کیوب صاحب دولتک یانیه سن دوشوب کتوردیو اغرا ایتیمیلر عمر سکر دوب قوشمازلر  
ایچنده محضره ینشوب باشندن قوقه و سرغوجن قاقوب بره یولسزار کانسزدیه رک باشنه  
چکروب وزیر کتور مکله کندی بیجان محضر باشی قباق چکیلوب منزلنه طوغری روانه  
اولوب یوقدر جه عقابله خلاص اولد و غنه باشرا کوب شکرو حمد ایلدی اند نصیحه جمله نک  
اتفاقیه مکله مکرمه دن معزول یوسنوی بیاضی حسین افندی یوزی یارویه کوند ر دیلر واروب  
پادشاه ملاقات ایتدکک اشته وزیر ی اولدر دیلر دخی نه استیر لیدکک بیاضی جواننده  
پادشاه سزدن شکواری بودر که بوجه بیت المالی اسرافاته اضاعت ایتدی یکر یوسنه سرحدینه



کفار مستولی اولدی حالا فرنگ کیلری بوغازده دو تمام قار میوب استانبول محصور قالدی  
 دید که پادشاه جوانده بلان سویلرسن کفار بر کلیسا المش و بوغازدن کیلر چوقدن  
 کشیدر دیو بیوردیلر بیاضی استنه وزیر سزی بویه الدامش ایدیکه حالا صدق کلامه  
 اعتماد پیور میور سز زلر پادشاه مزه کذب سویلر زحالا عسکری بنه لریکر و وزرا  
 و علماد عاجیکر پادشاه می کورمک استر لر دید که اصلا جواب ویر میوب بیاضی دونوب  
 کلدی بعد مضر دن معزول اسعد افندی وحن مدر سارندن عشاقی زاده فصیحی چای  
 والد طرفنه کوندر یلوب جمله نک اتفاق ایله پادشاه خلع اولمغه قرار ویر لشدن جمهور  
 مخالفت جائز دکلدر بیوک شهرزاده سلطان محمد بیعت ایچون جامعه کوندر یله دیو طلب  
 ایتد کارنده والد خبر کوندر ووب جامعه جلوس اوله کلامشدر رشایه کاسونلردیدی  
 لکن بوستانجیلر سلاح ایله ایچزوده آماده اولد قلری خبری شایع اولغین مدینه دن  
 معزول زیر کتراده سید عبد الرحمن افندی بی کوندر دیلر بوستانجی باشی یه بولشوب اغا  
 حضر تلری جمله علما ووزلرک جوابلری بودر که پادشاهی خلعه عموما اتفاق اولمشدر وفتوی  
 ویر لشدن شهرزاده بی اجلاس ایتیمکسزین بوجعیتنه انحلال احتمالی یوقدر همان علاجی قیوی  
 اچوب اتمام مصالحته سعی ایتیمکدر والا سز و جانب خلاقی طوتانلر هلاک اولق مقرر در  
 امت محمد ارا سندن سیف کیرمکدن حذر ایدوب دنیا و آخرت نکاتی بویکه الله دید که  
 بوستانجی باشی و خامت عاقبتی فکر ایدوب افندی بزدن مخالفت ایدریوقدر دیوب  
 بوستانجیلره محکم ثنبیه ایلدی سیر کتراده ایسه بوستانجی باشی یه امدی تنه اجه بیورک  
 جامعه علمایه و اغالره بولشک دیمکله بوستانجی باشی دخی کلدی جمله اغالره بوستانجی باشی یه  
 خطاب ایدوب بقه اغا اگر بوستانجیلردن بر حرکت احتمالی صدوزی حس اولنورسه  
 وجه ارضه بوستانجی نامه کسه قالمز دیدیلر اولدخی انلردن حرکت احتمالی اولدوغن  
 بادر ووب تکفل ایلدی سلطان ابراهیم خان ایسه احوالی طویوب جنگ و مدافعه  
 ایچون ایچ خلقنه و بوستانجیلره سیف و تفعکله حاضر اولک دیو ثنبیه ایتیمشیدی و برکون  
 صباحدن بوستانجیلری و اندرون غلامتی قرشوسنه کتور ووب خطاب ایدوب بن سز شویله  
 لطف و بوخچین احسانلر ایتشم نهم ایچون چالشقی کر کسز دیو استجواب ایتد که جمله سی  
 باشی اشاغی ایدوب امر پادشاهمز کدر لغظندن غیری سوز سو بادیلر حتی دونکی جمعه  
 گونکه غوغا نک اولیدر یکچیری اغاسنی ایچرو چاغردوب سن نهم چراغ دکلیسک نهم ایچون  
 نجه چالشور سن کوره یم سنی دید که اغادخی تعهد ایله صیر لشمیدی و بوکون جامعه بین  
 الجمه وریکچیری اغاسی و دفتر دار کوسه اسمعیل پاشا حقنه کلمات اولنوب اغالره ایتکسندن  
 دخی خوشنودر کملکرین کورمک دیلر یله شد بیک ایکیسی دخی برقرار اولمشلرایدی چون  
 مقدما والد سلطان طرفندن سرایه کلیسونلر خبری کلوب بوستانجی باشیدن دخی  
 تکفل جوابی اندی جه و رقاقوب سرای سلطانیه توجه ایتدیلر بوستانجی باشی اغاس  
 قیوی اچوب جمله باب همایوندن ایچرو کیر ووب ارباب حل و عقد دهلیز حرم خاصه ایدیلر  
 شیخ الاسلام و قاضی عسکر لرو مصلح الدین اغا و بکتاش اغا و مراد اغا دهلیز قیوسی قربنه

وارد قلرنده صاحبه المقام ام المؤمنین والد سلطان حضر تلری ظاهره اولدی یاشلرینه سیاه  
 ابر شیم دستمال ستر ایتشلر بر سیاه خادم اغامر و حه صالردی علما و اغالر جمله دست بسته  
 سلام قیام ایدوب حضورنده طور دیلر اوله اغالره خطاب ایدوب بویه نهیج فتنه یه باعث  
 اولق انصافیدر هر بر بکتر بوخا ندان علیه نک پرورده احسانی دکلیسز دید که کرک  
 باران دیدر بیر کهنه قوجه مصلح الدین کریان کریان سوزه کلوب نهم دولتو سلطانم  
 کر چکسز بنه کز و جمله مز بود ولت علیه نک نهم فراوانه مظهر اولمشر خاصه بن که قزل  
 عبا ایله کلوب حالا ستم سکسانه قریبدر بودولتدن مظهر نعمت به حساب اولشم حالا اول  
 نعمتک شکرین ادا و وزیره واجب اولمغه افندی مز خاندانک قرین اختلالنه طاقت  
 کتوره میورز کاشکی بوکونلری کور مییدم بویه خصوص صالده اوک ایاق اولغی نهمی استرم  
 نیه طمع و کیمه احتیاج وار در حال دخی رتبه و منصب طالبی دکلم جمله سندن ال چکوب  
 دولت علیه یه خیر دعا حد متنه یم اما نهم دولتو سلطانم الحمد لله تعالی دین اسلام اهلیوز  
 پادشاهمز حرکت و سلوکی جد و دشرع و عقلمدن خارج اولغین عالمه اختلال کلدی  
 پرامن لر مقارنتی ایله علا جدن قالدی و هر طرفدن کفار باش قالدردی سرحدلره  
 مستولی اولدی حالا بوغازده یتیم سکسان یاره قلعه مثال حربی سفینه لری یاتوب آق  
 دکرک یولی قیادوب شب روز جنگ ایدر لر کندو بوجه دن غافل اهو و تمام شایه و جلب مال  
 و اسراف و ارتشایه مشغول شرع شریف متروک اولوب رشوتله عالم بیقلدی خربنه  
 اسرافله صرف اولغدی حالا شرع شریفک حکمی نه ایسه انی اجر ایچون علمایم رفقا و یوروب  
 کلشدر در الحمد لله شهرزاده لایق تختدر جلوس اولمخجه جمعیت طاعلر و مادامکه جلوس  
 اولمیه نجه قانلردو کیلور بر فردامین اولر لطف ایدوب فساد باعث اوله حق مخالفتدن حذر  
 ایدر سز امر شرع شریفکدر دیدی والد حضر تلری اگر چه پادشاه حضر تلرینه متکدر و نجه  
 وجوه ایله قلبی منکسر ایدی اما شفقت مادریت حسیه اظهاتر ترجم ایدوب اصلاح ذات  
 الینه متعلق جوابلرده قصور ایتدیلر زیر پاشاه والد نک بعضی کلمات نصیح آمیزندن متکدر  
 اولوب خاطر لرینی منکسر ایتیمشیدی صکره خاصه کیلر اغا و اسیلره ردوسه نفی فرمان ایدوب  
 ینه دفع اولنوب طشره با نجه لره نفی ایتدر مشلرایدی و پادشاهدن خوف و وهم اوزن  
 ایدی بوندن ماعداه مشیره لرینی که عایشه سلطان و فاطمه سلطان و خانزاده سلطان  
 و رادرزاده سی قیاس سلطان حضر تلریدر بونلره دخی قهر ایله معامله ایدوب املاک جواهر زین  
 الوب حالا تحت نکا حنده هما شاه سلطان نسیمه ایتد کیری نالی خاصکی یه اول سلطانلری جواری  
 مقامند قوشوب مثلا خاصکی طعام دید که اول سلطان مقام خدمتده طور لر و غسل  
 ید لازم کلسه قیاس سلطان صابون و یروب ماعداسی لکن واریق و یروب خدمت ایدر لر دی  
 پادشاه حضر تلری همیشه لرینی بویه تذلیل و تحقیر ایتدو کتدن والد حضر تلری بلکه  
 عموم اوزن حرم همایونده اولنلر عز و ن ایدیلر والد حضر تلری چون مصلح الدین اغانک  
 کلامی استماع ایتدی مقتضای مقامه کور اغاز جواب ایدوب بقه اغالره یوقدر زماندر  
 او غلم نه مراد ایتدی ایسه مساعده کوسر ووب هیچ برایشه نامعقولدر دیمکله فسادعد



ایندیکر ایشلاره معین و دلیل اولدیکر بر کره بیکزدن نصیحت و خیر خواهلق صادر اولدی  
اتفاقله نصیحت ایشله کتر احوال بوکه منجر اولمزدی شمدی اول امر دن قالد رمغه جمعیت  
سوء تدبیر دکلیدر بعد الیوم هر نه ایشه تعلیم ایدوب سویاک یرامز لری دفع ایدوب  
ینه تختند او تورسون مال و ملک تصرفی مشورت علما ایله و کلانک اولسون دیدی اندن  
مصلح الدین اغاینه جواب اولی اعاده ایلدکن صکره شیخ الاسلام و عزیز افندی چوق  
سوز سویلویب اناطولیدن معزول حنفی افندی که پرکوی وزبان اورد رایلر و کلوب والد  
سلطان حضرت لرینه نهم سلطانم بزرگ لطفکره و عباد الله مر حمت و شفقتکره اعتقاد  
ایدوب بومقامه کلدک ام المؤمنین سرعامة موحدینه مر حمت ایدوب بر ساعت اول  
بومصاحت خیریه ناک تمشینه همت بیون سرکه حال عالم مشکل اولدی اعدا اطرافه  
هجوم ایتدی شیوع معادن ورشوتله نظام دولت الدن کندی کند ولر هوای نفسه مشغول  
تدبیر امور سلطنتدن عاطل ادا ب شرعیه په راهی دکلدر طبل و سوزنا و چنگ و ششتار  
صداسی ایاصوفیه مناره سنه مؤذکره اذانن یا کلد کسبه نصیحته قادر دکلدر هر کس  
عرض و جانی خوفند در حنی سلطانن دخی بالدفیات انجند بلر انصافدن خارج صالغونلر  
و بدستان باصوب تجارک غصبمانن المله و ناحق یره قتلر و عورنلرک تسلط ورجاسیله  
نامستحققلرک عالمه استیلا سی بونک زمانه حدی تجاوز ایشددر بوجهله قابل اصلاح  
دکلدر دیدی نکرار والد جواب و یروب افندی کرچکسرا کرچه اولیله اما سوء قرناشینه  
اوغرا دی یرامز سوزینه اویدی بعد الیوم مصاحبلر مطرود اولسون عاقل و ناعقل سوزینی  
طو تسون دیدک حنفی افندی جواب و یروب یا سلطانم مقارن اولان ایولری نجون اولدردی  
قره مصطفی پاشا کی روزیری هوا سنه تابع اولدوغی ایچون دپهلدی و حایه فاتحی یوسف  
پاشانی سن بکافند په دن مال کتور مدک دیونا حق یره اولدردی بونلری کورن بعد الیوم نجه  
امین اولورو تقرب و نصیحت نجه جرأت ایدردیدی نکرار والد سلطان اماشمدی یدی یاشنده  
معصوم ملک سلطنتی نجه ممکندر دیدک حنفی افندی جواب و یروب مذ هیزائمه سی اولان  
علماء حنفیه کبیر مختل العقلاک سلطنتی جا ئزدکلدر صبی عاقلک جا ئزد ریسوردقلری کتا بلر یزده  
مستوردر اول منوال اوزن فتوالر و یروب مصاحت تیمسام اولمشدر معصوم جلوس  
ایدوب وزیر تمشیت امور ایدراما منسلوب العقل او تورر سه قابل تعلیم اولما غله استغلال دماء  
مکرمه و اباحت فروج محصنه و مصادرات اموال و تسلط ظلمه و ابطال شرع شریف سببیه  
عالم فناء په کیدر مملکت اعدایاق با صغفه سبب اولور سلطنتا جانبه منتقل اولق لازم کلور  
نهم سلطانم لطف ایدوب غیر ی طریقله دفع قیدند اولمک همان شهرزاده حضرت لرین کتورک  
دیدی بعد قره چلبی زاده عبدالعزیز افندی سوزه کلوب مثالندن برشی قویعیوب دخی  
اچق و واضح اولقدر کستنا خانه سوزلر سویلدیکه بوجله غیری اولنقدن استخیا و لنوب ترک  
اولمشدر والد حضرت لری بوخصوصه آداب مناظره اوزن مردانه مباحثه ایدوب دفعه  
متعلق بر سوز قومیوب سویلیدی امباری طرفدن ملزم و مسکت جوابلر و یروب بوجهله  
دفعی ممکن اولدیغن ییلوب بر مقدار سکوت ایدوب ایدی وانیم صاریمچاغ صارد بررب

جبقان یم دیوب کندی جمله علما و اغا لاله ثغالی غریبکری زیاده ایشسون دیوالقشلا دیله  
جلوس سلطان محمد خان غازی تخت والد سلطان حضرت لری شهرزاده بی چقار مغه اچرو  
متوجه اولوب تخت همایونه چقار لغه اذن و یروب معتاد اوزن باب السعاده اوکنه تخت قورلدی  
شهرزاده جوان تخت سلطان محمد حضرت لرینک سن شریفلری یدی یاشنده با شلر نهم مناسب  
مجزوه عرض اغاری اطرفن المئس قوشخانه قیوسی سمندن ظهور ایدوب منتظرینه عرض  
دیدار ایلدی سنه ۱۰۵۸ مزبور رجینک اون یدی بی سبت کونی ایدیکه ساعت مستعمله طقوزده  
وقت عصر ایدی تحت فرخنده تخت اوزره جلوس ایدوب اولاشیخ الاسلام بعد وزیر و علما  
و کبریا ناک متعینلری بیعت و دامنبوس ایدوب معصوم خوف ایتسون دیوسا ناسه هجوم  
ایتدر مدیلر حتی قدری زاده امیر افندی و بعضیلر علمایی شق ایدوب د سنبوسه وارمق  
استدیلر منلا حضرت لری ال ایله اشارت دور باش ایدوب ازدحامه رضا و یرمدیلر امر بیعت  
تمام اولدق پادشاه نوجوان حضرت لرینی محافظه اموری والد سلطان حضرت لرله بوستانجی  
باشی اغایه محکم سپارش اولنوب ذکر اولنان اعظم دولت بالاتفاق سلطان ابراهیم اولدینجی  
جمله توجه ایتدیلساحد اروجوقد ار اغا بوستانجی باشی جمله سنک اوکنه دو شوب نأدب  
ایله واروب پادشاهم علما و اعیان رایلری اوزره اچریویه بیورک دیدیلر الله اکبر سلطان ابراهیم  
خان آواز بلند ایله فریاده با شلیوب بره خایلر بره فلانلر یونه اصل ایشد برن هر بریکره احسانلر  
ایتد می شمدی هوا کره تابع اولدیغیم ایچون بی قالد رمق تدارکن ایتدیکر بن پادشاه  
دکلی یم یونه دیمکدر دیور رفع صوت ایله محاجه په با شلدی قره چلبی زاده عبدالعزیز افندی  
اول مجلسه فضوللغه جرأت ایدوب حرمت ملو کانه په مغایر چوق سوز سویلیدی خیر  
پادشاه دکلسن امور شرعیه و دینییه په عدم تقید ایله جهانی خرابه و پردک و اوقانکری لهو  
وغفلت ایله کچیروب رشتونی فاش و ظلمه بی علمه مسلط و بیت المال ائلاف و اسراف  
ایتدیکر دیوب و جاها و لقد رتقر یعات التمس که عالم حیران اولدی مورخ دیر که بهایی افندی  
حضرت لرینک اغزنندن ایشتمدم دیمش که بن سلطان ابراهیم خان حضرت لرینک احسان  
دیله سی اولغله حجابدن جمله قاضیه مسکیرلک ماوراسنده کیر لنوب کا هیجه کور نمکدن حیا  
ایدردم که شاید کوزی راست کلوب نهم سابقه سن تعدا دو تقریم ایلیه هله محمد الله کثرت  
اراسنده بی پیچمیوب اصلا خطاب ایتدی و هرگاه که عز و سلطنتله محاجه ایدردی مفتی  
وعزیز افندی و مصلح الدین اغا و بکتاش اغا جواب و یروب ملزم اولد قچه عنان کلامی  
جانب آخره عطف ایدوب بر یوزدن دخی بحث و محاجه په شروع ایدردی و اکثر سوزی  
بن پادشاه دکلی یم یونه دیمکدر دیردی اندرون اغاری اوت پادشاه سنر و سکا کلاک اواز  
واروب بر قاج ایام حضور و استراحت ایلاک ینه دولت علیه ناک صیاتی تدبیرندن علما  
وسا ئر قوللرک شفقتا یوتدارکی کور مشلردردیدیلر متهورانه غضبیه کلوب بن نجون  
تخمدن قالقرم دیدی عزیز افندی نکرار جوابه تصدی ایدوب بو تخته قعود ایدن اجداد  
نظامکک طریقه سلوک ایتدیکک ایچون لایق تخت دکلسن کفار بوسنه په مستولی  
اولدی سکسان یان قلبون حالا بوغازی سدا ایدوب جنکله در سنک خبرک یوق غفلته



مستغرق اولوب التزام مالايلرم خصوصاً ائلاف خزينه ايدرسن ديدك سلاطيان  
 ابراهيم جواب ووروب بلان سويلوسن كفار بوسنه يي المدي وقوللرم زادره يي فتح ايتدي  
 وكفار كيلري بوغازدن چوقدن كنديلر ايجق سز غرضكزي تمشيت ايجون امور ماضيه يي  
 فكر ايدرسن ديدك نكرار عزيز افندي سوزده كلوب استنه وزير ومفتي وقاضيه سكرلر بني  
 نكديب وسني الد اين واجب القتل خوش آمد كويلر سوزينه اعتماد ايتديك ايجون عالم  
 پيشكده كيردي همان قالمق كركسن ديه رفيع پرده ايدوب جرأت ايله سو يلكه باشلديلر  
 يته محاجه يه آغاز ايدوب ا سز يلان سويلوسنني قالد يروب ايله يره اشارت ايدوب  
 مشوقدر اوغلا نجفي ياد شاهني ايدرسن اولقدر اوغلا نجفك سلطنتي نجح اولور ايتدي معلوم  
 اولد بكة بو قوجه يي ياد شاه اينسه كنز كركدر ديه وزير اعظم صوفي مجد پاشايه اشارت  
 ايلدي وزير ياد شاه اولور يي بوغلا نجق بنم اوغلا دكليدر ديد يي يته عزيز افندي ايلرو  
 ايتدوب سن خزينه يي ائلاف وانواع اسرافله ناقصات العقل سوزينه او يوب رشوقي  
 فاش ايتكده اختلال نظامه سبب اولوب قتل رجال ومصادره اموال ايتكده خلقه  
 فخر سن وقابل تعليم واصلاح اولمامقله لايق تحت دكلسن ودخني نجح سوز سويلشكده  
 بو محله يازليوب نادب ترك اولمشدر بوسمباردن سن ياد شاه اولامرسن وخلافك شرعي  
 دكلدر اما شهنشاده تعليم قبول ايدروزير تمشيت امور ايتكده شرع شريف اجر اولنورد و جواب  
 ويرديلر هر كلامه بر جواب ويريوب الزام اولندي دنوب تعداد حقوق بنم ايله تحجيل  
 وتنكيل ستمنه ذاهب اولوب يكيچري اغسا سنه باقوب مدد خواهلوق طريقتدن  
 يقه بره بن سني يكيچري اغاسي ايتدمي بيله وقتكده سنك بكا خيانتني ايدرسن ديدكده  
 اغا جواب ووروب ياد شاهم سنك قولوك وچراغكم اما بنم المانه وارد در جمله خلق بو خصوصاً  
 اتفاق ايتديلر بن جمله يه مخالفته قادر دكل طرف خلافت اولسم دخي يكيچري قوللرك بكا  
 اتباع ايترلر يلكه بني ازاله ايدرلر نو قولك طرفدارلغندن نه فائده وارد ديد يي لندن دنوب  
 شيخ الاسلامه باقوب بره عبد الرحيم بن سني مفتي ايتدمي شمد يي سن بكا قصد ايدرسن ديدكده  
 مفتي جواب ووروب خير بني سن مفتي ايتدك الله تعالى ايلدي ديدكده زياده متالم اولوب اپكي  
 الليرين آسمانه طو قوب الهي بن بونلري سكا صالدم سن بيطالم وغدارلرك حقندن كل جمله سي  
 اتفاقله بنم اوزريعه خروج ايتد بيلر ديكال حزن وانكسار ايله بد دعا وانكسار ايلدي محصل كلام  
 بوكونه سوال وجواب اوزايوب ساحدارو چوقه داراغا قولتغنه كيروب هله ياد شاهم دفع نزاع  
 ايجون شمد بلك بيورك ديب بندن اپكي آديم كيدوب اوچنجي خطوه ده طوروب يته بر آلاي  
 محاجه بحث ايدوب انلر جواني ووروب يته برايكي آديم كيدوب يته بحث وجدال ايدرك بالاخره  
 انكسار كوستروب الين اليه سوزوب خوش ايتدي باشم يازيلان بوياش امر اللهك ديوب  
 كند يي تاكه مجسس قپوسنه وارد يلكه بكار كير او طه نك تيمور بجزه سندن طعام مخني كيره جك  
 قدر كسوب سائر بجزه لر بن وجاملر بن ديه اريپيشلرايد يي قپوسني اوكنه وارد قلعه الحمد لله  
 هله جماعتك باشي اولدم ديد يي يعني شمد نصبره كه جك سلاطينك جدي بنم ديمكي  
 اشعار ايتدي اپكي جاريه ومالزمه هر نه ايسه اول او طه ايجنه قونوب حاضر ايتدي

همان دولتلوي ايجر و ايدوب تيمور قپوسني چكوب بر كير قفل حد يد اصوب في الحال  
 قور شون ايدوب قفلاك ايجنه اقيدوب دونديلر ومنك اديلرند ايدوب شهر قپولري  
 ود كا كين واسواق اخلق ايجون نتيه اولندي بهايي افندي ديرايد بكة همان حيا دفن  
 اولندي زير ابرم غسل و بر مستراح و براواغني مشتمل اپكي متلاصق بيت ايد بكة بر كوچك  
 باجه سي كوك يوزينه بقرو بر بجزه سيكه طعام مخني صفا حق قدر يي كسيلوب اوكنه  
 دهليز ديار يي ايجق كور ينوردي دخي عالم كو غزدي و ياد شاه مرحومك لطف واحسانني  
 كورد يكمز بهاء حبس خانه يه كير دكده بكا بر مرتبه خرن عظيم طاري اولد بكة بي اختيار  
 يكا ايليوب دستمال ايله اشك چشني اغيار دن ستر ايدردم ديو نقل ايدرد يي ايرتسي احد  
 كوني ياد شاه مخلوع بو شامش ديور او ازه چيقوب يته جمله دكا كين قبايوب خلقه غلغله  
 دوشدي مكر والده سلطان خبر كوندروب مجبسي برخوشجه سداو استحكام اينسونلر  
 ديمكده خلقه خشيت دوشوب وزير اعظم ومفتي افندي وسائر وزر او علم ايله  
 سرايه واروب معمار كتوردوب مجسسك قپوسني وطعام و پره جك سور اخدن ماعدا  
 بجزه لر بن كرج و خراسان ايله محكم يايوب استحكام و يروب طا غلديلر قوت سلطان  
 ابراهيم خان عليه الرحمة والعفران چون ياد شاه ربع مسكون حبس خانه يه قونوب  
 ياب وشبا كي يايادي كيهو كوند زفر ياد وزا ريلق ايدوب كيره وانين صدا سني  
 ايشدن اندرون خلقي ماتم ايدوب سابقا عيش وعشرت مآ لوف اولنر بو مصيبت  
 جا نكدازي كوردكده تحمل ايدم يوب ما يينلر ندر دلشوب بونه ديمكدر يرياد شاه  
 ديشاني كوزكون تختدن ايند يروب ديري مزار قوديلر بر معصومي تخته يخور ديلر  
 بونك نعمته مستغرق اولوب شمد يي فرياد و فغان ايتمكدن بزه اولك بكدر همان اتفاق  
 ايدوب طشهره چيقاروب جلوس ايتدرمك تدار كني كوزلم ديكفت وكويه باشلر قلرندن  
 غيري طشهره سپاه طائفه سي دخي خلع سلطانه اعتراضه متعلق كلمات سوياشد كاري  
 وكلاي دولتك معلومي اولد قده اعيان واركا نك قلمنه خوف مستولي اولوب مادامكه  
 ياد شاه مخلوع حيا نلدر نظام ميسر اولم يوب حكام بيم جانن خلاص بولوق احتمالي  
 بو قدر ضرر عامدن ضرر خاص ترجيح اولنه كمشدر ديو احباب حل وعقد بره كلوب  
 اغار معرفتيله ازاله سي خصوصتي امضايه عازم اولديلر ومناصب عليه وسففيه يي  
 اهله و يرميوب رشوتله نا اهله توجيه ايتكده نظام عالمه خلل ورن ياد شاهك خلع و ازاله سي  
 جائز اولور يي ديو استفتا اولور ديه امضايه كارتدن صكره قالقوب مفتي عبد الرحيم افندي  
 وصدر اعظم صوفي مجد پاشا و قاضي عسكرلر و يكيچري اغاسي مراد اغا و قره چاوش  
 جمعيت ايله سرايه واروب اذا اجمع الخليفان ققتلوا الحد هما مضموني اوزن مفتي افندي  
 مخصوص فتوي و يرمكده ماهر جبك بكمي سترنجي ثالثا كوني واغستوسك سترنجي كوني  
 ايد بكة ياد شاه مخلوعك ازاله سنه مباشرت ايتديلر جمهوريت ايله سرايه وارد قلرند  
 جميعا ليج خلقي طرف طرف قاچوب كسه ال اور ميوب معاذ الله ديو كرزان اولديلر حبس  
 خانه نك قپوسني وزير ومفتي خدمتكارلري ييقوب خدام سرايدن كسمه ياقاشيري



سلطان ابراهیم ایسه قریب اواضطرابه اغاز ایدوب نیم نان نعمت بینلردن بکار حم ایدر کسه  
 یوقمیدرنی کوزکون بوظالمال قتل ایدر پورلر امان دیو صبهه ایتدیکه خدام سرای زاری زاری  
 اغلیوب قجرلردی جلا دقره علی بی دخی وزیر کتورمشیدی اولدخی امتناع ایدوب برطره  
 قاجدی بو حالت فتنه حدوشی احتمالی مرتبه سنه وارد قله وزیر اعظم بالذات الله  
 عصاقره علی بی ارایه رق طشره چیقوب بره قتی شول ملعون دیو چاغروب قره علی دخی  
 افلیه رق وزیر ک ایاغنه دو شوب دولتی بنی قتل ایله خوفله رعشه دن الم ایاضم  
 طوتمز دیو محوم کی لرزه ناک اولوب یلوار دقچه وزیر عصا ایله باشنه کوزینه ضرب وجیع  
 ایله کریشوب کل بره ملعون دیو الحاح شدید ایتد کدن صکره ناچار اغلیه رق جمال علی نام  
 شا کردی ایله اچر و کیر دیلر یانی افندی نقل ایدر روز یایله مفتی یا لکتر ایکسی جلا دلی  
 اوکنه قاتوب محبس دن اچر و دخول ایتد کترنده بزده لیزدن ناظر ایدک سلطان ابراهیم  
 بر کلکون اطلس عنتری کیش قرمزی چقشیر مطلا اوچقور لری طشره چقش باشنه  
 برکله پوش صول الله مصحف شریف مفتی یه خطاب ایدوب بقه عبد الرحیم یوسف  
 یا شا بکا سنک اچون برفتان دینسز در دیله دیش ایدی سنی اولدر مدم مکر سن بنی  
 اولدورن جک ایش سن استنه کتاب الله نبی نه حکم ایله اولدر سن زطالمرد یو قریا د ایلدی  
 بالاخره جلا دلی کیروب کند کوفشار ایله کارین تمام ایتدیلر پادشاه شهید ک جنازه سی  
 خاص اوطه حو لیسنه چیقوب معلم و امام سلطانی شامی حسین افندی غسل و بعد  
 یمازین قیلوب ایا صوفیه قیوسی یانده سلطان مصطفی مرحوم ک مرقدی حنینه دفن  
 اولندی کوچک ویوک اوطه نک خلیفه لری میت یاد شاهی اوزن واروب حجر لر ایله عنبر  
 وعودیا نوب قرآن عظیم الشان تلاوت ایتدیلر و عومما خلیفه لره برکیسه غروش احسان  
 اولندی و خزینه اغا لرینه و کوچک ویوک اوطه غلمان نه علی السویه آدم با شنه بیکرا قچه  
 ویرلدی قانون سلاف ایچ خزینه دن سکر رفلوری ویرلک ایش بود فعه ضرورت سببیه  
 سکر ر غروش ایله اکتفا اولندی و قفتا ناو اولنره قرقر غروش احسان ویرلدی مورخ  
 دیر که مغدور و شهید سلطان ابراهیم مفتی عبد الرحیم مالنه طمع ایلر و چکوب صکره  
 چراغ اولسون دیو مفتی ایلدی اول مقابله ده انک ید نه مقتول اولدی تته کیم شعرای  
 حرب دیشدر نظم ومن یصنع المعروف فی غیر اهله یلاق الذی لاقی مجرام عامر  
 فاشبعها حتی اذا مات طمرت فریة یا نیاب لها واضا فرقتل لبی المعروف هذا جزأ من یجود  
 معروف الی غیر شا کر فقیر دیر مکه میر خک عبد الرحیم افندی یه یو تعرضی دخل مجر ددر  
 یو قضیه ده نه عبد الرحیم ونه غیر بنی سبب مستقل دکلر چون امر قضا و احکام عالم  
 بالانک مقتضای اجرا ولنه حق ایش پادشاه مر قوم ک دخی اکثر اوقاتی حبس خانه ده  
 یکوب برادر لری غدر سلطان مراد ایله شهید اولد قارنده خوف جان دن انحراف مزاج تحصیل  
 ایدوب جلوس ایتد کدن صکره اعیان وارکا نک اهمالی و مصاحبه لک فساد و سوسو حالی  
 مساک رشتد و سد اد دن چقاروب مبنی وفا لی الذهن ایکن سو قرین بلا سیله لایق  
 اولیان کار لره شروع ایدوب مزاج عالم دخی فساد ده استعداد تام اولغله یو فتنه جمله نک

اتفاقیه حدوث ایدوب یوم صیبت نتیجه حاکم لری اولدی یو بایک زینه و عکروی نیر طعنه  
 سیر ایتک قصور نظر دند پادشاه مغفور ک سنی او توزدن متجاوز مدت سلطنتی سکر سنه  
 طقوزای اولدی پادشاه مرحوم نوعا سلطان مراده مشابه قد و قامت و مهابت و سخاوت  
 صاحبی جمیل الصدورت دوله توایدی مشرب لرینه عجله غالب اولوب اثناء تکلمه تیریز  
 سویلردی و بر خصوصه استعجال ایدوب در حال حصولی استر توقف و تانی بلز ایدی  
 ضایت مرتبه کریم و سخی اولد قلدن بدل عطایاده بر مرتبه افراط ایتدیلر که جمله مقربان  
 و انلره جرئی انساب ایدن لر فقر و احتیاج دن قور نشلر ایدی ذکر و قایع از ابتدای جلوس  
 سلطان محمد خان ابن السلطان ابراهیم خان اشبوسنه ثمان و حسین والف شهر رحیمک  
 اون ید بنی مبت کونی طقوزنجی ساعت سلطان محمد خان حضر لری تحت همایونه  
 جلوس یورب مهر وزارت وزیر مشتری تدبیر قوجه صوفی محمد پاشایه ویریلوب عومما و کلا  
 واعیان دست یوس ایدوب امر بیعت ذکر اولندوغی اوزن اتمام قلندی جوزی مرحوم  
 جلوس خان محمد ایلدی آسوده د نیایی مصراعنی تاریخ دیدی رجبک یکرمی التخی احد  
 کونی پادشاه نوجاه سلطان محمد خان حضر لری قایق ایله حضرت ایوب زیارتنه واروب  
 شمع الاسلام سیف قوشادوب عظیم الای ایله ادرنه قیوسندن کیروب سرای همایونه  
 وارحجه یوم مشهود اولوب عباد الله عرض جمال ایلدی حالا مجددا حرم حاصلدن  
 چیقاروب میر آخور کبر حسین اغا پادشاه سوار اولدوغی آتی عنانندن طو توب  
 یدر ایدی ایچرو لبیا ساری کبریتی زربفت اوزرینه یکلوار غوانی زربفت کیوب با شلرینه  
 مناسب سلیمی مجوزه اوزرینه ایکی عروزه سرغوج وضع اولنوب دیه سرغو جنه  
 نیم بیضه دجاجة قدر بر مرد حضر اوار ایدی سن شرفلری یدی یا شنه کوزلری مکمل  
 جیش میننده بر الف رسم اولنوب خلقدن دعاء علیک عون الله فلکه ایرمش ایدی  
 یوم جلوسک ایرنسی احد کونی وزیر احمد یاشانک و ملقبک جته لری جنارالتندن دفع  
 و دفن اولندی اما انجق استخوان لری قالمش لیدی بو ائشاده عجایب امور غیبیه دن ایکی  
 حالت مشاهده اولندی اول مفتی زاده سرای وزیر خرقه و کلاه مولوی کتور مسی وزارت  
 عظمی مولوی محمد پاشایه منتقل اوله سنه براعت استهلال اولدی ثانیاً احمد پاشا  
 مناصب و ارزاق ناسی اچه ایله صا ترایدی کندوسی تن پرور سمن مفرط اصحابندن  
 اولغله شخم ادبی وجع مفاصله نافعد ردیو عوام بیننده مشهور اولغله بکچیری قیافتنه  
 برشتی وزیر ک جمله شکوم و لحومنی بیچاق ایله کسوب خلقه بیع ایدوب بشر او زاقچه لرین  
 الوب بر پارچه صا ندی اول سبیدن مقتول مشار الیه ک اسمی هزار پاره دیمکله مشهور  
 اولدی ان فی ذلک لعیبة لاولی الابصار وزیر اعظم و منلای معظم توجیه مناصب و توزیع  
 مراتبه شروع ایدوب کچ کردن اختفا ایتکله چاوش با شلیق قوجه عبد الفتاح اغلیه که  
 صراج زاده قولیدر ویرلدی و قره چلمی زاده عزیر افندی صدر روم اولوب ایرتسی اناطولی  
 صدری مک زاده رفعتدن قبا و لاق زاده ابو الارشاد محمد افندی توجیه اولندی مورخ  
 مرحوم بهائی افندی نک منسوب اتندن واجزای مجلسندن اولان اصحابندن ایدی اکابنه

اتفاقیه حدوث ایدوب یوم صیبت نتیجه حاکم لری اولدی یو بایک زینه و عکروی نیر طعنه  
 سیر ایتک قصور نظر دند پادشاه مغفور ک سنی او توزدن متجاوز مدت سلطنتی سکر سنه  
 طقوزای اولدی پادشاه مرحوم نوعا سلطان مراده مشابه قد و قامت و مهابت و سخاوت  
 صاحبی جمیل الصدورت دوله توایدی مشرب لرینه عجله غالب اولوب اثناء تکلمه تیریز  
 سویلردی و بر خصوصه استعجال ایدوب در حال حصولی استر توقف و تانی بلز ایدی  
 ضایت مرتبه کریم و سخی اولد قلدن بدل عطایاده بر مرتبه افراط ایتدیلر که جمله مقربان  
 و انلره جرئی انساب ایدن لر فقر و احتیاج دن قور نشلر ایدی ذکر و قایع از ابتدای جلوس  
 سلطان محمد خان ابن السلطان ابراهیم خان اشبوسنه ثمان و حسین والف شهر رحیمک  
 اون ید بنی مبت کونی طقوزنجی ساعت سلطان محمد خان حضر لری تحت همایونه  
 جلوس یورب مهر وزارت وزیر مشتری تدبیر قوجه صوفی محمد پاشایه ویریلوب عومما و کلا  
 واعیان دست یوس ایدوب امر بیعت ذکر اولندوغی اوزن اتمام قلندی جوزی مرحوم  
 جلوس خان محمد ایلدی آسوده د نیایی مصراعنی تاریخ دیدی رجبک یکرمی التخی احد  
 کونی پادشاه نوجاه سلطان محمد خان حضر لری قایق ایله حضرت ایوب زیارتنه واروب  
 شمع الاسلام سیف قوشادوب عظیم الای ایله ادرنه قیوسندن کیروب سرای همایونه  
 وارحجه یوم مشهود اولوب عباد الله عرض جمال ایلدی حالا مجددا حرم حاصلدن  
 چیقاروب میر آخور کبر حسین اغا پادشاه سوار اولدوغی آتی عنانندن طو توب  
 یدر ایدی ایچرو لبیا ساری کبریتی زربفت اوزرینه یکلوار غوانی زربفت کیوب با شلرینه  
 مناسب سلیمی مجوزه اوزرینه ایکی عروزه سرغوج وضع اولنوب دیه سرغو جنه  
 نیم بیضه دجاجة قدر بر مرد حضر اوار ایدی سن شرفلری یدی یا شنه کوزلری مکمل  
 جیش میننده بر الف رسم اولنوب خلقدن دعاء علیک عون الله فلکه ایرمش ایدی  
 یوم جلوسک ایرنسی احد کونی وزیر احمد یاشانک و ملقبک جته لری جنارالتندن دفع  
 و دفن اولندی اما انجق استخوان لری قالمش لیدی بو ائشاده عجایب امور غیبیه دن ایکی  
 حالت مشاهده اولندی اول مفتی زاده سرای وزیر خرقه و کلاه مولوی کتور مسی وزارت  
 عظمی مولوی محمد پاشایه منتقل اوله سنه براعت استهلال اولدی ثانیاً احمد پاشا  
 مناصب و ارزاق ناسی اچه ایله صا ترایدی کندوسی تن پرور سمن مفرط اصحابندن  
 اولغله شخم ادبی وجع مفاصله نافعد ردیو عوام بیننده مشهور اولغله بکچیری قیافتنه  
 برشتی وزیر ک جمله شکوم و لحومنی بیچاق ایله کسوب خلقه بیع ایدوب بشر او زاقچه لرین  
 الوب بر پارچه صا ندی اول سبیدن مقتول مشار الیه ک اسمی هزار پاره دیمکله مشهور  
 اولدی ان فی ذلک لعیبة لاولی الابصار وزیر اعظم و منلای معظم توجیه مناصب و توزیع  
 مراتبه شروع ایدوب کچ کردن اختفا ایتکله چاوش با شلیق قوجه عبد الفتاح اغلیه که  
 صراج زاده قولیدر ویرلدی و قره چلمی زاده عزیر افندی صدر روم اولوب ایرتسی اناطولی  
 صدری مک زاده رفعتدن قبا و لاق زاده ابو الارشاد محمد افندی توجیه اولندی مورخ  
 مرحوم بهائی افندی نک منسوب اتندن واجزای مجلسندن اولان اصحابندن ایدی اکابنه



حاشیه تاریخچه دیر که عزیز افندی مقهور و متعفن نفسی کند و به غالب مجادله و خواره ایله  
 تعین و تقدیم طالب بر آدم اولوب بهای افندی کی اخلاق حمید و شمائل لطیفه صاحبی  
 وجود مکرملک پرینه صدر روم اولوق مناسب دکل ایدی اما نفس الامر ده بود که عزیز افندی  
 اثبات وجود استظهار مائل اینای جنسندن کسینه نیک نام ایله مجود الذکر اولسته  
 قائل دکل و اعجاب نفس ایله خود خال و هزل بر مرد فاضل اولدوغی تاریخچین معلومدر  
 انشاسی سلیس و لطیف و عذب البیان بر نازک نالیف ایکن کبار دولتک معای و مثالی  
 ایله مالا مال اولدوغی مدخول ارباب کالدردر رتجا و زلاله عنا و عنه و یوق یوق زاده که مصطفی  
 ابنی مصلیح الدین در عزل اولنوب کمال زاده ابراهیم افندی استانبول قاضیسی اولدی  
 ادرنه بیوک بوستان زاده به بروسه بیاضی حسن افندی به حلب صدر الدین زاده  
 روح الله افندی به شام چشمی زاده به ویرلیوب رحمة الله افندی به شامدن مصره  
 نقل اولنوب وزیر سابقه منسوب کوسه علی افندی بدیله قاضی مصر اولان امر الله زاده  
 معزول اولدی و کوسه علی افندی محندن دخی معزول اولوب مقننلکی دخی النوب حمیدی  
 عبد الرحیم ویرلیدی و سلاطینک الی بر مق افتتاح افندی به و باغراد قاضی زاده به و یکشهری  
 قریاج زاده افندی به ویرلیدی وزیر اعظم اغاز عدالت ایدوب وزیر مقتدرک یاپدر دینی  
 بنیه سین تقویم ایند یروب بهالین قرنداشی ابراهیم کتخدا به تضمین تکلیف ایدوب تجار  
 اوغله و کراسته جی حقلین ادا یوردی و طوب قیوسنده اولان باغچه سن قره کتخدا به  
 و طوب قاپو خا رجند اولان باغچه یی حیدر اغا زاده به و مجود افندی به کذالک منزلتی  
 و سائر املاک مغصوبه یی احبابنه ردایتدردی و قعه دن اوچکون مقدم وزیر سابق مصره  
 حیدر اغا زاده به یا یوزاللی کدسه یا خود کله دیو خط همایین کوند رمش اییدی ایغا ر  
 اولنوب هر طرفه امثله تبشیر جلوس کوند رلیدی و بواسطه جوار و خاصکیان ابراهیمه  
 جمله اسکی سرایه نقل اولنوب سوی ترکان سلطان که والده پادشاه جدید درانر عفت  
 و عصمت و صلاح و دیانت ایله مشهوره در یکی سرایه فالمشارد روم جلوسدن اوچکون  
 صکره جمشید چاوش کفهدن موافق روزگار ایله اوج کونده واصل اولوب وزیر سابقک  
 عتاب سالف الذکر بنیه تا تار خا ک جواب نامه سن تبلیغ ایند که کفان غز افرمانی مشتمل  
 امر شریفه بشارت مضمون ایله تا تار خانه شمشیر و خلعت کوند رلیدی و مطلق منزل ممنوع  
 اولوب اولاق امری یا زلمق اوزن تنیمه اکید صدور ایدوب حتی کورجی پاشایه از ضرور  
 مقر نامه سن ساعی ایله کوند ریلر حقا که اولاق ظلمدن قرار عیا یا خراب اولوب ارباب  
 خدمات و ملتزمین با جمله اهل دیولدن بریله اشتغال اولنر بلکه باز کاندرویم و دونصارادن  
 صراف و ترجمانر کند و معما جتلیر یچون آخر دیان کتملا و اولسه لاولاق امری الکوب فقرایه  
 جور عظیم اولان یوظلم قبیح دفع و تخفیف خاطره سین کسه ایتمزدی بویساق  
 ثواب عظیم و حسنه طیبیه اولدی و وزیر مقتولک سراینده پادشاه ایچون صالغون  
 طریقیله خلقدن جبر اجتماع اولمش او توزدن زیاده چنکی و سازنده و خواننده  
 چواری وار ایدی جمله سنی احبابنه استر داد ایله وزیر جدید نیک نام تحصیل

ایلدی ذکر مصادره جنی خواجه بواسطه خزینه همایونک تقود موجود اولوب  
 جلوس همایون انعامی ایچون و افراجه لازم اولغین ماه رجیک یکر می یدنجی کونی  
 جنی حسین افندی دن ایکوز کدسه اچیه امداد طلب اولمشیدی مزبور امتناع ایدوب  
 ویرمدی مشار الیه ک کیفیت ظهوری و پادشاهه تقرب ایله از زمانه مراتب عالیه قطع  
 ایدوب عوام و علما دن تقود و هدا یاور طیل و ارتشاطر قیله جمع ایلدی کی اموال لایحی  
 یوندن اقدام محارنه ذکر اولمشدر رجا ایله حصوله کتور دیک مصالح ضمنند الدینی  
 اموال دن غیر قاضی عسکر لکی هنگا منده منصب و مدرسه یی و وظایف جزیه یی  
 بیله رشتو تسرور میوب تسلطی معاین صغیر و کبیر اولغین هر کس شرندن قورقوب  
 کند و به حقانمش ایدی تقیب الاشراف زیرک زاده عبد الرحمن افندی نقل ایدر اول  
 محله که حسین پاشا بغداد ایاالتندن ورمولو یلندن معزول اولوب عزم استانبول  
 ایتشیدک بز دیار بکره حسین پاشا دن برکون مقدم کلوب حسین پاشا دخی کلد که  
 استقباله چقدق و کفدوی بر مناسبت منزله قوندردق با آنکه حسین پاشا ایغا ر ایله  
 سیمکبار کلوب اغر لقدن کند و ایله بر نسنه یوق ایدی حین زولله بریار کیدن بر هکبه کرائی  
 خدمتکار لری ایند یروب بالذات کندی دخی یایشوب او تور دینی به یانته آلوب اوزینه  
 بر احرام اورتدی کندی ایله بی تکلیف اولدی غمزدن هکبه دهنه وارد که بویله بالذات  
 تقید یورر سرزدیدیکمه یو عبا رت ایله جواب و یروب دیدیکمه یی افندی استانبول  
 جنی خواجه دید کمری اول مکار ترک و اول مضر طمعکارک شترین دفع ایچون کند و به هدیه  
 حاضر لدیغ بش ییک قرمزی فلوریدر سائر لری دخی بوکا قیاس اولنه و کتخد اسی حاجی  
 نور الله که بر ابکی سینه مقدم بدستانه بر مقلس زیددی دلالت ایکن جنی ایله علاقه انسانای  
 اولغین دولته کلد که کتخد اسی اولوب اولدخی یدر شوت اولغله مبلغ عظیمه نائل اولمش اییدی  
 جنجیک بو کیفیت ایله فجأة ظهوری عالمه کران کلوب افشاءر شوت ایله اختلال امور  
 دولته بر سبب مستقل اولمشیکن چهل و حماقتندن یوم جلوسه یکی جامع جمعیتنه  
 متجاهلانه وارد یی ذکر اولمشدر اولوقت بروسه دن معزول موسی افندی بونک جرأت  
 و حماقتنه حیران اولوب بو محجه کلام کز راجح اییدی دیو یولندن نصح ایند که یا ایچون  
 گلرز بونکونی الله دن استردک عالم نه شکل یقلدی خراب اولدی کورمز میسزد یو جواب  
 ویردیکنی استیدنلری خود و مقیر قالدیلر حضاردن بریکه شیوخ علما دن اییدی جرأت  
 ایدوب جنی افندی حضر ثلری عالم یقلدی خراب اولدی دیو خلقلک جمعیتنه باعث  
 اولان خصوصا کما ده اعظمی سلطائم سر عباد اللهی بو محنتلره گرفتار ایدنلرک  
 بری ورکن معنی جنا بکرایکن شمدی هم صوچلی و هم کوچلی و هم مغلطه ایله باش دعوا جی  
 اولوب بو محله تشریف کز غایت مستغیر برهله جامعدن قاین اتاسی مجود افندی رجاسیله  
 و کفالتیله تخلیص و قره چاوش ید یله قاجر لدیغی بالاده ذکر اولمشدر چون وزیر اعظم  
 آدم کوندروب جنجیدن ایکوز کدسه استدی امتناع ایند که قاین اتاسی مجود افندی  
 و سیاطیله کند و به شویه اشارت اولندیکه پادشاه سابقدن هر طریق الدینی ساجانیه



و غیر می اوقافدن بلا استحقاق اکل ایشدی کی وظایفی و بزوب و بالجمله جلوس همایون انعامی  
 ایچون لازم اولان اچیه به امداد ایچون مافی الوسعن بدل ایشدی کی صورته کندی حقنه  
 برادیت ظهور ایتیموب قاضی عسکر لکدن معزول افتدیلر پایه سنده کندی به برآریه لق  
 ویریلوب اسوده خاطر اوله بیت نیکخواهان دهند پندولی نیک بختان شونند پندین  
 یو کلمات نصیح امیری قاین اتاسی ادا و حق ابوة و نصی ایفالتد کدی بن مردلک ایله آدم اولدم  
 چاتم تنه اینکن انله بر اچیه ویرمزم دیوجواب قطعی ویردکده محود افندی دخی عنادنی  
 کوروب انک فلا حندن قطع امید ایدوب وزیر طرفنه اعلام وکند و بی کفالتدن خاک و اظهار  
 براءت ایتکله وزیر طرفندن چاوش باشی کوندر یلوب رجبت یکرمی بشخی کونیکه سبت  
 کونیدر منزلی کیس اولندی مکر قاین اتاسی محود افندی به جواب یأس ویردکدن صکره  
 کتخداسی حاجی نورالله کندی به نصیحت ایدوب به افندی بوقدر مالی سکایه تدر منزله نلره  
 قرق اللی کیسه ویرمد کجه اولمز دیو ابرام ایتدکده نوعارضاً کوستروب بعد خراب البصره  
 بر مقدار اچیه ویرمکه کوکلی اولاش ایدی کتور شوکیسه لری عیاری الحق زلوته لری واکسک  
 و سلاک غروشاری و قرق التونلری اربوب بر مقدار اچیه ویره دیوب اوی خراب اوله حق اوله  
 وقتله شدت طمعندن صرافاق سوداسنه دستوب کیسه لری میدانه دوکوب ویرمکه  
 ایلحق و کعبیاری سجمکه مشغول ایش کچاوش باشی بوقدر آدم ایله قیودن اچره کیر کندی به  
 به بر اولد قله جان باسنه چیرایوب اچیه بی میدانه بر اغوب حرمه قاجدی حاجی نوراللهی طوتوب  
 یغلدیلر کندی و سی حرمندن طامه چیقوب اندن طرازانی تخنه پوش آشوری کچرکن  
 مکر طومسان پاچه ایش بیراهنی ایلشوب یرتلوب بریان سنی اویزان اولوب  
 کند و همجواری توسون چاوش نام کسنه ننگ منزله آشوب آتدی اون ارشوندن متجاوز  
 یردن چیرایوب بوالعجب که اعضاسی شکست اولدی قوی البینه نه غریب ترک سترک  
 ایدی اول منزله تهی او طه ده ارقاسی اوزن یا توب اوزینه برکهنه حصیر او رتدیلر  
 چاوش باشی یدنه اولان فرمان موجب ادر نجه حرمه کیروب موضع معهود دن  
 اتلد و غنی بیلوب توسون چاوشک اویته قیوسندن دخول ایدوب ارایه زق بولدیلر  
 چاوش باشی عبد الفتاح اغابر ظریف حریف ایدی حصیری قالد یروب افندی حضر تری  
 اول ارواح علویه دعوت ایدردی شمدی اجنه سفلیه دعوتیچون حصیر التنه کیرمش  
 انحق دیوب اول حالتله اخذ ایتدیلر ناقل قضیه محود افندی ننگ همشیره زاده سی ولی زاده  
 چلبی دیر که محود افندی کفالتدن فلک و ثیری خبرین وزیره کوندر دکن جنجی خواجه  
 مال طلبنی طمع خامه حمل ایدوب طلبه سندن بر آحق و زیره کوندروب اکریا دشتام  
 جدیده نی خواجه ایدرسکری بوز کیسه اچیه ویره مدیو خبر ارسال ایش وزیر اول ساعت  
 منلایه واروب قضیه بی سویلد کله ای نا بکار طمعکار بونکد ما غی فساد ده در  
 فرصت بولور سه تخیب عالمه وضع اساس جدیدا ایتدک مقرر در دیوب نهانی قتلنه  
 تصمیم واخذنه چاوش باشی کوندر رانش ایدی حاصلی چاوش باشی افندی بی حصیر  
 التندن قالد یروب یقه سندن طوتوب طشره چقار رکن رعوتی الدن قومیوب

چاوش باشی به و چاوشاره به اصلا چقار بن قاضی عسکر و علمادن دگلی یم چکک  
 الیکری به خبیثلر دیو چکشمکه باشلدی چون چاوش باشی قضیه ننگ نیجه سنی بیلوردی  
 حرمت ایتیموب اورک شو ترکک باسنه سویا ننگ چکک کونورک دیملکه اراذل چاوشان یومرق  
 ایله باسنه یوزنه کیریشوب باشندن دستاری کیدوب ضرب مشته دن دبدی یمناسی  
 آسیب زده اولوب کشان کشان باشی عریان طشره چقار دیلر محود افندی ننگ کتخداسی انده  
 بولغله باشندن دستارینی ارقه سندن صوفین جنجی به کیدروب هی افندی الله معینک  
 اوله طمع و حرص ایله سن کندی کی شوق یافته کتوردک دخی صوکی نجه اوله جقدر بیلور سز  
 سوز طومدک بزنه اشلیه لم دیدکده نه شدت و رعوتی الدن قومیوب بهی چلبی نیم  
 صوچندر بکا الله ویردی کی مالی بوظالمه کوز کون و یروب بن فقیر می اوله یم امر شرعکدر  
 دیه رک چکلوب وزیر سراینه کتدیلر حضور وزیره واردقده نه خوش کلدک افندی دیوب  
 اکرام ایتدی نصیحته آغاز ایدوب کل افندی جلوس انعامی ایچون ایدکیوز کیسه امداد ایله  
 دیو دعوی سابق تکرار ایلدی یاشا حضر تری بن اچیه بی سرایه وکتبه ویردم  
 نفود اللی کیسه به چقمز دیوانکار ایلدی یاشادخی لطف و ملایمت ایله سویلد کجه اول  
 خشونت ایدوب کاه طلاقه کاه عنافه بین ایلر و مقام انکارده ثبت کوستردی یاشا  
 کوردی که نصیحت و اصلاح قبول ایتنر افندی اچریو یورک کتخ سراینه بر او طه ده حاجی  
 نورالله ایله ایدکیسن حبس ایتدیلر خانه سنده و سرایه کورکن یولده و سرایه هر کون یوزینه  
 قار شو شتم و لمن ایدردی وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون جنجی حبس اولندی  
 کی خانه سنده باش باقی قول و کشف و محضر اغا و وزیر معتمد لرندن برابکی اغا کوندر دیلر  
 ایدکیوز کیسه غروش خزینه سنده موجود و دنکدر ایله بونجه بونجه تحف و تفاریق التون  
 ایله ملوب برابکی صندوق والیدن متجاوز سمور دفتر اولنوب یوک یوک یاشاقه و سنده طاشمغه  
 باشلدی کوزی اوکنده اموال و اشیاسی جمله قبض اولندقدن صکره قاضی عسکر لکی  
 ایامنه یازدیغی روزنامه لری یاشا کتوردوب مناصب و مدارسندن توجیه ایتدی کی موادی عد  
 واحصا ایلیموب هر یزدن الدیغی اموال و سایر مناصب عامه دن رجایدوب توجیه ایتدردی کی  
 ایالت و خدمتدن الدقلری و طرف پادشاهیدن و سایر لر دن الدیغی هدایا و نقود نقیر قطمیر  
 حساب اولنوب جبر و تقصیران جمله سندن کند و مصارفی فرد نه ادا اولندقدن نصکره اوج  
 یوک کیسه دن متجاوز مالی وارد دیو اتفاق آرا ایله قرارداد عقال اولغین جبر و قهر تحصیلنه  
 شروع اقتضا ایتدین براغامباش قوشیلوب جلا دقره علی دید کلمی ملعون ایله جنجینک  
 حبس اولدوغی او طه به کوندر یلوب تحریف و شکنجه ایله بقیه مالی سویلتد زمک فرمان  
 اولندی اغا کیروب مالی سوال ایتدکده ینه انکار و عین صد دند قره علی کلوب او طه ننگ  
 اوجاغنه ایکی طاس قیوب قامش و اشق و سایر شکنجه الاتی عیاذ بالله میدانه دوکوب  
 سویله افندی سلطانم سویله یوتد ارکدر سلطانم ایچوندر دیو نشیر ساق ایلدی اولزمان  
 جنجی تیه اوغرا دیغی بیلوب اغلیه رق کاه کند و سو کاه کتخداسی فلان دیورده فلان زردبان  
 التنه مد فون شوقدرشی وارد دیو خبر ویردیلر اون ایکی کوک چیل اچیه ویتمش یوک



غرو شلق پان که جمله سی طاس کی چغور و جید و براق خالص العیار مصرک بر نوم پان سی  
برالتندن چیقاروب کتوردیلر اول باول کلان نقودی جلوس همایون بخشیشی ایچون قوله  
توزیع اولنوردی اول معمود پان چغور زمان خلق مایینده جاری و معتبر اولوب جیحی پان سی  
دیگله شهرت بولدی خالص العیار اولدوغنه بناء صراف ملاعینی اریدوب اعدام ایندیلر  
جمله نقد اوج بیگ کیسه سی و نقد یقین سمور و پارچه و تحف و سیم و زر اوانی مقوله سی  
ایکیوز کیسه لک شیئی النوب سائر اساس بیت و اسباب و ائقال مقوله سی اشیاء و املا کنه  
تعرض اولندی و سالیانیه و قغندن جیحی خواجه نیک یومیه بشیوزا چغور و طیفه و حاجی  
نور اللهک ایکیوزا چغور و طیفه سی و ارایدی بلا استحقاق اکل و بلع ایدرادی ابتد امتصرف  
اولد قوی کوندن یولنه کلجه نه مقدار اچغور الشمس ایسه حساب اولنوب ایکیستندن دخی جلب  
وقف ایچون استرداد اولندی جیحینک و طیفه سی اوز بش بیگ غروش ایندی تمام اوقفه  
تسایم ایلدیلر وزیر اعظم محود افندی یه خیر کوندروب کریمه لرنشک مهر مؤجل غقد اردرد یو  
سوال ایلدیلر بیگ التونردیو جواب ویردی جیحینک مالندن بیگ التون محود افندیکن  
دختری جانبینه مهر مؤجل نامیده کوندرادی یووضعدن حسین افندی یه سوء قصد لری  
اولوب نجات بولیه جیحی ییلندی کتخداسی حاجی نور اللهک یوزاللی کیسه سی النوب بر شرف  
قالماغله اطلاق اولندی جیحی خواجه ماه شعبان او اسطنه دك حبس اولنوب مالم یوقدر  
دیو طلاقه عینلر ایتش ایکن کاه جلاد تحویفیه اقرار و کاه خانه سنی کوشه به کوشه  
قازوب اخراج ایندیکری خزاین اوج بیگ کیسه دن زیاده اخذ اولنوب بعد کندی و سی ابریم  
میر لوانی نامیده جانب مصره نفی فرمان اولنوب تم قبولدن بر قایغه قیوب یوللدیلر میخالیجه  
وارد قده تقریق مرغی سببیه کیده میوب انده قالسنه اذن ویرلشیدی اول وقت  
اردنجه آدم کیدوب قزل اطه لده بوغدیله خبری شایع اولوب اصلی چقمدی میخالیجه  
هر کوردیکی آدمه شکوایدوب نیم یوچمه مالی الدیلر یادشاهه عشرنی ویرمشلرد دیو  
سویلدیکی نقل اولنوردی بوندن صکره تاتار خانک شفاعتیه چراغ اولند یغنه بناء  
دولتدن رجاییدوب خانه سنه او تور مغه اذن ویرلک اوزن شفاعت ایلدی بوندن صکره  
ذکر اولنه جق جامع سلطان احمدده سپاهیله روقعه سنه کندی و توابی نامنه اولان بعض  
شقیار جمعیتیه ییله بولنوب بزم افندی بزرگ جرمی ندر یوقدر مالی الندی بجه اولدی دیو لسانه  
کتوردیلر فتنه کندی و سیسه سنه حمل اولنوب و شاید تاتار خان شفاعتیه کلورباشمه بر عمل  
اولورد یولنی لی حسین چاوش ازاله سیچون کوندرادی وارد قده ندر چاوش زه مرثه ایلدی  
کلدک دیدکله قتلنی متضمن فرمانی الله ویردکه آبدست الوب نماز قلد قد نصکره انده  
مزبور یو غوب دیار عده صال دیلر بیت بچر فنارفت و ناچیز شد قالک گفت خند انکه  
اونیوشد یو عصرده که چرخک نحسی ایامیدرنجه اسافل نوظم ویرلا استعداد و الاستحقاق  
مراتب عالیه یه واصل اولوب آرزومانه قتی چوق فساد ایتشورد بیت جن له الدهر قتال  
الفتی قیادیکه ان عقل الدهر مضمونی هر برینک اصدق حالی اولوب ینه زمسان قلیل  
دولت مستعاردن محروم و جزای فعاللرین بولوب منکوب و معدوم اولدیلر یواشاده اولان

بخشش جلوس یازوسی که اولدی باش خلیفه حسین افندی دن استماع اولدوغی اوزن  
اللی بیگ یکچیری بخششش الشس سپاهیله بیکرا چغور ایلد بشر اچغور ترقی و یکچیری اوجریک  
اچغور عطیه ایلد علوفه لرین یدی یه تکمیل وجهی اوزن ترقیلر ویرلدی وجهی تحریری اوزن  
سلطان ابراهیم مرحومک شهادتی کونیکه رجیک یکرمی سکرچی یوم الثلث ادر اولکون جلوس  
بخشیشی چقمق قراردادده اولغله طائفه سپاه اغاری قیوسنه جمع اولمشلر ایدی بحسب  
الضروره تخلف اولنغین اغارین طاشلیوب بریادشاهی ایندر دیلر جلوس بخشیشی  
ویرمز لریو اعتراضاته متعلق بجه ترهات سویلد کلرنه اندرون خلقتک دخی گفت و کوسنه  
مصادف اولغله فتنه خوفندن اول پادشاه شهیدی عالم بقایه کوندرمک تدبیرن ایشدیلر  
وسپاه ضابطلرندن و کاتبلرندن متعین اولنلر عزل و تبدیل اولنوب بعد جلوس بخشیشی  
ویرلدی جیحی خواجه نیک مالی بخشیش جلوسه عظیم امداد اولدی کویاکه بوبله بروقت  
ایچون ادخار ایدرمش ماه رمضانک عشر اخر نده علمایه بخشیش چیقوب عبد الرحیم  
افندی طرفندن ترتیب ایلد دفتر حسام زاده لک بیوکیلر پاشا قیوسنه کوندریلوب موحیمیه  
توزیع اولندی طعام الملوك للاغنیاء و خواسی اجر اولنوب اغنیاء و اغنیاء حصه دار اولوب  
دفتر لوان بش قدر قرقدن و عزول و مدرسیندن ضعیفای مستحقین بجل منلا ایلد  
محروم اولدیلر غالبامو رخ اول بخشیشدن حصه دار اولمشدر که بجل منلا یی سبب  
منع عدایدوب جزاه الله شراد یوبد دعایه لشدر بوغائله بر طرف اولد قد نصکره یکچیری  
اغاسی سید مصطفی اغابولی سبج اغنه قالدریلوب مصطفی پاشای مرحومک کتخداسی محمد  
اغابیکچیری اغاسی اولدی کرید جزیره سنه سردار اولان حسین پاشادن مکتوبلر ایلد آدماز  
کلوب قندی یه پوریش ایدوب اغم ایلد اچیلان رخنه لردن اچریه هجوم ایلد کلرنه کفار  
دخی لغملر اتوب سکرچور باجی و بر قاج بیگ آدم شهید ایه ملحق اولوب ایکی اولقد اردخی  
کفار داخل دارالبوار اولوب غازیلر ضرب دستله بر ایکی قلعه یی ضبط ایدوب اچر و شهره  
قوبلق صد دنده ایکن جانب بگردن سابقه ذکر اولندوغی وجهه اوزن وافر کیلر ایلد کافرک  
امدادی کلوب قندی یه لیمانه داخل اولغله و قلعه ده اولان ملاعین خاسرین بحساب اولد قری  
حسبیه غزات مسلمین یا لکتر محافظه یه اشتغال ایلد توقف ایتد کلرین اعلام ایدوب  
دو نوا و عسکر و ذخیره و مواجب طایپچون عظیم نیاز لرایدوب منزل ایلد آدم کوندن مشلر  
شعبانک بکرمی برنجی خمیس کونی اوق میدانده دعائیه اولنوب صدر اعظم کرید جانبینه  
لازم اولان امداد و عسکر و مهمات تدارکنه اشتغال کوستردی اندرون همایونده  
اولان اچغور اغلا نلرینک بعضیلری بد آموزانه حرکت ایتلر یله وزیر اعظم ماه شعبان او اخر نده  
اچریه واروب کیلارجی باشی ایلد سکساندن زیاده غلانی طشره طرد ایلدی ماه شوالده  
ساحد ارضا صه مرتضی اغاشام شریف منصبی ایلد چیقوب ایکیوزمقداری اچغور اغلا  
دخی بحسب القانون سپاهیله ایلد اخراج اولندی و سلسله منصبیه طوغناچی باشی  
چیقوب یوزاللی عدد غلمان دخی انکله چیقدی مقتولی چاوش زاده میر میران اناطولی  
باغدر قاطرچی اوغلی درگاه عالی چاوشلرندن جعفر چاوش اوغلی احمد چاوشکه حوتن



سنة سنی هنوز صبی ایکن درگاه عالی چارستاندن اولغله کوچك چاوش عنوان بولوب  
 بوج و مرج ایامنده بر سرایی مصاحبه به تروج ایتك واسطه سیله خاصکیلردن برینه  
 کتخد اولغله دفعه ائك قوتيله بکچیری اغاسی اولوب بعد اناطولی ایالتیه چقمشیدی  
 اناطولیده ظهرایدن حیدراوغلی نام مقصد زیاده جر آنرا ایدوب وزیر مقتول احمد پاشا  
 بر سنجاق ایچون او تویسك غروشمی الدی دیوقطع طریق وفساد عظیمه شروع ایلوب  
 بوسالده حج شریفه غازم اولان بوسنه حجاجی اوروب خیلی شفاعت ایدوب بر مرتبه کد  
 اقشهر ایله ایغون اراسنده واول حوالیده عسکر سزاشاء سبیل کذرا ایتك محال اولدوغی  
 خبری کلوب فریاد جیلری وزیر اعظمه دوکلد کارنده اناطولی والیسی مشار ایله احمد پاشای  
 شتی مزبورک اوزرینه ازاله سی ایچون تعیین ایدوب امر شریف کوند رلدی پاشای مرقوم  
 دخی کوتاهیه دن مکمل لشکر ایله قاقوب اوزرینه واروب قره حصار صاحب قرینه مصداقه  
 ایدوب اول امر دن استقیا صورت انزام کوستروب قاجدیله مزبور احمد پاشا مبتدی  
 نوظهور لر دن اولغله دوست کام دونوب غرور انتصار ایله بر جانیه توجه ایدوب صندقلی  
 اووه سنده غافل یا تورکن بر کیجه حیدراوغلی نام حر مزاده جملة اتباعن جمع ایدوب یوزدن  
 قضا و زایت اوغلی ایت ایغار ایدوب وزیر مزبوری باصوب شبنون ایلدی نوبخیلر خبر ایدوب  
 پاشا بر قاج اغاری ایله سوار اولدی امالوند یار غارلق ایتیموب بلکه طرف اعدایه انتصار  
 ایله اراذل غالب کلوب پاشا لیدن ال قلد رانلری قتل وجرح ایدوب پاشای کرفتار ایدوب  
 اوککنه کتور دیلر حیدراوغلی پاشایه بر مقدار عتاب ایدوب بایر اشما زله اعتماد ایله  
 سرندن یکن کسمنه نك اوککنه کلدیك نادانغه ترجمه سانی ازاد ایلدم یوری واربر دخی  
 قوللانه مدیفك عسکر ایله غالب کلمه میه جکک خصم اوککنه کله دیوب صوبوب عنتری  
 وکله پوش ایله بریار کیره بندروب ازاد ایلدی وسائر تبلیغی عموما صوبوب اور دوستی و طبل خانه  
 و او تاغی عموما ضبط ایلدی حیدراوغلینك یرار یلو اتی قاطرجی اوغلی دید کلمی شتی  
 تعقیب منمز میندن کلوب پاشا نك اطلاقدن خبر وایحق حیدراوغلی تحقیق ایدوب  
 بره اوغلان بن وین نك الله کیردک شمدی باشمز شو مید انده یوالنور ردی اوله  
 خصمی آدم صانع قیو و برمی دیوب پاشا نك ارمینه دوستدی بیجان احمد پاشا سوار اولدوغی  
 بار کیر کندی لوندی کبی کویری یکمز و آرق انلزمقوله سی ایلر و آدیم اتغده درمائی یوق  
 لاشه اولغین هنوز بر یاوشمش ایدیکه قاطرجی اوغلی نابکارا یریشوب این اشاغی بره خانی  
 دیو حاروب شهید ایلدی احمد پاشا نك عموما صبار وجهه سکبانلری و سائر لوندلر دن  
 خمیر لند فساد مضمرا و لنلر جملة حیدراوغلنه اتباع ایدوب اول متخلص خونخوارک  
 آوازه فتمک واقندی اطراف مملکته آوازه صالوب بوقعه نادره الوقوع شیوعیه قلوب  
 ناسه انفعال کلدی بوخبر آستانه یه وصول بولد قده بوسنه دن معزول کتاچی عمر پاشا زاده  
 محمد پاشایه اناطولی ایالتی توجیه اولنوب او اخر شعبانده خلعت کیدی و کائناتن کان حیدر  
 اوغلی محمد نام شتی بی هر کیم قتل ایدرسه مالی صورلیوب کندویه ایالت توجیه اولنق  
 وعاد جمیلن مشتمل او امر علیه تحریر و اطرافه پراکنده اولندی کرید سرداری حاجی حسین

پاشای نامد اردن لوسعید افندی به سنج شعبانده بر مکتوب کلوب مضمونده وزیر سابق  
 احمد پاشا دن امداد مال و لشکر و ارسال ذخائر و تها خصوصنده مواعید عرقوبیه بی  
 مشتمل مکتوبلر کلوب هیچ برینک اصلی چقمیوب عسکر اسلام جزیره ده آج و عریان  
 لیل و نهار کفار خاکسارک آتش محاربه سیله سوزان قلوب کال ضرورتله امداده محتاج  
 اولد قلرین وی اندر بی پروطرفدن و کفاردن نیجه لغملر ایتیلوب قله لره ظفر بولد قلرین وینه  
 کیر و خند قه دوند کار بی و بالاخره ایچرو هجوم وقتنده کفارک امدادی کلکه بشلیوب  
 دفعا دتله جمعا قرق بش پان کوه مثال سفینه ایله جنکچی کفار و ذخیره و مهمات و آلات  
 کلوب قندیه لیاننه واصل و جمله سی قلعه ایچنه داخل اولوب یینه عسکر اسلامه متوکلا  
 علی الله تعالی ورود امداد امیدله جنکدن ال چقمیوب درون خند قه مقیم  
 و شب و روز جنک و قتاله مداوم اولد قلرینی اعلام ایلش احوال صدر اعظم محمد پاشا  
 و مبدأ فترت سپاه وزیر اعظم صوفی محمد پاشا ایتك دولت و ولی عهد مقامنده مستقلا  
 مدبر اولوب کند و سر اینده او توروب ایراد و مصارف خزانه عامره بی یوقلیوب ابتداء  
 اندرون همایونک تعییناتلر دن اولان اسراقاتی بعد طشره ده اولان زواید اخر اجائی قطع  
 ایدوب مهمما مکن مصدر فی تقلیل و تنزیل ایلدی و مرک و مباحه اوسائر مقاطعاتدن  
 وظیفه یه متصرف اولنلرک برانلرینی یوقلیوب ناسخחקلرک قطع و بعض مستحقلرک  
 جهاتلرینی تقلیله مشغول اولدی و آلتی بلوک خلغنک ولد شلرینی کند و او کیده ایکیشی  
 شاهد ایله وروب کرید سفرینه کیمک شرطیه بیگ نفر درلکی چالق سپاهیلری نصح ایدوب  
 کرید کتلمرین فرمال ایندی اصلنده کند و سی سپاه زمره سندن اولغله اوجاقلرینه  
 بومر تیه احسان قصد ایتشیدی لکن سپاه بر غریب قوم اولوب ایچلرند عاقل و نادان  
 مساوی نه حسن تدبیر صاحبنه تابع اولور لرونه عواقب اموری اندیشه و ملا حظه  
 ایدر لر اکثری اترک بی ادراک و حیوانات مثابه سنده شرت و عدولنه مائل اولوب عقلاسی  
 نادر و نولر مغلوب اولغله نیجه دفعه استانبولده دیه انلر ده بیهموده جمعیتلر ایدوب عاقبت  
 مغلوب و منکسر البال اولد قلرین تاریخلرده مفصل یازار لر و اول فتنه لر ی سلور اختیار لر  
 ایچلرند وار ایکن ینه جهالتی الدن قومیوب هر بار جمعیتلر دن خالی اولدی لر بود فتنه دخی  
 جلوس همایون واقع اولغله وزیر اعظم بود کلو ییلدن برو بر طرف قلنن ولد شلرینی  
 وروب چاقلرینی نصح ایدوب شمدیلک خزینه و رعایا احوالی مختلر و بوسنه دتصکره  
 خد متلر کتر دخی و بری و ردیو وعده ایتشیکن بوا حسانی بلیموب اسکدرده وغیری یرلده  
 نکر ایتکر ارج میتلر شروع ایتدی لر بالاخره احوال لر نیجه مدافعه اولنه جقلری بیان  
 اولنه جقد رفائک بوطا ثقه نك بوجهله نامضبوط اولد و غنک سبی بودر که هر عسکری  
 طائفه سنیک قاج مرتبه ضابطلری اولور اعلای و ادانی ضبط ایدرک وان وار جملة نك ضبط  
 و ربطی بریاش و بوعه منتهی اولق تدبیر سلطنت و ترتیب حیوش قانونلر دن بر قاعده  
 مهمه در مثلاً یکچیرید هر لوطه نك اسکیلری سائر نقره ضابط کیندر اندن اشعی لندن  
 لوطه پاشی و چور باجیدر لوطه پاشی و چور باجینک ضابطی کتخد ایکدر لندن جملة نك



صاحبی اغادر و سپاه دخی سلفه بوقاعه اوزن قوزیلوب نه قدر بلوک واریسه بریاوک  
 باشی که حالا سائر نفر دن فرقی یوقدر سلفه انلر اوطه باشی کبی باوکنده اولان نفری ییلور  
 وضبط ایدردی کیده رک انلردن اعتباری قالد یروب انحق اغاوکنده اوچاوشلره حصر ایلدیلر  
 بش اون بیگ آدمی براییکی مرتبه ده اولان اون بش کسنه ضبطه قادر اولمق محال اولدوغی  
 اجلدن بوطائفه نیکسی واسکیسی بیوکی و کوچکی بلالو اولیوب کندولر برنام و اعیان وارکان  
 دخی انلردن نیران اولور لر اشبو ماه رمضان شریفک یدنجی جمعه کونی اناطولی سپاهیاری  
 اسکدار طولوب جمعیت ایشدکاری شایع اولیحق مفتی الانام و علمای عظام پاشا قیوسنه  
 دعوت اولنوب اغالردخی واروب بلوک اغالین صاری بیراق اغاسیله و زنجیرلی قیوده ساکن  
 سابقا قول کتخداسی اولان حسین اغا کوندریلوب بلوک اغاسی بولدن صایوب حسین  
 اغا واروب سویلیدک سپاهیلر جواب ویزوب ولدش نامنه بزاوغالریزه علوفه لر بزدن  
 ویزوب بلوک چقارلق التماسدن مرادیز اولادری نران پان صاحبی اولسونلر دیمکدر  
 حالا ککوچکلرین یازمیوب بیوکارین دخی یازدقدن صکره زادنه وکریه کوندردلر  
 دیمک نه معنیستی واردر اوغوللری بیزدن ایرلر ویزدخی پادشاه و صاحب مهر سن  
 سفره کتبه مز خلاف قانوندر و حالا اوغوللری بیز ایدوکنه شه و عدول استرلری بریز  
 حقیقه اولان اخبار لری عزی طومر لر حالا شهود تدارکنده یوزیوندن ماعدلر مدتو زمانی  
 رمضان شریف ایدی رمضان کلدی خدمتدن اثر یوق و بر ماده دخی پادشاه همن  
 قتل اولند یغیدرنه تمسک و نه بخت ایله اولمشدر حالا سیواسه ایشیر پاشا بزدن  
 طلب ثار صد دنده در نه تمسکه اولدوغن اعلام اینسونلر صنعمر اولیان خصوصه  
 بزچون متهم اولور زچنکه حسین اغا بوجوانی کتوردی وزیر اعظم مصلی الدین اغای پاغروب  
 قتی بنی وزارت نه نصب صد دنده اولان پیمان کتزدید کده مصلی الدین اغا جواب ویزوب دولتلو  
 سلطاتم بن قولک اولزمان برقلیکر دوستدیک ییده اللی بیگ مسلح بکچر بله باش ویرم دیدم  
 حال اول پیمانک اوزرینه قدیم ثابتد راما اگرچه امر خلع بزم مشورتی ایله اولدی لکن قتل  
 خصوصه رآینر مد اخله مز یوقدر دیدکده وزیر جواب ویزوب قتل خصوصه سچون بنده مفصل  
 تمسک واردر و فاته بیلده دفن اولنق و صیتدر که حق درکاهنده دخی تمسکدر دیو عبد الرحیم  
 افندیگ فتو استنه نامیچ ایلدی لادن سپاهیلر جواب کوندریلوب پادشاه جدید پادشاه  
 مرحومک و لیسیدر و حالا تختنده در انلر نه دعوی دوشر ادبیلر طو رسونلر فضوللق  
 ایتیمسونلر و رعایا خراب اولمغله حالا برال ایله جمع اولنان خدماته تحمیلری یوقدر بیگ الی  
 اوزرینه حواله ایدمه مرز خدمت سودا سندن یکسونلر دیوخی کوندردی نکرلر سپاهیلر  
 خبر ککر ندر و ب حالا تختنده اوتوران پادشاه مری دخی سزله ایشامز و زخدمته  
 مد اخله ایتیمه لی رعایا معموری اولدی بوستا نجیلر و توابع وزرا بوجیه ییلدر رعایای  
 خراب ایدوب بزش اله جعفر بزدن انلراون الدیار بزرعاییه ظلم ایدلم دیزر  
 انحق سلطان ساینان مرحومک قانونی اوزن غلامیه نامنه هر نه تعیین اولنور ایشه  
 قانعر التیمه خدمت لری عزی ویررسنر دیو اقدام خیری کوندردکدر نه بعد المشورن نکرلر

خبر کوندریلوب آمدی شندی محل تنک اولمغله رمضان قابلیت یوقدر مسمایت  
 تنه جدید محرم الحرامنده توزیع خدمات ایلم دیو جواب کوندردکدر انلردخی  
 رضاء قطعی جواب ویرمیوب یا لکتر بزم رضامزور دیمز ایله اولماز دخی امکدر اختیار لری  
 واردر که هنوز کلامشدر در کلد کر نه انلر ایله مشورت ایدوب معقول کوررلر ایشه رضایورر  
 دیو ختم کلام جواب کوندردیلر بوز صورتک گفت وکودن مفتی عبد الرحیم افندی یه  
 حیرت و تبعاعنه دهشت حاصل اولدی و با با طاعنه محافظه ده اولان اشاعه باوکار  
 دخی بو ائشاده اغالری سنان اغایی کرها قالد روب آستانه یه کلدیلر سائر برلردن دخی  
 و مره سپاه گروه گروه استانبولک مجتمع اولمغله باشلیدیلر ذکر مقدمه وقعه جامع  
 سلطان احمد خان فدلکده کاتب چلبی دیر که چون جلوس همایوند نصبر که برای  
 مصباح سلطان ابراهیم خانه وادی عدم نمایان اولمشیدی قوائد قوم عند قوم مصائب  
 مفهومی اوزن خلقت بریاوکی بووضعدن دلگیر اولوب رتق وفتق و عقد و ختم زمانی  
 اللرندن کتد وکنه تحمل ایدم میوب سائر دولتی برکشته اولنلرک توابع ولواحق  
 یورکفت وکویه باشلیوب میاشر اولنلر اعتراض و مناقشه و مجلس بمجلس طرح  
 قرعه قتنه و فساد ایدر اولدیلر حرم همایوند و طشره ده پادشاه نه کاه ایله  
 قتل اولندی دیو بختله ذکراولنان هوادارلر تبعای سپاه طائفه سنه قاریشوب کاهی  
 بعض امور جزئی بهانه سیله جمعیتلر و غوغا لر قویارر اولدیلر و بوقتنه عظیمه یه  
 وقاج ماده سبب اولدی بری بو درکه بعض علما زینده اشخاص صوفی محمد پاشای عجبیه  
 دوشروب کتب فقهیه ده خصوصاً جامع الفصولینده قین سلطان صغیر اولسه  
 رعایا بروالی عظیم الشانه بیعت ایدر لاول صغیر دن وکالت ایله حکومت ایدر لکن  
 حقیقتده سلطان اول والی عظیمدر دیو مسطور اولان مسئله یی نقل ایتیمکه ایلدیس کبی  
 دردمند پاشای اضلال و بواعتهاده دوشور مکله وزارت یی پائمال ایلدی پاشا دخی  
 احوال دولندن بخیروساده دل پیر اولمغله بودولت علیه عسکری مجرد شرف نسبه  
 اعتبار ایشدکلرین اکلامیوب واستقلال مجرد خلقت خصوصاً صاحب کتد تحمل  
 اولدوغن بچلیوب نچه زمان اول سودا ایله دیوانی ترک ایلدی کندونی ولی عهد مؤید  
 مقامنه قویوب اتباعی بوسوز ایله اقتدار ایتیمک پرده سنه واردی و بری دخی حین اجتماع  
 اصحاب حل و عقدن من بعد رشوت النیه و مناصب قانون اوزن اهلنه ویریله و مخالفت  
 ایدنلرک حقندن کلنه دیو قول و قرار اولنوب خلع و قتل دخی بوتیمت اوزرینه بناییمشدر  
 ایکن نوبت کتد و لره کلد کده صبر ایدم میوب باب رستونی کیر و مفتوح قلدیلر اول انحق  
 طرف سلطنتدن انلور کن بودفعه اغالر و سائر امور مداخله ایدنلرک هر بری آلوب  
 مصباح کور مکله باشلیدیلر حتی روایت اولنور که حین جلوسه امرادن برینه ظلمی  
 یوقدر دیو بر سنجاق ویریلوب صکره مفت و محانا ویرالیدکنه ندامت کلوب وزیر کتخداسی  
 اوله حق طماع و شیریر بونلر وار دقلری پرده مال فراوان الور همان سزک المدی بکتر  
 قالور دیو قوجه دردمندی اضلال ایدوب اردنجه مباشر کوندردیلر اول سنجاقک



و شوتی کا لاول الوب سائر مناصبی دخی بیع من یزید ایله ویرمکه باشد پاریحتی اناو  
 مقابلہ سنک خلیفہ لکی محلول اولوب ابتدای دولتدن بروخلیفہ لدن بری یولی ایله  
 اوله کلش ایکن خاین خزینه و مضمر دولت اولان قلندری سو قبله اوج بیگ غروشه  
 اجنبی یه ویریاوب خزینه عامره بک برقیوسی و زکفی مثابه سنک اولان قلمک حلیه سنی  
 اصلا قایرمد یلر بو خطب فاحش سائر زمانه دیله اولش دکل ایدی سائری دخی اکا  
 قیاس اولنه بری دخی پاشا چونکه راسنه صاحب قدم اولیوب رشوت قیوسی اجدی  
 اوجاق اغالری دخی فرجه یولوب بر طرفدن امون مد اخله ایتدی یلر سپاه دخی حرکت کلوب  
 و مضامنه ذکر اولندیغی اوزن اسکدارده جمعیت ایتدی یلر اعیان وارکان دخی پاشا  
 قیوسی سنک جمع اولوب کتخداری کوندردیلر انلر دفتر لوخد متراستندی کاه و عد و کاه  
 و عید ایله مذاقعه اولند قده طاغیلوب شافی جواب و جله اختیار لک کلسنه تعلیق  
 ایتدی یلر و ذکر اولندیغی اوزن سابقا طونه یالیسنده محافظه یه تعیین اولنان صول  
 علوفه جی و صانع عزبان بلوکی برایکی سنه در ایشلش علوفه لیمز و یلر دیوزو رایله اغالری  
 قالدروب کلورکن زادن یه کیده سزدیو قار شوامر کوندریاوب انلر آستانه یه و ارمیجه کتیز  
 دیوب علوفه لینی بهانه ایتدی یلر علوفه لری قار شو کوندریاوب سلور یلر و یلشیکن ینه رجوع  
 ایتدیوب کلدیلر ایکی سنه مجتمع و محافظه ده اولان عسکری دوند رملک و بریره دخی کوند رملک  
 وای دکل ایدی اول اجلدن امر لغو اولوب قول یوزه چقدی و بری دخی قانون قدیم اوزن  
 یدی ییلان بر حرم همایوندن چقمه اوله کلوب بواشاده جلمبارک مدت عرفیه سی تمام اولوب  
 فرمانه منتظر لایکن بونلر دفعه چیقار یلور سه فساد ایدر لایمدی تدریج ایله ایکیشرا و چریوز  
 چقمه ایدم لم دیوسو تدبیر ایدوب بو فکر فاسدی اجرایه مصدر اولدی یلر و بعد العید ایالت  
 شام ایله چیقان ساحدار مرتضی پاشا ایله بر دفعه دور تیوز جلب قوشیلوب چیقادی  
 تکثیر سپاهدن احتراز اغیر پسی چیقار لمدی سائر اوج اوغلنلر بک ایسه برکون طور مغه  
 تحمیلاری یو غمیدی سلطان ابراهیم زمانه غلطه سرایه هر کون الله الله صداسی کلوز  
 و فقیر لری اچلقدن قوری اتمکله کچنور لراسیر لکی طورر لایمدی زیرا کثرت مصارفدن  
 شهر امینی انلر تعیین اولنان خرج و مصرفی ویرمکه قادراولتردی لاجرم ضرورت و اچلق  
 جانلرینه کار ایدوب ماه شوالک یدنجی کونی غلطه سرایی خدای عمو ما بوشانوب  
 ابراهیم پاشا سراینه کلدیلر انلر دخی بز نه طورر یوزیوری چیقالم دیور بر لینه تقویت قلوب  
 و یروب ال قاقوب طشره چیقار کن یونلری منع اچون یکچیری اغاسنی کوندر مشا  
 اول دخی قول ایله کلوب بونلری منع ملاحظه سیمله اوکلرینه واروب کیر و سرایه دونک  
 دیور سپاه شمله لوی یکیدی دوککه باشد قده جله جلمبار هجوم ایدوب اغایی قاجیروب جله  
 قولنی تارومار ایتدی یلر بونلری اشدوب یکی سرای غلامانی دخی ضبط اولنیموب انلر دخی  
 زور بازو ایله یکپان طشره چقدیلر عمو ما واروب ایلجی خانی و بعض جانلری و او طه لری  
 تحلیه ایدوب یگوب او تور دیلر دنیایی کورشمس حبس خانه ده ستم چکمشم کسه لالا بالی  
 سترک اچنه طاغیلوب سپاه یازلق سودا سنک اولدی یلر و بری دخی پاشای پیر اصلنده

سپاهیلکدن کله اولوب و رفع پادشاه یکچیری اهتمانیه حصوله کلکین تعیین واستقلال  
 کسب ایتیشلر ایدی یکچیری اوجا غنک تغلبندن قورنلق اچون بیک عددیری چالشمس  
 تفری کچم ایدوب کریمه کتیرین فرمان ایتیش اکثری نامل اولغین پیشین علوفه  
 استیوب هزار بهانه ایله کیمکین تردد ایدوب بالاخره اغالری اولان جاسوس مصطفی  
 چاووش بر مقد از نقر ایله اخراج اولندی سلوری یه وارد قلندری و طرفدن فتنه جویلرک  
 مکتوبی واروب سلاسلک ساکنلر دن ساقا در لکی چالشان یقلی مجود نام سپاهیکه  
 روم ایلندن محصل اموال اولان صاری حاجی احمد پرو درلر ندر ذاتنه بر جری و عقلی  
 کوزنده شخص اولغین جلوس وقعه سندن صکره برینی طوغر لغه آستانه یه توجه  
 ایتشیدی بونلری کوروب بو وقته کریمه کتمک مناسبی ندر شمدی ایش وقتیدر دیو  
 افساد ایدوب بونک اضلالی استانبولدن وارن فتنه اتکیر مکتوبلر موافق دوشمکین  
 بجمله سی سلوریدن دونوب علوفه بهانه سیمله یقلی مجودک یانه ایدوب استانبوله  
 کلدیلر و مزبور محمد سلطان احمد جامی قرینه بر خانه نازل اولوب کندی کرک باران دیکه  
 اولغین اراقعه برایش چقار مق سودا سیمله جلمباری باشدنه جمع ایدوب زور بالق وادیسی  
 انلر تعایم ایله کندوسی زور باباشی اولوب سائر ارباب خلاف دخی انلر منضم  
 اولغله فتنه یی علولتدر مکه باشد یلر پاشا طرفندن بعض علما واروب نصیح  
 ویند ایدوب مراد لری نه ایدوکی استعلام مد نصکره قبوله قابل عد زلی و سوزلری  
 مقبوله یگوب قصور علوفه لری ویرلدی و باقی مسؤلر یشه و عد اولندی مورخ دیرکه  
 ماه شوالک التبی کونیکه جمعه ایدی قاضی عسکر لری پاشا قیو سنه واروب طرفیندن  
 وحشت کالد سائر علما دخی دعوت اولند یلر سیمله جمعیتی تحویف ایله طاعنق اچون  
 جلمبارک ایاخت دملرینه متعلق کفت و شنید اولوب یکچیری طائفه سی مسلح  
 او طه لرنه حاضر طور سونلر دیوننبیه اولندی او لکون ایکی قاضی عسکر قره چلی زاده  
 مجود افندی بک خانه سنه متصل با معاد ادای جمعه ایدوب بعد الصلوة ینه پاشا  
 قیو سنه واروب جلمباری یوللویو لجه یازمق و یکی کیرن جلمباری ینه سرایه کوند رملک  
 اوزن قاتحه او قند قده مقصد یقلی مجودک چونکه مرادی ایفاظ فتنه ایدی رضا  
 ویر میوب مراد لری بو جمعیتی تفریق و بزی قتل و تمضیق ایتکدر بر بریزدن ایرما ز  
 جمله مزبیله جه بلوکه چیقار ز دیو جواب ویرد یلرین الصلوة یق قاضی عسکر (منزل لری نه  
 کتد کلر نه جلمبارک و سپاهک طعیان و اشتدادی سویلند کده وقت عصرده  
 قاضی عسکر لر و علما مفتی ایله پاشایه واروب حاصلی برکونلر اوج دفعه وارمق واقع اولوب  
 نجه در او کفت و کولادی و مفتی جلمبارک و سپاهیلرک ایاخت دملر ینه فتوی ویردی دیو  
 شیوع بولدی اولکون پادشاه حضور نلر دن ایکی دفعه خط شریف ویش دفعه  
 خاصکی کلوب وزیری حضور همایینه دعوت ایتدی یلر مفتی و اغاراه اعتضاد یله وار میوب  
 اسد شعارتام اظهار ایلدی شوالک یدنجی سبت کونی دیوان کونی ایکن وزیر اسد شعار نه  
 ینه دیوانه کیم یوب اول کون تکرار طرف سلطاننن آدم کلوب وزیر و مفتی یی دعوت ایتدکن



همچو بری وار میبوی شو کتلاویاد شاهمرك قوللری یعنی اصلاح و دولته مضر حرکت اینلری  
حسن مدافعه ایله دفع تدارکنه یوزوغا تله بر طرف اولمیشنه وارلاق ابطال مصاحبه باعثند  
دیو اعذار یارده ایدوب کتدیلر طرفیندن سلاح ایله حاضر لنوب کمال احترام اوزن  
ایلدیلر بروسدن معزول موسی افندی سپاهیله واروب ایلچیلک ایلدی سپاهیله  
یاد شاه و مفتینک استنماع اینک کوزوب یوزمه یقیوب وزیر و مفتی ایله شرعی دعوائی  
وارد ریاق دیهالی اولوب شرعیه استماع اولمیشی مطاوعه در دیدیلر بر قاج اشهری مصطلح الدین  
اغایه واروب قتل سلطانده صنعما اولمیشی بخت شرعیه استرزو الازم یکجیری  
و آخر دن بر فردایله زاعمریه قدر دید کړنده مصطلح الدین اغاجواب و یروب والله بزم دخی اول  
نصوصه صنع و رضامنه غمیدی وارک مفتی ایله وزیردن سوال ایدک دیدی شوالک سکرچی  
أحد کونی سپاهیله و جلبلر آت میدانده جمعیت ایدوب یقیل مجود بولردن بر بلوک آدم  
ایله یکی جامع عمارتیه کیروب محتمل یار ایلدیلر نکرار بر و طرفه دخی پاشا قیوسنه علما و اعیان  
جمع اولوب آواره آدم کوندلر دکن مال کلاملری یاد شاه قتلند به لمان و کلا جمله قتل اولمق  
لزمونی ادعاییدی و سپاه جمعیت لرنده مصر اولوب سوخته موسی منزلند ساکن اغالری  
طاشلر و ب و بعض کبار منزلند دخی طاش اتدیلر و زیر و علما یکجیری اوطه لرنه واروب  
عموما یکی جامع عمارتیه قیاسلر واجب التقدردیو اتفاق ایتدیلر و لازم کاورسه مدافعه  
اولمق بایند یکجیری ضابطلر یله مشورت اولنوب انلر دخی قاتل اولدقن بوا سلوب اوزن  
فتوی تصدیق و امضا اولندی صورت فتوی استقیان دن بر قاج کسنه لر بر محله تحیز ایدوب  
محقون الدم اولان صاحبای مسلمیندن بر قاج کسنه ایچون شرعا قتل اولمق ایجاب ایدر  
حاللری یو غمیکن البته قتل اولنسونلر دیوب کندیلرک بعضی جسارتیه تشبیه ایچون جمع  
ایتدیلر یاد شاه حضور تلرینک مسموع همایه نلری اولدقن اجتماع بمنوعه جمعیتدن منع  
اولنسونلر دیو خط همایون سعادت مقرون وارد اولدقن بالذمات نصیحت اولند قلمزیه  
نصیحت قبول ایدوب حقه مطیع اولموب فساد قدیملری اوزن مصر اولوب شروع شریف  
و یاد شاه حضور تلرینک موافق شرع اولان امریه و خط همایینه اطاعت ایتیموب و لازم اولورسه  
مقاتله ایدر دخی خلاف شرع مقاتله اوزرنه مصر اولسه لزوان طاعتان من المؤمنین  
اقتلوا فاصحابهم آیه کریمه سی و دخی ادع الی سمیل ریک بلحکمة و الله عظة الحسنه  
و بعد لهم بالی هم احسن فحواسی اوزن اصرا را یلسه لاف بغت احدیم ماعل لا خری فقاتوا الی  
ثمی حتی تقی الی امر الله فحواسی اوزن دفع بالسيف متعین اولسه طائفه مرقومهیه مقابله  
اولنوب مدافعه بالسيف اولمق شرعا جاز اولورمی الجواب اولور کتبه عبد الرحیم المفتی  
اولور کتبه مصطفی القاضی بعسکر روم ایل سابقا اولور کتبه ابو الفضل مجود القاضی بعسکر  
روم ایل سابقا اولور کتبه عبد النزیز القاضی بعسکر روم ایل دلا اولور کتبه مجد القاضی  
بعساکر اناطولی دلا اولور کتبه الشیخ محمد الحسینی القاضی بقسطنطنیه سابقا اولور کتبه  
ابراهیم القاضی بقسطنطنیه حالا اولور بوا سلوب اوزن باقی موالی عظام دخی امضا ایتدیلر اما  
قره جلای زاده ابو الفضل مجود افندی ایتد امقر را یسه اولور دیو یازمیش ایزن بر تدرک وجهی

یوقدر دیو حک ایتد روب مجر داولور دیو یازدیلر و بر تدردن بوی خلاف استنشام اولندی  
لکن مزبور مقول و متعین و بین العلماء خاندان قدیم صاحبی عد اولنوب منبع الجناب کسنه  
اولد یغندن قوه مال و جا هه اعتماد اچو قلق الی درمدی حتی اول محل بالی زاده  
خواجه زاده امثالی بعض علمائک سپاه ایله اتفاق سویلندی اولنکون سپاهیله  
افضاح ایدوب بزه ابو سعید افندی مفتی کر کرد دیوب حتی متعینلر دن بر قاجی ایوبه  
واروب ابو سعید افندی یه بولشوب یوزرک بزمه سزی مفتی استرزید کړنده انلر ایا ایله  
جواب و یروب بزم مفتی اولمق استمز دیوب مزبور لری دوند رمش دیو شایع اولدی چون  
فتوی تمام امضا اولنوب ایرتسی علی الصبح عموم ایله عمارتیه واروب مدافعه اولمق  
قول و قرار ایتد کیرینی جلبلر و سپاه زمهره سی ایشندیلر عقلاسی مرتدع اولوب چکلمکله  
سائرینه دخی خشیت کلوب قاتل یاد شاه اولنلرک دعوا سندن یکوب تذلل و نیاز  
ایله جمله مزری بلوکه چقاروب یاز سونلر دیو ایدر رسالت ایدن کسنه یه سویل یوب خبر  
کوندیلر بالاخره یینه اغالر و سائر عقلار ائی ایله جمله جلبلری یازمق و سپاهیله ارضایتمک  
اوزن فاتحه اوقنوب سهولتله دفع شر اولمق مناسب کوردیلر سپاهک متعینلری  
دخی طاشلر و ب یقیل مجود مراد ایلدیکی فسادی اجر ایدم مدیکدن مأیوس شکلند  
باشنه مجمع اولان ارزل ایله اسکدان یکدی فی الجملة فتنه ساکن اولمق یوز طوتدی و بوش  
کیجه لیالی فترتدن علی التوالی مسلح یکجیری یلر پاشا سرائین و اغالرک خانه لرن و مفتی عبد الرحیمک  
اونی صباحه دك طواف ایدوب حراست ایدر لردی وزیر اعظم و مفتی مزبور لک  
استکانه میلن کوردکده بورتیه ایله قیامت لازم ایکن ایتیموب ایددی یقیل مجودی  
بزه کوند رسونلر دیو زغرچی باشی مصطفی اغا ایله سپاهه خبر کوند ردیلر سپاه  
جواب و یروب مجود کجرمی ند رکه و یریز دیو خاجانه دوشدیلر و زغرچی باشی بی  
قوغد یاربو خبر اسکدارده مجوده وارد قن نکرار جمعی ممکن اولان ارزلی باشنه جمع ایدوب  
نه ظهور ایدر کون لم دیوب اسکدارده مترقب اولوب طوردی سوؤتد بیلرک بری  
دخی فتنه بر خوش مندفع اولدن پاشا و مفتی و اغالر اتفاقیه ابو سعید افندی و مجود  
افندی و بالی زاده و خواجه زاده بونلر سپاه ایله متفقلر در دیو نقیلری ایچون قرمانلر ایله  
چا و شلر تعین ایتدیلر اما افندیلر قضیه دن خبر اولمقله کیمسی یالیمه دو کیمی  
آخر یرده در دیو جواب و یروب بریسی چا و شلر کورنمندی اخشام اوزری بعض  
اوجاق اغالری مسلح نفرات ایله سلطان احمد جامع سمیتنه و عمارتیه واردیلر جمعیتدن  
کسنه بونلیموب فقط سپاه قیافتند اوج نفر فقیر طوتوب سپاه کتخد اسی صاری  
حسین اغانک خانه سی اوکندن رغما یکوردیلر بوا شاده اولان سوؤتد بیلرک بری  
دخی جمله دن اشنع و افصح بوا ییکه پاشا حضور نلری سپاهک اندفاعی کند و یک قوت  
قاهره سنه حمل ایتسونلر ایچون و سائر سپاهلری تحویر ملاحظه سیله کتخد اسی اولان  
سفیهی قوله بندیروب اخذ اولنان اول اوج بیجان نفری قتل و سیاست فرمان یالیدی  
کتخد اسی حیدر اغا زاده دخی اخشام تام ایله قوله بنوب ماه شوالک طقوز بی



ایشین کوئی اید بکے اول سپاہ زمین اویج بچان بی شہزادہ جامع بیست کھنڈ علی ملا الناس  
 بیونلر بی اوزوب چار شولوز تاسنہ القا ایدوب بیراقلر یله مزاراقلر بی ایاقلر یله صوقدروب زنجی  
 اجراء سیاست والقاء رعب ودهشت ایلدی بعد قول طوله شرق سپاه اولدی بی خانلر واروب  
 باصوب طوت قاپ آواز سیه کانه اورکیدوب طاغندی برطریقله دفع فساد ایدوب مریکن  
 منعم اولان نارفته نیک یکیدن استعانه سبب اولدی سپاهیلر و جلیلر تمام استنصار ایدوب  
 های یونلر بی بر دیکیشرا اولوب قرقمق استرلر دیوب بر بر یله خیرلشد یار و پادشاه قولی  
 نامنه اوله بر حسب الشرع والقانون مقتول اولد قلر نه میتلری آشکار دریاه ایلوق رسم قدیم  
 اپکن یوله ازیتله اهانت اولند قلر ندن جمله سنه غیرت و حمیت دوستوب آلت حرب و ضربله  
 آت مید انده بر مکله باشلد یار چون بو کار نایر جانک و خامت عاقبتی کورندی فی الحال میتلری  
 قالد یروب قالد رم طاشلر بی یقیوب سیلوب سو یوردیلر لکن بعد خراب البصره ذکر  
 محاربه جامع سلطان احمد خان و مقهوری سپاه از هجوم بکتمان میان زمره سپاهک متعینلری  
 حسین کتخد اوقره کتخد اوسا لر لی سپاهیلری غیرته دوستوب وزیر و مفتی بی اولد رم دیکه  
 بزه راحت یوقد رد یو یکیدن جمعیت عظیم ایدوب سلطان احمد جامعنه کروه کروه جمع اولغه  
 باشلد یار بو خبر وزیر اعظمک مسجوعی اولد قلر استانبول قیولری قبا انسون دیو آدم لری اکنه  
 ایدوب قیادت یار جامع مزبور مجتمع اولوب برگروغی واروب ضرب دستله آخور قیوبی اچدیروب  
 اسکدان بیقلی مجوده آدم اوچوروب دعوت ایتدی یار بیقلی دخی باشندن مجتمع اولان ارادل ایله  
 سفینه لره طولوب کلوب آخور قیودن کیروب جمعیته داخل اولدی بکره خوف جلدن سابقا  
 مدخله ایتین سپاهیلر دخی جمعیته قارشد یار شوالک طقوزنجی ایشین کوئی ایدیکه بوجعیت  
 اولوب سپاهیلردن بر قاج آدم ایله حضور پادشاهی به عرض حال کوندروب پادشاه هم بزی  
 بکچیری به قردرمق استرلر بزه بر بی عرض وزیر نصیب اولوق رجا اولنوردیو ببت شکوا  
 ایتد کار نه بکچیری و سپاهی قوللرم بر بر یله جنگ وعدوت ایتد کارینه رضای همایونم یوقدر  
 دیو نهایت سز جمعیتی فسخ ایلک بن صکره اپکینسی دخی عزل ایدرم خاطر یکز خوش طوتک  
 دیو خط همایون صد ورا ایتدی بعد بکره دخی ایوبه ابو سعید افندی به واروب سلطانم  
 احباب عرض اتفاق ایدوب بزی قرقمق استرلر ترجم ایدوب ارامره توسط ایلک دیو ارام ایله  
 دورت دفعه افندی بی پرندن قالد رمشلر هر دفعه ده توابع تخلص ایدوب بالاخره صباح  
 سرای همایون نه وانیم جوابیله تخلص کر بیان ایلش سپاهیلر بوجعیتلر ده مصر اولان  
 بکچیری اوچاغندن حصه مند اولما مشلر دیکیر لری دخی ایلره خبر کوندروب بزرده سز کله  
 بیله یوز هیچ الم چکیمیه سز دیکله مغرور اولوب دعوالر نه ثبت کوستر دیار اغالر اورطه  
 بجامعه جمع اولوب وزیر اعظمک دخی جان باشنه صحرایوب اورته جامعه واروب براوطه بکچیری  
 کوندروب مفتی بی دخی جامعه کتوروب وقت عصر ده مجتمع اولد یارینه علمایه پادشاه کوندروب  
 دعوت ایتد یار اما بالقلل قاضیه مسکرلر و استانبول قاضیه سندن ماعد اسی کندیو بی یوقدر  
 فیدروب وارم دیار بو حال اوزن اخشام ایرشدی ثلثا کچیه سی وزیر اعظم و شیخ الاسلام  
 وقاضیه مسکرلر و اغالر اورطه جامع جوار نه اوطه لده یا توب مفتی افندی کندویه منیربان

ویاسبان اولان النجی اوطه یولد استلر یله اون بیک اچیه باغشایوب اوطه لر یله بشیوز  
 غروش وقف ایتکده وعد ایدوب بکچیریار مسافر لر بی رعایت و حراسته مشغول اولدیلر  
 اوتنه جانبد سپاه و جلیلر دخی حسین کتخد اوقره کتخد اویقلی مجود و طلاقلی علی و اورج  
 اغا و قره عبد الله و روزنامه جی برادری علی افندی یکه یاند و رلقبیه ملقبدر ودلی برادر احمد  
 اغا که جزیه دارد و احمد پاشا فرزند اشی اورج بیک و سکی محمد افندی و سائر مشاهیر سپاه  
 جمله یولد استلر یله و جلیلر ایله اول کچیه جامع حرم منه کچیه لد یار قضائیه اول کچیه برشد یل  
 روز کار اسد بیکه آتش خوفندن شهر لی صباحه دك خواب و راحتی ترک ایدوب لایعقل  
 اولشلر ایدی یونلر ک جمعیتلر نه اکثر رأی و تدبیر حسین کتخد انک ایدی لکن لاخیر  
 فی الا صفر مفهم و منه مظهر اولد و غندن دخی طول قامی حماقتنه دلالت ایدوب بکچیرینک  
 اغفالنه مغرور اولوب قول بر برینه قاج چکمز دیو قتال احتماله وجود و بر میوب ضبط مسالک  
 واحضار سلاح و آلات جنگ باند اهمال ایلوب اکثری سلاح سز پریشان اوتور مشلر  
 ایدی هله مایینلر نه بر مقدار دور اندیش یکنلری بزر معینه محتاج دیو خاص آخورد و اولان  
 آت اوغلنلر یله التیشرا کچیه سپاهیلک وعد یله آدم لر کوندروب ایدوب جامعه کتور دیلر  
 و ما بپنر ده علمدان آدم بولوق لازم دردیوب میدان جامع قارستوسننه ساکن حنفی افندی  
 زور ایله قالد یروب ارالینه کتور مشلر ایدی اخشام ایرشیمکه حنفی افندی یونلره فریب و یروب  
 اوغللر بویکجه واروب قونا غمزده راحت اوله لم یارین کینه کلور زاستنه خانه مزبید دکلر بزر  
 دخی حق سوزی سو بیکدن قاجمز حضور پادشاهید دکل حضور حقه یله صدق کلامی  
 سو یار زالم چکمک دیوب نازکانه اللرندن صیرلدی عموم اوزن یونلر جامع حرم منه شمع  
 و مشاعل یا قوب بلوک بلوک مجلس مجلس اوتروب مصاحبت ایدوب مناصب و خدمات  
 آرزو سیله رب امنیه نضحک منه المنیه فحوا سیله توزیعات و توجیهات و همیه به مشغول  
 اولوب بیقلی مجوده سلا نیک امامتی ایله محصلاتی حسین کتخد ایه اغالق و طلاقلی علی اغا که  
 احتساب بدن معزولدر مراد نجه بر منصب و سائر لره دخی مرادی اوزن خدمت و آخور لر دن  
 کان غلام نه التیشرا کچیه ایله سپاهیلک مرادلر نجه توزیع ایدوب یارین و زبیری اعدام  
 ایدوب وزیر جدید دن بکام اولورزدیو تا صبحا حه دکین بویه خیال خام و ماخولیای جنون  
 انجمله اکنوب سویاشدیلر چون صباح اولدیکه شوالک اونجی ثلثا کوئی ایدی وزیر اغالر یله  
 مفتی وقاضیه مسکرلر اورته جامعه ایدیلر سائر علمای دخی دعوت ایدوب کاه ترغیب و کاه  
 تخویفی مشعر نصایح ایله سپاه جمعیتنه آدم لر کوندربیلر مفید اولدی مشاهیر سپاهدن  
 قره عبد الله یانه بر قاج اختیار سپاه الوب حرم همایونه واروب حضور پادشاهید ببت شکوا  
 ایلدکن بن قوللریک نزاع ایتد کارینه ویری بر لرینه سیف چکد کارینه راضی دکل معقول  
 و مناسب کیم ابدیه وزیر ایتسولر دیوب خط همایون یازیلوب الله ویرلدی خط مشرفی  
 جمهور سپاه طرفندن بر قاج آدم ایله اورته جامعه وزیر و اغالر کوندربیلر وزیر اعظم  
 قضیه بی طویوب پادشاه طرفندن کندویه روی اعانت اولد یقنی ییلوب اغالر  
 انجا دسیسه منی کندویه مخلص ییلوب خط کتورنره دید بیکه امر پادشاه هکدر



و او را بی اغالریلو را کر عزیزی معقول کو در رسد مهری نسیم ایله لم یوسوزایله اغال  
غیرته دوستوب بعد الیوم وزیر و مفتینک قتلنه دکل عزله ییله راضی دکلر هجوم ایله  
خط اخراج ایندرمک نه دیمکد رنیز طاغلسونلر والا المزد اولان فتوی موجبجه جله سنی  
قرارز دیو کو کوه یوب خطی الیقویوب کلن آدم لرایله بشخی دوه جیلر چور باجیمی عجد  
اغالی که جندی علی اغا دامادیدر قوشوب وار یویله سویله و نصیحت ایله دیو کو ندر دیلر  
وجله بکچری پر سلاح فیتیلاری یانر حاضر اولوب و بوجنکه حاضر اولمان کندی کافر عورتی  
پوشدر دیو صورت فتوی اللرنه بریر منادیلر چاروب اماملره ننبیه و ناکید اولنمشیدی  
انلردخی بکچری میدانه جمع اولدیلر چور باجی واروب هنوز میدان باشنه ایرشمدن اول  
سپاهک خیر کتورنلری ایلر وجه واروب احوالی تبلیغ ایلدن که الله الله صداسنی آسمانه  
ایرشدردیلر و اطراف جامعی تازو قاق باشلرینه وارنجه متر سلسلوب کان کشلر و مسلح  
سپاهیلر قومشلر ایله بیجان چور باجییه قلیچ اوستوروب پانل دیلر چور باجینک پانلندیکی  
خبری اورته جامعه وارد قله وزیر و اغالر و علما جله اتلنوب نقرات حاضر ایلر عموم اوزن  
پوردیلر بعض احواله واقف عارفلردن منقولدر که مز بورچور باجینک قتل وزیر طرفندن  
خفی تدبیر ایله بکه بویکی طائفه بریر یله قتال اتبججه بزه امنیت یوقدر وارالرنه مادام که آدم  
قتل اولنیه قتاله مباشرت ایتمزلرد یومقدجه کتخداسنه تعالیم ایدوب سپاه زنده بر قلیچ  
آدمی ممر اولان موضعه قویوب اک صکره کیدن رسولی قتل ایلاک دیو حاضر ایتمسار ایله  
زیرا چور باجی هنوز میدانه وصول بولمیدن پانلندی دیرلر العهد علی الراوی اوجاق اغالری  
ییلو یونجه دیز یلوب یوقدر ییک بکچری و عجم اوغلانی اوکلرینه قاتوب دخی عقبلر نجه  
علما افندیلر کیر و ده وزیر اعظم یوریدیلر مفتی عبد الرحیم افندیکنک مخدومی غلطه قاضیسی  
محمد چلبی و ادیسی بنی العلماء پسند اولغله اول کون زره داودی کیوب باشنه مغفرولا داوزرینه  
قنصیریه دستار حدید قوچا قلو و قفا سنه یکر می خشتلوا یچ اوغلنلری بیباخی وزیرانه  
دارات ایله سوار اولوب جمعیتلره ییله ایدی کروه عسکر اپاچی خانی اوکنه کلد کارنه  
یکچریلری ایکی فرقه ایدوب آت میداننک طرفینندن یورودیلر میدان اغزینه قریب  
کلد کارنه اهما مبردخی صبح اچون وزرادن کنعان پاشا ایله سلطان محمد واعظی ولی افندی بی  
کوندردیلر که واروب استه کلد یلر دیو تحویفه دفع ایله لمزبورلر واردی لکن سوز صاحبی ردکل  
هر کس بردورلو ترهات سویلر جمعیت باشی اولان شخصلر اچر و جامع حرمندن متر اک اولان  
اراذل سوال و جواب ندر یلر لر بونلره یول ویر میوب بره اورک ایندی یلر ولی افندی کیویه قاجوب  
برخانه به کیردی کنعان پاشا نیک شاطری و مطره جی سی پانلنوب برجامع پنجره سی اچینه  
محصور قالدی سبأ بقافه پاشاسی ایکن مقتول اولان اسلام پاشا نیک اوغلی دخی کیف  
ما اتفق انده بولغله ارایده پانلندی سپاه جنکه حاضر اولوب یکچریلردخی ایاصوفیه  
بولندن یوریدیلر بیت کیمی الدی کائن دسته کیمی تیغ برانی بری برینه قانیدی ایکسین  
اغوی شیطانی مفه و منجه بکچریلر سیل سیف اوکلرینه کان سپاهی بی طوغرایق دلیرانه  
صوندیلر زره سپاه خصوصاً جلیلرک کانکشاری برکروه عظیم ایاصوفیه طرفندن پرو

هجوم ایندی بکچریلر که اغالر قفالر نجه ایدی انلرک اوزرینه باران کی اوق یاغدی ووب خیل  
یولداش تلاف و مجروح ایندی یلر بوجله دن صکره یکچری ارکیلوب بعضیلر بده کیویه چکوب  
بوزلق مرتبه سنه آزالمشیدی بکچری اغاسی و کتخداییک ایلر و ده و زکن الدوله اولان  
اغالر انلرک اردنجه ایدی همان قوجه مصطلح الدین اغا کیرودن اغا نیک آت اوزرینه توقف و تردنی  
و نقراتک جله اولی ده اورکد کلرینی کوروب ایلر و آت دیوب یکچری اغاسنه بره قورقاق کیر و  
طور دیوب کندوسی اوکلرینه دوشندی و یولداشلر حقیقروب بره قوماک شهنمازلرم یوراج  
ادبسنلرک جنکی نه اولسه کرکدر و انلرک کیره سی طاغله باشلیدی غیرت ایلاک دیو کندوسی  
آت سوردیکی کی اول کهنه پیرک تحریصی برکاتیلر بکچری سیل سیف اولوب چور یایه سکر درکی  
سکر دملر بر هجوم ایندی یلر که میدان اورته سنه وارنجه اوکنه کان سپاه کاند ارلینی طوغرایوب  
جنه لری ایاقار التمنه قالوب پایمال اولدی بو ارا القدر جنک کورمین علما افندیلر و مشربلرینه  
خوف موت غالب اولان دنیارست اغالرک دست و پاری متر لزل اولوب کی کیرودن  
چوزیلوب برجانیه چکوب معرکه ده قلا نلرک کی حمایه مبتلا اولدی حاصلی میدان کوجه  
بندر لرنک جله سندن بکچری بی پروا هجوم ایدوب راست کلد کلرینی ضرب و قتل ایدرک  
میدانه طولدیلر و جامع حرمندن متحصن اولنلره تفنک دانه سی یاغدی ووب میدان ملاقی  
اولد قانینه بئل سیف ایتمکله میدان آق صقاللر و قره صقاللر و تازه اچ اوغلانی کله لر یله  
مالا مال اولوب کشته لردن یشته لرا اولدی سپاه و جلیلر ایسه باشسز و بوغسز و تدبیر  
وتد از کستر اولغله مایینلرنده شجیع و هادراو لنلری هر چند اوق آتوب و قلیچ چالوب مردانه  
جنک ایندی یلر امامقاومت کوچ اولغله جنکه پیشواو لنلری قتل اولندقدن صکره کیر و یلوب  
جامع حرمندن طولدیلر جلیلر ار اسنه خیل کانکش و تواناها در لر و ارایدی حتی جعفر  
پاشا سرایه چراغ ایلدیکی مقصود نام یکیت نیر کشنه کی هر برتیر ایله بریکچری میخلدی  
یدیسی جان و ربوب باقیسی مجروح اولدی دیو حاضریندن منقولدر اول هجومه فقیری  
ریزه ریزه پانل دیلر یکچری میدان طولدی بی کی جامع اچمنده سر جمعیت اولان حسین کتخدا  
و قره کتخدا و سائر اشبهلری اول امر دن چوزلکه بهانه ارایوب کی وان لم قبولی قیاده لم کی  
یوننه نه طور در زامر الله یکر و اولم جنک ایدلم دیو قاتوب کی تجدد وضویه کیدب برره بهانه  
ایله آجلدیلر نختی کشاده اولوب اجل ایرشمن بر طریقه خلاص اولدی روزیاباشی محک  
اشرار بقلی محمود اول فوس بیق نابکار مقدمجه تدارک لوازم ایدوب آخور قیوی سپاهیلر  
ایله صیانت ایتمشیدی بکچری هجوم ایندی کی حسین کتخدا ایله ایکسی عقبلر نجه فرار  
ایدن نقراتله آخور قیودن چیقوب اسکله ده حاضر اولان برایکی قایغه طلوب اسکدان  
جان ایندی یلر قایغک بری طلوب طولو اولوب الارغه چیقایدیرکن کیرودن کان منزهلر برزی  
اوزرینه آتیلوب قایغی دوردیلر اچمنده کیلر دریایه دو کیلوب کوجیلر چقدیلر فرار اید میوب  
جامع قلان دردمند لر طشره حرمده و اچ حرمده و شادروان طرفندن قیو و پنجره اچمنده  
منیر و محراب اوکلر نه قتل رزیم ایله قاپچدن کچدیلر جامع شریفک اول نازنین مصنف  
قیولری و جاملری تفنک غنم قیله دلدک اولدی الی الان بعض یلر نه مشاهد در



سپاه متعینان رنن طلاقلی احمد اغا و احمد پاشا برادری اورج بیگ و بنکی محمد افندی  
اول معرکه ده قتل اولنوب پان لند یار و جلمی تیش قدر و آ خوردن علوفه سودا سیله کان  
احمد قلدن اللیدن مجاوز و سائر سپاه باجمه اوج یوزه قریب شش تلف اولوب بکچیری نفراتی  
مقتوللری صوب لباسلرینی الدیار باش کتورنلره مراد اغا بخشش و پردی سپاه و جلمی لک  
بعضیسی منار قیولرین قیروب منار یه چیقوب اشاغه اغاره الامان بزى عفو ایلاک دیو  
چاغرد قلدن مصلح الدین اغا بنشور یولد اشتر چکک الیمکری دیه ننبیه ایدوب امان و پردی  
بقایای سپاه و جلمیان منار دن اینوب جامع کوشه لرندن چیقوب مصلح الدین  
اغانک و پاشانک اتی ایاغنه دوشدیلر غیرى جرملری عفو اولنوب دفع سیف اچون  
ننبیهلر قلندی اولکون ثقلان بر چاوش ثقل ایدرکه ابکی تازه جوان جلمی برهنه  
سیر زلفلری غاطرلری کبی پریشان فرار ایدوب عقبلر نجه بکچیری مردم کشاردن یدی  
سکز نفر تیغ کشی بی امان سکر دوب بونلری قتله ستابان اولشار ایشه جکری وقت  
بر اچق بویا و قره صقاللر بکچیری بولنوب بینلرینه حائل اولوب یولد اشتر قیلک قرداشلر  
پکا اغشالک انلرک پرینه بنی اولدورک دیو نیاز ایدرک قتلرینه مانع اولوب اینکسنی دخی اول  
مردم خوارلرک تیغ غدرندن تخلیص ایدوب بعد اللرینه یا بشوب کلک اوغوللر دیو  
شربتی دکانتی آچد یروب اچره امانت و پردی بعد وقعه صاولد قن کلوب اینکسنی  
دخی چیقاردی مکر بریسی دکانه کهرکن اول بکچیری یه یکرمی یدی فلوری و یروب  
مجا تندن منتدار اولمش اییش اول مرد جوان مرد کلوب بونلری دکاندن اخراج ایتدیکی  
وقت عمره زری دخی اول جوانک الینه ایدوب اوغل انکدن شاید الوردیه الماش  
ایدم والا نهم احتیاج یوقدر وارک سلامتله بیت رویدای ضعیفان سوی خانمان  
بنان دعا باد تاجاودان دیوب نخلبند محله سنی جائنه کتوزوب سلامت ایله  
چیقاردی و جوان مردلک کانتی تاطاق عرسه آویزان ایلدی غائله بر طرف اولوب  
جمعیت صاولد قدن صکره محن جامعده یتان کشته لک صاحب اولنلر کلوب قالد یروب  
دفن ایتدیلر صاحب اولیمان بیکسیرک ایکی یوزدن مجاوز باغیلر دردی نمازلری قائمیوب  
عسس باشی مباشرتیه عربله تحمیل و دریا یه القا ایتدیلر بو خصوصه علما ییمنده وافر  
قیل وقال اولدی تعقب جنکده بغی اولمزدیه نجه فضلا طرف خلافت اهاب اولوب  
قمستانده مسطور اولان ثقل ایله استدلال ایتدیلر فذلکک صاحب کتب چلی دخی اول سوزی  
سویباش اییش لکن قره چلی زاده عبد العزیز افندی و وزیر اعظم محمد پاشا لک طرف کیرلری  
اولان علما رضا و یرمیوب خلافتی سوق ایتدیلر و باغی دکلدردیلرله انجنوب آزار دخی  
ایتمشلر حاصل کلام کرک جهانیده ایکی پیردایر جناح دولت اولان ایکی قول اراسته دسیسه  
مکر و حيله شقاق و خصومت القا ایدوب کیندولر بادره بلیه دن امین و مصون اولدیلر  
یوقضیه دنصکره اگرچه زمره سپاه اذل من التقید اولدی لکن عاقبت اندیش اولان  
پیر و خیر خواهر سوقیه اغار و ضابطلر بکچیری نفراتنه ننبیه ایدوب اقتضا حسیله  
اولان اولدی رامنر جزاسن بولدی پادشاه قولندن یکمتر سپاهیلر ده بزم قرداشلر یز

۱۹۱  
وسفر و حضرده یولد اشتر یزد در بعد الیوم هرکیم انلره دل اوزادوب طعن و طنز ایدر سه بلا  
امان خقندن کلوب دریاه ایتلور هرکس ادیله کزوب حرف انداز لقدن زیاده  
حذر اینسون دیو تهدید و تخویف ایله احمالردیلر ابتداء تغلب اغایان بکتا شیان  
یو جمعیت طاغلد قد نصکره وزیر اعظمک یوزی کولوب مسرور اسرا نه عودت ایتدی لکن  
اوجاق اغالرینک بیغنی بالته کسمر اولوب بوند نصکره تغلب تام ایله زمام حل و عقدی  
قبضه تصدق لرینه الدیلر کندویه ولایت عهد پاکه مستقل سلطنت ملا خطه سنه  
اولان ساده دل پیری بالکلیه مغلوب و محکوم ایتدیلر وزیر اود دفعه مخصوص کندولرینک نصب  
کرده سی اولغله جمله اموری انلره دانشوب جزئیات امورده دخی انلره مخالفتدن قالدی  
و بونقش انلرک تغلب و تسلطی افقضا ایلدی سپاه منکسر اولوب من بعد حرکت و جمعیت  
احتمالی بر طرف اولغله اولاسلطان احمد جامعده دوشترک و انده بولنا انلردن چوغنک  
ونجه نامدارلرینک یرلری پالمنوب دیرنکری قطع اولندی کتخدالرینک اینکسنی دخی  
تقالد یروب علی کتخدانصب اولنوب و بندور چلی و قره کتخدانک قاجوب صاغ قورنلشیر ایدی  
پن الاعیان معروف کسنه ل اولغله قتل اولنوب انحق بلو کدن اخراج اولنوب متفرقه  
و چاوشلق و یرلدی مشاهیردن و یوده مصطفی اخذ و قتل اولندی و فتح اولان بیلک نفرک  
دفتری احراق و اغا اولنوب ولدش ماده سی بر طرف قلندی سپاه دخی ناچار اول  
امنیه لردن ال چکوب بر علوفه ایله قناعت ایتدیلر لکن طشره ده نجه فساد ظهیر ایلدی  
ان شاء الله تعالی یتان اولنور اولنور قایقلمه جان اتوب اسکدران کچن منزه لراشکدر اوده  
قوللق بکاین چوریاچی بی اور ایدوب بر قاج آدم بان لدیلر صکره فتنه یه سکون بولوب  
ادیلرله او تور دیلر ماه شوالک لون اینکچی کونی وزیر اعظم حضور هما یونه و ازوب دفع فتنه  
مقابله سنه کورک کیوب ملتفت اولدی زور باباشی ییقلی محمود بروسه جائنه قاچد بغی استماع  
اولغله جانکلی عثمان پاشا زاده حسین بیلک تعیین اولندی ایغار ایله یکشهرده ینشوب  
باشن کسوب وزیر کوندردی بو خدمت مقابله سنه کندویه قرمان ایالتی کوند رلدی  
ذکر احوال حیدر اوغلی و کرفتاری اوشتی مریز حیدر اوغلی اناطولی بکار بیکسی احمد پاشای  
قتل ایتدیکی مقدمادکر اولمشدر بو خباشت نصکره قره حصار صاحب اوزرینه واروب  
غارت و خسارت قصدند اولد قن یه قره حصار جوارنده چای قصیه سنه ممکن  
سابقا عایضانه بی باشی رضا لاندان اولان عیسی اغا قضا تندن برله آستانه یه خصوصاً  
مدبر امور اولان اغارزه مکتوبلر کوندروب حیدر اوغلی اسکا ت و نسکین اچون بر منصب  
کوندن سردیو اعلام دل ایتشیدنی اوائل رمضانده وصول بولدی بتماش اغا عیسی اغای  
تعقیب ایدوب بر حرامی یه منصب طلب ایدر دیکلک موصل مکتوب قاضی رد جواب  
ایدوب سلطام اهون شرین بودر والا قره حصار الدن کیندردیدی قوجه مصلح الدین  
سوزه کلوب شرین بیوکی بودرکه حرامی لره و اشقیایه توغ و سحاق و ریایوب عرض و ناموس  
دولت هتک اولنه اشقیایو طریقیله منصبه نائل اولق قیوشی آچیلور سنه غیری ظهور  
سودا سنه اولان جسور و فتنایر طلوب مملکتی خرابه و یرمک کورینور معقولی بودرکه غیری



طریقہ تدارک نہ سعی اولنوب منصب ویریکله برالای مفسداری طمعہ دوشورمکنن زیادہ  
 حدراولنه دیدی بوسوزموجہ کوریلوب منصب ویرلیدی امانتی متزبور قره حصاری  
 باصوب قتل رجال و غارت اموال ایدوب بزستانی وغیری چارستو واما کتی یغما و تالان  
 ایلدی دیو خبر کادی سلطان مراد خان حضرت تارینک مقبول و مرغوب ساجداری حاجی  
 سنان زاده نیک برادری محمد یاشاکه بربرار کسه ایدی مقدما حمید سنجائی ویریلوب حیدر  
 اوغلنک استیصالنه مأمور اولمش ایدی مشهور ابازہ حسن پاشای مذکور طرفندن منسل  
 اولق اوزن ایلرو منصبه کوندرلش ایدنی حیدراوغلی دخی قره حصار غارتندن دونوب  
 اسپارته قصه به سنه سو قصه ایل کلدک اها لیلی شغعا کوندروب نه استر سه ویره لم بزه  
 قعرض ایتسون دیه لر یله شهره اوج بیگ غروش صالیدی شهرلی باش اوزن ویررز  
 تدارک ایدنجه توقف بیورک دیواغفال ایدوب اولدخی کال غرورندن خوف احتمال ویرمیوب  
 اسپارته نیک طشره سنه بی پروا عیش و عشرته مشغول و مبلغ جمع و وصولنه مترقب  
 اولدی منسل ابازہ حسن اها اسپارته ده یانغله کند و آدمزنی و اسپارته لوند لوند جنکه  
 یارارو افرادم جمع ایدوب همان برکیجه صباحه قریب استقباحو اب غفلتند ایکن چیقوب  
 عل الغفله باصدی محکم جنک اولوب حیدراوغلی ایاغندن مزراق ایل یان لنوب مجروحا  
 اتدن دوشد کده نکرا بعض عونه سی آت یلشدروب یغوب فرار ایلدی حسن اغار دته  
 دوشوب شتی متزبورز چندن بی تاب اولوب برقریه یه وارد قده یلشوب اخذ ایتدیلر  
 اولمر کده توابه چندن اون نفرزنده شتی واون بش کله النوب باقیلری منہز مافرا ایتدیلر  
 متزبور ابازہ حیدراوغلی و سائر کر قنارلری و باشلر ایلہ آستانه یه کتوروب ییاغی الای ایلہ  
 صدر اعظم حضورینه کتورد کده زندہ اتباعی قتل اولنوب حیدراوغلی کندوسی مجروح  
 ومیت متحرک مثابه سنه اولغله یارمق قبیوہ کوندروب صلب ایلدی صفا اسزهنوز  
 صاری یقلمی کلش بر تازہ بکیت ایدی لکن آیات و سلاح قوللغله ماهر حرب و ضربه  
 قادر امت محرم مضرواجب الازاله بر فاجرایدی دیرلر بخدمت مقابله سنه صدر اعظم ابازہ یه  
 یکی ایل ترکان اغا الفنی احسان ایدوب خلعت کیدردی اوچاق اغاری حسد ایدوب  
 بر سپاهی آدمی بدن ترکان اغاسی اولق نه دیمکدر دیورضا ویرمدیلر وزیر اعظم بوبابہ ثبت  
 ایدوب یو آدم عظیم خدمت ویراراق وجوده کتوردی بن توجیه بدن دویم مہری دخی آلوب  
 استد کالینہ ویرسونلر دیو جواب تلخ ویر مکله اغارنا چار سکوت ایدوب اغالق متزبور ابازہ ده  
 قرار اولدی شوالک بکرمی اوچنی اربعا کونی قیودان احمد پاشا دو تہما ایلہ بوغازدن  
 کلوب طویلر آتوب شتاک ایدرک ایچرو کیردی فورتنہ اولغله بر قادر غه طولہ با نچہ اوکند  
 قالیہ ویرمش بولمغله غرق اولدی ایچنہ بولمان آدمز چیقوب قورتلدیلر زبراجمہ  
 کونی خلق نمازده ایکن عظیم رعد و برق و باران ایلہ برلودوس فورتنہ سی اولوب قاسم  
 پخشنبہ کونی ایدی فورتنہ سی اجر ایتدی قیودان متزبور درة التاج سلطنتہ عزہ جبین  
 العفہ عایشہ سلطان حضرت تارینک زوجی وینق احمد پاشا دروزیر اعظم ایسہ بوشلارده  
 کال استنشا عارندن عرض کوناری سیلہ دیوانہ وار میوب طرف پادشاہیدن مؤاخذہ خوفند

ایدی لکن اوقاغاری و شیخ الاسلام و قضایہ عساکر ایلہ اعتقادیتہ بناد مصاحفہ  
 مہیقہ قوت ایتیموب قوت قلب ایلہ مصادر یه مشغول اولدی وکن سبت کونی دیوانہ  
 وارمد یغندن خلق ییغند کفتکوا ولافین یو یکشنبہ کونی کال انتقباضندن استعمال شربت  
 مہانہ سیلہ یه کفیوب قوجہ کنعان پاشا ایلہ قاضی عسکر لری کوندردی بوحالت لروز برک  
 احترازندن ردیو السنہ خلقه شیوع وفضل پاشایی وزیر ایدر رزدیو محل جمعیتہ سپاہی  
 لسانہ کتوروب اگرچہ فضل پاشا اورتہ جامعہ کلوب ابراء ذمت ایتشیدی اما بوقدرجہ  
 لسانہ کلد یکنندن وزیر ایدر امین اولیوب فضل پاشایہ طمشوار ایلتنی توجیہ و مستعجلا  
 چیق دیوب اولکون استانبولدن جیقاردی و خلیفہ سی سلطان عصمت نشان جہ  
 اتباع و اتواییلہ جیجی شیرایہ نقل اولنوب رجب پاشا سرائی تخلیه اولندی وایشیر  
 پاشایہ اناطولی محمولی ولایتی ویریلوب بونی اگری محمد پاشا حلبہ متوطن ایدی ایشیر  
 یزینہ سیمواس ایالتنه نصب اولندی اناطولی ایالتی محمولی لشکرک یک مہمانتہ کفایت  
 ایتزدیوایشیر پاشا سیواسلہ مستقر اولوب در دولتہ عرض ایتسی شایعدر شهر  
 امانندن معزول بولوی مجدی محمد افندی یه وزیر اعظم روی غضب کوسرتوب اشای  
 محاسبہ ده قبل الفراغ چاوش باشی اوطہ سنہ حبس ایلدی وایکی دفعہ کندوی  
 دیوانہ کتوردوب سوال وجواب ایتدی مزبورک حین عزلندہ مہریتی الد قارندہ برالتون مہر  
 کوندروب یعنی خاتمی الیقومش ایدی وزیر کندویہ یچون اوطامی کوندر میوب غیری  
 مہر کوندر دیک دیدک سلطانم اول مہرا حمد بیگ نام مہرکن مشهورک علی اولغله کوندرمد  
 هیدی مکرقدیدن قاعده یوایش کشترا مینی یا ترسلہ امینی یاغیری اماندن بری معزول  
 اولسہ مہری النوب برطرف ایچنہ مہر لنوب حفظ اولنورایش حین محاسبہ ده برشی  
 محسوب اولق لازم کلسہ اقمه ایدر مش اما صالح پاشا و احمد پاشا زمانلوندہ امنہ الوج دورت  
 آیدر برتبدیل اولنق ایلہ مہر لری التزاولمش ایدی بناء علی ذلک شترامینک مہری  
 طلب اولنہ جغین بلزدی بودفعہ سوال وجواب بوجہ زماندر قننی شترامینک مہری  
 الندی انجق بزه عرض ایتدی کزدیدک وزیر غضبہ کلوب بن صقالی امور دیوانہ ده  
 آغردم مہر التوق رسم قدیم ایکن سن بنی تکذیب ایدر سک وفارشوس و یلوسک دیو خیانتنه  
 نسبت مقابله دفتر بن کتوردوب قزل بیراقدن ایدی اسامہ سن چالوب مال مہری یه  
 خیانت ایتشدر دیو شرح ویروب قیوجیلر اوطہ سنہ حبس ایلدی وکاه قتل وکاه  
 قطع ید ایلہ تخویف ایدوب طقوز یوز یوک قدر اچہ استیوب یا لاخرہ یوز سکسن یوک  
 اغارومفتی شفاعت لیلہ قرار باغلیوب و میرین ویر یلاق دیمتوقہ و سائر خراج لری یه  
 میرین ضبط ایتدیروب عدل اوزن محاسبہ سنی کورد در میوب غدر ایتدی فی الحقیقہ  
 افراط و تفریط مقرر لیدی لکن احمد پاشا یورلدیسی ایلہ مہر لدیکی قبض تذکر لینه کد بنارہ  
 معصروف اولمشیدی باقدی و باش دفتر دار اسمعیل پاشا ایلہ خیر مایہ فساد این  
 مصادن محاسبہ جی صاری علی افندی یی کوندروب متزلز مہر لندی خیل از تملر اولوب  
 او توز سکتر کون حبس نہ مکرہ یوز یوک مقداری اچہ سن الوب اطلاق ایلدی سانی



سائر امنایه دخی بود و جهله جو و مضاد ان ایلدیلر و وزیر مرحوم احمد پاشا ارادری ابراهیم  
 کتخدان یوز کیسه طرب ایدوب سکسنی تسایم ایتیشیکن یکرمی کیسه ایچون حبس  
 ایتدیله جنک طوزله در کرید چون عسکر اسلام بیان سابق اوزن قندیه دن ال چکدیلر  
 کفار دو تناسی سوده یه کلوب طشره بش بیك قدر کافر دو کد پلر حایه محافظه سنه  
 اولان مصطفی پاشا دخی موجود بولنان عسکر ایله طوزله یه واروب مقاتله و محاربه  
 واقع اولدقه لغز و به قریب ایکی طرفدن چکدیلر تکرار ایرنسی جنک اوزن اصرار  
 ایدیلرک بالاخره مغلوب اولوب ایلکوز قدر باش کسلیوب سردار طفر شمعان خیر  
 فتح ارسال اولندی رمضان و اخرنه قندیه اطراقنه باران و برف نازل اولوب بیرامن  
 حصار غایت ایله دشوار نجه هولناک دن درکه دریاه و نجه ممتدایدی مارمئال پیچ در پیچ  
 حصاری احاطه ایتیش ایدی باران نزول ایتدکه متر سطرطوب آلات مترس اکثر یا  
 اول دن ده قالدی ضروری طوپلری چکوب خیامه ارام ایتدیله و حایه قریه اسفا کیه  
 نام ناحیه که کفار زمانه دخی خاکی مطیع اولیوب مکانلری صعب و بنه مغرور ایدیلر  
 اون جور باجی ایله روم ایلی کتخداسی قدوز علی اغا حصاره واروب عاصیلری فراتیمکه  
 ضبط اولنوب رعایاسی قرین عفو و اغماز اولدیله لکن حصاری هدم ایتدیله سردار اکرم  
 مزبور علی اغایه اعزاز و اکرام ایلدی و جلوس همایون انعامی کلوب انابولیدن حایه یه  
 نقل اولندقه احبابه توزیع و تقسیم اولندی سردار اکرم حسین پاشا رتبه و خارجند  
 صوکارنده برجامع و برزویه بنا ایتدیله یروب لطافت بر بیدل اثر اولدی و یلوک سپا هیلرین  
 حبیب اغایه قوشوب اسبیه قلعه سی فتحه کوندروب ساحدار اغاسی اولان  
 یواشجه علی اغای قری و نواحی محافظه سنه تعیین ایتدیله شوالک بشنه حسین پاشا  
 حصان ناظر سبیه اوزرینه نزول ایدوب ملازمان درگاه عسکر طفر پناه ایله اولقمامه  
 قیام ایتدیله بقیه عسکره موسم ریه اوردوی همایون خد متنه یتمک شرطیلر  
 اوطان مالوفه لرینه کتمکه رخصت ویرلدی اول قیش انده عیش و عشرت ایتدیله  
 لکن هنگام شتاده قحط و غلامشند اولوب جزیره یه مخصوص اولان اوج و قیه مودری  
 دیدکاری اوج و قیه عثمانی دقیق اوج غرو شته بیع اولندی مقدمه انابولیدن حایه یه  
 نقل دغا تراولنش ایدی قره دن کلوب عسکره ویرلدی و روم ایلی بکریکیسی کوچک  
 حسن پاشا سردار کامکار و تاغنه کلوب مشاوندن صکره اتنه بنوب منزله کیدرکن  
 قلعه دن برطوب کلوب پاشای مزبورک ایاقلری بر مقولین مقراص کی کسوب حالتی تباه  
 ایلدی خواص خدای منزله کتوروب اوج کیجه وجع واضطر ایدن بی تاب اولوب  
 هوالده برودت اولغله معالجه مفید اولیوب بالاخره مرحوم اولدی روم ایلی ایالتی یقل  
 مصطفی پاشایه توجیه اولندی بواشاده ایچرودن بر قیاح یوز نفر خروات و سلتات ملا عینی  
 چیقوب سرداره کلدیله و شرف اسلام ایله اکثری مشرف اولدیله پاشا مزبوره یچ  
 انعام و احسان ایدوب یوز نفره بر قیودان باش و بونع تعیین اولندی طوبالی محمد پاشا  
 بونلرک تسویه احوالی و لوازمی خد متنه مأمور اولوب هر برینک استعدادینه کون و وظیفه

و تیمار ویرلدی هر یار قرب حصان واروب کفار ایله درونجه جنک ایدرلیدی مزبور  
 پاشا کفار طایفه سنه مقابل برطایفه بنالیدی یروب انای جنکله مجروح و شهید اولدی  
 بعض وقایع در آستانه زمره سیماهک جمعیتند صاحب حل و عقد اولان صاری حسین  
 کتخدا وقعه کونی قرار ایدوب مکرر عده بکتاشیان قره مراد اغا منزله مخفی اولنش ایش  
 غره ذی القعدة ده مراد اغا وزیر رجالیوب جبروا کراه ایله کتوروب دست بوس ایتدیله  
 اگرچه عفو مظهر ایتدی اما وزیر یزاده متالم اولوب منزله او تور مق و طشره چیقوب  
 خلق ایله اولغت ایتیمک بشرطیلر عفو ایلدی و صاری محمد نام سپاهی که ماده الفساد نامنه  
 اولنردن ایدی حنیق و دریایه القا اولندی و حید راغازاده یه علائمه سنجای ویرلشیدی  
 حا لا اغا التماسیلر آستانه یه کلسچون آدم کوند رلیدی بوسنه بکریکیسی درویش پاشا  
 اهلونه ده او توروب علی اغا نام برکسه یی سردار ایدوب کلیم طرفنه کوندروب یی یوز  
 قدر کفار که سی کتوریدیکی خبری ورود ایدوب ماه ذی القعدة ده عرضی کلوب مغلوج  
 و عمل مانده اولدوغنی اعلام ایتیمکه یرینه سرخوش ابراهیم پاشا و غلی حسن پاشا بوسنه  
 بکریکیسی اولدی سلسله اوائل ذی الحجه ده مکة قاضیسی داود زاده مصطفی افندی  
 معمره اوج منزل قاله حق صالحیه نام محله وفات ایتیمکین منقاری زاده افندی سلیمانیه دن  
 مکة مکرمه قضاسنه قالد یریلوب یرینه ابوسعید افندی بک پیوک محمد و می احمد چلبی  
 اسکدار و اهل سندن انک یرینه محمود پاشا دن بوشتاق عیسی افندی انک یرینه محمد  
 اعرج مصطفی افندی انک یرینه معید احمد افندی انک یرینه کورد عبد الله افندی انک یرینه  
 کورائیدن حسین پاشا زاده انک یرینه سکبان علیدن سموز خلیل کذلک سلیمه ادرنه دن  
 بیاضی زاده عبد اللطیف چلبی بالچی مدرس زاده نامنه شخص ادرنوی یرینه قلمه قاضیسی  
 اولوب یری ادرنه با یزید مدرسه سندن یچی افندی نام کهنه پیر انک یری سندن نوعی  
 زاده یه ویرلکده قبول ایتیمک انک یریکه سندن مفتینک کوچک اوغلونه انک یریکه یچی  
 افندی مدرسه سید رجا کراغازاده یه بالجمله باوچی که خسرو کتخد بقعه سید رفاطمه  
 سلطان تحریریکله آلهی زاده یه انک یری قبا قولاق زاده قانی اون که زاده احمد چلبی  
 همشیره سی رجاسیلر اولوب یری دخی که یوقار و سلسله ده خلیل یرینه اسعد افندی  
 دامادی برو سوی چاوش زاده سکبانیه یه واروب یریکه جانبازیه در تکفور طاعلی  
 عبد اللطیفه و یریلوب یریکه کلیمولید ثانیه نصوح پاشا اسعد ارناشی عبد الباقي یه  
 ویرلشدر ثمة وقایع عید اضحی ده خبر کلدی تا تارخان صفالیه دید کاری له طائفه سنک  
 قرقدن زیاده قلاعن آلوب استیصال مرتبه سنه ایلنوب قرق بیك قراق که کندی  
 عسکریدر بروبانیه دونوب قفلقه سلطان طونه ساحلند کلی قصبه سنه قشلاق  
 ایلدی و بعد العید حید راغازاده محمد پاشا آستانه یه وصول بولدی و کزیده روم ایلی  
 بکریکیسی کوچک حسن پاشا انک فوتی خبری کلوب استانبولده سموز و نوقود و اشیا  
 بیك کیسه مقداری مالی باش دفتر دار اسمعیل پاشا یازوب قبض ایدوب روم ایلی  
 منصبی آستانه دن قپوچی باشی سورنازن مصطفی اغایه توجیه اولندی و سلخ



ذی الحجه ده یکپیری اغاسی محمد پاشا که مصطفی پاشا مرحوم کتخد اسیدر دیاربکر  
ایالتنه قالد ریابوب یرینه احد عناصر دولت اولان قره مراد اغای یکپیری اغاسی اولدی  
وموسی پاشا بعد اددن رفع و دیاربکر دن ملک احمد پاشا بعد اده نصب و بوقضا یاسیاقند  
هزار یان احمد پاشا کتخداسی بوسنوی صاری احمد اغا که موسی پاشا کتخد الغندن  
احمد پاشایه مرتبط اولمش ایدی و قرداشی اورج اغا که آت میدانی کر بلا سنده یان لشم  
ایدی ملک احمد پاشا بعد اده قالد رلد قبله مزبور بوسنوی احمد اغا دیاربکر ایالتنه اولمش اید  
پوایکی کون ایچنده کوچک امیر پاشا مصر دن معزول اولوب ایالت مصر مزبور احمد پاشای  
بوسنوی به ویریابوب انک یرینه اغا لقند محمد پاشا دیاربکر اولمش درونه بوسلج  
ذی الحجه ده مراد اغا رجا سیله عفو صورتنه قتلند مسامحه اولنان صاری حسین کتخدای  
مراد اغا خلعت کید کدن صکره وزیر اعظم چاغروب سابقا تصدی ایتدی یکی خراجاز  
وخذ منلو محاسبه سن صورتب تمسکات ابرافیند کدن صکره طشره چیقار کن عرض  
اوطه سی طشره سنده خدام یقه سن الوب وزیر اعظم کتخداسی اغازاده بالذات یقه سنده  
ال اوروب بره طوتک شوزور بایی دید کده صاری حسین ایسه برکک اصغر مرد جسور  
اولمغین بره سفیه اوغلان سنی قالدک نیم یاقه ال اوده جق دیو خنجر چوروب خدامدن  
بری قولن طوتد قله الی مجروح ایدوب هله ایغ اغاری ومهتر لیا سنده او شوب همان اول اراده  
باصوب بوغزلدی و لاشه سین کوتروب دریایه ایتدی لر اما بو نک قتلندن یکپیری اغاسی  
قره مراد اغا چندان حظ انیموب کندی شفاعت کرده سی اولمغله وزیره درونی متکدر اولدی  
ومراد اغا بر صاحب وجود شخص واستبدال صاحبی متعین کسند اولمغله اگر چه ابتدا رده  
هزار یان احمد پاشا خلج و جلوس وقعه لرنده جمله ایله به لغوب محمد پاشای وزیر اعظم ایتکده  
وصکره آت میدانی وقعه سنده استقرارینه معین اولمشیدی اما بواعاتی محض کاند و دولتی  
صیانت و بلکه دخی زیاده استقلال بولوب به مهانه ایله کسب تزیید رفعت ایچون ایدی  
لکن وزیر دیو اگر چه اغازله مغلوب اولدی اماینه بعض امورده سوزارینه مخالفت ایدوب  
بیلدیکی کی حل وعقد ایدردی مراد اغا درنده وزیره متکدر اولوب اندون همایونه  
غل ایله اغا اولد قده وزیردن بالکلیه امنیت کیدوب مقدمه زوز باباشی صاری  
حسینی اولد وروب غیری احتراز و احتیاط ایله باشی تدار کنده اولدی و سلطان مصطفی  
عمر نده وزیر اعظم بعد وظیفه تقاعد ایله کرارنده ایام اولان افکده لی مصطفی پاشا  
واوائل دولت ابراهیم خاندن ساحدار ایکن روم ایلی ایالیله چیقوب بعد والی بغداد  
اولان داماد شهر یاری موسی پاشا ایکیسی دخی سنه مزبور ده رحلت ایتدی لر رحلت  
حقه اوله لمظهر وقایع سنه تسع و خمسن والف محمد قلیب عبد الرحمن افندی به  
اناطولی پاییه سی اولمغله دانشمند لرین ملازمت قیدینه کوندروب قاضی عسکر امرینی  
کتوروب مفتی خبرم یوق دیوب وزیر اعظم رئیس الکتاب صدق افندی به سوال عتاب  
ایتد که اولی کلدوکی اوزن بیورلمغین یازدم دید که امری شق ایدوب محمد دابلا پاییه امر  
کوندردی لر بعد مراد اغا قول اوزن اوغز ادقله قاضی عسکر دانشمند لرینی یازدم دیو تقیبه

آدم کوندردی تقیب شتم ایدوب لازم دکلدر ایسته هم دیو جواب ویردی مراد اغا تقیبک  
غضب وانفعالن کوروب پاشایه واروب نکرار پاییه امرین الدخه قالدیدی وحید راغا  
زاده محمد پاشا اغا رجا سیله استانبوله کلوب تنبیه ایله قیوسنی قیابوب او توردی لکن  
یکپیری اوجاغنده دوستاری و چراقلری چوق اولمغین بر دوتلونا نک جریمی ندر قیوسی  
قیابوب مجرم لری مجنون او توردیه کفتکو ایتدی لر سبب جمعیت اوله جقلدر خبری وزیرک  
مسموعی اولد قده بیورلدی کوندروب قیوسن آچوب او تور مغه اذن ویردی غریبه  
سورنازن مصطفی اغایه روم ایلی ایالتی ویریابوب قره دن کریده مامور اولوب یولده راست  
کلدی کی تذکره ایله النان اموال عمال دن یوزین کدن او تویسکی الوب خرج راه ایتکده بیورلدی  
ویریابوب میرسی قیانتش عمال و جزیه دارلر پاشای مزبورک چورندن خوفه کرفتار اولدی لر  
وقایع کرید عسکر اسلام اگر چه مترسدن چقمش لر ایدی لکن ینه قندیه حوالی سنده  
تاییه لردن حرب و قتال امر نده اشتغال اوزن اذکن غرض محرمه کفارک برکیسی کلوب  
قلعه نک اوتنه جانبیه یانشدی اخشام اولد قده تفنگلر ایتیلوب عظیم شنگلر ایتدی لر  
وصباحه دکل تا قوس و طبلاری چالندی آدم لر تعیین اولندی و بریرادل اخذ اولند قده  
مزبورکی ونیدیکدن کلوب مرده خبری کتوردیکه مقدمه مافرا نجه واسپا نیامایین ایدی  
حالا یار شوب مصالحه ایتدی لر و انلردن زیاده سیله امداد النوب معجلا کوندر ملک اوزن در  
و بوشنلک انکیچو ندر دیو خبر ویردی جاسوس دخی کوندر لمشیدی اولدخی بوخبری  
کتوردی محرمک بشخی کوئی روم ایلی و اناطولی بکری وزعما وارباب تیمار سرداره کلوب  
اوج سنه در جزیره ده محبوس کی قالدق امدادیق کفارک امدادی کلور سه حال  
مکدر اولوردیو شکوی ایتدی لر پاشا دخی بونلره استمات وروب احوال تفصیلا عرض  
اولنشدی وینه عرض ایدلم دید دفع مجلس ایلدی ایکی ایالت قولنندن اوچر آدم اوچاقدن  
ایکی آدم کوندروب اغزدن دخی بومفهمی سپارش ایتدی لر که بزه امداد کلدیکدن غیری  
یسک اوچیزدن مجاور یکپیری بی قالدردی لر فرار ایدنک دخی نهایتی یوق مراد کرا کردین دولته  
خدمت و عرض سلطنتی صیانت ایسه جمله عسکر کلوب اتفاقله سی اولنلر سه ایش کورلر  
جزئی امداد ایله قندیه التماز بوند اولان مسلمانلرک طور مغه طاقتلری قالمشدر دیو  
عرض ایلدی لر یکپیری و سپاه طائفه سنه عظیمه سلطانی کلوب جبهه جی و طویچی و عرب جی به  
کلیموب روم ایلی بکری کیسی حسن پاشا نک مالندن ویرلدی و کیر وده اولان عسکرک دفتری  
طلب اولمغله اغازی معرفتیه تحریر وار سال اولندی و اوائل محرمه قندیه التمه جنک  
اشانسنده سکبان باشی اغا شهید اولدی محرمک سکر نده ونیدیکدن صلح نامه ایله آدم کلوب  
کلامنده مال اولمغله ستر اولندی احوال آستانه اوائل ربیع الاولده درویش محمد پاشا که  
تمارض ایتکده کندی وینی بوسنده دن عزل ایتدر مشیدی بکتنش اغا رجا سیله کلوب آلائی ایله  
استانبوله داخل اولدی وزیره بولشد قده مجنون کلدک دین و دولته خدمت ایشک اولاییدی  
دید که خدمت دخی ایتدک اما فلج مرضنه اوغرامش ایدم علیل اولمغله سرحد ده طبیب  
یوق علاج ایتکده کلدیم دیدی اما اوغز ادو غلک یرلده اتباعک غصیب اطعمه و ظلم ایتمش



شکاتك در عقب كليور ايش نه جواب ويز رسن ديد كه حكم شرعه را في یم مرا فقهه له خواله  
 يوزك ديدى وزير مزبون قيام ايتيوب براخر ج خلعت كيدروب تحفه ايلدى و بوماه ايجنه  
 و كچيرى نامنده اراذل و استقياز ياده دست دراز لك و مجاوز ايندوب غورتاره تعرض و فساد لري  
 وقوع بولوب مراد اغا قصده مقدارن مساحه لرايلدى و ماه مزبورك يكر ميتسند كوش قوساق  
 مصطفى و چور با قاضي نام ايكي قاضى كه حاله ملازمتده ايد يلر بعضى رعايا شكوا ايدوب  
 مرا فقهه يه دعوت اولند قارنده بعضى خد مثكار لري بكيچرى اولمغه سر خوش بولد استاريله  
 اناطولى قاضي عسكرى ديوانده شكاتى ضرب و شتم ايله كلى جرأت ايتاريله قاضيلىر حبس  
 اولندى كذلك روم ابل قضاتدن يوسف نام قاضى نك ملازمتى حاك اولنوب زندانه  
 كوندردى و كليبوليمه بكيچر يلر حرام باصوب نجه فساد ايتد كرينك خبرى كدى  
 و ربيع الاخرده كريدن سردار حسيث پاشا نك عرض و مكتوبلرى كلوب قنديه نك  
 تفصيل احوالى و انده اولان غزاتك ضرور رند مضايقه و ملائى اعلام ايتديكى جمله نك  
 معلومى اولدى و قيودان پاشا يوز قطعه سفينه تدارك ايتك اوزن قول ايتشيدى وزير  
 اعظم حلا سكرانن غيرى ديوانده ديدكه قيودان پاشا بن يوزدن اكسك سفينه ايله  
 دريايه چقم كى كوند رسكر الله مبارك اتسون ديوتراع اولنيس ايدى و ربيع الاولك  
 بكر ميتسند مفتى و قضا عسا كرى پاشا قيسونه مشورت ايجون دعوت اولنيس ايتش  
 و اول كچه بكيچر يلر سلاخليله او طه لرنده ياتق نذيه اولندى و كلاى دولت بيننده  
 محنى مناقست و شقا فقه مبنى حركت و قنرت علماى اكسك دكل ايدى قتل جندى خليل  
 پاشا پاشاى مزبور قيو اغاسى صاحب همت حاجى مصطفى اغا خدامندن اولوب حسن  
 پاشا و طبانيصى محمد پاشا اياقد استارندن ايدى اصل بولى سجاغندن بر قريه دن اولوب  
 لكن دو بريجه ايجنه پروده اولمغه چتاق لقبى ايله ملقب ايدى بوشاده عيتتاب سجاغنه  
 متصرف اولمغه استانه دن بوياجى حسن اغا نام قيوچى باشى كوند يالوب سكر تفراتباعيله  
 واروب حضورينه كيروب بولشد قده سلطانه برامانت سوزم وارد در حلو تبيورك ديدى  
 اول دخى كال چمندن ايج اغا لرينى طشره ايدوب شهاق الحق بوياجى حسن كه لوند لكدن كله  
 نكلسى اغر مش بر جلا دچاپك دست و آهنگل حريف ايدى كانه انلره بر مصاحبت و ارشاد كنده  
 قيوده طوران كند و آدم لرينى ايج و چاغروب كل پاشا افنديرك انكن اوب ديوب برينى پاشايه  
 بولشدروب بوقولكر افندم فلان قولكر در شوييله بر مصاحبتى وارد ديوتعريف صد دندك  
 اول حريف دخى بر جلا دديوز ادايش پاشا نك افكنى او يكمه ياقلشوب در دمندك بوغازن  
 آلوب حسن اغا ايله ايكيى پاشاي اشاغده باصوب قيودن قضيه يه منتظر خيالى دخى  
 سكر دوب فى الحال باشى كسديلر كند او او غلنلرى خبر اولوب بچره دن ايج و تفنك  
 بوشالند قده حقه خط و اردر چكك الكرى ديكله اتبعا مام ايدوب كرى و نوخديه  
 مشغول اولد يلر كه سى آخر ربيع الاخرده كلوب باب همايونه الاقا اولندى مشار اليه  
 اصلا باعث قتل اوله حق بر جرمى اولدوغى كسسه نك معلومى اولوب انحق وزير اعظم  
 ايله ما جرائ قديمه محول اولدى فساد قاطرجى اوغلى حيدر اوغلى نك سر قىلاى

و مفسدانه اقواسى قاطرجى اوغلى كه اصلنده كرى حيد ائرا كند ندر خيد راوغلى جزامن  
 بولد قد نصكره انك برينى طو توب بر آلاى مفسدانه كروب قطع طريقه مشغول اولوب  
 حجاج و كاربان اوغرينه اينديكى خبر لري كادى كذلك ايقى قالو بكر اوغلى نام شقى  
 بر اينكيوز لوند ايله رهز نككه مشغول اولديغى مشيوع بولدى حبس باليوس وند بك ربيع  
 الاخر كاون التيسند وند يك باليوسى روم ابل حصارينه كوند يالوب حبس اولندى  
 مورخ سبين تفصيل ايدوب دير كه فرنگدن مسلمان بر تو مهندى قيودان بعضى تعامل  
 سبييله متر ددايدى دورديد كارى وند يك قرالى طرفندن اكا نامه كند و كنى حص  
 ايدوب خفيه و كيل السلطنه جانيه اعلام ايتد ككه على الغفله چاوشلر كوند يالوب  
 باليوسك ييشخته لري مع مافيهامهر لنوب متر جمله ترجمه ايتد يالوب معلوم و زير  
 اولد قد نصكره مفتى افندى يه كوند يالوب باليوسه شوييله يازمشكه بنم روج بنم  
 دو ستم بوآنه دك كوزل تدبير ايدوب دو نيمى اسلامك عوقنه كوزل باعث  
 اولش سكردروب خدمت موقى عظيم بولمشدرين دخى بوآنه دك تيمش پاشا سفن حريمه  
 تجهيز ايدوب وايكى بلوك ايدوب بر بلوكى جزاير لوند كندر كاهنه و بر بلوكى تونس  
 و مغرب كيلرينك ممر لرينه ارسال ايدوب انلر يوللرين سدا ايتككه صرف همت ايتشدر در  
 حالا بر قاج كى حاضر لندق بر قاجنى دخى تداركه مشغول ايدى كركدر كه سن دخى  
 انده تقيد ايدوب سلطانلر ياخود مصاحبرو ياخود سر كارده اولان متعيبان دولت  
 الليريله مى اولورنه طريقه اولور سنده ديرسك ديوب نه ايدرسك ايدوب بر آي مقدارى  
 دو نيمى تعويقه صرف مقدم وراييه سن تاكه بوكيلوى دخى تجهيز ايدوب استانبول  
 بوغازينه كوندن لم زير بوقيش انده طوران سفينه لر زبون اولوب اهل اسهال و ضعف  
 و خسته لكدن ايجارنده آدم قالمامشدر سن بو خصوصه بيلد و كك كى تقيد ايليه سن وجوه  
 رشوت و مصاحبه هرنه قدر مال صرف ايدرسك جمله مقبولر در همسان نجه تقيد  
 ايدرسن كوريم سنى ديش بومكتوبلردن كفارك ضعفى و جزاير و مغرب غزاتك وصوله  
 ئاخير لرينك حكمتى معلوم اولغين باليوس دمور اوريلوب هرنه سى و ارايسه ميورى يه  
 قبض اولندى و ترجمانلرى بوغيلوب دريايه انلدى رفتن قيودان وينق احمد پاشا  
 بادو نيمى همايون در آق ذكرونديك كافرينك بو حيله سى چونكه معلوم اولدى سترىما  
 دو نيمى نك اخراجنه اهتمام اولنوب مجد دادو نيمى ايجون بوستامى و عجمى اوغلا نندن اوج  
 بيك نفر قيويه چقاريلوب سفينه لره وضع و ربيع الاخر كاون يديسند فلانده اصلديكه  
 نوروزدن قرق كون يكمشيدى و ديوانده لشكره علوفه و يريالوب قيودان پاشايه خلعت  
 كيدريالوب ربيع الاخر كاون سكرمى و نيسان رومينك يكرمى برنجى سبت كوفى التى قطعه  
 ماونه و التمش بش قطعه قدرغه جمله تيمش بر قطعه سفن حريمه ايله قيودان پاشا ترسانه  
 عامره دن قالفوب معتاد اوزن شتاك ايدرك ستر اى بورتشه ياشوب يالى كوشت كنده  
 حضور همايونده كورك كيوب اولكون يدى قله او كنده لنگراند از اولوب كچه لدر يلر زغرچى  
 پاشى دو نيمى اغاسى اولدى قيودان احمد پاشا جمله ماملكن اعتناق و عقاراتى وقف و وصيت



ایندوب دوشنای دونما و امرا به بن بودین مبین او غریبه جان ورمکه عزیمت ایشم کافره  
طوقنرم موتدن خوف ایدن برینه آدم کوندرسون جاتی پک سوب صاغلاق استین بکا  
زقیق اولسون و بوندن قالد نصبره صولنغه بریره یششم هرکس بکشد و مالز مه سنی  
هستونی جه السون دیوتیمیه اید ایشیدنی واقعا هرکس آکا کون تدارکارین کورمشای  
ایندی قله اوکندن ایرتسی بازار کونی قلقوب مرمره لیا ته اشین کونی که روز حضور در  
هرور ایدوب کلیه بولی به واردی وندیک قلیونلری که ایکی سنه به قریب بوغازده اید یار  
باوجود ضعف حال و قلت رجال دشمن دشمنک حالی بلنک اعتقاد یله تجلد کنان حالا جه  
ایاد ساحلنه کرته نام قریه القه یاتورل ایدی بناء علیه بوسنه یالتندن منفصلا آستانه به  
کلان درویش پاشایه بواشاده سلسله ایالتی وریلوب دونمای هما یونی بوغازدن  
چکورمک ایچون قره جانبنه تعیین اولنش ایدی مشارالیه واروب حصاردن کرته بایرینه  
قورت طوب چقاروب کفار قلیونلرینه کاه را تدقیق تدبیری موافق تقدیر دوشوب ملاعین  
طوب التندن قلقوب اناطولی یاقه سنه منتقل اولوب کپز لیا نندن اوتنه اسکی استانبول  
اوکی نام ساحلنه نیور بر اقدیلر دونمای همایون دخی استانبولدن چقد قلیونک بشخی  
کونیکه ماه مزبورک یکر می دوریدر قیودان پاشا باشته ده ایله جمله دونما کاه اوکته  
دوشوب روم ایلی طرفندن قی صره چکلیوب بوغازدن طشره چقدیلر دونما کیلرینه  
طوب اتمامی نسیه ایدوب فقط کندی باشته ده دن برطوب اتدی قدرغه اردن یا اکثر  
صفله بکی چکدر یسی صیغ یره دوشوب اوتوردی ماعداسی جمله سالما چقبوب کفار  
هجوم کوستر دیار کفار خا کسار بو هجومدن سراسمه اولوب کانه دونما کاه چقد یغندن  
خنازیر عار ایدوب محضاتم وکیل قصد یله آغاز مغلظه ایتدیلر و دونمایه قارشیو یکر می  
اوتوزیان طوب آتوب هول جان ایله آلا تیرین کسوب موافق پوراز اولغین قلقوب صانع  
طرفنه قزل حصار سمتنه چکلوب فرار اوزن اولدیار قیودان پاشا دخی ملاعینی  
برمقدار تعقیب ایتد کدن صکره یکر می مقداری بیك کیلرین لیلری تعقیبه نامزد ایدوب  
تحیل طوبله شوب جنگ ایتدیلر بحمد الله تعالی موافقت یام ایله سقاسین اسلام  
غلبه ایدوب طوب ایله ملاعینک کیلرین بعض مرتبه مجروح ایدوب مغلوب و منکسر  
چکلوب کمدیلر بوجنگلر برمقدار غزات مسلیش شهید اولدی قیودان پاشا بوزجه اطه  
اردندن طولاشوب چکدر مش ایدی امرایه ایسه فوج لیا نند یا تورکن قیودان ایله  
خبرلشوب اولکون دونمایه ماحق اولشاییدی کفاری برمقدار قوغوب روزگار شدید  
اولغله قلیونلر قاچوب نابید اولد قله دونوب طوق دونمایه مسارعت ایدوب  
ایرتسی خمیس کونی جمله سی بولشوب شوکت مالا کلام ایله ساقر لیا نند داخل اولوب تیمور  
بر اقدیلر و سابقا از میرده قلیونلر انوب قیودان انلری کر یره کتورمک فرمان  
اولنش ایدی دونما بوغازدن چقمغله اوزرند ماستر اولان کور حسین اغلیه آدم  
کوندریلوب اول قلیونلر کراری ویرینه ویرلش ایسه دخی کپز و النده دیوار کوندردی  
چقرل پستاینجی باشی ماه زیبع الاخرک یکر می کونیکه روز حضور ایدی یوزاچه تقاض ایله

یوستاینجی باشی ذوالفقار اغا طرد و اخراج اولندی تفضیلی بودر که اغای مزبور  
قتل پادشاهه آو کد اسباب والد خصام مقوله سی اولغین طردی چوقدن ملحوظ  
جناب شهر یاری ایدی اما وزیر ایله اتفاق و اتحاد اوزره اولغین اغماض عین قلعوردی  
مصلح الدین اغا بکتاش اغا کتخدا بیك پاشا قولند بولنوب مراد اغا علی رغم الحصاد پادشاه  
جهان ووالد سلطان حضر ثلرینه اغتوا ایتمکله حال دونما عسکری تکمیل ایچون برقاچیز  
یوستاینجی که بدرگاه اولشای ایدی مکر قانون قدیم بوستانیا نندن چقان یکپیر یله بیکراجه  
سلاح بها وریلور مش بود دفعه چیقانلره بوستاننجی باشی آلتیشریو ز اچه و یروب دوردر  
یوزینی باع ایتمکله یولد استلر واروب دوردر یوزی طلب ایتدیلر بوستاننجی باشی وزیره استناد  
ایله استقلالنه مغرو راویرمدی الحاح ایتد ککرند اورک دیوب بوستاننجیله دو کدردی  
یونلر دخی منهرم صورتند دونوب اغا قیوسند بشتکوا ایتدیلر مراد اغا که درونی وزیره  
بدخواه اولمشیدنی الینه بهانه کیروب ایکی کون دیوانه وار میوب یکپیری به یومقوله  
معامله ایدن حریف کرکز پادشاه قولنه ضرب و شتم نه دیمکدر دیو ایچو خبر کوندردک  
مراد پادشاهی تمشیتنه لطیفه غیبیه ظهوری سبب حاضر اغتنام اولنوب خط همایون ایله  
یوستاینجی باشی ذوالفقار اغا طرد اولمشیدنی برینه بوستاننجیله کتخدا سی علی اغا بوستاننجی  
باشی اولوب جزئی ترد دو طرف وزیردن تحویر اظهار ایتدیلر مراد اغا خبر کوندروب  
الم چکمه یاغک مردانه بص دیوتقویت ویردی بصورت وزیر بیکر معلومی اولد قله  
عظیم منفعل اولوب هله پادشاه منرسن باوغه وارد قله هر یجه بیلور سه اینسون  
حالا بودر محنتلر و غوائل فترت لره اولمشدر ایچو دن بی مشورت اعیان و بلا معرفت  
ارکان تمشیت مصالح اولنسون ایچون ظهور ایتمشیکن بونه اصل حرکت دردیوب لا حول  
کویان متالم و غضبان اولوب مفتی افندی ایله مشورت ایتدیلر اما اکثر اموره رأی لری  
عرض آمیز اولدی یغندن کلاملر نند چندان نفوذ قالمیوب برایشه قادر اوله میوب ناچار  
سکوت ایتدیلر و بعض خواص مقریندن مبعودر که پادشاه حضر ثلری پدر جنت مقر لری  
قتله سندن یش قد رادی دفتر و حفظ ایش اوله لر مغرب اوجا قلینه دونمای  
همایونه امداد کیلری کلک ایچون مقدمه سینه یوزیکر می بیك غروش کوندرلشیدنی  
انلر دخی کلک تدارکنه ایکن رهگذر لرینی سد ایچون وندیک ملاعینک کوندرد کیری  
قلیونلره یشیه میوب چوقه اطه سی حوالیسنه ایرد کارند جزایر لور انلره تقدیم و مسارعت  
ایتمکله امر برعکس اولوب انلر کفار کیلرینی قیادوب طویلیوب طالرین خراب ایتدیلر کربد  
سرداری حسین پاشایه کوندربان خلعت و امر واروب قرأت اولند قله بوسنه مبارکده  
دونما مکمل چقد یغنی و اوجاق کیلری دخی وارمق اوزره اولدوغی اعلام اولنوب قندیه  
قننه اهتمام ایدسن دیو بیورلش وزیر اعظم مکتوبنده قرمان ایالتی و دورت سجاغک  
عسکری و طشره ده اولان متفرقه و چاوش و کاتب جمله سی سفره تعیین اولمشدر یو طرفه  
وندیک بالیوسی حیل ایله صلحه مراجعت و بعد سوزی صورت یذرا اولمغله و مراد لری  
حیل ایله تعویق مهمات امور ایدی کی متبیین اولمغله حبس اولنوب جمله مالک محروسه ده



اولان بالیوسلاری حبس اولمغه احکام کوندلدی دیوخی و اولمش بوسوزدن عسکر اسلام  
 یواز تقویت بولد یارزیرایه و ساری آستانه ده مرعی اولد قجه کید ده اولان جنرال سولتانلار  
 استمال و یروب بالیوسلار آستانه ده صاحبه عمل ایله یور صلح اوله جقار دردیوخی قجه اکاذیب  
 ایله فریفته ایدوب رعایا سینه اضلال ایدرادی چاوش و منفقره وزعمادن بدل فرمان اولدوب  
 استانبولده عوارض اچیه سی دخی ترقی او زن جمع اولنوب بوسیلله ایله وافر اچیه پیدا  
 ایدیلر مقدمه خروج کرجی نی وزیر کورجی محمد پاشا نیک اقر باسندن وادنه لی جعفر  
 پاشا نیک برادری کورجی عبدالبنی دفتر او سپاه زور بار یینک مشاهیر ندن اولوب سلطان  
 مراد خان مرحوم زور بالری استیصال ایتد کده من بو رقاچوب اختفا ایتمکله ارا یوب  
 اغذینه اتمام ایتیشلر ایدی اخر کورجی محمد پاشا ساحدار پاشا دن رجا ایدوب اولدخی  
 تخلیه صینه متعهد اولد قده برکون پادشا هک نشاطلری وقتله کورجی بنینک بوغازینه  
 برچتال اورغان طاقوب کورجی پاشا بر قولدن قراند اشی جعفر پاشا بر قولندن  
 طوتوب حضور پادشاهه بو صور نه کتوروب تسلیم ایتد یلر و یروب رجا ی عفو ایله  
 پادشاهه خیر دعا لایتد یلر ساحدار پاشا پای شهر یاری یه صار یلوب شفاعت  
 ایتد کده سکا باغشلدن بر قیافتلی کافر در قیو جیلر کتد اسی ایله دیو پیور مشلر ایدی دخی  
 مقدم زور بالر زمانه ایو خد متلر طوتوب وافر مال قرانش ایدی نکر ارساحدار پاشا نیک  
 اغار ندن اولمغه یینه مصالحه قاریشوب مایه دار اولمغه منتفع مهاخذ متلر آلوب و یوده لقا  
 ضبط وقوت و مکت و توابع و لواحق صاحبی اولوب یینک و یور اطرافلر نه چقنلکرو بعض  
 هلاقه ایدن ایدن ایدی ساحدار پاشا قتلندن صکره واروب نیکه ده ممکن اولوب قوت  
 هیالیه سی زیاده اولمغه آستانه ده ییلدی کی متعینلر مکتوبلر یازوب اچیه کوندروب استدی کی  
 معتبر خد متلری و نافع و یوده لقلری کتوروب اتباع و لواحق ایله اتوب طوتوب جمع مال  
 و نظام حال ایله تعیش ایدردی مزبور سپاه او جاغندن براغا ایدی جلوس وقعه سندن  
 مقد مجه صفد و یوده لغن یوز طقسسان ییک غروشه آلوب یوز ییکن پیشین و یروب  
 باقی سندن دخی او توییک غروش احمد پاشایه کوندروب هنوز دفتره کچیدین و تسایینه  
 روزنامه صورتی المدين تجد دولت وقوعه یروب حالا صدن کلنلر اتوز ییک غروشی  
 طوتوب نکرار طلب ایتیشلر ایدی مزبور عناد ایدوب بو قدر اچیه جریه و یرمه دیملکه  
 شد مت معهوده اخره و یریاوب میری یه یکن بو قدر کیسه سی الفا اولندی آستانه ده وقوع  
 یولان سپاه وقعه سی دخی مؤید اولوب بو وضعدن کندویه سو قعبد حس ایتیمکن حرکت  
 کلوب اول وقعه ده دوشن سپاهیلرک انتقامی وزردن و مقی دن المغه عزیمت فکرین ایتدی  
 بعض هوادارلری دخی سپاه غیری یو قید رسنک بو مرتبه نام و کامک واروب مصاحبه شروع  
 ایتسک عالم سکا و یار استانبول خلق سپاهیلری استهزا ایدر اولد یلر بکچر یینک تفرانی  
 و سائر اراذل سپاهی یی کورد کچه بری بر یینک بو یینی اورمغه اللریله اشارت و سپاهیلر  
 تعریض و اذیت قصد ایدوب بزی کزدن مز اولد یلر بکچر یینک تسلطی حد دن کچی بونلر  
 حد یین بلدر نک و سپاهیلک قجه اولور کوستر مک کر کد دیوخی ییکله یچار یار یه

آیدوب جمعینه آغاز ایلدی و اتباع و لواحق ایله نیکه دن قاقوب چقنلکنه کندی  
 و دوندانام محلله واقع بر صعب تر قازه صغوب اطراف و کنافه اولان کتخد ایرلینه و نفراته  
 خبر ل کوندروب کندویه باحق او لمیانلرک ضیاع و املا کنی غارات ایدوب جمعیت و خروجه  
 مباشرت ایلد یکنک خبری کلدی محاربه دو تنمای همایین در فوجه چون قیودان پاشا و تنما  
 کیمیلر یه بوغاز دن چیقوب بر قاج کوندن صکره فوجه لیمانه داخل اولد یلر علی الصبح  
 یکر می دورت یان کافر قلیو نلری کلوب بوغازی المشلر سا بقاموسی پاشا ایله جنک  
 ایلین ملعون کیستی ایلر و سوروب کلوب قیودان پاشای جفکه دعوت ایتد کده پاشا  
 دخی موجود بولنان چکدری و فرقه و یدکی ایله چیقوب عظیم جنک الیوب طوب و تفنک  
 دانه لری باران مثالی یاغوب ایچ اوغلنلر یینک اکثری دوشوب پاشا و ابیمینک بری کفارک  
 بیر اغنی قاپوب کی یه بیر اقی دیکوب عسکر دخی یوروب فتح اوله حق محله کفار انبان  
 غرار اوزن ایکن احراق ایچون اشارت طوپی انمغه باروت اسار نه آتش ایتد یلر کافر  
 کیستی یاغنه باشلد قده قیودان یدکی صیفه اول کی یه ایشمش بولمغه اولدخی یانوب  
 ایچنه کیلر دریاه دو کلد یلر کافر اوج یورتون و بر چکدری یدک یلوب و بر قیودان که سابقا اسلامه  
 کلوب کی ویراش ایدی مرتد اولوب چکدرمه سیله واروب انره قاتلدی و بر و طرفدن  
 طوب ایله کفارک ایکی قلیونی بازوت خزینه سندن طوتشد رد یلر یاندی لکن قیودان پاشا یار  
 ییک کیلر یی مد للو طرفنه کوند رمش بولنوب بکچر یار ییک کیلر یینه حسن اعتمادی و ارایدی  
 بکچر یار یسه اصلا جنکه شروع ایتیموب درتی عسکر اولمغه زغر جی باشی سوزی ایله اصلا  
 مضبوط اولوب سفینه لر یینک رئیس لری و قیودانلری محل جنکه حرکت مراد ایتد کارمجه  
 تفرات بالته و یحاق ایله انره کیر بشوب ضربا کیلر یی الارغه ایتدروب ایرادن پاشا نیک  
 جنکنه سیر جی اولد یلر بر ماونه دخی لیمان اغرنه او تورمغه ایچنه ییچد جنک اولوب صکره کافر  
 طرفندن احراق اولنوب ایچندن امت محمد دریاه اتلد یلر قیودان پاشا کورد بکه بکچر یار  
 دریاه یار اولدی و ییک کیلری حاضر دکل مقاومت مشکل متوکلا علی الله فوجه لیماندن  
 چیقوب کافر ایله طوپا شیه رق چکیلوب ردوس جزیره سنه کندی پاشا و ابیمینک و جمکی  
 لوند و کورجی دن محاربه ده شهید اولان دریاه دو کلنلر دن تلف اولان بشیموز قدر آدم  
 اولوردی زیر اثناس جنکه اخشام ایر بشوب باسندر ده لیمانه کیر مکله سفن محترقه تله  
 شعله سی منباسبیله ملاعین خاسر یین باسندر ده یی طویه طوتوب بو قدر غزاتک شهادتته  
 سبب اولدی علی السحر قیودان پاشا چیقوب ردوسه وارد قده اون چکدری و اون قلیون  
 تونسندن کلوب مصر جاتین اولان اون سکر سفینه دخی کلوب جمله او توزدن زیاده منمل  
 کشتیلر دو تنمایه قارشوب اندن صالوب کیردن غزیمت ایتد یلر و دونه نیک بو خبر کدورت  
 اتری آستانه یه منعکس اولد قده وزیر اعظم حقنه ایقاد اولنان آتش فسادک استعانه  
 سبب اولدی عزل وزیر اعظم صوفی محمد پاشا و صدارت مراد پاشا چون بردولت صاحبندن  
 رو کردل اوله اشباب زوال تعاقبه باشلر حضرت علی کرم الله وجهه و رضی الله عنه  
 الرأی بال الدول یذهب بذهاب ایورد قلی مؤید معنادر صدر اعظم محمد پاشا کند و یولی عهد



مؤید ملاحظه اید و هر خصوصه استبداد نام ایله یا بشوب عالمی تصحیح داعیه سنه اولغله  
اندرون همایون خلقنک هر مراده مساعدت ایتمیوب خصوصاً والد سلطان حضرت تارینک  
طر قارندن کلان نچه رجائی رد ایدوب خلافن اشاردی اوجاق اغاری بالکلیه مسطر  
ایکن بعض خصوصاً مرده انوره مخالفت ایتمکله متغیر اخلاط اولمش ایدی جمع زمانه  
امور دوله استقامت حقیقه ممکن او لمانغله مشار الیه دن بعض مصداق غرض امیر  
حرکت و طمعه مبنی ما تجکر کور نمکله اصحاب اغراض دخی فرجه بولوب هر رأینک  
خلافته جرأت و حرکت ایدر اولدیلر ایراد و مصروف اختلالی دفعه چالشوب قطع  
تعیینات ایتمکله حرم همایون طرفی ازده و زایلرینه بماسات ایتمکله خاطر مانده اولد قارینی  
وزیرک بدخواهاری فرصت عدا ایدوب دائمیاً وزیرک کوردیکی امور لرده غرض  
وجلب ماله متعلق تقصیر لری حرم همایون طرفه خبر ویرلر ایدی حاصلی بوکشا کش  
ایله رایش کورلیوب اورته لق کالاول فساد اوزن اولدی و مخالفاری مزبورک فکری  
اگر کذب و اگر صحیح ولایت عهد ادعاسنک اولدیغنی جانب سلطنته انها ایدوب نهانی  
ازالسه نسیم اولمشیدی و بسبب صوری خدو شته منتظر ایدیلر وزیر اعظم ایسه مقفی  
ایله اتفاقه فریقته اولوب اگر چه کندی حقنه اور تا لغت نقشی فهم ایتدی و مراد اغا  
وساثر مخالفی بر طریق ایله دفع اچون مشورتار و نچه درلودر لوتدیر ایدی  
و طرف سلطنتدن استنعار ایله اکثر یاد یوانه و عرضه وار میوب کند و سر اینک ایش  
کوروب چان سازلغه چالشدی و هفته ده برایکی کره مقفی و علمای و اغاری اکثر یاسرینه  
کا هیجه سرای همایونه چاغروب کند و ماحوظاتی منج قضایانی خیر خوافلق یوزندن  
سوق ایدوب خصوصاً کور جی نینک استیصالنه یکچیری اغاسی مراد اغا کتمک  
کر کدرو بو مهمی اول حصوله کتورمک ما مولدردیور ای ایدوب طرفداری اولان علامه  
یلی معقولیه بو در بویه امر مهمه اوله بر صاحب وجود آدم کتمک محتاج در دیوشهادت  
ایتد یروب مراد اغایه البته چیق کیت دیو ابرام ایتدی حاصل عقلی نشیدی کی قدر مقدمات  
بسط ایلدی لکن خصما قوی و طرف سلطنت کمال غیظ ایله بونک وجودندن مستغنی  
اولغین هر حاله کند و یه سکوت و حقوقد معامله سن ایدر لرایدی و عرض ایتدی کی بو مقوله  
احواله مساعدت مطلوبه مسامت اولمیوب مراد اغا وساطتد خواهلر ایله استنشان یه  
توقیف قانغله برایشه صورت ویرمک ممکن اولدی حتی وزیر اعظم یکچیری کتخداسنی  
آخرت اوغلی ایتمکله اعتضاد صورتی بغلش ایدی و بوندن اقدام مزبور کتخداسنک ایله  
قره چاوش بینمک قیل و قال و شکر اب واقع اولوب وزیرا ستار تیل طر قیندن ضیافتار  
اولوب صورت ظاهرده سیننه ضاف اولمش ایدی قوجه مصیح الدین که دورت دفعه  
تقلیب دول ایتش کهنه رویاه روسیاه بریر صاحب انبیا ایدی بو نقشارک مؤداسنی  
ملاحظه ایدوب پاشا ایله اتفاقدن ال چکمش ایدی مراد اغا ننگ عنفوان دولتن و طرف  
سلطنتک کند و یه التفات و رغبتن حسن ایتمکله وزیر طر قیندن ال چکوب مراد اغا حمایت  
طوتمش ایدی مصیح الدین دقایق اموره ماهر بر صاحب وجود پیرمدیر اولغین مراد

اغانک میلی غنیمت یللوب کلی رعایت ایدوب هر خصوصه آنکله مشورت ایدر اولدی و مراد  
اغایله قره چاوش ایسه بریرله اتحاد و اعتضاد ایدوب بری وزیر اعظم و بری یکچیری اغاسی  
اولق اوزن عهد ایتش ایدی وزیر اعظم ایسه اگر چه بوناردن مستشعرایدی لکن نخوت  
دولتله غافل بولوب کند و بی عزل ایدر جکرینه وجود و بر مزدی و بیرانه سر تربیب لوازم ثروت  
و ادخار ماله جرأت ایدوب کندی و کتخداسنی علی بنارزه پاشایوب حساد الله سر رشته ویره جک  
استلردن محبت دکل ایدی بواشاده قیودان پاشانک اردنجه بوغازده یوز کیسه اچیه کوند رمشیدی  
قیودان بوغازدن طشره چقمش بولمغله کیو چوپروب باغ ایتشیدی دیر لر قضاء العی و دو تمانک  
فوجه وقعه سی حدوت ایدوب بو قدر آدم شهید و بر قاج سفینه یه کزید کفار ایشد یکنک  
موحش خیری آستانه یه وصول بولد قده مراد اغا عونه سیله فرصت بولوب والد سلطان  
طرفه خبر کوندروب و کند و چراغی بو ستانجی باشی و وزیر پیردن مجروح ساجد ار اغا و سائر  
نافذ الکلم کسه لرله خبر لشوب وزیر و ننگ ایدر کند قصور ایدی بو غازه قیودانک عقبنجه  
کوندردیکی اچیه می کتوردوب اکل و باغ ایلدی قیودان بونده بو قدر فریاد اید کوردی طمعه دن  
مستوفی کیار ایدر میوب کاینغی تدارک کورمندی شمدی دو تمانک احوالی بوکا مخر اولدی  
هیچ بیندن غیر یه لازم دکلردیو وزیر عز لنه جهات ارده دن ربط جبالیل حیل ایله اتفاق  
ایدب حاضر باش و مترقب اولدیلر وزیر ساده دل دو تماندن کلان خیر ملالت اثری ایشتدی کی کی  
غیری وجهله تدارک قابل ایکن غفلت ایدوب بو مصیبتی استعظام ایدر که قانقوب تیمور قیودان  
اچر و سرای همایونه کیدوب مشورت اچون علم و اغاری دعوت ایلدی و و خامت عاقبتی  
کند و یه عائد اوله جق دو تمان فضیه سنی در میان ایدوب شو یله اولمش شمدی نه یایه لم بویه  
ایشک معقولیه ردیو جاباوس مغلوبانه یه باشلدی مصاحبت ایسه یا بلش اطراف دوزلش  
قوشلش بیجان ننگ خبری یوق اول ساعت وزیر واعیان جمله حضور همایونه دعوت اولندی  
پادشاه جهان سلطان محمد خان حضرت ناری تخت اوزن قرار ایدوب والد سلطان حضرت ناری  
دخی یاتند طوروب سائر ارکان دولت قیام ایدوب اول محل پادشاه بالذات فتح کلام بیوروب  
وزیر اعظم عتاب کونه نچون دو تمانیه اهتمام ایتد بونه شکل سعی در دیو خطاب بیورد قده  
وزیر الحمد لله پادشاهم دخی بر تار نچون دو تمانیه بو قدر سعی و اهتمام اولتماشد رو بویه مکمل  
چقار لاشدردیو جواب ویرجک پادشاه قاشترین چاقوب سن وزیر آدمیسی دکلسن کتور  
مهری دیو بیورد قده وزیر پیر چون غافل بولمشیدی حیرت و دهشتندن ارتعاد ویر زمان  
باش اشارنی نامل ایدوب اخر قضیه اتفاقیه اولد و غن فهم ایتمکله مرعوب و مرتعد مهری  
چقاروب پادشاهه صوندی پادشاه مهری آلوب وار ایدی کیت دیو بیور مجق وزیر غرق  
عرق مجلسدن طشره چقمق قده حسب الا شان الیقودیلر اندن خنکار مهری بر زمان الله  
طو قوب حضاری کوزدن کچروب کل اغا آل مهری سنی وزیر ایتدم کورم سنی نچه خدمت  
ایدرسن د بو مراد اغایه تسام ایتد که اغاد مستبوس ایدوب مهری الوب مقام صدارت  
عظمی ده قرار ایلدی اول محل والد سلطان سوزه کلوب بو نچه ماللر اندی مصاحبتد بو شکل  
کوردی و بنی اولدرمک سودا سینه دو شلدی محمد الله تعالی بن دورت دولت کورمشم



پوچمه زماندر دولت سور مشتم بن اولمکه نه عالم تعمیر اولورونه ییقلور بوتنه کاه بنی قتله  
 قصد ایدر لک پادشاهی بعضی سنه فرمان ایندیکه کیم اوکرتدی سکا جامه دیر پادشاهلر  
 ایله بویله معامله استهزا اولور می یا تعام اولنسه نه لازم کور قاضی عسکر عزیزه طعن  
 و تهدید بیور دیلور فی الحقیقه جلوس همایون وقوعندن صکره والیه حضرت نلری بعض  
 امور مدخله ایدوب بو خصوصک معقولی شودردیواغتر اضار ایدردی اکابنا صوفی  
 عهد پاشا نکه معین و همراز عزیز افندی ایله والیه حضرت نلری استنقال ایدوب اکثر  
 اموره ریاستی حسن مدافعه ایله دفع ایدوب خلاف مرصیسی حرکت ایدر لردی  
 وجلوسد نصکره جه بر عرض کونی پادشاه نو چاه عزیز افندی به خطاب ایدوب ایستدم  
 آنچه ورشوت النور مشم چون رشوت آلور سرزدید کارنده عزیز افندی پرده ابدن خارج  
 وقاحت ایله استخفاف واستحقار پادشاه هیبت پناهی استصغار یوزندن جوابنده بقیه نام سکا  
 بونی کیم اوکرتدی دیوب بوجواب ناپسند و نامعقولک قباحتن دخی فهم ایتیموب بوجلسی  
 بالدفعات حضور نه کلان زین عمره حکایت ایدوب پادشاه شویله دید کله بن بویله جواب  
 و پردم ایدیم می دیوتقل ماجرا و تفاخر کونه خفاک بی مزه ایتشیدی ناقل قضیه ذیحنه  
 قاضیسی چاق عبد الله افندی دیر ایدیکه عزیز افندی مایه افخاری بر پوماده بری دخی  
 سلطان ابراهیم خان حضرت نلریه حین خلعه سویلیدی کلیات ناشایسته اید بکه  
 دائما مجلسنه ذکر ایدوب بویله خدمات جلیله به موفوق اولدق شکله ابتهاج ایدر ایش  
 صکره والیه حضرت نلری بونلردن روگردان اولدقارینی تحقیق ایتد کله نه خفیه بینلر نه  
 نجه صحبتلر و مهاد علیا حضرت نلریه سو قصیدی متضمن مشورتلر ایتشیلر ایدی مراد اغا  
 بونلره مخالفت سمته سالت اولد یغنه والیه حضرت نلریه التجا ایدوب انلردخی مراد اغایی  
 حمای حمایت قبول ایدوب وزارت وعد یله مسرور و اعداسی اوزن تسلط ایتکه تعهد ایله  
 قلبی محبور ایلدی مصلح الدین اغا و قره چاوش و سایر اعیانن نجه کسنه لر حقیقت حاله  
 مطلع اولدقارنه لکل جدید لذه مفهومی اوزن مراد اغایه اتباع ایشلر ایدی چون  
 والیه حضرت نلری مراد اغایی وزیر ایتیک خصوصی قوتدن فعله کتوروب خصما مغلوب اولدی  
 حضور همایونده مافی الضمیر اظهار و سرزنش و تقریر ایله عزیز افندیین اخذ ثار ایله تشفی  
 غیظ بیوردیلر عزیز افندی محمد پاشا نکه معین و طرقداری اولغله والیه حضرت نلری نکه خلاف  
 رضا لرنه اولدوغی تاریخنده اولان تفصیلاتدن معلوم اولورنه کم ذکر اولنسه کدر حضور  
 همایونده اولان مفتی وقاضی عسکر لر و سایر لری والیه حضرت نلری نکه بونلردین ایستد کله  
 مبهوت و متحیر قالوب خصوصا عزیز افندی غرق دریای بخالت اولوب هیچ بر جوابه قادر  
 اولموب سلا ملد بجا اولغله قره چاوش که اوجاقده مشهور و نامدار کسنه ایدی بکچری  
 اغاسی اولدی و جمله ارکان دولت اوجاقدن اولوب امر تسلط یو نقش غریبی اقتضا ایلدی  
 قول کتخدا سی که عونه و زردن ایدی مرعوب و متفکر قالدی مراد پاشا دخی بحر اصقاره ایله  
 حضوردن چاقوب خارج قصیده وزیر سالفه مبالغه ایله عتاب ایدوب دونمیه کوندریلان  
 اول اللی بیک غروشی چون کیر و کتورتد کدیو تقریر ایتد کدن صکره بوستانچی باشی

حیسنه قالدردی بیچاره بیرک اعوان و انصاری و انباغناک تصور لری باطل اولوب عزلی قبول  
 ایتیک محالدر دیولسانه کتور دگاری وزیر صاحب وقاردن دولت مستعار آتد زائل اولوب  
 جلوسدن بوانه دک وضع یدایتدیکی اموال فراوان و مصدرات و بواسطیدن کندی  
 و کتخدا سی الدقلردن ماعد ایکرمی بیک یوک آنچه که خزاین خاصدن چقاروب وضع ید  
 ایتشدر و قتل ایتدیکی هزار یان و جینی خواجهاک و کوچک حسن پاشا و حسین پاشا  
 و حسین کتخدا اوسا ر متوفالک ماللری و جمله ممالکدن جمع اولان ماللرک محاسبه سیچون  
 کندی بوستانچی باشید و کتخدا سی اغازاده محمد کتخدا قیو جیلر اوطه سنه حبسی فرمان  
 اولندی جمادی الاولی نکه طقوزنجی کونی ایدی که مراد پاشا مهری الوب سرایدن طشره  
 چقد قله جمله اعیان و ارکان تهینه ایتدیار وزیر معزولک خانه سی مهرانوب عموما مملکی  
 میری به انوب اپکی اوغللری دفتر دار قیو سنه حبس اولندی و مراد پاشا نکه کندی  
 سرانی اولماغله اغا قیو سنه اوتوروب تهیت ایتدی غریبدر که وزیر سابق اچروده محبوس  
 قالوب مراد پاشا طشره چقارکن مفتی افندی دخی محبوس اولدی صداسی منعکس  
 اولغله توابع فرار ایدوب انجق ات طوتان سراچی و اپکی آدمیسی قلمشیدی چقد قله مبهوت  
 و متحیر سوار اولوب منزلنه کندی قاضی عسکر لر تیمور قیودن چقارکن بکچری اغاسی  
 قره مصطفی اغا لیکسنی دخی مظهر عتاب ایدوب افندیلر کوزیکتری آچک ایتد کله بکر مضی  
 ماضی هله شمد یلاک کورچی تدارکنه مشغول اولک بر خوشجه صاکنک هله دیو خطاب  
 عنف ایدوب ایکسی دخی نیم جانله منزللرینه کلوب و هن عظیم شامل حاللری اولدی وزیر  
 جدید فتاح اغایی عزل ایدوب اگری بیون طوراق اغایی چاوش باشی و آیدین بکرزاده  
 حسن اغایی قیو جیلر کتخدا سی ایدوب قره مصطفی پاشا لیلری توابع ایدندی و کیلر  
 طوتانوب کتخدا ایک دونمیه مالحق اولق متعین اولوب تدارکه شروع ایتدیلر جمادی الاخره  
 تصفیه برج قوسا عقده ندره خسوف کلی واقع اولدی ایرته سی وزیر معزول محمد پاشا  
 معلغریه نفی اولندی کتخدا سی اغازاده بکچری کتخدا سنه جار کتوروب امید خلاص ایله  
 التجا ایتشیدی کتوروب تسام ایتد کله قیو جیلر اوطه سنه حبس اولندی حالا اورته چاوشی  
 اولان عنبر علی چاوش واروب بقیه کتخدا ایک سن شهر امینی محمد افندی بی و احمد پاشا  
 کتخدا سی ابراهیم اغایی ناحق یره بونده قویش ایدک کون سن سنه مجازات نجه اولور دیو  
 تقریر ایله اخذ انتقام ایلدی یواشاده قوجه مصلح الدین اغا نکه اسماندن شیوع  
 بولدی که پادشاه مهری طلب ایتدیکی ایچون جواب مسکت ایله دفعنه سعی ایتدی  
 دیو مفتی عبد الرحیم افندی به اطاله لسان و طعن ایتش اوله ماه مزبورک یکرمی ایکبخی  
 خیمس کونی دارالحکد بشدن اوزون حسن حلیه و التمثیل مدرس لرنیک بری مغنیسایه و بری  
 صوفیه به قالقوب سلا نیک عبد الله افندی به نامزد اولق اوزن سلسله ترتیب اولوب  
 غلطه بی فتوی امینی قدری افندی به و مصر اسیری محمد افندی به و یرلکه قرار ویرایش  
 ایکن غلطه قاضیسی مفتی زاده محمد جلی ایشیدوب یدری مفتی عبد الرحیم افندی به  
 واروب بومتصبی بکاسنی و یردک الورسنی اگر قدری به و یردک دو کرم و دپه لرم دیمکه



پروانه مقرراولوب عصمتی و شیخ زاده و محمد زاده و کوسه عیسی و منلا چلی و مرجب زاده  
 و شعرانی زاده و غیر یار مصر منصبی ایچون مفتی یه واروب منازعه عظیمه ایتدیلر مرخبا  
 زاده اسیری قرقدن معزول ایتکن بن از میردن معزول ایدم دیدی و هربری برسوز  
 سویلیوب کی استحقاق زمانی وکی استعداد ذانی ادعاسیله طلب ایدوب منازعه و مجادله  
 ایتدیلر جمله دن زیاده مصری عالم رو یاده بکا پیغمبر علیه الصلوٰه والسلام و یردی و هرکیم  
 صرف ایدر سه خانمانی بر باد اولور بکاغدر ایدن خیر کور مردیوب موخس ادایله معارضه  
 ایتدیلر تا چار جمله سی سکوت ایدوب جمله سلسله نك رجه دك تا خیرینه باعث اولدی  
 و برجه کون وزیر مراد پاشا قاضی عسکر له جمله علما محضر دن خطاب ایدوب افندیلر  
 علما ایچنده نجه جهلا یوکسک مرتبه له چقمش لرجه عالم و مستحقلر متروک و بی اعتبار  
 قالمشلر بعد الیوم بونلره علم و فضل لرینه کون توجیه مراتب اولنسون دیوب قاضی عسکر له  
 سکوت ایتدیلر وزیر ابو قاعده اصلیه یه رعایت متعسر و سابق زمانلرده بویله کرکی کی  
 مرعی اولسی ناد ر اید و کنی بلد کلری ایچون سکوت عاجزانه کوستر دبلر وزیر جدید مراد  
 پاشا ایتدیلر اوزار تنده اغاق و سنده آرام ایدوب کورچی پاشا سراسر اینه نقل مراد ایتدیلر عورتی  
 لطیف زاده سیرانی و یرمکله کورچی پاشانی ارض و مدن عزل ایدوب قاوچقی مصطفی  
 پاشا که میراخور پاشا دیکلر یدر ارض رومه نصب اولندی و هله اولی ده غرضی اجرا  
 ایلدی دیوشیوع بولدی اندن قدرغه لپانده سیاوش پاشا و احمد پاشا سیرانی دید کلری  
 سیرایه تقی مراد ایدوب اندن ات میدانی سر اینه قصید ایدوب بالاخره جغاله زاده  
 محمود پاشا مسکنی اولان اسکی مراد پاشا سیرانی یومی برالتون کرا ایل طوتوب تبرعا  
 پتایه باشیوب کندی داود پاشا سیراینه کوچدی که قوجه فرهاد پاشا سیرانی دید کلر یدر  
 و طریق علمیه ایتدیلر انصرفت نام عقولی بولدی که خیر الدین پاشا مدرسی محضر پاشا زاده  
 فوت اولغله صاغر محمد انک یرینه وارمش ایدی انک یرینه کندویه متردد و بوشتاق  
 قوچاس محمود دید کلری جاهله و یردی دیومورخ اعتراض ایشیدر وزیر اعظم رجب اغا نام  
 مشهور اغاسنی استمالات نامه ایل کورچی بی یه کوند رمش ایدی بعض اجوبه و مکتوب  
 ایل کلوب نه خبر ایل کلدیگی شیوع بولدی قتل وزیر سابق صوفی محمد پاشا  
 و بعض اتباع او وزیر مشارالیهک جمیع ماملکی اخذ اولنوب کندوسی مغلغره یه نفی  
 اولنمش ایدی و کتخداسی اغازاده محمد چلی و کوچک دفتر دار شامی مراد افندی که  
 پایله مراد پاشا عنوانی بولوب کتخدایک وزیر سابقک مستشاری ایدی ایکسینه  
 مجبوس ایدی کتخدا یه و شامی مراد افندی یه هر نه یه مالک لر اینه سویلیوب. خبر  
 و یرد کلری اموال اگر کند و لک اگر پاشا لر نك اخذ اولنوب غیری برشی قالدی دیو جواب  
 یاس و یرد کلر نه جمادی الاخره نك التبی کونی کتخد اغازاده و شامی مراد افندی  
 بوغیلوب جئه لری دریایه القا اولندی مرحوم کوچک حسن پاشا نك جبه خانه سن  
 و لو اب و مهمات و زار تن محمد کتخد اغصب و قبض ایشیددی کیر و میری یه قبض اولنوب  
 والای سی و برادری ابراهیم اغا و کتخداسی حاجی احمد زیدانه قونوب دخی نجه اشیا طلب

اولغله اذیته کرفتار اولدیلر میراخور سابق قیوچی پاشا حسین اغا برغمه یه ارسال  
 اولنوب اغازاده لک اولان ماملک و اشیا سی قبض و و دایمی تقبض فرمان بیوردی  
 صوفی محمد پاشا قیوچیلر کتخداسی ایل مغلغره یه نفی اولند قده عقبنجه کوچک میر  
 اخور لقتن صکره قیوچی پاشا اولان تاختی صحرایا کوند ریاوب نه وقت خط قطعی المغاد  
 وارد یغند ازاله سنه شروع ایلیم دیو لسانا تنبیه اولمشیدی مشارالیه تاختی صحرایا  
 اغا نقل ایدر وار دقده محمد پاشانی یردی تفرخند متکاری ایل مغلغره ده بولدم اوزرنه  
 متعین سکر قیوچی وارا کثر اوقاتده بزمه مصاحبت ایدردی اما ابتدالرده بندن خوف  
 ایدوب وارد قچه کال احتراز ایل مشوش بولوردم صکره شنبه سن دفع ایچون اوزرنه تعین  
 قیوچیلرک نفقه سی اهالی ولا یتدن جمع اولنق ایچون ویریلان امر شریفی چیقاروب  
 استه بنده کز یو مصاحبه کدم الم حکمک دیو وحشتی ازاله ایلدم و کال تعظیم و تودد  
 اوزن معمله ایدوب تمام کندویه اعتماد کلدک جانی یرینه او توروب بزمه محرمانه  
 محبته باشلدی و زمان صدار تنده اولان احوالی سویا شوب برکون دیدیکه وزارتده  
 اغازاده محمد دید کلری سفیعی کتخدا ایتک معقول دکل ایش اوضاع ناهمواری ایل خلقی  
 بزه دشمن ایلدی عجب خطا ایشیمران شاء الله تعالی عن قریب صدار اعظم اولد و غمرده  
 برابوجه آدمی کتخدا ایدر رز و بونک امثالی نجه خیال خامه دوشوب مال خلیا یه مشغول  
 ایکن آستانه دن فرناک احمد اغا خط شریف ایل کلوب ایچرو حقه کیردک و وزیر  
 یرندن صحرایوب پاشا اوزرنه اولان غدار یه پاشه یم دیر ایکن کند آیلوب ایشی  
 تمام ایتدیلر ذکر اوصاف صوفی محمد پاشا فذلکده دیر که سابقا دفتر دار نامدار اولان  
 باقی پاشا نك کتخداسی اولوب نجه زمان باوکده علوفه الوب کیدرک پاشا سی وفاتندن  
 صکره بعضی خد مائده استخدا م اولغله در دولتده یکچیری اغالی و یریاوب بیک  
 اوتوز سکر سنه سی اوائلنده وزیر اعظم خسرو پاشا ابازیه ارض و مدن اخراج ایلدکده  
 آستانه دن کلوب ارض رومه متصرف اولمشیدی اندن دخی معزول اولوب یرینه ساجدار  
 موستاری چقد قد نصکره ایدین و صاروفان محصلی و قسطه و فی پاشا سی اولوب قره  
 مصطفی پاشا وزیر اعظم اولدینی اشاده دفتر دار بولغله اخر عصر یرینه دك دفتر دارلق  
 سوردی صکره عزل و جوله مبتلا اولوب نجه زمان یکی قیو قرینه باغجه سنده او توروب  
 و کندی طوغانی ده ده درویشلر دن کچنمکله مولوی خانه ده اوقات کروب درویشان  
 ایل الفت و صوفیانه حرکت اوزن اولدی مولوی محمد پاشا صوفی محمد پاشا دید کلر نك  
 اصلی بودر وقعه جلوسه مزبورک بیر لکنه و ظاهر اصلاح طالع خلقک حسن ظنی  
 و اعتقادی وارد دیو بعض عمل انضمامیله وزیر اعظم اولوب زمانه سابقا تفصیل  
 اولنان فسادات ظهور کلدی چوق یکمیوب کندی دخی معزول و مغلغره یه نفی  
 و اندر قتل اولندی سنی سکساندن متجاوز ایدی منصب لر نه محظلم و فسادات ایدوب  
 صوفی لک یوزدن کورینوب خلقک مال و خانه اضرارده ترجم ایتیموب صلاح و تقوایی  
 دام تزویر و یالیدی مجرد فتوی ایل برنی کتور سه لر صوجل و صوچسز الینه دو کیلور



و سپاست اولنوردی دکنک و یاسیا ست اولنور کن خلق شفاعت ایتسون دیونمازه  
 طور مغله افواه ناسده استهم اربولش ایدی قره مصطفی پاشانک تجبر و تسلطندن خوف  
 ایدوب دفتر دارایکن جبلتند اولان فساداتی اجرا اید مدی لکن صکره وزیر اعظم  
 اولد قده عالمی بربرینه قاتوب نفسند صافلنی دکر منده اغرتمش تدبیر اموردن بی خبر  
 معارف وادراگدن نعی برغنی قوجه ایدی امانه نرافندی و وجهی و سائر امور خلوکاتب  
 چلبی یه مغایر یا زوب پاشای مشارالیهی مدح و ثناید لر لر محله قدر معلا یه قدم با صمیش  
 ایدیکم زمان دولت ابراهیمه ده اولان پریشا نطقدن بیت ایتزدی جزرومدنی بر جای بحر نیله  
 ایراد و مصروف اولمشیدی ضبطدن بری اجرای قانون قدیم عثمانی یه رغبت و تحصیل  
 اموال سلطانیه بذل قدرت ایدوب تدبیر صائب ایله زمان قلیل خزینه عامره یی  
 مالا مال و یغما کران دولتک دست تعدیل یلرین کوتاه ایتکله پر ملال ایتشار ایدی  
 مزرع اماله تخم ارثشا الکک واستدکاری کی کسوب بچمک مراد ایلان دولتند لر مذکورک  
 حکومت حکیمانه سنه راضی اولموب عزلنه اتفاق ایله تشبیر ساق ایلدیلر اندرون همایونده  
 اولان خواص مقریینک میری یه مضرو و قانونه مغایر جالرین دیکلمیوب قطع اسرافات  
 ایتدیکی ایچون انلردخی عزلنی استر لردی طشره ده اولان بدخواه لریله متفق اولوب  
 عزلنی رکاب همایونه عرض ایتدکارنده طرف سلطنتدن مذکور له مخالفته امکان اولمغله  
 عزل اولندی پاشای مرقوم قتی چوق اسرافاتی قطع ایدوب نامستحق لک وظایفن کسوب وقتک  
 مساعد سی مرتبه مصروفی تقلیل و ایرادی نکثیر ایدوب کرید جانبنده امداد ایشد بکنه  
 و مکمل دو تنما چیقار مقده قصور ایتماش ایدی عزیز افندی تاریخنه درکه  
 پاشای مزبور برابکی سنه وزیر اولوق میسر اولیدی خزانه پادشاهی مال ایله ملو  
 اولد قد نصکره دولت علیه نک مصارفی ایرادک نصفی مرتبه سنه تنزیل اولنق مأمول  
 ایدی لکن نظام دولته ارادت علیه الهیه تعلیق ایتد بکندن اولیله بدستور نافع غدر حساد  
 ایله ضایع اولدی عزیز افندی پاشای مشارالیهک عزلنه والیه حضرت لری سبب  
 مستقل اولدوغنی یازوب کندونک یاوغار مستشاری اولغین مدحنه بر مقدار افراط  
 ایتشار در کاتب چلبی ایله مورخ نسخه شارح المنار زاده دم و قدحی طرفنه ذاهب اولمشلرد  
 فقیر یرمکه وزرای عظامک و سائر اکابر حکامک جمیع اخلاق و افعال حمیده و توحیهات  
 و تصرفات امورده هر حرکتی بسندیده اولوق محالدر مدح و ثنایه شایسته نیجه اموره  
 موفق اولور سه اختیاری یا خود قسری نیجه اطوار مذمومیه ده لاحاله مصدرا ولور  
 زیرا عدل صرف واعتدال محض عهد نبوی وعصر خلافتدن صکره کابینهی اجرا  
 اولنوب هر امور ماوضع له وجهی اوزن کور ملک قتی نادر واقع اولمشلرد خصو صا که  
 اختلال دولت وقتند تباین احوال و تسلط شرکا اولد هر مصالحی کاهوه حق کور مک  
 نیجه متصور در مقتضای عصره کور احسن وجه اوزن کور لسه ده یینه طعن معترض و شماتت  
 حساددن تخلیص کبریای ممکن دکلد ر پس روز پرک انعام واجباتی کورنلر وعصر نده  
 بعض مرتبه ایشه قاریشوب دولتندن حصه مند اولنلر محاسنی طرفن طوتوب مدح

و ثامن ایدروسنر اوار مدح اولان احوالی یازوب الی انقراض الزمان خیر دعا ایتد ر ملک ایچون  
 وضع اثر ایلر امداد و لتندن حصه مند اولموب مجرم قلندر بلکه مغدور و متضرر اولنلر  
 دائما عیبی طرفنه ناظر اولوب اشاعت تقایص و معایب ایچون تقریر و تحریر ده دم و قدحی  
 جانبته ذاهب اولور لر والله اعلم کاتب چلبی مرحوم ایله مورخ مجد پاشا عصر نده طریقلرنده  
 سودمند و دولتندن جزئی و کلی حصه مند اولد قلی ایچون طرف خلافتی طوتوب  
 دم ایتشار در تبه کیم عزیز افندی مدحنه افراط ایتشار تجا و زالله عنا و عنهم حرکت  
 کورجی نی بجانب آستانه چون کورجی نی اطرافه آدم لرو آلای بکرنه مکتوب لر کوندروب  
 کندی دخی نیکدن چادر لریله طشره چقدی و نیکللی نوری بیک نام بر عتیق  
 سیاهی یی و سائر اتباعی نیله قالدیروب منزل بمنزل قونیه جانبنه یوریدی اطرافدن سیاه  
 دخی کروه کروب یوما فیوما از دیاد بولدی یمن و یسار سیاهی و ساجدار بیر اقلریله  
 سردار طرزنده آلای قوزوب شوکتله قونیه یه داخل اولد قده قونیه سیاهی لری دخی  
 چقیوب ماحق اولدیلر و اطرافه آدم لر کوندروب جبر و قهر اخلقی قالدروب مخالفت  
 ایدنلرک ماملکن غارت ایتدیردی وزیر سابق صوفی مجد پاشا طرفندن بر قاج دفعه  
 پند و نصیحتی مشعر مکتوب لر کیتش ایدی وزیر جدید مراد پاشا دخی بر قاج دفعه  
 نصیحت نامه لریله آدم لر کوندروب لکن بروجهله قبول ایتموب کتد کجه جمعیتلری زیاده  
 و عناد لرنده قرار داده اولریله نکرار وزیر اعظم کند و طرفلرندن مکتوب لریله قره مصطفی  
 پاشا اغالرندن مشهور رجب اغایی یه ارسال ایدوب بوجعیت ایله حرکتدن مرادک بدر  
 خصمک اولان قوجه پاشانک حقندن کلندی شمدن صکره جمعیتی طاغدوب کیده سوز  
 دیو نصع و پند متعلق جواب لر کوندردی رجب اغاوار دقده یکی جامع وقعه سینده  
 یوقدر یولد اشاریز دوستدی و نمازی قلندی بوفتنه یه باعث اولان پاشا کتشی لکن سبب  
 مستقل اولان مفتی نک دخی حقندن کلک ایچون دعوا مزی حضور یا دشا هیده  
 کور زردیو جواب و یروب و بو مضبونه متعلق مفصل عرض و محضر یازوب رجب اغا ایله  
 کوندردیلر جمادی الاولینک اون التیسنده رجب اغا کلوب بوخبری و یروب کتر لرنی  
 سوبلش ایدی قاطر جی اوغلی دیدکاری شقی قطع طریق و غارت و خسارت مثالی  
 نیجه فساد ایدوب بولا و ادین یانندن کچوب چای قصیه سی اوزینه وارد قده قره حصاری  
 مشهور عیسی اغا برادری اند اولمغله جمع رجال ایدوب مزبور ایله جنک ایدوب صندرد قده  
 مکرر حرار زاده کرما و رالرن چای قصیه سنه آتش اورمغله شامشروب بالاخره یوزوب  
 قصیه بی غارت و احراق بالنار ایدوب اندن اقشهره و اروب صوباشی با نیجه سی نام جوز لکن  
 قونوب بتون اعیان شهری طلب ایدب وائمه و مشایخ کلوب بولشوب هزارینا ایله مشر لرنی  
 شرنندن تخلیص ایچون اوچ بیک دور تیوزر یاله امان و یرمک اوزن کسیشوب مبلغ مزبوری  
 تمام اجمع و تسام ایتشار ایدی اندن قالقوب کورجی نی نک خروجی استماع ایتد کده  
 یوکروه ایله یا ساحل نجاته چیقارم یا نیجه کان دک آتوب طوتارم جمعیتلوجه بولنق  
 معقولدر دیوب کلوب دور تیوزمقداری لوندی ایله کورجی نی کروهنه ماحق اولدی کورجی



بنی دخی تاقی ایدوب جانب سلطنتدن شفاعت و جرایمی عفوایله مظهر رعایت ایشدرمکه  
 متعهد اولوب بوتقریب ایله زمان انقیاده ربط ایدوب قوت و شوکتی بونا انضمامایله  
 تقویت و تکثیر ایلدی مشورت بکتاشیان در آستانه جمادی الاخره نك اون یی  
 ائتمین کونی تریع نحسین واقع اولدی زخل جو زاده مریخ سنبله ده ایدی بواشاده  
 وزیر اعظم مراد پاشا وزیر سابق محمد پاشایی و کتخد استی و دفتر دار مراد افندی بی قتل  
 ایدوب دفع فتنه ایچون مفتی عبدالحکیم افندی نك دخی عزل نصیم ایشیمکن اناطولی  
 بکمر بکیمی بونی اکری محمد پاشا نك کتخداسی منزل ایله آستله یه کلوبه لا کورچی  
 بی اون بشن یکدن تجاوز لشکر ایله و قاطرچی اوغلی محمد و قرا احمد و نجه بونلر امثالی  
 سر لشکر استقیا ایله کوتاهیه قرینه التون طاش نام محرایه نزول ایشملر تدار کتورک  
 دیو خبر کتورمکه مصلح الدین اغا و بکتاش اغا ایله وزیر اعظم سویلشوب اگر بونلرک  
 هجومی سیاقده مفتی بی ویرسک بونلر خوفزه حمل ایدوب بزلی دخی استمه لری  
 مقرر در دیوب عزل مفتی یه اولان غربتی فسخ ایدوب البته محاربه و مدافعه لری  
 لازم در دیو سفر تدار کتده قرار ورلدی وحید راغازاده کتکر ارقبه التته او تورمش ایدی  
 سردار تعین اولنوب اولایکچر یلرک اسکیلری کتسون دینلوب نینه سپاهی ایله اتفاقاری  
 توهم اولنغله یکی قبول لازم در دیو بدرگاه اولنغی معقول کوردیلر جمادی الاخره نك اون  
 طقووز بی چهارشنبه کونی پاشا قیو سنده مشا و فرمان اولنوب جمعه روز او مفتی  
 و علما و یکچیری و سپاه و سائر طوائف عموما جمع اولدیلر اولایکچر بی طرفندن کلان  
 محضر قرائت اولنوب مضمونده الحمد لله بزده مسلمانلر زیاده شاهک حرم خاصندن  
 بحکم شز اول ظالم و قاتل محمد پاشا تاحق ره بزلی قروب خصو صابو نجه زمان حرم خاصده  
 خدمت ایش جلب یکتار نك قانون اوزن ایشملرین استد کار یچون قائلرینه کیروب قتل  
 ایلدی و حقمرده کافر لری واجب القتل در دیو فتنه و لرویرلدی اول فتوای ویرن آدم قتی  
 کتابدن و نه مقوله جر مه بنایدوب نه کونه مسئله ایله ویرا شد برطالان بیه بیان ایشسون و نه سبب  
 ایله قتل ایشلرک اوزر لینه نماز قلدر میوب کافر دن طو تیلان دللر کی قتل اولنوب لاشه لینی  
 عربلر ایله دریایه دو کدیلر و کفر و قتل نه مسئله ایله حکم ایشدی شرع الله شرع الله  
 شرع الله دیو یاز مشلر بو مضمون قرائت اولندی هیچ جواب ویرلیموب اولحل یکچیری اغاسی  
 قره چاوش فتح کلام ایدوب دخی سپاهیلر توجیه خطاب جهل نصب ابیوروب بقه  
 سپاهی یولدا شلر سز یچون اول عامی حربلر ایله مباطنه و اتفاق ایدوب بو مقوله کاغد  
 کتو و در سز علوفه نه سیله کلان سپاهیلری منزللر یکرده صقلر سز تا که بزنا اوزر نه  
 کتدی یکمزه بوند خروچ ایدوب بزم بوند قلان یولدا شلر یزی قتل ایلیه سز دید که  
 وجوه سپاهدن صالح پاشا قرینداشی ذوالفقار اغا و روزنامه جی و سائر متعینلری بالاتفاق  
 جواب ویروب حاشا که زانلر ایله اتفاق ایدوب و خبر کوندن ووزو کاغدی بز کتورمش اوله یوز  
 و سپاهیلری اول غمزه صقلا یه وز بزم یله اشلردن اصلا خبر یز یوقدر بز پادشاهک  
 و کلا سنه مطیع عصیان یز یوقدر اعتماد ایشلر سکر کلام اللهی کتورک که اللهک کسکین

قلیدر زمین ایدوب دیدیلر قره چاوش صورت غضب و جبر و تله سزک یکمزه نه اعتبار  
 بز سزک سوز یکمزه و ییمنکزه انا نمر زدید که سپاهیلر جواب ویروب اینلر سز سز یلور سز  
 الحمد لله تعالی بز مسلمانلر زانلر و زمین ایدر ز که اصلا انلر ایله خبر لشدن و بو دیدیکلر  
 تهمت لردن خبر یز یوقدر دید کار نك قره چاوش یلورک اغالرینه یوز طو توب یز یولدا شلر یزی  
 ضبط ایدوب استقیاسنی بوغوب دریایه اتار سز یچون یولدا شلر یزی ضبط ایشلر سکر  
 دیدی یلورک اغالری دخی جواب باصواب ویروب بز و کلا یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه  
 اینلر یلورک اغالرینه علوفه سین ویروب بوند حکم یز التته اولنلری ضبط ایدر ز طاعن محمرده  
 کزن جریفاری نجه ضبط ایدوب و انلر سپاهی ایدی کی بدن معلوم در دیو اسکات ایشلر  
 اولحل قره چاوش ایدی بز انلر ایله جنکه کیدر سز دخی معاکیدر میسز دید که سپاهیلر  
 بردن اغرا جواب جمله کیدر زدیو جواب ویردی قره چاوش ایدی اول سز ایلر واز نکمید و ارمق  
 کر کسز عقب کتدن بز دخی و ایز دید که سپاهیلر بردن اغرا جواب یوق یوا ولر که بز ایلر و کیدوب  
 سزارد یزی اله سز و کورچی بی سز و انقیاد ایشلر کیدر شمدی افتر ایشلر یککری بز ایلر  
 ایله متفق در دیو متهم طو توب قفامز آلوب قره سز هر کیم سردار اولور سه بزم اغالر یز  
 ویرا غمزه سردار یلندن ایرلر نر دخی بیوا غمزه التته اغالر یز یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه  
 یولدا شلر ایله آت باشی برابر کیدر زدیو ختم کلام اینلر یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه  
 خطا یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه  
 معاکیدر زدید یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه یلورک اغالرینه  
 استد کارین ویردسک صکره نری دخی استیوب مراد لری اوزن عالیه و مناصبه مستولی  
 اولورلر دیوب بر قاج مقدمات بی نتیجه و کلمات جاهلانه نامفهوم سویادی اولحلر بر خط  
 هما یون و رود ایشلر علنا قرائت اولند قده مضمونی یکچیری و سپاهی قوللر یلر یلر  
 اصلاح ایدو سز یورلش کورچی بی و اتباعی حقنه قریق اوزن مجد د اتسوید ایدوب  
 حاضر لد قری فتوای چیقاروب حاضر اولان علما یه امضا تکلیف ایشلر کلد قره چلی زاده  
 محو دافندیکه دولت و و طاعت ایله بی العلم انجم الجنان ایدیلر اعراض ایدوب هله کون لم  
 حریفه نصیحت اولنسون شمدی امضا اولنلر دیو جواب ویردی عزیر افندی میدانه اتیلوب  
 سز یومشورتی و فتوای ایدر سز ایدر کر و خلق افواهنه دخی قولاق طو تیک کورک نه سویلر  
 اول طاعنه شرعله سوز یز و ایدوب یوقدر جمعیت ایله کلورلر کن ویردک مالنه و عرضنه  
 تعرض ایشلر و کتد و طالریله مقید ایکن نجه جلالی اولورلر دیو بر خوشه فکر ایلک  
 دیوب دیوان یوزلدی کاتب چلی فدلکه ده دیر که اوجاق اغالری باجمله سپاه زمره سینه  
 و یلورک اغالرینه و اختیارلرینه خطاب ایدوب کورچی بی خروجنل سزک دخی صنع ورایت  
 وارمیدر یکچیری و سپاهی سفر لده دوکشه چکشه کلشدر و یکی جامع و قعه سنده مدافعه  
 یالسیف اولوب بر قاج آدم دوشمکه انتقام قصدی ایچون سزک دخی فکر یکر و قصد یکر  
 وارمیدر و مجد دینی آشکار در مقصودلر یکر یواسه سویلک دید کار نك سپاه دخی  
 مقتضای حال اوزن جواب ویروب دیدیلر که بز پادشاه مطیع امر پادشاهی یه اطاعت



ایتمیه نه قارشمن زوزم انلر ایله رآی و تدبیر مزین و قدر دیو جمله سی عین ایدوب پس بوند نصبره  
 کورجی بنی خروج علی السلطان ایدوب قاطرجی اوغلی دید کاری قطاع طریق  
 استقامتله یانته آلوب فساده اتفاق ایتمکله عصیان مقرر اولمشدر بعد الیوم ترک  
 عناد ایتمز لسه کندینک و یانته یوللار ک قتلاری اچون عهد و اتفاق ایتمک کورجی حجت  
 ایتدیروب قاضیه عسکر لره و سائر علمایه مضامین بروجیهی دیر که سیواس بکلیر یکیمی  
 ایشیر پاشا بوجیهی مقدمات سردار تعیین اولنوب اناطولیة اولان امر او بکلیر بیکلر  
 ایالتلری عسکر ایله ایشیر پاشایانته واروب کورجی نینمک جمعیتلری بریشان ایتلر اچون  
 مؤکدا و امر متعدد کوندرلشیدی مذکور دخی اوزر لینه عسکر حواله اولند یغندن  
 نمیر اولد قه بروسه یه غریمتن مصمم ایدوب ذخیره جمعیتون مقدمه راییکی بیک آدم ارسال  
 ایتدیکنی اهالی ولایت عرض ایتد کله شهر مزبوری محافظه اچون ادوات حرب ایله بر مقدار  
 آدم ارسال اولمشیدی شقی مزبور بروسه یه کلدن فراغت ایدوب اون بیک مقداری آدم ایله  
 اسکندر ان عزیمت ایتدیکی مقرر اولد قه استانبول مشورته شروع اولنوب سپاه  
 زمهره سنه یمن ویریاوب معاهده وقوع بولمشیدی کورجی نینمک خروج علی السلطان  
 ایتمکله عصیان مقرر اولمشدر دین تغییر عام اولنوب شقی مزبور ک حقندن کله دیونکرار  
 ایالتلره امر لر کوندر یلوب دردولتدن طاووقی پاشا مستقلا سر عسکر تعیین اولنوب  
 اسکندر ان کورلدی و رجب اغاسیاه اوچاغندن و سائر وکلادن نصع و پندی متضمن  
 مکتوبلر ایله کیر و کورجی نی طرفه کوندرلدی جمادی الاخره ده سر عسکر اولان  
 طاووقی پاشا بر مقدار سوار و بر مقدار یکچیریلر از تکمیده واروب یکچیریلر یول اوزرینه  
 خندق کسوب متر سار آلدیلر و کلان عسکر ی کورمک ملاحظه سن ایتدیلر لکن  
 کله جک عسکر آغر عسکر اولغله اوکته سد ممانعت چکوب طور مق حفاقتن دیو سر عسکر  
 کیر و دونوب یکچیریلر دخی طاغلد یار اولد قه قاطرجی اوغلی از تکمیده بولنان یکچیریلری  
 قتل عام اتمکجه مصباحتمن دیو ارام ایتد کله نیکمکی نوری بک و بعض اختیارلر مانع اولوب  
 خلاف عاده کسنه نک قتلنه رضا ویرمدیلر ماه مزبور ک یکیمی بری کونندن قیو فرمان  
 اولنوب اوج کون وافر یکچیری یاز دیلر و عامه یکچیری اسکندر ان کچمک فرمان اولندی و توقع  
 و اتفاق دخی اسکندر ان کچوب معتاد اوزن طوغاچی میدانته نصب اولندی ماه مزبور ک  
 یکیمی بر دنا وزیر کچوب کندی اتباعیله چامایچه یولی کنارلنه قوندی سائر اعیان وارکان  
 و معزول بکلیر و پاشا دخی مأمور اولدیلر بکتاش اغا استانبول محافظه سنه قالدی  
 اگر چه استانبول دیوان اولوردی اما صبر اعظم دیوان صکره و تاغنه اسکندر ان کچردی  
 الی بیک مقداری یکچیری و سپاهی و سائر طوایف باجمله اون بیک مقداری لشکر ایله  
 ضابطلر و یکچیری اغاسی کچوب و طوایف دخی کچوب مترس و خندقلر قازدروب اوتوردیلر  
 و یورلدی ایله غلطیه ایکی بیک استانبول و ایوبه بیکر اتمک فرمان اولنوب هر یوم  
 میرین اسکندر ان بش بیک اتمک کچردی عجمی اوغلنلری عر خحال صونوب اوطه باشیلر  
 اوزر و شته بقال و حمالی یکچیری ایتدیلر بزوجه زماند رخد متله یوز یولر جه بدر کاه اوله لم

والاعجمی اولنلغی دخی براغوب واروب جماللق ایلیوب اوزر و ش پید ایدوب اوطه باشیلر  
 و پرز و قیویه چقارز دیمه لرله بد کاه فرمان اولنوب اغا استانبول کچوب عجمی اوغلنلر دن  
 یولجه بر مقدار انلر دن و غریدن یازوب اسکندر ان کچردیلر استانبول قوروجی و اوتور اقدن  
 غیری بر نفر قالمیوب انلر اوطه لر خراسنه تعیین و هر کچه هر محله دن اوز آدم اولن بشر  
 آدم محلاته یاسماللق اتمک فرمان اولنوب طشهر دن کلان مسلح چوبان و مندره چی  
 و عز با مقوله سی سلاح ایله شهر ده کرمکدن منع اولندی ماه مزبور ک یکیمی اوچنده  
 بوستانجیلر سلاح ایله اسکندر ان کچه سنه نقل اولنوب کورجی بنی اوزرینه سردار تعیین  
 اولنان حیدر اغا زاده محمد پاشا ایلر و قوغش ایدی خوف لیلله کورجی نی یه کیدر  
 بریوستانجی طوایف صوبوب مکتوبی بولیب کندیو باغلیوب بوستانجی باشی یه  
 کوندردی و کورجی نی یه اندرون همایون طرفندن مکاتب وار مشدر دیوارا حیف  
 چوغالیدی مورخ دیر که اعجاب امور دند که ارضروم والیسی طاووقی پاشای از تکمیده  
 مقدمه لشکر شکندن کوندروب در یادن سفینه لر ایله اون بش اوطه یکچیری دخی ارسال  
 اولمشیدی یکچیریلر اند مترس آلوب خندق ایچره طور لر کن قاطرجی اوغلی  
 دور تیوزن پوش اولدور قاجیوز سپاهی ایله کلد کله یکچیریلر تفنک آتمه باشلایحق  
 قاطرجی اوغلی آت سوروب آتک یولداشلر زم سزکله جنکمز یوقدر سزکله عداوته  
 کلد ک دیلرله یکچیریلر تفنک لر بن سلکوب متر سدن چیقوب زمهره مخالفین ایله اوتوروب  
 ساحه محرابه مجلسلر قوروب قهوه لر اچوب سونا شوب ضابطلرینک و حکامک  
 مساویسنه متعلق کفت و شنید د نصبره بر قاج یکچیریلری کیروده قوتان کورجی نی یه  
 کوندروب اولدی بو نلره یولداشلر سزکله جنک کلد ک الحق بونلری نه مسئله  
 ایله تکفیر ایدوب قتلره امر لر کوندر مشلر سوال ایدوب شرع شریف مقتضایه معلوم  
 اید کله کیشدر و الا سز زم دین قرینداشلر یوز یولداشلر سز سزکله عداوته کلد ک دیو  
 تطیب ایدوب یینه کیر و سالما معزز کوندردی یکچیریلر دخی برالای ساده دل طائفه بونلر ک  
 سوزی معقولد زمله جنک کله مشلر ناحق یه بونلرله دوکشوب اولدرمک و اولک یچون  
 غالب کلوب زری قرار لسه یچون ناحق یه اولور ز دیوب جمله سی اتفاق ایله جنکدن  
 ال چکوب بر آتد لشکر مخالف ایله قرینداش اولد یلر و قدر غه لر ایله کوندریلان یکچیریلر دخی  
 اولملر کلن یا قلا شوب طوب و تفنک اتمق مراد ایتد کله برو طرفه حدت و غضبی ساکن  
 اولش یکچیریلر دن بر قلی سفینه لره قریب واروب اتمک انلر ک بزمه جنکی یوقدر سز  
 طوب آت سکر انلر جمله مزی قرارلر یو خایقرد قلر دنلر انلر دخی زم مزه کرک دیو الارغه اولدیلر  
 طاووقی پاشا قاضیه نک بویه اولدوغنی کوروب مخیر ایکن کورجی نیندن کندویه خبر  
 کلوب اوغریزده طور مسون یا منصبنه یا کیر و لشکر کاهه کئسون دیمکله طاووقی پاشا  
 ناچار کیر و دونوب کلد یکنک اصل بویاش دیو نقل ایدرو کورجی نی طرفنه نکرار نصیحتی  
 متضمن مکتوبلر ایله کوندریلان رجب اغا جمادی الاخره نک یکیمی بشنده ایلر و کوندریلان  
 عسکر ایله کلوب صندراعظم و جماله از کان دولته مکتوب کتوردیکه کورجی نی نک مقدمه



دعواسی شیخ الاسلام و او غلینک قتل ایکن بود فعه عزانه زاعی اولوب بکچر یلرایله بارشدق  
 و بواحوالتری پادشاهه عرض ایتمکری رجایله رز دیو یازمش بو طرفدن ینه مساعده اولوب  
 صول علوفه جیلر کتخدا سی طوبله باشی بلوکلردن برچاوش کوندیابوب شیخ الاسلام عزلی  
 طلبه دن فراغت و جمعیتی بر طرف ایتمسونلر دیو جواب ویرادی چون کورچی بی عسکری مالدییه  
 و طوزله بی کوب مایینده قاصدر آمد شند ایندی بکچری اغاسی البته جنک اولنسون دیو  
 ارام ایدوب سپاهیله طوبله یاردرنج بکچر یلردن ایلر و قونق فرمان ایدوب عسکر  
 معهودی ایلر و قوندوب بکچر یلر کیر و قونق شلرایدی کورچی بی طرفدن جواب معقول  
 صورتا و سوزلر بکچرینک مسموعی اولوب سپاهیله اتفاق ایدوب جنک وقتالندن  
 اهراضه قرار ویرمشلر ایکن اغاوو زیر خیر اولد قلرند بر خط هما یین اصد ار اولوب  
 قزل و صاری بیراق اغاری چادر لردن قرأت اولندی مضمونی بوایدیکه سز که سپاه  
 قوللر مسز اجداد مه خدمت ایتمکری لالا مه مطیع اولوب مخالفرایله جنک ایلر سز  
 بر حریف سپاهیله یازوب ملکمه لشکر چکمش بنم ملکمه علاقه سی ندر البته حقندن  
 کله سز دیو یازمشیدی زیر اسپاهیله الیورمک عشوه سیله کورچی بی قزل و صاری  
 ایکی بیگ بیراق کسوب حاضر لدی شیخ ایدی اما چون دونکی کونه دک حضرت رسول  
 الله صلی الله علیه وسلم علم شریفی رسمن ویرمکه پادشاه امتناع ایتمش و بوامتناع والده  
 معظمه نکه دسیسه سنه جل اولمشیدی حتی اشین کونی قیب زیرک زاده عبدالرحمن  
 افندی سادات ایلر سرایه واروب والدی تهید تام ایدوب رسم علم شریفی الوب  
 پرواسکدان کتورمشیدی قرا اغاسی قیب افندی یه صورت غضب ایلر افندی  
 حضرت تری علم شریف کفار اوزرینه چکله کلشدر مسلمانلر اوزرینه نجه ویریا و بونه اصل اشدر  
 دیوخیل ممانعت ایتمشیدی زیرک زاده سوزیلور بر زبان اورکسنه اولمغله نه دیدی ایسه  
 دیوب آلوب کتوردی و کورچی بی اوائل حاله مراد پاشا ایلر خواجه داسلر اولوب حتی کورچی  
 تینک میری یه یکن اچه سنک زوزناچه صورتن الیورمک ایچون صوفی عجد پاشادن  
 مراد پاشا اغایکن رجایلدوب عجد پاشا نکه اچه سنی هزارپان احمد پاشا الدی مال قارونه  
 مالک بر زور باصلاحه نچون حمایت ایدرسن دیدکده مراد اغا سلطانم هزارپان نکه دخی  
 جمله مالی میری یه کلدی بو آراچه دکدر بوقدر جرعه بی حکمکه کورچی تینک یورچی  
 و صوبی ندر دیو و افرینا ایدوب رجاسی قبوله قرین اولمغله ارالردن اسباب برودندن  
 بر بسی دخی بوماده ایدی و کورچی بی یو نجه سپاه جمع ایتمدن اوزرینه عسکر تعیین  
 ایتموب حالیا بی تحاشی بوبله مضیقه کلدیکندن قوت قلبی وزیر ایلر اتحاد و مباطنه  
 محول اولوب بولایم قیلنده وزیر مفتی بی تبدیل عزیمتی مؤید حال ایکن حالا جنکه مسارعت  
 اولمدوغی دخی منطقه تهمت اتحاد اولمغین اصحاب تسلطدن اولان اغالردن تحاشی  
 ایچون وزیر بر خط شریف کتورتدی اما خط شریف اولدوغی نندن معلومدر دیو اصحاب  
 اغراض معنار ویردیله قره چاوشک اقدامیله وزیر اعظم بر قاج بیگ آدم ایلر سوار اولوب  
 کورچی بی اور دوسنه طوغری یوریدکده حیدر اغا زاده قارشو کلوب دولتلو

عجله یورمک صبر ایدک شاید خیره متبدل اوله دیو قتالندن منع ایلدی وزیر اعظم  
 بر مقدمه اراتا و ایلر الارغه دن مخالفلرک اوردولرین سرپا کتروب ینه کلدی حقا که جمله سی  
 سبکبار اون بش آدمک بر سینس خانه سی وار کورچی تیندن غیری صاحب قطاریوق  
 انک دخی قطارلری جمله خزینه و تقوایدیکه عورتنه نیکده دن طلاق ویروب حیاندن قطع  
 امید ایدوب اون بشن ییلدن بری جمع ایلدیکی مالی هب تقوایدوب یوکلدوب کلشیدی  
 و بوبله کلنره خر جلق ویروب اشاء راهلر نان و طعام و وسائیلری اچه سیله الوب قطعاً  
 فقرایه تعدی ایتمدرمزدی وزیر اعظم و اغا برو جانه بکچری و سپاهی یه قیون اچه سی  
 نامنه بشارت و غروسته وارنج ویردیله و خاصه بکچری بشارت و غروسته تقدایله بیگ بشیوز  
 سردن یکدی یازلیدی و بولیلر اربعاده وزیر اعظم بعد العشاء یوز قدر فقیلاری ینار تفنک  
 اندازایله شهرری کتروب حراست و علی السحرینه اسکداره یکدی جاجدی الاخره نکه بکچری  
 التخی اربعه کونی کورچی بی یه کوندیلان بلوک چاوشلری کلوب خبر و مکتوب کتوریدیلر  
 مضمونی بوکده بز جنک ایچون کلک بز ی نکفیر و دمنری اباحت ایتمه نکه و جی ندر معلوم  
 ایدنک ایچون کلشیدک و بومفتی اهل غرض اولمغله تبدیلان التماس ایتمشیدک چون بو  
 ماتمسازدن بری قرین قبول اولمادی باری شوقا طرچی اوغلی دیدکری حریمیکه قطع طریق  
 ایدوب حجاج مسلمان و سائر ابناء سیله غرری مقرر ایدی استمالته یانغره الوب شرن  
 امت محمدن دفع ایدک و سن بر بهادر یکنسن رهز لک سکا عیندر پادشاهمزدن سنک  
 ایچون برشی رجایلدلم دیو کتوردک حالا سوزمزد اولماق ایچون مزبون و غراز احمد بر  
 سنجاق عنایت اولنسون دونوب کیدلم آن یرده قان اولنسون دیو رجانه کوندروب و کندو  
 ایچون ترکان اغالغی عرض ایلوب قره حصارلی سابقا سپاهیله اغاسی جبهه بی زاده علی  
 اغای ویا نجه لی احمد بیگ بیلر کوندروب عظیم نیاز ایتمش وزیر اعظم بوجارینه مساعده  
 و تجویز ایتمشیدی کاتب جللی دیرک اول منزلدن لشکر سپاه کوچوب دریا کار یله کاورکن  
 حسین پاشا اغالردن چاتره یا تره زاده علی اغایه برقد رغه ویریاوب دریا کارندن کچنره  
 طوب اتق ایچون کوندلرشیدی انلردخی بعید یردن کوب بولغورلی قرینه  
 قوندیلر انجق مزبور یا تره زاده طوب اتقالق نامیله استنهار تحصیل ایندی و برکون مقدم  
 روز ناچه جی مزخوم ابراهیم افندی کتخدا سی اوزون علی اعاقوجه پاشا مانده تدبیر امورده  
 مستشاری واریکن حالا التفات اولمغله طرف خلافت و کورچی بی ایلر متفقدر دیه تهمت  
 اولمغین بوسنه یه وطنه نفی اولندی غرایبندر که مقدمه ازنکیمد جاننه کوندیلان  
 بکچر یلر و بوستانجی باشی طرفندن کورچی بی یه ایکی خاصکی واروب عودت ایلدی  
 بر کوردک دیو اشاعت ایتمایله و رسم علم رسول الله علیه السلام ویرمکه والده سلطانک  
 و قرا اغاسنک ترددی مؤید اولمغله اندرون همایون خلقتک مباطنه سن تحقیق ایدوب  
 بکچر یلر و همه دوستوب اول کچه اصلا کوز یوماه شلرایدی کذلک اوردوده اولان سپاه  
 وقعه سابقه دن درونلرند علقه مقرر و بکچر یلرینک بر نومه استیاسندن انلردخی زیاده  
 مشوش اولوب کمال توهمه ایدیلر وزیر اعظم دخی سابقدن برو کورچی بی ایلر دوستلغی



اولدوقنه بناء حلا مزهره في پروانتي وزير ايله سرائف اتفاق و مبا طنه به محولدر ديو منطه مهمت  
اولوب باججا اوردوده واركان دولت اولان اغار مجلسنده بوكا متعلق ارا حيف شيوخ بولغله  
وزير دخی وحشته دوستوب جمله دن زياده اندیشه مند ایدی حتی دونکی تلتا کونی  
فکر اولندوغی اوزر بنوب دشمن اوردوسن سیر و ملاحظه ایدوب دونوب اوردویه  
کلدکه بکچیری و سپاه آلا یلر بغلیوب وزیرک سلامنه طور دقده وزیر اعظم کمال و همندن  
یا بر طرفنه عطف عنان ایدوب بکچیری و سپاه اول طرفه سکر دوب ینه سلامه  
طور دقده وزیر یکا دخی عطف عنان ایدوب با جمله اوج دورت دفعه یلدن صاپوب سلام  
محلنه وارمغه جرأت ایتیموب عسکری صاغ و وصوله انعاب و با لآخره آت قالد یروب طولو  
دیزکن اوتاغنه واصل اولدقده بکچیری و سپاه دشنام ایدرک دونوب چادرلینه کلشیر ایدی  
حاصل هر طائفه زمره اخرا دن خوف اوزن اولوب ارباب دولتک جمله سنه وحشت  
وهر اس مستولی اولمشیدی چون جمادی الاخره نک یکر می التجی کونی کورچی بنی طرفندن  
ورود این بچاره مساعدیه قرار ویریلوب لشکر سپاه دخی باغورلی دیه سی یا ننه قونوب  
ایرتسی اسکند ان کلوب بارش اولق اوزن هر کس پادزنده فاغ المال اوترکن ویر و طرفنه  
عرض اولنان سبخاقلری و اغالغک امری یازیلورکن بوا یکی طائفه نک اتحاد و اختلاقی  
قافع دکلدر نلری بر طریقیله دفع لازمدر دیه مخالفرا غوا ایدوب وزیر اعظم دخی یا لکتر  
مخالفته جرأت ایتیموب تردد و تحیر اوزن ایکن بروسه دن معزول بریک فریاده کلوب  
جلالیر بنی سویدی و ملا قتاله شروع ایتمشدر ددی وزیر اعظمه شکوا ایلدی مکر کورچی  
بنی بی خبر ایکن قاطرجی اوغلی و قزاز احمد بنوب کله جبه صائم نجه اولور کوستره یم  
یارانه مضبوط فشار بک ایلیموب بر قاجیموز اتلوسکبل ایلله اول طرفه واران پراکنده عسکره  
اولا شوب مزبور بیکه صتا شوب صوبوب قاجر مشلریک شکایت ایتد یکنده وزیر دخی  
اول معهود امرارک طغراسن چکیمکه مشغول ایدی مصاحب و محرمی اولان قیون اوغلی  
و منجم باشی سلطانم ایش سهولتله بتکدن قالدی و سیف قینندن چقدی غیری  
لازم اولان جنکدر دیو پاشای قالدروب جنکدر دیندا اولنوب جمله پاشا و بیکار و عوما  
عسکر بنوب ماه جمادی الاخره نک یکر می التجی اربعا کونی وقت ظهر ایدیکه جنکه شروع  
اولدی آلا یلر بغلیوب چرخه سرداری حیدر اغازاده محمد پاشایه بیورادی واروب یا تان  
اولان قارص پاشاسی مرحوم سفر پاشا زاده لرک بیوکی رستم پاشا کوچکی ارسلان پاشا در  
و کفریدن معزول کتاغاج مصطفی پاشا و اغازاده شوهری مصطفی پاشا و روزه لی مصطفی  
پاشا اوغلی محمد پاشا و نیره پاشاسی محمد اسحق پاشا و حاجی محمد پاشا و مؤذین حسین  
پاشا و بولیدن معزول امیر پاشا و حمزه پاشا زاده و عرب بکیری سلیمان پاشا و عمر پاشا زاده  
محمد پاشا و سائر امر او و زرا جمله الا یلر ایلله ایلر و یور یور بوجمله دن کیر و سردار حیدر اغازاده  
طوبوب نک اردنجه قیو خلقیله وزیر اعظم باغورلی طاغی اطرافنده طوروب دلی با شینی  
دلور ایلله چرخه امدادینه تعیین ایتدی و بکچیری ساحله میاهی بکچیری یا تان  
قرار ایدوب شویله که مینه ده بکچیری و سپاهی و قلبد حیدر اغازاده و میسرده

وزیر اعظم اولوب و چرخه تعیین اولنان پاشا لر طوا و قچی مصطفی پاشا ایلر  
مسارعت ایدوب قایش بیکاری نام محله وار دقلر نه اوتنه طرفدن کورچی بنی دخی  
نمبر دار اولمشیدی گروه گروه سپاه آلا یلرین دیزوب قزاز احمد اغایی سکر یوز  
اتلوا یله از نکیمده دمیدار قومشیدی سائر اغار ایلله صفلر یزه یوب قاطرجی اوغلی  
هور تیوز مقداری جوشن پوش مسلح اولد ایلله ایلر و چرخه جیلره قارشتو چیمقوب  
و تفنگ انداز سکیبک نلری پیاده ایدوب اورمان اراسنه تعبیه ایلدی کندی چرخه چی  
اولوب آلا ی کوستردی ابتدا طوا و قچی پاشا و سفر پاشا اوغلی قاطرجی اوغلی ایلله  
قارشتولشوب اللشدیلر و بر جانیدن پاشا لر جمله یه بد ایدوب جنکه اهنگ اولندی  
قاطرجی اوغلی الله خشت جمله لر ایدوب طرفیندن بر قاج کسند مجروح و مقتول اولدقده  
وزیر اعظم دلوری و سائر چرخه جیلر هجوم ایدوب قاطرجی اوغلی عتار کردان اولدقده  
پوتلر غافلار ادرلینه دو شوب اورمان اوکنه وار دقلر نه اورمان ایچنده در کین اولان  
سکبانلرک هر بری یکر میشر اوتوز درهم فندق اتارلردی دفعه تفنگلرینه آتش ویروب  
چرخه جیلردن وافر آدم دوشروب بوز دیلر بش التیموز قدر پاشالی و دلور خاک هلاک  
دوشند پاشا لر سائر عنان ککردان اولوب کیرویه فرایتد کلر نه قاطرجی اوغلی همپار یله  
حقبکیرلک ایدوب کندی و سی طوا و قچی پاشای خشت الله اوکنه قاتوب اول قاجدقده  
سفر پاشا اوغلنه ینشوب جمله ایتدکده بر نامدار ویرار پاشا زاده سن جا باد یو اور میوب  
خشتی بر آخر شخصه ایدی اگرچه پاشا لر و عسکر بوجنکه مردانه لک ایتدیلر لکن اورمان  
اراسنده اولان استقیلک علی الغفله تفنگندن متضرر اولدیلر و محاربه ده اسپریکی  
اسمعیل بیک مقتول و عرب بکیری سلیمان پاشا و بر قاج پاشا لر و سکر مجروح اولدیلر اگر  
قاطرجی اوغلی ولید تعقیب اینسه لر چرخه جیلرک اکثرین هلاک ایتلری مقرر ایدی  
لکن بکچیری الا یلری گروه اولغله کورند کلرندن پوصویه قو تلتش صانوب انلر دخی  
کیرویه دوند پلر اول محل چرخه جیلردن بوزلدی دیو حضور وزیر فریاد جیلر کلد که  
یکچیری طائفه سندن اغا با و کلر می پاشا قولنه یحکم فرمان اولنوب و پاشا جمله عسکر  
ایلله یور یوب چرخه یه امداد ینشوب وقت ظهر دنکه اول مباشرت جنکدر اصفرار  
شمسه دکل جنک و حملات پی در پی ایلله عالم نک اولدی خصوصاً حر هوا وقت مادن  
لشکره عطش مستولی اولوب استانبولدن سفار کتورد کلری قرق چشمه صوی ایلله  
تسکین عطش اولوب زحمت عظیم چکدیلر کاتب چلبی دیرکه بروماید اتحاد قلوب اولما غله  
انهمز امه قریب اولمشیر ایدی حتی سپاه و ساحدار قاضی کوی سمند سر عسکر ایلله  
طوروب بکچیری آلا ی باغلا ایچنده یا تلتش ایدی سردار بکچیری آلا ی اوکنه اوغرا یوب  
استمالت ویر دیلر و بمر تبه قتال اولق انصافیدر دیو بعض سوزلر سولیموب وزیر و سردار  
استماع اولندی چون اخشام ایشدی کورچی بنی و قاطرجی اوغلی دینوب چون مراد یزه  
تعمیت اولندی پیوجه یره مسلمانلر برلرین نیچون قرار اولو الامرایله مقاتله نزد کلدر  
دیو دونوب چادرلر یله اوغرا میوب کیموزه طرفنه رجوع ایتد که کوجه جمع اولوب کلان



طائفه بود کاه بهانه کور بخت پراکنده و پزیشان اولدینلر اولخل اخلاق لشکر دن گروه گروه  
 سکر دوب مخالفین چادر اوایلین یغمالیوب و عقباردن ایرشد کلرین کسوب و طوب  
 باشلری و کرفتار لری وزیر کتوردیلر طوطیلا نلر دن بر قاجی سیاه بولنگله اغاری چادرینه حبسه  
 کوند ریابوب لوند مقوله سی قرق بش مقداری آدم طعمه سیف سیاست اولدیلر و باش  
 کتور نلر وزیر بخشش ورمکله کیده رک باش چوغالدی باشاملا حظه ایتدکله باشک بری  
 کند ولوند دن قاسم نام کسنه نلر کله سیدر بره قبه اوغوللری بوزم قاسمک کله سیدر دیو  
 بر خوش نظر ایتدیلر کلان باشلرین اکثری بروجا بندن دوشنلرک باشلری ایدیکی معلوم  
 اولنگله ارتق بخشش ورمیوب دونوب اول کجه آورد و کاهه آرام اولندی طرف مخالفدن  
 قتل اولنان عل اختلاف الروایات یوزه قریب و بروجا بندن مقتول اولنلری بیکه قریب ایدوکی  
 محقق اولدی فد لکه ده بیگ بشیموز قدر بوجا بندن قتل اولندی دیویازار و مخالفلر ده ثبت  
 و اتفاق کله اولیدی و اول کجه طاغلیوب سحری قتاله معاودت ایدر لر دی حال مشکل  
 اولوردی اما غنایت حقله مندفع اولوب کورجی بی و سپاه یولسزدن و دپه کیدوب  
 ککبوزه یه اوغرامیوب آخر یه لدن ازیکمیه چیقوب قزاز احمد ملحق اولوب اول دیان  
 بر قاج بیگ دیال مال امان صالوب و لوب بعد الیوم اناطولی بزم کوتاهیه ده اوتور زروم  
 ایل سزک دیور و جابه خلطیاته متعلق اخبار کله وزیر اعظم و سر عسکر ایکی کون دخی  
 اسکدرده محافظه صورتند اوتور و بوجا بیگ الاخره نلر بیکرمی طقوز بی کونی وزیر جمه ایل  
 استانبوله کلدیلر و بوجا بیگ جله باشالور ایل اولوب بیکچیری و سپاهی قطع مباشرت  
 ایتدیلر کاتب چلبی دیرکه کورجی بی جمعینده اولان از نکمیدن قلعوب هریری ولایتنه  
 کتدی کورجی نیکه یه قاطر جی اوغلی سکود طاغنه قزاز احمد اقشهره و سائری  
 دخی مکانلرینه طاغلیوب وقعه بوجا بیگ آخر اولدی بو خلافتک ثمره سی بواولدی بیکه  
 سپاه طائفه سندن اوجاق اغالینک و اتباعنک یکی جامع وقعه سندن بروکاه بونلرک  
 دقتر لینی یاقوب اوجاق اغالینی سوبندرمک کر کدر و کاه سپاهه بدل بیکچیریدن  
 بیکرمی بیگ اناو و عسکر ایتک مناسبدر دید کلری لغو اولوب بود فعه ده سیاهی دفعیچون  
 عوم اوزن آل عثمان عسکر ای اسکدر ان کچدیکن کوروب سکوت ایتدیلر و من بعد کنایه  
 و تعرض وادیلری بر طرف اولوب درد مند کورجی بی کرچه بوبولده باشی و مالی فد ایلدی  
 اما ایلر اچاقلره بوقدر ججه خدمت و خلعه کوستیش ایدوب خلقی سپاهیلکه میل ایتدردی  
 صکره حسن پاشا جمعیتی بوکاتا کید واقع اولوب بیکچیرینک طفره سن بر طرف ایتدیلر دیو  
 کاتب چلبی فد لکه ده بوبوله یازمش و سپاه اوجا غنه استنصار ایلر خیل طرفد ازلق ایتشد  
 بو وقعه دن صکره ممالک محروسه ده اولان حکامه کورجی بی ایلر قاطر جی اوغلی و قزاز احمد  
 نام شقیلر هر قنیه کترک تحت حکومتنه و ارسه جزامن و یروب رأسن آستانه یه کوندره سز  
 و ماعد استنه نعدی ابایه سز دیو موکد اوامر شریفه کوند رلدی قتل قیوچ موسی پاشا و ان  
 بعد ادادار السلام پاشای مشار الیه دولت ابراهیم خانیده شهر امنشی خدمتنده ایکن شکر یان نام  
 مصباحیه اناساپ ایلر کسب شهرت ایدوب وزارت ایلر بیکچیری اغاسی بعد دفتر دار اولشدی

صکره قیو دالتق وریابوب بعد عزل صالح پاشا قتلند تصکره مهر وزارت بوجا رسال اولتیش ایکن  
 هزار یان احمد پاشا عملیه تخلف ایتدکله بغداد کوند رلشیدی برایکی کون روز کارده تحصیل  
 شهرت و شان ایتکله تعین کسب ایدوب مهر آرز و سیله دماغی مالاً مال اولوب استیلای  
 طمع د امانی ایلر سر مست غرور و جو و ظلم ایلر ادخار مال زاده جسور اولد یغندن بغدادده  
 اینکوزدن متجاوز و متمول کسنه لری رافضیلک تهتیلر و بعض بهانه ایلر قتل ایدوب ماللرین  
 الدینی تواتره بالغ اولشیدی خصم و صا شاه بندر خواجه حسب الله نام عجمک برادر بیکه وزیر  
 مراد پاشا بغداد اغاسی ایکن قریند اشغلی ایدی حبس ایدوب مراد اغا ایلر اخوتی واردردیوب  
 رجایلدن لری اسلیوب بالاخره قتل و اموال فراوانتی قبض ایتشیدی و مقدمای بیکچیری اغاسی  
 ایکن مراد اغا نلر برینه برنجی زاده بی کتخد ایتدکله مراد اغا نلر بر مقدم ارمال دن مفارقتی  
 و قیو دالتغله کریدر وارد قعه مراد اغا یه بعض عتابانی سبق ایدوب بیدلر نلر قدیمی کینه  
 و منافرت قلب مقرر ایدی مقدمای بغداددن قیو جیلر کتخداسی معمار مصطفی سنه  
 مکتوب کوند روب آستانه ده اولان اختلال معلوم اولدی مقدمای فلان شیخ  
 و فلا بنخاز بکا اغا و پاشا و لاجع می خبر و یروب سوز لری کرچک چقدی و حال استانبوله  
 وارد یغمرده صدارت عظمی به نائل اوله جع می دخی نبشیر ایتدیلر غسافل به نلیه سن  
 اندرون همایون نافذ انکلام اولنلر تردید ایدوب سعی عملدن خالی اولیه سن دیو سودای  
 محال و باطل خیاله مبنی بومقوله خلطیاتنی قله کتوروب معمار مصطفی سی دید کلری دخی  
 بر سفیه سکاری سفیه بومقوله هر زو اتی کشف ایدوب پاشا سنی و کمدی لسانه دوشردی  
 بغداددن معزول اولوب اسکدر ان کلدکله وزیر دخی کورجی بی مدافعه سنه مشغول اولنگله  
 تمارض ایدوب وزیر وارمدی اندرون خلقی ایلر قدیمی اختلاطنه مغرور استانبوله کوب  
 قیو جیلر کاتبی حسین افندی ایلر خفیه مفتی یه و بعض یلر واروب اندرون جانبینه اموال  
 و هدایا عرض ایتدی دیان صدقاوان کذب اشاع اولنگله وزیر اعظم کورجی بی وقعه سن بر طرف  
 ایدوب استانبوله کلد بیک کبی غره رجبه مزبور موسی پاشای یدی قله یه کوند روب  
 و دیوانه حسین افندی بی حضور نه کتوروب قیو جیلر بچون تما ماعلوفه و پرلدی  
 دیو بهانه ایدوب حبسه فرمان ایتدی و بن سکا موسی پاشا نلر اوکنه دوشوب قیو قیو  
 کز در می اوکرده عید و اقصای مافی الضمیر دخی ایلدی و جمعه کونی پاد شاهی سلیمانیه یه  
 جمعه یه چقاروب شاه بندر حسب الله و بعض شکاة حصیر لر یاقوب ر قعه لر صوب  
 قیو جیلر کتخداسی ر قعه لری اشارت پاد شاه ایلر آلوب یدها یونه ایصال ایتدی ایرتسی  
 صبت کونی وزیر اعظم ایچ و پاد شاهه واروب ناخیز ایدوب خط آلوب بازار کجه سی  
 موسی ناشانی قتل ایلدی و حسین افندی بی مصادن ایلر تأدیب و اطلاق ایلدی عزل  
 عبد الرحیم افندی و مفتی شدن بهائی افندی صدر اعظم مراد پاشا مهد علیا و الله سلطان  
 حضور نلر یله سویا شوب عبد الرحیم افندی نلر عزلنه قرار ویردکله یا کی مفتی ایدلم دیدیلر  
 بهائی افندی منجم باشی و ساطتیه مراد پاشا ایلر محبت اوزن اولوب بیدلر نلر نهائی معامله  
 و داد صفت ایتکله انلری سوق ایدوب حال این العالم فاضل هم وجود شریف مأمون



مأمون الغانله کسند در جمله دن مناسبه زدیمکله ماه رجیک سکرنجی انیش کونیه ای افندی  
 اچرود دعوت اولنوب پادشاه حضرت ناری بالذات مبارک اللریله خط هما یون یازوب منصب  
 فتوای توجیه یوردیلر عبد الرحیم افندی معزول اولوب بکرمی قدر چاوش ایله قوچی به  
 قونوب طوچی لر قریبه اوغلنک چفتلکند کوندرلدی وعقبجه حج شریفه کتمکله اجازت  
 امری دخی ارسال اولندی مورخ شیخ ارح الماز زاده عبد الرحیم افندی نیک مثالین یازوب قدحی  
 و ذمی باشه خیمیل تطویل کلام ایتمشدر بو محله تحریری نامنا سب اولغله حذف اولمشدر  
 خلاصه سی بویکه طبیعتی بر مقدار غلطت و فطاطت اون اولوب مخادیم و طرفایه مواسات  
 و مدارا بیلر و حسن مدافعه به انعام نفس ایتیوب خاطر شکند کد دقیقه فوت  
 ایتزدی و ادعای فضل و صلاح ایله کنار لر دن کلان اهل علمه یوزور میوب استحقاق  
 و سوم طریقه استعداد دن زیاده رغبت ایدردی و مخدوملری غلطه قاضیسی محمد چلی  
 مراسم عامیانه ایله احتشامه مائل و تمس سکسن آت و اوتوز قرق نو جوان خدمتکار  
 صاحبی ذات شریف اولغین حسودلری تعرض و مذمت و غیبت ایدوب کا هیجه قوچی ایله  
 مظنن توابعی ایله چفتلکند کتدیکله سلطان محمد پکیوردیه حرف اندازلق ایدوب اوغلنه  
 ابو قدر فرصت و بر ملک معقولیدر دیریدر لینه طعن ایدر لدی جمله دن زیاده سلطان  
 ابراهیم خانک خلعه و ولی نعمتی ایکن قتلنه سبب مستقل اولدی دیه طعن و دخل ایتمشدر  
 واعداسی عزلتی استماع ایتد کد ذال البقیض دیه مسرور اولدیله چون بهایی افندی  
 صدر فتواده متمکن اولدی شامدن معزول شیخ زاده افندی یی فتوی امینی تعیین  
 ایتدیله اما به خصوص توجه مصالح الدین و بکنش و سایر اوجاق اغاری معرفتیه اولوب  
 عزل مفتیدن خبیر اولد قلند استشار و انکسار عظیم چکوب سلطان محمد واعظی  
 شیخ ولی کذا غارک استشاری اولغله ولی اغادر لدی انکله بریره کلوب سرا وضرا ده  
 یار غار مزاولان عبد الرحیم افندی یی عزل ایتمکله سبب ندر و زمله مشورت ایتمکسرن  
 یوامر خطیره جرأت ایتمکدن وزیرک بزه ده سوء قصدی اولی وارد در بوسرا مشورت  
 ایتدکاری شیوع بولدی و بواشاده بعض استشار شیخ الاسلام زاده محمد چلی به یاشوب  
 بعض مصالح تحتند و یردکاری اچیه یی استیوب و بوماه رجیکه استانبول قاضیسی صنعی  
 زاده افندی حضور ند مرا فعه به فرمان اولغله دعوا این دکلیوب محمد و ملک الدینی  
 اچیه لری اعجابنهر د اچون حکم ایتد کد مخدوم اغاز اضطراب ایدوب افندی بونه اصل  
 حکمدر دیدی صنعی زاده جواب و یروب بهی چلی بوسنک بلد و کلک مسئله دکدر وار شو  
 مسلمانلرک حقارینی و یر دیو تحمیل یوزندن طعن ایتد کد مفتی زاده قهر لنوب محمد الله  
 او قود غمز به یتر هله مابوناق ایله مشهور دکدر دیو قاضی به سرزنش ایلدی قاضی غضبه  
 کلوب چلی مابونلر کند و عینی خلقه اسناد و اقترایله نبری اظهار ایتدک اوله کلشدر مابون  
 اودر که بکرمی اوتوز زبردست دلیر اوغلان بسلیه دیوب غضبندن پاشا به واروب  
 محمد و ملک خارج از ادب وضعی عرض و شکایت ایلدی وزیر تهو ایدوب بیری عبد الرحیم  
 افندی یی و مخدومنی و چوقه داری مشهور مصطفی یی طویل محرمک قلیو سه قویوب

مکه قاضیسی منقاری زاده به رفا قتیله حج شریفه ارسال اولندیلر جبک نصفه  
 عصمتی افندی غلطه قاضیسی اولدی مقتولی کورچی نی و اتبا عش کورچی نی خاسرا  
 اسکدر دن کیر و ولایتی سمتنه کیدوب جمعیتی محل اولد قلند قاطرچی اوغلی بچون  
 وارمشیکن جبک ایتنوب کیر و دوندک دیوانکله مناقشه و مفارقت ایدوب شوکت تام ایله  
 ییلاقه چکیلوب قطع طریقه مشغول اولوب مدرنی قریبه اطه نام قصبه به قصد ایتد کد  
 اول قصبه نیک اترک بی ادر اکی مال و منال لرین و اهل و عیال لرین قلعه مثال برقله ایچنه  
 قویوب بی محافظه مجرد متانت بناسنه اعتماد ابر اغوب کند و لر طاغعه التجا ایتد کلرنه  
 اول خرامزاده ایکوز مقداری استقیا ایله کلوب قصبه یی او روب کتخد ایرین قتل  
 و اوغلانی مجروح ایدوب قاجر و ب قتل و غارت و احراق و خسارت ایدوب و بی مدافع  
 قلعه یی دلوب اموالی استقیایه بخش ایدوب ایکوز مقداری عورتلری لونداته توزیع  
 ایدوب بخش عظیم ارنکبند نصیره ایکی حسنا قزلری تراش ایدوب هیئت خلاصه آتاره  
 بندر و بینه سکوت طاغنه کیدوب بو شناعتی شیوع بولدی و کورچی نی جبکله ییله اولوب  
 وافر آدم قتل ایان حرم هایوندن چقمه قز از احمد معرکه ده بر مقدار مجروح اولمشیدی  
 آتشهرده گرفتار اولوب قید و بند ایله آستانه به کتورلد کد پارمق قیویه صلب اولنوب  
 برادری دخی ییله اولغله سپاهی زمره سندن اولدوغی اچون یری پا لنوب کیجه ایله  
 زندانه بولدی چون کورچی نی و ییله اولان متعین استقیانک حقارندن کلنک اچون  
 حکام مالکله اوامر علیه کوندرلشیدی جمله دن مقدم قیو شهری بیکی اسحق بیگ  
 جست دیره توب قره بیکار قریب اوزرینه واروب غافل ایکن باصوب اوق ایله براز جبک  
 ایتد کدن صکره هجوم ایدوب باشتی کسدیلر و تقرب اچون مزبور اسحق بیگ کله یی  
 در دولت کتور و ب بر منصب امید ند اولدی چندان مقبوله کچمه مکه مأمولندن  
 نا امید اولوب تصودن زیاده ایلدی و جیهی دیر که میر مذکور خدمتی مقابله سندن قرمان  
 ایالی و یرلدی دیو یازار اول شعبان کورچی نینک کله سی کلوب باب هماینه القا اولندی  
 شها ذت قیودان و ینق احمد پاشا در کیرید بوندن اقدام مشار الیه احمد پاشا دونما ایله  
 فوجه لیا ندک کفار ایله چنکدن صکره جزا روتونس و طرابلس سفینه لری و مصر دن  
 نول ایله طو تیلان بوز تیلر ایله بریره کلوب مجموعی قندیه التنه وارد قلند قیودان پاشا  
 کیلری کنار یناشدر میوب دریا طرفندن و سایر عسکر قره دن اتفاق ایله قندیه  
 قلعه سه قوشلق و سایر بوله قریب اولان بالوق سرونام قلعه فتحه توجه ایدوب  
 وارد قلند رجیک بشخی کونی بعون الله تعالی فخی میسر اولوب حسین پاشا کیر و مکانه  
 عودت ایتد کدن صکره قیودان طوب و امید اطلب اولند قلند بزد ریا به مأمور زرم  
 مهماترا بحق بزه فا ایدردیم مساعده ایتدیکدن سردار غازی مغیر اولوب زیر مقدم  
 سردار حسین پاشا عرض و محضر ایله دزدولته آدم لر کورند مش ایدی اول آدم لر کیرید  
 واروب وزیر سابق محمد پاشانک مکتوبه یازیلان تسلیتاره مغیر اغزدن خبر و یروب دو تها  
 نه مشکل چقن و غن سوبلکله اعیان عسکر سردار یانه جمع اولوب سفره تعیین اولنان امرا



و بکار بیکار تکرار بر طریق ایله افواج آغا لینه مراجعت لیدوب قانقد قلین و لغیجی ارسال  
اولمیبوش بیک بکچری دفتری کوندریایوب موجودری انجق ایکی بیک اولوب قندیه  
محاصره سنه بکچری اغاسی والئی یاوک خلقی و جمله عسکر کلوب زملا متفقاً متریس  
کیریلورایسه بزدخی بذل مقدر اید و زدیو عرض اولمش ایدی شمدی ایسه بر مقدر  
خدمتکار و حیه لور ایتر انجق کادی بو خدمت بونلر ایله حاصل اولمزدیو عظیم فریاد ایتد ک  
سردار باوقار تکرار استمات و یروب ما بینکرده اولان گفتگو نك اصلی یوقدر وزیر اعظم  
مستوفی عسکر و اخجی کوندریایوب دو نیا عسکری کیلردن چیقوب زملا متریس  
کیرلر صبر ایدرک دیودفع مجلس ایتشید یواشاده قیودان پاشا مخالفت لیدوب و متریس  
کیرمک دکل طوب و امداد یله و یرمیوب بزدریایه مأمور زدید یکندن سردار د لکیر اولوب  
ع و ما عسکر اسلامه تغیر خاطر و وهن طاری اولمشیدی یواشاده روی دزیاده ده کفار کیرلری  
کور نکل قیودان پاشا دو نیا ایله اوزرینه واروب برازطو یلشدن قدن صکره ایریلوب  
رتویه کندی انا دخی قیودان پاشا دن امداد طلب اولند قندینه مقید اولمیبوش بونده  
عسکر و مهات لازمدر دیوب بایسه کند و یرایش کورمک و نام کند بیک اولق سودا سیله  
جزیره ده اولنلر امداد و یرمیوب رعونت ایلدی تکرار قانقوب حانیه یه واروب بعض کیرلر  
صواتیکله قنقاته مباشرت اولنوب اولمزلر قرق اللی قدر قایقاره لوند یازوب کند و قردن  
اماسیه بکی احمد پاشا نك یانه کلوب سوده قلعه سنی قایقار ایله تسخیر تصورند اولوب  
قره جانبندن بزدنلر تدارک و قلعه یه چقمق اوزن متهورانه هجوم ایتدی قضا ایله قنعه دن  
برطوب کلوب قیودان پاشا نك باشی ککو توروب شهید ایلدی سردار خبردار اولد ق  
بر قیودان لازم اولغین بیکلی مصطفی پاشایه امر ایدوب اول ساعت حانیه یه کوندردی  
وقیودانلق مزبون توجیه بیورلق ایچون دردولته عرض ایلدی تفصیل مورخ دیرکه وزارتله  
قیودان اولان شهید مشاور الیه هزار غرادی احمد پاشاکه وینق لقبیله شهرت شعارد  
فوجه وقعه سنندن صکره از میرده اجر تله طو تیلان انگلیز قلیونلری و سائر دونیا کیرلری  
ایله کریه وارد قده کافک دونمسی دریایه آچیلوب نابید اولدی دونمسی همایون  
سوده ساحلنه قریب کلد کیرلر سردار پاشایه که بنوب قندیه لیانده یتان کفار قلیونلریته  
قرشو کلد کیرلر حسین پاشا البته واروب جنگ اید لم دیوار ایدوب باشدرده یه اوقار  
اتدی هر چند که قیودان پاشا اکاسن قراسردار یسن چیق امور دیریازه مفوضدر شمدی  
جنگ محل دکلر دید کیرلر اسلیوب باشدرده یه بیز تنبیه ایدردی هله بر مقدر ایلرو  
واریلوب جنگ ایتدیلر لکن قلیون جنگنه طاقت کتورله مکه یناشوب ید کدن طشره  
چقدی کفار قلیونلری دخی قرشو اطیه واروب که لیانلری انده دریانلر ایز ته سی  
دریایه آچیلان کفار دونمسی ظاهر اولوب اطیه ده یتان دونماری دخی انلره قاریشوب  
اول محل قیودان پاشا دخی مقابله ایچون دریایه آچیلوب کیرلر ساحلنه انجق طومان  
و علو کورینوردی مقابله و جنگ عظیم اولوب از میردن طو تیلان انگلیز قلیونلرینک  
قیودانی قیودان پاشایه صندل ایله کلوب سز همان بزه دمپ اراولک بزدنلر ایله کورک

نجه جنگ اید و زدیو ایلرو واروب کیرکی جنگ ایتدیلر کفار جان سنه اولان انگلیز  
کیرلری سوده ساحلنه یاتوب جنگه قرشیموب سیرنجی اولدیلر اخر دونمسی همایون قلیون  
جنگنک صعوبتن کوروب کیره حانیه جانیه چکلدیلر انگلیز لور دخی جنگ عظیم نصکره ناچار  
کیره چیقوب بچون بزی براقدی کیرلر و یردی کیرلر طقوز بیک غروشی الک بزدخی طور مارز  
دیو قیودانلری کمدین بزه واروب تحاذل ایتدیلر بزی طابید قاری صورتلر کیرلر قلیونلرینک  
ضرب طو بدن قردلر نجه چاک چالوب اعلام لیدرلدی کیرلر کفار دخی آیین باطللری اوزن  
کاه ایتد کدیو توبه لایدوب ینه طوب آورد قاری ایچون انگلیز قیودانی زیاده متاثر اولوب  
انک ایچون تحاذل ایتدیلر جزایر کیرلرین صاری قوشاق نام سفینه و یردی انگلیز اقد رمه سی  
ایکیسی کدلک ایلر و چیقوب جنگ عظیم ایدوب دلاورلک کویستوب بالا خره دوند کیرلر  
صاری قوشاق سالما کنان یناشوب عقبه دوشن کفار ایرشیدیلر اقد رمه دخی ساحله  
پاشدن قره ایدوب اگر چه یناشدی اما کفار عقبندن ایریشوب ضرب طوب ایله تالان  
ایدوب آخر ایچنده بریکیت که بر مقدر مالی و ارایش کافره قلمسون دیو باروت خزینه سنه  
آتش و یروب اقد رمه محترق اولدی بوند نصکره سوده قرینده ساحلنه دیه اشدن بالستره  
نام قلعه یه قیودان پاشا هجوم ایدوب طو یلر واروب حسین پاشا دخی قره دن حواله اولوب  
زبون ایتد کیرلر و یره بیراخی دیکوب کفار دروازه اردنه قود قاری طاشلری قالدوب قیوینی  
آچمهغه مسغول ایکن بکچری و روم ایلی عسکری توقف ایتیموب قانجه ایله آشوب اچرو  
کیروب سکر یوز مقداری کافری قتل عام ایدوب دزدارلرین اسیر ایتدیلر سوده کفاری بو حال  
کوروب مسلمانلر غدر ایدرلر ایش دیو زیاده تدارک کوروب تحصن ایتدیلر بالستره ضبط و فتح  
اولند قدن صکره قیودان پاشا سوده قلعه سنی قوشادوب اشاء محاصره طوب ایله شهید  
اولوب فتحی میسر اولدی قننه عسکر در جزیره کیرلر و روم ایلی بکیرلر بیکسی سورنازن مصطفی  
پاشا قهرمان سردار حسین پاشا نك تحت ید حکمنده اولقدن متعجب اولوب نهانی  
سردارلق تحصیل فکرند اولغین سکبان باشی محمد آغا ایله متفقاً دائماً ایفاظ قننه یه سی  
وسردار کامکان محاون اوزن ایدیلر زیرامشار الیه مصطفی پاشا روم ایلی بکیرلر بیکسی اولوب  
کریه وارد قده البته ایاتم دفتر خانه سی بکاتسایم اولق لازمدر لیا اتمه دوشن محولاتی  
بن توجیه ایدرم دیوب کندونی چراغ ایدن وزیر اعظم صوفی محمد پاشایه اسناد ایله  
بومقوله اوضاع خام ایتد کیرلر حسین پاشا بن سردار م محولات و توجیهات بکا مفوضدر  
سنک علاقک ندر ادبکله اوتوردیوب دفتر خانه صورتن و یرمیوب بوسیدن ارالینه  
مشقاق دوشمش ایدی حسین پاشا قهرمان زورکار اولوب سورنازن پاشا آشکان خالفتنه  
آهنک ایدرم دیکدن خفیه حیل و نفاقه شروع ایدوب دوشن محولاتی صائار مستحقنه  
و یرمز دیو عسکری طائفه سنی دائماً افساده سی ایدردی چون قیودان پاشا نك شهادتی  
خبر یله قیودانلق بیکلی مصطفی پاشایه اولق اوزن سردارک عرضی دردولته کلوب مقرر  
نامه سیله بیکلی مصطفی پاشایه قیودانلق امری صدر اعظم اغالردن بری ایله کوندرلدی  
وصولند دیوان اولوب اعیان عسکر محضرند قرأت و مضمونه بوسنه دونمک مکمل



گوند رلشد ر قندیه تسخير ينه سعي واقدام ايند سزديد و تهر مج اولنگله حضار مجلس  
 بر او غوردن جواب و پديدار كه دو نما ايله بزه نقد ر جديد عسكرو مهمات كلدي آستانه يه  
 دفعه اته عرض ايندك مادامكه بزه عسكرو جبه خانه وانغمي كلييه بزدن درمان يوقدر بر طريقله  
 مبر سه كيره مرز دو نما بزه عسكرو كتون مد يكنندن ماعد ا كفا ر ايله جنكه بزدن عسكرو  
 اولوب كوتوردى ديد يار سورنازن پاشا و سكيان باشي محمود اغا عسكرو يك يوز مرتبه خارج از ادب  
 اوضاع و حر كاتنى كوروب ايضا فتنه يه فرصت بولد يار و حسين پاشا نك اچرو قند يه يه  
 كيد رسا طرن طوتدق سردار ك كفا ر ايله كير لوسوزي وارد ديدو لشكره آوازه برا غوب پكچرى  
 و روم ايلي عسكرو تحريك ايند بلر ايرتسى ر جيگ پكرنى ايكني كچه سى اور دوى همايون  
 استقياسى غلوايدوب ايند اسكيان باشي قپوسنه واروب صورت معامله طاشليوب  
 پناه سردار سرانته هجوم ايند يار مراد پكرنه ايسه يار ين كورلسون بي وقت جمعيتي كيدرك  
 ديونصيحيت اولند قند د كليوب سردار ك سرانته آتش اوروب كند و بي دنى قتل ايجون اچرو  
 هجوم ايند كار نده سردار دنى خدامنه اورك ديوادن و يروب مقابله و دفع حائل ايند يار اچ  
 او غللى اوق و تفه كله و افر يكچرى و تيمار سپاهيسى قتل ايدوب بالذات پاشايه قصد  
 ايند پكچر يار دن برينى سردار امو زدن قلعج ايله شويله محرف چالديكه بر امو زدن پكوب  
 جانب آخره او يلو غنه اينجه اير تانوب ايكي يار ايند حقا كه بوضرب حيرت افزا ي ايله پهلوان  
 جهان ايد و كي مشاهد عتيرو كير اولدى يوقدر جنك كرده جبه وجوشن كيوب و هرو قعه ده  
 باشندن مقدم دستار ين انوب و مار قوديد كلري خنزير پيل ند اى شمشير و دپوس و سلاحه  
 ال صوغدين قفاسنه بر مشق قهر مانى ضرب ايله آتمدن ييقوب بنده چكد كار ندن اعجب  
 و اغرب بوفتنه متما ده اختفائي معقول كوروب پياده بر طرفدن چيقوب روم ايلي كند اسنك  
 و ثاقده تحققي اولدى سائر عسكرو دنى بوغو غايي ايشيدوب كفار چيقدي ملاحظه سيله  
 پاشا سراني جانبته اولوب جمع انلرك دنى ار اذل و استقياسى بو شقياره منضم اولمخله كروه  
 عظيمه اولوب پاشا نك اموال و ارزاقنى بغما ايند بلر مر كده پاشا نك بر قاج او غلانى مقتول  
 و بر قاجي مجروح اولوب و تازه بيللو اولنلرين ار اذل عسكرو بر ايكيشر الوب كوتورد بلر و اموال  
 و اشيا سنيك غارت اولانى اولوب ماعد اسنى سر اى ايله احراق بالنار ايند يار نندن پاشا نك  
 كند اسنى ولى اغا نك و رئيس الكتاب و كيلى پاشا زاده نك و سائر توابع و لواحقينك منر للرين  
 يغما و اموال و اشيا لرين تالان ايند يار يكچرى و سائر عسكرو زميره سندن اولان بي ادب بويله  
 بر غازى و مجاهد وزيرك بو غجه خزينه و اشيا سنى و غلمان و جوارى سنى يغماليوب فسق و فجور  
 خصوصه نك قصور قومد يار بو جمعيتنه كه برا يكي مفسد و منافق بيله سپه سالار عرضنى  
 بويله هتاك ايدوب بلكه ناموس دولتي بر باد ايد و كلسار در بعه سكيان باشي محمود عالمك هرج  
 و مرجن كوروب ايند پكي فساد ه نادم اولوب نائرة فتنه نك دفعنه سعي ايتمهك پاشليوب  
 سرنازن دنى سردار لاق خيالندن پكوب ايرتسى بشر اوز آدم ايله سردار اكرم اولدوغنى حمله  
 كلدي و سائر بلكر و پاشا لردنى كلوب جمع اولد يار و سكيان باشي ديد كلري فتنه انكيز پاشا  
 طرفندن بر قاج بلكر بكيلا ر ايله صلح صورتند طاشره عسكرو چيقوب يولد اشتر مراد يكر ندر

دشمن ايجنده عرض دولتي پاياملى ايند سزديد كه جمله سى بر او غوردن بزم شمدن صكره  
 طور مغه در مانغز يوقدر البته شمدى همان قالقوب كيدم لم ديوفرياد ايند يار مسلمانلر بوانه دك  
 چكيلان زحمت و مشقت هبا اولور و قبضه تسخير دكيزن مملكتلرده كافره و بريالوب يوقدر  
 جبه خانه و طوپلر نجه اولور ديو وقت عصره دك جمعيت طوروب دفعه اته مصاحبون واروب  
 كلوب بالاخره جبه خانه و طوپلر رتمو قلعه سنه نقل اولنوب روز قاسمه دك بلكر زدن يه زياده  
 او تور مغه قادر دكلر ديو جواب و پديدار و اچلر نده معقول كورد كلري كسنيه يي بو خبر ايله  
 آستانه يه كوند روب واروب كلجه دو نما كسنيه راضى اولور ميسزديد كلر نده روز قاسمه دكن  
 مهل و بريالوب هزار مجادله د نصكره بوقول اوزن قرار و بريالوب دفع مجلس اولندى محرك فتنه  
 سكيان باشي دنى محسب الضر و ن تسكينه پالشوب يولد اشتر بو جمعيتي كيدرك روز قاسمه  
 سزى استانبوله كوند ر مكه بن دنى تهديد ايند ر الم چكمك ديه رك هرنه حال ايسه خلقى تسكين  
 ايند يار بوقول و قرارى اوردى قاضيسى سجنل و تحت ايدوب عسكرو طرفندن چتال باش يلك  
 ايله پر زين آلاي بكينى آستانه يه كوند ر يار چون عسكرو ايله سردار پاشا نك مابدين اصلاحه  
 يوز طوتدى تفحص ايدوب جوارى و غلما ننى بولد روب سينه و كردنلر نده اثار مص و تقميل  
 ايله پاشايه تسليم ايند يار عهد سابق اوزن مطمئن خاطر اولد قد نصكره پاشا طشره  
 چيقوب جمله لشكرى دعوت ايدوب اول وزير غيور باوجود كمال جمعيت و شجاعت  
 تغلب و سفها تختنه مقهور اولد و غندن زياده مته اثر اولوب رفع صوت ايله بكا ايدوب  
 بره الله بدن حيا ايتمز لر عرض دولت و ناموس وزارتك حرمت و زعائين بلر لر بو ايند يكر ندى  
 ادبلك ندر بن پادشاه اسلامك و كيلى و وزيرى و جمله كرك سردارى و مشيرى دكليم بنم  
 جرم و قصورم ندر كه بواذيت و حقارت مسحق اولدم كافره شاطر كوندردى ديمش سنى  
 طوتيلان شاطرى كتر ك كور يم يوقدر زماندر دين مدين او غرينه مال و جانله سعي  
 و خدمت ايتشرامكدار وزير ايكن بويله فيج تهمتي بكا نجه اسناد و افاضلر سز الله بدن  
 قور قزميسز اعداى ديشه قارشو عرضى پايام ايند بكنر مخالف دين اولان ملتوردن  
 بر زميره سردار و ضابطلرينه پورسمه اهانت ايند كلري هيچ مسموعيد ر جمله مالى غارت ايدوب  
 يته بندن علوفه استر سز بونه كونه انصاف سزلق و ادب سز لندر ديه زارى زارى اغلدى  
 خيمر مايه فساد اولان سكيان باشي محمود و خامت عاقبتدن خوف ايدوب پاشا نك قلبنى جبر  
 و تفاق مهمتى ستر ايجون قالقوب ايا غنه دوشوب دوله او وزير عسكرو طائفه سى كند ين  
 بلر لر بر آلاي دلوقا ن و قوللر كدر بلر نكله ايند كلري قبا حتلر ندن جمله سى شرمسار اولوب  
 عفو و لطف كترى رجا ايند لر بوقوله كست خاقلرى سلفه و زرايه بلكه ملوكه دنى اوله كلديكي  
 معلوم دوله كتر در عفو ايدك بعد اليوم امر يكر ندن خارج حركت ايتيوب جمله سى او غريكر ده  
 جان و پاشا لرين فد ايله جكربنه بن متكلم ديوايغنى او يوب عظيم نياز ايله سردارى خوش  
 خاطر ايندى و يكچرى پاشايه معاون اولق اوزن تهديد ايند يار بو جهله فتنه مندفع اولوب  
 اول كون يكدى ايرتسى كون بعض فتنه انكيز لر روم ايلي عسكرو تحريك ايدوب پكچرى  
 سردار ايله متحد اولوب جرم و مهمتى سرك اوزر يكر نه يقد يار ديوايغه قالد يروب پكچر نك







بوقلعه كك كغوى دكلرد ديو سمر دار عرض لايدي آستانه ده ايسه اوجاق اغا ليك تعين و تصليطي  
 حددن متجاوز اولوب تعين اولنسه لركر يك كتمكدن امتناع وعدم انقياد لري نمايان اولمغي  
 انجق كور حسين اغايه سكيان با شيلق و يريوب كير و كيريه مامورايتديلر عسكر متر سندن  
 جان و باشله چالشور كن بر كچه الله برنجي جماعتك جمله نفرى واللى اوجاك نصفي والتبني واؤن  
 دوردنجي جماعتلري مقدمانده اولمغله اون طقوز و او توز سكر ك نفرى جمله كيدوب و قرق  
 برنجينك دنجي بر مقداري فرار ايدوب يدي سكر او طه نك ياكتر چور باجيلري قالوب سائر  
 عسكر ده فتور كلكين خد متدن صفوديلر زير الحاصره و جنگ اثنا سندن متر سدن عسكر  
 چيقاروب قالد رمق باعث اختلال و سوء تدبير ايدى سزدار پاشا هر چند رضا و يرميوب  
 شمدى متر سدن ييك بشيموز آدمي چيقاروب آستانه يه كوند رملك خطا در ماعداسى دنجي  
 كتمكه راغب و جسته جسته فرار ايدر لر ايش معطل اولورديه كوردى مفيد اولدى كور  
 حسين اغا فرمان ايله مامور اولمغي اولمقدار بكيچرى چيقار مشدى سائر لينه دنجي  
 باعث كلال اولوب قاچمغه باشلديلر بوند نصكره ينه اون دورت او طه قالد ريدوب  
 عسكره ياس تام كلكه كند بجه خدمتده نكاسل كوستر اولديلر غراي سندن كه مرقوم كور  
 حسين اغا كيريه واروب بوقدر بكيچرى او طه لرين متر سدن چيقاروب كانه كريد احوالنه  
 مطلع اولوب كلكده سردار پاشا كند و سنده مامولى مرتبه رعايت و اكرام ايتديكندن  
 دلكير اولوب آستانه ده عليه نه متعلق سوزلر سويلدى وزير اعظم مراد پاشا و سائر اوجاق  
 خلقى متعينلري دنجي حسين پاشا نك اشتها و نامدار لغنى هضم ايتيمه ب از الله سنده برهانه  
 ترقينده اولد قلمدن كور حسين اغا نك لغوينه وجود و يروب وزير اعظم كريدده اولان اعيان  
 عسكر ك يعضيه سنده خفيه مكتوب كوندروب حسين پاشا عسكره جور و جفا ايدوب  
 دوشن زعامت و يمارى مستحقينه و يرميوب قلعه نك فتحى يابند نكاسل و اعمال ايدر مش  
 و عسكر ك اوضاع ناهموارى انك سو تدبير نندد ريرا كرواق ايسه حجت و سبيل ايليوب  
 كوندن سز ديو سپارش ايلش بود سيسي يه حسين پاشا واقف اولوب بود كلوبدل  
 مقدور د نصكره خدمت يابند يكدن الم چكوب بكيچرى اعيان و وروم ايلي و اناطولى  
 و سائر ايلتراك امر او بكار بكيلى و اختيار لرنى دعوت ايدوب ذكر اولمان احوالى جمله سنده  
 تقرير و تفهيم نصكره بجه اختصار لر و غرايه لدا شلري نم سعى و خدمتده قصورم  
 و نا مستحقه درلك توحيمه ايتديكم و ايسه سويلك كلام حق نه ايسه درين ايتك دنيا  
 و اخر نه سز دن حق شهادتى استرم ديدك جمله سى براغردن جواب و يريديركه نرم  
 بوجز يره ده اوج دورت سنده دن برو مكنم سزك كوروب كوز تكمز ايله دروا لايمقوله بر قلعه  
 عظيمه محاصره سنده ايكي اوج سنده ياز و قيش او توروب على التوالى جنگ و قتاله تحمل  
 نه نمكند ريز سز دن هروجه له خشنود زدن قدر رنجيده لكر يوقدر دوشن محمولات سيفى  
 شهباز لره و يروب نا مستحقه و يريديركه قلعه خصو صنده اصلا تقصيرات ايلد بكر  
 ارامزده ظهور ايدن تا شايسته وضع دورت سنده دن برو آلام و شدايد محاصره و قتال دن  
 نصيرت كلوب بچاق كوكه طياروب تحملدن قالمغله و يريديركه كغوى اولمغله من بعد

طور مغه طاقت قالد يني اجلدن ظهور ايلشدر مقدم احوال عرض و محضر اولنوب  
 كوند رملشيدى و حال اينه حقيقت حال نه ايسه تكرر عرض و محضر اولنوب كوند رزديو  
 طاغديلر سزدار دنجي ايلتاردن و اوجاق خلقندن باشقه باشقه محضر و موحينه حجت  
 ايتديروب آستانه يه كوند ردى وصول بولد قده احباب دولت ناچار سكوت ايتديلر والا  
 سو قصد مقرر ايدى احوال آستانه ماه شعبانك التبحي كوفى دفتر دار كوسه اسمعيل پاشا  
 معزول اولوب منجم باشى حسين افندى سوقيله مزار پان احمد پاشا برادري ابراهيم اغا  
 دفتر دار اولدى و رمضانك سكر نند مصر دن معزول امير پاشا حبس و مصادف اولندى  
 و اون اوچنجى كوفى اسمعيل پاشا خاصر ايله قبه نشين اولدى كذلك باب السعاده  
 اغاسى عبدالرحمن اغا وزارتله طشره چيقوب قبه نشين اولدى اون سكر نند سلطان  
 مراد قزى قيا سلطان حيدر اغا زاده محمد پاشا يه تزويج اولنوب دفتر دار ابراهيم پاشا  
 صاغديچ اولدى يكرمى بشند دفتر دار لقدن معزول قبه نشين اسمعيل پاشا نك بعض  
 عمل و حركتى طوبى اغله برسونسكى يه قونيلوب بوزجه اطه محافظه سى ناميله نقي اولندى و زو  
 اعظم شيخ الاسلام بهاي افندى يه سلسله يه متعلق بعض امور تكليف ايدوب منلا  
 ابا ايتمك مابينده نوع شكر اب حدود ايدوب وزير اعظمك همراز و مستشارى منجم  
 باشى و عداق زاده محمد اغا و طامد افندى و بعض كسسه لرى مراتب والا يه تقديم تكليفن  
 ايدوب و والد اغاسى طواشى حسين اغا بوستنجيلىر خواجه سى اشك حسيني موصله  
 مدرسه سنده كتورمكه اقدام ايدوب كد قوصره ديمكه ملقبدر منلا ممانعت ايدوب  
 بو طريق ايله مقرران و وزير دنجي منلايه كران خاطر اولديلر صدر روم عزيز افندى  
 ايسه فتوايه طالب اولوب كاملا قاضيه عسكر ايتكن و يريديكى منصبلى مكاره در تكرار  
 و يرسون ديويلدروب و وروم ايلي قضاتن پاشايه چيقاروب انواع حيله يه مشغول اولوب  
 يو اسبابه مراجعتده قصور ايتيموب از قالمشيد يكه بهاي افندى يي دفع ايدوب صدر  
 فتوايه يكه صدر اعظم اكر چه خاطر مانده ايدى لکن ايكي آيدى بر شيخ الاسلام تبديل  
 شتاعتندن اعراض ييوروب عزيز افندى يه غيرى مسبوق المثل اولمشرف قى پايه سنده  
 قرار و يريوب وزير كند و يه ديركه افندى بو خصوص بركره مصاحبتد رز ايتمز نهايت مانع  
 اولميه لم وار خط هماين ايله آل ايجرو و الله اغاسى طواشى حسين اغايه لسافا خبر كوند ركه وروم  
 ايلي افنديسى ياد شاهدن پايه رجالييدكده حصونه مانع اولميه سزنى الحقيقه بو طريق ايله  
 عزيز افندى يه پايه فتوى اولوب برسند يه دك صدر روم تقريرى وقوع بولديكه اولزمان  
 اول مايجد ندر پايه امرى كلكده صدر اعظم تبديل شكل ايله كلوب تهيت ايدوب جميع  
 اعيان و علماء اوزن تهيت ايتديلر عزيز افندى تهنيه يه وارانلر هم قضاه هم موالى  
 و مدرسین احواليله تقيد ايدوب طرفينه خدمت ايجون راى و اختيار اولندى ديوانه دار  
 و مباحات ايدردى عزيز عالمه اوله مبارك پايه فتوى مصر اعنى جورى چلبى تاريخ ديمشدر حق  
 بودر كه تاريخ غرادر سلسله شعبانك نصفند و او زون حسن حليه عبد الله چلبى  
 يكي شهره مورخ شارح المنار زاده پرويز افندى مدرسه سنده محمود زاده عثمان چلبى والد دن



سلائیکه و مکاریدن معدودا و دجولاق حسن ملغوده قصاب محمود مد و سه سنه اولدی یار  
ور مضانک بشنده نعمان محمدن قیصریه قاضیسی اولوب مکّه پایه سیله اعزاز اولندی برینه  
بیوک حسام زاده محنه واروب حامد حضوریه به ملک جزری قاسم پاشایه اولدی یار  
عاشق مضانه والد اغامی طواشی حسین اغا که جمیع امور مسلط و نافذ الشفاعه ایدی  
فوت اولدی پاشاده مغربله بخارجی ظهور ایدوب شهر تونسسه لشکر عرب ایله قصد  
ایتدوکی خبری کلکینی دونمای همایه ندن تونس کیلری مفارقت و کریدن ولایتلرینه کتدیلر  
وقعه غریبه رمضان شریفک اون بشی اربعا کونی وزیر اعظم عرضه کیردکله قاضیه عسکر  
هنر زافندی همان وزیرک عقبه سائر وزیریه تقدم ایدوب کیدرکن کنعان پاشا اموزلیوب  
افندی قاضیه عسکر ایشک اشاغی اناطولی افندی سنک یاتنه وارپوق اگر مفتی ایشک بوند  
ایشک ندر بزوزارت رتبه سن اله کتور نجه نجه کیره کله مزاور تابه قویوب مهله که لرحور مشر  
پوسنک ایتدی که ندر دیوب اموزی ایله کیر و سوروب ایلر و تقدم ایلدی عزیز افندی  
صغیر الحنه وجود ایدی کنعان پاشانک اموز قافله سندن متر لزل اولوب کنعان پاشا  
ایلر و یکدی سائر وزرا دخی بوضعی کوروب انلر دخی اموزلیوب جمله ایلر و تقدم ایدوب  
هنر زافندی حرکت قسری ایله تاناطولی افندی سنک یاتنه کاوب قرار طوتدی بو طرفه  
حالتله ارباب دیان جمله مشیر اولدی یلر مسروق بالمثل اولیان اموری احداث و دولت علیه حائنه  
سوق معقول اولیوب نتیجه سی بیله فضاحتیه مؤدیددیلر مکرکه پادشاه عالمیناهک  
قریحه لیدن صاحب مسند فتوی اولان وجود فاضلک مختاری بذات فایق الاقران اولانه  
عنایت ملوکانه اولسه اولوقت چون و چرا قلندر کنعان پاشایه تمهاسنده بعض محرملری  
سلطانم دیدانه محمل بیوروب عزیز افندی نی تحجیل ایتسکر معقول دکلیدر زمان سابقه  
اسعد افندی امر پادشاه ایله تقدم ایتیش ایدی دید کلرند کنعان پاشا جواب ووروب اسعد  
افندی امر پادشاهی ایله تقدم ایتیش اسعد افندی کی بر مفتی بولسونلر ایغنی او په یم اما  
یونه مقوله افعال ایله مشهور در و بومراتنه کونه حیلله ایله واصل اولدوغی معلوم دکلیدر  
دید غره شو الله عید دست بوسنده کذلک عزیز افندی صدر اعظم دن صکره توجه  
ایتد کده نینه کنعان پاشا اموزلیوب تقدم ایدوب و سائر وزیر دخی تقدم ایتد و قوع بیلدی  
غریبه بروسه و مکّه قاضیلری جمع اولسه لرحسب الطریق مکّه قاضیسی تقدم ایتد قانون  
ایدوکن مکّه دن معزول اسمعیل زاده افندی شیخ الاسلام و وزیر و قاضیه عسکر لایله  
سویا شوب بیانی به تقدمه قرار ویرلکه بیانی افندی دعوت اولنماق اوزن قرار ویرلش  
ایکن بلاد دعوت فضولی دیانله واروب ایوب قاضیه سندن قطع نظر پایه سنه حکم ویر مکّه  
پاشا شد قاضی اسمعیل زاده دخی کلد که بر لرینه اطاله و مشائمه دن صکره شیخ الاسلامه خبر  
کوندرد که وزیر معرفتیه اسمعیل زاده تقدم ایتسون دیو جواب کلد که بیانی محزون  
اولوب ایدی بزکیه لم دید استیذان ایتد که جهنمه دیو جواب کلد که سلا ملیوب کتدی  
ستوالک اوچخی کونی حیدر اغا زاده محمد پاشا قیودان اولوب سکبان با شلیق ویریلان  
کوز حسین اغا ایله معا کر یار مأمور اولدی لر زیر اخیدر اغا زاده یه سلطان ویریاوب

شانی ترفیع اولندی وزیر اوله جقدر دیو ازاجیف شیو عندن وزیر اعظم مستشعر اولوب  
قیودا انقله دفع ایلدی ماه مزبورک سکرند قیودان پاشا ایکی قدرغه ایله توجه ایتدی  
و مقدامه سکر طرفندن آستانه یه کوندریلن برزین آلا ی بکیتی کیرید و واروب خط  
همایون و امر و مکتوب ابراز و قرأت اولند قلم مقدم عرض اولنان امورک جوابنه متعلق  
اصلا تعرض اولنیوب انجق قلعه فتحه مقید و عسکره لزومی قدر خر جلق و ذخیره  
ووروب متر سدن ایرلیه سزدینلش وزیر مکتوبنده چتال باش ییک ایله دورت بش ییک  
قدر عسکر کیرید امداد و ذخیره کوندریلوب ییک کیلریله بر قاج قطعه بورتون اول عسکری  
یکور مکّه کوندن سزدینلش خلاصه کلام قلعه بی تسخیره سعی و اقدام ایدلر اگر فتی  
میسراولنر سه بر قدم کیر و چکلیوب برلرند بر قرار طون لکه امداد لری بری بری آردنجه  
پنشد ریور بر شیشه ضرورت چکدر لرندینلش امر او اعیان محضرند قرأت اولند قد نصکره  
جمله سی سیماع و طاعه دیوب زیاده دقتله خندقه وار نجه کفار الییدن متجا و عظیم افعاله  
آندینندن غیری باشقه اون اوج لغم حاضر ایدوب هر کون بر فیتلندن دورت بش انغمه آتش  
ایتمکله بکچری او طه لرندن بر قاج او طه تقراتیلر و بر سنجانک دخی نصیفی قدر عسکرینی  
با صدر و ب قتی چوق آدم شهید اولغله سائر لینه دخی خوف دوستوب جمله بریره کلدیلر و پاشایه  
دیدیلر که مقدوریندن زیاده چالشوب دقت ایتدک بروجهله ظفر میسراولمیوب خبر و انقله  
چانغره کار ایتدی دخی متر سلرده طور مغه قدرت قالدی با خصوص ایام مشتاقرب اولوب  
متر سارطولا رالبته چیقارز و ارامزدن بشن بریز خر جلق بیلری کوندروب باقی قلندر ایله  
بر مقدار آلا رغده اولوب مقابله سنه بر قلعه بنا ایدوب حبه خانه و طوپلری انده قویوب  
وجدید عسکر ایله بر مقدارینرا ول بهان دک بکلیموب سائر یزدونما ایله کیدر ز د فعا تله  
احوالنری عرض ایلدک طرف سلطنتدن اصلایزه مرحمت و اجازت اولدی من بعد طور مغه  
قادر دکلر دید کارنده سردار فرمان همایونه مغایر وضعه قادر دکلر دیو جواب ووروب تکرار  
البته بزنی اخراج ایله والا روز قاسمه دک متر سده طور رسق باقی قلندرک کریده سی دخی  
تلف اولوب مصاحت کورلر دیو فریاد و ابرام ایتلریله دفعی ممکن اولیوب کندولرک ابرامیه  
چیقارلرینی سنجل و حجت ایله جمله سی متر یسندن چیقوب بشن بری خر جلقی تعیین  
اولنیوب دونما ایله کوندردلر باقی روم ایل عسکری سنه سابقه ده قشلا دوغی کوپری  
طرفندن بر قاج طوب قویوب حسین پاشا اناطولی عسکر لیه نظارتیه سمتنه طوپلرین قویوب  
دو کلدن خالی اولیوب ویر مناسب یرده بر قلعه بنا سچون طاش و کیرج احضارینه مباشرت  
ایدوب حجت و محضر لاجه حصار آلا ی بکیتی و تر حاله دن بر چری باشی الله ووروب عسکر  
ولا یلرینه واروب بر مقداردنجه لوب کلنجه بر دخی محاصره یه قادر دکلر در دیو واقع مالی در  
دولته عرض ایدوب کوندردی زیر اقلعه استوار قندی که اوکی دریا اوج طرفی خندق عمیق ایله  
محیط یمین و یساردن دریا و قره دن حراست ایچون ایکی متین تابه ایله منسد اولوب  
ویشکاهنده اولان حصار فضاده دخی بش بیوک تابه سی و ایدیکه هریری بر حصار دن  
متین ایدی یکن سنه هزار اوزار ایله ایکی بیوک تابه سی النوب حلول مشتاق تضامیه



متر شدن چقدر که کفار فرجه بولوب کبر والد قد نصکره نکرار است حکام و بزوب اولکیدن  
 زیادہ متین قلمشیدی بوسالده اون برمتین تاییه سنک بریسی نسخیر اولنوب پیشگاه حصارده  
 باقی تاییه اردن یکوب قلعه خند قنه وارمق میسر اولشیدی لغ و خیمه کثر شدن عسکر  
 مضطرب اولوب ناچارال چکدیلر شوالک سکرند روم ابل قاضی عسکری عبد العزیز افندی  
 معزل اولوب بمک زاده پینه چکدی قبه قولاق زاده بوضعدن دلکیر اولوب بمک زاده بمک تقدم  
 ایتسی قبول ایتیم دیوار تسی دیوانه و ارما مغله اونچی کون طولی زاده عبد الرحمن افندی یه  
 انطولی قاضی عسکر لکی توجیه اولندی بواشاده علوفه طلبی ایچون سپاه جمعیت ایدوب  
 اغالرین طاشلدیلر سپاه اغالری وزیر و واروب سپاهیله یزی پان لر لرباری دولتی یزی سن  
 قتل و یاغزل ایله دیو فریاد ایتدیلر کله علوفه ایچون دفتر دان تقاضا و اقدام اولنغین خزینهک  
 ضرورتی ناخیص ایدوب عوارض جمعی فرمان اولنوب غلطه واستانبول حوالیسندن  
 عوارض مالی بوجه استیججال جمع اولنوب علی خلاف العاده دفتر دان تسام و سپاه مواجبه  
 توزیع اولنق ایچون مؤکد فرمان جه باغظاع اصدار قلندی مورخ غلطه قاضیسی اولغین  
 غلطه مواجبه سیله ییک بشیوز طقسان بر خانه درمال عوارضی بش کون ایچند جمع و تسام  
 ایلد و کنی یازم شملر سائر مواضعدن دخی بوجهله عاجلا جمع و سپاهه علوفه ویردیلر ختان  
 سلطان محمد خان ماه مزبورک اون بشیخی جمعه کجه سی پادشاه جه باغظاع سلطان  
 محمد خان حضرت ئلرینک سورختانه مباشرت اولنوب هب سنت محمد جمع اولسون امتی  
 محمد اقبچه ارکان دولت سرای عامره یه دعوت اولند قدن صکره مرتبه لرجه تشریفات  
 سلطانی و عواطف خسروانی یه مظهر اولوب لیلله جمعه ده اوج شهرزاده آ زاده ایله معا  
 سنت اولوب امر طهر رختان اتمام اولندی ماه مزبورک اون یدنجی کونی قزل اغاسی جلالی  
 ابراهیم اغام صهره نفی اولنوب اسکی سرای اغاسی محمد اغا دارالسعاده اغاسی اولدی والد  
 ماجده ترخان سلطان حضرت ئلرینک باش اغاسی اوزون سلیمان اغاباش قیو اغلانی اولوب  
 سلفی اسکی سرای اغاسی اولدی بعضی یلردن منقولدرکه جلالی ابراهیم اغا پادشاه حضرت ئلرن  
 بعد الختان آغوشنه موضع ختانی طووب محافظه اوزن ایزن قضایله قان روان اولوب پادشاه  
 لایعقل اولق مرتبه سنه وارنجه تان اقوب اغانک اعداسی و یوک والد بوضو صولری  
 اغانک عمل قصور و اهاننه حمل ایدوب عزل ونفی ایتشلدرد عفو قاطرجی اوغلی ماه  
 و معنان اثنا سنه بکشمیری حوالیسنه آدن سیدی شهری نه واروب ایکی ییک غروش  
 مال امان طلب ایدوب کتخدا یری بقله مصلی رضا و میوب اما قایش بیکاری فرار یلرندن  
 جبهه جی اوغلی محمد اغا و طاغرد لیس اوغلی محمد اغا واروب بر طاع انکنده قاطرجی اوغلنه  
 بولشوب کلوب مال مرقومی تسام ایتدیلر کندن صکره حمید ایل سبحانغی متصرفی  
 طوپال محمد پاشا قاشقلو طرفندن ایکوز آدم ایله کلوب قاطرجی اوغلی باشنده مجتمع  
 یدییوز جلالی ایله محارده بولوب خرب و مصافی ایدوب ایکوز مقداری شقی قاطرجی  
 اوغلی انباغندن و واقرا دم محمد پاشا انباغندن دو مشوب بالا خره قاطرجی اوغلی انباغله  
 سیلا سنه طوغری فرار ایدوب قره جه اوزن نام قریه یه ایردکنه حمید لشکری عقبندن

ار شیکله چیقوب بر حمله ده انلری محرایه سوزوب قاشقلو بولندن حمید طوغری کندی  
 طوپال پاشا ایسه سیدی شهرینه کلوب سز قاطرجی اوغلینه مال ویردیکردیوتمت ایدوب  
 ایکی ییک غروش جریمه لرین الدی بعد قاطرجی اوغلی خوف و خشیتله کوه و دشتله آوان  
 کرمکدن بیزار اولوب چای قصبه سنه کلوب عیسی اغانک چفتلکنه قونوب البته یا کلسون  
 بنی عفو ایتدیرسن والا خاتمانی یاقوب دیار عجمه کیدرم دیسیله عیسی اغالین الاعیان بر معتبر  
 آدم ایدی استانبولده مزبورک عفو بن ترو بیچ ایدوب وزیر اعظمه سلطام مزبور برارم  
 خبیثدراوزرینه بوقدر امر او عسکر تعیین اولنوب فقرایمال و عباد الله اتعاب اولندی  
 ظفر بولنق دخی معلوم دکلدر بومقوله علم افزا شقاوت اولنلرک نجه سی اخذ اولنوب  
 جزاسی ویرلدی زمان دولتکرده هارینک جریمه عفو اولنوب سائر لرینک استیالنه سن  
 اولسون صعوبتلی خد متلرده استخدا م اولنغه لیاقتی وارد متتصح اولر سنه صکره خقندن  
 کلنک دخی اسهلدر دیدکده موجه کوریلوب صدر اعظم مراد پاشا بن مکتوب ویرمزم اما ارکان  
 دولت مکاتب کوندر سونلر دیکله مدبران دولت خصوصاً یکچری اغاسی و مخم باشی  
 حسین افندی و بوداق زاده و قره کوز و بونلر امثالی معتبران وقت و علمدان شیخ الاسلام  
 و قاضی عسکر لر و غیر یلر استیالت نامه یا زوب عیسی اغامکائی کتوروب چفتلکنده  
 قاطرجی اوغلی شاه محمد تسام ایلدکن اولدخی بسم الله دیوب یوله کیددی بندیک کلدکن  
 سردار کامکار حسین پاشا اغالردن چاتره پاتره اوغلی طوپ اتان علی اغایی استقبالنه  
 کوندر دیلر کتوروب وزیر و بولشدر دبلر کندویه بر کورک کیدریلوب قوناق  
 تعیین اولنوب بعد پادشاه حضورینه کتوروب استنه قاطرجی اوغلی دیدکاری خیزر  
 بودرخنکارم عفو رجاسیله درگاهنره یوز سورمکه کلدی دیدکده زمین یوسه اشارت  
 اولنوب یراوپدی پادشاه عالمپناه کندویه بکشمیری سنجافن احسان ایدوب خلعت  
 الباس و اون سکر آدمیسنه باوک سپاهیله ویروب آق یقالو اوغلی اول اشخاصدن  
 منصبنه منسل کوندروب کندواستانبولده بر قاجکون استراحت وکاهیمجه وزیر اعظمک  
 و سائر وزرا و اعیانک جرید انداز اغالری ایله جریده چیقاردی وزیر و جله ایمان سیر  
 ایدرلردی مزبورک آت قوللنوب جرید و مزراق اوینادوغنه حیران اولورلردی هر کیمه  
 حمله ایلنه البته جرید اوروب دکه شخص کندویه جرید اورامزدی مزبور شیخ الاسلام  
 افندی یه وقضاة عساکره واروب انشای مصاحبتله اکثر یا پادشاهک حضورینه  
 واردوغتی سوبلیوب سعادت یلور خنکاریمک غراجه غراجه کوزلرینی کوردیم کی اودم صد  
 یازدی پاشا دوش دیدی یوزم اوستنه دوشتم امه دوش دیسه همین دوشیکه طووروب  
 ییقلوردم الله خنکاریمک یاشن اوزون ایلسون دیویرا ویدم دیدی اگرچه بویه نوره باز تورک  
 ایدی لکن امور خارجیه بی اکلر و محله کور استعداده بجه جواب ویرمکی کوزل ییلور مش  
 غایت باطل واشتک ترک اولغله ذکر اولنان تعبیر ایله سوبلدیکی سوززی مورخ عینیه  
 یازمش مرحوم وزیر فاضل احمد پاشا کیرید فتنه وارد قد قاطرجی اوغلیله بر کول بر محمدن  
 کچرکن احمد پاشا کیریدک سرباند طاغیرین کوسرتوب پاشا نه کوزل بکلیه جک



طاعن در دیوب حرامی که نگاه ایند که افندم ایو طاعن در اما کاربانی اش در دیو جواب  
ویرمش ذی القعدة واسطنه دك استانبولك اكلنوب ارباب دولتك ضیافت واکرامیه  
ملتفت اولوب بعد اسكند ان كجوب مشایعه سچون روزی اغاسی تعیین اولنوب بالقوب  
منصبینه كندی وقعه یونی یاری محمد پاشا بودند اقدم قاطرجی او غلینك اخذینه  
مأمور اولان امرایه اناطولیدن معزول یونی یاری محمد پاشا سرعسكر تعیین اولنوشیكن  
خدمت عهد سندن كلكه استعدادی اولدی یغندن ماعداسر عسكر لك بهانه سیه  
رعایا فقراسن رنجیده ایدوب قضا اردن جمع امواله مشغول اولغین بر قاج دفعه فقرا  
در دولته كجوب اظهار قظلم ایشلار ایدی بناء علیه قتل ایچون خط همایون صادر اولوب  
كوپر یلی محمد پاشا تعیین و قاطرجی او غلی و بر قاج امرامعما موراولمشلار ایدی صیانت جان  
ایچون یونی یاری دخی اتباعندن وغیریدن وافر لشکر جمع ایدوب مقابله به منتهی اولدی  
حتی عصیان ایلدی دیو آستانه ده تواتر بولدی کوپر یلی محمد پاشا اول پیرروشن ضمیر  
عاقلا نه یویله بر نازك تدبیر ایلدی یونی یاری به خفیه بر مکتوب یازوب بنم سلطانم  
بر طرف پادشاهیدن اوزر یکنه مأمور زسرك دخی لشکر جمع ایتدی یکنه مسموم اولدی  
پادشاهك قایچی اوزند رعصیان ایدنلك عاقبتی نه مخرج اولدی معلومكرد بر ورطه دن  
نجات استر سكرتور پدیر یکنه نصیحتی ایلد عامل اوله سرهمان بر کجه علی الفغله جمعیتنکر  
اراسندن فرار و بر قاج آتلاو ایلد استانبولك جان آتوب والد سلطان حضر ثلینه داخل  
دوشوب جراییدن استغفار اید سزان شاء الله تعالی قرین عقی اولمکرده شمه یوقدر  
فکر صحیح ایلد تفکر اید سزم مقصودم سزمه خیر خواهلقد سزاعلم سزدیوب مکتوبی بر شخص  
مجهول ایلد کوندر اولد دخی اوقیوب فکر ایدوب واقعا بودند معقول رأی اولدوغن  
ادراك ایدوب کون یوزی نام محله بولنش ایدی همان اول کجه آت یوبننه دوشوب  
سیکبازاری پولندن ایغا رایلد استانبولك کور و کلدی کی کجه مهید علیا والد سلطان حضر ثلینه  
هر حال ایدرنی پادشاهه جلالی اولدی دیو ناکش اکتلمش ایشلار ایتدی یکم کلدم قتل ایدر لسه  
بو نیم قبلدن ایچنه در دیو نیاز ایدوب بر قاج سیک التونلق جواهر دخی اهد ایدوب کوندر دی  
بعد اوجاق اغا لرندن نافذ الکلام اولنره دخی دخیل دوشوب هدایا ویرمکله شفاعت  
اولنوب قتلدن خلاص اولدی اوزرینه مأمور اولان کوپر یلی به وسایلرینه منصبینه  
کتمه لیچون او امر شریفه کوندر لدی حوادث شمالیه تا تارخان له لایتنه سفرا ایدوب  
مصالحه دندمکره عودت ایتد کارینك رمضانك اون سكرتد خبری کلدی بوسال واسطنه  
اون ایکی شایقه تن صوبندن چیقوب بالقلی یاتمه تات ایل نام ساحلی اوروب و دونشده  
بر سفینه واثواب ایلد مملو بر شراب سفینه سی الوبینه تن صوبندن مسقوه کندیلر  
ایدی بناء علیه تا تارخان له سفرندن کجوب بوقضیه دن آگاه اولدقد مسقوه چارینه خبر  
کوندر و بوشناعت و بی ادبلك ندر وقتکه حاضر اوله سن عموما طائفه جنکریان ایلد  
اوزر یکنه وارلق مقرر در دیوب مسقوا ووزرینه سفر تدرکی اصمار لندی و دور کجه و نیکیولید  
ند اولنوب مسقوا ووزرینه وارلغه تدارك عظیمه به شروع ایتد یلر ذی الحجه بودند اقدم

چند راغازاده به قیود ائلق ویر یلوب یدی سکر یان چکد رنه ایلد آق دکره چیقوب ساقزه  
واز کجه بعض امرایه یه یه قاشمغله یکر می مقداری سفینه اولوب قزلحصان واروب  
دور بر اقد قارند مکر سردار اکر مک غرضی موجیه روم ایل ایالتی یقلی مصطفی پاشا به  
ویر یلوب بالوکا له قیود ائلقه حالا دو تمانی آستانه یه کتوروب کمد وایالتك اولان روم ایل یه  
کینه سن دیو صندراعظم مراد پاشا دن امر و مکتوب و رودینه بناء یقلی دخی حسب الامر و نمانی  
ساقزه کتور دك قیود ان جدید قزلحصان وارد یغنی دو یغله واروب اند ملاقات اولما غین  
و کندو خلا ف اشارت روم ایلنه کتمیوب استانبولك کلدی صدر اعظم تهر ایدوب  
ایکی کون ملاقاته اذن ویر میوب بعد زمان ویروب کلدکد یچون سوز طومدك ایلتنکه  
کتمدك دیدکد اول دخی دفتر خانه بکا تسایم اولندی مضمونیه جواب اعتذار ویروب  
معقول اولدی عید اخچی دن مقد کجه قیود ان حید راغازاده دخی استانبولك کجوب سابقا  
ردوس پاشا سی اولدقد نصمکره مقتول محمد پاشا زاده سیه نکرار ترسانه کجدا سی اولان  
جغاله زاده قره خواجه ابراهیم کجدا بو غا زدن ایچره کیدر دکره مرحوم اولوب قیود ائلك یدک  
وئسی صاری علی مرد تئد خوی ترسانه کجدا سی اولدی و نوندن اقدم بیوک میرا خور لقند  
چیقان حسین پاشا میر میران حلب اولدی تئمه اطراف مملکتده و استانبولك حدو ث ایدن  
بعض غوائل هائله بر مقدار مند فغ اولوب وکلای دولته نوعا استراحت وقتی اولغین صدر  
اعظم مراد پاشا و یکچیری اغاسی و کجدا سیک و منجم پاشی حسین افندی و بوداق زاده امثالی  
یارانر ایلد اکثر اوقائده با یچنه رده و فرح فریالیه لوده سیر و صحبت و انبساط و عشرته مشغول  
اولوب امور دیوانیه و مصالح عامه یی کور دیکند نصمکره و تعطیل کونلرند اکنساب زهت  
ایچون اما کن دلکشاده ضیافتلره کیندر لر دی لکن حکام کرام خصوصاً وزرای عظام بومقوله  
صحبت و معاشرت بر ایکی یازغا رصادق ایلد در میان ایدوب همراز لری چوغا لقم مناسب  
دکل ایکن و افلاطون الهینك انبساطك عورقه من عورتك فلا تیدله الالمون علیه  
حقیق به کلامی مفهومی اوزن صحبت خاصه خاصه داخل اولان یاران اول صحبت ایلد افکار  
ایتر اسرار خفیه یی کشف ایلر کتوم السر و صین العرض احوالی مجرب اولق لازم ایکن وزیر  
اعظم یکچیری اوجا غندن کلش اخلاق ناسه مطلع اولما مش ساده دل ایی دولتلر اولغین  
اوجاق اغا لرندن نجه مشاهیر ایلد و قیدیدن کندی ایلد ادنا مناسبی اولان نامستعد لر  
ایلده صحبت اولوب مراسم حرم و احترامه قطعا رعایت ایتمیوب حتی یکی اوطه لر قریبند صوفیو  
تعبیر اولمان محله نك مؤذینی محن چلی نام شهری طریف ایلده معارفه قدیمه سی اولدی یغنه  
بناء اول محمدن یکد کجه عنوان وزارت ایلد خانه سینه او غرایب اکل فطور و شربت و قهوه  
ایدوب مؤذینی بر بار کیره بند یوب کتد وکی ضیافتلره سیه کتوروب بومقوله بی کلفانه اوضاع  
ایتد کارینی کورن عقلا طعن و تشنیع ایدر لر دی بوسیاقده لایالی صحبت و عشرته کثرت  
توغل حساد لسانه دوشوروب شیوع بوله رق اعداسی جانندن عیاشلق اقتراستی حرم  
همایینه منعکس اولدی بر کون بر خط همایون و رود ایدوب مضمونیه بن سنی باغ ویا یچنه لده  
عیس عشرتد اولق ایچون وزیر ایدم امور مملکت ایلد بر خوش کجه تعید ایلد بر دخی عیاشلک



پادشاه به پسر خود پسرش پاشا از یازده منقل اولوب رئیس الکتابه  
 بوقته دکنه کونه امر مهم و مصاحبت لازمه تعطیل اولندی بو خط ارباب نقاش القاسم  
 دیوب رئیس افندی دخی سلطانم اعلمدرد خواهر نقاشی اولدیغی قتی ظاهر دریدی وز  
 اعظم آدم کوندروب پادشاهه خط تعاینه معین اولان مصاحب بشیر اغایی که مدینه دن  
 کلوب پادشاهک یازی خواجه سی اولش ایلی چاغروب خطی کوستروب بویله ادایی  
 پادشاهه یلوردی بو کیمک تعالیمدر ظاهر سنک تعالیمدر دیو وافر عتاب و تهدید ایند که  
 بشیر اغا قسم ایوب اگر چه باشک کسر م لفظی الغاظ سائر بحسب الاقتضا خط همایون  
 یازلغه کلان الفاظک نیچه یازیلان جغنی سوال یوردیجه بنده املا سنی تعالیم ایتشمدن راما بو خط  
 یازلد یغندن و کیمک تعالیم والقاسی اولد یغندن اصلا خبر م یوقدر دیو بین ایند که پاشا  
 تعریف ایوب بر دخی پادشاهه مشق ویر میوب بلکه سر اید دخی طور میوب یکی قبوسر ایند  
 ساکن اولسنی امر ایند که بشیر اغا امر و زیره امتثال ایوب طواشیاردن برغیری اغا خط  
 تعالیمه تعیین اولندی وینه بوماه ذی القعدة ده ظهیر ایدن امور دند رسایقامیر لوا اولوب  
 مجذوب مژید شکل اولمغله معتقد بعض ناس اولان پیک سابقا مرادا نماز کرب جزیره سنه  
 وزارتله تبشیر ایوب استماع اولمغله وزیرک و بعضی یارک معتقدی اولوب و بوشاده بحسب  
 الاتفاق مدرس حامد افندی سنک خانه سنه ساکن اولمغله پاشانک قرناسی حامد افندی دن  
 اخذ مال کایمغی ایند کد نصکره ظرافت ایله حامدک عر حاشانی مجذوب مذکور ایله پاشایه  
 و یوب مضمونی مفشک منصفین التماس اولمغین قرنا مذکور دخی مقام تربیت و تعریف  
 قیام ایتمایله حکمی افندی معزول و حامد افندی مفش اولدی حامد افندی بر مقدار عبوس  
 الوجوه و صلابت ایله منصف اولمغین طرفا بکای نسیمه ایوب دیمشرد زیت چو تقیش  
 از دست حکمی برست بکای همانا بجایش نشست و او اخر ماه مزورده صول جمله جیلقدن  
 مقدم مایله او طه باشی اولان علی خواجه نام بوستنجی او طه باشلغندن صکره  
 متفرقه اولمق صد دنده اپکن مالد ار اولوب مراد پاشایه استنادی سببیله صاغ جمله جینک  
 یولن آلوب او طه باشلغندن خلاف قانون خاصکی اولمشیدی بو محله بوستنجیلر  
 کتخد الغنه قصد ایند که بوستنجیلر غیبه کلوب یو بی انصافی یان لرزدیو جمعیت واحوالی  
 پادشاهه اعلام ایند کد یوزاللی ایچیه تقاعد ایله خاصه کیلکدن اخراج اولندی اما  
 صقل قومق معمود ایکن وزیر اعظمه استناد و قوت مالیه سنه اعتقاد ایله نکرار تراش  
 ایوب میرا خورلق و عدلیه مطیب اولدی ننه آستانه ده کرید سفر چون مشاور اولوب  
 سرداردن کلان عرض و محضر لر مو جبجه قندیه قرینه قلعه بناسی معقول کورلدی  
 و ذی القعدة و اخر دند کرید سفرینه مأمور اولان کنعان پاشا و سکبان باشی کور حسین  
 اغا و خیر و قدر یکچیری و تیش سکسان قدر سپاه ایله واروب کرید ده اوردویه داخل  
 اولد قده دوزت بش پیک جدید در یجه هسکری دید کیری لاف و کدافه چیقوب  
 سردارک و عسکرک جکر لری خون اولدی وزیر سایان پاشا واروب رتو محافظه سنه  
 و حیل پاشا حایه محافظه سنه قالدی قندیه ده اولان کفار نقد ار آدم امده کله جکین

ساقه کفره سندن خبر المغله تقویت قلب حاصل ایوب هر بارینه طشره چیقوب تجاوزدن  
 خالی اولوب دریادن امدادی اکسک اولمغله کتد کجه قوت یلدی ذی الحجه کیکرمی  
 برند کفارک پیاده و سواری قرمری مناسرت تعبیر اولنور محله چیقوب و بر مقدار پیاده سی  
 دخی عسکر اسلامک منز لری سمتنه خروج ایند که سردار اولطرفه سکر دوپ براز  
 جنک ایله کفاری دوندروب خند قلیینه طقدی اول جنکک سردارک صاغ قولی تفنگله  
 مجروح اولوب بعد جراح لر قور شونی چیقاروب کوه ضرر اولدی و آخر ذی الحجه ده  
 قیوچی باشلاردن کرید کوندریلان شیخ زاده ابراهیم اغا و صول بولوب سردار کوندریلان  
 خلعت و خط همایون و مکتوبی و یوب مفهومند قلعه بناسنه اجازت بنا اولمغله بر محل  
 مناسبه ایکی اوج یره قلعه اینا اولنوب و جدید عسکر وارد قده اول قلعه لره کیروب  
 محافظه ایدلر و دورت سنه دن بره زحمت چکن عسکره اجازت و یرله دیو فرمان اولمغله  
 جمله عسکر مسرور اولوب دعالر ایند یلر و قایم سنه ستین و الف ذکر احوال بناء قلعه  
 جدیده در کرید فرمان همایون اوزن و زرا و امر او اعیان عسکر بر یره کلوب قلعه لرناسی چون  
 مشاورن ایلدی لر تخمین اولند قده بری قاستره دیمکله معروف کوچک قلعه قرینه و بری  
 قندیه طرف شرقی سنه نظار ایه نام محله و بری دخی قندیه مقابله سنه ایند اقولند قلی  
 یوردیه نده طوب ایشور محله یا یلق اوزن قرار و یر یوب کوچک قلعه قرینه اولانه  
 مباشرت و کوچک بر قلعه یا یلوب جبهه سنه ک اکثر بی محل مزین نقل ایلدی لر و سردار  
 دخی دورت بش سنه دز عسکر اسلام ایله بو قدر آلام و بشاید کوروب ایکی اوج دفعه  
 یان لنوب عسکر دن دخی نیچه جور و غیر چکوب مجروح اولمغله عسکر جدید کلد کله  
 جزیره دن قاقوب برغیری خدمته استخدا م اولمق ایچون کمدوی عرض ورجا یلشیدی  
 قالد رمق معقول کور لمیوب قالد رلدی و یوردی رند تخمین اولنان قلعه یرنه پاشان  
 و اوردو قاضیسی و سائر امور دید مهند سار ایله واریلوب جرمی و ارتفاعی تخمین  
 اولند قده ایکیموزاللی پیک غروش ایله انجق حاصل اولوردیو اوردو قاضیسی امضا سبیله  
 دفتری و قلعه نه شکل اوله جقدر تصویرینی قیوچی باشی شیخ زاده ایله کوندریلان  
 کلد کد ارکان دولت مشاورن ایوب وزیر اعظم حایه دقت داری مح پاشایه کرید مالدن  
 ادا ایلمه دیو امر کوند رلدی محرم ملک احمد پاشا یغدن اددن عزل و نوعای پاشا اوغلی  
 ارسلان پاشایه توجیه اولندی مزبور ارسلان پاشا عقل و کیاست و شجاعت و شهامت ایله  
 بی اقران ایلی متقولد که سابقا وارد ارعلی پاشا اوز رینه ایشیر پاشا سردار تعیین  
 اولند قده مزبور ارسلان پاشا دخی سائر مأمور اولان پاشاردن ایدی واردار ایشیر  
 ایله در میان اولان حقوق سابقه و عهد ماضیه و توقی سببیله بشیر طرفندن غافل  
 بولنوب عاقبت ایشیر لاندن قتل اولدوغی بالاده مسطور در اولوقت ارسلان پاشانک دخی  
 قتلی ایچون ایشیر پاشایه امر و وزیر مکتوبی خاصکی یدیه وارد اولمشیدی اما نوغای اوغلی  
 بر مرد دلیر و آگاه و متبحر اولمغین غافل بولنوب قات اندر قات مسلح و مرتب عسکر ایله  
 دایره اوردوی ایشیر ده هر کون بر رده قونوب تحفظ اوزن دوران ایدردی ایشیر



پاشا منیری ملاقاته دعوت ایدوب کلد کلد عسکری مخصوصا ایچ اوغلنری زره وسلاحه  
مستغرق قفسا سنده قات اندرقات کندی دخی کذلک زره پوش و متعل ایشیر پاشا تانک  
سایانه نزل ایتد کلد زانویه زانو او توروب ارسلان پاشا قبضه شمشیردن النی ایدوب  
النه قهوه فجائی ویرد کلد ایکی خسوه قهوه چکوب ینه قجائی اوغلانک الیه ویردیکی  
کبی سلطان اذن ویرد سزده قلقوب قفاسنده اتی حاضر سوار اولوب اغاری قفاسنده  
چکیلوب کتد کلد ایشیر خاصکی به باقوب شو کیفیت ایله حرکت لیدن آدمی اولدرمک  
قیه قایلدرید کلد خاصکی انصاف ایدوب به نجلین ارسلانی هلاک قصد ایدن دین و دولتک  
دوستی دکلدر دیش ایدی اول وقعه دنصکره ایشیر پاشا سیواسده قرارطوب  
سنه سابقه اوخرنده شام ایالتنه کوندربلوب بوسان اولندن ارسلان پاشا بغداده واردی  
ومیلاد عیسی علیه السلام کونی بالیوسلرک التماسیله اغماضا اذن ملا بسه سیله  
یوم مزینده قاطعه او کندن فرنگ قلیونلری عظیم طویلر اتوب ستنلکرایندیلر  
و بواسطه سابقه کراولنان بوسته انجی علی خواجه نام ممول وزیر اعظمه استناد ایله  
قیو جیلر کتخداسی اولوب بونواضله صقالنه دستور ویردی وخیل تعین بولدی وسنه  
سابقه اوخرنده بوسنه پاشاسی سرخوش اوغلی حسن پاشا ایامنده اوج بیگ قدر کفار  
چیقوب اهلونه قصمدنه پرداوغ سمته کلد کلد مکسر حد قلا عندن بالاتفاق رایکی  
بیگ مقداری نفر چیقوب نکایت اعدا قصمدنه جمعیت اتیشلرایدی کیف ماتفق کفارک  
قفا کاهنده بیلنوب جنگ ایدوب طقوز یوز مقداری زننه اسیر و بشیوز کله آلدیلر  
و بفتح جلیل حسن پاشا ک یمنندن بلدیله حقا که مزبور حسن پاشا مکارم اخلاق  
وعقل وشجاعت ایله موصوف اولوب حتی نکه لوزمان ظلی سببندن عصیان صورتده  
چلبی بازاری ناحیه سنده غلا سیسه قرینده واقع قوتیش نام قریه ده تغلب ایدن دلی  
مورد که نکه لونه قریه مطره جیسی بولونه کلد کلد باصوب اتباعن قیروب کندونی  
قاچروب آتی وایکیوز غروشتی آلا ندر هیچ بریکر بکی به سرفرو ایتیموب تحفظ  
اوزن اپکن مزبور حسن پاشا ذوالفقار اغا نام قیوچی باشیسنی کوندروب برادرمدلی  
مورد دعوا ایله معنون مکتوب یازوب دعوت ایتد کلد دلی محمود دخی کلوب اهلونه ده  
حسن پاشایه بولشوب خلعت کیوب بر سریه سرحد لو ایله سرحدده کوندرد کلد  
واروب اوزمقداری باش و دل کتوروب مغر زومکرم ینه مکانه عودایتد کلد نصکره  
مزبور ذوالفقار اغائی بولونه کوندرد کلد دلی محمود کندی مالی جمع ایدوب کوندروب  
حسن پاشا تانک محبت رئی و حسن عهدی کالشمس فی وسط النهار معلوم صغار و کبار  
اولدی کذلک طالاهر سگ پاشاسی حاجی می زاده که دفتر دارمصلی بیکدر تدبیر وشجاعت  
ایله متصف اولمغین هر سکی کوزل ضبط ایدوب ارناود عاصیلری پوتورلرین حسن  
التفات ایله کتوروب اطاعت ایتدروب اولطرفلر آسودصال اولشدرو ماه مزبورک  
اواخرنده شهرامینی محدی محمد افندی موقوفاتی محمد افندی کلد کلد سن تزویج ایدوب  
قیودان پاشایه ضیافت ایدوب صدر اعظم و سائر ارکان دولته بوجیه لرو وروب احسان

اگراملرینه مظهر اولدی وپاشای افندی عزل و قدری زاده امیر خطاط بر و سه قاضی  
اولدی مفتی نهایی افندی مخبر المزاج اولوب بعض معالجات ایله ینه صریحاً و محبت  
میسر اولدی صغرا خیده سردارا کر مک عرضی کلوب کزیده عسکر مواجبی کرید  
مالندن ویرلکه کلی عسرت چکلوب قلعده مصرفی دخی تدارک اولمق بوجیه ممکن دکلدر  
باخصه بزم برابکی بیک قدر آدم ایله او توروب پنجمه مزبور جزیره نک جزئیاتند  
جزیره نک جزیه مالندن الحق اوتوز بیک غروش اولوب سائر اعمار و جرایم محمولاته  
یکچیریدن غیرنک وظایفه بحق کفایت ایدردیو اعلام ایشیددی بوطرفه اصفا  
اولما معله ضروری شروع و اتمامی ملزم اولمغین اسکی بوردیوند قلعده بناسنه رعایا سوریلوب  
حایه ورتو ناحیه لرند ایکیوز طاش کندی کتوریلوب تلمند بعضی طاش چقمقه  
کسلدی ویرواللی نفر دخی کرج قلعده تعین اولنوب اون بیک نکه واون بیک سمیت  
کتورلدی و عسکرک هر برینه طالش سالیانه اولنوب صفرک بکرمی کونه  
وارنج طاشک نصفی قدری بعلدی و اطرافدن بخارلر سوریلوب ربع الاخرک بکرمی بشخی  
اشین کونی عمل راغلدی دورت حصه به تقسیم اولندی بر حصه سن سرده اوروینی روم  
ایل و برینی اناطولی و برینی یکچیری بیایق اوزن قرار ویرلدی بش ایدن الحق تمام اولور دیو  
تخمین ایتدیلر عسکر دخی آزاقلوب کاه و بیکاه کفارده طشره چیقوب تعرضدن خالی  
اولزلرایدی سردارغازی اوردوی همایند برجام و درون حصارده طقوز قلی برجام  
ونجه ابنیه خیره احداث ایلدی ربیع الاولک اونجی کونی صدر اعظم حضر لرینک مکتوبی  
واروب قلعده لری عسکری بنالین کلشدر سزده نکه یلدر وب طرف میریدن خرج  
ایتدر میه سزده بیکله الحق نجاریه حایه ده اولان محمد پاشادان الندی و مزبور محمد پاشایه  
کرید جزیره سنی تحریر ایتد فرما اولندی و ماه مزبورک بشخی اشین کونی قریانلر کسیلوب  
دعا و شایله وضع اساس اولندی هر نفره یوز طاش صالوب جمله سی ارقه لریله کتوریلر  
ونه مقدار آدم موجود اولدوغنک دفتر ی طلب اولمشیددی پاشا لرو بیکار و سائر لری  
دفتر اولنوب قیوچی باشی ایله دره ولته کلد کلد تصدیق اولندی وزیر اعظم مراد پاشا  
صیاوشر پاشا سرائین اوتوز بیک غروشه بوشاده مرحوم اولان صیاوش پاشا زاده  
مصطفی پاشا ترکه سندن اشتر ایدوب ابنیه عظیمه احداثه مشغول اولوب وقفه سی  
بولندقد نصکره مقید اولموب ینه متصرف اولوب اکانتقل و کتدوسرائینی قیودان پاشایه  
بوردی ربیع الاخرک اون اپکنجی کونی آق دکر بغازینه بکرمی قطعه قلیون و سکر چکدری  
وایکی ماونه ایله کافر کلوب لنگراند از اولدوغی معلوم اولدقن وزرادن عنکبوت احمد  
پاشا بوعاز محافظه سنه تعین اولندی اون یدنجی کونی معتاد قدیم اوزن طو بخانه ده طویلر  
دو ککه وزیر اعظم اعیان طو بخانه به واروب اوتور دقلری کی توج اوغلیک مجراسی اچیلوب  
قالبره صالدر برانکی قالب کسال مرنبه قوریش اولموب عجله سببیه مرطوب وضع  
اولمشلرایش ماده آتش خلاق مقتضای طبعی اولان بر مقدار طوب و برودتی کورد کلد  
ککریوب هولیه صعود ایدوب اطرافنه آتش فشان اولغله حضار مجلسی بریشال ایلوب بعض



اشخاص متفکر را ولد قده دفع مجلس ایتدیلا و با شترده و دوتما سفینه ای را با نعلنه تقید و اهتمام  
گوستر دیلور و سرحدده خدمات مشکون سی سبق ایدن حسن پاشا و سینه دن عزول  
و منتهی ارض و مدن معزول پروزی دفتر داراوغلی محمد پاشایه ویرلدی و خاصکی الیاس  
اغایه اداغاسی اولوب انده اولان بکچر یلر کیش ایدی بکیدن بغداده کتلی نئییه  
اولندی بغداد قاضی سندن کاغذ کلوب اهل بغدادک نافرمانیغندن اضطراب و احوالندن  
شکایت باش ایدی و بوماه ایچنده موسیقی شناسلارک اشهر و اعلی مولانا واقف خان خالی که  
قامی نصر الله درتسه در نادیلالی دیه زک و فات ایلدی ماه مزبور ایچنده غلطه ده عرب سوقی  
محترق اولدی غریبه ایکی والد محترمه بریده امتراج ایتیموب دارالسعادة خلقه باعث  
تفرقه اولغله ایکسینک اغاری بیتمده عظیم مناقشه و محاور ظهور ایدوب نه یوزدن  
مدیر کرکدر دیو صذر اعظم اچرو دعوت اولوب بعض آثار ضرر رحمن اولغله  
سنان پاشا کوشکندن ایلر و کیمکه جرأت ایتیموب اعتدال ایل کوشکدن طاعل دیلر  
و یرقاج طوایشی نفی اولوب قننه منافع اولدی ظهور بدل تمار خزینه نک مصارفی  
ایزاده نصف مرتبه غالب اولغله تدارک لازم کلوب بمالك محروسه نک عموما رباب  
نیمارینه بیکه بشیموزاچقه بدل فرمان اولوب قیوجی باشلردن بویاجی حسن اغا  
اناطولی به و نضوح پاشا زاده عمر بیگ ارض و مایالته کوندلش ایدی بویاجی حسن  
اغا و اروب مباشرت ایتدی که حددن افزون ظلم و تعدی ایدوب کریده اولان ارباب  
یتیمارک بدلیلرینی دخی رعایادن المغله شکایت اولوب آستانه به احضار اولند قده اغاز  
هر رجعت ایتیمکه معاف اولدی ماه مزبورک یکرمی اوچنده التی کی ایل طو رواجی باشی  
بوغازه کوندلدی مفتی سابق سجدن ققول ایتدی مقرر اولغین قدس شریفه بوجه  
ارپه لوق اسکانی اچون فرمان اولوب قارشدو کوندلدی جمادی الاولی بشنده قیودان پاشا  
دو نغمالیه چیقوب آتی دکره روانه اولدی لکن کفارد و نغمالی بوغازی سد ایتیمکه چقمق ممکن  
اولوب حصار لده لنگر انداز اولدیلا و قره دن کفار کیلرینه بعض طویلر حواله اولوب  
لکن چندان کار ایلدی ماه مزبور اولغینده بر و طر فدن حرکت اولماغله کافر جرآنه  
کلوب ایچلرندن بر قلیونی حصان طوغری یوز یوب یقین کلد که وافر طویلر آتوب برایکی  
بدن دوشردی و کیرودوندی و بواشاده بکچر یلر کیلرندن چیقوب پراکنده اولغله یینه اوجاق  
چاوشلرندن تلکی اوغلی فریاده کلوب کافرک جرأتی و عسکرک قلیتن نقل و امداد طب ایلدی  
اون چور باجی نفراتیلله اولطرقه ما مور اولدیلا و کیرید ما مور اولان عسکر دن کسه یکم یوب  
اذبح اولغله قلعه بناسنه دورت قولدن اهتمام گوستر دیلر بر جاسدن سکیان باشی و زغر چی  
پاشی ایل بکچری و برنده اناطولی و برنده روم ایل و برنده ساثر بکلر پاشا ایلله سیردار بودکلو  
شدت و آلامدن صکره جانلرینه جبر ایدوب نه حال ایسه بناسنه اهتمام ایلدیلا و سابقا  
کیرید ما مور اولان سپاهیلر کلوب اولطرقه ذخیره و خزینه به زیاده مضایقه اولدوغن نقل  
و قلعه حالتی تحقیق ایلدیلا چونکه سپاه سا بقاذ کر اولنان وقعه لردن راز سیمکوب بکچری  
قسطله اغار قوتیلله یوز بولشیدی الی بیگ قدر نفر و اون بیگ اغر علوفه لی نامستحق

اوراقلا قلاع و سقرده اولان نفراتدن غیری هر علوفه آستانه ده طقو زبوزو کاهی بیگ کیسه  
ویریمکله ساثر اصناف علوفه یوزین کورمکدن قالوب سپاه باوکلری دخی ایکی علوفه ده  
بردور اولتیر ایدی بودفعه کیریدن کلنره علوفه کز کیرید ده درد یو جور کلی اولوب انلر دخی  
دور ابواب ایدوب اطهار نظم ایتدی که بونلر بیگ نفر ما مور اولوب یوز بکرمی نفری انحق کیرید  
وار مشلردر دورد ایدر لدی جمادی الاخره ده مشا و اولتوب هر اوطه دن ایکیش نفر و برایکی  
باوگ باشی وزیر خادم عبد الرحمن پاشایه قوشیلوب بوغاز امدادینه کوندلدی و روم ایل  
واناطولیله یالی ستملرینه چاوشلر کیدوب اهل تمار و باوگ خلقی بوغازه سورمک اچون فرمان  
اولندی عتکبوت احمد پاشا روم ایلندن خادم عبد الرحمن پاشا اناطولیدن و اروب کافر کیلرینی  
برکان قالدردیلر لکن دوتما عسکری پراکنده اولوب اکثر کیلر یوزلغله یکرمی بش قدر غه انحق  
دونا توب دلا لدرند اسیلله کافر اوزرینه و اروب جنک ایتک کوجدر دیشلر که کیر و اقدام اولتیموب  
توقف اولتوب بالاخره چقمق بر طرف اولندی تعیین اولنان خادم عبد الرحمن پاشا و عتکبوت  
احمد پاشا هر چند که قیودان پاشای و امراء دریایی ازعاج و بوغازدن طشره اخراج اچون ابرامر  
ایتدیلا مفید اولیموب و نفسنده چقمق حد امکانده اولدوغی متعین اولمشیدی بالاخره  
قیودان پاشا و عبد الرحمن پاشا و ساثر و جوه و دوتما دن واعیان ولایتدن عرض و محضر لار کلوب  
ایچنده حالایاق نامنه دو نغمالیه قوشلان بکچر یلر زیاده نامضب و طلق ایدوب خایجک ایکی  
طرفندن تالان ایتدیلا کیریدن ماعد الاستا بوله و هر طرفه تسلط ایدوب کورکی فقراسی  
ولشکرک مقدار قلیل انحق کیریده قالمشدر کفار ایسه او تو زایکی قلیون ویدی چکدیری  
وایکی ماونه جمعا و توز طقوزیان سفن حریبه در حقلماغه بوجه لکه امکانی یوقدر اکر البسته چیق  
دیو فرمان اولتورسه چیقار زوجه هلاک اولور زوجه فقر لک قاتی بویتکره اورسز و کرانده  
طورک دیر سکرذ خیره کوندن سکره یوسو اخلان غدا مقوله سی قالمامشدر و اکر کل دیر سکرانده  
و ان لم ناکه هر نه بیور رسکرانده یزدیمه مسطور اولغین وزیر اعظم منقبض اولوب دوتما بار ایشه  
یان مد یغندن متالم اولدی و سابقا بو غاز حصار دن طشره یکیشم برورنی ایلله بابا یوسف  
بانچه سی که بوغاز نه باندی رایکی طرفندن اول محله قلعه لرینا اولنسه کرچه طوب ابرمز لکن  
ار قیریدن کی یکمکه ده مانع اولور دیو مشا و اولمشیدی دوتما ترسانه دن چقمق  
اونود یایوب جالایه بناسی لازمدر دیو والد طرفندن فریدون اغا کوندلر یوب قیودان پاشا  
دخی قره دن و اروب بیگ کیلرینه ملمات نقل ایدوب ممکن اولدوغی مرتبه کیرید امداد  
کوندلر مک فرمان اولندی ماه مزبور حوادشد ندر که هزار یان احمد پاشا برادری ابراهیم  
اغاکه دفتر دار ایدی یرقاج تازه اوغلانی قاجوب نافذ الکلام وقت کتخا بکه یناشد یلر  
دفتر داردخی بن حالا پادشاهک مال وکیلیم وزارت یایمده وار بکچری کتخاسی بنم  
خد متکار لریمی ایاردوب پائنه المی نه دیمکدر عرض مقام یوقیدر دیو وزیر شکایت و سائر  
مذمت ایتیمکن کتخا ابک طویوب اوجاق اغار یله اتفاق ایدوب جبر و تسلط ایل و وزیر  
اعظمه دفتر داری عزل ایتدیروپ قاسم اغا دامادی روم ایلندن معزول سورنازن مصطفی  
پاشای جبر دفتر دار ایتدیلا مشاهیر دن باش باقی قوی قره عبد الله سورنازه نک سو



معامله سن کوروب استعفا ايله عزل اولوب کاتب پورتورعلی باش باقی قولى اولدی رجبیه  
والله سلطان طرفندن کوندریلان متبور فریدون اغاواروب بعض امور دینه کسنه  
ایله قلمه یا پله حق یری کوروب روم ایلی طرفندن ظامله حق نام موضع بنا اولتیق  
مناسب کوریاوب بنادن مقدم عظیم تاییه لروا ورتوب قونق لازم اولوب لکن بنا اولندی  
تقدیده ایکی طرف بعید اولغله چندان نفی یوقدر دیوخیر کتورمکه فراغت اولندی  
انجق صوغان دن سنه طویلر قوریاوب کفار کیلری صویه براردو کلک تدبیرن کوردیلر  
قیودان دخی حسب الامر کیلردن چیقوب قره دن بکار کیسنه کوروب ممکن اولدوخی مرتبه  
پراز مهمات ايله کرید توجیه ایتدی چون بوسالده دو نما خروچندن یاس کلدی اول بهارده  
مکمل دو نما تربیی اسبابنه شروع اولوب ماه مزبورک بکرمی اوچنده بکرمی طقوز  
قطعه قلیون و برورتون یا بلق ایچون قره دکر سواخلنده پای اغزی و سائر مناسب  
یراره قیوجی با شیرایله مؤ کداوامر کوندرلدی هر چند کارد انحرالیا قلیون یا پله حق  
کر استه مقدم مقطوع و قرومق کر کدر شمدی کیسلان تازه کر استه ايله یا پیلان قلیونلرک  
تخته لری چکیلوب قلفات کتانی طشره آتاردیدیلر مفید اولوب وزیر اعظم طرفندن  
اقدام تام اولندی مصارفی بعض بمالک ساحلیه مثلا طربزون و سینوب و کونیه  
مقاطعاتی و جزیره لرندن سالیانه و حواله اولندی که حصولی متعذر مقوله سفدن ایدی  
بواشارده کراس فصلی اولغله اعیان وارکان بوغاز محاصره سی قیدینی اونودوب بوفاز  
در دینه دوشدیلر وزیر اعظم و اغا و کتخابک محایب و یاران ايله با شقه وادی و درین عالم و خیل  
طاقی و صولاق زاده امثالی مشاهیر مطربان ايله هر کون بریالیده دلکشا کوشه لده عیش  
و عشرت و ذوق و محبت ایدوب سائر خلق دخی حصان او شوب عیش و عشرتده انهمائی  
خاتیه ایر کوردیلر بوفصلده اولان حد اعتدال دن خارج ذوق و صفا فتح حاقیندن برو کورلیدی  
دیو اتفاق اولغله عقل علامت خیر دکلدر دیدیلر بوسالده وزیر اعظم و اغا و الی بلوک اغاری  
عموما کریده سفر ایدوب قره دن دخی سر عسکر کوندرلسه کر کدر دیو مالک محروسه  
قاضیلرینه ایکیشرفات اوردو اچیه سی جمع و تحصیل بابنه اوامر کوندرلدی و بوماه  
حوادثند که هر سنه ترکان حقلقه ترکان ویده سی عینتابه وارد قله اول دیارده دیدیوز  
تفنگ اندازلوند که صاریجه نامیلر مشهور در چوما بارلک باشی نام ویده یه قوشیلوب بعد  
اداء الخدمه و اخذ الاجره قرا و قصبانیه خاصه عینتابه او توروب مظالم بی پایان ایدوب  
کسنه منعلرینه قادر اوله میوب بلوک بلوک قطع طریق و غارت اموال دخی ایدرادی قاطرچی  
اوغلی وقعه سفدن صکره خود چومارک بعض فساداتی اناطولیده شیوع بولشیدی  
عینتاب ارپه لغنده موسی افندی ک بررار نائی و ارایدی مزبور صاریجه لشره  
کیر مسون دیو ساغ ایدوب عباد الله شرندن امین و اول ملاعین متاذی اولشرایدی  
اول سبیدن صاریجه طائفه سی کین بغلیوب اول ملاعین اخذ انتقامه متر صد فرصت  
اولشرایش بواشارده نائب محمول ايله عزم استانبول ایدوب دیوس مقاطعه سی  
ویده سی دخی الی بیک مقداری غروش و دی بیک نام کسنه ايله استانبوله کونروب

نائب افندی ايله رفاقتا کاربانه قوشیلوب عزم راه ایشد کاربانه صاریجه لرونلری کوزه درلایش  
بریده اوکربنه اینوب ولی بکی و نائی پان لیوب بکرمی بیک غروشه قریب تقوداخذ  
ایدوب سائر کاربانه ضیرا تیموب چکلدر بوماه اچنده بیک شهر دن عبد الله افندی  
مغزول اولوب برینه تر حاله دن مغزول شیخ الاسلام برادری احمد چلبی اولدی کذلک محرم  
زاده برینه حسن افندی اوغلی شام قاضیسی اولدی بواشارده علمایینده تفیق و شقاق و خلقه  
تخیر و اضطراب حدی تجاوز ایتدی و استانبول خلقی اینیه سودا سنده دوشوب اولقد رعالی  
منازل و کوشکلر نایدیلر که برتاریچده کورلما مشدرحتی مهم باشی دخی برعالی سرای یاپردی که  
کویا طالع سنده ده مشتری و تد رابعه بولما ک مدلولی ایدی بواشارده وزیر اعظم قیوسنده  
دفتر دار سابق هزار پان برادری ايله دفتر دار جدید مصطفی پاشا بر خصوص ایچون مشاتم  
ایدوب اول اکبره سرخوش قی اون بیک بیک اچیه حظ نفس که تلف ایتدک اولدخی اکبره جاهل  
ادب ستر دفتر دارلق سوزنا چلق دکلدر وار سن سوزناکی چال بواستوب ايله سن نجه دفتر دارلق  
ایدرسن بن بکرمی کون دفتر دارلق ایدوب جمیع اموری صاحب دولتک فرمایله کوردم سنده  
اولان الی یوز بیک مال میری بی سن نجه ایلدک دیو سابقا دفتر دارلق ایدن حاجی حسن زاده و قره  
حسن اید حاضر لایکن بولنر برلرینه نجه مالایعنی شتوملر ایدوب اندر و سائر بولنلر سیرچی  
اولدیلر بالاخره چاوش باشی ایکسنه ده عییدر دیوب منرلرینه یوللدی سبب مشاتم بو  
اولدی که وزیر اعظم کتخابک ايله مابین اولغین دفتر دار خطا بار خط همایون اصدرا اولش  
ایدی که دفتر دار سابقک محاسبه سین کور سن مال میری لالامده افسه دخی تحصیل  
ایده سن سوزنازن دخی کتخابک استناد ايله ابراهیم اغا ک محاسبه سن کورمک  
استیوب ابراهیم اغا ایسه وزیر اعظمه منسب کتخابک ايله تعرز و دلال مقتضا سنجه  
جواب و یروب نزاعه مؤدی اولش ایدی شعبانک دورنجی ثلثا کونی بامر الله تعالی  
قران محسین سرطانی واقع اولدی بواشارده صدر اعظم ايله کتخابک بیننه شقاق  
دوشوب حیرا دفتر داری عزل و سوزنازن دفتر دار ایتدروب دخی نجه تسلط و تکلفندن  
پاشا متضجر اولوب کتخابکی برداخت تدارکنه دوشوب بویله رأی ایلدی که بغداد  
اغالغندن مغزول طوطیخانه لی مصطفی اغا که کندویه منسوب و الیاس اغا بغداده  
وارد قله اول بغداددن چیقوب آستانه یه متوجه ایدی انی کتوروب کتخابک ایلر  
خفیه اکابر کونروب مسارعتا اشارت ایتش ایدی اول دخی اغراغن براغوب ایاغارا ايله  
استانبوله کلشیدی یا شادخی مزبوری زغرچی باشی ایدوب وقرنی اکانه مزد ایدوب  
کتخابک تمام استعداد بر مشیدی بوسیا قله کتخابک بیکچری اغالغی تکلیف ایتدکه  
کتخابک بوالغفات کندویه سوء قصده مینی اولدوغنی بلکه اغالغی قبول ایتدی در عقب  
وزارتله بدون ایالتی کتخابک توجیهی مشعر خط همایون اصدرا ایتدردی کتخابک  
قبول ایتیموب نیم بدینه نه ایشم واردر وزارت نه حد مدر دیو جواب ایدوب مخالفت  
اظهار ایلدی وزیر اعظم کوردی که بر طریقه دفع ممکن دکل جریدمانه سنه طشر چیقوب  
جمله اغاری معتاد اوزن جرید دعوت ایلوب اثنای جریده کتخابکی پان لیکه قرار



ویروب ایچ اوغلتارینه حاضر اولغی نثینه ایلدی مکر وزیر ایچی و سندن کتخدا بیگ طرفندن  
 دائما احسان الورجاسوسی واریش خبر کوندر بوند بوند کتخدا بیکی آگاه ایلدی لر خبر اولوب  
 خبر بک و ارمدی و او طه با شیارله خبر لستوب کندی و بلوکه چیقاردوغی اوچیز قدر سیاهیانی  
 چو اغلریله اغزیرایدوب و سائر علوفه الامیوب سرگردان کزن سیاهیانی طائفه سندن دخی  
 دسیسه ایلدوب شویله قرار ویردی لکه صالی کونیکه یوم قران محسین درد یوان قبوس سندن وزیر  
 یاره لیه لروا کر خدمت وجوده کاور سه جمله علوفه لری ایقا اولنوب سرگردانلقدن قورتلر  
 و انعاملردخی ویریه بو خصوص خو دکریدن کلان عریان و سرگردان سیاهیانی  
 یانلرینه منت ایلدی و طوطیخانه لی مصطفی اغار قائل بی رخدر سابقا ایچه بیگ یولداش  
 یوغسدر حالا وزیرانی کتخدا بیگ ایتمکدن غرضی اوجاق خلقی قیردر مقدرانی کتخدا سندن منز  
 دیود یوانلر شکوا ایتمکی و چور بایمه مک تدبیرن تعالیم و تفهیم ایتمک یار کدورت سابقه برودت  
 لاحقه یه منضم اولوب کتخدا بیگ دخی وزیرک علیه نه بوند ارکاری کوردی و اوجاق قیر مراد  
 پاشا چراغ لوی دخی چوق ایلدی بوقضیه بی وزیره اعلام ایتمک کارد ه صالی کونی ترسانه  
 مهماتی ایچون دیوان یوقدر دیوا صمر لنوب دیوانه وارلدی اولکون معهود سیاهیانی جمع  
 اولوب علوفه مزد یوشخ الاسلامه وار دیلر اولدخی وزیره خبر کوندر روب بر آلی مخرون  
 و مجروح الفواد دملری ارضا کندی ولر اتقعدردیمکله انلره بر قاج کیسه ویریلوب دفع  
 اولندی غرایب ندکره بکتاش اغا و یکچیری اغاسی وزیر اعظم ایله کتخدا بیگ اراسنه  
 کیروب توفیق و اصلاحه سی ایتمک یکه مع الکراهه رضاشکلی کورنمش ایلدی لکن والد  
 کمیر وزیر طرفنده والد صغیر کتخدا بیگ طرفنده بولمغله ایچ خلقی دخی ایکی فرقه اولوب  
 بریاب غالب مطلق اولمغله مدارای صوری لازم کلوب مزبور لک توسطی ایله اصلاح  
 ذات البین اولوز شکله کیردی هر نه وقت که دولتله خصوصاً قرب یاد شاهید غلبه  
 و نفا ذر متعین واحد منحصراً اولوب اشتراک و اختلاف بولنه فتنه و فساد اسک اولوب  
 نظام امور خلل کلورزیرا مورد دولت شرکت قبول ایتمز بر معنادر ماه مژبورک التخی کونی  
 یعد ادوالیسی ارسلان پاشا نلک فونی خبری کلکله وزارتله بغدادی استر می دیو کتخدا بیگه نکلیف  
 و ابرام اولند قیر قبول ایتمکله ملک احمد پاشایه ویرلدی فراغت مراد پاشا و صدارت  
 ملک احمد پاشا چون اوجاق اغازی مورد دولت به بالکلیه مستولی اولوب رتق و فتق و مصالح  
 جمله انلرک ید استقلالله ایلدی خصوصاً کتخدا بیگ جمله دن زیاده نام و شان صاحبی  
 اولوب قبوس سندن جمله علما و زراملا زمت ایلدوب اکثر مناصب انک رانی ایله ویریلوب  
 رضاسی اولدوغی صورته ویرلک ممکن اولوب و کوچک والد حامینی اولدوغندن کزید  
 ایرشدر مک متعسر و کیمه رک دولت و احتشامی خدن تجاوزایدوب کوکبه و دارائی وزیر  
 اعظمه برابر کلکله هضم اولنق رتبه سندن افراط ایله یکمشیدی و مراد ایتمک لری مواده  
 وزیر اعظمک عدم مساعله سی مصباحی و ندیلوی اولان مجیم پاشی حسین افندی و بوداق  
 زاده محمد اغا دن ملاحظه ایتمک یله بولنق یلد اولنسون یا خود یا ندن تبعید اینسونلر دیو  
 و مراد پاشا چون لساندن وزیره خبر کوندر کارد کلکله کلکله ی قبول اولمغله یینلرینه بالکلیه

برودت دوشمنش ایلدی و وزیر اعظمک کتخدا بیگ حقیقه تدبیر ایلدی کی مکاید کارکر اولوب  
 کتخدا بیگک ترتیب ایتمک فتنه و فساد دخی وزیرک معلومی اولوب دیوانه وار میوب طرفین  
 کینه ایله مترقب فرصت دور لر دی اول یوم ثلثاده کتخدا بیگ طوب قبوس سندن  
 اولان با نچه سندن جمعیت ترتیب ایلدوب یکچیری اغاسی و بکتاش اغا و مصلی الدین اغا  
 و یکچیری کابی دلوقاسم زاده واروب صورت ضیافتده جمعیت ترتیب ایتمک یلر وزیر اعظمک دخی  
 اصلی اوجاقدن اولمغله یینلرینه توسط ایلم مصباحون ید یله ارالرنه آمد شد مراسلات  
 مکرر اولوب بالاخره بکتاش اغا وزیرک جاسداری و سار اوجاق اغا لریک دخی اسن و اختیاری  
 اولغین اصلاح ذات البینه سعی ایلدوب سوز بوند قرار ایلدی که کتخدا بیگ ینه منصب سندن  
 قرارایله اماطو بخانه لی مصطفی اغا ایچون بغدادده یتمشدن زیاده یکچیری  
 یولد اشترینی بی کنه بوغوب صویه اتدی قتل چوقدن یکمش ظالمدر دیو اتفاق  
 ایلدوب بالاخره اتی قاجروب دغدغه سندن امین و آسوده اولدیلر اما بومعنی وزیر  
 غایت کران کلوب وزارتدن بیر ار اولدی و قول کتخدا بیگ صدارته آرزومند اولوب  
 والد قوتیله مهری الوب کندی و صیغ قومیه جغتی دخی ییلوردی نقل اولنور که  
 یکچیری اغاسی و کتخدا بیگ و مصلی الدین اغا البته مراد پاشا قتل اولنسون دیو  
 اول مجلسه اتفاق ایتمک کاردن همان بکتاش اغا رجا کونه سوزه کلوب بهی آدمی  
 شو آدم نیم خمیدر جمله کزک رضاسیله وزیر اولدی استر حسن رضاسیله مهری  
 صاحبنه تسلیم ایلسون قتل ایتمک یچوندر انک قوشچه جانی البته بکا باغشار سکر  
 معقول کوردیکر وزیر اولدی استر یکرا کروزاتی بر اقر سه اولوقت ییلدی یکرا کز کرده در  
 دید که بوسوزه جمله سی راخی اولوب سکون بولدی لک بکتاش اغا مراد پاشایه خبر  
 کوندر روب بعد الیوم سنک وزارتکده رونق قالمدی همان مصاحت وقت اولک رک مهری  
 کوندر پاشا یاعا پادشاهه تسلیم و تخلص کریبان و دفع بیم ایامه سین دیدی شعبانک ید بی  
 جمعه کونی مراد پاشا ایچی و پادشاهه واروب سنو کتلو خنکارم بر مملکتده دورت وزیر اعظم  
 اولمراشته مهرک برقلو که دخی ویرین قو لکه دخی بر نان پان احسان ایله خیر دعا که  
 مشغول اولیم اما زهار مهری یکچیری اوجا غندن کسندیه ویرمه زوال دولتکده سبب  
 اولوردیو تحذیر ایلدوب مهری تسلیم ایلدی بر قاجکون مقدم وزیر مشارایه کندی  
 ناحیه احوالنه ضعف و سقوط مشاهد ایتمک صدارت صد دنه اولنلری تفریق  
 قصدن ایلدوب جمله دن بری ارسلان پاشا فو نیله بغداد محلول اولد قیر قیه سلطانک  
 خلیل جلیل ملک احمد پاشای ایالت بغداد ایله مجلا اسکدان پکورمش ایلدی  
 سلطان دخی پادشاهه اشتکا ایلدوب یقینه کلشیدی شیدی یچون کیدریاری بک طلاق  
 ویرسون دید و کنه بناء ملک احمد پاشا نلک بغداده کتشی خلاف رضای هیان اولشیدی  
 چون اوچخی کون مهری طوعا کتوروب تسلیم ایلدی یا کاش حساب بغداددن دور مثلی اوزره  
 پادشاه حاضر ثلوی ملک احمد پاشای دعوت ایلدوب مهری تسلیم ایلدوب صدر اعظم ایتمک یلر  
 و مراد پاشایه مسئول اوزر بوند ایالتی ویریلوب کورکاو خلعت کیدر دیلر مجیم پاشی ایله بوداق



زاده اختفا ایدوب باد و برودت لری مضحل اولدی فذلکه تحریری اوزن مراد پاشا مهری  
 تسلیم واستعفا ایندکه یدون ایالتنه خلعت کیدریاوب چقد قد نصیره بنوب سراینه  
 مسروراکوب اولکون اتباعیه طشره چقدی شیخ الاسلام وقضاة عسا کر و سائر وزرا  
 و اغا لرحضوره مایه دعوت اولنوب وزارت مشورتیدن صکره ملک احمد پاشایه ویرلکه  
 قرار ویرلکه پاشای مشارالیه قبولدن ایا واستعفا ایلدی اوجاق اغا لری نک تسلطی و مراد  
 پاشایه اشکد کلرین و کندویه وزارت ایتد رمیه جک لری نیلدیکی اچون کانه شرط  
 استقلال یولند قچه قبولدن امتناع ایدوب ثبت کوستردی ابرام اولند قچه دفع صد دتاه  
 اولوب بر ساعت قدر ابرام ونجه کلامدن صکره اوجا قدن بر فردامون مداخله ایتسون  
 دیو شرط اولنوب اوجا قله کسسته مداخله ایتد دیو بار کران امانت عظمای تحمیل ایدیلر  
 اولدخی یوقول اوزن ناچار قبول ایدوب پراویوب طشره چقدی قوله بنوب شهری  
 کزدکن صکره سراینه وادی اعیان وارکان تهیت ایتدیلر مورخ دیرکه تسلیم صد ارتاک  
 ایکنجی کونی وزیر جید قبل التهنیه شیخ الاسلام بهایی افندی یه واروب کال خلوص و محبت  
 معامله سین ایتدیلر و صدق افندی عزل اولنوب مصر دن کلان موقوفاتی محمد افندی که  
 عراج محاسبه جیسدر رئیس الکتاب اولدی و صاری علی بابا عزل اولنوب یولوی محمد  
 افندی باش محاسبه جی اولدی و طرزیونی کاتب غنائی باش تذکره جیالک خدی متنه  
 استعد ام اولندی ایکی کوتاه اکثر مناصب دیوانیه تبدیل اولنوب جائز لری بحسب الضمرون  
 خزینه یه ایراد قید اولندی شعبانک اون برنجی ثلثا کونی شیخ الاسلام وقاضی صکره لری  
 و اغا لرحله حضوره مایه یه جمع اولوب مشورت ایدیلر که مو اوجب ویرلکه مجال قالدی  
 مضایقه کاله ایردی میری مسال هر کیمک ذمتنه واریسه تحصیل اولنوق کرکدر دیو  
 دقتدار سابق ابراهیم پاشا قیوجیلر اوطه سنه اندن یدی قله یه وضع و مال طلب  
 اولندی و چاقرچی باشی شیخ زاده شیخ الاسلامه اطاله ایدوب امون مداخله ایدر  
 شهر پردیو حبس اولندی ماه مزبورک اون دور دتاه صنعی زاده عزل و خواجه زاده  
 علی افندی استانبول قاضیسی اولدی کذلک عصمتی غلطه دن عزل و شامدن معزول  
 فتوی امینی شیخ زاده ادرنه پاییه سیله غلطه قاضیسی اولدی و سعدی زاده ادرنه  
 قاضیسی اولدی و اواسط شعبانک چاشنکیور باشیسی ایتمش مکتوبلر کتوروب مضمونه زادن دن  
 سابقا ساجدار پاشانک چاشنکیور باشیسی ایتمش مکتوبلر کتوروب مضمونه زادن دن  
 قندیه یه اوج بیک مقداری کافر کچوب سردار دخی عسکر ایل قندیه مقابله سنه  
 یکی بنا اولنان قلعه اوکنده که ماینلری دروت بیک آدم که تمام بر میل شرعید راو تور رکن  
 قندیه کفاری دخی اول ملا عینه منضم اولوب برکون چیقوب اور دویه قصد لری  
 مقرر اولد قلعه سردار تیقظ ایل اوج کون تمام آتلا کر لو ننبیه اولنوب جمله عسکر ایل  
 بکلندی تا که برکون وقت غروب یه ملا عین چیقوب تابور دوزمه که اشتغال ایتدیلر  
 علی الصباح جنگ و مقابله اولنوب یعون الله تعالی ملا عین منهنم ونجه سی مقتوا اولدیلر  
 اتتمش دیل طویلوب بقایا سی قلعه یه قاچدیلر و عسکر البتله و طنیزه کیمه رزیک عسکر

کلسون دیو ابرام ایتد کلرلنه سردار روز قاسمه ایکی آی قاله رق اجازت ویرمک اوزن  
 قهند ایله تسکین ایلش حالا مجد داعسکرک کله سی مهندردیو تحریر ایلش قره چلبی زاده یه  
 کلان مکتوبله مسطور اولان بودرو تودن قلعه سی احوالی سوال اولند قد مزبور دلی بیرام  
 مشویه جواب ویردیکه سابقا فتح اولنان قلاعدن مذکور تودن قلعه سیکه دو نیمای اسلام  
 آسایش ایدر جنگ لیان اغرنده واقعدر مکمل نفرات و مهمات واریکن وزیر مراد پاشا  
 خاصکی لک اعتبار یله ساینه اغا لغه کوندردیکی احمد اغا نام منسلط و نازان یکر می  
 مقداری فرقه دو زوب لوند ایله دو نادوب قورصا نغه کوندردیکه که حربی و معاهد  
 ویرلکه مسلمان کیلری سیله اللری نه کیر سه صاریاوب آلورادی و پیدا ایتدکاری طویلقدن  
 کندویه حصه کتورور لایش مذکور تودن قلعه سی نفرا تی دخی اول فرقه لره کیروب  
 قلعه خالی قالدیغی کافر طویقد کیمه کوندروب بر هجوم ایله استیلا ایلش و حالا کفار  
 کیملری کیرد اوکنده کزوب قطع طریق ایدر لردیو خبر ویردی موأخذه اتباع مراد پاشا  
 ماه شعبانک منجم باشی و یوق داق زاده منکوب اولوب بالاخره منجم باشی چاوش باشی  
 منزلندن قالدیری اوب یدی قله ده محبوس اولان شیخ اوغلی عبدی اغا که چاقرچی باشی  
 ایکن مفتی بهایی افندی یه اطاله لسان تهمنی ایله موأخذه و حبس اولان بی اد بدر  
 اسکدار قاضیسی هاشمی افندی یه تسلیم اولوب سورلدی وارد اولمشید بکه ابریمه نفی  
 اولنه لری ایتسی ابریم عفو اولنوب نهایی ایکیسی دخی بودیاردن طمان قالدروب و بی  
 نشان اوله لرشویرلکه بر دخی بوحوالیده ظهور لری استماع اولنه حقلندن کلنک مقرر در  
 دیو بیور لیش پس منجم باشی حج شریف بهانه سیله و چاقرچی باشی مسقط رأسی اولان  
 انقره ار زوسیه نابید اولوب یوق داق زاده دخی مراد پاشا ویردیکی پیاده بیکلکی نزع  
 اولند قدن صکره باش چاوش اولان عنبر چاوش حبسند قرا ایلدی قصه نامه  
 همایون بجانب چا سار نجه مقدمه نجه یه تجدید مهاده اچون ایچی چقار لغه  
 کیدن آدم ایله نامه همایون ارسال اولنوب عادت قدیمه اوزن سنکه نجه ایمپراطور یسن  
 یازیله کلکه یه دفعه دخی القاب و خطاب غیر مفرد صیغه سی اوزن سنکه دیو یازلد یغندن  
 غیری ایمپراطوری دینیموب قرال القاطی یازلد یغندن نجه قرالی متکدر و برو طرفک  
 ضعف واختلالی ملاحظه سیله منشر اولوب قرال تعبیری و سنکه لغظی کافره کران  
 کلکه ایلیجیسی یچدن حرکت ایتشیمکی کیر و دوندروب واران ایچی بی دخی یولشد رمیوب  
 معاهده مطلوب ایسه نامه یی سرکه نجه ایمپراطوری القایله یازسونلر دیوب نامه ایله  
 ایچی یی کیر و عودت ایتدردی قاصد دخی چیقوب بدوند سیماوشن پاشان و ادرنه  
 حوالیسنده مراد پاشا دن مکتوبلر آلوب اعلام حال ایتدکه مشاؤون اولنوب عصر مردارا  
 عصر پردیو نجه استرسه نامه یی اوبله یازوب کوندردیلر کیفیت وصول امداد یخیر  
 کیرد قیودان حید اغا زاده بوغازدن کیمله کیرید ذخیره و امداد کتورمکه ما موراولمشیدی  
 شعبانک اون سکرچی کونی بکار ایل قندیه مقابله سنه اولان کوچک قلعه التنه وار دیلر  
 اوج یکچیری چاوشی دورت چور باچی یوزاللی قدر نفرا ایل طشره چیقاروب یوزیکر می یدی



کشته اوج يك اوتوزیدی چوقه قرق اوج چغت مشك یوز تیش اوج ارغه قریه سی بر مقدان  
همانی عجله ایله طشره بر اغوب دریا طرفه برایی کافر کیلری کور مکه صقلاری باشلارند  
گیدوب عجله دمر آلوب کیر و سا قریا بنه چکد یروب کتدی یار عسکر ککی کینده قالوب  
چقه میوب طشره چیقانلردی ذخیره و نعمولق و سلاحی اله میوب بر مرتبه خوف ایله  
قالقدیلر که جزی رده اولان عسکر جمله سب و لعن ایتدی لر غلبه سردار کفار کیرید ماه  
شعبان خلافت قندیبه جنرالی طرفدن دفتر دار کفار مثابه سنده اولان ملعون ابدی  
بر نیجه بطارقه ایلک ایله چیقوب سرداره بولشد یار سردار شجاعت شعار دخی اناب دشمن  
ایچون مزین و مسلح لشکری صف اندر صف دیزوب اوردویه ترتیب و آرایش و پروی ایلایو  
بولشد قریه نتیجه شقاوت بولید بکه نیجه به دك جنگ و آشوب اوله مالاسزده مقدمه اخذ  
و محبوس اولان جنرال اوغلی ایله زده اسیر اولان ایا مون بکنی و سائر سزله طو تساق  
اولانلر ایله زده اولان اسارای مسلمینی مبادله ایدوب بعد الیوم قاعده مقننه  
اولسونکه طرفیندن هر کیم طو تیلور سه اوچر یوز غروش بهایه کسیلوب سزدن  
طو تیلانلر یوز غروشتی و یروب ایکی یوزی به زم ایامار قومالندن تکمیل اولنه ایا مارقا  
دید کلمی قندیبه ده عینی ایله مالمده منجوان دید کلمی پرستش ایتد کلمی صمد رکه  
ملاعین اکا اموال کشیره وقف ایدب انکیچون خرائن انخاذا ایتش لرایدی سردار نامدار تمامه  
کلامرین استماع ایتد کد نصمکره بزجنرال اوغلی اطلاق ایتمز زو ایا مون بیکی خلاص  
اولق قطع امر امنرد کلدروزدن اسیر اولنلر ایچون دخی قطعاً آزرده خاطر اولمز زریار  
پوند لوجه الله غزائستند گلشن شهید و اسیر اولنلر ک اجراری علی الله در اگر با جمله  
قلعه بی نسایم و با لکلیه جزی رده دن قصید ایدر ز سکر سزه امکان و یروب مامن  
و مسکنه کتره ایصال ایدر ز غیری طریق ایله مصالحه قبولنه امکان یوقدر دیوب اسکات  
ایندی ایلایر جولبرین آلوب اسکات اولند قد نصمکره ملعونلر ک مرادی اردوده اسلامیاتی  
بر خوش تجسس ایتک ایش اطراف و جوانی بر خوش کوزدن کروب بر کجه علی الغله  
چیقوب شجنون ایتک تدبیرن ایتش اتفاق اول محله و نیک دوری طرفدن بر نامداو  
خروات بیکی ایله بر قاج بیک کافر آمد آه کیلری ایله گلش ایش انلرایله استمه صارا یدوب  
اردویی با صق خیالنه بروقت اختیار ایدوب اول وقت ایکی قیودان براوغردن چیقوب  
اوردویه هجوم ایتک اوزن قول و قرار اولنوب اتفاق بر کافر بعض سبب ایله ملا عینه  
بعض ایش ایش قلعه خمد قندن خفیه چیقوب سردار کلوب کفار که نه وقت  
چیقاققلین خبر یوردی و اسلامه کلوب وزیر اول نو مسلمان وافر رعایت و لشکری  
مها ایدوب یوم موعوددن مقدم چیقوب عسکری ایکی بولوب صانع طرف که روم  
ایلی اوردو کا هیدر پیاده و سواری عسکری جرار خصو صا بکچر لرایله کور حسین افا  
سکبان باشیدر اکا اعمار لیوب باقی عسکر کزیده ایله کندوسی صول جانب که جانب  
بمحرر آجیلوب اوردویی خالی قودیلر و قلعه دن چیقاق اعدا کتر کا هلر نه کینه کیر دیلر  
شعبانک اوزن التبی کونی کفار دخی مسلح و مرتب اون بیک مقداری ملا عین ایکی

۲۵۱ باوک اولوب ایکی قیودن چقد یار و اردویه هجوم ککوستر دیلر و صواولان علالری  
یکد کلمی کبی سردار غازی پوصودن چیقوب آردلین الوب سکبان باشی دخی چیقوب  
قفلانندن جمله ایدوب سیف قودیلر کفار بر جمله ناکاهی کوروب ایلر و سی اوردوی اسلام  
قفلاری شمشیر خصم استقام مقیر اولوب هر چند قاصغه هر طر فنه جان ایتدی لر غازیانو  
اطراف لاطه ایتکین نجاته یول بولوب مجموعی سیفدن کوب انجق سکبان باشی  
پوصودن کک حرکت ایتکین دشمنی صکره جه تعقیب ایدوب اول کروه مکر و همدن  
اوجیوز مقداری کافر اقتان و حیران ایا رودن ایریلوب طاعیلوب خلاص اولوب سائر  
طعمه تیغ بی درین اولدی لاشه کفار ایله دشت و دن طولوب ووجه ارض تن بی سر  
و سر بی بدن و خون سرخ دشمندن کورغر اولدی غزات جناب حقه حمد و شکر  
ایدوب سردار رؤس قتلان دن قلله لری ایدی بوغروه کبری و هجمه عظمی وقوعی  
بهری اوائل شواله استانبوله کلدی رمضان اوائلده قریه خانی عسکر تا قارایله برادرینی  
بغدان غارتنه کوندردیکی خبری کلدی و تاتان تابع اولان قزاق طائفه سنک باش  
خطمانی برادرینی در دولت کوندروب عرض عبودیت ایلدی احوال بوسنه مورخ دیر که بوسنه  
سرای اهلایی معافیت مقابله سنده نقره ما موراولد قلمی ایچون مقدمه ماکه لوا امانده  
و حسن یاشازمانده شهر دن مقدار کفایت سکبان جمع ایدوب امتثال فرمان ایتش  
ایدی سرخوش ابراهیم یاشاوغلی حسن یاشامیران ایکن مملکتی بوسنه مستر یج و آسوده  
اولوب حسن خلوی مقابله سنده بوصیف ایا مانده بی سبب عزل اولنوب ایالت بوسنه  
پروژه لی دفتر دار محسن یاشایه و یاش ایدی خراست سرحد ایچون معتاد اوزن شهر دن  
تفنگ انداز طلب ایدوب شهر لودخی هر تقری بشریک اچقه ایله که مایلنلرند  
جمع ایتش لدر سکبانلر طو توب یاشاوردو سنده کوندر لر یوکره یاشای مذ کورین  
بو آدمای اسنم بشریک اچقه بی جمع ایدوب نقد کوندرمک کرسزید که نکلیف  
مضماعف اولغین بو غائله نک دفعی باینه مشورت ایچون اعیان شهر وائمه بلد جمع  
اولد قلزله اچقه جمعه کسمنه رضا ویر میوب امکانی اولد یغین یاشایه انها ایتد کلرند  
بعض مفسد لار القاسیله بر باوک باشی سی ایله صا ریجه لرین کوندر رکه شهر لونک  
جهتترین طافیه اول لوندات دخی کلوب تفنگ اتغله شهر لوی طاعیدوب بر قاج  
مسلمانلری قتل و جرح ایتد یلر حتی سرائک مد رسارندن هر سکی حسن افندی معتاد اوزن  
پلا چقه کارند مطالعه به مشغول ایکن ایاغندن مجروح اولور یاشا بو حدی حالا  
بوسنه قاضی عریزاده حسن افندی به اسناد ایدوب عرض ایدر قیو کتخد اسی اوزون علی  
اغادخی صدر اعظمه یلد یروب حسن افندی ک عزلی فرمان ایتد کلرند قاضی زاده  
افندی دخی مالفوج زاده وغیری اعیان کلان مکاتبی شیخ الاسلامه کوندروب محمد یاشا نک  
وقبو کتخد اسنک قولی العا و ما هو الواقعی بیان ایله منلای عزل دن خلاص و یاشای عزل  
ایتد دیلر اما کاتب چلبی فد لکه ده دیر که بوسنه ایالتی سالف الذکر دفتر دار زاده محمد یاشایه  
توجیه اولند قریه بوسنه شهر لرین دفتر دار سابق مصلی بیک وغیر یلر امور و لایته



مداخله ایدوب حکومت قاریشوب فسادده ساعیندردیوازله سپیون امروپاش ایدی  
 مزبورلر واقف اولوب جمله سی بریره کلوب جبهه اولوند ماده سنی بهانه ایدوب شهر  
 خلقی دخی کند ولره اوید یروب جمعیت ایندی یلر پاشا طشرده بولمغله دفعه یچون  
 آدم کوندرد که برایکی لوند فی قتل ایدوب شهره قومازلر پاشا دخی بواحوالی در دولته  
 هر ض وکندوسی بهنکه سمتنه محافظه یه کندی بو طرفده بوستوی الاصل بعض کبار پاشا  
 قیو کتدن اسنی اسکات و قولی ابطال ایدوب اول ولایت شریر لرینک طرفی طو توب  
 بالاخره پاشایی عزل ایتدردیلر غریبه بواشارده خزینه ده ضرورت واردردیو منا صیدن  
 النان رشوقی پاشا قبول ایتیموب روزنامه یه ایراد و مصرف قید اولمق بد عتی ظهور ایتدی  
 یقین زمانلره دگ مرتشیدرد ییتمت ارتشا ایله نجه وزیر و پاشا قتل اولوب نجه لر دخی  
 معزول و مخدول اولمشیکن ضعف حال و اختلال احوال بر مرتبه یه واردیکه اول تهمت عد  
 اولنان مصاحبت مدار امور دولت قیلندی بواحوال بادی نظرده کرچه پاشا نک صلاح  
 وعفتندن عد اولندی لکن یدرشوت و کارکن ازان مصاحبت اولنلر دقلری مالک عشرینی  
 انجق دفتره کورمکله صوکی فسادده راجع اثار حماقت ایدی کی معلوم اولدی قتل منجم پاشی  
 حسین افندی فذلکه ده دیرکه مر قوم حسین افندی اصلند استانبول خاکی اولوب  
 سا بقار رئیس منجمین اولان شاعزاده ساعتی سی نحد چلبی یه مقارن اولمغله فن نجومی  
 برازندن کوروب اوائل حالند مالدار جزیه امینی امیر سعیدی خد متند کاتب ایله تهریس  
 ایدوب استادی و فائند نصکره رینه رئیس منجمین نصب اولندی یکریمی سنه دن مجاوز  
 تقویم چیقاروب اظهار ایدردی و فن احکامه راز و قوف تحصیل ایدوب قلت بضاعت  
 ایله تقویم انشا سنده نجه فقره لر کوستر و ب عوام پسند اولمشیدی صکره سلطان مراد  
 خان مرحوم بعض وقایع مزبور ی امتحان ایدوب استخراجی درست کلکله التفات  
 پادشاهی یه مظهر وادرمیدار یه لغی تعیین ایله امثالنه نسبت قدری برتر اولمشیدی  
 و فتنه مهارت کسب ایتشدردیخیل استمهار بولمشیدی سلطان مراد خان وفاتی سالنک  
 تقویمی حسین نامرادل فظی ایله استخراج ایتکله مصطفی پاشا زامنده خصوصاً صکره رده  
 مرجع اصاغر و اکابر اولوب ارکان دولت ایله لغت و اختلاطی عادت و مرشد وکیل  
 کائنات اولغی کندویه غصبت قیلوب حد فی تجاوز ایتیش ایدی سلطان محمد خان جلوس  
 سالنک تقویمده احکام مشهور اوللرنه القاب پادشاه اولان الفاظ لده بر حرف تعمیمه سی  
 طریق اوزن تقویم سال جلوس و فات ابراهیم لفظی درج ایدوب بعد الوقوع موالی  
 عظامدن برینک مجلسنده سزیه وقعه یی تعجب اشارت ایتدی کیرید کلرته تقویمی  
 کتور وب طریق تعمیمه یی کوستر مکه مهارتک کالنی اثبات ایله شهره ولوله و برمش  
 و کمال اهلیت ایله استمهار ی طمین انداز جهان اولمشیدی لکن بمقوله اسرار الهیه یی  
 کشف و افشاده یمن اولوب بعض فن قواعد ندن استدلال و استخراج ایله وقوف حاصل  
 اولدوغی تقد یرده دخی کتم و هضم لازم اولدیغنی بلیوب افشای اسرار ایله مباهات و افتخار  
 ایدردی و یونن صکره کندویه عظیم وجود و یروب کاری اولیان امور مداخله ایلدی

مقدمه اوزر اوو کلانک مستشاری و خلقت مصاحبت کندی اولمغه او کرمش ایکن توجه  
 محمد پاشا و زراولد قبه چند ان التفات ایتیموب صوفیانی انکار یوزدن بعض مرتبه ستم وجود  
 دخی ایتکله اندن روکردن اولوب اوجاق اغا لرینک سرافرازی اولان مراد اغا نک عرقه  
 کیروب قد یدن استناری اولان بالته جیلر و سرای عامره اتباعی و سلطنتیه مراد اغایی  
 ایچرو والد سلطان طرفینه تعریف و توصیف ایدوب اولابکچیری اغاسی بعد وزیر اعظم  
 اولسنه وسیله مستقله اولوب مراد پاشا یاننده خیل وقعی اولمغله هر امور نده مستشاری  
 ویاتندن بر آن منفک اولمزدیم و یارغاری ایدی کاهیجه بهایی افندی ایله کور شوب  
 سابقدن الفت و معاشرتی اولغین وزیر اعظمه سکا منقاد اولور و هر خصوصه متابعت ایدر  
 بر مفتی لازمدر بهایی افندی بر اهل کیف کند و ذوق و راحتنه مقید برآمدن فی مفتی ایله دیو  
 عبد الرحیم افندی کی بر فاضل دهری عزل ایتدردوب کندی قتلنه قتوی و برن بهایی افندی نک  
 مفتی اولسنه سبب مستقل اولدی سائر مناصب و توجیه هاند حل و عقد اکثر مزبور لر آئی  
 ایله اولدوغندن خلق باشنه او شوب کند و فی شاشوردی و خانه سی یاننده بر خالی بیره عظیم  
 بنامالد یروب هدف نیر طعن اولدی و مولیدن کینی قاضی عسکر و کینی قاضی ایتکله سائر لر  
 کوزنده دیکن اولوب اشاغی پاییه ده بمقوله امور معظمه یه مداخله سی خلقه خصوصاً علمیه  
 غایت کران کلوب درونی عدوت ایتیشلر ایدی بونا مقول حرکتلر ستر و هضم اولمق  
 ملا خطه سیله اصلند بکچیری اوجاغندن زمره بکتاشیانندن اپکن کندویه مدینه منور  
 پاییه سی ایتدردی لکن لباس مستعار کی اصلاً یا قشیموب حددن مجاوزی علامت زوال  
 ایدی کورنمش ایدی کندی بر رند و قلاش بکنور کن توجه دولت و اقبال و وفرت مال بصیری  
 باغلیوب غفلت دریا سنه طالیدی ظهور ایدر جک قضا و قدر حکمی رأی و تدبیرین یوزوب  
 عجم استخراج و کند و در دینه علا جدن عاجز قویوب کند و اهلیت نه پندار و اعتمادی اولمغله یوسال  
 احکامده خطای فاحش ایدوب بوسنه نک تقویمده دخی اسلوب سابق اوزن القاب حروفینده  
 علی طریق التعمیه وفات محمد لفظی درج ایدوب جلوسی تحقیق ایتکله خطای عظیم  
 ایتدی قاعده سی اولان طریق تعمیمه سنی کند و دن تعمیم ایدنلر تقویمندن بومعنائی چقاروب  
 اشاعت ایتکله خصم اننه سر رشته کیروب دیله دوشندی همجواری اولان قره چاوش  
 بکچیری اغاسی بولنوب خد متند بولندوغی بعض افندی لر تحریر کیله مراد پاشا عزلند نصکره  
 اغای مر قوم کتند ایتک ایله معا دردمندی اخذ و حبس ایتد کلری ذکر اولمشدر منجم  
 یاسیلیق بهایی افندی تعیینی اوزن حسن کفریه ویرلدی بر قاجا کون حبسند نصکره عمل ایله  
 اطلاق اولنوب ملکندن چیقوب آخر مملکتنه اذن و برلشیکن بیجان اجل کلوب بصیری  
 بغامغله بر بیره کیده میوب انجق یارقدیمی ساحدار کاتبی سر خوش اسمعیلک استنبه ده  
 اولان یالیسنه واروب اختفای ایلدی ینه حالی اوزن محتفی اولوب کند و فی شایع ایتسه ضرر  
 ماحوظ دکل ایدی اندرون همایونه اولان انساب قد یمه سنه مغرور اولوب لذت دولت هنوز  
 دماغندن کتیموب مهد علیا حاضر نلرینک اعانتی ایله ینه ظهور سودا سنده اولوب کاه بیوک  
 والد حاضر تلرینه کتند ایتکدن شکایتی و کاه کند سر کنشتی مشعرتد کره لر کوند مکه



کند و بلا سینه سعی ایادی تذکره لری خصم الله کیرد که قتلند در دیونفخص اولوب معلوم  
اولد قله بهایی افندیین قتلنه استیذان ایندی لرانلردخی اوله حدن باز بی ادیک ازاله سی  
معقولد ردیوب فرصتی غنیمت سیلوب اغماض ایند که رمضان یکرمی سکرچی کونی عسس  
باشی نفر اتیله ازاله سینه کوندردی مزبور حسین افندییک خزینه داری شکننده شاکردی  
اسمعیل نقل ایدرمش اکثریاطالع مولود فی الله الوب مطالعه ایدردی قتل اولنه جفی کوندن  
مقدم اولان اخشامه دخی بنه طالعنک زایچه سن الله الوب تأمل تام ایند کد نصکره  
دیدیکه طالعمرک نسیمیری یارن برنخس قاطعه کلک اوزن در یوقطوعدن غافل بولنوب بویالیله  
قالدی آخر ره کیده مذک بلیم نیجه اولور حالرم قاجره بونی مؤید و هم وخشیت استیلاسی  
واردالبته یارین سحری برقایق کتوردوب قارشتوانا طولیده برایکی آت حاضر ایله قارشتو  
یکوب باشمز آلوب کیده لم دیو ننبیه اینلش قارشتوانا طولیده آت تدار کچون سحری آدم  
کوندروب لیانده اوج چفته برقایق دخی مهیالیدی آت حاضر لند و غنک خبری کایچه  
صبر ایلدیلر خبر کلد که حسین افندی قایقه برخد متکار ایله کوروب اناطولی جانبته توجه  
ایلدی قضای ربانی یرین بوله حق ایمش اول وقتدن مقدس عسس باشی دخی نفر اتیله  
صندله بنوب استنبیه طوغری عزیت ایمش ایمش تخمینا حسین افندی دریا  
اورته سنه وارد قله قی جانبندن بر عظیم صندال استنبیه بوغازینه طوغری معهودیالی  
طرفنه کتدی یکی کوروب خوف سابق اوزن قلبنه رعب و هراس مستولی اولوب کوبخیلره  
بره مدد بحاله ایله چکک تیرجه وارالم دیو ابرام ایدردی صندال یالی یه یناشوب عسس  
باشی نفر اتیله ایچرو کوروب منجم باشی قتلند درد بویالیله اولملری تحویف و تهدید ایند کارند  
یالی صاحبنک آدماری خوفلرین شمدی قایقه بنوب حصان طوغری کندی بایکه دخی  
وارما مشدر دریا ده بولور سزدید کلرند ینه صندله کوروب حصان طوغری چکک یروب  
حسین افندی فقیرک قایقی هنوز حصان وارمزدن اول برق خاطف کی ایشوب قایقجیلره  
طون بره دیو خایقروب یناشوب درد مندی قایقندن چیقاروب صندله آلدیلر کله شهادت  
واسنغفار اید نیجه دک بوغوب اثوابی صویب جنه سنی دریا یه آتدی لیر قراج کوند نصکره  
موج بحر میشتی کان آتوب آشناسی کوروب تشخیص و دفن ایندی لیر ایتسی کون دفتر داروباش  
محاسبه جی و قسام الی یرمق واروب جمله اموالی تحیری و قبض ایندی لیر بوزاللی کیسه مقداری  
انجق میری یه آلنوب ایدکیوز کیسه لکدن زیاده التونی غار تکران ینفنه بخش قلندری  
اولدی حکمره احوالنه واقف بعض کسینه لروز بر اعظمه بهی سلطام بر شخص بکرمی سنه یه  
قریب در نام آور اولوب دایما جلب و تحمیل ایدی خصوصاً جلوسدن بروا شتهاری عالمکیر  
اولوب حرم همایوندن و وزاردن آلدی صره و کیسه لردن ماعد الارباب مصالحدن و مناصب  
و توجیهاتدن آلدی یدی سکر بوز کیسه اولور بونک مالی نیجه اولدی دیمکه غالباً شاکردی  
اسمعیل قالمشدر دیوانی حبس ایندر دیلر جبر او توز کیسه سن آلوب اطلاق ایندی لیر  
کاتب چلبی دیرکه تجاوز الله عنه مرحوم قدر شناس توده و الفته مائل خلقک  
مصلحتنه بولمغه ساعی طالب معرفت کسینه ایدی دولت علیه منجه لردن بونک دولتی

کورمش و فن تجومدن بهره یاب اولوب بوقدر دولت و عزت حضور مش کسینه معلوم  
دکدر امامورخ شارح المنار زاده دیرکه دولته تعین واستیلاسی و طمع وارثا سی  
یومر تبه ده ایدیکه نیجه الجیسی کلوب معتاد اولان محالده هدایسن توزیع ایند که  
مزبور ترجمان چاغروب هدیه استر لریخی دخی بزم بلدیکمز ارکان دولته معتاد قدیم  
اوزن اولانی دفتر موحبجه و برمش سزیه مرتبه نک صاحبی سر معلومر دکدر دیوخب  
کوندر دک الحینک جمله اموری بزم رایمز ایله کوریله جکدر بزم شان و مقامیزی خلقدن  
استماع ایندی لری دیو خبر کوندروب چونکه فتق ورتق امور شدی سزک الیه کزده ایمش  
یاسان اعلام و جنابکزه هدیه و یرلک خصوصه استیذان ایند لم دیوب قرالنه  
بلدر دک اولمق و لمطادث سفله یدیه حصوله کله نجک مصالحدن استغنا مزوارد ردیو  
وافر طعنی مشتمل مکتوب کلش بوند نصکره قرالنه سن لفظی ایله نامه یازلق منجم باشینک  
و آئی اولوب اول دخی نامه و الی بی قبول اتیم صلح مطلوب ایسه سزکدروما امیراطوری  
یازلسون دیو نامه بی کیر و کوندرمک فصیحه سنه سبب اولدی دیر لکاذ کرناه بوندن  
ماعد انکله دن بر کافر ییکی بالیوس نامه کلوب بولشوب علی العاده دیوانه او تورمق  
استد که اسکی بالیوس فریاد ایدوب بوکلن کافر انکله قرالنه الجیسی دکدر انک  
عملکتنده بر خارجی ظهور ایدوب برایکی مملکته استیلا ایددی نک آدمیدر الله اولان نامه یه  
نظر اولنسون بنده اولان نامه لک مهرینه و نشانیه بکتر می بن عزل اولما مشم بوکه یوز  
ویر لیموب الیقونوب قرالردن فحش استعلام اولنسون دیه کوردی مفید اولیموب  
منجم باشی جناب بالیوسی تمام خقلیموب دیوانه ایکسی معاو تورمغه اصد او فرمان  
ایتدردی له و بغداد قیو کتخدا زیدن و نصارا بطریقارندن خود مبالغ عظیمه مال آلوب  
اول طائفه لک جمله مصالحی کتدی و یدیه کوریاوردی بونلردن قطع نظریکیر یکیلر و وزرا  
مصلحنه قاریشوب جمله دن روم ایلی سواجل محافظه سنه اولان فضل یاشایی استانبوله  
کتور تمک ایچون خلایه سی کوچک سلطان حضرت تارندن که دختر ابراهیم خاندر مجوه  
یساطلو بر مکمل دونلش آت رشتوت الوب بعد السکینه سلطان طلب ایدوب آت  
والاتی استرداد ایتد که زیاده مذموم اولش ایدی قناعتی اولیموب مال قارون انظار ایتدیش  
یوبوزدن مفتیه صایتلوب او جوز قورتلدی مراد پاشا بر ساده دل امی آدم اولمغه سن قرق سنه  
وزیر اعظم اولور سن دیوب اولدی بونک اصابتلریشه فریفته اولد و غندن آلد انوب کندویه  
غرور و غفلت کلشیدی حتی قیوچی وزیر موسی یاشایی یشه بغداددن کلد کدی یدی قله یه  
قوبوب قتلنه مباشرت ایندی بعض مقربلری رحالیدوب سلطانم بودنیادر روزی آدمی قتل  
معقول دکدر بره نفی ایله اکتفا یورک دینلد کدی بن قرق سنه وزیر اولسم کرکدر دیو رفع صوت  
ایلدیکنی نقل ایدر لرتجاوز الله عنه اشهر و مضمان شریف و قایعندندر که عشر آخردی بیام  
پاشا سرائینک ایچروسی محترق اولدی و خان زاده سلطان اسکدرده خسته ایدی بوشاده  
مرخومه اولدی که زوجی معصطفی پاشا دیار بکروالیسی ایدی و بیوک میراخور مطعون فوت اولوب  
چاوش باشی بیوک میراخور اولدی ولیله القدرده مقلب الدوله سر حشیه متغلبان



الدین اغا که مدد العمر کاری مکر و خیل و عرک فتنه اولوب دورت دفعه تقلیب دولت اتمش  
بر داهیة عظیمة ایدی ذات الجنب مرصندن قوت اولوب اقتضای تبدیکه لشکری تحریک ایدر  
مهیاخت وجه مطلوب اوزن خصوله کلد کد نصکرهینه ارازی زمان انقیاده ربط ایلر بر خوش  
ضبط ایلر افراط و تفريط طرفلرندن تحاشی دائمی بخت قوی وید غالب صاحب تک رفیق  
بولد اشی اوتیه سی چقمز یوله کتمز مصاحتی غیر الیه کوروب کندوسی ایلر و سکر تزدانما  
خیر خواهلق یوزدن ایشیتور و وجهیه صورت حقندن کورینور بکتاشیلرک پیری و جملہ دن  
زیاده علم و صاحب تدبیری ایدی اکثر امورده یکچیریلر ایلر متفق الزامی اولوب سائر غالب  
مکملکله استمه اربولر قاری بو قوجه تک رأی و تدبیری ایلر ایدی فوتی ایلر او جاغ تک نظامی  
حد اعتدال دن چقمغه باشلوب اختلاف ارا ایلر عاقبت کاری پنه منجر اولدوغی محندن  
ذکر اولنسه کر کد رشوالک اون برنده قیودان حیدر اغا زاده معزول اولوب پیری ردوس  
بیکی علی پاشایه ویرلدی حدوت برودت درمیان وزیر و اغایان او جاق بکتاشیلان  
یوماه شوالک واسطندن صدارت عظمی طلبنه متعلق حرم خاص طرفنه کوندلش  
برتن کره طو ثلغله باش دفتر دار سر نازن پاشای صدارت عظم عزل ایدوب سابقا یکچیری  
اغالغندن بولی سنجاغنه چقان میر مصطفی پاشای باش دفتر دار ایلدی اما سور نازن  
مخصوص کتخابک نصب کرده سی اولغله جملہ او جاق اغالری بو خصوص دن  
متالم اولدیلر و مخصوص و سائر امور کلیه و جزئیہ ده وزیرک مشیرلری اولان کتخدا سی  
دیار بکرلی غده کتخدا ایلر رئیس الکتاب موقوفاتی محمد افندینکدر دیوب ایکسینه ده غرض  
ایلدیلر بوشاده باش خاص کیلکدن صمکصونجی باشی اولان عمر اغا بر کون رئیس افندی یه  
وارد غره شهره و مواسمه متعلق بر سوز آچیلوب رئیس پمشخته سی اوزرنده تقویم  
و ارایمش آلوب نظر ایدوب غره فلان کوندرومدا کره اولنان فصل نه ایسه جواب  
و یروب صمکصونجی باشی عمر اغا اول ترک ایتبر مجلسدن قلقوب طوغری صاحب ظم و رزمان  
کتخدا اییکه واروب بهی سلطاننه او تور رسن مخم باشی دبه لندی دیو آسوده می اولور سر  
حال رئیس افندی مخم باشی دکلئ انده تقویم فلان اولور فلان اولور دیو خبر لوریر مکده در  
دیش اصحاب بصیرت یوندن عبرت الملو در که جهال او کنده بی محل بر حرف سوبلک  
واحکام و تقویم دکل روزنامه مقوله سندن بیله بر کاغذیان کوستر مک خطای عظیم دیو فنون  
مشهور تک اعداسی چو قدر و اکثر خاق اول یا بلورده نادان اولغله اصحابه اسات ظن  
ایده ک محل تهمت اولدوغیچون قول و فعللا احتراز واجتناب لازم در چون دفتر دار عزل  
اولندی خلق اغالردن دکتیر اولغله وزیر ایچرودن بر یکچیری اغاسی چیقاروب اغایی و کتخدا  
بیکی دخی معزول ایده حکمدر دیو اراجیف پید ایتدیلر اغالر ایشیدوب مستشعر اولوب  
کیجه ده و کوندزده اکثر بره جمع اولوب نصف شوالده که یوم تلشادر دیوانه چوریا معملک  
تدبیرن ایتدکاری وزیرک مسجوعی اولد قده اول کون دیوان اولدی هر وجه له کبراء دولت  
پیننه شقاق کیروب ایرتسی اربعا کونی جملہ سی اغا قیوسنه جمع اولوب مفتی کتخدا سی ابراهیم  
اغایی دخی انده کتور دیوب گفت و شنید ایتدیلر سلسله شوالک اون ی دیسناک صدر روم ملک

زاده عزل پرنه قبه قولق زاده و اناطولی صدری حسام زاده معزول و پرنه قدسی زاده  
نصب اولندی و روسوی اسیری محمد افندی مصر دن عزل و حسن افندی زاده شام دن  
مصره نقل اولندی و شام بستان زاده بلند احمد افندی یه ویرلدی و سلیمانیه دن  
ابوسعید زاده احمد چلبی سلا نیکه و ابوالسعود زاده چلبی حلبیه قاضی اولدیلر و محندن اشافه  
سلسله نأ خیر اولندی صوفیه قاضی سی نفس زاده مرحوم اولدی و التمثلی مدرسلرندن  
از صرومی ابراهیم افندی که جانبولا زاده خواجه سی دیملکه معروف و ملهمی مخلص  
ایله متعارف فضل و علم و حسن خلق و کمال درویشلک ایلر و صوفی در جوار رحمته انتقال  
ایلدی علوم عقلیه و نقلیه ده یکنه و بی ثانی خصوص صاریا ضیاع علی قوشچی یه مدانی  
رجل فاضل ایدی مفصل تاریخ نالیف ایدوب ملوک روم و افرنجی بیله درج ایتمشدر او جاق  
اغالری تک اتحاد و جمعیتلری و تسلط و قوتلری کالده اولغین وزیر اعظمی عین اعتبار  
الدر میوب کندی ذوق و صفالرنده دادوسدادرینه مشغول اولوب هر کون برره  
عیش و عشرته کیدر لر دی شوالک اون یدخی کونی طوب قیوسنده کتخدا اینک  
یا نجه سنده پنه بر عالی صیافت ایدوب مشورت ایتدیلر مورخ دیرکده بوقطعه تک مضبوطی  
روز و شب حسب حاللری ایدی قطعه چارچیراست دردماغ مفیدیه زآ و از مرغ خوش کفتار  
غلغل جام و چک چک زرو سم چب چب پوسه کار تک تک شلوار اما صدر اعظم اغالره ظفر  
بولغی متعسر کوروب بالضر و رعلیم پرنه سعیدن فارغ اولوب مابینلرینه توسط ایدن  
مصاحبونک کلامنه کوش قبول طو تمق سمیتی کوستروب انلرده اصلاح ذات الیینه  
سعی ایدوب مصافاته مؤدی اوله حق سوزلری بسط ایدوب نیاز ایتد کلرنده وزیر و قورانه  
خطاب ایدوب بهی آدم زانلره نه ایشلدک نامعقول نه وضعیز صدور ایتدی بریزه  
طالب اولان رفیقیزی انلرک خاطر یچون قتل ایتیموب عزل ایلر اکتفا ایتدک دخی حسن  
معامله و مواسات نه شکل اولور نیچون نادانلق ایدوب مجامله قدرنی بلر لر دیو روی  
التفات کوستردی وزیرک بوقدرجه لطف معامله سی اغالره فی الحال ایریشوب اراده  
واسطه اولان آدم لسانیه صاحب دولت بزم افندی زدر دایما انلره خیر اولانی استرز  
بومقاملورده بزدن معقول خدمتکار بولوب استخدام ایتک ممکنیدر و بزه لازم اولان انلرک  
رضا سیدردیو وافر مدانه و نفاق آلود خبر لرین کوندردیلر مابینلری اصلا حیه یوز  
طو تمقین ایرتسی که شوالک اون سکر نجی سبت کونیدردیوان اولوب صدر اعظم  
دیوانه یکچیری اغاسنه و کتخدا اییکه تطیب خاطر معامله سین ایدوب اغا و کتخدا اینک  
وسا ئلری د کشملک احتمالی یوقدر بونی معنی سوزلر ایشد لمسون همان بر خوشجه  
خدمتکرده اولوب بعد الیوم بومقوله اراجیف اولسون دیملکه شقاق صوری مرتفع اولوب  
اغالر دیواندن مسرور چقدیلر همان ایرتسی کون کتخدا اینک طوب قیوسنی باغچه سنده  
ضیافت ترتیب ایدوب وزیر اعظمی دنوت ایدوب وزیر دخی کلدی و سائر اغالر دخی جملہ  
انده میوب ایچوب امر نکریم اتمامندن صکره وزیره آلات زیننه مستغرق آت چکلدی  
وکیل السلطنة العظمی قول کتخدا سی ضیافتنه وارمق و قول کتخدا سی وزیر دیو دعوت



ایمک غیر مسجون المثل بر غریبه در که بود و بر عجیب خصمای صندن اولش در دفتر دار لقطن  
 عزل اولان سورنازن مصطفی پاشا در نه یه نفی اولمشدی قیو جی باشی بویاجی حسن اغا  
 عقبنجه کوندرلد که اوجاق اغاری قتل ایچون تعیین اولندی ظن ایدوب خیل خوف  
 واندیشه چکه مشر ایدی مکر روم الله اولان امو الله محمد الفی امرن کتور مش وزیر اغار ایله  
 بارشد قده شفاعت اولنوب بویاجی کیر کوندرلدی سورنازن پاشا ایسه شیخ ابراهیم افندی یه  
 آدم و مکتوب کوندروب حقیقته سویلن سوزدن نهری کوستر وب ایچ و کوندر دیکی کاغد  
 ساخته درد دیوان غلاظ ایدوب وزیردن استعطاف ایلدی شیخ ابراهیم دخی پاشایه اکوب  
 صفور جالید که پاشا ملایت کوستر وب بزه اول مقوله بر تذکره سن کتور دیلر لکن اعتماد ایتدم  
 یعنی دفع از حقیقه بناء ایدی دیش شوالک یکر می دور دن قیودان جدید علی پاشا استانبوله  
 کابو واصل اولدی ذی القعدة نک سکر ند اوج سنه کیرید محافظه سی شرطیله ابتدادن  
 التیشرا حقه ایله بیک نفر سیاهی یازیلوب قیودان پاشا بوجدید سیاهی ایله قیودان ایچنده  
 سائر مامور اولان عسکر ایله کیرید اولشدر مق فرمان اولمشیدی او ن ایکسند مامور  
 اولان عسکر که مصطفی پاشا زماندن بر اولان کتاب وز غما و چاوشان و یکچری اوجا غندن  
 دورت اوطه نغری ایله وصاع وصول علوفه جی بلو کیری تخمینا دورت بیک قدر عسکر کیاره  
 کیروب مهیا اولدی لرون سکر جی کونی اون سکر قدر غه طو نایوب قیودان پاشا کندینک  
 بیک کیمی ایله آق دکره واته اولدی طشره بیک کیمیری دخی بریکوب ساقز لادن کیرید  
 واروب بوقدر عسکر ی برکنان چقار دقد نصکره سنه آتیه او ائله سلامتله دوندی لرقیش  
 فصله ایله جمله بر هفته ایچنده بوجهله سر بعداد و نما چقد و غی معهود اولنوب وزیرک نقد  
 و همی سبیلله نسیر الهی تسهیل ایلدی مورخ دیر که قیودان علی پاشا اردوس سنجاغنه  
 متصرف و امر ابحریه دن اولوب شوال آخر دن استانبوله کلد که کندویه وزارت ویرلک  
 مراد اولنوب توغ جائزه سی قرق بیک غروش ویرلک مقتضی او اغین وزارتدن بالطوع  
 اعراض و همان زی قدیمیه قالمق اوزن التماس ایدوب تعیین اولنان عسکر و ذخیره ایله کیرید  
 کوندرلدی وقعه از میر چون بواشارده هر بر طرفه بر طرفه تسلیط ظلمه منافع دولتدن عد  
 اولنوردی از میر و اطرافنده اولان سوا حله کغان خنطه بیع ایدرلدیو حالا وزیر اعظم کندی  
 چراغ لادن انقره پاشا سی ابراهیم پاشای لوند اتیله از میره وارغنه و بواحوالی تفتیشه تعیین  
 واول دخی واروب شهر لویه قوناق زحمتن ویروب بویهانه ایله شهر دهنه مقدارانبار واریسه  
 مهر لوب احباب غلالی حلق مثالی و عدیلر ایتد که شهر خلقی جمع اولوب از میر قاضی سی  
 سمرولی یه کوب بونه اولمز ایشدر دیو دفعی التماس ایتدی لرقاضی دخی چان ساز لقطن عاجز  
 اولغله جمع اولان خلق پاشا قوناغنه دوغری یور ییوب بعضی سوا حل لونداری دخی  
 بونلرک کروهنه واروب قاتلد قیودان مکالمه و مجاوره محاربه یه مؤدی اولوب طرفیندن بعضی  
 سقطلق اولغله پاشا قاضی بر برین عرض ایلدی لرون وزیر اعظم بنم متعلقا تمک اوزرینه جمعیت  
 ایتدی ووب آدم لرن قیودر مش دیه قاضینک عزلی مراد و اتمام ایتدی معنی بهایی افندی  
 قاضی نک بوبابن جرمی ندر دیو نماعت ایدوب بالاخره دفع نزاع ایچون عزل ایلدی و بو

پاشا ده وزیر مقاطعات دن زواید و غیره وظیفه خواراری تیر نهانه سیه قطع ارزاق  
 هنریت ایدوب سورلدی سوز ویر لیه دیو امانیه نیمی اولندی وقعه ایشیر پاشا یاد روزیان سابقا  
 شام سوا حله صید و بیروت مقاطعاتی اویاق طرفندن جمع و تحصیل ایچون یکچری  
 اغاسی طوب قبولی مصطفی اغایی کوندر مشیدی وارد قده جمعنه مباشرت ایدوب  
 اکثر محصولات معن او غلی متعلقا تندن میر ملهم و علی بیک یدنه اولوب و بویاجی  
 شخص دعوی جاهلیت ایله بر برینه خصم اولغله علی بیک ویده جان بنه واروب ملهمندن  
 شکایت ایتدی ویده ملهم ذمتنه اولان مالی طلب ایتد که خبر کوندروب مع زیاده سوز  
 بوقدر مال ویره یم خصم علی بیک بکاتسایم ایلاک دید که طوب قبولی رضایرینه و اوجا  
 اتجا ایتشد ر تسایم ممکن دکلدر ملهم دخی مغیر اولوب حربه اوجیلده بر مقدار مال ویروب  
 اکثر ندن تغافل کوستر مکه اتباعی یا نه جمع ایدوب مهیا طور دی ویده احوالی اغار  
 عرض و اعلام ایلد که آستانه دن بالفعل شام بکیر یکیمی ایشیر پاشایه امر لکوندر یلوب  
 شام عسکر یله چیقوب میر ملهم اوزرینه سفر نامه یله جمعیت ایدوب کندویه آدم کوندروب  
 مالی طلب ایدسن ویر مکه تعلل ایدر سه اوزرینه واروب حقندن کله سن دیه مامور  
 اولغله پاشای مذکور دخی پیاده و سوارا تبا عیله شهر دن چیقوب شام قوللرین دخی  
 آلوب ملهم اوزرینه توجه ایتدی بوندن اقدام ینه اغاز سوقیله چول بیک عساف کد باعن  
 جد چول بیک و ابوریش نسلندن ایدی عزل اولنوب یری اگر ادن زاجنی یه ویرلدی  
 عساف دخی قبیله سندن کندی اتباعیله ملهم طرفینه واروب متفق اولمشرایدی  
 ایشیر پاشا نک حرکتی خبرین شام یاسوسلری مقدمه ملهمه کورتور وب آگاه اولد قده  
 دورزی عسکرین سوروب یل اوزرند واقع رصعب محله یه صویه قویب نفکچی و پیاده لرن  
 بالای کسان دیزوب حاضر دور دی ایشیر کال غرور و شجاعت ایله دورزی بی کوزه صالدر میوب  
 مقدمه تجسس و احتیاط طله قصور ایدوب شام قولی دورزی ایله یکدلدر دیه سو ظنه  
 پناه کیر و دمدار تعیین ایدوب اغر لغنی ایلر و سوروب آردنجه اتباعی و مرتب و مکمل  
 قیوسی ایله کند ویروب کیدر کن دورزی لرن کین کاهلری اوکنه وارد قلی کی بالای جبالدن  
 تفنک یاغدیروب ملهم کندوسی کینه اولان دورزی خیمه لریله چیقوب ایشیر عسکر ی  
 خافل ایکن اوزرینه دو کیلوب اغر لغنی لحاطه ایتدی لرن جنک پیوست اولوب تیغ و خنجر ایله  
 یقه یقه یه کیر دیرلر شام قولنک پاشایه غیظ لری اولغین اهرام صورتنه دونوب  
 کتدی لرون دورزیلر ایشیر پاشای احاطه ایدوب جنک ایدر کن شیوخ دورزیه دن شاهین  
 نام بر خیمت بیروا ایشیرک اطرافنی محیط اولان عسکر ی ایکی یولوب اتیانه ایر بشوب  
 الله اولان عقو و خنجر ایله حمله ایتد که ایشیر پاشا ایله خنجر ی طو تند قده اوج یار مغنی  
 طوغرایوب خنجر انوب ذانوسنه قریب بوطنه زخم آچوب اکره میخلفدی ایشیر و زخم  
 شد تیله اتندن دوشوب تکرار آتینا شدر دیرلر نوب کال دلاور لکه اول مهادنه جان  
 آشوبدن کان چیقوب لشکر منورم و اغر لغنی یغمالنوب منور ماشانه عودت ایلدی ایشیر  
 پاشا بوسورتدن زیاده مقام اولوب واقع حالی در دولته عرض و حلیب و شام اطراف مالک



هنگامی مأمور بودند و سردار اولی اوزن اعلام ورجا ایشانند که مساعده اولنوب قیودانانقدن  
 و یاز بکر والیسی اولان حیدر اغازاده محمد پاشا ایالتیله و حلب پاشاسی موسطاری مصطفی  
 پاشا و سائر اناطولیله اولان اصحاب تیمار جمعه ایشیر پاشا معاً و نفعه مأمور اولوب  
 گندویه شمشیر و خلعت و مقرر نامه ایله سردارلق امری کوند رلدی اما بعضیله بودند بیری  
 تزئین ایدوب عقلانجه قیاجینی بولدیلر صکره قوتدن فعله کلیوب منافع اولدی تفصیل  
 بوکه ایشیر پاشا و سائر امریه اوامر علیه و رود ایدوب تدارک اولد قورینی میر ملهم استماع  
 ایتدکه او جاق اغالینه نیاز نامه لر یازوب نقود بسیار ایله آدم کوندروب بنم یو بایده  
 مجرم یوقدر اوزریمه کلوب تعدی ایتدی ذمتده اولان مالی زیاده سیله ویردم دیوبندل  
 مال ایله مراجعت ایتدکه بکتماش اغا و کتخدا بیک و غیره ایشیر پاشایه شفاعت نامه لر  
 یازوب تائب اولان مالی تضمین شرطیله ارا لینی اصلاح اچون چور باجی دروزی مصطفی آغا  
 تعیین اولنوب و او جاق خلق و یکچیری قوللرم رجالتکله صلح و صلاح اولنده دیو او امر شریفه  
 دخی اصدار قلندی تعیین اولنان اغایدیله امر عالی و شفاعت نامه لر ایشیر پاشایه  
 وصول بولد قی ضروری فارغ اولدی غارت و تلف اولان اشیایسی دفتر اولنوب جمعه دن  
 اللی عدد داودی زن ملوکانه و سائر اشیایوکه کون جمعه سنه قیمت تعیین اولنوب  
 مباشر مر قوم ایله مله مه کوند رلدی که اول مالی تحصیل ایلیه و یوده طوب قبولی و مباشر  
 مزبور او جاق اغالری جائینه حددن افزون مبالغ آلوب کند ورا چون دخی اون بیک غروشدن  
 متجاوز نقد وهدایا آلوب ایشیر پاشایه ویریلجک مبلغی تدارک ایدوب ویره چک اولدی دیو  
 پوش سوزایله کلوب کتدیله فقط مله مدهن پاشایه بر قاج آت کتور دیلر ایشیر قضیه نجه  
 اولدوغن ییلوب اوصاف اغالرنیک تسلطی فهم ایتکله ناچار مضیم و سکوت ایلدی غریبه مقدا  
 یازیلان بیک نفر کزیده کرید سپاهیلرنیک ساعدار بلوکنه کتخدا اولان الله ویردی کتخدا سردار  
 پاشادن عرض ایله بوماه خلافتده در دولتته کلدی مضمونی بوکه مزبور کزیده سنه دورت  
 پیش سنه دن بر و واقع اولان جنگلرده الی التمشدن زیاده باش و دل کتور و ب محاربه لرده  
 اون بشدن زیاده اثی دوستدیکندن غیره نجه دفعه یان لنوب ایکی اللری تفنک ایله  
 اوریاوب مجروح اولغله وجوده کلان خدمات کثیره سی مقابله سنه یومی او تو زانجه  
 وظیفه تقاعد احسان بیور یله دیلمش نفسنده مزبور ک صانع یری آرقالمشیدی وزیر و اوروب  
 عرضی ویردکه اظرافدن ابرام کونه رخا ایله کوجله بشی اچیه رقی ویردیله با خصوص یکچیری  
 او جانندن اون بیک قدر نامستحقک اکثری قرقرا لیشرا قچه تقاعدلق پرل احوال کرید  
 جزیره مزبور شر قیسنده استینه نام حصا رهنوز کفار اند اولوب کر چه طشره قرا  
 و فوا جیسی مقد ماحیب اغا اید یله ضبط اولمشیدی اما قلعه فتح اولنوب بو آتیه دگ  
 قالمشیدی قلعه بناسی تمام اولوب عسکره اجازت ویرلد کد نصکره سردار غازی بالذات  
 توجه قصد ایدوب شعبانک اون او چینی کونی قندیه یه بش یان سفینه ایله یوزیکرمی  
 پیش آت و سکر یوز فرنگ و خروا ت امداده کلوب طشره چقمغله کیر و توقفا اقتضا  
 لیدی اول سینه محافظه اولنلره امداد اچون اشچی علی افایه برا ز یکچیر قوشلوب

کوند رلدی

کوند رلدی حبیب اغا ایله علی اغا حصا ر مزبور جوار نده نجه جنگلرایوب جمعه سنه غالب  
 کلدیلر و قلعه بی محاصره ایتدیلر لکن کفاردن امداد کلوب رمضانک ابکچی کونی پره پره حصاری  
 اوزرینه دوشمکله واروشی جنگنده مزبور حبیب اغا شهید اولوب بلوک اغالنی محمد  
 کتخدا یه ویرلدی بالاخره بیک قدر کافرا سنینه قریبده جنگنده منهنزم اولوب صعب  
 و سنگستاندن محاربه ایتد کیری حینه غازیلر قلیچ قویوب عصر دن عشا یه د کین بشیوز  
 قرق اسیر و یکر می قیودان و برجنرالی قتل ایتدیلر و مادرین پادروید کیری ملعون دخی  
 یان لنوب بالاخره هلاک اولدی و طقسان قاققون درزنجیر اولوب بشیوزناش ایله  
 منصور اکیر و دونلیدی عید اضحی عرفه سی کون محمد اغا بود کلو اسیر لر و باشلر و بیراقلر  
 ایله سرادن کلوب التفات ایله بهره مند اولدی ابتداء شکار سلطان محمد خان مورخ دیرکه  
 ماه ذی القعدة نک یکرمی برنجی جمعه کونی پادشاه جهان میر اخور کو شکنه و اردیکه مهر کاغد  
 خانه کارنده در بوستانجی باشی حاضر اولمش طو شانلر و دکتور قویو و پروپ آردنجه تازیله صالوب  
 تماشا ایتدیلر اساق بر خرکوش آردنجه بر تازی صالدر قلندر خرکوش ایلر و قچیموب کندونی  
 نههه پرتاب ایدوب یوزمک جانب آخره کچوب تازی اسیمندن خلاص اولدوغن کورد کلرنده  
 بوستانجیلر لکر ارقعجه کلب صالمنق مراد ایتدیلر پادشاه خرکوش ازاد اولسون دیه تقیددن  
 منع بیور مشا راینک اتفاق بیایی بر زغریر و جاننده بلنوب خرکوشه صالیدی طو شان سمت  
 خلاصه دخی دشمنه دوچار اولد قده دونوب ینه کندونی سویه آوب زغر دخی بنشوب طو شان  
 طوب کوشک اوککه چیقاردی بوستانجیلر اوشوب زغر طو شان بر اقدروب حضور  
 هما یینه کتوردیلر مقدم مظهر نظر عفو خسرا فی اولمله برینه آسیب جراحات ایرماش  
 کرامت پادشاهه جل اولنوب حسب الاموال عالی طاع با شنه صالو ویریلوب نجات یولدی  
 و بو قضیه او کتاخان ایله کرک گرفتار قضیه سنک خلا فی اولمله پادشاهک عمر و دواتی روز  
 اقزن و بر خور دارلغنه استدلال اولندی وینه برقره قوشه طوغا نلر صال دیلر با شنه  
 اوشد کلرنده اولدخی هواده هر برینه حمله ایدوب تو یلرین یولا رکن طشره طوغا نجه لردن بری  
 بر شاهین صالوب هوا یه چیققد قده اینوب صاعقه مثل قره قوشی اوردی و بغلندن نمین ایکی  
 پان ایدوب بره ایتدردی پادشاه بیوردی اول حریفی ارضا ایدوب شاعنی اچر و آلدیلر  
 و طوغا نجه لکر کمنسره طوغان صالمنق استد کلرنده پادشاه مانع اولوب مرغ کم ازانی زنلدر  
 انجمنک دیو بیوردی بو حرکت شاهانه سندن دخی هنرمند اولنلره رغبتی و بی زیانلره  
 شفققی ظهور ایدوب کمال عقل و کیاستنه اوضح دلائل اولدی سابقا جوان قیوجی باشی  
 محمد پاشا نک ایام صدارتنده بغداد بکیمک پونه نام دختری آستانه یه کتور ماش ایدی بعد  
 کفار استدی که کوند رلدی که ترد اولمش ایدی مراد پاشا و وزیر اولد قده بکتماش اغا ایله رأی  
 و اتفاق ایدوب پاولا کی نام بر کافردن ایک یوز بیک غروش آلوب مزبوره دختری مجار قلنه  
 تزویج بانه اذن ویریلوب قری کوند رمشا ایدی پاولا کی مبلغ معهودی تسلیم ایدوب  
 قری آلوب مجاره کوتور رکن تاتار خانه متابعت ایدوب اول طرفه کزن قرق بیک قراغک  
 خطمانلری او غرنیه چپ قیوب پاولا کی الندن قری آلوب تزویج قلدیغنک خبری کلدی



دختر قزاقه نصیب اولد قه بغدادان یکی استانبوله بر مقدار مال کوندر ووب پاوالا کینک قغلی  
 رجا ایوب کتخد ایلیک اغفال رایتدر مشد رذی الحجه ده ابشیر پاشا ایله وقعه مندر اولان مله مندر  
 اعتداز نامه کلوب بویه عذر ایتیشیدی که ابشیر پاشا بزدن سکر بیگ غروش الله حق  
 خصو صدن سکسان بیگ غروش استیوب بزدن او تو بیگ غروش ورید دکن صکره محضدا  
 ینه بزم امارت طالع اولان علم الدین اوغلی دیکله معروف بی ادبک اغواسیله اوزرینه کلوب  
 رب جرم صورتان دفع صائل اولتیشیدی بو خصوصه مشورت اولنوب بالاخره اگرچه  
 اقرض دکل امام سنشاز دولت اولان بکتاش اغا نیک را بی اختیار اولنوب موسستاری پاشا  
 شامه ابشیر حلبه نقل اولنغه قرار ویرلدی ووزوم ایلی بکار بیکسی بیقلی مصطفی پاشا  
 کریده مر حوم اولوب روم ایلی ایالتی ساجیان پاشایه ویرلدی ارض و مرده کتخداسی اولان  
 قوجه بکراغ که مشهور در کتخداسی اولدی و ذکر ی سبق ایدن از میر غوغاسی ایچون  
 قاضی از میر سموزولی با فرمان وزیر عزل اولنوب کلورکن مسقط رأسی اولان بروسه یه قریب  
 بازار کوینده وفات ایتدی ارباب طریق بیننده کوب لقبی ایله مشهور بر طبعی ظریف جلدی  
 ثقیل آدم ایدی از میزهاشم زاده یه ویریلوب قوجه عیسی اسکندرا اولدی و شیخ الاسلام اراده سی  
 ایله دفتر دار زاده محمد پاشا بوسنه دن عزل اولنوب ایالت بوسنه طالا استانبوله بولنان داماد  
 پادشاهی فضل پاشایه ویرلدی و سابقا بوسنه آلائی بیکسی ایچکی زاده علی بیگ هر سگ  
 اولدی وزیر اعظم اوجاق اغالینه مدارا ایله مشغول اولدی وقایع سنه احدی وستین  
 والف محرک طقوزنه در دولتدن کوندر یلان دونمای همایون اللخی کونده کیردک ایاقصره  
 نام لیانته واروب عصر وقتند لنگراند از اولدی یلرا خنامه دك جمله عسکری طشره چقاروب  
 قیودان پاشا کیم یلایله ساقزه عودت ایلدی دیو خردان خبر واروب کلجه طشره دو کیلن  
 عسکر اول محل وحشت انگیزده اون بر کون او توروب سکر غروشته بار کیرلر طوب اکتزی  
 پیاده لوازمی ارقه سنه اون کون کیدوب ماه مزبورک یکر می برنده اوردویه داخل اولدی یلرا و اخر  
 شهرده مصبردن کوندر یلان اون قطعه قلیون دخی کاوب حایه یه ذخیره دو کدی بعونه تعالی  
 ما کولات و مشروبات مستوفی ییغلوب کیرد خلقنه رفه و غنا کلدی و کفاردخی عظیم تدارک  
 کوروب جمله قلیون و چکدری التمش پانکی چقار مق اوزن اولد و غنک خیری کلدی بوماه  
 ایچنده صاری احمد پاشا مصبردن عزل و قیوا غا لغندن چیقان خادم عبدالرحمن پاشایه  
 ویرلدی دور تیوز کیسه تقد بانه التوب اوچیوزی قول مواجبنه و یوزی صدر اعظمه ویرلدی  
 یواشانه عدم نظام بر مرتبه یه واردیکه ساجدار لغندن محمد پاشا وزارتله چیقوب ایالت  
 شام منصب و خاصلور دخی توجیه اولنوب قبه نشینلکه خط ویرلشیکن اصفا اولتیموب  
 بعد اللتیا والئی یالکزیو مقدار خاص ایله بشخی وزیر مقامند او تورمغه قرار ویرلدی  
 آمدن الخی و تجدید صلح با نجه ماه مزبورک یکر می التیسنه نجه تک اغرا لچسی کلوب  
 مکمل آلائی ایله استانبوله داخل اولدی ماه صفرک طقوزنه الخی مزبور دیوانه واروب  
 پیشکش چکدی و سابقا مرتضی پاشا مر حوم و ساطتیه عقد اولنان صاحبک بالائی تاریخده  
 تفصیلا مذکور در اول شرط اوزن محمد دا عقد نامه یازلدی مجادله وزیر اعظم ملاک احمد پاشا

باسیاوش پاشا چون بواشالده صورت اجتماعیه دولته علایم هرم نمایان اولوب مشابه شید  
 اولان کثرت شهوت انحطاط قوته مشابه ترک اسفار و اختیار قعود و راحت رؤسای  
 لشکره مستولی اولوب رعایانک مالی خراب و زیون و طشره ده ممالکک احوالی دیگر کون  
 اولد و غندن تحصیل اموال اکثر یامصر و بغداد و قیودانلق و سائر مناصب جواثر یله اهل  
 دیوان صالغوتیه و اصناف و اهل حرف تکلیفاتنه منحصر ایدی قیودان علی پاشا وزارت  
 جائزه سندن قاجوب پاشا الغله اداء خدمت شرطیه قیودان پاشا اولوب برشی ویرمشر ایدی  
 حالا کتوردیکی عسکری کریده براغوب کندوسی اکتیموب سریعا کلوب ردوسه اوغلنه  
 سورختانه مشغول اولمش دیو راجوفه پید ایدوب بواشنادا کاذیب ایله عزلنه نصیم ایتدی یلر  
 وزیر اعظم سیاوش پاشا دن مستشعرا ووب قیودانلق ایله دفع ایلیک تدارکن ایتدک  
 سیاوش پاشا جواب اعراض و یروب قبول ایتدی وزیر اعظم بکچری اغاسی قره چاوشی  
 سیاوش پاشایه کوندر ووب کلوب وزیر لساندن سلام کتوروب قیودانلق قبول بیورسونلو  
 دین و دولت خدمتده او ملاری وجوه ایله الزم و انفعدر دید یلر دیو تبلیغ ایتدکک سیاوش  
 پاشا طلاق لسان صاحبی سوزده قدر و زبر اولماین جوابه تصدی ایدوب اغا حاضر نلری  
 معلومد رک بر کسینه شمدی وزارتله طالب اولسه یا حرم خاص طرفندن تمه یا خود طشره ده  
 ارکان دولت اولان اغالره مراجعته محتاجدر اگر اچرودن حرکت او اسه صاحب دولت کند ولره  
 داماد در وایچ خلقی کند و اللرنده در هر حال واقف اولور لر و اگر طشره دن حرکت اولنسه  
 اغالردن بری جناب از در بزم طرفردن کتابا و خطابا بر حرکت صدور ایتدی ایسه سوپاک  
 او تالم و هیچ عصرده وزیر ایله نك تقدیر راحت و برکتی وارد معلومکزد کلید رحال بومنوال  
 اوزن ایدیکی مقرر اولیحق بزه صدارته طلب تممتی اولنوب بوفصل شتاده و طنزدن از عاجلک  
 اصلی له اولمش اولور صاحب دولت ایله بواکه دك بریدن نشأت ایدوب بیمنزده صداقت  
 و اخوت اصلی حقوقی ثابت اولد و غنه بناء و حالا کند و لردن لطف امید ایدرکن بلا جرم  
 جفا رینه نظم را و لاق لایق میقدر اگر البته از داج مقرر در دیر لرسنه لا دین و دولته دامن  
 در میان اولان قیودان که امور در یانک اهل و صاحب اختیار ایدر آنی دزل و بزی بحر حیرت  
 واضطراره صالقی ییغمنید رباری ممالک بریه دن بر سنجاق عنایت اینسونلر کیدلم تک خاطر  
 شریفلری جمع اولوب توهما تندن بری و خلاص اولسونلر دیواغای الزام ایتدکک اغا امنبوس  
 واعتداز ایدوب معاذ الله نه سرك اچرویه علامتزی ایشندک و نه هرگز بزه و غیره خبر یکر  
 کلدی وانیم بومقد ماتنی پاشایه تفهیم ایدیم دیوب وزیره واروب ایشندیکی جوابلری  
 سویادی اما سیاوش پاشا مضطرب اولوب یوزدن او تانورد یوبنوب وزیر اعظمه واروب  
 بومقد ماتنی شفا با بسط ایتدک وزیر اعظم استخیا و تعظیم معامله سن ایتدی سیاوش  
 پاشا قالقدن مجلس و زیده زانو اوزن قعوددن بر یا غنه عذر اصابت ایتدکن قاهر کن  
 الم شدید غارض اولوب بنوب سراینه کلدی بوقضایا یسوک والد جنابنه منعکس  
 اولد قه صدر اعظم و قیاسلطان حاضر نلرینه خبر کلدیکه سیاوش پاشایه انجمنه سر رضام  
 یوقدر و یاغی اغرا عیش خاطر بن تطیب ایدن سر وزیر یکی شیشه چچک براغاسیله کوندر ووب



خاطرنی سوال ایند که سیاوش پاشا لشهاج و تکریم بولندن اول ریاحین کتورن اغایه  
ارقه سندن بیک غروشلق شور کورکنی جیقاروب کیدردی صدر اعظم و سلطان مکرم  
سیاوش پاشا ناکمیت کریمانه سندن منفعل اولوب کندویه مخفیجه بیک التون خرجلق  
کوندروب خاطرنی تطییب ایندی یلر صفیرک التخی کونی کفارک التمش بان کیسی دریایه چقدی  
دیو قیودان پاشا دن خبر کلد که ارکان دولت مشورت ایدوب ایچ خزینه دن ایچ طلب  
ایندی یلر و اطراف و جوانبه تکالیف شاقه اوامری پراکنده قلموب خصم و صاهل حرفه حدن  
زیاده صالحه و نیر صالحه قورایدی آسمانه چقدی و گنسه دکلردی ماه مزبورک  
عسکر نه استانبول قاضیسی خواجه زاده غارناز علی افندی مسلول فوت اولوب اسعد افندی  
استانبول قاضیسی اولدی بوستان زاده استانبول قاضیلقنه بحسب الطریق احق و متمهی  
ایکین رئیس الکتاب اما نذیه اسعد افندی اولدوغندن ایکنه سنه دخی تقدیم ذانی ادعا  
ایدن رحمة الله افندی که ادرنه پایه سیله منن اریه لغی ویریاوب تطییب و اسکات قصد اولمش  
ایدی پایه واریه لاق امرینی کتوروب مفتی بهایی افندی بیک اوزرینه آتوب حدن ارتق رطب  
ویا بس سویلد که منلا دخی قبول ایتمز سک جهنمه پاشا ک دیوب امری او باغه آتوب منن  
اریه لغی بطه نوز احمد افندی به ویردی و بوماه حواد شندند که قدرغه قوشلوغی نامنه  
بهر سنه از نکمید و قازطاغی ستملرین جمع اولنان کر استه خد متی که میزسی یوزون بش بیک  
ایچه ایدی قیودانلره خدمت دیو تحصیلنه کیدنلر اوز بیک غروشلق تحصیل ایدر لایلیگی  
ستویانوب تفتیش ایچون قاضی زاده افندی قازطاغنه کوندلر بیکه یکر فی یلی قاضیلق  
تور و محاسبه دن معزول صاری علی افندی از نکمید تعیین اولندی و شیخ عبد الاحد افندی  
بوماه ایچنده مرخوم اولدی احوال کیرید کوندریان عسکر ماه صفر غره سنه سردان ملاقی  
اولوب ال اویدیلر عسکر اسلام حسن حال و صحت و کفارده فلاکت و نکبت اولوب کالاول  
قلعه ده محصور و روزبردست غزائده مقهور ایدیلر ایچمورده قحط و غلاستینلا سندن ارالیه  
تفرقه دوشوب پاشلری اولان جنزالی قتل ایندی یلر و سابقا جنکده طوئلوب برطریق ایله  
فرار ایدن مارقونی رینه کیتوب خترال ایندی یلر اچلقدن الم واضطر ایلری زیاده ایکن  
کیرید امداد کلاکه عنادلر نه مصر اولوب طوردیلر زیبع الاول اوائلده قیودان پاشایلی  
قطعه قدرغه ایله کلوب بعد اداء خدمه آستانه نه کلدی کفارک عظیم دونما جیقاروق  
تدارکنده اولد قلمرنی و سائر احوال دریایی خبر ویردی وزیر اعظم ایله ایکسی ترسانه یه واروب  
دیوان ایدوب قدرغه قیودانلرین جریتن شعبان وایکی قیودان دخی کور یکیلری اکسک  
بولنگله صقاللری تراش اولنوب کورکه قوندیلر و بعض قلیونلر اشتر اولمشیدی و ناتمغه  
و محمد دایا پیلان قلیونلری دخی دونما نغمه اشتغال ایدوب کندویه سافر ستمنه الیقودوغی  
بقیه دونمایه الحاق ایچون مقدم تدارکه مشغول اولدی وقعه قضیه زیبع الاولک اون  
ییلنجی جمعه کونی روم ایلی قاضی عسکری قبه قولاق ایله بوغوق مصطفی اغا ناک مشامه سی  
وقوع بولدی طمع و ارتش و اغراض فاسد لر بی اجرا متنی قضایه عساکر عصری بودرجه یه  
ایتمدیکه بولنه قضایای قضیه صورت بولور اولدی قیامیه الاسلام ویا کر به الدوله

وقله الاعتصام تفصیل قضیه بوگه سنه سابقه خلانله کیرید سقرتاق قوت اولان بقی  
مصطفی پاشا سفره توجه ایند که بش بیک فلوری برکیسه ایچنده بعض جوار بسند قویوب  
معتمد علیه و ناظر اتحاد ایند کلمی قیو کتخداسی مشهور بوغوق مصطفی اغایه خفیه  
یلدرمش پاشای مذکور فوت اولد قلم بوغوق مصطفی صلی اوغلی عبد الفتاحی ایچمورته  
کوندروب پاشا ناک وضع ایلدی کی فلوری بی استرکه دفتر قسامه داخل اوله عورت کیسه یی  
مهر سرتسام ایند چلبی باباسنه کتوروب صاید قلندر اوج بیک سکریوز کور بوغوق  
عورته کوندروب بوش بیک التون ایدی و بونی بدن غیر کیسه یی هم پاشا ناک  
مهری ایله ایدی دید که عورت انکار ایدوب مهری اچدی ایسه اوغلاک اچدی ویزاوغلونه  
اون دورت بیک فلوری ویردک دید که ادعا ایدوب ورته صغار و صیسی دخی عورته همربان  
وروم ایلی صدری دخی لامر ما بونلره همد استان اولوب برکون پاشا دیوانده مرافعه  
اولد قلندر بوغوق انکار ایدوب التون اون دورت بیک اولدوغن اثبات اینسونلر بونک اصلی  
بش بیک ایدی اون دورت بیک التون بر آدم کتورمک نهجه ممکنه بیک ایکیوزالتونی چالوب  
آنی هضم ایتمک ایچون بوشرته سلوک ایندی یلر دید که قبه قولاق ابوالارشاد حضر قلمری بر  
استماع ایتمز التون اون دورت بیک ایدوکی مقرر در دیو پاشایه خطاب ایند که بوغوق فریاد  
ایدوب افندی سز بزه خدمت ایدوکی سز دیدی ابوالارشاد غضبه کلوب بواصله جغک  
قتلی یکمشیدردی و شتم غلیظه متعددده ایند که بوغوق دخی هر شتمنه حاشا قبول ایتم  
الکلام صفة المتکلم دیوسن سن لفظیه رد ایدوب قاضی عسکرک عرضنی بر باد ایلدی بوغوق  
اگر شرعا جرم وارا یسه اولدرسونلر حلال اولسون دیدی وزیر سیرجی اولوب بالاخره  
منلانک ایاغی اوب دیو بوغوقه امر ایدوب بالغدر و بوغوق امتثال ایند که نصکره رایحه  
عرض ایله دیوانخانه مالامال اولغین پاشا مدعیلری اناطولی افندیسی اوکمنه وارک دیو  
قدسی زاده دیه حرف ایندی کی عجبیه در والد سلطان کتخداسی ارسلان اغا بواشاده وفات  
ایدوب قدمای متمولیندن قوجه معمار قاسم اغا که حرص دنیا ایله عجوبه دهر در بعض  
شفعایه بر قاج کیسه ویروب و منلا حضر نلرین نیاز ایله بر تکره آلوب کتخدغه طالب  
اولد قلم والد سلطان حضر نلرین منلا یه برم خدمتکار لیمز واردانلر و غیر کیسه ل بره  
کتخد اولمغه نهجه محذورات وارد دیواعتذار جوابی کلوب فریدون اغای کتخدا ایندی یلر  
وقیودان پاشایه بواراده وزارت ویریاوب دیوانه واردی منلا و قاضی عسکر لری علی العاده  
زیارت ایلدی و ترسانه امور نه کمال تقید ایدوب دورت آتش کیسی یا پیردی اوستلری  
طوانلی او طه کی اولوب اشاغی ستمده سو راخاری وارلیدیکه کفار سقیمنه لرینه ییاشوب  
یا قوب ایچنده اولانلر اول سوراخلردن طشره جیقوب کندولرین دریایه اتمغه خلاص اوله لر  
بومقوله تدارکار کورلدی و امور غریبه دند که بوماه خلانله قندیه کفاری تمام ضعیف  
اولد قلندرین محاربه و قران سبکبار اولاق داعیه سیله اهل و عیال لرین و نفایس اموال لرین  
برسوک قلیونه طولدروب و ندیکه کوندلر نه امر ایچیه دن محمد پاشا قلیونی الوب بوچه  
غنائم و ثبات و نین اعدا که یکر بکی خبری کلدی حوادث شرقیه مقدمه اوان طرفندن



فتنه و خلاف خبری گشتیدی حالیا بغداددن قریادجی کلوب قزلباش اول صوبه حرکت  
ایتد و کن خبر وید که هر اوطه دن بر مقدار یکجری بغداده ما مور اولدی و بواشاده بغداددن  
مغزول بوسنوی سامان افندی ایله کورشد که بویه خبر ویردیکه حالیا بغداد و الیسی میر  
آخور لادن چقمه حسین پاشایه البتله قلعه یی ذخیره سز قومه دیو ارام ایدوب اون ایکی  
بیک غرو شلق ذخایر اندروب داخل انبار ایتدردم و بومحمد بغداد اغاسی الیاس اغادن کلن  
نمکنونی کوستردی مضمونی بوکه حالا اوج خان اوج بیک سرخسرایله نفس هویزه یه قونوب  
عقبلمرجه اون ایکی بیک قزلباش ایله اوج خان دخی که کور حسین خان اوغلی بوجله یه سالارد  
هویزه قور بنه کوچه نام صواوزینه قونمشلردم مراد لری نه ایدوکی کلن تجاردن استغسار  
اولند قدن صکر مجاسوسلریزدخی واروب کلوب اوله تحقیق ایتد پلر که بونلر خارج بغدادی  
اوروب جمله ذخایر و سادری قبض و خسارت ایدلر و شاه قندهار طرفنه حرکت نامیه عظیم  
جمعیت و یغناق تدارکنه در قصدی قطع خر ماموسمند که حد و دشتواله مصداق دوشروب  
بغداد و زوزینه کلندر باجمله باحوالی وزیر اعظمه بلدروب کلی تدارک و امده مسارت  
ایتد و سز دیو مسطور ایدی بروجانبدن ایسه انجق التیوز قدر یکجری وایشیر پاشا  
سردار و دیاربکر وار ضرور پاشا لری مصحوب اولمق اوزن تدارک کوردیلر و وان بکتر بکیسی  
شمسی پاشا اوغلی محمد امین پاشا که جائزه عظیمه سی النوب نصب اولمشیدی بودفعه یینه  
آدم تعیین اولند قده مخالفتدن غیری چار بولیمون و ان قوللریله متفق اولوب منسله ضبط  
ایتد و میوب اول اشناده وان اغاسی حسین اغا و خوشاب حاکی و حکاری حاکی بینلرنه دخی  
فتنه لاولمشیدی محمد امین پاشا وانی فضولی ضبط ایدوب او توردی و نصح پاشا زاده عمر  
بیک که قیوچی باشید رارضوم بما لکنه بدل جمعه کشیدی قسطنطونی آلائی بکیسی شاطر  
نام ظالمه دخی اول اطراف کبدلری اصمر لنوب عامللری کزوب عباد الله ظلم و بویانه ایله  
تعدیلر ایدوب فرار ایدن یا بولنیمان اهل تیمار کبدلرین انلردن استیوب امام وقاضی کی  
بولور لسه درزنجیر ایدر حتی افلا فی قاضی سی قید و بند ایله کزدیروب عرضی یا پمال و وافر مالی  
اخذ ایتد کین قاضی مزبور عرض و محضر لایله استانبوله کلوب وزیر حضورنده مرقعه محمله  
یا که اولان حضرت حسن و حسین اولدی دید که اصول جانب اولان تذکره جی مزبور عتاب  
ایدوب حسن و حسین اولدر دیلر سنی نه خوش اولدر مدیلر کفته خوردید یکی غریبه در  
قاضی بی قوری سوز ایله صا ووب شاطر ظالمه کج نگاه بیلل ایتدیلر کذلک روم ایلنه محصل  
گوندریلان اوزون یوسف که جلالی و ظالم شخص ایدی یوزاللی مقداری آتاو ایله کزوب  
روم ایلنه ایلدوکی مظالم و تعدی بی حد ایدی بیچاره باب تیمار کبوسالده هم بدلری النوب  
هم بینه سفره ما مور ایتدیلر اکثری خاتنان استعلال ایدوب سفره کتمکله مدیون اولدیلر  
حدوث منازعه و فترت در میان اهل طریق و تبعه قاضی زاده مورخ بومحمد قاضی زاده  
اخوانندن اولان مشایخک جمله سنه طعن و تشنیع ایدوب حرف اندازلغی دایره اعتدال دن  
خارج ایدوکنه بنه نامعقول اولان سوزلری طی اولنوب علی طریق الانتقال تحریر  
اولمشدر قاضی زاده اثباعندن ایاصوفیه ده درس عام اولان اسطوانی که مورخ نقل

اوزن شام شریفدن عربی الاصل اولوب قتل نفس اتمکله قصاص خوفندن جلای  
وطن ایدوب استانبولده ایاصوفیه ده دیرک دیننده تدریس شغلی ایله مشغول اولوب  
دائما اول ستون سیماقی یه استناد ایله اسطوانی تلقیب اولمش ایدی اما ظاهرده اولان  
اداب شرعیه یه زیاده راعی و فضیلت و بضاعه سنی تقریر و تفهیمه قادر متکلم و جاری  
اولمقین حلوا حیلرو بوستانجیلرودخی اندرون همایون خدمه سنک او قور یازار قسمتی  
اوقودوب غلمان خاصه و اغایان دارالسعاده طرفلرینه صیت فضیلتی منتشر اولدرق انلردخی  
دلبنسته اولوب بینلرنده اتحاد ظهور ایلدی علی الخصوص معلم پادشاه اولان خواجه  
رحمان اغا قدر مشترک فقه و عربیت و قرأت و کاتبه مثالی جزئیات معرفتندن  
حضه مند و متصلب اغا اولمقین بالطبع تعصب و ادیسنه راغب اولدیغندن اسطوانی یه  
محبت ایدوب اهداوا کرام ایله معا مله قانقوله اندرون و بیرونه رغبت و شهرتیه سبب  
اولدی حتی کیده رک خاص اوطه یه واروب قانقوله مغایر کرسی وضع اولنوب وعظ ایتدیکه  
باشلیدی پادشاه شیخیدردیه شهره ولوله یروب حقیقی اگر جعلی تعصب و اظهار  
تقوی سلکنه مائل اولمشیر منورک دایره سنه جمع اولوب مرید خنقه بکوش اولدیلر  
کذلک بوزمردن اوجاق اغا لریک مستشاری سلطان محمد با معنک واعظ صاحب  
استهاری شیخ ولی افندی که عامه ایله کثرت اختلاطندن و اهل دنیا اولدوغندن  
مورخ کاه ولی اغا و کاه ولی بشه دیو ذکر ایدر و خورشید چاوش اوغلی که صکره معمر  
اولوب خیل زمان وعظ ایدوب چاوش زاده دیو مشهور اولان شیخدر و کوسه محمد  
وعشاق اوغلی مجنونی حمزه که متیل جهاندر و ایلر اوغلنلری خواجه سی سامانیه واعظی  
شیخ عثمان واردیلر نکیه سی شیخ محمد افندی اوغلی چلبی شیخ واورته جامع واعظی حسین  
افندی بونلر جمله اسطوانی ایله اتحاد و اتفاق ایدوب طریق اولیا شیهار بابنه کرسیلر ده  
طعن و تشنیع بلکه تقبیح و تکفیره باشلیدیلر و طریق صوفیه مجلرندن یکچین بعض اشهر  
فضوللرک بیک مصطفی اغا برادری کاغذ امینی حسین و زهکیرجی سامان و مضروب  
هر ب عبدالرحمن دخی بونلر امثالی غوغا قیاردی اشخاص که طوغری شرایط اسلامیه  
ولوازم دینیه سنی برخو شجه بیلدن ذکر اولنان شیخ افندیلرک مجلسلرینه ملازمت و محبت  
و خلص یکینوب کتد کلمی ضیافتلر بیلل کیدوب ایرلر و مشایخک اهل طریق حقنه  
ایلد کلمی طعن و طنزی اشاعت ایدوب طریق شیخارینک دخی کرسیلرینه واروب  
انلردن دخی بعض تنک حوصله غیرت کشارک دید کلمی جوابلری استماع ایدوب برینه  
اون قاتوب شیخ افندیلر کتوروب دایما مابینی افساده سعی ایدر لردی ثقاتدن بری  
ایدرعشاقی زاده فصیحی چلبی ایله برکون سلطان محمد جامعنه مرحوم خورشید چاوش  
اوغلی وعظنه حاضر اولمش ایدک مفتی وقت یحیی افندی حضور لری اول اشناده برغزل  
سویلش ایدی مطایع بوییت مشهور در بیت مسجد ده ریایشه لاینسون قوزبانی  
مخیا نه یه کل کیم نه ریوارنه مرانی چاوش اوغلی کرسی اوزرنده خلقه خطاب ایلایوب  
امت محمد هر کیم بوییتی اوقورسه کافر اولور وزیر بوییت کفر صر محمد ریدی حاضرین ایله



فقرت کنان قالقوب بونی پروالقی ومفتی عصری تکفیر اتمک نه دیمکدردیویریشان اولدی  
والعجب که بوقضیه عظیمه ایله موأخذه اولندی یحیی افندی حضرت نوری کمال علم  
ووفور عقل ایله غایت وقور و متحمل دولتلر اولد بگندن بویله برده بیرون حرف اندازلق  
ایدنلرک نادینه اهتمام ایله اتعاب وجود اتیزدی بناء علیه کیمه رک اطال له لسان و دخل  
وتعرضه فوق الحد سویلر اولدی لر عصمتی افندی اصلنده مرخوم برکلی شیخ محمد افندی  
نسلندن اولغین نقل ایدر دیکه مرخوم یحیی افندی حضرت نوری کندویه احیاناً خطاب  
ضتاب آمیر ایدوب عصمتی جدک صورت صلاحه بوعالمه نه کونه تخم نزاع و شقاق  
المشدر یلور رئیسین دیرلایش حاصل اسطوانی و ذکر اولنان شیخ لک اتحاد و اشتیاق لری  
کندیکه افرون و بوستانچی اوجاغی و اغایان خرمجانی و سائر اوجاقلرک اکثر اعیانی بونلره  
دل بسته و مفتون اولغله اصحاب طریقه چهاراشتم و ضربه باشتلر و مقدمه مفتی بهایی  
افندی د خانک حلقه بر فتوی ویردکاری اجلدن بونلر جناب منلایه عداوت ایدوب اخذ  
انتقام ایچون نیجه جمعیتلر و کزلو مشورتلر ایتدیلر بواشاده معتقد و حاملری یدیه  
صدرا عظمین بر فرمان آلوب دمور قیو قریبده اولان خلوتیلر تکیه سن با صوب  
دوران ایدن صوفیلری دوکوب طاغیدوب هوای نفسلرین صورت صلاحه اجرا ایدوب  
سائر تکیه لری دخی بومنوال اوزن با صوب صوفیلرینی طاغیغه قرار ویردیلر بعد اکل  
تکیه سی که مصرلی عمر افندی شیخیدر بر احیا کیجه سنه اثنی دخی باصحق فکرند اولدقلری  
شیوع بولدقده مصوبی باشی عمر اغامرحوم عمر افندی نیک مریدی اولغله اول کیجه اون بش  
مقداری قایلچی چوقدار ایله کلوب تکیه بی حمایه ایدوب کندوسی بیله ارقه سندن  
کورکنی چیقاروب علی زغم المنکرین دیوب خلقه ذکره داخل اولندی متعصبان اول تکیه یه  
وان مدیلر قول کتخداسی مشهور خلی کتخداییک دخی شیخ عمره معتقد اولغین طریق  
صوفیه یه اعانت ایدوب دوران و ذکر و اشغال طریقه یه تعرض اولغله دیو  
صدرا عظمین فرمان آلوبروب برکلی و وفای طریقه و بیلان بیولدی الغا  
اولندی بونلر بمقدار سکون بولوب اوجاقلدن مشهور قوز بومیسسی پوطور حیدر نام  
شخصک منزله جمعیتلر و مشورتلر ایدوب مفتی افندی قنوی آلوب بعد خصومه  
قرار ویردیلر و مقدمه کمال پاشا زاده و ابوالسعود افندی حرمت رقص و دوربا بنده  
ویردکاری فتوی مضمونی اوزن بهایی افندی دخی بر طریق ایله فتوی آلوب  
چکر ارا یقظا قنیه سمته سالک و تحریک فساد و تمشیت اغراضه متهم سالک اولدیلر  
جمله سی اسطوانی نیک باشنه جمع اولوب ابتدا امیمواسی افندی طریقه شیخ عبد الکرم  
چلبی یه اسطوانی لسانندن کاغذ یازوب ککوند ردیلر مضمونی بوکه سن رقص  
و دوران اتمکله منعک واجب اولشد و تکیه کی باصوب سنی و اتباع کی قتل ایدهرز  
و تکیه کلک بر قاج ارشون تملنی قازوب طیراغنی دریایه دوکه زرکه تا بومرتبه اهتمام  
اولغجه اول موضع اداء صلوة جائز اولر بونکره بی شیخ کریم چلبی یه کتورب  
شیخ الاسلامه ویردی منظوری اولدقده غضبه کلوب برورقه یازدی سنکه اسطوانی سن

ورقه وصولنده کله سن مخالفت ایدرسک ضرر چکمک مقرر در دیو درج ایدوب بر آدمیسی  
ایله اسطوانی یه کوندردی اسطوانی منلایک تذکره سندن خوفه دو مشوب بزخا کبابلرینه  
واریزدیو کلان آدمی صواب و زیره واردی و مفتیدن کندوی عفورجاسنی التماس  
ایلدی وزیر دخی ایچ خلقنک خاطر جویاغنه بناء رئیس الکتابی منلایه کوندردی کلوب  
وزیردن سلام کتورب خاطر یز ایچون اسطوانی افندی بی عفویو رسونلر دیو تبلیغ  
پیام ایتدک منلایرئیس خطاب باعتبار ایدوب بقه افندی حالا دولت علیه ده رشوتلر  
آلنوب مناصب بیع من یزید ایله صاتیلوب منا کرو قبا یحیدن بونجه مصالح مند مومه  
تمشیت اولنور کنندن ایجاب ایلدیکه بو مقوله فتنه انکیز اصلا جقلم حمایت اولنله  
بودوران متصوفه و انکار فقها براسکی حکایه و قدیمی قضیه در بزدخی اکابنا ظاهر شرعیه  
حرمت رقصه قنوی ویرمکده اسلافه ملائمت و موافقت ایتدیلر اما بومقرر در که نیجه معظم  
پادشاهلر و کندودن اول بونجه صاحب وجود وزیر لر و بزدن اعلم و احکم مفتیلر کلوب  
اگرچه دولتی صیانت و ظاهر شرعی رعایت ایچون بوفتوالر ویرلشیدی یه کسه صوفیلری  
ضرب و قتل و منعه اقدام ایتدی اون یاشنده معصوم پاک پادشاه اسلامی بر باوک  
خییت النفس فتنه جویلر احاطه ایدوب بددعای فقرایه اوغراتق نذن مهم اولدی  
البتله یا اول اسطوان تأدیب اولنور و الا صقالن تراش ایدوب کورکه قورم دیوب شیخ  
کریمه کوندردیکی کاغدی رئیس صوندی رئیس افندی اعتذار ایدوب متعهد اولدی  
کتدی منلا حضرت نوری استانبول قاضیسی اسعد چلبی یه سیار ش ایلدی تا که اول  
شیخ نوری واحد ابعد واحد یا غروب کرسید او راق ناس او قومقدن و رقص و دورانه  
متعلق سوز سوبلکدن منع و تهدید ایلیمه بواشاده منلایک همشیره سی که ابو سعیدک  
خلیله سیدر خسته اولغله منلا عیادت و واردقده ابوسعید افندی کندویه اصغر لیوب  
پوانه دک بزم خانه دامنر مشایخ و اعزّه طریقت خیر دعا سیله رونق بولمشیکن اصلی ندرکه  
سزک نوبت افتاکزده بومقوله فتنه لره جرأت ایدلر منع لری نه نقید ایتیمه سردید یکنه  
بناء منلا نکرار استانبول قاضیسیینه مؤکد خبر کوندرد کله قاضی دخی شیخ نوری بررور  
یاغردوب تنبیه اکید ایلدی بوننیمهد نصکره سائر لری لسانلری بمقدار طوبو الحق  
دلی شیخ اوجاق اغالرینه مستند اولغله جسارت لیدوب یه کرسیلرند طعن ایدوب  
رقص ایله ذکر ایدلر مبتدع لر و تفتی ایله کله شهادتی چکنلر کافر لر در دیو پیاده لر سدوروب  
ذم و قد حدن فارغ اولدی یوم نلشاده سلطان محمد جامعند و عطا ایدن ذاکر زاده افندی که  
اسکداری محمود افندی قدس سره خلفا سندن بر عزیز کاملدر کرسید جولیه تصدی  
ایدوب شونله چاوش اوغلی نامنه بوکستخا ترهات سوبلش اعزّه دین مبین اولان  
اهل تقوی و ارشاد دوران ایله ذکر الهی ارکان طریقتدن اولق اوزن توصیه ایلدی  
ناحق یره اهل توحیدی اکفایلر کافر لر در دیو ایفاء کلام ایلدی بومر تبارد نصکره  
شوکت مصنوعه لری بمقدار سکون بولدی حی بواشاده اردبیل زاده شیخ که معتقد  
جهور ایدی حیدن کلوب دامادینی از ایدوب دوران صوفیه حقیق سوزی اولان



صوبایسون و زدن جوانی السون یوبایده جولبه نصب نفس ایتمشزدیدیکی محالفه  
مجموعی اولدوقه عزیزمذکورک جلالت قدری معلوملری اولغین اسطوانی به خبر واردقده  
جواب کوندردیکه کندولر اهل حال عزیز اولغله نرم کندولر سوزغیز یوقدر حالدن  
خبر سز اهل اهو و هو اولنلره درسوزدیو اعتدالایش حاصل کلام یومموال اوزن اهل طریق  
بیننده کشاکش متمد اولوب تا کوریلل محمد پاشا وزیر اولدوغی سنه یه دیک محالده دن  
خالی دکلدر اول سنه صدرلری مجاوز ایتیک ایله وقتاله مؤدی اوله حق فتنه تحریک ایتیلله  
اسطوانی و بر قاج مشهورلری نفی اولنوب فتنه سکون یولدی ته کیم محله ذکر اولنور  
مشورت برای ضرورت خزینه و امور غریبه جمادی الاولی علوفه یه خزینه بتمشیموب  
التش ایکی التمش اوج سنه لرینک اموال میریسی دخی استسلاف اولغله ایکی سنه داخل  
سبیلله کمال حیرتدن مشورت ایچون جمله پاشا و اغار وزیر و واروب سوزلری یو اولدی که  
وز را خاصلری جمیع عارف اولنه تاکه دفتر دان ایراد حاصل اوله اول محل کورچی پاشا فتح  
کلام ایدوب بز یو آستانه ده رتبه وزارت نائل اولوب خاصلری تصرف ایدرکن دخی  
مسلمان اولیان اوغلنلر کافر دیارندن کلوب وزیر اولوب صد ارته نائل اولوب جهانک مالی  
تصرف ایدوب زه یو رتبه یی و یو قدرجه نان یانی چوق کوردیلر بر تحمل ایتدک دونوب  
صدر اعظمه خطاب ایدوب جمله دن جناب شریفکتر که طالع صدر اعظم سزادی بر منصبی الی  
کیسه یه بیع ایتدیکیکترده یکرمی کیسه کبد بکتر ایچون آلور سز خاصلری بکتر کیسه و طور سه  
متضرر اولور سز ساروزرا که معاشلری یا بکتر خاصه مختصر در انلرک احوالی ملاحظه یورک  
خاصلری لایق مراد ایدر سکر دیوانه و زلزله دکلدر بز دخی بود یارندن کشید پا اولور زیددی بعد  
یوسف پاشا ایتدی نیم اون یورک اچیه خاصم وار بیرام پیشکش ایله سلطان مصارفنه بتمشز  
خاص رفع اولور سه ظاهر بو مصرف دخی مرتفع اولور زیددی کنعان پاشا سلامت نفس  
ایله مسلم بنی آدم و سوزیلور بابای عالم ایدی سکوت ایتدی اکاده خطاب اولنوب پاشا  
حضرلری سزده بیورک دید کلرند بکتاش اغا که عمده اعیان ایدی اکا خطاب ایدوب  
صانع الین فالدیروب اوجتی یوموب جهان بو سبتون اوجیکترده هر نه دیلر سکر ایدک  
یکچیری مواجی اوجیوز بیگ غروش ایله قیانونرکن سکر یوز بیگ غروش اولور اوجیوز بیکدن  
ماعداسی سزک یا نکتره قالور یومقوله ماللری الانر علوفه یه امداد ایتیک کرک یوخسه  
وزر انک بکر میشر او توزر کیسه لک خاصندن هر بریکه یوقدر رایج اوغلانی و اتباع و عیال ایله  
اکا مختصر در اندیغی صورته میری به نه نفی اوله حقد رونه کونه یارمه مرهم اولور دیومردله  
جواب ویردی کنعان پاشا انک یو جواندن اغار دهشت کلوب مخاطی بکتاش اغا تلغم  
ایدرک نیم در تیوز اچیه یومیه علوفم وارد دخی سارامورده مدخل یوقدر دیب ساکت اولدیلر  
پس مصالحت هیج قرار ایدوب طاعل دیلر یوسیا قید سیاهی طائفه سفندن علوفه یه وارنلره  
سفر لیسز کرید دیو جواب ایتد کلرند سیاهی لری پاشا قیوسنه واروب بزیر اقسر و اغا سز قند  
کیدر زلزله فقیه علوفه لریمز تمام و رمز لر دیزدیان یا غنم غوغا ایدوب چاغر شد قلدن  
وزیر اعظم عجول اولغله اورنه قوشاغیلر یزندن یحرا یوب یا بوجسز زردیان باشنه وارنجه

سکر دوب ندر بره حریفلر بر آلا ی پادشاه عاصیستی حریفلر سز هب اولد و ن جگر سز نه مغلطه  
ایدر سز دیب بلند آواز ایله حایق رفته باشلیدی انلرده استاغیدن جواب ویروب دولتی  
بزیر اقسر اغا سز سفره کیمکه قادر دکلر دیو فریاده باشلیدی لر زربا بر اق و اغار کیمک وزیرک  
کیمستی مستلزم ایدی وزیر عجله طبعی مقتضای سجه خفت ایدوب پادشاهک سفرینه حاضر اولد  
بندخی کیدرم دید که جمله سی نه کوزل سز کیدر سکر زده کیده زدید کلرند کانه سزک کیمکتر  
محالدر سکلند سیاهی لریک مستلزم بانه نوله کیدر زدید کلرینه وزیر دخی غصبتانک اولوب بن البتله  
کیدرم اگر کیم سیم کافر شبقه سی باشمه اولسون لفظی تم و راز اسند سوبایدی انلر دخی جمله مز  
کیدر زدیدوب طاعل دیلر وزیر سفره کیدر دیو توغلر یا بلق اصمرا نوب جمله محال تدن اولان  
ایشه شروع اولندی زیر اوزر کیدر نجه اغا و کیمک ایدک وسائر لری کیمک لازم کلور دی  
اول ایسه محال لاجرم وزیر کیده یار ارجوفه سی شایع اولدی عزل شیخ الا سلام بهایی  
افندی و نصب عزیز افندی جمادی الاولینک اون برنده مفتی بهایی افندی عزل و قره  
چلبی زاده عزیز افندی مفتی اولدی مورخ دیر که یوقضیه یی تفصیل ایدوب مشارالیه  
عزیز افندی خیلی زماندن یوقفتوایه طالب اولوب حتی مراد پاشا یا منده پایه فتوی  
ویرلدیکی مذکور در د ائمه ناصر دولت و اخلاط اربعه مثالیه سنه اولان اغارک سپر چشمه سی  
بکتاش اغا ایله اختلاط و استرضاده غایت جهدی مبذول ایدی حتی قاضیه سکر لکی  
زمانده بهایی افندی انک توجیه ایتدیکی مناصبک اکثرینه مکروهات نامن اطلاق ایدوب  
اولقوله قاضیه قلری دفتر ایدوب بهایی افندی یی بو واسطه ایله مقاومت قلع وازاله یه  
تشمیر ساق ایتشیددی لکن الامور مره و تبا و قاتما اول زمانلر بهایی افندی بخت مادر زادی  
مکاید حساده غالب کلوب فرصت بوله مامشیددی عزیز افندی مدارایه سالک اولوب  
بهایی یه ضیافت و الفت مهماتی در کار و درونی عداوت و حسدنی اخفا و تود و تعلق  
اظهار ایدردی و العجب که یومر تبه مجاهره عداوت و نصیحه بهایی افندی بغافل و عدم  
مبالا قیومر تبه یه ایرشد رمشیدیکه یه منورک ضیافتنه واروب و اصلا متغیر اولیموب سو  
قصیدین کالعدم فرض ایتشیددی یوند نصیحه یه منتهم فرصت اولیموب بکتاش اغا  
دخی منلادن مشتمر ایدی انکله اختلاطه مبالغه ایدوب دائما تقب زن مقدمات حصول  
ایتشیددی تا که بهایی افندی طر سوسنی یه قدس پایه سیله مولویت رتبه سنه نائل  
ایدوب ادرنه قضاسن مع مضافاتما اریه لایق ایدوب خدمت امانت فتوایی اصمرا لری اکا  
مراجعت ایدلردن نیجه سی سهولت ایله بر مراد اولوب کذلک قهوه جیسی مح چلبی نام  
مد مخ و موزعی احمد کمنارج پایه سنه عارج ایدی قاضیه سکر لره تحکیمار ل ایدوب نیجه  
منصب لری ایدر یوب و کنار مدرسه لرین خود استد کلرینه الیو یوب کار فتوالرینه و مدرسه لرینه  
تسلط ایله بالکلیه منلای زباز د اعدا ایتشیلر ایدی بد خواهلری یومقوله موادی دفتر  
ایدوب عزیز افندی یه کتوروب کفته کو و دخل و طنر ل اولد قچه بهایی افندی اول سفهلک  
کلام لرینه کوش طو و مقندن فراغت و مغفلکدن عالم ضحوه کلوب مدافعه اعدایه مبادرت  
ایلدی و پادشاه مص دحانک حل یابنده فتوی ویرد که خود متصلب و مراییلر حرکت



ایدوب بگشتن اشیا و سائر دکان ایچمین بی مذاق و عزیز یافتندی ایله همد استاز اولوب  
بو فتوایه جراً فی جمله قبایح و مثالب بدن عدایتدیلر حال بوکه فتواده ذکر اولنان ملایم طباع  
سایه طیبیاندن اولوب حرمتنه دلیل قطعی دائم اولدقچه اشیا ده باحت اصل اولغی بیان  
ایدی حرمتنه دلیل بولان کتورسون دیو صلا ایشلار ایدی مخالف دلیل بولقدن عاجز  
ایکن محضاً بوانه دك بر مفتی بویه فتوی ویرمه شدردیو تجمع و نصب ایدوب فتنه لر  
قیباتلار ایدی ذکر سبقت ایدن قاضی زاده لیلر و اهل طریق غوغالرنه دورور قس  
حرمتنه فتوی ویرمش ایکن اسطوائی و سائر مشایخ اتفاقیه نکیه باصوب بولقد قاری  
صوفیلری سوکوب دوکوب حدی تجاوز ایتد کلر نه عتاب ایچون اسطوائی بی دعوت  
ایدوب وزیر رئیس الکتاب موقوفاتی بی کوندروب شفاعتی قبول ایتیموب مناصبی بیح  
ایدوب رشتونلر اولوب بونجه قبایح ایدرسر برکلی وقاضی زاده لیلرک ییوب و کیدکاری جمله  
اموال محرمة دن ایکن پاشا دن اول کلان وزرا و یزدن اول کلان مفتیلر زمانه صوفیلرک  
دورانیه کسنه منع صد دندن اولماش ایدی بالانکه ویردیکمز حرمت دور فتواری  
ینه ویریلر ایدی اسطوائی دیدکاری فتنه انکیر نجاتی ندن اقتضا ایلیدی دیو وافر عتاب  
ایتمشیدی بودخی علاوه قدیمه اولوب وزیر بواشاده بالیوسلرک اراده سیله قیودان  
پاشایه عزل تخمین ایلدکده بهائی افندی انکار ایدوب دین و دولت اوغرینه دامن در میان  
اولان بونجین لایق مقام آدمی عزل دین دولته عین خیانتدر تعیین اولندیغی خد متی  
کما هو الواجب اتمام ایتدی بالیوسلرک رشتون الوب ناحق یوه عزل نه دیمکدر دیو  
مانع اولمشیدی وارکان دولت اولان اغارک محکماندن دکیور اولوب هر نه به ایدر لسه  
دکلیوب کلان ادملرین بوش کوندردی اول سببدن اغارایله مایینده منافرت عظیمه  
حاصل اولوب جمله سی کندویه دشمن و مثالب و مساوی اسنادنه عقد مجلس ایدر اعدای  
برفتن اولمشلر ایکن ینه کندوسی کال تغافل و لا قید لکندن اصلاً تدارک فکرینه دوشیموب  
مقید اولدی اذ اراد الله شیاً هیأاسبابه بواشاده بر امر غریب و عجیب دخی حدوث ایتدیکی  
نتیجه مقدمات مذکور و غیر مذکور اولدی تفصیل اجمالیسی بوکه چون طوایف افرنج  
بالیوسلری کار دان دوامه بذل مال ایتکله هر ماتمسارینه مساعدن بو وقتلر ده مباحه  
اولتموب ملا عینک خصوصاً انکلتزه بالیوسلرینک دماغ عظیمی مقرایدی عهد نامه قدیمه  
مغایر هو الرجه نیجه مواد عهد نامه لینه اخلق واحداث ایدر لایش بواشاده انکلتزه لوردن  
برینک از میرده انکلتزه بالیوسلر ایکی یوک اچیه دعواسی اولوب از میر قاضیسی هاشمی  
زاده به بالیوسی احضار و تقریر دعوا ایتدکده بالیوس عهد نامه چیقاروب  
من افندی بودعوائی دکلکه مأمور دکلسن دیو خشونت ایله عناد ایلیدی عهد نامه یه  
تظراتیدر واقعاً مسطور اولان بوکه انکلتزه لوردن برینک ینه انکلتزه لوردن بریله ایکی  
یوک اچیه دن ناقص دعواسی اولدقده بوند قضایه اسلام فصل ایلیه اگر ایکوز بیک  
اچیه دن زیاده اولورسه بوند استماع اولتموب انکلتز ملکتنه خواله اولنه دینامش  
عهد نامه ده بویه مندرج لکن بالیوسک معقول ایله سویلیوب خشونت اظهار ایتدیکندن

قاضی متالم اولوب بره ملعون شرع شریف مقتضایسی اوزن نیچون دکلیم دیوب جبراً  
استماع قصد ایتدکده بالیوس خدام محکمه بی سلکوب چیقوب مکانه کندی بووضع  
ناهموان و شرع شریفی استخفاف مثالونی ادیلک اظهارندن هاشمی زاده ده عز حکومت  
و مقتضای شریعتدن ناشی حجت و علو عرق هاشمیت جمع اولوب قونسلاوس  
مخوسک خلافی امر پادشاهی اعدایه سفینه لره بغدادی الیور دیکندن نیجه قباچینه  
واقف اولمشیدی شیخ الاسلامه مکتوب یازوب بونجه بی اعلام ایلیدی شیخ الاسلام  
دخی عرضی وزیر کوندروب بالیوسی مؤاخذه و قونسلاوسی عزل و رفع ایتدیره سردیو خبر  
کوندردی چونکه وزیر اعظمک اولدن خاطر مانده لکی و درونده مخفی کدورتی وارایدی بوامر  
مخپوری ینه کندویه تکلیف ایلم حدث مشرب و استیلا غضب ایله برایش احداث  
ایدردیو حیلله کارلق ایدوب عرض و مکتوبی ینه منلایه کوندروب بزم اشغال کثیره من  
وار در لطف ایدوب بوقضیه ده مقتضای حال نه امری ایجاب ایدر سه عیشیت و اجر اسنه  
کندولر تقید یورسونلر دیدکده غیرت اسلامیه غلبه ایدوب بونه اصل سوزدر شرعا  
لازم کلان اموری تمشیدن اعراض نه دیمکدر دینه رک دین و دولت اموری قرین اختلال  
اولدی دیوب حدث غیرتدن عاقبت اندیشلک محل اولماغین آدم کوندروب غلطه دن  
انکلتز بالیوسی حضوریه کتوردوب از میرده اولان قونسلاوسک قباچینی ذکر ایدوب  
البتنه اول ملعونی قالد رفق کرکسن دیم ابرام بیور دیلر انکلتزه طائفه سی اخذ واعطا  
و معاملانده سوزلری اوزر لینه ثابت و قولی اوزن باش کسدرر سوزندن دوغز معاند  
اولدقاری کبی کردار و گفتار لرنه دخی دعوت مقتضای طبیعتلری اولغین جناب منلایه  
غشونوت ایله جواب و پروب اتی قرالمر دکلشدرین قالد ر مغه قادر دکلیم بد کلک منلا  
حضر تری آتس اولوب بره دینسر ملعون سرنه کونه معاهد کخنور سرنه دائماً دین و دولته  
خیانتدن خالی دکلسر ونیک کافرینه نیچون قلیونلر و امدادر برر سرنسرنک مقاسد کز  
پانجیمی طن لیدرسر دیو بیوردقده ملعون انکار ایتیموب بزدن هر کیم قلیون و سولتات استرسه  
اجان ایله ویریز سرنده استر سکرور بریز بومر تبه ایله عهد نامه مز یوزلر دیو جواب ناصواب  
ویردی منلا حضر تری غضبه کلوب کوندربک بوملعونی پاشایه حبس اینسون دیدکده افندی  
سن نی حبسه قادر و ما مورد کلسن دیوب خدندن زیاده عناد و خشونت اظهار ایتدکده  
منلانک تمالک و تماسک الندن کیدوب بره قالد رک شو ملعونی دیوب خدام بالیوسک  
یا قه سننه یاپشوب یومرق اورن رقی آخون کتوردوب حبس ایتد کلرند نصکره پاشایه خبر  
کوندروب البته بوملعونی قلعه یه کوندرسون دیدکده بالیوس اتباعی اغارده پاشایه کوندروب  
اطلاقنی رجا ایلیدی اغار کخدا بیک خانه سننه جمع اولوب بوخصوص ایچون گفتگو و جمله ناک  
لسانندن ابتدائی پرمق ابراهیم چلبی بی که مؤصله مدر سیدر منلایه کوندروب نیچون  
بومقوله خفت و حرکت یوزرلر بالیوسی اطلاق اینسونلر دیدیلر مز یوز تلمیغ پیغام ایتدکده  
منلا غضبه کلوب اغار دیدیکک حریفلرک بوتسلطی ندر بویه قالد رکی طن لیدر لر والله  
اغار لریکی دخی قتل ایدر لر دیو تعذیب و آزار ایتدکده اتی پرمق برعاقل آدم اولمله دونوب



تاویل ایله جواب ویردی صکره کهند ایک مصاحبی مسخره صاری کاتی بالا تفاف بوجواب  
ایله کوندردیلر اغالر حضور عزته دعار ایدوب دیدیلر که بوقدر سنه در کدوئیک دید کیری  
بر بالقی کافریله حنا صمه اولوب بونجه مال و جان تاف اولوب جنور کیری  
غلبه و حقندن کتیک میسر اولما مشدر انکله قرالی خود ملوک فر نکستلک اعاط مندن  
مال و لشکر صاچی و سفن و آلات حریه دیشی کثیره مالک قرالدز که اگر مساله  
اولنر سه مفاسد عظیمه و مضرت جسمیه قادر در انکله تقض صلح اولوب عسکر اسلامه  
یکی ایش اچمق جنابلرینه مناسیمید دید که منلا حضور نلری اولاحسن وجهله مسخره یه  
خطاب ایدوب بقه کاتب افندی اول انکله تزه دید کیری ملعونک صاحه رعایتی اولسه  
لحد لیه امداد ویرمزدی بوند نصکره بوقدر سو ادب ایدوب شرعیاتی رفع لازم کلوب  
امور دین و دولته جانب شرعدن استشاره و تقیاد لازم ایکن بوقوله سوز اسلامه دوشری  
دیرکن عماری کاتب رخصت بولوب بهی افندی قنقی مفتی خانه سنه یالیوس حبس  
ایتدی شو ملعونی اطلاق ایدک سیاقه خارج از طور ادب سوزلر سویلوب منلای  
اغضاب ایتد که بقه بره اصلاح بواغارک اولاجق حریفلر نه دیمک استر لاندک  
امور دین مد اخله لری ندر بچون حدلرین بلزلر عالمی رشتو تله خراب ایدوب حدلرینی  
تجارت زده افراط ایتدیلر شمد نصکره بوشورده اجرای شرع نیجه ممکندر دیه نیجه فضیحه لرین  
ماده مساهذ کر و مذمت ایدوب صاری به او لقدر عتاب ایتدیکه چهره سی کاه  
قرار دی به کاه بوزاردی زمیره مدرسیمندن شروانی احمد افندیکه حاضر بالمجلس ایش  
نقل ایدر که اناطولی قاضی عسکری قدسی زاده اولمجلسه بولوب منلانک تهورین  
کورد که عاقبت اندیشلک یولندن منلایه راجیه خطاب ایدوب سلطه بونلرک  
کنایه یوقد بونلره تهور یورمک دیو صاری کاتی در خواست ایتد که منلا اکاده مشترا  
خطاب باعتبار ایدوب بقه افندی سن قاضی عسکر میسن حمایت کفار ایدن حریفلر  
ایامته نه مصاحت اچون دیوانه وار رسن یارین منزلندن چقمه و دیوانه وارمه دیو آزار  
ایدوب بعد صاری کاتبه حیق دیو ازار ایله کوندردی صاری خبیث دخی هر سوزه بیلک  
برک و متاخ استلایوب اغالر ایرشدردی بوقضیه سبت کونی وقوع بولدی احد کونی  
اغارات مید اشد ابراهیم پاشا سراسر ایند جمعیت ایدوب قره دکرده یا سلوب کلان کیلری  
کورد مکه وزیر اعظمی کوندروب واندن بهایی افندیکه مثالیه متعلق مذاکره و عزل بانه  
جمله سی اتحاق ایتد کلرند نصکره ایچرو خبر کوندروب بهایی افندی کتبی طلب  
ایتدیلر ایچرودن رخصت اولوب جواب منع چقد قل صکره نکر اخب کوندروب  
ایاق باصدیلر بعد مانعه به مجال اولوب وقت عصرده عزیز افندی ایچرود عوت اولوب  
مفتی نصب اولندی محل عبر تدر که عزیز افندی رئیس الکتاب مجد افندی به و دامادی  
بوای مجد افندی به مراجعت واند دخی مفتی افندی به شفاعت و الحاح ایتدیکه راضی  
ایدوب صدر اعظم ملک احمد پاشا به ایکی دفعه ناخیم ایتدردیلر که عزیز افندی به  
مکرر صدر دروم احسان اولنه عزیز افندی بهایی افندی کتبی علیهمنه دامن در میان ایکن ینه

بهایی مشرب کریمانه لری مقتضا سنجه انی صدر درومه کتورمک اچون مکرر عرض ایلدی  
بالاخره والله سلطان حضور تلرندن عزیزم قائلر و دوشمن دو لئمر دردیو جواب کلوب  
انما سارینه مساعده اولما مشیکن حالاتش غریبه که تهور بهایی حدوت ایدوب فوق  
الما مولی ایکن مفتی اولدی حدت و غضبک شامت و مضرتی بوحکایه دن ملاحظه  
اولنق لازمدر بهایی افندی حضور نلری ورود ایدن فرمان اوزن حصارده اولان یالیسنه  
واروب جمادی الاول سنک اون سکرنجی کونی دریا جانندن اولان اریه لغی برغه یه نفی  
اولندیلر سفینه به کیرکن حصار دن بر بار غارینه دیشیکه پاشا الحق بی غیرت بزاجق  
غیور ایدک افلر حق ساز جدن ضرر چکمیبوب بلای غیرت ایله بزم مضر اولنق مرحوم  
جوری چلبی عزیز افندی ک مفتی اولسنه بو تاریخ غرایبی سویلدی ع ایلدی حق عز ایله  
مفتی عزیز عالمی و بهایی افندی شاکارلرندن اولان شعر ایو قطعه بی بهایی حقندن دیشیدر  
قطعه ترجمانی ایدیک شعله ضرب و تادیب ترجمان فلنک اولدی بهایی خا موش  
دولت و دینه سنک ایلدیک خدمت اچون هر جوابک یازیلوب عرشته اولوب در منکوش  
وعزیز افندی ک فتوا سنه دخی مصراع نامعقولی تاریخ دوشورد کیری مورخ ذکر ایتد بکینه  
بناء ضروری یازلشدردم یالیوز ایله اولدی عزیزم مفتی تاریخ دیکر یالیوز مفتی سید رحیم  
العزیز بهایی افندی ایله بیملرند مبیانت و معادات اولند یغندن انبای مصاحبتک اکلد قچه  
یالیوس مفتیسی دیر ایش حقیر بر تقصیر دیر مکه حکام کرام خصوصاً علمای عظام امور دنیویه  
واغراض فایده اچون بر لرینه عداوت ایتک لایق اولوب تنافس عز و جاه مقتضا سنجه  
عداوت ایتد کیری صورته ناری کینه لری فرصت استقامه دکن سکینه و وقار پرده سی  
تحتنه در کین اولوب عجزه کی غیبت ایله تفتی غیظ اچون بر لرینی ذم و قدح ایدرک عرض  
علمانی کسر و معالم علی هدم ایتک علوشانلرینه موافق دکلر تجاوزه الله عنهم بهایی افندی قایق  
ایله کلینه ولی به وارد قلرند انک ساکن نیمکولیدن منفصل قوغه جی زاده عبد القادر افندی بکه  
اشراق قضایان ایدی انک منزله نزول بیوروب بر قاچکون آسایش نصکره بعد الاستصواب  
لابسکی ناحیه سنه برغوش نام قریه به نقل و فخی چلبی زاده مجد افندی مرحومک منزلند که  
حوض سلسبیل و قصور عالییه مشتمل بر منزلدر اکا نزول ایتدیلر مزبور قوغه جی زاده نقل  
ایدر که بهایی افندی اثناء کلامه اغالر نامه اولان متغلبلرک بویه وضع نامه وان جرأت ایدر جکاری  
دخی چوقدن ماحوظم ایدی زیر اصد رافتایه قعود ایلدن بروبی حدوبی پایان مکروهات  
تکلیف ایتدیلر برینه مساعده ایتدم عداوتلرینی محقق ایتدیکم اچون ایکی دفعه حرم  
همایونه التماس نامه کوندروب امر فتوادن استعفا ایتدیم بوم تغلبلرک سوزلرینه امثال  
ومکروهاتلرینه مساعده و اتباع مشکل مصاحتد برین بونلرک مراد نجه حرکت ایدم و بونلر ایله  
پاشا حقیق دخی محالدر دیوب فتوادن عزلی استد کچه والله معظبه سلطان حضور تلرندن  
مدار ایله حسن خلق ایله کتوب بر زمان تحمل ایتد سونلر دیو جواب کلوب التماس مقبول  
اولماش ایدی پس بالضرور عاقبت حال بکه منجر اوله جغنی یقینا یلوردم دیه یور مشلر  
حقیقت حال دخی بویه اولق عند العقل موجه در قطع ازاق بومه اچنده ظهور ایدن



حوادث ندر که وجوه اقلام و اموال اسرافات متغلبان بد فعاله صرف اولنوب و ظایف  
 سپاه امثالی اخراجات لازمه به خزینه ده مضایقه متعین اولغین اناطولی محاسبه سی  
 دفتر نه دعا کویان متقاعدین و سائر وظایف ضعیف و مساکن باجمله وظایف عباد الله  
 اکثری مستحقین خصوصاً علما و مشایخ و سادات و درویشان و ایام و ارامل و عیال و  
 یوزتیش یوزک آنچه سنوی مال اتمکله بیك الشمس برسته سی ارایدی تمام امیری به التیق  
 یابنده دفتر دار امیر پاشا و سائر وکلا وجه وجهیه کوروب ناخص و عرض ایندی یلر  
 یوزک و الله حاضر تلی وکلا به خبر کوروب دفعه او توز بیك قدر آدمک ارزاق قطع  
 ایدوب محروم ایدوب یوز سنو نلرک بد دعا لرینی قنق کز عیاده مافی الاعناق ایدوب یوز سنو  
 ویدوب که منجم پاشا حسین افندی بیك برینه مستشار امور دولت اولان صاری کاتب دید کیری  
 لاخیر مطایبه یلندن آغاز کلام جدا ایدوب به جائم بونجه زمسار قلاع عالم که فتح اولور  
 هیچ منلا فلان درویش فلانک دعا سیمله فلان قلعه فتح اولمش در دید کیری ایشد لمشیدر  
 ینه قلعه لری آلان کفان قایم چالان کیمی سرخوش ابراهیم پاشا کیمی ظالم فلان پاشا در  
 بومالک و قلعه لر بومقوله بکملرالی ایلر فتح اولمش در اول مقوله غم غم فلانک دلیله نه ایش کوریلور  
 و بیب مطلقاً عیبه مستحاله فقر لک بی طائل و خیر دعا وید دعا لری به حاصل ایدوب کن کنندی  
 اعتقادی اوزر بیان ایندی که طمعکاران دولت و مغروران سرمست قنقند بو قول باطل  
 هر وجهه موجه کوریلوب عموم بونجه ارزاق دفعه قطع و وجوه اسرافاته امداد اولندی  
 مانند سخاک مغرورین کاغان عالمی غدا مار ایندی چوق کیمدین غیرت حق و بطش قهار  
 مطلق ظهرون کلوب عامه فقر لک کوز یاشنی آلان مغرور لک عموم بونجه یاشنی خاک هلاک  
 سلطان ایدوب دولتی برنی تم و شجره وجود لرین قلم ایلدی تنه کیم حمله ذکر اولمشه کر کرد  
 و بوماه حواد شندندر که بکچری اغاسی و کتخدا بیك انماسلر یلر و مایل صدری قبه قولق  
 زاده مغرور اولوب یوز اناطولی دن مغرور قدسی زاده به لک پیری ادرنه دن منفصل شعبان  
 افندی به ویرلری و قعه کشنی صدر اعظم ملک احمد پاشا بوندن اقدام دو تنای همایون  
 اچون قلیونلر بناسی فرمان اولنوب صدر اعظم مخصوصه بر عظیم قلیون یا یله سنی مراد ایدوب  
 بانچه قبوسنه قور مشیدی حد ذاته بر عظیم قلیون یا یلر تمام اوانچه کدر کاهه اولغله  
 خلق دلنه دوشوب بونک کبی قلیون یا یلش دکلدر دیولاف و کذاف اربابی اوچوروب بجه  
 بد نظر لو قبیح فال لر ایدرلر دی بالاخره تمام اولیحق جمادی الاولینک نشیخ اثیر کونی وزیر اعظم  
 و شیخ الاسلام جدید و سائر اعیان و ارکان جمله دارات و عنوانه و اروب قلیونی ایندی مکه  
 حاضر اولدی لر صفره برینه علمه و سیرجی دن ابکیوزه قریب آدم ایچنه طویش ایدی مکر بعض  
 اسباب و آلاته قصور و ایشلر ایش عامه خلق قاتلدر قات سیه حاضر اولوب شیخ الاسلام  
 دعا ایدوب ال یوزه سور دیک کبی فلنکار آلنوب معتاد اوزن قزاق ایلر دریایه صالندی اول الشمس  
 ذراع یونی اولان عظیم و مهیب قلیون صوبه اینرکن یانی اوزن دوریاوب خلق بر و طر قه ایرکد که  
 مفید اولوب دلو کار دن ایچنه صو طو لوب انبارملو اولغله باطوب دریایه اینوب کندی  
 اچنده بولنلردن سعادت تلو اول کسه ایدیکه سناور لک ییله یار طر بق ایلر کندر و نی طشره

براغوب نجات بوله انبارده بولنان و غیرین الی مقداری آدم تلف اولدی دیرلوز  
 یو حال کوروب اغلغه باشلا دی سائر خلق دخی حیرتندن هریری بر سوز دیه رک پریشان  
 اولدی لرا اکثر ناسک سوزی ظلم ایلر یا پلان کیمک حال یوز سائرینک حال دخی نه اوله جفی  
 بوندن معلومدر دیو فال بد ایلدی لر لکن نفس الامر ده بودر که قطع ارزاق ایلر عمارت و مرمت  
 لشکر ایدن مدبران دولت که خیر دعا وید دعا نک نفی و ضرری یوقدر دیو اعتقاد فاسد  
 ایشلر در اکابا بو خصوصه کند و لره تقرب الی ظهور ایلدی مقطوع الرزق مظلوم لک  
 ضرر صر آخی نتیجه پندیر اولدی غندن بو تاریخی سو بولشد راه ایلر باتدی وزیر ک کیمی دریایه  
 بالاخر یاشنه طولاب کیلری چکیلوب محکم باغلندی و هر چند که صودن چیقار مغه بدل  
 مقدور ایشدی لرا مکان اولدی بجه سعی دنصکره ماییس اولوب اوزرندن بر طبعه بوز دینر  
 یوز سنو و قولق سز قلیون شکله قویوب ترسانه به کوندیر دیلر عباد اللهک نشام ایندی کیری  
 سائر لریک باشلرینه دخی خیر کیدی تنه کیم ذکر اولنور رئیس المنجمین حسن بهائی دیر که  
 وزیرک مژبور قلیونی دریایه ایندن جکی کونی غایت نحس ایدی بروقت اختیار اولسون  
 بو کون ناخیر اتمک لازمدر دیدک مفید اولدی تاریخ وقت سرطان زخل اوند و رابع  
 میران مرغ اوند و ثمر برج عفرید طریقه محترقه مخوس ایدی باری بر مقد ارض  
 ایدک دیدک وجود ویرلیوب عجله ایلر ایندر دیلر حکمت الی اول ساعت دریایه غرق بعد  
 جتکه محترق اولدی کاسچی ذکره ماه مزبورک ساخنده اغار را ایلر عبد الرحیم افندی  
 قدس دن کتور لکته قرار ویریاوب بکری بکیر امر و مکتوب لر یاز لندیکه دست بدست  
 اعزاز ایلر کتورن لرمفی عزیز افندی دخی بالضرور بومضمونه موافق مکتوب یازوب  
 قدسی ساینیه دن صوتی چلبی به ویردی و تقدیم اقدام قاعده سی اوزن سلسله لر ایلدی  
 یواشانه روم بطریق بعض تهتمه بناء قتل و مالی میری به قبض ایشدی لر تفصیل وقعه  
 وان بوندن اقدام ذکر سی سبق ایشدی کی اوزن محمد امین پاشا که کتخدا بیك معاونیه وان  
 بکری بکیمی اولمشیدی و وافر جائزه سن المشلر لیدی حسن سلوک صاحبی او لغین وان خلقی  
 حسن سلوکندن خشنود ایدیلر اتفاق وزیر اعظم بکتاش اغا ایلر متفقوا و ابالتینی وافر  
 جائزه ایلر قره مصطفی پاشای بوسه تانجی باشی ایکن قتل ایدن ابراهیم پاشایه ویردی لر  
 منسل و اردقه وان اغاسی حسن اغا و بکچری اغاسی سنن اغا و سائر چور باجیلر  
 واعیان برره کلوب امین پاشا حسن سلوک اوزر ایدیکی عزلنه موجب یوغیکن و هنوز  
 ویردی کی جائزه سن چیقار میوب مدیون ایکن غزل لک نه مناسبتی وارد تکمیل مدت  
 ایدنجه احوالی آستله به محضر ایدر رز دیو ابراهیم پاشا ک مسلمان روبراه ایدوب بو احوال اچون  
 استانه به رجانه صور تنده بر محضر یاز دیلر ابتدا محضره بکچری اغاسی سنن اغا  
 اوزوب بعد چور باجیلر بعد وان قوللری اغاسی حسین اغا و بجه سی مهر لیوب امین  
 پاشا ک تفکیکی مصطفی بشه ایلر آستله به کوندیر دیلر بر مرتبه دنصکره سنن اغا  
 و سائر چور باجیلر بکچری نفر ایلر قلعده اولورلر دی مایننه بر منافق سوز براغوب  
 ابراهیم پاشا ک امینی بکتاش اغا در سزیه محضری مهر لک بککزه خطا ایندی بکری بککله



یونلر ایدیشه ناک اولوب مشورت ایتدیلمشدی بکتماش اغازمه مغیر اولوب عداوت ایدر  
پادشاهک ایاالتنه بزم مدخلیندرد یوشیمان اولوب البته محمد امین پاشا واندن جیقوب  
کنسون ابراهیم پاشا ناک متسلمی قنده ایسه کلسون دیو حسین اغا و سائر وان اعیانه  
شهر کوندردیلر حسین اغا وقاضی و سائر اعیان انکشت بدندان نجیب ایدوب سنان  
اغایه خبر کوندروب بورائی ایتداسر ایتدیکنر واولا محضره سزمهر اوردیکنر شمدی بونه  
اصل سوزدر بوملعه صبیانیمدر دیدکرنده سنان اغا قلعه دن جواب وروب بزم  
یوقضیه ناک قبضی صکره ملاحظه ایلدک حالامین پاشا کیدوب ابراهیم پاشا ناک متسلمی  
کملودروالا سزعامی اولدیکنر دیوب شهره طویلری طوغرلدوب جنکه شروع ایتدیلمشوان  
قولی دخی عنادا ایدوب امین پاشا ایله متفقاً صاحب قدم اولدیلقلعه دن شهره وسرايه  
طویلر و تفنگلر آتیلوب بردفعه مکتبدن کلورکن ایکی اوغلانجی ویرکیه انده شمه  
واغوشنده معصومی بر خاتون بیٹی حولیسندک کزکن معصومی تفنگ ایله اوروب نیچه آدمی  
قتل و مجروح ایتدیلمش و نیچه ابنیه ویران اولدی شهر خلقی وحسین اغا بواحوالی کوروب  
مبادا بر طرفدن بر هجوم اوله دیو حسین اغا ایله مضاهرت ایدن حکاری حاکمه خبر  
کوندروب یکچیریدن قورغق ایچون وافر اکراد کتوردوب قرا و نواحی و قصباه طولدوروب  
یوللر بوجال اوزن مسدود ایکن چون یوقضیه آستانه یه منعکس اولمشیدی سابقا  
کوجک میر آخور و حالا قیوجی باشی ناخیمی جندی محمد اغایی وزیر اعظم چاغروب جائمچند  
اغاسن بر کار کد اراد مسن مقدمایه دفتنه سنی اختیار ایلدک کوریم سنی سهولت ایله  
یوغاقله یی دخی منع و دفع بایند نیچه خدمت ایدرسن طریقک مقتضایه حقه چوق  
عنایت مقرر ددیوب کوندردی جندی محمد اغا دخی شدة شتاده بدلیس قلعه سنه واروب  
بحسب الضمرون انده بر قاج ایام مکث ایتمشیدی وان اختلالی سهولتله مندفع اولرسه  
واروب فتنه یی دفع ایدرسن دیو دیاربکر والیسی حیدر اغا زاده یه امر کیدوب مامور اولغله  
دیاربکر خارجنه چادرلر چیقاروب خبره مترقب اولمشیدی جندی محمد اغا بدلیس خانی ایله  
مشورت ایدوب انکرائی اوزن وان قولنه و یکچیری یه مکانیب نصح امیر نیازوب فتنه و اختلال  
دفع اولمقی مقدماتی تمهید ایدوب بر کون بر کوردایله وانه کوندردیلر وصول بولدقده مشورت  
ایدوب حسین اغا وولایتی تمادی اختلالدن بیزار اولغله تعصبیدن فارغ اولوب محمد امین  
پاشای قرق الی اتا وایله واندن چیقاروب ارضرومه کوندردیلر و جندی محمد اغایه مکتوب  
یازوب بزعامی کلز انجق امین پاشا و لایتمزده حسن سلوک ایتمکله دینلرینی ادا ییغیه دک عزل  
اولمسون دیو بقار جاسه اولمش ایدک چون سوز کمدی امر پادشاهکدر بزم ولایت پادشاهیه  
علاقه مزیدر کیمه توجیه اولمش ایسه کلوب ضبط یاسون دیو خبر کوندردیلر وان قوللرینک  
اعیانندن رهن شکتله بعضیلر بدلیسه کلوب و امین پاشا ناک کتدیکنی خبر ووردکرنده  
محمد اغایه اعتماد کلوب ابراهیم پاشا ناک متسلمی دخی بدلیسه منتظر ایدی یانه آلوب  
وانه واردی ابراهیم پاشا ناک متسلمی ولایتی ضبط ایدوب قلعه دن یکچیری اغاسی نفرا تیه  
چیقوب جندی محمد اغایه بولشوب حسین اغا مفاصل سابقه سنه بقاء امین ولما غله حکاری

عشیرتیه قاچوب فتنه مندفع اولغین دیاربکر والیسی دخی فسخ عزیمت ایله مامور اولدی  
وقعه وان قذ لکه تحیری اوزن بویه درکه وان پاشاسی محمد امین پاشا خوشتاب حاکمی سلیمان  
عرض ایدوب وانه تابع امق وار جیس و اخلاط و عا دلجو از رعایا سنک اون بش یکدن  
زیاده مواشیسی سوزوب غارت ایدوب و عجمدن کلن تجارت یولن کسوب خسارت  
ایتدیکندن غیری وان قولی و حاجی ایچون تعیین اولمان جزیه کفره سنه اغا ایله جزیه لرین  
ویرمکه مانع اولوب سنه ده یکرمی بش بیگ غروش نقصان اوزن ویرمکه قول مواجبه کسر  
طاری اولدی دیو ایلدوکی عرض و محضر معلوم اولدقده ایلالت مزبور فکر فاسده بقاء وان  
واکراد حکاری ایله عهد لشوب ابراهیم پاشای قبول ایتد سوز سلیمان بکدن سنک انکله  
اشقامری الوپ کمرک مالندن او توزیش بیگ غروش مواجبه یز تحصیل اولندقده سنی  
صالیور مز زدید کلرینی عرض ایلدوب صباغ قول اغاسی حسین اغا و سائر قول ضابطلری  
مکتوبینه بدلیس حاکمی ایله اراده وقوع یولان یرودت محبته مبدل اولدی و میر عزیزی کندی  
اوغلی زینل حبس ایدوب عشیرت اتفاقیه پینه کیدی انجق خوشتاب حاکمی سلیمان عصیان  
اوزن اولغله قاقوب اوزینه وارلدقده حکاری حاکمه داخل دوشوب صاحبه طالب اولغله  
طرفین صلح ایدوب لکن کیر و عهد و شرطنه طور میوب چومار شتی یی یانه الدی دیو اعلام  
ایتمشایردی بواشار زده وان قول ایله نوبتی یکچیریلر اراسنه خلاف و شقاق دوشوب یکچیری  
ایم قلعه یه قیاناوب باعث فتنه اولان محمد پاشا و صباغ قول اغاسی حسین اغا ایله بر قاج کون  
محاربه ایتدیلمش حسین اغا حکاری یه داخل دوشوب امدادینه برار تفنگ ایدار کتورمشیدی  
ظفر بوله میوب کیر و حکاری یه کتدکده صباغ وصول بولور و عزب وقاضی یکچیری اوغا غنه  
دوشوب محمد پاشادن روگردان اولوب اعتدال ایتدیلمش خوشتاب بکی دخی سنجاقی عیسکر یله  
یکچیری امدادینه کلشیدی قول ایله انلار اراسنه دخی فتنه پید اولوب او توز قرق کوردویدی  
سکر یکچیری دوشوب بعدا بارشدیلر و در دولتدن وان ایالتی ویریلن ابراهیم پاشا و اردقده محمد  
امین پاشا و حسین اغا حکاری یه فرار ایدوب وانلی اراسنه صلح و صلاح واقع اولدی و ابراهیم  
پاشا شهره کیروب ضبط ایلدی محمد امین پاشا ارضروم اوزریدن استانبوله کلوب حسین اغا  
و سائر فراریلر صکره اله کلوب قتل اولندیلر و فات جوی زاده فی جمادی الاخر جوی زاده  
افندی ناک سل و استسقادن ایکی کونلک عمری قالمشیدی ینه بزم باغچه ده ستادروله فلان  
جنس رخامدن بر قوج واردرانی الوپ قوسونلر دیو یورردی علم و عرفاندن خالی بر غریب  
محمد و امیدی سابقه انا طولی صدری ایکن براوغلان ایله لواطه ایدوب کونن دریده ایتدکده  
اوغلان طمان خون آلودین الوپ اناسنه باباسنه واردقده انلر دخی طونی و اوغلانی الوپ  
مفتی محی افندی یه کورتوب شکوی ایتدکده الله الله شو آدم بوفنده دخی جاهل ایش دیدوکی  
مشهور در صکره مزبور غلام کون دریده ایلر و کلوب دفتر دار اولدی که کوریل زاده احمد پاشای  
فاضل عصر نده دفتر دار احمد پاشا در صکره مصرده صاحب وقعه اولمشد رالشی بالشی یز کیر  
احمد پاشا ناک دفتر دار لقی وقتله اجزای مجلسندن بر اطفیه کوی قاضی واریش بوجک یه یی  
اشتمش لکن اول اوغلان احمد پاشا ایدوکی بلز ایش بر کون انشاء مصاحبه جوی زاده







دو کولناره باقیوب ردوس جزیره سنه طوغری کندی بعد کفار اول اطیه دو کلان  
 مختلری دیوشورمک ایچون واقرو لئات دوکوب جمله سنی اخذ واسیر ایتدی یار قپو دان  
 ودوسه وارد قده نجات یولان کیملر کلدن صکره دیوان ایدوب جنگدن روگردان اولنلری  
 هجرم ایدوب وامر لیه قهر ایلوب ترسانه کتخدا سنک صفالنی تراش ایدوب کتخدا سی ایوی  
 قزه قاش اوغلی علی اغای مکتوب وعرض ایله آستانه یه کوندروب بعض امرانک وعامه  
 یکچیر یلرک تخلف و نافرمانا قلمن اعلام ایلدی استانبولدن قورد چلی ترسانه کتخدا سی  
 قصب اولنوب کوندردی فذلکه ده دیر که قندی خلقی بوشاده کال ضعف لرندن قلعه ییورمک  
 تخمیننده ایکن دوتما لیتک الد قلمی الی قلیونی سرنگون بیر اقلریله کتورب قلعه اوکندن کچرب  
 عظیم سنک ایدوب استندیل اطیه سنه لنگر انداز اولغله بود کلو جبه خانه و دورت یوز قدر  
 طوب ومهات و ذخیره اللرنیه کیروب قوت یملغله قلعه ده تمکن تام کوستروب کالاول جنگ  
 وجد اله باشدیلر قپودان پاشا اللی قطعه سفینه ایله ردوسدن کر به توجیه ایدوب خزینه  
 واشکرو ذخیره ومهات نه ایسه تسایم ایدوب سردار کرمدن سند الدی غوغا بر ای علوفه  
 ینه ماه رجب حوادثند ندر سپاهیله علوفه استیوب اغالری طاشلیوب اندن دفتر دارک  
 سرانیه وارد یلر و فامید اتان بر توپاشا سرانیه اولوردی دفتر دارقپوی قیامغله هجوم ایدوب  
 طاش یاغدر دیلر بر سپاهی تحیر چکوب دفتر دارک اوغلانلری ایله عربده و پخیره  
 و باملرین شکست ایدوب طاشاغلدیلر اول خیر چکن ودخی جمعیت اوکمه دوستلر بر قاجی  
 اخذ و اول کچه بوغلدی و سپاه اغاسی عزل اولنوب شعبان اغا نصب اولندی بوند نصکره  
 سپاهیله اسکدار ده جمعیت ایدوب اول بوغیلان یولد استلرک قاشی استرز دیوغلغله  
 ایتدی لرکن برایش کون مدیلر مقدمه خروج حسن اغا سابقا حرامی حیدر اوعلنی  
 طوتوب کتوردی خدمتی مقابله سنه یکی ایل ویوده لغی اوج سنه بر تحویل ایله  
 زمره ساحد از اندن مزبور ابازه یه توجیه اولنمشیدی ابتدا توجیه اثاسنده اغالر  
 هییری کسنه یه مراد ایتدی کلر نه صوفی عهد پاشا ایاق باصوب ترکانی اوج سنه ضبط  
 ایلنه دیوخط همایون اصدا را ایتدیروب حسن اغا نفسنده یرار بهادر آدم اولغله صاحب  
 چیقوب چراغ ایتشدر بر سنه ضبط ایلوب الله اولان خط همایون موجبجه انها  
 ریاسیله میری یه وافر اچقه سی کوب وزیر وارکان دولته عظیم هدایا و رمتس ایدی  
 لکن اعیان دولتک تسلط ایله جمله یه غالبی افراط اوزن حرص و طمع صاحبی کتخدا یلک  
 اتباعندن دلی برادر دید کلری احمد اغا نك دامادی اق علی یه ویرلدی ابازه حسن اغا  
 اوچاق اغالری را ئی و کتخدا یلک اراده سیله ویوده لق مزبور آق علی یه ویرلدی ابازه حسن اغا  
 اغالرک هر برینه واروب دولتلورلر خدمت مقابله سنه احسان اولنان خط همایونه عل  
 اولنماق لابق دکلدر میری یه یوقدر یلک غروشم کوب ابواب سائر یه یوقدر هدایا ویردم  
 یکاغدر ایلک انصافیدر احسان ایدوب بزه جور و تعدی ایلک دیواظهار تظم یوزندن  
 نجه معقول سوزلر سویلادی مفید اولوب سنک ویوده لغی وزیر ویردی بزم علاقه مز  
 ندر دیو مغرورانه جواب ایله ردایتدیله حسن اغا بونلردن مایوس اولوب مال و جان

احسانیه و زیره واروب سلطانم سزندن ینه سزده شکایت ایلدی بکا اولان ظلم و تعدی  
 روامیدر حیدر اوغلی که اوج طوغلی روزری قتل ایدوب وانا طوغلی یی خرابه و یروب لندن  
 حاجر قائمشیدی باشی میدانه قویوب دولت یاد شاهیده طوتوب کتوردم خد متم مقابلی  
 ویریان بر ویوده لق پان سنه کوزدیکدیلر حال بوکه باخی مزبوری طوتدی یغمه قاجوب المدن  
 کوجله جان خلاص ایدن قاطرجی اوغلنه اوج توغ ویرایوب ایالت اصمردیلر اکاچوق کورلدی  
 بزم جزیر مزبور ناندان علیه نك بنده سی و قدیمی پرورده سی اولدوغز میدر حال میری یه التمش  
 یلک نروشم کندی دیوقدر خرج و مصرف کندی ینه ویوده لغی آخر دیانک مالان جمع ایدوب  
 طویمان طمعکار لر لوب بنی خاکله یکسان ایتک استر لردیوب وافر سویلادی دلی برادر دخی  
 انده بونلغله جواب ویرمک صد دنده ایکن حسن اغا جرب چالوب وافر محاون و مشاتمه ایتدیله  
 وزیر کتخدا سی غلام محمد حسن اغایه عیبد روزی بر حضور نه بویه سوزلر سویلنور می شکنده  
 تعنیف معامله سی ایتدی که حسن اغا خیر مال اوروب بزه باز کان قیامتلو قومسار باز  
 وکیل السلطنه یه احوالی سویلک ندن عیبد رعیب اولدر که مغلوب اولدی یغز آملره بنم  
 کبی خد متکاری پایمال ایتدر مکله غدرو حیف ارتکاب ایدر سز دیو قلدیکه غده یی زخمناک  
 ایلنه وزیر دخی بوکاغدر فاحش اولدوغنی ییلور نه ایشلسون عز صد ارتله صورت غضب  
 کوستروب حسن سوزی اوزاتمه وقتی ایکی ایله کون لم احوالنه بر صورت ویریلور دیو دفع  
 مجلس اولندی طشره چیقدیغی کبی اردنجه بریاض یورلدی کوندردی که بونکون بوشهر ده  
 طور میریوب ولایتکه کیده سن اول ایسه حضور ویزدن چیقدیغی کبی غیری بالکلیه مایوس  
 اولدوغندن غیری غده اغالریله یکدل اولغله حسن اغالی اخذ و قتل یتندن اولدوغنی طویوب  
 اول ساعات اسکدان یکمش ایدی عقببنجه فرمان وارد کون لم یوند اجرای حق ممکن اولمرسه  
 کیدر زردی جواب ویردی مقد ماد دفتر دار سرانی طاشلیوب بر قاج نفرلری بوغیلان سپاه  
 زمره سی که علوفه غوغا سندن کینه قدیمه ایله درونلری مجروح ایدی مشاهیر سپاهدن  
 قونیه لی خادم علی اغا قورنداشی حسن اغا و کورد محمد و جندی یوسف اعادخی نیچه بالو  
 باشلورلر سائر نفرات ایله حسن اغانک باشنه جمع اولوب هوادار اولدیله و صاری کاتب  
 ودلی برادر غله و دفتر دارک از اله سی یاسنده معاهده و اتفاق ایدوب خبر کوندروب بونلرک  
 باشلرینی استدیله و اوجاق اغالری کوکره یوب باش چاوشی یونلره کوندروب دیدیلر که اول آدمیر  
 اوجاق حمایه سنه در بری ییله یرلک احتمالی یوقدر بود عوادن فراغت ایدوب طاشاغلسونلر  
 الا ضرر کوردر چاوش بیخبری تبلیغ ایتدی که انلردخی جواب ویروب یات میدانی دکلدر  
 شیدن صکره ارامزی قایچ فصل ایدر اغالر کلسونلر یوجانلر کوروشنه لم دیو معارضه جوانی  
 ویردیله قضیه اغالرک مسیوعی اولد قله بونلرک دماغلری فسادده درتد ارکلی کورلک کرکدر  
 دیو وزیر ابرام لردیوب حسن اغایه کوچوب کیده سن دیویورلدیله چاوشلر کوندردیلر حسن  
 اغاده ویوده لغی بقایا خود میری یه و سائر کچن اچم ویریلور و الا کتم دیوا یاق با صد قلمر نه  
 میری یه کچن اچقه سندن ناچار اوتوز کیسه کوندروب البته قاتل دیو ابرام ایتدیله حسن  
 اغاینه خبر کوندروب بزی محزون و مغدور یوللا یوب اول ولایتلری اجیمار می دیدکله بوندن



قالقوب كنسونلر استر لسه انا طولی فی آتشه یا قسونلر دیو جواب ویردی یار حسن اغاده ناچار  
 قالقوب و بالی بوینکره دیوب جمعیتی ایله کوچوب اوکلرینه کلان بلوک خلقی که علوفه یه  
 کلورلردی دوندروب اطراف واکاف سپاهیله یینه آدمو کوندردیلر ضرب باوقه را آت سوروب  
 کلیملرک ماملکتی غارت ایدرک جبراکتور دیلر از نکیمده وارد قله پیکیری سردارین استیوب  
 قرار و اختفای تمکله سپاهیله کتخد ایرین اتباعیله قالدروب کندویه مصحوب ایدوب اند  
 برمقدار سکبان یازوب اندن محرابه چیمقوب خیمه لره قونوب او توررکن انقره دن عبد الکرم  
 نام قاضی برمقدار تجارت ایله کلوب بر قاضینک دخی اقر باسندن برنوجوان ایکی بیک صوف ایله سیله  
 ایدی کلورکن حسن اغانک چادرلری ووزینه اوغرا یوب ییلد کلرند ناچار بازه یه بولشورلر آدماری  
 سلا حارین الوب صورت احترام کو ستر لر قالقوب از نکیمده کلد کلرند اول تازه جوان  
 یکدی صقلار لر بازه آدمو کوندروب ارا یارق اوغلانی بولوب یوکلر ایله کتور لر اوغلان چکدیکی  
 شایع اولیق خلق و همه دوستوب احترامه باشلدر بواشاده بکتاش اغانک میرا خوری  
 احمد اغا کلیمس ترکمانلرین حقلیوب و بکتاش اغایه متعلق بعض خدمتلردن جمع اولمش  
 او توزینک غروش ایله ویر قاج طاوله ارا تلو ویر قاج قطاردوه ایله کلورکن بازه خبر الوب کره ده  
 و بولی ماییتند آدمو تعیین ایدوب طو تدروب اول او توزینک غروشی و آت و دوه لری الدی  
 میرا خور احمد خشونت یوزندن سوز لر سو یلکله طو توب انی قتل ایلدی و رغابو خصوصی  
 کند و سبی اغاره یازوب اعلام ایتدی بواشاده بولی سنجاغندن خروج ایدن کوله اوغلی  
 نام شخص که بولی پاشا سنک بالدفعات آدملرین و صوب باشیلرین باصوب قتل ایدوب وافر  
 اتباع جمع ایدوب کلوب بازه یه ملحق اولغله سلسله جمعیتی متر اید اولدی اندن قسطمونه  
 واروب افلاقی ناسیبه سنک قوتوب راست کلدیکی پیکیرینک بورن و قولاغ کسوب قتل  
 و غارتیه مشغول اولدی و حالا وزیر اعظمک اتباعندن ایکن کندویه فرار ایدن شاهین  
 اغا نام بر شخصی بر بلوک ایله انقره یه کوندروب بکتاش اغانک چفتلکتی غارت اصمردی  
 چفتلک کتخداسی قسز اقلری کیجه ایله انقره قلعه سنه قومق استمد کلرند قاضیسی کدر  
 اوغلی که مشهور سادات علماد ندر راغی اولیوب یوقسز اقلری قلعه یه قویوب بونک  
 خاطری ایچون بزم و سائر مسلمانلرک قراومزارعی خراب و بر باد می اولسون دید کد نصیر  
 بعض ملاحظه یه مبنی ینه تکرار اچرو الدی اما بوتعلل بکتاش اغانک مسعودی اولوب کدر  
 اوغلینک قتلنه امر چیمقاروب کوندردی کدر اوغلی اتباع و لواحق جمع ایدوب قتل رضا  
 ویر میجک اکاهمیا و معین اولنلر که کتخدایری و قضایه واعیان ولایتدن بعضیلر در انلرک  
 دخی قتللری بایسته امر چیمقاروب کوندردکده بومقوله اغراضه مبنی اشخاص متعدده قتل  
 قضاحت صریحه اولغله تنغینده مجال اولیوب قالدی اغارک بومقوله رسوایلقارینه  
 نهایت یوق ایتدی حتی رجب شریفده چیقان علوفه فی المغه وارد قلدند پیکیری  
 اغاسی قره چاوش کمال اسنشعار و سقا هتندن پیکیر یلره سلا حله کلکی تنبیه ایدوب  
 عومایک پیکیری مسلح دیوانه واروب علوفه فی اوله قالدردیلر بوضع کستا خانه جمله یه  
 منکر کو رینوب طعن ایدیلر بادشاه عالمیناه معنی عزیزی اچرو چاغروب پیکیری بوکون

چون سلا حله کلدی دیو سوال یورد قلدند اصلی معلوم کلدرد یوسکوٹ ایلتدی  
 شعبانده مفتی سابق عبد الرحیم افندی بروسه جانبندن کلوب استانبوله وصول بولوب  
 کتخد اینک القادیم یازو رسمنه متابعت کو ستروب بر ساعت قدرتها مصاحبت ایتدی  
 یوار القده کندویه فتوی تکلیف اولنوب شهیدی بزعته قاء اللهدن اولدق بولوت امور فارشیزه  
 دیو امتناع کو ستردی بواشاده بولی ده ساکن سایمان اغانام مرد شجیع که شمس پاشا زاده  
 هتقاسند ندر صاحب شجاعت و جنگ آورایدی مترقب فرصت او اوب بولیده طغیان ایله  
 مشهور جهان اولان کوله اوغلی واروب بازه یه اتباع ایدوب بولی اطرافند ملعنتمه مشغول  
 ایدی یتاقلندروب بر قیه ده باصوب ایاغندن قورشتون ایله اوروب مجروح ایدوب بش آلتی  
 آدمیله بشه چکوب قرق الی قدر تابعی قاچیدن پکیروب اخذ ایتدیکی شقیلری استانبوله  
 کتوردی وزیر چیمقارد قلدند کوله اوغلی جواب ویروب شهرلر و مدق کار بان باصمدق  
 الحق ظلم دفعنه چالشندق اما چون تقدیر بولیده ایش امر الله کدر دیو اتباعنه تلقین ایدوب  
 کلمه شهادته اشتغال ایتد کلرند کند و یارمق قیوده اتباعی اسواق استانبوله صلب  
 و سیاست اولقدی بواشاده بولی سنجاغی ویریلان جان پولاد دلی حسن اغا که بکلو حسندر  
 هنوز اسکدر احرار سنک او توروب اتباع جمعنه مشغول ایدی بر کیجه بر ایکی آدمیسی توغلرین  
 قالدروب قاچوب بازه یه فرار ایتدی لر شهرلو استهزا کونه آبکلی حسن توغلرچیه اولدی  
 دیو ترکیلر چاغریلغله خنده فرمای شیخ و شاب اولدی لر ماه شعبان اوائلند بازه نک  
 قضاحتلری و بکتاش اغانک اموال و دوان الوب آدمیسی قتل و پیکیر یلرک انوف واذان  
 قطعه جر اتی اغارک مسعودی اولد قده مشورت ایتدی لر بوندن اقدم چاوش اوغلی محمد پاشا که  
 بازه ایله قدیمی دوستلغی واز ایدی دیار بکردن معزول بولنغله بکتاش اغا و ساططیله یوزا و توز  
 کیمسه سی النوب سیواس ویرلشیدی اول دخی اهل اولان سلطان حضر نلرینک دواهر  
 و پیرایه لرین رهنه قویوب برمقدار اچیه تدارک و ابشیر دخی شامدن معزول کو کسون  
 ییلا سنه کلوب منصبینه منتظر ایدی سیواسی چاوش اوغلی رفعدن ابشیره کوندربا یوب  
 آکاشهره زول ویرادی شهره زولدن بومقدار مال حصولی محال اولغین چاوش اوغلی مکدر  
 و مدیون مخیر قالمشیدی بواشاده سیواس والیسی ابشیر پاشا بازه استیصا لنه سردار  
 و سائر ولایتلرک امر او بکلر بکلری آکافدار اولوب اطراف واکافدن عسکر سوروب  
 اوزر لینه وان لر و استقیانک حقندن کله لر دیو صدر اعظمه ابراملر ایدوب ممالک خر و سه یه و امر  
 یازوب عسکر سورمکه چاوشلر ایله کوندردیلر و جان پولادلی سابق الذکر متفرقه بکلی  
 حسنه ده بولی سنجاغی بو خدمت تعهد یله ویر یابوب اسکدران پکور مشلر ایدی لکن اغارک  
 تسلطی و ظلمی حد دن خارج اولغین خلق کند و لر دن روگردان اولوب بکلی حسن نجه ایام  
 اسکدرده او توروب کندویه او یار توابع پیدا سندن عاجز اولوب بالاخره ذکر اولندی فی اوزر  
 طوع غلری چالنوب عجز ایله رسوای عالم اولدی و بو خصوص غرض فاسده مبنی اولدی فی جمله نک  
 معلومی اولغله پراکنده قلنان او امر مو جبنه بازه نک اوزرینه وارمنه کسه مقید اولیوب  
 برلر دن حرکت ایتدی لر سردازی قاطرجی اوغلی چونکه اغارک دولتی کال بولوب



زواللری قریب اولمشیدی بعض اغراض دنیویه ایچون بینلرینه نفاق دوشوب تدبیر لری  
اکثر حالده تقدیر موافق دوشمز اولدی مثلا کتخد ایک مرکز کی اوطاق اغالی نیک مطبخ  
نظری اندر کتخد ایک اولان دولت اووالده معظمیه به استناد ایله دولت استیلا ایوب  
اول مقامین ایرماسی محالات قیلمندن اولغله مقدمه کید ده وفات ایدن کور حسین  
اغاد نصکره علوا و سفلا هر کیه تکلیف اولندی ایسه قبول ایتیموب کتخد ایک ایله اغالی  
بینلر شقاق معنوی سنوح ایتیمیدی و بشیری ابازه اوزرینه سردار نصیب ایتد کیرندن  
صکره ابشیر ایله حسن اغا قدیمی دوستد روغیرت رایبه سبیلله مقدر اوزرینه سردار  
تعیین اولغله غلط اولدی دیودوب قرمان بکار بیکسی قاطرجی اوغلی سردار اولماسی  
معقول کوروب سردارلق امرینی اکا کوندردیلر و بشیری بغداد ایله تطیب فکرند اولدیلر  
هر یه وزیر اعظمک شاهین اغا نامنده براغاسی قاطرجی اوغله سردارلق امرینی کورتورمکه  
تعیین اولنوب اخشام اسکدران چکوب سوار اولدوغی منزل بار کیر لری توانا اولماغله اسکدر  
وزر اسنده چادر لره قونوب جمع انباعه مشغول اولان معهود بکلی حسنک اوردو سنه اوغرا یوب  
بعض توانا آلری چکوب نیک مر ایتد کیر احبابی مانع اولوب بیکلی حسن یاشا ایتاعندن این  
نه سبب ایله اتلریمزی الور سردیو ویرمدیلر شاهین اغا بر سفیه کوله من اولغله بن وزیر اغاسیم  
یونلر نه یابانه سویلر لردیودال قاچ اولد قده بار کیر احبابی دخی ان بنی ملک فیهم سیوف دیوب  
قاچیلرین چکوب شاهنی جیمینی عرضا یکی شوق ایتدیلر بیله اولان تا تارک دخی قولی چالوب  
آتلرین قور تاردیلر یونلر مجروح دونوب استانبوله کلد کیرنده شاهین اغا اول جراحندن هلاک  
اولوب عد متکار لریله تا ناروزیه شکوی ایتدیلر و اغامری بکلی حسن یاشا نیک میرا خوری حاجی  
عثمان چالیدی دیدیلر وزیر دخی حاجی عثمانک احضار یه فرمان یوروب بکلی حسن میرا خوری  
حاجی عثمانی کوندردی مرافعه اولد قلر نه تا تار ایله خد متکار لری کاه بوایدی کاه بوکه بکرز  
ایدی و کاه ات اوزر نه اولان ظاهر میرا خور در بواور مشدردیک یولندن شرعه ناموافق  
ادعای ایتدیلر دردمند حاجی عثمان معاذ الله سلطام نیم یوندن خیرم یوقدرین اول کچه اخشامدن  
نصف اللیله ک حسن یاشا نیک یاشا ایدم و معرکه بزم اولد و عجز چادر دن ایک ساعت قدر  
بعید یرده بابا نام محله وقت عشاءه اولش امر شرعک دیدی یاشا تهور و بطش ایله غضبه  
کلوب بره جلا دیو چاغروب یرندن قالقوب عیسایه کتورک شونی دیوب اول حال ایله باب  
همایون اوکنه دکن پیاده کیدوب نیر قتل لیدک دیور قع صوبله چاغرمغه باشلدی زیر اوزرا کندو  
سر ایلر نه آدم اولد رملک قانونا منوع و موجب تهمت اولغله خفت ایدوب کندوسی بیله پیاده  
یوقدر خلق اوکنه باب همایونه وارجه کندی دردمند حاجی عثمان اوج دفعه زیارت بیت الله  
ایله مشرف سنی قرقه وارمش بر معقول و موؤدب یکیت ایدی هر چند فریاد ایدوب بقه  
دولتلی ایکی الم روز محشر ده کیر یاشا نیک در ناحق یره قائمه کیر مه بنی حبسی ایله بر خوش رفتیش  
ایدوب مطلع اول بوجر ملک صاحبی ایسم بنی امان و بر میوب اولد ر تهور ایله عجله ایتمه صوچم  
یوقدر نه کوزدی مفید او ایچ شهادت و استغفار باشلدی جلا د کلوب خون ناحقنی اهراق  
ایلدی کتابن معصنق افندی نام بر حاضر ایدی اولکجه حسن یاشا چادر نه اخشامدن

نصف اللیله قریب اکندک حاجی عثمان بیله ایدی معرکه ایک ساعتک یرده اولوب صکره بزه  
خیری کلدی ناحق یره قتل ایتدیلر اما وزیر سرعت غضب و حد تله موصوف اولغین کندویه  
ماهو واقعی بیانه کسنه قادر دکلدر دیدی حق بودر که وکیل السلطنه اولان کاهکه بومقوله  
سرعت غضب و جوه ایله نامعقولدر خصوصاً قتل نفسه نائی و تحری لازم ایکن ترک  
شرع و احتیاط بی معنیلکدر احوال قاطرجی اوغلی و بشیر و حسن اغا یوندن اقدام ابازه  
قسطمونی به واروب والیسی علی یاشا نیکه مخالفت کوستر مکله بوزیاوب کار وباری گرفت  
اولمشیدی ابشیر یاشایه دخی سردارلق امری کلد کیر امتثالا عسکرله ابازه نیک اوزرینه  
وار مقه نائی ایدوب حقوق سابقه سندن غیری قول طائفه سیله پاک باشه چقمیه جغنی  
ملاحظه ایتمکه تردد اوزر اینک سردارلق امری قاطرجی اوغله کتمله مفر اولوب بود کاف  
سر رسته اله کیر مشیکن مایینلرینه کیروب توسط و صلح ایتک نامیلله ابازه نیک جمعینه  
واروب ناحق اولدی و قاطرجی اوغله مکتوب کوندروب یوقضیه سهولته مندفع اولور  
یرکده اوتروب حرکت ایتیه سن دیوننیه ایتیمیدی مزبور عامل اولیوب جمعیت  
تدارکنده اولدی ابازه یاشا قاطرجی اوغله نیک تدارک استغالی ایشتد کلد زله قیرنه اوزرینه  
جنکاور یو ک کوندروب قاطرجی اوغلی دخی خبر اولد قده موجود عسکر بیله چیقوب  
آق سرا سمند مقابل اولد قلر نه در جنک اول قاطرجی اوغلی یوزلیوب قونیه به رجوع ایلد یکنی  
برو طرفه اغالی ایشتد کلد غایت منفعل اولوب حیرت واضطرابه دوشدیلر بواشاده بعد اذ قولی  
ایله بکار بیکسی مابین اولوب اراده یاشا نیک قتل خبری کلد کیر بغداد ایالی دیار بکرو والیسی حیدر  
اغازاده به توجیه اولمش اینک نکرار ابشیر یاشایه عرض ایلدیلر که جمعیتدن ایریوب کیده لکن  
ابشیر یاشا قبول ایتیموب کیر و حیدر اغازاده به قرار ویرلدی وقعه داسنی میرزا کردستان  
بکرن دن داسنی میرزا یاشا که موصلدن مغرول ایدی اصلندن مرداسنی عشیرتی بکارندن  
شجع و بهادر کسنه اولوب شرق سفر لرنه خاصه بغداد سنه سنه یدی سفری  
سواری کور دایله بر قاچیو زقرلباش جمعیتن طاعیدوب بی حد باشلر و دللر المغله یرارلغی  
ظاهر اولغین شجاعتنه اعتناء مراد یاشا صدار تنه موصل ایالتن و یروب میرزا یاشا  
عنوانی بولمشیدی بعد عزل اولنوب بر منصب نافعه به نائل اوله میوب بونجه توابعیله  
رزالت و ایتدال چکوب بواشاده آستانه ده ایدی نجه زمان وزرایه باخصوص اغاله تردد  
واغلا یوب جائزه تدارکنه قدرتی اولماغله کسنه یوزینه باقیموب بر منصبه همت ایتدیلر  
قرق الی آدم ایله اسکدرده اولوردی استانبوله کچمکه قایق اچیه سنی یوله میوب اشیا سن  
صا یوب کچنوردی حتی نقل لیدر لر میوه زمان ایدی انباعنه میوه المغه قدرتی اولیوب قهوه  
ایرغنی صا یوب قانون و قار یوزالوب انباعنی اطعام ایلش بر نان یان برطاسنه نجه دفعه عر فخاللر  
و یروب مساعده اولند و غندن مأیوس قالمشیدی کذلک قرمان دفتر دارلغندن مغرول  
نسیمی افندی و ایدنلی یکن بک نام سیاهیکه کورجی یاشا یکنیدر یونلر ده ار باب خد متدن  
اولوب اغالک تسلط وار تشا سندن نه بر خد متنه نائل اوله یابدیلر نه باشلر نه اولان سیاهلرک  
علوفه لرین المغه قادر اولدیلر اسکدر خا نلر نه خور و ذلیل بونجه زمان بکلیوب جله



ماملک کرین صا توپ بیوب یاس تام کلد کد نصیحه اتباع کرینی و بعض سپاهیارینی یا نکرینه  
آلوب آه چکرگاه ایدرک اسکند اردن قالقوب اناطولی به طوغری چکدیلر او آخر شعبان  
ایدی اغالریونلرک مجروح و محزون کتد کرین طوید قله های بونلر بزدن مجروح و متا ملورد  
قیتملری باغی اولوب ابازه یه کتمکدر دیوتد ادرک فکرین ایدوب کتخد ایسک اول کون اون  
یسک غروش قدر صرفله بشیموز تالو جمع واسکند ان پکوردی وارنا و دلق امر اسندن  
اوخری یسکی مختار یسک اغالریدن شاه سلیمان مصطفی سی ویولوی دلی دلا و راغا  
و وزیراغا لرین بوز باز شاهین بونلر امثالی نیجه کمنه لر که جمله سی کتخد ایسک چراغلریدر  
حاضر لنوب ینه کتخد ایسکه متمخص و اندن معزول محمد امین پاشای جمله یه باش  
و بوغ تعیین اولنوب مزبورلرک عقب کیرلکمنه کوندر دیکه هر قنده یشورلر سه جمله سن  
دیه لیه لرو دیله چوریا جیلر کوندلردی من بعد کسنه یی پکور میه لر اما چوریا جیلر و انجه  
مزبورلر جمله عبور ایدوب کتشلر ایدی امین پاشا عسکر ایله وارد قلرند راهدارلر مانع  
هیدر اولد قله هر چند بزاو فر ایلری تعقیبه مامور زدی کوردیلر اسلیوب بزه کسنه  
پکورمه دیدیلر پکور مزرد یوعناد ایتدیلر ضروری توقف ایدوب استانبوله آدم اوچوروب  
راهدارلر خطا بایورلدی کتوروب پکدیلر اول بی چانلر دخی لفکده یی پکوب چاتکلک  
ایچنه قوتوب قضای ناکه نیدن غافل ککند و عالمزینه مشغول ایدیلر عقب کیران  
بی امان اخشام اوزری ایریشوب قنده کیدرسر طوتک دیوبونلرک اطرافن اطافه  
ایتدیلر انلر دخی جواب و یروب بزولای تیزه کیده رزا کر ابازه یه کتسک بیوله کلیوب  
صبا نجه اوزرینه کیدردک دیدیلر مفید اولیوب بونلر جمله یه باشلیدیلر داسنی میرزا  
خاقل بونلرک آتسک اکرین المش ایدی هول جان ایله چوللی اته سوار و مزراغنی قاپوب  
حاضر اولدی شاه سلیمان مصطفی سی دید کلری تورک داسنی میرزایه تیزه حواله ایتد کده  
دفع ایدوب بقه مصطفی اغایغدادیلر برنسا کاپو نجه ایلکار ایدوب سنی قاج کره قزلباشلر  
الندن قورتاردم و سکا خر جلقلر و یروب مؤنتک کوردم ایلاک مقابله سی بومیدر  
دید کده اول نادان اسلیوب اوز باهام بیله اولسک افندی یک نیمی اوزن سنی قتل ایدرم  
امان ویرم دیو جمله یی تکرار ایتد کده داسنی النده اولان مزراق ایله کمرگاهنه شویله  
اوردیکه اوتنه جانیندن بر قارش یلمان کوستروب هلاک و بر قاجنی دخی اقطاردی اتباعی  
اولان کورد پکملری دخی سل سیف ایدوب دوکشه رک وافر آدم قتل ایدوب کند و لردخی  
کشته تیغ غدر اولد قله داسنی بر جانب طوغری تحلیص جان ایچون تنها فران یوز طوتدی  
ایک یوزدن تجاوز آدم اطرافن الوب تیزه و تفنگ ایله دوکوشه رک عقبنه دوستدیلر داسنی بوقدر  
آدمی ملوث شهید ایتد کد نصیحه ای برتاغده یا توپ ناچار قالد قله محمد امین پاشا و دلاور  
اغا که یان نیشلرد داسنی ک اطرافن الوب واللهی سکا ضرریمز بوقدر سنی صانع و احسن استانبوله  
کوتورز الیک چک دیو عهد و عین ایتکله داسنی دخی لاعلاج قالمغین تسایم اولدی طوتوب  
بنه چکدیلر نسیمی دفتر دارو یکن یسک دخی معرکه ده زخمناک اولمشلر ایدی انلر ده طوتیلوب  
بنه چکدیلر کوردیلر که کوردلرک چوغی معرکه ده تلف اولوب سائر طوتیلنلری امین

پاشا سیفدن پکروب داسنی و نسیمی و یکن یسک یاوچنی قید و بند ایله آتله بند یروب  
بونلرک جمله آت و اشیا لرینی یغما ایتد یروب استانبوله فتح نامه ایله آدم کوندروب  
کند و دخی معاودت ایتدی استانبولدن کتخد ایسک رأی ایله وزیر طرفندن بیورلدی  
اصدار ایتدیلر که هر نه یرده وصول بولور سه اول کرفتارلرک کله لری قطع اولنوب روس  
مقطوعه لرینی کتور لرمال دیه حوالیسنده فرمان و صول بولوب انده ککلو یا بازاری جوارنده  
اوجینک دخی بونلرین اوروب انده دفن ایتدیلر فقیر لرمفته صا تیلوب بووضع خلقه  
غایت کوچ کلوب یاب همایونده اول باشلری سیرایدنلر بونی چانلرک جرملری نه ایدی  
سبب اولنه حق بلا ویرسون عنقریب جزا لرینی بولور لردی عامه ناس اوجاق اغالرینه سب  
ولعنه باشلیدیلر بونلر ایه اصلا الدر میوب نعدی و تجاوز دن وغروریت و فرعونیتدن  
ال چکمدیلر ایلاکه دخی نیجه خلقه چکرگاه اوله حق استلر استلیدیلر جمله دن علوفه نامه  
الدر قلو خزانسک اکثرینی اکل و بلخ ایتد کلرین ماعد امنصاب و مر اتبدن الدقلری  
دشوتلر قناعت ایتیموب مال قارون ادخارا ایتشلر ایکن ینه طومیموب کتخد ایسک و بکتاش اغا  
تجارت صورتده اطرافدن نیجه امتعه و اشیا کتوردوب میری طرفندن طرح شکند اهل  
سوقه اغرهار ایله تحمیل ایدوب ایچنه سنی بیورلدی و اوجاق چاوشلری مباشرتیه تحمیل  
ایتد یروب هریری کمال حرص ایله عالمک تقدیر جمع ایتکله قارون وقت اولوب عباد اللهی  
زار و ذلیل و مقهور و عویل ایتدیلر وزیر ایه یه بونلر محالفته قادر اولیوب مراد ایتد کلری  
مصباحی خواه و نا خواه دکلدوب اجرا ایدر لردی دولت علیه نک وجوه منافعنه  
استیلا ایتشلر ایکن ینه قناعت کلیوب لقمه فقرایه دخی طمع ایدوب زرخ امورینه  
قاریشوب لحم غنمک و قیه سی سکر راغیه ایکن اون اوچراغیه چیقارد قلریندن  
ماعد جمله جلب کشانه پساغ ایتد یروب ارضرومه و سائر اناطولیدن کذالک  
روم ایلندن و افلاق و بغداد سمناریندن قیون کتورمکه آدملر کوندروب اول اطرافک  
حکامنده و ارباب خد متنده اولان ایچنه لک جمله سی اغالرک ایچنه سی ایدی قیونه  
بوزیوب کلوب زننه مرده هر نه ایه مراد لری اوزن صا تیلوب ایچنه لری فائده زائده سیله  
کند و لره عائد اولوردی بروسه دن ساقردن حریر و دیمی و ساقز و بغداد و شامدن  
سرخد اغالری یدیلر مره و خللا لی یوک یوک کلوب اوچرقات قیتی ایله اهل سوقه  
توزیع و ایچنه سی تحمیل اولنوب بوکار لری غیره ایتد مز لردی خلق لحم و سائر ماکولات  
غلا سندن شکایت و عرفحال و بردکار نجه دکلیوب بو شهر اغنیا شهریدر فقر اشهری  
دکدر خرچندن عاجز اولان واروب طشره لره ساکن اولوب باغور بوله ماح یسون دیو  
تنفیر قلوب ایدو چوق ترهات سوبلر لردی دخی هوادار لری صدق الامیر مضمونی اوزن  
یارد اهلوق ایدوب بهی سلطائم برآلای اترک چقتلرین بوزوب کلوب بیوله تازنین شهرده  
ذوق ایدوب ات و سائرشی ایاقلرینه کلوب اون بش ایچنه یه المغه عارمی ایدر حطی اولیان  
اسکی یرینه کتسون دیرلردی بواشاده بعض فضول القاسیله جمیع استانبول خلقی تحریر  
اولغنی مراد ایدوب صالح پاشا تذکره جیسی حسین افندی محرر تعیین اولندی مباشرت



صد دانه اینک خلقدن گفتگو پید اولوب فتنه حد و شنه مزاج خلقه استعداد اولغین  
جائز کورلیدی حتی بکتاش اغا دید کوری ظالم حلب مولوتی پایه سیله انقره قاضیسی اولان  
کدر اوغلی که ساداتدن ذی قوت صاحب مکنت آدم ایدی ابازه شتریدن اتلری انقره یه  
قاچد قله قلعیه المقده تعلل ایلدک دیوعداوت وقتلنه فرمان کوندروب اجراسی ممکن  
اولمغله دروننده کینه قالمشیدی بو اثماده عبد الله بیگ نام اگر اددن برجهول مردجسون  
انقره پاشا لغنی کدر اوغلی قتل ایتیمک شرطیله الویروب کوندردی اولدخی واروب  
شهره کره جک کون استقبال ضیافتنده بعد الطعام کدر اوغلی بی پروا قتل ایلدوب  
کیروب انقره بی ضبط ایلدی بوکده بکتر احوال لرینه نهایت یوغیدی سبب خروج اهل  
سوق سابقا بکی جامع وقعه سندن صکره سپاه منکسر اولوب یکجیری ضابطری  
دخی کندوکارلری سوداسنده اولمغله قولک مواجب خصوصنه اعتراض احتمالی برطرف  
اولدوغنی وکلاء مال کوردکده میری به سکسانه الینان غروش کیر ومواجهه سکسانه ویرلک  
جماعتدر مثلاً بر مواجهه زیوفه تبدیل اولنسه بیگ کیسه دن اقل مرتبه او حیوز کیسه  
فضله قالور بو عظیم کاردردی بوکته یودیلر وصرافلری یله تبدیل ایلدوب وکته ارناد لقه  
واقع بعضی رلده کم عیار اچیه کس دیروب کتوروب مواجهه ویرلکله مال قارون جمع ایتیمکی  
صادت ایتیمک لرایدی بو اثماده علوفه زمانی قریب اولوب خزیننه نک مضایقه سی  
کالده اولمغله دفتر دار امیر مصطفی پاشایه وزارت ویریلوب اچیه پیداسنه اقدار ایچون  
قدری ترفیع قلندی دفتر دار پاشا مشالیه اغا ریلله برره کلوب خزیننه تدارک نه بوز ای  
نامعقولی ایتدی لکه باقر اده و بوسنه اطرافنده اغا رلک الی التنده اولان بعضی اهل خدمتک  
کس دیروب کتورد کوری زیوف اچیه بی و میخانه جیلردن جمع اولان قزل قریق یار و اچیه لری  
جمع واصنافه طرح ایلدوب هر یوزاون سکز اچیه به برالتون اولق اوزن مقبله سنده یوز  
یوزیکری بیگ التون جمع ایده لر بعد اول التون جهود لره ایکیشری یاله طرح ایلدوب بو طریقه  
ایکیوز قرق بیگ ربالی پید اوعلوفه یه و بره ل اطمع من الاستعب اولان اغا ربو خیال محالی  
پسند ایلدوب بو آنه دک استدکاری کی خلقه جور و اذیت و جمع مال نه نجه دور لو مکروهات  
و ملعننی ایلد کلد کر نده کسنه ده مخالفته جرأت و مدافعه یه قدرت یه قدر ملاحظه سیله  
بو کار مکروهی دخی تمشیت ممکنه رطن ایتدی لره اغا ل طرفندن وسائر لر دن وجه مزبور اوزن  
مجمع و در کیسه اولان ملعون زیوف اچیه دفتر دار پاشانک سرایت یغلنوب اهل حرفه  
عموما ل لر نجه توزیع اولتمق ایچون بزاستان کتخدا سنه نلیمه اولنوب کیسه لر بزاستان  
طاشمغه باشلندی رمضانات دورنجی کونی ایدی بزاستان کتخدا سی اول اچیه بی اهل سوقة  
عرض ایچون سراج خانه کتخدا سنی و اختیار لرینی وسائر اصنافک کتخدا و اختیار لرین  
پاخر دوب اچیه بی کوستر وب قضیه بی تبلیغ ایتدک خلق بو تکلیف مضردن اورکوب  
معاذ الله تعالی بونه اولمز استدر دیوب هر صنفک سوز صاحب لری و اختیار لری برره کلوب  
جمه و عظیم ایلده وزیر اعظمه واروب اظهار قلم یوزندن دولت و وزیر یوزیل اون دورت تکلیف  
چکدک کساد ایه جا تمز کار ایتدی عوارض وسائر تکالیف معهوده دن غیری اغا رلک

قره دکر دن کله سفینه سفینه باقر و شب وفندق و طوز و از میر و آق دکر دن کدالک  
کتورد کوری شایقه شایقه صابون و دیوی وسائر و بو غاصی و فلان فلان بو نجه شیلری بزله  
طرح ایلدوب اضعا ف مضاعف بهالین آ لوب بو قدر ضرر چکدر دبلر حالمز دکر کون اولوب  
دکانلریز کر اسندن عاجز اینک بویه زیوف اچیه نک یوزاون سکزیننه برالتون استمک نه دیمکدر  
بروجهله قدرت و امکا تمز بو قدر دید کر نده چونکه ملک احمدی پاشا حدث و سرعت غضب  
اوزن مجبور ایدی تعبس ایله فقر لیه ازار ایلدوب سورک بونلری طشره یه یقلوک بره کافر کد یلر  
وارک تدارک ایلدک ویرک دیو تعریف لیتدکده بونلر ده حاشا قبول ایتمز بزاهل اسلامدن ایزدیو  
قریاد ایلرک طشره اولوب جمله دکانلری قیایوب عظیم جمعیت ایله داود پاشا محکمه سی  
یانتد شیخ الاسلام عزیز افندی خانه سنده وار دیلر و احوال لرین ییلدروب سز شیخ الاسلام  
سز بوزم حیفمیزی کوروب بونلای پاشمزدن دفع ایتیمک کر کسز بوظلمک دفعنی بالذات پادشاه  
اسلام حضر نلرین رجالدر زوزیره واردق بزه کافر کد یلر دیو شتم ایلدی و کلا سندن امید  
قالمدی قالدی احوال مزی پادشاهه ییلدردید یلرمفتی جوابلر نده بویه خصوصه قار شمعنه قادر  
دکلم یینه همان پاشایه وارک دیو دفع جوابی ویردکده سراج خانه کتخدا سی رمضانات دده و بر قاج  
سوز ییلر و آدم لری چا غریشوب کند و کزدن کور کار استندکده ایاغه قالقوب سلطان ابراهیمی  
ووزیری قتل لیتدیکز یاشمیدی بزم احوال مز اچون نه عجب قار شمز سز البتده امر شرعک یا قالدی  
او کومزه دوش یا همان نه اولملو ایسه اولسون صورتنه رفع اصوات ایله مفتی نک اوزیننه  
یورودیلر مفتی حسن مدافعه یه سالک اولوب مرادیکز شونکلیفک دفعی ایسه بن پاشایه  
مشفاعت نامه یا زوب دفع اولسنه نکفل ایدیم دیدکده اول امر دن خلق راضی اولوب  
لسا غلق اوزن اینک ارا لر نده بعض کار دانلر بواشیش ایش دکلر البتته مفتی او کومزه کیدوب  
بو حال پادشاهه اعلام لازمدر دید کر نده کروه ایله دونوب افندی دفع ممکن دکلر البتته  
قالدی او کومزه دوش دیو ابرام ایتدی یلرمفتی هجری کوروب بز کتمز دیمک مرادیمز معقولانی  
ملاحظه ایدی آت اگر لنسون نوله کیملم دیوب آت اگر لنور کن افندی ایدست بهانه سیله  
بر اخر اوطه یه کتدکده بره افندی بی قاجردق طوتک های صدا سیله اردینه دوستوب  
کستخاننه دامننه یا پشوب چکده رک آت بندیروب اطرافن احاطه ایلدوب سرای همایونه عزم  
ایتدی لره او کار نجه بری دلال واری ندا ایدوب امت محمد بزه اولان ظلم ندر وار امره قایچ کیردی  
قیایک دکانلری کزی دیو چا غریدی جمله استانبولک دکانلری قیایوب اون ییکدن متجاوز  
آدم مفتی بی قوشا دوب اول حال ایله یا صوفیه یه واروب مفتی حضور همایونه خبر  
کوندروب وارلق لازم کلدیکنی بلدردی اجازت اولد قله بودک و اصناف وسائر جنسندن  
نجه اجلاف شیخ الاسلام ایله کیروب سرای عامر ده باب السعاده یه وارنجه طول دیلر  
وداد پادشاهم داددیو غریو و فریاد قویار دیلر پادشاه تخت اوزنده قرا ایلدوب ندر بو عباد  
اللهک شکایتی دیو سو ال اولند قله بوییل اون دورت تکلیف چکد کرینی و حال زیوف  
اچیه تکلیفی علی التفصیل عرض ایلدوب پادشاهم بوظلمه طاقتمز بو قدر لالا که واردق بزه کافر ل  
دیو شتم ایلدی حالا سکا کلدک خلیفه روی زمین سن حقمیزی حق ایلدوب اوزن بزدن ظلمی



دفع ايله ديوقرياد ايتد يلم مفتي دخی مقصودلرين تفهيم ايلدي پادشاه حضرت تلي سزه بويله  
ظلم اولدغنه نيم رضام يوقدر بيوروب وزيره حاصكي كوندرد بيلر كلوب بونك اصلي بيان ايله  
وزير هجوم ناسدن خوف ايدوب جليمة الحال نه ايسه تلخيص يا زديروب كوندردى  
تلخيصى سرايه داخل اولدقه بره اورك ملعونى ديوير يراطاش و خيخرايله تلخيصى  
محكم دوكوب يان ايدوب نيم جان ايله كوتورد ييلر تكليف مزبور عفو اولوب مرحوم سلطان  
سليمان قانوندن ماعد اولان تكاليف محدثانن معفو اولملى بابت خط همايون صدور  
ايتيمكين مفتي اقمدي كتوروب خط شريفى تسليم ايدوب استغاثه عفو يورلدى دخی مراد يكرنه  
ايسه ايدر لاطاغلك ديدكه خط همايونى اوب قونلرينه قودقد نصكره اهل سوقك صاحب  
وقوقلى باستقه بختاره كيروب باستلرينه طپراق صاوروب فرياد ايدوب پادشاهم ظلم ايله عالم  
خراب اولدى سكايلدر مزبور وزيرك كتم ايدر حال اولن نفر كسفه واردره سكا پادشا هلق  
ايتد مزبور بيت المال وميريه عائد اموالى جمله اكل و باع ايدر لرك جمله دن قره چاوش و بكتاش  
اغاك تخت ايلك وصمصموتجى صيارى كاتب و دلى برادر و فلان و فلان بونلر ظلم و تعدى ايله عالمى  
خرابه و يروب دولتكه مستولى اولد بلر ع آل عثمان دولتى دوشمش اوجاغه يانه يورد يوزارى  
كنان ناله و افغان ايدوب مادامكه بونلر قتل اولنم يوب جزالرى و يرليمة پادشا هلق ايدم مزسن  
و مملكتكده فتنه و فساد مذهب اولمزد ييلر وزيرك عزلى و اوجاق اغارلريك قتل بابت  
اياق باصوب ابرام ايتد ييلر عزل ملك احمد پاشا و صدارت سياوش پاشا اول كون شهرلى  
بو جمعيت ايله مفتي يي بيله اوكرينه قاتوب سراى عامر يه كند كارنى اغارلريك ايشتند كه  
اوطه لره واروب نفرانى جمع و ات ميد اننه جمعيت ايتشار ايدى سراى همايونده وزيرك  
عزلى و اغارلريك قتل بابت عباد الله الحاح و ابرامنى پادشاه ايشيدوب قرب همايونده  
اولان اصحاب كلام و اغوات ايله مشورت بيورد قونلر و والده كبريه طرفندن اوجاق اغارلريك  
بعض هوادارلى سئوق كلامه فرصت بولوب يكچرى اغاسى قره چاوش وزارتده دعوت  
اولوب مهر همايون و يرياور ايسه ايش بتر وانلرك دخی جمعيتلرى منحل اولورد يه تدبير  
احسن اولق اوزن عرض ايلدى قضاء الهى حكمنى اجر ايدجك ايش طرف پادشا هيدن  
آدم واروب صدارت ايجون اغازده دعوت ايتدكه كلكدن اجتناب ايدوب مهر بونده  
كلكجه كيدملك محالدر ديو امتناع كوستردى دين و دولت خير خواهلرندن بعضيلرى مهر  
وزرادن برينه ويرملك معقولدر ديو سوق ايتمكه پادشاه عالمپناه مهر شريفى احمد پاشادن  
كتوروب لاسى اسكى سليمان اغا و ساثر خير خواهلرى ايله استئشان نصكره سياوش  
پاشانى جمله دن اليق كورملر يله دعوت ايدوب مهرى و يروب وزير اعظم ايلدى بوقضيه  
وقوعندن اغارنه نأثر و نف مال عظيم كاشيدى چون بيوك والد تقصان عقل مقتضا سجد  
اغارلريك طرفنى طو توب اغارنه قيو كند الق ايدن مكار و حيله كارلر سويله اعتقاد ايتد مشاور  
ايديكه دولتى طو توب طوران اغارلركه اغارل كيدرسه عالم هرج مرج اولور اول فتائلرك  
صورت حقه سوياد كلى بومقوله افسونى والده حضرتلرى كرجك صانوب اغارل كيدرسه  
دولتكه الى نجه اولور عالم اطاعتدن چيقر اعتقاد نه اولدو غيچون اغايان ديدكلى انصاف سز

متغلبه به صاحب چيقوب انلره بر ضرر كلد يكنى استمزدى دالما حاجت ايدردى اول كون جمله سى  
بر طرف اولق ممكن ايكن وزير جديد و مفتي يه رخصت و يرميوب شمدى بومقدار ايله اكتفا  
اولنسون جمعيتك دفعى ايله مقيد اولك ديمكه انلردخى دفعه چالشديلر مورخ و كاتب چلبى  
وعزيز افندى على الاتفاق ياز دقلى بودراما حقير بواشارك و قايعنى مذا كره صد دنه  
معن اوغلندن ايشتمش ايدمكه بيوك والده اكر چه اغارلرك معين و ظهيرى ايدى لكن يوم  
معهودده عقل دن برى ديمسديكه اكر اوجاق اغارلريك ازاله سنى خلقك بوجله طلب  
و جمعيتلرندن اولور سه صكره اجلاف يوزه چيقوب ضبطلرى مشكل اولور بر حال دفع  
مجلس اولدركا بناء والده حضرتلرى دفع اولملى لرين مراد ايتد ييلر ديو نقل ايدر لردى  
زينه صده ككلم وزير جديد و مفتي طشهره چيقوب جمعيت باشى اولنلر محالا وقت  
ضر و بدر بو كچه هر كس مكانلرينه واروب افطار ايلسون بومبارك كچه سر كردن اولسونلر  
ويارين سحرى كيرو كلسونلر باقى اموردخى كور ياور ما موللر يكر حكمنى اجر اولنلر و بو  
خصوصه بونكفل ايدر زديملر يله طاغلك بيجان لچون قالدى ديوان ايرته يه ديو چيقوب  
هر كس اولر نه كند ييلر والده معظمه وزير جديد و مفتي يه نعيمه ايدوب وارك اغارلر استمالت  
ويرك ديو كوندردى انلردخى خواه و ناخواه ميدله واروب اغارلر بلو شوب استمالت  
ويرد ييلر و بون كون كه قضا هر ارجد وجه ايله صاولدى يارين تدبير سز كدر ديو احوالى  
ييلدرد ييلر انلردخى كچه ايله سلا حل نفرانى اول سمته سوروب هر طرفه چور باجيسى  
ايله بر قاج اوطه تعيين ايدوب يوللرى محكم بكتند ييلر او ييلر اغارلرك استرضاسى ايجون  
قچانكه وزير سياوش پاشا و مفتي عزيز افندى اورته جامعه وارديلر اغارلر بالضمرون وزيرك  
استقبالنه قيام ايدوب جمله دن مقدم بكتناش اغاول نادان ارناودا ييلر واروب وزيرك  
سلامنى آلدقد نصكره عبوس و جهله وزيره عتابكونه خطاب ايدوب لسان شامت  
بيانندن بوكله عجببه صادر اولد يكه بقه پاشا قونداس اكر چه سن بوايشى ايتدك اما كيم  
ايوا تيمدك ديدى پاشا متعجب اولوب بزنه ايتدك ديدكه بكتناش بزم مشاوعن مزاولمدين  
بچون مهرى آلدك سكا وزارتى كيم ويردى ديدى وزيرى پروا بكا وزارتى سعادتلو پادشاه ويردى  
بن طالب و راغب اولدم حتى برايكى دفعه امتناع ايتدم اما چون فرمان ايلدى امرينه مخالفت  
اولر قبول ايتدم ديدى بكتناش دونوب كنه رضا صورتى كوستروب خوش ايدى بويله  
ايسنه كوزل الله مبارك ايله اما اكر بزم مشورتى اولمجه برايش ايدم بيرسك وزيرلرى  
ايدم مزسن ديدكه پاشا ايتدى پادشاه حضرتلرى نه بيورر ايسه لى ايدم رم قرمانه كون  
حركت ايدم فرمان پادشا هكدر بزم وسزك بونيز قلدن انجه اولملى لازم و جهله مزك اوزينه  
واجبدرد يوجواب صواب و يروب بنوب سراينه كلى وزيرك بوعاقلانه جوابى اول ييلد  
الفهم مغرورلرك تغريق اعضاسنه لرزه دهشت صالدى محترقه و سوقه يينه على السحر هر  
طرفدن سرليه متوجه اولد قلر نه زقا قلر ياشنه و كوچه بندلره تعيين اولان بكچير ييلر  
قاج ايله قورقدوب دكلك ايله دو كوب دفع ايتد ييلر نجه آدم يانلر بون كيمسنى دخی قتل ايدوب  
خلقى سرايه وارمقدن منع ايلدى لر عسس باشى عراغا كه ذكر اولنان طواغينك بريد نفر ايتله



مسلح كوشك الله تعالی او نشیدی اتفاق بزا استانی علی نام بر سوق اول محلدن جانب  
 شرلیه كیمك استندك عسک باشی منع ایلدی حریف بن اوچ طلاقه اند ایچشم طانت  
 اولماق ایچون سرای قیوسنه وان عینه دونه دیدك عسک چاغریشوب دون  
 حریف قانکه صوصمه دبدیلز حریف وقوع طلاق خوفدن اسلیوب یوریدك  
 عسک باشی اشارت ایلدی عسک بری قاچ ایلد چالوب حریف الینی قرشووردك  
 الی کسلوب برقاچ دخی اوروب قتل ایتد بلز ولاشه سنی دریایه ایتدیلز ووجهله برقاچ کسینه  
 قتل اولندی ضروری هرکس طاغیلوب اول کون وایرتسی نصف نهان دك بونلر یکچیریلز  
 ایلد چوربا جیلز کروب جمعیت احتمالی برطرف ایتد بلز یکچیری اغاسی قول ایلد سراج خانه یه  
 واروب اهل دكانه دکانلر کیزی اچك دیوئیمیه وچیر ایتد کله بالضررون سراج خانه قبولرینك  
 بر رقنادلرین اچدیلر امداد کاندلری اچدیلر اغا منادی قویوب دکانلر اچلسون دیوند ایتدردك  
 بعض اهل سوق منادی یه شتم ایدوب اغا سیبانه سوپاشی خط همایونسزد کاندلر آچلر  
 دیو هجوم ایتد کاندلر منادی قاچوب کوجهله جان قورتاردی ووجهله عالمه حیرت وقلوبه  
 دهشت مستولی اولدی بالاخره وزیر جدید مفتی سعی ایدوب اهل سوقه نصیح ویند ایلد  
 جمعیتلرین طاغندیلر و یکچیریلز دخی اوطه لرینه واروب فتنه باصلدی اما بوحیله خلقه  
 زیاده کوچ کاوب یکیدن برعداوت جکرگاه دخی اولوب تحت القهر فرصته مترقب قالدیلز  
 اغالردخی کویا استدر اچلری کالن بولوب زواللری قریب اولمشدی من بعد برلری پیره لنوب  
 هرکون برضیافت بهانه سئیلد جمعیتلر و مشورتلر ایدوب باشلرینه کله جك بلایي دفعه چان  
 ارادلر دی واهل سوق حضور همایوندلر اچقه تکلیفندن شکایت ایتد کاندلر اچقه تکلیف لیدن  
 صورت ظاهرده دفتر دارووزر ایدی اغالرك علنا علاقه سی یوغیمکن اغالری لسانه کتوروب  
 شکایت ایتد کاندلرین زیاده متالم اولوب چون اهل سوقك اکثری یکچیری وصولاق مقوله  
 لری ایدی اغالر انلره کیمنه ایدوب اولفتنه یه چالشانلر وکنند لرینی لسانه کتور تلر ایچون یاب  
 یاب حقکردن نجه کلوزر کوریکز دیکله رعیب مستولی اولوب بزاستان کتخداسی و سراجخانه  
 کتخداسی و سائر متعینلر مختفی اولدیلز بومنوال اوزن برقاچکون کچوب دیوانلر سورلیدی  
 توجه عسکر بجانب آستانه چون سابقا انازه قسطنیونیدن دونوب اون بیك قدر آدم ایلد زیله  
 اطرافنه کلدی ابشیر یاشاوسا ئرمکلردن و یاشالردن ستم دیدلر و مجروحلر دخی انلره  
 قاریشوب طیار محمد پاشا زاده و طویال محمد پاشا و معزول کنار دفتر دارلری بر عظیم جمعیت ایلد  
 آستانه یه توجه ایتد کلدی اوچاق اغالرینك معلومی اولد قده مشورت ایدوب محمد داوون  
 بیك نفر قیویه چیمقاریوب کوندرمك اوزن مایملر نده قرار ویردی و قعه انکسار بکتاشیان  
 اوچاق اغالرینك خلاصه مشورتلری اولان اون بیك نفر آدم قیویه چیمقارلق تدبیرین  
 ایدوب عمر اغا ایلد وزیر اعظمه خبر کوندروب اعلام ایتد کاندلر پاشای کامکار نه  
 مصالحت ایچون دیوب مساعده ایمیوب یاس جوانی کوندردی اغالر زیاده متالم  
 اولوب بو وزیر خودر ای زه یار اولمز زه غیر تدبیر لازم دردیو بینلر نده مشورت ایدوب  
 اولاحرم همایونه کندولرینك طرف خلافتنه بولنان برقاچ کسه لکه ترخان سلطان

اغلان بن واتباعندن ایدیلر انلرك ازاله سی اسبابنه مباشرت ایتدیلر کاتب چلی تحری اوزن  
 صیابوش با شاصد ارته کچوب مهری یکچیری اغاسندن تخلفه باعث اولوب اوچاق خلقنه  
 صورت مخالفت کوسترن برقاچ مقریان طواشی اغالرك حقندن بیوک والدهنك تذکره سی کوب  
 ستر بوتلری ایچودن طلب و قتل ایتدیلر مراد کزه نائل اوله مر سزدیوب اغالری فتنه یه حریص  
 ایتدکله اولابیکچیری اغاسی قره چاوش مصطفی اغا و بکتاش اغا و کتخداسی و عمر اغا  
 و سائر لری رمضیانك اون التخی سبت کوندلر اغا قیوسنه واروب جمعیت ایدوب مفتی  
 وقاضی عسکرلر و قیوب زیرک زاده و برقاچ متعین موالی و ولی افندی دعوت اولنوب والده  
 طرفندن مفتی تعالی و تعین اولنان طواشی اغالری دفتر ایدوب ایچروکاغد یازوب استدیلر  
 تفصیل احوال والده سلطان مورخ بو خصوصی زیاده تفصیل ایدوب استماعندن  
 طباعه حزن و ملال کله جك نجه احوال ذکر ایلشد بریازلق مناسب دکل ایدی لکن  
 تازیچدن مقصود احوال عسک لک نیک و بدی و دقایق و حقایقنه و اتف اولمقدرد  
 و هر قصه دن ملاحظه عاقلانه ایلد حاله مناسب حصه المقدر اکابناء اول حکایات غریبه  
 خندق اولنوب بعینه تحیر اولمشدر موضح سنا ریح المار زاده احمد افندی دیرک  
 غلمانان خاصه و مهابلر و جمله ایچ خلقی اغالرك بو مرتبه طغیانن بیوک والده کوسم  
 سلطان طرفندن اولدوغنی بیلشدر ایدی زیر اسلطان مشارالیه الی سبل  
 دولت و سلطنت ضروروب جمع امورده تصرف صاحبه سی ایدی سلطان وقت  
 سلطان محمد خان جلوس ایتد کاندلرك والده سی ترخان سلطان دخی والده لک رتبه سنه  
 نائل اولد قده دولته استراک غائله سی بحسب الاقتضا ظهور ایدوب لاجرم انك دخی  
 نوظهور توابعی پیداواوب جمله دن باش لالا اسکی سلیمان اغا و معلم بادشاه خواجه رحمان  
 اوغامصاحب اسمعیل اغا امثالی طواشیلر و سائر اتباع و حواشی صاحب نام و کام اولد قلدلر  
 بیوک والدهنك اتباعنه وجود ویرمز اولدیلر انلر دخی بونلرك دولته حسد ایدوب بیوک  
 والده بی اغوادن خالی دکلر ایدی بیوک والدهنك دخی حالنه مناسب اولان صبر و سکون  
 و عبادات و طاعاته ركون ایکن ان انسان لطیفی ماصدی اولغش دولت و تعیندن  
 ال چکمیبوب ترخان سلطانك طرف خلافتنه اولوب ایکی والدهنك توابعی بیننده  
 بالذ فعات مشاجره اولمشیدی و طرفین بر برلرین خوفه دوستوب خصوصاً  
 بیوک والده دخی قوت و صاحب مکتب اولغش ترخان سلطان اتباعنك سترلرین خوف  
 جانده دوستوب ضرر احتمالی چون طشره ده اوچاق اغالر نله استظهار ایتمشیدی و انلرك  
 بقاء دولتن کندویه باعث راحت بیلشیدی واقف اسرار و انلرك روایتی بود قده  
 ترخان سلطان اتباعی انتقامنه تشبیر ساق عزیمت ایدوب مشویه تدبیر ایلشکم  
 اغالر یکچیری بی تحیک و سلطان محمد خانی ارادن قالدیلر ووب ترخان سلطانی اسکی سرباره  
 سوروب اتباعی قتل ایدوب سلطان محمد رادری سلطان سلیمان جلوس ایتدیره  
 سلطان سلیمانك والده سی دل استوب سلطان برصافی دل مجذوب مشرب برقاچ ایتدیره  
 والدهنك مقامینک حکمتی ویرمك سودا سندن اولنر حل و عقد امور کلاول کندولرک پ



استقلال اندك قالوردیو غریبه قرار و پروب طواشیلرک سر حشمه سی باش قیو اوغلانی  
 بوستانچی باشی علی اغا و کرچی باشی دخی یو خصوصه همراز و تمشینه دمساز اولمشلر  
 ایدی یس اغاره تذکره یازوب سزک علیه کرمه سی ایدن مارالد کردورت نفرطواشی یی  
 طاب و قتل اید سردیه تحریک ایشلر یو جمعیت ایشلر کجه ایلده دمور قیوینی و بعض اوغرن  
 قیویری اچق قودروب اول کجه یکچیری ایلده اغار کلوب سزایه کیروب ترخانیانی ارا دن  
 کوتوروب مجددا جلوس ایتدیرمه لردیه خلاصه تدبیری بر محرم ایلده اغاره خفیه اعلام ایشلر  
 هیات رب امنیه نضیک منه المنیه فخوا سجد بوا مروحم العاقبه یه شروع ایلده کندودولت  
 وعاقبتلرینک زوالنه سبب اولدی یلر چون حکم قضا و قدر یو بهانه ایلده ظهور ایتیک مقدرایشی  
 یورای و تدبیری ایتد کارنده بوکونه فکر فاسله دخی ذاهب اولمشلرکه سلطان مجد خانی  
 قسیم ایتیکله ایش منه ولتله بتوب قتال وجداله حاجت قائمه یس حلواچی باشی اویس اغایه  
 ایکی قوا و اوس مسجوم شربت و یریاوب پادشاهه اچرمک ایچون نیمی اولنوب عهد سنددن  
 کله یلورسه منصب ونجه احسان وعد ایتمشلر یوک والدنک جاریه لرندن ملکی نام کنیرک که  
 یوسره واقف ایدی وقعه دن برکون مقدم ترخان سلطانه واروب کندوینی اله و یرمک  
 اوزن عهد الد قد نصکره شربت مسجوم حکایه سنی سویلر وقعه د نصکره یو جاریه ترخان  
 سلطان یا تده ملتفت اولوب اویس اراند قله فرار و بعد زمان ظهور چقمشدر ترخان  
 سلطان بوکده واقف اولد قله اولدن دخی امنیت قلبی یوغیدی پادشاهی یو قضیه دن آگاه  
 ایدوب باش لالا سلیمان اغا و ریحان اغای چاغروب ماجرای سویلر یو محلد ایدیکه  
 طشره دن اغارک تذکره سی کلوب دورت نفر اغایر استمشلر بو نذر دخی قیو جیلردن  
 بر محرمی طشره یه جاسوس سلغه کوند ررر قیوچی کلوب اغارک جمعیه مباشر تلگونی اخبار ایدر  
 سلیمان اغا بر عاقل و صاحب وجود ایدی استنشار سابقه بناء اطراف بر خوش تجسس  
 و تفحص ایدی والدن کبیره نك اغایله اتفاقی تحقیق یلور برکسنه کندویه خبر و یروب بوکجه  
 سرایک بعض قیویری اچق قله جقدر و او جاق خلقی کلوب شو و جهله سو قصه جرأت  
 ایدر جکر در دینی اولدخی ترخان سلطانه سویلدی ریحان اغالا ابرهم اغا اسمعیل اغا علی  
 اغایا جمله اون دورت نفر کسنه بورائی در میان ایدوب والدن کبیرک اعدا منه عهد و میثاق  
 ایتدی یلر و احشامه قریب متجاهلان سرای خولیسنه چیقوب اطراف نظار یه آلد یلر یوک  
 والدن اغارینک اکثری یو تجیلردن زیاده اضعا ف مضاعف قیوچ و آلات حاضر لغه مشغول  
 اولد قلمین کوردیلر قضیه تحقیق اولد وقعه شمه قائم یوب سلیمان اغا مقامنه واردی  
 و زلفی کتخداسی و بر قاج اسکیلری و ما بینلر نه کوچک مجد دیر لرر عاقل و پهلوان  
 و شهیاز وار ایدی یوتلری چاغروب پادشاهک ایتیکن نه کون ایچون بر سر حال و قضیه  
 سویله در معصوم پاک پادشاهه یوغندن راضی میسر دید کجه سنی حاشا همان بیورک  
 بر خد متنه بتل جان ایدر لم دیو عهد و میثاق ایتدی یلر سرای عتیق تبردارلرینک یکی  
 سرایه بیتوت ایدن یکی سرایلی تعبیر ایتد کیری امکدار لر خود اغارک کندی سنی  
 و بیوک والدن قهر و خانه سینه او لار دن ماعد اسی مطیع و افکنده اید یلر زلفیلر تمام یوزنکرمی

یکتدر جمله سنی بواتفاقه داخل اولد قد نصکره سلیمان اغا بو نذر دن بعضیسی ایلده  
 خاص اوطه ضابطلرینه و سوزا کراسکیلرینه خبر کوندوب حکایه یی تفهیم و اتفاقه  
 ترغیب ایتدی یلر چونکه خاص اوطه لی کندولرک مطلب اعلالی اولان یکچیری اغالغی  
 رتبه سنه اوجاق اغالری مرة بعد اخری واصل اولوب انلرک نسلطی بلا سندن سائر  
 منصب و در لکه دخی نائل اولم یوب خاص اوطه ده شویله معطل مانده انصراف عمر  
 ایدوب قالد قلمندن جکرلری خون ایدی بوخیری ایشلر کجه جمله سنی اغز لرکی ایلده  
 یو اوغور جان و یاش قویمشر همان والدن سلطان حضرتلری و لالا افندیز هر نه فرمان  
 ایدر لر سه حاضر و اماده یوز دیورد جواب ایتدی یلر چون بنای مشورت استحکام تام بولوب  
 دللر متفق و ناطر لر متحد اولدی یلر هم اول کجه احشام افطار اولنوب و تراویح قلمنوب  
 هر کس مقاملرینه کیدوب عا دتا نوم و قتی برایی ساعت کچوب مغفار عالم راحت ایدکن  
 ترخان سلطانک نامر اغاسی سائر اغالریله اللرینه یالین سیف آلوب کندولره تابع اسکی و عجمی  
 اغاره جمله سیف قوشادوب سلا حلفدی یلر زلفیلر خبر کیتد کد مکر انلر حاضر و خبره منتظر لر  
 ایش سیف لرین قایوب طشره چیه قوب جمله خا ضر اوطه اوکنه وار دیلر و اغالرنه یا تور سز  
 پادشاهنر الدن کندی دیو چاغرشدی یلر خاص اوطه لی دخی عومما سیف لرین قایوب سیل  
 خروشان کبی سلیمان اغانک اولدوغی محله کلدیلر سلیمان اغا و سائر اغالر اتباع لر یله  
 چیقوب اوکرینه دوستوب سرای قضا سنه وار دیلر صاف باغندی یلر زرا بیوک والدن  
 اتباعی و اغالری که اوچ یوزدن تجاوز ایدی انلر ده سائر کجه ده ییله غافل بولم یوب  
 مسلح تیغ درد ست والدن آره سنی طواف ایدوب یا سیمانا ق ایدر لردی خمد و صا که  
 بوکجه لیله موعود اولمغله جمله سنی سلاح قوشانوب زوایاده محقق طور رایدیلر اول  
 محل قیو اغاسی غوغایی ایشیدوب جمعیه سکر دوب ندر یولد ایشلر دید کد پادشاهنر دن  
 بیوک والدن استرزد یو التماسه جرأت ایتدی یلر و انیم پادشاهه عرض ایدیم دیو قیو اغاسی  
 خنکان کیدوب بر زمانه نصکره کلوب پادشاه هریری اوطه لرینه طاعلر سونلرد یو امر ایلدی  
 دیکد هریری امتثال ایکی آدم کیر و چکیلوب بعد ینه بنیان مرصوص کبی ایاق برکیدوب  
 البته والدن استر زویا خود جمله مز قیریلور ز دید یلر خاص اوطه باشیکه بیوک والدن ایلده  
 متفق اولوب پادشاه یکچیر یلر غوفیلر قلقوب خاص اوطه یه صورت صیانتده تودبع  
 قلد قله مزبور نسیم ایتیکه متعهد در دیو جمعیت اربابی یلندن سویلنوردی و خاص اوطه  
 باشی غلمان خاصه نك ضابطی اولمغین قضای ناکهانی لول معارکه ارا سندن الدن دکنک  
 ظمهور ایدوب خاص اوطه لویه نصیح یولندن اغار عیددر هم ادم ولی نعمتی اوزرینه خروج  
 ایدر می طاعنیک دیه رک کلدی هم نیو یلدی یلر تا جمعیت اوکنه کلوب ضرب و نادیینه  
 آشدی یی اغاره طاعنک صورتده دکنک ایلده اشارت ایدر کن همان خاص اوطه لی  
 بر اوغوردن یور ییوب خاص اوطه باشی یی اورتایه آلوب تیغ بیدریغ ایلده پان ایلدی یلر  
 بعد سلیمان اغا اول طائفه نك اوکرینه دوستوب بیوک والدنک مکانک طوغیری یوزید یلر  
 باش قیو اوغلانی برکروه مجوزه لی طواشیلر له مسلح قیو اوکنه طور زرلر ایش مانع اولام



ضامن یلوسایمان اورک شونلری دیکله باش قیواوغلانی پان لیدیروسارلینی دوکوب کینی  
 یان لیوب قچر دیلرتاکه والدی معظمه نك اوطه سی اوکته کلدیلر سایمان اغا ایچر وکنندولر  
 توجه ایندکده والدی طشره ده ایاق صداسنی و جمعیت هنکله سنی ایشندکده چونکه  
 یکچیریلرک هجومنه منتظر ایدی اوازیند ایله نوبجیلره چاغروب کلدیلر می دیو دغدغه  
 ایلده سوال ایندکده سایمان اغا هنوز قیودهلیرینه کیرمیشیدی بلی کلدیلر طشره ییورک  
 دیو جواب ویردیکی کبی والدی کلنلر کیم اولدوغنی بیلوب بومالت ناکه ظه ورندن حیران  
 وخوف جان ایلده اوطه لرا یچنه کرزان اولوب نهانخانه لک برینه کیروب طولاب اوزرنده  
 برنجی غرقه ده نهان اولدی اما لایتنغ الحذر عن القدر اول جمعیت عظمی سایمان  
 اغا نك آردنجه سیل خروشان کبی ایچر وکیروب ارلیه رق ملکه قیدافه شعاری بولوب  
 دامن والحر افندن کستانه طوتوب اشاعه ایندیلر زلفیلردن کوچک محمد نام بر مرد  
 دیو هیئت ضربات پی در پی ایلده بی حرمتلک ایدوب حوالی کاشانه ده آویخته اولان پرده لک  
 برینک ایینی کسوب همان اول ساعت حلقومنه کچروب بیغوب شهید ایلدی اخذ وحق  
 اثناسنه فم وانفازندن خون روان اولوب مباشر قتل اولان ککوچک محمد ک دست  
 ولباسی بقم اندود غرق عرق چیقوب مکانه بر زمان اضطرار ایدوب شدت غضب وهول  
 واقعه دن مشغول اسایش اولدی والدی نك کاری تمام اولدقد نصبر کرم اول طائفه والدی  
 مرحومه نك اوطه لرین یغما و غارت ایدوب چیتدیلمورخ دیرکه اللی سنه دن برواد خار  
 وجمع ایلدیکی اموال بسیار تحف ونوادرمقوله سی ذی قیمت اشیاو جواهر که محاسبلر  
 حسابنده عاجز ایدی جمله سی خاصه همایون ایچون ضبط اولندی مرجان چار شوسنده  
 بنا ایلدیکی خان که والدی نك فی دید کلری معظم خاندن بکرمی صندیق فلوری سی بولندی  
 آتی دخی میری یه آلدیلر والدی مرحومه نك سائر عوانندن ماعد ابش خامی واریدیکه  
 اناطولیده منن وزله وغراز وکلیس وروم ایلنده ازبندرشید دیو ده دلالتزام ایدوب شاکیلری  
 استماع اولنما مغله هر برندن بطریق الاتزام الیشیر ییک غروش اچنه حاصل اولوب هر  
 سال خاصلرک مجموعندن ایکوز اللی ییک ریالندن متجاوز حصوله کلوردی والدی کتخدری  
 دخی اموال بیحد اقتنا ایدوب بمالک محروسه رعایاسی کثرت تکلیف وعوارضاتدن نیجه  
 شد ایدوبلا چکوب احوال لری کتخدرک خوفندن والدیه وغیری یه ییلندر مککه قادر  
 دکلدیلریدی بو محله کلنجه مورخک تحریر و تقریریدرکه شیخ الاسلام عبدالعزیز افندی دخی  
 تاریخنده بومعنائی تفصیل ونا پیدا بلشد راما بعض وقایع ضبط ایدنلرک آثار قلندن کوریلوب  
 بعض احواله واقف لک اسانندن ایشد ایشدرکه والدی حضرت لری رحمها الله تعالی خیراته  
 وصدقاته مائله اولوب مرجان قرینه بولیه بر عظیم خان واسکندارده بر عظیم جامع و عمارت  
 ودخی نیجه خیرات جلیله بنیاد ایتیشلرایدی وسادات علوفه سی که اول صاحبه الخیرک اثر  
 جلیل در آل محمد صلی الله علیه وسلمدن ایکوزدن متجاوز رجال ونسوان خلال شهر مبارکده  
 انک وقفندن متعین اولان علوفه حکمی آلوب روحنی دعا ایلده یاد ایدر لر هر سنه شهر  
 برجب کلدیکه بالذات کندیلر سیدیل قیافت عربیه ایلده زندانه واروب مدیونلری رأی العین

کوروب دیونلرینک دقتربن الوب جمله سنک دینلرین ویروب آزاد و قتل نفس مثالوجرایندن  
 ماعد اتمت ایلده محبوس اولنلری آزاد ایلک عادت حسنه لری ایش بومقوله خیره بنفسها  
 تقید ایدوب خدام طبعکارلینه اعتماد ایتیزلیدی وبالطبع چراغ ایتیکه مائله اولوب کندویه  
 خدمت ایدن جاریه لری ایکی اوج خد متلرند اولانی اعتناق ایدوب قایامت واستعدادلرینه  
 کون جهاز و جواهر و نقد و بر قاج کیسه اچنه ویروب سرای عامره امکدارلینه یاخوده  
 طشره دن بر مستحقینه تزویج ایدوب زوجن دخی ماله مناسب درلک ومنصب ایلده  
 قایروب ایام مبارکده واعداده هر چراغنه یلاق و صبره احسانیه کوزدردی بونلر دن ماعد  
 سائر عباد الله عیالندن ینیم قالمش یکس قزلی ارایوب تزوجه قدرتی اولیکه نلرک جهازنی  
 کوروب ولوازم بیت مقوله سی مهماتنه اسعاف ایدوب تزویج ایتدردی حرمین محتر مینه  
 نیجه خیرات و اثر ایتیشلردرکه هر سنه الان سقا با شیری ایلده کیدر عیم الخیر برهستلو و دولتلو  
 ایدیکه رجال ونسوان وطواشی دائره سنه منسب خدمت ایدنلر بلای فقر دن قور تیلوب  
 قنایه ایشوردی حتی بوندن اقدام حتف انفه وفات ایدن باش اغاسی حسین اغا نك دولته  
 خیل تعینی وار ایدی قهوه چی محمد خلیفه که اموالی تحریر ایدنلر ایلده تعین اولنما مغله نقل ایدردی  
 اشیا سندن ایکی ییک ییوز عدد کارخانه ایشی مثاللری چقدیکه اللی ییک غروشر قیمت  
 تقویم ایتیشلرایدی سائر تقود و تحف بوکده قیاس اولنده دیردی لکن مورخ بو ذکر اولنما  
 محسناته اعتراض ایدوب خزینه ده مضایقه کالده و اموال رعایا کمال مرتبه ضعف واختلال  
 اولوب مال وکیلاری قول علوفه سی تدار کند غریب حیل ارتکاب ایدوب وزیر و زرافتر دارلک  
 چانلری بورتیه کلورکن خلاف طبیعی جمع وانظار و دولته لوازم حقیقی سندن ایلیمان یرله  
 بیدل و مکارم نیجه محسناتدن عد اولنور دیو وافر حرف اندزلق ایدر اما خاطر فقیره لایح اولورکه  
 والدی معظمه حضرت لری طوبه لم جمع مال و بیدل مکارم و وضع خیراتدن قصید ایدوب  
 بر شیشه قارشماش اولسه طشره ده منافع دولت و ایرادات مددته متصرف اولنلر اولمقوله  
 متغلبه و طماع اغالز مانند ایرادی مواضع طبیعی سنه صرف ایدن جکاری ندن معلوم ایدی  
 چونکه اغالرک قهر و استیصالی و متغلبین جمعیتلرینک انحلالی یوبله بروقه فضیحه یه  
 موقوف اولق مقدر ایش فلا جرم بر مقتضای حکمت خفیه ظهوره کلدی ووالدی  
 محترمه کبی بر صاحبه الخیرات دولته اول بی انصاف منسلط لک اوغرینه شهیده اولدی  
 لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ابوبکر صدیق رضی الله عنه ییور مشلدر که ادکروا فقد  
 رسول الله صلی الله علیه وسلم بیدل عندکم مصیبتکم بو کلام حکمت انجاسک فحوا سی اوزن  
 خلفاء راشدین خصوصاً نور دیده خاتم النبیین حسن وحسین رضی الله عنهم اجمعین نیجه  
 حکم خفیه واسرار الهیه یه مبنی منازعات دنیویه اثناسنده شهید اولد قلوبی فکر  
 ایدوب دخی نیجه سلاطین عظام و اکابر نام دولت زائله و غراض فانیه ایچون حدوث لیدن  
 فتنه لر سیمی ایلده مغرور و مقتول اولد قلوبی سربنی ملاحظه صحیح ایلده ادراک ایدنلر  
 بومقوله حوادث مرعجه دن مضطرب و متأل اولنلر بودخی قلب حقایق شناسله خفی  
 دکلدیکه دولت علیه ده هر زمان نفوذ کلام استقلال بر طائفه یه دوشوب اراده ربانیه



معلق آید که استعدادهای اول زمره دن زائل و زمره آخر ایه منتقل و نتیجه دگر هری  
 سایه سلطنت آتوب طوتمق و دخواهری اوزن تصدیر قاتله کامیاب اولمق امور طبیعی  
 مشابه سنده بر معنادر انحق شوقد روا که بمقوله اقبال خاص الخاص ایلد عزو اختصاصه نائل  
 اولنلرک هر قنفسی نظام عقل اوزن حرکت ایدوب حقل و خلقل حقوق وحدودنه رعایت  
 قصود اتمیه انک کیمیلر ظاهر اواباطنا توفیق ایلد موید و مکاید عالیدن صون ایلد زمان دولتری  
 همت اوله کلمشدر انلر که افراط و تفریط جانبازینه کیدوب هر امرده حق اعتدالک نظام وجود  
 کائنات اکالتمیندر نه اید و کتی بلیه یا خود مرعانه قصود ایلد لایه میران اعتباری بر جابه  
 هایت و منزلت عزتندن زمان قلیلده ساقط اوله کلمشدر رجعنا الی ما کافیه ترخان  
 سلطان توابی و اندرون خلایق بومصلحت مشروع ایتد کلری کیمه انک اخشامنده وزیر اعظم  
 میاوش یا شایکی قاضی عسکر که قدسی زاده و شهبان افندی بی افطار و ضیافته دعوت  
 ایتمشیدی اثناء طعامده ایچ اوغللری و مهمتران و چاشنکی لر بر لرینه باقشوب بر مو حش  
 وضع ایلد اشارتاشوب ارباب مجلسه دهشت مثالو حال سئوچ ایلدی مکر اغارک جمعیتی  
 اولوب اندرون همایوندن طلب ایتد کلری کسنه لک برد فتر نی دخی مصمونی عمر ایلد وزیر  
 کوندر مشاور و مصمونی دخی بیکره بکچیری ایلد دیوانخانه یه کلوب اتباع بر لرینه اشارت لرینک  
 اصلی بایمش ده طعاملرینوب قهوه لایچلدی مصمونی وزیر بولشوب بیورک اغارلر افلا  
 قیوسنده سزی و افندی یازی استر لید کده وزیر حیرت استیلا ایدوب قاضی عسکر ره افندی یاز  
 سز بیورک دیوب جمعیت و ارمالینه اشارت و کند و ایدست آلمه کیدوب اثناء وضوده  
 سلیحدر اوغیر خواه بعض خدمتکارلری زهار جمعیت و ارمیه سز مرادلری سزه قصد بددر  
 دید کار دن وزیریهوش و مخیر نه اید جکئی بلیوب متعجر اولدی بعد الوضو رئیس الکتاب  
 ایلد مشورت ایدوب جمعیت می و ان لم یوخسه سرایه می کیدلم دید کده جمعیت و ارمیه سز  
 جمله بی خدم ایدینور سز بونلر له نیجه مقاومت اولور دیوب جواب ویروب ضننا جمعیتکا ده  
 وارمنی ترجیح ایلدی بعد زمان بسوق بی ملاحظه رئیس اقوای اسباب نکبت و خذلانی  
 اولمشدر نته کیم محله کاسه کر کدر خلاصه کلام وزیر جمعیتکا ده وارمدن اعراض  
 ایدوب مصمونی بی حضورینه چاغروب بزی طلبیدن مقصود ندر البته سوبلک کر کسن  
 والا کیمک احتمال یه قدر دیوب ابرام ایتد کده مصمونی چونکه اغارک هر مورینه محرم  
 و فسادلرینه همراز و همدم ایدی سزه ضرر احتمالی یه قدر نهایت بدورت عربک با شلرین  
 استر لوبود عوادن فراغت ایتلر سز امن خاطر استر سکر بوخدمته شمشیر ساق همت ایتلک  
 کر کسن دیوب دفتری الن و یردی وزیر ایدی بو خصوم می تاخیر مناسبدر و جمعیت دخی  
 وارمنک مناسبتی یوقدر همان سنبله معا کیدلم حصولنه امکانی مرتبه سی ایدلم دیوب سرایه  
 کتدی لر باب همایوندن نوبخی قیوچی باشیکه قیوچیلرکا بی حسین افندی نیک دامادی اصم  
 حسین اغا ایدی اورته قیوچی آچدروب ایچی و کیروب دیوان کونلری بلوک اغاری او تور دقلری  
 تحته اوزینه او تروب همان اولوق رتبه سیوروب پادشاه اوجاق اغاری و بکچیری قوللرکه  
 بالاتفاق فلان و فلان دورت اغایی طلب ایلد یورلدیه ناخیمس یازوب ایچ و کوندردی

ناخیمس خلیل لیلد پادشاه واصل اولوب اغارلرینه ایلد خبر اولوب تدارک آماده  
 اولمشدر اول شاعت قایچلر غلافندن چیقوب ایچروده غریبه عظیم قویدی اول جوش  
 و غروشدن وزیر و مصمونی کیم پای قرارلرینه ارتعاش کلوب اورته قیودن طشره جان  
 آتدی لر مصمونی اردینه باقیوب جمعیتکا ده طوغری دولی دزکین قاجدی ازین جانب اغارلر  
 بومصلحت ایچون اغاقیوسنده جمعیت و اول دورت اغایی طلب ایدوب ایچرویه خبر و وزیر  
 اعظمه دفتر کوندر و کوندر و افطار ایدوب اغاقیوسنده نکه لی کوشکده او توروب امیر انصبت  
 ایدر لردی اول محله سرای همایون قضاسی کورنمکه اول شتب به العجیمه سرای همایون ایچندن  
 بی وقت شمع لرضیا باش اولوب کثرت تردد و ترحم بکچیری اغاسنک منظوری اولدقه  
 بککاش اغایه دیر که برادر بو کیمه سرای ایچندن قتی چوق موملر کزیر الله ییلورنه ظهور ایتمشدر  
 هله باق دیوب کوستر و اولدخی باقوب کورد کده قوردقلری دام تزویرک طویلد و غینه  
 استدل لال ایدوب جمله سی اندیشه یه دوستوب عجبانه اولد دیرکن سرایدن بو خوف ایلد چقان  
 مصمونی باشی عمر مرعوب القلب کلوب اغارک قولاغنه ایش ایشدن بکدی قضیه  
 طویلوب الله اعلم والد نک ایشی بتدی ایچروده قایچلر عربان طوت قاب صداسی آسمانه  
 یتشوب بزباب همایوندن طشره کوجله جان اتدق دیوب سوبلد کده اغارلر سراسمه اولوب  
 حیرت ایلد مشورتیه باشلدر یاز چون وزیر اعظم ناخیمسی ایچ و کوندر و ب صدای غلغلده دن  
 دهشته دوشمکه جو اینی بکلمیوب طشره کتمش ایدی سراینه کلدیکی کبی عقبجه طرف  
 پادشاه غالمینا هیدن آدم کلوب استدی لر علی جناح الاستیحال دونوب بیک خوف و اندیشه  
 ایلد حضور همایونه متوجه اولدی لاسالیمان اغا وزیریه یتشوب وقعه بی تفصیلا افاده ایدوب  
 قوغانک اصلنی و والد نک ماجراسنی نقل ایلدی وزیر اعظم حضور همایونه وارد قد لا لا  
 احوال معلومک اولمشدر صداقت ایلد خدمتکده قائم اول دولتمه خیانت اوزن اولنلرک  
 جزاسی ویرلسون دیوب یوردقلرته فرمان پادشاه مکدر پادشاهمک خیر دعاسی و همی  
 برکاتیلد بدخواه لر جزا من بولور دیوب چیتدی و سرای عامره نک اطراف و جوانبین کزدی  
 بعض اوغرن قبولری اچق بولوب بکچیسنه سوال ایلدی بوستانچی باشی یه بیوک والد  
 طرفندن تنبیه اولمغله اچق قودق دید یاز جمله سی قیابوب بیوک والد انباعدن اول تهمت  
 ایلد بر قاج کسنه دخی اول ساعت قتل اولنوب بوستانچیلر و البته جیلر و سائر سرای  
 خدمتانه تنبیه اولنوب جمله سی سلا حله دی و صیاحه دکن کوزلره خواب کیر میوب بکلدیلر  
 و اول متغلبلرک خوفندن سرای عامره بی حفظ و حراست ایتدی لر بوستانچی باشی علی اغا  
 اول وقت طشره کتمش بولمغله علی الصبح چاغریلوب حضور روزیره وارد قد قتل اولندی  
 کذلک کرچی باشی و سائر همد استانلره امان ویرلیوب حقلرندن کلمدی وقت سحرده  
 علما و وزلرله و بلوک اغارلرینه و سائر اعیان و ارکان دولتمه آدملر کوندر و اوب طرف پادشاهیدن  
 دعوت اولتدی لر علادن سابقا قیصریه قضاسنه مولوت ایلد متصرف اولان نعمان  
 افندی جمله دن اول سرایه واروب لا لاسالیمان اغانک یانه کوب بعض اموری القا و تعالیم  
 ایلدی ملتفت و مستشار اولدی بعد حقی افندی و خواجه زاده مسعود افندی بعد



بالی زاده افندی کلدی ابو سعید افندی آدم کشیدی جمع هنگامه سندن دست کشان  
 اولوق معنایه کلدی شمس عالمتاب طلوع ایدوب دیوانخانه فیروزایت کده طشره تحت  
 همایون قوریوب پادشاه حضرت نوری عز و اقبال ایله چیقوب قرار ایتدیلر وزیر اعظم ایانغ  
 اوزن طوروب ال باغلیدی خاص اوطه لی وسائر ایچ خلقی عموما مسلح صف اندر صف  
 دیز یوب اغار و نبردان و بوستانچیان کذلک سلاح ایله قات اندر قات سلام یرنه  
 قیام ایتدیلر صاحبه المقام والد سلطانک باش اغاسی لاسالیمان اغاوزیر اعظمک یا ننده  
 طوروب بر عالی دیوان مرغی عنوان قورلدی اول محل خواجه زاده و حنفی افندی ایلرو  
 کلوب شوکتلو پادشاهمک الله تعالی وجود فی خطادن صقلسون سن خلیفه سن سکا  
 مخالفت ایتدیلر عاصیلر و باغیلر در قتلری و اجمدر ندر بر آلائی متغلبه و اجنبینک حیثیت  
 و مقداری امر ایله علم رسول الله صلی الله علیه و سلمی چیقاروب نصب اتسونار شهره  
 منادیار کوندرا اولوالامر اطاعت ایدن مسلمان کلسون کلینلر جزاسن یولور و حالاً منصب  
 افتائی و قاضیه عسکر لکی برر مستحق دعا جیکر احسان ایله انشاء الله تعالی مخالفلرک جمعینه  
 انحلال کلور دیوار ایتدیلر پسر پادشاه عالمیناه فرمان ایدوب علم شریفی چیقاروب  
 نصب ایتدیلر اغارک احوالنه کله لم مقدماذ کرا ایتدیکمز اوزن اوطاق اغارلر جمله یکچیریلری  
 جمع و علمایه خبر کوندروب بوقضیه یه اتفاق ایله شروع ایتشار ایدی وزیر مجلسندن  
 قاضیه عسکر لکیجه ایله قالقوب اغاقپوسنه وارد قده انلری الیقویپ سائر لینه دخی آدم  
 کوندردیلرغ این و آن اساس نیست که کرد خلل پذیر زعمیه اوجاق اغارلرینک عقد  
 جمعیتلرینه انحلال کسنه نک خاطرینه کلامکله علماء وقت اکثریا اغارک خوفندن اغاقپوسنه  
 وار مغی ترجیح ایدوب نجه سی خانه سندن صاقلنوب یوقدر دیدردی بر جانه کیمکه جرأت  
 ایدمدی صدرین اخشامدن دامه طو تیلوب نقیب زیرک زاده واستانبول قاضیه سی  
 بوستان زاده وادر نه طالب لرندن اورمانی مصطفی افندی وقره چلبی زاده محمود افندی یونلر  
 جمله اغاقپوسنه واردیلر مفتی عبد العزیز افندی یه اغارلر دن بر قاج دفعه آدم کلوب کتمک  
 فکری ایله صباحه دک متردد اولد قده سرای عامره یه دعوت ایچون آدم کلوب مختیر  
 بیت الامرین قالد قده بعض خدام ایله مشورت ایدوب آدمیسی تریاکی صولاق احمد نصح  
 ایدوب حالاً پادشاه طرفه دعوت اولنشینکن جانب آخره وار مق نامعقول بلکه متضرر در  
 وارر سکر سرای عامره یه وارک دید کجه افندی قصور ملاحظه دن اما اغارک خاطری واردر  
 شمدی یونلرک یدغا لیه لری مقرر در جمله اوجاغی خصم می ایدلم دیو جواب ویردی احمد اغا  
 بهی افندی خاطر محل دکدر هر حال طرف پادشاهید بولنقه سلامت واردر یوزمر نک  
 پیمان نه اقبالی طو لوب حد لرینی تجاوز ایتشار در یونلرک باشلرینه خبر کلر علامت زواللری  
 قتی ظاهر در زهار طرف پادشاهه وار مقدن غیری فکره ذاهب اولیه سزدید کدینه بو غالب  
 حریفلرک خاطری قد الوئیز جمهور علماده اول طرفه کتمشار دیوب اغاقپوسنه واردی مفتی  
 کلد کده اغارک بیغنی یافته کسمر اولوب یوز کلندیلر اما سرای عامره ده اندرون خلقنک  
 جلاد تلرینی ووالله کبیره واتباعنه اولان حالی یقیناً معلوم ایتد کدن صکره قلبلرینه رعب

ود هشت دوشوب اما تجلد جهالت مقتضا سنجه الدرمیوب دعوالرینه صورت ثبت  
 کوسنر دیزر و اغاقپوسنه او تور مغی مناسب کور میوب اورته جامعه کتمکی قرار ویردیلر اغاقپوسی  
 لوکی تاسالیمانه نک جوانب اربعه وحوالیسنه وارنجه مالامال یکچیری تفنکله ایله فتلاری  
 ینار قاپچلری بلرله سلاحه مستغرق صف اندر صف دورلر پادشاهه دعوت اولنوب کتمین علما  
 که اسامیلری مسطور در یکچیری اغاسی جمله سنی عرف و اضافتله ایکی شرایکی شراوکنه  
 قاتوب جمله نک اردنجه مفتی نک اردنجه یکچیری اغاسی بیاضی آلائی ایله اطرافلرینی مسلح یکچیری  
 احاطه ایتمش لورته جامعه طوغری چکلدیلر راوی ایدر اغابنک طاسنه چیقوب آتته  
 سوار اولورکن ماده دعوائی خلقه استماع و اشاعت ایچون بومصاحبلمو مقر بلرک ایتد کیری  
 ندر امور دولته مدخله ایدنلری استمر زدید یکمز ایچون والد سلطانی اتباعیلر قتل ایتدیلر یونه  
 اصل ایشدر بعد الیوم والد نک قاتی استر زدید کده جمعیتک ارا سندن بری سن والد سلطانک  
 وارنی می اولدک دیو جوانی اغایه ایشندر یوب سائری اصلا بر حرف سویله تمش زیر اغارک بو  
 وضع ناهمواری عامه عالمه کوچ کلد یکنندن غیری اوجاق خلقنک عقلا سنه دخی قبیح کورنگله  
 تهانی مذمتلر ایدوب و خامت عاقبتدن تحذیر و ترهیب ایله یکچیرینک قلوبنی یونلردن تنفیر  
 ایتشار ایدی اگر چه ضابط اولوق حسبیله دعوتلرینه اجابت و جمعیتلرینه اطاعت شکانده  
 کلدیلر اما استکراه درونلری وضع و حرکترلرندن معلوم ایدی پس والد نک وارنی می اولدک  
 سوزنی اغایه ایشندر دکیری عدم موافقتلرینه دلیل واضح ایدی یکچیری اغاسی وسائر اغار  
 جمعیت ارا سندن خلاف مأمول بوجواب مو حشی ایشدر کارندک باشلرینه کله چکی نوعاً ملاحظه  
 ایتدیلر لکن نه یابسون شروع ملزم غیرت جاهلانیه مقتضا سنجه عزیمتلرندن دوشوب تجاهل  
 و قاحت ایله لورته جامعه طوره قطاری کتدیلر یکچیری اغاسی و کتدایک و بکتاش اغا  
 وسائر اوجاق اغارلری مصدونی و عسس باشی عمر و باش چاوش غنبر علی و غیرهم بالجمله اندر  
 ایدیلر علما نمانه اولنلردن دخی مفتی و قاضیه عسکر لروقره چلبی زاده محمود افندی و نقیب زیرک  
 زاده جامعه او تروب اوطه باشلر و چو ربا جیلر مسلح یکچیریلر ایله جامع قوشادوب آت میدانی  
 لشکر بر سلاح ایله متموج اولدی مجلسه حاضر اولمان متعین علمایه که نیک نام ایله  
 معروفلر در چاوشلر کوندروب دعوت ایتدیلر جمله دن استانبولدن معزول رحمة الله افندی  
 و یولوی و غیرهم زمعزوللر ایزدیو امتناع ایدوب کلدیلر اغار کلین علمایه نکر از آدم لر کوندردیلر  
 ازین جانب سرای همایونه چون علم رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلمی چیقاروب  
 پیشگاه پادشاه عالمیناهه نصب اولندی و مفتی و قاضیه عسکر لرواستانبول افندیسی اغار  
 جمعیتلر بولنوب کلدیلر وزیر اعظم مقریان ایله کی شیخ الاسلام ایدلم دیو مشورت ایدوب  
 لاسالیمان اغا و ترخان سلطان انباعلرینک نظری ابوسعیدده اولوب شهرت ظاندان  
 وثبت و تعین شانن ذکر ایدوب اول مفتی اولسون دیدیلر وزیر حیرزه بهایی افندی  
 اندن یکدر زیر ابوسعید افندی کجه محاکمدر بهایی جری الجنان و حدید اللسان  
 بی پروا در دیو امتناع سمته اولدی چون ابوسعید افندی ابتد دعوت اولند قده کلامش  
 ایدی حاضریندن حنفی افندی بر بیر جهان دیده و طریق اسکینی اولوب وهم اول کون



سرایه کلکده جمله سینه سبق ایدوب کندویه مفتیك ویرلك امیدند اولغله شعار  
منلایانه ایله بریاض صوف کیمش ایدی همان وزیر خطاب ایدوب پاشا حضرتاری  
خضوبرهما یونه کلکده جمله یه تقدیم و پادشاهز اوغرند بزل مقدون ثبت ایدوب  
محمد الله تعالی ذاتا و زمانا لیاقت محقق ایکن خدمت افتا نك بزدن تخلفنده نه غایده  
ملاحظه در دیوانه اس ایتمکین وزیر اعظم پادشاهه مفتیك خطی یازدروب حنفی افندی یه  
احسان ایندی یار حنفی افندی ال اوپوب مفتی اولدی و روم ایل قاضیه عسکرلکی حضار  
هلم دن بالی زاده افندی یه اولق اوزره خط هما یون یازیلوب ویرلدکده خطی الوب تعفف  
و خلوص یوزندن پادشاهم بزوب مجلسه منصب امنیه سیله کلدک طائفه باغیه نك  
جمعیتلرین دفع وظلمه بی منع ایچون کلدک حالا بکا لازم دکلدر برغیری دعا جیکزه ویرک  
دیوب خط شریفی اوپوب تسام ایندکده روم ایل قاضیه عسکرلکی خواجه زاده مسعود  
افندی یه ویردی یار مکر نکرار سلیمان آغانک تنبیهی ایله ابوسعید افندی یه خاصکی  
کیدوب سنجاکک چقد یغنی تبلیغ و دعوت ایتمش اول محله جیهه کلوب دستبوس  
ایندکده تعییننه بناء حنفی افندی دن تراجم اولنوب ابوسعید علوشان ایله صف علما نك  
صد رنه طردی تکرار افتا خطی یازیلوب ابوسعید افندی یه ویرلدی مفتی اولوب دستبوس  
ایندکده روم ایل قاضیه عسکرلکی خطی یازیلوب حنفی افندی یه ویریلوب افتا خطی  
استدی یار یانغده دکل اوه کوندر مشیدم دیوب ویرمدی و تبرکا و تقالا کندوده الیقودی  
لاجرم انا طولی قاضیه عسکرلکی خطی یازوب خواجه زاده یه ویروب روم ایل خطی  
استدی یار خواجه زاده بره جانم یونه عجب نسنه دریاشمدی با کاروم ایل صد ری ویرلش ایکن  
در حال تحویلک معناسی ندر دیواضطراب کوستر دکده وزیر اعظم تسلیت ایدوب افندی  
شمدی بویه اقتضا ایلدی ایش بئسونده صدر روم دخی اولور سن الم چکمک دیوب روم ایل  
خطی الدی مفتیك خطی حنفی افندی یه قالد یغنی صکره ایشندکده یا بزدن روم ایل خطی  
المنك معناسی ندر دیواضطراب کوستر دکده وزیر اعظم تسلیت ایدوب افندی  
استا نبول قضاستی دخی حضار علما دن بیاضی حسن افندی یه ویردی یار بعد شهره منادی یار  
کوندر یابوب هرک مسلمان ایسه زیر لواء رسول الله علیه وسلم کلسون اولوالامر  
اطاعت ایتمیوب طرف خلافت بولنان اوزره جامع جمعیتنه وارنار باغیلرد دین و مذهب  
وسنت و جماعت دن بیگانه اولور لرتلیری ایچون فتوی ویرلشدر و امت محمد دن اولان  
سرای پادشاهی یه واروب علم شریف سایه سی التمه بولنسون دیوکوشه  
یکوشه محله بخله ندال اولدقه اغاری تحکمی التمه مقهور اولان اهالی شهر جمله  
وطوائف عسکرلکی جیهه و جوشن و سلاحه قادر اولنار سلا حلوب اکثر بر قایق الوب  
سلاحه قادر اولمیانلر بر طویقه قایوب فوج فوج کروه کروه سرای هما یونه چکلدی یار الله  
اکبر کبیر اول ساعت خلقه بر غلغله دوستدی کورنار مختیار اولوردی عامه خلق جدا اول انهار  
کبی باب هما یونه توجه ایدوب بر ساعت سرای عامره نك ایچروسی و طشره حولیسی  
ودخی طشره میدانی مال مال بر کونه مزد جم اولدی که ایچ باغچه سندن ضووق چشمه یه دک

باب هما یون اوکنده کی میدان و یا صوفیه حریمی و اطراف ایله سلطان احمد و اشانی آخور  
قبویه و انچه زقاق طوطو و بطلو اولوب کیر و ده اولان ایلر و تقدم ایدوب چکمک محال ایدی  
جمله علما و ائمه و مشایخ و شهرده اولان اعیان دولت و اغوات مسلخ انبعاثیله و زمرة سیاه  
وجیهه جیلر و سائر اوجاق نفراتی ضابطه لریله مستغرق صلاح جمله کلدی یار اسکی اوطه لک  
یکچیریلری اوزره جامع جمعیتنه وارمیوب کونلم نه ظهور ایدر دیومنتوقف ایدیلر عالم  
رسول الله صلی الله علیه و سلمی چقد یغنی و دلاللرکند اسنی ایشندکده کبی سلا حلوب  
قایوب عوماسرای پادشاهی یه توجه و خانی یاروب باب هما یون دن ایچرو اولان حولی یه  
طولوب فرمان بردار لقوبین اعلام ایستدی یار وزیر اسکی اوطه لیرک کلدک کربنی کوردکده  
سلیمان آغا ایله سویلشوب خفیه پادشاهه خبر ایدوب پادشاهم مخالفلرک جمعیتلرینه انحلال  
کلدی محمد الله یین همتکرایله مقهور و منهزم اوله جق قیری مبین اولدی دیو نبشیر ایلدی یار  
خروش و غریبه ناس قبه فلکک جیقوب سنجاق چقد یغنی و عوما خلق سرایه جمع اولدی یغنی  
علی الخصوص اسکی اوطه لیر طرف پادشاهی یه کتدک کربن استدی یار سائر محلات و زوایاده  
اولان یکچیریلر اغالرک توابعی اولیغوردخی عوماسرای هما یونه کلدی یار اغال اوزره جامع  
توابع لریله قالوب مختیار اولدی یار بر قایچکون مقدم شهرلی وقعه سندن اغالر نفراتیلر بلوک بلوک  
استا نبول زقاق قیری کروب شهر لونک کینی قتل ایدوب سرایه وارمغه مانع اولمشلر ایکن بوکره  
سقط فی ایدیم مظهری اولوب قهار منتقم قلبلرینه رعب و هراس بر افتغله حرکتک مجالری  
اولوب نه ایدک جک کربن بلدی یار ابوسعید افندی نك رأیله اغاری دیوان هما یونه دعوت  
ایچون بر خط یازیلوب اوزره جامعه کوندر دیلر خط هما یون کلدکده علانیه او قیمیوب الحق  
روئسای لشکر بر ره کلوب او قودیلر مضمونی سز که یکچیری اغالر دن یکچیری اغاسی و قول  
کتخداسی و بکتاش اغاسر کدر که حضور مه کلوب ایاق دیوانه حاضر اوله سز مخالفت  
ایدر سز حقکردن کانوردیشلش قچنکه بو خط او قندی اغالرک بکرده قان قالوبوب  
کوردی یار که نه جای ستیزونه پای کریر لساناری ابکم اولوب بر جواب ویرمدی یار  
اول محل یکچیری اغاسی قره چاوش دیدکری ایچق ایاق اوزرینه قالقوب بویه جواب  
ویردی که بزدن انده وارر یوقدر بزبونه طور و زو پادشاهمه عامی اولنر اوزریمزه کلور لسه  
مدافعه ایدوب دو کوشر زیدی هیهات تم هیهات اول مغروران دولته که اول روز کار ختاله  
الد انشلا ایدی و یکچیری طائفه سن کندولر یولنده جان و باشی فداییدر لر صانوب قضا  
و قدرت قوت مالیه و اتباع و اشیا علری صیانت و حراسته قادر اولورطن ایدر لردی باده  
دولت ایله سرمست اولوب چاشنی ادبار و نکبت خنجه در بلر لردی و کمال جهل  
و غفلت لردن وقت فرصته عاقبت احوالی فکر ایتمیوب اعتدال ایله حرکت و عباد الله  
شفقت نه ایدوکنی ادراک ایتمیوب طبیعت وجودده مدسوس و مبهوث اولان مجازات  
اعمال مقتضاستجه قهر الهی ظهورندن غافل اولوب مکافات و انتقام ندر اکثر لردی  
تصویراتیمز لردیکه اکثر کثرت مال و وفرت اتباع مفید اولسه هیچ بر صاحب مکنت و عالی  
عزت رتبه سندن دو شهر و دولت دن ایرلر دی دائما اقبال و ادبار قچانکه یکچیری اغاسی



خط شریفی که در نه بوجواب عجز اشتهالی و پردی بونلک ضعف وادباری اطرافلر نه اولان  
یکچیری لک معلومی اولوب اولدن دخی طرفدارلقلل رسوخ قد ملری اولما مغله تابع اولمان  
یکچیری و اوطه باشی و چور با جیلر بر نه ایله طرف طرف چوزلدیلر و ان لم سنجاق شریف  
التمنه بولنه لم و میا نتری لوت عصیانلر تظہیر ایدلر لم دیسرای همایونه جان اتغہ پاشلر یلر  
انجق توبع نامنه اولان چور باجی و اوطه با شیلر نفر لیلہ قالوب انلر دخی خاتمہ کارنه اید و کن  
فہم ایدوب پای ثباتلرینه اندھاش و دست جبارت لری نه ارتعاش حاصل اولوب هریری بریکا  
کتمکے حاضر و فرصت کوزہ درلر دی یکچیری اغاسنک جواب عاجزانه سنی خط کتورن  
خاصکی حضور همایونه عرض ایتد کد دفعہ وزیر اعظم قصد ایتدی کہ تغییر عام ایله اوزرینه  
یور یوب جزالین و یروب زبروز رالیله ابو سعید افندی زھادتن بریدر جهان دیلہ اولمغین  
وزیر اعظمه سہاجہ صبر ایدک انلر شمدی بالکلیہ طاغیلوب اغار یالیکتر قالور اراده قتال  
اولدن سہولتہ ایش بتروجود بکتره و خلقه زحمتہ محتاج اولنر دیکلک صبر اولنشدی اغارک  
پو اشدہ اولان حالی ثقات حضاردن بری نقل ایدوب دیرک اغار جامعہ قرہ حسن زاده  
حسین اغایہ تاخیر صورنلی بر عر فحال یازدروب سابقا استند کاری دورت طواشی ایکن  
سائر مصاحب وزلفیلر دن اون آدم دخی ضم ایدوب یواون دورت آدمی یاویر سرزویا  
بر سفینه یه قویب مصرہ ییلر سر دیو اچر و کوندر مشلر ایدی انک جولنی ایدی کہ اغاری  
ویرمز و یلر ونفی اولنر ایاق دیوانہ کلوب هر نه سوز بکتر وار ایسه حضور همایوند  
سویلیہ سر شکلنہ خط شریف کلشیدی خط شریفک ورودندن اغار منزل اولوب  
یکچیری اغاسی اوطه با شیلری و چور با جیلری چاغیروب اوطه لر قیوسن حراست ایلاک  
طشرہ دن کلن یولد اشلری ایچر و الک و ایچرہ دن طشرہ کسنہ صالیویر مک دیونثیہ ایتد کد  
اوطه با شیلر دن بر پیر بهی اغاسن نہ سور یلر سن اوطه لر دہ یولد اش قالدی ہب سرای  
همایونہ کتدی لری کی ضبط ایدلر دید کد عقللری پریشان اولدی جامع ایچندہ صفہ اوز رتہ  
یکتاش اغا و صفہ کارندہ کراک و خر تاوی دستار ایله چلبی کتخد لک او توروب بانہ قاچ اغا  
ایسہ دیرک دینہ یاتوب حیر تشدن اسایش ایدر دی مغنی و علما ایسہ کاه محفلہ و کاه  
صدر جامعہ یکوب عجبا نچہ اولور احتمالدر کہ شویله اولہ دیو کت و شنید ایدر لری اول محل  
مقصودنجی عمر دید کلری تورک قول کتخد اسنہ خطاب عنیف ایدوب بھی سلطانم  
نہ طور سرز ونہ او تور سرز چون پادشاہ مزری بر قاج طواشی یه دکشدی همان بوساعت  
قالقوب بر قاج یردن شہری آتشد ویرہ لم و یکچیری یه شہر لیلک اوزلین یغما یه رخصت  
ویرہ لم جلہ سی نرم طرفرہ دونر لر بعدہ دونمایہ و سرحدلرہ آدملر اوچوروب جلہ سفر دہ  
اولان یولد اشلری بوندہ کتور لم خنکار یز بالکتر شہر لیلہ نیہ قادر اولور دید کد همان یکچیری  
اغاسی یا تدیغی یردن قالقوب مجلسہ کلوب دخی مصدونی یه چاغروب برہ عمر برہ اشک  
بوسنک سویلد یکک سوز نہ اصل سوز در صوص اولقوله ترھاتی اغز کہ المہ بر قاج کونلک  
عمر ایچون دین و دولتہ اعدا و کفار کی اھاتمی ایدلر لم و جھان طور دقچہ سپر لغت و اوچاغزک  
حمل منہدم و مضحک اولقہ سبب و عاتنی اولم لم محمد اللہ تعالی مسلمان نزاع و غوغا منر

دولت دنیایہ متعلقدر سوز یز اولدی نہ کوزل اولدی امر اللہ کدر قضایہ رضا ابتدائی  
وبعدہ سزی اولدر لر بر جان ایچون دولتہ و عباد اللہ سوء قصد لایق میدر دیدی بکتاش  
اغایسہ واللہ یوق بوش یرہ اولہ مرز کلور لر سہ دو کشور زدیوب ہدیان ایدر لری آخر  
قرار ویردی لک مال ایله خلقی اغوا ایدلر کتخد ایک آدم کوندر وب حماللر ایله التون  
و غروش کتوروب میدانہ یغوب کند و اتباعی التون و غروش استین بر و کاسون دیو اطرافہ  
اعلان ایتدی لر هر چند تد او فریاد ایلدی لر بر فرد کلدی امیدلری منقطع اولوب کتخد ایک  
بکتاش اغانک یوزینہ باقوب تو یوزیکہ اللہ بلا ویرسون برہ طمعکار آناود نہ ایلا کسہ  
ایلدک برہ مال لازمدر باشمزه نہ حالت کلور دولت یوز چور د کد ایچہ ہر درد مزہ در مان  
او لور همان مال جمع ایدلر دیوب بزی کندی حلیزہ قوم یوب افساد ایلدک و جمع مال  
ایچون دنیا نک فساد اتن ایتدیروب بزی با شدن چیقار د ک دیدی امدی کون لم یوقدر مالز  
وار بر آدمی یا نگرہ میل ایتد و ن ییلور مسن کون لم ایچہ نہ اشمزہ یان دی دیوب حرار تشدن  
بی حد شتوم ایلدی و کینسہ لری نہ حماللر ایله یا نچہ سنہ کوندردی اول مکر دنیا ایله مکور  
اولش مغبونلر بلز ایدیکہ حقیقتہ مال و بضاعہ شفیقہ جان اولد و غی خبیثہ تشدن عزیز  
اولوب صاحبنک ضروراتنی دفع و مشکلا تنی حل ایدر بشرط آنکہ جمع وادخار حد اعتدالی  
تجاوز ایتدہ اما هدف سهام طعن و حسد اولہ افراط اوزن جمع مال جہات معقولہ دن  
دخی اولور سہ دہ صاحبنہ بغض و حسد ایتک هوای عوامک مقتضیای طبیعتیدر  
سابقہ خلفا و اصحاب کرام و بعدہ عقلای سلاطین و حکام کرام جمع مال دن اجتناب  
و زحارف دنیائی نفسلر یچون افراط اوزن ادخار دن اعراض ایتد کلرینک بر حکمتی دخی  
بودر ادخار القلوب و انفاق قلبیہ افتتای اموال دن مضرشی اولم دیغنی بلد کار یچون منافع  
دنیویہ نک اکثرینی بیت المال مسلمینہ ایشار ایدوب کند و لر دفع ضرورت مرتبہ سنہ  
قناعت ایله رضای حق و خلقی جالب و محبوب القلوب اولوب وقت ہیئت اجتماعیہ یی  
نشست ایدہ جک امور دن غایت صاق نورلر دی قندہ قالد یکہ جمع مال تسلط و تغلب  
یوزندن وجہات غیر طبیعیہ دن اولوب حد افراطی تجاوز ایلیہ و صفات کرم و سخا ایله  
دخی اتصاف اولیہ اول مقولہ لک معالم عز و جاهی منہدم و حقارندہ خلقک رغبت  
و شفقتلری منہدم اولوب عامہ ناس زواللرینہ مترقب و پرواہیہ دہیا ظہور ندہ  
اسنیہ صاللری بانہ بی رحم و متعصب اولہ کلشدر در یومقوله لک مالی وقت ضرورتندہ  
در دینہ درمان اولنر و رغبات قلوب منقطع اولد قد نصکرہ خزینہ لر بدل اپنسدہ لر دن قدر  
نفع و یرمز نعوذ باللہ من بعد الممکور بو محلد بری اعتراض ایدوب دیرک چلبی کتخد ایکک  
بذل و کرمی شہور عالم ایکن نجب بو وقتندہ آثار نفی کورلیدی مورخ جواب ویرر کہ کرم و سخا  
واعطا ماینبغی الی من ینبغی قاعدہ سی اوزن مستحقینہ بذر یو خسہ اول چلیپنک قوللقلری  
و اغالقلری ایکی بہاسنہ و یروب فقر لیہ جور ایتد بکن براوغلانی چور باجی ایدوب لوازم نہ  
اون بش یکرمی کیسہ ایچہ ویر مسی و مستحق طالبلری اولان مناصبی قاضی عسکر لر دن قیچہ  
نالہ آل یو یروب فقراء قضاتک بد دعا سنی الورکن ہمشہر یسی برار تا و دلوق قاضی سنک



چه ازین ایکی بیك التون احسان ایتیش کریمدر مجلسنه ملازم اولان بعض مسخره له  
 بوکون طالعکه نه کلو رسه سنک اولسون دیوب حددن خارج مداخله ایلدی یکی  
 امور دن رستوت مقوله سی هدایا اول کون نه کلو رسه اول مسخره یه ویرلک سخاوت  
 عدا ولنورمی بومقوله مبالغه عظیمه ایله کرم کسترلک ملوک ووز رایه یاقشورمی غیریلو  
 ایشکاری صورته اکر منصبک ایراد طبعی معندن ایدر رسه نه کوزل کند ومانندن ایتیش  
 اولور ووالاستیلا ایله سائر اعیانک ایرادلرینی قاپوب صاحبینی اغلدوب کرم کسترلک ایتیش  
 باعث فساد در بومقوله یه نهاب وهاب دیر لر خلاصه کلام دنیاده باعث نشر ذکر جمیل  
 یا خود اخر نه مستوجب اجر جزیل اولمیان ویرکیاره کرم دیز لرینه صده کله لم چون اغار  
 اچیه قوتیله خلقی ایار تمقندن مایوس و اچیه لری مکانرینه کوندروب پریشانغه یوز طوطیلر  
 منقولدر که اول زمان قدسی زاده اغار هله بر مقدار صبر ایدک کون لم بجه اولور دیش شیخ  
 ولی که اغارک بو قدر زماندن برویا رغاری و مستشاری اولوب کرملرین کورمشکین کند ووی  
 خلاص ایچون همان یلکنی چوپروب اغار ه خطاب ایدوب بقه سرنه اولدم ظن ایدر ستر  
 سترک هر بر بکیر بر فرعون اولوب عالمی خرابه ویرد بکیر زلر سکوت و قیور لیکزه ملازمت ایلدی کمر  
 اضطراری صیانت عرض ایچون ایدی ستر نصیحت قبول ایتیر ستر سترک ارا کرده بولنق خطادر  
 دیوب سلک نوب قاقوب سرایه جان اتدی بکتاش اغا عامیانه تعریضلر ایدوب قوزغون  
 سوخته کور کیریزی کیوب کیسه لرله اچیه لریمز آلور کن ستر لر بودولته لازم و دولت سترک  
 اتفاق و تدبیر کرایله قائمدر دیر ایدک شمدی روز کاریو زچور مکه سنک یا نکه دخی یارمزی  
 اولدق دیدی شیخ ولی ایسه ع در مع الدهر کیف مادار مصر اعی لسان حالله اوقیه رق  
 سرایه توجه ایتدی شعبان افندی و صنعی زاده دخی سرایه کتدی لر قدسی زاده و مفتی  
 یا لکتر قالمغله وحشت کلوب کتمک ار دنجه اولدی لر چلبی زاده دخی دیوانه واردی تقیب  
 سیرک زاده سرایه واروب اعتذار لر ایتیکله یته تقریر قلندی صنعی زاده بی غلک اعتذار لر  
 ایتد که مراد پاشای عتیق مدرسی قوچاش محمد و عظیم تعریضلر ایتدی قدسی زاده  
 حجابلندن سرایه وان میوب خانه سنه کیدوب قیوسنی قیا دوب منزوی اولدی مفتی  
 عز زافندی دخی کمال حیرت و خالت ایله قاقوب ساحل بحر واروب قایق ایله یالی کوشکنه  
 واروب ایچر و عرض اولند قده بوستانچی باشی یا نکه قالسون دیومناعت اولند قده اعتذارات  
 بی غلکه اشتغال ایلدی یعد سبیلی تخلیه اولوب حزن وانکسار ایله صامتیه ده اولان  
 با نچه سنه واروب قیوسن قیایب منزلده مفتی اولدی مورخ ظریف دیر که اغار جمینده  
 بولنا نلرک و خالت شامل طالری اولوب هر بری کامرأة حضرت فی ولیمة النساء ماصدق  
 اولوب ذیر حجابیه قالدیلر سهولت مدافعه با حسن تدبیر چون پروجا نبد اغار لکتر قاقوب  
 پریشانغه قرار ویر مشلر ایدی یکچیری اغاسی اول مجلسه ابو سعید افندی به خفیه ضراعت  
 نامه یازوب بن سلطانک قدیمی بنده سمی حنی مرحوم محمد پاشانک زمان صدارتده محضر لک  
 خدمتده ایکن سلطانه خدمت و قوللوم سبقت ایتیشیدی دیو حقوق قدیمه بی یاد  
 و تعهد ایدوب وقت یاسه چار سازلق طریق لرینه تشبث و اغالق منصبین پادشاهن

هر کیمه دیر لسه ویرسون به قوللرینک عفو بی بها ایله ستر دیوناز ایلدی کذلک کتخدایک  
 لالا سلیمان اغایه برتد ککره یازوب به مضمونده عقوالتماسن ایتدی زیر لالا سلیمان اغا  
 مقدم کتخدایک عظیم محبت و مودت اوزن اولوب بینلر نه مهادات و موالات قاعده سی  
 مرعی ایدی لکن بووقعه ده بکتاش اغا ایرامیله طواشیلرک باشلرینی استمک خصم و صند  
 شریک بولندی بی ایچون سلیمان اغا کند ویه عدوت ایتیشیدی تذکره سنک سلیمان اغایه  
 یلواروب جمله مزم منصبلریندن کچدک قوشجه جانری بزه باغشلاک حاشا که بزی شاهه عامی  
 اوله بر ز حضور هما یونه وار مقندن امتناعزدخی کثرت بتفات کستیم خانه مزه پناه سو  
 جزا نیتبندن خوفادردیمشیدی و چون هنوز هر برینک مخصوص خدمتکاری و اوجاقدن  
 چراغاری اولان هوادار لری کند ولری و منزللر نه اموال فراوانلری حفظ و حراسته قائم اولوب  
 هر بری قارون وقت و ضرب دستله جبراله کیرملر نه نوع عسرت بلکه مدارالزنده تفع و سهوات  
 مقرر ایدی شیخ الاسلام ابو سعید افندی ولالانک صولبدیدی اوزن حسن تدبیر جانی  
 اختیار اولندی مثلاً یکچیری اغالقی ساحدار شتر یاری یه ویرلکی وزیر مراد ایدی یوب اوجاق  
 خلقنه اعلام اولند قده چون بووقعه سببیله جمله سی مرعوب و متمم ایدیلر روی  
 ضراعتی خاک نیازه واروب التماس ایتدی لر که شمدی ایچر و دن اغا چیه قمرسه اوجاق خلقنک  
 عقلی تازومار اولوب وهم عظیمه دوشلر حالا مضاحت و معقول اولد رگد و حشتری مندفع  
 اولنجیه یه دکنه اوجاقدن بمأمون الغائله آدم یکچیری اغاسی اوله ابو سعید افندی  
 و سلیمان اغا بر رأیی وجهه وجیه کوروب یته انلرک رجا لرینه مساعد صورته اغا لق  
 و سنا ترکد کار اوجاقدن بعض اختیارله ویریلوب اغار ه دخی برر مناسب منصب توجیه  
 اولنغله غائله بی دفع ایدوب بعد اسهل وجهه اوزن جزا لری تربیب اولنه جقارک حقلر دن  
 کلنه دیو بعد المشور اتفاق ایتیلر یله یته انلرک مختاری قره حسن اوغلی سکبان باشی  
 حسین اغا حضور هما یونه دعوت و اغالق احسان اولندی و بعد اداغالغندن کلن سابقا  
 زغرچی باشیلقدن معزول کوچک قاسم که بر اختیار آدم ایدی قول کتخدائی ویرلدی  
 و هزار یان زمانده محضر لقندن عزل و طرد اولما مصطفی اغا مضمونی باشی اولدی  
 و اغا لقندن عزل اولنان قره چاوشه طمشوار ایالی و قول کتخدالغندن چیقان یادکار  
 وزرات ایله بوسنه ایالتی و سرچشمه طغات بکتاشه بروسه سبغای ویریلوب امر لری یازیلوب  
 بحال کتلمر یچون خط هما یون اصدار اولوب یونیی پاره لی محمد پاشا جمعیتکده لرینه  
 کوندردی محمد پاشا واروب صدر مجلسه او توروب شوکتلو پادشا همز اوجاق  
 منصبلرینی یته یا نکرده معتبر و مقبول کوریلان اختیار مستحقینه ویروب خلعت  
 کیدردی دیدکده جمله سی الله مبارک ایشون دیدیلر بعد هر برینک فرماتی چیقاروب  
 پادشاهن ستر لره فلان و فلان منصبلری احسان ایتدی دیوب امر لری او یوب اللرینه  
 ویردکن صکره قیام ایدوب خط هما یونی چیقاروب او قود قده جمله سی یوزیلوب  
 یا لضر و فرمان پادشاهن کدرد یوب محمد پاشا کلوب کتدی انلر دخی اولرینه کیدوب  
 منصب تدارکنده اولدی لر کوچک چاوش احمد اغا باش چاوش اولدی باش چاوشلقدن



همبرغل اغايه ياييگلكي وزلدى وچو باجیلردن ری غسست باشی تعیین اولنوب قائل  
 جیخی لنی جهو دحسین شهر سو یاشیمی اولدی اول کجه که لیلہ الاحد ایدی وزیر اعظم  
 ومفتی وسائر اعیان جمعیت ایلہ سرای هما یونہ قلوب احتیاطا تحفظ وانابه اوزن  
 اولوب کوزله خواب کیرمیدی واغای جدید وکتند ایسکه قول کز مک وضبط وربطه  
 تقید ایلک تنبیه اولندی اول کون والد شہید یک جنازه سی حرم هما یونہن اخراج  
 وسرای عتیقه کوند ریابو اندک تجہیز و تکفین اولنوب سلطان احمد مرحومک تربہ سند  
 دفن اولندی حرم هما یونہ نہ مقدار جوارسی وارایسہ همان اول کون جملہ سی اسکی  
 سرایہ نقل اولنوب مرحومہ مالندن بر مقدار غایتی اون ییک اچہ یہ دک وریابوب ایک شهر  
 صندوق اسباب واشیا لری ایلہ جملہ سی طشرہ اخراج اولندیلر و حاللرینہ مناسب بر  
 مسلمانہ تزویج ایتدیلر معزول اولان یکچیری اغاسی وکتند ایسک اول کجه ماللرین  
 یا نچہ لری نہ طاشیوب ایرتسی بحسب الغرمان منصب بلزینہ کتمک اوزن اتباع لری نہ یوب  
 شهر دن طشرہ اولوب حکمجه حوالیسنہ چادرلرین قوروب کتند ایسک همان یوزیکرمی  
 ییک فلوری استصحاب ایتشیدی دیوینہ محرملرین منقولدر قتل بکاش اغامزور  
 بروسہ منصبینہ کتمک عارایدوب موأخذہ دن دخی خوفی اولغین سلوری قیوسندن خارج  
 چفتلکنک مفتحی اولدی یینہ امن خاطر کلیوب اندن قاقوب زنگچہ مأمن اتحاد ایتدیکی  
 اوچاغہ دوستوب اصلنہ کند ومنشی اولان مصصوبچیلر او طہ سنہ اختفا وانلرہ  
 التجا ایتدی انلر دخی نیری کوستروب سکامنصب ویردیلر اطاعت ایتیبوب کندک کتدیگاک  
 صورتنہ بز سکامچہ صاحب جیقہ یاور زاطاعت اولو لامر ایتماش اولور سرزاصلی منی  
 قورترامز دیدیلر انلر دن دخی مایوس اولوب تبدیل جامہ جراح جامعی یانہ کندو  
 دوستلرندن الی پرماغک خانہ سنہ واردی خد متکار صاحبی مدرس آدم اولغلہ  
 صاقلغہ جرات ایدمیبوب یینہ اولخللہ ترکیبی محمد چلبی دیرلر و جزوی خانہ سنہ واروب  
 صاقلندی واسکی امکداری بر بازان کیدن اوغلانندن غیری اول مکانہ کلد یکن کسہ  
 بیلمش بکتاش روسیہ کتمیبوب غیبت ایتدوکی شایع اولدقد طرف سلطنتدن طلب  
 وچفتلکنک خانہ سنہ بولنا بچہ قیوجی باشیلردن بویاجی حسن اغا اخذنہ مامور اولوب  
 دلالرنہ ایتدیردیلر مکر بازان کیدن بکتاش اغایہ قوزی اتی و خاص اتمک وبعض اطعمہ  
 نفیسہ ومیوہ آلوب اول متر لہ کتور رایش اوغلانی ییلوب اهل سو قدن بری  
 آردنچہ کیدوب اول نوالہ یی طاشیدنی منزلی کورمش بویاجی حسن اغا وافر  
 اتباعیلہ ازایہ رق جراح سمتنہ واروب الی بر مق اکام منسوب اولغلہ اوینہ کیر وب نفخص  
 ایدوب بولدی اولخل دلال بکتاش اغای بویابوب خبر و بر مہ دیرلک واحسان وریاور  
 دیوچا غرردی شخص مزبور بویاجی یہ کاوب بن قند اولدغن ییلورم وعد اولنان شئی ویر  
 کوسترہ یم دیدک حسن اغا متعہد اولوب اولنزلہ واردیلر بکتاش او باصلد وغن کوروب  
 خوف جان ایلہ طولا بآردی ماسندی بر مضیقہ صاقلندی هلہ اریہ رق بولوب جیق  
 حید کارنن چقمیبوب اطرافدن قایح اوچیلہ دورتہ رک چیمقار یلوب رضا سبیلہ تسایم اولماغلہ

مشت ولکد ایلہ باشن وبغض اعضا و جوارحی مجروح ایدوب آق صفالی و جملہ جستی قانہ  
 مستغرق اولوب قوی وحیم شخص اولغلہ کوجلہ زبون ایدوب بند چکوب واللری باغلونورکن  
 یقہ بویاجی حسن کل همان اغزمدن بر کفر سوز جقمیدن بنی یونہ اولدر دیمہ سی ہذیانات  
 جاملانہ عد اولندی حسن اغا بر طاشی اسکی کتور دوب دیلدیکہ بندیرہ اول محل حاضریندن  
 جمرہ چاوش نام بر مرد دیر بویاجینک قولاغنہ دیدیکہ اگر چہ بکتاش مغضوب یادشاهی  
 وانواع جزیلہ سزایر کشیدرفاما اوطاق مناصبتدن بر مرتبہ قالمامشدر کدو اصل اولیہ  
 شمدی سن یونی حمار بند یروب کوتورر سک جملہ یکچیری سکاکینہ دار اولوب بروقت  
 ایلہ سندن انتقام الوردلر نیم بار کیرمہ بندر کوتورر سککہ حسن اغا کوردیکہ خیر خواہانہ  
 نصیحتدر چاوشک بار کیرمہ بندر یوب قوللری باغلواتک قارنی التندن بو قاغواروب آق  
 سرلیدن سرای ہمایونہ وارنچہ علی ملاء الناس تذلیل وتحقیر ایلہ کوتوررکن اهل سوق برہ  
 بادشاہ غینی طالم اسٹہ جزاکی بولدک دیو یوزنہ قارشتو تودیہ رک تقریر اولہ رق وتختہ  
 تشنیع قاقوب طعن ولعن ایلہ دشہیر ایتدیلر بکتاش اغا ایسہ مکشوف الید مربوط  
 الرجل بار کیر اوزرنہ یاشنہ برسیام قاقو دستار یوق چہرہ محاسنی آل قانہ بویانہش  
 مغبونیت جہلندن ایمان یأس مقامینہ یارمغین قالد یروب کلہ شہادت اعلانہ  
 مشغول ایدی اهل سوق جہا لک طعن و تشنیع لردن الیدن متجاوز اطفال و مراق  
 اوغلان محفلار دنہ دوستوب برہ اورکیدنی فلانی قنی بوفلانک شبکہ سی دیوچا غریشوب  
 ییلہ کیدرلر دی شبکہ نک اصلی بودرکہ وقعہ دن بر قاج آی مقدم مزبورک اهل سو قہ  
 اولان جوروتعدیسی وسوقہ دن بقال وساژڈمیلرہ سرمایہ و یروب خلقہ اکسک  
 صاقلر مغہ سبب اولدوغندن عباد اللہک جائنہ ایریشوب بعض ستم دیدظر بفرقیوسنہ  
 قرنک شبکہ سی میخلیوب بی رحم و بی دانتلکنک تعرض ایتشیر ایدی اتباعی علی الصباح  
 قیو اوزرنہ شبکہ بی بولوب خبر ویردکلرنہ مغرورانہ خندہ ایدوب بزم الی بر مق ابراہیم  
 چلمینک کجہ لکیدر اکاورک دیمش ایدی الی بر مق یوسنوی ابراہیم چلبی کدمدر سیندن  
 ایدی اغازہ منتسب وچرا غلری اولغلہ مجلسلرنہ لایالی لطیفہ و کفریاتہ متعلق مشقار  
 ایتدیکندن بومقولہ مزاج مستہجنلریلہ آلودہ اولاشیدی ہر چند قیوچیلر اهل سو قدن  
 حرف اندز اولنلری از ایدوب اطفالی دک کیکرایلہ اورکودرلر دی یینہ خلق جروب وشتم  
 ایدوب اطفال عقبنہ ال قاقوب باب ہمایونہ دک کیتدیلر محل عبرتدرکہ زمان عزتہ  
 یا نچہ واردنچہ قرق الی نفر سقر لا ط پوش یگی قوشا قلی لردن ماعدایکرمی قدر  
 بالایلند خنکاری صارقلی چوقہ دارلرکی جانندن ایکی مکلف یولدش اللرنہ بر توغ  
 ریشہ سی رنگ امیر مذیہ ایلہ آتسک کوزن و بورتی وقولاغن وطشاشن تزویج طرد ذهاب  
 ایدرک وخلق ال باغلیوب سلامن التلرا افتخار لدردی بوالعجب کہ اقبال دنیا ادیان منقلب  
 اولیحق توغ مذیہ یرنہ قچیلر ایلہ بندیکی بار کیری سوروب کیدرلر دی نعوذ باللہ من  
 مجازات الاعمال و سیئات الافعال بکتاش اغا بواللہ سرای ہمایونہ واروب عرض اولندقد  
 جواب چیقچہ قیوار اسندن الیقوندی اولوقت سابق الذکر قوشچی محمدکوالہ کیرمک



قاتل در بکناش اغا نك قريشوسنه كلوب برهناش ظالم بن سكا نه اسكند مكنه بن دفتره  
يازوب باشي استه دك ديويويچ ايدوب بكناش اغا قاشن چا توب بره پوت قيا قتلوقائل  
يقل شوندين ديونعنيف ايند كنه قوشجي مجد باق شو ملهونك وضعي بوت ديمك  
چوقدن كندی ديويوافر شتم ولعن ايندي بعد حضور همايونه كوتورد كنه قتلنه اشارت  
اولنغله يوغوب جشه سني ميدان سياسته القايتديلاندين بر كليه قويوب حما للرايله  
هنرانه كندرلدي نمازي قيلنوب طشره ده دفن اولندي اموال فراواني ميري به قبض  
اولنوب جمله دنه مكره اوغلنك دلالتيله منزلنه اولان حوض آب قلع اولنوب التمه  
بر حوض مثالي محزنه دو كه ربال واپكي مرصوص كوكم فلوري ونجه اشياي ذيقيت  
بولنوب اخذ اولندي مورخ ديره بكناش اغا ارناود جنسندن ظهور ايدوب ابتدا لاله  
سكبان باشي دلي قاسمه خدمت بعد پكچيري اولوب يوليله اشجي واطه باشي  
وجود باجي اولد قلع قاسم اغا نك دامادي اولدي بغداد فتنه يوليله كند ايبك اولدي  
وجلوس ابراهيم خانيد مصطفي پاشا وقتنه تكه لورينه پكچيري اغاسي اولدي كندوسي  
صرف امي ايدى لکن سيواسي شيخ دن بيعتلى اولغله اهل تصوفه عاميله تقليد ايدردى  
حنى عصر نه حمزه ويك ناميله متهم ايندي فاما خست طبعي ودنات و طبعي حددن  
زياده ايدى او جاقه مال فراوان قزاقوب تا پكچيرايكي حالندن برو مراجه ومضاربه به  
انچه و يروب مسكن وما كل وملا بسنه تفریط وتقصير صاحبي اولغله مصدرفي غايت  
قليل اولدوغندن كند كنه مالى زياده اولوب سرمايه عظيمه به دسترس بولوب بعد  
يوزاللى انچه تقاعد ايله مستريح اولوب دوائى كالد اينك سلطان ابراهيم خان وقعه سندن  
صكره صاحب نام وكلام اولوب امور خاصه وعامه به مداخله وارتشاده اقرانه تفوق  
ايندي مناصب وخدمات ايلالته مداخله ايدوب ومولويت ومدارسه قارشد يغندن  
ماعد اكثر جلب كشان و ذخائر وماكولات كتورنلر وغيره كوتورنلر كندوسرمه سني  
قوللا توب كذالك اتمكچي فرونلري وبقالار وساثر صناعات اربابندن سرمايه سي اولوب  
احساب نا بلري بلكه استانبول قاضيلري قول كز دكه بونلر ك فروتنه ودكانه وعلاقه سي  
اولان سوقيه به تعرض ايند مزدى فرضا بقاله اين اشاغي ديسه لبقال كافرى سزني  
دو كه مز سز سلطانم سرمايه بكناش اغا نكدر ديه خنده كان اولد قلع حاكمراره مساحه به  
اطلاق عئلندن غيري پان بوله مزدى عاقبت سوا فعالنك مجازاتن كوروب بوقدر حرص  
وتعب ايله جمع اينديكي مالى غيره نصيب اولدي طوتوب كتورن بوياجي حسنه خدمتي  
مقابله سنده قيو جيلر كندالغى ويرلدى قتل اغا سابق قره چاوش ديد كلري مصطفي  
اغايه طمشوار ايلالتي و يراوب يوم معهوده شهر دن از عاج واخراج اولنشميدي طشره ده  
چكجه قرينه چادرلرين قوروب اندن قالقوب سلوري قرينه برعاز نام قريه ده واقع  
چفتلكنده قرار ايدوب و كتمك تداركنده ايكن قبودائق فرماتى كوتورديلر فرماني كتورن  
وزر اغاسنه ييك غروهر و خلعت و يروب مسرو راولمشيكن در عقب بوياجي حسن اغا  
التمس مقداري تهريله واروب اراز خط هماين ايدوب امرياشا دنبا هك ديوي

گريه پناه ال اورد قلع طائفه سني ممانعت مراد اينديلر حسني اغا نره اوروب چكك انكزي  
جمله كز قاچيدن كچر سزديكله مرتدع اولديلر هله مزبورى بنده چكوب براته بند يروب  
سلوري اسكله سنده قاينه قويوب سراي همايونه كتوردى حضور همايونه كير دك  
حاضر يندن اخور خليفه سني حاضريك نقل ايندي حضورده دامن بوس ايدوب نجات  
برله طور دقعه پادشاه حاضريلري بالذات خطاب ايدوب پكچيري اغاسي سمنسن  
ديويورد قلع بلي پادشاهم ديوييراويدى پادشاه ايندي نچون بوقدر فتنه لرقالدر دك  
جواننه حاشا پادشاهم نيم صوچم بوقدر ديدى پادشاه يابونجه فتنه لري كيم قالدردى  
ديد كنه بكناش اغا وقول كند ايسى قالدردى ديوجواب و يردى پادشاه نكرار خطاب  
ايدوب ياسن اغاد كليك ديد كنه پادشاهم انلر متغلبه دن ايندي بن انلر ك ضبط وسوزلرينه  
مخالفته قادر دكل ايدم ديدى پادشاهم سكا بر قاج كره خط كوتوردى دعوت ايندم  
نچون كلك وشعدي نه عجب كلك ديد كنه بر ك سيد كى خطاب پادشاهيدن لزان اولوب  
كلكمه انلر مانع اولورلردى خنكارم ديد كنه پادشاه قالدرك ديوا اشارت ايمكله طشره چيقاروب  
بوستا بچي باشي به تسليم اينديلر اغا بوار القعه طور مز اغلر و على الاتصال چشم حسرتدن  
اشك نداست دو كردى اول محل بوستا بچي باشي طعن ايدوب اغا حاضريلري بو اغلق اول  
كر ك ايدى صوك پشيمانلق فائده ويرميه چكي مشهور در اولوا دمره مخالفت في الحقيقه  
جانندن ال يومقدر دولته اسنيلا ايدوب بي پروا آتوب طوتمق كشي كندوني بلا وهلاك  
در ياستنه اتمقدروقت فرصته مخاطره به بي پروا جرات ايدنلر جان بازارنه دخی مردانه لك  
كوسترمك كركدرديوب بوستا بچيله اشارت ايندي ايكي اسير كتوروب في الحال بوغديلر  
رمضانك يكرمي سكرى ايدى ميتى امير بخارى جامينه غسل ومقابر مسلينده دفن اولندي  
اغاي مزبور نچوان شمتلرندن تراكمه اوغلان ايندي بعض شرق سفيرلر نه كتور يايوب نجه  
آوانى به خدمت ايندرك پكچيري واشجي بعد يوليله چاوش اولوب سلطان ابراهيم جلوسنه  
باش چاوش ايدى جوان قيوچي باشي صدارتده محضر بعد يوليله كريدده كند ايبك  
بعد كلوب اغا اولمشدر سوزا و جاغه دوشد كنه جمله نك سردارى اولوب تعين و طمع  
سوداسيله حالى بوكه منجر اولدى ييك بشيوز كيسه قدر تقودى و كاك كون تحف  
واستياسى ميري به النوب مجهول يرلده برنجه اموالى دخی غائب اولدى قتل چلبي  
كند ايبك قول كند ايسى مصطفي اغايه بوسنه ايلالتي و يراوب و اقرالتون ونقوداسته صاحب  
اولد دخی يوم معهوده استانبولدن چقمش ايندي همراه اولان اتپاغنه وفادار اولمق زعيمه  
آوج آوج فلورى بئل ايدوب كاروبان عظيم ايله نكفور طاع غندن ملغره به طوغرى  
كندی مقدم بكناش اغا نك قتلنى ايشته كنه منصبه كتمكدن اجتناب وفرار اينديكي تهمة  
حمل ايدوب وسوسه ده ايندي چچانكه قره چاوشك قتلنى استانبولدن بعض احسان ديله لري  
يازوب بلدر دك صاغ قاليه جفتي تحقيق ايدوب بارونيكاهن اول محلده براغوب بره كيه  
التون ورمقدار جواهر مقوله سي الوب برايكي محرم يرازامكدار ليله فرارا ختيا رايلى  
اغالري وساثر انباغى جمله قلان اشيا ونقودى يغماليدوب بي نام و نشان اولديلر فراري



استماع اولند قدر اطراف وجوانه او امر پراکنده قلنوب بر وجه اریه لق مون سخاخی ویریلان  
دفتر دارزاده محمد پاشایه بای حال اخذی ایچون امر شریف کندی کتخی ایسک ایسه فره جگ  
قصه سیه طوغری کتشییدی در عقب اخذینه تعیین اولنان شیخ اوغلی دخی فره جگه  
واروب قوند قدر قاضی یه واروب فرمانبرین اوقو دنجی کتخی ایسک فره جگه قونوب یگوب  
اورخان صوبی سمتته متوجه اولدی فره جگدن و اطرافدن رعایا سور یلوب یولن آلد قورنده  
بلنده اولان ترکشی بوشال دنجی خیل جنگ ایدوب وافر آدم مجروح ایلدی اشاء جنگه کندوسی  
قولندن مجروح اولوب مرنه حال ایسه طوتوب باغلدی یلر دفتر دارزاده مشار الیه محمد پاشا  
ایلروده فره صوبیکجه سنه ایدی اکادخی آدم اوچوروب بنوب سر عتله گلشیدی کتخی ایسکی  
مغلول الیدوزر مشار الیه نسایم ایتدی یلر اول محله زچندن مغلوب و حیاتدن مایس اولغین  
پاشا حضر نلری لطف ایلد بئی صاغ کوندر مه بونده قتل ایلد دید که بزه اولصاحته  
ما مورزدیو جواب ویردی رخصت رجایتمکله بدست آلوب نماز قیلوب توبه واستغفار  
و کلمه شهادت نصکره کندی کندی الیه بیاضی و قار ایلد صقالتی قالدیروب بوغازنه  
یگروب شهادت کتورنک تسایم اولدی باشی کسبلوب شیخ اوغلی ایلد آستانه یه  
گوندرلدی مورخ دیرکه ثبت وشجاعت و کرم و سخاوت صاحبانندن اوله گلشدر  
هر قنده خسیس ودنی واریسه محنت و جبان اولور لر بکتشاش اغا و فره چاوش ایکیتی  
دخی بنتی حمید کبی خست و دنات ایلد معروف ایدیلر اخذ اولنوب نجالتلری محال ایدوکن  
ینلور لایکن کریان و نالان اوله رق حمیت شجعه بی منافع جزع بی فائده ایلد رسوای اولدی یلر  
اما چلبی کتخی ایسک نفسنده کریم الطبع اولغین و سغنده اولان مرتبه مجادله و مقاومت  
ایدوب ترکشی تهی اولد قدر یار لی طوتیلوب بدل جان دخی اخسای سبک مغزکی  
لر زه ناک اولدی اما حقیر دیرمکه جان طاسا تلور در غیری شیه بکره مزاحق بوسوزک  
منشی حکما دن تعل اولنان بولکلام حکمت انجامک مدلولی اولق و ارکه دیمشدر در عاقل  
و کامل برلیه عظیمه به دوشد که خلاصه بر حبله تدارکی ممکن ایسه وسی مرتبه سی سعی  
اینسون عقل صحیح عندند نجات متصور دکل ایسه جزع بی نفع ایلد مقانت صبر شرفی ازاله  
ایمه ملک عقل و روحک قوتنه دلیلدر دیمشدر سقازاده مصطفی اغا نقل ایدرکه وزیر  
اعظم سیاوش پاشانک حضورند ایدم وزیر مشغول کلام ایدی اکسوز بن بر طبقه ایچنده  
یونش و صغالی طراش کتخی ایسکک رأس مقطوعن اوکنه کتوردیلرنا کهانی کتورد کلرند  
مشیر اولوب حضور همایونه کوندر دی و ناسف صورتند باش صالوب ارالرنده شو  
آدمدن معقول یوغیدی ینه کرم ایدی خوفندن فرار ایتمسه واروب بوسنده ده او تورسه  
رجا و تخلیص مراد مزایدی اما حلی گلش دیو وافر آجدی کرم نه کونه صفت مدوحه درکه  
اعد الزی بیلد کرمانک ذکر جمیل ایدر کتخی ایسکک باشی باب همایونه بر کون طوروب بعد  
احسان دینه لری الوب عزمی زاده مرقدی خطیره سنه دفن ایتدی لر وایت ایدر لر که وزیر  
اعظم دولتک بر قاج سنه لک ایرادنی و مصارفی یوقلیوب و اغارک تسلط ایلد مدخله  
ایتدی کیری اموالک محاسبه سین کوروب کتخی ایسکک ایکی سنه زمان تغلب و طغیانده اون بش

کیسه مال میری یه دسترس ایدوب بوجمله دن نش بیگ کیسه اسراف و اتلاف ایتدیکی  
متین اولدی بونک دخی ایکی بیگ کیسه قدر تقودی و حد دن افزون تحف و اشیای  
میری یه اخذ اولندی اوچینک اموالندن و بعد هذاکر اولنه حق اتباعینک مصادن  
لرین النان بوقدر بیگ کیسه بالجمله لدرن خزینه سنه داخل اولوب طشره دفتر دار  
تسایم اولندی چلبی کتخی افرار ایتدی بکنده جمله اموالی اتباعی یغما و تالان ایدوب اطرافه  
پریشان اولمشار ایدی باشی کلد کد نصکره دفتر دارزاده یه اموال پریشانک تحصیل ایچون  
امر شریف کوندرلدی اولدی خی اطرافه آدمی پراکنده ایدوب هزار تقید ایلد قرق یوک  
اچیه لق التون جمع و تحصیل ایدوب آستانه یه کوندردی لکن ثقاتن منقولدر که چلبی  
کتخی انک بیگ کیسه قدر تقود و اشیای تاراج کرده اتباع اولوب اله کیر نلری دخی جاچا  
صقلنوب هضم و کتم اولمشدر حاصل کلام برایکی سنه عالمه ولوله و یروب دولت علیه یی  
قبضه تصرفلرینه الان اغارک عاقبت حالی بوجمله ختم یلوب کان یکن اولدی یلر  
وسا ترا باع ولو احقری دخی مضحک اولوب بونلرک قوتیلد حد دن تجا و زاید تلر  
جزالین بولدی لرته کیم تفصیل کلسه کرکدر طور رحدی تجا و زایدن باغیلرک حقند  
عاده الله بویله جاری اوله گلشدر نفی عزیز افندی شیخ الاسلام عزیز افندی ابتدا  
اغارک قوتیلد شیخ الاسلام اولغین انلر ایلد اختلاطه مبالغه و کلماتی تمشینه  
مساعده ایتدی بکندن غیری افضل مراتب بشریه اولان مشیخت اسلامیه مقامنک  
توقیرنه مختل کاه و سیکاه اغارک زیارتنه واروب انلری نکریما صق صق دعوت ایدوب  
لا ابالیلک یوزندن اظهار خفت ایدردی انلرک رضاسی جانبی ترجیح ایتدی بکیچون سلطنت  
علیه نظرند اعتماد و اعتقاد خیر یه دن ساقط اولمشیدی خصوصاً جمعیت اخیرده علم  
شریف چیقدی کون اغاقیوسنه اندن آت میدانسه واروب عیالی و اتباعی فریاد ایدوب  
پادشاه طرفته کیت اغارک جا نندن ایشک ندر دیه کوردیلر مفید اولیوب چونکه سلطان  
ابراهیم خلعه اطلاله لسان ایلد شهرت بولوب بومقوله جمعیتلر ده سوز سولیلوب ایلر  
اتاق تعیینه سبب اولدی بوجمعی دخی انلر قیاس ایلد اغارلر دن ایریلد میوب سرایده  
ایوسعیدک مفتی اولدیغنی طویقد نصکره تحیر و محالت ایلد دامنگیر اولغین ایش  
یتد کد نصکره ضروری واروب لاجرم قلوبک تنفیرنه سبب اولدی رمضانک اون ییدنجی کونی  
فرمانله خانه سندن قالدیر یلوب صماتیه دن بر قایغه قونوب اریه لق اولق اوزن ساقزه  
کوندرلدی فائده سبحان القادر علی مایشاء و لا یجری فی ملکه الا مایشاء بوسال عجیبه  
الا حوالک طالعنده که برج میراندر جرم مرغ ایلد رهین و بال و تریعه بیت عاشرده جرم  
زخل خانه هبوط ایلد دلیل اختلال بولنوب آفتاب عالم کتاب و قد سابعده شرفنده فرسادسه  
ساقط زمره خامسده عطار دیت سادسه که حوتدر بولنوب مشتری بیکه دلیل علما و مستعل  
قران وهم ساختده واقع اولمشدر بیت ثالثه تریع عطار دده بولمشدر ثالث برج انهر  
بوسورنده استدلال اولنان حوادث غریبه بر مقتضای ارادت احکام الهیه عینی ایلد ظهور  
ایلدی اولاندر رابع برج جدیکه حاکی و بیت الشرف پهرامدر مقابله زخل ایلد مخوس



اولوب چون موضع زحل برج سرطان و فی الاصل طالع قسطنطنیه در استانبول و سلطنته متعلق لولان اضطراره دلیل ایدی تریع مرغی دخی مقوی و هیچ اولوب اولوا و اخر شعبان زلزله و هفته سنده که خامس مضامند رولوله حدوت ایدی اغار که مرغیان دولت و تصرفه متکلم بلکه معنی باطن سلطنت و صورت ظاهر دولت اید بفر فساد عاشرو تربیع مرغیدن و مقابله مرغی و شمسن طرف سلطنت ایلر و سالی لشکر اولان ارباب شر و شقاوت مایینده خلاف و شقاق ظاهر اولوب طبقات زخلدن طواشی اغار عین عز و دولته ایکن مرغیان انلرایله خصومتی هلال امر ایدنگ و وقوع بولدی و بعینه یو صورت تربیع اثارندن بحسب القدر و المربیه مقدم عاشریان بلکه مدار امور سلطنت مقامنده صاحب نام و شان اولان و الیه سلطان حضرت لایینه مضرت اصابت ایدوب خصوصاً صورت زایچه ده نوریت ثامن بولنوب بیت اخر صاحب ثامن که طالع در جرم مرغی و قوی مؤید اولان لاجرم برج عاشرو هم بیت سلطان و هم بیت مالداران اولمسی دخی حکمت صریحه دن تعی اولوب و الیه سلطان اتباعیه قتل و تنکیله مظهر اولدی یار و مرغی بیت طالعده تربیع زحل ایلر مخوس اولمسی مشتری برج انتها ده بولنه سی مؤید اولوب متعینان و مالدارانه زوال تربیع ایدوب مرغی بفر منزه اغار مقتول و انلر طرفنده بولنان طبقات مشتری متغیر و مخدول اولوب ثانی که برج انتها در زوجسدین بولنسی ذکر اولنان اشخاص و مواد و مراسلات و حتی جمعیتلر ده بیلر موجب و مقتضی تعداد اولدی و مرغی طالعده بولنغله گوکب ظفر در لشکر عوامه یار اولوب نفیر عام و تجمع تام واقع اولدی کذلک تعدات جمله سندن ایکی مفتی دکشمک که مد اولات مشتری و بیت ثالث در وقوع بولدی و صاحب ثانی که دلیل مالدر طالعده بولنوب مستولی عاشرک تربیعده و تسدیس مشتری و ثلث زهره ده بولنسی باذن الله تعالی دلات ایدوب لاجرم مقهور لک اموال قهر و تسلط ایلر و هیجان عوام سببی ایلر مقبوض پادشاه اولدی بوجه یه شمس بیت سابعده بعد مقابله مرغی تربیع زحل بولنق دخی باذن الله تعالی دلیل قوی ایدیکه قصد و غاصبه مرغیان و کندو مشرفنده انلر و بال و هبوط اولوب کندو تسدیس زهره و ثبت مشتری بولنسی سلامت و مضرت سلطانه دلیل عجیب اولدی کذلک عطار دکه بوصوله صاحب ثانی عشر و دلیل اعدا و ساد سده که حوت در خانه و بالنده بد حال بولنوب چون سال قرانده بیت نکینه که نامند هم محترق هم محاسد ذنب بولنشدیدی و هر ییل بر کونه اثری ظهور ایتشدیدی بوسال دخی بوحال اوزن مطالع و عاشر شمس و زهره و مستولی عاشردن ساقط بولنوب بوجه ایلر بیلر تربیع مشتری یه که دلیل وزیر صاحب دولتدر بولنسی سقوط و نکبت اعدای دولته دلیل واضح اولدی عطار دمنسو بولنیک اشراقی دخی متضرر اولغله دلات ایتشدیدی و اکثر دلا لک بروج منقلبده بولندی یوقضیا یا براوغوردن از مدته صورت بولسنده دلات ایدوب رمضانک اون آلتی کوندن ایکی اسبوع قدر مدت ارا سنده بونجه حوادث ظهور ایلدی و برج اسد که شمس بیت حادی عشر در ثنیت آفتاب و برجیه و تسدیس مرغی بولندی

قوت پادشاه و وزیر مفتی زمانه دلیل و لشکر و عوام ایلر مصافا نلرینه علامات واضح ایدی تنه کم بیت حادی عشر مقابله زهره ده وزیر سابقک عزله و بعض مقربلرک نکینه دلیل اولدی و شمس بیت الشرف و مرغی ناظر بولنه سی اگر چه نظر عدوت ایدسه ده عامه لشکرک و عوامک طوعا و کرها پادشاه انقیاد لایینه و میل و اطاعت لایینه دلیل اولدی که خانه سنده کور مکه نظر قبولدر لاجرم سلطان و قته ضرر اولوب اعدا و شرکاء دولتی مقهور اولدی و برج دلو مسعود اولق دخی بعض زخلیانه دلیل قوت اولدی و بوجه یه سابع شوال اوله جق قران مرغی و مشتری دخی دلات عجیبه ایدوب معتاد اوزن آثار و لاتی وقوعندن مقدم ظاهر اولدی کذلک قران نحسین سرطانی با حکمت بواتصالات خاصه مقابله مرغی و شمس و قران مرغی و مشتری سبب ظهور اولدی تنه وقایع سائر و تبدلات جزیه بیت کیچه پروانه لاله جمعی کرما کرم ایدی شمعک سحر کوردم نه شمع مجلس آراوار ته پروانه چون اغار دولتی مضحک اولدی خلق عالم کویا کابوس نحو سندن قورتلیدی متکلمه اکابر و اصاغر نوعا امنیت و راحت بولدی و قعه مندفع اولدوغی کونک ایرتسی وزیر اعظم و مفتی ابوسعید افندی و قاضی عسکر لوسا اعیان خانه لاینه کلوب تهینه مسارعت ایتدیلر مفتی افندی بروسه قضاسن صاری عبد الله بن قالدروب فتوی امینی الی یرمق عبد الفتاح افندی یه و پردی صدر اعظم سیماوش پاشا کمال استقلال و مهابت ایلر صدر و زارنه قرار ایدوب دولت بر کشته خواشینی نفیصنه باشلیدی جمله دن صاری کاتب دیدکری فتان و مشو که اختفایتمش ایدی احباسندن نکفور طاغلی عبد اللطیف چلبی محرم اولوب شومقد ارشی ایلر سنی عفو ایتدر مکی فلان ایلر سویاشدم دیواغفال ایدوب وزیر خبر و یرمکه اخذ و قیو جیلرک او طه سنده حبس ایتدیلر عبد اللطیفک یو خد می مشکور اولوب محمود پاشا نیایش و یردی صاری کاتبک ماملکی میری یه قبض اولنوب کندوسی حبس قالدی مورخ تفصیل ایدوب دیرکه مزبور مقدما ابراهیم خان زاده نلک حید و دنام برشتی کوله سنک ولد ناخلفی اولوب دفتر دارا تمکچی زاده نلک قره قولاغی یو کرک اولاغی ایدی کمال ملعنندن برایی دفعه ولی نعمتنه قاچ چکمش ایدی ملعون بر مضحک مسخره اولغله کیدرک اکابر مصاحب بعد کتخابکه چاتوب کتخابیک جاهل اولغله بونی کندویه قرین و کاتب السر ایدینوب لاف و کذا فته الدانوب بونی عاقل ناصح ظن ایتشدیدی حتی والد سلطان دن کتخابیکه و اغار کت تکراره لره بو محرم اولوب جواب یازردی دیوان همایون کاتب لری عدا دندن اولغله اغار قوتیلر اناطولی محاسبه جیلکنی قایمش ایدی لکن منافق خبیث اولغله اغارک یازار اقبالنه کساد علایی کلدکه کت تکراره جواب لری یازدقد نصیحه جز دانه حفظ ایدوب خفیة ملک احمد پاشایه و بعد سیماوش پاشایه کوستروب سرلینی افشا ایدردی کانه بویوزدن دولته و وزرایه خیر خواهلرک صاتوب اغار بر طرف اولورسه بوضع صاد قانه سی کندویه سبب نجابت اولور ظن ایدردی و اقعابو وضعنه سیماوش پاشا فریفته اولوب محرملینه شو صاری کاتب برصادق آدمه بکر در پرایدی و حبس ایتدکه جمله مالی آلوب کندوی اطلاق ایتک فکرینه مصمم ایش لکن کلمه الشر



یکدیگر کاسک و بطیر را سگ مفهو منجه غیبتک حجه لسان قتلنه سبب اولدی  
تفصیل بوکه مزبور اناطولی محاسبه جیسی ایکن دیوانه اولان وزرانک اکثری قول جنسی  
واقع اولوب سیاوش پاشا کورچی پاشا و کنعان پاشا و غیرهم دیوانی صاویوب اغارک  
مجلسنه مسخره لق ایتکه کیدردی اغارک سوال ایدوب صاری زره دن کورسن دید کارنه  
اسیر یازاندن کلورین دیوب دیوان همایون کنایه ایدردی اول مغرور دخی بو خلط فاحشدن  
حظ ایدوب قهقهه ایدردی بو ادب سز لکی سیاوش پاشا به تعل ایتد کارنه اطلاق  
ایتمکدن فارغ اولوب لقی بو کجه قتل ایدک دیونیمه ایلدی یوننیمه ک خبری کندویه  
واروب نجاتدن مایوس اولد قهه بجایله اوزوب کندوی ذبح ایلدی هنوز جان چکشورکن  
بروجانیه خبر اولد قهه واروب کارین تمام ایتدیلر لاشه سنی دریایه ایتدیلر و نفسی قتل اکثر یا  
بد خوی روس کوله لرینک عادتق اولغین العرق نزاع فحوا سنجه باباسی اولان یازنک خصماتی  
گندوده ظهور ایلدی دفتر دار پاشا جمعیت انقضاستدن صکره سرایه واروب قول  
مواجین تمام وجه اوزن الترام ایتمکدن دفتر دارلق محاسبه دن معزول صاری علی افندی به  
تخمین اولنشمیکن ینه اسکی دفتر داره مقرر قلندی و عسس باشی عمرا غاخیل مدتدن  
برواغاره استناد ایله مقبول اولوب قوری قواقه سرای آسار عظیم خانه بنا ایتمشیدی  
انخد و حبس و مصادن ایله اطلاق اولندی و کتخدا بیگ و اغار توابعی اولنلردن خارج  
ازادب وضعله لسله دوشن دوه جی باشی کورعلی و مهر دار و امثالی عزل اولنوب نجه لری  
فرار اختیار ایتدیلر و متوللرک استبهی دلی برادر قرار ایدوب بولانه بیگ التون جعل  
وعد اولنوب منادیلر چاغردی بولندی مالدارک معینی چوق اولور خفیه کورچی پاشایه  
اوتوز کیسه و انک بدله وزیر اعظمه یوزیکرمی کیسه وایکی بیگ التون فیتلی بر قوشاق  
ویروب کورچی پاشا رحامیه عفو اولندی بوشخص اگرچه اغاره وارردی اما بر منصبه  
قارشدی بوق بیع و مشرایه مشغول خدمت لور صا تر کار یله تعیش ایدوب بر اهل عرض  
آدمد رانی انجمنک لایق دکلد دیوبیاضه چیقار دیلر رئیس الکتاب موقوفاتی محمد افندی  
بیوک والد آتیکندن اولد و غندن ماعد اسبقا قهر مصطفی پاشا عصر نه ساجد اری پاشا لو  
اولغله سیاوش پاشا ک کندیویه کینه قدیمه سی واریش و جمعیت یکچیری کجه سی کندو  
ایله استشاره ایتد که اغار جانبی ترجیح ایتدیکدن دخی دلکیر ایمش رمضلک اون طقوز نه  
اغارک ایشی بر طرف اولد قد نصکره وزیر قار شوشنه طور رکن همان بلا باعث پاشا کندویه  
قاش چاتوب بقه مقد با ساجد اری پاشا ک قتلنه دخی سبب اولان سن دکلید ک کل واریت  
مشور دن دیو بخاء تعریف ایتد که موقوفاتی بوقضیه بی سبیدن متعیر اولوب طشره  
چیتقد قه چاوش باشی حیسنه ویریلوب مطالبه امواله استغال ایتدیلر و صد ارتدن معزول  
ملک احمد پاشایه سلسله ایالی ویریلوب درویش پاشا اناطولی به تعل اولنشمیدی حالا  
ملک احمد پاشا دوندیریلوب ملغره یه نفی و اسکان فرمان اولنوب کتخدا سی غلام محمد دخی  
استانه یه طلب اولنوب کتخدا اسنک کتخدا سی حیس اولندی منصب ریاسته بکا کچی شامی  
زاده حسین افندی اسعاد اولندی و پاش محاسبه دن مجدی محمد افندی عزل اولنوب

منصبی صالح پاشا اند کره جیسی حسین افندی به ویرلدی و اناطولی محاسبه سن وقعه دن  
ایکی کون مقدم صاری کاتب رضامیه بر نفس ایدی شمدی اورفه لی قره باقی افندی به  
ویرلدی استانبول و نواحی سنده اوصاف اغارینک و بکتاش اغارک قیونلری سیمی ایله لم اون اچیه  
واون بشه دك صا تاوردی بعد الوقعه سکره ایتدی تکرار در عقب اون اچیه به چقد قه  
کمرک امینی و قیون امینی اولان ارمنی حسن وزیر دن ایکوز دکنک یکله ینه سکره تنزیل اولندی  
زیر اغا و بکتاش اغا کندی قیونلری زیاده به صا تاو رمق ایچون سلطان محمد و سلطان بایزید  
حولیلر نه و بعض مید انلده اولان قصایلر که چیرکی تعبیر اولنور انلرک دکانلری قلع ایتد بر مشا  
ایدی لالینه اذن ویریلوب سموزاتار سکره رایکان اولوب خلق دعاء خیر ایتدیلر و مدر سیندن  
اغاره منتسب الی یرمق یوسنوی ابراهیم جلی چاوش باشی حیسنه ویرلشیمکن شیخ الاسلام  
صاحب چیقوب علما حبس و مصادن اولوق موجه دکلدر د یو اطلاق ایتدردی شوال عید  
شریف علوفه سی چیقوب نفراته توزیع اولندی هر علوفه ده اللی بیگ غروش اغار  
حصه لشوب اسامی و توابعات و سائر جنایا بدن ماعد امان اللی بیگ غروش اغا و کتخدا  
بیگ و سائر اغار و کاتب و خلیفه لر علی مراتبهم نجش قلندردی استنبوعید شریف علوفه سنده  
اولمقدار اچیه ارتوب میری به قالمغله مقتوللرک خیاتی اظهر من الشمس اولدی و معتاد اوزن  
چوقه چیقوب صالحی قورمق و سائر ملا عیب و وضعنه اذن ویریلوب عامه سرور ایله عید  
ایتدیلر ماه مزبورک دور دخی کوفی بهائی افندی حضر نلری استانبوله کلوب سعادتخانه لر نه  
قرار ایتدیلر زمان افتاستنه سیاوش پاشا ایله بینلر نه مراسم محبت و وداد مرعی اولوب حتی  
ملک احمد پاشا وزیر مشاور الیهی ایالت و یا خود قیودانلق نامیه استانبول دن ازعاج قصد  
ایتد که بهائی افندی اول معامله بی استقباح و انکار ایدوب منعنه جهل زین غایت مبذول  
بیوردی غندن پاشا جناب منلایه زیاده محبت ایدوب حضور و غیبتنه تعظیم و اعتنا اوزن  
ایدی حتی احیاناً افندی ک زیارته کلد که طرفیندن دلجویا قیولوروردی حتی ذکر سی سبقت  
ایدن چپک و کورک قضیه سنده پاشا ایوبه کیدرکن زیارت مخدوم العلمیه عطف عنان ایتد که  
عبد الباقی افندی بو محله مناسب دکلدر اعدا کر معنا ویرلر دیکله امدی سن وارزدن الی اوب  
دیوباقی افندی بی کوندروب عرض خلوص ایتمشیدی بو جهندن دائم محبتنه ثابت قدم اولوب  
نفینه غایت دلکیر اولمشیدی و عبد الرحیم افندی استانبوله کلدیکی استاد وزیر مشاور الیه  
عالم زیاده کندوی بر سفره نعمته میر مجلس و بهائی افندی و عبد الرحیم افندی بی دخی اول  
سماط اوزن جالس کوروب بورو یایی مزبور باقی افندی به سویلوب لطیفه غیبیه ربانیه  
ظهور نه مترقب اولمشیدی حالا قد صدقت الرؤیا باحق مضمونی عزیزی پرده غیبیدن رونما  
اولوب قتل اعدا کند و یوزندن صورت بولد قه سمساط دولت و صد رصد ار نه متمکن  
اولد قه رؤیایی یاد ایدوب بهائی افندی کله سی بانه درونی عزیمت بیوردیلر ظاهر امفی  
وقت اولان ابوسعید افندی به آدم کوندروب امضاء عزیمته اجازت استد که جناب منلا  
بین الاعیان ساری اولان منافست و محاسبه مقتضا سنجه عم زاده جانبیه غلط ملا خطه  
الله فظاطت کوستروب هله بر قاج کون طور سون شمدی بحالته انلرک کله سنده چند ان



مناسبت یوقدر دیوب دفع معاملہ سن ایندک جناب وزیر منقبض اولوب استجازہ دہ معا  
 معاودت ابرام ایندک جناب مفتی بالضرور مع الکراہہ رضاشکلن کوستروب معقولی  
 کند ولریلوردیدی وزیر دخی دعوتی چون امر شریف و مکتوب کوندروب و اواخر مضمانہ  
 امر عالی بهائی افندی یہ وصول بولدی اغرب حالاً تندکرک اول ایام اغترابہ کند ولرکامہ  
 پرغوسہ کاکلیبولید ساکن شیخ المولویہ اغازادہ شیخ محمد افندی ایلہ ملاقات  
 و محبت لرایدوب جناب شیخ کندولرہ ان شاء اللہ تعالیٰ رمضان شریفہ وطنہ عودا الحجون  
 سزہ بشارت نامہ کاور نہایت عبد شریفی مغیت ایلہ ایدوب بعد عزیمت بیوردی بفر  
 انستدردیو نبشیرا یمکله عینی واقع اولد قہ شیخ کا ملک نفس انفسارنی اضاعت  
 بیور میوب عیدہ کما کلبولید قیام وعید خلاند متوجہ وطن اولوب حالاً استانبولہ  
 وصول بولدی عامہ علما و احباب بهائی افندی یہ خیر مقدم تہنیه مسارعت ایتدی لرقبہ  
 قولاق زاده ابوالرشاد محمد بن علی الحمیدی کہ سابقار وم اہل قاضیہ عسکری ایدی شوالک  
 بشخی جمہ کونی فوت اولوب جامع سلطان محمد دہ نمازی قلوب جملہ علما حاضر اولدی لرو عمر  
 اغا کہ بکتاشک کتخد اسی ایدی غیبت ایشیدیدی برکون جملہ اموال موجودہ سی میری یہ  
 ایلدی جملہ دن سکسان عدد نفیس سمور کوز کار و قرق جاریہ کہ ہر بری تر پوشر رنگارنگ  
 اوزر قہ جواہر دیکشمس آل صوف فرجہ لرایلہ جملہ سی میری یہ قبض اولدی احراق جری  
 یوانار دہ قران مرغ و مشتربین برکون مقدم شوالک التیسی ایدی دلیل برج قوسہ  
 اولملہ کہ قراند و تدرا بعد رجف الہ زادہ سرای سمندہ حریق جزئی وقع اولدی  
 دارالسعاده اغاسی محمد اغازل ولا لا سلیمان اغا دارالسعاده اغاسی اولدی مشار الیہ  
 سلیمان اغا پادشا و والدہ حضرت نرینہ نسبت خدمات پسندیہ وجودہ کتوروب  
 یوقایعہ جملہ حل و ربط ایتک انک ر ایلہ اولوب جملہ نک پیشواسی ایدی لاجرم انفات  
 نام واعزاز و اکرامہ مظهر اولسی لازم کلد یکندن دارالسعاده اغا لای ایلہ کامیاب  
 ایتدی لرو و ذکر سی سبقت ایتدی یکی اوزن چون ہر زمان دولت علیہ دہ بر نافذ الکلام  
 صاحب وجود کسنہ ظہور اید کیشدر و ہر عصر دہ متعینلر ینک دولتی زائل  
 و تعین جانب دیگرہ منتقل اولق فترتہ مصالحت کیلک الندن بتر سہ اول کسنہ صاحب  
 شہرت و شان اولوب نوبت آتیہ دہ زمام تدبیر و تصرف انک ید استقلالہ منحصر اولق  
 قاعدہ کلیہ دندر اکباء اوجاق اغاری طرفندن اقول ایدن کوکب عزو تعین لا لا سلیمان  
 اغانک جبہ سندن طلوع ایدوب دارالسعاده اغاسی اولملہ خاصۃ استقلال کا  
 منحصر و حل و عقد امون کیف مایشاء متصرف اولملہ با شلدی قدسی زادہ اغار ایلہ  
 اتفاق تہمتندہ داخل اولد و عیون شوالک التخی کونی نفینہ خط ہمایون صدور ایدوب  
 منز لندن قالدیریابوب براتہ سوار و تابعی یا بختہ اوزرینہ مامور اولان چاوش اوکندہ خط  
 ہمایون الندی باشی برابری رقع ایدوب بوطرفہ حالت ایلہ قرہ دن یدی قلعہ یہ کتوروب اندہ و  
 قایغہ قویوب یوللا دیلر بوضع تشنیم کہ علمانی تحقیق وجوہ ایلہ معقول دکل ایدی غالباً قدسی  
 زادہ اعد اسنک مکر و سوقیلہ اولمشدر کذلک تعقیب الاشرف سیرک زادہ عبدالرحمن

افندی ینک دخی نفی مراد اولمشیدیدی صدر اعظم رجا لیدوب یادستام نہ نلر کوزی یاشل  
 دہا جیلر کدر انرا عیال لرن دن محبوب اولد قمری کافیدر عفو بیور لای معقولدر دیمکله  
 عفو اولندی و عبد الرحیم افندی چونکہ اغار طرفندن عل و اعانتہ لریلہ کیشیدیدی باغراد  
 قضاسی اربہ لوق و فتواسی دخی کندویہ مغوض اولوب کوچک اوغلی ییلہ کتمک فرمان  
 اولنوب کتمشدر قتل جلالی ابراہیم اغاسی سابقا جلوسہ دارالسعاده اغاسی پیلان ابراہیم اغا کہ  
 جلالی دیمکله معرفت و قدر سلطان ابراہیم قتلہ سندن اولدیغندن ماعدایو ک و اللہ ایلہ  
 متفق اولوب اوج دفعہ پادشاہ معصومہ سو قصد ایتدیکی شایع ان صح وان کذب جملہ  
 سرای خلقی لسانہ مشہور ایدی دیرلر کہ اولا پادشاہ سنت اولدوغی کیچہ معتاد اوزن  
 آلت رجولیتی دارالسعاده اغاسی طوتمق فرمان اولنوب ابراہیم اغا بوخند متہ مامور اولد قہ  
 حد دن افزون قان اقوب بشرہ ہمایونکہ تغیر و مزاجہ ضعف ظہور ایدہ جک مرتبہ دم  
 میلان ایتدی یکندن عن قصد طوتمدی پادشاہ اہانت ایتدی دیو عظیم غلغلہ اولمشیدی  
 صکرہ فرنگدن مسلمان اولش جراحلق بیلور رایج اوغلا فی علاج ایدوب قانی طوتمشدر  
 ایکجی دفعہ سابقا سلطان جم مرحومہ امز کور اولان حیلہ کی برزہ رنگ اوستہ حاضر لیوب  
 اغار متفطن اولملہ استرہ فی آلوب بر آدمی تراش ایتد کمرنگہ باشی متفج اولوب مشاہدہ  
 ایتد کمرنگہ دخی عظیم غلغلہ ظہور ایشیدیدی او جچی دفعہ ذکر اولنان وقعہ درکہ بد خواہلرہ  
 سبب زوال اولمشیدی دیرلر عصرہ آدم کیدوب مزبوری قتل و اموالی میری یہ قبض ایتدی لرو  
 جدید دارالسعاده اغاسی سلیمان اغا شوالک اون برند عظیم دیوان ایدوب زحام عظیم ایلہ  
 تہنیت اولندی و از میردن قبریس ایا لٹنہ کیدن دفتر دار سابق وزیر اسمعیل پاشا نک  
 آستانہیہ کلہ سی باندہ دارالسعاده اغاسی رجا ایتد کد وزیر اعظم اول کوسہ بر حیلہ باز و فتنہ  
 کار حریفدر کا ورسہ فتنہ غائلہ سی یونو کہ آلور میسن دید کہ سلیمان اغا تہمد ایلدی وزیر  
 دخی بالضرور کتورمک اچون فرمان و آدم کوندر ملک اوزرہ ایکن اسمعیل پاشا نک فوتی خبری  
 کلوب اتی امر اللہ الایہ عالم غیبدن رونما اولدی و حکایہ سی سبقت ایدن جلوای باشی اویسن  
 بیک کہ سابقا پور غہ بیکی اولد قد نصکرہ نکرا کلوب جلوای باشی اولمشیدی وقعہ  
 مشہورہ دہ اسکی والدہ را ییلہ غد پادشاہ نصیم و عزیمت نسیم ایتد کمرنگہ شربت مسمومی  
 مرقومک یدینہ ویریلوب اول امر محظوری تعہد ایتک تہمتیلہ عزل و طرد اولمشیدی و زلفلیار  
 کتخد اسی دخی بر قاج زلفلی ایلہ مناسب دیر لکرا ایلہ اخراج اولندی لریلر زلفلیار کتخد اسی میر علما  
 ریاسنہ عرضحال و یروب اوزرینہ قانون اوزرہ دیر لک بیوریلوب لاجرم متفرقہ لایلہ حیقہوب  
 مامولی حصولہ کلد یکندن آہ جکر کاہ لید رفی احوال ابازہ حسن اغامومی الیہک کیفیت  
 خروجی ذکر اولمشیدی رغبتہ و رہبتہ یانند فحہ الوف مجتمع اولدی مقدم مایسہ بکتاش اغا ابراہیم  
 طیار اوغلنہ و چاوش اوغلی محمد پاشایہ و سیواس بکریکیسی طویال پاشایہ با شقہ با شقہ  
 ابشیر پاشای قتل اچون امر لکوندر لاش انلردخی یوکون سزہ ایسہ یارک بڑہ درد یوامر لری  
 ابشیرہ کوندردیلر و کندولر دخی ابشیرہ ماحق اولمشلرایدی ابشیر پاشایہ دخی ابازہ نک  
 قناچون امر کیدوب سردار اولشیکن جنسیت حسبیلہ اتفاق ایتلری خوفندن قاطری



او غلای سر دار ایند یلر ایشیردی متالم اولوب باشان اولان پاشا عسکرله مصالحه و تصح ایتمک  
نامیله واروب بازاره یه مالحق اولمشیدی و آنکله بولشوب عهد لشوب بیله قونوب کوچد یلر  
حاصل کیلرک ایشیر و بازاره نیک جمعیتی از دیاد بولوب اطراف و کنافدن بر سبب ایله آزرده  
خاطر اولنار اول کروهه جان آتمه باشلندیلر بازاره اوزرندن ترکان و یوده سی اولان آق دلی اغا  
سنه سابقه ده ترکان اوزرینه وارد قل ترکان دخی بوفتر ناری کوروب علی اغایی و غراتمد یلر  
علی اغا حسن تدبیر ایدوب هنوز بازاره ایله مجمع اولدین ایشیره واروب جمع مال باند اعانت  
رجا ایدوب وافر هدیه و پردی ایشیر پاشا مزین روی دل کوستروب ترکان متعینلرین دعوت  
ایدوب مقررده سن سنین سابقه اوزن هر نه اینه اسی بانه ندیمه والنزام ایدوب علی اغایه  
دخی رعایت ایلک دید که ایشیر پاشا کی قوت غالبه صاحبی وزیدن خوف ایتد کلر و ایلدن  
له مال مقرر لرین بانجام ادا و علی اغایه سنین سابقه دن اون پیک غروش زیاده ویرمکه ارضا  
ایتدی لر علی اغا دخی اون پیک غروشی ایشیر پاشا یه خدمت ایدوب عائد مقننه سیله قانعا  
ایشیرک اوردوسی جانبیه پاد لرین قوروب بازاره خوفندن و ساز غائله دن امین اولدی ایشیر  
پاشا و بازاره نیک جمعیتی کتد که افزون اولوب یونلرک ایلای خصوصا اطرافدن مجمع اولان  
ارازل یونلرک نامیله قراوقصبات اهل لرینک اموال لرینی غارت و خسارت و اقتصاد ص ایکار  
و هتک اعراض مثلا و جوق مفاسد و ملعت ایتدی یلر و سپاهیله ایشیر پاشا یه بزرگامهری  
کتور و تمک ایچون اسکدران دگ واروب محفلری قتل ایدوب سنی وزیر ایتدی روزو سندن  
خذ متلری می و و لک شلری می و و لور دیو یوزدن تمشیت مرادات انفسارینه عازم ایتدی یلر  
ایشیر پاشا نیک ایسه قضیه جانیه مت و بوجه بیی فرصت ییلور دی لکن ینه و خامت عاقبتدن  
خذرایدوب نه بلایه کرفزار اولدق جمعیتله بولندق یونلر می دلد یلر دیولسانله و مکتوبله  
مشکایتدن و قساددن ابرای ذمت ایچون مغلطه دن خالی دکل ایدی او توزیک قدر آدم جمع  
اولوب اطراف و کنافدن ذخیره بها و سلامت ایچیه سی شکله غرجلق و ذخایر جمعنه  
ما مو مباشر لایله ییلور دیلر یوزدی شوال غره سندن انکور دیلر بولوب عید شریفی اند  
ایتمک اوزره اول جانبیه متوجه بهر آستانه یه کلک اوزره عازم اولدی یلر ایچارندن مکرها  
همرا ایتد کلرندن اون قدر قاضی و ایکی مفتی و ارایدی انکور می مفتیسی شریفی افندی  
مقدحجه استانیله فرار ایدوب شرلندن قورتلدی قچانکه ایشیر پاشا و بازاره عسکرله  
انکور می یه واردی کدر او غلای قتل ایدن کورد عبدالله پیک که بکتاش چراغی حالا انکور می  
پاشا سی ایدی بر قوناق استقباله واروب ایشیر پاشا نیک رکابن اید که ایشیر کند و یه زهر خند  
ایدوب سنک صوچلرک چوقدر هله شمدی عفو ایتد و اوزره میو یه جک و قوناق تدارک ایت  
دید که احقی مسرور ایدوب ذخیره تدارک ایتدی ایشیر پاشا اول عسکر عظیم ایله انکور می یه  
قونوب عبدالله بیکی چاغروب و اعیانندن مهمل پیک و دزدار قلعه کتخدا سی و سردار و  
اعیانندن برقا چنه آدم مرتعین ایدوب اول اند قایدیروب کتورتدی دیوان ایدوب عبدالله صباغ  
واعیانندن یی سکر نکر کسمنه یی لاری باغلو میدان سیماسته کتوروب بهه سز میچون بکتاش  
دید کلری متغلبه نیک تحریک و افسادینه بشاء احمد ار اولمش امری ییلور کن کدر او غلی که جلب

پایه سیله علان بر متعین منلا ایکن قتلنه جرأت ایتدی یکر دیوب خطاب باعقاب ایتد که انکو  
دخی ناعتم ایله جواب صد دتد اولدی یلر جلاده اشارت ایدوب کس شونلری دید که  
عبدالله بیکی ایتد اچو کتدی نیا زایدیم دیدی پاشا چاغروب سویاتمه ملعونی اور بونتی  
دید که عبدالله پیک باشتی قالدروب هی پاشاهی اور بونتی دیر سن اور لر اما بن اشکمی  
یا غلزدن اول سن دخی کور سن دیدی ایشیر پاشا دجواب ایدوب کدر او غلی اشکمی یا غلزدن  
اشته سن واری یور سن دیوب اشارت ایلدی جلاد ایتد ایسکک بعد اول اعیانندن اولنلرک  
کله لرینی نا که غلطان ایتدی نظر انصاف ایله باقلسه ایشیر پاشا کدر او غلزنک حیفتی الموق  
ایچون میر مذکور ی جزاء قتل ایتدی بیکی معقول دیه جک بر ایشیر رو بونلر ایله یکدل ورعایا یه  
مذسلط اولان بر قاج کسمنه یی دخی صلب ایدوب بعد انکور می یکچیر یلرندن اوزن بش پیک  
غروش امان بها استندی یا ویر لر یا جمله سی قتل اولنور لر دیدی انکو دخی بدل مالی تافجانه تقدیم  
ایدوب ویردی لار اسکی شهره و بعض یلره طرفندن منسللمر نصب ایدوب اطرافه ییلور دی  
و طخراکش سردار و او امر کوندردی خالفته کی قاندر جمله سی تنفید و اجر اولنور دی دولت علیه  
طرفندن نظام تدبیر و اتفاق رأی اولد یغیچون خلق دخی مختیر اولوب خوفلرندن مطاوعت  
گوستر لر دی مقدماسیاوش پاشا هنوز وزیر اولوب اغا لر دخی قتل اولنوب رتق فتق امور انکو  
الذنه ایکن سیماوش پاشا حسن اغایه بر مکتوب یازدی مضمونی بوکه حسن که حسن اغا حسن البته  
یجمعیتی طاغیدوب سنی بر ایومنه نصب ایدلم و اکریوبله جلای لک ایدرسک مقدم ظهور ایدن  
جلای لک حالی ینه منجر اولدی ملا حظه اید سن دیو یازمش ایدی وزیر اغا سی مکتوبی  
گوتوروب بجم سپاه اید اوقند قل جلای لک ذکر نه بره فلان بز جلای لیموزاللی الشمس سپاهی  
بر او غردن قایچ چکوب رسائنه مکتوبی بان لکه هجوم ایتد کارنده بازاره کند و یی اوزرینه  
بر اغوب یولد اشلر چکک الیکری بونک صوچی یوقدر وزیرک دخی بوباید کناهی یوقدر سیماوش  
پاشا حاضر نلری هم قرند اشتر هم اقمند یزدربوادر اغا لک ابرامیله یازمشد ردیومنع ایدوب  
جواب نامه ایله دفتره سکر آدم یازوب یی نلرک قتل مراد مزدردیور و براه ایتش لرایدی اول  
سکر آدم بکتاش اغا و قره چاوش و کتخدا پیک و صاری کاتب و دلی برادر و غل کتخدا و مصدونی  
عمرو تکره جی غناییدر بوجواب نامه وزیره کلد که پادشاهه و مقربینه کوستروب اغا لری  
محرم ایتدی و ایشیر پاشا بازاره ایله متفقاید قدر جمعیت ایله آستانه یه متوجه اولمق  
اوازه سیله آستانه ده اراجیف چوغالیدی خواص مقربین الله فرصت دوستوب شهرلو  
دخی اغا لر دن روگردان اولغله اسباب متعدد ده نیک اجتماعی قوتیله اغا لر غائله سی  
بر طرف قلغوب حقلرندن کلندی بواش بقد کدن صکره انلو غائله سنی بر طرف ایتک  
تدبیر ینه شروع اقتضا ایتکین وزیر مفتی ایله مشورت ایتدی لر مفتی شویله رأی  
وتدبیر ایتد یکه مشایخ استانبولدن بری کوندریلوب وعظ و تذکیر ایله منع ایلیه وزیر  
رضا ویر میوب اکا مشایخ کوند رملک شان تعظیم درعوت و نکیرین از ترر اکاهمان بر آدم  
کوند ررم متنبه اولمزه غایتی بودر که بر خط هماین کوند ررم دیوب بر مکتوب یازدی اشته  
قتل لرین التماس ایتدی یکر اول سکر آدمک متعینلری قتل اولند یلر بعد الیوم مجمع وقتنه دخی



ال چکوب طاعنه سردیو تصحی مشعرایدی وزیرک اغالندن تاتار ساجمان اغالیله کوندرلدی  
اغالارک قتلانی ایشتمک کوننده شغای صدر حاصل ایتدیله اما ابشیر پاشانک ملهم و دروزی به  
وقعه سابقه اچون غیظی اولغین غایت مقصودی لندن اخذ انتقام ایدی اکابناء ایالت شام  
کمندویه و طرابلس دیدلر بکی آدمه والویه شام کند و توابعه ویرلکی التماس ایتدردیکی  
اتفاق ایله واروب ملهمک حقندن کلوب انتقام آله لریو بجاری قله کتوروب دردولته عرض  
ایدوب کلن آدمه کتخداسی بیرام اغایی قوشوب کوندردی اوانل شواله کلوب وزیراعظم  
تکرار مفتی ایله مشورت ایدوب ینه جمعیتی طاعنه سن ما مولکه مساعده اولنوردیو  
وعدو و عیدتی مشتمل خط هما یون ایله خاصکی اغاو وزیرک تاحیص حبسی بیرام اغایه  
قوشیلوب کوندرلدی ابشیر پاشا بسفرلری استحقار ایدوب بکار بوسماچی و تاحیصیدن  
غیر کوندرجک ذیشان آدم یوقیدردیو اسلیوب خاصکی و تاحیصی و بیرام اغایی کیر و  
آستانه یه دوندردی انلردخی کلوب دلخواه اوزن ایش تمیدی بیرام کتخا یودفعه وزیر اعظمه  
یولشد قله دولتلو سلطانم واللهی پاشا قریند اشکر سلطانک خاطرین کوزلر و مقام صد ارته  
وغبت و طلب کویستر دیک یوقدر انجق یانده اولان سپاه البتله مهری سکا کتور دور زسن  
قبول ایتلوسن دیو ابراملر ایتد کیر یچون ارالنده بولنش اولدی بالضروری صورت طلب  
اگوستر مکه انلره مدار ایدردی وزیراعظم جوابنده طاعنه پاشانده مهر استمنز اگر مهره طالب  
ایسه بونده کاسون دیو جواب ویردی بعد وزیر و مفتی و سائر اعیان و ارکان حضور هما یونده  
بو خصوص اچون مشورت ایدوب بونلرک جمعیتلری حمن تدبیر ایله دفع اولتی اچون  
مرتبه لرجه بعضنه مناصب و بعضنه خدمت ویر یلوب سهولت ایله بر طرف قائلری  
معقول و موجه فهم اولنور بومنونال اوزن خط هما یون ارسال اولنسون والا ینه مخالفت  
ایدوب عناد لنده اصرار ایدر لر سه غیری وجهله حرکت اولنوب جزاری ویرلک امر سهدر  
دیو قرار ویرلر که رضای هما یون صدور ایدوب اناطولی بکیر بکیسی بوتی اگری محمد پاشا  
وساخذ ار اغاسی پرمقسر حسین اغاو اوجا قدن مصطفی اغا بوجله طرف  
سلطنتدن اصلاح ذات البین ایله جمعیتی دفع اچون کوندرلدی علمادن بری دخی بونلره  
همراه اولسون دینلر که مفتی افندی رضا ویرمدی اما بواشاده ابشیر پاشا جمعیت ایله  
بروسه اوزرینه کلک خبری شایع اولوب و جمعیتلرین بر سیا هی قا چوب استانبولده  
وزیر حضور ینه چقاردیلر وزیر جمعیت احوالندن سوال ایلدی بن مفارقت ایتدی کم زمان  
ابشیرک اوتاغی اسکی شهر ححر اسند قورلدی دیو خبر ویردی وروسه اوزرینه توجهلری خبرین  
تصدیق ایلدی وزیر اچون ابشیرک جمعیتنه واردیکر دید که حریف جوابنده سلطان طرف  
سلطنتدن ابازه اوزرینه ابشیر سردار تعیین اولنوب اناطولیده عقد ار سپاه و سائر ایالت  
عسکری و ارایسه ابشیرک یاننه جمع اوله لردیو امر شریف کلشیدی اکابناء اطاعت فرمان  
ایدوب وارد قدنصکره قاطرجی اوغلی سردار اولد قله ابازه ایله ابشیر برره کلوب من بعد  
جمعیتلری طاعنه یوب غوغا یودی دیدی واقعا اغالر زمانی قضیه بویه اولدوغنی وزیراعظم  
پیلوردی الی دیزینه اوروب سوء تدبیرک نتیجه سی بویه اولور سقط ایش ایدی دیو تاسف

ایتمی و احتیاطا روسه اطراف محافظه سی اقتضای ایدوب سلسله دین مغزول درویش محمد  
پاشایه اناطولی ایالتی ویر یلوب کلیمولی معیندن عسکر ایله بروسه یه کوب محافظه ایتمک  
فرمان اولندی واون بش اوطه یکچیر بکه ابکی بیک نفر دن زیاده اولوردی کبه جی علی اغایه  
طور ناجیلق ویر یلوب اوزرینه ضابط تعیین اولنوب کوندرلدی درویش پاشا دخی بروسه یه  
واروب اوج بیک مقدار ی کوکلو یازمغه اشتغال بهانه سیله شهر و قرا خانه لرینه اوزر ووش  
صالوب جمع ایدوب بروسه اطرافنه خند قرقازمش بواشاده بولی سنجایی پاشا سی که معمود  
یکلی حسن خسته ایتمی تذکره ایله ابازه حضور ینه کتورد کیری معین اولغین بولی سنجایی  
شمسی پاشا زاده یه ویرلدی بوداسنی میرزانی قتل ایدن شمسی پاشا زاده محمد امین پاشانک  
غیریدر که مزبور محمد امین ایدنی شمسی پاشا زاده درامابو بولوی شمسی پاشا زاده در کذلک  
انکوری سنجایی مشهور محمد زمان بکه توجیه اولندی جانیک سنجایی طویل ابراهیم بکه  
ویرلدی انفاع جمعیت با حسن تدبیر و سهولت طرف سلطنتدن کوندریلان بونی اگری  
محمد پاشا و سائر سفیرلر ابشیر پاشا جمعیتنه واروب خط هما یون و مکاتیب تسلیم اولند قدن  
صکره بر منصب ایله قایلوق و اغالر طالعجه بر خدمت ویرلک و مهمامکن سپاهک دخی  
ما مولرینه مساعده اولتی اوزن تطیب خاطر مقرر اولد قله اسکی شهر قرینده ایدیلر  
ابشیر پاشا بر عالی دیوان ایدوب ابازه قولنده عقد ارنامدار سپاه اغالر و کتخا ایرلری و ارایسه  
کذلک ابشیر جانقندن اولان متعین اغالر جمله حاضر لنوب جمعیتلرینه عنفا مستصحب اولان  
قضاه و اطرافدن قاضیلری کتوروب بر عظیم مجلس عقد ایتدیلر یکچیری اوجاخی طرفندن  
محمود بی و سپاه اغالرینک جمله سی حاضر اولغله بوقدر زماندن بروسه یه ویکچیری بیتمه  
تفاق و نزاع دوشمش ایدی حالایکی قول یینی اصلاح اولنشدردیو شروط متعدده اوزن  
بر حجت طویل الذیل باغلدیلر مثلاً بعد الیوم یکچیری اوجاغلندن مناصب و خدمات  
و مقاطعات و تولیتلره مداخله اولنیه و سپاه قدیدن اوله کلان خدمتلی ویر یلوب  
ولد شلری احسان اولنه و علوفه لر یکچیری به ویرلدیکی اوزن هر اوج آید ویر یله حاصل  
هر خصو صده سلطان ساجمان مرحومک قانونی اوزن عمل و حرکت اولنه دخی نجه شروط  
وقیود و ارایدی مادامکه بوشراطه رعایت اولنه سپاه ویکچیری ماییننده نزاع وجدال ظهور  
ایتمیه اگر طر ویرلر سه ایدنلرک حقارندن کلنه دیو حجت یازلدی و مشاعر سپاهدن  
ایکیموزدن متجاوز صاحب نام کسسه لکه اکثری کتخا ایری و سپاهک عمده سی ایدیلر و هریری  
عظیم اتباع و اشیا و قوت و مکنت صاحبی کسسه لرا لوب بر ولایتی تحریب ایتلک الارندن  
کاورداهیه لرایدی جمله سنک اسمی بوجتمه درج اولندی صکره بوجت قوجه کوریل  
محمد پاشانک انه کیروب صقلا مشیدی وزارتی و قتمنده بن سزه دولت علیه ایله محاجه  
و منازعه نجه اوو رکوستره یم دیوب حجتله مسطور اولنلری برابیکشیر اله کتوروب قتل  
ایدوب اول و شقه ده مسطور ال اسم اولنلرک بر یسنی صاغ قومدی حق تعالی بوتار محک  
تکمیلانی میسر ایدر سه محله ده ذکر اولنوب اعدا و متغلبه یه نه رنگین تدبیر ایله غلبه ایدوب  
حقارندن کلدیکی تفصیلا تحریر اولنسه کر کدر و حلب ایالتی ابشیر پاشایه و ابازه یه مطلب



قدیمی اولان ترکان اغالی و طویال محمد پاشایه قرمان و کورد محله قونییه بی و خادم قننداشته  
وساثر زور باره با سر هم حال رینه کور بر رویوده لقی و خدمت و پر ملک اوزن درج اولند قد نصیحه  
پاشقه عرض اولندی و بقیه رجال ثمانیه غلام محمد و دفتر دار پاشا و دلی برادر و غیره یونلر  
دخی قتل اولنق شروط حجتدن ایدی حاضر اولان قاضیلر بوجتی امضا ایدوب اور تالق  
بارش کورش اولوب استانبوله کلد کده مقبول اولوب دفع فساد معنی اولغله قاضیه سکرلر  
و شیخ الاسلام امضا ایندیله و صورتی استانبوله قالدوب اصلنی ابشیره کوندر دیلر و وعد  
اولنان حلب قمر ماتی ابشیره و ترکان اغالی ابازه یه ارسال ایندیله و کن سنه لرده هنگامه ل  
اشاسنه ترکان جمع اولان مالک و والدیه شهیده اوقافنه عائد در و بوده لیدینه و پر لیوب  
قیصریه قلعه سنه مضبوط ایدی ابشیر پاشا و ابازه طرفندن کورد محمد کوندر دیلر مال  
محفوظ طلب اولند قد قیصریه لی تسامیدن امتناع ایند کار نه قیصریه سکا نندن چرکس  
دلاور پاشا که مال و جاه صاحبی معتبر آدم ایدی تعهد و تکفل ایتمکله قرق سکرینک ریال  
خروش کورد محمد تسام اولوب ابشیر که خزینه سنه کشیدی چون امر مصالحه تمام  
اولوب مصافات اولندی یوننی اگری محمد پاشا و معا اولنر آستانه یه معاودت ایند که  
ابشیر پاشا اول مبلغی کتخداسی بیرام اغا ایله معارکاب همایون طرفنه ارسال ایلدی سابقا  
دارالسعاده اغاسی جلالی ابراهیم اغا و جانشینی اولان محمد اغا بومال ایچون خیمازه آرزو  
چکرلردی انلر زمانه وصولی میسر اولوب حالدار السعاده اغاسی سلیمان اغا ناک  
قوت بخنی برکاتیلله وصولی نصیب اولدی قرق سکرینک ریال قنطار ایله وزن اولنوب  
حرمین دولانه کئیردی لکن بعد الیوم مقدمه ایلدکاری مظالم استماع اولنوب  
چیرا غارت و خسارت ایندکاری اموال و ارزاقک دعواسی خصوص سنه حکام ممالک  
استماع ایتمه لر و احسانه رد و ضمن پاشنه تقید و اتمام ایلمه لر دیومو کد خط همایون  
شوکت قرونه طاب اولوب درد دولته عرض و اعلام ایلدیله و خواهلری اوزن فرمان  
همایون اصدار و ارسال قلندی و حلب و ترکان اغالی امر لری ابشیر پاشا و ابازه یه  
و بر قاج استبه اغالره بر رویوده لقی امر لری کوندر دیلر و وصول بولد قد منصب صاحبی  
اولنر که چونکه ایشی بتدی خفیه سوز بر لکی ایدوب سپاه جمعیتی دفعه حمله ایندیله  
دیدیلر که هر نه دیدک ایسه مشاهد اولندی شمدی کروه ایله مجتمع قالدوب  
کذسک بوتلر که دماغی فسادده درد یوزه سوء ظن اولنوب دفعه عسکر تعیین ایدرلر  
فساد اقتصا ایدوب صلح و عهد مزلف و اولور ایشی تمیز معقولی بودر که بزبوه محله مکث  
ایلم سز کروه سپاه بلوک بلوک عادتاً علوفه المغه کتدی که کتر کبی استانبوله طوغری  
چکیملوب کبدک تمام سنر وارد قدن صکره بز دخی بروجا نیدن یوریبوب شرو طک  
ماعداسی دخی وجوده کلسون دیو خبر ارسال ایدر که برودن و اوروز تو جه مز قوتیلله سزده  
استانبوله حمله ایشلری شورر سز بزم و ارمه مزده حاجت قانرا ایشی بتد کدن صکره  
منصبیلر یزه کیده رزدیدیلر سپاهیلر یوزلر الدانوب فوج فوج استانبوله کلدیلر آردیزجه  
زور باره و ابازه و ابشیر حرکت ایدر امید یله اسکدرده و استانبوله بر قاج کون بکلدیله

اصلا انلر دن خبر یلور مکه دورت آدمک پاشی طلبیدن قراغت ایندیله و خدمت  
و غلامیه دن نا امید اولوب انجق ولد سترین رجا ایدوب وزیر عر فکال و یر دیار ابواب  
آگاهیه واردیلر مساعده اولنوب بالاخره سزک طلبکنر ایله یوایشی تمیز علوفه ده  
صبر ایدک بر قاج ایامد نصیحه قریحه پادشاهیدن اولنق اوزن طهور اینسون دیو  
حسن مدافعه ایندیله صکره فقیر لانا امید اولوب علوفه لرین بیلله اله میوب کانه  
جمعیت ایدوب اغالری و دفتر داری طاشلغله کوچیلله بر قاج کیسه اله بیلوب مکدر  
الحال قالدیلر وقوع اختلاف و شقاق در میان وزیر اعظم سیاوش پاشا و اغا دارالسعاده  
الشریفة یوقاروده ذکر ایندی که اوزن اوجاق اغالرینک قتل و متغلبه لری دفعی  
مصاحبتی چونکه سلیمان اغا ناک شروع و جراتی اوزن حصوله کلدی اول جهتدن والدیه  
سلطان و پادشاه جهان یاننده تعین تام بولوب مستقل بالرای اولوب هر خصوصه  
مداخله ایدردی سیاوش پاشا دخی وزیر اعظم و صاحب خاتم اولنق حسبیله  
اغالرک استیصالی و ابشیر پاشا و ابازه جمعیتلرینک اندقاعی کندونک حسن تدبیر  
و همتی سببیلله وجوده کلدی ملاحظه سبیلله مستعد بالرای اولوب هر اموره مقام  
و کالتک حکمنی و یرمک اوزن حرکت ایدردی تا که ابشیر پاشا و ابازه طرفلرندن دورت  
آدمک دخی باشلرینی استمک خبری کلدی اول دوردک بری دفتر دار امیر پاشا ایلدی و زیرک  
امیر پاشایه غیظ کلی اولغین ابشیر طرفندن کلان طلب خبری بهانه ایدوب حقیقت  
حال دفتر دارک عزل و مصادره سی لازمدر و یرنه بر مستحق آدم دفتر دارلق اتمک کر کدر  
دیو امیر پاشایه حبس ایدوب حالیحی اوغلنی دفتر دار ایلدی دفتر دار محبوس ملک مانلی  
جمله قبض ایدوب اتیرینی کتوردوب تمغاله مک مراد ایند که امیر پاشا مکدر دارالسعاده  
اغاسنه اتجا ایدوب سلطانی قنلدن نه حاصل بر صاحب و قوف امکدر ایند لری یم  
اطلاق اولور سم اوج آیه د کد و رت یلک یو که اقچه مال پاشا دهی تحصیلنه  
متعهدم بو جمله دن بشیر یوزی که اقچه ملک احمد پاشا ذمتده در بنده دفتری وارد و حالیحی  
اوغلنی بردخی دفتر دار ایندیله خدمت کوردی ینه بنده کز استخدا م اولند و غم اوقانده  
میری یه اولان سعی و خدمت جمله نک معلومیدر دیو نیلر ایله نذکره کوندر مشی  
اولدخی مزبور صاحب چیقوب اول ساعت و زره بالته جیلر کتخداسنی کوندر و ب  
امیر پاشایه ایچتمسونلر بر مستقیم آدمدر مالنه تعرض ایتمسونلر دیو اتیرینی تمغالتغنه  
قومیبوب امیر پاشایه قورتردی وزیر اعظم منفعل اولوب کمال تهوورندن بونه  
اصل وزارت در که بن بر عریک مغلوب و محکومی اولم دیدی منفعل بوسوزی در حال  
اغایه یئشدر دیلر اول ائشاده خلق لسانده وزیر مقتول اغالرک بوقدر یلک فلور بستی  
کتم ایلدی دیو سولینوردی وزیر اندیشه ایدوب شاید دفتر دار کند و یه دخی افترا  
ایدوب ملک احمد پاشایه استدیکی کبی دفتر و یره دیو و همه دوستوب دفتر دار سو  
قصید دن قراغت ایلدی لکن وزیر ایله اغا بیننه شقاق دوستدی ذی القعدة عزل  
سیاوش پاشا و صدارت کورچی محمد پاشا وزیر مشارالیه هر اموره اظمهار صلایت



والد زون خلقنه عرض وقوف صداقت ایلدی یکی کوخارینه کلمشدی دفتر دار پاشا  
 ماده سندن اغانا ک حقه نه سویا دیکی سوزاری دخی منعکس اولد قده مایینه عداوت  
 دوشوب وزیر قتلنه متشیر اولدی امامورخ دیرکه سیاوش پاشا غرور و طمع ایله متصف  
 اولوب مناصبی سیر ایدوب جائزه دیوالدیغی اموال مکر و هه یی قرارندن زیاده الوپ حرص  
 تام ایتشیدی و خیر تدبیر کیر اولان بوایشه که متغلبی برداخت ایتدی یکی کی اغای معهودی  
 و سائر مقربلری دخی برداخت ایدوب ارادن قالدیره بعد بعض عسکر ایله ایشیره دخی  
 جزاسن و یروب کندوسی دولتله علم افزانا ولاغیری اوله هیهات الفلک ادور والد هرا جور  
 ان بیقی لاحد نعمته حتی یوجله دن بری سوء تدبیر بوکه ایشیرک جمعیتنه انحلال کلزدن  
 اولجه ایشیر پاشایه بر مکتوب اچکنده بی نکافانه الفاظ نامعقوله یازمشیدی مثلاً بنم قریز ایشم  
 نه عقل و هوس ایله طالب صدارت اولورسن و مخالفت و شقاقدن نه بولورسن بومهر  
 صدارت بنی و سوز دخی نجه لری یوق اینسه کرکدر سندن بوکه واصل اولورسن عجله ایتنه لالا لزم  
 اولان صبر در بولنه تها لکن نه حاصل ایدرسن مادامکه بوند مقربلر واردر بر کسینه صدارت  
 سورمک و خاتم و کالتک حکمن و یرمک نجه متصور در اولاسنکله متفقاً انلری برداخت ایلدلم  
 و عده مهره سندن دخی واصل اولوق ممکن در دیه نصیح یلندن یازمشیدی بومکتوبه رئیس شاهی  
 زاده و تذکره جیلرک بری محرم اولوب مخفیجه مهر دارینه یازدروب کوند رمش اول چاهل  
 او شاق دخی بونک قبحی بلیوب بومعقوله مکتوب طویور سه ولی نعمتنک زوال دولتنه باعث  
 اوله جفین اکلیموب همان پاشای ساده دل هر نه سویا دیسه یازمش ایشیر پاشا دخی جوابنه  
 اگر بوسوزاری دولت پادشاهی یه و یابک و فادارلق و خیر خواهلوق اچون اولسی محالدر اما  
 مقرر در که زاله دن صکره بنی صباغ قوموب دولتله تفرد حاصل ایتمک استرسن بو تدبیر  
 یانمادی دیو تحقیق ایتنه سن دیو جواب نامه یازوب کوندردکن صکره وزیرک  
 بومکتوب بنی بیرام کتخد ایله دارالسعاده افاسغه خفیه کوندردی اول دخی وزیرک  
 مکتوبنی کوروب سوء قصد بنی تحقیق ایتدکد نصکره تحملدن قالوب والد سلطان  
 و پادشاهه قضیه بی اعلام و نتیجه مال صاقلوب و خیانت اوزر اولدوغن افهام ایلدی  
 و ذی القعدة اولندن دارالسعاده اغاسی اراده سیله والد کتخداسی حسین افندی عزل  
 و معمار قوجه قاسم اغا والد کتخداسی اولمش ایدی احواله واقف برمد بر قوجه مان  
 اولدوغندن والد سلطان مزبور قاسم اغای چاغروب خلوت ایدوب قاسم اغاسیاوش  
 پاشانک عزلی لازم کلدکه کورجی محمد پاشا وزارتیه لایقمدرمعقولی کی وزیر ایتمکدر  
 دیو مشورت ایلدی قاسم اغا طوغری سوزلی کسه اولقله دولت و سلطام کورجی محمد  
 پاشا نادای الرای بر ابله آدمدر بو خدمت عظیمه نک عهد سندن کله مزاکراتی وزیر ایدرسکر  
 سیاوش پاشا هزار مرتبه اندن رشید و مقامنه طور مه سی معقولدر یوق اگر عزل  
 اولوق مرادیکز ایدسه باری سیاوشندن رشید بر صاحب رای سدید کسینه بی ایتمک معقولدر  
 دیدی قاسم اغا نک مرادی یا سیاوشندن رشید کم واردر دیو سوال ایدر لسه کورجی محمد  
 پاشای سوق اینسه کرک ایدی اما والد سلطان حضرتلری دارالسعاده اغاسنک خاطرندن

یکم زیدی و اول کورجی پاشای سوق ایتمکله نک تدبیر بنی امضایه عازم ایدی اکامتعلق سوال  
 ایتیموب قاسم اغاشمد یلک کورجی بی ایدلم عهد سندن کله مزسه نینه تدارک قابلدر یوب  
 مجلس امانت اولدوغنی بر بر لینه توصیه دن صکره قاسم اغا طشره چیقدی قاسم اغا نقل  
 ایدر مشکه والد ایله بومشورنی ایتدی کمرده طشره بنم یا تدم بردلسر دن غیری کسه یوغیدی  
 اول اند بومشور وزیره منعکس اولمش سیاوش پاشا قاسم اغاسی بالطبع سوموب والد  
 کتخداسی اولدوغنه هج رضاسی یوغیش بوسوزی ایشند که قاسم اغای خلوتخانه سینه  
 چاغروب کلدکه قلقوب صقالنی او یوب سن بنم یدرم اول سن نه صادق ایش سن بن سندن  
 بو آدمیتی امید ایتددم دیوب اگر ام ایش قاسم اغا بونوازشک اصلنی سوال ایتد که والد ایله  
 اولان مشورت مسوخی اولدوغنی سو بایش قاسم اغا جوابنه بنم افندم دولت خدمتکاری  
 اولناره واجبدر که دائماً خیر ایشلری سوق ایلیه لکن چونکه بوقضیه سزه منعکس اولمش  
 کل سر حوازا لاتین شاع مفهومی اوزر البته بوطویور دارالسعاده اغاسنک دخی مسوخی  
 اولور خصوصاً کورجی محمد پاشا وزیر اولور سه بوسوزک جزاسنی چکسک کرکدر امر الله کدر اما  
 سزدن رجام بودر که بوسوزی کم ایدوب کسه یه سو بلیه سزیننه بند کز مادام حیائنه یم  
 خدمتکرده بدل مقدور ایدرم دیو معا هله ایدوب کتمش واقعا قاسم اغا یو کلتک و خامت  
 انجامنه مبتلا اولدی نته کم ذکر اولنسه کرکدر اما دارالسعاده اغاسی والد و پادشاهه سوز  
 کوروب کورجی پاشای وزیر ایتمکه اذن الوپ طشره مقامنه چیقوب آدم کوندروب  
 سیاوش پاشای دعوت ایتدی پاشا کلدیکی کی عاداتا وزیرانه اولان تعظیم و توقیری  
 ایتیموب پادشاهه بولشدرمیوب همان قیودن اچر و کیردیکی کی و یرمهر شربی دیو خطاب  
 عنیف ایدوب ان اوزاندی بووضع غریب دن سیاوش پاشا مد هوش اولوب بنم موجب عزلم  
 قدر حضور پادشاهه و ان لم کور لم بونک اصلی ندر دیو تعلل کوستردکه اغا متهورانه  
 بومروغن دوکوب الفاظ شمیعه ایله بره فلان یرمهری یوخسه سنک اغزریکی قرارم دیو  
 اوزرینه هجوم ایتد که سیاوش پاشا اغانک استقلالنی یلموردی عزلنه مأذون اولدوغنی  
 یوجرات نامعقوله سندن ادراک ایدوب مهری چیقاروب تسلیم ایلدی اغا مهر شربی  
 الد قدن صکره بونی بوستانچی باشی یه کورتورک دیو حبسه کوندروب کورجی پاشایه  
 آدم کتشدی اولوقت گلش انی حضور همایونه کورتوروب مهر همایونی تسلیم ایدوب وزیر  
 ایتدی یکی ذی القعدة نک اون بشیخی کونی ایدی بوستانچی باشی سیاوش پاشای دفتر دار  
 امیر پاشا اولدوغنی محبسه کورتورمش مکر امیر پاشا هنوز اطلاق اولیموب بونی دخی انک  
 یانسه کورتور دیو تنبیه ایتمش امیر سیاوش پاشا محبسه امیر پاشای کوروب خجیل اولوب  
 پاشا قریز اش ایل سوزینه اویدق سوء قرین القاسمه حرکت ایتنه نک شامتنه اوغراق  
 دیو اعتدال ایش راوی ایدر سیاوش پاشا نک قتلنه جلاد ایله مباشر تعیین اولنمشیکن والد  
 سلطان رضا و یرموب بر سر حده کتسون خدمت بولمش وزیر دقتلی بروجهله لایق  
 و معقول دکلدر دیو رضا و یرمدی انجق ماملکی اخذ و مصادره اولوب کتخداسی محرم اغا  
 ایله معاملره یه نفی ایتدی یر بعد بوسنه ایالتنه کوندربوب بوسنه دن فضلی پاشا آستانه یه







کوشه‌ای دیبا پارچه لریله مزین ایدی و مثل و شمائل کندویه مخصوص بر طرفه  
قیافت دوله او اولوب امور خارجه و احوال حکومتی بلك دكل مجلسه عا میانه  
مصاحبتی بیله بلیوب هر ایکی سوزنك بری فرضالفطنك رینه پره سادیردی فرضالفطنی  
نکله قادر دكل ایدی آنکیچون بونی اگری چاك چاك اولوب شویله آدمه شامی ویردیلرینی  
مخروم ایندیلر دیو فریاد ایدردی تنه معزول دفتر دارامیر پاشا عفو اولوب حبسدن  
قورتلدی و دلی برادر کورچی به او توز کیسه و یروب انك یدیله سیاوش پاشایه یوز کرمی  
کیسه و بر مکه معفو اولوب خانه سنه آسوده او توررکن کورچی پاشا وزیر اولقله قایلوق  
اقتضایدوب نکرار الی کیسه سی انوب چنکانه بکلی ویرلدیکه اسکی منصبی درابشیر  
پاشا اولان زور باغال ایلله حلیه متوجه اولوب ابازه ترکان و یوده لغنی ضبطه کتدی و قرمان  
طوپال محمد پاشایه ویرایش و قاطرجی او غلنه شهر زور اولمشیکن قاطرجی او غلی خفیه  
استانبوله آدم کوندروب عونه سی قوتیله مقرر نامه کتوروب قونیه ده او توردی فرصتن  
دوشر سلك قاطرجی او غلی قتل ایلنه سن دیو ابشیر پاشایه امر کتشدی قاطرجی او غلی  
حسن ایدوب قونیه نك خند قلمین قازوب تحصن تدار کفله اولدی ابشیر پاشا منزل بمنزل  
اقتشهره ایردی و آسپانه ده غله کتخد امپوس و رئیس الکتاب موقوفاتی محمد افندی مختفی  
قالدی و جوان قیوچی باشی وزیر سابق محمد پاشانك او غلی میر علم سلیمان سلك که بر تازہ جوان  
ایدی مرحوم اولوب رینه سابقا کنعان پاشا کتخداسی کوچک میز خور احمد اغا میر علم اولدی  
و غلطه لوی قلی محمد که قز راغاسی سلیمان اغا نك مسخره سی ایدی اغا حضرت ثریانی  
کوچک میز خور ایلدی ذی الحجه بکتاشك کتخداسی کورچی عمر که مختفی اولوب جنسیت  
حسبیلله وزیر صاحب چیقوب ظهور کلدی وانی کند و قیوچی با شیلرینه الحاق ایلدی  
هنکام اختفاده صقالی تراش ایتمکه حال اصقال صالوب بر اعجوبه هیئت اولمشیدی  
و مختفی اولدوغی زمانه قیوچیلر کتخداسی بویاجی حسن اغا یوزاللی کیسه می الدی دیو  
دعوا ایلدی یوندن مقد مجده ایسه بکچری اغاسی قره چاوش مانندن دخی بر مکه فلوری  
اکل و بلع ایلدی دیو شیوع بولدوغی بودعوانی مؤید اولغین بویاجی حسن مظهر غضب  
اولوب طمشوار ایلتنه کوله سنجاغنه نفی اولندی دارالسعاده اغاسی انك رینه کوچک  
میز خور بیقلی محمدی قیوچیلر کتخداسی ایلدی و مصدر دن معزول صاری احمد پاشا که  
طر خوبی دیمکه مشهور در ابشیر پاشا هنکامه لرنه قونیه به دك کلوب شامدن معزول  
بوستان زاده و حلبدن معزول صادق چلبی پاشای مرقوم ایلله همراه ایدیلر ابشیر پاشانك  
خوقندن قونیه ده قیامتشار ایدی بعد الصلح چیقوب ذی الحجه هفته سنه استانبوله  
کلتشار ایدی مشار الیه احمد پاشا دن بقیه مال طلب اولوب کندودن مقدم مصر والیسی  
اولان امیر پاشا دن بقیه الی کیسه طلب اولند قده احمد پاشایه نسایم ادعا و جتلمار اراز  
آتشیدنی حالا اول کیسه احمد پاشا دن طلب و یوندن ماعد امال میزیدن یوز کیسه  
طلب اولند قده کرید ممانی الی سلك غروش صرف ایلدم دیو او امر اراز ایلدی اما اصلا  
اعتبار اولنوب انی دخی مطالبه به ضم ایلدی قله ده ترسیم اولندی عید اضحی ده

مخدوم العلمایانی افندی به میریدن عیدیه بیک غروش خر خلق و ابکی طواوم  
سمن ساده و ایکموزکیل پنج و قهوه و شکر کوندی اوب پرشش خاطر اولندی و سابقا سرای  
جمعیتی کونی ابتدا سرایه واروب دارالسعاده اغاسنه بعض تعایم ایلله انتساب ایدن شامی  
نعمان افندی که قیصریه دن معزول ایدی اغا انی بر لطفله قایمق خصوصت مفی به  
ایراملر ایدردی و عید اضحی کونی یوم الجمعه در ایچرودن خط همایون ایلله کند ویه ادرنه  
قضاسی ویرلدی معمار قاسم اغا که والد کتخداسی ایدی سابقا سیاوش پاشا عزله  
کورچی پاشا صدارتک حقندن کله متر دیو والدیه سویلیوب کند و سنی چراغ ایدن  
دارالسعاده اغاسنك خلاف مرضیسی اولقله اغانك و کورچی پاشانك معلومی اولد قده  
ایکیسی معمار قاسم اغا بی اسنثقال ایدوب فرصت کوز دراردی اولدخی غافل بولوب  
والدیه حضرت تریله کا هیجه احوال دولته متعلق مشورت ایتدیکه والدیه کند ویه قاسم اغا  
دولتک ایرادی از مصرفی چوق بیحال نیه منجر اوله جقدر کورچی پاشا دن دخی بر خدمت  
وجوده کلدی دیو استجواب ایتدیکه قاسم اغا فرصت کفتار بولوب دولتلوسلطانم مرحوم  
خسرو پاشا خزینه دار لغندن چقمه کویریلی محمد پاشا و دروزیر اعظم اولوق ممکن  
ایسه کاینجی بوایشك عهد سندن او کور غیر بر فرد یومصاحت مشکله نك حقندن  
کله جکئی بلم دیدی والدیه جواب و یروب هنوز خلق بیننده نام و کامی اولین آدمه مهر  
نچه ویریلوردیکه سلطانم انك اسهل طریق یودر که ابتدا اقبه نشین ایدر سزبعده  
خد متکرده استخدا ام ایلک آساند دیدی قوجه قاسم کویریلی ایلله قونشوب محبت ایدردی  
و عقل و فکرین و حرکات و تدبیرین غایت استخسان ایدردی نفسنده یومقوله امور  
مشکله نك حقندن کله جکئی بیلدیکی ایچون سوق ایلدی والدیه حضرت تری یوسوزی  
پادشاهه سویلدیکه پادشاهلرک مشرب عالیمری معلوم کسنه دن احتراز و احتیاط  
انلر ایچون متصور دكل قزل راغاسی پاغروب کویریلی محمد پاشا در لر رادم و ارایش دولت  
علیه به خدمت ایتمکه قادر ورآی و تدبیر ده ماهر ایش انی قبه نشین ایدلم دید که  
دارالسعاده اغاسی معقول پادشاهم انجق بن قولکه صوروب سوأل ایدیم دیو طشره  
چیقدی و اول ساعت کورچی پاشایه خبر اوچورب بورآی القا ایدن ینه قوجه قاسم  
کتخدادر نیز ایکستی دخی یوللا سون دیمکه اولکون کویریلی محمد پاشای کوستندیل  
سنجاغنه نفی ایتدیلر و دارالسعاده اغاسی کورچی پاشا ایلله متفقا والدیه واروب بهی  
سلطانم خلق بیننده کتخد اکر قاسم اغا مهری کویریلی محمد پاشا ایچون آلیو یرمک ضمنده  
سلطانم بشیموز کیسه اچه ویرمش دیو سویلیوب مهر شریفی مزاده ویرمش دیو شیوع  
بولش لسانه دو شمکر معقول دکلدر استدی که کزک برینی کتخد ایدوب قاسم اغا بی  
بر قاحکون تبعید ایدک شوبی معنی اوازه لر باتسون دیو مغلطه و ترهیب ایتدیلر والدیه  
ایسه صاف دل حیلله و مکر ایلله مصنع سوزلری کرچک صانوب ایدی ققوجی محمد کتخد  
اولسون قاسم اغا اوند او تورسن دیدی مزبور حاجی محمدی کتخد ایدوب بی چان قاسم  
اغای اول ساعت قایدروب زندان قائل قیویه ایتدیلر و جمله ممالک و خانه سنه وارنج



مصادد اولندی مراد لری قتل ایدی اماینه والدن خوف ایتد کیری ایچون قتلہ جرأت  
ایتمیوب بعد خانه سی عیالی سساکن اولق ایچون رد اولنوب کندوسی قبر یسه  
نفی اولندی محل عبرت رک قوجه قاسمک مرادی دولت علیه یه نافع اولانی سوق وخیر  
خواهلق ایدی لکن المخلصون علی خطر عظیم فحوا سی اوزن صدق و خلوص قتلنه  
صیب اوله یازدی افلاطون الہی نصایحند دیمشد رک اذا خدمت خاد ما مستبد بر آیه  
فارضه فی اسخاط حاشیتہ و اذا خدمت ضعیفا مغلوبا فی حکمہ فاسخطه فی رضاء اتباعہ  
یوکلایم حکمت انجامک مضمونی اوزن ملوک ووزرا واریاب دولت واغنیایه خدمت ایدن  
حقاقله لازمدرک مخدومی اولان دولتلو کنند و امورند مستقل وراثتہ مستبد ایسه  
هر حاله اکا خیر خواهلق اظهار ایدوب اتباعنک سخت وعداوتارندن خوف ایلیه لکن  
مخدومی ضعیف الرأی عاجز و مغلوب اولدوغی صورتده خیر خواهلق ایچون کند وینی  
میدانه اتمیوب اتباعنک رضاسنی زیاده کوزنک ککرکدر یو قاعده مهمه یه رعایت  
ایمین قاسم اغاکی گرفتار محن اوله کیشدر و معمار مصطفی سی دخی قیوار اسندن حبس  
و مصادد دصمکره اطلاق اولندی یواشاده وزیر اعظم سابقا اوچاق اغالرینه منسوب  
القی پرمغه زازستان قسمتین ویرمش ایکن اناطولی قاضی عسکری مانع اولوب جواب  
صواب ایله منع ایلدی وادرنه قاضی سی اسمعیل زاده سلا نیکه نقل اولنوب عیسی افندی  
معزولا استانبوله کلدی خلاف عاده بوسالده شاه عجم له قرالنه الی کوندر ووب قرال  
طرفندن دخی پورسکه نام بر معتبر کافر نامه ایله شاه طرفنه کندی ذی الحجه ده استاخی  
پاوکار کریددن کلوب اسکی ازیلان سیپاهیله بقایاسی دخی محافظه دن رفع اولنوب  
استانہ ده علوفه لری ویرلدی سنه اثنین وستین والف محرم الحرام وزیر کورچی پاشا  
مصدر دن معزول طر خوشی احمد پاشای دیوانه احضار ایدوب قاضی عسکر لر حضورند  
یوزاللی مصر کیسه سی مال میری بی مطالبه ایدوب سابقا مصر قاضی سی حسن افندی  
زاده نک بر تقریر جتن ابراز ایلدیکه الترامه نقصان کتور میوب فلان قدر مالی متعهد  
دیدیکینی مشتعل ایدی بانکه حسن افندی زاده نک اول بجتی برای دفع مجلس بر تقریر  
جتن ایدی انکله بر سنه لازم کلز دیوب طور ردی صدر روم حنفی افندی حکم ایتکه  
عزم ایتدک صدر اناطولی مسعود افندی شرعا بوجت ایله بکا مال نیجه لازم کلور  
دیدک حنفی دیوان اور تاسنده العبد و ما یملکه کان لمولاه حدیثی تفوه ایلدی مسعود  
افندی قاضی بی چاتوب بر کره حایقروب های افندی بوحدیث ایله بوماده نک نه مناسبتی  
وارد ریبه اصل سوزدرا کر قانونا طلب و تحصيل اولنوردی شورسه حضور شرعا مرافعه سز  
عرفا تحصيل ایدر لر دیوان همایند شرعه کوریاوب احقاق حق مطلوب ایسه ملتزم  
مقبوضندن مسئول ایکن غیر مقبوضی محض الترام ایتدم دیسمیله نیجه حکم ایدرسن بوماده  
بوحدیث شریف مفهم و منه مساعنه وجهله در بونه سوزدر دیوب میداند ازلق ایلدی احمد  
پاشا دخی امر شرعک دیوب طور دی چون مسعود افندی نک سوزی حق ایدی حنفی افندی  
سکوت وزیر اعظم تعیسر ایدوب اشارت ایلدی احمد پاشای قالدردیلر دیوان بوزلد قد نصکره

پاشای ایدی قله یه ویکرمی قدر اتباعی بابا جعفر زندانه بلاوجه شرعی کوندر یابوب حبس  
اولندی حاجی زاده عزل اولنوب باش محاسبه دن معزول صاری علی افندی باش دفتر دار  
اولدی ویکچری اغاسی قره حسن اوغلی حسین اغا که ضعیف و علیل اولمغله کبار بیننده  
مومیادی کله ملقب ایدی عزل اولنوب رکاید ارسلان اغا اغاالق ایله چیقدی سوؤتد بیر غره  
محرمد کرید امدادی ایچون اوج سنه محافظه شرطیه ایجاب واقف ایدر بر حال یوغیکن  
ایکی ییک نفر سپاهی یازیوب خلاف قانون التیشراجه ایله دفتره قید اولندی مقدم  
یازیلان اوج ییک نفر دخی بومغوال اوزن اولدی سلفه سرحد اتوللر ییک قانونی باشقه  
دفتر یازیوب ادای خدمت ایتد کد نصکره یوقلنوب موجودی اصل دفتره یکردی دولت  
علیه نک سائر قانونلری بوقلمزده الغا اولندی بی کی بوخصه و صده دخی بیش ییک نفری کرید  
بهله سیله قانون قدیمه مغایر دفتره قید ایتدیلر و اکثر ییک بو مغذالر مفهومی دکل ایکن  
واضطرار یوغیکن و جمله استاخی بلوکاره قائل ایکن اوون سنه بکلمک تکلیف اولنسه  
جانلرینه متت ایکن بونلرک بری خلقت خاطرینه کلدی وامور واقف اولان عقلا دخی  
بونلرک زمانده منزوی اولوب حرف ستو بلک دکل دائره لریته بیله اوغرامدی یلر ساثر امور  
دولت دخی بوک قیاس اولنه که جمله مختل و مشوش انکیچون نظامه خلل کورندی زیر قانونه  
رعایت خلقت غارت و خیانتنه ال ویر میوب نک ککله و وکلده وقوف و شعور اولد یغندن  
غیری کندی منصب لری حمایه سندن مهملری اولیوب اندن دخی عاجز و مختیر بر قاجکونلاک  
امانتکار شکند و قتمزی خوش یگون لم فساد دعا لمی بز می اصلاح اتسک کرک اولور بیله  
کون لم دیه رک احوال عالم بوشکله کیر دی فرانجه لولر دن یدی سفینه استیجار اولنوب  
محرمت یکر می بشتن مزبور سپاهی لری یه کیروب بشکط استدن صالوب سلامتله کرید  
وار دیلر مدارسه دن مرادیه و مهتریه محلول اولد قله مفتی سلسله ایدوب مثله بی محنه  
چا کر زاده یرنه التمثلی اعتبار ایدوب بالجمله یدی رؤس توزیع اولندی سفر مواجی  
اواخر محرمد چیتوب انجق یکچری یه ویرلدی اولد دخی زیوف اچیه ایدی سپاهی لری غره  
صفر ده علوفه طلبیچون کاه اغا لرینه کاه پاشایه ترددو فریاد ایلد رک اخر الامر دفتر داری  
سکنتسار و مغلطه ایله منزلن یاشنه طار ایتدیلر رئیس الکتاب سابقا و وقو قاجی محمد افندی  
ایله خواجه پادشاهی رحمان اغا نک معارفه قدیمه سی اولد و غنه بناء کندویه بر کتاب یازمق  
سپارش ایتدی و اول وقت محمد افندی خانه سنه مختفی اولوب بر فردایله کورشمز ایدی کتابدن  
برایکی جز یازوب اوغلیله رحمان اغایه کوندر دکل های ملک احمد پاشای وزیر ایتد رک ایچون  
رئیسک اوغلو و احر و تردد اید یور دیوار جوقه پید اولوب وزیر کورچی پاشا قزلر اغاسنه خبر  
کوندر رر مزبور محمد افندی اوغلیله صله سی اولان مدلل یه نفی اولندی معزول خانه سنه  
مختفی ایکن ینه اعد السانندن رها بولدی قیاس سلطان کتخدا سی پیا له چاوش اوغلی مصطفی  
اغاکمالا دفتر امینی ایدی صله سی اولان مغنیسیایه و موقوفاتی پاشا زاده کذلک نفی اولندی یلر  
مذکور پاشا زاده حاجی پاشا اوغلیلر که اسکدره سرای مثال خانه موروثه سیمکه حوض  
و شادروان و صفاح رخام ملون و بنیان عجیب مقرنسی و مصنوع بی مثل ایدی میراث خوران



سفرها کاران قاعد سنجه سرایار انداخته اسرافاته مصروف ایندی یکند نصکره بعض ولات  
 مصر ایله مصره واروب اندی دخی مبالغ بی قیاس جمع و جمله سن اسرافات غیر لازمه و مراسم  
 شهرت کاذبه به صرف ایدوب حتی کند و نک طور اعتدال دن خارج اطوارن و الی بغداد  
 اولان مرحوم نوغای پاشا زاده ارسلان پاشا کورد که قاضی بغدادی و سنوی ساجیان  
 افندی به بالد فعات خطاب ایدوب افندی شوسفیه ک عظمت و وقاحتی کورر میسن  
 ستونی قتل اینسم کر کردید که قاضی مذکور لطایف کلمات ایله تسکین ایدوب هی سلطانم  
 چلبیایک باشه بر بلا در دردمند نه یا بسون عزت قدر و علوشانی مقوله شهرت کاذبه ایله  
 تحصیل اولنور وطن ایدر آدمیت و کمال نفس ایله اولدوغن بلزبکا آدم دیسونلر دیورالای  
 سفرهای باشنه جمع ایدوب اون اون بش حدله ایله آته بتوب کرمکی وسیله بهاء و جلال  
 اکلیس سزینه جهالته ترجا عفو ایله معاملة ایلاک دیومنع ایدر مش منلا و پاشا بر قاج  
 دفعه نصیح و پند ایند که ینه مرتدع اولیوب کسببی صرف اسرافات قلد قد نصکره  
 مقولان بغداد بر قاج بیگ غروش دخی دین ایدوب معزولا استانبوله کلوب سو حاله  
 گرفتار ایکن اتفاق مصاحب خواجه رحمان اغا ایله حقوق قدیمه سی اولغین موقوفاتی  
 الیور مش ایدی بود دفعه اولکیدن زیاده عرض احتشام ایدوب دیوانه و وزیر سرانیه وارد قده  
 طور ندن زیاده اظهار شهرت و مصروف و وضعنده خدام نامنده بر جماعت طرفه قیامت اون  
 بش قدر و اراتک اطرفن آلوب رخس وزیرانه کر رخت زرد و دو عبای ایله مزین بیله حرکت  
 ایدردی فرضا اسواقه راست کلان بو محشم حریف کیمردیو حا حتی دکل ایکن صورردی  
 پانلر بلینلره تعریف ایدوب احتشامنه حسد انا معقول وجه اوزن بوفلاندردی سو ذکره  
 سبب اولوردی اظهار شهرتدن مرادی کسب و قار و عزت ایکن سو ذکر سببیه باعث  
 ذات اولدی رحمان اغا طرفندن کمدویه عنایت کونه بوطنطنه یعنیندن فراغت ایتدکی  
 بواسطه عکندرا و تافز میسن دیو ثنبیه اولند قده بن حاجی پاشا اوغلیم بورخت و بخت  
 و احتشامی بن احداث ایتدم با بامده بیله ایدی بنده کندم بیله لی بیله محشم کرم  
 بو موقوفات منصبی ایچون نزی قدیمی تغییر بی ایدیم دیوب جواب ناصواب ویردی  
 اما ملا خطه ایتدی که پندر عزیزک شرفی بحیب اولمیان ولدک ذل و سقوطنه سببدر  
 وزکی و رشید اولان ولدک پدیری وضع اولق شان و شرفن از تور ولد ناقص جد کامل  
 ایله افتخار ایتیک صائبک آن ناکسان که تخربا جداد میکنند چون سک با استخوان  
 دل خود شاد میکند دیدیکی کی اولور مستعد کمال اولان ولد یا کیره خصایلک بو شعر  
 لطیف حسب حالیدر شعر انا بن نفسی و کنیتی اولی من عجم کسب اومن العرب ان الفتی  
 من يقول ما انا ذا ليس الفتی من يقول كان ابی بوجه دن قطع نظر دولت علیه ده هر مقامک  
 اصحابنه و هر طریقتک اربانه مخصوص بر حد محدود واردر که انی اتحا ایدوب  
 اصاغر اکبره ادانی عالی به تقلید ایتیک فساد نظامه سببدر ته کیم تحصیل مقدمه ده  
 مذکور در و مدققا قتنده ایه فی الاصل استعداد ذات و یا قات حقیقی معتبر  
 اولغین زیاده دورانیش اولان عاقل رتبه سنک مقتضا سی اولان

دارات و احتشامی بیله کاینی اظهار ایتدوب خساست قدن مؤدی اولیه حق رتبه  
 نوعا احتشام ایله دولتی هضم و عین الکمال اعدای دفع اید کلسلر درو حقیقه الحال بودر  
 اظهار شان و شهرت دولت علیه نک خدمت نافع سنه بولمانک اجر تیند ربویه ایکن  
 خدمت و صد اقله متعین المشوار بلو عاقلر که کورینور انقراض اقران ایله تعیین کندویه  
 مخمصر اولد قچه شهرت ایله ظهور دن تحذروتولی ایدر لرفکیف که حدنی بلز اشخاصک  
 شهرت کاذبه ایله وزرا و اعیانه تقلیدی هضم اولنه عوام طریقهده اکثر یا بومقوله لظهور  
 ایدوب جمع ماله وسیله ورتبه سی اولمیان مناصبه اعتلا ایچون شهرت و زینت عرض  
 ایدر لکن طور شامخ و جیل راسخ مثابه سنه اولان اعیان دولت بومقوله نوظهور لری  
 لا مر مابعض ایشلرده قولایوب بضاعه مزجاتی رأس المال دولت رجحنه منقلب اولنجیه دگ  
 رعایت ایدر بازار اعتبارنه کساد کلد کد نصکره وجه التفاتی طرف آخره تحویل ایدوب  
 فقرای مقامنه تنزیل ایدر ل حاصل کلام کبار دولت و اعیان سلطنه تقلید ایتیک جمع  
 زمانه جائز دکلر باش دفتر دار صاری علی افندی به سپاه هجوم ایدوب کندوسی قرار  
 ایدم میوب بر محله یا توب خدمتکار لری اوزرینه سجاده و احرام لور توب انلایسه منزله  
 طاشلر یا غدر دقد نصکره دیوانخانه سینک طوغله سنی سوکوب اوزرینه یا غدر یروب  
 هزار بلا ایله تسکین اولندیلر بعد دفتر دار وزیر و واروب کند و عزلی التماس ایتیکه عزل  
 اولندی جمله مدتی قرق طقوز کون اولدی علی افندی به بر محرمی نیچون عزلکی طلب  
 ایتدک دیو سوال ایتمش جوابنه مستبد بالرای متصرف اولینه دولت علیه نک ایراد  
 و منافی اکثر یا متولیلره غایدر و دفتر دار سو بلکه قادر دکل مدبران مملکت اول منافی  
 حصه لشوب بری برینک معاینی ستر ایله مقید هر بری اخرک خاطرینه کدر ویره جگ  
 کلامی سویله مزل میری احوالی بیکنس و بیله و قنده دفتر دار لغی عقلی اولان نجه استر  
 دیو جواب ویرمش هزار بار بردی دفتر دار سابق ابراهیم پاشا اول وقتنه استانبوله  
 گکش ایدی علیل و مستسقی اولغین حرکت قدرنی یوغیدی ذمتنه سابقا یکیز کیسه  
 لجه چیقار مشلرایدی مطالبه اولند قده او توز کیسه لجه پیشین ویر یابوب دفتر دارلق  
 کندویه ویریلور سه اول ایکیز کیسه بی نسایه نعهد ایتکین بعد العرض رأی اغای  
 دار السعاده ایله دفتر دارلق کندویه توجیه اولندی مستسقی دولت و اطباء معالجه سندن  
 مایوس عربه ایله وزیر و واروب خط دستن ایله وزیر و اغا به تمسکر ویروب  
 خلعت کیوب کادی وزیر اعظم اردنجه بوسقیه حریف ایکیز کیسه به متعهد اولدی  
 بحبا ویره ییلور می یوزی و کوزیده شیش بلم حالی نه مجر اولوردیدی بکرمی ایکنی کونی  
 فوت اولغین دفتر دارلق ینه اغا آسله سابقا معزول امیر پاشایه ویرلیدی متوفلک مکروافر  
 تقودی واریش موجودندن یوزالتش کیسه میری به دینی مقابله سنه اند قد نصکره سائر  
 ماملکی دخی دور تیوز کیسه به تقویم اولنوب میری به قبض اولندی ماه صفر حوادثند در که  
 کوچک قاسم اغا که سابقا دلوقاسمک چوبانی ایکن حالا مقتول چلبی کتخدانک رینه قول  
 کتخداسی اولمشد رکال جهلندن سلفی احوالندن انعطای ایتدوب مصر دن کلان تر خوغبی



احمد پاشای وزیر و سوزنازن مصطفی پاشای دفتر دار ایتک داعیه سنه دوشوب اوراق  
 خلقندن الدیغی مال فراوان که جور با حیل قاری سکر کیسه به صارت دی هضم اولور کن  
 بویه بر فضا و لایحه اغاز ایتکین عزل اولندی زیر او زیر اچرو و اروب مزبور دن شکوی  
 ایدوب مقبول اغازک خصوصاً چلبی کتخدانک تعین و تسلطی خاطر ندن کندیمی بو حریفک  
 دخی سلوک و حرکتی ائله و دایسنه کتخدانک مقوله فضوله یوز و یروب اوزریمزه تسلیم  
 ایتک معناسی ندر یوکون بزم عزل و نصیبه قاریشوب یارین دخی بیوک ایشلر شروع ایدر  
 دیکله نیجه ییلور سنک ایلده دیوان آلوب قاسم اغایانیه لی اولغله یا نیه سبجانی توجیه  
 اولوب کوتور مکله خط ایلده کوچک چاوش مأمور اولدی کوچک چاوش کیجه ایلده خطی  
 کوتور دکن اغایوب بزم صوچم ندر دیوب بالاخره کوچک چاوشک تحصیل عمل ایدوب  
 صباح اغایه واروب یاغنه دوشوب آغلدی بکچری اغاسی بهی آدم پادشاه بویه فرمان  
 ایتک بزمیه قادر زامنه مال فرمان ایت بعد سنکچون اعتداله مشغول اولهلم امید درکه  
 قانون اوزن تقاعد الیه ویرلم دیدکله فرغ و جزعه باشلوب بالاخره منزلته کلد که  
 کوچک چاوش قالد یروب شهر دن طشره اولدی کذلک ترخونچی پاشا و سوزنازن  
 پاشا بوقضیه ایچون نفی اولندیلر کتخدانک ایلده کوچک چاوش حکمجه قرینه واد قارندن  
 هقبیلندن ایکی بکچری چاوشی آت قالد یروب کلکین حریف قور قوب الن قبضه  
 شمشیره اوروب آتی یولدن طشره دیوب الارغه بره دیوب یقیر مغه باشلدی هر چند  
 چاوشلر قسم ایتدیلر اعتقاد ایتیموب یاغنه کلک سزی دیه لرم دیوب کاه طبعه و کاه تفکله  
 یا پشدی بومنون اوزن خلقه لوطرفه صایوب اخشام اولد قله ایکی آدمیسیله آت  
 قالد یروب ائله یوکک اولغله چاوشلرک کوزندن غائب اولدیلر چاوشلر نهی دونوب  
 کلد یلمز یوکجه ایوب انصاریه بردوستنک خاسنه اینوب ائله ی خد متکاربینه و یروب  
 خیری موضعده اختفایه کوندر دی کندوسی ایرتسی اخشام وقتی تبدیل شکل ایلده بر  
 پره میه یینوب استانبوله کلوب محتقی اولدی وزیر مزبوری عزل ایتدکله طور ناجی باشی  
 کیجه جی علی اغایه کتخدانی و یروب بجاناخی محمد اغا نا یا طور ناجی باشی اولدی وزیر او کیجه  
 بکچری اغاسنه بقه اوغل طقسان دورت یاشندن یم دولته بدن اسکی او جاقه  
 یوکجه جی علی اغادن اسکی آدم یوقدر سز و سائر لازم اولان پیرلکله حرمت و سوزیمزه  
 اطاعت ایتکدر دیونعماچ ایلدی و بهرول کتخدانک غیابنده بره هی ملعون بن سکانیلد که  
 هنرله چالشدک قانون بودر که کتخدانک بکچری اغاسنه وارلر و معاویزه کاورلر غیر ییره وارنلر  
 سنک یا تسودنصکره مفتی قیوسنده و ساز بیوک یرلده ایشلک ندر دیدی صاف دل کورچی  
 پاشا بلز ایدیکه کندوسی فتق ورنق اموره کلل الر ای برینر اولوب بوقته دولتک ایرادی  
 مصرفک نصفی قدر وایکی سنه یه دکن داخل سبیلده دخی خزینهنک حالی مکدر اولدوغندن  
 خیری مضحک اولان اغازک تعین و استقلال حرم جانبته متحصرو اوب شرکا غالب  
 کندوسی رخت و طمع بلا سیله این الجانب کوردیکی مصاحبتده غیرینک اعانت و تقیدی  
 ایلده اولغله محتاج بیس بو حرکت مدبرین دولته الویر مزیا ایدر اسبله کندوسی مملکته

الفا ایدوب برقاچکون اثوب طوموق یا خود کرکی کی مردانه دیره نوب تقلیل مصروف  
 ایلده امون نظام ویرمک اهم لوازم دن ایتک خلاقی اولغله محرمان دولت و مدبران سلطنت  
 ملاحظه و کز لوجه سویلشورادی و بوندن برایش مأمول دکل کم وزیر اولور سه بزه بر آدم  
 اولسه هم یوایشی کورسه هم بزه ضرری اولسه سنکله تفقد و مشورت ایدر لردی  
 دارالسعاده اغاسی اگرچه حامیسی ایدی اما بونک و قته بله مایلغ اغاز ایتکله ایشنی  
 پاشه چیقاروب بریده حدت ظهور ایتک و قالیه ویرمک اولور سه کند و دخی  
 حمایت بلا سیله متضرر اوله جفنی ییلدیک ایچون التزام مالایزم ایلده کند و یی ورطه یه  
 اوغرا تمق استمدی انکچون بواشارده کاه والد خلوتنده و کاه مفتی و قاضی عسکر ل مجلسنده  
 مشورتلر اولوردی کتخدانک دخی بواستشاران له محرم بولمغین مفتی یه و بیوک یرزه  
 وارمسی و طرخونچی و سوزنازن سوق ایتسی بهوده دکل ایدی لکن هنوز بو مشورتلره بر  
 صورت ویرلندن مقدم طویلغ و بالفعل خاتم و کالت الله اولغله کورچی پاشانک ابرامنه  
 طیا تلیموب یوقدر آدمک نفینه ضروری مساعده ایتدیلر یی چان کورچی کندی حرکتندن  
 و مقتضای وقت اولان مصاحبتدن بی خبر اولغله کاه قاسم اغایانیه کاه ترخونچی و سوزنازن  
 پاشا کتخدانکی و غیر یلری نفی و طرد ایتدیر مکله صیانت منصب دعوا سنه دوشمش  
 ایدی حتی قول کتخدانسنک عزل و نفینه اگرچه خط همایون اصدا ایتدردی اما یولدن  
 فرار و پروقته دکن اختفایلیه دیو مفتی و دارالسعاده اغاسی طرفندن مرغض ایدی درلر  
 مورخ دیرکه وزیر مشاور الیه ناحق یره صیانت منصب ایچون چوق آدم سوردیکی اجلدن  
 طرفای استانبول حب السلاطین نسیمه ایتدیلر ربع الاول بواشارده بعض علما ن خاصه  
 دارالسعاده اغاسنه سو قصد اوزن اولد قاری شایع اولغله بیوک او طه دن اون ایکی  
 اوغلان سپاهیک ایلده اخراج اولندی برایکی کوند نصکره ساحد اریاد شاهی مصلی اغا وزارت  
 ایلده چیقوب مصلی پاشا عنوانی بولدی اولاملا بسه ایلده یوز نفر علما ن خاصه ییلده اخراج  
 اولندی ایشیر پاشا بواشارده حلبیه واردی و طویال محمد پاشا استیواسدن قالد یر یوب ارضروم  
 حدودنده اوج سنجاق کند و یه اریه لوق و یر یابوب سیواس سرحدندن کلان نکه او پاشایه  
 ویرلدی فارس پاشا سی کورچی سفر پاشا مقدم مامرحوم اولد قله منصبی اوغلنه ویرلش ایدی  
 کورچی پاشا و یر اولد قله بعض کینه قدیمه یه بناء عزل ایدوب قارصی سفر پاشا قرنده  
 ویر مشیدی حالا سفر پاشا اوغلی کورجستان بیگلرین قالد یروب قارصی عی سندن آلمغه  
 نشی ساق ایتدیک مسجون اولغله سیواسدن مغزول مزبور طویال پاشایه چلد روا خشنه  
 ایالتی و یر یابوب سفر پاشا قرتد اشک معاونتنه مأمور و سفر پاشا اوغلا ووزینه سردار تعین  
 اولندی او اسطریح الاول و وزادن قوجه کنعان پاشا که قبه التند وزیر ثانی ایدی وفات  
 ایدوب وزیر اعظم ایلده همجنس اولد و غنه بناء جمله علما مفتی ایلده ووزرا و اعیان جنازه سنه  
 حاضر اولدیلر و کذلک تعیب الاشرف سابق زیرک زاده یونس افندی مرخوم اولدی  
 بوماه مبارک معنادوزن سلطان احمد جامعده مولود شریف جمعیتی اولوب خواج زاده  
 پایه روم مقدمه واصلی اولمغین یقعلی صوف کیموب بالفعل صدر روم حنفی افندی یه



تصدیر ایلدی و بوماه او اواخرده وزیر کورجی پاشا دیار بکر دن مغرول وحید راغازه محمد پاشا دن صد ارته طلب توهمنه دوستوب محض اسنش عار دن ناشی جفا ایلدی و مال مصر بقایا سندن اصلی یوقدن یوز کیسه ذمتکده دردی نصیقات ایدوب روزنامه بی حسین افندی ایله محاسبه جیی کوندردی حید راغازه بن محاسبه می کوردم خط همایون دخی جکدر مشم میری یه بنم یوز کیسه دن مجاوز یکمشم وارد فترده مسطور در بنم براچه ویره حکم یوقدر یاشم و مال پادشاه کدر دیدی بوجوانی وزیر تبلیغ ایتد کله نکر ار مذکورانی کتوروب دیدیکه کندونی چوق حمایت ایتد کله ارتق حایه یه محالز قالدی بواجبه فی یاور ریاحود حبس اولنور وزیر ک بوجوانی سوید کله نکر پاشا قول اولی اعاده ایدوب بورجم اولمچنه ویره بن دیو جواب کوندردی بوا ثناده دیار بکر ایالتدن بر میلی کوردی کتخداسی ید یله حید راغازه یه اوج بیگ غروش جائزه و یروب بر غله تولی ایتشیدی بانکه عادت اوزن ضبط و تصرف ایتشیکن یه محله شریقه قاقوب کتخداسنی وزیر حضورینه چیقاروب دعوی ایتد کله چونکه وزیر غیظی وار کتخدایه عتاب و تحید ایدوب بره قجه وار وزیر بخسه نه سنی قور و نه طماندوغک فلا فی قورم دیو علنا شتم ایتشی اعاجبدنر اما بومر تبه جفا و غیظک شهر اسمانی بوا یش که حید راغازه دیار بکره کتزدن اول اغار وقتند قبه نشین اولدوغی اثناده که کنگن پاشا ثانی یوسف پاشا ثالث کورجی پاشا رابع سیاوش پاشا خامس حید راغازه سادس او تور رابع سیاوش پاشا رعایت قصد نکر کورجی پاشا ثلث ورا ظهیرندن دست مزلی دراز ایدوب یوسف پاشا ثلث پهلوسن دور تر وال چکر یوسف پاشا کندونی کیم دورندی دیو محاسبه مشغول اولمچ اوج حید راغازه خفا ایدوب کورجی پاشا ایچون پاشا حضر تلری شقا ایتدیلر دیر ایدی شقا دیار رومده لطیفه و مطایفه معناسنه در اما کورجی پاشایه وقار غالب بولمغین شقا لطیف معناسنه الوب شقی وزیر لرده اولنر یکچیر یلرده اولور هر زمان شقی اوجاق خلقندن قوپار دیب حیدر اغار اده ناک اوجا قدن اولمسنه تعرض ایدر قارشوده اولان محضر و سائر اوجاغه متعلق کسنه لر یوسوزی یکتاشه و سائر اوجاق اغالی نه ایشدر دکر اندر دخی کورجی پاشا بزه اشتیادیش دیه ارعاسه و تحریفه باشلر کورجی یه منعکس اولد قه بر قاچیموز غر و شلق هدا یا واعتنار نکلفن اختیار ایله اغاری کوجه تسکین ایدر شزلندن امین اولور یوسوزی اغار اده ایشدرن حید راغازه در دیو بیهوده غیض ایلش حال بوکه حیدر اغازاده خلاف توهمنه ایمان غلاظ ایدردی بو حال اوزن ماینلری برودت اوزن قالبوب تاکه ربع الاخرده وزیر حیدر اغازاده ناک کتخداسی که محود اغازاده بور ناز مصطفی چلبیدر چاغروب البته اچه دیو نصیق ایتد کله چلبی دخی جوانده بنم دولتلو سلطنت بن اچه فی قنده بولهیم سز بنم یدرم ایله یوقدر زمان نان و ناک یدیکرمی افندی سز نیچون بن فقیره جفا ایدر سز دید کله پاشا بی آدم جفالی سوز اصل بکا ایچرودن کلور دیوب بالاخره حیدر زاده وزیر واروب بولشد قه وزیر بره هی پاشا یا اچه وریا خود چالش بنم صد ارم آل بنی قور تاردیوب اولدخی مناسب وقت جواب و یروب بالاخره حید راغازه بعض خمدوس مستور

ایچون تدارک ایتدیکه هدایای وزیر یله اچرویه و یروب هم وزیر سوسه دن قور تلدی هم اول هدایایه حسرت کشی آرزو اولنور راضی اولدی حیدر زاده نائل مرام اولمغله تدارک ایتدیکه اشیا بی دفع شراچون فد ایدوب خلاص اولدی بوا ثناده مقتول قره چاوشک عورتی عجزه متوفیه اولوب مال بسیاری میری یه الندی بوا ثناده لحم بولمچوب قصابلر رخ استد کار نکر وزیر قصاب باشی یه خطاب ایدوب ات بولنر و سکره صانلر دیو مفتی بنی اولدر ناک استر البته ات بولمغه محتاج در دیو اغلاظ کلام ایلدی کچنده کتخدایک ایچون مفتی قیوسنه نه ار رسن دید و کنه نظیره ملا یه نسبت ایدوب بو کونه اظهار مافی الضمیر ایلدی ربع الاخر احوال سرحد بوسنه خرو ات بکی زرین اوغلی ونیک قلیونلر دن نوه ساحلنه دوکلن ملا عین ایله اول اطراف غارت ایدوب زادن قلعه سی اوزرینه دوستوب ویره ایله الوب اول حوالی فی غارت و خسارت ایدوب اولامو ستار اوزرینه قصد ایتد کله نکر مو ستار قیتا تندن سکر یوز قدر جوان دلاور اول طرفه مسارعت و جنگ ایدوب اگر چه کافر اتمزام بولدی اما دور تیوز مقداری مو ستار بکتملری شهید اولدی سیاوش پاشایه فریاد جی وارد قده سرای وغیردن اوج بیگ آدم ایله نفیره مسارعت کوستر دکره هوا شدت شقا اولمغین اوجیموز مقدار آدمی مجید و هلاک اولوب و احوالی آستانه یه عرض ایدوب مو ستار یلر کندویه و رود ایدن خون آلود فریاد نامه لر بن یله کوندردی ربع الاخرده وصول بولد قه حضور پادشاه ایم عقد مجلس اولوب مفتی افندی کورجی پاشایه بزرگه بو خصموصه تدارک کورک دیمر میدک دیو عتاب و تقریر ایتد کله پاشا جوانده دیدیکه الد قلی و معتبر نسنه دکل پرانغه ایشکه نه انلر نه بزه پر ایش دیو جواب و یروب بالاخره ونیک بالیوزی پاشایه اول قلعه فی بنه سز الیور مکه متعبدیم بزم بو نیمزه الم حکمک دیمه سی مصیحت عد اولنوب مصائب سرحدی کالعدم فرض ایتد بلر عجیبه بوا ثناده یکچیری اغاسی که مع الوزان ایچرودن چیقان سایمان اغادر مقد ما باغرا دده مقتول اولان قیودان جعفر پاشا ناک خسرو پاشا خلفه سی حضر پاشا قزندن تولد ایدن دوستیز دختر بن تزویج و عظیم ولیه ایدوب جمیع اعیان دولتی اغا قیوسنه دعوت و اوچکون ضیافت و زفاف ایلدی اناطولی قاضیه سکر می مسعود افندی فی دعوت ایچون کتخدایکی و باش چاوشی کوندروب اندر دخی صورت اجابت کوستر مشیکن اغالغله ایچرودن چیق قه بزم زیارتزه کلدی دیه حال انلر سور و ارم قزندن ماعد مفتی یه خبر کوندروب بزوار مرز مناسب اولان بودر که البته سزده وار میه سز دید کله مفتی جوانده اذاعیت فاسحیمو المرنه اتباع اعدو نلرینه اجابت ایدوب وار رز انلر استر لسه وار سونلر استر لسه وار سونلر دیوب مفتی واردی و غریب حالات سلو کیلری بومصر اعدن فهم اولنه ع افعال من تلد الاعاجم انجم موصل بکریکیسی فوت اولمغله دیاغ محمد پاشایه وریلوب منسلان کوندر دکره اتفاق عثمان چاوش زاده محمد نام بر مرد چسور که سابقا حلیه تابع ییاس سنخا غی بکی بعله مغرول اولوب استانبول کلوب بصره حاکمی علی پاشا مرحوم اولمغله بصره فی استیوب کورجی پاشا ویر مد کله کندوسی اهل قلم و استاد کاتب اولمغله و ساخته اولاق امری و ساخته موصل منشوری یازوب واروب موصل ضبط ایلش و بومنعصب بکا اون



التي يملك غروسته درديوب دورت يملك غروستى موصل خلعندن تحصيل ايدوب بعد  
استانه به عرض يازوب موصل جالى بولمغه ضبط ايلدم واون التي يملك غروسته مقبول در دورت  
بيكي حالا كوندلدى قصورى دخی ارسال اولمورد يوب ولايتدن پيداليتديكي دورت يملك  
غروستى عرض ايله كوندردى و كندوسى تحصيل ماله مشغول اولدى كورجى پاشا غصبه  
كاوب نه بيانه سويلر بوتاميس شونك احضار نه آدم كنسون ديدى بروجانده دباغ پاشا نك  
منسللى وارجحه مزبور اولمقدار مالى موصلدن تحصيل ايدوب طشره ده چادرلر ايله خبره  
منظر اولدى دباغ پاشا منسللى واروب فرمانى ارازو ولايتى ضبط ايتد كدن صكره مزبورك  
پادريته واروب ولايتدن آلد ينى مالى لائق تداركته دوشد كده پاشاى مزبور غدان ايله چالوب  
منسللك قولن دوستوروب اتباعيله بنوب يوله دوشدى مكر مشايح عربانندن برينه التفات  
ايدوب كندونى قاجر مغه قوللا و زماضرا ايمش ايمش لك دلا ليتيله چولدن بصره به فرار ايدوب  
قورتلدى تفصيل بعض اخبار كفارك بوشاده طغيانى سويلنوب بناء عليه اون براوطه بكيچريكة  
اوج يملك نفره قرييدر بو سنه محافطى وزير سياوش پاشا طرفنه مأمور اولوب سابقا باش  
چاوش و حالا خاصكى اولان حسن اغا ضابط تعيين وارسال اولمديلر مقدم كفا ركا كسار  
كليس قلعنه سنه مستولى اولد قلر نك آب چئينه ماوراسنه كه جانب شماله سد اسلام  
سمتند كنين قلعنه سى وراسنده بر كوه عظيمدن چيقوب غرب وجنوبه جريان ايدوب  
خليج البنادقه به منصب اولوب كنين ولقه و سد اسلام و او دونه وزمونيك ووزش وغير ذلك  
بوجه ممالك كه بر قاج سنجاق قدر و كليس و مسن جمله اول صوبك ماواراسيندر جميعا كفار  
استيلا ايدوب طولاسكر و عرضادورت كوناك مملكت جمله كافر الله ايكن بريل زرین اوغلى  
جنرال ايله مصاهرت و بربريله مظاهرت ايمكه زرین اوغلى اتا و عسكر كو ندروب چئينه  
صوبينه وارد قلر نك جنرال لك قليونلرى دخی اول صوبه يناشوب صاغ طرفلر نك غلبه و  
منصب آب تر قوه صول طرفلر نك آب چئينه بلاد اسلاميه به يورسوب سابقا تالان ايتد كلى  
اموجقه ناحيه سنه اوغرا ميوپ كه تر قوه صوبى سمتنه درياكه اول ييلا غلث جانب غريبسندن  
يگوب موستان قصد ايتد كلى رند موستار آب تر قوه كنار نك واقع در اهالي سى جنگ آور آدم لرد  
سكردوب ملاعين ايله جنگ ايدوب اوزلر نك رفع ايتديلر اما چوق غازى شهيد اولدى  
ملاعين ايدن مقول اولوب سابقا بر دفعه تالان و خراب ايتد كلى زاده قلعنه سنه هجوم  
و محاصره ايدوب مكر دموردن اينوب نقل آسان كچه طوب تصريف ايتد شمار كه و رعونت  
طريق دفعه طوب نقلنه مانع در اوج دورت طويي كچروب قوروب تضيق ايتديلر قلعنه ده  
اولان اوجيوز مقدارى مسلمانلرى استيانه دعوت ايتد كلى امداددن ما يوس اولد قلى  
اجلدن قلعنه يى تسليم ايدوب چقد قلر نك ملاعين غدر ايدوب ديدلر كلى كسوب  
واطفا للرين باجغندن ايكيشريان ايدوب مادريته قارشتوا توب بعث اطرافى غارت  
وذكور وانا فى جميعا اسير ايدوب قليونلره طولديلر قلعنه به التيوز تفنگ اندازملعون  
طولدروب كندولر اطراف غارتمه ال اوزانديلر سياوش پاشا به خبر اولد قلعنه سرعته  
واروب قلعنه مزبور ايله پروزر ناحيه سى يفتند آورد و قوروب جمله ايلات بو سنه تغير عام

چاغروب جمله قضاوايالت وساير خلق اول طرفه متوجه اولد يلر خلق مجمع اولد قلع  
كافر زادن يى تحريب ايدوب فرار ايتديكي خبرى كلى احوال انا طول بوشاده بغداد اخاسى  
الياس اغا بغداددن كلوب يوله صاريجه طائفه سى بكيچر بلره تعرض ايتديكى التي تفرين  
تفنگ ايله اوروب التيسن دخی قازغه اوروب انفره سوال اولند قلع احمد پاشا نك صاريجه لريوز  
ديوجو اب و يرمليله مطلقا صاريجه نامه اولان استقيا به قتل عام اوله جقدرديو  
ارجوفه پيدالدى وقاطرجى اوغلى لار نك دن محلوله متوله سرا بلى يى بعض اتباعنه خطبه  
ايدوب امتناع ايتد كلى دورت يملك قدر اتباعيله واروب لار نك يى محاصره ايدوب عظيم  
فسادات ايتد كلى سوخته محود پاشا كه سابقا سونك پاشا نك كند اسى بعد قزوين  
تروج ايدوب مال و املا كن قبض ايدوب اذنه پاشا نك اولمشيدى كريد سفرينه كند كده امير  
نام كسنه يى كه اولد دخی سابقا سونك پاشا نك كند الق ايتشيدى اذنه به منسل قوپوب امير دخی  
محاسبه خوفندن مقبول كند ايسكه مراجعت ايدوب عينتاب بعد اقسراى سنجاقن آلوب  
بعد اذنه پايه سى اميرين كتوردوب امير پاشا عنوانن بولمغه پاشا سنه قارشتو قوق تداركند  
اولمشيدى محود پاشا كريدن كاد كده دفتر لره راخى اولمچق اذنه ظاهر نك ايكيشريكدن  
زياده عسكر قونوب محاربه ايتديلر آخرايكسى دخی طرسوس ساكن اولمغه ايمان اريه  
كيتوب بر مقدم ايتديوروب اصلاح ذات البين ايتدروب يمينلشد يلر اكر چه ظاهر امصالحه  
ايتديلر اما اميرك عسكرى ايل اري اولمغه اطرافده كويلرينه و رلويرلرينه طاعلديلر اما محودك  
يملك يديوز مقدارى كند و مخصوص اتباعى اولمغين اميرى كوز حبسنه آلوب بيله قوندروب  
كوچروب واحد بعد واحد اول قريه لرى احراق بالنان مشغول اولدى اذنه پاشا سى قره  
حسن پاشا دن عرضلر كلوب محود و امير ايكيسى دخی جلاليلردرد بواعلام ايلدى ايكيسيد  
متمرد حر يفلرايدى لكن محودك قوت مال و بواله مكنتى زياده ايدى خصوصاً سنه ۱۰۳۶  
وقايى اثنا سنه ذكر اولمشدركه سونك پاشا طرسوس ناحيه سنه بر عظيم دفينه  
بولان توركى الدادوب دفينه يى يودوب عزل اولند قلع در دولته نعل بازكون عرض ايدوب  
زيت ياغى كى اوزرينه حقمش ايدى تفصيل سنه مزبور ده مذكور در بعد سونك  
روانده قوت اولوب بو دفينه عظيمه بو قدر مال محوده انتقال ايتشيدى حال بو قدر قوت  
ماليه ايله اول طرفلره استيلا ايلدى و مقدمه اباز به پاشا حلب پاشا سى اولد قلع همشيره  
زاده سى ابشير يكه دخی طرسوس سنجاقنى اليوروب اول زمان ابشير طرسوس بعض  
هقارات و طواحين ايدن ش ايمش بو دفعه اباز به حسن جمعيتندن ابشير پاشا حلبه توجه  
ايدوب ائنا اوغرا قلع محود پاشا قرشو كلوب هديه ايله بولشمش ايدى ابشير پاشا مكممل  
قبوسى ايله حلبه وارد قلع اهالي سى استقبال ايدوب ركابنه يوز سورد كلى التفات ايتديكن  
مشا هير اعيان دن كند ايرى صالح محمد و بكيچرى سردارى قره سايمان استجلاب قلب  
ايچون عظيم هدايات دارك ايدوب اول صالح يكرى كيسه نقد غروش و قرمزى قطيفه به قلع  
قياجه كورك سمر كه دكه لرى ذهب مينى كارى برطوب عنبر طام ملفوف اكنسه ل اوزر نك  
اهد ايدوب مقبول اولمچق قره سايمان دخی يكرى كيسه نقد و رمكاف آلانلى آت



پیشکش چکوب ایکسی دخی اختلاط شبان روزی به قرین دوشیچک سائر اعیان حلب  
 دخی اون کیسه دن بشیو زغروشه دك حالینه کون نفود و تحف هدایا وروب علی طبقاتهم  
 پیشکش چکوب مظہر التفتات اولدیلر ایشیر دخی و هله اولدیلر فقر لیه روی حمایت کوسن وروب  
 صاف دل عربلریا بالفقر ایدومدیحه کوی اولوب نیکنای اطرافه منشر ودر دولته منعکس  
 اولدقد نصکره یاشا حاضر نلری اعیان دن الدینی هدایا مقابله سنه د بطریق قصد یله  
 خارج حلبده بر عکراده اوراق وچادرلر قوروب عامه اعیان ولایت بر شاهانه ضیافت ترتیب  
 ایدوب متعینان حلب واصناف عسکر مقوله سندن کیم واریسه بقدر المراتب کلوب جمع  
 اولدیلر ایشیر اول جمعیتده حاضرینه خطاب ایدوب جمله مزبود ولت سایسنده خوش حال ایکن  
 وکلای دولت تقریبط فراوان ایتلریله غرض وطمع لرین افزون و دولتی ضعفه دوشردیلر  
 بر مرتبه یه واردیکه ایکی قول مایینه عداوت براغوب جنساح دولتی بری برندن ایردیلر  
 بر مرتبه د نصکره ولات و امر او قضا و سائر لرینی متعاقبا تبدیل و تشکیل ایتلریله رعایا و برایا  
 بر باد اولوب عالم ظلم ایلله طولدی و انلر مال فراوان جمع ایدوب ولایه و قضاة فقراسی د بر عالم  
 خراب و مملکت زیر و زوالدی حالا هر بریزه اللری ارسه امان و بر مرز اعهده و امانه طور مرز امدی  
 مادامکه رشتوت عالمدن دفعه او نیمه کسه راحت بولمزور عایا معمر اولمز بر و ایشه نصب نفس  
 ایشیر کر کدر که سزدخی امن در میان اوله سز و الا سز که سپاه و یکجیری طویا فیسز کر کدر که  
 یکجندن کوب بار شته سز دیوایی عسکری او پوشدرب بار شدردی اندن سلطان سامیان  
 قانونی اوزن عمل دستور العمل ایتکه خلق دعوت ایدوب استانبول کاغذ لرندن بر طومار ایدوب  
 بر قانون نامه یاز دبلر شول منوال اوزن که هیچ بر منصب نا اهل و بر لیمه و کاشامن کان رشتوت و اثره  
 انیمه و امر او ولایه و قضاة اوچر سنه دن مقدم عزل او نیمه و سکه فسخ و امور دین و دولت  
 سترع و قانون اوزن فسخ اولنه بر واسلوب اوزن شروط و قیود ذکر اولنمشیدی بومنوال اوزن  
 بوماری تمشیتدن رجوع و نکس ایتکه ایمان تکلیف ایدوب جناب الله تعالی و رسول الله  
 صلی الله تعالی علیه وسلم و طلاق و عتاق و کتاب کرم اوزن طرفیندن سپاه  
 و یکجیری یمینه توجه ایدوب میدانه بر مصحف شریف و بر قیام و نان و نمک قوروب ایمان  
 و موافق ایتدیلر اندن دیار بکر و بغداد و ارض روم و سیواس و قرمان و سائر اناطولی  
 ولایتلرینه مکتوبلر کوندروب سنه ۱۰۶۲ روز حضرتده مرعش چارنده ایلر عز چارلد برز  
 انجمنکاه اولور هر دیاردن قول طائفه سی کلوب و امر او بکر بکیلر بوجه اوزن قانونه مطابق  
 اصلاح عالم ایچون جمع اوله لر تخلف و ابایدنلرک اوزرینه واریاور و بعد انقضاء المصاحه  
 حقندن کلنوردیومکائیب کوندردی استقانه دن طرابلس شام ویرلد کله ضیطنه ایشیر  
 سترندن قادر اوله میوب مرعشه اندن قرمانه کلان عمر یاشا ایلله قاطرجی اوغلی مجلسنده داخل  
 اولان حاجی بیرام صوفی که ناقل قضیه در دیر که قاطرجی اوغلی مجلسنده یاشا ایلله بر محله داخل  
 اولد قکه ایشیر یاشا نك اغاسی اکاده بکونه دغوت مکتوبی کتور متش قاطرجی اوغلی بر ایاغی  
 اول بر ایاغی اوزرینه قویش صاریغی اکش کلان مکتوبی هنوز اوقومش عمر یاشا نك اوزرینه  
 آتوب باقی ایشیر یاشا دن کلان مکتوبی دیدی اندن صکره ایشیر یاشا اغاسنده بویه جواب

وردیکه باقک به حر یقار یاشا نك اوزرینه اولدیرمک استندی اولدیرمک استندی اولدیرمک استندی  
 صلاحه طغیان ایتک استرین طاع با شندن بر حرامی ایکن حق تعالی بکا بویه بریو ک ایتک  
 وردی هر کیر یاشا نك نصرتدن دوغرم و او زریتمه کلور سه الی ییک یرار عسکر م وارد بر ندری  
 قیادوب با صوب قرارم و سزیه مکتوب دخی و بریم جوابم دخی بودر وار ک استندی یکیکر کی  
 صوبلک به غلبه عورتی کیندیلر دیوب طشره ایلدی بوندن مقدم ذکر اولنمشیدی که لارنده ده  
 بر سپاهی فوت اولوب استانبولدن کتور دیک اعلی بر مکتوبه سرائیل محلوله اولمغله قاطرجی اوغلی  
 آبا عتک برینه استیوب عورت ولارنده لی ابا ایتد کلر نده عسکر یله واروب لارنده بی محاصره  
 و عورتی کوجله آلوب نیچه فضیاح و شناع ایتشیدی لارنده خلقی بوا شاده عرض و حضور ایلله  
 استانه کلوب مفتی به و وزیره شکو او عزلی رجالتد کلر نده مفتی یاشا یه حواله ایدوب  
 یاشا عرضلری البقویب جواب شافی و برمدی منلا فحون شو طالمی امت محمد ک اوزرندن  
 قالدیرم قدم مساهله ایدردید کد وزیر جوابنده ول روسی اوغلی ایچون صاقلیوب مساحه ایدرز  
 دیوایشیر کویا سدرید اولسنه فسخ ایلدی بوا شاده ایشیرک اطرافه بوجهله مکتوبلر اکنده  
 ایتدیکی ایشید کد صدر اردن معزول بوسنه محافظی سیاوش یاشا نك تعالیم و تجریمکله در  
 دیوای حق بره انی متهم طوتوب قتل مراد ایتدیلر آدم نغین اولنمشیکن بعض عقلا منع ایتدیلر  
 مصاحبت و قته بناء ناخیر معقولدر دیکله روم ایلل ایا لئینه قالدیر یایوب روم ایلنه متصرف  
 قضلی یاشا نك بوسنه کوندر دیلر حمادی الا ولی بوماه ایچنده دو تمایه زیاده جه اتمام اولوب  
 یاد شته عالمیناه حضرتلری ترسانه با نیچه سنه اوتوروب البته قرق یان قدرغه تجریم  
 اولنسون دیو اقدام ایدرلر دی حال بوکه قدیمدن مرحوم مصطفی یاشا نك مننه کلجه استانبولدن  
 انجق اوتوز یان قدرغه استانبول و سائر اطراف سوا حله استنوردی مصطفی یاشا نك  
 همت اظهار ایدوب قرق قدرغه استانش ایدی اما عوارض بلاد انجق اوتوز قدرغه کور کیمسنه  
 کفایت ایدوب اوز کور کیمسنر قالد قدرغه غنفله استانبولده و اطرافده بولنان سائر لری و یککار لری  
 طولدر مشیدی و استانبولده ترسانه اختیار لرندن مسموعد رکه اوتر مانلرده بر قاج مقدم  
 نامه کسنه لور ایلدی چار شوی یازده اناطولیدن و سائر بلاددن هنوز کلش ایلر و کورک  
 یایی ایش سز مغفللری ارا یوب شکار ایدرلر دی اول امر دن استالقی و طالنه کورن دوستلر  
 هر ض ایدوب کل شهبازم کل بریا با چور باسی ایچلم دیوب غانه سنه یا خود یازده بر کباچی  
 دکانه صوقوب اطعام و اسفاد نصکره و اقربانه مصاحبت ایلله منزلنه کتوروب خند متنه  
 اولان خذله اشارت ایدوب اول بیچاره بی قاپوب منزلک ایچنده اولان اسیر زندانه  
 طوبار لوب پرتقه یه اور بوجهله هر مقدم دو نما قالفه وافر کورک یایی پیدا ایدوب  
 سفینه لر قالفه حق وقت کیمه ایلله اول بیچار لری چیقاروب سفینه لر طولد در لکیمه شکایت  
 اینسون دو تماعود تنه د کین کورک چکوب عود نده صانع قلاتره کورکی اجر قیو بر قاج  
 فروش و بر لر ایش بو ظلم قبیح مرحوم کور بیلی محمد یاشا نك متنه دك متد اول ایش الله رحمت  
 ایلله وزیر مشار الیهک اثار حسنه لرندن بری دخی بوقاعده سیه فی محو ایدوب مقدم نامه  
 اولنلری رفع ایتد کلر در حق اول دامه دوشن بعض اتراکک نیچه حکایات غریبه و تعلیقات



و منحه كره ياران بيننده الان ستويان و چون پادشاه عالميه حال قرق قدرغه اولسون  
 ديوارام يوز ديلر عوارض اچمه لري مواجب لشكره وسا و جوهه صرف اولنوب اوتوز قدرغه  
 ينله هزار زحمتله طونا زايكن اون قدرغه يه خيل مضايقه كورندي چادرلر قوريلوب ميدانه  
 اچمه دو كيلوب ينه كسنه رضا مينله واروب كورنكي يازلر ايدى و كريند دخی خزينه كوندرك  
 امرهم اولوب خزينه ده مضايقه مقرر و استانبولدن تداركي متعسر اولغله درگاه عالي  
 قيوچي باشلرندن زنجفلى اوغلى كبي مسخره في حيايي محصل اموال نعين ايدوب ايكي سنه دن  
 پروم ايلندن جمع مال ناميله تخریب ديار و تفريق رعايایه مشغول اولان اوزون يوسف  
 و توفيق عمر نام محصلرك اوزرينه حواله و نعين ايدوب كوندرديلر و قبودان پاشايه بو خواب  
 خر كوشى و پرديلر كه سن فلان ساحله واروب يناسد قدر زنجفلى زاده محصلردن شوقدر  
 يوز كيسه يي آلوب كتوروب مكانسليم ايتك اوزن اصمير ليشدر ستوم مقدار يني كريند كوتور شو  
 عقد اري سكا و بيله چكدرديد يلق قبودان پاشا اوزيره واروب دولت لونه سوزدر بوش لقاقي ايله  
 دو نمانچه كيدر زنجفلى اوغلي نيك زنجفنه فلان ايتسونلر اولقوله حريف اچمه ايرشدر ميه چكي  
 اشكان دزد يواستانبولده اچمه و يرلك اميد ايتد كك و زير خلوت ايدوب سن بوزرق قوليسون  
 مسكانه ديرلر سه اويله ايله بو حاحه نك محل دكدرديد قبودان دخی سويليه يم صاندى وزير  
 و هموز ايدوب سنك باش كسوب چونده يه اصارم و سوزنى دكار بر آدمي قبودان ايدرم  
 ديوب مكالمه قيوستن قيادى قبودان ناچار سكوت ايدوب كندى غريبه بوماه ايچنده مرحوم  
 مصطفى پاشا قزى خيال بوغ دعواسن ايدوب شاهد لري كتور دكك استانبول قاضي سى  
 يياضى افندى بلا خصم حكيم حجتى و يروب بعد روم ايل صدرى حنفى افندى اعتراض ايدوب  
 پاشا ديوانده خواجه زاده مسعود افندى يياضى يه نصرت ايدوب ايكي قاضي مسكر مقارعه  
 ايدوب چكشديلر خواجه زاده حنفى يه بره قزلباش قوجه اول دخی اكابره ديوانه سفيه ديوب  
 ايكي سى دخی بو نامعقول وضع ايله شهير اولوب كفتكويه باعث اولدى چاوش اوغلى محمد پاشا كه  
 سينا سدن معزول ايدى بوا ثمارده دار السعادة اغاسى سايمان اغايه انساب ايدوب قبه  
 نشين اولدى حيدر اغا زاده محمد پاشا كورجى پاشا ييله هداياى عظيمه و يروب دار السعادة  
 اغاسنه عبوديت و دفع شرايچون وزيره اظهار بندكى ايله مراجعت ايتمشيكن كند و زلزلنى حس  
 ايتمكه مشار اليه بر نامد ارادم اولد و غندن اعدامنه قصدي طويغله حيدر زاده بالضررون  
 اختفا ايلدى كند اسنى دخی صاقلندى ديار بكرى مجتم حسين چلبى كه مرد ميه مدرسيدز  
 حيدر زاده نك اجرائى مجلسندن اولغله اول اثماده غسته و صاحب فراش ايكن وزير ظرفندن  
 اوزرينه مباشر قونوب پاشا قنده در البته بزه خبره يرد يوكوز خيسنه آلندى احوال مصريه  
 و مشورت عجيبه جاذى الاخره نك بشنك مصر دن سابقا مصر ك چاوشلر كند اسى سيد  
 جعفر اغا نام كاوب عرض و محضر و دفتر كتوروب حضور همايونده مجلس مشاوره عقد اولنوب  
 مفتى و وزير و صدرين و دار السعادة اغاسى و سائرى حاضر و والده سلطان دخی وراء رده ده  
 حاضر ايديلر كن كاغلار فتح و قرأت اولوب نتيجه سنى بوايديكه بو سته مال مصرى طلبنه  
 نصيقت اولنور طلب اولتان بقا يا مقدمه معزول اولان طارخونى احمد پاشاده و بعضى دخی

حالا والى مصر طواشى عبد الرحمن پاشاده در كه دست غالبه در و بعد اليوم ارساله بحال  
 يوقدر زير اميرك مالى انجق مصرفنه كفايت جيب خرجلى اولان مال كشوفيه لركه التيوز  
 كيسه درعالا اوجيوزدن زياده يه بحال يوقدر اكثر مال اولطرفه تقاعد ايله كوندريلان  
 ايج اغالرى و طواشى اغازك علوفه و جرياته مصرفه در كر مال لازم ايسه كشوفيه  
 و ولاه مصر ك عواند سائر لرى و طواشى و سائر لك جريات و علوفه لرى و سائر هدايا  
 قطع يا خود تقليل اولنوب والى مصر اولنور عواند نامنه بر شينه دخل ايتيه يا خود بوجه  
 ثايد متصرف اولق اوزن احسان اولنه كر بوجهله اولور سه جيب خرجلى اولور و الا  
 لاي مشلر پادشاه حضور تلى نه دير سز ديو توجه خطاب ايتد كك وزير و حنفى افندى  
 معقول ديوب مفتى دخی يور ايني بكنوب معقوليني ثايد ايتدى پادشاه دخی دوات طلب  
 ايدوب خط يازمغه عازم اولد قدره خواجه زاده مسعود افندى كه هنوز جرف سويلوب  
 ساكت ايدى عمان باش قالد يروب پادشاهم بود عاجيكره دخی سويليكه اذن وارميدرد بديك  
 پادشاه كندويه توجه ايدوب سويله افندى سويله ديوسور يچق پادشاهم بونلرك اوجيه  
 مداهنه ايدر لولات مصر حالا اوچرودور دريك كيسه ايله معزول اولوب كاورل ميري طرفه  
 عايد اولان موادى كيم واخما خصو صنفه خلق متفق اولق اسكى بليمه دريو عرض و محضر  
 و دفتر والى اولانك راي و تعليمي ايله دروايلرك عايدى قطع اولسون ديد كلى مصرى ثايدا  
 آلق ايچون الطماع شككده بر كلام و اهيدرم مصر ثايدا اولور سه مستقل سلطنت اولنوب  
 الدن چيقار سرك حرمين شريفينه حكيم كزول اولدوغى ديار مصر يه الله اولغله در ديدى  
 اشتمد كى افندى نه سويلدى ديد كك والده حضور تلى كر چكدر سوزينكر ديويسور ديلر  
 قزل اغاسى دخی جواب معقول بودرديد كك احباب مجلسك مداهنه لرى ضاهر اوليچق  
 وزير عز صدر اتله مسعود افندى يه چين چين كوستوب افندى صوص بيله سوز سويله  
 ديد كك همان مسعود افندى بي پروا جواب ايدوب بونده ده مى صوص دير سك  
 بو حضور همايوندر حق نه ايسه انى سويلك كر كدر بونده كذب و مداهنه دين و دولته  
 خيانت در ديدى مجلسه و دشت دوشوب بو خصوص بر دخی كركى كى مشورت اولنوب  
 مجلس اخرده جواب متافى و يريله ديوقطع كلام اولندى بعد شورا حوالى مذاكره  
 اولنوب پادشاه حضور تلى لحم سكر ره صاقلوب ينه بولند يغلنك اصلى ندر ديو سوال  
 پيورد قنرند وزير و منلا و سائر حاضرين پادشاهم ات و اتمك و هر شى دولت كك فراواندر  
 مضايقه يوقدر ديد كرنه ينه خواجه زاده ميدانه آتيلوب معارضه ايدوب همچون بويله  
 مداهنه ايدر سز ديوب پادشاهه شوكتلو خنكارم حالا ترخ امور ينه تقيد يوقدر شهر ده  
 لملك وجودى بولنرهما سى سكر راقچه در لکن سموزا لركر لاه جه اوزلر ايكي شرا اچمه يه  
 صاقلور فقر ابابك مضطرب در ديدى وزير و منلا خواجه زاده نك بو مقوله جرأت و معارضه  
 سندن زياده دل كيو اولوب مجلس طاغدى خواجه زاده دن ماعد اسى باجمعهم مفتي نك  
 خانه سنه واروب كونه كونه كفت و شنيد ايتديلر خواجه زاده كند و خانه سنه واروب  
 عالمده اصلا بونلر قارشى ايرتسى خواجه زاده تنها حضور همايونده دعوت اولنوب



امور دولته متعلق بحکما ت خفيه اولدی اما ابو قضيه لخلق بيغنه شيعو بولوب  
 گاه وزير عزل اولنه جقدر گاه اغا چقا جقدر ديه اراجيفه باشلديلر وزير اعجز و اغايه واروب  
 اکر نبي عزل ايد جك ايسه کز عزل ايدك نفی ايد جك ايسه کز نفی ايدك نبي بولنه تشهير  
 ايتمه نك فائده سي ندر خلقك کيمي عزل و کيمي نفی و کيمي قتل اولنه جقدر ديه سوزلر پيدا  
 ايدوب لسانه دوستدم بويله حکومتدن موت اهورد ديو وافر سويلوب و الله دخی  
 تشکي ايلدی اما اغا و سائر مقرين تنها لر نه برمد بر وزير لا زمدر دير لر سو مجازات  
 خوفندن بر نبي اختيار جرأت ايد مديلر مصالح دولت مشوش اولد و غندن الم چکر لر  
 فکن کورجي پاشا کند و له انفع و اهون اولد و غيچون اندنه کچه مرل خريص متخوف ناصح  
 متصنح کی مردودين الامرين قالد قريچون ينه وزيرك خاطر نبي کوزه دوب دفع اراجيفه  
 و خلقك لسانتي قطع اچون نأ بيد اصدار ته متصرف اولق اوزن بر خط شريف و چنجر  
 و خلعت اصدار ته همت ايدوب مشورتك ايجي کونی ارسال ايتد رديلر احوال دوتما جامازی  
 الاخره نك او ائله قپودان علی پاشا دوتما ايله قالقوب اق دکره متوجه اولدی لکن سفاین  
 کفار بوغازدن طشهره کلوب اون طقوز قليمون اسکی استانبول اوکنده يائمش ایدی قپودان  
 دوتما ايله کليمولی يه اندن بوغازه واروب طشهره عسکر دوکوب کفار دن طوئينه ايله  
 صوبه کلن ملا عيندن بر دل طو توب سويلدوب آستانه يه کوندردی و وصولنه استنطاق  
 اولدق بواون طقوز قليمون کفارک قره غوللريد دوتماسی دخی کيروده در مراد لری بوغاز  
 حصار نه صاريلوب تحريپ ايتمکد رز دبانلر دخی تدارك ايتمشلردر ديو خبر ویر مکين بو غاز  
 حصار لری محافظه سپيچون بر قاج او طه پکچیری ايله يوسف پاشا سردار تعين اولنوب  
 کوندرلدي بوسيا قهرار جوفه پيدا اولد يکيه قپودان پاشا مغربه قاچمشدر بر کون مقدم  
 ايسه کند و دن مکتوب کلوب مضموننه کفار قليمونلری بوغاز اوکنده ياتوب آشکار  
 دوتما يي چيقار مق متعسر در ديو دفعه سفينه لر بو غاز ايجنه متفرق اولوب دوتما  
 بحقيمه جق ديو اشاعت اولنه يو خيله کفار منعکس اولغله حسن تدبير ايله چقمق  
 ممکندر ديو اعلام اولنمشیدی بورأ ي ارياب دولت و مفتی تزييف ايتمشلرا يدی حالا  
 فراری شيوعندن حيزت مستولی اولوب و اندن مغزول شهباز پاشا دوتما يه تعين  
 اولنوب فرار قضيه سن تحقيقه کوندرلدي و بوا تاده خاصکی اغا دخی قپودان پاشا يه  
 البته چيقاسن ديو امر ايله کوندرلشیدی کلدک شويله خبر کتور دیکه قپودان استه  
 دوتما کيمه ديلر لر سه ویرسونلر بکا قپودانلق لازم دکل اچيه ویر مديلر مصنح سوز ايله ايش  
 کور لسون در لر يدی سکر کی يه مالکم قورصا نلق ايله کچينورم کچن سنه بوقدر خسارت  
 اولدی حالا قليمونلر مزوق پکچیری بگا و اغالرينه انقياد ايتلر و دوکوشلر کفار اوزرينه نجه  
 واريور نري عفو ايتسونلر ديو ب مکتوبنه دخی بويله يازمش و زير و خبری معلوم ايدنکه  
 قپودانک مکتوبنی يره چالوب جهنه باشی بن قپودان ايد جك آدم بولورم اما ان شاء الله تعالی  
 کند و نك دخی حقندن کلورم دیدی جما ذی الاخره نك بکرمی ايكيسنه قپودان پاشا دن  
 وزيره تکرار مکتوب کلدی بوو جمله تدبير ايتمشکه چون کفار بو غازنا رجنه انا طولی

جانبينه اسکی استانبول اوکنده ياتور لردی بامش ارده يي قوپوب يکيگه خوب سکر يان يکيگ  
 کيلر يله بر ليله مظلومه روم ايلي کنار دن صد ايتيموب فنار يا قپوب چاقق بيله چا قدر يوبوب  
 کفار خبر دار اولدن بوغاز دن طشهره اولمشلر بعد قپودان دوتما کيلر يني کليموليه قوپوب  
 قره دن مدلولو قرشوسنه اول سکر يان کيلره مهمات يوکلدوب سکر کيلر يله ساقزه  
 توجه ايلدی اول ائاده استندیل اطه سنی اور مق صمد دغه اولط رفه توجه ايلدی  
 بزوده کفار کيلر ي صباح اولد قهر چکدر يلرک بوغاز دن چيقديغنی خبر الد قهر ديدنه بانلريني  
 صلب ايدوب دوتما عقبينه کتدیلر حکمت خدا فور ته اولغين کفار کيلر ي مضطرب  
 اولوب ليني اطه سی اوکنه لکر بر اقد قلر نه ملا عي نك ايكی معظم قليمونی و اوج ماونه سی  
 يان لنوب متضرر اولمشلر قپودان استندیل اور مق قصديله توجه ايتد کده کفار دوتماسی  
 عقبندن ايريشوب روز کار نامو افق اولغله قپودان پاشا تکرار ساقزه معاودت ايلدی  
 قره بتاق يک کير و ده بولغله مائنه کيلر ي اوکين آلوب اسير ايتد يلر صکره بر ييوک  
 کافر ايله مبادله اولندی اق دکره قورصا نلر دن يلان دلی نام قر قته جی دورت بش يان  
 قر قته ايله که جنک آور لوندا يله ملا مال ايد يلو اطه لارا سنده کز رکن اتفاق کافر قليمونلر دن  
 بری بر آطه نك رعایا سندن مال جمعنه گلش ايجنه اولان سولتائير ک اکثر ي چيقوب  
 اطه ده کند و عالمر نه قليمون يکرمی قدر کافر انجق و ارا يدی کنار ده ياتور کن مزبور يلان  
 دلی هجوم ايدوب قليمونی فی الحال فتح ايدوب يلکنلرين اچوب از مير جانبينه چکلد يلر  
 ايجنه بولنان اموالی اغتنام و اقتسام ايتد کد نصکره قليمونی از مير ده اوج يک غروسته  
 صا توب اچيه سنی ياياشد يلر کذلک بوغاز ده يتان کفار علوفه کتور رکن بر قليمونی دخی  
 قورصان غاز يلری آلوب اغتنام ايتد کبری خبری کلدی جما ذی الاخره نك بکرمی  
 اوچنه حيدر زاده محمد پاشا يه عنایت ياد شاهی اولوب انا طولی جانبينه بوغاز حصار ی  
 محافظه سنده مأمور يتنه خط همايون صدر ايتمکين چيقوب محل مأمور مسارعت  
 ايله وزير ک استئقال و تضديقتدن قورتلدي و بوغاز حصار ينه کوندر يلان يوسف  
 پاشا آجه اباد طر فلر يني محافظه يه مأمور اولدی و مير علم حسن پاشا قپودان ايله  
 چيقان سفينه لر ده ایدی محافظه سنده مأمور اولد و غی بوزجه اطه يه وصول بولدی بعد  
 قپودان علی پاشا کريد واروب مهماتی اولشدردی و لکن بوسالنه کندی ايله چندان  
 مصاحت کور نمکله عزل اولنوب قپودانلق درویش محمد پاشا يه ویرلدي قپودان مغزوله  
 مور ویرلد کد نصکره قيد و بند ايله آستانه يه احضار و حبس و يوز کيسه سی مصادع  
 اولند قد نصکره اطلاق اولندی و اسير کدن چيقان قره بتاق بيکه سنجاق ویرلدي  
 منفی اولنلر جمله استانبوله کلسونلر ديو طرف همايندن نئبيه اولنوب وزير ممانعت  
 جانبين طو تد قهر پادشاه ابرام ايدوب البته کلسونلر اکر صوچلری و ارايسه قاضيه سکر لر  
 استماع ايتسونلر يوخسه بر الای مسلما نلر نچون غربت چکر لر ديو خط شريف اصدار  
 ييور مغله جمله سنه اطلاق امر لری کوندرلدي بعض عقلا بوخصه وی خواجه  
 زاده القاسيدر دیدی بوقمه د نصکره کورجي پاشا نك کوکب اقبالی هيو ط



ایدیوب رونق تعینی کتب که اضلاع و زطوئی یاد متضاد عالیه دو  
چندقد نصبره اسکند ارباعه سنه واروب کراس قصبله اندک کلندیلو بر کون مفتی  
و تعیب و صبرین و دفتر داروزیرایله اسکند ان یکوب حضور همایونیه دو تماخو موسی  
ایچون مشاوری اولدی حتی پادشاه بالذفات دفتر دار عتاب ایدوب سن بونجه تسایم  
وارد دیستندک دفترله نظر اولندی اصلی یوق یچون کذب سوپوسن و ایستندم  
پش رده یالولک و ارایش دید که دفتر دارخیر پادشاهم فوت اولان دفتر دارک سرایی  
یوقو لکه احسان ایتیشیدک تا تمام اولغله اکابردیوار چکندم دید که کذب ایدوسن  
التولی اوطه لریا یارمشی سن یالولده باغچه بنا ایدرمشی سن نم مالی کند و هوا و هو سنه  
صرف ایدرسن خزیننه ده اچیه یوقدر دیر سن دیو و افر عتاب ایلدی فی الحقیقه اغالز مانده  
الی هندالان خزیننه ده اولان مضایقه دکه زمانده کورلمشی ایدی مال میری متغلیه  
و خونه یغما سنه کیدوب میری به تسلیم اولان اچیه لدخی هزار حیلله ایلله و مصنیع تمسکات  
و حج ایلله مغشوش الحاسبه اولد و غندن خزیننه ده اصلا موجود بولنر ایدی حتی اغالی  
زمانی موصل مانندن اون الی یوک اچیه میر میران قره احمد زاده دن طلب اولند قله  
صلقم داستی میر زاده دردیو بکتاش قوتیلله داسنی اوزرینه دردمت قیدایتی دیوب اقرار  
علی الغیر شکله بر حجت مزور دخی یازلمشیدی دردمند داسنی اول بلادن فرار ایدوب  
قتل اولمشیدی کذلک طرابلس شام مال مقطوعی که طرابلس عمری پاشاده ایکن  
بالذفات میر میران اولان ارنا و محمد پاشایه ویر یابوب عمر پاشا کلد که الی بیک  
غروش طرابلس مالی طلب اولند قله خلفم ارنا و محمد پاشانک زمانه مصادف اولوب  
قبض ایلدی دیو اکاحو اله ایدوب هر چند قانون قدیم حساب قسط الیوم دردیو  
محاسبه مطالبه ایتد که قسط الیوم دکل موسمدر موسم اکادوشدی دیوب مقتول چلبی  
کتخدا یه بعض هدایا و وسایط ایلله التجا ایدوب آخر ملک احمد پاشا صدر تله باش  
محاسبه جی بولوی محمد افندی یه کتخدا بیک طرفندن اقدام اولغله بالاخره بقول خود  
فیوشر ح ویر یابوب و محاسبه سی یاز یابوب اول اچیه ارنا و داوزینه حاله اولندی محاسبه جی  
افندی هر چند یو اقرار علی الغیر درشر عا و عقلا معتبر دکلدر دیه کوردی محاسبه  
اولیوب کتخدا ابرامیلله محاسبه تله کره سی مهر لنوب تسلیم اولندی بعد ذلک که  
کور جی پاشا ایامنه یه طرابلس عمر پاشایه ویر یابوب ارنا و داوزینه زنجلی اوغلی مباشر  
کوندلدی اون بش قدر کیسه و یروب سائرین انکار ایدوب مرقعه ایچون استانبوله  
زور راه اولدی عمر پاشا دخی ابشیر خوفندن ضبطه قادر اولیوب بلکه دخوله قادر  
اولیوب بولله صویلوب مرعشه چیقوب اندوز بر اعظمک اوغله ملاقات ایدوب اندن  
قوتیه یه کلوب اندن قاطری اوغلینه ملاقی اولدی بی اجمالی بیان اولمشیدی الحاقه  
هذما استانبوله کلوب ارنا و دایله بالذفات مرقعه لر اولوب فیصل بولموب سائر احوال  
میری بوکه کورن مختل و معطل اولد و غندن خزیننه ده مضایقه کورندی و با جملله داره  
معاشی ناس هر کون تنک اولمایدی وزیر کورجی پاشانک ضعف رأی و تدبیری

و متعینان و مقرینه مغلوبی مقرر اولغین تحصیل و استقلاله عجزدن ناشی مستند  
صدارت اولغوی طردونی ایدوب اظهار غرض سببیه عقلا دن برناحی و اعیان دن  
دارالسعاده اغا سندن غیری طهری قالماشیدی اغا استیفای حظا تمکله حایثه فتور  
کلوب پاشای مذکور مضطرب الحال اولمشیدی علی الخصوص لاطولی صدری خواجه زاده  
حق کو باغله معروف اولوب وزیر و مفتینک اصباحه بعض مداهنه رینه بماشات مرتبه رینه دکه  
جرات ایتیشیدی وزیرایسه اجوبه مسکنه ایلله الزامه قادر اولیوب همان بیر لکله  
افتخار ایدوب بر صفا لری دین و دولت اوغورنده اغارتدق سن نم اوغلم رینه سن دیکدن  
غیری سنوز ارادایم مدیکندن خواجه زاده نک کلامی اصوب و نفس الامر و حقه اقرب  
مشکله واقع اولوب وزیر بونجه دفعه ملزم و مقیم اولغله حضوردن تخلص ایلله چقمشیدی حتی  
پرد فعه والد سلطان حضور ناری و راعتق عصمتدن وزیر بیره اختیارلق ایلله افتخار صد دنه  
عتاب ایدوب بقه پاشا بقه اق صقال قره صقال حساب دکل تدبیر اق صقالله اولمر عقلا  
اولو رافندی نه دیوسه همان آئی ایشله و جمله اموره انکله مشورت ایدوب زهار آیندن  
تجاوز ایتیه دیسیله مسعود افندی نک نشو و نما سی خردن یکدی حتی سلسله اموری  
لک رأینه تفویض و حواله اولنوب بومعنی اوزن شیخ الاسلامه خط ورود ایلدی اولدی  
قرنی مسعود افندی یه کوستر دکه بعض موادده اعتراض و نقض و ابرامر ایتیکله قره رجبه  
دخی سلسله اولیوب شعبانه تأخیر اولندی مفتی یه و حنفی یه سویاند کچه شعبان دور  
اینسون بعد دیو جواب ویر لر دی مسعود افندی نک بواسباب ایلله تعینی زیاده اولوب ارباب  
دولتک اکثری علی الخصوص دفتر دار پاشا و میریدن متعیش اولملر کمال احترا اولیله کندویه  
قطیم و توقیر معامله سن ایدر لر ایدی حتی سلاج جمادی الاخره ده مرقدا بی ایوب انصار بیده دعا  
اولنوب بعد الدعامورخ دفتر دار اسکله سنه مسعود افندی یالیمسنه وارمشی نقل ایدر که  
دفتر دار پاشا طرازانی صمد اله بنمش کمرک امینی حسن اغا اوکنده یالی اوکنندن یکرکن  
مسعود افندی یه سلام و آشنالوق انتظار یله قفسلی بهخره یه طوغری متوجه اولدی  
افندی باش کوستر دکه همان دفتر دار پاشا و امین صمد اله قیام ایدوب دست بر سر رکوع  
واری سلامه قدرین حمیه ایدوب یالی اوکنندن کچیه قیام ایتدیلر افندی اینه اشارت  
و أسله سلام آلوب ریدن حرکت جزئی کوستردی و استانبوله ارا حیف پیدا اولوب  
گاه ابشیر پاشا حوادی کاه کفار کیلری بوغا زه کلک غائله سی سویانک ایلله محترم لالنه  
فرصت دوستوب هرشی عزیز و ذخائر ک قینی زیاده اولوب خصوصالحم غم قلت اوزن  
اولد و غندن مسعود افندی زیاده فرجه اولوب یار غار قدیمی طرخوبی احمد پاشای وزیر  
ایتمک ایچون دائما کورجی پاشانک طرف خلافت اولوب اگر حضور همایونیه اگر جمعه  
دیو انلر نه وزیر ایلله معارضه و مشافهات و معاتبات و مخالفات ایدر اولدی  
ما بینلر نه بوجهدن کدورت و عداوت حددن یکوب وزیر اکثری مجلسنه اه  
لناطولی قاضی عسکری چلبی بی ائه طور امدم بو اوشاق ایلله طالع بجه اولوردی و حضاره  
مشکات ایدر لر دی یوسو ز مسعود افندی یه منعکسی اولد قله اولدی بی طمعکار متوه



عن اصنافی و اهل حرفتی تمام حقار سن یا شهر دات و یا عیوی شی <sup>نجه</sup> یللسون و زیاده  
 بهاره <sup>نجه</sup> صانلسون اگر بن خاش اسم بود دولتند <sup>نجه</sup> چون خدمت ایدرم اگر سن خاش ایست  
 جزاکی بولوق کرکسن دیردی مسعود افندی والد سلطان و پادشاه جهانک نظر التفاتلرند  
 اولغله کیده رک بوسوزلی وزیرک مواجهه سنه سویلر اولدی حتی وزیره سن هنوزاده  
 دیون ایتمدم دیر سن حال بوکه خدمتکنه اولنلر تذکره چی و کتخد اصراری دلاور و سائر  
 بومثالو آدمک دولتستیلای عام ایدوب هر بری یوزبیک غروشدن زیاده جمع وادخار  
 ایتیشلر در سن عقد ارشی ادخار ایتیک اگر کسن دیو خارج از ادب <sup>نجه</sup> سوزلر سویلیدی  
 وزیرک برکستخ خزینه داری وارلیدی یاننه مقبول القول و نافذ الکلام اولغین  
 امور استیلا و افراط اوزن ارتشا ایدوب بشیوز کیسه پیدا ایتدوکی عالمک معلومی  
 اولغله سمع هایونه ایریشوب خزینه داری چقان سن دیو بر خط همایون اصدار ایدوب  
 بالضرر و خزینه دارلقدن چقارمش ایدی اما پاشانک خزینه دار حسن ظنی و ارتباط  
 قلبی اولغله کچه میوب بواشارده دارالسعاده اغاسنه رجاوانک و ساطتیه شفاعت ایدوب  
 ینه یاننه الوب خزینه دار ایتیشیدی مسعود افندی بوماده یی دخی ذکر و تفریع ایدردی  
 رجبیه پادشاه اسکدار با غیبه سنه کراس فصلی وقتنه انده ایدیلر سرای پیشگاهنده  
 واقع جامع شریفه هر کون ات ایله چیقوب اوقات خمسہ یی جماعتله ادا ایدرلر دی و ابازه  
 حسن اغا که بود قدر جنک وجدال ایله مطلبی اولان ترکان اغالغنه نائل اولمشیدی ترکان  
 مالندن ارسالی لازم اولان خزینه یی تماما کو ندروب والد شهید و وقفه عائد اولغله  
 اسکدارده دارالسعاده اغاسنه تسلیم ایتدیلر پادشاه حضرت تلمی اسکدارده برقاچکون  
 مکث ایتد کارنید نصیرکمره عزتله قندیللی با غیبه سنه نقل بیور دیلر مقدمه نفیدن فرار  
 واختفاییدن کتخد ایست که چوبان قاسم در اطرافه یکریمی کیسه پان لیوب ظهور ایدی  
 و مصدوبی عمری ایسه پاشا و مفتی رجا ایدوب ظهورنه خط الدیلر لکن مسعود افندی دن  
 امین القلب اولمقد قلوبی اجلدن مرحوم عبدالاحد افندی ینک جانشینی سیواسی ابراهیم  
 افندی یه رجا ایتدیلر مسعود افندی ایله اختلاطی و محبتی اولغین نیاز ایتد کمرند مسعود  
 افندی جواب وروب والله اگرچه خط آکشلر اما انک صوچی قاسم اغاماده سی کبی  
 دکلدر حرم خاصه خصوصی چوق مقتول اغاری اضلال ایدن اول ایدی دیرلر هله  
 بن چیقسون دیوسری تغیر ایدم چیقارسه کند ویلور اخذ اولنور سه بزه عتاب  
 ایتمه سزدیودفع ایلدی غره رجبیه قدسی زاده نفیدن کلوب خانه سنه او تورودی  
 جمادی الاخره ده قره چلبی زاده عثمان چلبی وقات ایتیشیدی اوائل رجبیه سایکانه  
 مدرسلرندن علی یار افندی دخی فوت اولدی وزرادن چاوش اوغلی محمد پاشایه ملاطیه  
 سنجاغی اربه لق ویرلیدی متسلمی کتدی و قاطرچی اوغلی کثرت شکاتنه بناء قمرانن  
 سلفکویه نقل اولنوب قرمان سورنازن مصطفی پاشایه ویرلیدی بواشارده کریددن خبر  
 کلدیکه کفار متعینلرندن بر ملعون اسلامه کلکله سردار غازی اکاعظیم التفات ایتیش  
 سردان بره هی دولتو بکا ایکی بیک غازی قوش سکا ق طایفه یی فتح ایدم دیر ایش

سردار بره هی قبات سیانه سو بله آق طایفه <sup>نجه</sup> فتح اولور که جمیعاً تحت الارضی لغمد رذرا ایش  
 مکر ملعونک حیلہ سی وارا ایش حیلہ سی کار کر اولما غله برکون اتباعیله مرتد اولوب  
 قلعه یه قاچش بواشارده برقاچ بیک کافر ایله چیقوب اردو بی باصمیش غزاة غافل بولنما غله  
 خیل جنک اولوب <sup>نجه</sup> غازی شهید اولدی لکن یو کرو هندن کسنه قورنایوب ملعونلر جمله  
 طعمه سیف اولمشلر عزل کورچی پاشا و صدارت ترخونچی احمد پاشا پاشای مشارایه  
 مصدر دن عزل اولنوب مصر طواشی عبدالرحمن پاشایه ویرلید که عبدالرحمن پاشا  
 کندویه جفا ایدوب قصه یوسفه حبس و واقعه ما لنی الدقدن صکره شو قد رماله  
 متعهدم دیو اگر اه شکند غنغله بر حجت دخی ایتد یروب آستانه یه کوند رمشیدی پاشای  
 مر قوم آستانه یه کلد که سلفی امیر پاشا ایله دخی محاسبه سن کوروب بویا بجه موقوف ایکن  
 کورچی پاشا وزیر اولد قد ترخونچی احمد پاشانک رشدا یله اشتها یی و تعینی اولغین مضم  
 ایدم میوب اضلال و ازعاج قصد یله بالدفعات دیوانه مرافعه لر اولوب بالاخره کندو یی  
 یدی قلعه یه و اتباعی با با جعفره قویوب برکون کندو یی یاننه سنجاغیله طردونقی ایتیشیدی  
 اول دخی منکوب اسلا نیکه واروب انده اسایش اوزن ایدی دکری سبق ایتدیک اوزن  
 کورچی پاشا قفق و رأی امور ده کلایل الرأی اولغین عجزی سببی ایله مصالح مهمه عا طل  
 و نظام دولت مضحل اولوق علایمی کورند که رغبتدن سقوطنه سبب اولوب خصوصاً  
 خواجه زاده نک تقریعات و تشنیعاتی ایله بالکلیه ایش کورمکدن قالوب خدمت  
 صدارتی مشکون اولما غین تبد یلنه عزم و جزم ایله مشورت ایتدیلر مفتی و نقیب زیرک  
 زاده البته ینه سیاوش پاشا کلسون قزل اغاسی سلیمان اغایه دخی زهر حالنه متکفلزدیو  
 ایمان و تعهدات ایتد کمرند سیاوش پاشای کتور مک مقرر اولحق حالا والد حضرت تلمینک  
 پاشا اغاسی حاجی ابراهیم اغا والد ایله بو خصوصی در میان ایدوب مفتی و نقیب ایله سلیمان  
 اغا اتفاق ایدوب وزیر ایدر لر سه بر دخی سزک دولتله حکم کمر و نفوذ کلا مکر قانلر جمله  
 یو امور دولتو بواج حریف استیلا ایدر لر جمه و رک اموری انلرک رأی و رضاسنه وابسته اولور  
 ایددی بهر حال انلر ایله مشورت اولوق سزین وزیر سزک مختار کز کردید که رأی و سوق  
 دلنشین واقع اولوب بو خصوص مسعود افندی ایله در میان اولند قله ابراهیم اغانک تدبیرین  
 ئا پیدا ایدوب مد بروکار دندر دیو احمد پاشای سوق ایلدی اولده مذکره سی و خفیة  
 سوق و تعریف ایتیشیدی اول ساعت ترخونچی احمد پاشای علی الاستیحال کلک اچمون  
 خط شریف اصدار اولنوب موجبنجه امر ویره سن دیو وزیره دخی آدم کوند ریاوب اول  
 دخی امر یزدیروب مأمورا و لنه ویردی لکن عجیانه مصباحته کلوردیو شبهه یه دوشدی  
 لدی الوصول احمد پاشا سلا نیکنن ایلغار ایدوب رد و سنجغه کلد که بو غازه مأمورا  
 چیقوب انده ارام ایدن وزیر حید را غازاده ایله آنده ملاقات ایدوب ابکیسی دخی کورچی  
 پاشا دن چکد کری محو شد ایدی سویلشدیلر و بر لر یله کمال مودت و مضب فاته  
 عهدلشدیلر اندن احمد پاشا استانبوله کلوب سلیمانیه جامعنه صلاة عشاءه تبدیل  
 صورت مسعود افندی ایله بولشدیلر و بر کوشه ده لازم اولان احوالی سویلشدیلر



مسموع دافندی والد خضر نلرینه خفیه احمد پاشا نك خبر و صوان اعلام ایلدی  
 کیفیت عزل و اخذ مهر همایون علی التفصیل مسعود افندی و سایر حضاردن بوجه  
 منقول که مورخ نوعی زاد دن استماع ایتمشکه کورچی پاشادان احمد پاشا نك کلسیچون  
 لمر طلب اولوب اصدا رو تسلیم ایتدکن صکره و سوسه یه دوشوب صیانت منصب  
 و دفع تدارکنه بویه تدبیر ایتمشکه بوقدر پاشا لری بوغاز محافظه سی نامیه از عاج  
 و اخراج ایتدین اناطولی قاضیه عسکری و حالا وزیر اعظمی دخی عزل و بوغاز نفی ایتک  
 تدارکنه بر قاج آیدم روزیر دکشمک نه قبیح ایشدر و قاضیه عسکرک وزیر عزل و نصبند  
 علاقه سی ندر دیو سیاه طائفه سنه تسلیم و جمعیته تحریک ایدوب اغالردن و سائر لرین  
 بر قاج استمهارینه بر مقدار اچقه و یروب قاضیه عسکری بر طرف ایدر سکر سزده شومقدار  
 می و یوره یم دیو یاقاظ فتنه یه منشر اولمشکه سپاه ارمیه مسعود افندی بی ارادن قالدیره  
 اما مسعود افندی نك دوستی چوق خبر ایدر لر اول دخی والد یه خبر اوچروب احمد پاشا  
 کلدیکی کی دخی به وجهله رأی و تدبیر ایتدیلر که ماه رجیک اون ایکچی اربعا کونی وزیر  
 بر خط همایون کوندلدی مضمونی یاربین یوم خیمسه صره چقا جقدرو احمد پاشایه  
 شام منصبی ایچون خلعت الباس اولنه جقدرو سفر همایون ایچون مشاور و اردر که سن  
 دیو یوریلوب مفتی و صدرینه و یکچیری اغا سنه و سائر اعیان دولته بلوک اغا لینه  
 و اچقه آدم کوندریلوب ذکر اولنان وجهه اوزن جمله سی حضور همایونه دعوت اولندی  
 هنوز مهر کورچی پاشا نك ائنه شاید بر فتنه احداث ایدر دیو صره بی بهانه ایدوب  
 احمد پاشایه شام صداسی اشاعت اولمغله حسن تدبیر ایتدیلر علی الصباح وزیر  
 و مفتی جمله سی یالی کوشکنه واروب عظیم دیان اولوب صره آلائی قیوچی باشتیار ایل  
 چیقاریلوب اللی بیك التون نقد و محفل شریف کوندریلوب بعد ذکر اولنان ارکان حاضر  
 اولوب حضور همایون طشره ده برره قعود ایلدیلر اول مجلسه دو نهای همایونه متعلق صد  
 آچمغله مسعود افندی ایل و وزیریننده مهمانده تعصیراته متعلق مشاجره لر اولد قده یکچیری  
 اغاسی وزیر نصرت ایدوب افندی هیچ سن دریا سفری ایتدکی قلیون اولمغله قلیونه نجه  
 واریاوردید که مسعود افندی جوابنده اغایه بقه پاشا بن دریا سفرینه و ارمدم اما واروب  
 ایش کورمش آدم لرله چوق سویلشدم دولته اولندن بو آنه کلجه آل عثمانک دونماسی  
 قدرغه اوله کلشد رحری قلیون قوللندی یی یوقدر محفل کوزلیوب سکون هوا قدرغه لر  
 قلیونه چاتوب فتح ایتدیکی نجه کوه وقوع بولشد راما بودولتل جنکچی و کورچی ویرمدی  
 متمنع الحصول برارده مال تحصیل وفلان سا حله دو نمایه ارسال ایلده دیه زحمتی اولی  
 دید کاری کذاب تعین ایدوب و بوش لقلقه ایله قبودای باشدن صاوب و دو نمایه کورتورم  
 و معطل بولادی و شمدی قبودانی ایچ وکل دیو دو نمایه دعوت ایدر یاری اول طشره دن  
 فرصت کوزلیوب ایچروندن دو نمایه کاینبی مهمات ویراسه مصاحت کورلک متصور ایدی  
 دیدی او محل دفتر دارا شاسوزده کاوب وزیر اعانت صورتده افندی حضر نلری چاق بود کاو  
 صاحب دولت افندی یزه پلک سویله دیه بن صاندی بر کره دفتر دارک یوزنه چا غروب

بیانه سوبله سفک نه حد کن رسن بر حد متکار سن خد متک ایله مقید اول دیوب  
 دفتر دان کمال بخالتندن اجراء وجه عارض اولدی بوشاده خاص اوطه باشی بر خط همایون  
 کتوروب وزیر صوندی وزیر آلوب بن او قومنی بلم رئیس چاغر سونلر دید که مفتی یا ننه  
 او تورردی زاقویه لم دیو آلوب او قودی دیمشکه سنکه وزیر مسن مهریمی وزیر سن  
 او محل پیرک اللری دتره مکه باشتیلوب نیه اوغرا دیغن بیلدی مهر کیسه سنی قوبندندن  
 چقار مغه شروع ایدوب غیطانی دو که یه بند اولمغله چیقار مقندن عاجز اولوب شونی  
 چوزی ویرک دید که خاص اوطه باشی اوکنه او تروب چوزوب اننه ویردی اول دخی آلوب  
 اوطه باشی یه تسلیم ایلدی مهر ایچر وکتدکن صکره هر کس باش اشاخ اییوب  
 سکوته واریدیلر کورچی پاشا فتح کلام ایدوب بو نجه یالاق قوللغ که جمیع سفر لرده و سر حد لرده  
 عمر کوردیم یاق صقالی دین دولت خدمتده اغا رتد میندن مهری آلق پادشاهه لایقمیدر  
 کور دیکر می خدمت نجه بیلنو رمش دید که نیه هر کس سکوت ایلدیلر همان مسعود  
 افندی قاش چاتوب ارکان مجلسه خطاب ایدوب افندیلر پاشا لری سویله سکره  
 نه طور ر سز مکر پادشاه مزمهرین بو معنوه دن آلمغله ظلمی ایتش اولدی بره معنوه  
 سن تدبیرات مصالح دولته عاجز و قاصر اولدوغکن غیر ی خیانتک دخی ظا هر در  
 یکن کوندلده اناطولی قاضیه عسکری و ارایکن بکا وزارت کرکر مهری آل سونلر کیه ویرلر سه  
 ویرسونلر ائنه زمانه وزارت ایتک قابل دکلدر دیمه دکی استنه بومهر اول آل سونلر  
 دیو استغنا ایتد و کلک مهر در نجوب نظم ایدر سن اتباع و لواحق که دولته از می خیانت ایلدک  
 یشور دید که پاشا و سائر لری مبهوت اولوب بر حرف سویلدیلر اول محل خاص اوطه باشی  
 چیقوب جمله ارکانی ایچر و دعوت ایلدی عومما قلیوب متوجه اولد قلدن کورچی پاشا  
 دخی قلیوب جمهر ایلله معا یچر و کتمک استد که بو ستاچی باشی اغا کوسنه وضع ایدوب  
 سز او تورک پادشاهک حبسی سز و مجوزه بی چیقارک بویه فرمان اولنشد دیو منع ایلدی  
 اول دخی او توروب مجوزه بی چیقاروب دستارینی کتوردیلر کیدی بونلر اچر ویه حضور همایونه  
 کیر دیلر قزلر اغاسی و سائر اراج اغالری ایاغ اوزن طوروب پادشاه تخت اوزن او تورردی  
 ورا پرده ده والد سلطان طورردی اول محل پادشاه خطاب ایدوب وزیر کیی ایلد لم نه دیر سن  
 دیو یورددی مفتی افندی اسلوب حکیم اوزن مدح و ثنا ایلله سوزا چوب شوکت و خنکارم  
 عجب اثر حسنه و خیرات جمیله یه موفق اولوب مشوبات عطیه احر از یوردیکر که حر میت  
 شریفین فقر اسنه نقد فلوری صره کوندر دیکر اکثر مصدر دن کوندریلوب بون دن نقد  
 فلوری کوندلر ایدی بوجهله پادشاهک کمال هنر ایلله وجوده کاوب خصوصاً بخدمت  
 نکمیلنه بذل دقت ایدن اغا قوللری دخی حقا که پسندیده اوله حق مصاحت کوردی  
 سیاقده پادشاهه خیر دعا و صبره استخسانه متعلق اغایه دخی شاء و والد یه اطرا ایتکی  
 مد ارتطویل کلام ایلوب یارم ساعت قدر سامعینه کلال که جک مرتبه اطناب ایلدی  
 پادشاه نکرار اعاده کلام ایدوب وزیر کیی ایلد لم دید که جمله سی اطرافه نگاه ایدوب  
 پیچود طور دیلر پادشاه نکرار سوال یورد قلدن نیه مفتی جواب و یروب فرمان پادشاه کد



هر گینه احسان ایدر سه امر کند و اینک در دیدگاه والد حضرت ناری و راء پرده دن سوزه کلوب  
 بوجلس بوخصوص ایچون عقد اولمشدر نچون سوزیلر سز البته کیمی وزیر ایشک کرکدر  
 جواب ویریکزید کده بونلر زمان اطراق ایدوب بعد مسعود افندی سوزه کلوب سعادت او  
 پادشاه حضور هما یونکرده بی ثانی سوق کلام مشکدر امر کله طشره چیقوب بوخصوص  
 مشورت اولنسون دیدکده ایدی وارک سویاشک دینلندی کروه ایله جمله سی طشره  
 چیقوب وافر کفکتو و مشورت ایتدیلا کرچه مرادها یون معلوم ایدی اما پیچر بیسی فلان  
 اولسون دیکه جرأت ایتدی تا که وقت طویل پیدر اولوب اکلمدیلا خاص اوطه باشی  
 کلوب نکرار اچر و دعوت ایلدی وار دقلر نهینه سوال یوروب جمله سی سکوت ایتدی  
 پردخی طشره چیقوب سویاشوب نه حضور کیروب مفتی جوابه نصدی ایدوب پادشاه  
 فلان بنه کزی وزیر ایله دیک حدیث دکلر نهها بت نبرکاو تمنا سز برنی بیورک مبارک  
 لسانکزدن صدور ایلسون بعد انک لیاقت وعد ملیاقتین بسوق ایدوب احوالی بیان  
 ورد و قبول موج اولانی عیان ایدوب کون لم دیدکده پادشاه بالذات ایدی بن مہری  
 گریدده سردارم ارلان حسین پاشا لالامه کوندیرم دیدکده نه مفتی جواب ویروب  
 امر خنکار مکدر حسین پاشا برمدرو راز آمدرو هر وجهه عنایتکزه لایق امتکد ارسنه کردر اما  
 مهر اکا کند کده ظاهر ایدو نه بر قائم مقام لازم دقنی قولیکری تعیین بیورر لر دیدکده  
 احمد پاشا لالامی قائم مقام نصب ایلدم دیو بیور دیلا احمد پاشا حاضر ایدی یراویدی جمله  
 مبارک یاد دیدیلر اندن پادشاه نه دیر سز حسین پاشا ایچون نه کوبه رأی کورر سز دیدکده  
 مسعود افندی سوزه کلوب نه استئشان ایچون طشره یه اذن آوب چقد یار کفت  
 و شنیدد نصکره دفتر دار پاشا و یکچری اغاسی و بلوک اغازی سوزه کلوب اگر مهر حسین  
 پاشایه کیدر سه یوزیک عسکر کرید و ارمق لازم کلور والی موجب کریدده اولان غزاته  
 ویره جک واردر یونلر دخی ادنی مرتبه بریلاق مواجی تقد کتور منجه کتزلر بوسورنلر  
 بوجه نقد دورت بیلک یوک انچه کرید کوندیرلک لازمدر و یکچری یه پوستال بهاوسا و  
 مهمات دخی بقدر شنی لازم بواوله حق ایش دکلر دیدیلر نکرار کیروب استجواب اولند قل  
 جمله سی سکوت ایتدیلا اخر مسعود افندی حنفی افندی یه خطاب ایدوب بهی افندی  
 عجب لک واردر بونجه سوزلکه سویلر نه طشره و نه ایچ وده سن بر سوز سویلر سن لسلک  
 یوقی پادشاه من جواب استرلر جواب نه کونه قرار ایتدی ایسه بیان ایت دیدکده حنفی افندی  
 دخی سکت الفانطق خلفا و اسفجه لسان جرأتی تحریک ایدوب پادشاه حسین پاشایه  
 مهر کیدر سه اند اوللر الی موجب ویره جک وارو حال کید جک عسکر دخی یوزیکه قریب  
 اندرک مواجیلری و سائر مهمات دورت بیلک یوک انچه یه قریب خزینه لازمدر دیدی مفتی  
 و سارری دخی و کلامی تصدیق ایدوب کویان همزان اولدیلا اول محل و راء پرده دن صاحب  
 مقام حضرت ناری نطقه کلوب یکچری اغاسن و بلوک اغالین مخاطب اتحاد ایدوب حال دولته  
 خزینه مضایقه سی جمله ک معلومیدر و اول دورت بیلک یوک انچه بی شمعی استمک شمدیلک  
 همان شویاچه کیدر لیسون بعد کوندیرلسون نک همان فتح میسر اولوب کرید غایله سی

بولسون دیدکده حضار جواب ویروب دولتلو سلطانم عسکر اول دورت مواجی المفسرین  
 کتمکده بوجه امکان بقدر طو تالم شمعی بوند اغالر امر یکزه امتسالا نوله کیدکده لم دیشلر  
 و کتمش قول کتزلر کیدر لر سه ده اول آدمیری قنایه ویروب فساد ایدرلر ایش بتمز اول  
 خزینه بی نقد کوندیر مکدن غیر یچاره بقدر دیدیلر اند نصکره با جمله حسین پاشایه  
 مهر کتمکده بویله بر محمد و رومانق قوی واردر دیدیلر بعد اعاده سو ال ایدوب ایدی  
 غیر ی کیمی تدارک ایدر سز دینلر کده نکرار طشره مشورته اجازت اولوب مشورنگاه  
 اولان عظیم کفت و شنید ایدوب جمله سی عقلی نشد یکی مرتبه سو یایوب  
 ترکشالین یوشالند یلر اخر مسعود افندی سوزه کلوب بیلک کره مشورت اولنسه  
 ایش بتمز پادشاه من جواب استر بوش سوزایله مصاحبت کورلر حالانصب وزیردن مرادکده  
 مهمات سلطنتی تمشیتدر اولادونما احوالی ثنیا کرید احوالی ثالثا یونلر اولان مواجیات  
 و مصارف احوالیدر هر کیم بواج مهمی تمشیت ایدوب کورر سه مهر اکا ویرلک کرک حسین  
 پاشا مهر صاحبی اولدی بی تقدیر چه دخی بوند هر کیم قائم مقام اولور سه بومهم لک تقیدنه  
 مربوطدر چون قضیه بوموال اوزن در دیو مشاقه محمل اوله حق حالا قائم مقام اولان  
 ایشو احمد پاشا حضرت ناریلر همان تعهد ایدر سه مهر بوند ویرلک اولی در دیدکده مصراع  
 سخن آینست که این نادن کومیکوید دیو جمله سی رضی الله عنکم غایت کلام و نهایت مراد  
 یودر دیوب احمد پاشا یه دونوب نه بیورر سز بوجه اوزن ذکر اولان مهمات ثالثه بی  
 کاهوالو واجب تمشیت و ادایه تعهد ایدوب بونکره آلور میسز دید کلر نه چون قضیه  
 اتفاقیه ایدی احمد پاشا دخی آلورم و تعهد ایدرم دیو جواب ویر یجک بالاتفاق حضور  
 همایونه کیروب استه پادشاه شول شرط اوزن شول رأی اولندی و غایت شادر  
 و تدبیر بوسوزده قرار ایتدی دیو عرض و تبیین ایتدیلا پادشاه دخی احمد پاشا بی تحت  
 پیشکاهنه چاغروب پاشاه دیر سن بواج خصوص که بری کرید بری دونما ویری  
 یونلر موجب و مصارفه مال یتشدر مکده تعهد ایدر میسن دید کده فرمان پادشاه مکدر  
 تعهد ایدرم دیو بی تردد قبول ایتدیلا امدی سنی وزیر ایلدم مبارک اوله دیو چیمقاروب مہری  
 ویردیلا اولدخی دستبوس ایدوب اول محل اذن الله اکبر دیوب حاضرین نیز واستقامت  
 امون تقال نیتنه فاتحه او قودیلر اول وقت پادشاه عطره واقع اولوب حضار  
 بالاتفاق الحمد لله دیدیلر مورخ دیر که پادشاه عالمیناه مہری الینه آلوب احمد پاشایه  
 ویره جک وقت بوشروط ثلثه بی تعهد ایدر سن دیوب اولدخی تعهد ایدرم دید کده پادشاه  
 مفتی و صدرینه یوز طو توب بون تعهد ایتدو کی مواده استقامت اوزن خدمت وجوده  
 کتور مکده سزلر کفیل اولور میسز دیو بیوروب مفتی جواب پادشاه کفالت کو چدر  
 فچه کفیل اولور ز نهایت امور نده خیره دلالت و هر خصوصه معاونت ایدر زو اتحاد وفاق  
 ایدوب سوق خیر و نصیحت ایلر دیدکده وزیر مہری ویروب امدی جمیع امور کده افندیلا  
 مشورتدن خالی اوله دیوب اولو جهله فاتحه او قندی بعد پادشاه وزیر خطاب ایدوب بقه  
 هر وزیر معزول اولر صقین اگر تقصیرک ظهور ایدر سه باشک کسرم بیوردی وزیر دخی



بر او بوب پادشاه هم نم دخی ابکی التماس واردیدی ندزدینلکده اولامال میری بی هر کیمه  
 بولورسم تحصیل ایدیم کسه مانع اولسون ورای وتدیریمه کسه قارشیموب معارضه  
 ایتیمه بری دخی کورچی پاشا قوت دافعه و امساکی اولماغله افرات اوزره علوفات و محدث  
 و مضر توجیهات ایتمشدر انک توجیهاتی الغالولنه دیدکده بوابکی مادده ایچون باشقه  
 باشقه خط الیدی و هر خصه و صله مستقل بلر ای و مستبد اولق اوزره برخط ویرلیدی اندن  
 خلعتنر الباس اولنوب طشره چقدیلر و عوم اوزره وزیر ایله لاجل التهنیه سراینه کلدیلر وزیر  
 مفتی و سدرین و سائر حضرات خطاب ایدوب بنومقامه لایق دکل ایکن الله تعالی لایق  
 کوروب احسان ایلدی ایددی یا بودرکه هر نه دیلرسم ایدرم تکه دولت علیه به بر نظام  
 ویریم یا بودرکه کله بی ویریم سائر لری کی اولم خوفی و ایل خاطر کی کوزلرم رشوت و شفاعت  
 ایله منصب ویرم دیدی غافل احمد پاشا اخلصون علی خطر عظیم نکتته سندن ذاهب  
 اولوب اصلاح دولت و نسوبه مملکت غائله سیکه سلفه نیجه سلاطین عظام و وزرای  
 نخانی عاجز و متحیر ایتمش بر امر متعذر در عهد سندن کلمک دعوا سنه دوستوب بویه  
 بر بار کیر انک التهنیه کیردی اگرچه توفیر خزینه و تقلیل مصرفه خیل خدمت وجوده  
 کتوردی لکن اعیان و مقریینک خاطرین سلب و بطالین ردا تیمکله عاقبت ببولد کله سن  
 ویردی ابتدای کلامی یا ایش کوررم یا کله می ویررم دید یکی سوز روح بولوب وجوده  
 کلدی تنه کیم محله ذکر اولنور کشتی کندویه بد فال تلفظی ممنوع در کورچی پاشا ایکی کون  
 بوستانچی باشی حبسنده قالوب بعده یدی قله به کوندلیدی گنجداسی دلاور اغا اگرچه  
 مال فراوان جمع ایتمشیدی لکن وزراء عظامک خاطر زینه دکه جگ ایشده بولما مغله  
 عفو و بر مقدار مالی التماس اکتفا و بین الخلق عرضی ایله ایقا اولندی اما خزینه داری  
 اولان سفیه که ارشاده شهر تشعار ایدی انی زندانه قویوب بولنن مرتبه اموالی الیدی  
 کورچی نیجه مدت یدی قله حبسنده یا تدقد نصکره اوخری سببخانی ایله اطلاق و بعده  
 طمشوار ایالتی احسان اولندی بی ذکر اولنسه کرکدر کورچی پاشا لاین الجانب خواص  
 و مقریینک تطیب خاطرینه راغب بر پیرو اولغین زاید علوفه لر و محدث و وظیفه لر و سائر  
 اسرافات مقوله سی تعیینات و توجیهات قلم درین ایتیموب ایراد و مصارفینک محاسبه سی  
 کورلد کده سلفی زمانده اولاندن بهر یوم اوج یوک انچه زیاده اسراف متبیین اولمشیدی  
 امانه اشلسون خاطر حواشی به رعایت اولند قده بمقوله اسراف ایله مال میری بی ائلاف  
 بر امر ضروریدر غریبه اتفاقا تندرکه زمان وزارتتی ایکیوز اوتوز اوج کون اولوب اشهر  
 اسماسی اولان کورچی عدنه موافق دو شمشدر کیفیت شروع احمد پاشا در امور چون احمد  
 پاشا وزیر اولدی وقت تنک خزینه ده مضایقه مقرر جمیع علما و اعیان کلوب تهنیت امری  
 تمام اولد قد نصکره مؤمن اغای گنجداسی افندی بی تذکره اول و بوغق اوغلی عبد الباقی  
 چلبی بی تذکره ثانی ایدوب رئیس الکتاب شامی زاده به بعد الیوم اولکی کی حرکت  
 استم نم برای خاطر ایشم یوقدر همان شرع قانون اوزره حرکت و بیت المالی معمو رایدن جگ  
 مصاحبه دقت و توجیهات قانونه رعایت اولنلور سندن خی استقامت اوزره خدمت ایله

دیو ثنیه ایله منصبنده ایقا ایلدی بعله مناصبه و سرکارده اولان کبار و دیوان  
 خواجه لیشک جمله سنه حاللرینه کون کسه لر صالوب متواللرندن امداد خزینه شگلنده انچه لر  
 استیوب ابتدا سکیان باشی قاسم اغا زاده دن باشلیوب عجلاله الوقت ایکیوز کسه دن  
 متجاوز انچه پیدا ایلدی و زندانلورده کورکده اولان کسه دیلری مجرملردن بر قاج آدمی کیمه  
 ایله چقاروب کنار لی کوملاک و طون و صرملی اوچقور کیدر یوب کیمه ایله چقاروب  
 بیونلرین اوروب جمیع ناس اولان مواضعه القا ایلدی و خلق قاییدن قورق غیری شیدن  
 قورقزدیور آلائی فقیرک قاننی دوکدی اما طرفای شهر مقتولک طمانی آلتنه و اوچنه  
 و خشونت جته سنه نظر ایدوب بوب نلری بر مرده زندان کشیده فقیرلره یو اکابر  
 بیراهنن الباس و مشاهیر دن قیاس اولنسون ایچون ندر بکه تحویف ناس دیرلر دیو  
 سولشورلردی و مطبخ و ترسانه و طوبخانه و سائر امانتک حسابین کوروب علوفه  
 خواران و عسکری دفترین یوقلیوب اسرافاتی امکانی مرتبه نازل و مصارفی تقلیل  
 ایله میرینک اختلا لنی رفع و نظام دولته متعلق مهمات تقیدی تقدیم انفع ایکن پاشای  
 مرقوم خود رایق بلا سیله تقدیم اهمه موفق اولمدی بعض عقلای وقت دیدیلر که اهم  
 امور ابتداء بومذ کور اولان مصاحبه شروع ایکن مطلقا خلقی تحویف ایچون ناحق یره  
 بر قاج فقیرک قاننی دوکدی مصاحبت عدا ایدوب وهله اولی ده مصادق اموال و قتل و بانلی  
 از نکاب مشومدر خیریت عاقبت دلاله ایتزدیوتشأم ایتدی لر واقعده اولیله اولدی وزیر احمد  
 پاشا بوب کونکه نصف رجیدر مقدما صالح پاشا لور دینی مجود پاشا جامع قرینه اولان سرایه  
 نقل ایدوب بوب بکن اولدی و بوب کون ایدیکه مفتی وزیر زیارتیه واردی آق صوفه قیلویوزاللی  
 ضرورش قیمتلور اخرج سوز کیدر دی معتادینه کورکی طشره ده چقار مق ایکن جناب  
 مفتی چقار میوب اول کورک ایله بنوب سرای قیوسندن چقد قد نصکره چقاردی  
 و اولاق حکمنه یساع اولوب بمالک محروسه ده قطع منزل بار کیری اولسون دیو اطرافه  
 احکام پراکنده قیلندی علما و اعیان و زیر تهنیتند ایکن کرک امینی حسن اغا کلوب  
 دامنبوس ایتد کده حضاردن مفتی تعریف ایدوب سلطانم بوقولکرک لا کرک امینی قولکرک در  
 بر معقول خدمتند مقدم آدمدر دید کده وزیر اعظم یلورم دیوب دونوب حسن اغایه  
 مطبخ و قیون اما تنی دخی سنه دکل دیو سوال ایتدی حسن اغایی بوقولکرک در دید کده  
 وزیر جین پرچین ایدوب یا استانیولده ات بولنماغه سبب ندر و بولنن دخی لاشه به  
 بکر رینر بونک اصلی ندر دیدی حسن اغا جوانده سلطانم قیون کلدی دید کده به ملعون  
 بی سلا نیکنن کله یولده اولنلا قلرده و بیلا قلرده بی حد و پیا یان قیون سوریلرینه راست  
 کلام هر قنغیسنه صوردم ایسه کرک امینی و قیون امینی حسن اغا نکدر دیدیلر قیون  
 کلدی دیک نه دیمکدر دیو بیوردی حسن اغا بر عذر بارده سالک اولوب سلطانم  
 حالا یوشهره کلوب ذبح اولنن اول کورد کله بکر در و قصابلره بوغاز لاق خصوصنه  
 ضعیفی و سینی مساویدر قیونک سموزی اولنسه اروغی نجون بوغازلر ندر دید کده وزیر یره  
 محکمر ملعون زیون قیون بهان و صیفه قالسده فلاح بولمیوب قریاور سموزه ضرر اولمز



همان تلاف اوله حق زبون و مريض قیونلوی پیشخه خرجه سور لم دیو عبا د اللهه لاشته  
 پد رسن سوزلی صاقلو سن تی بیلر می قیاس اید رسن ایدی البته یاسموزلومی رایکان  
 اید رسن والاسنی چارپان ایدوب چارپان لک شهر قبولینه آیره ایدرم دیوننبیه اکید  
 وآزارشدید ایندی مفتی افندی اعتذار و تربیه یی زندن سلطام حسن چلبی قولکتر  
 فرمانکره امتثال ایدوب وسعنه اولان مرتبه خدمته بدل دقت ایدر قو لکزدروبعد الیوم  
 پسندی کز اولو خدمت وجوده کتور دید که افندی ییلورم تعریفه حاجت یوقدر دیویم  
 التفتات شکله حسن اغایه یوز طو توب کل برودیدی حسن اغا کلوب نکراد امنبوسر ایتد که  
 بزم گفتار ایله ایدی وار بعد الیوم عباد الله سلم ضروری چکدرمک اوزن خدمت ایله  
 و یوساعت او جیوز کیسه کوندر خزینه نیک مضایقه سی وارامور همه ایچون خزینه لازمدر  
 همکره سنکله حساب کوروب سویاشور زدید که او جیوز کیسه صداسین ایشتمد که حسن  
 اغا نیک عقلی یاشندن کیدوب ایافنه دوستوب دولتلو او جیوز کیسه یی کیسه نه یکدر بروجهله  
 قادر دگلم و سم مرتبه سی قیالقی ایدرم دیو اعتذار تشبث ایلدی وزیر زهر خند ایدوب یوق یوق  
 قادود کلم دیو دگلم اعلمی ییلورم سن کندوکی حمایت ایدن لک قبولین طولاستوب پیشکشار  
 و یرمش سن انلردخی حمایت و شفاعة تعهد ایدوب قادر دگلم دی بزمی حمایت ایدوب قوتاررز  
 دیشلردن انکچون منزه بویه عذر یارد عرض ایدرسن اصلاحی کورک آج حمایت زمانی کندی  
 وار یوکون نقد او جیوز کیسه یی دفتر دان نسلم ایدوب لومی رایکان الله والاسنی دوت پان ایدرم  
 چیق دیوب خصم نیدن طرد ایلدی حضار مجلس زیرک بوحدت و حلا دتن کوروب مقبر  
 اولدی لرومن بعد یوندن برشی شفاعة ایتلک وصولتندن آدم حمایت اولتیق محال ایدوکنه  
 جمله سی جزم ایتدی لرو اول مجلس وزیر درگاه عالی قیوچی باشلرینه خطاب ایدوب اغا لرسر  
 یاد شاهک رکاب اغا لرسر اما بوشهرده همان مقبله جی اوندی و نرسر سز سز که احوالکرایله تقید  
 ایدوب سز مخصوص اولان خدمت مائه بعد الیوم سز لری استخدا ام ایدر زالم چکمک دیدی  
 اشته شتر کر به اوضاع بوکده یرلر کرک امینندن انچه یی حکیمانه الملق ممکن اینک سن اعیانه  
 رشتوت وردک دیو علنا نفضیح ایله مفتی وقضاة عساکری و سائر اعیانری نجید خاطر ایدوب  
 خدمتکار مقوله سی قیوچی باشلری تطیب قیدنده اوله حسن اغا واروب خوف جان ایله  
 او جیوز کیسه یی پیدا و نسلم ایلدی و کورچی یاشانک توجیهاتی اغا و یی کورلی قطع اولتیق  
 ایچین وزیر جید خط و یرلشیدی حالا اگر جمله و یی کورلی دوزسه و یردیکی بالتلر و سنجاقلر  
 و سائر منصبلر دخی دوتلک لازم کوربو ایسه سبب شورش و دغدغه اولوب استرداد  
 وانتراع مثلوا حالاتی مستلزمدر دیو بعض کارکنارلر یاد شاهه افاده ایتکین کورچی یاشانک  
 جمله توجیهاتی نقر بر اولمشدر برینه معارضه و قبل حلول الوقت و حدوث السبب عزل  
 و تبدیل ایله مدخله ایتیه سن دیو وزیر مو کد خط شریف ورود ایدوب وزیر سابقک  
 توجیهاتی فسخ ایدمدی احوال سرحد بواشاده تاتار خان احوالندن منجر سلسلر  
 و تیکبولیدن ملک احمد پاشا طرفندن مکتوب کدی خان تاتار اسلام کرای خان قراق انفاقیه  
 له اوزینه سفر ایدوب عظیم محاربه و غز ایدوب او تویزیک مقداری کافر مقتول اولوب یجد

اسیر چیقندوغنی یازمش و بدون محافظی مراد یاشانک مفتی یه مکتوب کلوب قنیره پاشا سی  
 شیخ اوغلی اسمعیل یاشاوا کره پاشا سی سلیم یاشانک کارند اشته همج حریفلر اولوب کذلک  
 طممشووالیسی احمد یاشانک ام کلثوم سلطان زوجید رغافل بولنار لیه مجار طائفه سندن  
 برکروه چقه یه چیقوب شه یوللردن و کوهساردن علی الغفله کلوب ایکی سنجاقلق منازل کلوب  
 کسینه خیر اولوب ناکاه یاصوب چنات بکین طو توب زنده کتوروب و افرقتل و خسارت  
 ایتمشلردن کراولنان ایالنلری برر مشق و کاردان کسینه لره توجیه اولتیق ماملردن دیو تحریرو  
 ایش ماه رجیک یکر می یدنجی خمیس کونی مسعود افندی سوقیه یی جامعده بر قاعده مواد  
 او قندی سلسله چون بواشاده مسعود افندی تمین کسب ایدوب بی تأمل و تفکر نیجه  
 کفتان جرأت ایتکله اعیان دولت کندودن حذر اوزن اولغین کتد لکه جسارتی افزون  
 اولمشیدی بوایم قبیلده مفتی افندی نیک سلسله یی تا خیر ایتد یکنه متا لم اولوب مواد  
 وار تشایه متعلق بر دفتر یازدی سلسله علما یی تاخیره سبب سلا نیک و حلب و شام  
 و مصر و غیره مناصبه اولنلرک یونله قیو کتد الزدن مقطوع مبلغی ماه بیاخذ ایتکله عزل  
 ایتوب کند و تابعی تولیتلر و قضای و خدمتلر صا توب قضاة عساکره و خاصه روم  
 ایله یوقدر شفاعت و تحمیلات ایدوب طریق علمه و آخر طریق متعلق خصوصلردن  
 نقد از رشتو تلر اندوغنی علی الاسامی مفصل یازوب حرم هایون طرفنه کوندر دی  
 و بر صورتی دخی وزیر و یروب احوالی ییلدردی وزیر خود سا بقا و یر احمد پاشا صد ارتنه  
 اولان ایکی ییک التون دعوی ایدن کافر ماده سنده دنیا یه ارتباط و انهما کتی ییلوردی کرک  
 امینی حسنک دخی هدایاسن آلوب حمایت اولدو غندن متکدر ایدی مفتی افندی  
 خواجه زاده نک بو مقوله سیسه و جرأتی خبر آلدقه سلسله ایدوب مصری منقاری  
 زاده یه مکرمه یی شامدن نقل طریقله نا غم زاده یه بروسه قدری زاده افندی یه  
 اولتیق اوزن ترتیب ایتکین قاسم پاشا سی عبدالله چلبی بن یکیشهر دن معزول مکرمه یه سیله  
 یکر می سکر آیدر عزل چکر م جمیع پایله رده مقدم ایکن اوج آی سایمانیه ده بکا تقدم  
 ایتکله بروسه نجون قدری یه و یرلدی چون انک اوج آی زمانی عبدالله اوفق دوشدی  
 یا نجون سکر طقوز آی عزلله منقاری اوغلی یی کیم اوغلم رینه درین طور کن قرق  
 دورت یاشنده آدم مصر اولدی دیو مفتی ایله عظیم بحث وجدال ایدوب حددندن زیاده  
 اطاله لسان ایله کست خلق ایتدی و مدر سیندن سکر کسینه حرکت ایدوب میسر  
 زاده حافظ پاشا یه بور کچی زاده حسن فقیه اسمیخانه عثمان زاده فیض الله مقتول حسن  
 پاشا یه صدر الدین زاده فتح الله کور کچی باشی یه مورخ شارح المنار زاده احمد پاشا ده  
 ملک زاده ام الولد ده مجود توقیعیه یرلر نده داخل اعتبار اولوب مفتی ابوسعید افندی  
 مکتوب محیسی صاری عبدالله سکبان علی مدرسه سنه داخل اولدی شعبانده  
 خبر ورود ایتدی که اون بش پان تن قراغنه قایقاری با لقی قصبه سن اوروب اها لیسنی  
 قتل واسیر و امواللرین غارت ایدوب اندن برایکی بغدای سفینه لریله جنک ایدوب  
 اله میوب بعد مسوره و شله و تر قوز سوا حلقه قصید کزید ایتد کبری خبری کلکله وزیر



بوغازه قوری و او تراق حراس کوندردی عزل اغا دارالسعادة مشارالیه سالیان اغاوالله  
سلطانك باش لالاسی ایکن صاحب تعین اولغین اغا لرووالله شهید و وقعه سنه  
مقدم و مدبریو لثقی واسطه سیله وجود عظیم پیدا اوبعد دارالسعادة اغاسی اولدقه  
سیاوش پاشای عزل ایتدروب کورجی محمد پاشای وزیر ایتمکه علت مستقلة لولوب کورجی  
پاشا دخی حمایت مخصوصه سنه اولغله هر خصوصه انك رجاستی و کلامنی اصغاورجاستی  
اوزن حرکت ایتمکه اغای مزبور قتی چوق امون قازیشوب مال عظیمه بلکه خزینه مثال  
نجه دینه پیدا ایتمشیدی ترخونجی احمد پاشا نصیبی مخصوص والد سلطان طرفندن  
وخواجه زاده و بعض مقربلر سوقیله ظهور کلوب دخواجی اوزن نصب وزیر خصوصه  
مستشار اولدوغندن مکدر اولمشیدی و صاحب وجود و متعین اولدوغنه بناء پادشاهه  
خصوصه و والدیه الم و خاطر مانده لك اشعار ایدروملال انکیز اوضاع ایدوب بزم کی صادق  
خدمتکار قدری بلنزشیش بندی شمدی سوزیمز دکلنر شکله ناز و دلال کوستر مکه  
پاشلدی اکا برو حکام علی الخصوص پادشاهان بلند مقامک طبیعتلر نه بعض اوضاع  
ناهم و ان صبره امکان وارد الا ناز و استغنیای قبول ایتمز لر زیر النرك نفوسی عزیز و شریف  
اولغله مورت ذل اولان جل ثقیل نیازم دارایه تحمل ایلر ل نظام دولته باعث و مجد دانگین  
سلطنته سبب حادث اولان نافذ الوجود کسمنه لر کبیله نازی چکمر لر عقد سابقدن  
بووقته کلجه و کلا و مقربیندن ملوک ناز و دلال معامله سن ایدنلر ک دولتی قرین زوال اوله  
کلد و کئی اغای ضعیف لر ای ادراک ایدم میوب غافل بولندی تا که بواشاده طوغانجی  
پاشا یلقدن وزارتله چیقان یوسف پاشا کنعان پاشا مختلفه سی عانکه سلطانکه والدیه  
پادشاه جهان حضرت نرینک مرینه سید زمانه داولوب بو هفته ده نگاه اولندقه مجلس  
نگاه بولنلر و زرا و علمایه خلعتلر و معتاد اوزن صره لر ویرمک لازم کلکه تدارکی دارالسعادة  
اغا سنه نذیه اولندقه نه التون وارد نه کورک وارد که ویره یه دیه مضایقه کوستر دی ابرام  
وازار اولندقه والدیه حضرت نرینه حد دندن زیاده کلام و طور دندن خارج جواب خسارت  
انجام ایتمکه عزل اولنوب قانون اوزن اسکی سرای اغاسی بیرام اغا دارالسعادة اغاسی  
اولدی مزبور سالیان اغا انك بوندن مقدمه برایکی خججه سی دخی یوایدیکی یکجیری کاتبی  
حسین افندی سالیان اغا انك چراغی و نصب کرده سوایدی احمد پاشا ویر اولدقه مسعود  
افندی مزبور حسین افندی بی عزل ایتدروب و قالی شیخ زاده چلبی بی ثانیای یکجیری  
افندی بی ایتدردکه سالیان اغا که تعین و استقلالنه مأوف ایدی حسین افندی انك  
عزلندن بیخضرو اولوب مکرر اتقیرر قصد یله وزیر ابرام کونه تذکره لر و خبر لر کوندروب  
خاطر لرین نکدیر ایتمشیدی بر خججه دخی ترخونجی پاشا انك وزیر اولدوغی کون چونکه  
اغا مزبور ک رأینه مخالف ایدی بعد الیوم کندویه سقوط احتمال ویروب دماغنه مصر  
هواسی دووقه ویر مصرده دخی کندو تسلطنه تمهید و توطئه تدارکنه دوستوب احساو  
ناسدن ایکن کند و تربیه سی ایله قیوجیلر کتخداسی اولوب حاله معزول اولان بیقلی محمد که  
غلطه لی کل حسن اوغلی دید کلری بی حیا در البته مصر والیسی اولسون دیوزر و والدیه

ایرام و اخا حایلیدی وزیر مسعود افندی ایله سویا شوب یونه قبیح تکلیفد رنوجهله  
مساعده ایدم لم دیواظهار تضرع ایتدکه ایکسی متفق والدیه حضرت نرینه اغادن بٹ  
شکوی و عزلنر رجا ایتمشلر ایدی اغا دخی بونا معقول رجالی قرین قبول اولدیفندن  
متأ لم اولوب ذکر سبقت ایتدکی اوزن والدیه ناز و دلال معامله سین ایتدکه عزل  
اولندی بعد العزل مصره کتمکه اجازت ویر یابوب تدار کئی کورنجه کوند زدمور قیوده  
اولان قوناغنه کیجه اسکی سراید اولوردی مناقشه نصف شعبانده خواجه زاده مفنی یه  
واردی مکر اول کون عصمتی افندی منلایه واروب ذاتا و زمانا مدلل سوز لر ایله کند و انك  
استانبول قضا سنه لیا قتن یسان ایدوب بعد رحمة الله افندی واروب وروم ایل  
قاضی عسکری حنفی افندی واروب اثناء کلامه خواجه زاده بزه قاضی عسکر لک ایتد رمز  
دیو بٹ شکوی ایدرکن مسعود افندی داخل اولوب مشافهه وقوع بولندقه منلا  
خواجه زاده یه کند و حقندن سو ذکرین ایشتمکه عتله اغا ایدوب متزک زده او توروب بزی  
قدح ایدر سوزنجون بویه ایدر سوز دید که مسعود افندی بزمی قدح و ذم ایتد که دیچک  
منلا انکار دخی تویه در بعد الیوم بومقوله سوز لر اولسون دید که خواجه زاده یوق بزم و حلی  
اولدق که تویه ایدم لم سویلر یکمز سوزی انکار ایتمز بزه سلطانم بزه سویا سیک خیر خواهلر  
بولندن سویلر ز و خلق سزی ز بازر دایتمسون لر دیر دید که منلا خلق سویا یه کلندر  
بزی رشوت آوردیر لر خلقه قولاق طومق اولمز و انلرک اغزی طونلر خیر خواهلر یوزندن  
سز عیوب و قبا یح ذکر ایلک زیر ازم و قدحک زیاده قبی خیر خواهلر ادعاسیله  
سویا یلقدن دید که خواجه زاده بی سلطان یا انصافیدر خلق بویه دیه لر انلری سو طمه  
دو شورمک مناصب دیریدی منلا یاز نه اشلد که دید که مسعود افندی جوابنده اولابر  
سلسله ایتدیکر اکثری نامناسب اولدی هم بزمه مشورت یوزر دیکر صکره ب خلاقی  
ظا هر اولدی منقاری زاده یه مصر و امینی یه قلبه بزم مشور تمز ایله می اولدی دیدی  
منلا منقاری زاده بر اهل علم صالح چلبی در بر اکام مصری ویر دیکمز اچون حق تعالی دن اجر  
و ثواب رجا سنه بوز دید که خواجه زاده جوابنده ایکیشری بالیق مستحق لر ایکن بر سنه لك  
آدمه منصب ویرمکه ثواب تصور اولمز دیدی چون خواجه زاده کند و سی علم و فضیلتدن  
بهره دار دکل ایدی اکابنا استحقاق ذاتی یا سنه معتبر اولموب فقط زمانه اعتبار یله  
اسکیسی تقدیم اولنق کر کدر دیو ظا هر طریق نظر ایدر دی منلا حضرت نلری سز بوقد و  
جرات ایتمک ترک ادب دکلندر سز بزم المز می اوپه کلدیکر می دیوب مسعود افندی بی  
سلطانم اوپه کلدک وینه ده اوپه رزو بوسوز لر سز خیر خواهلر دن او تری سویله رز  
شمدی خلق دیر که منلا حضرت نلری بو آته دك اللی بیك غروش رشوت المشلر در دیر لر  
بویه سوز لر استماعندن متأ لم دید که منلا خلق بیانه سویلر لر حسد و غرضه مبنی  
سوز لر کیلک حقندن سویلر لر سزک مشور نکردن خارج ایش ایتمز مالاستانبولی  
اشته رحمة الله افندی حاضر بالمجلس در طلب ایدم بوز همان ایکیز ویرمک معقول کور رسکنر  
فندی ویره یم دیدی مسعود افندی یوق استانبول پایه سنه ایرن اناطولییه استحقاق



حاصل آید و گندوم و مرهمه سینه کن آمدن چون شوی و برگ دیه مرز سلسله بی نجه آید دیگر  
 ایسه انی دخی آید که دیو وافر گفتگو آید یلر بعد مسعود افندی منلایه دیدیکه وزیر کرد  
 و دو تنها و استانه مواجینه آنچه بنشد رمک اوزن حضور هما یوننه متعهد اولوب بزر دخی نوعا  
 متعهد آتمشید که حالا یوننه اولان علوفه بی ویردی و کردی دخی موجب کوند رمکه اقدام ایلک  
 دیدیکه معنی افندی یوننه ویردیکه مزواجی دخی کینه مزون ویردیکه شمدی قنده بولالم  
 تدریجاً تدارک وارسال اولنسون دیو جواب ویردی بزر دخی یوق پاشا حاضر تلی اوکصدوک کوندن  
 بیکسره همان انی دخی یا نکردن تدارک و معجلاً کوند رمک کرک دیدک حالا سلطانم دخی  
 کند ویه بزخیر کوند رمک کرکسره بومصباحه تنیم اوله دیدی منلا جواب آید همان بزم  
 اغزی بزم سوپلاک دید که مسعود افندی نه عجب بزم کند یز سویلیه لم وهم سترک اغزی بکردنه  
 بزمی سویلیه لم باری استه روم ایل افندی بزمی سترک اغزی بکردن سویلیه و دیوب مجلس  
 طاعل دی بوسیاقه امر عجایب استماعنده عقلاً متغیر اولمشایردی قره دکرده قراق استقیما  
 سنک نادبی لازم اولغین دو نیم انتظار نه کیدن شهباز پاشا اولان پاره قدرغه ایله کتوره یایوب  
 قره دکره سردار تعیین اولندی کتخد ایک کبه جی علی اغاد و نما کیمیلره قیودان پاشا ایله  
 مقدمه ما کرید ما موزاید قیودان بوغازدن چقد قد نصیکره کتخد ایک کبه جی علی اغاد دخی  
 قره دن چیقوب بر موجب فرمان بو غازک طشره سندن کی به کیروب قیودانه ماحق  
 و معاکرید متوجه اولمشایردی بروجانیدن حالا مصمونی باشی مجد اغا که مرحوم مصطفی  
 پاشا زمانه عسک باشی ایدی عسکس مجد دامادی دیراردی حالا کتخد ایک نصب اولندی  
 بحیبه بوسیاقه بعض اناطولی قاضیلری قاضیه سکرلری خواهه زاده دن تشکی اظهار  
 ایدوب بزمی امتحان ایتکه قادر دکلر کند و اوقومق بلیز حضور هما یوننه علما و کتده امتحان  
 اولوروز هم تکبیر و تعظمی حد دن یکدی دیوانه غایت کیم چیمقار بیزار اولوروز دیوکه منلایه و کاه  
 واروب وزیر شکر آید یلر دیوان چاوشلری وزیر عز محال و یروب دولتلو علوفه لر بزمی  
 الامیورز کجه کوند زبوت ایله خدمتده یوز دیو یاغره لیدوب عموما حضورینه کیرد کار نه بچون  
 ججه کنایه و طریلد یکزیره کافر کید یلر دیو ازار ایدوب طرد ایلدی چاوشلر مفتی به واروب فتوی  
 آید یروب بزمه سویلیه دیدی بعد الیوم دیوانه کیر مرزوا نقشلر زدیو عشو جمل آید بکلر نه  
 وزیر قاقنی طوب محکم دکنک چالوب نادیب ایلدی عثمان چاوش بی کنه دکنک یددی چالوق  
 احمد بی کنه فرار ایلدی رمضان اوائلده سپاه و چاوش و متفرقه و قیوچی و غیره طوایف  
 لشکر دن قتی چوق کسمه به علوفه دکیوب اخیریک قدر سیاهی دفتردار امیر پاشا لشکر  
 ضرر بحاله اردنه مجد دانتقل آید یکی مسکنه هجوم ایدوب عزیزی قبولی ضرب سنک و تبر  
 ایله قیروب ایچر کیروب اند بولنان حریق قانجه لایله هر طرفی تخریب و اوطه لرین غارت حتی  
 صد و فکاری پشخته و دولا بلرین پاره لیوب شاطر لار اوطه سنی و خزینه سنی غارت ایدوب  
 اوج بیک غرو و شلقدن زیاده امتعه سنی یغمال ایدوب کندی و قیوچی قیوچی نصیکره دفتردار  
 تحصیل و تدارک میرید عاجز در دیو عزل اولوب فرمان ایالتنه نامرد اولان دفتردار  
 چایاق سوز تازن مصطفی پاشا ایلا مغنیساده و الیسنده محصله ایددی اولاق کوند روبر

ثانیاً باش دفتردار لوق ایله نامن نجیل آید یلر قره دکر طرفندن به اشناده مکتوب کلدی مکر  
 شهباز پاشا اولن چکدری ایله روم ایل سوا حلقه کجوب قزاقی ارارکن قزاق قایقلری سینوب  
 یقاسنه کجوب اول خوالیه آق لیان نام محله قریب ساحلی باصوب بر مقدار اسیر الوب اند  
 یا تور لایمش اتفاق سینوب طرفندن بر صندال کلکله خبر الذوب شهباز پاشا سفینه لر ایله  
 اول طرفه چکدروب دورت پاره قدرغه فور تنه دن صولغین ید که الوب کیدر لر دی و کفار  
 ایسه شایقه و قایق اون الی پاره ایله آق لیاندن برواستیقان لیانی بورتنه کلوب اند  
 قدرغه لر کورد که اول سوا حلقدن آلدیغی اسارای مسلینی جمیعاً قتل ایدوب بعد جنکه  
 حاضر لنوب دریا یوزینه چیقدی اول محل پاشا دخی چاشتقلری فوره ایدوب جنکه متهی  
 اولوب حاللریته کور سفینه لری ترتیب ایدوب هنوز طوب محله یا قشمدن یکپیری  
 کیمیلری هجوم و سردار لرینک سوزین طوتمیوب ایلر و سوردیلر کفار بوتره هجوم ایدوب بر  
 یایلم طوب و تنک بو شالیدی کبی قیقلری طیایموب آلا رغه اولدی چون شهباز پاشا  
 یقین ایدی ایریشوب جنکه پاشا قدرغه اولان قدرغه لره خیر کوندردی کلوب امداد  
 آیدیلر کفار شهباز پاشا قدرغه سنی او رتایه الوب خیل جنک اولدی اخرا بکی کافر  
 شقیقه لر ی پاشا لشکر سفینه سی طرفینه یناشوب ایچرو دو کلک فکرین آیدیلر پاشا  
 چکدر سنی ابتدا اصاع جانبینه یا تروب شقیقه بی باتردی صکره صول جانبینه اولان شقیقه بی  
 یا تروب ملاعین دریایه دو کیلوب حرق و غرق ییننده جان چکشد یلر اما سائر شقیقه لر  
 دخی هجومدن خالی اولیموب بوال ایله اخشام ایرشدی ظلام لیل حائل اولغین هر گروه  
 سلا متجوی اولوب کفار دریایه صالوب یونر سینوبه کلدی اند شهباز پاشا اول نافرمانانق  
 ایدن قدرغه قیودان معاتب و چون به صلب مراد آید که حریف بن یکپیری یدیمکله  
 یکپیری ضابطی تعیین اولنل چور باجی الوب قور تاردی شهباز پاشا بواحوالی مکتوب ایله  
 یلدر مش تبدیلات رمضانک یدنجی کونی روم ایل قاضیه سکرلری معزول اولوب یری طو لبحی  
 حسام زاده خطاط عبدالرحمن افندی به ویرلدی و اناطولی قاضی عسکرلری دخی معزول  
 اولوب یری بالی زاده به ویرلدی مسعود افندی نیک عز لنه سبب هم مدتی وافر اولمشیدی  
 وهم والده سلطان التفاتیه حدت لسانی افزون اولوب وزیر مفتی به هر اموره اعتراض  
 و مباحثه به جرأت ایتکه پاشا شدی اگر چه احمد پاشا به مهر و بر لکنه مساعد لسانی  
 واعانی اولمشیدی لکن امور صدر ارند شرکت مرتبه سی فضول لغندن وحدت لسان ایله  
 هر ماده به دخل و تعرضندن بچهور اولد قریحون وزیر مفتی اتفاق ایدوب شایسته عرضدن  
 تحاشی ایچون ایکسینی یلله معامعزل آید یلر قعه شیع الاسلام ابو سعید افندی و جمعیت  
 علمار مضانک سکر بی اتین کونی استانبولدن معزول اسعد افندی مفتی به واروب همان  
 فتح کلامه به اللهدن قور قازره مرتشی ظالم اناطولی نم حقم ایکن بچون آخره ویردک دیو ترک  
 حرمت واد بسنه اغاز آید که منلانک کال غضبندن شعوری کیدوب به جاهل ادب سز  
 حیا سز سن قچن آدم اولدک که بکونه کستاخلقه جرأت ایدرسن بوزبان درازلق نه حد کدر  
 سن سنبل علینک قهوه اوغلانی دکلیدک و بورتیه لره ب رشتو ایله حمایت ایله کلد کی



من کند و کی آدمی صانور من دید که اسعد دخی زاده ستویایوب شتوم صریحه ایشد که  
منلاره قالدرك شونی نیز فلقه دکنك كتورك دیو خد متکارله حایقروب خد متکارل  
اسعدك قولتغنه یا شوب قالدق هی افندی دیو چکدیله اسعد سلکوب عناد ایتکین  
منلا حضرتلری بنفسمه قالدقوب یا قه سنه یا شوب یومرق ایله باشنه و کوزنه کیپشوب  
باشندن صاریقی یوار لنوب بر مرتبه رسوای اولدی که نعوذ بالله تمام الغضب جرة  
الشيطان حکمی نمایان اولدی اول حال ایله اسعدی ضرب ایدرك موقفه ایندر دیلر  
فلقه حاضر بولمغله وافر مشت اوردیله مکر اسحق یا شا ایله کتاغاج یا شا بحسب الاتفاق  
اند بولمغله بوقیامت کوروب هریری بر طرفه کز لیشلرایمش منلا نك تهوری حددن  
یگد که چیقوب منلانك یا غنه دوستوب اسعدی اللدن الوب بعد وارفندی نك ایتکین  
اوبه دیوب صاریقی کیدروب اول سراسمه بی دامنوس ایچون بیشکانه سوردکارند  
منلانك غضبی هیجان واستشاش طایدوب دخی اسعدك یاری یقه یاری صقالندن  
طوتوب بره خبیث بره اوغلان دیهرك سلکوب باشنه وچکه سنه وچهره سنه بر مقدار  
مشت و سله دخی اوروب بعد هزار بلا ایله یا شار تخلص ایدوب اول حال ایله اته بنوب  
لت خورده و لا بعقل وزیر و اوروب شیر ایکن روباه شکله کیروب باری نفی اولتماق  
وجا سنه تذلل ایشد که وزردخی بهی افندی کشی مشایخ اسلامه بویه ادب سزلک واطاله  
لسان ایله کستاخلق ایدرمی بونه اصل ایشدر دیو بر مقدار عتاید نصکره منزلنه  
کوندروب منلا یه خبر انقیاد و تقویت اظهار ایشدیلر مورخ دیرکه نومکره قضیه ده  
اسعدك کوتک یه سیله جناب منلانك بالذات کوتک اورمه سی تقیصه شان  
علما اولقد برندن چوق دور دکلد چون بوقضیه حدوث ایتدی مفتی بومقدارتعزیر  
ایله اکتفاینس غوغا مندفع اولق محتمل ایدی لکن جناب منلا کمال تهو ندن البته  
اسعد افندی نفی اولتمودر دیو وزیر نکرار الحاح خبرلری کوندردی وزیر دخی چاوش باشی بی  
بر قاج چاوش ویر قاج محضر اغایولداشی کوندروب ساقزه نفی اولتمق اوزن فرمان ووروب  
بواسلوب ایله قایغه وضع ایدوب برایکی چاوش ارسال ایله دیونیمه ایلدی چاوش باشی  
اسعدك خانه سنه کلد که اسعد اختفا ایدوب توابعی بوند یوقدر دیو جواب ووروب قند  
کتدی دید کارند بهایی افندی یه کندی دیو جواب ووروب افندی بی نیرسزدید که چاوش  
باشی صاحب دولت استر دیدی توابع اغا وارچکل کیت بوند اولسه دخی سنکله کتمز  
جمله علما ایله حضور هما یونه وارردیه تعنیف ایشد کارند فتنه و غوغا احتمالی اولغین چاوش  
باشی دوندی اما اسعد اولکون اول کیجه آرام ایتیموب کمال افندی زاده یه و بهایی افندی یه  
وساز علمیه کندی و اوغلی و اوروب اغلا یوب فریاد ایله یوظالم بزی صاغ قومزدیوب صادرات  
افعال و اثرکون و واقعات کونا کونن مذاکره و جمله سی جمعیته دامن درمیان ایلدیلر اندن  
قره چلبی زاده محمود افندی یه و اوروب باشمزه شویله حال کلدی دیوب بشتکوی واعانت  
واستمداد رجا ایشدیلر محمود افندی مال وجاه صاحبی متعین آدم اولمغله سلا متجربلق  
بختن کوستروب بویه اولماق کرک ایدی اولش بر سهولت ایله مدافعه قایلدرالم چکمک

دید که اسعد فریاد ایدوب عرض علما یو مقید رسن بویه دید کدن صکره زه کیم صاحب  
چیقاردیو وافر معقول عتایلر ایدوب قالدقوب منزلنه و اوروب مختفی اولدی و کیجه ایله  
اوغلی و ملازم لری و خد متکار لرینی تذکره لایله جمله علما یه طاعیدوب صباح جمع اوللری  
التماس ایلدی انلرک ایسه حاللری بلوا کثری مفتی یه ماطر مانده اولمغله بویهانه بی غنیت  
بیلوب صباح تحربه و عدل لرویدیلر ایرتسی علی الصباح کمال افندی زاده و بعض علما  
اسعدك منزلنه کلوب اسعد دخی بکا ایدرك نقل ماجرایه مشغول ایکن چاوش باشی  
ینه یدی سکر چاوش ایله که جمله دن بری آریزچی حسین چاوشدر کلوب زرداندن چقد قلدند  
افندیله خبر اولوب کمال افندی زاده همان غضب ایله چاغروب اصلا چقراچر و کلسونلر  
بیقلوب کنسو نلر جمله علما ایله وارمق اوزن یو زید و کتی چاوش باشی ایشندی و اتباع  
دخی ایچرو کیر مسنه مانع اولدیلر آریزچی حسین چاوشکه آریز مخادم پایه سنه علما ایله  
ادعاء لرومدن خالی اولما مغین چاوش باشی یه سز وارک کیدک مبادا که بر عرض اکسکاک  
اوله بن قاله یم شاید سهولتله کتورمک ممکن اوله دیو چاوش باشی بی یوللایوب کندواد ایله  
ایچرو کیردی افندیلرک اللرین ایدوب مداهنه لره اشتغال ایدوب صاحب دولتک مرادی  
سز ی بارشد بر مقدار و سز ی تطییب خاطر ایتمکدر دیو ایمان غلاظ ایلدی لکن آریزچی  
دخی اغزندن کلان تطییب خبر ندن رایحه کریمه فایح اولغین وجود ویر لمیوب معقول  
بر شمدی جمله مز و اریز زیدیلر چاوش باشی ایسه آریزچی بی آند بر اغوب کندوسی بهایی  
افندی یه و اوروب تحیر بی تبلیغ نبی ایله سلطان محمد طوغری کشیددی جامع قیوسنه وارد قله  
مشهوریندن کچ دهان دامادی عبدالله افندی یه راست کلوب سلام ووب کشید  
هنان اولد قلدند عبدالله افندی چاوش باشی یه اغا قند کیدرسن اسعد افندی حقتد اول  
سنک ما مور اولدو غلک ایش اولنری معنی زحمت چکمه دید که چاوش باشی انکار ایدوب  
واعذار بسلطنه مشغول اولوب اولحل اسعد افندی و اوغلی سید سعید چلبی دخی  
اولحل چیه کلوب چاوش باشی یه و غیر بلره شتوم یه یا شلیوب عرضنی کسرا ایدیلر چاوش  
باشی بهایی یه وارد قلد افندی یه شمدی بولشملریه ل ویردیله دنوب کتدی عبدالله  
افندی قره چلبی زاده محمود افندی یه و اوروب اندن یقیدلک وضعی کورد که من حالا جمله نك  
اقدمی رئیس العلماء کلیسن بونه فضیح ایشدر علما نك حالی ینه مؤدی اولور قیام سنک حقت  
دکلیدر سن مقید اولنرسن بز کیمه و ان لم البته او کومزه و شمل کر کسز دیه لچ ایدرکن  
اسعد افندی و اوغلی و جمله خانه سنه اولان علما کمال افندی زاده شیخ زاده عبد الرحمن  
چلبی بولوی مصطفی افندی شعرای زاده و سائر تذکره ایله دعوت اولنان موالی  
و مدر سیندن یکر می نفر دن زیاده آدم و سائر قضاة و مدر سیندن ابکیوز نفر دن متجاوز  
کسنه لرحمود افندی نك خانه سنه کلدیلر اسعد افندی مقام شکوایه قیام ایدوب اوغلی ایله  
کر یان اوله رق ماجرایه سویلدیلر و بوری صاغ قومز البته قالدقوب اوکره دو شوب بزمه  
یاد شاهه کیدرسن دیو زبان آورلکار ایدوب هر یابدن کفت و شنید ایشدیلر نا که ملک زاده  
دخی کلوب مجلس طولدی هریری کورد کیری اذیتلری و دخواه لرینه مغایر اولان وضع



وحرکتاری جو رو ستم اولمق اوزن ایرادایدوب مناصیدن النان رشوناری و توجیهات  
مدخوله سنی و مثال کونا کوتی یا دایلیوب بومعقوله مواد متعددده بیانی ایله محضر  
یا زوب محود افندیك الله ویردیلاولا امضادن اباایدوب کاغدی الدن اله کتردریلاو  
بالاخره بمک زاده جرأت ایدوب بره شونی امضادن قتل ایجاب ایدر بزاکده راضی اولدق  
دیوب امضا ایلدی بعد محود افندی و سائرلری امضا لیوب اسعدک او غلی بدیلده حاضر  
اولیان علمک منزله لرینه کوندر دیلر جمله امضا ایدوب خواجه زاده یه وار دقه  
امضا برینه مداد قلملری دماء شهادت افصل اولان علمانی ضرب و استحقار ایدن  
مفتی نک عزلی واجب درد یوزوب بعد محضرینه مجلس اوله کلدی جدید صدر روم  
اولان حسام زاده و خواجه زاده مجلسه دعوت اولند قلمزده آتلمر محضر در پادشاهه عزمت  
ایتد یکمیزده زه خیر اوچرک بز دخی بنوب یولده ماحق اولور زدیو جواب کوندر دیلاو  
هنوز محضر امضالری تمام اولمزدن اول وزیر طرفندن باش محاسبه جی محمد افندی  
کلوپ بویه پیغام مکر انجام کتوردیکه صاحب دولت جمله کزه سلام ایلدی رجا ایدرکه  
اسعد افندی بی مفتی ایله بارشد یوب مرادی نه ایسه تمشیت و رضاسنه جمله کتر  
سعی ایدر سز بویه جمعیت و فتنه مناسب دکلر لطف اینسونر فلان یوللوسویلند که  
بونلور دخی محمد افندی بی اور تابه آلوب سن بر سوز فهم ایدر عاقل آدم سین کلدیکه مناسب  
اولدی بونک کار و کرداری شویله در بویه در دیو جمله معایب و تقایصنی تعدا ایتد کدن صکره  
صاحب دولتک بز دن النی او یوب بز بونک شرنیدن امین دکلر بعد الیوم بز دن فردا نک  
قیوسنه وار میوب ورثه سز در یونکا پواتمیز آتی زم اوزر یزدن دفع ایدوب کچی معقول  
کورر لسه اتی شیخ الاسلام اینسونلر کند ولره انقیاد ایدر ز صاحب دولت  
بود ایه بی اوزر یزدن دفع ایتمه لرین رجا ایدر زوالا بار شقی نه دیمکدر اکامکان یوقدر جمله من  
حضور هما یونه واروب احوالتری ییلد پرز جمعیت مخمل اولسنک طریق بودر غیری وجه  
متصور دکلر البته سن واروب بوکلامری تبلیغ ایدر سن و زه جواب کتون سن سن  
کلجه بو محضری پادشاهه کوندر میوب نأخیر ایدر زدیو محاسبه جی بی عهد و میثاق ایله  
کوندر دیلر لکن غمی و قتی چکدی وزیر طرفندن خیر کلدی آخر مصدر دن معزول بروسه لی  
محمد افندی ایله شعر اوای زاده بی بر تذکره ایله سرایه کوندر یوب کلام سابق اوزن عزلی  
رجا ایتدیلر انلور دخی واروب کور دیلر وزیر سر ایتدن چیقوب مفتی یه کتمش دونوب کیر و  
کلدیلمر مکر وزیر بوشو و شور کند و دولتته دخی بلکه سرایت ایدر دیو خوقندن جان تدارک  
ایچون مفتی یه کتمش و علمان تقیب زیرک زاده و قوجه رحمة الله افندی وسعدی زاده  
وصنعی زاده و عبد الفتاح افندی و سائر اوسعید لیلا جمله اندک گفت و شنیده مشغول  
ایشلر اما عصمتی یوایی کرو هک برینه دخی حاضر اولیوب و کذلک حنفی یزدن معزول  
اولدق دیوکنار چکدی بالی زاده مفتی مجلسنه واروب حسام زاده ایکی دفعه چاوش ایله  
دعوت اولنوب تعلل و اوجیه کلدوکی ذکر اولنور اول حاله وزیر مصاحبت ندر دید که  
مفتی جواب و یروب انلر برآلای نکبئی حریر فلر در همان یکچیری اغاسی طرفندن بر قاج

چورباچی نفراتیه تعیین اولنوب جمعیتلری اطرافنده کورن کازی کچی انلر طرف اولور زدی  
وزیر دخی بوتد بیره قرار و یروب اولایو معنایی کند ولره استعارایله لم شاید تخویف و توهیم ایله  
طاغیله لر دیوب کوندرن جک برآدم آرادیلر ایاصو فیه ده صالی واعظی تورک احمد نام  
یوالفضول کبر خد متده بولنوب صیت عنوانن ارتور مق ایچون دانداد امن در میان ایدی  
مجلسه حاضر بولغله بزوان لم دیوب پاشا اغالزندن برینک غدان لی اتنه بندر یوب جمعه  
کوندر دیلر انلر منلار کاب همک یونه بر عر محال یازوب بویه له ایلدیکه نتم شوکتلو  
پادشاهم بود عاجز ایاغن جد پادشاهمک مستقیم و متشرع دعا جیسی اولوب دخل  
ایجاب ایدر حال یوغیکن محضا هوالتنه متابعت ایتدیکمزاچون اسعد نام راشی و مرتشی  
کلوپ بز شیخ الاسلام ایکن ترک ادب و هتک حرمت ایدوب زه مشافهه طالم و دینسز  
دیوب بومعقوله الفاظ قبیحه ایله اطاله ایدوب وصفا لزم میا پشوب بز ضرب ایدوب  
مجلسدن اخراج اولند قلم سائر علمانیله اولان زور بالیکه مرحوم بابا کزی قتل جرأت ایدن  
محریرلر دریاغه قالد یوب تحزیب و جمعیت ایدوب برآلای اهل غرض زه اذیت اوزن در لر  
واصلی مراد لری بومها نه ایله تجمع ایدوب پادشاهه هجوم و سوز قصد در بونلرک حقلرندن  
کلنوب نأد ییلری واجب اولمشدر و لایینه فتنه عظیمه ایقظا ایتلری مقرر در بو کاغدی  
وزیر و یروب اغزدن دخی بومضمونی سیارش ایدوب اگر بونلر فساد لرین تمشیت ایدر لر سه  
سزک دخی صدر صندارتدن از عاجز کزه قصد لری مقرر در همان یکچیری اعاسنه خطا یا  
یونلری طاغتمه فرمان عالی اصدارینه سعی ایدر سز دیو وزیر خنکان کوندردی  
و علماء عظام مفتی افندی حاضر ثلرند در انلر برآلای بی ادب زوبا کستما خلر در دیمک  
یولندن تعلیم ایلدی و حالاً والد حاضر ثلرینک خزینه داری ملک قادی نام جاریه که  
اول سمته جانیدار ایدی اکا و والد حاضر ثلرینه تذکره لری یازدی وزیر واروب منلارک  
کاغدن یروب طامیلر دخی تعریف ایتدیکن علمانی نأدیه جواز کوسر دیلر و یکچیری اغاسنه  
ثنیه اذن هما یون صدور و حصوله کتور دیلر و سوق وزیر ایله جمعیت کزی طاغیدوب  
احوال کزی اولر یکردن عرض ایدر سز دیو مفصل خطالوب خاصکی ایله محضرینه  
کوندر دیلر از تن جانب ترک احمد ایسه محود افندی خانه سنه کلوپ وزیرن سلام  
کتور یوب الحمد لله تعالی سز لر هر یکر مفتی اولغه لایق کبار علماسز بویه جمعیت و ایقظا  
فتنه یه پادشاهک رضاسی یوقدر دیو سورمه لر یله اگر طاغلمز سکر یکچیری اغاسی  
طرفندن چورباچیلر تعیین اولمشدر کلوپ احاطه ایتد کارنده حال مشکل اولور دید که  
حدت غضبندن هریری پراتش اولوب جمله دن مقدم بولوی مصطفی افندی واعظه  
عتاب ایدوب نه یوخ بریو ملعون بره خنزیر بز خر و جی ایتدک که اوزر یزده باو کتر  
تعیین اولنور باق خبیثک یدو کی هرزه سن و سنی کوندرن فلان و فلان دیو شتوم  
شنیعیه کیروب واعظی مجلسدن سب و لعن ایله طارچیقا ردیلر حریف اتنه بتر کن  
علی افندی زاده بره بو ملعون انک جاسوسیدر و نه فتن تور کدر قنده قیو و بررسز  
یولعه ایله وزیر وار دقه نه فساد انکی زسوزلر سو یلر فتنه عظیمیه مودی اوله جفتند



شك يوقدر اليقو ك خبيثي شونك قازقلا شون ديد كه نكر اراشدن ايند روب خلق  
 اراشدن كوز حبس منه الوب توقيف ايند يار بعد سويلا شوب بزه ويزدن وغير يند  
 در مان يوقدر بو مقامه قالورسه بزم جمله مزي قير ديرنه طور در ستر قالك پادشاهه  
 كيم لم ديوعزيت ايند يار موز ديركه اول مجلسه سپاهياردن ويكچير يازدن آدم كلوب افندي يار  
 استرلر سه سلاخلوب وار علم خدمتده بولنالم ديويخير اكوند روب افندي يار جوابلر نه اغاره  
 بزدن سلام ايله بزم هجوم وسزه متعلق ايشم بوقدر انجق مفتيدن خشنودد كلزلك عزلي  
 التماس ياد شاهزمره عر خيال ايتك ديور كلسونلر ديو ايج ايند يار كل چار شولر ورازستان  
 طرفندن دخی آدمار كلوب بيور رسترد كانلري قينا يوب نصرت ايند لم وسرايه ييله  
 كيم لم ديد كارنه يوق زهار بزم فتنه وغوغامز يوقدر ديو منع جوابلري وير مشلر  
 ايندي بوسوز بغيد دكلر زير لخلق فتنه وفسساي دي بالطبع سورلر خصوصا  
 سپاهيارد وغيري طوايف عسكريه يه علاقه لار وركلر جفا اولنوب مضايقه  
 سنبيله جانلري بورونلرينه كلشيدن بويله فتنه عدو ثي اللهدن استرلدي قره  
 چلبی زاده محود افندي ايله ملك زاده همعنان و سائر جملره عرفلر يله نوب سرايه  
 متوجه اولوب اسكي اوطه لار اوكنه وارنجه قضاه وعوامدن اولقدر الوف مجتمع  
 اولمشيد يكه اول شاهراهه كنجائيش بولماق مرتبه سنه وار مشيد عسكري يه  
 وشهر لي يه بزم جدا لمز يوقدر كلسونلر جوابي وير لمشكن اكر اول اسلوب ايله دخی  
 ايلر ووارلسه تحقيق دكانر خود بخود قيا نوب جمله شهر ياغه قالقوب سرايه  
 وارنجه عالم دريای ادم اولق مقرر ايندي اسكي اوطه لار اوكنه وارلد قه قارشدون  
 قرمزي چوقه دولامه وسراسر قوشاقل خاصكي قرشوكلوب الله مفصل خط هايون  
 باشنه برابر احق كتورردی بار كيردن اينوب محود افندي نكر كابين اوپوب الله صوندي  
 جمله سي آت باشن چكوب محود افندي ملك زاده يه ويروب رفع صوتله قراءت ايدوب  
 خلق استماع ايندي مضموني بعينه بوايد عزلي علما افنديلر بم اباغن جد دولت دعا جيلري  
 علماء دولتمز وبن سزه ظلم وجور اولندي غنه واك ادنا كرك خاطري زنجيده اولد وغنه  
 قطعا رضای همايوم يوقدر وهر يركزه عنايت مراد همايون مدرالم حكيمه سز ايندي  
 خط هايونم وصول بولد قه جمعيته بر قدم دخی ايلر وكيوب منزلكره طباغله سز  
 و مراد يركزه ايسه يازوب بلدن سز ورايكي كون صبر ايند سز مراد كزنه ايسه بر حال ايدرز  
 زها مضمون خط شريفه مغاير ايش ايتيمه سز والسلام جمله سي پادشاهه خير  
 دعال ايدوب امر ياد شاهزمره ديوب دونوب خاصكي اغايي ييله جمعيته يله محود افندي  
 وثا قنه كلديلر اندن شكائيلري نه ايسه تعيين مو ادايدوب ظلم وخورد ايند كلري  
 نه قدر خصم واصل و ارايسه و ارشاشيمه ايند كلري نقد ردمت آويز وهدايا المشار  
 ايسه توجيها ت مدخوله ولوضاع نا معقوله هر نقد ارشي خاطر لرينه كلش ايسه بر رقه  
 مفصله يازوب استا نول قضاستدن معزول علماء عظامدن براد مي ناحق يره ضرب  
 ايدوب يوزنه توكروب تدليل وتحقير ايشمدر بوجر آني سلاطيندن ييله كسه ايتام مشيد

جمله علما حاجزمره مرحت ايدوب اني غزل وهر كيم اولورسه اولسون بر دعا جكري مفتي  
 نصيب يورلغي رجا ايدرز ديويخر بون خاصكي اغايه ويرديلر و خاصكي بي اور تايه آلوب هر يري  
 متعجب اولدوغی قضيه بي مبالغه ايله نقل ايتديلر خاصكي مختير اولوب ايندي كي مفتي  
 استر سز ياد شاهزمره سوال ايدوب جواب استرلر سه جواب لازم دريد كه بالاتفاق معاذ  
 الله فلان كسنه بي استر زديكه بزم نه حد يتر وازدر همان به ني عزل ايلسونلر غيري كي  
 مفتي ايدرلر سه فرمان كند ولر ينكدر قبول ايدرز و اوب اني او پر زديديلر خلاصه كلام  
 هر يري دلخواهي اوزره ادا امر ايدوب خاصكي به ايمان مو كد ويرديلر كره قعه بي پادشاهه  
 ايصال ايليه ولسا نا استماع اينديكي سوزلري سويليه ومباد بور قعه مزي مفتي ووزير طرفندن  
 سنك انكدن الله ياد شاهزمره وصوله مانع اوله لر سنك بزم بزدن برايكي آدم همراه اولسون  
 ديد كلر نه خاصكي به غيرت غلبه ايدوب بهي افندي يار بونه سوزدرين پادشاه طرفندن كادم  
 ينه افندي يه كيدرم ومأمورا ولدوغم خدمتي مستقلا ادا ايدرم بم الله دن كاغدي آغله كم قادر در  
 يابن باشم دن قورقازم يم ديوتام اعتماد ايند يوب رقه بي آلوب كتدي وپادشاهه ايصال  
 ايندي مضموني معلوم اولد قه وزير ي چاغروب نچون سن خلاف انها ايلدك ويونلر قتنه  
 قالدردی قصد لري شودر ديدك حالا امر مي طوتمشرو مترلرينه طاغيلوب حاللرين  
 عرض وفرمانه امثال ايشمدر در ديور مقدار عتاب ايند كه وزير خوف ايله مبهورت قالوب  
 بربويله ايشمدر ك شكند تاعثم ايندي وقت عصرده و زير طرفندن مزبور لره خطا با  
 يرتد كره كلدي واروب منزللر يكره طاغله سز اوج كون صبر ايند سز البته بر حال اولورديش  
 انلر دخی اخشام او زري طاغيلوب خانه لرينه كتديلر عزل ابو سعيد افندي ومفتي  
 شدن بهايي افندي ثانيا علما منزللر ينه كيدوب ايرتسي خيس كوني سكون و انتظار ايله  
 چكوب دخی ايرتسي جمعه كوني كه رمضانك اون ايكنجي كونيدر بهايي افندي اخرويه دعوت  
 اولنوب سمورالباس ومفتي نصب اولندي جمله علما ووزرا تهنيتيه سنه واروب مفتي سابقه  
 دلکير اولنلر امن وسرور حاصل ايتديلر تيمه بواشاده سورنازن مصطفی پاشاد فتر دارلق  
 مقامنه قعود ايدوب وايلت قرمان سابقاروان سفرينه كيدركن قيصريه ايله سيواس يينند  
 كشته تيغ سياست مراد خاني اولان اقشهر راود يوانه بلك اوغلي درويش مجد پاشايه  
 ويرلدي وقاطرجي اوغلي قرماندن معزول يلو اجد و بر قاضينك خلفه سن الوب اندن اوتوردی  
 بواشاده تركان ويوده سي مغرود ابازه حسن توكله زياده تعدی ايتمك ين شكائي كلدي وزير  
 سابق كورجي پاشا نك جمله مالي مير يه النش كندوسي بووقته دك يدي قله ده محبوبس  
 ايدى وحبس خانه ده باشي عقرب صوقوب مزاجي منحرف وضعيف الحال اولمشيد مفتي  
 جدي ايله قديمي دوستلغي اولمغله رجا ايدوب حبسدن اطلاق واوخرى سنجايي ويرلدي  
 معن زاده حسن بك مرعوم نقل ايندركه كورجي پاشا قوجه معمار قاسم اغايه غضب ايدوب  
 سن والديه قوجه كويريل يي مدح وسوق ايدوب كورجي پاشايي ايكي او كوزه همان ويه مزي  
 ديك ديودار السعاده اغا سيله متفق واليه كند الغندن چقاروب زندان قائل قيوديد كلري  
 چامانگاهه ايندركه قاسم اغا خوف جان ايله هجوم غوم بي اماندن خسته لنوب اول اشداده



یورتی برعقرب صوقوب اگرچه الم لدغ دفع اولدی اما بوزنك ملدوغ اولان طرقله بر ماده  
ایوب جرات باغلیوب آکله مثال بر طرفی چور و دوب بعد مند فح اولمش قاسم اغانك  
یوزنك بر طرفی ریشیدی الحازات من جنس العمل شکله کورچی پاشنك دخی صد اردن  
عزل ویدی قله یه حبس اولن قله یاشنی عقرب صوقوب طبیعت وجود دده مکمون اولان  
مکافات اعمال عینی ایله پرین یلدی بواناده مجدد امنه اصیب و مرانیه نائل اولمش نودولتار جوق  
ایدی کرده کروه استانبولده کزوب احشام عرض ایدرلدی مثلامون پاشاسی کورد محمد  
نام مردن پیداکه سابقا بیره جک سنجاغی یکینك کتخداسی اولوب بیره جک خلقی میرمزوری  
کثرت ظلمدن طردایتد کلرنده کتخدای مزبور انکچون مهمسارلغه آستانه یه کلوب ولی  
نعمتی نامیله پیدایتدی بکی اچیه وهدایایی و یروب کند و ایچون بیره جک سنجاغی پیدایتد  
وارد قله کندودخی کثرت مظالمه بنا طردو آستانه یه کدکده بض و سابط عجیبه ایله  
برمالدار سرایا و عورت الوب اکا اعتماد و بر قاج کیسه مال ایله اعتضاد ایدوب و افرادرات  
واحدشام پیدامندن صکره مراجحه جیلردن التمش کیسه مقداری اچیه یی یکایک فائده  
ایله الوب ایکی توغه نائل و مون ایالتن بر طرفی بقله حاصل ایلدی کذلک شام و البسی آق محمد  
پاشا وجدید کتخدایک و مصوبی و طور ناجی و دخی نیجه نوظهور اغار فوج فوج زیارته  
کزرلادی عصمتی افندی یه رمضانك یکریمی برنده بیر امه دک توقی قله استانبول قضای سی  
ویرلش ایدی شوال غره سنه عید شریف دبسته و سنه عصمتی استانبول قاضی سی مقامده  
ال او یوب شوالک دوردنجی کونی سلا نیک مولایینه کوندلادی ویرینه سعدی زاده السید  
سیف الله افندی استانبول قاضی سی اولدی ابوسعید زاده فیض الله افندی غلطه دن عزل  
و غلطه قره چلی زاده ابو الفضل محمود افندی یه کدر رئیس العلماءیدی اریه لق اولوق اوز ویرلادی  
ویریه قضای سی اسعد افندی یه اریه لق ویرلایوب خاطری جبر اولدی و استانبول قضای سی  
سعدی زاده دن صکره رحمة الله افندی یه ویرلک اوزن ارداف اولندی و روسوی محمد  
افندی یه ادرنه قضای سی ویرلادی قره دکره تعیین لولنان شه بازا شایریش کور میوب اون  
قدرغه ایله منزه ما کلدکه وزیر ترسانه یه یکوب دیوان ایدوب احوال لرین سوال ایتدکه  
شه بازا شایر اظهار تشکی ایدوب معتمد محمدک اوغلی قیودانکه سفینه سنه یکچیر بلر وار  
ایدی کفار اوزرینه علی التغله کیدرکن سوزیمی طو میوب ایلر و سکر دوب بعد بعید یردن  
طوب التغله کفاری آگاه ایدوب محل جنکه وارد یغمز ده الارغه ایدوب معاونت ایلدی  
سینوبه حتمدن کلک مراد ایتدیکمه یکچیری یم دیو یکچیر بلر المدن الدیلر واهزانه سبب  
مستقل اودردیو واقعی بیان ایتدکه وزیر مزبور معتمد اوغلی ترسانه دیو انخانه سی مقابلده  
صلب و سیاست ایدوب و شه بازا شایر بعد العتاب جسم اولدقدن صکره یه اطلاق  
اولندی و دفتر دارک مستقیم سورتن کلشیدی طلاسورنازن مستقیم ظهور ایلدی  
نکته سی انك شانسه در قلت اموال و خزینه ده اولان اختلا لدن شکایت ایتدکن وزرا  
و مفتی و صدور علما حضور هاینه چاغریلوب مال میوی خصوص چون مشورت ایتدیلر  
خلاصه مشاؤون و اولدی که ارض و مومکا تقری و قسط مونی و مغیسا و ساز االتلرک

صاحبزادی تحملنه کون شومقد اراچیه یه قناعت ایدوب قصور شومقد اراچیه سال بسال  
آستانه یه کوندر مک اوزن هر منصبه حالته کون مال ارسالیه باغلنسون و یومنعیلری لالار اول  
مقدار مال معینه سی کوندر مک اوزن التراما السونلر بعد الیوم یونلردن مصرکی مال کلسون  
وزعامت و خواص و بشمقللاردن دخی برمقدار کفایتدن زیاده سی میری یه باغلنسون دیو  
قرار و یردیرو زکند و خاصلردن یکرمی بیک غروش میری یه باغلدی بوتد بیردن مهر سنه  
یدی یوز بیک غروش خزینه یه نفع حاصل اولور دیو یوز ریجیندن بر دفتر چیقاروب حضور  
همایونک قرات و احباب مجلس و افرگفت و شنیددن صکره تمشیتنه قرار و یرلادی کذلک  
همالک محروسه ده عومامقد اردکرمن و ارایسه مهر سنه هر دکر مندین برر یال رسم طوا حین  
التیق اوزن او امر یازیلوب یوندن دخی سنوی یوز بیک غروش حصوله کلک اوزن وجهه و حیه  
کورلادی و بلاد اسلامیه ک هر منزلنه بر ایکیش غروش صالوب جمع ایتدکی مناسب کور مشاؤون  
ایدی اولاسکداردن بدأ اولند قله اسکدار خلقی غلوی عام ایدوب بالضررون فراغت  
ایتدیلر مراد ایتد اسکدار و بعد غلطه و ایوب و بعد استانبولدن جمع ایتدک ایدی هجوم عام  
خوفندن فسخ عزیمت اولندی یوبدعت و نکالیفک مالی فوزی غوغا و له جفی متعین اولوب  
مخافت تدبیر لری آشکل اولدی بانکه دکرمن حقی نامنه جمع مال ایچون تعیین ایتدک لری  
عاملردن بشرا و ز بیک غروش پیشینلری النوب اللرینه و امر و یرلایوب کوندرلشیدی  
اسکدار فتنه سی سببیه خلا فسخ اولنوب خصوصاً سیاه طائفه سی بز علوفه المزایکن  
دکرمنلر یزدن اچیه التیق و قرهی و مزارع زدن رسم اثمار نامنه تکلیف التیق نه دیمکدر دماوزان  
دولت و یومقوله مظالمی رکاب همایونه عرض ایدن اهل خیانت جزا لرین بولدی اچیه اولمز دیو  
بریر کفتکویه باشلشرا یدی و مشورتنه بومظالمک تمشیتنه قرار و یردکده مفتی بهایی  
افندی راغبی اولیوب لکن ضرورت خزینه سببیه ایالتلر مال باغلتیق و خواص  
وزعامتدن میری یه سنه التیق خصوصه سکوت ایدوب رسم طوا حین و منزللردن  
التیق بدعتنه رضا و رسمش ایدی بعد منزللرینه کلدکه رسم طوا حین و رسم اثار نامنه  
بدعتلری قرار داده اولوب او امر و یرلدیکنی ایشتدکه اشد انکار ایله انکار و یومقوله بدعت  
احداثیه همالک تحزینه سی ایدنلرک حقارندن کلک ککر کردیو بیوردقلری  
شایع اولمش ایدی یوبدعتلرک موجودی و یومفاسدک خیر مایه سی تورک مضطقی  
خلیفه که موقوفات قلنک باش خلیفه سیدر علمادن و عسکریدن بو وحشت انکیز انکار  
صدالرین ایشتدکه احداث ایتدیکی مظالم ثبوت بولیه جغنی ادراک ایدوب  
تریب جزا خوفندن وزیر و واروب دامنه وس ایدوب دوله لوبکا بر قاج اچیه تقاعد  
احسان ایله حج شریفه واروب دولته و سلطانه خیر دعار خدمتده اوله یم دیدکده  
بویانه ایله تخلص کریبان و اموردیو اینه دن قورنلق ایچون حمله ایلدیکنی وزیر فهم  
ایتمکین زهر خند ایدوب بهی تورک اصول ایله قورنلق می استر سنک اجازت دیمک نه دیمکدر  
براشدر ایچنه کیرمش اولدق و سنکله یله جه بولندق یا اودر که ایشی باسته چیقارر زیاستکله  
برابره باش و یرزدیو اذن و یرمدی کذلک محاسبه خلیفه سی محمد افندی دخی بومکر



و هائیه محل تهمت ایدی اولدنی بر طریقه صیرلغه اذن استدی وزیر اکاده بوجوانی وردی  
 و بواسطه اسب اردن آنچه النوب وزیر اید او زارتند امو رنرخ و احوال فقر الیه نقید  
 گوستر مشیدی مکر اول اهتمام بر غایش اولوب مقصودینه جلب مال ایدی یکی محقق اولدی  
 مثلا شمع روغن ماده سیکه امو ر عامه فقر ادن ایکن پاشا آری الیه بعد المشوره موجبله نرخ  
 معین اولان یکر می آنچه به صاعق ال ویر مزوقیه سنی یکر می سکره ایتیمجه ال ویر ملک محالدر  
 دیوب مداهنلر ارایه کیروب شویله تدبیر بدعت ایتدیلر کینه مومک و قیه سنی یکر می  
 ابکی به اوله فاماوقیه عثمانیکه در تیو زدرهمدر موم ماده سنند تنقیص اولنوب او جیوز  
 قرق درهم موم بروقیه اعتبار اولنه تا که دور تیو زدرهم یکر می سکره ایشیه بویه بر اعجوبه  
 هیر مسبوق المثل ایش سکره روز کارا لوب کمی پاشا اوقه سی کمی سعدی زاده  
 اوقه سی دیوسو یلینوب بر کسه بر نسمنه الملق قصدا ایشیه خد متکارنه صافن پاشا  
 اوقه سی یاسعدی زاده اوقه سیله المسون دیرلری بواسطه که واسطه شواله کافر قلیونلری  
 بوغازدن قالقوب کیدوب پر یخ کیلری کلوب دو نمادنی اجازت الیه بوغاز محافظه سنند  
 کلدیلر اولان وزیر اید دخی دستور اولوب حیدر زاده محمد پاشادنی استانبوله کلدی  
 و تاتارخان او تو زیك مقدار ی له کاری قدیغی خبری محقق اولدی قیو دانلق توجیهی  
 ایچون درویش محمد پاشادنی استانه یه دعوت اولنشیدی مشار الیه جمله عسکر یله  
 کلیمولی به کوب او اخر شواله اسلامبول وصول و سلوری قیوسنندن عظیم آلا ی الیه کیدی  
 حقا که کوچک احمد پاشا مرحوم مد نصکره بویه مکمل قیو صاحبی کورلشدر طشره ده  
 یدی بیک آتیم اصدیقی محقق و حالا آلاینه تخمینا ایکی بیک پیاده و سوار ی مردان  
 کارار و ارایدی جمله جبه و جوشن الیه مستغرق و مکمل ایدی اما سلسله و بروسه  
 و ناطولیه ایتدی یکی مصادرات و مظالم دخی یقین زماندرده مسموع اولما مشدر زرا  
 اتباع و لواحق کثرنی ظلم و جلب مال ار نکابنی اقتضایله کلشدر ذی العقده خلایند  
 چنکی زاده علی پاشا هر سکدن معزول اولوب برینه دیکر علی پاشا کوندرلدی نزاع  
 سپاه و یکچیری برای قصاص کتخاری قوم قیوده صمان آلو رکن بر یکچیری الیه چکشوب  
 اولمدر بولنان قوللق چیلره چور باجی بره اورک دیمکله سپاهی ی اوروب قتل ایتدیلر قرداشی  
 میثنی قالد یروب ساحدا راغاسی قیوسنند علوفه و یریلور کن کتوروب یکچیر یلر اولدردی دیو  
 بر افغله نفر غیرت جاهلیه مقتضایله غوغا قالد یروب آغالین طاشلیوب حصو صاسپا هیلر  
 اغاسی محرم اغانک باشنی یاروب علوفه فی المازند یاسکداره کوب جمع اولدیلر البته چور باجی  
 قتل اولنق کر کردید و ایتدیلر شرعله کورلک فرمان اولنوب شاهد کبری یاز یوب برینه  
 قالد قدا و جاق طرفی مراجعتیه تقید اولنق ثبوت بولدنی تقدیر جه دیت حکم اولنور دید کلرند  
 بود عوایه مباشر اولنلردن جندی یوسف و عرب سلیم و غیر یلر یوق البته قتل اولنق کر کرد  
 دید کلرند نفر تابع اولیوب بروجانه یکدیلر انرا سکدار ده یا لکر قالد یلر بر صباح  
 اغارده فرمان اولنوب اول متعصبیلری اخدا ایچون اسکداره واردیلر مزید لر فرارا یتش  
 بولمغله سارلری طاغیلوب کتدیلر آدم تعیین اولندی جندی یوسف اسکی شهر ده

یا صوب قتل ایتدیلر عرب سلیم یچرایوب جلب جائینه کتدی وزیر و جوه غریبه دن و افراچه  
 تدارک ایدوب علوفه یی کند و سر ایتدیلر و یروب دفتر دار پاشادنی جمع مالله خیلی ید طولی  
 گوستر دی ذی الحجه غره رمضان قاضی سابق حسن بیاضی نک تعصبینه بناء بر کون مقدم  
 اولوب جمله تقاویمه غره یوم تلشدن ایکن بازار کونک اششامندن التبی ساعتیه ایکی  
 متعصبیلر الیه بزهلالی کوردک دیوب بیاضی به وارد کلرند بی هنگام کچه نک سکر نی ساعتیه  
 منادیلر یارب قند بللر یارب یروب ایتسی یوم ایشین غره رمضان اولمشیدی بانکه منجم  
 یاشی و سار صاحب و قوقلر یوم احدک وقت غروبند هنوز قر شمسک جرمی تحتند محاقه  
 ایدی و ریت محالات قیلند ندر دیو اتلاق ایتشیلر ایدی حتی ثلثا کچه سی یله هلال غایت الحق  
 و خفیف النور کوجه شخص اولنشیدی احباب نجیم و اهل هیئت مطلقا مخالفت ایچون  
 رمضان بر کون مقدم ایتشیدی حالا استانبول قاضی سی سعدی زاده غلط اولد غنه ارقطع  
 جزم ایدوب غره ذی الحجه یی یوم احددن طوئد و یروب حساب تقاویمه اویدردی غرائب  
 امور دندر که یکچیری اغاسنک ظاهر اعزلنی موجب حالی یو غیکن مفتی بهائی افندی به صقچه  
 صقچه کلوب کیدوب بینلرند معامله و داد و ارایکن مثلا طرفندن اولنق اوزن اچرو خنکان  
 برورقه و اصل اولوب مضبوطی بویایککه اغازل اولنوب سکبان یاشیلقدن معزول  
 طوئخانه لی مصطفی اغایکچیری اغاسی اوله زیر اوقالی شیخ اوغلی یکچیری کابشدن عزل  
 اولنوب منلایه اننسائی اولان حسین افندی یکچیری کاتبی اولشیدی بوقضیه نک  
 دسیسه سنه جل اولنوب بوورقه یی والد حضرتلری اغایه کوندر یروب احوالی بیلدر دکلر  
 اغاضیه کلوب بزم موجب عزل نه جریمه وارد که مفتی تذکره یازوب کوندن دیومنلایه و اروب  
 تذکره یی کوستروب معاتبات وقوع یلد قده منلایه تذکره یی انکار ایدوب مهری یوق امضاسی  
 بزم خطمزد کلدلر لسانمزدن ارباب حیلله نک دسیسه سیدر طوئخانه لی طوئلسون کوره لم  
 بوند کره یی کیم یازوب ویر مشدر دید که طوئخانه لی محتفی اولدی بویه یله به همد استمان  
 اولان اسکی باش چاوش و برایی اوجاق متعینلری نفی اولنوب اغایه استمالت و خلعت  
 الباسیله اغالق تقرر اولندی طوئخانه لی غیبت ایتسه کله سی کیدردی اول وقت عقلا  
 ایکی فرقه اولوب برکروه بوند کره دن ملانک خبری اولدنی واقعی و طوئخانه لی و معینلرینک  
 تزویر دیدیلر اما اغلی بوکه ذهاب اولدیلر که مفتی اغزندن والدیه تذکره یازمق خصوصاً  
 یکچیری اغلی کی بر امر عظیم تبدیلی بانده حیلله و تزویر ایتکه کیمک جرأتی وارد انحق منلایه  
 مصاحت سهولتنه حصوله کور امید یله تذکره یی یازدی لکن والد حضرتلری مساعد  
 ایتیب تذکره یی اغایه کوندر دیکندن اغانک حمایه سنند راسخه لاقدام اولد قلیونی بلدیکی  
 ایچون تذکره یی انکار ایتشدر دیدیلر ظن غالب دخی بودر العلم عند الله تعالی بووقعه دن صکره  
 منلایله اغانک بیننده عظیم شکر آب حاصل اولوب انحق منلایه کاغذنی انکار ایتکه صور ناغایه  
 مطیب اولوب دروندن قضیه نک صحنه جازم اولمغله مغیر اخطار ایدی حتی عید شریف  
 زیارتنه منلایه و اروب کک اشائی صورتدن معامله ایتدیلر بقی علی وانی علیه  
 وفی القلوب صعاین فحوا سی اوزن کا هیجه کوریشوب دوستلقدن حالی اولدیلر کول



و فرصت گفتار بولوب ابوسعید افندی اغایز یله پادشاهه ایتکیوز کیمسه و زوب مفتی  
اوله جق ایش اوازه سنی چیمقار دیلردخان اچرک ایکی شخص کستاج آلائی کوشکی اوکندن  
چکوب خنکار حضر تلری بالذات قفسدن کورمکه حریرفلوی طوتد یروب قتل مراد  
ایند کارنده برهمقداردکنک ایلده تعزیر دندمکره عفو اولندی یلرود خانه یساع ایدوب بعد الیوم  
خان ایچن اخذ و سیاست اولغور دیومنادیلرند ایتدردیلر احرار ذی الحجه نك اون سکنری  
چهارشنبه کیمه سی باذن الله تعالی اسیر خاندن نارظاهر اولوب روزگار غایت شدید اولغله  
طاووق بازاری و جمیع بازارستانك اطرافى محترق اولوب کورچی پاشا سرایى والد جمائى والی  
خانى بالجه مجود پاشا چاروشوسى تاپیک خانه یه وارنجه و مرجان جامی اطرافى کیدوب اسکی  
سرای دیواری سلطان بایرید جامی دیوارندن یور یوروب عور غوغو چیلردن قالپا چیلردن مصطفی  
پاشا تربیه سی اطرافندن والد جمائیه و شاه قولى مدرسه سنه کنجیه صد فکار یار پارتوشوسى  
بجه یانوب کدک پاشایه یور یوروب کیمه دن صباحه و صبحه احدن اخشامه دك حائل اولنه میوب  
قدرغه لیما نه وارنجه احرار عظیم اولدی زایچه تقویم برج انتهار اربع قران برج حمل و رابع  
طالع سال بولوب مرغ و زهره انده محترق و سال قرانده موعج مرغ بولنان برج جدی که  
توبیل برج انتهار طالع بولوب مشترى انده مقابله دخل ایلده مخوس اوله سی دلائل عجیبه دن  
اولوب خصوصاً صاحب بیت خسوف سوآلی که عطار درمادی عشره ده که خانه عقر بدر  
یوبله بولنق مؤید دلائل ایدی و یوعید شریف اثنا سنه مفتی مشورت همچون حضور همایینه  
دعوت اولوب وزیر و صد رین جم اولمشلر ایدی نتیجه مشاؤون مال پیدا سنه متعلق اولغله  
آثار مشورتدن مجدی محمد افندی که خواجه کلندن و زمره اماندن ایدی یدى قله یه کیندرلک  
تمه ورلیدی و سیواس پاشاسی نکه لو پاشانك شکائی اولغین سیواس طاووقی پاشایه  
ویز یلوب نکه لونك احضارینه آدم کندی سلسله منلانك بودغه ایتدیکی سلسله بجه که  
ایکینى زاده لر سلیمانیه دن قدسه قالدروب سلیمانیه ده کور قاسم زاده نوحی زاده عشاقی زاده باقی  
زاده بر ایندن اسبق علی الترتیب مستحقان و رایکن برینه ویرمیوب عبد الرحیمك کوچك اوغلی  
خاصه کیمه مدرسی جامی یه ویرمشیدی کذلک صوفیه یی پشمقچی زاده افندی یه ویروب  
برینه موزع احمد افندی یی برلشدردی کذلک قوجه و لیجان مرحوم اولغله مدرسه سین دایما  
کند و لر یی ذم و قدح ایلده و طب البسان اولان کامران زاده یه اسکات ملا خطه سیله ویردی  
طوغانچی باشی یوسف اغا قبه و رازقی ایلده اخراج و احرار اولوب شرق مصاهرت ایلدیکی  
ذکر اولمشدروب غار حصارنده محافظه ده اولان خاصه کیمه پاشایه مصر احسان اولنوب سلفی  
خادم عبد الرحمن پاشایه بحاله آستانه یه کله سن دیوانر کوندرلدى زیراز و براظم ترخونچی پاشا  
مصدر دن عزل اولنوب عبد الرحمن پاشا مصره وارد قله احمد پاشانك ماملکن الوپ جور عظیم  
ایتمشد راول سبب دن درونده عقد قلوب حالا عبد الرحمن پاشای اعدام قصد یله آستانه یه  
دعوت ایلدی تنه کم تفصیلی کاسه کدر وقایع سنه ثلث و ستین و الف محرم الحرام اثنا سنه  
ستوح ایدن احوال دندر که بوستانجی باشی صمیمه مبتلا اولغله دیار بکر ایالتی ایلده چقوب  
برینه بوستانجیلر کتخداسی نصب اولندی و یدى قله یه حبس اولنان بولوی محمد افندی نك

محاسبه سی کورلک قران اولنوب دفتر دارک منزله کوندرلدى صاری علی افندی و بعض  
محاسبه حسابیه باسلیوب اخشام ایر شمکه طاعله قلنده باش باقی قولى دخی منزله کتشی  
بولغله محمد افندی دخی اتیه یوب منزله کلوب مختفی اولدی دفتر داراعلا میله خانه سنی  
همرلدیلر و بعض عمر ملوی یدیلده وزیر عر خال ایدوب دولته و حسابیه راضی نکن بکاقدیدن  
هداوتی اولان صاری علی اوزریمه تسلیط اولتیوب غیرى براهل حق محاسب تعیین  
نیورلسون دیواظهار قظم ایش ایدی محمد افندی مالدار آدم اولغله طمع مبنی سکوت  
معامله سن ایتدیله احوال شمالیه بوماه ایچنده مفتی یه قزاق خطماندن مکتوب کدی  
کتورن شخص شویله تحقیق ایلدی که خطمانله تنهاسویاشدم اذدرونن بکا کشف ایلدی  
مقدما قاسم پاشاده ساکن ترسانه رؤسارلندن برینك اسیری ایش یاراروتوانا  
و عقالو قزاق اولغین فرصت بولوب ولایتیه بر قاج اسیر دخی ایدوب فرار ایلش اصلنده  
دخی بریوک خنزیرك صلبندن ایش پرارلغی حسبیله وارنق خطمان اولش لکن  
بروده اسیرلکی حالنده اسلامه گلش و محبت دین مجدی قلبنده جایگیر اولش بولغله  
دین و دولت طرفه عرض خلوص اوزن ییل باغلیوب لکن پاشنده مجتمع اولان ملاعین  
قوتیله بر خدمت وجوده کتوریم دیواسلامنی انلره یلدر میوب تعید ایلده قزاق زمره سنی  
استخدام ایدرمش بعد احوالی خانه یلدر یروب کورشد کارنده خان اعتماد ایتماکتی  
نماز مغربی خان ایلده ادا ایدوب قرآن عظیم الشان تلاوت ایتمکه خان دخی اعتماد ایش  
صکره توابی اولان قزاق مزبورك اسلامنی طویوب اوزرینه خروج ایدوب قتلنه  
قصد ایتد کارنده هزار حیلله ایلده ال دیوب زغلر نجه یین ایدوب و کند و له  
مخصوص بر کلیسا بنا ایدوب معتقد اولان آیین باطله مشارکت و اعتماد ایتدیره جک  
خصوص صله مسارعت ایتمکه قزاقلری کرکی کبی اینک اندر مش و حریفه نتیجه  
سپارشى و مکتوبنك مفهومی بوکها لا اوجیوزیش قدر قزاقه مالک اولوب پادشاه  
اسلامك قوللوغنه ییل باغلامش همان بکا خدمت یور سونلر جان و باشله سعی  
ایدرم دیش و قاصد مزبور شویله تبلیغ پیام ایتمشکه خطمانك اوغلو که حالا افلاق  
ویوده سنه داماد اولمشد رقرقیش تفنك اندازه مالکدر و چون مقدما افلاق بیکلرندن  
برینك قزى آستانه سعادتده رهن ایدی افلاق بیکی قزى طلب ایدوب مال عرض  
ایتد که اعد ایلله سبب اتحاد اولوردیوم ساعده اولنوب حتی هزارپاره احمد پاشا حرص مال  
ایلده بونجه بازارستانلر با صحنی و اهل سوق و اغنیادن غصب مال و اشیا آلفی تجوز ایتمشیکن  
ینه افلاق دن مال اکوب قزى کوندرمکی روا کورمه مش ایدی کذلک مولوی محمد پاشایه زمان  
وزارتنه قتی چوق مال عرض ایتدیله قبول ایتمشیدی بعد مراد پاشا وزیر اولد قده افلاق  
ویوده ده سی کیسه لر عرض ایدوب قزى اسنوب مراد پاشانك مستشاری بکتاش اغا وافر  
مال باطل یوب قزى کوندر کلمی مقدما ذکر اولمشیدی وارد قده قزى خطمان اوغلنه  
ویروب افلاق ایلده قزاق مختدا اولغله اگر افلاق ویوده سی و اگر خطمان بکتاشدن ممنون  
اولوب دایما هدیه لری کلوب مکتوبلر لردیکه کویا بکتاش اول ملاعینك قبول کتخداسی اولق



صورتش باغش ایدی حالا بومکتونی کتورن شصت و شونی اشعار ایندی که خطمان دولت علیه ملک خدمت و عبودیتنه بیل باغش اینک بکتاش اغلک قتل ایشتم که بحضور اولوب طلب تار و اسناده اولدیغنی تلحیح ایلدی و بوندن مقدسجه تا تارخانه میر علم احمد اغا ایله قایچ قفتان گوندلشیدی بو آمده احمد اغا کلوب شویله حکایت ایلدی که قایچ و قفتانی خلتک نظرینه ایلند که قوت و شملک صولیکن کیوب صاغ یکن یقه سیله منکبندن وساده اوزن براتش اوتوردی هر کتر قیام و التفات ایتیموب قوت و شونی آموزینه بیله آلیوب روی نعظیم و التفات کوسترمدی قایچی اوکنه قودق باقدی و بزمه خطاب ایدوب بزم قلعده ده ایکی متعین کافر اسیرلر وار ایدی قلعده دن قاجوب سفینه لیه استانبوله واروب غلطه ده مختفی اولد قارند و کلاعه دولت خیرین آلوب طوتوب شومقدار کیسه یه کفان بیع و اطلاق ایتدیلر بوضع مناسبیدر که اسیرلر بزم ملک اوله صاوب انچه سن انرا لالار خصوصاً بزم بزم متعین میرالرم کافرده طوتساق او اوب اول ایکی اسیر ایله ایکیوز متعین مسلمان اسیر لکدن تخلیص اچون کافرله خبرلشش ایدم حالا بونه وضعیتر که ایتدیلر بزم دوستاغیز و خدمت و قدرمزیانمک لازم اینک بزمه غدر و اما تنک معناسی ند ر بن قزغی منع ایتسم قزاق عالمی خراب ایدردی ب یو یقینه بوش اون شیعه ایله بر قاج مردار کافر چیقوب یالیلرده بونجه فساد ایتدی حقاقدن کلکه قادر اولدیلر می یابن بزمی ضبط ایتسم اوج درو و تیوز ستایقه لر قهره دکره چیقسه لر حاللری بجه او لوردی که عدولری بی نه بایه طائفه در ایددی البته بزم اول اسیرلر م که صاقلشدر کتیردوب بکا گوندلر سونلر دیککه ختم کلام ایدی و معذور اولسون حاضرده اسیر بزمی بزمه بوزده بود فقه پادشاه جواری تدارک اولندی دیوب انحق احمد اغایه بستی التي قزاق باغشلیوب هتاب ایله کبر و کوندردی مزبور احمد اغا دیکه قلیبون نام محله انجن ایدوب قزاق و افلاق کندویه رام اولد و غندن ماعد اما لا کلام ایکیوز زیلک تا تار کندویه فرمان بردر مخصوصاً جمیع زمانه خانلره انقیاد ایتین قالموق طائفه سندن قرق الی یکدن زیاده شیطانی برو طونه حوالیسنه کوروب رعایت اوزن دراورغون و تاراج استین لوندات خید اطرافدن در نکنه الحاقه درو بوغدا نونی انجیمه سن دیو استانه دن وارن اوامره اعتبار ایتیموب بغدادی اورمق سودا سنده اولد غین اشعار ایدوب طونه منجمد اولور سه مشرو خطر احتمالدر خصوصاً اسیرلر خصوصاً صنی دفعاتله سیارش و تنبیه ایلدی ذلتک خاطر مانده اولدوغی اسیرلر احوالی بو که صفا ایله ملک زاده لرندن ایکی اسیر تا تار ایله جنک اثنا سنده کر قنار اولوب خان بوا سیرلری سوا حل قلاهنک برنده حبس ایدر و کفارده اسیر اولان میر زاوغیریدن وافر مسلمان ایله استبدال ایتیمک اوزن خبرلشملر بو ائشاده محمد رئیس تام یکچیری اول قلعده لیماتده سفینه سیله یا تورکن حیلله ایله اوغور لیوب سفینه سیله استانبوله کتوردیکدن کار د اتان دولت اکاه اولد قلعده در غانده بزول ایدن کفار اچیسسی اریله کوروب وزیر ترخونچی یه انعهده علی الراوی ایکیوز کیسه و یروب مابینده اوللره دخی و اقرانچه بذل و خفیه اطلاق ایتشملر بغضباری دیر که اول رئیس و اقرانچه اقرار ایله اسیرلری اوغور لیوب کتورمک عن اصل اول اچینک شیطانی ایدی

طویلده اولقدار مال بزل ایتیمکه و کلایی اسکات ایلدی اسیرلر قاجوب بغدادیه وارد قلعده بغدادی بیکی خاندن خوقا اسیرلر بوجانبه کادیکی خبر ایلدی دیو خانه مکتوب یازوب خان دخی یوللری سدا ایتد کینه بغدادی بیکی حیلله ایله اسیرلر مجاهله نه یول ویرمش اما اول اسیرلر قچرکن سدر اه ایدن تا تار لره شکار اولور لار انردخی بونلر بزم شکار بزم دیو هجوم و بینلرینه اختلا ل دوشمکین خان منکدر اولوب و کلاعه دولت عداوت ایتد و کینه سبب بیامش و دولتدن وارن احمد اغا نظرمه کلد کده قتل ایدیم دیو عهد ایتش اما خان قیو کتخداسی جمشید چاوش مقدسجه خانه مکتوب کوندروب نه دعوا کتور و ارایسه مانع دکلدر دولت ایله مابینکتر توفیق اولنور لکن ایایی یه زوال یوقدر وارن آدمه بر ضرر فکرند اولیمه سرزدیمش و خانک حرکاتی بویه در دیو دولتیه بیلدرمشیمکن وز را و و کلاعه جواب کتوردک دیو احمد اغایه سوال ایتلری اغریدر ماه محرم حواد شد ندر معزول دارالسعاده اغاستک چراغی یقلی محمد فوت اولوب سنجانی آخره ویرلدی و بروسه دن معزول اورمق مصطفی افندی دخی فوت اولدی قبیل و فائده قره چلبی زاده محمد افندی ک خانه سنده وارمش که لا حرمینه مجاور اینک فوت اولان تقیب خواجه زاده عثمان افندی دن ورثه سنده منتقل منزلدر محمد افندی یه سلطام با نچه کزی سیر ایدلم دیش اولدخی مزبوری با نچه یه کتوروب تماشا و مصطفی افندی مزاجه مائل اولعین بهی سلطام با نچه کتور و رمان اولمش دیدک محمد افندی اوت بزمه سزی اورمان اولد و غیچون کزدردک دیش اناطولی قاضی عسکری بالی زاده افندی ماه محرم الحرامک یکرمی اوچنده عزل اولمغه ادرنه قضاسندن شامی نعمان اچ خلق قوتیله بزمه طالب اولد قلعده منلا دفعه و بحسب الطريق کمال افندی زاده ابراهیم افندی یه ویرلدی علوفه سلخ بزم منده چیقدی باعث تأخیر قلت مبلغ ایدی بالاخره پید اولنات التیوز کیسه انچه یه وزیر اعظم یه زالی کیسه ختم ایدوب ویرلدی دفتر دار سونانان پاشا استیصال طیارانه ید طولی کوستروب خصوصاً شمع خانه اماتش مارتدن مقدم برآی اچره محمد چاوشدن قالدروب دولت اوغلی نام بر مقلس وراشی ارمنیدن اون بش کیسه الوب اکاوردی ارمنینک باشنده الچه مندیل یانه باقی قوللری قوشوب اوتوردوب محمد چاوش دخی وزیر واروب فریاد ایتد کده فرمانله بقا و بعد دفتر دارانی دخی حقیوب و برهفته د نصیرکه ارمنی قیو طولاشمغه تکرار الوب وزیر لیدیسی الغا اولندی بوکشا کشد نصیرکه ارمنی ضبط ایلدی اما قهوه و شمع و سکر استین سلاطین عصمت پناه بالته جیلری کلوب تعیینات طلب ایتدیکه ارمنی تدارکندن عجز کوستریمکن بالته جیلر ارمنی یی دو کوب قاجرد قارند علی بیگ نام حریف پیشین ایله الوب اوتوردی بومقوله حیلله که طولاندر جیلر کاید مال پیدامی سودا سیله بد نام اولدی کذلک طله دن قیوچی باشی طووفق عمر که سابقا بوستانچی ایدی و ظالم یوسف که مور و بعض روم ایلند محصل نامنه کزوب مقدم مابعد الصمدان سیاوش پاشا و مابل والیسی ایکن ایکسینی دخی عرض ایدوب احضار لرینه امر صادر اولمشیمکن دفتر دار وزیرنه اشار سن یا صکره بزمه مال کیم کتوردیمکه منع و سیاوش پاشا سلسله بزمه نقل اولمشیدی حالا طو قاق کلوب مظالمه بناء حبس



اولن شېکن او توزیش کیسه وروب یوزه تکمیلنه متعهد اولوب دفتر دار حمله سیله  
اطلاق اولندی صفر غره سنه طوقاق عمرک بشیوزدن متجاوز شاکیری کلوب وزیر  
شکایت ایتد کړنده مایینکتر اصلاح اولنوردیود دفع صد دنده اولدی لوطوقق ایسه حقنوب  
اطلاق اولند قد نصبره دفتر دارو بوستنجیلره استناد اشاکیری اسکات وارضا یه  
تقید ایتدی یکندن ماعدانکمیلنه متعهد اولدوغی کیسه لری ویرمیوب ینه محصله  
کوندرک کتورن دیو ملعون نکرار تخریب بلادامیه سنه دوشمن ایدی شاکیری مایوس  
اولغین پادشاهه رفیع رقععه ایتد کړنده پادشاه فقرایه ترجایلا سوال قتل ایلدی ملعونک  
شریدن عباد اللهی تخلیص ایتکله نجه دعار الکیلر جوری جلبی ع دادسیفن ایلدی توققه  
اول امتحان دیو تارنجیدی لکن ظالم مزبور بخانه اخذ و قتل اولنغله بش التیوز کیسه دن  
متجاوز کیسه سی امانت قودینی دوستلرند ضایع اولوب مترلند نقودی یونامادی  
انک مالی ایله جوق آدم مکنت صاحبی اولدی معقولی حیاته مملکی آلتوب قتل  
اولنق ایدی برجه کون مفتی بهایی افندی جوارنده اولان مدرسه ده وضع منبر ایدوب  
جمعه قیلندی شیخ ابراهیم اقسرای نکیه سنه مذاکره اولند قد جوری حاضر ایدی ع  
صلوة جمعه قیلندی بوکون بوجامعه دیو بدیعی سویلیوب حساب اولند قد تمام  
تاریخ دوشمکه بر قاج بیت یا پوب منلایه ویردی ملا پسند ایدوب حاضر بندن بعض  
حاسد قیلندی لفظی یاسز اولیدی کوزل تاریخ ایدی دیو دخل ایتد کده منلا اصل املا  
یا ایله اولدیغنی بلیو رسر دیو اول حاسدی تحجیل ایتد شلر مصر دن اون اوج کونده منزل  
ایله اولاق کلوب عبدالرحمن پاشا مصر دن معزولا چیقد قد یرینه وارن محمد پاشا  
حدود شامه خسته لنوب مصره محله ایر شمه کله جر جمعا کی مشهور علی بیگ  
ایکیو قدر جریم ایله نیلدن کلوب مصری ضبط ایلد و کتی خبر ویردی آمدن  
ایاچی وندیک مقدم کورچی پاشا وزیرایکن انکله بالیوزی توسط صلح ایدوب انک  
استصوابی ایله کورچی پاشا وندیکدن ایایی طلب ایتد شیدی حالاطقسا ن یاشنده  
باشی واللری رعشه ناک برکافر حیله ناک ایایی اولمق اوزن صفرک اون طقوزنده کلوب  
غلطه یه قوندرلدی کلا منک مالی دعوتکر ایله کلدک هر سنه قند یه دن یکر می  
بیگ غرش جزیه نامنه ویریلوب درتوز بیگ غروش دخی دو نماخرچی کوندریابوب صلح  
اولم طرفین آسوده حال اولسون دیمکله کلامندن رایحه مکرو حیله ونعویق استشمام  
اولنغین وجود ویریلوب الله بر طموز ویریلوب ادرنه یه کوندرلدی نعقیبا آدم کوندریابوب  
ادرنه ده حبس اولندی و صفرک اون طقوزنجی اثنین کونی ایدی خلال هارده زلزله  
یسیره اولدی و پوا شاده حیدود استقیاسی بشکطاشده بر خانه باصوب صاحبی قتل  
واموالنی غارت ایتد یلر یکچیری اغاسی قارشو یکوب تقید ایله بش التیستی طوتدیار  
بر مقباری بارکیر جماللری ارمنی ملعونلری وایکیسی یدی قله ده قصاص کافرلر دن ایش  
رفقاسنی سویلدوب اله کیرنلرک حقارندن کلندی وقعه ابطال شرع طریقه بوندن اقدم  
قاضی زاده لیلر سیواسی اتباعنه عدوت اوزن اولوب ارانک تعصبندن ناشی نزاع جد اول

اکسک اولیوب اگر ادعای اسندن منلا محمد نام کورد بودیان کلد کده تحصیل معاش ایچون  
والد کتخداسی ارسلان اغایه انساب وانک قوتیه بعض وظیفه ره دسترس بولغله  
سایمانیه ده در سعام اولمشیدی مزبور ارسلان اغایه دینامصاحتی ایچون خلوتی شیخ لریله  
اختلاطی اولغله کورد دخی ولی نعمتی مناسبتیه مشایخ طریق ایله اشناق ایدوب دائما  
انرا یله قونشوردی سیواسی خلفا سندن عبدالاحد افندی نکیه و مرید واحدا صاحبی  
عمرک شیخ صاحت استهاری اولغله دعوی تعصبه اولان قاضی زاده لیلرک اعتراضاتی  
دفعه و سماع و دورک تجویزی بانه رسائل یازمش ایش برکلی محمد افندی نیک تألیفی اولان  
طریقت مجدییه که اکثر قاضی زاده لیلر او قیوب و او قودرلدی و عبدالاحد افندی اول کتابی  
ترتیب مراد ایدوب طریقت لری اولان او قور یازار کسه ره اول خصومی تکلیف و اول زمره دن  
بری کتاب مزبورک حدیث لری تخریج طریقیله ترتیب قیدنه دوشوب فنی دکل ایکن عظیم  
دغدغه یه او غرادی مزبور کورد دخی شیخک سوق و رغبتنه بناء شرح شکله کتاب مزبوری  
رد و جرح ایتد قصد ایتدی و طریقت کتابنده اولان احادیث ضعیفه فی بیان و بعض موضعنه  
دخل و تعرضی مشتمل بر رساله یازوب عرض معلومات ایچون مناسبت ایله الرحمن علی العرش  
استوی آیه کرمیه سنک تفسیر ینه متعلق بعض مباحثه درج ایدوب اصحاب کشف  
و شهودک مزقنه د اثر نجه تحقیقات و غاهر ائاولیه محتاج تدقیقات بسط و تخریر ایتدی  
کذلک محمد اغا جامعی امامی تاتار امامک بنی العلماء خلی بضاعه و فضل ایله معروف ایدی شیخ  
عبدالاحدک احباسندن اولغله اولدخی طریقت کتابنده اولان احادیث موضوعه فی چیقاروب  
طریقه شرح شکله ترتیبی متضمن باستفاد کتاب یازوب ابوسعید افندی عزل اولنزدن  
اول کتوروب عرض ایتد شیدی مورخ و المجلسد ایش اتفاقیات غریبه دن عصمتی افندی که  
برکلی زاده در اول محل منلانی زیارتیه کتدر شیخ الاسلام تراکت ایدوب تاتار امامک کتابی عهتی یه  
صوتی اولدخی نادانسته کتابی آچوب جمله دن ان العجب لیفسد العمل کایفسد المالح العسل  
حدیثی کلور معناسن تحقیقندن صکره سلطانه بو حدیث موضوع اولمق اوزن یازمشلر  
دید کده منلا حضور تلری هله دخی نظرایدک بلکه موضوع اولدیغنی بو کتابدخی مذکور اولمق  
گر کدر دیدی عصمتی اشاغی طوغری نظرایدوب کتاب باجمله طریقتک احادیثی ضعیف  
اولدوغنی بیان و مباحثی ترتیب قصد یله تألیف اولندوغنی ییلوب نوع بحالت غضب  
آمر ایله کتابی قیایوب منلا ناک اوکته قویوب ساکت او تورد قد ابوسعید افندی خنده  
تراکت ایتد شلر خلوتیه مشایخ و ارباب طریقه اولان او قور یازار قسمی بو کتابی و کورد ملرک  
رساله سنی مکرر یازوب نسخه لری خلقه نشر ایتد یلر کیم رک بونسخه لر مشهور قاضی زاده لی  
زمره سندن محاف عوض و دلو احمد اوغلی و بعض بوالفضل و اغطال الله دوشوب جمله سی  
بریره کلوب ارارنده اهل علم اولنره عرض ایتد یلر اسطوفی و سائر لری بونسخه لری مطالعه  
ایدوب ابتدا کورد منلا فقیرک رساله سنه استوی علی العرش تفسیر زنده تجسیم اشعار  
ایدر بعض سوزلر بولوب بوسوز لاهل سنت عقایدنه مخالفدر بونی یازان قتل اولنق  
گر کدر دیو غوغا قالدروب اندرون همایون خلقندن او قور یازار نامه کندن و لر معتمد کسه ره



بلدروب وخواجهریحسان اغایه و امثالنه اعلام ماجری ایتد کارندن صکره مفتی یاری به کروه  
ایله واردیلر البته منلا محمد رساله سی اللرنه بحث و مناقشه ایدوب بر حریف جناب حق  
جل شاننه ایچون مکان اثبات ایدنچون قتلنه مساحه بیورر سرقتلی واجب اولمشدر البته  
قتلنه قنوی ویرک دیه لیه لم دیه ریحان اغا و امثالی عونه لرندن دخی منلایه تذکره لرکلوب  
ایرام اولنغین منلا حسن مدافعه صورتلی معامله وروی مساعده کوسرتوب ظاهر شرعه مصادم  
ثاویله محتاج مباحثه جرأت ایدن تأدیب اولنق کرکدر قتل نفس نامعقولدر تنقی ایدن لم  
دیو بونلری ارضا ایلدی کورد بیجان خوفندن محتفی اولدی جمعیت طاغلد قد نصکره  
کورد رساله سی قویینه قویوب منلایه واروب الن اوپوب سلطان بن بورساله ده ذکر اولنان  
آیت کریمه نك تفسیر نه یازدیغیم تحقیقات تفسیر کبیردن و امام فخر و غزالی و راغب و نجم  
وانك امثالی کبارك سوزلرندن قلم ندن ایجاب ایتدی دیدکده منلای عارف کمال حلم ایله  
عتاب ایدوب بقی منلا آیت قرآنییه دن تفسیرینه شروع ایدن جک بر آیت کریمه و بر محبت  
سایه بوله مدکی که منشیام ایدن اولان مشکلات قرآنییه تصدی ایلدک بلی بوسوزلی  
کبار سویلوب کتابلر نه درج ایتیشلر در لکن مزایای کشف و مشهوره مبنی اولان تحقیقات  
غامضه که ار باب حال مذ اقلنه دائر در احجاب فکر و نظر اولان اهل ظاهر بیننده شیوع  
یو اوپ موضوع بحث اولق جا نزد کلدنچون لا کل مایعلم یقال نصیحتی ایله عامل اولیوب  
لکل مقام مقال و لکل محبت رجال ادبیه مؤدب اولمزن سن دیدکده بیجان منلا محمد جرمنه  
اعتراف ایله رجای عفو و الطاف ایتدکده جناب منلا تطف یوزندن بو حریفلر شرفندن  
بر قیچ کون وار بر طرفه کیت دیو بیوروب حریف خرج راهندن عاجزم دیدکده منلای کریمی  
فلوری ووب دارا لاعترا ف ستر الله مضمونه عمل ایت دیملکه فقیر کورد ترک دیار ایدوب  
وظایف و جهاتی آخره توجیه اولندی بیجان بی و ورطه یه القا ایدنلرک دن قدر فائده سی  
اولدی خلقک کلامنه مغرور اولوب کشی حد نندن زیاده امر مخطون جرأت ایتک قتی الحق  
ایشدر چون قاضی زاده لور کوردی قاچروب غالب کلکه دلکرم اولمشلریدی نکرار منلایه  
کلوب طریقت مجدییه لهادینه موضوع در دین و مباحثی تزییف ایدن تاتار امام دخی قتل  
اولنق کرکدر دیو جمعیت ایله ابرام ایتد کارنده ملانزاکت ایدوب تألیفی کورن لم موجب  
قتل و بیاعت تأدیب اوله حق رسوزی وارمیدر دیدی نجه قیل و قالد نصکره طاغلد قارنده  
تاتار امام منلایه واروب سلطان قاضی زاده خلفاسی افندی تصدیع ایتیشلر کرمطلقا  
انلرک اراده سیله قتل لازم کوزسه امر حقت والا بن کورد منلا دکل که اختف و فرار ایدم  
اول موضوعات بیانی مشتمل کتب احادیث بنده حاضر در اول جامع سلطان محمد کلوب  
پوشنه بی الزام ایتد سونلر بعد امر شرعه راضی یوز دیوب دخی منزلنه واروب بر قاطره کتب  
احادیث و اول فقه متعلق نسخله لر یو کلدوب جامع سلطان محمد کلوب استه میدان دیوافر  
اوتوردی و او قور یازار قسندن وافر سیرجی جمع اولوب حریفله خبر کوندردی لکن اقتضاج  
خوفندن باش کوسر مد یلر اول متعصبانه من عند الله خیل کسر حاصل اولدی اما کاتب  
چلبی قونجه چون قاضی زاده ایلر آشکان بحث و نزاعه شروع ایدن مد یلر که احادیثک ضعیفی

بوت بولغله کتاب طریقت تزییف اولق اقتضاید زین حرم همایون طرفنه مراجعت  
ایدوب بر کلی کی صالح و مقدرین فاضلک اثری یاد شاهنرک زماننده تزییف اولق خصوصاً  
صلاح و تقوی ده و علم و زکاده بر کلینک شاگردی رتبه سننه اولمیان بر امامک سوزله اوله  
اهل حال دولتونک تألیفی مدخول اولق علامت خیرد کلدرو طو تالم نقل ایتدی کی احادیث  
بیننده ضعیف و موضوع واریش تحسین اخلاق و تشویش عبارات ایچون اول مقوله  
احادیث لاجل الترغیب والترهیب ایراد اولنقده باس یوقدر یاد شاه حضر نرینه لازم  
وواجبدر که اول کتاب مستطانی عبار طعن و تعریضدن پاک ایتملکه ناموس شرع شریقی  
صیانت و عرض علما و صاحبای طعان حدید اللسان اولان معتز ضرردن حمایت ایله دیو  
بوکه بکتر نیجه سوز لر سوزیلر بالآخره طرف سلطنتدن بهائی افندی یه شرح مزبورک  
ابطالی ایچون اشارت علیه وارد اولدقده ماه صفرک اون برنجی کونی عقد مجلس عظیم  
اولنوب وجوه علمادن بر قیچ کسنه و شارح مزبور حضور منلایه کلوب شرح مزبورده اولان  
اعتراضات مردود اولق اوزن بحثلر اولندی اوزرینه ابطال امضالرین یازدیلر بعد ایوم  
کبار اسلافک تألیفات و آثارینه دخل و اطاله لسان تیممک اوزن تاتار امامه ننبیه اکید  
و بومقوله بی ادبلکه بردخی جرأت ایدر سه حقندن کلنکی مشعر و عید ایله تشنید ایتدیلر  
بر کلی مرحومک صلاح و علوم ی بر کاتی غالب کلوب شرح مزبور مجروح اولدی فائده  
کبار سلف دیمشدر که امور دینییه و مباحث علمییه ده کتب و رسائل تألیف ایتک بلکه خلقه  
بر فائده مهمه ییلدیروب سوزد کلمک صلاح و تقوی ایله معروف و دیانت و استقامتله  
موصوف اختیار صدقته کارک ایشیدر علیه عامل ایدوکی مشهور آفاق اولمیان شخص  
فاضل حدادتنده سلفه کلان مفسرینک اکثرینه متفوق و تألیفی صحیح و کلامی صادق  
اولور سه ده خلق اکاچندان اعتبار ایتیوب کلامنه وجود و برمز لر زیر خذالعلم عن تراه  
یعمل به بیورلش در علم سز علم روح سز جسد کبیر در علم شریف ایله عمل ایسه ابتداسی  
الله تعالیدن هر حاله خشیت و زهد و تقوی اوزن حرکتدر بوصفات مدوحه ایله متصف  
اولمین منحصین دنیا فضا لنده یکانه عصر ایسه ده تألیف شهرت بولسون و معتبر  
اولوب کلوب ناسه سوزم تأثیر ایتسون ادعاسننه اولق محالدر و نتیجه سی نزاع وجداله  
مؤیدر بومقوله لر حقننه صائب نه کوزل دیمشدر بیت سکه خاصان نداری معرفت  
کم خرج کن فتنه هادارد بنام یاد شاهان زرزندن خلاصه کلام خلقک قلوبی جواهر  
علاویه قسندن لطایف قدسیه در حضرت واجب الوجود جل شاننه ایله معامله خلوصی  
اولمیان کسنه لرک کلامنه جواهر نایاب مقوله سی ایسه ده رغبت طبیعی ایله مجذب  
اولمزلر اثر طمع و حماقت بواشاده بر شخص دیوانه کلوب دیار بکرده بر عظیم دقینه واردر  
یوقدر زماندر حکام استعراج واکل و بلع ایدر لر دیو عرض مرآم ایتدکده صدق احتمالیه  
قیو جیلر کتخداسی دیار بکره کوندریلوب برشی ظه ورا بیلوب شخص مزبورک عقلمه  
خفت اولدوغندن غفلته هواله اولندی بوندن اقدام مراد یاشا زماننده دخی بر عورت  
کلوب چقور بوستان دیوارنه بر دقینه واردر کیجه ایله موملر و بعض شعله لر کورینور



ویمکله آدمو تعیین اولنوب کار کیر دیوار هزار تعب ایله بر مقدر ییقلوب اثری طسار  
اولمغله اثر طمع و حماقت ظهور اییدی مزبور عورت مولوی قوجه محمد پاشایه دخی  
گلش اییدی عرض ایلدکه وجود ویرمیش اییدی بمقوله اشیا دین خیر ویرنله وار چیقار  
صنک اولسون دیمک یک ایکن آدم تعیین ایتک ویهوده یره تعب چکوب تشبیه اولی  
نامنا سیدرماه صفر و اخرنده سعادتو پادشاه اوق ایله برقری بی اوروب اشاعت آبار  
مقدمات جلادت و زور بازوی قوت ایچون وزیر اعظمه کوندر کارنده رساننده یره  
بخشیش فراوان و حضور همایونه عظیم پیشکشلر تقدیم ایتدیلر و بمقوله تیاشر نجابت  
سلطین بلند منقبت سیاقه بلعای عصر موجه تاریخی و مناسب قصیده لری و سلطه  
دیوان شای پادشاهی آثار بلاغت ایله توشیح و نظم بلیغله مہج شجاعت و سماجت و اخلاق  
جمیده یره که بهر حال لازمه ذات سلاطیندر تلخ معتاد قدیم اولمغله سلاطین ماضیه  
فضل و شعر السانندن کلچین ریاحین مدایح اوله کلسلر اکن قرناء اندونی خواجهریحان  
اغواغیری بومعیندن تحاشی ایدوب نبردان و حلوا حیان و خدام اصطبل خاصه  
مقوله لریندن نکوله ویش سویلکه قادر بعض شاعر لری به یو بایده دیش رشمجه  
اگرچه وزن ندارد ولیک بی معنیست و فقهه کلام مقفاس و یلدوب عرض همایونه  
ایر کوروب قائل بی طائنه چا نزه تاریخ نامنه و اقرب بخشیش الیور دیلر حتی خاص  
اوطه اغا لرین بعض قانون شناس عقلای غلمان بومعنی به اعتراض ایدوب مناسب  
اولان اجداد کرامتری کی فضیله دهر دن بویا به التماس تاریخ ایدوکن اشعار ایتدکه  
پادشاه معصومی کندی محرمینه تخصیص ایدن قرناء بیرونلری مقارن پادشاه  
ایتمکدن و کلام لریندن اشعار ایتمکدن بوجه اولی و آخری در دیو جواب ویرمشو  
حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه بیور مشردر که المعرفه اناس بها و یصواب العدل  
وضع قانون سلطنتدن مراد عدل و عدالت اولوب عدالت ایسه معرفت احوال ناسه  
موقوف ایدکی مقرا و لغین شاید عالمه آدم کی اولم و سوز دیه جک سوز ایدوکن ییلوب  
فضلا و علمایه رغبت بیور معلله و تبه قرناء محط اوله دیو خوف لریندن اول ذات ملاک  
صفاتی بوجهله حجر و دولت مقارنتی کندولر حصر ایتمشلری ریم الاول خلایق  
مقدما حایه اغا لریندن کلوب کچه جی اوغلی خاصکی محمد اغا یره که سوا اخلاق ایله  
یقداد دن مطرودا کلان احمد اغا حقنه امر کوندر ییلوب جنقاقتل اولنوب یرینه قره  
حسن اوغلارینک کوچکی مصطفی اغا نصب اولندی وینه بوماه اچنده بکچری اغاسی  
سایمان پاشا دن امداد میری نامنه یو زالی کیسه طلب اولنوب ویرمکن عزل اولنوب  
یرینه ایشی و دن خاص اوطه دن مصطفی اغا بکچری اغاسی اولدی و وقوع شقاق در میان  
وزیر طر خوبی احمد پاشا و قیودان درویش محمد پاشا حضور همایونه ندرک بر لر یله  
منازعه و محاور لری چکوب قیودان پاشا ترسانه مہمانی و دوغما و اوزمی ایچون اچیه ویرلیدی  
دیو پادشاهه اعلام و پادشاه دخی وزیر عتاب ایتدکه وزیر پادشاه اوجاقلق لرین ماعدا  
شو مقداری حوالات و شو مقداری تقدیر دم لکن کفایت مقدر یله قناعت ایتیر

مکر مال میری بی عومالکا تسلیم ایدم دید که حضور همایونه مرافعه اولدی  
صدر اعظم قول اولی تقریر ایتدکه قیودان پاشا بالوا چیه شوکتلو خنکارم حضور یرنده  
یلان سویلنوب کاشو مقدر دن زیاده اچیه ویرمیدی دیچک ویر غصبه کلوب ازار سیاقه  
قیودانه شد تله جواب ویرمچک قیودان پاشا کوکره یوب وزیر سن کیمن و قن وزیر  
اولدک بن فتح بغداددن بروزار تله اوغور همایونه خدمت ایم سن بکایه یله دیه جک وزیر  
دکلسن دیو متهورانه جواب ویرمشیدی من بعد ییلنورینه برودت و خلاف دوستوب  
صورتا کوریشور لیدی لکن درونلرند بری برینک اراقه دمنه فرصت کوزه دیرلیدی قیودان  
پاشا دوغما مهماتنه اقدام مفرط ایله تقید ایدوب قضایه ممالکدن کورچی بدلی که مقدما  
تقد جمع اولنق فرمان اولند و غنه بناء قضایه دخی تقود جمع و کتورد کارند قیودان پاشا  
تقدودی المیوب البته کورچی دیو تضییق ایتکین قضایه کورچی پیداسنده عظیم زحمت  
چکوب بر اولقد راقچه دخی جمع ایتکله کوجیهله مطلوب اولان کورچی بی تدارک ایلدی لر زلزله  
و خسوف ریم اولانک بکرمی بشنده کوز لخصارده بر زلزله عظیمه اولوب بر خطه ده قصبه ناک  
اکثر بناسی ییقلوب اللهم عافنا نجه سرای و خانه لیره چکوب رجال و نسواندن اوج  
یک قدر آدم و صبیان هلاک اولوب بر اولقد ر دخی مجروح و منکسر اولمش طاماز  
التندن چیقار ییلوب و نجه بیک حیوانات دخی تلف اولوب مساجد و جوامع و سائر دن  
سالم باقالیوب بونندن صکره قرق کونه دک آهسته زلزله متد اولدی جا بجای لر ییاریلوب  
سیاه و ملون صور لری چکوب کیر و کسلدی کویا وجود ارضه خطیئات ابناء ناسوتدن  
متراکم اولان دیله ر دیه قوت مرجفه قهریه ایله منفجر اولوب سیلان صدید فاسد ایله  
دفع طبیعی وقوع بولوب اول قهار ذوالبطش الشدید عصاة عبادینی کوشمال حکمت  
مال ایله تحذیر و تهدید ایلدی اللهم اجرنا من عذابک و احفظنا من قهرک و عقابک  
کوز لخصار اعیانک جمله دن استبھی اوینس پاشا زاده نک سرای برجه محلات ایله یره  
چکوب سرایک بامامی سطح زمیننه برا بر اولوب سرایک صا حبی برقری ایله جان  
قور تاروب ماعد اخلاق جمله هلاک اولدی بوزلزله نک شدتی کوز لخصار ده بوجه  
اوزن اولوب نیره و نازلی و کوشک و دکرلی و سلطان حصاری و قویو جق و ازینه قضا لرند  
جمیع اخفت اوزن اولمشیکن انلرده ده نیجه ابنیه ییقلوب التنده بیحد نفوس هلاک  
اولدی طیراق التنده هلاک اولمش اوج بیک قدر انسان چقار ییلوب نماز لری قیلنوب دفن  
اولنوب بوقضیه در دولتدن مسموع اولدقه دفتر دار طرفندن اول تحت الاروم قلا ندرک  
بلا وار ثلرینک اموال و استیاستی میری به قبض ایچون مستقل مباشر تعیین اولندی  
انا طولی قاضی عسکری طرفندن دخی قسام طلب اولندقه معقول دکلدر دیو تردد  
وبعد ابرام اولمغله اول دخی بر آدم تعیین ایلدی سلسله مدخوله مورخ دیرکه مفتی بهانی  
اقتدی خدامنک مغلوب اولد و غنه بوقهر کی احسان دیر سی عمنکن اولوب کندولر ایسه  
مغفلانه ترفه حالندن خوشنمود ویدماع و متزه نازک مزاج و تفریح دماغ و ترویج  
قلب و فراغه مائل اولمغله امور ظار جیهده اعمال فکر دقیق ایله اتعاب عقل ایتیموب



مقرر باینستك سوق ایندیكى امور بلا تأمل وجود و بر رلردی و بواسطه ایه زاده بی حایه  
 قضایا منته مولویت ایلله ترفیع ایدوب برنی رحیقیدن یوگ سربندی زاده یه که نشانی التي  
 مر مرد توجیه ایلدی انك برینه قرقدن غلطه سرانی خواجه سی مصطفی افندی اولوب  
 یو تقریب ایلله کفد و آدمیسی موزع احمد که مقدمه ماثلیه اعتباری ایلله خسرو کتخد امدرسی  
 اولمشیدی برنده داخل اولدی بواسطه اعرج مصطفی افندی وقت ایدوب سخن محلول  
 اولمغله بش خالاب بینده منازعه ظه ورا یتکین کفد و لر برندن برنی ترجیح یتیموب یا تراضی یا  
 مقارعه یا امتحان دیو بیوردیلر بواسطه استانبول قاضیسی سعدی زاده عزل و رحمة الله  
 افندی ربیع الاخر نصفه استانبول قاضیسی اولدی نصف ربیع الاخر ده لیلله جمعه ده  
 صبحا حه قریب خسوف کلی واقع اولوب بواسطه استانبولک حالی مکرر و خلقتك اضطرابی  
 مشکل ترا اولوب اتمك نادر بولنوب حلتك وجودی یوق اسعاردن زیاده اچقه لالغله هرشی  
 زیاده مهیا به حیقوق اهل سوق ایسه بزدن شوقد رمال الدیلردیه علناسو ایوب دیلد کلمری  
 مهیا به صا توب بر سو یلر یغیدی دخی نیجه اسباب ه اعت ایلله نقود اچقه نیافت خلقتك و میرید  
 ضرورت مقرر اولمغله عالم حیرت ایدی احوال سماییه فرداش قزاقی نامیله مشهور اولوب  
 الا تاتار خانه متابعت کویسترن خطماندن دورت نزار رزق العیون و اصفر للون الجبلر کلوب  
 خطمان پادشاهك بنده سید رهبریه خدمت بیوردیلر ایسه دامن درمیلد رافلاق و بغداددن  
 قوتی و لشکری زیاده ایدی مقرر در و الا ایلله سفرینه متوجه در التماس ایدر که کند و یه  
 طبل و علم و بغداددن حد و دندن بر مقدار بر ایالت نامیله برات ایلله توجیه و احسان اولنه  
 دیو التماس نامه سن کتوروب بر سبت کونی بعد المشا و دورت ایلیجی سنه دخی خلعتك  
 کیدریاوب مأمولنه بوجهله مساعده معقول کوزلدیکه ایالت نامیله واصلند  
 یته کند و مسکنی اولان برلر توجیه اولنوب بغدادن طبر اغمه تعرض مقول کوزلدی  
 بوجهله ایالت براتی و طبل و علم و برملکه تطیب و انجمن ار در هانك انقیادی فوذ عظیم باندی  
 و مقدمه اسمعیل تولیتی خان کند و اتباعندن برینه و برملک رجاسنه عرض ایتد که تولیت  
 مزبور دار السعاده اغاسی نظارتنه اولمغله حال دار السعاده اغاسی بیرام اغا بیدارندن مراد  
 ایلدیکی برکسنه یه و یروب طلك عرضنی شق ایلدیکی شایع اولدی خله منع من اولدق  
 رجاسی قرین قبول اولدیغندن خشمه کلوب اسمعیل قاضی سنه بر یلیم که نذر دیکه اول  
 تولیتی بنم فلان آدمه ضبط ایتد یروب قزلر اغاسی طرفندن نصب اولمان آدمی طرد  
 ایدر سن اگر خلاف ایدر سلك برودن بالذات چاپوب آند و واروب هم متولی بی هم سنی صلب  
 ایدرم بلش اوله سن دیش قاضی دخی بر یلیم کفد و عرضی ایجه قویوب بالاده مذکور  
 خطمانك الجبلر یله کوندرمش ایدی الجبلر خلعت کویوب ایالت براتی الد قد نصکره عرض ایلله  
 بر یلیم وزیر و بر دبلر وزیر دخی کور لم دیو جواب و یروب برصد اظه ورا یتدی بواسطه امداد  
 میری و برملک تمه یتله عزل اولمان یکچیری اغاسی سامان پاشا برون همایونه مهر ایچون  
 بشیوز کیسه عرض ایلدی لکن رجل اولد و غندن مساعده اولندی اغا مرقوم میری یه یوز  
 اللی کیسه و برملکه لظهار عجز ایدوب وزارت ایچون بشیوز کیسه وعدی غریب دروز و برلردن

بقیه مصصوبی عمر بزل مال ایلله ظهور کلوب ملتفت اکابر اولدی اکثر یامقنی حضر تکریمه  
 واروب نظر لطفلرینه قرین اولوردی احوال اناطولی مقدمه مابشیر پاشایه حلب و بازیه  
 ترکمان و یوده لغی و قونیه لی خادم قرقنداشی حسن اغسایه دخی یوز اولوس و یوده لغی  
 و بر یلایوب دفع فتنه اولمشیدی یوسف نام ترکان متعینی آستانه یه کلوب خادم  
 قرقنداشندن شکایت ایتمکله مهانه عد اولنوب سابقا چاوش اوغلی محمد پاشا کتخداسی  
 رضوان اغا که حلوه خانه دن چقمه اولمغله اوسته رضوان لقبیله ملقبدر بر قاج کیسه یه  
 مالک اولمغله پیشینی انوب رفعتندن اکا و رلدی حتی چاوش اوغلی محمد پاشا که قبه نشین  
 وزر اندر وزیر و افر تخذیر آمیز سوزلر سو یلیوب بر رضوان بنم خدمتکارم ایدی حا و اخانه دن  
 سکر و عمل سرقه سیله سرماییه نائل اولمش برز هر زقوم خییشدر ترکمانی اکا و بر سکر  
 فتنه احد اشته سبب اولوردیش ایکن اسلیوب و بر دیلر رضوان دخی اوچیز قدر آد میله  
 متوجه و مسلم شکنده کوندر دیکه آدم قونیه یه و اردقده مقدمه ماکر مان بکری بیسی قوشچی  
 حسن پاشا مر حوم اولمغله ایکی آی مقدم برینه والی اولان چوالچی حسن پاشا که  
 مقتول چلی کتخدایمکک مخلفه سن الا کسنه در قونیه ده یو انیوب منسللی اندر ایمن  
 رضوانك آدمیسی ترکان غیطنه تصدی ایتد که خادم قرقنداشی قاضی و مسلم واعیانی  
 جمع ایدوب ترکمان و یوده لغی اوج سنه یه دک کمد و یه توجیه اولند و غن مشعر خط همایون  
 ابراز ایدوب رضوانك آدمیسی امر شریف ابراز ایتد که خط شریفه اعتبار اولنوب رحریفه  
 حق القدوم برکسنه لک آت و اشیا با عشیلیوب ارجاع ایتد که برو طرفندن رضوان دخی  
 سوروب یقلشد یغی خادم قرقنداشی خبر آلدقده اور تانجه اوغلی ایلله بر مقدار صا روجه  
 بر قدر ترکمان کوندر یوب حیانه اچمده مقابله و جهنك اولوب رضوانك یوزاللی قدر آدمیسی  
 قریاوب کمد و سی زحمدر افرار و کوچله تقریه دوشوب آند ییکدن مجاور آدم جمع و احوالی  
 آستانه یه اعلام وینه حر که اقدام ایلدی خادم قرقنداشی دخی مزید رک جمع رجاله  
 اشتغالنی ایشتمد که ابشیر پاشا و بازیه آدمرا و چرب پیاده و سوار و افر لوند کتوروب  
 ترکماندن دخی جمع کتبر حاضر ایلدی رضوان اون سکر بیزاق آچوب مهر بر افاده یوز نفر واریادی  
 و قره حصان اوغرا دقده صاریجه لر عایایه ظلم و خسارت ایدوب قونیه یه بریدیلر آرا لند  
 جلك مکرر اولوب طرفینندن و افر آم دوشدی و آستانه دن ایکی یلو کدن بله خادم  
 قرقنداشنه چاوشلر و مکتوبلر کوندر یلایوب وضامت عاقبتندن تحذیر اولنوب قاطرجی  
 اوغلی که جمید سجاغندن در ایلدخی رضوانه نصرت ایچون حسن اغا وزیرنه سردار  
 و استیصالنه مأمور اولوب بر فتنه جدیدین ایفاظ اولندی یو سبب ایلله صا روجه  
 و اشقیایا غ اوزن اولمغین نلان حجاج مسلمین و سائر ابناء سبیل خیل اضطراب چکوب  
 یوللر قیلندی مشورت برادر امور دولت بواسطه خزیننه ضرورت و اختلال امور مملکت  
 مقرر اولمغین ربیع الاخرک اون طقوزنجی چهارشنبه کونی وزیر و مفتی و قیودان و فتر دار  
 پاشا و صدرین و سائر وجوه دولت دعوت ایلله ترسانه یه کچوب پادشاه ترسانه یه اچمه  
 سینده اولمغله حضور همایونان عقد مجلس مشورت اولنوب پادشاه حضر تیزی وزیر



خطاب ایدوب بابام مرعوم زمانی ودخی اولارده دولتک ایرادی مصارفنه کفایت  
 وبلکه دخی زیاده سی ارتدی بم ایسه مصرف بابام قدریوق ایرادینه اولکیدرشمیدی  
 ایراد بنشیموب ترسانه و سارمه ماته اچه تدارکنده اظهارعجز ایتمک زک سیمی ندر دیو  
 سوال یوردیلر وزیر جوابنده پادشاه دولت علیه نک اخراجات و مصارفی شمیدی اولکیدن  
 زیاده در انکچون کفایت ایلمز دیدی هریری برسوز سو یایوب نتیجه مشورت یوفله  
 قرار ایلدیکه بر قاج سنه لک ایراد و مصرف محالزندن یوقلنوب حضور همایونه عرض  
 اولند قد نصکره چار سینی نه ایسه اکاکون تدارک اولنه بعدله انا طولی و دریا احوالی وله  
 و تاتار خان احوالی سویا شلوب مقتضای حاله کون جوابلر و یایوب طاغلدیلر ایتسی  
 دفتر دانه بر خط شریف و فرمان وارد اولوب خزیننه نک اختلالی احوالی کوریلده دیو  
 میوریش اهل دیوان دفتر دارپاشا سراینه جم اولوب خارجدن کسندنی قومد یلر بعدله  
 دفتر دارفرمانی اوقویوب جمله ممالک محروسه نک سنوی ایرادی یکریمی دورت بیگ یوک  
 اچه اولوب الی بیگ یوک قدری در دولتده قیسی سائر مملکتده در حال ایراددن مصرف بیگ  
 ایکیوزیک اچه قدر زیاده اولمده بر سنه تداخل افتضالیدرسنه آتیه مالی پیشین آلوب  
 خرج اولمشدر بوکسریرلشوب تداخل بر طرف اولمه نک علاجی ندر دیومشاون ایلاک  
 دیدک هر کس برسوز سویایوب نتیجه یوفله قرار ایلدیلر قره مصطفی پاشا عصر نه ک بیگ  
 الکی اوج سنه سنه ایراد و مصرف برابر اولوب حنی ایراددن برازمبلغ ارتش ایدی صکره  
 کسرنه سبب اولدی هر قلندن اون بلایق وقایع چقسون معلوم اولد قد نصکره علاجی  
 نه ایسه کوریاوردیو هر قلده دیوان تذکره لری یازیلوب چقمق فرمان اولندی کتاب هر  
 قلندن وقایع یازوب ویردیله دفتر دار دخی هر قلندن استخراج اولنان دفتر وقایع لری وزیر  
 ویردی وزیر دخی خزیننه نک ایراد و مصارفی قره مصطفی پاشا زمانده نیجه ایدی و حاله نه  
 وجهله در و کسر و نقصان طاری اولمه سبب ندر با شقه با شقه دفتر ایدوب تفصیلا حضور  
 همایونه عرض اولندی لکن بر نتیجه ظهور ایتدی زیر انفس الامراوزن حساب کوریلک و ایراده  
 کون مصرفی تقلیل تدارکی ایله دولته نظام ویرمک سوزایله ته جک انیش دکل مستبد بالای  
 بر قاسر قاهرک شروطنه مربوط کار مشکل ایدوکن ییلد کار محجون انماض عین ایدوب قیوی  
 قیادیلر مزاج عصره کون مد اراوتسهیل سمتنه ذاهب اولوب سکوت ایتدیله اولزمان  
 قل لکه صاحبی کاتب چلبی دیملکه مشهور حاجی مصطفی خلیفه دخی عقلای کتابدن اولغین  
 مجلس مشورته داخل ایدی اکابناء دستور العمل فی اصلاح الخلل نام بر رساله یازوب بمصباح  
 مهمه نک تدارکی نه طریق ایله قابل ایدوکنی بیان ایتمشدر لکن عصر نه کلام حقی اصغیا  
 و موجبی اجر ایله مستعد قابل خطاب کسندیه قرین المدیغندن رساله فی اظهار ایتمش  
 قل لکه دیرکه صکره حسام زاده مفتی ایکن اول رساله فی طلب ایلدی یازوب ویردم حضور  
 همایونه عرض ایتمش رساله کزی پادشاه منزه اوقته بق دیدیلر لکن موجبی عمله کلیه جکین  
 فقیریلوب اصلا مقید اولدم بلکه زمان ایله پادشاه اکاه اولوب انکله عمل ایدوب فوائدی  
 مشاهیر ایله دیغند زنجی الامرد رساله منور بر مقتضای زری سید ید تدا بیر نافع فی

مشتمل بر کتاب مفید در حقیر مطالعه ایدوب درو شمل مندرج اولان فوائدی اشبو  
 تاریخک دیباجه سنه بتما مهادرچ و تحریر ایتشمدر عزل و قتل ترخونجی پاشا و صدارت  
 درویش پاشا وزیر مشار الیه بروقت مخوسه وزیر اولوب غیر خواهلوق یوزندن  
 دولت علیه نک بعض خلایق اصلاحه سعی ایدوب اندرون همایون و دارالسعاده و ایچ  
 اغاری طرفندن کلان رجاله وجود ویرمیوب میری یه انفع اولین دخواهلرینه مساعد و تردد  
 اوزن اولغین جمله سی کندودن روکردان اولوب پادشاه کجوب حسنیاتنی دخی قبیح  
 ایتمشرایدی و طالع صدارتی دخی قطوعه ایرشدیکندن ماعد اسنه سابقه نوروزنه  
 برج اشتهاجدی و مشتری اولند بولنش ایدیکه برج اشتهاده بولنان کوکبک اعظم منسوب اتنه  
 موت وزوال ایرشمک قاعده احکامیه دندر دخی نیجه دلائل و ارایدی و یونوروز قبیلند  
 خود مقابله علویین که بری اختر و زراوری سالخواه اعتبار اولمشدر کندلک وقوع خسوف  
 کلی آیین مرات اولوب بر موجب قضا و قدر ربانی قتلنه دلائل متعدد زمین و اسمانی اهل  
 بصیرت و عرفان قتلند نمایان اولمشیدی ربیع الاخرک یکر منی یوم الجمعه ایدی وزیر مزبور  
 ترسانه یه واروب قبولان پاشا ایله بعض امور کورکن طرف پادشاهیدن بلا موجب دعوت  
 اولنوب خیردر دید کلرند بن رؤیایمی کوردم دیو حلاللشوب تصدیق ایدرک با نیجه خاصه یه  
 وارد قد قرار اغاسی قارشو کلوب مهری الوب استاغی بوستانجیلر او طه سنه کوندروب قتل  
 فرمان اولمده بوغیلوب قبولان درویش محمد پاشا دعوت و مهر اکاورلدی تفصیل مرقوم  
 طرخونجی احمد پاشا اصلندن ارنلودد یارندن قویوب حرم خاصه داخل اولوب خندومی مرحوم  
 موسی پاشا ساجد ارلقدن مصر ایله چقد قد بودخی سیاهیالک ایله معاجیه قوب خدمتندن  
 منفک اولوب بعدل کتخداسی بولنوب بدوند و آستانه ده کتخداسی اولمده موسی پاشا  
 کتخداسی صاری احمد اغادیو شهرت بولمشیدی بعدله هزاربان احمد پاشا کتخداسی کندی  
 قریند اشی اراهم اغایی عیاشلق تهمتیله عزل ایتدک مزبور احمد اغایی کتخد ایدوب خپلی سیر  
 مرضیه و اقرائنه نسبت صلاح و دیانت ایله معروف ایدی آت میدانی وقعه سنه قریند اشی  
 اوروج سپاهیله راسنه قتل اولند قد کندی و سی عبد الرحیم افندی ایله دوست اولمده اکا التبحا  
 ایدوب ازاکورمه مش ایدی صکره راوغوردن دیار بکر بیکر بیکسی اولوب بعد الغزل حج  
 شریف ایله مستعد اولمشیدی ثقاتدن منقولدرکه بعد اداء الحج روضه مکرمه زیارتن  
 ایدوب مدینه منوره کاورکن اول حینده مکه مکرمه قاضیسی بولنان اسمعیل زاده محمد  
 افندی ایله مرافقت ایتدک برکون افندی یه بزم سزدن بر رجاء و اردرا و لا روضه مطهره  
 نبوی یه جبین سای اولوق میسر اولد قد حضرت حبیب اکرم صلی الله علیه وسلمدن  
 یو عبد عامی انجون شفاعت رجایله سز امیدم بودرکه سز علمادن اولمده اولدر کا هده بزدن  
 اقرب و انساب اولدو غکزه ریب یو قدر التماسکنز مردود اولماق مسؤلدر اولوب عبد مذنبه  
 شفاعت لرین رجایله سز ثابا بو آستانه یه بر خد مت خاطر دن پکر اول امینه حصولینه  
 وسیله اولوق امید یله ایالت مصر بو فقیره میسر اولغی التماس اید سز دیدی حین وصولندن  
 اسمعیل زاده فی تقدیم ایدوب کندو آرد نیجه مواجهه شریعه یه ایرد کلرند اسمعیل زاده



دعایه ال قالد یروب دخی خطاب القساس ایله یار سوا الله امتکدن بوعبد مذنب احمد  
حضر نکدن رجایه رکوز محشرده کندویه شفیع اوله سن وعالم دنیا ده حرمین خد متنه  
وسیلله اولق امید یله کندویه ایالت مصر میسر اولق ایچون روحانیت شریفه دن استشفاع  
ایدر دید دعای خیر ایتدی و سائر حضار آمینه مشغول اولد قده احمد پاشایه بر حال عجیب ال  
ویروب دخی افندی الکی یه زیکه سور مردن دعا مز مقبول اولدی دیدی اسمعیل زاده ال یوزه  
سوروب دو نوب ندن معلوم کز اولدی دید کده یا قار شوده ظاهر اولان اخیچه امثالی استباح  
تورانیه بی کورم دیکرمی لله الحمد بن معایه ایتدیم دیه عظیم ایشهاج واسنیشار ایلدیکندن  
حضار بر حال غریبه استیلا یلدی اللهم یسر لنا حکمت الی در عقب مصر والیسی  
اولوب ایامنه حرمین شریفین خد مننه حسب الوسع تقید اظهار ایدوب جمله دن روضه  
مطهره حرمین واقع بر ساحه ملسا که ماتحت القباب اول وقتنه دکرمل و تراب ایدی  
مر مرصفه لر نقل ایدوب بر فرش رخام بسط ایلدی و قدرتی یشد یکی مرتبه اثار وضع  
ایدوب غلال و جریا تنه حبه قدر طمع و کتم ایتدیمدی مصره امیر پاشایه واروب  
خیل مستحسن سلوک ایدی انجق مصر خلقی ایکی صنف بولمشید بکه بر صنفی امیر الحاج  
رضوان بیگ توابعی و بر صنفی جرجه حاکمی علی بیگ هوادار لری رضوان بیگ ایسه یکریمی  
سنه دن متجاوز میر الحاج اولوب تعین بولمغین ولاده مصر آئی اکرام تام ایله معامله ایدردی  
حتی مقصود پاشا زامانی موقوفاتی مجد افندی حبس اولوب مقصود پاشا عزلت نفسی  
دید و کی ماده لرده مدار عسکر مصر رضوان بیگ اولوب فی نفس الامر عاقل و سخی و فقرا  
و مستحقیندن مال کلام ایکی بیگ آدمه بهر سال نفقه و جامه وادارات کند و اموال  
و متوجها تندن بدل ایدردی حتی مصطفی پاشا زامانی استانبول کلوب حبس اولوب قتل  
قرار داده ایکن مرحوم سلطان مراده کونا کونا اسمان ایله کچمشلرا یکن بالاخره عنایت  
یاری یاری قیلوب احوالنه اطلاع تحصیل ایچون حضور همایونه دعوت اولندی رضوان  
بیگ داخل مجلس همایون اولد قده سلام ایچون قدین خیمه آیمکه اکتفا ایدوب رسم  
زمینبوس ملوکانه بی ترک ایتد کده پادشاه غضبه کلوب بره ملعون بونجه اعظم عالم بنم  
حضور مله پیر اوپر لر سن نجون پیر اویمدک دید کده لسان طلاق آچوب سعادت لو خنکارم  
بن نه خام که زمینبوسدن استنکاف ایلم سنک حضور همایونکده زمینبوس مایه شرق  
ملوک و افتخار و زای نامدار در نهایت بونده ده بر حال غریبه وارد کده حالا اول رسم عبودیت  
اجر اسنه مانع اولمشدر بوناچیز قولک اوتوز سنه یه قریبدر امیر الحاج اولق تقریبیله  
هر سنه دامن بیت الله یوز سوروب حجر الاسود ی تقبیل ایشم حالایت شریف و حجر مکرم  
تقبیل ایله مشرف اولان محلی کلمه شتهانک زمینبوس ایله تذللنی روا کوردم و بومعنائی  
مرجه تلوی پادشاهم کمال دیانت و تقوا سنه و قوف ایله عین خدمت و محض دیانت عدا ایلدم  
دید کده پادشاه بوجوابدن مختیر اولوب غضبی بر مقدار ساکن اولدی ایدن یایره ملعون  
ایشتمدم سن زور بالق ایدر مش سن و مصرده بر سرای ایایدر مش سنکه قیوسی نم سرایم  
قیوسندن بیوک و کرمی یوکسک ایش دیو عتاب ایتد کده بل پادشاهم بیوکدر و یوکسدر

زیرا امیر الحاج اولق تقریبیله علم رسول علیه السلام اول قیودن کیروب چقمق معتادر  
علم شریفی سر و سرافراز کی راست یوردکن مهجه رزینه میل تشیب ایتدر ملک ایچون  
قیوی اولوجه له بیوک یایدیم دیدی بومعنا ده مطمح نظر سعادت لو خنکار ملک دولتمده تعظیم  
شعار دین اسلام و تفخیم رایت سید الا نامدر دید کده و جوابی دخی پادشاهی اعجاب  
ایدوب عفو و عنایت و خلعت ایله امیر الحاج خلق خد متنه مقرر و مصره ارسال یورمشیدی  
صاری احمد پاشا مصره والی اولد قده رضوان بیگک حسادی کونا کون غمزلر ایدوب  
عزله بلکه قتلنه تشبیر ساق اینمشلرایدی تا که علی بیگ جرجه دن کاوب امیر الحاج خلقی  
اکلوردی و العجب که سلفی امیر پاشا والی ایکن بونجه اوقاتی ذوق راحت و عیش و عشرته  
صرف ایدوب شرب عبوجه مشغول و تفریطا تنه نهایت یوغیکن مزبور رضوان بیگه  
بابا غیرت سنکدر منصب و عرضم سکا الله امانتی دیمکه سائر دن زیاده منتفع اولوب  
عزله دخی ولایه سائر نک کرفنار اولد قلی حبس و مصدا رن دن مصون اولوب  
رضوان بیگ تدبیری و معا و نذیله سالما رو براه اولمشیدی و بوقدر هدایا ائلرو کیسه کیسه  
التوننه قوش ایدی مزور احمد پاشا مفرط و متعصب اولمغین رضوان بیگک کیسه کیسه  
اموالی و هدایای عظیمه سنی ایش ایکن تعین و استیلا سنی هضم ایدوب میوب عاصد سوزیله  
سوقصد ایلدی رضوان بیگ دخی بچدن کاوب یارین مصره دخول صدد نک بر حله  
نزول ایتد کده هوادار لری کاوب کند و نک عزلتی و علی بیگک امیر الحاج اولد و غنی بیلد دیار  
رضوان بیگ حقه متوکل و عبور و متثبت اولد کده ایقاط فتنه یه ده شروع آیمه ب کون لم  
حق تعالی نه صورت کور ستر دیو اول کجه عظیم اندیشه چکدی ایرتسی ایکی امیر الحاج  
معالار ایله مصره کیروب پاشایه بولشقی لایب ایدی رضوان بیگک حسن صنعی و خیرات  
و حسناتی برکاتیلله الطاف الی ظهور ایدوب اول کجه عبد الرحمن پاشایک منسللی کاوب  
دفتر دار منزلنه قوندی ایرتسی عظیم الای اولوب رضوان بیگ بی پروا لشکری پر صلاح ایله  
مزین کاوب علی بیگ ایله همعنان معزول پاشانک کتخداسی و عبد الرحمن پاشانک منسللی  
حاضر اولوب احمد پاشا مصر دن طشره چقمدی منسلم جدید رضوان بیگک عزله رضا  
ویر میوب علی بیگ اعتد ارکان جرجه یه چکیلوب کندی احمد پاشا بعد مصر دن کاوب  
کورچی پاشا مغالطه سی ایله مرافعه و حیسه مبتلا اولوب بعد مهره نائل اولمش ایدی مشار  
الیک قتلنه سبب اولملرک بری بودر که درویش مجد پاشا استانبول کلوب قیودان اولد قده  
دونما تدارکنه اقدام زیاده اولمغله و زور و قیودان و دفتر دار اکثر اوقات ترسانه یه کجوب  
تمشیت امور معیت اوزن مقاصد صورتی کورستروب اهتمام ایدر لردی قلت ماله بناء  
مهماته مقدار کفایت خرج تدارکندن مضایقه لر چکوب قیودان اچمه استدر کچک بیلنان  
مرتبه بی بنشد یروب و هر هفته سیاه علی فیه سنی کند و یروب یوا القده قیودان پاشا ده  
مال تقاضاسی اولوب ابرامدن مالی اولد و غندن غیر قیودان کند و مقامنه لایق  
واقدمیت و مکتب ایله صدارته مستحق کورمکه خوفدن خالی اولوب قیودان دخی  
اقد میثنه و جلالت قدرینه اعتناء خشونت امیر معامله ایدوب بیلرند تنافر کالده



ایدی و دفتر دارپاشا دخی قیودانی استیصال و وزیر ایله تعاضد ایتمکله قیودانك طرف  
 خلافت ایلی برکون ترسانه ده بواج دولتلو ماییندن مورث شکراب کلمات مرورایدوب  
 قیودان دفتر دان البته آنچه بول یولندن تحکم ایندکده دفتر دار خشونت ایدوب ساکه  
 آنچه بی طاشدن کسه جگ دکوز خزینه نك احوالی معلوم ایراد و مصرف مضبوطدر  
 نیچون امکان وقته کون سهوات ایله ایش کورمکه راضی دکاسزدیو جواب وپردکده قیوان  
 پاشا تهورایدوب بیاضی آدم از اراید رکی از ازلدی اولدخی اشاغی قومیبوب خشونت ایله جوابی  
 ووروب مشاجره بر مرتبه یه واردیکه دفتر دار پاشا قیودانه سن و زیرایسک یابن نیم بن  
 دخی پادشاهک وزیر و مال و تیایم سن نیچون بکا عظمت صاوتوب تفوق معامله سی  
 ایدر سن خدمتکار کبی از اراید رسن بر جلالی ظالمسن کردیکک یراده عالمی خراب  
 ایتمدکی دیدکده همان قیودان درویش پاشا پراش اولوب نمی جلالیم سلطان مراد کبی  
 بر صاحبقران زمان بغداد کبی دارالملک عراقی دشمندن استخلاص ایندکده بکا صمربوب  
 ایران و عراق و عربستان سرحدلرینک نظام احوالی نیم عهدمه تفویض بیوردقلند  
 محمد الله تعالی دولت پادشاهیه اول مالک عظیمه یه کرکی کی نظام ووروب دین و دولته  
 خدمت واولکوندن پروان بش یلدر وزارتله قدرم بلند ووار دیغم ایالتلرده سیرت  
 وحرکت ممدوح و دلپسنددر بی یادکار اولرمانده سن دودک چلاردک باق شوکاشمدی  
 ارقوریدن کلوب وزیر اولوب جلالی دیبشمنه دیوب کمال غضبندن اندامنه لرزه دوستدی  
 آخر وزیر اعظم پاشا قرینداش عیبدر بر بریکتره نیچون بیله نامعقول سویلر سر عرض  
 وزرا عرض پاشاهی دکلیدر معقول ایله هراش بتر دیونسکین جانبنه سی ایلدی اما  
 درویش پاشا پوستنک اری و قایق احواله واقف مردجری ایدی وزره جواب ووروب  
 پاشا حضرتلری سزنی استیصال ایلدی کرالله الحمد موأخذ اولنه حق برجرم یوقدرکه  
 خوف الیم مرادیکتر کر قیودان سابقه کرجی پاشا ک ایتمدکی حیلله کبی حیلله ایسه دو تنما  
 مهماته نقد ویرمیوب ممتنع الحصول یرلردن حواله ایدوب آنچه یرینه تذکر مصنعه ووروب  
 زنجفلی اوغلی دید کلری اصلاحی محصل تعیین ایدوب فلان ساحلده سکا شوقدر مال  
 ایصال ایدر دیودر غنی فروغ ایله خواه ناخواه آلدایوب دو تنمای چیقارتیدیلر قیودانه  
 واصل اولمغله کیلرتد ارسر ولوند سر قابوب فقیر یوقدر نام وکام ایله برایشه یرامیبوب  
 متهم دوشوروب بکا آنچه ویرمدیلر نیچه ایش کوریلر دیو فریاد اید کوردی هیچ کسه سوزنی  
 دکلمیوب قید بند ایله آستانه یه کتوردیلر عتاب وحبس ایله تذلیل و اموال مصادع  
 ایله تکمیل وبعده بر سنجاق ایله یوللیوب عرض دولتی بریاد ایتمشلایدی بکاده بویله دام  
 تزویر قوروب مضحک ایتمک ایچون آنفا قکر واریسه بونیتی قولاغکردن اخراج  
 بیورک که دو تنما نك تمامام ماته اقتضالین آنچه بی قصور ووجه نقد المادچه فلاندره بی  
 اصماتی احتمال یوقدر قد یمدن متعین اولان اوماقلدن ماعد ابرغروش بیله حواله قبول ایتم  
 اکسک کدک دو تنمایله چیمقوب رسوای اولوب مظهر عتاب اولمقدن ایسه بوتنه اولورم  
 خلاصه کلام مکر اعد ایله مخدع اولم دیدی امانفس الامرده وزیر و دفتر دار ک قیودان

پاشایه بوجیه سو قصص لری وازایدی اگر چه خزینه عامره نك مضیضا یقه سی دخی  
 کماله ایدی لکن دو تنما مصارفی اخراجات سائریه نقد و اولوب سائر سینه لردن زیاده  
 نقد ویرمقدار حواله ایله ارضا میکن ایدی لکن رتبه امکان ایله مساعدت ایتمدیلر فقط یکرمی  
 کیسه نقد و اوجیه و کیسه یه وارجه حوالا ت ذکره لری ویرایوب امضادن جمع و تحویل  
 مباشر لر کوندلک اوزن قرار ویرلش ایدی قیودان ایسه راضی اولوب بوجیه بالذ فعات  
 منازعه و مشاجره لری کچش ایدی تاکه حضور پادشاهیه اوچی بیله منازعه لری ایتد کیم  
 پادشاه وزیردن سوال ایندکده پادشاه کفایت مقداری مال ویرلدی ویرمقدار حوالا ت  
 دخی ایلدی حصولی اسل نقد حکمت در دیشیدی وقعه آخره ده قیودان پاشا  
 حضور همایونه واروب پادشاه عمری دولت خدمتده افنا ایلدم بر بیر قولکم هرینه  
 مالک ايسم دو تنمای همایون مصرفنه و دین و دولت و پادشاهم اوغری نه بذل و فدا  
 ایتمش نهایت شمیدی و ندیکک دو تنماسی و کرید غائله سی سائر سینه لره قیاس اولنیر  
 نیم مال کفایت ایتمز لالا که بیور عادتا ویره کد کلری قدر مال ویرسون دیدکده پادشاه  
 یاسکا اوجیه و کیسه ویرمشه دید کلرند قیودان قویندن حواله تذکره لری چیقاروب  
 دولتلو خنکارم نقد یکرمی کیسه دن زیاده ویرمش ایسه باشم شرط اولسون ویردیکی  
 یوتذکره لردر که قیودان سابقه بوماللی حواله ایتدیلر تحمیل ممکن اولمغله برایش  
 کون میوب پادشاهمک غضبته کرفتار ایتدیلر بکاده اولله اهانت ایتمک استرلر  
 یو آنچه لک بعضیسی ممکن الحصول اولدینی صورتده تحمیل اولوب کچجه وقت کچر دو تنما  
 زمان کچدکد نصکره نه ایشه یرار امکار یز ضایع اولور همان مراد لری بی اعدام ایتمکدر  
 دیو اغلدی وزیرک امساکندن خاطر مانده اولان مقرر بلر خصیت یوایوب یوایبده قیودانی  
 قصدیق و وزیرک کذب و خیانتی تحقیق ایتدیلر نکر ارباد شاه وزیر ی چاقروب یوایبده تنبیه  
 اکید ایتدکده پاشاهم اول حوالا تذکر بکا نقد آنچه تره دن تدارک ایدلم حوالا تذکر کچجه  
 کندوسی مالد اردر مالندن صرف ایدوب بعدینه کد کده پیرینه قویسون پادشاهمه مالا ویدنا  
 خدمت ایتسون دیمکله قیودانه سو قصص لری اولدینی یوسوزدن بلندی وزیرک  
 قتلنه درونلرند نسیم ایتدیلر وزیر دخی ایراد و مصرفی ضبط و اموردولتی تحمیل ایدرم دیو  
 بر اولر دعویه دوشوب کبار و اعیان خصوصاً مقربین و خواصک رجاسنی طوع و غله جلله بی  
 و نیجید خاطر اید وکن یلوب کندونی پادشاه کچد کلرینی و درون همایونه کند و حقیر  
 ایمان قصد مضمر اولدوغنی بعض آثارندن حس ایتمشیدی و پادشاهه عظیم و همه دوشوب  
 کوندلر ده سکون و امنیت و کچه لده خواب و راحت ترک ایدوب انامل حیرت ایله تحریک پروت  
 وریش ایلده رک بر آن اندیشه دن خالی اولر ایدی و لکن رفع مضارده ام و الزم اولان  
 تذکر ممکنه یه تشبیت ایتمیوب نیم مرادم نظام دولتی تحمیل در کار و کردارم پادشاه  
 و عباد الله خیر صانع اوزن دریا شیمه یازیلان کلور خصوم یلدر کلرندن قانسونلر باحق  
 یه اولورسم شهید اولورم شکله تصور عامیانه و خشونت زاهدانه وادیسندن حرکت  
 ایدوب مراعات اسباب بدن عاری تو کل سازخ ایله تسلیم ایله یانه یه توطین نفس ایتمشیدی



حتی قیودان خطبوی چون آخر مجلس پادشاه حاضر تلو کند و به عتاب ایند که پادشاه  
 هم مقصود مامور دولت که نظام ویرمک و ایراد و مصر فی هیچ اولتر سه تسویه ایتک ایدی  
 استقامت اوچندن جمله فی کند و سه دشمن ایندم سعی و خد متهم بیانیوب عذر م مقبول اولماور  
 مالا عاجز و فر و مانده فالشم مهر شریفکی کیمه دیلرسک و پرونی اخر اولدر سن همان بر کون  
 اول اولدر دیوب قیودلک تکلیف مالا یطاق معامل و مشا قنبدن شکایت ایتشیدی  
 راوی ایدر نوروزدن بر ایکی هفته مقدم منجم باشی حسن بهائی فی چاغروب ایکیهوزالتون  
 یاغشلیوب نم حقه بر ورطه کوی نورمی طوغری سوله امر حقکدر باری تدار کجه  
 بولنه لم دیو وافر احسان و عد ایدوب تنایم دلائل فلکیه دن استکشاف احوال  
 ایند که منجم دخی چونکه مهری آکد بیغی وقتی ییلوردی طالعی مضبوط ایدی والله  
 سلطانم شمدیلاک لوبله بر شی یو قدر انجق نور و شاسنده طالع وزارتک بعض قطوعات  
 و محدوراتی وارد نوروز کونی سکون و صد قاتله تعید یورمکر مناسب دریمسی خلق عجب  
 کلشیدی اما فن مذکور دن فی الجمله حصه سی اولنله ظاهر در که نوروز سابقه  
 دلائل قاطعه نک مقتضا سی اثناسنده ظهور ایکن چونکه نور و ه ایام قلیله قالدقه  
 سوال ایلدی نوروز کونی ایله جواب مقضای فن مزبور در ریئس الکتاب شامی زاده دن  
 و بعض مقر یلر دن مقبولدر نوروز دن دورت بش کون مقدم کند و یه بر سمور قیلو  
 خلعت زیباور مجوهر خنجر کرانبها عطیه خسروانی ایله بر خط همایون ورود ایدوب  
 القاب و وزیر اعظم مشیر انجم نظام دولت دیو حد دن زیاده مخالف عاده توقیر یازمش  
 اتباعی اولان کوته یلنلر اظهار مسرت و بوالتهائی کال عنایتته حمل ایتد کلرند  
 کندوسی زهر خند ایدوب انلری تحمق یوزندن بره هی احمقلسر پادشاهلرک معامله  
 قهر و التفانی فی نه ییلور سر یو حد دن زده نوازش و اعز تم قلم مقدمه سیدر دیمه سی  
 غر ایدندر حق یو در که ملوکک معامله سی سائر ناسک احواله قیاس اولنر لاجل  
 المصاحبه توقیرینه مغرور اولوب التفانی قدر هر حال احتیاط اوزر اولق و کلا  
 مقرینه واجبدر به که مناسب نه خوب دیشلریت چو محرم شوی از خود اندیشه کن  
 که محرم بیک نقطه مجرم شود و رم ابل صدری حسام زاده نقل ایدر که نوروز دن مقدم  
 وزیر و رود ایدن کو رک و خنجرک تهذیبی اچون کند و به واروب مراسم تبریک صد دنه  
 کندوسی اظهار انفعال ایدوب بهی افندی مزاج سلاطینی بلر و احوال عالمی اکثر  
 د کلسر بو التفات نم قلمه دلیلدر یو حزن و ملال کو ستردی حسام زاده دخی چون  
 بویه یورر سن سلطانم بیت کسی در عشق فال بد نکیر دو کر کیر دججان خود نکیر  
 کند و کره بویه مو حش تشام ایود کلدرا فندی بن پادشاهه برانق اچون جمله ایله  
 بوزو شدم جمله یه مخالفت قوت خطادن ایدوکن ملاحظه ایتدم اکد بکم تخم نه مقوله  
 مرموره چکنی ییلورم دیشر وینه نشانی پاشا که صلحاء و زرا دندر نقل ایتد بکه قبیل  
 نوروزده یوم شاده وزیر مشارالیه دیوانه کلوب وزیرایه سلام ویرد که پاشا قردا شاهی  
 بو کون صوک دیوانه کلشن در آخرت حقی حلال ابلک دیو و داع معامله سن ایتد که

بعض وزیران چون بویه یورر سن سلطانم الله تعالی عجه ییلار عمر و یه دید کلرند صرف کلام  
 ایدوب صالی کون اولعله بو کون اخر دیوانه زرد دیمک استرم دیوب صفحات احوالندن  
 تمام اثار و حشت مشاهد اولنوردی مورخ دیر که صاحبای اخوانزدن بزم محمد افندی  
 بوقضیه قیلنله رویاده کورر که وزیر مزبور بر اغاجدن کهنه سر بر اوزینه او توروب  
 اوکنه دستمال پایش خلق باشنه او شمش هر کلن دستماله بر قزل قلوری راغور محمد افندی دخی  
 اطراد اللباب برالتون براتش و کندودن بر منصب رجالتیک نیتنه اولمش اتفاق بر درویش  
 کلوب دستماله برالتون بر اقدیکه نصفی اکسک کویا مقراصله اورتادن کسلس یارم  
 التون ایدی بعد اولدر ویش بر اقدوغی ناقص التونی ینه الدی و وزیر سریردن اشاغه  
 اینوب کیدوب کوز لرندن غائب اولمش بور و یایی معبر لره عرض ایتد که بویه ناول  
 ایتدیلر که سریر مقامدر خر جلق و اچه کلام متد اولدر یا پایش دستمالی منصبینه  
 اولان حال و شانیدر خلقک بر اقامسی حقنه ذهب یعنی کندی دیلریدر و سریردن اینوب  
 کتشی مقامندن زائل اولمسیدر کوزدن نهان اولسی عالم شه و ددن انتقالیدر و صورت  
 درویشده کور پتن قیودان پاشا در اسمی درویش اواق ملاسه سیله اول صورند جلوه کر  
 اولمش ناقص التون بر اقمسی اول دخی پاشای مزبور حقنه کندی دیمه سیدر و فعل  
 نقص انک کلامنه بولنسی یعنی وزیرک وجودی سریردن اکسملک انک سوزی ایله  
 صورت بولمسیدر اما در ویش اول ناقص التونی کیر و کند و المسی دلیل عجیبدر که  
 کندوزو الله دخی علامت غیبیه در دیو تعبیر ایلدیلر ارادت حق ایله بر هفته مرمور ایتدین  
 واقعه نک تعبیری عینی ایله ظهور ایلدی سبحان الله العظیم پاشای مرقوم نفسنده  
 صالح و متدین آدم ایدی بعد القتل اتباعندن بعض موثوق القول کسنه لردن  
 استماع اولندیکه بواشالرده حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلمی خوابده کورمش  
 احمد سنی استمر لریتر طور دک شمدن صکره بزه کل دیو مبارک اللریله اشارت  
 و دعوت یورمشلر قتلنی محقق ییلوب لایالی حرکت ایتدیکنه سبب بور و یا ایدی  
 دیو نقل ایتدیلر چونکه قیودان پاشا ماده سندن طبع پادشاهی مبتکر اولوب  
 غیظ ایتدیلر و خواص و مقر بیندن د لکیر اولنلور دخی عقلاری ینشدیکی مرتبه  
 قبایح تعداد ایدوب حقنه قلب پادشاهی فی تحویل و نکدیر ایلدیلر مراد همایون  
 بواید بکه صد ارتدن عزل و بر سرحد نفی ایله اکتفا ایدر اما بدخواهلیری به کلوب بویه  
 مشورت ایتدیلر که بو وزیر جمع امورده طرف پادشاهی یه نفع اولق اوزن حرکت ایدوب  
 جمله مزک خاطرینی بودعوا ایله سلب ایلدی دولتک ایراد و مصر فی احوالی معلومدر بو نک  
 یرینه اولان وزیر جمله مزک خاطرینه رعایت ایدر سه ینه برایش کور میوب بو نک صد اقله  
 خدمتی اولزمان بلا و اولسه کر کدر شمدی بوصاغ قور نیلور سه اولوقت اولویت طریقله  
 ینه وزیر اولوب تعینی شمدیدن زیاده اولسه کر کدر شبه یه یو قدر که جمله مزدن اخذ انتقام  
 ایدر مناسب بودر که جلوس تهتمیله متهم ایدوب پادشاهه قتل ایتدیر و ب شری  
 خوفندن امین اوله لم بوفر صحت هر زمان دوشمن پادشاه کند و یه مغیر اولمشیکن مصالحن



باشه چيغان لم ديو اتفاق ايتد بيل اول اللهم قور قور زفر فرصت دوشوروب پادشاهم لالاكي  
 قيود ان پاشايه اچقه ويرمك ديو نجيز واز اريبور ديكر قيودانه حسن نظريكري  
 كوروب حسدايدي مهري بدن الووب بوكه ويره جكدر ديو پادشاهم دن ما يوس اولوب  
 برادر يكر سلطان سايمان اچلا سه عزيمت ايتمشدر حيله كارار ناو دشايد پادشاهمه  
 برغدر واهانت ايد ديو عقلز باشمزه يوقدر حقمندن كله جك ايسه كز لطف واخسان  
 ايدوب كندويه غضب صورتين كوستر مكر التفات ايله اغفال ايدوب هر نه مراد ايدرسكر علي  
 الغفله ايدك ديو پادشاه معصومي توهم ايتد يلرو اغالقدن چيغان سايمان پاشايي بوقضيه ده  
 معين اولمز ديوعزل ايتدردي نيتي اوجاق خلقندن هوا سمنه تابع برقوقونوسي اغا ايتك ايدى  
 اما پادشاهمك عيرى چوق اولسون اغاي اچي ودن چيقار ديكر اعتماد اولمز سه سايمان  
 پاشا دن سوال ميورلسون وبوا غا جلبدر هنوز احوال بيلمز اوجاق اختيار ليله سوز  
 بر ايتديكي صورت اغانك روجي طويز ديد يلرو معزول اغاي عزل ايتدرمك وزير دن بانمك  
 ايله عداوتى اولوب وزارت ده دخی طالب ايدى اول فتا نلر كا مقدحه خبر نهاني كوندروب  
 اشته كندويه مهر توجه ايد يور لکن احمد پاشايي اتمق كو جدر قوت قريبه به كدى لکن  
 خنكاري بز توهم ايدك احمد پاشا نك كيفيت حالى سزدن صور ياور سه پادشاهمه سوء  
 قصدي وار ايديكه بزي انكچون عزل ايتدردي دير سكر ايش بتر هم سرك صد اقتكر  
 ثابت اولمش اولور بيله دير سكر مطلوب بكره نائل اولور سز صدرتك غيرى طالبى  
 وارايسه ده بعض محذورات بيانى ايله بز دفع ايدرز ديو تعليم ايدوب وسايمان پاشايي  
 اطماع ايله زور شهادت نه قوللند يلر پادشاه خفيه بر آدم كوندروب سوال ايتد كه سايمان  
 پاشايد كاري احمق دخی حرص وزارتله احمد پاشايه اول تهمي اسناد ايدوب ير املر لك  
 كلا ملر يني تصديق ايدى بوندن غيرى بر قاج كسسه يي دخی بوا فتر ايه همد استان  
 ايدوب پادشاه معصومي ايتاندر ديلر بو نهتمه اعتماد توهم ايله نوروز دن مقدم بيلاموجب  
 كورك و خنجر كوندروب حد دن افزون تعظيم مشتمل خط ايله وزيرك خاطريتي  
 قطيب ايتد كاري اول غدار لك تفاسي كار كير اولدوغنك اثرى ايش تاكه نوروز كوتى  
 هديه نوروزيه وکلادن پادشاهه تحف ايله ملو بو عجله و معتاد اوزن پيشكش لرو آتاز  
 كوند رياوب خميس كوني كه على السحر وزير ده تدارك ايتديكي پيشكش لرى كوندردى  
 حضور هما يونه عرض اولند قده قبوله قرين اولوب رساننده خلعت كيدر يابوب  
 تحسينلر اولندى آدميسى كاوب پيشكش مقبوله كروب صنوف عنايت صدور يني  
 نيشير ايتد كه وزير دخی بوفر ايله ترسانه يه واروب قيودان پاشا ايله تمشيت امور اشتغال  
 اوزن اپكن سر ايدن برو بر خاصكي كاوب احب السلطان فرما نى تبليغ ايتد كه پاشاهم  
 مختير اولدى وهم خنده زهر آلود ايدوب ابد ست طلب ايتدى لکن ابريق كتورد يلر توضوئي  
 ايدوب سزى الله اصمير لدق اخرت حقوقنى حلال ايلك انحق بز غدر ايلينلرده معمر اولمز لر  
 ان شاء الله ديد كه جمله سى سلطانم حير سويلك بونه كونه قالدرديد كلر ننه من رو يامى كوردم  
 ديوب برقاج ركعت نماز قيلولوب توبه واستغفار ايدوب بذل صدقات ايدو رك سراي هما يونه

چكيلوب كندى كوچك ند كره جيسى بو غوق اوغلى وجدى چايي مئخند ان و مئكم  
 اولغله انى زاده سورمش كند و ايله بيله سرايه كمش سرايه قريب اولد قده انك خطاب  
 ايدوب باق چايي شمدي بنى اليقيوب قتل اينسه لر خوف ايدرميدك ديدكك وجدى  
 چايي دخی الله حفظ ايليه سلطانم بونه اصل سوز در بويله توهملره وجود و يرمك ديدكك  
 پيجان احمد پاشا جواب و يروب والله العظيم اكر حا لاني قتل اينسه لر اصلا مضطرب اولم  
 شهادت چانه منتدر بن بر بلايه كرفنار مكه اولو مدن غيرى قور تولش يوقدر صد اقت  
 واستقامت اچون بكا دشمن اولان خاينلرك سوز لرى مقبول اولوب بنى ناحق يره  
 مبعوض ايتد يلر ايه و بدوقع و ضرر معلوم اوليوب سعى و خدمت بانجه بويله حيات دن مات  
 هزار بار اوليدر ديوب كمال المندن شهادت نه رغبت اظهار ايلدى ديو وجديدن منقولدر  
 احمد پاشا اوضاع نا هموار دن تقدیر متالم مضطرب اولمشدر بوندن قياس اولونسون  
 الحاصل حضور هما يونه وارد قده پادشاه عظيم عتا بلر ايليوب قالدرك ديدكك پادشاهم  
 سن بنى شرعله اولدر ميور سن بنم موجب قتل صوچم يوقدر ظالمه اولدر رسك ايكي الم  
 روز محشر ده كير با نكك در ديو ب بو ستانچي ياشي يه اشارت اولندى آلوب على الرسم  
 بو غوب ميني تمور قيودن طشيره بر اقد يلر بو ستانچي لردن برى بر غيظ ايله بر مقلندن  
 يا غليوب يوزينه بر دستمال اورندى بعد الاذن مخدومه سى اولان مرحوم موسى پاشا  
 خليله سى آدم كوندروب ميني قالد يروب انده موسى پاشا سراينه غسل ايدوب  
 اسكدر ان قتل و دفن اولندى رحمه الله عليه معن زاده مرحوم حرم حاصله ايكن اكثر وقايي  
 ضبط و تاريخ عورتنه كندى خطيله بر جوعه ياز مشدر كه بومقوله بعض تفصيلات اندن  
 منقولدر مرحومك روتى بو كه احمد پاشا مرحوم بر صالح و متعبد و غرور و متكبر دن خالى  
 اخذ واعطى و معاملاتى طوغرى كسه ايدى هر خصم و صدمه ميرى جانينه انفع  
 اولانى اختيار ايدوب ميرى يه نه كند و طمع ايدردى و نه آخره يدر ردى اكثر اوقا تى  
 قول مواجبه و ايراد و مصرف قيد نه مصرف اولوب تقليل مصارف اچون مقدور يني  
 صرف ايتمش ايدى اچرودن و طشيره دن بر فرده بر اچقه ويرمك و ترقى ويرمك وزارت  
 و يرك قدر امر عظيم و عسيري ايدى قانده قالديكه وزارت و ايالت ويرمك طقوز عيى آي وزير  
 اولدى سياوش پاشا و كورجى پاشا نك زمان صدر ائلر نده اوليكلان مصرفدن كوند  
 بر محقق يه ك اچقه نيزيل ايلشيدى ختى يازوب پادشاهه ويرديكي ايراد و مصرف دفترى  
 دخی اول مجموع ده مسطور ايدى لکن بحكمه الله تعالى تكميل مصالحه موفوق اولمسى مقدور  
 دكل ايش يه يوزن آفته اوغرادى مورخ دخی بوكلامى نأ بيد ايدوب ديركه اسلاف نه  
 نسبت تواضع و سهولت مأخذ مثالا و يوطا للرى وارايدى و مؤمن معتقد و متواضع  
 وخلق آدم ايدى وسنى الشمس اوچا ايدى انحق بخل و حسد دن خالى دكل ايدى قليل  
 الكرم و كسسه نك فقر و احتياج نه رآفتى يوق سنك دل بي رحم ايدى غريبدركه نيتى صورت  
 ظاهر ده خير محض و سعى جميل ايكن من لا يرحم لا يرحم حديث شريفك مضمون منيفى  
 فالب كاوب حسن طبيعى ايله مهلكه بلايه دوشدى و كسه ترحم ايدوب احيادي



تتمه چون قپودان پاشا و زوالدی ایکی کوند نصیرکده قپودانلق قبه نشین وز زاده  
 پاشا و غلی محمد پاشایه ویرلدی و دفتر دار پاشایه غیظی مقرر ایدی لکن میرینک ضرورتی  
 ظاهر و دفتر داریش بیلور ایچیه پیداسنه قادر اولغین اخذ تار و انتقامه شروع ایتدی  
 و کوندوسی قپودان ایکن وزیر شهید و دفتر داران ابراملایدوب ایچیه دیو ایکی ایاقارین  
 زیبا بوجه قومیشیدی شمدی ایش باشنه دوستوب اور تالغک مضایقه سنی کرکی کبی  
 اکلایوب خزینه تدارکنده حاضر نیجه اولوردیو شاستدی بالضمرون دفتر دار پاشایه استمال  
 و منصبی ابقا ایچون خلعت کیدروب علوفه بی تکمیلده سعی و همت ایلاک دیومعامله  
 هودت کوستردی وزیر مقتولک کتخداسی مؤمن اغایی حبس ایدوب ایچیه طلبیه  
 اشتکجه فرمان ایلدی بیجان صیانت عرض و جان ایچون قرق کیسه ایچیه ویردکد نصیرکده  
 ینه طلب اولوب جلادانه ویرلدی قوللری و بونی چیقار یابوب بالجمله ماملکی طقسان  
 کیسه مصادن سند نصیرکده ینه تعذیب الیه گرفتار اولوب ایچیه ویردوب ابراملر ایتدی یلو  
 بیجان مؤمن اغایزم پاشا مرثوت آلزدی عالم بیلوردی انک و قتنده بر ماده لی مصاحبه  
 و نقره لی عزل و تنصیه قارشم بودولته بر کسه به بر ماده عظیمه دن مبلغ جسمه عائد  
 اولوب دولتمق محالدر وزیر کتخدالری شک بلکه جمله مناصب احکامک ایراد طبیعی و منافع  
 قانونلری معلومد ایراد و مصرف حساب اولنسون ایراد طبیعیدن خارج هدایا و باد هوا دخی  
 مراداری اوزن برشی فرض اولنسون اکاکون بندن مال مطالبه اینسونلردی بوفریادایده  
 کوردی مفید اولوب تیز کدی ایچیه چیقاریو خسه سنی دیه لرز بولندن جور واذیت  
 ایدرلردی اللهم عافنا تذکره ثانی بوغوق زاده وجدی چلبی ملتقی اولوق حسیله  
 حبس اولنوب رئیس افندی و بعض متعینلر شفاعت لریله بر قاج کیسه سی آلدق قد نصیرکده  
 معفو اولوب قورتلدی لکن مؤمن اغا حبس و عذابده قالدی و کثرت تبدیلات احتمالاتنه  
 بناء افواه ناسده کلمات کونا کون چوغالیدی و هر مرتبه ده اجه اباد اتر اکنک قالدی و تماچی  
 کتور طو تماچی مثلی ضرب اولنغه باشلیدی تبدیلات اشبو جمادی الاولی غره سنه  
 مصادف دوشن ابتد اینسانده دفتر دار پاشا غزل اولنوب طمشوار ایالتی ویرلدی اگرچه  
 وزیر مصاحبه روی دل کوستروب تقریر خلعت کیدروب کونیم سنی نه اصل خدمت  
 ایدرسن دیونوازش ایلدی لکن سوز نازن بیلوردیکه تاطف و اگر ای مصاحبتدر وزیر  
 شهید زمانده ترسانده چکشوب بر لرینه سوبیلدکاری کلمات که امر من الزوم ایدی  
 خاطر دن کتمه مشدرو صداقت ایله خدمته نه مرتبه دامن در میان اولسه واجب  
 تکمیلند نصیرکده اخذ انتقام ایدجکی ادرک آیمشیدی اکابناء نیروی تدبیرنده عجز و قنور  
 کلوب احمد پاشا و قتنده اید کلدیکی شعبده بازلق ایله برایش طو تمادی همان مبهوت  
 و متعیر مقام عجز و تسلیم و قوف ایلدی وزیر دخی انک سعی و خد متندن مایوس اولوب  
 طمشوار بوللادی طمشوارده اولان دفتر دار سابق امیر پاشای قنیریه کوندردی و دفتر دار  
 زاده محمد پاشا و حاجی زاده محمد پاشا دفتر دارلغه طالبلر ایکن عدول اولنوب حال باش باقی  
 قولی مورلی مصطفی اغا که کرک امینی علی اغلک غلاملردن ایدی دفعه باش دفتر دار

ایلدی جمادی الاولینک اون ییغی خیمس کونوز علی العصر وزیر خراچی طوب قبولی  
 مصطفی اغایی کوندروب و ارباش باقی قولی چاغردیو فرمان ایلدی اولدخی واروب کتوردکده  
 دفتر دارلغه خلعت کیدروب اوغل کونیم سنی یادشاهه نیجه خدمت ایدرسن دیوب کندو  
 متفرقه و حاشنکیر لرین و سایر اسباب احشامنی قوشوب دفتر دارلره لایق بر مزین  
 آت چکوب بند یروب منزله کوندردی و امیر الامرالق پایه سیله مصطفی پاشا تلقیب  
 اولندی رئیس الکتاب سابق موقوفاتی عنوانیله مشهور اولان محمد افندی که شارج  
 و مترجم ملتقی الاجی درباش محاسبه به جی اولدی ایکی کوند نصیرکده دامادی بولوی مجدی  
 محمد افندی که موأخذه و مصادن بلا سیله مقدم کتخ خولدی ایدی جزیه محاسبه جیسی  
 اولدی و بواشاده جدید بکچیری اغاسی دخی او جاق سلسله سی ایدوب عسس باشی  
 دامادی کتخدایکی سکبان باشی و زغر جیلقدن مغزول نیره لی محمد اغایی کتخدایک  
 و معصومی محمد اغایی زغر جی باشی ایلدی وزیر درویش پاشا قپودان ایکن سکبان  
 باشی اولان قاسم اغا زاده علی اغا دن قیمتیله ییک غروشه برات طلب ایتدکده غرور  
 و سفاهت مقتضایه در یغ ایتدیکندن ماعد اول آتی پادشاه ایچون صاقلرم قپودان  
 کیده آتی نیلزدیو سفیرانه بعض کلمات بی معنی سوبلشیدی بو دفعه وزیر اولدقده کندویه  
 ندامت کلوب اولاتی و اون اولقدن پیشکش ضم ایدوب وزیر ککوندردکده رد ایدوب  
 قبول ایتدی و کندویه باباسی ولایتی اولغله اوخری سبحان توحیه و طورمه نیز جق  
 دیو فرمان ایلدی چلبی صد هزار کوشش و بذل ایله دفع ایدوب مغزول و مرعوب قالدی  
 دفع ایچیه یکریمی کیسه دن مجاوز ایچیه سی کندی لسانی بلا سنک جریمه سن چکوب  
 وزرا حقنه سوز سوبله ناک ضررئی اوکر ندی و اغالقدن مغزول سلیمان پاشا که احمد  
 پاشا مرحومک و اخرنده صریحا مهره طالب اولوب بعد صدارت طمعیله احمد پاشا  
 حقنه کذب اختیار ایدوب اسناد مالم بکن ایله حمل ثقیل وزر و وایلی بیننه المش ایدی  
 و مهر درویش پاشایه ویرلکه کندوسی که نکار خائب و خاصر قالمشیدی مهره طلبی  
 وزیر بملکه کندوی کریده تعیین ایلدی مزبور ک انکری طو توشوب اندرون همایونده  
 کندوی تغیر ایدن حامیلرینه دوستوب انصاف ایدر که بی آلد ایدوب مصاحبت بکد نصیرکده  
 اغراض عین ایتدیکندن ماعد ابی وزیر ک نیجه سنه تسام ایتدیکنز کریدکی کرداب  
 محنته صالوب بی اعدام ایتک الله ورسوله باری صاحب چیقوب بوورطه دن تخلص  
 ایلاک بلا منصب استابولده او تورمه راضی یم دیو تذکره ایله نیاز ایلدی بر کون  
 ناکهانی وزیر برخط کلدی سلیمان پاشا لالامی کریده کوندرمیه سن بونده او تورسون  
 دیو بیورلش مکر مقدمات ضرور مدن و حالاروم ایلندن مغزول بر سلیمان پاشا دخی  
 واریدی وزیر ک ضمیرنده آتی دخی کریده کوندرمک مصمم ایش اغالقدن چیمکان  
 سلیمان پاشا ایچون اصدا ایتدیکی امرک خلافتنه احتمال ویرمیوب خطک ورودنی اول  
 بر سلیمان پاشا ایچون طن ایش اول کون سلیمان پاشای ثانی وزیر ک زیارتنه گلش وزیر  
 اکا خطاب ایدوب سترک ایچون برخط همایون کلدی اصلی ندر دیو سوبیلدکده سلیمان



پاشا ایمان غلاط ایله اظهار ایت ایدوب بود اعیلری مدّة العمر ایچرویه تکره کوندر ملک  
ووراء پرده دن مصاحبت کورمک واقع اولمشد مراد اتمز اولیحق وکیل السلطنه یله  
انها والناس ایدرز اول بزد کوزدید که جلب سلیمان پاشا ایدو کی مقرر اولیحق وزیر  
یادشاعه ناخیس یازوب سلیمان پاشا قولک اغالقدن چقمقله یکچیری بیننده علوشانی  
وارد کریده شروغ ایتدیکی خدمتده عسکری استخدام خصو صنه مزیتی مقرر در  
وهنوز سفر کوریه یوب جنک امور رنده مبتدی در سردار اکریم حسین پاشا ک یانده حرب  
وضریه متعلق احوال کوروب وزیریه اهم اولان جلادت وشجاعتده ممارست تحصیل  
کندویه ده انفعده ربوندن قطع نظر بر مالدار قولکدر رشیدی عهد ستباده قوت بدینه و ثروت  
مالیه سی اولمغله اغور دینه خدمت ایلسون دیو اعلام ایتد که قطع کریده کتمسنه  
خط همایون صدور ایددی وزیرینه لطفاملا طیه سنجاغی خاص یوب کریده کوندردی  
کذلک مرحومه خان زاده زوجی نقاش مصطفی پاشا و سیمو اسدن معزول نکه لو پاشا  
سلیمان پاشا ایله معا کریده مأمور اولدی لر کخدا ایک نیره لی احمد اغاوز غرجی باشی هب بونلو  
جدید اکریده تعیین اولدی لر مقدمه قرا داش عظماسدن بر قاج قراق کلوب بغداد  
حدودندن بر مقدر ایریر ایله طبل و علم رجا ایتشیدی احمد پاشا زمانی خلعتلر کیدر یابوب اسکی  
طیراغی عظمایان مسعود ایالت نامیه ویر لکه قرا داده اولوب هنوز فیصل ویرلماشیدی  
درویش پاشا وزیر اولدقد ملا حظه ایدوب افلاق بیکی قرینی اوغلمه آلیوروب  
مصاهرت ایدن قزاق کافرینه ممالک محروسه دن یبر ویرلک مملکت یادیق قومق  
اولوب قباد و حارث قضیه سی کی ضعف دولته دلالت ایتکیکن التماسی رد اولوب  
جوابده بوآه دکن سن خان حضر ندرینه متعلقسن لهدر اندوغک یولر سکا کفایت  
ایدر رعایتک یینه خان طرفندن اولوق کرکدر یوجا بدن مملکت اسمک نامناسب در طور دوغک  
یره قضا عت و مرا جعتکی غان طرفنه ایدسن دینه جواب ویرلدی ابتداء دولت  
وزیر اعظم اولان امور دندر که چاشنکیور بائیس کی بر بی دین مجار کوله سی ایدی  
مجارو لاینه اچیلک ایله تعیین اولوب اللیدن متجاوز منزل ایله کوندرلش ایدی قرین  
آباد اوغرا دقد مفت مالک لالت طلب ایدوب امر نده اچیه سیمله یازمغین قرین آباد  
قاضیسی دولکر موسی افندی نام اختیار که تاشا افندی نیک لام برادر در بر صالچ پیر  
اولمغین قرین آباد کندویه مؤبد ویرلش ایدی چاشنکیور ک ظلمه مساعد ایتما مکه  
طاهر مانه اولوب مجاردن دونوب یینه اوغرا دقد قاضی نیک محکمه سنی اتباعه اعاطه  
ایدوب بقه بره قاضی سن نچون بکا ذخیره ویرمک دیوب قاضینک دخی النده اولان امر شریف  
علی ملا الناس قرأت اولندی ایچنده اچیه سیمله لفظین خلق استدی بن کیدن سکا  
واللی قدر آدمک مجاشی البویز مکه قادرمی یونه کونه معامله در دید کیمکر ملعون  
برخ متکارینه بر دسته چوب ویرمش کتور شون دیوخذ متکارندن الله الوب بنفسه  
پیرک باشنه و سار وجودینه کیریشوب همان بانه اوج ضرب اوروب بن استانبول  
وار نجه اوج قاضی دیه لکه عهدم وارد ایتداسی سنسن ضربات پی در پی ایله قاضینک

حالی تمام اولدقد کوجه الندن قاجوب حرمه قرا ایتد که عقبجه اتباعه حرمه کیروب  
استیاسنی غارت لیدوب کتخداسی ویرانکی آدمیق دخی دوکوب مجروح ایدوب چقوب کندی  
اهالی قاضی ایله آستانه یه کلوب شکایت ایتدی لر استفتا اولندقد استد عقوبت دیوبور یابوب  
استانبول قاضیسی رحمة الله افندی مولانصب اولندی زیر اقا ضیه عسکر صاحبه سی ایتدی  
دیوانی مولی استشار لیدی وجه مشروح اوزن ضرب ایتدیکی اثبات اولندقد رحمة الله افندی  
قتلنه حجت یازدی مفتی دخی استد عقوبت ایله قتل دیو فتوی ویرمکه اول مجارید کرداری  
حیس ایتدی لر اماندرون همایون خلقی و ساجد ارشهر یاری جلیک غیر تن قووب حریفه  
صاحب چیقدی لر مفتی یه خبر کوندر وب سلطانک موزعی و چلی قهوه جیسی رشتوت ایله  
جهانی بر باد و طریق علمای افساد ایتشیمکن انلرک جزا زدن انماض اولوب بوماده اراده قتل  
نفس اولیحق قتل فتواسی نه دیمکدر دیو هتک حرمت ایدوب جک مرتبه ترهات ایتدی لر وزیر  
ایسه عرض علمای صیانت اوزن ایدی البته قتل اولوب مضمون فتوی اجر اولملودر دیوایاق باصدی  
وزیر اون کیسه اچیه وقاضی نیک ضایعانی کند ودفتری موحبجه نضیمین ویدل صلح بشیوز  
غروش ویرمک اوزن صاحبه طلبکار اولدی اماوز پر رضا ویرمدی بالاخره اندرون همایون  
خلقنک اعانت و تعاضدی ایله بوجله مصاحبه قرا ویرلدی الله الحمد شمدیکی عصر یزده  
علم شریفه رغبت و علم و حکام شرعه حرمت و رعایت بر تبه ده در که بومقوله زجر و اهانت  
بر مبتدی سوخته یه ییله اولمغه وزراء عظام و مفتی حضر تلرینک رضاری یوقدر علمای عظام  
علی الخدوص صدور عالییه ده حکام اتباعه چندان رخصت ویرمیوب چرکاب دنیا ایله دامن  
صفت و وقار لینی آلوده ایتما مکه کرکدر که بومقوله وقعه لده اجرای حق و تنفیذ حکم شرعه  
کلامی سیف صارم کی تأثیر ایلیه بر آلا ی عوام ناس افضل عباد اولان علمای تحقیر  
روامیدر علما جمع اموال بی حساب ایدوب هر نه قدر زخارف دنیا یه میل و محبت ایدر لر سینه  
انلرک انزاده مرتبکی عوامک صغیف ویرمیز کارندن افضل در دیمش لر اما خلق بومعنادن  
غافل اولوب علم شریفک غرتنه و علمانک شرافت قدر و رفعتنه اطلاع رتبه سندن  
عاجزل در ساده دللر فقط متاع دنیا یه اولان میل و محبتنه نظر ایدر لر مال دنیا ده  
استغناسی مرتبه معتقد اولور لر بوغریب تماشا در که محبتنه نجه اباحت دقیقه وار درم یایی  
افندی بوقضیه ده سویلنن خلطیات حسادن متکدر اولدی لکن در عقب اخذ انتقام ایله  
انلری تأدیب ایلدی که بوقضیه عقبنده ساجد ارشهر یاری وزارت ایله طشره چقمق مراد  
ایلدی مفتی افندی نیک حقنیه سویلدیکی مالایعنی سوزلر مضبوط اولمغله جناب مفتی  
ایچرو خبر کوندر وب ساجد ارلر وزارت ایله چقمق او توزیل عرم خاصه طور مغله اولوردی  
حال ایدی سکر سنه ده ساجد اولور لر وزارتله چیقار لر رعایا پرا کند وضعیف ممالک وایالتلر  
خراب وزرا چوق مناصب یوق وزارت دخی معزز و موقر اولوق وزرا قلیل و معدود اولدنی زمانه  
اولور بالا آستانه ده وزرا ییکلردن چوقد بویله ایکن ساجد ارانلک وزارت ایله چقمق لر نه  
نافع دولت نه کونه مصاحبت متصور در ییله لم احق والیق اولان بودر که کروزارت ایله  
چقمق رغبتلری و اراپسه مدّه مدینه مکث ایدر لر طول عهد ایله امکد اروو عنایت



منز او ار اولد قلوی زمان وزارتله کامکار اولورلو اگر بحاله ایله چیقارلسه متفرقه لق  
 وقیوجی باشلیق ایله قناعت ایدرلر مقتضای استحقاق یو دردیو مانع اولد یلو کبار  
 نظام خصو صا مشایخ اسلامک حقنه سوز سو بلك ككشینك دولته مانع فواند  
 وسعادت قاطع درید کاری کلام حکمت انجامک مضمونی ظهور ایدوب ساحدارا غاول  
 مهین علما حجار کافرینی تخلص ایچون مفتی حقنه سویلدیکی فالایعینک شامتیه نیل  
 وزارتدن محروم اولدی حکمای سلف بو محله مناسب نه کوزل سو بلسلوردر من عادی  
 انعاما عادمهانا ولا تعاد والدول المقبله تدبر و باقبالها و بو محله بالته جیلر کتخداسی حاجی  
 احمد متفرقه لق ایله چیقوب ایکی آدم آشوری اخراج ابراهیم نام متمول بالته جی یکریمی  
 کیسه ویرمکه کتخد اولوب حاجی اسکندر او طه باشی قهوه جی باشی شعبان یازمی  
 باوک اغا لغنه نائل اولدی و سپاهیلا راغاسی معزول اولوب کورانیل شعبان اغا باوک  
 اغاسی اولدی و مؤمن اغا که وزیر شهیدک کتخداسی اولغله حالا حبسه کرفتار و طقسان  
 کیسه سی اند قدن صکره یته اشکنجه التند زار و نزار ایدی استیو جمادی الاولی و اخر نه  
 تانی سیاوش پاشادن وزیر شفاعت نامه کلوب یازمشکه انشته مزمو من اغا الان حبس  
 وجفاده ایتمش معلوم کرد در صدارت رتبه سنه نزدی نائل اولدق کتخد الرکنه جرمی وارد حال  
 بوکه قبل اوانان احمد پاشا مرخوم اول صدن خود سردن و زدن و سائر اسلافندن افضل  
 واعدل ایدی نظام دولته نه کونه استقامتله دامن در میان ایدوکی سزک وجهله نک معلومیدر  
 یته مقابله سنه بوستانجی جلا داری النده اول خوار لغله قتل اولندی عجب بو خد متار مقابله سنه  
 جناب شریف کز نه کونه لطفه مظهر اولق ملاحظه سنه سز بالجمله زمه قرانی معلوم  
 ایکن یواذیت و جفایه او غرامسی ملحوظ مرد کل ایدی حالا غویو رلسی رجا اولنور دیو وافر  
 قهریضات اینشیدی ابشیر پاشادن دخی عینی ایله بو مفهومی متضمن بر شفاعت  
 مکتوبی کلش بالاخره طقسان کیسه ییوز او توزه یئشدر مک اوزن جریمه سی قطع  
 اولنوب قصورینه کفیل ویرمکه اطلاق اولندی مؤمن اغا نک جرمی یوایمشکه چون که  
 پاشاسی احمد پاشا نظام دولته صرف مقدور دعواسیله حسب الامکان قوانین رعایتیه  
 یوازش ایدی مؤمن اغا افند پسندک مشربینه کور حرکتیه مجبور ایدی قنلندن مقدم والد  
 سلطان قهوه جی باشی شعبان خلیفه یوز او توزا اچیه تقاعد ایله طشره جقمق فرمان  
 اولنوب بو خبر ایله شعبان خلیفه کتخدایه کلد کیم کتخد دخی یعی آدم بالته جیلر کتخداسی  
 دخی دون سکسن اچیه ایله چیقدی سکایو او توزا اچیه یی صاحب دولت چوق کور مزی الله  
 ویرسون بن مناع اخیر دکل لکن دولتلونک مشربی مضبوطد رقانونه مغایرت فاحش ایله مبلان  
 ایشی ایتیمه جکتی ییلورم دیوب معاووز بر حضورینه واروب عرض ایلد کیم بر مقدار سرفرو  
 ایدوب صقالن قارشدروب سکوتدن صکره شعبان خلیفه یه یوز طو توپ بقیه یولباش  
 دولتلو عقلا و والد سلطان افند یزوشو کتلو و خنکار یزیه قوللرینه تعلیل مصارف ایله تنظیم  
 امور خد متی ثنیه ایله فرمان یوز دیر یو باید سککا غایت مرتبه لطف و احسان سندن  
 یش آلتی آی اقدم رفع اولان بالته جیلر کتخداسی چیقدی و غی علوفه که سکسان اچیه در

اولقدار ویرلکد رحلا بویه ایکن دولتلو سلطان افند یزدخی یوز او توزا اچیه یه رضا ویرمزلدیو  
 والد و قزل راغاسنه بویه خبر کوند رمشیدی انرا کرچه برای مصاحبت معقولدر دیوسکوت  
 ایتدی لکن عالم درونک بو حریف نه یبانه سویلر زاکامیری بی امساک اوزن طوت ایرادی نکشیر  
 مصارفی تقلیده سعی ایت دیدک ایسه یزدن دخی دریغ ایله امکد ارلیری و مراد ایتد کیری  
 قایمق نکلیف ایتد کیم سوز یزید کله شفاعت یزید دایله دیدک بواله آووجه صغمدن قالدی  
 دیوب بونک کبی بر قاج ماده دخی اولمشیدی بالجمله حرم همایون جانبی کندودن روکردان  
 اولد قلر یچون اعدا منه سعی و ناصق یه قتلنه اتفاق ایلد یلو بو حکایه بی یاد شاهه ییلدر  
 سرای عامره امکد ارلینه طر بقچه دیرلک و رعایت نکلیف اولدق چیه مخالفت ایدوب و دیر  
 ایشکه اور تالی تبدیل ایتد کیم یزوالده نک و اغانک ثقلندن قورنلا مرز خوش ایدی دیو  
 مافی الضمیرندن بعض غلام اعلان ایتش دیو شعبان خلیفه بی استیهاد ایتش اولد دخی  
 شوکتلو پادشاهم کندونک و کتخداسنک حرکتلری با شقه در بودولتی نعم صائم شلر همان  
 سوء قصد لرندن الله صغلیه دیوب ساجان پاشا و یوزمقوله بر قاج خاطر مانده لر همد استان  
 اولوب بیجان یی قتل ایتد در دکر نه کتخداسنی دخی بوبلار کرفتار ایدوب کویا لته مقام  
 الدیار مؤمن اغا اولدن متمول و مصدر ده کویلری و استانبولده املاک و عقان مالک مکتبلو آدم  
 اولغین محسود عالم ایدی احمد پاشا دخی بویه مستغنی آدم کتخد اولق مناسب در دیو استخدام  
 ایتد کیم جملة الملائک اولمشیدی حسادک بلیه سنه کرفتار اولوب پاشا سنه اسناد اولمان  
 کاه مو هو مه تشریک اولوب شکجه حکوب بو قدر مالدن ایرلدی وینه بوماه ایچنده ظهور  
 ایدن امور دندر که مقدمه حوم فاضل حسین پاشا نک بعضی سراریسن تزوچ ایدن  
 ابراهیم پاشا نام ظالمی کورجی پاشا زمان صد ارتنه بر مقدار رشوت الوب کند و قریداشی  
 جعفر پاشا و زردن اد نه یکار یکیمی ایشیدی وارد قه نهجه ظلم ایدوب آدنه قاضیسی  
 بالته زاده طومیه لی مصطفی افندی نصیح و پند ایدوب فقرای مظالمندن صیانت  
 سمته اولغله رالزنده شقاق عظیم حاصل اولوب آخر ابراهیم پاشای ظالم صار یچه لر باوک  
 باستیسنه البته وارقاضینک باشی کسوب کتوردیو اقدام ایدوب باوک باشی مرد هاقل  
 اولغین سلطان سن نه دیرسون قاضی باشی کسپلورعی اول حاکم الشرع در انک باشی پاشا  
 کسه مز مکر استا بولدن قطع علاقه ایدسن ایتدی لک صورته قند کیدرسن جلالی  
 اولورسن دیدک پاشا مزبون غضب ایدوب بنم امری طومرسن ییقل ستوندن بزه  
 ارکان سرقور قاق دیو شتم و برغیری ازغونه فرمان ایلدی اول خبیث دخی نوله دیو صورت  
 اطاعت کوستر دکل اولکی باوک باشی اول حریفه بقیه عاشق نه ایشکه کیدرسن پاشا مز  
 اولش اوله حق هم حاکم الشرع قتل اولند و غنی کوروب ایشتمش وارمیدر شو فساددن  
 فراغت ایله یوخسه جمله مزی و لایق لودیه لیوب آستانه دن جزا رتینه الیقومه زلر دیوب  
 صائر اتباعی دخی هجوم ایله منع و دفع ایتدی لک قاضی رئیس الکتاب شامی زاده نک اقرارندن  
 ایدی مکتوب یازوب اکابوا حوالی ییلدردی رئیس دخی پاشای مرقومه بر عتاب نامه یازوب  
 سن کندوکی نه اولدم صابور سن قاضی افندی ایله بر خوش یحکمک کرسن والا یش غیری



اولوردیوتهدید ایتیمش بواشاده منتهوی کر خدا خواهد که پرده کس دردمیلش اندر طعنه  
 پاگان نهد مغر و منجه غیرت حق ظم و رایدوب پاشا نك اتباعندن بر ملعون شرع جناب  
 رسالت پناهه دار لا صر فالو لا عد لا توبه سی مقبول اولوب قتلنی مستوجب بر ناسر اسوز  
 سولوب خلق های کافر دیو هجوم ایتد کلرند قاجوب پاشا سنه صغینوب خلق نصیر عام  
 ایله سرای قوشادوب حربی شرع اطلب ایتد کلرند ویرمد یکندن ماعد اکام مشایه بر کفر  
 قلیط دخی کند و تلفظ اید یجک خلق عموما جمع اولوب بره بونک کندیده توابعیده کافر دیو جمع  
 اولوب هم حربی هم پاشایی الی مقداری توابعی ایله قتل ایدوب پاشا نك ایاغنه ایب طاقوب  
 سور یوب آوده چرکاب ایتد کدن صکره بر کافر مقبره سنه سر نکون القایتد یلر نعوذ بالله  
 تعالی ناموس شرع شریفی حرق ایتد دنیا و آخرتد باعث قهر و نکال اولد و غنده شک یوقدر  
 بوخیر استانبوله منعکس اولد و نه دانه ایلمنی ادریس اغادامادی پاشایه ویرلدی و کورچی  
 پاشا بر اداری که دانه ده مغرولا او تورردی استانبوله کله سچون امر کتدی و فات اعرج  
 مصطفی افندی و سلسله جزیه مولانای مزبور و سوسی محمد نام بر امامک او غلیدر مقدمات  
 فنونی نکمیلند نصکره استانبوله کلوب بر زمان یار حصار او طه لند طلیه یه افاده ایدوب  
 غنی زاده مزبورک علم و فضیلتی کوروب رغبت و التفات ایتد که اعرج دیو استهار و پردی اناطولی  
 قلندر نجه مناصب ضبط ایلوب نازلی قاضیسی ایکنی ساجد ارباشا نك متسلی شکایت  
 ایتد که سلطان مراد ازاله سنه فرمان ایتد شیکن اعیان وارکان مزبورک حالی بیلدر مکه عفو  
 ایتد یار اول ورطه دن خلاص بولغله معلوم یادشاهی اولق شهرتی نام و شانی افزون  
 ایدوب معروف افانعل اولدی قضادن فارغ اولوب بیک قرق سکرده درس و افاده یه شروع  
 ایدوب مشهور منلا چلبی امتحانده رساله یازوب ازینده سلیمان پاشا مدرسی اولمشدی  
 رفیق اولان معید احمد افندی شیخ الاسلام اولد و سنن پاشا خارجه کتوروب  
 حرکت محنده قرار ایددی اشبو سنه ربیع الاخرینک اون اوچینیم الجمعة ده انتقال  
 ایدوب کمال پاشا زاده افندی قرینده دفن اولندی کاتب چلبی مرحوم فدلکده دیرکه  
 سنی سکساندن متجاوز ایددی مرقوم بحر محیط علوم معقولات و منقولات کثرت استحضار  
 واعطه سی مسلم علوم عربیه ده ماهر خلوق و متواضع آدم ایددی اون بش سنه متوالیا  
 درس و افاده یه مشغول اولوب مخادیم و طلاب مسافریندن قابل تعلیم اولغری مستفید  
 ایتد که در بقی بوق استانبوله وجودی برکت و عامه یه نشر علوم ایله سبب رحمت اولمشدر  
 و کاتب چلبی بر قاج سنه در سنه ملازم اولوب معقولات فنلرینی ائدن استفاده ایتد که  
 محبتندن مستفید اولدی و غیر علما نك اعلی ایددی دیومدح ایتد در فاضل اعرج محلولندن  
 محن مدرسه سنی مغنی صوفی قیوده بیری پاشا مدرسه سندن چراچی زاده یه انک  
 یرینی شاه خویاندن قبه قولاق دامادی چابی یه انک یرینی سید حسن پاشا مدرسه سندن که  
 زنجیرلی قیوجا منه ملاصقه در حسین پاشا زاده ابراهیم افندی یه انک یرینی قوغه چی  
 ده دن الیا س دده زاده یه انک یرینی سابقا در نه ده میر میراندن مغرول جلب موسی  
 افندی زاده چلبی یه ووروب ابراهیم بیک ماده سنه برغوس مشهور ایکن شاه خویانه

خوبانه اولما سندن یاران کفک تکیو قویاروب کذلک عاشق پاشالی شیخ زاده امیر چلبی  
 ایله چومز احمد کتوز محله حسب الامر رساله یاز مشیکن چراچی زاده یه اولد و غندن معنای  
 ووروب سید حسن پاشا تحلفندن سریندی زاده کوچک چلبی قاس لسانله کسر اعراضه  
 مشغول اولوب بیاضی حسن افندی یکه بوسنوی الاصلدر مشهور روز نامچی ابراهیم افندی یه  
 انتساب ایدوب نائل مرام و خواجه عمر افندی دن ملازم و مدرس اولوب والده سلطانن  
 مکه مکرمه و روسه و ادره و استانبول قاضیسی اولمشیدی جمادی الاولینک دیکرمی سکرچی  
 کونی فوت اولدی اهل علم و متدین آدم ایدی بر قابل وجود اوغلی قالد بیکه صکره بیاضی زاده  
 دیمکله شهرت شاعر اولوب حلب و استانبول قاضیسی بعد اناطولی و روم ایلی قاضیه سکرچی  
 اولمشیدی خالف معرف و ادیسنه مائل متعظم بذات فاضل ایدی بیک طقسان بر سنه سنه  
 صدر روم ایکن حضورند بر خاتونک بریهودی ایله ناسی ثابت اولوب حجتی ویرلمکه آت مید انده  
 پادشاه ووزر وارکان و عامه ناس جمع اولوب خاتونی رجم ویهودی یی قتل ایتد یلر عصر نیویدن  
 بولنه کله مثل حدوث ایتین وقعه مزبور منلای مرقومک حجت و اقدامیه وجوده کلدی  
 شه کم تفصیل ذکر اولنسه کر کردر قیودان چاوش اوغلی محمد پاشا سلج جمادی الاولیه که روز  
 حضر دن بش کون مقدم ایدی دوغما ایله ترسانه دن قالدوب شنلاک ایله بشکطاش اوکنه  
 لنکراند از وایرتسی یدی قله اوکنه وارد قلند بو جاق باغنده و زرا عظمه ضیافت وهدایا ووروب  
 بحر سفید روانه اولدی جمادی الاخره او اخرند اق محمد پاشا شامدن عزل ویرینه سابقا باش  
 دفتر دارا لاهی زاده محمد پاشا منصب اولندی حلب اعیانندن بواشاده صالحم محمد اغافوت  
 ویکرمی بش بیک غرشته قریب رسم قسمنی اخرج ایتد که ابشیر پاشا که حلب والیه سیدر  
 قاضیه سکره بیک غرورش یتمیزی دیوب قصورینی کندوسی یلع وصالقمک میراثده دخی شریک  
 دخی وارث اولوب کندویه یازاین سمور و دواب و رخت و سیوف مقوله سی تحفدن قتی جوق  
 شی مزایدن الوب بیک غر و شلق شی ایکیموز غر و ش قیتمیه براغاسنک اوزرینه دفتر  
 و دکرین دکره بومنه وال اوزن الی التمش کیسه لک شی الد قدن صکره صورت ظاهرده  
 الان اغا محکمه یه واروب ورثه میتی و صینسی کتوروب صاتون الدوخی استیالک هاسنی  
 یقصور الدق دیو دیو ابرام ایدوب و انلردخی ابشیر پاشا نك قورقو سندن اقرار و صورت  
 مشرعه قویوب بر حجت الدی ابشیر پاشا اول ایتامک بو طریق ایله وافر استیاسنی یودوب  
 قدر ایلدی بو ندن صکره عدالت ایله دنیا یه نظام و دولته انتظام ویرمک دعوا سنه  
 اولق نه دیمکدر بونکه قناعت ایتیموب صالحم ایله تعامل ایدن تجاری خبر الوب دفتر  
 ایدوب وصی و ورثه سنی الدایوب سزه انلردن وافرشی الیوریرم طرفره ایلد بیکر خد متک  
 ثلا قیسی اولوردیوب انلرده کرچک صانوب خصومه قیام ایتد یله اول تجار و اغنیایی احضار  
 ایدوب سن صالحمه شوقدر کیسه قرض ویردکدن صکره شوقدر سنه ده بر سال شوقدر  
 مراجعه الممش سن اصل مالی بیلده تجا و زایتش الدو غک خلاف شرع در دایدک دیو حکم  
 ایدوب حریف عرضی بلا سله صاحبه راغب و اوج کیسه بش کیسه جریه شکنند ویرب الله  
 حجتی آلوب عرضی صاتون آلوردی کنندن مراجعه کنندن مضاربه نامیه تجاری تمام



معمول قدن صکره قراونزارع احبابی اغنیایی ومنتظم الحال رعایایی احضارایدوب سزده  
 صالحم محمدك سلم آنچه سی و مال میری بقیه سی و فلان فلان دیوانه ییلدوکی کی  
 حقایق بوارالقدابا ایدنلری مو آخذة ایدوب من صالحمك مالی ییوب بر الای  
 ایسا مه غدرایتك استر سن بره طمعکار ظالم سنك حققدن کلنك کرکدر دیو  
 مغلطه ایلد متهم ایدوب اوند حبسنه و یروپ بالغامبالغ چریه سن آلوردی حتی اعیان  
 حلبدن بری نقل ایدوب بنم صالحم ایلد بر حبه علاقه م یو غکن طو توب سنه سکرینك  
 غروش مال مضاربیه سی واریس دیب حکم ایدکده ائکده دوستوب سلطانم ابکی ییک  
 غروش ویره حکم واردر زیاده دکلدر احسان ایلد دیوب بعد الا نکارمو آخذم خوفندن  
 ضروری اقرارایتدیکمه واریمدی گتخد ایلد سویاش دیو طشره یوللادی بعد النزاع  
 والجدال خواه و ناخوله دوزت ییک غروش می الدیلر خوفلرندن بر فردضو یلکه قادر اولیوب  
 هر نه بیورر سه صدق الا میره ضمو نجه اولیله در سوز سزکدر خلق حقنه راضی دکلدر  
 دیرلر ایدی حلبه ابشیرك اوچموزا بچ اوغلانی یوز قدر قطار واسکمه صاحبی امر اقدردارات  
 واحشنامه مالک اغا نامه ولایت یقینسی و صاروجه سکبان و پیاده ایکموز قدر بپراغی  
 واریدی که خدمته کیدین ادا ناغاسی و اردوغی قضادن دورت بش کیسه المد قجه کلزوانی  
 دخی بکنزدی و بوجه ایلد پاشا حاضر تلری صلاح و تقوی دعواسنه اولوب خمس و اشین  
 کونلری صائم و هر کجه ثلث اخیره محمد و عباداته قائم حریر لباس کیمز التوز خاتم و قوشاق  
 وساعت طاقن دغان ایچن یاننده مذموم قهوه میرنه اسحق سوداچر لر دی داغما یلایض یوزتالیر  
 کیوه مشایخانه طرز کوستر زدی انجق سواد خواناغه قادر اولوب نهها مجلسلرند توارنج طبری  
 و سلف صالحین حکایه لری اوقدوب دیکار و تحزن و تحشیع ایلد اغلو و قیامتیه حاملر نجه اولور  
 دیو مصنع کره لر ایدردی اگر چه عاقل ولیب اولان بونوه ظلم و تعدی ایلد تصوف و زهدك  
 مناسبی ندرد یونجب ایدر لر لکن بونله بر ملا حظه خفی و سر د قیق وارد که حلب ایالتی ابشیر  
 پاشا زمانی کوردوکی جوری بروقتنه کورمش و انك الدینی مالی یروالی المامشیمکن اول عصر دن  
 قلمه بعض اختیار لو کو یاد کر منده صقال اغر تمس امور دیدنه کبار نامه یاد کار لر کورد کاری  
 وچکد کاری جور و ضررک اجینسی اوندوب ابشیر پاشا کندوسی اولیادن یلکه متصرف  
 اقطاب مرتبه سنده اتقیدان ایدی دیرلر اتباعی رامز ایدی کندونك ظلمه ضایعی یوق  
 ایدی او این و اشراق قیلر صائم و تونون ایچمز صلاح و عباداته مداوم ایدی آباعنی  
 برای مصاحت صیانت نفس ایچون صقلاردی بهی جامه له کور تیمور کی طار جیلرک بیلد  
 اردوسنه قطب الاقطاب بیلد ایش کاه اسکچی صورتنه کاه دوه جی و اشعی صورتنه  
 فلان شیخ فلان ولی کورمش یا بشیر بوقدر صلاح ایلد صاحب کرامت اولق بعید میدر  
 دیو مالایعنی سویلیوب ابشیر اسناد کرامت دعواسنه دوشمشلرالا عوام عربستاندن  
 قتی چوق حمالایفهم آبا و امهاتندن استماعله بواعثکاده درلر امدی ارباب بصیرته  
 خفی دکلدر که شارع علیه السلام طریقه ائقند او اثر شریفنه اقتفاده مرتبه نواند  
 خطیه وارد که صورت صلاحدن کورینوب حیل ظلمی ایلد عالمی تحریب ایدن حاکم

مرایینك بیلد فساد اتنی صلاح ایلد توجیه و قیایحی حسن تعبیر ایلد تأویل ایدر لر تصنیع  
 و تقلید احبابه یو مرتبه حسن ظن مقرر اولیحق فی الحقیقه ورع و تقوی اربابنه  
 قلوب ناسك انجذ ابی نه وجهله اولق کرکدر ملا حظه ییدر رجعتالی ماکنافیه  
 مقدماتر خو بنی پاشا و یوزدرویش پاشا قیودان ایکن ابشیر ایلد قدیمی دوستلغنه بنه  
 درویش پاشا بر نصیحت نامه یازوب حلب منصبك تحملندن افزون لوندات  
 و توابعکروار ایدیکی بو طرفه شایع درحالا پادشاهمز نجابت ایلد کمال فراسته بالغ  
 اولوب تیقظ و انتباه اوزن درلر بونله دکلدر روزرا خوفندن احتیاط ایچوندردیو عذر  
 ایدر دیکتر شمیدی اول محذور وارد دکلدر نامکتر یو یوزدن سویانك هیچ مناسب  
 دکلدر معقولی بودر که تفریق حشرات ایدوب سائر روزرا کی دایره اعتدال  
 و انقیاده مستریخ اوله سن سزده محبت قدیمه مز اولمغله اسانه کلد یکنگری معقول  
 کور میوب خیر خواهلر یوزندن مراد نصیحتدردیو ییلدرمش ایدی اولدخی جوابده  
 سزرم بابا مز سز سزری حق مزده غدر ایلد متهم ایتمز زیور دیغکر جمله ککرچکدر اما بابازه  
 حسن وقعه سنندن برو کلان وزرازه سو قصد دن خالی اولمیوب بزه خروج مهمتن  
 اسناد ایتیکله اعدامزی مراد ایتد کاری جمله نك معلومید رکوز کون اعدایه تسلیم  
 گریبان ایتك و ناحق یه اولمك کو چدر باش قورتر مق ایچون بوقدر آدم اوزر یزده  
 مجتمع اولمشدر انلرک دخی هر بری تفای اعدایله معرض قتله کلکله خوفلرندن یانمزه کلوب  
 تحلیص جان ایچون اجتماع ایتمشدر دیو کیفته مستوحش اولان عسکر تفریق قبول  
 ایتمز لر نهایت مکر سز صاحب صدر و مالک خاتم اولاسز سزده اعتماد مز مقرر در اول وقت  
 عسکری طاعتق مراد ایدر سکر طاعتق در کل دیر سکر و ایدر زهر نه فرمان ایدر سکر  
 انقیاد اوزن اولور زوالا شمیدی اسلشعار یز و ایدکن ممکن دکلدر دیو یازمش ایدی چون  
 حالادرویش پاشا و یز اولدی یو مکاتبات و مجاوباته مبنی ابشیر مکتوب یازوب رضا کر  
 و اراپسه حلبی اخره توجیه ایلد یوغیسه اوزر یکرده قالسون ککدی کتر آستانه یه  
 کلکله مسارعت و عتبه علیه پادشاهی یه روعال ایلد مراسم عبودیتی تجدید و دخواهلرک  
 اراجیفنی ابطال ایدن ک صدق و استقامت معامله سنی نایید ایدن سز دیو عشو سابقه  
 شاء استانبوله دعوت و سورسور و زلف ایچون بشیر موصلت ایلدی فامع سواد  
 جهان پوردستان سام قولنجه ابشیر پاشایه اعتماد کلیموب درویش پاشا نك کندویه  
 حقیقی محبتن ییلور کن کمال حزم و احتیاطندن ناشی بونوازش مردم قریب ایلد متخضع  
 اولمیوب لیت و لعل ایلد نسو یف و نوبتی متضمن جوابلر ککوندردی دفتر ادمونلی  
 تدارک و تکمیل مو اجبه ید طولای کوستر و بوجه ییلدن پروسیاهی یه بلوکاری  
 کجاینبی دور ایتدر لکه امکان اولمیوب بر علوفه زمانی دخی کلد ککده نجه سنك  
 علوفه سی باقی قلو ردی دلا دفترداز مز یوراشبور حج مواجینی تمام دور ایتدردی  
 و وزیرک چراغی ایکن انك مقام رضا سنه اولمیوب نوظهورو متحرک آدم اولمغله اندر و نه  
 انتساب ایچون هدایا و خفیه صره و یروپ حاملر یید ایلد یکه وزیر اختیار آدم اولمغله



رجال اولور سه انك مقامنه كچمكه حاضر انوب خيالنه افند بنك رينه مقهي  
اولدی رشتی واستعدادنی پادشاهه بیلدرسونلردی یاندرون جاننه بیل عبودیتلو  
ایدوب موجب اخرجندن و سائر خصوصاً بیل مقدورایدی بوشاده پادشاه  
هالینا برادرلری شهرزاده سلطان سلیمان و شهرزاده سلطان احمدی سراینه واقع  
چشمیر لکله حبس ایدوب کندی ولزی اسکندار باچچه سنه کندی غالباً وزیر شهید  
اسناد ایتدکلری اسناد اجلاس تمثیلدن نشأت ایتک کرکدر بوشاده دفتر دار سابق  
صاری علی افندی دامادی احمد خلیفه سبکسر لکندن ناشی ابراهیم خان زاده او طه سنه  
لاله بختی ایدرکن موندی دفتر دارک ظهوری و این ییلدن بروقره مصطفی پاشا مرحوم  
زمانندن برو اولماشیمکن زمان قلیلده سیاه علوفه سن دورایتدر دیککی ذکر اولند قه  
احمد افندی اغاز خفت ایدوب التمش الی ویدی خدمتترین صا توب مالترین  
پیشین آلدقندن صکره علوفه دورایتدر مکر ره نمیدرسته دفتر دار اولسم بوطریق ایله  
دورایتدر دم هتزی واریسه حاضر حلوا مثابه سنه اولان سنین آینه یه دکیوب رأی  
حکیمانیه ایله اچچه پیدا ایدوب دورایتدر سون دیدی علمادن صنعی زاده اول مجلسه  
حاضر ایش قالقوب وزیر واروب التمش الی ویدی سنه لرینک خدماتی صا تلبی  
واقعه میدر دیدکده تقوده اقرب اولنلری صا تلبی محقق ایکن وزیر افتضا حدن  
قور قوب انکار ایدیک یا بومقوله اکاذیب خلق بیننده سویانک رومیدر سفینه شویله  
دیددی دیو نقل ایتدکده وزیر دفتر داری پاغروب افاده و دفتر دار مزبور ی اولدن دخی  
سومز ایش قبریست دفتر دار لغنی فرمان ایله توجیه ایتدروب بر سفینه یه قویوب دفتر دارلق  
فامیله قبریسه نفی ایتدردی دیل اسن باش اسن غریبه جمادی الاخره اوسطنده اولان  
اموردنرکه رومیه شیخی مرحومک خواهر زاده سی شیخ محمد نام صاحب کسسه استانبوله  
کلوب خلوت واربعتن چیه قاروب اول اشناسنده کندی ویه کشف اولان اموردن اولق زعمیله  
تقیب الاشراق سیرک زاده عبدالرحمن افندی یه واروب بوسوزه مأمور اولمشو که دین و دولت  
خرابه یو زطوتوب مسلمانلر محنتده قالدوغنه سبب شرع شریف ترک اولنوب امره  
عورات مدار امور اولدوغیدر مادامکه والد سلطان و اتباعی تمشیت امون مدخله ایدرلر  
فته و فساد چوغالور کرک اولان بودرکه والد سلطان برآدمه تزویج و سرای همایوندن  
اخراج ایدلردیو ابرام ایتدکده عبدالرحمن افندی وزیر ایله خبرلشوب شیخه ننبهلو  
و عاقبت یویله بی معنی سوزلر سوبله صکره ضرر چکر سن دیو ردع اولند قچه مفید  
اولیوب مأمور دیو معمر اولیحق بیورلدی ایله شیخ دیوله اولمشدر اختلال عقلنه  
هلاج اولنجه دارالشفایه وضع اولنسون دیو سالیما نیه بیمار خانه سنه قودیلر اولدوغی  
بحره بی اول کون خدای و اخوان و احد قاسی بساط لطیف ایله دوستیوب احباسندن  
کوندلر قاج طبله تفایس طعام کلوب زواری واروب بولسورلردی کندیو غا زنده زنجیر  
حق سوز سوبلر یکمراچون زنجیری بو غا زنده طاق دیلر دیکدن غیری جنونه متعلق بر  
وضع صدور ایتدی اما خلق اراجیف و کفتمکویه هانه استرلر بیمار خانه یه بر شیخ قونش

شیخ ایدلم دیو کروه واروب قضیه یه واقف اولد قلندر هر بر عقل مقضی مقتضا ستمه  
سویلیوب واه واه استه حق سویلین بویله اولور شیخ الهک امری بیورمش یا والد تزویج  
اولنسه نه اولور دخی بو که بکر خلطیات ککتر تنه سبب اولد یغیون وزیر شیخی بیمار  
خانه دن چیه قاروب ولا یثنه یو لادی والدلر حقنه تزویج جوازی سویلینلر مراسم دولت  
حسینجه امکافی وارمیدر اولدوغی صورته دولت علیه به منافع و مضار دن ملا حظه یه  
کلن وجوهاتی فکر ایتلر اولدولتک ایتداسندن برو سلاطین عظام والد لرینک حقوقنه  
توجهله قیام ایدلر کلدکلری آداب ملوکانه بی بیلرلر حق بودرکه سلطنت عظمی و مهید  
علیامقا لرینک قدر حرمتن بلینلر وصیانت ناموس دولت و حد نجه هر رتبه نکر نکره  
وتعززی نیه مربوط ایدوکنی اکلیانلر مزاج وقت و طبع نظامی نخل بعض خصوصک ضرری  
ندر یغیون شویله اولتر دین فکر سزلردنم یانعه دیار بکرلی شیخ مزبور کی بیمار خانه یه  
لایقدر شیخ مزبور مقوله سی مدعیانر نفسنه مکاشف ایه لده مأوریت دعوا سنه  
اولد قاری صورته قلبنه لایح اولان معانی غیبیه یه دواعی نفسیه ایله ملتبس کشف  
ناقص نسیمه ایدلر یو لرکه نفس الامر نامطابق قدر تنه کیم فتو حائده مکاشفات اولیانک  
تفصیلی محله مسطور در احراق جمادی الاخره نکر یکر مخی احد کیمه سی یدنجی ساعت  
اودون قیوسی خارجنده باش خانه دن آتش ظهور ایدوب بخوره صغریه دك سیره خانه  
ویش اسکله سی وکتانچیلر و زندان قیوسی خارجنده جمله دکانین و حصیر اسکله سی  
یا قوب جمله چنچیلر تا ککیر ایه انبارنه وارنجه محترق اولوب میدانده غزویلر ایله  
طوران پرنج و حبوباتی اصحابی سفینه لرینه چکوب الارغه ایتکله قور تاروب دکانین  
محر نلرده بولنان جمله یانوب حبه قور تلمادی انی چلبی جامعی و محکمه سی و عار طاق  
و خارج سورده اولان با جمله نابود اولدی بو قدر پرنج و ذخایر ایش ایکن بامر الله  
سفینه لر ککله ینه علی العاده اعلی پرنج قرق اچچه یه رابکن صا تیلوردی قاما مرجک  
بولنیموب کیله سی ایکی غروشته دك صا تلبی غریبندر صدر اعظم درویش پاشا  
بو بازار کونی قادر غه لمانده اولان سرایدن کو چوب ملک احمد پاشا اولدوغی ارسلان  
خانه اردنه بیر ام پاشا سراینه نقل ایدوب قرار ایددی مقد ما کورجی پاشانک وزارت  
مور پاشا لغنه رشوت ایله نائل اولان ظلمه دن کورد احمد پاشا مونیله واروب طر ایاچچه یه  
محصل اولان قیوچی باشی اوزون یوسف ایله ولایته دخول قصد ایتدکده انده متمکن عمال  
ذی قوتدن خلیل اغا نام بر آخر ظالم مانع اولوب لوند جمع ایدوب پاشا اوزون یوسف  
قارشو قودقه بعد المقابله منهنرم واخذ اولند قده پاشا دیوان ایدوب بش اون سنه دن  
برومون مفتیشی اولان اوزون ابراهیم که اصلنده مور مزور لندندر کتوروب خلیل  
اغانکر عایا یه ظالمین اخبار و عرض و حجت یازوب اوزون یوسف مزبورک محاسبه سن  
الوب آستانه یه کوندن سز دیو ویریلان امری ابراز ایتدکده پاشا مزبور خلیل قورنداشیله  
حسینه آلنوب اول کیمه اکسین دخی بوغوب ما ملکرین قبض و مبطلرین چار شویه  
القا ایلدی مقتول خلیلک بر فریداشی آستانه یه کلوب همزبانلر یه وزیر و مفتی حضورند



پاشا دن واوزون يوسف دن وقاضی اوزون ابراهيم دن شكوى ايدوب ميترك كوكسارينه  
 حاج جزديلر وناحق يولدر ديلر وعمارجه لري عورثلر يتره تسليط وارثكاف بخش عظيم  
 اينديلر ديو فر ياد ايند كاه مزبور لك ظلملري اشهر اولمغيں احمد پاشاقويو جيلر او طه سنده  
 ظالم يوسف دفتر دارده مجبوس اولدى وقاضى ابراهيم دخی شكایت خوفندن قبل الاحضار  
 استانبول له جان اتوب شيخانه هيمت ايله عبا پوش چقه كلدی قتل بوياجی حسين مزبور  
 قيوچی ايكن خد متار وجوده كتورمكين قيو جيلر كنج داسي اولمشيدى بعد مغضوب با كوله  
 سنجاغنه آتيلوب بعد ينه كاوب قيوچی با شيلق ناميله بوسال صره اميني اولمشيدى  
 نفسنده واجب القتل خبيث ظالم اولوب بمبا شرت قتل فراوان ايدى بدل جعنه  
 چيققد قيه عالمي بر باد ايدوب ار لري بولمسه عورثلري بيله زنجيره اوروب ذكور وانا ثامت  
 مري زنجير ده كتر دير دى حال مفتي افنديك لساندن مورخ استماع ايتمشكه ظالم  
 مزبور لك زنجير ده اولان عورثلر دن بعضيسى اول محنته تحمل ايدميدوب جان وبردكه  
 مينك كردنى زنجير دن تخلص ايجون كاپد مفتاحنى خد متكار لري استيوب ملعون  
 جانلري چقسون ديو اولوي بيله طاشيوب معذب اولسونلر كه انچه ني نيز ويره لر ديري دى  
 خدامى بالضرور ميمته عورثك باشى كسوب جته سنى زنجير دن اوله چيقا رر لر دى ديو  
 ثقاتدن استمد كرين نقل ايدر لر ايش بويقينه خود سابقا مقبول اولان ابراهيم افنديك  
 منزلن الوب قنوات مسلينك صوبنى ملكا و وقفا غصب ايدوب حمانه وشادروانه  
 كتوب دوب احق پسند و ايله قريب اولوق ايجون طتلوق قيو مقابله سنده منزلى كوشه سنده  
 بر چشمه يا معغه دخی باشلش ايدى كويا كه احق طالمك چشمه يامه سى حير اتدن اولغله  
 عباد اللهك صوبنى غصب ايتديكنه د خل و اعتراض ايتيه لر صويك اصحابى مفتي يه  
 تشكى ايتدكلر نده چاغروب منع ونصح بيور دقه سلطانم عباد الله ايجون بن بر چشمه  
 ايجون الدم بر آلاى حريف اولدنده اولقدرده صوبى نيلر لر صو عباد الله ايجون دكليدر  
 ديو جاهلانه جواب ويردكه منلا غصبه كلوب بره هي اصلاح خلقك شيمى ايله خير ايتي  
 او او ر عباد الله صوبنه تعرض ايتيه يوشسه سن ييلور سن ديو ازار ايلديلر متنبه اولدي  
 حكمت خدا حالا قتلنه خاطر ه كلز رسب حدود ايله كيفيتي بوكه بوندن اسبق انا طولى  
 زعما سندن برى فوت اولوب صبى اوغلى آستانه يه كاوب پادشاهه عرض حال ويردكه  
 نادشاه خط ايله اول صبى يه باباسى زعامتنى احسان ايتمشلر ايش بعد شهيد ترخوي  
 پاشا وز يرايكن بوياجى اول زعامتى استيوب براوشا قله در سفره و خدمته قادر دكل يكا  
 احسان ايلك ديمسيله بعد المانع بر طريقه ورمشيدى حالا اول صبى كاوب اسكد ارده  
 پادشاه چامعه چيقركن رفع زقعه ايدى پادشاه بچا نست سن وسال مناسبتيله اول  
 كودكي ناظر نده بواو غلا بحق بن زعامت ويرد يك چرام دكلى ديومر ادين صورت قيه  
 دل پادشاهم بواو غلان اودر زعامتنى بوياجى ديدكلري ظالم الوب غدر ايتش ديو خبر ويردكلر نده  
 بى توقف وزيره بر خط يازوب شمدى بوياجى حسنى قتل ايدم سن وزعامتنى يته صبى يه  
 احسان ايلدم ويره سن ديو قهرمان اينديلر وزير درويش پاشا بوياجى يي چاغرتدى

كلدكه خوش كلك ديو قوده اذن ووروب عباد اللهك صوبنه تعرض ايتيه ضرر  
 چكر سن ديو نصيحت كونه سوز ايله اغفال اولدخى وانيم سلطانم يوللرينى بوزوب فراغت  
 ايدم ديو طشره چيققد قيه عقبجه پاوش باشى يي قتلنه تعين ايلدى اردنجه  
 چيقوب سنى پادشاه طلب ايتش ديو سراى هما يونه كتور دى بعد العصر ايدى  
 قيو جيلر او طه سنده حبس و قتل ايجون ويريلان فرماني كوستر دكه صلوة عصرى  
 قلدرد ديو ايدست الوب نماز قيلوب استغفار يانس ايله قبله يه متوجه وتسلیم اولدى  
 جلادلر بو غوب ميثنى باب هما يون پيشكاهنه القا اينديلر جمله ماملكى ميرى يه قبض  
 اولنوب بر كوچك اوغلى وارايدى حرم هما يونه الندی كذ لك بوياجى حسنه مانند  
 ملا عين طيله دن قره شا طرفا جر كه بوده بدل جعنه مزبور بوييغت ايدوب كندو  
 قسطنطينى آلاى بكيلى اولغله قسطنطينى كاترى اول حوالى سنجاقلرينى خراب ايتمشيدى  
 بو ائنده استانبولده بولمغيں اخذ و سياسه قتل اولنوب جزاسى و يرلدى سايقاجوان  
 قيوچی باشى مجد پاشا لك شاطر ل كنج افندن نشأت ايتش بر واجب القتل ايدى  
 رجبه سابقا مصوبنى باشى او چاق زور بالرينك مصالحتكند اري تورك عمر اغا كه بجه زمان  
 محتتى ايكن بعض كسسه لره رشوت ووروب ظهورينه لصاحه اذن صدور ايتدكه حماقتدن  
 ظهور ولا بالى او چاق اغا ليله كوريشور دى بر كون بعد العصر اغا قيو سنده دعوت  
 اولندى مكرور مزبوري چور باجى ايكن ييلوب نه مفسد خبيث اولدوغنى اكلامش ايدى  
 يكيچرى اغاسنه فرمان ووروب حيا دريا يه غرق ايتدر مسنى نيميه ايتمشلر ايش قيو يه  
 كلديكى ساعت بوزجه اطيه يه تقى ناميله آخور قيو سنده كوندروب لذن قايعه وضع  
 ايدوب وزيرك قصرى مقابله سنده كلدكه وزيرك كوزى قرشو سنده اللرين با غليوب  
 پلا حق دريا يه اتوب نابو دايئديلر خلفائى ميرى يه انوب خانه ينيكه سوخته موسى  
 منزليدر قيو جيلر كنج اسنه ويرلدى قتل خادم عبدالرحمن پاشا والى مصر جيك اون  
 برنجى سبت كوفى صره چيقوب بعد پاشاى مرقوم طرف پادشا هيدن دعوت اولنوب  
 وارد قله قتل اولندى تفصيلى عبرت انگيز ميثار اليه يولي ايله غزينه دار باشى بعد قيو  
 اغاسى الوب اول ائنده كه وقعه هائله سلطان ابراهيم خان ظهون گلشيدى كابدن رئيس  
 زاده مجد افندى مورخه نقل ايتش اولكونكه سلطان ابراهيمي خلع و محبس وضع ايتديلر  
 دورد بى كون ولى عهد تقلاب ايدوب وزير قوجه مجد پاشا ديو اندن كند و مسكنينه كلدكه  
 آتدن نزولى محله بحسب الا قضا ائمه حاضر ايتش در عقب بر قيه صقال قيوچى كه مزبور  
 عبدالرحمن پاشا لك بابالنى ايدى بر چاقويه بنش سر عثله كاوب وزيرك بك طاشندن دامن  
 الوب او يوب سلطانم قيو اغاسى دعا لر ايدر نيز كاوب بنش سى سلطان ابراهيم محسندن  
 يوشاندى ديدكه وز راندن ايتش ايكن دى حال ينه بنوب سراى هما يونه كال استعجال ايله عازم  
 اولدى ومفتي يه دخی استبحال ايجون خبر كوندروب وار دقلر نده قضاء سابق وجود بولدى  
 حتى حين قله جلاد قهره على ايلو فر ياد ايتدكه عبدالرحمن پاشا بر حليم توانا آدم ايدى جلاد  
 اكسه سى كوكنه يومرق ايله اوروب نيز بره ملعون ايشك كورد يور ارام ايتدكه قهره على يومرق



نشدن یوزی قونی زمینه قیاموردی صکره وزارت ایله طشوره چیقوت چلی کتخا انکه  
 اللی کیسه وسائر ریه رشتوت و یروب او چیوز کیسه مال بدل ایتمه که مصر ایالتن آتش ایدی  
 بعد الصد ان قتل اولنان ترخوچی پاشانک اوزرینه مصره وارد قله طمع یلا سیله محاسبه ده  
 جور ایتدی احمد پاشا طوغری حسابنه راضی اولوب دفترو بیحد مخلولات کوستر دکده  
 حقه قائل اولوب مصادره مراد ایلدی احمد پاشا دفترو لم بودر واروب آستانه ده حجام  
 کوررم دیو مقابله ایتدی عبدالرحمن پاشا طلب مال مصر اولدی کیده رک یمنلر ده یمنازه  
 سببیه برودت و شقاق دوشوب آخر مجلسلر ده عبدالرحمن پاشا حدی تجاوز لیدوب  
 بودولتک حالی نیجه مختل اولسونکه سنک کبی غیطان باشلی سپاهی به وزارت و یروب  
 ملک مصری اینانورل دیو احمد پاشایه طعن ایتد که اولدخی جوانده سپاه پادشاهک  
 خالص قوللریدر سپاه او چاغندن امر اووزرا ظهور اید کلسدر اما نظام دولت مغل اولان  
 جنابه نرماندی ناقصه العقل مثابه سند بی خیاری وزیر ایتد کدرید که عبدالرحمن پاشا  
 چونکه بالفعل حاکم در نفوذ انک کلامنه در غضبه کلوب احمد پاشایه قالدروب حبس  
 ایدوب جمله ماملکن آلوب عربان و حقیر آستانه یه یوللادی و محبوس ایکن اوزرینه وافر  
 مال دخی بندروب حجت و دفتربی آستانه یه کوندردی اول حجت و دفتربلا سی ایدیکه احمد  
 پاشا کرچی پاشا زمانی سوال وجوابه ویدی قله حبسنه بعد نفیه کرفتار اولدی حکمت  
 خدا احمد پاشا وزیر اولد قله ابتدا مصری خاصکی محمد پاشایه و یروب عبدالرحمن پاشانک  
 عجاله آستانه یه کلسیچون امر کوندروب اخذ انتقام سودا سندن ایدی عبدالرحمن پاشا  
 احمد پاشانک صدارتن ایشند که عقل کیدوب یت چوید کردی مشوایمن زافات  
 بدی رلد بود آخر مکافات مضمونجه اکالایدیکی غدر و اهانتک مجازاتی خوفنه دوشندی  
 خاصکی محمد پاشا حدود شامه حسته لنوب منسلی مصره کلد که جمله اتف اقیله  
 عبدالرحمن پاشایه یوسف کوشکنه ایندر دیلر مذاقی سلیمان افندی که صکره کوپرلی  
 زاده فاضل احمد پاشایه تذکره چی اولمشدر اول وقت دیوان افندیسی ایمش عبدالرحمن  
 پاشا کمال حزن و غمندن مزبور خطاب ایدوب افندی اسلامه مصر و الیلری یومقامه  
 ترسم اولند قچه کاتیلری و سوزا کلار آدملی حاله مناسب برشی یلنوب نظم و نثر ایله در  
 و دیواری تحشیه ایتمشلر سندن خی حاله مناسب سوبیلوب شودیوان یازد یمش اولدخی بالبداهه  
 بویکی یتیی یازمش نظم غم دولت ایچون عزیزان مصره مناسب دکل اضطراب نأسف  
 مذاقی ازندن بودر حال عالم کهی تحت یوسف کهی قصر یوسف چون عبدالرحمن  
 پاشانک هنوز اجل کلیوب بر قاج کونلک عمری واریش حبس اولند و غی کوندن  
 برهفته صکره کندی انک آستانه یه عجاله کتمسی باند صد و ایدن امر شریف مصره واروب  
 قیو کتخا سندن و احباسندن مکتوبلر کلدیکه وزیرک حسن همتی وارد سرزی عجاله  
 طلب ایتسی خیر محمد را کلمیوب کله سزد یمش مصر لیلر و متسلم جدید ممانعت  
 ایدوب میوب عبدالرحمن پاشا آلای و انشامی ایله کادخل الی مصر او یاجه اعزاز و توقیر ایله  
 همان اول کونک ایرتسی چیقوب استانبوله متوجه اولدی برهفته دنه صکره زیاده صادق پر

دوشستند مکتوب کلوب یازمشکه سر مصرده احمد پاشایه نه اشد یکنگری ییلور سز  
 یوز مبطن آدمدر صور تاسره محبت عرض اید یورلکن صاحب البیت ادری بالندی فیه  
 مضمونجه قضیه سابقه خاطر یکردن کتخا مشدر اخذ انتقام مقرر در ایاق سور و یوب وقت  
 یگون سز اوله که برلطیفه غنیمیه ظهور ایلیه بویله اوزر یکردن مند قله اوله دیو نصیحت ایلش  
 عبد الرحمن پاشا اولدن دخی خواب و راحت ترک ایتشیدی بالکلیه مستشعر اولوب  
 مصر دن بروایکی اوج ساعت یور یوب بر قصبه و شهره کلد که کاه انحراف مزاج کاه  
 خیری بهانه ایله بر قاج کون اوتراق ایدوب یقدم رجلا و یوخر اخری کال بطاوت اوزر  
 کلکدن بره باند ایسه وزیرک کوزی یوللر ده نه زمان کوردی انتظار ایله هفته ده بر اولاق و مکتوب  
 کوندروب نم قنداش عزیزم نیچون عاجلا کلز سز سز خیر محضه متعلق عنایت  
 عسروانی مصمدر دیو یازاردی تاکه قونیه یه یاقلشدی غیری ایلر و جرأت ایدوب میوب چارک  
 ابتدا ظهوری وقتی ایدی قونیه ده اتلرین چارلتمق بهانه سنی تدارک ایدوب اتباعی اولان  
 اغار که پاشانک موت و حیات یانلر ده مساوی برکون اول استانبوله وارسق یور منصبه  
 قائل اولور سه نه کوزل اولتر سه قویروغن دوکوب بر آخینه طاقلسق دیو ایرویه جان  
 اتن مقله چی اصلا حقاری به بام یوکید نیچون کتزدیو هر کون کتک و ایدر لردی  
 پاشا قونیه یارینه کله جکی کون صد اقت امید ایتدیکی اندرون و بیرون اغاری و باوک  
 پاشیلردن بعضیلرین تنه پاشا غروب وزیرک کندویه سو قصبه یی و ماجرای ییلد یروب  
 یاو انجه یا نجات بولجه بی بکلمر میسر دید کلرند بعضیلری راضی اولوب الی انقراض  
 العمر اغورند سنی ایتمه نعهد ایلدی قونیه التمه وارد قله دیوان ایدوب جمله اتباع  
 واغوات ولیدات و ساری قارشوسنه چاغروب بن یوربع فصلندن اتلریمی بوند چایره  
 قویوب استانبوله کتم بعد پادشاهمه احوالتری عرض ایدوب یار منصب یا تقاعد رجا  
 ایدرم بی بوند بکلین بکلمر المدن کلن رعایتی ایدرم یکلمیوب کتک عجله ایدن وارسون  
 صاغلق ایله بدن اذندر دید که اول معاهده ایدنلردن ماعداسی اتک او یوب انصرافه  
 اذن الدیاردخی بعضیلری قالوب اسکی توبعه منضم اولدیلر چون دیرندی عسکر  
 طاغیلوب منتخب امکدار و اصد قاقالیدی پاشا اول فلانلر ایله عهد لشوب ایمان غلاظ  
 ایتدر دکد نصکره نقد ایکوز اللی بیگ سکه حسنه التونی واریش ایکیشرا اوچو  
 بیگ بشراوزر بیگ کر و کو مالک دکر یوب حاضر ایتش اول صد اکتکار اغارک هر برته  
 توزیع ایلدیکه نم اوغلم او شام یوقدر اگر بی قتل ایدر لر سه بوالتونلر سزک اولسون  
 روحی خیراتدن فراموش ایتک اگر صاغ استانبوله واروب یوقضایی دفع ایدر سم جمله  
 بوماللری باکه ویر سزینده لایق اولان احسانی ایدوب مدة العمر اوغلم و قنداشم کبی  
 سز رعایت و چراغ ایدرم دیو قول و قرار ایتدیلر و یوز کیسه لک التون خزینه دارند  
 غر خلق یقویوب قصوری نفسندن معتمد و محرب اولان خدام و اغواته توزیع اولندی  
 وقونیه ده اتلری چایره وضع ایدوب بر مفرح یره اوتا غنی قوروب کیجه و کوندز  
 مذاقی وقونیه اعیان و سوزا کلر اغار ایله محبت و عشرته مشغول اولوب آستانه



طر فتنن آینه ظهور اید دیو قولا قیاس اردوب هزار و ستونیه ایله انتظارده ایدی  
 برکون ناکاه علی المحری بر تاتار کلوب سرعتله اوتاغه کیروب هموز باشا خواب صبوحیه  
 ایکن قالدیروب قیو کتخد اسندن کتوردیکی مکتوبی اننه ویردی پادشاه احمد پاشای قتل  
 ایدوب درویش پاشای وزیر ایدی دیو یازمش و تیز ایش دیو تاتاره برکیسه مرده اقرار یله  
 یوللا مش تاتار یوللا رده ایکی بار کیر چاتلدوب ایکی کون اوج کیچه ده قونیه به کلس  
 بیت دل نهادن پر جفای دشمنان خون خوردنست خصم رادین چو خاک افتاده جان  
 پروردنست مضمونجه عبد الرحمن پاشایه سرور و امنیت قلب و نشاط حاصل اولوب مذاقی  
 و سائرند ما و اتباعی چاغروب قضیه بی یلدر دکن مصائب قوم عند قوم فوائد خواستجه  
 اندر دخی فرط حبور ایلر مسرور اولد بلر پاشا طعام اوزرنده مذاقی به خطاب ایدوب انصاف  
 یوزندن بهی افندی مرحوم احمد پاشا اگر چه بزه عداوت اوزن ایدی لکن حق عاجد رکه قتلی  
 استمزد م الله عظیم الشانیدن عزلی استر دمکه کند و ایلر رویر و اولد قده بزه ایلدیکنز سو  
 قصد لایق می ایدی بزم جرمنزه ایدی دیو استدیکم کی عتبه امکان اوله ایدی دیدکده مذاقی  
 بهی سلطان نیچون بویه بیورر سز دوشمنک دیرسی ایله سویاشمکدن ایسه اولوسی ایله  
 سویاشمک یکدر قالد احمد حفظ ربانی سلطانمی صیانت ایلدی خوفزدن جانمراغز مژه  
 کشیدی قورتران اللهه چوق شکر دیو مزاج کیر لک قاعده سخته وافر مد اهنه ل ایلدی  
 حاصل کلام بازچجه چرخ غداردن غافل عبدالرحمن پاشا متوهم اولد و غی قضادن  
 زوال خصم ایله نجات بولدم دیو فرحناک اولوب بیت پیش و پس اوراق خزان نیم  
 نفس نیست خوش دل چون بعمر خود مرکد کرائی مفهومی اوزن دشمن عداوتدیکی  
 وزیر جدیدک اللهه قریب مقتول اوله جفای بیلمیوب فرط سرورندن کویا که عید  
 ایندی کان تاتان موعود برکیسه بی و یروب اتباعنه توزیع ایندیکی فلوری پیر اهنلرینی  
 و کمرلرینی جمله آلوب حاللر نجه احسان ایله صد اقلرینه مکافات ایلدی و ایرتسی کین کوچ  
 ایدوب استانبوله توجه ایلدی و جمادی الاخره ده استانبوله کلوب تیمور قیونک قرینه  
 اولان سرایه نزول وزیر و پادشاهه بواشوب هدایاسن ویردی و دیوانه واروب  
 قبه نشین اولمقلقی وزیر سویلدکن طشره منصبه کتکران سب بوند او تور مرتزده باس  
 یوق معقول اولانه مساعده ایدر دین عاقلانه جواب ویردی چون افر اطغنا مطلق و کثرت  
 مال خارج از حد جسارت مویدیدر عبد الرحمن پاشا کند و مالی ایله تک دور میوب کثرت  
 مالنه اعتماد و قیو اغاغندن چقمق مناسبتی ایله حرم همایون مقربلرندن بعض همراز  
 معینلری بولمغین صد ارته عمل ایدوب مهر کندیه ویرلکه پادشاهه بشپوز و والیه یوزکیسه  
 عرض ایلدی بولوق ایتسه حال معلوم خزینه ده مضایقه مقرر مزبور ک قیو کتخد لری بو  
 خصم و صی والیه سلطانیه تبلیغ ایتد کترند کوش قبوله قرین اولوب کونلم دیو جواب ویرمکه  
 قوت قریسه یه کلدی اما وزیر مزبور دن کمال استناده اوده اولمغین احوالی تجسس ایدی حرم  
 همایون جانبینه انجار ایچه سنی استنمام ایدوب لکن صدارت طلبنه چرات احتمال  
 ویرمز دی عبد الرحمن پاشا تک عقبه مصردن محاسبه دفتری کلوب ذمتند و افر مال اولمق

اوزن مسطور ایدی وزیر تادیب و کوشمال ایچون مصداقده عازم اولوب کندونی دعوت  
 ایلدی وزیر و دفتر دار عبد الرحمن پاشا بر او طه ده خلوت ایدوب دفتری چیقاروب  
 پاشا قنداش ذمتکرده شوقدر مال میری و ارتسایم خزینه ایتک کر کسز دیدکده انکار  
 ایلدی دفتر دار دفتری اننه الوب بهی سلطان اعظم مواددن بری فلان قدر جرایا که  
 پان تعبیر اولنور سلطان احمد پاشا ممسک وزیر او لمغله محلول دوشد کجه کسه یه  
 ویرمیوب شومقدار پان مجتمع اولمش سزک زمان حکومتکرده دخی شومقدار محلول  
 دوشمش بونک جمله سنی سز توجیه ایتمش سز دیدکده وزیر اعظم خطاب ایدوب بقه  
 پاشا مقابله توجیه ایدو غلک اموالی حالا پادشاهه ویرمک کر کسز دیدی عبد الرحمن  
 پاشا جواب بی معنی و یروب بن اول پان و جرایا تی مستحقینه مجانا ویردم مقابله سینه  
 پراچه آلدیم دیدی وزیر معامله لطیف ایدوب هله وار فکر ایله یو دفتر ک بکونی تمام اولن  
 ایسه ده نصیحتی مرتبه ویرمک کجه اولنر دیدکده مزبور نغند ایدوب نیم اچیم یو قدر زنه دن  
 ویریم دیوب بی روا قالدوب کتدیکندن وزیر ایله دفتر دار بونک وضع دکلر  
 دیوب پر خوشجه تفقد باشلدی بلر مزبورک عقلای اتباعی که حرم همایون جانبینه عمل  
 ایتد و کنی یلور لردی وزیرک طلب مال ایله تعجیزدن خوفه دوشوب کندویه دیدیلر که  
 سلطان صدر اعظم بیوک آدمدر در انلر ایله سویلش سز استثنای ایلدی نستر  
 و تحفظ ایچون بر مقدار مال فدا ایدوب بنی البته طشره مناصبک برینه کوندر دیو  
 پلوار مقید مجد و لکه شترندن امین اوله سز ماد امکه سز طلب منصب ایله انلری  
 اغفال ایدر سزایش مشکل اولور دیو هر سیاعت نصیح ویند ایدر لردی ایدر جک اولور دیو  
 وزیر و اردقده ینه قبه نشینک طلب ایدر دیو کتدی کجه مستثقل اولمغه باشلدی ساده  
 دل طواشی بلاهت و غیاوتدن ناشی حرم همایون طرفندن کلان وعدی نقدیلاوب  
 احوال روزگار دن غافل و راه پرده دن عاقلانه مصیحت کورمکه مبتدی و راجل اولمغین  
 یو امر عظیم طوبی و سز لرو و یوقدر اچیه وعدی ایله قوت قریسه یه کلان ایش و دخی و زلزله  
 زمنه دوشوب حرم همایون جانبینه مستعجلانه خبر لرو وزیر و دعوت ایله جوابلر کوندر مکه  
 سر رشته ویردی مقربان حضرت شهریاریدن بر موعین غلام خاصکی اصلند وزیرک  
 چراغی ایش قضیه دن خبر اولوب وزیر بر تذکره یازار افندم غافل نه طور رسن خادم  
 مهری آلدی دیو اعلام ماجرا ایدر کذا لک والیه سلطانک باش اغا سی دخی وزیرک  
 خیر خواهی ایش اولدخی واقف اولوب بو وجهله بر تذکره کوندر اول ساعت وزیر  
 تانخیص یازوب پادشاه عبد الرحمن پاشا لالا ذمتند حالا مصر مالندن ایکی ییک  
 کیسه واردر مصردن دفتر کلدی بوقدر کوندر دفتر دار قوللر یله طلب ایدر زور مکه  
 صناد و مخالف ایدر مقتول احمد پاشا مانده محلول دوشن جرایا بی صاندی اچیه سن  
 استر زین انلری مجانا مستحقینه ویردم مقابله سینه اچیه آلدیم حالا پراچه یه مالک  
 دکلر دیوب مال میری بی کتم و عناد ایدر یورسین سابقه دن شوقدر قول زیاده ایدوب  
 خزینه یه مضایقه ویردیکنی تهمت ادراک ایتمیوب مستحقینه مجانا محلول ویردم دیو



جواب ایدر و مرعوم والد جنت مکان سلطان ابراهیم متعین قائل گردن اولوب اولوقت  
 قیو اغاسی بوانغله بنفسه قتله مباشر اولدی الان سلطان شهیدک خون ناحق ايله اوده  
 اولان قفتانی صندوقه سنه تیرک زعمیله صاقلیوب بعض معاشرلینه اظهار اختیارلیند وکی  
 مقرر در اول ایام فترت اموال عظیمه اکتفا ایدوب طشره جقد قله پادشا همک تیغ  
 قهریله جزالین بولان اوصاف اغالینه بر قاجیوز کیسه ویرمکه بلا استحقاق مصری  
 انلرک تغلی ايله تحصیل ایتدوکی معلوم همایونلیر مصرده دخی خزینیه کلی ضرر  
 اولوب حالا یوقدریشک غروش میرییه مدین ایکن دینتی ویرمیوب مهر ایچون پادشاهمه  
 بشیموز کیسه عرض ایلش دیو ککند ولسانند ن شیعوب بولشد بومقولاتی و بی عقل  
 کسینه بی حاشاکه پادشاهمه خدمت شریفارینه لایق کون لر زور بالق وادیسندن  
 ظهور ایتش بونک کی فساد مائل کسه یه رخصت ویرلک شمنده نجه محذورات  
 وارد تقلیب دولته آلتش خیانت ولی النعمه مألوف اولش بومقوله مجرتلرک الله  
 زمام امور تسلیم اولنق دکل وجودی ازاله اولنقد دولت علیه لینه منافع عظیمه مقرر در  
 قتل اولند قچه پادشاهمه اولان ایکی بیگ کیسه دینتی ویرمک احتقالی یوقدر نصح  
 ویندا یتکدن عاجز اولدق حقندن کلنوب جمله مالی طرف همایوندن اخذ اولنه دیو  
 عرض ایدوب کوندردی واولد سلطانیه بر تذکره یازوب نهم دولتوا فندم بر زور با  
 تا تمک مالی ورتبه عقل وادراکی ته اولسه کرکدر پادشاهمه ایکی بیگ کیسه دینی  
 واراکن بشن التی یوز کیسه سنه رغبت پیورلق رو امیدر طرف همایوندن روی دل  
 کورمکه دینتی ویرمکه عناد ایدوب بشن التی یوز کیسه عرض ایلند مهری السه  
 کرکدر دیو عرض دولتی تشهیر ایلدی کیمک مالی کیمه ویر یوقدر دینی واراکن تحصیل  
 اولنمیوب جزئی شی ايله مهری آلوب دخواهی اوزن خیانت شروع اینسه کرکدر  
 بونک معقولی قتل اولنوب جمله مالی قبض اولنقدردیو تفصیلا بیلدیروب مصردن  
 کلان دفتر ی دخی کوندردی ناخیس و تذکره ودفتر و صول بولد وخی ساعت قتل  
 ایلنه سن دیو ناخیسک اوزرینه خط یازلدی خط همایون کلد کیمه وزیر مستتر یچ اولوب  
 تکرار بر ناخیس دخی که مزبور چونکه وزراندنر حضور همایونه دعوت اولنوب جزاسی  
 انده ویرلک کرکدر دیو یازوب حاضر ایلدی و عبد الرحمن پاشایه آدم کوندروب چاغروب  
 کلد که یته کالاول رتبه سنه لازم کلان توقیری ایدوب پاشا قرینداش دمتکرده  
 اولان مال میری بی یچون نسایم ایتد بکر دیوب صورت عتاب کومستر دکه غافل  
 عبد الرحمن پاشا قضیه دن خبری یوق یته کالاول انکار ایدوب ته نهم ذممه مال میری  
 وارد رونه ویره جک بر اچم وارد دیو مغرورانه جواب ویردی وزیر بر زهر ناک چهره ايله پاشا  
 قرداش مهر طلمینه ایچریه مال عرض ایتکه اچه بولور سن بور چکی ویرمکه تعجب یوقدر  
 دیو عناد ایدر سن روی تمهید کومستر دیو یته اصلا منفعل اولنوب بزه افترا ایتش لایحه  
 یوقدر دیو عنادند مصر اولدی وزیر باش صاللیوب خوش ایددی مال پادشا هکدر  
 دپلر سه السونلر دیلر سه باغشله سونلر غیری یز قارشماز دیو سکوت ایتدی عبد الرحمن

پاشا وزیرک بوضع عجز ویا سنه حمل ایدوب قالقوب سراینه کتدی عبد الرحمن پاشا  
 کتدی کی کبی پادشاهم سرکتور دوب قتل ایدو سر دیو یاز دینی ناخیس وزیر ایچرو بوللادی  
 عبد الرحمن پاشا سراینه کلوب مذاقی وغیری ندیلر یله ماجرای در میان ایدوب ایچروده  
 مصاحبت سویاشن قیو کتخدا سنه تذکره یازوب قضیه نجه اولدی بومرتبه دنصکره  
 تاخیرک معناسی ندر وزیره حکایه منعکس اولش بوکون بزه سرزنش ایدوب عجز ویا س  
 علامتی کومستر دیو بوکون البته حصوله کلاکه سی لازمدر دیو با سوسیه کوندردی  
 اول جانبدن دخی جواب کلدیکه انشاء الله تعالی بوکون یارین ایش بتر الم حکمه سونلر  
 دیش بوخبرک وروند ندر بیت امور تفرح السفه منها و یحشی من عواقبها اللیب  
 فحوا سجنه عبد الرحمن پاشا ممنون و مسرور مجلسند اولان محرملرک عقلا سی ایا بوامر  
 محظورک عاقبتی نیه منجز اوله جقدردیو ظاهر اشادان و باطن متفکر و محزون مصباحیه  
 مشغول اولدیلر من عزته کواذب الامال جرته جواذب الالجال دقیقه سندن بی خبر عبد الرحمن  
 پاشا مطمئن خاطر آب و تاب ايله مصاحبت و بعض سرکد شتنی حضار حکایت ایدرکن  
 آنی کوردیلر که بوستانیانن قوز بکچی دید کلری بوستانی بر چاقونه بشن سرعتلر سرای  
 حولیسنه کیروب یوقارو جیقوب کلوب پاشانک اتکنی ایددی پاشانک اول آن چهره سی متغیر  
 اولوب ندراسکی بیلداش خیر اوله دید که خیر در سلطام سزری پادشاهمه ستر دید که باش  
 اوزرینه شمیدی واریرم دیوب بوستانی یه یوز غروش و چوقه و قاش ننبیه ایلدی بوستانی  
 احسانی آغله طشره کتد که مذاقی وکتخدا اسی و غدی بولندن بعضی قریشوشند  
 ایدیلر انلره تا سف کونه خطاب ایدوب صاغ النک ابهام و وسطاسی فتنه و داع  
 شکله تضییق ایلدوب کتدی عبد الرحمن پاشا انحراف حقن حلال ایلکزدیدی انلر  
 دخی کرچه ایش بکه منجز اوله جغنی ملا حظله ایدرلر دیو لکن تسلیمت کونه جواب ویروب  
 سلطانم یچون و همه طالب اولور سز پادشاهلر وزرای علی الخصوص مصر والیرینی  
 چاغروب بعض سوال و جواب ایدو کلشدر ووزم مأموران غیریدر یچون بدقل ایدر سز  
 دید کلرند آه حسرت چکوب بوه هی احمق بن بشور دیکم آشی بیلورم اوزرینه صوق  
 صوق و دیلر بکا بوندن صکره نجات متصور دکلر دیوب آت اعتبارلدی مذاقی کوکلندن  
 بزاجق دکلر بویه اغزه صغیمه جق آشی بشوروب ایش پاشا ارم دیو ککند و بی آتش  
 حرمانه القالیدن احمق در دیدی اما بهر حال ولی نعمت غمی ايله مغموم اولق لازم پاشا  
 ایدست آلوب بر قاج رکعت نماز قیلوب توبه و استغفار دنصکره غزینیه اوطه سنه  
 کیروب اوغلی شکله دینی رایکی مهمان اوغلانی وارایدی انلر ظاهر بر مقدارشی ویروب  
 بعد اینوب دازات ايله اته سوار اولدی مذاقی و محرملرندن بعض ثقاتن استماع  
 ایتک اوزن معن زاده مرعوم دیر ایدیکه مصر ده بیگ برالتونه برکیلان آت آلتشیدی قبل  
 کبی براسب کوه قیافت ایدی کندی و سی افراط اوزن بالا قد عظیم الجثه شخص تنومند اولغله  
 اولاندن ماعد ابر دله رکوبه تحمل ایتدیکندن دالما اول اته سوار اولور شش اولوقت سراج  
 باشی لقی بیک طاشنه چکوب پاشانک نزولنه منتظر ایدی بامر خدا آت سهیل چکوب



فریاد ایدوب اوک ایا قلیله زمینی حفر ایدوب کوزلیدن قطرات اشک دوکوب انسان کی بکا  
 و جنر ایش پاشا ایدوب انی بوسالده کورد که بکا نولدی دیووردی سراج باشی سلطانم اوج  
 گوید بوات یم یز کیجه صباحه دک بویله سهیل چکر بکون پک زیاده ایدی خسته لکیمه یوق  
 اصلنی بلم دیدی پاشاده اغلغه باشلیوب غا لبیا اجلر کلدیکی حیوانک بیله معلومی  
 اولمشد ردیوب کوزنی سیله رک سرایه متوجه اولدی بوا لندن اتباع بیننده بر غریو  
 و فریاد قویدی که تعبیر اولنر پاشا تیمور قیودن اچر و کیردیکی کبی بوالوقیونی قیادیلر  
 اتباع جمله قیواو کنده منتظر او تور دیلر پاشای حضور همایونه کتوردیلر بیر او پد که پادشاه  
 چشمه عتاب ایدوب بره سن ذمتکه اولان مالی نچون ویرمزن سن دید که ستوکتلو و خنکارم  
 جمله ما لم سرکدر ویره یم دیدی سن نیم خزینه می اکسلدوب قوللرمی چوغا لشم سن  
 دید که خیر پادشاهم توجیهاتم و حسام کورلسون دیمکه قالدی پادشاه قالد رک شونی  
 دیو خشم ایله اشارت اید که بوسه ناجیلر حاضر لشم ایش پاشای حضور دن چیه قاروب  
 قیوار اسنه کتوروب بو غدیلر نقل ایدر لر که بکرمی قدر توانا و ستانچی بو غجه یه دک کوجله  
 ظفر بولمشلر بویله بر توانا طواشی ایش لباسنی صوب میتی بر حصیر اوزرینه وضع و طشره  
 بر اقد قلرند جمله اتباعی بکا ایدرک طسا غلدیلر مکر کندوسی سرایه متوجه اولدوغی کبی  
 دفتر دارو نائب واروب سراینی جمله او طه لرینی مهر لشلر بوقدر ییک کیسه لک التون جانب  
 پادشاهی یه انوب ماملکی میری یه قبض اولندی مذاقی افندی نک سعي ایله میتی  
 قالد رمغه اذن ویریاوب غسل و تجهیز و تکفین اولنوب عاد تاجوزده ایله جنازه سی قار شوشاه  
 قوی انکله سنه کوندریاوب اینه دفن اولندی مذاقیدن منقولدر که پاشای مرقوم آق  
 خادم لک اشجع و اکرمی خوش طبع و سخندانای ایدی علما و شعر اقد رین بیلوب مستعدینه  
 احساندن عالی دکل ایدی لکن حب مال و جاهه زیاده منه مک اولغله اه مقام صدارت دیوب  
 مهر دیر مهر ایشیدردی ویر کره اه وزیر اعظم اولسم بر اید نصع کره اولدو که غم یزم دیردی  
 و مد العمر حرم پادشاهی پرورده اولغله مکاید روزگار دن غافل ضعیف الرأی ساده دل  
 ایدی حرم همایون و عد صدارت صد ورنه خود کمال حرص و شره بلا سیله اولانجه  
 رأی و تدبیری دخی فراموش ایدوب حمله اعدایه و جود ویرمز اولمشیدی من نام عن  
 عدوه ایقظه انکاید مفهومی تمام حسب حالی اولدی افراط شوق و شتبتدن سرینی  
 دخی گتمه قادر اولوب اتباعنک اکثرینی بوامر محظون محرم ایتدیکندن ماعد اطهار تملق  
 ایدناره فریفته اولوب کشف راز ایدردی مثلاً قضایان برهم شهر یسی و ار ایدی قتلندن  
 بر قاجکون مقدم کند ویه کلوب بر قضا با سنه قاضی عسکره بر تذکره نیا زای ایدی  
 تذکره بی ویر میوب الم چکمه وارد عاده اول بر قاجکون صبر ایله انشاء الله تعالی ایشنک  
 تذکره سز دیر دیو لیلر ایله سرینی عالمه طویر مش ایدی بومشربله وجود ایش  
 واکرچه طواشیدن ایش لکن تراکت طبعی مقتضا سنجه بعض محایب معصومی  
 توبه ایدوب حسن خداداده عاشق و دست نوازش ایله ملاعبه یه محب صادق ایش  
 بوا تناده حبس اولنان سالف الذکر اوزون یوسف که اظم الظالمین ایدوکی مجمع علیه در یوز

اوتوز کیسه پید ایدوب مون لی دفتر دار حایه سیله اطلاق اولندی شاکیلری مون لی اق  
 حسن نام قاضی و بعض بکچری لر کند ولردن مضادن ایتدیکی ماللرین طلب ایتد کرند  
 بره حر یفلرم و ارایسه میری یه الدیلر سزه نه ویره یم دیو خوشونت کوستردی  
 دفتر دار التماسیله بکچریلری او طه باشیلری ایقویوب مباد آق حسن ایله رفع رقعه یه  
 مبادرت ایدر لدیو منع و تخویف ایتدیلر آق حسن قاضی عسکر حسام زاده یه واروب سلطانم  
 شکات ردع و زجر اولنور می احقاق حق رحا اید زدید که قاضی عسکر دفتر دارن خبر کوندروب  
 بو شکات اسکات اولند قجه اولنر صکره سکاس قطلق ظم ویرینه مؤدی اولور دید که  
 مسامحه ایتدیلر اوزون یوسف ایسه شمدی ویردیکی یوز اوتوز کیسه یم و مقدم حاصل  
 اوله لی کوندر دینی جمعا دورت یوز ییک غروش آلدوغنی دفتر ایدوب بعض محایب  
 بکا ظالم دیر لر بدن بوقدر اچمه اندی بن ظلم اتیمسم بوا قجه یی کیمدن الیم دیو عرض  
 دولتی محل سوز لر سوبلد یکی وزیرک مسبوخی اولوب کندوینی چا غروب بر مضاحت  
 بهانه سیله طشره یوللادی در عقب چاوش باشی یه قتلنی امر ایلدی ایکیمی معا  
 نود باندن اینر کن اوزون یوسف متفظن اولوب دال خنجر و فرار سو داسنه دوستد که  
 چاوش باشی بزه اورک شو معلونی دیمکه خلق او شوب یقوب نرد بان ایاغنه بو غوب  
 لاشه سنی جبه خانه او کنه القا ایتدیلر شاکیلرک حق و قندن غیری بویقینه تخلیض جان  
 اچون استقراض ایلد یکی یوز کیسه قدر مال قتل ایله تاف و خلق بوقدر ضرر چکدی لکن  
 مباد الله اول بلیه نک شرنن قورنلق ایله تاتانه دعاء خیر ایتدیلر بوا تناده آسمانه یه شکات  
 زیاده کلوب سیاوش پاشان شومنی و غیری ولایتلر و سلسله یالیسنده اولان مواضع  
 اهالیسی شکوی ایتدیلر کذلک خاص سیواس ترکا نلری نکه لو پاشا کتخداسی صا نلشدن  
 شکایت ایدوب بزر که ظاهر سیواسه ساکن بدیو و خنه ترکا نلر ایش غروش بزدن زحاری  
 آلوب و اولی کلان رسومانن زیاده آلوب ظلم عظیم ایتشدردیو فریاد و وزیر دیانه چقدیلر  
 خصمکر ایله کلک دیو دفع صورتن کوستر دیلو نکه لو پاشا ایسه استانبولده و صا نلش  
 غمتنی ایدی ترکا نلر فریاد ایدوب بهی دولتلو بر صا نلشی شمدی قنده بولال پاشاسی بوند در  
 سرننیه ایلک احضار اولنسون دید کرند تعنیف ایله ترکا نلری طشره ایتدیلر انلرده  
 مفتی یه واروب احوال لرین بیلدر دکرند افندی دخی بر زمان مقیرانه سکوتدن صکره  
 ابواصل احوال جمله معلومزد در بزدخی وزیر خبر کوندر لم دیو دفع مجلس ایتدیلر ملک احمد  
 پاشا روم ایلمه خسته لشم ایدی قیاس سلطان رجا ایدوب خط همایون ایله آستانه یه  
 کلیسته اذن الیو ردی روم ایل ایالتی مقدم محرم خاصدن چیقان مصلی پاشایه ویرلدی  
 ماه رجب نصیفند علی افندی زاده عجم محمد افندی واسطه سیله مفتی افندی ایله  
 باریشوب کورشدیلر زیر امقد ما بوزیشوب مفتی حقنه قتی چوق ناسر اسوز سوبلش  
 ایدی شمدی بعد المصافات واروب ادرنه یه طالب اولد قده منلا بومقدار کلات قیعه سنی  
 تقریر ایتد که اعتذار صد دنه سلطانم معذور اوله اسیری محمد کی شخصه بوداعیکر  
 طور رکن ادرنه ویرلد بکندن مسلوب الاختیار اولدق اول خریف اول من اشتی الکعبه



دگیدرونجاتی اوغلی اول من اشتری المدینه دگیدرمکر بروسه یی کند واره  
ویرمک اوزن بارشلوب مقدا اول وجهله سینه صاف اولمشلر ایتمس منلا حضرتلری  
لطیفه یوزدن بلی اولنلر اوله دراما اول من اشتری البروسه دخی واردرد یوب مخدوم  
مزبورک وصف حالی کایه ایلدی بروسه امری مکر مخدومک قویندن ایتمس چقاروب  
پشتخته کنارنه قویوب سلطانم بروسه یی صایمک همان بزی سلیمانیه ده فرض بیورک  
الهی سنه سلیمانیه ده قنغی مدرس مکث ایتمشدر دیوب ینه زبانه رفص صوت عزم بالا  
قلدقه ایلدی سزی دورت آی ایله ادرنه قاضیسی ایتمکدن قاجمزرز اوله جه ایلده  
دیوترامی بولندی شعبانده اولان اعاجیبند ندرکه قوه جی شعبان یازیجی که مقدم محرم  
خاصدن نه کیفیتله چیقوب انک علوقه سنی استکثار بلا سیله احمد پاشا تاف  
اولدوغی مسطوردر حال پادشاهک مقبوله دادیسی ملکی قادینی الدی مزبوره ملکی  
والده شهید نک مقبوله سی ایکن پادشاهه سوء قصد بن ییلدروب اگر صدق واکر کذب  
مخدومه سن افنایه و پادشاهی حفظ و انقایه سبب اولمشیدی حالا مزبور شعبان  
ویر یلوب مکر پاریه قریب شهرت پیدا ایلدی و قوجه سی شعبان دخی تعین  
کسب ایدوب مرجع انام اولدی حتی ینه مزبور روزمه سندن برسرانی طوتان سیواسی  
عثمان چاوشه یشل بیراق اغالغن الیوردی آمدن ایلی هند ییدن اقدام طرفی سلطنتدن  
نامه هما یون ایله سید محی الدین هند پادشاهی طرفنه ایلک ایله کوندولمشیدی حالا هند  
پادشاهی شاه جهان دن دخی سید حاجی محمد نام مکلف ایلی هدایای کرانه ها ایله  
کلوب اوخر رجیده آستانه یه وصول بولمشیدی رجبه یکریمی اوحنی کونی رجج  
علوقه سی اخراج اولندوغی کون دیوانه واروب پیشکشنی عرض ایلدی جمله اوچدی  
قیمت تحف که مجموعی اوچبوز بیگ غروشی تخمین اولندی بری برسر غوجکه اوزرنده  
برالماس مواجهه شریفه ده اولان الماسک جرمندن راجح برقلچ و برخیزایدی وکلن  
ایلی علمادن اولغله وزیر ومفتی وقضاة عسا کروسا راکان دولت بر رعالی ضیافت  
ایدوب مجلسنده فضلا وعرفادن آوازه کلامه و تزیین بحث ومقاله قادر ادیب و کامل  
کسه لری حاضر و ایلی ایله مباحثه علمیة ومصباحیت لطیفه ایتدر لر ایلدی و هر ضیافتی  
بردارایلیده و عالم ارا قصر لده ایدوب استانبول اولان اماکن غریبه یی سیروتماش  
ایتدر دیلر حق بودر که بر ایلی یه یوقدر رعایت وتوقیر اولندوغی مسموع دکلدر ایلی یه  
اکرام تام اولندقدن صکره هند پادشاهنه جواب نامه یازیلوب زمرد قبضه لی  
برخیز و یکریمی جاریه حسنا و بر مکمل بساطلی آت که جمله رختی طقسان کیسه تخمین  
اولندی بوجهله هند پادشاهنه هدیه و ایلی یه الی سیک التون و بر کورک و بر مکمل آت و وروب  
یا تنجه بر ایلی قوشلق خصومی مشورت اولندی معتاد قدیم علمادن یا خود کتایدن بر مرد  
کاردان یا خود عرفا و ابدان بر متکلم سخندان کوندولمک ایکن اول شرط لازمه تقید  
اولنم یوب صالح پاشا برادری ذوالفقار اغا ایلک طالع اولوب بن خرق خلق استه تم  
کند و کچمندن خرج ایدرم دیملکه استه هم یوقانده لوهم مناسب دیو اوچوز کر مناسب

بولد اش شکنده اول خر لایقهم پوشناغی ایلی تعین ایتدی یلر با انکه پادشاه حضرتلری هند  
ایلی سنک فضلنی و واردی مجلسده او لنان مباحثه و مناقشه یی استماع ایدوب خصوصاً  
یهانی افندی نک یالیسنده ضیافتی مجلسنده استانبول بوغازی نه غریب واقع اولمشدر صددی  
آچلدقه ایلی دخی استخسان صورتده ملهمی مرحوم یوقطعه یی نه کوزل دیمشدر حق تعریف  
بولدن زیاده اولمزدیو ایرا دایتمش قطعه شعب وغوطه و ابله وسغد در جهان شهرتی  
جنان دارد هرد و بوغاز شهر استانبول در جنان شهرتی جنان دارد بو مجلس  
وقطعه عینی ایله پادشاهه نقل اولمش ایتمس اکا بناء پادشاه بر عالم و کامل ادم ایلی تعین  
اولنسوزن زیر ایلی پادشاهلرک آب روییدر دیو بر مشلرایدی کی تعین ایلده لم دیو وزیر  
ومفتی مشورت ایدوب بعض اهل معارف سوق اولندقه بعضلر دیمشکه شمدی بر او قور  
یازار سوزا کلام آدم تعین ایدر سکروز ییله جک خر جلقدن ماعد اکلدر که بر تعین کسب  
ایدوب دعوی استحقاق واستیجاب ایله رعایت اچون ثقلته باشلر اولدخی باشنه بر عمل  
اولوردیو ذوالفقار اغاده قرار ایتدی یلر و اکادید یلر که واریایلی یه بولوش بعد سنه بر عالی  
ضیافت ایدوب اختلاط والفت تحصیل ایله اما مجلسده ساکت طور بر سوز سوله یمدیرکن  
خلط ایتمه دیو تعایم ایتدی یلر اول اشک دخی احتشام مالا کلام ایله واروب ایلی یه  
بولشوب ایلی تعین اولندوغی افاده ایتدی وضیافته دعوت ایلدی معن اوغلی  
مرحوم نقل ایدر که سوزا کلام قسمندن کسینه یی دعوت ایتدی یوب شعرادن فقط جویری  
چلبی یی وقاضی زاده لیلر طر فاسندن ابواحمد اوغلی چاغر مشیدی بوایکیسی ایله دوستلغی  
اولغله یولره اعتماد و مجلس محرم ایلدی که یولر ایلی ایله مصاحبت و کندونک سقطاتی  
اولورسه حسن تدبیر ایله مرمت ایدلر جورینک حالی معلوم ابواحمد اوغلی ایسه طالب  
علم زینه مشابه عوام قیافتند متمول تولیتلر طور حانجه او قور یازار ومفرط تعصب  
ایل شهرت بولمش اما خفیه طرفا محبتلرینه داخل اولوب لابلالی وردقیافتنه زهد  
وصلاحی روپوش ایتمس همراز طرفین بر متعین حریف ایتمس ذوالفقار اغا بر عالی ضیافت  
ترتیب ایدوب اطعمه متنوعه ییتمند لخنه دن ایکی اوج نوع طعامکه زنجبه انفس نفایس اولق  
اوزن طبع ایتدر مش ایلی کلوب او تور دقه فضیاح صحبت قنی چوق هله طعام دوستندی  
لخنه میدانه کلد که ایلی یه خطاب ایدوب هند اقامتده لخنه وازمیدر دیو سوال ایتدی  
ایلی دخی ذوخاصه اولیان نباتات بارده اقالیم معتدله ده قنی آز بولنور دیدی ایلی نک  
نه دید و کنی اکلیوب سلطانم یور نافع شیدر روجه قوت و بر دیدی ایلی خنده ایدوب بر ماده  
ریج اولدیغنه شمه یوق تقارب حر و قدن غیری روح ایله مناسبتی معلوم دکلدر دیدی  
نه ایلی نک نه دید و کنی اکلا دی و نه خنده سنک سین بلدی همان اجمتانه متابعتله کندوسی  
دخی قهقهه ایدوب سلطانم لطیفه خوشدر اما یی تحقیق قدر که ارناودلرک غداسی جکر اولغله  
عقلاری زیاده در بوشتا قار لخنه ید کلر یچون توانا ویمادر اولور لر دید که ایلی یه بر غضب  
دقیق مستولی اولوب ییوردیغکر قاعده اوزن ارناودلر جکر دارو بوشتا قار مسترمج  
روزکار اولق اقتضا ایدر دیو منقبض اولدی جویری و ابواحمد سوزک مانی اکلیوب قهقهه یی



بی اختیار ایله لبر تراولوب طعام اوزرتده کولمکن دخی استخیا ایدر لر خنده بخت آلود  
 کلاو اینی سید ایدوب طعام یله نیمدیلر هله هر نه حال ایسه سفره قالقوب اوزم نکرم  
 تکمیل اولند قد نصبره کیمه جک وقی ایلحی به انشاء الله تعالی جنبه زایل یوللرده ذوق  
 وصف ایدرک کیمه رزدیدک ایلحی دخی اوت سیر و سفرده چوق اعاجیب غریبه تماشا سیله  
 کسب نشاط اولتور همان الله تعالی هر حاله سلامت و یرده دیوب قالقدی و سبحان من خلق  
 الیقر علی صورۃ البشر صحتیه مغتنم اوله چوق نه کوزل رفیقمز واردیه رک مکانه کندی  
 مجلس صاولد قدن صکره جوری یی و ابو احمد اوغلی الیقویوب شوکدی ایلحی  
 مصاحبت ایتدی می انلردارچین قرفل ایلحی افتخار ایدر لر متاعلرینی بزالماسق عجبا کیمه  
 صاتر لردی بزه ولا یتزک یاد کار یله افتخار ایدر ز اوبکاهب اصطلاح سویلدی بن  
 قباتور کجه ینه کسویلشدم دینی چونکه برمتعین مالدار حریف و ایلحی که انتخاب  
 اولنش وقتک ملتفتی تحجیل لایق دکل تفهیم و تعامد قابلیت یوق نه چاره سته ت  
 ایتدی لاما جوری تحمل ایدم میوب سلطان بویه مجلسلرده مصاحبتنه سز ایتد ابلک  
 و صد دکلانی سز ایلحی هوس اینک محله مناسب برصد دی البته اول ایراد ایدوب سوز  
 اچار اولزمان سز مناسبته کون سویلک یاخود سکوت ایدوب دیکلک البته اول مذاق  
 حاضر ینه مناسب شی سویلر سز دخی محله کون یا سویلر یاد کلر سز دیو نصیحت ایلدی  
 باز بر خطای ایتدک دیو منفعل اولدی خیر خطا ایتدی بکر لکن مناسب اولان بودردیوب  
 کتدی لرا ابو احمد اوغلی معن زاده ایلحی کرم الفت ایش و اروب ماجرای نقل ایش عین  
 انصاف ایلحی نظر اولنسه علما و کتاب و عرفای جمیل الادب و ایلحی عوامن بویه آدمیری  
 مطلقا مالنه رغبت ایلحی ایلحی که کوندر ملک لایق می و بومقوله فضیحه عرض دولتی صیانت  
 موافقه میدر عقلای استانبول عومما بو خصوص استعجاب ایدوب بهای افندیلک رضا  
 و یروب موجه کوندی کی غایت مرتبه استعجاب ایلدی لره هند لچسی بدین صکره وزیر ایلحی  
 کورشد کد نصبره سزک ایلحی کتر بزمه معاننده و اصل اولمقد صعبوت عظیمه و اردر  
 زیر اینه اوغرا از امام بزمه دوست اما سز که دشمند راما بومورینه ایلحی کتر بزمه ینمه  
 اوغرامق مشکدر مکر مکرمه ده مفارقت ایدر یوزدیوب لسان حاله ایلحی که  
 اسنصحنه عدم رضاسنی اشراپ ایلدی اما بوجانبک اول مقوله قایق حاجتی دکل یک  
 معقول دیوب بجازه دکل سز که رفیق اولسون دید کلر نه ایلحی دخی ناچار راضی اولوب  
 بجاز بولندن چکیلوب کتدی لبر قاج سینه دصبره معن زاده مرحوم ایلحی که  
 کوندر لشد ایلحی استمه اول مقوله سوزا کلر ادیب و لیب اولمقد محتاجدر که کندیوب  
 کاورکن اولان سرکنشتی و هند یاد شاه ایلحی اولان صحتلری و حکیمانیه مکالمه و مجاوبه یه  
 متعلق لطایف حکایتلری ان شاء الله تعالی محله کله کله کدر راسته کمال تاریخه موفق  
 اولور سق بتفاصلها تحریر اولنسه کدر احوال دو شماروز حضرده قیودان خوش اوغلی محمد  
 پاشا دو نماله چیقوب بوغازی خالی بولمقد آق دکره رولنه اولمشیدی کریمه و اروب حایه ده  
 دورت کون ارامد نصبره اون ایکی بیک کیمه جنبه ظانه و مهمات قویوب جزیره نک

جنوب طرفته کناره سلسله نام حصارک خلقی اطاعت صورتش سرکش کفار اولمقد  
 دورت پان طوب ایلحی محاصره دصبره شعبانک یکرمی دوردنجی کونی فتح ایلدی بیک  
 یشیوز قدر اسیر النوب بر اولقد دخی طعمه شمشیر اولدی سردار طرفندن اجازت  
 اولمقد مزبور قلعه خلقی مطیع خراج گذار ایدی دیواعتراض اولندی قیودان پاشا  
 لورادن دونوب یوز قدر کیمه ردوسه وارد قد الشمس پان قلیون و چکدری و کفارد و نماسی  
 کلوب طشره ده لنگراند از اولوب بر زمان لیانه محاصره ایلدی قرق کون قدر بکیوب کاهی  
 قلیونلری کلوب لیانه طو بلر اتاردی کمار روز کارا و زنده اولمقد بری طرفدن چقمقد اقدام  
 اولتمیوب بالاخره قیودان پاشا بر قایچ چکدری ایلحی جزیره اردندن طولاشوب زاکلیسه  
 سمتنه رولنه اولمقد کفاردخی کیدوب سائر کیمه اخر ساله یول بولوب قیودان پاشا در دولته  
 کاد کد معزول اولشد در رمضان شریفه یا انت بغداد مقدما از ضرر و مدن معزول مرتضی  
 پاشایه ویرلدی خلیله سی عنتر خاتون که یودخی ملکی کبی والد مقوله نک جاریه مقبوله سی  
 ایدی حرم همایون طرفنه رجایدوب زوجنه بغدادی الیو یردی بد کولر فرصت بولوب  
 ینه طائفه نسوان تصرف ملکه باشلدی لردیدیلر بواشاده ایشیر پاشانک و ابازنک باشقه  
 باشقه جمعیتلری و اطهار خلاقه سوء ینتیلری و موخس حرکتلری سویلنوب و استانبوله  
 کلک ایچون زمره سیاهی یی جم ایدوب دولته بی وجهه مداخله یدنلری پرداخت ایتک  
 تدارکنده درد یوکونه کون ارا حیف شیوع بولمشیدی شوال و قایغند ندر زمره سیاه عارفه  
 ایچون قوج قوج استانبوله کلک اوزن ایدیلر بازه حسن جم کدیر ایلحی که جکدر دبو اکاذیب  
 شیوعندن وکلای دولت مستشعر اولوب سیاه زورباری بقیه سندن یوسف اغا و ابعلیه  
 کلوب اسکدرده بر منزله قوندی مقرر اولمقد قزل بیرق اغاسی شعبان اغا بولک چاوشلری  
 و اوچیوزه قریب بر سلاح سیاهیلر ایلحی کوندر اوب کیمه ایلحی و اروب قوشادوب باصوب  
 یوسف اغای طوب و وزیر کتوروب و قوب دریا به ایتدی لرا بازه حسن اغا دخی اوچنی کون  
 یالیکز کندی توابعیه کلوب استانبوله داخل اولدی جمعیت عظیمه ایلحی کلیمو دیو اولان  
 ارا حیف لغو اولدی وزیر بولشد قد اعزاز و اکرام و التفات مالا کلام ایلحی معزز و مکرم  
 اولدی اگرچه ترکاندن قتی چوق شاکتیلری و ارایدی لکن وزیر انلره وجود و یرمیبوب حسن  
 اغای زیر جناح حمایتنه الدی مزبورک مقدما انقره التند جمعیت ایتدی سی جنبه عظیمه  
 صورتند برامر جسم ایدی لکن فی نفس الامر بوجمیت ایدوب استانبوله کله سی احتمالی  
 اولسه یکچیری طائفه سی بکاش و چلی کتخد او امثالی اله و یرمز لرایدی بونک جمعیتی  
 غائله سندن اول زوربار مقتول اولغین دولت علیه یه بوجهتدن خدمتی مقرر ایدی اکا بنه  
 جرمی اغاض اولنوب اکرامه مظهر قلندی والد کتخد اسی اولغی بعضیلر معقول کوردی لکن  
 نه والد قبول ایتدی نه ابازه رضا و یردی وزیریه ترکان و یرمک مراد ایتدی کندی قبول ایتدی  
 عالی اوزن مقرر قالدی سلسله و حکایات عجیبه رمضان شریف و اخر نه مفتی بهانی افندی  
 سلسله ایدوب حلیدن خواجه زاده امیر احمد چلی معزول و یری سلیمانیه دارالخدی شدن  
 کوچک شعر او ی زاده یه ویرلدی و یعقوب افندی یکیشهر دن عزل اولوب یری سلیمانیه دن



و حمدی زاده امیر چلبی به انکیری اسکندرا والد سندن توحی زاده به ویرلدی مصر بروسه  
 و شام اوزون حسن و کردها دامادی عبد الله افندی و منلا برادری احمد چلبی مایینارنده  
 کشاکشه دوستوب منلا مایینارین توفیقندن عاجز فالوب برادری احمد چلبی شعر وقد  
 بنی الدارائی مثلها لم یکن ملک الروم و الفارس ماصدق منزل بنایدوب دیونی او توزیک  
 غروشی تجاوازندیکنه بناء مصر کندویه مقرر اولوب قولاق مرده سی مرتبه سندن صکره  
 منلا یاد شاهدن دخی استجازه ایتشیدی اکن مصر ایچون اوزون حسن گفتکو و الحاح  
 و منازعه دن خالی اولوب فتوای امینی شیخ زاده ملایه مصر ماده سیچون یاد شاهدن تکرار  
 اسلیدن بیورک زراعدا کز چوقد زهمت و تخطه دن کند و کتری صافنک دیمه سیله متردد  
 اولوب احمد چلبی امین مزبون عتاب نامه غریبه یازمشیدی بالاخره بروسه اوزون حسن  
 مصر عبد الله افندی به شام احمد چلبی به ویرلدی جلع حمدی زاده امیر چلبی یکیشهره  
 کیدرکن سپروزه وارد قد که باباسی مرحوم حمدی افندی ک مسقط رأسیدر لون کون خسته  
 و مرحوم اولدی مکر والد سی دخی اند مدفون ایمش یانند مدفون اولدی اهل و عیالی  
 ماتم زاده استانبوله کلدیلر بواسطه علی افندی زاده ادرنه ایچون ابوالسعود زاده مصر ایچون  
 منلا ایله مفارعه مقامند اولوب مصر عبد الله ده قرارایدوب ادرنه اسیریدن قدری زاده  
 امیر افندی به ویرلکین بونلر یاد شاهه رفع رقعہ صد دند اولغین یاد شاه اسکنداره اولغله  
 اکر اسکندران کچر لرسه اخذ ونفی اولنه دیه اسکندران جاسوسلر وضع اولندی بوسیاقده علی  
 افندی زاده منلا به واروب مقدمه ادرنه بی وعدایدوب هنوز نتیجه سی ظهروا یتدیکندن  
 الن او یوب البته بکار حاله قضاسن ویرک دیویاواردی منلا هزل اینه دیدیکه والله هزل دکل  
 جد صبر کردیدی طوتالم بروسه قاضیسی اولدوغری عدا یتمز سز سائر طریقه غری دخی الفا  
 ایدک امام لازم اولالی او توراکتی سنه درباری انی اعتبار ایدک تر حاله به مستحق اولدقی دیوایی  
 دفعه النی ایاغنی اویدی ملازی استهزاییمه سزدیو جواب ویردکله اغلیه رق قالدوب ایدی  
 بعد الیوم بردخی بونلر کلز زنهایت بردخی یاد شاهه رفع رقعہ ایدر ز غیری حرکت ایتمز دیوب  
 قالدوب کندی بو محله حمدی زاده نک خبر وفاتی کلکین حل الهی اولوب یکیشهری مذکور  
 حل زاده به ویروب لسانندن قورتلدی واسطه شوالده رحمة الله افندی استانبولدن  
 عزل اولنوب یری امین فتوی شیخ سنان زاده محمد افندی به ویرلوب وزیر واروب ال او یوب  
 چهارشنبه کون دیوانه واروب کلوب خانه سنه کتاب و نواب ایچون تحفه پندلر یادروب  
 اول کون قوله بنوب اسواقده اوزومه نرخ ویروب اکر یار مق واکر غیری ایکی الحقه به صاتک  
 دیوننیه ایدرک کیدردی مکر مزبورک عزل اوله جغنی وزیر قیوسندن قول اوغلنلرک  
 و محضرلرک مجموعی اولمش ایمش اول پرهنراوزملری ایکیشهره ننبیه ایدوب کیدرکن اوزنجه  
 کیدن قول اوغلنلری طرفاسیله اهل سوچه خند کان بیانه سویلز سورینی دیکلکینه  
 اوچره صاتک یارین معزول اولور کفندونک خبری یوقدر دیوهزل و تزیف ایدرادی  
 علی الرسم عرف و اضافت و کچه لی چوقه دار ایله و محضر باشی و منتار عامه لی کتخ اوچرزه لو  
 محضر لر عنوان تمام و شهرت مالا کلام ایله تمام قول کزوب بعد خواجه زاده مسعود

افندی به واردی قهوه و شربت و عود و عطر صفا سنه وزیر دیوانه دعوی استماع  
 ایتدیکن آب و تاب ایله نقل ایدوب اولکون بروسه دن ایکی قطاع طریق کلدی بروسه  
 و اینه کول قاضیلرندن بخت و عرضلر وارایدی بزمیون بخت ثبوت بولمغه محتاج دریدک  
 وزیر افندی بزه شاهد لازم دکلر بونلر اسکندن بلدیکم حرامزاده لرد زاناطولی ایالتده ایکن  
 چوق قعید ایتدم اله کتور مدم ایدی کیفیتلری بیلورم حالا ع ثابت اولدی مدعی  
 تزویر حاجت قالدی دیوبیوروب حریفلر یکچیری اولملریله بوغدروب دریاه اتوق  
 اوزن محضر اغایه ننبیه ایلدی هله بزاوزه ریمزه لازم اولانی سویاندک دیو تشوق ایله نقل  
 ایدوب واسعار احوالیه قعیدین درمیا ایدوب شویله ننبیه ایلدک دخی شویله اینسک  
 گر کدردیو بوالفضولانه مجلس از لغه مشغول ایکن ناکهانی بیت برکشی کلدی سمت کردوندن  
 بر خبر و پردی چرخ کچرودن فحوا سحجه مسعود افندی ک قیوسنه خدمه دیواندن بر حریف  
 کلوب بالا بولوی مصطفی افندی اناطولی پایه سیله استانبول قاضیسی اولدی شمدی  
 وزیر قیوسندن ال او یوب خانه سنه کندی دیو خبر ویردکله جمله مجوزه لو محضر لر قول  
 اوغلنلری گروه ایله بولوی قیوسنه مسارعت ایدوب افندی ک انی یانند اسکنی خدای  
 د ورت آدم قالدی یری یوقار و چیقوب قضیه بی تبلیغ ایتدکله حزن و بحالت بحرینه غرق  
 اولوب اول مسلسل کلام ایله بسط مقال ایدن افندی استیلای عم واند و هندن ابکم ولال  
 اولوب قالدی و خواجه زاده قیوسندن اول طمطراق ایله دخول ایدن افندی بلا محضر  
 ولا محضر برایکی خدام ضرر و انفعال مضرایله سوار اولوب سعادتخانه سنه کلدی  
 نائب و سائر قضیه بی بلزلر افندی آلا ایله کندی یا لکتر کلدی شاید کند و طاغندی  
 شکله سلطام شورایه نائب شورایه فلان یری اشته بیاحه یا یدلی فلان دیه یم صاندیلر  
 افندی کال غضبندن بیقالک کیدرک بره ملعونلر قضینکله نائیکله الله بلا سنی ویرسون  
 دیو آزار ایدوب یوقار و چیقوب اوطه سنه کبار علمادن بعض دوستلری بولنش بو مسخر افه  
 عزلندن زیاده متالم اولوب ملایه کال غضبندن بی شعور اولغله حاضرینه کوردی کرمی بیبناز  
 ملحد منکر حشر شاتم لئه بزه نه رنک ایلدی دون استانبول قاضیسی ایلدی بکون عزل  
 ایدوب بزی عالمه مسخره ایلدی دیوب مجلسنه کلوب کیدرله منلانک ذم و قد حن و معایب  
 و مساویدن بحثه باشلدی کال المنندن باشندن بر ماده تورم ایدوب خسته اولدی جناب  
 منلا دخی مزبورک کندول حقه سنه سویلیدی سوزلری ایشیدوب تملک طمع و ناصبور ایدیکنی  
 تیقن اینمکله کندودن مشتمل اولوب امانت فتوای کندودن نزع ایدوب مقابله جیسی صاری  
 عبد الله چلبی که سکبانیه مدرسیدر فتوی امینی اولدی مورخ بواسطه مذکورک زیارتنه  
 وارمش اکاده منلانک صد دین آچوب تمام فصل ایتدکد نصکره چلبی افندی قرآنک  
 مذکور اولان اشکدر ذوالقرنین کیمدر و قاجدر دیش مورخ دخی اسکندرک بری رومیدر که  
 قیلقوس اوغلیدر اما قرآنک مذکور و یانی سد اولان صعب ابن الحارث الایسدر که ملوک  
 قبیله چمر رندردیدکله وان ایناندر اول بی اعتقاد و میدن ضیری اسکندر یوقدر دیو  
 مفکر در هنرک واریسه اعتقاد ایتدردیو مثالبی نقل مجالس ایتشیدی شوال و قایمندن در



حسام زاده و کمال زاده صدر بنیدن معزول اولوب ممك زاده روم ايلي و روم ايلي پايه سيلاه  
 امام زاده دفعه رابعه ده اناطولى صدرى اولوب منلانك صنعى زاده ايله قديمى دوستلىقى  
 و طفوليتندن بروالفتى اولدوغنه بناء اناطولى صدرين بالذ فعات كندويه وعد ايتشيدى  
 خصوصاً و سهوى سر كه زاده ابراهيم چلبى نقل ايدر كه دورت آى مقدم حسن افندى  
 زاده منلايه ضيافت ايتد كده اثناء صحبتده اناطولى صدرى كمال زاده قاضى عسكرلىكى  
 بشاره مدوغندن ادا ان بحث اولند قده حاضر بالمجلس ياران صنعى زاده و امين فتوى شيخ  
 زاده ايد بلر فتح كلام ايدوب هله بودفعه اول حريف اولمش اولدى بزم تخمبتر انشاء الله انك  
 پريته اناطولى بي ستره توجيه ايتكدر عندي بزمه مجزومدر تحلف ايتمزمقرر بيله سزد يوصنعى  
 زاده يه وعد ايتشيدى صنعى زاده دخی مطيبانه دعاليه آغاز ايد بجل امين فتوى صنعى زاده يه  
 قالقوب دستبوس ايدك وعد جميل بيورد يلدريو اشارت و افصاح ايتكده صنعى زاده قالقوب  
 زانولرين بوس ايدوب خضار مجلس افنديلر مبارك بادديد يلدريو مرتبه دنصكره فقير سر كه  
 زاده يه بر منصب وعد ايدوب بعد واروب انتظارده اولدوغن بيان ايدكده ع سز روى دلى  
 وعد صانور سن مسكين بيورد قلمى كى صنعى زاده دخی بي محابا وعد لرى ع نكف سزد دليل خلف  
 اولور بيمان البته مضبوطه نتيجه پندير اولوب امام زاده بي اناطولى يه پكو ردكدرندن  
 صنعى زاده زياده متالم اولوب بردخی قبوسن انلامغه قسم ايلدى مقدم مادخی بينلر ندر برودت  
 وارايدى سببى عصمى يه ايله لق اولد قده صنعى زاده متكدر اولوب يارانه كورد يكرمى دولتيله  
 كوچكدرن بربرده بيويوب مابينده بودقد عهد و موافيق وارايدن زمان فتواسنه ذن قدر  
 ترفيع شان ايد جك همته نائل اولدق شوي و فالغه نه بيور رسزد يوشكايت ايتشيدى  
 مورخ انده حاضر ايتش سلطان بينكتره ارباب نفاق كيرمسه بكر رديد كده بل حقلر ندر بعض  
 سوز سويلدى ديه بعض حساد بزه اسنا ايدوب تبليغ نفاق ايتشيلرد يدي مورخ نصيحت  
 ايدوب سلطانم سز واروب اعتذار و ابراز ذمت ايتدي بكمى ديد كده خير ايتدك ديدى  
 يا افندى سز سر كشك ايدرسز ادعالتد بكمى حقوق قديمه نك مراعاتى مروتة منوط  
 مروتة مبنى اولان محبت ايسه مجددامكافات اوله جق تواضع و خلوص معامله سنك  
 عدم انقطا عنه مروتة رفلان زمانده ستويله دوستلغمز عهد و قولر وارايدى ديوب  
 شمدى انلر مقام عاليه سز اول عهد و اعتماد امواللى اولان معامله بي ايتم سز يكانه لك  
 اوزرينه الزم اولان ذكر جميل و ايجاد و تسليم معامله سى كه سرك اوزريكره دخی زياده اهم  
 و واجب ايدن استغنا ايدوب قصور ايدرسز هم دوستلغ ايدى لطفنى كورمك ديوب سبب نفرت  
 اولان وضع كدرن بيخبر سز كندويه نه حاجه وارك والى اوپوب سلطانم بوقديم دعا جكمز مقام  
 صد اقتكرده كالاول ثابت قد مرامزده اسناد مالم يكن ايدر منفاق وان بكمز حساد طريقتك  
 احواللى معلومدر منافقينك اغراضنه مبنى سوزلر نه وجود و يرميه سز اذا جاءكم فاسق  
 ببناء فتبينوا ايله عمل بيوروب حقمده سويلن سوزك غورينه اطلاع دن مقدم قلب ستر يكر  
 حقمده مغير اولسون ديونياز ايدوب برجر موز وارايسه ده عفو بجا ايدرز بعد اليوم مالايعنى صدور  
 ايتمك اوزن عهد و عمن ايله استعفا عرض ايتسه بكمى مؤولدر كه آن پرده اولان عقد

صنعه محل و منظر غنايت اولور ديكر ديدك صنعى زاده بهى افندى بو اعتدار و سازى  
 دفعاتله ايتدك بزم سزه خاطر مانده لکمز بوقدر ديره قايى حقمزده صغوت يذير اولز يدي  
 مورخ دخی ظاهر الكنور كه شعر جرات السنان لها التيام ولا يلتام ماجرح اللسان  
 مضبوطه حقلر ندر قابل عفو اوليه جق بر دم شنيع و قدح و جيع ايتشه بكمز سز لکن ينه ضرر  
 و بر مزمهمان بعد اليوم لسانكزى ضبط ايدوب وجه سابق اوزن بوى ونيازدن خالى اولماك  
 ذكر جميل و دعای خير لرين اشاعت ايلك تقدردر و نلرى قاسى او لرسه ينه طرفكره ميل  
 مقرر در ديتش اما محمد و مكرين سبوم مغابط تحر عنه مالوف اولماش تنك حوصله و نيز  
 امراج اگر چه مورخك نصي ايله عمل ايدوب بر قاجا كون زيار ندر يته مد اومت ايلدى منافرت  
 بر مقدار دفع اولوب ايله لق دخی حصوله كدى اما امام زاده اناطولى يه اولوب بولوى يه ده  
 پايه اناطولى اولد يغندن بي اختيار اولوب كالاول زبان طعن و لغنى دراز ايدوب  
 وحشت و منافرت حد سابقى تجاوز ايتدى و ابو سعيد افندى فتوى طلبنده  
 اولوب والده سلطان طرفدار ديدريو شيوع بولدى عصمتى عزل او لنوب بيوك  
 محمدوم ثانيا سلا نيك قاضيسى اولدى ذى القعدة احوال افلاق و بغداد بالذ فعات  
 ذكر او نيتشيدى كه بغداد ان كمنك على طريق الرهن استانبول اولان دختری  
 طلبچون و زريه نجه دفعه اموال عظيمه عرض اولنوب رخصت و ير لما مشيكن مراد  
 پاشا و زارتين مخيم باشى مد بر مملكت اوافين انك طبعه مبنى رأيه و افرمال التوب  
 كوند ريتشيدى بعد قدراش قراغنىك خطمانه و ير يابوب بغداد قراق طائفه سنك  
 مصاهر تيله استظهار ايتشيدى اتفاق بغداد بكنك خد متندن ياز عيسى اولان  
 ملعون قاجوب افلاق ويوده سى اغا تاتاي خدمته واردى برا سكي قوجه كافر ايدى  
 بعض اسبابه بناء يازيچى مابينلرينى اول قدرافسا دايلد بكمه اغا تاتاي بغداد اوزرينه  
 عسكر چكوب مقاتله يه قرار و يردى و اگر چه بغداد بكنك قراق وله بيكر بيله  
 قربت و مصاهر تي وارايدى لکن شمدى له ايله قراق بيننده خصوصت وارايدن بغداد نه  
 ظفر ممكن در ديو طمعده دوستوب بغداد اوزرينه يوريدى بغداد بكي دخی بيكر دن برينى  
 سردار ايدوب عسكر قوشوب تعيين ايلدى مكر اغا تاتاي خفيجه اول سردار تعيين اولمان  
 بيكه مکتوب كوندروب بغداد بيكده ظفر بولور سم سنى بيك نصب ايدرم ديو وعد ايله كندو  
 طرفنه ميل ايتدروب اول دخی بيكك طمعيله افندى سمنه خيانت عازم اولوب بو وجهله  
 بر قاج دفعه مکتوب كيدوب كلوب خير لشمشلر مکتوب بركى بغداد بكنك اننه كيروب  
 تعيين ايتديكى سردار ك و اوج كافر ك دخی اسمى مذكور او لغين خيانتلرينه مطلع اولوب  
 سردارى ياغروب مکتوبى كوستروب الزام و بلا امان قتل ايلدى و مذكور الا سم اولنلرى  
 دخی قتل ايلدى و افلاق عسكرى و افر عسكر در وهم ولايتهم اغيانى بيننه نفاق دوستدى  
 مختلف الرأى عسكروه اعتماد ايله جنك مناسب دكلدر ديو جمله خراين و اموالنى قالد يروب  
 اثباعى ايله له ولا بننه كيدوب خوتنه دك و اردى اغا تاتاي دخی عسكر بيله كلوب بيكك كند و كنى  
 كيتد و كنى خبر الحق متكر اولوب افساد مابين ايد اولن يازيچى بي بيك نصب ايدوب دوندى



واستانه يه مکتوب کوندر وب بغداد و پوده سنی سزوه عامی و مضرایدی حالا خان ایله  
 معادات اوزن اولان له طائفه سیله یکجهت اولغله خیانتنه بناءله فرار ایتدیکن برینه برناقم  
 و مطیع بنده این نصب ایتمشزدردی عرض ایدوب نشانده سته برات واسکف و علم رجا سنده  
 اولدی بغداد و پوده سنی دخی دامادی قزاق خطمانه التجا و قرق بیك قزاق عسکر یله خطمان  
 اوغلی بیله قاقوب بغدادنه کلد که نشانده اولان کافر قاقوب یه بغدادنی اسکسی ضبط  
 ایلدی یا ش قصبه سنی و سائر بلادندن افلاقلی بی ضربا و قهر الخراج ایتدی و سجار قلعه سنی که  
 سابقا سلطان سلیمان مرحوم فتح ایلدی شهر معظمدر دامادی خطمان اوغلنه ویردی  
 خطمان اوغلی دخی عورتی که آستانه دن کیدن معهوده در جمله اموالی ایله اول قلعه یه قویوب  
 کند و قزاق عسکر یله افلاقلی تحزب قصد یله یور یوب اوغرا دینی افلاق کورلرینی یاقوب  
 یقماغه مشغول اولدی اغاتا تائی دخی کند و نشانده سنک طردین استند که تکرار افلاق  
 عسکرین جمع و قارستو کلد که سرحد لرند محاربه عظیمه وقوع بولوب بالاخره اغاتا تا غالب  
 کلوب قرق بیك قزاقدن همان سکزیك مقدارین اسیر ایدوب و اکثرین قیروب خطمان  
 اوغلی کوجه بان قور تاروب فرار ایتدی اغاتا تائی مجار و افلاق لشکر یله یاشه کلوب یازیچی  
 یته بیك نصب ایدوب جمله بغدادن بویارلری ضروری تابع اولوب سرکشری قاجیدن  
 کیرب تماما بغدادنی قوت قاهره ایله ضبط ایلدی اندن سجار اوزینه کلوب خطمان  
 اوغلنک عورتی و اموال و اشیا سنی استیوب ویرمه یله محاصره ایلدی خطمان اوغلی  
 دخی الغار ایله بغته کلوب محصورلری تقویت اچون قلعه یه کیرمش ایدی بابا سته  
 له سفری اقتضایا ایتدیکن امداده مجال اولیوب شه کیم تفصیلی کلسه کر کدر خطمان  
 اوغلی عیالی ایله محصور قالدی افلاق و مجار ملاعینی قلعه نك و اروشنی یاقوب خارج  
 سورده بولنانلری قتل و غارت ایدوب صاغ قلانلری قلعه یه قاقوب بویایمه دک  
 محاصره متمادی اولدی و غرایبند ندر که رادول و پوده نك اوغلی استانبولده ساکن زی  
 مسلمان ایله کزوب مرد اولان بابا سنک منصبنه طالب و رادولک کند و دن غیری  
 ولدی قالدینی معلوم ایتکن سلسله محافطی وزیر سابق سیاوش پاشا اوزی صوفی  
 حید و دلرندن بر کافر مجبور رادول اوغلی اولق ادعاسن ایتدوکن ایشتمد که مزوری یانه  
 کتوروب لاجل المصلحه رعایت ایدوب کید یروب قوشادوب وقع ویردی بو حکایه بی اغا  
 تائی ایشتمد که کند و بغدادنه نصب ایتدیکن یازیچی کافر معارض اولوب بابا سنی ملکیدر  
 دیوبغدان و پوده لغنه طالب اولورده بغدادن امور یه دغدغه ویردخو فندن سیاوش  
 پاشایه سکزیك غروشلق اتون و وافر سمور وهدایا کوندر وب اول مدعی بی طلب ایتد که  
 سیاوش پاشا نراکت ایدوب بر آخر حید و دکا فرین ملبس و مکمل رادول اوغلی نامه  
 کوندردی لیدی الوصول اغاتا تائی نفحص ایدوب اول کافر طوغری سولیوب حید و  
 لید و کتی خبر ویردکله طرد ایدوب پاشایه خبر کوندر وب دوزمه کافر کوندر مک روامیدر دید که  
 پاشایه طرافت ایدوب اصل رادول اوغلی بزم یانغزده در اول کوندر دیکم زده رادول اوغلاقی  
 طاسلردی طلب ایتدیکن کز اودر قیا سیله کوندر دک عن اصل رادول اوغلی کوندر نك

دیوب مکتوب یازوب مایینه واسطه اولان کسنه یه ده مکتوب یازدردیکه پاشا حضرتلری  
 یاتده اولان رادول اوغلی لندن المی مشکدر مکرکه وافرجه شی دخی کوندر یله دیو  
 توسط ایتدردی اغاتا تائی دخی بش بیك غروش کوندر مکله پاشا اول کافری دخی کوندردی  
 وصولنده انک دخی اصل نفحص و اول دخی رادول اوغلی اولدینی استکان یه چیمقد قده دعوی  
 دروغ ایله یوقدر اچیه سی کتد و کتد غضبیلوب واران کافری قتل و اغاتا تائی نشانده سنی  
 اولانه اسکف و علم رجا سنده دردولته عرضحال کوندر مشیدی دولت علیه طرفندن کونلم  
 اول احوال یته منجر اولور دیولا و نعم جواب ویرلمشیدی بواننده رجا سنک تمشیتچیون  
 دردولته یکرمی بیك فلوری کوندر وب قیو کتخدا سنی ید یله سرکارده اولنلره توزیع اولندی  
 معقول وجه اوزر رجا سنده مساعد ایللم عجله ایتدردیه جواب و یروب اول فلورجکاری  
 وکلای دولت بخش قلندر ی ایدوب یو تدیلر مال کافر هست بر مو من حلال مضمونی  
 اوزر عافیتلر اوله آدم افندی که غلطه ده مولو یخانه شیخی ایدی بوسالده حج شریفه عازم  
 و مصره وارد قده وفات ایتدی کی خبری کلکه مشیختی قادری محمد دده ویرلدی قره چلبی  
 زاده محمد افندی کذلک بوماه ذی القعدة ده وفات ایدوب مدرسه سنده تهیه ایتدی کی مدفن  
 مکلفه دفن اولندی منزلی جوارنده بنا ایتدی کی جامع و مدرسه مذکور دن ماعدا  
 اون قیانی جوارنده قدیمی تحت مسجدی قلع و کار کیر و قور شونلی مکلف جامع  
 شریف یا یوب لندن ماعد محترقات بقایا شدن سمتند بر مسجد دخی بنا ایتمشیدی  
 قاما بونجه بقاع خیرلندن هنوز برینک و قفیه سن تعیین ایتدردی ایتدی ایتدی ایتدی ایتدی ایتدی  
 ملا صق بعض کار کیر د کا کین که بنا ایتمشیدی مکر یا رحصار و قفندن غصب  
 اولنش د کا کین پری ایش یار حصار و قفی متولیس مر تر قه ایله استانبول قاضیسی  
 بولوی افندی یه واروب ابراز و قفیه ایتد بلرحتی مدفن اتخدا ایتدی کی موضع دخی  
 مقصوب در دیدیلر عظیم نراغ اولمشیدی الله رحمت ایلیه بعض اخوان طریقدن  
 استعاره طریقله غصب ایتدی کی کتابلری دخی وقف ایدوب اوزرینه و قفیتی تحریر  
 ایدوب مهرلش بوجامع و مدرسه اچون علی کتخدا سته او توز بیك غروش تسلیم  
 ایتمشیدی دیو دعوی ایتدیلر سو مال اولند قده علی کتخدا نعم یکرمی بیك غروش  
 ویرمشیدی امینه اون بیك غروشی کند و استرداد ایتمشیدی دیو اثبات ایلدی اوقاف  
 واثاری مستقر اولوب منتظم و انجیه دک چوق منازعه کیدی سلیمان پاشا که یکجری  
 اغالغندن چیقوب صدارته طمع ایله احمد پاشای مرحومک علیه نه زور شهادتی ایدوب  
 افنا سته باعث اولد قند مکره کندوسی محروم قلوب درویش پاشا و وزیر اولد قده خواه  
 نا خواه کند و یی کرید جزیره سغه تعیین وزیر ایله استانبولدن اخراج ایتد بکیدر  
 بخل و خسته سمل بن هراون و کثرت مال منالده ثانی قارون ایدی استانبولده پرمق  
 قیو جوارنده مرحوم قوجه دفتر دار عمر افندی نك منزلن اشتیری و اوزرینه معتدل روپنار  
 قوروب طرح و رسمتی تعلیم و تفهیم ایدوب اول وجهله یکیدن تعمیرینی سیارش ایدوب  
 کندوسی کر پله کتمشیدی غرابت بونکه که اول منزل معللا بعد الیوم یوز یله دک ارباب



دولته مسکن اولغه صالح واعلا هدم و نعيمين ايجاب ايدرمالي يوغيمكن شهر و نعيمين بشاء  
 اخالد بن و انما يقادك فيها الوعقت قيل مضبوطن غافل و ديد بصرتي مقتول احمد پاشا ملك  
 قونوه چفتلكند و سائر اما كن متعده استخراث ايدوب تمامنه بنشميدكي اينده شادانيه ملك  
 صورت حالندن كليل و زاهل اولوب اول لطيف منزل اسامندن هدم و وري حفر ايدوب  
 و سيع سردانلو و كار كير محزن نردوزوب اوزرينه وضع سلاطين اوزن نصب اسلاطين  
 و نمود و كمر اوزن اينده شادانين پايديروب مدوزقبه لي التي اوطه و قات اندر قات طبقات  
 و غرف متعده و ديو انخانه كه جمله زراند و دو كاشي ايله مزين قلنوب هنوز تمامنه سعي و اهتمام  
 اولنور ديكه نادر دمنده سايمان پاشا كلوب سنين متطاوله اول سرايدن عز و دولته عمر  
 يگون هيمهات هيمهات حالا مشارالیه منكشه ده محوم اولوب آستانه طرفندن البته كريد  
 يكه سن يا قتل اولنور سن ديوارام امر لري وارردی باوجود ناتواني حسب الامر الحاقانی  
 كمي يه ينوب كريد عزيمت اوزن دريايه آجلدی لكن هوا موافق اولماغله ينه منكشه يه  
 رجوع ايتد كره اجل مسمى ايله وفات ايدوب اشبه و ماه ذی القعدة ده خبری كلوب  
 مون لي دفتر دار و ايج خزينه داری واروب جمله ماملكن قبض ايتد بلو خزينه داری مراد برچار  
 ابرو جوان ایدی حبس و جمله مالنی خبر و رنج و افر جفا ايتد بلو مراد پاشا كه وزير سابق در  
 بدون محافظی ايكن پرينه جلب كنعان پاشا كوند رياوب مراد پاشا آستانه يه دعوت  
 اولندی حنی مراد پاشا نك كلفه سی خصوصی نكلم اولند قد قيو و كنداسی قره كوز محمد  
 افندی و كوسه اسمعيل اغاسی كلوب بر مجلسه ايكن رئيس الكتاب شاهی زاده مراد پاشا كبی  
 پروزی بدون كبی بر سر حد دن قالدر مق وانلر و ايله كلك مناسب ايش دكلد ردید كره قره  
 كوزا كاعتاب ايدوب بقاء افندی مراد پاشایي بلز دكلسر اول ستره كلاك ايتدی بومعامله  
 ستره دوشترمی اول و ز راحقه سو زسويانورمی ديويياغي مناقشه لرايشملرايدی  
 ذی الحجه سابقه و دان اولان حسام بكزاده علی پاشا نك مواخذه و محبوس اولنمی  
 ماده سنك تفصيل بود كه سنه شابقه ده دو تماية چشم زخم و تقصير جرأت تهتميله  
 اول منصب ذی شانندن عزل اولنوب مون ده باليه باد نه ده اختيار سكون و قناعت  
 ايتمشیدی ولایت مون زعيم زاده لرندن عیدی بيك نام ستاب مقول حالا دفتر دار اولان  
 مون لي يه هم شهر بيك سبيله انساب ايدوب اول دخي اكاستمالت و اول ولایت خراجلرين  
 امر ليو ب و كند و يي قارلی ایل سنجاغی بيكي ايدوب طبل و علمله عیدی پاشا عنوان  
 و يروب اول طرفه كوندرد كن اكاسپارش اولنمشیديكه علی پاشایي مهر حال الله كتون  
 اولدخی واروب لواء مزبوري ضبط و خراجلر جمعنه زور بالرتعين ايدوب انلر دخي تحصيل  
 ايديرك باليه بادن رعایا سندن دخي جمعه اشتغال اثنا سندن علی پاشايه متعلق بعض رعایايي  
 قصده مقارن زياده جه رنجيده ايتد كار نده علی پاشا توايغندن بر جمع كوندروب اول كروهی  
 اول حوالیدن از عاچ ايدوب عیدی بيك پلمتری كه بو حوالی رعایا سی بزه متعلقدر اديله  
 طور سون خراج بهانه سيله تعدی ايتسون يوخسه كند و سيلور ديدی عیدی بيك دخي  
 جلی پاشايه بر مکتوب يا زوب شاطريه كوندردی مضبوطنه بن فرمانله حقوق ديوانيه

جمعته ما موزم منعك معناسی تدريس ایدی شاطرواروب مکتوبی قراءت ايتدیكي  
 كبی تهور ايله شاطری ال اشاغی ايدوب برايكي وزد كنك ضريله نأ ديد نصيكره سنك پاشام  
 ديديكك نه اوغلاندر كه حدين بيلیوب بومقوله خبر لر كوندرومقدار يي كندويه بلدر يه يي  
 بو دأره يه اوغر امسون يوخسه بلاسن بولو ردیو ارجاع ايتد كد نصيكره پياده بر مقدار  
 اولندايله چيقوب حمايت رعيت صورتند اول حواليله ضرب خيمه ايتديكندن عیدی  
 پاشا اكاه اوليحق بر كروه سواری لوندات ايله انلر ايدوب غافلان باصوب خيمه سنه  
 يارانی ايله شطرنج اوينار كن طوتوب قيد و بند ايله آستانه يه كوندردی عیدی بيك اگرچه  
 تازه بكيت ایدی لكن خيلي رشدي و ارايدی فرضامون يه كيرديكي كبی بی وجه هجوم ايله  
 اخذ ايتسه اگرچه ممكن ایدی لكن چندان مناسب دكل ایدی يوليله حرکت ايدوب  
 ايتد اهتك حرمت علی پاشا طرفندن ظهرايد نجه يه دك صبر ايدوب بعد فرصتن  
 دو شروب اخذ وارسال ايتد و كندن اول ولایت رعایا سی بيغنه خيلي نام و كام حاصل ايدوب  
 اول بلز رعایا قيو دللق ايتمش بر آدم كندويه قارشو قوماغله طوتوب استانبوله كوندردی  
 ديوشانی تعظيم و كندودن خوف ايتد بلو مون دن بر خزينه قدر مال تحصيل و بر فرد  
 مانع اوله مدی عامه نك ظاهر يينلکی قتي عجايب در چون علی پاشا استانبوله كلدی  
 و حبس و تهديد ايله اپكيوز كيسه طلب اولنوب سنه جد يد حرمه نك نكميل مصا دن  
 اچون محبوس قالمشیدی تا كه حرمه اوغلي بر حربي قليون الوب كتوروب خدمت مشكون  
 وجوده كتور مشيكن ينه تحلیصنه امكان اولماشیدی تفصيل بو كه مون سوا حيلدن  
 باليه بادن سمتة بر حربي قليون يينك شوب ارميه ده دمورر اغوب خلاف رضای  
 همايون ارميه دن بغدادی آلوب قليونيه طولدر كن علی پاشا نك اوغلي خبر دار اولوب  
 هجوم و قليونی آلوب اچندن اولان كفاری دمورلر يوب و قيو دانندن تفحص و تهديد ايلد كن  
 اول ديارا هالي سندن تيمور اغا نام كسنه دن بغدادی آلدوغی متبين اوليحق علی پاشا زاده  
 تيمور اغايي اخذ و خلاف بساغ همايون اعدا يه بغدادی وير دپكندن عتاب ايلد كن  
 تيمور اغا شته بوايريله ويردم ديورمان ايراز و مضبوطنه ساقز ملا حيلندن اندون نام زمی  
 اولديان وار دقه مراد ايتدیكي قدر سفينه سنه بغدادی بيع اولنه اگرچه بومها يه ايله  
 حربي يه و يرمك احتمالی اوليه والا شد عقوبت ايله حق كز دن كنور دپلمش رسیدی  
 و طغراسی صحیح عقلا بوندن حيران اولوب جزيره لرده اولان سفينه رئيسلری ذميلر  
 بيكر ايكيشريك التون بدل و بر طر يقيله نافذ الكلم پرردن عمل ايله ا خود ساخته بويله  
 بر امر تحصيل ايدوب ايكي قات بها سنه حربي يه صا توب انلر دخي بی محابا ياشوب  
 استد كلری قدر برايكي دفعه قليون نلر يي طولدر لر ايتمش طويلا ريسه خوش طويلا ورسه  
 ايراز سندن ايد رلردی حربي قليون اچندن مسلمان اسير لری بولندی پاشا زاده  
 قليونی اچندن بولنان كفره سيله و تيمور اغايي قيد و بند ايله كيسنه آلوب سندی  
 اولان امريله آستانه يه كتوردی دقايق امور عا مه دن بی خبر بيك كويا برايش كوردم  
 شكند تيمور اغايي و امری و سفينه قيو دلنی وزيره چيقاردی وزير خود اولد يير خلعت



کندردی قلیون اسیر بیلد ترسانه یه ورلدی امری رئیس افندی یه کوندروب دیوان طرفندن  
 بومقوله امرورلدی دیوسوال اولندی خیرورلدی کی یوقدر ساخته دردیو جواب وریاوب  
 غوغا باصادی تیمور اغایی بیلد وزیره چیقار میوب حبس ایند بلیش اون کیسه عرض ایلدی  
 النوب بعد ای صاتمق خصو صند سندی کند ویک ترور بیلد اولق تمبیله محبس  
 یوغیلوب دریایه ایلدی قیودان چاوش اوغلی محمد پاشا روز قاسم دن بش کونصکره استانبوله  
 وصول بولدی ایامغه کفار منکشه یه اولاشوب لکن ملاعین مغلوبا یوز قراغی ایله دونمش  
 ایدی اما ونجه خسار نلری مقرر قیودان پاشا ایسه جزایروسواحل مالکندن مال فراوان  
 جمع ایتکدن غیری بر مصاحت کور میوب بر مختصر قلعه غارتیه اکتفا ایدوب کلورکن  
 بر مسلمان ما و نه سنی خطاء یا نوب ایچنده وافر کور کی تاف اولوب خدمت مشکور  
 وجوده کتور ممکن تلقین صدر اعظم اوزن حضور همایونده معاتب و معزول اولدی ذکر  
 استیلاء تاتار بیلدله قریم خان اسلام کرای خانه له احوالی استعلام ایچون اتالی سفر  
 اغایی اوزی قراغی خطمانه کوندروب اولدخی لهند النان دیل خانه ارسال و اعلام  
 ایاد بیکه قرالی پکن سنه دن بروکند وولا بنده یازدیغی عسکر دن غیری نفیر عام ایدوب  
 نمچه دن دخی وظیفه ایله یکر می بیک تفنگ انداز کتور دوب بی حساب عسکر ایله البادر  
 دیملکه معروف قلعه سنه کلوب یه قلعه ایند کده دفتر ایله یوزاللی بیک قدر عسکری موجود  
 بولوب جمله سیله البادر دن چیقوب اوزریمزه طوغری یه ریوب حالا قارت قسطنطین  
 نام قلعه یه کلسدر بالذات خان عالیشان چیقوب امداد ایتیمزه ولایتی خراب  
 ایدر قار شوطو رمغه قدر تمیزو قدر دیملکه اول ساعت خان دخی شیرین بیکرینه  
 ومانقط و سنجون یکنه و سائر قراجی میرزاه الغار ایله آدم کوندروب بعد المشاور  
 اون کونه دک چقمق مقرر اولد قلعه مقدم بر مقدار عسکر خانک توجهن اعلام ایچون  
 کوندربیک مهم اولغین بیک قدر تاتان عثمان اسرار اولوب اوراق اوغلی میرزالدن  
 اسلام میرزا ایله قوشیلوب کوندربلدی اردنجه خان دخی شوالک یکر می یدنجی کونی باغچه  
 سدر ایدن چیقوب بشخی کونده کند ویک سرحدی اولان فرنگ مان قلعه سنه واصل اولوب  
 خندق ایچنده قوندی ایکی کیجه آرامد نصکره ذی القعدة نك دورنده چیقوب اون  
 اوچنجی ساعتده نهر اوزی اوزرند دیوان پکندن اسلام کرایه کلوب ایرنی اوزی صوبینی  
 یکدی وقزی التبخی ساعتده اق صوبیه نزول ایدوب طرف پادشاهیدن قاج قفتان ایله  
 یکر اغا کلوب استقبال و نکریم ایله کتوروب تسلیم ایلدی سحری کوچوب اون دردیجی  
 ساعتده صادران ایچنده دموکه نام یانقه قرینه نزول اندن نچپاک نام یانقه یه کیملوب برکول  
 کنارنده طاع ایچنده قوندی اول محله خطمان عسکرندن عثمان اغا کلوب ایرتسی نهر یا باغچه  
 اوزرند مار قوصقه و صوکوشکی نام یانقه لره قار شوزول اولند قدر بمقدار اتاوا یله خطمان  
 کلوب و سابقا بغداد و یوده سی اولوب معزول اولان لپونی یی بیلد کتوروب خانه بولشدی  
 مال اوپوب بیلد کلان قزاق بیکلری و اختیار لری قفتانلر کیدیلر و دونوب کیر و عسکرینه  
 کمدیلر و قونه کوچه احوالی ندا کیره اولوب نهر تورلیدن چیقان با باغچه و اوصو وافر نطق نام

انبارکه کنار لری قلعه لرو یانقه لردر قریه لردن یکم از و قدیم دن خطمانلر بیک قرار کاهی اولان  
 پار قلعه سنه و نمچه یه وارنجه واقع اولان ولایتک عمارتی تعبیر اولتیر یوزیکدن زیاده تاتار  
 عسکر بیلد نهر طور لی طرفندن خان کوب و قوجا بولی جانفندن قزاق عسکری کوب بوقدر  
 بیک بی حساب عسکرک اتلرینه ایکشیر کونلاک یم وریاوب اوغور لینه کلان قلعه و یانقه  
 و قریه لری اوروب حد و حصری یوق قویون و یال و یاغ و سائر د خا یردن آلوب مغتم اولدیلر  
 اما بر اسیر الدرمیوب والد قریبی دخی قیو و یروب ییله ایچمه قونه کوچه تخریب ایدرک یار  
 قلعه سی قرینه کلوب وصول بولد قارنده له قرالی دخی دانک و نام قلعه قرینه کلد کده تاتار  
 عسکرندن خیر دار اولغله بروجه له قرار مجال لری قالیوب فرار ایتیشلر بوخیر اند قده دل  
 ایچون دورت بشیوز تاتار عسکر بیلد عثمان اغا اردلر نجه کوندرباوب قرال البادر  
 وار شاده اولان عسکرینه یازدیغی مکتوبی کتورن آدم لری طو تیلوب سوال اولند قده  
 قرالک مرادی سزک کلدیکر معمور ولایت ایچمه کیروب اتلرینک یملرین آلوب و ذخیره  
 النوب بوقیش قزاق اوزرینه ییریوب قشلاق ایدی عسکر تاتاردن بی خبر کیدرکن  
 ایشتم کلری کی عقلاری کیدوب کیر و دونوب نهر طور له کنارنده حوتن قلعه سی  
 قرینه اوزنجه نام یانقه یه واروب صغندیلر ذخیره لری یوق اتلری زبوندر دیو خبر وریلر  
 اول محاکم لری نفحص اولند قده بروجه له آدم واره حق رد کدر انحق بریولی واردر بر طرفی  
 نهر و بر طرفی طور له و قوما نیجه دن اتان نهر عظیمه درو قلعه نك آردی طاغدر احتمالدر  
 صولر طو کوردیو جمله اطرافنه ایکی قات خندق کسدیروب متر سلیا پدیلر یول  
 اوزرینه طویلر قوردیلر کند و لردن امید کی شمشلر در اولرینه مکتوبیلر یازوب تدار کیمز یغیکن  
 اوزریمزه تاتار عسکری کلدی بوقیش ایچنده ذخیره سز قالدق حالمزینه نهر اوله جفی  
 معلوم دکدر دیشلر و مکتوبیلر دللر اندن النوب مفهوم معلوم اولدی خان مشورت  
 فرمان ایتدی قارت قوجه لر اوزرینه وارلغی معقول کورمدیلر مشورت بوند قرار ایلد بیکه  
 اطرافه اولان قلعه و قصبه لری احراق و تخریب ایدوب ایراقدن ذخیره سنی کسه لر  
 بو طریقه حرکت ایتیک رای اولنوب طابور لینه قریب و یسلاتن قلعه سنه واروب محاصره  
 ایتدیلر ذخیره و اوتلوغچه چیقان ملاعینی تاتار اسیر ایتیکله دشمن عسکرینه کوندن کونه  
 ضعف کلوب اتلری و عسکری قریقه با شلیوب جانارینه یکمکه اسیر لکه رضا و یروب  
 یلوک باوک قاچمغه با شلدیلر یکر می بیک نمچه دن بش بیک کافر قالمیوب کی اسیر و کی  
 هلاک اولدی نیجه سی قاچوب یا غیلد تاتان کلوب اسیر لکی اختیار ایتدی بومر تبه نصکره  
 صیره مجال اولدیغنی ییلوب دامن عفو و اعتذار با شلدیلر عقد مصاحفه در میان تاتاروله  
 بوقدر زماندن برومال و خزینه و مملکت کتر تنه معزور اولان کفار ضروری ترک ناموس و عار  
 ایدوب جرم و کناه لری عفو و اتمق رجاسیله خانک وزیر ی سفر غازی اغایه مکتوب کوندروب  
 و صلح اینده توسط رجا ایدوب قدیم دن ویره کلدیکر خزینه دن غیری تقدیر مال طلب  
 اولنور سه ویرم دیو سرفرو ایتیکله سفر اغا خانه عرض ایدوب خان دخی صاحبه رضا ویردی  
 بوندن اقدام ار یزاد قلعه سنه قبادوب محاصره ایتدیکیمز ده اولان صلح بزم طرفدن



نوزلدی نقض عهدی کند یلایوب کچن سنه اوتوز قرق بیك عسکری طعمه شمشیر  
اولوب بوقدر نامدار سیکری دوشمشاد در زینه اول عهد اوز زینه یوز چونکه مجددا طالب  
صلح اولمش امت محله نافع ایسه مشورت اولسون بیورلغله مشاوره ده امر او اعیان  
کیمی صلیح معقول کوروب بعضی فرصت غنیمی بیك کر کدر کامل یتیش کوندر  
پوعسکر زیر زمینده قیام آج و ذلیل اولوب جانلرینه یکمشد رلاق بودرکه برقا چکون  
دخی محاصره ایله بالکلیه طغر بولنه یاخود بونلر بوند طوروب عسکر قلعه لرینی وولایتلرینی  
آلوب یغما و احراق ایله اقتضای درسه و ارشاده دك واریاوب قشلا نه بولنه  
خالی مملکت بردخی اله کیرمزده هر کس برستوز سویلدی نکن خان اهل دل و حلم و مرحمت  
صاحبی مزبورلری اسیر کیوب بر اوجا قدر امان دیلد کد نصیحه کافر ایسه دد سوندر مک  
لایق دکلدر خصه و صا کبار سلف اضرا لا شیا محاربه من یطلب الصلح دیو بیور مشلردر  
دیوب اسان و یروب صلیح ترجیح ایلدی بیکر و اعیان فرمان سز کدر چونکه صلیح  
معقول حکور دیکر له ولایتنک ضبط و ربطی بیکر الله در جمله بیکر اولولردن ایکی  
آدمک اوغلاری رهن آکوب هر سنه خزینه کلد که ایکی رهن کتوروب تبدیل ایله  
دیو قرار ویریاوب کلان آدمی کوندر دیلر وارد قلعه عموما امر او عسکری قرال یانه جمع اولوب  
مفهوم معلوم اولد قلعه هر نه طلب اولنورسه و یروب مصالحه اولنق کر کدر والا عسکر  
اسیر لکی اختیار ایدوب چیقوب اول طرفه وارملری مقرر در دیو قریا دایتد کلد نه ناچار وکلای له  
طابورلردن چیقوب قنایچه قلعه سنه کلوب سویلشمکه بر آدم استدیله سوزا کلان  
علمدان ملا غنی اغا کوندر یلایوب بعد سفر غازی اغاوشین بیکی و سائر امرادن بشر التي  
بیك آتلوجیه وجوشنه مستغرق فحیه واریلایوب ایرتسی له عسکری قلعه دیبنه آلا یلرین  
دیزوب وکیل اولان قتلا زیوش و سائر امراسندن اون نفر آدم چیقوب برو طرفه  
دخی عسکر اسلام آلا یلرین قوروب سفر اغاوشین بیکی و اغالردن اون نفر ایله چیقوب ایکی  
آلای اورتاسنده برلر له بولشوب احوال صلح مذاکره اولند قلعه نجه معقول سوزلر ایله  
خضم الزام اولنوب نطقلری طوتلدی بالاخره ایتدک ایسه بولنق دیو معترف اولد قلردن  
صکره بزمه بارشقی استر سکر هر سنه خزینه کزی وقتی ایله و یروب و یادشاهک زیو  
دستند اولان مملکتنه اطالید ایتیمه سز و قزاق ولایتنه قصه مضرنه اولیه سز  
وبکار نکر دن ایکی آدمک اوغلاری رهن ویریوب دوستمزیله دوست دشمن مز اوز زینه عسکر  
طلب ایتدیکمزه عسکر ویره سز حالا بوقدر تاتار و نوغای عسکری خرج و زحمت چکوب  
کلدیله بونلر مال غنایم دین محروم دونمز لر ولایتکرا ایچنده استد کلدی قلعه و پلنقه و قریه لردن  
طوویلق الوب کیدر لر بوکارضا ویر سکر یار بشقلق اولور والا یوز سیکدن زیاده تاتار و نوغای  
عسکری و سکرسان سیکه قریب قزاق عسکری وارد و لا یتکره کیروب البادردن و ارشاده  
دکین چپارلر و یاقوب یقار لردید کلدنه ملاعین جوابه قادر اوله میوب احسان ایلاک  
بوکیجه لك قونوب آرام ایلاک بر دخی ببنمزه بو موادی مشاوره ایدوب و صباح  
جواب ویره لم دیو دونوب قلعه یه کیدیلر تاتار عسکری دخی قونوب اختیار لری

کفار بومر تبه زبون اولد قد نصیحه بارشقی معقول دکلدر همان رهن الدقلری غنی اغای آلوب  
ولایتنه اقین ایدلم لازم کورسه قشلیه لم دیو ابرام ایتدیله قیطاس اغا و قان محمد میرزا  
ایچرو کوندر یلایوب منلا غنی پی ویرسونلر شد نصیحه صاحبه رضامزیه قدر دید کلدنه  
له بیکر بیك عقلاری کیدوب نه وارا الحمد لله بوقدر اولنق ایشی یوزوب خشونت ایتک لایق  
دکلدر بر اوجا غری سوندر مک کلوب بردفعه دخی سویلشک دیویری بری آردنجه بیارلری  
کلوب تضرع ایلدیلر بعض اختیار سویلشمکه ضرر یوقدر دیونکرار واریاوب عسکر  
تاتار قارشلردنه آلای قوروب سفر اغا کیر واون نفر ایله میدله چیقوب سوال و جوابدن  
صکره اسلوب سابق اوزن بردخی نقض عهد ایتامک اوزن و تاتار و قزاق یوللردنه اولان  
ولایتی اوروب طوویلق آلق اوزن رضا ویر سز دینلد که اندر دخی جمله تکلیف لیکر راضی  
اولور لکن قزاق قلعه و پلنقه لر غارت ایتدیکنه رضامش کلد رباری ولایتنه عسکر بکری  
معتاد اوزن چاپوله ککوندر رک محرا و قراده بولد قلرینی آلسونلر والا بز کندی ممالک مزک  
تالاننه حسن اختیار رمز ایله رضا ویر مکدن اولک یکد رلطف ایدوب بومالا یطاق  
تکلیفی ایلاک دیو عظیم منت ایدوب یلوار دیلر بر مقدار ملایمت کوستروب همان  
رهنلری کوندرک دینلد که حالا سر دارینک اوغلانی و برویوده اوغلانی و یروب و هر سنه  
تبدیل لازم کورسه ایدوب من بعد نقض عهد اولنوب شرط سابقه اوزره  
محرمک یکرمی بشخی کونی صلح منعقد اولد قد نصیحه ده نیلر اولکجه و سلا تن  
دید کلدی قلعه یه کلدیلر طانه بولشوب ایرتسی عسکر اسلام ککوچوب بر محرا ده  
عسکر چاپول مراد ایدوب دفعی ممکن اولیموب خا و میر زال و اعیان بریره کلوب مشورت  
ایتدیله کیجه یله علی الغفله برالای خلق کیده یولر کتمسه لر نفی جوق ایدی لن خلق  
یونی ادراک ایتلر مال غنایم سز کیرویه دویمک ککوچلر یه کور دیو بوند نصیحه  
ضبطک دخی فائده سی یوقدر دیوب خان حضورنده موجود بولنلر عسکر دعا  
و ثنا ایله محرمک یکرمی یدنجی کونی چاپوله قویو و یروب دوبنه دید کلدی حصار ده  
یصاد دو کمک اوزره قرار ویرلدی خان حضر تلری بصا دده قلان عسکر و اغراق  
ایله کوچوب نهر دشتنویه زول ایتد که لدوس اسوب یغموور یاغوب صولک طوکی  
چوزیاوب بروجله عبوری ممکن اولیموب مشاوره اولد قلعه بونهر عظیم آتلری اورمق  
معقول دکلدر طورلی واق صودن چیقان صولر ایله اوزیدن چیقان صولک ارانی  
جورنه اسلاخ یولی دیکهله معروف بر عظیم یولدر طرفینی پلنقه لر و کویلدر خان  
یویلدن کیدوب عسکر غنایم آله لیا پول دخی کلوب ایریشور دیو اول یوله کیدیاوب  
ایکی طرفه ایکیشر اوچر کونلک یره دك عسکر تاتار بحر امواج و آتش و هاج کی  
یا یلدر نیچه اسیر و طوویلق آلوب قارت قسطنطین نام قلعه یه کلد که سفر  
غازی کند و اوغلاری اسلام اغا و غیری بر مقدار سکبان ایله مزبور قلعه یه کلوب  
بر متین قلعه در وارش خا قار شوقومغه قادر اولیموب عسکر قلعه ایچنه کیدیلر  
ونجه غنایم آلوب اخشامدن صکره کلدیلر بعد چاپوله کیدن میرزا لردخی کلوب وافر



طوبیاتی که در دیار بوسفر در شهر صید کجاری محله ذک غارت ایدوب بر زمانه اسلام  
ایاخی یا صمد دکل ایدی و ماه صفر دره دونوب و لایتنرینه کتدی لر رفع ارداف قضاة  
اشبهوسنه رجیند مفتی بهائی افندی به خط همایون وارد اولوب یاز مشر که سز که  
داعیز مفتی افندی یسر قضاتک منصبی بشر التیشرفات اولدوغی مجموع همایونم  
اولمشدر بوطال غایتله موجب اختلالدر اجداد عظام زمانه اولمغله بوکه رضام یوقدر  
انجق بر قاضی نک غزلنه دورت آی قالد قید براخر مستحقنه یوقدر توقیت ایله توجیه اولنه  
یوندن عیری من بعد اذن و رضام یوقدر قاضی عسکرله بیلد یروب محکم ثنیه اید سز که  
صکره ندامتن چکرل و مناصبی امتحان ایله ویره لر خط همایون موجب عمل اولنوب کسنه به  
خلاف رضای شریفم برایش ایتدر میله لر یوندن اقدام ملازم خصوصه ثنیه  
همایونم اوزن نقید ایلمه سز پس مفتی دخی قاضی عسکرله موجب خط اوزن ثنیه  
وارداف قضاتی دفع ایتدی لر سنه اربع وستین و الف قیودان شدن وزیر سالف مراد  
پاشا سنه جدید محرمی اولنده بدوندن دعوت اولنان مراد پاشا آستانه به وصول  
یولدی منجم اسمیل کندویه منسوب ایدی خبر کوند روب اختیار وقت امر ایتدی  
چهارشنبه کوئی التجی ساعتده وقت دخول مبارکدر دیوب غره محرم سبت اولمغین بشخی  
چهارشنبه کون قول مجتهد رعایه کوچک دلبند ایله شهره کیدیلر اولوزره واروب وزیر  
کند و ارقه سندن سمور کورکنی چیقاروب کیدروب نعظیم و ذکر یمن صکره پادشاه  
گوتوروب ال اویدروب قیودانلق توجیه و خلعت الباس اولندی وفات مفتی بهائی افندی ماه  
صفر کاون اوچخی جمعه کوئی بهائی افندی علت حناقدن وفات ایدوب ایرنسی سبت  
کوئی جامع سلطان محمد ده نمازی قیلمنوب وزیر و سائر ارکان و علما جمع اولوب یوم مشهود  
اولدی منزلی مقابلنده استقرا ایتدی کی جنیننه کوشه سنه دفن اولندی فذلکه ده دیر که  
مولانای مشارالیه خواجه سعد الدین افندی نک محمدی عزیز افندی زاده محمد افندی  
معتاد اوزن مدارس قطع مراتب ایدرک سلیمانیه به لندن سنانیک و حلب و شام قضالینه  
وبعد ادرنه و بیك الله بشده استأبول قاضی بعد ایکی دفعه اناطولی و روم ایل قاضی  
عسکرکی اولدقد نصکره عبدالرحیم نصکره مفتی اولوب بالیوز ماده سنه اوجاق اغالینک  
ایرامیله رفع و برغه اریه لغنه کوند رلدی بعد ایینه استأبوله کلوب ابو سعید افندی وقعه سنه  
ایکخی دفعه مفتی اولدوغی ذکر اولمشدر سنی التمشه قریب ایدی منلای مرقوم سرخیل  
قوابل روم صاحب حیثیت و شاعر طبیعت شعر و انشاده ماهر ذهن و قادی و طبع نقاد  
صاحبی بوجود ایدی اگرچه برفی کاینی اتقان اوزن تمام کوروب قانون تحصیل  
اوزن شغل ایتش دکل ایدی زیرا محبت یاران و الفت مکلفات ایله اوقاتی استغراق  
اوزن اولد یغندن غیری زمام اختیاری دست مرفه و مفرحاته و برمش و اعتدال  
مزاج حد و دندن طشره کشید ی لکن قوت طبیعت وحدت زکا و فطانتله  
ملکه استخراج مالک اولوب هر وادیده امثالنه مساوی کورینوب شرکت ایدردی  
تفصیل مورخ در که قبل الموت علام زوال و انتقالدن امارات عجیبه به مظهر اولمشدر ایدی

چله دن تبدل اخلاق ایدوب مشربلری لطف و مباحث و مکارم و رافت اوزن ایکن  
انتقالرینه قریب اوقائلده طبیعتلرینه خبروت و قسوت غالب اولوب جزئی امون تهور  
و غضب ناعمل کندولدن صد و رایدردی و صوفیه مذاقندن پاستنی مند اولمغله مشایخ  
و فقر اوزمره درویشان وضعفایه عطیه لر نامق طوع و ادخار مال و طمع ذمیمه سی مقتضای  
طبیعتلرندن مرفوع ایکن طماعان اتباعه رخصت و یروب کندولر دخی ابنیه مفرحه  
تعمیرینه تقید و افراط ایدوب لطفنه مألوف اولان محتاجلر در دایدوب عرض حاجاته  
جرات ایتد کرجه چین چین ایله قهر و نهی معامله سی ایدوب بر حبه احسان ایتد کارندن  
ماعد اول مقوله صاحب و اصحاب رجا نک کلد کارینه بیلر رضای یوغیدی اوائل حاللرندن  
اصحاب کاله بذل مقدر ایله سماحت ایدن دولت و امساک و ظنات ایله اظهار قسوت  
ایتمکه بشلا مشیدی و یونوبته اولان مغتیلکی اکثر توجیهات اغراضه مبنی اولوب  
مستعدنی چراغ ایتد داعیه سبکه مقتضای طبیعتلری ایدی مرتفع اولمشیدی  
بواشاده مورخه دیمش که سز درونی توجه منمقرر در فاما راذل مزاجه سندن قایره مدق  
الم حکمک دیشلر و برتنها مجلسه مورخ ایله تحقیقاته متعلق بعض مباحث مذاکره سن  
ایدوب بو وحدت وجود مسئله سی عجبا بیغمبر علیه الصلاة والسلام و اصحاب کرام عندندن  
دخی بو وجهله محقق و یواعتقاد اوزن می ایدیلر دیوسوال ایتشلمورخ دخی سلطانم وحدت  
وجود مسئله سی قدر بر مشکل بحث اولدوغی معلومدر و اصحاب کشف و کراماتک  
وحدت وجود دید کجاری کتب کلامیه ده مردود و مرجوح اولان وحدت وجود دکلدر  
زیر انا فانا متبدل اولان عالم خلقه وجود حق دیک خطای بدیهیدر انجق الاعراض ما یبقی  
زمانین مسئله سی متکلمین یاشند محقق اولدوغی کبی اهل کشف و شهود یاشند بوطالت  
جواهرده دخی ثابت اولوب ظهور و بطون بیننده فاصله اولد و غندن سرعت و حرکت  
سببیه شعله جواله شکلنده دائره وجود بدید اولمشدر کائنات مستقل وجود  
بولد قلرندن اسفل و اعلا جمله عوالم وجود واجب تعالی شانته نک آثار اسما و صفاتی و جمله  
اشیا اول عالم محیط صور مشئوناتی اولدوغی مشاهد ایدنلرک دید کجاری وحدت  
وجود با شقه معنایه در که اول معنای مؤید آیات قرآنیه و احادیث نبویه قتی چو قدر  
کمالیخی و مار میت اذ میت آیتی ایله استدلال اولنمیچ شبهه قالمز و مشایخ عظام مثل  
حسن بصری و جنید بغدادی و داود طائی و سیری بوسری خاندان نبوتدن تلقی ایتد کجاری  
صند الالهالی متعین نهایت انلرک عین الیقین مرتبه سنه رسوخلری بحثه محتاج اولد یغندن  
اولر مانلر ده بوسر واجب السزندن بحث یوغیدی بخاری نک بحث ادبیه ابوهریره رضی الله عندهن  
مروی علم الباطن سر من اسرار الله تعالی یقذفه قلوب من یشاء الله لایکره الا العزرة بالله  
حدیث شریفی وینه ابوهریره نک حملت عن النبی صلی الله علیه وسلم دعائین من العلم اما الواحد  
قبیلته فیکم و اما الاخر قلوبی ثلثة قصع منی هذا البلعوم یسور دینی اما زین العابدینک شعریارب  
جوهر علم لویج به لقیل لی انت من یبعد الوشا و لا رجال مسلمون دمی مستقل یرون اقیح مایا تونه  
حسناید کجاری چله بو علم خفی به اشارت در دیر لر انجق کیدرک محبت دنیا قلوبه مستولی



و حجب شکوک و ظنون متراکم اولغله مباحث متنوعه حدوث ایدوب سنوز جو غا مشهور  
اما حقیقت حال بود که بوعلم نفیس کشف و مشاهد علمید رجح و مقاوله فی دکلر و بوسره  
محرم اولان عین الیقین اصحابی نوامیس ظاهره و خدود شرعیه آدابنه علمای رسمیه دن  
زیاده رعایت ایدوب مرتبه انفسانه عبادت ایتیمکه قرب نوافل و قرب فرائض مرانی قطع  
ایتیمکه مظهر انوار ذات احدیت اولور و بودقیقه بی ادراک ایدن عارف جمع و فرقک باشقه  
باشقه احکامه راعی اولوب مقتضیات اسما و صفات اولان مراتب عالم فرقی احکام  
حقایق عالم جمع ایله بری برینه قارشدن مق کرکدر که فرقت جمع الحاد نسیمه ایدر لر و فرق  
هالته قلوب سر جعدن غیب اولماغه ده جهل عفت دیر لر و عند الشرع عالم فرق  
جمع صرفه قلندر دن خیر لودر دیر لر اهل الله جمع و فرق دیدکری ایکی بحر بی ساحلدر که  
بینهم بارزخ لا یغیبان منطوقی اوزن ارالی حاز اولان عدل محض اوزن حرکتدر که  
طرفینه دخی کما هو حقیر عایتدن عبارتد رایکیسنتک دخی حکمی و پروب سنت ربانی  
اوزن پورین مرد کامل جمع البحرینده بولمان حضور وقت اولسه کرکدر نته کم اهلنه معلومدر  
دیو جواب ویر مش کبار علمانک اکثری اواخر اوقائده تسلیت یاب اولق ایچون کتب  
اولیانی مطالعه اید کلام کاری اجدلدن بهایی افندی دخی یو وادیر ده دوستوب اکثر یاشیم  
اکبرنا لیفاتنه توغل ایتیشلر ایدی لکن چونکه بوعلم قال ایله اولمر حال علمیدر و بوند شرط  
اول تهذیب اخلاق و صفات کامله ایله اتصافد رطب و سلوکری طریقدن اولدیغی جهتن  
برخیال سارخ ایله متلذذ اولوب قالمیشلر ایدی و کویا سوز ایله مال مطلوبه و اصل اولدق  
مشکله سابقدن اید کلام کاری مالی و بدنی خیرات و صدقات ایله تقرب الی الله تعصیرات  
ایدرا اولدیلر توحید و تصوفک ایسه مبناسی اخلاق و اطوارده صفات کامله ایله متصف  
و معصم رخیر محض اولماقه حضرت واجب الوجوده حسب الطاقه اقتدا و تقرید که بوقریه  
کبار تشنید بالبداء الاول دیر لرسعادت اخرویه و لذات عقلیه نکه مبناسیدر قول بی فعل  
و گفتار بی کرد ارایله نجه حصوله کاور مع ذلک مولانی مشارالیه جمیع امورده کندو  
عقلی احاطه ایتدوکی مرتبه دن تجاوزه جو از کو ستر مدکاری کی کتب صوفیه ده  
دخی مطالعه لری اولوجهله ایدی حقلر نه اقاویل مضموم کثرت اوزن ایدی جمله سی ذکر  
اولمان انموز جدن استدلال ایله معلوم اولور و فائز ندن یکر می کون مقدم درویش حسین  
نام بر مجذوب که اصحاب جذبه دن بر مکاشف درویش ایدی ابوالسعود زاده صادق  
چای یه نا کهای کلوب قالدق نبی مفتی به کورتوردیچک اولدخی باش اوزن دیوب کتوردی  
قبود ان ایچو و کیر دیک کی بقه قضامتوجه اولدی قورتلانه فرین دیو فتح کلام  
ایندی منلا خواب غفلتدن اویانوب ددهم بوکه چان ندر دیچک درویش بوکه چان  
یو قدر بلایر دو عمری زیاده ایشیحی اموری سرتعلیم ایدرکن وقت رباده  
تاجر والله ترجوا قاعده سی اوزن شدت تدارکنی کورمکدن نه عجب غفلت ایدیکرتدارک  
و قتمه کرک ایدی حلا فرست قوت اولدی یول تدارکن کوردیوب بر عاقلانه جواب  
ویردیکه دهشتدن منلا نکه شعوری کیدوب استیلا ی خیر تدن درویش هله اوتورک

دفعی باینه توجه درون ایله لطف ایدک دیدک درویش آگاه ایتدیکم زده لطفدر  
دیوب فرار ایدرکی مجلسدن چیقوب کندی درویش احوالی محرب بر مجذوب اولغین  
بووضعندن منلا متاثر اولوب اول ساعت تکیه کرده اولان فقرایه و اولدن بلد یکی صاحب  
وضعفایه صدقات و قربانلر و پرچ و یاغ و برلک اوزن دفتر ایدوب کتخد اسنه و موزعنه  
و پروب بوکون یونلری توزیع ایلاک دیو تنبیه ایلدی اما منلا نکه راحتی کیدوب خوف موت  
ایله بی حضور قضای ربانی اول کیجه واقعه سنه کورکه کندوی عربیان ایدوب بر حریر  
ایضه صاروب خانه سی قارشو سنه اولان باغچه سنه بر اغاج التمه کوچک چادر  
قوروب بوند اوتوردیمش ایشی پیدا اولدوغی کی بو موخس واقعه درویشک کلامی  
موید ایدوکنی ادراک ایدوب اوچموز فلوری چیقاروب تصدیق ایچون موزعنه ویردی  
اول سفیه مغرور اتباعی اولان دتکیر افندی و سوسنه یه اوغرامش انجق دیوب اول التون  
و قربانلری و سائر صدقاتی مستحق و محتاجینه و برمیوب هوا دارلری اولان شته و دوز و مقوله  
قوز غولتره بذل ایدوب بویله شیلرده دخی تجارت درنده دوستوب بعضیستنه اکل و یاغ  
ایتیشلر یوناز مصطفی سی ثقل ایتیش افندی نکه ظاهرده برعلتی یوق ایشی کون سبت  
کوتی پکوه ییلور سک ایدردیدی مکر منامه عینی ایله بویله دیشلر واقعا ماه صفرک  
اون بریچ چهارشنبه کونی جز نجه جماعه سال ایله باشند بر نازله طار یوغازنه منصب  
و حناق حدوث ایدوب چهره سی بادیجانی لونه کیروب تنفسه قازا اولدی اطباء کلوب  
قوللرندن فصد ایدوب معالجه قیدند اولدیلر کندولر هنوز شعور لری و ارایکن اطباء یه زحمت  
چکمک بونک درمائی و قدر دیدیلر کتب طبعیه ده خیط ارجوان دیدکاری ایلک رشته سنی که  
دیار مصر یه دهه واقع بیمار خانه لده تریاق پیمان حناق اطباء طوتدروپ تریاق ایچون طبع  
ایده جکری یلانلرا اسنه کلان افی بی رقمزی ایشی نلینه یوغوب شروط و قیودنه رعایت  
ایله بریره اصار لایش اول افی اولوجهله یوغلوب اولد کد نصکره بووجهله بینلر نه معلوم  
اولان قدر افی یوغیلوب بعد بوایشم تلنه خیط ارجوان نسیمه ایدر لایش بونک خاصه سی  
حناق علتته مبتلا اولان آدمک یوغازنه باغلنه اول ساعت اند فاعه باشلیوب بحکمه الله  
تعالی یکر می دورت ساعت مرورینه ذکحت پذیر اولور مش و نونائیر خواص مقوله سندن  
اولق اوزن مطولات طبعیه مذکور ایشی مد العمر اول رشته یو مرضک اتواعنه  
علاج اولق اوزن صاقلغور ایشی وجودی نادر در مصر و الیسی یاخود منلا سی مراد ایدوب  
پیدا نجه محتاج ایشی اطباء دن بری یونی صاغلوق و پروب اتباعی نفخه کیدر روز بر ترخونجی  
یاشام صمدن بر رشته کتورمش و خزینه دارنه قالمش رشته بی بو لوب کتورنجه  
افندی نکه رشته عمری کسمسته اولوب حکم قضایرین بولدی اوچن جمع کونی غیری  
پیخود دوستوب حین تلقیه نه شهادت کتورد کار نجه ایکی کره باز مقبرین والی قالدروپ اول  
اشارت ایله تسلیم اولدی جالا خانه لرنیک مقابلنه قریب کوشه ده دفی اولندی دل حیاتلر نه  
اول کوشه یه اعتنا ایدوب بر سمیل خانه احداث اولانسه باغچه حقه واقعه بیر عذبتن  
طولیه احد ایله صوچیقار مق قالدردیو تعمیرینی دوستلرینه استیثان ایدردی حتی



بویقنارده مدفن اولاق دخی انسددر کله سنی زبانه نندن باری اولوب انطلاق حق ظهور  
ایتمشیدی حالا اول کوشه جکه آسوده ریاض جنت اولوب یا تور رحمة الله علیه حقا که  
ذات بی معادل عرفنده بکانه وقت ایدی وفات ایتدکاری کونک ایرتسی خصوم فرجه بولوب  
قره چلی زاده محود افندی موتنه پیری صدر الدین زاده پدیده دورت بیگ التون ویر مشاور  
ایمیش عرخیال ایدوب تحصیل ایچون چاوشلار تعیین ایتدیر کذلک قیودان محیوس  
علی پاشا تخلصی بایمده شفاعت نیازنه دورت بیگ التون هدیه ویرمیش ایمیش آئی  
دخی دعوی صدن اولوب شفاعتی ایله خلاص اولمشیکن طلب وتضمیق ایتدی  
معهود قهوه جیسی وزیر قیوچی باشی اولدی و غفلتانی تحیره تعیب تعیین اولدی مفنی شدن  
ابوسعید افندی ثالثا ابوسعید افندی ثالثا مفنی اولوب ینه قیوسی مرجع انام اولدی  
بهانی افندی بیگ اریه لقا نندن مدالی اطه سی مخدومی فیض الله چلی یه اریه لق اولوب  
استانبول پایه سیله اعزاز اولندی وقیودان علی پاشا طلاق اولمش ایدی الذان سفینه لری  
وجمله اسباب واشیاسی ینه کندویه ردفرمان اولندی ومذکور علی پاشانی باغلیوب کوندرن  
مورن پاشای بیگ قدر رسوار رو پیاده ایله خراجلر جمعنه مشغول اولوب دفتر دار پاشایه  
استناد اسپاه ورعیت وقاضی دیموب اضعاف ومضاعف جمع مالک و کفره بی ضرب و حبس  
ومصادره بروجه ظلم ایتدی که مقتول ظالم یوسف رحمت اوقویدی مورن رعایاسی گروه کرده  
استانبوله کلوب رفع رقبه یه متهبی اولدیر لکن خامیسی دفتر دار مورن لی تعین تام واقعدار  
مالا کلام ایله مستقل وحی طمشوازه نقل اولنان دفتر دار سابق سورنازن مصطفی پاشان  
یوزاللی کیسه طلبنه بدون وزیرنه خطابا فرمان ایله مباشر کوندرلدی خراج محاسبه جیسی  
بولوی مجدی محمد افندی اناطولی دفتر دار لغی رجاسنه اون کیسه ویروب وعد اولند قدر خراج  
محاسبه جیلکی قبوری زاده یه ویرلدی کندوسی تهی وعد ایله انتظارده قالدی ماه صفرده  
پیکچری اغاسی عزل اولنوب رکبدار شهر یاری کورچی سایمان اغایه وزارتله پیکچری اغالغی  
ویرلدی وسایقا بوستانچی باشیقندن دیاربکر ویریلان صاغر محمد پاشا عزل و دیاربکر کورچی  
پاشا برادری جعفر پاشایه وریلوب منسلی وارد قدر صاغر محمد پاشا وفات ایلش ریح الاخرده  
کرید طرفندن خبر کلد بکه حسین پاشا تکرار کافر ایله محاربه ایدوب اوج بیگ مقداری  
کافر کشته تیغ ایدار اولمش وینه بوماه وقاعدن کسندن اغاسی قایقی محمد اغا که قایق  
خانه بکجیسی دیملکه مشهور بوستانچیلردن چقمه حاجی ومالد اروط طالب علم فقه وبعض  
مقدمات کورمیش بوستانیان بیننده خیل صاحب استهوار کسسه ایدی صلابت اقدام  
اصحابندن اولمغله قوت مالیه ایله چوق خدمتله ومصاحبتله قارشمغله محسود اولوب آکابر  
دولتدن نیجه کسسه لک خصوصاً مورن لی دفتر دار کینه قدیمه لری اولوب بریمه ایله  
کندونی اعدام ومالنی التقامه فرصت ارارلدی بوندن مقد مجه مورن یالیسندن یوزاغای  
کفار یغدا صایق تمتمیله اخذ و قتل اولمشیدی بعینه مزبورده بو تهمت اسناد  
اولنوب طوغری بولدن زمان قلیلده بو قدر مال نیجه پیدا اولور بینی بشه کافره ذخیره  
صاعغه قارون وقت اولدی دیملره قتلنه فرمان چقبوب وزیر اغا نندن عبدالکریم اغا

مباش تعیین اولندی مکرر قوم مجد اغاده استانبول کندی حقه بومقوله گفتگو اولدی  
ایشیدوب و بعض دو عسکری دخی مکتوب یازمغله کسندن دن قالقوب قیویایق وحسای  
اسکات سودا سیله استانبوله کورایمیش مباشر مزبور اثناء طریقه راست کلکه حسب الامر  
طوبوب باغلیوب استانبوله کتوردی حبس ویرغیلوب قرق الی بیگ غروشر نقودی و واقراشیاسی  
میری به النوب دفتر دار و ساری اخذ انتقام ایتد ک دیوشادمان اولد بلر چوق یکمدین دفتر دار  
دخی بلا سن بولدی نته کم کسه کر کدر ویروخد مت مقابل عبدالکریم اغایه سلحد ار اغالغی  
ویرایوب بوملا یسه ایله سپاهیلر اغاسی شعبان اغلک منصوبی اخره ویرلدی سابقا وزیر اعظم  
مراد پاشا بلندن کلوب قیودان اولوب امور ترسانه بالاستقلال رأینه مفوض اولوب وزارت  
تذکره جیسی صکره قیو کتداسی اولان قره کوز محمد افندی بی کتخدا ایدمشیدی زمان  
صدارتنه کی اوجاق زور بالینک استیلاری هنکامی ایدی جمع ایتدی بی خراش عظیمه بیاضاعت  
ایلزدن مقدم مهر دن قصرد ایتکه تخلص کریبان ایدوب اول مال بی پایانی کزید ومصادره دن  
قور تارمنس ایدی بو قدر زماندن بر ویدوندن دخی اموال عظیمه حاصل ایتکه بش الی بیگ  
کیسه یه مالک اولدیغی تو اترتبه سنده اولوب عموم اتباعی علی الخصوص کتداسی مزبور دخی  
اوج یوز بیگ غروشه مالک متول روز کار و قوجه نشانی کریمه سن زوج ایدوب بر هفته ستبار و  
صور سرور ایدوب عموم ماورازار کانه علی الترتیب ضیافت ایلدی اطیار غنا و عجمه مائل کسه  
اولمغله کتداسی احمد چلی نقل ایدر طقسان عدد سمور فاخر کور کوری اردر سرور بونلری  
هب کیه مزبوعه دخی عرضیز تحمل ایتد دلتا سر مک مشکل طور مغله ضایع اوله یورد پایش  
ومالک اولدیغی رخت و بساط و سیم وزرات دیوانید اوج وزیره کفایت مرتبه سندن افزون  
ایدی دیونقل ایدردی زادن سرحدن ساقا عارت واحکام اولنوب ایچنه لوازمات  
ومستحقظین قونلان کین قلعه سی اوزینه اون اپکی بیگ کافر کلوب حی ریم یا پالمعون  
سردار ملا عین اولان کین دینه قرمز چوقد تاج و کند و صورت مخصوصه سیله منقش  
بر سر غوج و بعض نسبه رکودر مکانه ااعتبار افرنگ ونجه و محاروطوت وغیریدن اون اپکی  
بیگ کافر کلوب طویر چکوب کین قلعه سنک محاصره سنه هجوم ایتد کزنده بومنه والید  
وزیر فعلی پاشا ایلانوقه دیولنوب ایلت عسکرین نفیره مامور ایتد بلر یوسنه اوجاق زاده  
لندن علی بیگ مشافهته پاشایه کلمات صواب سوا یوب بالنفس کند و ک نقید ایتیموب  
سندخی نکه لو پاشا کی ملککی کافره می ویمک استوسن اگر انجیلین دیره نورسک ایواو لار  
بولندن تهدید آمیز ادا لایدوب بی پروال کوسقردی فضل پاشا بولوب ایلت عسکری  
ولوندا تیله کافرک ماوراسندن واروب محاربه عظیمه اولوب همان شاهین پاشا اغلی  
حیدر بیگ بنفسه اون کافر اقداردوغی مشهور اولمشدر کفارک یکر میدن متجاوز پاش  
قیودانلریله بیگ ایکموز کافرک رؤس مقطوعه سی و اوچیوز زنده کافر النوب ملا عینه  
منهز مافرا ایتدیلر حتی اثناء معرکه ده باسکری اولان اول سرغوجی ملعونی غازیلو  
ملعون ایا طه ایدوب اعتقاد سیدینه بناء کندونی ریم یا کوندر دیک طوبک  
اوزینه براغوب محکم صا لندی زنده اسیر ایتک ایچون طوبدن آرمغه چالشدیلر



ایرانی مکن اولیوب قاج او شروب پان دی یارباشتی و سر قوچی الوب آستانه یه کوند زدیله  
 او اخر جمادی الاولی ده بیک ایکیوز کله و اوله هلاک اولنلردن ماعد ایکیوز یکرمی زند کافر  
 بوجیه طبل و سنجاقلر و نیجه تحفه جیه لکلوب وصول بولدوغی محفلند ذکر اولنور حتی نقل  
 ایدر لکه اول معرکه ده اولان ملا عینک اکثری جیه وجوشنه مستغرق کونک دمور اولغله  
 آلات حرب کارا تیمیوب همان غازیلر نیجه جلادت ایله خنازیرک کریمانیلرینه یاشوب  
 زمیننه چالار قارند نصکره میچ و خنر و غدارنی دیرلرینه صوقوب او یله قتل ایلمیشلر جمادی  
 الاولی نیک ایکنی جمعه کونی نوروز ایدی طالع سنه اسد زخل طالعده مرغ زهره عاشرده  
 و شمس قرع طارد تا سعاد مشقری رأس ثانیله ایدیلر بو سنه ده برکسوف سلخ رمضان  
 اسدده طالعی عقرب مستولسی مرغ و برکسوف نصف شوالده و آخر سنه ده ذوالیه  
 غلام مهوله در آسمان و زلزله عظیمه احکامنی یازدیله و قیش ایچنده ربیع الثانیله دلو ده  
 اولاجق کسوفی ثانی احکامندن اولق اوزن استخراج ایشلرایدی وقعه خادم قرینداشی  
 حسن اغادر قو بیه موئی الیه قونیه اعیانندن و مشاهیر سپاهک نامدارلندن اولوب کمال  
 تسلط واسطیلا سنی بکریکی مجود پاشاهضم ایدلر میوب مقدمه ماحضی اولان حلواجی محمد که  
 دینلرینه عدوت و ارایدی آستانه دن خدمت اوامر ایله واروب مزبورک اوغلنه و آدملرینه  
 اولوشدروب حیلله ایله یاندن طاغدد قد نصکره مجود پاشا فرصت بولوب کیجه شهرلی بی  
 ایاغه قالدروب اولد اتیلر واروب اوینی باصوب وافر جنک اولدی حسن اغا دیار دلوکندن  
 چیقوب فرار ایدی اوینی تحریب و غارت ایتدیله بر قاج آدم دوشوب صکره نیجه دفعه  
 قیل قاله سبب اولمشیدی وزیر درویش پاشا مخصوصا اسمالت نامه یازوب در دولتله  
 کتوروب قیوچی باشلیق ویرلشیمکن قبول ایتیمیوب کتور واسامه سی فصیح اولنوب ترکان  
 اغالی ویریلوب معزز کوندردی قتل دلی سپاهی سیمواسه اسکی سپاهیلردن نیکسارلی  
 دلی سپاهی نام قوجه سپاهی در دولتله وزرا قیورلده مصیحت کدار اولوب بعض جمعیتلرده  
 نفاق ایدر دین حسن اغا و غیریلری کندودن مستشعر ایدیلر مزبور دلی بعض خدمت انزالیه  
 تمیش ایدردی بازه حسن اغا استانبولده ایکن اولدخی کلوب نیجه دفعه حسن اغا ایله مناقشه  
 واقع اولمشیدی حتی بود دفعه اثناء محافقه ده مزبور دلی بازه یه خطاب ایدوب سنک حالک  
 معلوم و کارک چوقدن تمام اولوردی وارصد راعظمه دعایله دیش ایدی بازه حسن  
 ترکان اغالی خد متبله معزز و مکرم اناطولی یه چقد قده حین و داعیه مکر و زیره واروب  
 سلطام کیلارچی دلی و متافق حریتدر شونک وجودنی قالد یریم دیواسنیدان ایدوب  
 اسمالت مساعده اولمش ایدی طلالی نیکسارده ساکن ایکن حسن اغا بولک تعیین ایدوب  
 قید و بند ایله کتوردکده سبب نی یه متعلق بعض سوزا ثبات اولنوب حبسه کوندلرلش  
 ایکن سلیم عرب قاج ایله چالوب بوسباب منافق حبس ایشک نه لازم دیر قتل ایدی  
 حالا نیک ایله مناقشه اوزن اولان حاجی احمد اوغلی عمر بیک زاده محمد بیک کبابا سن کوچک  
 احمد پاشا حلیله قتل ایتیش ایدی حالا ایشیر پاشا حلیله مزبوری اله کتوروب بازه  
 حسن اغا یه دوستلق یوزندن آستانه یه کوندردی وزو بارلندن اولق تمبله پادشاه

پادشاه عالیه پان برکون بعد العصر کوشک چیقوب چشمه اوکند یونی اولدی الی له  
 جمادی الاولی حوادثند ندرکه سقلاب طرفندن کلان الی دیوانه واروب بغض مدایای  
 جزئیسه ایله برکومش ات اوسته برکومش آدم نقد عبدالد نیسار معنی منز عین الکفر  
 بالاشترک بالوثینه کنایه سن اشعار در واصل اولدی سلسله بوماه ایچنده شیخ الاسلام  
 ابوسعید افندی سلسله ایدوب مطلع دولتند قوجه باش مجود افندی بی سلسله وانی علی  
 افندی ایله بطریق المبادله یکی مراد پاشا دن محنه کتور مشلرایدی حالا یکیشهر قاضیسی  
 صاری علی زاده یکیشهره وارد قله اعیان شهر ایله امتراج ایدلر میوب فاصه تله متمکن قضایان  
 یوسف افندی نام بر مرد بیر که متمول و اعتبار ایله صاحب استهارد در بعض قراده حیدودلر  
 رعایا اولرین باصوب بر مسلمان عورتیله شیشله کباب ایتد کارند منلا آدم لر تعین واله  
 کتور یابوب غارت ایتد کاری اموال و استیادن الارند شی بولنما غیله معین اولدی دیه قازغه  
 اورد قله مکر اول حیدود لر قاضی مزبور یوسف افندی نیک چوبانی ایش منلایه بوسمیدن  
 غرض ایدوب خلقی ایاغه قالدروب نیجه اسناد ایله اوزرینه هجوم ایتدروب قاضی جلالی  
 اولدی دیوند ایتدروب عامه خلقی باشنه او شوردی علی زاده افندی ناچار کیجه ایچنده  
 قاجوب الا صونیه یه اندن سلا نیکه واردی استانبوله کلد کله یکیشهر دن شکو و اجیلردخی  
 کلوب پاشا دیوانه استانبول قاضیسی حضور ند مرافعه اولوب بر ماده ثبوت بولماغین  
 مشا کیلر طرد اولندی یکیشهر سلیمانیه دن حمار قبان افندی یه یری سلطان سلیمان اواره  
 زاده مسعود چلبی یه یری چشمی زاده ایله طاغستانی مصلی چلبی بیمنده منازعه و مشاجرت  
 اولوب پوئاده شام قاضیسی عز زافندی زاده احمد چلبی اطوارنا هموار ایتمکله شام والیسی  
 دفتر دار زاده محمد پاشا عرض ایدوب البته قالدیرک یوخسه قتل اولنوردیو تحریر ایتمکله حلبه  
 نقل اولنوب حلب دن شعرائی زاده مکله یه ایکنی زاده یرینه واروب و شنه زاده دارا لحد یتدن  
 شامه قالقوب لیا صوفیه دن شروانی احمد دارا لحد یتد کلوب چشمی زاده ایا صوفیه دن دخی  
 ابایا تمکله مقاولات و منازعات چو غالدی بالاخره مضلی چلبی سامیه یه چشمی زاده راغا  
 علی الانف ایا صوفیه یه اولوب بوتقر بیله تذکره چی عبدالله چلبی ادرنه قیوسی مهر ماهند  
 الی انچه ترقی ضمیمه یرندن التمشلی اولوب صحنه ردوسی ولی چلبی اسکی علی پاشا مدرسی  
 نکفور طاغلی مدرس زاده وعاشق پاشا شیخی اوغلی ایله برو سه لی مفشس چاوش  
 زاده که اسکی مراد پاشا ده در محنه واروب کوچک چشمی زاده ایله مبادله ایتدردی  
 ولفظ مبادله ایهام قبیح اولغله ملا حضرتلری مسافه نسیمه ایدوب اصطلاح جدید  
 وضع ایتدیله موصله لردن ایکی سلسله ایاغی اولامفش احمد افندی یری محمد اغا  
 و خضر زاده یری سنان پاشا محلول قالدی و بروسه سینو بی عیسی افندی یه محن  
 ایکن توقیف اولندی غرابت بوند اسم یری ییاض الیقونش بروسه امری قید  
 اولندی بی رئیس افندی طرفندن نقل اولندی و بوماه ایچنده مولی آق حسن روم  
 ایل قاضی عسکری ملک زاده یه نیم فصلم سندن قالورمی سنکه امخسانه قادیرم  
 استه کتاب دیو تحقیر و متعلق سوزلر سویانوب بر قاج قاضی بی دخی اویدروب



مخاصه و شکوی صد دند اولغله ملك زاده و زيره واروب شكوى ايتدكك آق حسن  
 و هوادار لری نفی اولندی جمادی الاخره غره سنده کرده ان دامادی عبدالله افند بکه  
 مصر پاشا سیده امتزاج ایدیه میوب عزلی بایند مصر والی سندن عرض کلشیدی و زير  
 غرضی کتورن کسنه بی منلایه کوندر و ب مصری بزم چلبی یه و برک دیلسانا خبر ارسال  
 ایتدی مفتی دخی بیورد قلمی چلبید ردید کله ابو السعود زاده محمد چلبی درد دیو جواب  
 کله کله اکا توجیه ایتدی لر کند و لساندن مسعود رحسام زاده افندی بزی و زيره تعریف  
 ایدوب کند و مقامزه لایق بر محمد و کتریند دیو تر بیه لایتمشیدی اکابناء صاحب دولت  
 بزه التفات و محبت بیورد بیلرد دخی اولدن معارفز بیه یوغیدی حتی صدر اعظم بالذات  
 یا که خطاب ایدوب حالا مور مصر مختلدر سزدن غیری مصری بفرده اینانه مرز دیو  
 بیورد قلمی نقل ایدردی اماد سنبوس همایونه کیرد کله پادشاه حضور نلری عتاب آمیز  
 خطاب ایدوب مصره بوندن اختیار آدم یوغیدی بقه برخو شجه سلوک ایل و الانه سنی  
 و نه مصری سکا ویرمکه سبب اولانی صاغ قورم دیو تهیدید بیورد قلمی ثقاتدن شیوع  
 یواری و محمد و ملک و زيره سبب انسانی صکره معلوم اولدی نته کیم کاسه کرکدر محمد و  
 کزین خاله سی غمیقه قادی ن دلالتیه ملک خاتونه روی نیاز کوستر مکی سبب بقاء دولت  
 بیلوب بی معارفه سابقه ایدوب ساکن معهود شعبان خلیفه زیارتنه عرف و صوف  
 و طم طراق ایل و واروب شعبانک صقلد و غی مقرر فاما بقدادی زاده محمد و مذکور حین  
 و داعیه شعبانیه نیاز ایدوب سلطانن بر و جام وارد یوب شعبان دخی استغفر الله همان  
 بیورک باش ایزرینه دید کله سعادتلی قادی ن افندی یز حضور تلرینک بزدن اللرن اوپوک  
 الله امانتی دیو سیمارش ایلدی شعبان کال بخالقدن سرخ رنگ اولوب نه جواب ویرسون  
 تاعثم ایل و باش اوزریشه دیو رک تودبع ایلدی و فیه من الحسنی مالا یخنی یوسنه سرحد دند  
 فضل پاشانک کوندر دیک پاشا و دللر و غنائم جمادی الاخره نک یکر میسند کلوب  
 و وصول یوایوب کتورنلر خلعتلر و احسانلر اعطا اولوب یو خبر طفر اژدن پادشاه و حمله  
 امت محمد ستر و اولدی لر احوال دو شمار و زعفران بش کون مرورنده کافر قلیونلری بوغازه  
 کلوب تمشالقی اوکنده یاتد قلمی خبری کلدی قیودان سابق علی پاشا لوح قدرغه ایل و یارو  
 کوندر ایدیکه مغرب کیلرینی بر موضعه جمع ایلایه و کفارک احوالندن خبر اله و قدیمی امراه  
 دریادن سویدان اوغلی محمد پاشا معزول و مدیون قالوب خیل زساندن مغلول ایدی  
 ترسانه طرفندن کندویه ویریلان قدرغه و کند و قورصه لر یله سینه سفره مأمور اولدی حالا  
 پادشاهک خواجه سی طواشی ریحان اغامر حوم سویدان اوغلو قوللردن اولقی تقریبیه  
 مزبور سویدان زاده استدانه ایل و وزیر کتخداسی علی اغایه مراجعت ایدوب ریحان اغایر دخی  
 مشفیج ایدوب ترسانه کتخد الفغه شدت طلب اظهار ایتد کله قیودان مراد پاشا نعدن  
 ایدوب ویرمدی سویدان زاده یه اگر بکا عرض نیاز اینسک ایدی ویردم چونکه آخره مراجعت  
 ایتدک انکی چون ویرمزم دیوب ترسانه کتخداسی جغاله زاده مصطفی کتخدا ممکن اولدی  
 پواشاده سویدان زاده نک میردن او توز کورچی طوئلق ایچون ویریلان اچیه سیده برمقدی

قراییدوب سویدان زاده یو فلاکت محندن واروب قیودان پاشایه اعلام حال ایتد کله خصم  
 یانی اولان ترسانه کتخداسی قیودان پاشایه کچوب کذب ایدرا اچیه بی هوا سینه تاف ایدوب  
 مقدمی کند و قاچر مشدر دیو غیر طریقیده سویلد کله پاشا دگلیوب سینه سفره مأمور سن  
 دیو سویدان اوغله ترسانه طرفندن چاوش کوندردی اولدخی بن قادر دکل سفینه بی  
 السونلر ترسانه دن بر قاج اچیه علوفه مزوارانی دخی استد کزینه ویرسونلر ککند و  
 قورصه لر یزدن دخی کچدک کیمکه بر وجهله قادر دکل ترسانه کتخداسی بکا خصم برین انک  
 مشرندن نیجه امین اولورم دیوب تکرار قیودان پاشا طرفندن نصیح و استیالت اولوب  
 کتخد ایتک کلماتی کند و حقه مسموع دکل ایدیکی تفهیم اولمشیدی یوسنه طرفندن فضل  
 پاشانک کوندر دیک اسیر لر کلد کله قیودان پاشا کتخدایه امر ایدوب او توزینی سویدان  
 اوغله تعیین ایتد کله تسلیم اولوب علی ازاله قلندی سویدان زاده قیودان پاشایه  
 مسرور واروب دستبوس تشکر ایتد کله بر طوئلق سایه چوقه احسان ایدوب استمالته  
 تطیب ایلدی چون یوسنه مبارکده عموما عصا کر بحریه غزای جره مأمور اولمشلر  
 ایدی طریاسدن یدی یان معظم و مکمل جنکبی ملوق قلیونلر کلوب طوب شنکار یله  
 واصل اولدی طریاس اغاسی محمد اغا نام اختیار کاردان و قلیونلر قیودانی کوچک محمد  
 نام مرد صغیر الحنه و کثیرا تجر به زیاده اگر امه مظهر اولدی لر قیودان پاشا دو تمام مشورتنه  
 یوایکیمستی مستشار ایدوب یومعنی ترسانه کتخداسینه سبب حسد اولمش ایدی برکون  
 طریاس داییلرینی پادشاه دستبوس ایتدردیلر یو کیفیت ایل و پادشاه ترسانه با اچیه سینه  
 ساحله براسکله ده او توروب وزیر حاضر اولوب قیودان مراد پاشا سلبی ایل و اردنجه  
 مارالذ کر محمد اغا اردنجه کوچک محمد بر قاج معتبر داییلر ایل و قیودانلر ایل و زانوی ادلی زمینه  
 قویوب بعدال قاوشوروب طوز دیلر پادشاه خوش کلد یکر دید کله تکرار زانوی بر زمین  
 ییلوید بلر اول محل کوچک محمد ییروپوب دعا ایدوب شوکت او پادشاهم یو نیجه ییلار در خراین  
 و عسا کر ضایع اولوب کاینقی دشمندن اخذ انتقام اولمدی حالا دولتک مکمل قلیونلر  
 و مستوفی غازی لر ایل و کیشزدن تا که هر حال یا نا ئل شهادت یا باعث فتح و نصرت اوله وزدید کله  
 الطاف همایون پوروب اولحل دوات و قلم اسنیوب بر خط شریف ویردیکه طریاس قلیونلرینه  
 هر نه لازم ایه کند و لرک تعیین و طبعلری موجب نیجه بالتمام ویر یله مهمات و آلات مقوله سی  
 ترسانه دن یکسماط و زیتون و حبوبات و ما کولات مقوله سی وزیر طرفندن ویر ملک اوزن  
 قنبیه بیور یوب خط ویر دیلر بونلردخی یکی دفتر دوزوب قیودان پاشایه ویر دیلر وزیر عرض  
 اولند قن تمام ویر یله دیو بیوردیلر دختا و مهمات و آلات دفتر ی ترسانه کتخداسی جغاله  
 زاده یه وارد قن العجب که اون دورت بیک غروش دین ایل و ترسانه کتخد الفغه نا ئل اولوب  
 ایکی سینه دن برو نیجه بیک غروشه و املاک و عقاراته نا ئل اولمشیکن سن شیخوخته یو یله  
 بر غزایه توجه محندن طمع و غرض تمشیتنه اغاز ایدوب اولایار ویت و سائر مهمات هر نه  
 تعیین اولمش ایه مناصفه ناقص ویروب حتی هر قیلونه لازم کلان تخانیه تعبیر اولنان  
 برالت که طریاس سیدلر هر ات یکر می بستر قنطار اولقی اوزن تعیین ایتمشلر ایکن اون بستر



قنطار ثمانه لروپ سائر احبابی دخی بویه ناقص و قلیونلرک طوپلری دمورطوپلر اولغله  
هر قلیونه دور در عدد طوطوب ویرلک یوزلغین اسکی و سقاط طوپلردن عمل مانده لکه  
یا قشلمش دور در طوطوب ویردی بومعنادن منفعل و کتخدا یه رنجیده اولدی لر حتی اولگون که  
پونلر حضور هما یونه کیروب زمین بوس ایتد کیری مجلس اولده سوال و جواب تمام  
اولد قن پادشاه اشارت ایتدی داییلره بر خلعت و اون بش کیسه نقد غروش احضار  
واعطا ایدوب شویله یوز دیلر که هر قلیونه ایکیشر کیسه که یکسر غروشد قلیونلر اولان  
غزاة مسلمین و ماحضه لشوب و بر کیسه محمد اغا ایله کوچک محمد که بر ارجه تقسیم ایدلر  
داییلر خلعتلری و کیسه لری قیودانه قلیونلر کو توروب قچنه وضع ایدوب جمله سی جمع  
اولوب شکرانه عطیه و التفات عطیه طوطوب شکرلری ایتد کدن صکره پادشاهه خیر  
دعالر ایدوب کلبانک ثنا چکد یلر محمد اغا غیری یرد کیدوب اول محل ترسانه کتخدا سی مزبور  
قیودانه قلیونلر واروب هنوز اقسام اولنمغین عطیه دن بر کیسه قالد یروب بزده ترسانه  
کتخدا سیوز جمله سنک ضابطیوز بزمده حصه مز بودرد یوب کیسه نک برینی قالد یروب  
خدمتکار نه ییکلذب کتدی محمد اغاده کلوب کیسه لری را کسک یلوب سوال ایتد کدن  
اصلی خبر ویردی لر صندله بنوب دیوانخانه سنه واروب بقه سن کیسه بی چون الدک دید کدن  
ظاهر ایز ترسانه کتخدا سی و جمله کزک ضابطی دکلوز حصه مز یقیدر دید کدن محمد اغا  
جواب مسکت و یروب ترسانه کتخدا سی ایسک کتخدا الغل مقننن سالیانه و عوایدی سنک  
نکه بنشهر سن ترسانه نقراتی ضابطی سن دین اوغری نه بدل جان ایچون کلش بر آلی غازیلره  
قان مہاسی ویریلن پادشاهیه سنک علاقه کندر بو طمع سنک باشیکه خبر کتور مز  
کتور شوکیسه بی دیوچهره سن اذروب کیسه بی الوب قلیونه کلوب تقسیم ایتد یلر بو طمع  
شعبه عندن بالکلیه کتخدا یه نفرین ایتد یلر و نقصان او زن کوئندر دیک مہمانی بالتمام کندویه  
کوندروب بردخی طلب حرفی لسانه کتور میوب استغنا کوستر دیلر و بومعنیلری تجرع  
ایدوب اعلا قیودان پاشایه وغیری یه دید یلر اتفاق پادشاه حضر ثلری طرفندن  
دارالسعاده اغاسی مہرام اغا بالذات بر قاج مقرب مصاحب ایله طرابلس قلیونلرینه واروب  
واحد بعد واحد کزوب حتی انبار لریته اینوب آلات و جبهه خانه و مہمانلرین تماشا ایدوب  
اتفاق طرابلس نفراتنک او طه باشیلر ندن بر رجل اسود ایله مصاحبت ایدوب محانست  
مناسبیله دیارین و قچان چقد و غن و نه زماندن بزوطر اباسده قالد و غن و نه غزاده بولند و غن  
سویلدوب جنسیت حسبیله او طه باشی بی الوب با عجه یه کتوروب اول کجه الیقویوب  
ضیافت و انواع اموردن مصاحبت ایدوب جمیع احوالی سویلند کلر ن اوطه باشی ترسانه  
کتخدا سنک عطیه کیسه لرندن برین الدوغن و مہمانی جمیعاً نصفیت اوزن و یروب  
قبول ایتد کلرین تقریر ایلدی صباح عرب اوطه باشی یه بر سمور خلعت و بر کیسه اقچه  
احسان ایدوب قلیونه اجازت و یروب و بومعنیانی قرار اغاسی پادشاهیلد یروب قیودان پاشایه  
عتاب آمیز خبر کتدی حتی کوچک محمد کیسه ویریلان دورت طوپک ایکیشی سنک محندن  
چاتلیوب ضایع اولدی مقدمال اول ایک طوپک کوچک محمد بکنیوب سابقا مزبور کوچک محمد

خدمتکاری اولوب بعد استانبوله کلوب ترسانه رئیس اولان عربی الاصل علی رئیس  
کوچک محمد سلطانم اگر سز ویریلن طوپلر سقاط ایسه بنم سفینه مه میویدن ایو طوپلر  
ویرلشدن اول ایک طوپی بنده کوندرک ایک طوپله مبادلده ایدلم دید کدن جاسوسلر بو خبری  
ترسانه کتخدا سنه ایرشدن مشرک کتخدا علی رئیس چاغروب بره اصلا حق سن میوی طوپلری  
ویرمکله برالای صکادک ارادله بر اسکمی کرکدر دیه عظیم از ایدوب حتی سفینه سنی الوب آخره  
ویرمک مراد ایلوب بیجان علی رئیس شفعار جاسیله کوچیله قورلشیدی طرف پاشا هیدن  
خبر کلد کدن قیودان پاشا کوچک محمدی چاغروب کتخدا نک وضعی صوروب فرمان یوزریلن  
شیلری نقصان ویردوکن و عطیه دن بر کیسه الدوغن خبر ویرد کدن کتخدا بی چاغروب عظیم  
عتاب و از ایدوب قالد رک بوغوک دیه قتل مراد ایتد کدن امر ایدر ایلا غنه دوستوب تخلیص  
ایتد یلر کتخدا علی رعم الانف قایغه بنوب واروب یکرمی بش قنطار ایدی عدد قومانه و سائر  
مہمان لازمه بی بالتمام تدارک ایدوب کتوروب قلیونلر ه تسلیم ایلدی قیودان پاشا  
مجلس مشورت عقد ایدوب دیریا جنکی احوالی طرابلس قیودانلری و ژوساسیله استشان  
ایتد کدن کوچک محمد سلطانم محل جنکدر رسم قانون قدیم بودر که ایلرویه چرخه جی کیلری و کما  
هوازم میمنه و میسر و قلب و جناح ترتیب اولنوب بر نجه سفینه لر دن مادامکه بری صاعدر  
پاشا درده طوطوب اتمیوب بلکه بساخته بر قاعده کلوب ظفر لشکر اوله جعفر پاشا قیودان  
ایکن کسندن او کدن کفار ایله ایتد کدن و سی با شدرده ایله هجوم و نقد م ایدلن بوقاعده  
ضان بی احداث اتمشلدن که جمله دن اول با شدرده ایله قیودان جمله ایدر و ایسه سوء تدبیر  
و قانون قدیمه مخالف بدعت و مخاطره درباش کید نجه ایق پایدرا و لزاو ل اجلدن سنین  
سابقه ده موسی پاشا و نجه قیودانلر جمله اولدن تلف اولوب مرتب دونما رایشه برامیوب  
منهزم اولدی لر کرک قره و کرک دریا سفر لر نده ایتد اسالار عسکر چاتوب بر خطا واقع اولسه غیری  
لشکر دنیا قدر اولسه برایشه برامز بودعت که عین تهور مذموم ایدوکی عالمه معلومدر  
ترک اولنوب بر قاعده چرخه و قراغول و میمنه و میسر و قلب و ساقه ترتیب اولنوب  
اول وجهله وارلق کرکدر دیدی بو تدبیر جمله نک یانده مستحسن دوستوب پادشاه  
حضر ثلری مجلسه دخی یووجهله افصاح اولمشیدی و کوچک محمد اشاء مشورته بزم قلیون  
طوپلر یلر ندن ایکیشر طوپچی دونمای همایون قلیونلرینه ویریاوب انلردن بزم قلیونلر  
ایکیشر طوپچی الله تائیلر بزم یاردی و بزم طوپلر انلره کار فرما و لهلر بوجهله اون دورت  
طوپچی اون دورت طوپلر مبادلده اولنه حقا که بو تدبیر دخی غایت مستحسن کورینهوب بویه  
قرار ویردی و یکرمی اوج پان استانبول قلیونلر که عسکر اسلام ایله ملو و سیواس والیسی  
طاوچی مصطفی پاشا و چتال باش ابراهیم پاشا و قره حصار صاحب بکی جان میرزا که فرط  
شجاعتله نظم و انضام ایتد حتی ملک احمد پاشا و زیر اینک مزبور ایله مناقشه ایتد کدن و زیر نه  
چاغروسن ییلور میسن سنی ابازه دن اوغریلر یوب چیمقاروب صائدوغنی دین پیرمہادر درواندن  
ماعد قره حصار شرقی بکی بوجهله امرایا تلتلری عسکری و تشکک انداز لوندات و اتباعیله  
قلیونلر ده ایدیلر و قول کتخدا سی مصطفی اغا و طوز ناجی باشی کجه جی اوغلی محمد اغا



و باش چاوش و دو جملایله التي بيك پيچري دو تمانه ما مور و امشلايدى پيچري غايت چوق  
اوله بيشيوزى عمل مانده اولوب دوت بيك بشيوزى قدر غه لره كير مشيدى فاما زخام  
عظيم اوله دور تيز پيچري دخی چيقوب قايقلايله كليبولي به واروب انده بيك كيلرينه  
كير مك فرمان اولدى وقوع شقاق درميان قيودان مراد پاشا و صدر اعظم درویش  
چند پاشا چونكه وزير اعظم درياده كينبني برایش كوراسون و عدودن انتقام آلنسون  
ديو دو تمانه تقيد و كند و سى قيودانلقدن كاوب هراحواله واقف اولد بغيردن لزومى  
مرتبه تدارك مهمه به صرف مقدور ايلدى و بوقدر عسكراژ در مثالی كينبني استفاده  
صاحب وجود قيودان جلالت عنوان لزومى بلكه مراد پاشا ني كتوروب قيودان ايتدى  
لكن مراد پاشا تعين واستقلاله مالوف مالدار و صاحب استهوار خصوصاً مقام صدارته  
اوتورمش دستور عظيم الو قارو وزير اولعين بود دفعه دخی كندويه و ير بلان تعين وجود  
مقتاسبخه شان عظيم كسب ايدوب وزير ايله اقران معامله سنى ايدردى دو تمانه مهمه  
متعلق بغض شيلارى محكم يوزندن دفتر دان كوندرسون شويله ايدرسون بويله ايدرسون  
ديو خبر كوندردى حاصل بوقوله اوضاعندن وزير كوچلنوب استهاله با شلدى حتى  
مراد پاشا چونكه غزايه كيد يورجيه قوللرينى آزاد و بعض حقوقى ادا و وجه سنك ييله مهر  
مؤجلنى نقد و نساي و متوجه الى الله عزيت و اولم اري اولق يولمدن حركت ايلديكه  
دو تمانه قلمغه قريب بر خصوصاً چون بر قاج كيسه لازم كلد كده ترسانه ده و زيردن طلب  
ايلد كده وزير شمدى مضايقه و ارايكن دخی اچه قنده بولمور كند و مالتردن صرف و خرج  
ايلك بعون الله تعالى پينه پيدا ايدرسرديد كده مراد پاشا جوانده بن كند و مالمدن  
كينبني بلكه زايد خرج ايلدم حالا بزده مال قلمدى اچه استند و كنه نچون نچيد  
اولورسن بر زمان بن دخی سنك مقامند اوتورردم و قيودانلق خدمتند اولنلره مهمات  
لازميه استدكارى قدر اچه و برردم هچ انجندم بيت المالك امور غزادن اهم دخی نه اصل  
مصرفى و ارباب به ستمك معناسنى ندرديدى بينلرند چوق سوز كچوب حتى وزير اشاء  
كلامه سلطان ابراهيم و قعه سنى نامچ ايدوب اولر زمان بن سنكه ييله دكلام ديوب  
ارالنه شكراب زايده اولوب دفتر دار دخی مجلسه ايش وزير كا خطاب ايدوب پاشا  
دخی اچه لازم در ديوش كيسه اچه و رد كده دفتر دار مصارف و مهمات دفترين  
چقاروب على الاسامى مهماتكه بولردم معتاد اوزن بومقدار مال و يرلشدر دخی و يرناجك  
اچه بوقدر ديدى وزير بوعيسه سنى يانكدن و ير ديوب بش كيسه بي بولدروب  
و يرملكه ازاحه علت اولمشيدى بومرتبه دنصكره بركون مراد پاشا ترسانه ده  
متفكر ايكن سوزنا زن باشى احمد اغاي كورديكه قديمى دوستلرندن ايدى چاغروب  
تهها غره بالاخانه به چيقوب احمد اغابو حريف بزي پادشاهه كچمكن خالى دكلدر  
ايچ اغالرندن لالا ابراهيم اغايه بزدن سلام ايله الله تعالى كوز قولى اولسون بن  
جانمى پادشاه او غرينه فدا ايتشم اما قورقم بو حريف بر شيطنت ايدوب نبى بومحله  
بر طرفه اتوب غزالچون اولان تدارك و امكلا هب اوليمه ديو سپارش ايلدى زير اوزير

مراد پاشان تمام نفرت ايدوب اسذغال ايتمشيدى و بوقيننه كير يله سردار ايدوب دلى  
حسنى پاشاي كريدن كتور دوت قيودان ايتكه قرار و ير مشيدى اما خير خواهرى منع  
ايدوب دولتلو بوسو تدبير ذر حسين پاشا مراد پاشا دن اسذدر بونل كورسه او هچ  
اوچكزه كير مز صكره قضيه مشكل او لورد و تمانك جمله احوالى كورلدى شلدى  
متكبر هر نه ايسه مراد پاشا نك ايشى بتوب كتمك او زن در غزادن يا صاغ كله يا كليبه  
جزئيات اچون مغبر اولوب شمدى عزل ايتمكه بر بيوك ايش اچق نامنا سبدر هر نه  
حال ايسه بر قاجكون دخی تحمل ايدوب دو تمانه يوللا مق معقولدر ديو دفع ايتمشلايدى  
مراد پاشا نك مهتر احمد اغايه ديدوكى بكه مبنى ايدى مهتر احمد اغا دخی سلطانم يعلم الله  
بوكون سزى اچر چاغر لرديدى واقعا اولكون پادشاه مراد پاشاي استيوب دو تمانه  
تدارك كورلدى حاضرميسن ديدكده حاضرم پادشاهم ديدى و تونسليلايله اولان  
مشورتى جنگ يه زندن اولان عادت قديمه اوزن مقدم مينه ميسره و قلب و ساقه  
ترتيب اولتى اوزن ايتدكلى مشورتى عرض ايلدى پسند يله اولوب كورك كيوب  
اكرام و استمالتن صكره ايدى دو تمانه قالدرد يوننيمه يورلغله بير اوپوب چيقدى  
جمادى الاخره نك يكرمى برنجى احد كوزى دو تمانه همايون عظيم شملكر ايله چيقوب پادشاه  
سير ايدوب اولكون اسكدار با نچه سنه نعل ايتديلر دو تمانه بشكطاش او كنده ياتوب  
عموما جمله به خلعتار و عطيه لر احسان اولندى قيودان پاشا طرفندن هر برينه خلعت  
و انعام پادشاه ايصال اولنوب استمالتله جمله سى نظيب و علتلى ازاحه قيلندى  
ايرتسى دو تمانه بشكطاشدن قالقوب قز قله سى او كنه وارد قلرند اسكدار سرائى طرفندن  
مطالار زان و زقايق كاوب باشدرده به طوغرلدى جمله كيمر بوقف كوستر ديلر قيودان پاشاي  
پادشاه استمس كن قايقه بنوب ادا قايقك صدرينه اوتورميه بر كاريه قعود ايتدى  
حضور همايونه وارد قله عظيم القائلر و استمالتلر دنصكره يينه باشدرده به كلى اولكون  
يدى قله او كنه وارد قله ترسانه كخد اسى البته معتاد اوزن بويجه بونل قالنسون ديدكده  
قيودان پاشا آزار ايدوب ياتيموب كليبولي به صالديلر و مقدم اقيودان سابق على پاشا كه  
اوج يان قدر غه ايله طشره كوندل مشيدى و كيلرينه بشيوز جبهه جى تسليم اولمشيدى  
كليبولي به وارد قله كند و سى طاغه چيقوب دورين ايله كفار كيلرينى سير و ملاحظه ايدوب  
بعد قادر غه سنه بنوب بوغازدن طشره صالدى قليم نلر ايله طوپاشوب كافردن ايتلان  
برزنجير بونك اون ايكي اسير و دروت لوندنى تاف ايدوب بونك آندىغى زنجير قليمونك ستوتنى  
كسوب بالاخره على رعم الاعد اسلامتله كچوب كتمدى انجق دورت لوند و اون ايكي فرصه سى  
تاف اولوب بوزجه آطه سنه واصل اولدى بو خبر ايله قره دن استانبوله بر آدميسى كاوب  
خلعت كيدى و مصردن رجب اغا مياشتر يله چيقاريلان اون بش مصر سفينه سى ايله بيك  
كيلوى بوزجه آطه به كلد يلر على پاشا كيسنه اولان بشيوز جبهه جى يانده بوشا لندى  
قيودان پاشا كليبولي به وارد قله عسكرى طشره قيودر مديكه بر آلاى مختلرك سوزين  
استمكه مرعوب اولميه لرو بشكطاشدن قالفد قارنك بشيخى خميس كوزى بوغازدن طشره



چقد یل جنك قیودان پاشا باسقاين كفار چون دونما كیلری بوغازدن طشره چیقوب  
اعدا كیلری مقابله سنه واردیلر اول کون جمعه ایدی جنك اولوب ایکی دونما بر برین  
کوردی علی پاشادخی بوزجه اطه ده بولنان سفینه لری ایله کافر کیلرینك آردلرین آلوب  
مدللو و ساقز طرفنده اولان یلک کیلرینه دخی قایقلار ایله خبر اوچو رلشیدی کذلک  
تونسدن کلان دروت پان قلیونه دخی خبر کتشدی مسازعت ایدوب کلدیلر دونمای  
همایون کفار کیلرینك اوز رینه وارمغه قرار ایدوب صفایین و قلیونلرده اولان غازیله  
بو وجه اوزن ثنیه اولنوب فاتحه اوتوب غزات اسلام لباس زر مه کیروب جنك تدارکن  
کفر ووب دلیرانه حاضر و آمده اولدیلر ایرتسی سبت کونی علی السحر صلوة صبح ادا  
اولنوب کلبانك الله الله آسمانه پیوسته اولوب کیلر ترتیب معهود اوزن دیزیلوب ایلرودن  
پیکر کیلری وایالت عسکری اولان قلیونلر صاغ قولده طراباس قلیونلری صول قولده  
کذلک بعض قلیونلر صف باغلیوب عقبلر نجح ماونه لیشکاه قلمه یکچیلر اولدوغی  
سفینه لر و قدرغه لر و قلیکاهه باشترده ویدک و کتخدا کیسی دایر امداد امر اسفینه لری  
وحددن بیرون قایقلار طوطو تفنك انداز عسکر ایله بوجه اوزن آلا ی باغلیوب طلوع  
شمس وقتی دریانك تنفس صبحو حیسی اولان روز کار ایله کفارک اوز رینه یوریدیلر او ی  
ایدرمکر معلونلر کمال غرور لرندن سنین سابقه ده دونمای همایونك اهم مصالحی انحق  
کر بک اشکر و خزینه ارسلای اولغین هر سنه بو طریق ایله سالما چیقوب کتکی مقصود  
ایدنکاری اجلدن بود قعه دخی او یله طن ایدوب اوزر لینه هجوم و افحام ایدم جگری  
احتمال ویرمن لر ایدی و کوب کیدر لر زعمیه ملاعین جمله صف واحد برور لینه چاتیلوب  
دیرلی قیماکی لنگر انداز اولوب سلاسل ایله مربوط دمور اوزر تار ایدیلر کفار دینلری کوب  
کید راعتقاد ایله خیر ایدرکن اسلام کیلری موافق هوا یله عتق امثال پرکشاوله رق اوزر لینه  
هجوم ایتدکن ملاعینك عقالری پریشان اولوب صاغ و صول جناحیندن قلیونلر اطرافن  
آلوب مقدمه ده اولان کیلر چاتوب براوغرودن طوب و تفنك آتش ویرلدکن دود کپودلری  
روی دریایی قاپادی جمله دن اول قلیونلردن قاسم پاشا سالی امیر قیودان بر قلیونه چاتوب  
اردو کوب قنال عظیم ایله فتح و ضبط ایلدی کذلک طراباس غازیله دخی صاریلوب  
بر قلیونی ضبط ایدوب علی الفور ضرب دست ایله ایکی قلیونی اقرار دیلر کذلک بر قلیونه  
یر ماونه چاتوب وافر جنك ایدوب ایچنده اولان کافر لما یوس اولدقن کی یی آتسه اوروب  
ایچنده کیلر دریاه دو کیلوب صندلر ایله دو شرب اسیر ایتدیلر اسکندر یه لی محمد قیودان  
دخی بر کافر قلیونه چاتوب محکم صاروب اوج ساعت قدر شویله جنك ایتدیلر که تعبیر اولنر  
قیودان و عسکر اسلامدن چوق کسنه شهید اولوب قلیونلر اولان ملاعینك اکثری  
طعمه شمشیر اولدقن صکره عاجز قالد قلیونه آتش ویردیلر محمد قیودانك کیسی ایرلق  
قابل اولوب ایکیسی یسلا یان دی دریاه دو شرب امت محمدی کفار دن آتیلانلری فرقه لر  
صندلر ایله دو شرب الوردی قیودان مراد پاشا ایسه باشتنه فس کیده جست چا پککه  
مانع اولیان شک و قصیر لوندانه لباس کیوب الله نیر و کان بر فرقه ایچنه کیروب علی الاتصال

سفن اسلامیه اراسنك کروب فریته یناشوب اسمالت ووروب مجروحلره احسانلر  
و کیرویه چکیلان مختلره تهدید ایدوب اوق آتوب ایلر و جنکه سور مکه اشتغال ایتشیدی  
برو طر فدن پاترونه قلیونی کفار قلیو تنك قیودانه سنه هجوم ایدوب ملعونلرک  
قیودانلری کور فوس قیودانك قدرغه سنك یدکنه ایدی پاترونه یه سائر کیلر دخی  
امداد ایدوب ملعونلری روم ایل کنارینه صقشدر دبلر کور فوس قدرغه سی قیو دله لرینی  
چکه رک قان یه قریب کتوروب دمور بر اقدی بزم پاترونه مز قان یه یا قاشمندن  
احتر از ایدوب ایرلدی سائر کیلری طوب بلغه کندی ماونه لریمز دخی کفارک ماونه لرینی  
اردندن طوبایله رق برینك نکته سنی شکست ایتدیلر و در حال چاتوب اردنجه یدک دخی  
امداد ایدوب ضرب دستله ضبط و تسخیر ایتدیلر من بعد کفارک قران طاقتلری  
قالیموب هوا یو یراز اولوب کتد کچه استناد یو بلغه ملاعین یلکملرین دو کوب فران یوز  
طوتدیلر قلیونلرندن بری ضرب طوب ایله مجروح اولغین کیدرکن دریاه غرق اولدی  
قیودان پاشا باشترده ایله قادر غه لره فرمان ایدوب کماره قریب دمور براغن قیودانه  
قلیونلک اوز رینه یوریدیلر باشترده ویدک و یلک کیلری اطرافدن قوغوش طوپنه  
طوتوب کور فوس قیودانی قدرغه سن ویدکنه اولان قیودانه قلیونن پان ایتدیلر  
ایچنده اولان خنازیر ما یوس اولوب قدرغه یه آتش و یروب یا قلدیلر قیودانه ضرب  
طوبین غریباله دو نوب بالضرور دمور ین کسوب روزکا راکنه دو شوب قاجدی  
مکمل فورصه لری چکدیر یلر یلکن کورک آردینه دو شوب عقبند اکیوز طوب دخی اوروب  
یلکن والا تنی و قلیونك قتی ریزه ریزه ایتدیلر اولل ایله فرار ایدوب کوجله قور تادی محمد الله  
تعالی ملاعین منهرم اولوب قتی چوق کافر کشته و دریاه غرق اولدی مرد اولنلردن  
ماعد ا کیلر دن و دریادن سکریو ز قدر اسیر الندی کفار دونما سی بگرمی الی پان  
قیون ایدی سکرینی اخذ و احراق ایله کسیلوب ملاعین اون سترکی ایله منهرم  
امروز جابنه چکیلوب کتدی عسکر اسلامدن نامدار کسنه تلف اولوب قیودان  
پاشانك ایچ اوغلنلرندن دروت نفرو س غزاتدن دروت بشیموز مقدار ی دلاور  
نائل شهادت اولدی جنرال دو شوب اوغلی و کاتبلری اخذ اولمان اسیرلر ایچنده بولنوب  
پاشدر ده ده راتقه یه اورلدی و النان کیلرک دیننده صفره رینه بش پان بیوک طویلر  
بولندی دونمای همایون اسکی استانبول اوکنه واروب تونس و مصر قلیونلری دخی  
اندکلوب دونمایه مالحق اولدیلر اندن بوزجه اطه یه واروب پوراز لیا نده اوچکون  
اکلنوب شهدای دفن ایتدیلر قیودان پاشا کتخدا سی قره کوز محمد افندی بی خبر فتح ایله  
استانبول کوندروب مال و مهمات طلب ایلدی زیرا باروت دو کنبو طویلرک قالیملری  
آچیلوب عسکرک دخی نجح سی یان لشمیدی وزیر محمد افندی یه خلعت کیدر ووب باروت  
وسا ثرمهات ویریلوب مجروحلرک قیودان پاشانك عرض و دفتری موجهه تقاعد  
وظیفه لری ویرلدی بشیموز بکچیری و بشیموز جیه جی و بشیموز طوپچی جمعیلک بشیموز  
قدر عسکر و اوتوز قرق کیده تقد و سا ثرمهات لازمه ویریلوب مسازعت اوزن ارسال



اولندی و پو فتح و ظفر بشار شدن حقه حمد و شکر ایندی یلر دوتما ساقره وارد قله اولد  
 بر جزایر قلیونی کلوب ملحق اولدی و ند کاو دوتما لرنیک منعکس اولدوغنی خبر الدقه  
 نکرار اون سکر چکدی و الی ماونه و بکرمی ایکی بورتن دونا دوب مجد داجترال نصب  
 واطه لاراسنه کوندردیکی خبر الندی دوتما ساقردن اسکر یاطه سنه اندن اغریوز  
 طرفنه متوجه اولوب کفار کیلری دکر منلکه اولدوغنی خبر آلفله استمدیله عودت  
 اولندی غارت جزیره استمدیل مقدمه محارب به دمنکره لیغور ناقور صانی قلیونی  
 اردنجه بیگ کیلری سوروب جزیره مزبون کارنده یا تمسلایدی اخشامه قریب جزیره یه  
 وارد قله دوتما کیلرندن بر آزعسکر چقوب سیدی احمد یاشا باش بوغ تعیین اولنوب  
 نصف الیه حصاری محاصره ایندی یلر و قریه لری غارت ایچون اطرافه عسکر طاعیلوب  
 ایکی کون ایکی کجه احراق و تحریب ایدوب وافر مال آلوب اوچخی کون کیلره کیروب  
 روانه اولدی یلر جنک ثانی قیودان یاشا کفار دوتما سنک دکر منلکه اولدوغنی خبر آلمشیدی  
 دوتما ایله دکر منلکه وارد قله رعایا استقباله اینوب روی عمودیت کوستروب کفار  
 دوتما سی جزیره نک الی یاشا اولدوغنی خبر آلفله اول کجه الار غه در یاده یاتیلوب  
 ایرنسی رجبک یکریمی التخی کونی علی الصبح کفار دوتما سی کوریاوب وقت ظهر ردن  
 مقدمه مقابله اولندی عظیم طوب جنکی اولوب روزگارک شدتدن چاقم ممکن اولما مغله  
 اخشامه قریب ایریاوب بر طرفه کندی یلر سیدی احمد یاشا نک اولدی قلیون جنک  
 یاشا نک ایرامیه کفار دوتما سنک ایچنه اوغرایوب طرفینه طوب یاغدن رق کوب روزگار  
 شدید اولغله کیر و دوتما یه دوتما ممکن اولوب روزگار اوکند دوشوب منکشه جاتنه کندی  
 قیودان یاشا ساقره اندن فوجه یه واروب قلیون لری ماونه لری آنده براغوب الی قدر  
 قرصه قدر غه ایله روم ایل کانی صیردوب اغریوزده سیدی احمد یاشا نک قلیون زده  
 کلوب چوقه اطه لری و کفالوینه اطه سی غارتنه کتک قصد اولدوغنی کفار طوب مغله اول  
 سیمتری محافظه په کندی یلر اندن فراغت اولنوب کیر و استمدیل اطه سنک شرقیسنه  
 کلوب شعبا نک یکریمی التخی کونی اردو کوب تحریب ایندی یلر بوتاده قیودان یاشا وقایع  
 مزبور یی دولتیه یازوب کتخداسنی ینه مهمات واقچه طلبیه استانبوله کوندردی کلدک  
 وزیر اعظم تحسینه سز ارایش اولدی یغندن ندر بو شفاعت ایکی کوند بر سر کردوب استانبوله  
 کلوب مهمات واقچه دیوزی جائزدن بزر در سن بمقوله ایشله بر ترسانه چاوشی کفایت  
 ایدرکن سن کمدک کتک مناسبتی ندر اوتانمزمیسن بوقدر مال و مهمات ویردک  
 هنوز نه مصاحت کورلدی ادبکله اوتور بر دخی یاشا که کتکه یوخسه سن یلور سن  
 دیو تهدید آمیز عتاب ایندی یلر کتخد اخو فندن مختفی اولوب دوتما یه کیده مدی میدانه  
 چیقده مدی قیودان یاشا استمدیلدن ساقره دنوب اندن تونسدن بش پان قلیته  
 کلش یولندی بعد قره جه فوجه ده کی یاغلد یلر و نکرار چیقوب مدالی و امروزدن  
 سلا نیکه و امروزه و اسکر و یه اوغرایوب شوالک اون دور دخی کونی ساقره کلوب مغرب  
 کیلرینه اجازت و یروب اوچخی کونی کیریه توجه اولندی نقشه بان اوزردن کیدرکن بر قلیون

خبری النوب طقوز یار بیگ کیلریله عبدی یاشا اوزینه کوندردی صانتورون قریبه بر شراب  
 کیسی یلنوب الندی و مقدمه کیدن کیلر قلیونی یولوب صاریلوب آلمشلا یکی جاتیدن  
 یکریمی اوتوز کسینه دوشوب بوقدر دخی مجروح اولوب کی یییدک کتوروب ایکنی دخی  
 بودروم حصارینه کوندروب ایرنسی قاستوری حصاری اوکند واز لدی عظیم شکر  
 ایله جای اوکند دمو بر اغوب اخشام اوزری کیرید سرداری حضرتلری کلوب قیودان  
 یاشا ایله کورشدی یاشا سوزمانی قیودان یاشا کیر و یاشا درده یه کیروب کیرید سمتنه روانه  
 اولدی ذی القعدة غره سنه دوسه واروب مصر یکی مصر دن فامک کیسی ایله کلورکن  
 ایکی قورصان قلیوننه راست کلوب صارلد قله ایکی ساعت جنک ایلدوکی خبر الندی قیدی  
 یان بیگ کیلری ارسال اولنوب مزبور قلیونی یدکه آلوب کتور دیلر ایچنه طقوز آدم  
 قلوب قصوری دوشمش و قلیون طوبدن غرباله دوشمش عبدی یاشا اون قدر غه  
 ایله اطه لاراسنی دونه کیدوب قیودان یاشا ذی القعدة نک یکریمی برنده ردوسدن  
 چیقوب سیسام و ساقره جزیره لری اوزردن از میرده بیر ایی ایدوب کلیمولیه امراء  
 دریاه اذن و یروب ذی الحجه نک یکریمی کونی ترسانه عامره یه کلوب یدکنه الی  
 یان اقدومه منکوس اللوا اوزرلنده بوغازی رنجیر لی مکشوف الید اسیر لصف اندر  
 صف اولو جهله آلا کوستروب عظیم شکر ایله داخل اولمش ایدی النان اسارلک  
 خمس اولق اوزن سکر ییز اسیردر زنجیر دیوان پادشا هی یه عرض ایدوب دامنبوس  
 ایله مشرف اولد قله پادشا حضرتلری التفات تام بیوروب غزاک مبارک اولسون  
 لا لا دیدک ییروپوب غزا پادشا همکدر بن ادنی قولکم دیوب اوج سمور کورک بری بری  
 اوزرینه کیدریلوب توقیر عظیم مظهر قیلندی اول محله کتد و ایله دریاسفرند بولنان  
 یاشا و اغار و سائر ژوسانک منصبلری ایقا و مقرر رجا لیمکین مساعده اولنوب خط  
 همایون ویرلدی بروا نده اولان مناصبک مشتریلری جائزه لرن پشین ووب  
 کلسونلده بزرده خلعت منصب کیمه لیم دیرکن حریفه قیودان یاشا رجا سیله مقاملرند  
 برقرار اولوب انارک عمل و انتظار لری هوایه کندی بو خصوص بن العقل غایت مدد و  
 مستحسن واقع اولدی نتمه در نکاسل والی مصر و حکایت عجیبه در اشاء عزل  
 قاضی مصر یوندن اقدم مصر والیسی محمد یاشا یه مشهور اولاق رجب اغا فرمان  
 ایله کوندریاوب دوتمای همایون ایچون مصر طرفدن دخی اون بش پان مکمل  
 سفینه براغله ولوندا ات ایله دونانوب دوتما یه کوندرمک فرمان اولنمشیدی رجب اغا  
 واروب تبلیغ و مباشرت ایدوب سفینه لری دونا دوب دوتما یه حوقه کوندردکن صکره  
 کتدوسی آلا کیلری تعبیر اولنان بعض قلیونلره جنوب کلورکن اناطولی سواحلند  
 کفار راست کلوب طوبلشوب محکم جنک اولوب شدید فورتنه اولغله مصر قلیونلری  
 پراکنده اولوب انجق رجب اغا بندوکی قلیون برکارده کز رکن کافر کلوب اوزرینه طوب  
 یاغدر معین آخر الامر قلیون زیاده متضرر اولغین باشند قره لیدوب رجب اغا و سائر  
 مسالین چیقوب مال متاعلرینک دخی اکثرین چیقاروب بعد مجروح اولغله قلیونند



باتوب کفار فائده حاصل اولیوب رجب اغا کنار سلامت چیقوب اندن استانبوله گلشیدی  
 قیودان پاشا ایسه کفار دو تنه سیده جنک ایدوب ظفر بولد قد نصکره ساقز طرفلرینه  
 وارد قد مصر دن مطالب اولان قلیونلر گلشیدی پاشایو قلیوب ایچلرند نه مهمات  
 ونه مأمول مرتبه جنکچی وار همان نهی نکهه لاولغین آستانه یه عرض ایلدیکه رجب  
 اغا مصره کوندریلوب مرتب ومکمل بود قدر قلیون فرمان بیورلشیدی ومیرین شوقدر  
 بیگ غروش اول قیونلرک مهمات عسکرینه مصرف نعیین اولنوب مصره الیسی طرفندن  
 کلان مکتوب ودفترده دخی شوقدر یوز کیسه اون بش قلیونه صرف اولندی دیویازمش  
 قلیونلرکدی ایچینه نه غله یار طوب والات وباروت ومهمات واربر قاج درمه وچاته عمل  
 مانده آدملر قومش همان بر قوری نکهه کوندزمش حتی هر برینه یکرمیشراوتوز  
 جبهه جی بز قویق بونام ایله بوقدر یوز کیسه یی ییدوب خیانت عظیمه سی ظاهر اولسدر  
 هر حال مصر والیسنک حقندن کانون اکل وبلع ایتدیکی بوقدر اموال تحصیل اولنق  
 عدل محضدر دیمشیدی بوندن اقدام ایسه مصر والیسندن مصر منلاسی عبدالله  
 افندی نیک علیه نه عرض کلوب بوملای عزال ایلک والا مال میری تحصیل اولندن  
 قالدی دیوشکایت نامه سی وارد اولد قد وزیر مصری بزم چلبی به ویرسونلر دیو السعود  
 زاده ایچون ثنبیه ایدوب عبدالله افندی عزل وچلبی مصره نصب اولندوغی  
 بالاده مذکوردر ابوالسعود زاده نیک یو کرک نایبی عجالة منزل ایله مصره واروب  
 اعیان واهالی مصر بریره کلوب پاشانک منلا حقندن اولان عرضی غرضه مبنی در  
 یوبابده ملا مغروردر قبل حلول الوقت عزلی بغیر سکین ذبح ایتیک کیمیدر دیوجمله نیک  
 لسانندن عرض ومحضر ومکتوبلریازوب اعلام ایتدیلمر مصر لیلرک یو کاغذ لری قیودان  
 پاشا نیک مصر پاشا سی حقندن یازوب کوندردیکی عرضک ورودی اثناسنک وصول  
 بولوب مکتابلرینک تفصیل اجمالیسی یوکه عبدالله افندی علمانک جسور ومعلمندن  
 اولغین مصره وارد قد اجرای احکام شرعیه ده ثبت کوستر مشیدی اول ائشاده  
 مصر مقبوللرندن بر مشهور کسه قوت اولور مصر والیسی ورثه سنه النفات ایتیبوب  
 قراودیر لکرتندن ماعد انقود واملک وجمله ماملکین بیت المال نامنه قبض ایدر یچک  
 مصر سیکری واعیان قاضی یه واروب ورثه واراینک مخلفات بیت الماله نجه قبض اولنور  
 شمدی بز دیسک پاشا بر جبار آدمدر جائز که بزه وضع ناهموار اید ووزو بالی تهمتن اید  
 رفته یه سبب اولور سز اهل شرع اولق حسیبه یه حق سوبلک وظیفه کر درسوبلک  
 گرکسن دیدیلر ایرنسی دیوانه ورثه پاشا حضورینه کیروب عرضحال ایتد کلرند عبدالله  
 افندی دخی بومالندن بیت الماله نسنه عاید اولنر حق بودردیدوکی ایچون پاشا تهور لیدوب  
 مادامکه بوادم قاضیدر بندن مصر خزینه سی طلب ایتیمه سز بندن خزینه استر سکر  
 بوقاضی یی عزل ایلیه سز دیو خلاف واقع عرض ایتمشیدی اکا بناء عبدالله افندی  
 معزول ووزیر اعظم اراده سیله ابوالسعود زاده مصره موصول اولمشیدی لطیفه  
 عجیبه درکه مورخ ابوالسعود زاده نیک تهنبیه سنه وارد قد پی تقریب سول واقعه

گونه بسط مقال ایدوب صدر اعظم حضرت نوری عمر لری چوق اولسون اصلاکند ولریله  
 معارفه سابقه مزبور غیکن مصری بزم چلبی یه ویره سز دیار مصری بوقت اختلال  
 غیره اینانلر زدیومقنی یه خبر کوندرد یلر الله بیلور که ککند ولره تردد مزبور غیدی  
 انحق الله راضی اوله حسام زاده افندی قاضی عسکر ایکن براییکی مجلسه کند ولره بزی  
 تعریف ایدوب مقامزه لایق بر خدوم فاضلدر دیسیله بزه بوقدر محبت ایتمشلر ایتمش  
 شمدی ثمره سنی ظهون کلدی دیمشلردی خدوم مومی الیه غریمت مصر ایله اسکدان  
 یکد کلر بر قاجکون مکث اثناسنک معتقد اکابر زمانه شیخ سالم دید کاری د کاک دوران  
 اسکدارده خدومه ضیافت ایدوب اشتراق طرفان نجه عرفا ونصوح پاشا زاده عمر  
 بیگ وانک امثالی نجه مخادیمی دعوت وجمع ایدوب چمنکانه احمد قولی وخاندلر لکتور دوب  
 ساز و سوز ایله ذوق وصفایه مشغول ور قاص اوغلنلرینه دورد ریشرفلوری یاپشدر مغله  
 هیش وعشرنده ایکن شیخ سالم دید کاری احمق عرب چونکه کبارک اجزای مجلسندن  
 واکنراحوالرینه مطلع عمر ازو جلیس سارندن ایدی خدومه اکرام وودجولایق سیاقه  
 خاطرینه خوش کلور زعمیلر یا سلطانم چلبی افندی سز صاحب دولته ویر دیککرتون  
 رخت امانه کوزل عجایب رختدوبن انده ایدم یک حظ ایتدیلمر دیدی اهل مجلسدن  
 بری دخی اسکیدن خدومه منسب اخوانندن ظرفیت بیلر ایتدی خدومه خطاب  
 ایدوب سلطانم سز حلبه بیگ بشیوزغر وسته ایشلند یککرتون رخت دکلی ایدی  
 دیواستفسار ایتد کلر ظرفای مجلس خرده پی طویوب سبب معارفه وهمت صاحب  
 دولت آشکان چقدی خنده پنهانی ایتد کلرند بلا معارفه سابقه همت وزیر ایله افتخار  
 ایدن خدومه اوله بحالت وانفعال عارض اولدیکه تاریخه یازیلده حق نوادر روز کاردن  
 عد اولمشدر رشته قباحت ناهم اولان دوستلر کاه اولور که من غیر قصد سوز اولمق  
 اوزن بر خلط قبیح ایدر لکه طهن اعدادن زیاده بحالت چکیلو و عقلای سلف دشمن عاقل  
 یه از نادان دوست دید کاری کر چکدر مزبور شیخ سالم مغربی که کرامت وولایت صاوب  
 علوم غریبه یه واقف یکنوردی اکابر دولت مذاق یوزندن مصدع رغبتلر ولطیفه لایله  
 ممتزج توقیر و رعایتلر ایتکله هوام وجهال بیننده خیل شهرت بولمشیدی وانواع حیللر ایله  
 مناصب طالبی اولان ساده دللری حقار دی برکون طولی حسام زاده عبدالرحمن افندی یه  
 دخی اکثر تردد اوزن اولدوغنه بناء واروب پیشخته سی یانه او تور عبدالرحمن افندی  
 نازک مشرب تعلیق نویس خطاط و تحف و یاد کارشیلر مالک وجود ایدیلر  
 پیشخته سی اوزرند بشم خطای قبضه لوبرالتون ذی قیمت بیچاق کوروپ  
 حرب طمعه دوشوب ال اوزادوب نو بزم اولسون یا سلطانم دید کد قاضی عسکر  
 حسام زاده خند غضب آلو دایوب یوق یا شیخ سالم کرم ایله بزی حقله  
 عامه یی حقلیور سن یتربزی حقله بزی برکونه صقله که سکا کرک اولور  
 دیدی سالم دخی یا افندی بر بیچاق سز بزه ویر مز میسز یا قن بزم مصاحبه کرک  
 اولور سز دید کد حسام زاده ملایمت ایله جواب ویروب بقه جانم شیخ بوند برکون



اولور که خاق غلوی عام ایدوب ایاغه قالفارل شونده شیخ سالم ذیرلوحیله باز اصلاحی عرب واردر حیلله وکذب ایله عالمی حقلیوب اورتالغی قور تدی برحر امزاده درالبته قتل اولوق کرکد ردیو سنی طوطی قلمری محله بو فقیر شفیع اولوب یاز قدر بر درمند عربدر قسام تقدیر زقنی بو یوزدن کذب وحیلله ایله سوق ایلمش قاننه کیر مک ولا پنه طردایک دیو منع ایلمک اچون بزی صقلار دیملر شیخ سالم افندیگ بولطیفه سنه کرچه خنده ایتدی لکن درونی آتش خجالتنه یاندی پردخی حسام زاده یه وازمدی واقعا بونطق ضایع اولسون گوپر یل محی پاشا و زیر اولدقده وظایف یه قلمه سنه شیخ سالم ملک بشیوزا فچه وظیفه سی قطع اولتوب کرکدن یوز بکر می اچه واقفدن یوز بکر می اچه ایله ایلا ابقا اولمشیدی اولدخی عامیلرینه اعتمادا کوپر یل حقه اطاله لسان ایتدکده طوطی بونطق خفیه آخرته کوندردی ننه کیم تفصیل محله کسه کرکد رازین جانب مصر والیسنک علیه قیودان پاشا نک عرضی کلوب اول ائشاده مصر دن دخی عبدالله افندی مغدور امغزل اولدی حق سویلایکندن غیری صوچی یه غیدی دیوایمان مصر دن محضر کدی وزیر مفتی وزیریس و دفتر دار بعد المشور مصر دن کلان رجب اغایی جمعی ایتدیلم مصر پاشاسنی عزل ایدن جگری شیوع بولدی امابوالسعود زاده اوزرند مصر ملوتی قراقلدی بواشاده ظمور ایدن وقایعند رسابقامر زیفون مفتیسی مرحوم عبدالله افندی یی یکن سنه شهید ایدن دلی سلیمان و رفیق دلی محمد و صاریجه بلوک باشیسی بوخیلار مکر سابقا وزیر درویش پاشایه خدمت ایتمکه احوالدرینه معلع ایمش و حالند کورل الاجه خنده برکاربان اوردوب سکسن ییک غرومشلق قدر تقود و متاع آلوب مایه دار اولمشورعالمصلی پاشایرینه روم ایل والیسی اولان حیدر اغا زاده محی پاشا که بنفشه چایرینه قونمش ایدی ذکر اولنان حر امزاده لپاشای مرقومک قپوسنه یاشوب تستر ایلدی دلی سلیمان دیدکری ملعون وافر مال عرض ایدوب حیدر اغاراده یه منسلم اولوق سوداسنده ایمش که رفقاسی اولنلری دخی معا کو توروب بر زمان کند ولرین اونوتدورل وزیر چونکه بونلری بیلوردی اولجانبه از لد قلمینی خبر آلوب اوزرلینه ارضروملی حسن اغانام بهادری تعیین ایدوب کوندردی واروب قوناقلرند لاطه ایتدکده حر امزاده ل جنکه قیام و طرفیندن نجده کسه لر مجروح اولوب مبارک حسن اغا بلوک باشی مرقومک اوزرینه حمله و قاج ایله قولی کسدکده بلوک باشی دخی هول جان ایله حسن اغایی چالوب شهید ایدی بالاخره هجوم ناس ایله بلوکباشینک سر بری دولتی بدندن جدید و شوب باشلری اولان دلی سلیمان اون مقدار تقر رفقاسیله ودلی محمد طویلوب نه چکلدی یوزد قلمی کارناک تقود و تحف جمله صند قلمی ایچنده بولنوب قبض اولندی یازیک باشینک باشی دلی سلیمان ودلی محمد رفقاسیله درز مجیر و یانلرند چیقان اموال وزیر خصمورینه کادی دلی سلیمان سابقا مرز یفون مفتیسی مرحومی شهید ایدوب اون دورت یا شنده بر مهبان اوغلانی یاننه آلوب الی الان خدمتده اسیر ایمش اخذ اولند قند دخی اوغلان ییله کلش اول فاسق فاجر بی مرحمت کافر مرنه ایتدیسه بزه

بو اوغلانک آهی ایتدی دیو اعتراف ایلمش وزیر چونکه سابقه لرینی بیلوردی جمله سنک پیونلرین اوروب لاشه لرین اسواقه القایلدی ومفتی زاده یه رعایت ایدوب ملا عینک اموالندن وافر شی اعطا ایدوب وطننه یوللادی الحق بوغزای معتبر اچون عامه نک دعا سن الدیلمر مستاری مصطفی پاشا و زرای معمریندن برپیر ایدی وفات ایلدی شعبان اواخرند حلاط مشوار والیسی وزیر سابق کورچی پاشانک ایوب اولان سرایی محترق اولوب خلیلله سی لطیف زاده نک یوزیک غرومشلق اموالی وجواهری یاندی و اواخر شعبانده مفتی افندی سلسله ایدوب مجاهدن قرق خارج مدرسه سی ویریوب مناصبدن برینی آچیبو غریب سلسله ایتدیلمر حوادث شمالیه ماه شعبان اواخرند تاتارخان مرض شیر پچه دن مرحوم اولمش خبری کلدکده ردوسدن محی کرای خانی که ورمکه آدم کوندردی بواشاده تن قراغی قره دکره چیتوب ارکلی و وارنه مثالی سوا حله طوقند قلمی خبری کلکله ترسانه ده حاضر سفینه بولما مغله بر قاج پان اسکدار قایقارینه یکچیریلر طولدیریوب قمر مائدن معزولا استانبوله کلوب بدل مال ایله خادم قمرنداشی محاصره سندن معفو اولان سوندک کتخداسی محیود پاشا یو قایقاره سردار اولوب قره دکره کوندردی قراقلمر یالحق حدودینه تعرض ایتدکده سلسله دن سیما وش پاشا بالذات سکرده ب قره یه چیقان کفاری باصوب بر شایقه ایله بر مقدار کافر طوطی بقایا سی دریایه قرار ایتدیلمر سیما وش پاشا طویتلان کفاری آستانه یه کوندروب کورکده ویرلدی بر و جانبند کوندریان محیود پاشا قایقارده اولان یکچیریلر ایله ارکلی یه واروب سوا حله اولان قصبات و قراخلقنه برنوعه معامله و نوازش ییوردیلر که بره مدد قراق کلسون انلرک کلسنه و غارتنه راخی اولوق دیو امت محیود فریاد ایدوب تمام یالیمورده اولان یرلری حقلیوب پنه قی صره کلدیلر فورتنه اولمغله بر قایت ایچنده چور باجیسی ایله براوطه تفراتی ضایع اولدی آه فقر اکر دانه کرفتار اولدی سائر قایقارایله محیود پاشا کلوب سرای یورنی اوکند عظیم مثنک ایدوب کانه برایش کورمش کی طوب و تفنگلر ایتدیلمر جوروتعدیلرندن شکوایه کلان فقر اکند ولردن اول کلوب اسکدارده واستانبولک فوج فوج کزوب بونلرک ظفره بیجا ایله مثنک لرین سیر ایدوب اذالم نسختی فاصنع ماشئت رمضان ایتداسندن دفتر دارمورلی مصطفی پاشا قرق کیسه جائزه ویر مکله پایه وزار تله اعزاز اولندی سادس رمضان پاشا قپوسنه سیما هه علوفه ویریلورکن وزیر ترستانه ده ایدی دفتر داروزیر کتخداسی علی اغا بلوک اغا لر یله علوفه ویرلردی ویردکری سمدجی و میخانه جی اچه سی کی قلب و قزل اولمغله سپاهیله توقف ایدوب بزومقوله اچه یی المنز دید کلرند دفتر دارالک یولداشلر خرج ایدر سز نیرجه دورا بنسم کرکدردی سپاه دخی رضا وروب چونکه نیر دورا یدر سز نه کوزل نه کونه اچه اولور سه اولسون الوب انتظاردن قورنلام دیه الدیلر بش اون کیسه پان لنوب اوتنه سی یوق شمیدی طاعناک یارین کلک دورا یدر ز دیدیلر همان سپا بره اغور دن فریاد قویاروب بونه قلابق وکد ابلقدر هم قلب اچه ویر سز هم بزی الدایوب دورا یتسز دیو هجوم ایتدیلمر علی کتخدای خفیه دفتر ان سویلایک



غوغا قیاردی بوزنه طورمه نیر قالدق ارد قیودن طبانی قالدرد بیوب دفتر دار کورکن جیقاروب  
 آید ست بهانه سیله اچر وکیروب او شاقور کورکن کتور دیلر مخفی قیودن آتیه بیوب قاجدی  
 سیاهیلر دفتر دارک فرارینی طویوب منزله کتدی قیاسیله کوره کوره دفتر دار سرانیه  
 چکلدر دفتر دار ایسه باغچه قیوسندن قایغه بیوب ترسانیه وزیره کشیددی دفتر دار مزبور  
 ایسه بلمان مسجدی اطرافندن مسجد دن ماعد اجوارندن اولان اولری طوعا وکره مالوب بنای  
 عظیمه احداث و بر سرای عالی بناسنه شروع ایتشیددی سیاهیلر هجوم ایله منزلی طاشا بیوب  
 قیوسن قیروب اچر ووصول بولوب جاملرین و درود یو اربن و کاشیلرین قویاروب بولنکن  
 اشیاسنی ووردولایده اوج کیسه تقدیغه سنی بغما ایتدی دفتر دار بو حرکتی ساحدار کاتبی  
 یاندورچلیمدن بیلوب وزیره شکایت و ایتدی پاندوری کلیبولی یه نفی ایتدردی پینه قلندر  
 محمد افندی نصب اولندی و بوره مضانده افلاق و پوده سی ایکن هالک اولان اغا تاتای خنیریک  
 یدییوز کیسه خزینه سی کلوب داخل خزینه اولدی دور تیوزاللی سی مواجهه ویرلدی  
 رمضانک بکرمی سکرنجی کوفی برج اسدده عقده زنده قرص شمس کلی یه قریب منکسف  
 اولدی طیلونی مصرینک تقویمنده یازیلان کسوف اسدینک طالع عقرب مستولی مرغ  
 و بوشوالده خسوف جزئی و مقابله مرغ بامشتری وزهره و ثالت ذی القعدة سنبله ده قران  
 تحسین و شوالده احتراق زهره و ربیع الثانی آینه کسوف دلوی بوجمله نک احکامنده متغلبان  
 دولت و مقربلندن بعضینه نکبت و بعضیسنه قتل و نفی و خاصه برجل کبیرک قتلنه و کثرت  
 و تبدلات و وقوعه و علمایینده منازعات و مجادلات ظهورینه و برینک زوالنه و برینک  
 ظهورینه و کثرت سفک دما و حروب و فتن و ترس و بیم و ازعاجات و تنقلات حدوثنی  
 تحقیق ایلمش و کسوف دلوی احکامنده اسمان دن علایم ها ثله و ذکر آفاقه منتشر  
 اوله حق زلزله عظیمه و نقل و حرکت دیو یازمش لکن پادشاه عالمپناهک وجود شریفی  
 محفوظ و دولته استیلاء ناحق ایدن متمسلطه نکبت ایشیه دیشیدی شوالده  
 عید شریفه معتاد اوزن اهل دیوان اعیان و ارکان دستبوس ایله مشرف اولوب خصوصاً  
 صرفه کینی پادشاه عالمپناه سنن یا شا کوشکنه چقوب معتاد اوزن هنرمندلر و بازیگران  
 لعب و هنر عرض ایدوب سباع سلطانیه دخی عرض اولوب خاصه ایشیر یا شاطر فندن  
 کلان بیوک ارسلان عرض اولندی اختلاف جزئی برای عزل اغای دارالسعادة قزل  
 اغاسی بیرام اغا که سابقا ملقب افندی بی شمنی قضاسندن شام شریف قضاسنه  
 نصب ایتدیروب ظهورینه باعث اول اولان دولتمند رحلا اغالق مرکزنده استقلال ایله  
 صاحب فتق و رفق وزیر و مفتی و سائر اعیانک اکثری اکامتنی وزیر حمایه سندن محی اولغله  
 جمیع مصاحبتک ید طولای کوستر مشیدی کرم و همتنه نام ویرن قزل اغاسی حاجی مصطفی  
 اغا طول عهد و تمادی ایام ایله اتابک دولت شکنده تعین تام بولغله اندرون و بیرونده  
 اولان کبار و خدام اکثریا کند و چراغی اولوب صاحب چقدوغی آدمیره استعداد زانه  
 کور صاحب چیقوب یا کتر هدایا و رشوتله نام مستحقله صاحب چیقوردی اولغوله  
 فقط دفع ضرر و بلیاتدن قورتر مقی ایکنی ایدردی لطف و کرمی برکونه کسره

ایدردی که ذکر جمیلی خلقه نشر ایکنه قادر اولدر بولندوغی مجلسه مدد و حنه اولدر  
 محاسن و خصایل جمیله اشاعت ایله که سولین بدخواهلی بیله چار و ناچار مدد قدر  
 اولدر استغاثه حاجی مصطفی اغا نک قولندن بویله بر قیاح کامل آدمی وار ایدی که الی الان  
 مدح و شناسی عالمده داستاند بیرام اغایسه بواسطه رادن غافل و بی تدارک ملاحظه سندن  
 ذاهل اولوب یا کتر جمع مالیه رغبتی زیاده اولدوغندن بدیل هدایا ایدن مالدارلی و التجا  
 ایدن اهل رجا بی هرکم اولورسه اولسون ایله و تقدیم ایتدردی بویله تعین تام  
 حاصل ایتکله آق اغا رجا بی و اندرون همایون اغاری مغلوب و مقهور اولوب اغا نک  
 استیلا سندن عجز و یاس جانلرینه کچمش ایدی و وزیر و والد سلطان حضرت نرینه منسوب  
 وزیر حمایه لنده اولوب مونلی دفتر دار ایسه انچه بدلی قوتیله اندرون همایون رجا نک  
 بعضیسنک و ساططیله دارالسعادة اغاسنه منسوب اولوب مهر صدرته مشتری اولغله  
 وزیر و دفتر دارینه تفاق دوشمش ایدی تفصیل بوکه مونلی اغا رجا بی یدیلد و والد  
 سلطان نه اندساب جدید تحصیل ایدوب مهری بکاوردی رسته بویله خدمت ایدرم دیوب  
 و الحاله هذه التیوز کیسه بدله مسارعت ایدرم دیوب بر تکره یازوب کوندردی مه دعلیا  
 حضرتلری و وزیر عزله راضی دکل ایدی زیرامونلی کرچه مصاحبت کذار و مقررک  
 و خلق ایله امتزاج و جلب مال و ادیستی بیلوردی لکن غایت حیل کار و بی وفلو غدار  
 و مکار اولوب فرصتی دوشدکله آینه مرجمت ایتد فرست اسیری برستمکار اولدوغن  
 پلد کار یچون لافنه وجود و برمیوب تذکره سی خفیه وزیر ارسلان اولدی و مونلی یه لا و نعم  
 جوابی و برلیوب مسکوت قالدی مه دعلیا طر فندن وزیر خبر نهانی واردیکه بزرگدن  
 یکم زاده سوزنه و ارا حیفه وجود و برمیوب سوز و بعض مزخرف کلام یچون گسه یه ده  
 خاطر مانده اولیه سوز بر ترتیب مجازات و قی دکلدر بیوراش امداد دفتر دارک تذکره سی وزیر  
 کلدی کی بی دفتر داری چاغردوب نجم اوغلم مصارف چوغالدی انچه بیوق همان بش التیوز کیسه  
 انچه کتور مهمات لازمه یه صرف اولنسون مهر شریفی حسن رضام ایله سکا بقا ایدرین  
 بن تقاعد ایله یم دیدی مون لینک انکری طو تشوب یا قه سلکوب معاذ الله سلطانم  
 بونه سوزدر بن انچه بی زردن بولیم خلقی طولندروب کچمکله دفتر دارلق ایدن آمدده  
 بوقدر انچه نه کدر سن یم ولی نعمتم افندم سن قولدک یچون سوء ظن ایدر سن دیدک وزیر  
 تذکره بی چیقار اولقد از انچه بی کتور بن طیب خاطر له صدارتی سکا فرغ اولورم  
 دیه بین ایلدی مونلی اغایوب یا غنه دوستوب بی سن چراغ ایتدک بومقامه کتوردک  
 بن نیجه سنک مقامه طالب اولوب کافر التعم اولورم دیه ایمان غلام ایدوب قرآن جلیله  
 ال اوروب وزیر اینا ترکی اولدی صکره مه دعلیا طر فندن ارا حیفه اعتماد ایتیه دیوتد کوره  
 کلدی شاید دفتر دارک تذکره سی دوزمه اولد دیه شبهه لنوب اطمنان خاطر ی اچون  
 دفتر دان کورک کیدردی و نوازش ایلدی بونک کی خصوصاً احداث ایدوب طشره ده  
 اندرونه ایترا ق کله و بر لرینه تحالف و علیهمه سی ایتک و ادیلری ظهور ایتشیدی و ارا حیفه  
 واقع و اگر غیر واقع خاص اوطه و سائر اوطه را اغالی نک بینمده بر نهانی کفتک و ظهور ایتدیکه



بهرام اغا و سایر مصاحبان و حرم همایون طرفینک متعینتری فتنه ظهوری خوفند  
 امین اولیوب مکنت و افلاک سببیله محسود و اوامر رفتنه ظهور ایدرسه ابتدای هجوم ناس  
 بزه اولور و شکتلو پادشاهک برادر لریکه شیریکرد در انلر دایره وجوددن مفقود اولسه  
 استقلال طرفره منحصر اولور دیوید خواهلر فکرین ایتیشلر خاص اوطه باشی حسن  
 اغا و اندرون همایونه اولان ایچ اغالری نهانی بونک فکرین ایدر اولدی لر غالب احتمال بونکه  
 اغالرک استقلال دولتی هضم ایتید کیری اجلدن بواقترانی و یاقشقلی تهتی سید ایتیشلر  
 اوله لاتفاق اولوقته عید شریف کلدی سلطان محمد خان عرفه کونی علی العاده سنان  
 پاشا کوشکنده هنرمندان و لعب باز لک صنایع غریبه لرین تماشا ایدوب سبوع و وحوشی  
 سیر ایتیدیلر اندن خاص اوطه یه واروب اندرون اغالرینک دخی معارف و هنر صاحب لرینک  
 آثار کالبه سن سیر ایدوب عید کیچه سی خاص اوطه لیلر و سائر اوطه لک اغالری  
 مثلاً و شادمانلر اظهار ایدوب پادشاهی اکندر ملک و هر گروه حالجه احسان  
 پادشاهیندن حصه مند اولوق دایرین اولوب و پادشاهلر عید کیچه سی خاص  
 اوطه ده اکلرک غلمان حاصه نلک نشا ط و سرور ایلر اکنسایب حبور ایتلک جون قانون  
 قدیم ایدی و اغایان لطافت عنوان ییمنده البسه نظیفه و شما ذل لطیفه ایلر ملبس و مزین  
 مخدیم صاحب عمت و لا و ران خور و شید طلعت کیمی علم و عرفا نل نادان زمان و کیمی شعر  
 و انشایه قادر سخندان و متکلم فصیح اللسان و هر بری برهنه کامل غلمان جنان کبی  
 بی نظیر و بی عیال لر در هر حال پادشاه دخی انلرک محبتلرندن متلذذ اولوق مقرر در انلر ده  
 باری ییلر برکیر و لی نعمت لری نظر نده اظهار هنر ایلر اثبات وجوده حسرت نکش ایدیلر اکا  
 بناء پادشاه جهان بو عید کیچه سی خاص اوطه ده اکنیه تاب صبحاح انلرک جمعیت  
 پر لطافت لریله کسب شوق ایتلک ایچون مربع نشین تحت آرام اولدی لر اما دارالسعادة اغاسی  
 بهرام اغا چونکه حرم طرفی تقابیلله امور دولته مستولی ایدی هنر ایلرله بومعانی مشورت  
 ایدی خواهجه ریخان اغا که علم و معرفت صاحبی چوق ییلور طواشی ایدی اغایه دیدیکه  
 پادشاهن هنوز بر شاه باز چشم دوخته و غضب فرشتکار نیاموخته در نرم ضبط مزه مألوف  
 اولمعه هنوز طریقه ذوق و انبساطی بلر خاص اوطه لیلرک و سائر اغالرک ییمنده حسن ادا  
 و ملاحت لقایه مالک صبح اوجه اغالر اردر که طلعت لری آینه صنم ربانی و شکل  
 و صورت لری نمونه سرتاسب روحا یندر اولمقوله لک ذات پاکیزه لرینه انجذاب و مودت  
 و الفت و محبت لرینه صاد قانه میل و محبت ایتلک دواخی طبیعیه دن و شیم نفوس ذکینه دن  
 اولد و غمناک نزع یوقد پادشاه معصوم و کیچه طشهره ده قالوب انشراح سرور ایلر انلرک  
 دلفریبانه حرکت و سکنا لرینه فریفته اولوب بعض عقلا سندن غفلتدن ایضا ط ایدی  
 سوزلر اشدوب رشتد و سدادار بایندن برینی مقرب خاص ایدرک اولور سه لاجرم تعین  
 اول جانبه دوستوب نرم بازار اقبالر ناسد و متاع رذیتمز کاسد اولور زیرا محبت مؤثر در  
 و طبیعت سار قدر پادشاهن ایهه عنفوان شباب ایلر دائما تر قید و قطع درجاة و لحاظه  
 ملازم مدرکات ایچون اشد کیری سوزی حفظ و تلقیه در استیغای حظوظ و لذاته

مؤدی تعین و استقلاله متعلق شیرین سوزلر مثال شعر واقسون قلب میال انسانی بی  
 البته مفتون ایدر زلایسه دائما ضبط و تحذیر ایلر تحفظی التزام صور تنه مذاق طبعه  
 آجی و مشرب ملوکانه یه کوچ کله جک نصیح و پنده متعلق سوزلر سوبیلوب خیر خواهلر  
 یوزندن تصرفات زمام تدبیره نوع مشارکت کوستر دیکمز ایچون صورتا و سیرتا کند و لره  
 موخس و مستثقل کورندیکمزده اشتباه یوقدر معقول و مناسب اولان بودر که پادشاهی  
 بو کیچه خاص اوطه ده الیقوم یوب علی العاده حرمه اله لر دیدی دارالسعادة اغاسی  
 بو کلام حکمت ارتقاسی کوش قبوله منکوش ایدوب موجبیلر عمل ایلدی اما نینسو نمازی  
 ادا اولد قدن صکره هنوز پادشاه تحت اوزر نده اغالرک ملاعب و سرور لری سیر نده ایلر  
 دارالسعادة اغاسی مجوزه و هیئت ارکانیه سیله حضور همایونه کیروب پای تختک طور دی  
 گویا لسان عالمه اچر و یورماز مسرشتکنده کورندی پادشاه معصوم نیلسون طبع شریفی  
 سیر استر اما اغالرک تصلب و استیلا سندن والد سلطان حضر نلری سببیلر اندیشه ده  
 ایدر هم ملوکانه هم طریقله خطاب ایدوب اغالا لاجرا د عظامر عید کیچه لری خاص اوطه ده  
 اکندر کالرینک مکر اغالرک بومقوله سرور و نشاط ایلر و هنر کوستر دکر ایچون ایش  
 ینه حظی و ارطبیعت اکنور و افر زمان اوچو کتور مزدمیشلری یعنی بو کیچه بونده اکلر و زمانع  
 اولم کلامنه تلح ایتیشلر اغا ایهه خنکارک اچی و کتمیه جکنی ییلور فرط حرص ایلر ولی النعمی  
 قسقا تمق غیر تنه مغلوب اولوب سیننه سوطیلر شاهی کبی کورلیه رک طشهره اولوب والد  
 حضر نلرینه واروب زمین بوسدن صکره رفع صوت ایلر دولتلو بو کیچه پادشاهنر خاص  
 اوطه ده قالملک معناسی ندر ایچ اوغلنلرین بلز میسر قولاغنه سوز کتیر مصاحب لر پیدا  
 اولور صکره اوغلور کرا تقیاددن چقارلش اولور سز اعلم سز دیدک والد حضر نلری رفق  
 معامله سن ایدوب بهی اغا بو بیام کیچه سیدر ارسلانم دخی معصومدر بو کیچه اغالرک لعب  
 و هنر لرین سیر ایتلک قانون قدیدر نصف الیلدر نصکره یه دک اکنسولر صکره  
 دعوت ایلر مقام ییتو تنلرینه کلسونلر دیو یوردیلر اغا حدت ایدوب بو قدرجه سوزی  
 فرصت عدا ایدوب سرعتله ینه خاص اوطه یه واروب ییرا پید کد نصکره ایچر و یورک دیدی  
 پادشاه اسکندر شیر صلابت چین جبین کوستر ووب بو کیچه بونده اکلر و زدیدیلر در عقب  
 خشم و غضب استیلا سیله والد حضر نلری استیور یور ملوسر دیب حرمت ملوکانه بی  
 هتک ایلدی اغالرک یه یله جرأت ناما حو ظندن پادشاهه دهشت تحیر کلوب والد یه کال  
 اتقیاد لری اولد و غمناک بناء بوتنا کید شدید غالباً انلر طرفند ندر دیو ملول اولوب برزسان  
 وقار ایلر سرفرو رده تحیر اولد قد نصکره قیام و جانب حرمه خرام ایتیدیلر لسانلرندن  
 غیری بر حرف صدور ایتدی ازین جانب قیو اغاسی و سائر آق اغالر و غلمان خاصه اغالرک  
 یووضع جسورانه سندن دلکیر اولوب سابقدن درونلر نده اولان بغض و عداوت  
 بو حالت سببیلر ققت اولوب نگاه حسرت لرینه لیلر عید کویالیه ماتم اولدی چونکه  
 پادشاه اچر و کتدی اغا خاص اوطه لیلرک و سائر لرینک خاطر لرین جبر ایتلک  
 فکر لره کیر و قالوب لعب و هنر اظهارندن و سیر و تماشا دن غرض التون احسان



انی بر ویرم فکر یله النون کیسه سنی چیقاروب بنده شروع صد دهن ایکن همان خاص  
 اوطه باشی حسن اغا و اکامانند بر قاجی کلوب اغایی اور تابه الوب بره ظالم و جبار بولایتد بکک  
 پی ادبک ندر ابتداء دولت عثمانیه دن بر وزیرک مقامند اولان خدمتکار لر پادشاهلرک  
 خاص الخاص بنده لری دکلید رملوک سالفه هر استند کلامی و قلمه علی الخصوص عیدلرده  
 خاص اوطه ده اکلمک قانون لید و کنی بلزمیسن کمال خستندن ناشی پادشاهمزی ایکی  
 ساعت اکلمدر میوب قالدردک عالیه تسلط واستیلا کی شاید سویلیه یوز دیو بی قرب  
 ملوکانه یه تقریب ایتمیسن یونندن قطع نظریاد شاه زوی زمیننه بیانی آدمه اولان خطاب کی  
 کسمت اخلق ایدوب کل سنی والدک استرد یو خواه نا خواه قالدروب هتک حرمت سلطنت ایتمک  
 دکلید ربوقدر تسلط واستیلا یه راخی اولیوب عالمی قبضه تصرفه الموق ایچون خاندان  
 سلطنته اهانت فکرنده اولدوغکی طوید قیاس ایدرسن دیوشه زاده لره سوء قصد  
 افترا سنی صراحت لسانه کتور دبلر ضابطلر یو یله سویادیکی کی اطراف و جوانمده اولان  
 فکر سرجه تازه و غضبناک اغا لر دخی پریدن آتیلوب هر بری لسانه کلیه جک ذکر ی  
 مستهجن عقابلر ایله عظیم شیمانت ایتدیلر ارلندن بری مکر زاده غضوب و بخار تهر یاشنه  
 چقمش جیسور ایشن همان دال خنجر اولوب بز یو یله باشمزی قویق یا انتقام الور زی قتل  
 اولور زدیوا غانک اوزرینه یوریدی الله تعالی یاری قلدی دارالسعاده اغاسی چایک و توانامرد  
 دلیر ایپی خاص اوطه قیوسندن بر چانه یحیرایوب نبر دارلر اطراف الوب بونلره بر حرف  
 سویلیوب چکیلوب کندی و نطق ایتدیکی سیدی ایله عجایب عاقلانه حرکت ایتدی  
 اما بر ذراع قدر قالمشیدی که خنجر اغانک وجودینه ایشنه حفظ حق ایله چایک دپره یوب  
 قوریلدی چونکه ایرتسی عید شریف ایدی سرور عید مشغله سی و شهنزاده لره سوء قصد  
 تهمتی خوفندن اغا اصلا شکایت اظهار ایتدی مضی ماضی شکلمه سکوت ایله حسن معامله  
 کویستردی و غوغا قبار مسون دیو کیجه ایله اولان وقعه فی اصلا لسانه المیوب کند و نبر دارلری  
 تغافل اظهار ایلدیلر اما اندرون خلقی چونکه بومر بهیه جرأت ایدوب دارالسعاده اغاسی  
 کی بر صاحب وجود ایلر و بر و محاوره یه وسل خنجره اقدام ایدوب قلبی رمیده ایتدیلر  
 بعد الیوم مکریدن امین اولیوب اغا لقدن حقجه یه دکن بری بریله اتفاق اوزن اولغه  
 عهد و پیمان ایلدیلر و پوتمتی باشه چیقاروب بر صورت ویرم اوله که اغانک دفعنه  
 وسیله اوله دیو ایکی تذکره یازوب برینی اورته جامعه و برینی مجمع سیاه اولان خانه بر اقدردیلر  
 مضمون بوکه دارالسعاده اغاسی دولته تسلط ایچون شهنزاده لره سوء قصد تدبیرینه بنیاد  
 اوردی حرم همایونه بواشی دفعه قادر کسه یوقدر بونک دفعی خدمه دولت واعیان سلطنت  
 اوزرینه خصوصاً ضوابط لشکره واجبات ندر غافل اولیه سز دیو یازمشلر ایدی عیدک  
 اوچنی کونی تذکره لر القالولوب پوتمت مکروهه عوام لسانه دوشدی غرات تذکره لری  
 اغا قیوسنه کتوردیلر او جاق اشبهلری اغا قیوسنه و سیاه اغا لری منزلند جمعیت ایدوب  
 خفیه خاص اوطه یه خبر کوندردیلر و بوندکره لک اصل وارمیدرد یو حقیقتی استکشاف  
 ایتدیلر انلرده بلی واقع حال بودردیو تصدیق ایتدیلر طشره ده جمعیه مؤدی اوله حق

مشورتلر اولغه باشلادی و فتنه جوی نجه مقصد اکا برک منزلنه متحرک لر جمع اولوب  
 شویله ایش بویله ایش دیمکه باشلادیلر دارالسعاده اغاسی تذکره لر خبرینی  
 و طشره نک قارشقلغنی طوید قلم سا بقا ظهور ایدن اغا لر وقعه سندن داغ بر دل  
 ایدی وهم دولتد ایشی تمشیدی و جوانی معمر اولغین عاقبت اندیشلک ایدوب  
 مفتی ایله اتحادی اولغله انلر ایله مشورت ایدوب پادشاه و والد سلطان حضر نلرینه  
 یاواروب بنی ازاد ایلک واروب مصرده خیر دعا خدمته مشغول اوله دیدی  
 والد سلطان حضر نلری شیخ الاسلامی دعوت و حضور همایونه بومنازعاته متعلق  
 مشورت اولندی مفتی ابوسعید افندی ثبوت صاحبی مدبر و وهیدن خالی دولت لوییدی  
 هر حالده دولته درست و رضای پادشاهی تحمیلنه ساعی اولوب دارالسعاده اغاسنک  
 نجه لطفی کورمش خیر خواهی ایدی سوزه کلوب خاطر و عا طرولی النعمه کدر کلسون  
 دولتک حالی بودرزاع و کفتمک و اکسک اولمز سهولتله و حسن تدبیر ایله دفعی قابل اولان  
 خدمه مضررت یوقدروا غایه خطاب ایدوب مصره کتمک شمدی رغبتکتر مناسب  
 دکلدر اعد افترا سنی تصدیق اولنور مقامکرده صاحب قدم اولمکز مهمدر خاص اوطه لیل  
 طرفی بر تسلیت و ارضای بر طرفین ادب و حرمت ایله معامله یه رعایت اینسون استطاله  
 و آخری تحقیر و محروم ایتیمکه متعلق ناهموارلق اولسون انشاء الله تعالی شقاق و فاقه  
 عدوت مودته متبدل اولوردیوب پادشاه و والد فی تسلیت ایدوب اغایه مقامند استحکامه  
 عظیم خدمت ایدی اندن قالوب خاص اوطه یه واروب ساحد ار اغا قیوسنه و سائر  
 سرکارده اولنلره لسان خلوص ایله نصیح و پند ایدوب بعد الیوم اغا طر فندن مأمون الغائله  
 اوله جقلمری مقدماتی بسط ایدوب خاطر لرینی ارضایلیدی جزا و انتقام توهمندن قلبلری  
 تحلیه اولندقدن صکره دارالسعاده اغاسی مقامند قالدی بعد طشره ده دخی تذکره  
 بناء کفتمک و یه مشروع ایدنلره نثیه یوزندن اول تذکره لک اصلی یوقدر ایچورده مقریین  
 دیننده جزئیاته متعلق شکر آب معامله اولغله کانه رغایو یله ناهموار افترا یه شروع ایتمشلر  
 بومقوله سوزندن خاطره کور بویله خلطیاته وجود و برلسون اشخاصی ضبط ولسانلرینی  
 قطع ایله مقید اولک دیو ضابطلره نصیح و پند اولنوب کفتمک و سکون یولد قد نصکره اغایه سل  
 خنجر ایدن جری وایکی حدی بلزدخی لدر وندن نان یار ایله چقاریلوب مصره یوللندی  
 اغا مقامند ثابت قالدی اما ایکی طرفه کین و غضب در و نلرند نختنی قالوب دارالسعاده  
 طرفنه منسبیلر شعبان خلیفه ملکی خاتون برو خاص اوطه لیلر و مایینلرندن طشره چقل  
 و جالی بر لر نه ظاهر ادوست امام معنی دشمن جان اولق اوزن استی ایدوب سوز کینگی با صلدی  
 و مسکوت عنه قالدی تاتار خان اسلام کرای فوت اولدوغی بالاده مسطور در برادر کهتری  
 محمد کرای که مقدمه اشار الیهدن مقدم خان اولمش ایکن دولت ابراهیم خانی معزول اولوب  
 ردوس قلعه سنده ایدی برادر لری پرینه خان اولق ایچون دعوت اولنوب شوالک اون برنجی  
 کونی استانبوله کلوب نزول ایتمشیدی دسنبوس شهر یاری ایله شرفیاب اولدق  
 پادشاه حضر نلری بالذات مرصع خنجر و سرغوج احسان ایدی وزیر امر یله بنفسه بر



کور که در روبرو تکرار ال اویدر لک که پادشاه بالذات توجیه خطاب التفات بود روبرو  
 قریب است که زمانه اول جانبر اختلا لن آسوده اولغله خاطر هما یوم اول بطار قلدن مطمئن  
 ایدی غایت کوزل استقامت وصادقانه خدمت ایش ایدی لایق بود که سن دخی زیاده  
 خدمت ایله سن یورد قان سر فر وایدوب پادشاه من حضر نارینه دخی زیاده خدمت  
 ایتکه اهتمام ایدرم دیوب طشره چیقدی مطلا و مفرق آلا تلو براسب خاص احسانیه  
 سرافراز قلدی شوالک اون التخی کونی خان حضر ثلری قدرغه یه بنوب کتمک تدبیرین  
 ایدوب حسن پاشا زاده حسین بکه که درگاه عالی قپوچی باشیلر ندر باباسی جانبک  
 خانی نصب ایتدیک کبی بودخی بوخانی کو توروب مقامنه نصبه مأمور اولدی کرک امینی  
 حسن اغایدکی کوی جوارنده طرابیه نام سادله معلا سرایلر اید بنوب مکلف بنالزایم شیدی  
 اندک خانه ضیافت ایدوب وزیر و دفتر داری دعوت ایدوب مکلف سباط و لوازم عیش و انبساط  
 تربیت ایتشیدی و تخمین بوایدی که ضیافت نصیره خانی قدرغه یه قویوب کوندره لر  
 اتفاق خان قدرغه یه کیروب هنوز یول لایمه دن مقدم قره دکرزن بر خبر کلدی که قریب  
 دیارنده میرزا ریننده اختلاف دوشوب قلغه سلطان هوادار لریله باشقه باش چکوب  
 خدمت و صامسقولی لهه زیاده نکایت واکثر مما لکنه استیلا ایدوب خان فوتد نصیره  
 ایلیس فتنه انکیز بعض دماغله بیضه شیطنت وضع ایتشدردیه دریاطرفندن خان کلجه  
 قریب ملکی خانسرتور مق امر صعبدر مباد ابرفته اوله دیخ جدید اتباعندن استعجال  
 خبری کلدی بوئانده خان جدیدک قدرغه ایله کله سی مجهود اولماین خانی صید ایتک  
 هوسیه دریایه روس شایقه لری و قیاقلری چقمشدر دیه بر خبر شیوع بولوب وسوسه ایراث  
 ایتدی خان قدرغه دن چیقوب مرحوم اسلام کرای کبی قره دن ایلغار ایله کتمک مناسب  
 مصاحبتدر دیومشورت اولمد قد نصیره وزیرک اقدامیه مکث ایتدر لیوب خان قره  
 طرفندن ایلغار ایله روانه اولدی بوئانده قدری زاده امیر افندی ادرنه قضاسندن  
 عزل اولنوب یری بوسنوی عیسی افندی یه ویرلدی و آلا کوشکی التمه واقع اسکی  
 خلیل پاشا سرائینی پادشاه عالمیناه وزیر هبه و تملیک ایدوب بر قاج آی ایدیکه ایچنه  
 معمارلر قونوب تعمیر و ترمیمه سعی اوزن ایدیلر شوالک اون بشنده اسکیدن ساکن اولد قلدی  
 بیرام پاشا سرائندن اول سراه نقل ایتدیلر اعیان دولت جمله تهنیت منزل ایچون واروب  
 مبارک باد دیدیلر غرابت بوند که نصف شوالک خسوف سبقت ایتدیکندن ماعدا  
 تقرنحو سه متصل اولدوغندن غیری سراه به دخول وقتنده صاحب طالع و صاحب رابع  
 بیت الموند بیت الموت صاحب طالعه تربیعاً ناظر بولندی اصحاب فن جمله اتفاق  
 ایتدیلر که دولتلر تک بو وقتنده سراه به دخولی مقبره یه دخولک عیندر حفظ حقه اوله  
 دیدیلر و اقچاقوق یکمدین وفات ایدوب سراه دور دراز مکث نصیب اولدی ته کم خلدنه  
 ذکر الهسه کرکدر ذی القعدة نک اون ابکیسنده مک زاده روم ایلندن و امام زاده اناطولیدن  
 معزول اولوب قدسی زاده روم ایل صنعی زاده اناطولی قاضی عسکری اولدیلر ابکیسید  
 یشل عرف ایله دیوان هماینده جم اولملری نوادر دن ایدی اول کون محرم زاده غلظه دن

عزل اولنوب حضرت منلائک محمد و کزینی فیض الله افندی دفعه ثانیه ده غلظه قاضیسی  
 اولوب روم ایل پایله سیله سنائی نجیل اولندی واستانبول قاضیسی بولوی مصطفی افندی یه  
 روم ایل پایله سی اولوب حتی دفع ویا ایچون بوئانده جمعیت ایله دعلیه چقلد قلد بولوی بحسب  
 الیه صنعی زاده یه تقدم ایلدی حکایات غریبه و حدوت منازعه و اختلاف در میان موالی  
 و منفی ونفی بعض از علمای طریق مورخ دیر که صدر بن معزولین ابکیسی بیله اوضاع نامعقوله  
 ایله نشهر اولنوب سلوکری عوام قبول ایتیه جک مرتبه مذموم و ارتشاری فاحش  
 ایدی خصوصاً روم ایل تذکره جیسی تریاکی قوشباز که زند قاضیلرک منصبلرین بیع  
 ایدوب فوتدن محلول نامیه صاتون آلان حریف واروب ضبط ایتدکده سابق  
 دردمند کلوب بن صائم اولدم دیو تظم ایتدکده سبحان الله مسلمان ثقه دن دورت بش  
 مسلمان فوئکی خبر ویدیلر همان صانع اولد قدر زجت ضرر ویر مزید و تسلی و یروب خفجه  
 بر مقدار اچیه سن الوب خلاف انهایمیش دیو بقا کاغذین و یروب محلولدن آلان دردمند  
 دخی کلدکده الم چکمه سکاده بریر پید ایدرز دیو اسکات ایدوب بر قاجکوند نصیره برینک دخی  
 منصبن اکا فایدوب نکر احرقلردی قضیه فقر اسنی دور دائم بویه دولاندروب  
 جمع مال ایچون بوکه بکتر کونا کون شیطنتملر اختراع ایتشیدی اناطولی تذکره جیسی الهی  
 زاده خود اکار حجت اوقمتی اوزن سلوک عجیب ایدوب هر یری افندی یاریله بمقوله ارتشادن  
 قارون وقت اولدیلر حتی صدیقین مزیه بنک عزلرندن مقدم بویه بر سوا اینک اولدیکه سابقا  
 باش باقی قولی بعد موقوفاتی اولان قره عبد الله که بیروامتکم وعصرک نصر الدینی  
 سوزانه سی اولق اوزن معروف در کون دیوان وزیده صدرین مزیرین او تورکن بر خصوص  
 ایچون دیوانه کیروب مصاحبتی عرضد نصیره مطایبه ییلندن حضور وزیرده ال قلد یروب  
 وزیر خیر دعا بعد صدرینه افراط اوزن شا ایلدی وزیر چونکه حرف اندازلقن ییلوردی  
 و صدریندن خشنود اولدوغین اکل مشیدی تبسم کان بودعائک اصلی ندر دیدکده  
 سلطنتم بزجر کوشم قولکتر و ارایدی محوم اولدی هزار علاج ایتدم مفید اولدی اخر  
 حمایه خطاب ایدوب بره آستمه اگر شواعلانی صالحه رمزسک بود دفعه اناطولی افندیسی  
 امام زاده نک قزاندوغی کاعلری سنک نوبنوکه اولسون دیدم همان اول ساعت اوغلان  
 کوزین اچوب لافقت بولدی دیدی بولطیفه شتیعه دن کویا وزیر حظ ایدوب خنده ایتدی  
 یا نجب صدر رومک کاعلرینی حواله ایتماش سن دیدکده قره عبد الله جواب حاضر ایله  
 یوق سلطنتم نلری بویه جزئی شیلره صرف ایتتم انی اوغلانک طاعونه صقلارم دیدکده وزیر  
 و حصار دیوان جمله قهقهه ایتدیلر حتی بولطیفه قضیحه ایله اهل دیوان اراسنده رسوای اولان  
 افندیلرک ابکیسی بیله خنده ناک اولوب اوئانده دن خلقدن زیاده کولشدیلر و اغریه الاسلام  
 و قلله الحیا صدور علما اولان دولنلور حرص و طمعله بومر تبه تشهر اوله لر که غیب بلرند  
 زم و قد حدن غیری مواجهه لرند خصم و صادیق ان عالیله حدید اللسان عوامدن برینک  
 طعن و تزییفیه مدخول و مطعون اوله لر چون بویکی شخص صدریندن معزول اولدیلر  
 صدرینه کلان قدسی زاده و صنعی زاده اریه لقلر که توفات ویرا ویدر بونلره اریه لقل ویرا یوب



صد رینه کلان قدستی زاده و صنعتی زاده اریه لقا ریکه تو قات ویر اوادی ربونله اریه لقا  
 ویر یلوب منلا حاضر نلری دخی یوار القه کلر بالقدن خالی اولمغین اریه لقا امر لینی کاوب  
 آلسونلر دیو کند و لره خبر کوندر دی امر لرنی چون یا غمزه کوندر لار دیوار یه لقا ریکه بکنه مک  
 بهانه سیه جناب منلا یه وافر جروب و شتو م باصد یلر یوندر نصکره بروجله هضم لری  
 قابل اولمه چق اوضاعه با شلد یلر عتک زاده یه یز اوادی ادر نه دن معزول بروسه لی اسیری یه  
 ایاز مندر اریه لقا اولقا اوزن اسر لری کوندر لند ککه ا بکیسی دخی قبول ایتیموب جناب  
 منلا یه خارج از ادب اطاله لسان ایتدی لره خصوصاً اسیری محمد افندی مفتی یه بر تذکره  
 قبیحه یازوب کوندر دی توجیه ایتدی بکک مناصب جمله مدخوله و معلل بالا غراضدر  
 فلان منصبدن فلان قدر رشوت فلان دن فلان الدک فلانی نا حق یره فلانیه تقدیم  
 ایلدک دیوتش نیعات ایله ملوایدوب کوندر د کد نصکره بومر تبه ایله قناعت ایتیموب  
 کندوسی واروب شفاها ز سنک عصر ککه مایوس اولمشدر در زه لیا قتمز مرتبه اریه لقا  
 ویر میوب بوقدر فضیله ایلدک دیوتد کرده یازدیغی موادی بر لسانا سولیدی بوجرات  
 وانه وارلق اعلی خیب روز کاردن عد اولمشدر چونکه دائره ابدن خارج و حیطة اعتدال دن  
 بیرون حرکت جبارت ایدن لره حال کوشمال ایله نادب اولنه کلشد رو کند و دن سوک کسنه یه  
 حرف اندازاق ایدوب هتک حرمت ایدن لره پرده عرضی چاک اولوب آب روی اعتباری  
 زمین نامته دو کلوز بوشاده مک راه واسیری والی زاده واسمعیل زاده و نجانی و هوادار لری  
 بر قاج افندی لره که هر رینک دعواسی استحقاق زاتیه دن هزار مرتبه زیاده و سرعت حرکت  
 ایله آرزو مانده مفتی لک مقامیه وارمق سوداسی هر رینک دماغنه قرارداد اولمغین جناب  
 منلا یی کوزه صالندر میوب غیابده و مواجیه ده طعن و ذم و قدح و شتم ایدرک افضل  
 مراتب بشریه اولان مشیخت اسلامیه نیک غرض و ناموسنی هتکه جرئت ایلره رک جری  
 وید آموز اولدی لره بورتبه بی ادب لکه قناعت ایتیموب جناب منلا نیک قبایحنی مشتمل  
 بر کاغذ یازوب خزینه دار اوغلی دید کلری سفیه و لایعقل ایله علمانک خانه لینه کوندر وب  
 امضا ایتدی مک ایچون کزدر دیلر حسام زاده دوراندیش اکابر عقل امضا ایتیموب یه  
 کیند ورامثالی متها لک و متجاسر اردن اون ایکی آدم امضا ایتدی لره قضای نا کهای همنوز بومحضر  
 ایچو کوندر لیدن بر غیری کاغذ پید اولدی ویر مجبول طرفدن پادشاهه ایصال اولوب  
 بومحضر عاطل قلدی بو کاغذ ده زنه خطنه مشابیه مختلط نسخ خطله مفتی ابوسعید  
 افندی نیک طریق علیه رالنه ایتدی یکی غدر و آلدینی رشوتلر و سائر قبایح و توجیهاتی تزییف  
 و بیکه یگزر کونا کون تمتملر و تقیب عبدالرحمن افندی ایچون زیرک زاده دکلر سیرک  
 نام بر شخصک اوغلی در منسبدر کذلک صدرین معزولین مک زاده و امام زاده نیک  
 قبایح لری آبا علریه آلد قلری رشوتلری ماده عماده یازوب رجال دولتک اکثرینی سوه تذکر  
 ایلدر درج ایتشدر و مقام معظمه صاحبانیه ورنجه اخدر رشوت ایله اتمام ایتشدر بومخرافات  
 ایله ورقه مالا مال اولوب امارت فر دك مهر و امضاسی یوق مجبول و لا حضور همایه ته  
 بر طریقه اولاشدر و مشایر پادشاه حاضر نلری اسکر اربا غچه سنه ایدیلر کاغدی او قود قیه

بعضو اولوب وزیر مفتی و وزیر او ضد و رعایا و سائر اعیان دولت کاوب حقیقت  
 مال دن بحث واستکشاف اولنسون دیو فرمان یوردیلر وزیر مفتی واروب و سائر لینه  
 دخی خاصکیم کوندر یلوب اسکر ان جمع اولدی لره روم ایل و اناطولی قضاتندن دخی بر قاج  
 اختیار کک ییور یلوب مفتی افندی اقتاری ایامنده اکثر قضاتک خصوصاً روم  
 ایلامه بعض متعینلرک منصب لری شقیح مجر سببی ایله دید کلری اشخاصه توجیه  
 ایدوب ذاتا و زمانا مستحق اردن بعضیسی محروم قالد و غنه بناء هر برینک در و شتد  
 کینه خفیه و ار ایدی جائز که حضور هماینه کیر دکنه نیعات سابقه یی یاد و شکایت  
 ایدر دیو چان اندیش اولوب اناطولینک تحنه با شیمی چالق عبدالوهاب که مک  
 ایامنده ید رشوت و مرجع قضات بریز ایدی انی استمالت یرله قوله الدی و بورایه  
 قرار و بردی که اناطولی قضاتی شیو خندن سکه صورت مشکل القیافه اق صقالله  
 ایکی شخص که خواجه مکتب مثال احق لایفهم اوله لرو اعظ بی معنی کی همان بهیولا کورینه لر  
 به یله ایکی آدم ایچو النوب غیر یلر حسن مدافعه ایله منع اولنه لرو روم ایل قضاتی که  
 اکثر یا جسور و بی زبانه راندن بر فرد ایچو النوب یوتدی بری منلا نیک ناخیم جیسی جملوز  
 خدی ایله بو ستاجی باشی اغایه بلند یروب نثیه ایتدی لرو وزیر مفتی و سائر لری ایچو کیروب  
 مختار اولان بر قاج اختیار قاضیلر دخی ایچو کیروب سائر قضات که قضیه یی ایشیدوب  
 کلشدر ایدی جملوز خدی قیو او ککه بو ستاجی باشی افانک یاشده طوروب افندی بر صبر  
 ایلاک محل سوال و مجلس استفسارده جمله مر حضور همایونه چاغر لستق کر کدر دیوب  
 گروه قضاتی ناخیر ایتدی لره درده قیو او ککه دی یلوب خبر طلب و اذن دخول ورودینه مترقب  
 طور دینر بو ستاجی باشی افادخی مفتی نیک نثیه بناء افندی لره صبر ایدک نثیه بو یله در  
 دیگله نیچار متوقف اولوب طور دینر چون وزیر مفتی و اعیان حضور همایونه واردیلر  
 مجلس بوجمله اولمش که پادشاه حاضر نلری معهود کاغدی چیتاروب صنعی زادنک  
 الننه صونوب افندی شو کاغدی او قویو ورمشدر اولدخی قرأت ایدوب مفتی افندی نیک  
 توجیهات مدخوله و رشایه متعلق تقدیر مواد و اریسه واقع اگر غیر واقع ماده عماده  
 صریحایان اولنوب کذلک وزیرک احوال عالمه تقید ایتیموب ترتیب اوغاد و اطراح  
 تفصیلات و تقریطات ایدکین و کذلک چقان صدرین مک زاده و امام زاده مناصب  
 قضاتی جمله رشوتله صائد قلری و سائر کار سازان دولتک دخی کمال طمع و خیانتن  
 علی الخصوص دفتر دار یا شایقین زمانه باش باقی قولی تازه سی بر مورده اوغلانی ایکن رشوت  
 ایله وزارت نائل اولوب مال میری به غدر و خیانتدن غیر یی ظلم و غدر ایله عباد اللهه نلر ایتدی یکنی  
 و اطرافله و خنی یراده قلب و زیوف ایچو کسنر وب عربیه کتور دیوب مواجیلر ده قوله  
 ویر مکله غوغا لره باعث اولد و غنی و اندرون همایونه اولان خواص مقرینک طشره امورینه  
 مد اخله ایتدی کلری و بیکه بکتر استمع و اقچ ترها نلر که حذف اولنوب بومحله یازما مشدر  
 جمله ذکر اولنوب بومقوللرک جز لری ترتیب اولمق مهمات دولتند رو خد مانه مستقیم  
 آدم لره نصب اولنوب ظلم و رشوت رفع اولمق اریسه جمله دن امن و راحت منعدم اولوب



زیرا عباد الله بودند بیزار اولش از در خوف اولنگر که بکن فتنه لایق است و اضرفتن  
 علیه حدوت ایدوب دولت علیه به نزل کله پادشا عا لینه حضرت بلی تی قظ  
 و انبیا اوزن حرکت پیور و بواحو اللک حقیقتی صادق و خیر خواه اولنگردن استفسار  
 پیور رسه سختی اوزن هر احوال معلوم دولتری اولور دیو خیر خواه خلق صورتند کاغدی  
 تقایص و معایب ایله مالامال ایتمیشل صنی زاده بوجه بی علنا اوقیوب اندرون همایون  
 و مقرین احوالنه کلدکه نادبا سکوت ایستدکه اول معلوم اشا غیسن اوقودیدیلر  
 اشا غیسنی دخی بالتام قرأت ایستد بوجه سی وجه مشروح اوزن ثفاق و کست خلق  
 ایدی بعد الاتمام پادشا حضرت نری بونک اصلی ندر دیو جمهون خطاب ایدوب  
 هفتی ابو سعید افندی که بلند آواز و اداره بحث و کلامه قادر متکلم بلاغت پرداز ایدی  
 جوابه شروع ایدوب شوکتلو پادشاه حق سبحانه و تعالی عمر دولتمتری افزون ایدوب  
 و ایستاد خواهلری بکری مقهور و برنگون ایلیه بوزرقه معتقل اعدا و حساد دوزمه سیدر  
 سرکار ده اولان قوللری بکزن قدر منصف و عدله ما ثل اولسه لده یتنه خلقک نصی  
 کند ولردن خشنود او لما مق قاعه مقرر در خلقک اکثری استعداد و استحقاقلری  
 مقتضا صیغه راضی اولوب حقه قائل دکلدر جمله نک رضاسنی علی مراد هم التزام ایتمک  
 و قایم مق وسع دولندن خارج اید وکی محل کلام دکلدر اغراض فاسده صاحب لری نک  
 حسد دن ناشی مذمت و قدح لری کلور کورین و طالامناصب عالیه خدمت شریف کرده  
 اولان قوللری بکزن قنغیسمندن قلم مواخذه کله جک برجرم صدور ایلدی بومقوله  
 منتهیات باطله واصلی و فصلی مجهول اسنادات مجرده ایله بیکنناهلری رمی ایتمک حسود  
 و فتنارک دآب دیرینه سیدر طالادولت علیه ده جمله عزل و نصب و اخذ و اعطایوسا  
 امور مهمه و مصالح دیوانه کلی و اگر جزئی جمله سعادت و پادشا همک فرمان شریفلری  
 هر جنبه تمشیت اولنگوب تفصیلا و اجمالا جمله سی معلوم سعا دنگزد زنا موس دین  
 دولت و شان و شوکت سلطنته محل مضمر بر فعل و وضع بزدن صدور ایتمک و دینی و عمری  
 و مالی بید فی ضرری مشاهد بوضع و حرکت ظاهر و متبیین اولد قچه و کلا قوللری بکزن  
 حقدن ناحق یرهمتهان ایله پادشاهی اغضاب ایچون برالای مفسد لری مزور و صانع  
 قول مجر د لینه نه اعتبار وارد مناصب و قضایا توجیهاته دخللری اغراضه مبنیدر مولویت  
 و قضایا توجیه اولمان دعا جیلری بکزن جمله سی ذاتا و زمانا استحقاق صاحب لری لکن بویه  
 فتنه کارلک هوا سنه تابع شیر لره ماملری مرتبه شی ویرلدیکندن اول مستحق لری  
 جرح ایدر لر و آنچه انمشدردیو تهمله تاویش عرضه سعی ایدر لر جمله دن حالا حامل امانت  
 و کالنگر اولان وزیر اعظم لالا کز کی بر وزیر اجداد عظام و اسلاف کرامتدن مالک  
 اولنگر نادرو معدود در عر نی دین و دولت او غورینه صرف ایتمش احوال عالی حقایق اوزن  
 اکلامش فتح بغدادن بروم لک و مناصب تصرف ایدوب واردیغی ولایتله نظام ویرمش  
 مد بر قوللردن نائل مهر شریف اوللندن بر و رواج اقتضاییدن مهماته علی الخصوص  
 و ونهای همایونه کابینی اهتمام ایدوب سرحد اسلامیه نک جمله سنه نظام ویردی و بویه

قلت ایراد و کثرت مصارف و قتل و محارب و خوار لک مواجبلین و ساء مضارف لازمه بی  
 تدارک اید طول و لا کویستوب مضایقه چکدرمه ملری و حسن تدبیر ایله آستانه نک نظامی  
 معلوم طشره ممالک کذلک معمور و رعایا آسوده و سعادت و پادشا همک هیبتی کو کلرده  
 راسخ و هرشی فراوان وارزان بویه وقت رفاهیت و زمان امنیت سا بقده بیه قنی نادر واقع  
 اولمشد قرمان دولت و پادشا همکدر دیه ختم کلام ایلدک و وزیر دخی نطقه کلوب دولت و  
 پادشاهم اق صقالی دین و دولت خدمتند اغارتمش قولکم بر قاقچو نک عمر بی دخی  
 صداقتله شوکتلو خنکار مک خدمتند صرف ایتمک بیل باغلمش قوشجه بتم افندیک او غریبه  
 فداز بو پیر لک مال و منال ادخارینه رغبتیم به قدر همان مقصودم او غورهما یونک  
 صد اقله خدمت ایلمکدر قوللردن خشنود اولر لسه مطلوبی و هوا لینه مساعد  
 کورمد کلر یچون خشنود اولر لرحی علی الصلاح قله کلور برجرم اثبات ایتمش و نر مفتی افندی  
 دعا جکر که اباعن جد فضل و استقامت ایله معروف اجدادی اجداد عظام کز حضرت اتمه نه  
 کونه صداقت و خدمت اولد قری معلوم آقا قدر حق بودر که بونلر کی خیر خواه و دیندار  
 و متقی و پرهیزکار مفتی به ملوک اسلاف نائل اولش قتی آز در بحق مشرب لری نه صلابت  
 تقوی و خشونت حقانیت غالب اولمغه احقاق حق و تکلم صد قدح مجبور اولمغین  
 حدینی بیلرید اخلاقله ملایمت و مدارا ایتمد بیکچون اولمقوله لکند و دس محظوظ دکلدر  
 احباب اغراض حسد و عداوت ایدر لر علی الخصوص طریق اربابی که بیلارندن وفاق  
 و و داد معدوم و ذاتا و زمانا زبیه لیاقت و استحقاقلری قانع اولد قلی معلوم مدر  
 مطالب غیر مناسبتینه مساعد اولمغه طرمان لکری نه بناء بومقوله اسناد لره  
 جرأت ایدوب توجیهات مقبوله لینه زعمار نه بار دعا عراض ایدر لر حسد فتنه  
 کارر خصمت و یریلوب اغراض ایله معلل سوز لینه کوش قبول طویلر رسه بیت  
 چون حسودان دینه مشر و حیار هم نمند تهمت آلوده کی بردامن مریم نمند مضمون نه  
 هر کسک حقه کذب و افتراء دن قاچر لر لکن بومقوله منتهیات لری سوز لینه وجود و یر لک  
 محذورات کثیره اولد و غی پادشاهمه معلوم ردیدی بعد قاضی عسکر لرحی شاهدین  
 عا دلین قدسی زاده و صنی زاده طلاق لسان و فصاحت بیان ایله و سخن علی دلاله  
 من الشاهدین که صدر اعظم لالا کز هر وجه لیه پیر و دیندار و مدبر و مجرب روزگار تدارک  
 مهمات دولت و نشر مراسم عدالت و تنظیم مملکت نظیری کلامش و رشید الاسلام خود  
 اباعن جد خیر خواه دولت اولوب دولت علیه عثمانیه خدمت ال حسن جان لیه طراوت  
 پذیر و کند ولر اجداد لردن زیاده عفت و تراخت ایله شهمیر اولد قلرندن شبهه یوقدربو خاندانک  
 خلوص ایله خدمت کسه ایتمش دکلدر استقامت و دیانت بونلرده ختم اولمشد ر بنقیب  
 افندی خود جسم نازل و دفع هائل صاحبی سحت نسب و متانت حسبیه معروف تقوی  
 و پرهیز ایله موصوف داعی کز دیو کاغذ یازیلان سوز لرای محض دیدیلر کیر و ده طوران  
 ایک قوجه قاضی لرحی اخفش کچمیسی کی با شلرینی تحریک ایدوب اوت بویه در زده ایله بیلور  
 دیر لک قاضی عسکر لری شهادت حسنه لری تصدیق ایلر باخبار و شهادت حضور



همایون که قبوله قرین اولد قده نکر ارمقی افندی نطقه کلوب سعادت لو پادشاهم پورقه  
 صاحب اغراض اعدا دوزمه سی اولدوغنه شاهد کاغده مهر و امضا اولدیغندن  
 و ایچنده قله کلوب مرتعین ماده اولیوب علی العموم بحال دولتک دم و قد حیل مالا مال  
 اولدوغیدر بواش صدریندن معزول ملک زاده و امام زاده و بروسه لی اسیرینک  
 دوزمه سیدر علی الخصوص ملک زاده و اسیری تعیین اولنان اریه لقلری بکنیوب داعیه کزه  
 شوو جهله تذکره یازدیغندن غیری کلوب لسانا شو مقوله ترهات ایله هتک  
 حرمت ایتدیله و دخی بعض مفسد و هوادار لر وارد اما جمله سنی محرک ملک زاده ایله  
 اسیر یدرئا دیالهما و تمییمه لک غیر بهر حال ییتر نفی اولنغه محتاجدر که جسور اولان  
 ایتنه جویلرک لسانلری طو تیله والامد کورلر عصمت یولوب نفاق ایله اراقده شقاق  
 احداث ایده جکر نه شک یوقدر دیو اظهار ظلم ایتد که ایکیسینک دخی نفینه  
 خط همایون یازیلوب پوموال اوزن مجلس آخر اولوب راع با صلدی بیت فاک  
 ایتزسه پرتاب اوز نلک امینلک ایلر و ییکر دوزنلک نخو سجه عالم خوش حال و مرفه  
 البال یومقوله مزخرف سوزلر دا ثما ایقاع اختلال اچون اصحاب فساد دن حدوث  
 ایله کلش در دیو ختم کلام اولوب حضور همایوندن طشره چقد بلر صدر اعظم  
 یتش حد و دنده بریر ضعیف المزاج و قولنج علتته مبتلا ایدی بود و رادور مجلسه بر قاعه  
 بر قاج ساعت ایاق اوزرینه طور وب مزاجیه ضعیف مهابت پادشاهین دخی  
 متاثر اولغین هزار رب و تعب ایله طشره یه جان اند قله برآه سر دچکوب مرمر صغه  
 اوزرنده بر حصیر و ایدی آنک اوزرنده او تور دی مفتی و سائر لر دخی اطرافنده آرام ایتد بلر  
 یارم ساعت قدر اول صغه ده او تور وب نفیس ایتد پیرامام مرک برودتی دخی درونه  
 تمام نثار ایتش ایش سر ایه واردی کی خسته لندی را وی ایدر وزیر و مفتی و نقیب  
 بوغانلله فی صا ووب آنلرینه سوار اولد قده قاضیلر که تلخیص جی جلوز عبدینک فرینه  
 آلد اوب بوستانجی یاشینک تنیبه ایله سرای قیوسنه قالمش لرایدی و شمعی دعوت  
 اولنور ددیو منتظر اید بلر و هر بری سر بحیب تفکر اولوب منلا حقنه شویله سویاسم  
 قاضیه سکر حقنه شویله سویاسم دیو تصورات باطله یه مستغرق اولمش لرایدی  
 انی کورد بلر وزیر و مفتی برابر سوار اولمش کورو صدرین و نقیب دخی بر دارات ایله  
 کلور لر و اطرافدن قیش قیش اولوب او غور لرین تخلیه ایدر بلر بوستانجی یاشی  
 جلوز عبدی اول فقیر لره جواب ویروب افندی بلر مصلحت بتدی اچر و دخوله حاجت قالمدی  
 طاغلاک دیوب سیرجی قوار شکنده قیش قیش دیه رک زجر و طرد عصا سنی حواله ایتد بلر  
 عبدی سکر دوپ افندی سنی ملانک رکانه کیردی فقیر قاضیلر نیه او غراد قلمی بیلوب  
 مخدوع و مغبون اولد قلمینه متا لم و مخرون اولوب باب سرلین ایریلوب اید اولد بلر اما بعض  
 اختیار و اهل علم آدم لرو ارایدیکه انلر مستحق لراید بلر و مقدر اولمش لرایدی یورکاری یا نثی  
 لسانلری یا س ایله منطلق اولغله جا مجار هکذا رده طور دبلر ملا وزیر ایله بکر کن اطاله  
 لسان ایدوب بره آق صغالی قانه بویانه سی ظالم امت محمد بوا یلد بکاک مکر و خدعه

زند سنی جناب الله حواله ایلد که دیو چهار استنوم و بد دعا ایتد بلر جناب منلا یسه  
 عاقل متغافل اولغله وزیر ایله ات باشی برابر لایالی و قورانه مصاحبت ایدرک وشو کتلو  
 پادشاهینک بوکون وجه شریف لرنه اولان بشاشت و صبا حته نه یورر سز عمر لری افزون  
 اولسون دولت علیه امورینک دقایقنه اطلاع لری انکار اولنور می یوقدر و قوف و اطلاع  
 کرامته جل اولور بحق معنادر دیه رک و التفات نشهنشاهی ایله مباحات ایدرک چکیلوب  
 کتدی بلر بونلرک مصباحی و سر عتله آت ایاقی صداسی و خدامک ایاق او اوزه سی  
 قضاتک جرونی با صید یروب اصلا ایشد لمدی شکنده قول قلمینه کیر میوب تغافل کانک  
 واسطی مثل مشهوری ایله کار بند ظرافت اولدی بلر وزیر و مفتی سر لایرینه کلدکاری کی خط  
 همایون موجب جبهه چاوشلر تعیین ایدوب ملک زاده ایله بروسه لی فی نفی ایتدی بلر اول وقتد نعمان  
 هر بکه استانبول قضاسی طلائندن ایدی دین ایله بر قلمدن آلوب هدیه ویروب بعد  
 هدیه سی کیرورد اولنوب قیچ و رسوایلی ظهور ایتشیدی بولوی افندی نعمانک  
 قضاحتی و منفی لرایله یکدل و متفق اولدوغنی منلایه خبر ویرد که منلا اولدن دخی  
 نعمانی سومزدی مزبور لرایله اتفاق معلوم اولدی فی کی معهود و مزور و قعه ده بونکده علی  
 اولق کر کردر دیو اصحاب و قوفدن تجسس ایتد که ملک و اسیری و هوادار لری مقدا  
 یازوب امضا اچون علمایه خزینه دار اوغلی ایله کزدر دکاری کاغذ قضیه سنه نعمان  
 داخل ایدی بو کاغده دخی صنعی اولق کر کردر دیو خبر ویردی بلر ملا اول ساعت حضور  
 همایونه اعلام و اذن اصدا ایتد یروب نعمانی ساقره و خزینه دار اوغلی ثنی جزیره سنه  
 نفی ایتدی بلر بوند نصکره فتان متجس سر لایاشرین خر قه یه چکوب منلانک کال  
 تعیین و استقلال رسیده صماغ عالمیان اولدی علامت سماویه سنه ۱۰۶۴  
 ذی القعدة سنک اون سکرنجی چهارشنبه کونی بعد صلاة المغرب علایم سماویه دن  
 نیازک قسمندن بر مرزاق قدرندن اوزون قول قالکغنده بیاض و براق اتش مثال شعله  
 بین المشرق و الجنوب نازل اولوب کوندزکی دنیای روشن ایلدی عید فطر دن برو  
 علت طاعون ظهور ایتشیدی اسرار ملا حمدن غافل بعض خلاط بو علامت طاعون  
 زیاده لکنه دلیلدر بعضلر دخی اند قاعنه دلیلدر دید بلر لکن محرب ملا حم نسخه لرنه بر  
 عظیم القدر کسننه نک جمهور ناس یدیله هلاکنه و دولت روم اختلال و سیف ایله اعدام  
 اراذل دیو یازلشیدی نه اوله ظهور ایتدی قیودان سابق حسام بیگ زاده فی مقدمه  
 طو توب قید و بند ایله استانبوله کوندرن مور محصلی بور ناز اوغلی دیدکاری عبدی  
 پاشا که مور لی دفتر دارک بر کشیده لرندن اولان مفسد اطلدر دفتر دارک قوت حمایه سیله  
 مور بی ظلم آتشنه یا قوب فقراء رعایای خراب و بیاب ایتشیدی شاکی لری استانبوله  
 قوج کلکین ظالم مزبور قید و بند ایله آستانه یه احضار و قیوار اسنده حبس اولمشیدر  
 تخلیصی باند مور لی دفتر دارشیر ساق اجتهاد ایتشیدی مغلوجی وزیر درویش پاشا  
 وزیر مشارالیه چون ترخونجی پاشا مر حومی ارادن قلد یروب کندوسی ناقل مهر و صدارت  
 اولدی اچروده و طشره ده نافذ الکلام اولان حل و عقد رجالنه مد ایتدی و سرکش لری



استماله کند و به بنده ایلمشیدی و دفع شبهه ایچون ضرورت خرنه بی بهانه ایدوب  
 مناصب و خد مانی جمله بیع من یزید ایله صاآتوب النان الحجه بی وسابقه کزلوجه  
 رشوت نامیله الفه کلان مبلغی اشکان جه دفتر دان الد یروب بو طریق ایله میری به  
 خدمت اظهار ایتمشیدی و طریق علمی مفتی به و قضاتی صدرینه و او جاقاری ضابطارینه  
 حواله ایدوب فضولی مداخله ایله کندویه زحمت ویرمیوب سرکارده اولنلره مادامکه  
 سفردن برتبهت ظهور ایتیمه طرف پادشاهیدن بکا عتاب اوله حق والسنه ناسه  
 دوشه جک بزقباحتز نمایان اولیه هیچ بریکری عزل ایتیم دیو سرکارده اولنلری مطمئن  
 الحاطر و انلر دخی عزل خوفندن امین و وزیرک حمایه سنلکال تعیین واستقلال تحصیل  
 ایتدکاری ایچون کرکی کبی استقامت ایله خدمته اهتمام تام ایتدیله و صورتان کثرت اشغالی  
 ر جانله واهلنه حواله ایدوب کندوسی عالمنه آسوده دل اولمشیدی پادشاهه ویریلان  
 رقهه شکایت اسکدار پانجه سنلک او قنورکن حضورهما یندن زیاده جه قیام ایدوب  
 یورغون طشره چقد قنر مرمر صغه اوزرنه یارم ساعت او توروب برودت تاثیر ایتمکه  
 سراینه کلدک خسته لنیدیکی ذکر اولمشیدی اول کجه مزاجی مخرف اولوب طعام  
 یرکن غلطه دن کله فاخر مزعفراتی چوبیاسنی وافر تناول ایلدیله اصلنده دخی باغمی  
 مزاج و قولنج خفیفه به مبتلا ایدی شیخوخت برودیتلدار خارجی ویدنی اسبابلک ترادفتنه  
 مزاج اختلاطه فساد کلدی ایرتسی دیوانه واروب مقام حکومت او تورکن جمایله برترمه  
 حادث اولوب سراینه کلدکک باشدن بر باقنه ماده منعوب اولوب بالی برایاغی حرکتدن  
 قالدی نعوذ بالله تعالی فالج دیدکاری مرض عظیمه مبتلا اولدی بالضروره فراش  
 ناتوانی به باش قویوب امور دیوانیه یزید صنف پاشایه سپارش ایلیوب احوال برملانی  
 ناخص ایتدی پادشاه حضرتلری حکیم باشی به فرمان بیوروب فن طبعه ماهر حکما ایله  
 واروب معالجه به تعیین ایلدیله و خاطرک خوش طوته سن دیو تسلیت کونه خط  
 شریف ایله خاطرلین صورتیلر وزیر خسته اولدیغی کبی سلخ ذی القعدة ده پادشاه  
 اسکدار دن استانیوله کوچوب سرای جدید عامره ده قرار ایتدیله و وزیر خسته لیمکه  
 توعا اموره اختلال دوشوب کلاب سلوک اولان سوقیاری زخی ابطال ایدوب یلدکاری  
 کبی آتوب صاتمغه باشلیدیله ذی الحجه اولنلره وزیرک صحیح اولان یرینه بر ماده دخی نزول  
 ایدوب طرفینی عملدن قالدی مهر وکالت بهر حال آخره ویرلک اقتضا ایتمکه وزرادن  
 قنغیسنه ویرلک معقولدر دیو کونا کون مشیرنلری اوله باشلیدی بالاخره عید اضحی  
 قریب اولغین وزیر مفلو جدن معتاد اوزن بیوام پیشکشی التیق ایچون اول وقته دک  
 تأخیر مناسب کورلادی و پادشاهه پادشاه وزیرک عیاد سنه وان جقدر آوازه سنی طرف  
 اندرونن جانب وزیره اسماع ایتدیله و محرم اسرار بعض کارکنارلر سوقیله عید پیشکشی  
 قدر عیادت پیشکشی فخر جواهر سرخوج و قوشاقلر و بیجه ذی قیمت شیلر حاضرلندیکه  
 مقدم همایونه حین نشر یفده اهدا اولنه اسامد بر خیر خواهری عیادته وارلغی  
 مناسب کور میوب خاطرلری سوال وقلب علینا تسلیت ایدک جک التفات تانی مشعر

برخط همایون یازیلوب مقریندن بر عظیم القدر کتسه ایله وزیره کوندر دیلور وزیر قرائت  
 ایتدکله تشریف ملو کانه قدر مخطوط اولوب سوق مدبرین ایله اول تدارک اولنان عیادت  
 پیشکشی جواب خط ایله حضور همایونه ارسال ایلدیله عید هدیه سی دخی وقتی ایله ارسال  
 اولند قل پادشاه حضرتلری وزیره برخط شریف کوندرمش مضمونی مهر دارندن منقولدر  
 مفهوم بوکده نیم لالا جقم الله رضا سیچون بکا طوغری جواب ویرخسته لکک قابل علا جیدن  
 دکلمدر وزیر ادین و دولت اموری تعطیل قبول ایتیز علاج قابل ایسه مادامکه سن حیائنه سن  
 سکازل یقدر علاج قبول ایتیز سه اعلام ایلیه سن دیو مشلر صدارت عزیز ولدی معنی  
 چقمق جانله امید وارد وزیر بوکونه جواب تحریر ایتمشلر نیم شوکتلو کرامتلو  
 خنکارم مزاجم درست و عقل و فکر من اختلال و تغییر یوقدر امیر المله برایاغی حرکت  
 ایتیز و عاقبت خسیه لری وارد اما کرکی کبی تحریر ایدکک حکما فاجد ردیر لر لکن بعض  
 حاذق طبیبلر قابل علاجدر دیدیلر طالا معالجه به مشغوللردر فرمان پادشاهمکدر  
 دیمش دارالسعادة اغاسی حکیم باشی بی حضور همایونه کتوروب سوال بیور دقلرنه  
 پادشاهم فلج زیاده صعب و بی علاجدر تازه لرده اولسه دورودر از تدبیرات صحیحه ایله بلکه  
 علاج اوله اما پیرلک حکمانده خصوصاً بکی طرفه ده اصابت ایلیه بروجهله علاج قبول ایتیز  
 تدبیر ایتدیکمز معالجات بقیه رمق شکلنده بر قاج کونلک حیائنه قلب دماغه ممکن مرتبه  
 قوتجک ویرمک ایچوندروالا خلاص امر محالدر حق تعالی پادشاهمه طول عمر و بره دیدی  
 بواسطه بادن صکره مهر آخره ویرلک تدبیرینه قرار ویرلدی فرستادن مهر بابشیر پاشا  
 پواتشاده مهر کیمه ارسال اولنمق مناسبتدر دیوانه رون بیروندن کونا کون مشاورلر  
 اولوب کیمی سیماوش پاشایه و کیمی مراد پاشایه کیمی ملک احمد پاشایه کیمی مونوی  
 دفتر دان کیمی ابشیر پاشایه ویرلکی مناسب کوروب کار دانان دولتک هوا دارلری مخالف  
 ایدی موره لی به استکثار ایتدکاری محقق اولیحق وزیر مفتی بی دعوت ایدوب افندی  
 پادشاهمه اکر مهری بنه لرنن محقق الوریسه مراد پاشانه کونه مغرور و متکبر اولدوغنی  
 بیورسنر و کند وایله اولان ماجرا مزملو مدراکویرلماک خصوصاً صند سنی و اهتمام ایلیه سن  
 دیو سپارش ایلدی بوشاده مفتی حضور همایونه دعوت اولنوب بو خصوص ایچون  
 مشاور اولندی منلک دروننه سیماوش پاشاییدی اما وهله اولیده اراد مافی الضمیر  
 ایتیموب نعل باز کونه طریقه کاه مصر والیسی کاه غیری وزرائی یاد ایدوب هر  
 یرینه نه احتمال دیو جواب همایون ویرلدی منقولدر اول مجلسه مقربلردن بری  
 سیماوش پاشاییدی ایتدکک والد حضرتلری جواب ویروب سیماوشک عظمتی نیم  
 ارسالدن ارتقدراویله متکبر آدم بیجه قوللق ایدر ونه خدمت وجوده کتوردر دیمش  
 دارالسعادة اغاسی وسائر طواشیلر که سیماوش پاشایه سومزلردی اوت سلطتم  
 اولیه در بیور دیغکتر مرتبه دن زیاده در دیو تصدیق ایتدیله مصاحب لالا ابراهیم اغا  
 بو محله دیمشکه سیماوش پاشا پادشاهمک مقربلرینه عدوی جاندر اکر دیوارده  
 یازلش بر طواشی اغا صورتی کورسه بر مغیله یوزمد قچه اول موضعدن کمنر



اوله آمدن امانت بجه منصور در دیدی حاصل منلا مقربانیدن نفرت و استنصار  
 صورتن کوروب سیاوش نامنی یوتدی اندرون وزیر و نه اولان کار سازك طبعنه  
 موافق ملك احمد پاشا بر مقتضای وقت جمله دن اهون کورنمکین اتی جمله به ترجیع  
 ایتدیله خصوصاً مور لی دفتر دارمراد پاشا دن و سیاوش پاشا دن زیاده خوف اوزن  
 اولدوغندن وقت مشورتله طرف سلطنته عرض ایلدی که بوقدرمدت رواج تدارکنه  
 و سائر مصارفه بدل قدرت ایلد خدمت ایدوب ایچ خزیننه دن برجه المذین مضایقه  
 و ضرورت چکنرمدم اکر ملك احمد پاشا وزیر اولور سهینه کالاول خدمت ایدرم  
 فقیر یسی اولور سه خدمته قادرد کلم پادشاه بر نان پان احسان ایدوب بوقوللرینی  
 حقو بیورسونلردیدی دفتر دارك طرف فکر لری بولکلامی پادشاه و والد جنابلرینه تبلیغ  
 ایدوب مور لی به هودار اولدی و ملك احمد پاشا ك صد اوتی تصویب ایتدیله اما ملك  
 احمد پاشا عداسی بیننده عقل وار ایدی انك صدارتی استمرلردی بومقوله برسوزیدا  
 ایدوب اور تالعه نشر ایتدیله که ملك احمد پاشا دیمش اوله که مدامکه بیوک والد کی بر  
 صاحبه اخیر اتی شهید ایتدیله اول خرم عظیم ایدنلر صاغدر و هریری الان دولته مسلط  
 نافذ الکلام دروزیر اولان بجه صدارت ایدیلور لر فرضا نلرک حیانتده بکام بر تکلیف اولنسه  
 ایتنرم و تعاهد و نفی اختیار ایدرم دیو بود و زمه خبری مناسب آدم لسانیه شعبان  
 خلیفه و زوجه سی ملکی خاتون سمعنه القوا و اسماع ایتدیله ملکی و شعبان و انلره ماحق  
 مصباحین و مقربین بومو خوش سوزدن خوف ایدوب ملك پاشا دن قطع لسان ایتدیله  
 اکر چه ظاهر حاله توجیه صدارت ملك احمد پاشایه قرا داده مرثیه سنه واردی لکن  
 احباب دل و عقد و مقربین صدراعظم خارجدن کله ککند ولرک نشاند سی اولوق  
 صترغوان اوفق اولدیغنی مشورت ایدوب خاص اوطه لی و سائر یوجه مشروح اوزن  
 ملاحظه ایدوب وزیر خرم خاصدن چقمه اولدیغنی استرلردی و عایشه سلطنتک نامزدی  
 اولان حلب والیسی ابشیر پاشای اخیارده اجماع ایتمشلر ایدی و عایشه سلطنتک باش  
 اغاسی مرجان اغا سلطان مشار الیها طرفندن دارالسفاده اغاسنه و مصباحلره خفیه  
 آمد شد ایدوب ابشیر پاشای اختیار ایتک با بنه رویجه تعریفه سعی اوزن اولدوغندن  
 اولطرقه میل متحقق اولمشیدی ابشیر پاشا اولنر سه بالا قضا مراد پاشایه ویرلک  
 پادشاهك والدك درونلر نه مضمر اولدوغنی درویش پاشا طویقه نکرار مفتی فی  
 حاضر و بای حال مهر قیودان مراد پاشا دن صرف اولنوق ایچون ابشیر پاشایه  
 ویرلکی تصدیب ایدوب پادشاهه تبلیغی امانت ایلدی نکرار مفتی ایچرود عوت اولنوب  
 مرجان اغا ك علی اوزن ابشیر پاشایه ویرلک خصوصاً استنشار اولندی ملادریش  
 پاشا ك صواب ایدی و وصیتی بودر فید که استصواب اولنوب ایرتمی ماه ذی الحجه انك  
 اون یدنجی اربعه کونی مهر درویش پاشا دن کتوردی اوب ایرتسی بنجشنبه کون میراخور  
 کبیر محمد اغا ایلد ابشیر پاشایه کوندری اوب بر هفته ده وارمق اوزن تنبیه اولندی و ملك  
 احمد پاشا استانه ده قائم مقام نصب اولندی بوشاده بکچیری اغاسی بولنان کنعان

پاشا که سابقا طوطوچی حسن پاشا قتل اولندقد ایچر و النان ماکندن ایدی کورچی  
 الاصل بر توانا کسنه ایدی حالا وزارت ایلد بکچیری اغاسی اولغین قول کز رکن اخور  
 قیومتمند شادروان اخوری غلامندن برتی دخت ایچرکن طوتوب دکنك اوردقد اصطلیل  
 شادروان غلامنه خبر اولوب جمله سی برصویه قاپوب گروه ایلد سکر تیلر اما اغاکمش  
 یولنغین کیر و دوندیله اغا ایسه میخانه لری قسط شهریه ایلد حقیقوب منکرات عظیمه به  
 حد بوغیمکن دخان فروشلرک دکالرنی باصوب دخانلرینی یا قوب دخان ایچنلری افراط  
 اوزن ضرب ایدوب وزجر ایدردی کویاضا بطالك اعظم ایلد ردی بوشاده آت میداند  
 سلطان احمد جامع خانه اوغرایوب علوفه به گلش سپاهیلر دن بعضیلرین دخت ایچرکن  
 طوتوق استدکک سپاهیلر خان ایچنه قاچدیله خان قیومتمند توتون ولوله و چموق  
 صا تان فقرای از عاج ایدوب استیلرین احراق مراد ایتدک خان اولان سپاهیلر بر دکنك ایلد  
 بوشتوب کارخانه لیلر و موخیلر ایلد مطرا فیلر شکند مضارب ایدرک سپاه غالب کوب  
 اغا ك قولی توسکر دیلر واردلرینه دوشوب طایفه نك بر قاجنی محکم دوکوب و اغای  
 قاچر دیلر بعد قولد بیلد کزن سپاه چاوشنی سپاهیلر دعوت ایدوب واراغایه سویله  
 ادیلد اواسون عجمی اوغلنلرینی ات اوللرینی ضبطه قادر دکل بدن نه استر بوز خانه  
 و میخانه لردن زهر دقیمی آلور اوتیه لغی سرخوش نعره سی قاپلیدی انلری کورنر بکند و  
 حالمزده اوتورکن توتون ایچدی بکتر چموق عیادتیکر دیو بوزاری انجمنك استر بر دخی بورایه  
 هجوم ایدر سه ارامزده فساد اولدوغنه شك بوقدر کندوسی بیلور دینیلر پلوش بوخبری  
 اغایه ایصال ایتدکک بر ایکی چاغردی ازاردی اما دیله اوتوروب اولطرقه او عرامدی  
 استمه دقایق حکومتی بلین آدم امر نهی خصوصاً عاقلانه حرکت ایتیموب ارذل ناسی  
 یوزه چیمقار مقدم بویله محذو رلر وارد یساع طوتورمق و بر مکروهی خلقه ترك ایتدیرمک  
 یا خود اخفالتدیرمکدک پک تراکت لازمدر کاهیجه تجاھل عارفانه ده ایشه یارار بو ماجرا  
 ظهورندن صکره اغا ك مهابتی ساقط اولدی جرجه لی علی بیلک که امراء مصریه نك  
 عم سی و مال قارونه مالک متعین وزیر سی اید بکه بوسالده وفات ایتدی وارث اولغله جمله  
 مخلفاتی میری ایچون قبضه کوچک میراخور رسال اولنمشیدی اموال و تحف و تقاریتمندن  
 قنی چوق شی آستانه یه کلوب اضعافی مرتبه تحف و نوادر مصرده بخش قلندری اولدی  
 معن زاده مرحوم نقل ایدر دیکه مزبور علی بیلک قوت مال و جادله نادر الاقران بر میر  
 جلیل العنوان ایتمش املا ك و عقارندن ما عدا الی قدر حصول ارقرایه مالک ایش  
 هریری بر قصبه عظیمه درشن و آبادان اولوب فایضلرندن سنوی بشیموز کبسه قدر عایدی  
 وارا یش جمله دن رکوب و حمل اثقال ناس ایچون فلا حلیرینده مکاری دورت بیلک قدر جاری  
 وار اید بکه یومیه بشر یاره اجرت ایلد مقطوعا ویرلش و زمر دمعدنی سعید جبانه  
 چقمق اول عصر ده کند و یه مخصوص اولوب سنه ده بر کره تدارك راه و قطار قطار جمال ایلد  
 ذخائر و صبور و لوازم سار هرنه ایسه کتوروب یا نجه معد بخیلر اوب غلام و توابعدن  
 بش التیوز تقنك اند از عسکر ایلد اولمقد اراده کفایت ایدر چک ما کولات و مشروبات



ایله کیم در مش اول جبال مهیبه ده کندی روحدن اثر بوق ویه جگ مرتبه خالی برلدر  
چادرلرین قوروب لیل و نهار معدنجیلری اشلدوب ذخائر و صو تحمیل ایتد کلمی دوه لک  
ذخیره لری ینوب خروارلینه زمر دطاشلری یوکلدوب ینیه معین وقتنه مثلکه ایریشه جگ  
قدر ذخیره ایله معاودت ایدر مش استا نیولدن و فرنگساندن جوهر تراش حکاکلر  
کتور دوب سر اینده او طه ویروب رعایتله صقلارایمش کتوردیکی ذمردی علی الدوام  
اشلدو مش کاه بیکاه دولت علیه طرفنه و مصر و الیرینه و اکا بر اخوانه زمر داهدا  
ایتدیکمدن ماعد معمول و غیر معمول زمر داجا زدن فرنگ تجارینه و سائر سنوی بیگ  
کپسه لک قدر شی فروخت ایدوب مصارف راه و اعمالدن هزار مرتبه افرون فائز ایدر مش  
مترو کاتدن بیجفت زمر در کابکه بر طفل رکابی اولق اوزن و جرمی عادت مرتبه سی اوج  
قطعه خضر قبضه سی و بر قاج زهکی و قازیه ضمه سندن بیوجک اپکی عدد یکپان طپوزناشانی  
و غام و کویه و نسبیج و بمقوله متفرق قطعه لردن وافرشی مباشرت مزبورید یله کلوب خزیننه  
پادشاهی یه داخل اولدی لکن اول وقتک مصر و الیمسی و منلاسی و اعیان و کباری مباشر  
ایله متفغانه دیره و بقی وافر تحف و نواذراتن حصه مند اولمشلریند نصبره زمر د معدینه  
جرجه لی محمد بیگ و اروپ جوهر چقارمشدر اند نصبره اشکان کسه کیدوب علنا  
جوهر کتور دیکی مسبوع دکلدر یه وقتنه دك بعض امراء عرب اشبهلرینک یله خفیه جوهر  
خام کتور دوب افریجه فروخت ایدر دیرلر اما معنی معلوم دکلدر کتب طبیه ده و خواص جوهره  
معلق معتبر کتابارده ایکی قیر اطلی سم مهلکدن نجات ویروب خلاص ایدر دید کلمی  
زمر د سعیدی زمر درکه تقریحه لو لودن و ذهب محلولدن اعلا و الطف و سمومات  
مهلکه یی دفع و قطع ایتدیکه پادشاهیات انواعنک جمله سندن زیاده مؤثر و نافع و اشرف  
اولدوغی مطولات مفرداتند مصر حدرمعن اوغلی نذکره داوددن و بعض کتبدن  
یووجهله نقل ایدوب دیر ایدی شمعی سعیدی زمر د بولنرخاتم و کوشوان و بعض  
مرصحاتده موضوع مقوله سی اکا برده بولنورسه ده نادر در اسپانیه مملکتند جدید  
زمر د معدنی بولنشدو حالا فرنگ تجاری صندوقه لایله کتور دوب فروخت ایدر لرتلردخی  
صغیر و کبیر چله لایله قوتیلر ترتیب ایدوب مثقال ایله فروخت ایدر لری زمر در جمله اسپانیه  
معدنندن چیقان جدید زمر درکه آراسنده زیاده آبداری ورنکی قیوسیم بولنورالان  
خلق ایچند کوربلان زمر د عموما بونوعه ندرلونی قیو و ایدار اولاننه اسکی معدن دیرلر  
رنکی آجق و صوبی مساوی اولیلکه پکی معدن دیرلر حقیقتند جمله سی یکی معدن دراسکی  
معدن سعیدی زمر ددن غیر ییه دیزلر و میمر قوم دیرلر یکه بوزمردک غایت خالصی معق  
ایدوب دفع سمومات ایچون استعمال ایتدک طین محتوم قدر نفی کورلدی یازد قلمی زمر د  
خاصه سی چندان مشاهده اولندی دیدی سعیدی زمر درک قلی بوسبیلده درکه سعید  
مخصوص برینک و اروپ چیقارمز اولدی مدت مدیده دن پرو بولنان زمر داپسه ممالک  
سائره یه نقل اولندی هند و عجم و افریج دولتارنده سلاطین و اکابر سعیدی زمر دی اکوب  
اظهار ایتدیکه رغبت ایدر کلمی ایچون تجار اکوب و لایتنرینه طاشمغله دوکتشدر حالا وجودی

نادر و غیر زمر د معدن جدید زمر دی هر نه قدر ایدار اولورسه ده لونی حضرت جنگاری  
مشابه برنگدر اما سعیدی زمر درک رنکی حضرت ریحانی ایله صفره خالصه ذمیدن  
ممتزج زبانی اللون بریشلدو که جوقند شمع مشتعل کبی برلعه تابد اروهرنه طرفه  
چوریلر سه کویا ایچند صوبی میل و سیلان ایدر برضیای ایدار واردر یکی معدنلرده  
ته قدر عال العال اولورسه ده وارالزنده ریحانی رنکنده یشل بولونورسه ده بذهبی اللون  
ایله ممتزج ستعله براق بولنق محالد و قطعاً کویلمشدر و سعیدی زمر دی بومرتبه ده براق  
و شفاف و ایدار ایکن ینیه بالور کی صفوتی یو قدر اجزاسی مصمت و غامقدر بر طرفدن  
بر طرفی کورنر و جمله جواهر نامه لرده مصر ح و جوهر شناسلریننده متفق علیه قاعده درکه  
الماس و یاقوت و زمر د و لعل بومقوله جواهر هر نه لوند اولورسه اولسون بریق و شفاف  
نمقد از زیاده اولورسه بالور کی ماوراسند اولان شی عینی ایله کوستر مز خنقند اولان  
تراکم مائیت و تلاصق زانت جوهریت یوازانه مانعدر بالور کی بر طرفدن بر طرفی کوستر  
حجر اجزاسی ملایم هتس و جسمی خفیفدر جوهر حکمند دکلدر هر قنفی بحر که شفافیتی  
ایله تحتند اولان شی بالور مثال عینی ایله کوستره جواهر دن معد و دکلدر یه قاعده کیمه در  
جوهر التمه وضع ایتد کلمی فویه نك نمایشی انعکاس پرتو ویندر ارات نقش و اطها ماتحت  
دکلدر خلاصه کلام سعیدی زمر د خواص عظیمه صاحبی بر معدن جلیلدر وقایع سنه  
تجس و ستین و الف احوال دیار مصریه مصر و الیمسی خاصکی محمد پاشانک سلام چاوشی  
یوشناق مصطفی چاوش معتاد اوزن وافر مبلغ ویروب حبش بیکلر بیکسی اولمش ایدی  
ضبطه کتخداسنی کوندوب سواکن نام جزیره که مقرایلت امیر الامراء حبشدر کتخدا  
واروب مقام حکومته اوتوردقده جور و ظلمه آغاز ایدوب حددن تجاوز ایتد که اهل  
حبش مزبوری طرد ایدوب بعد پاشا کند و وار دفعه حبشیشلر ملک حبش اولان  
نصرا نیدن استیجاد ایدوب بطارقه حبشیدن شیخ مر نام نصرانی وافر عسکر ایله حبشی  
ضبط و اغاز عصیان ایدوب پاشایی دخی طرد ایدوب اوغرا تدیلمر مصر و الیمسی امرا و اعیان  
مصری جمع ایدوب مشورت ایلدیلر چون حرم خاص طواشیلرندن زاد لوانمنه اوتوزدن  
متجاوز خادم اغار که مصرده ممکن اولوب هر بری آستانه دن کتورد کلمی مالدن ماعدا  
مصرده قریه و جرایه و یان مثللو جهت همیشه ایدینوب سایه پادشاهیه خوشحال  
و اتباع و لواحقایله مرفه البال اولدیلر بعض سبیلده مصر عسکر یله ینلرینه شقاق  
دوشتوب وارد قیج برودت زیاده اولمغله بر مقتضای حسد اغارک اقبال و نعمتی زمره  
عسکر ییه زکران کلمشیدی حبش جانبینه عسکر کوندر ملک لازم کلمکین مصر قولی  
یکتریان اولوب بز میر الحاج خد متنه مأ مور و خزیننه کتور مکه خدمتدن خالی دکلر  
و طواشیلرک نعمت و دولته مستغرق بوقدر قوللری وارد بوخد متنه ائلر و ارسون دیو  
و ای ایتدیلر اغاز و تکلیف اولندقده اولی گلش معنی دکل نه احتمال دیوب امتناع ایتدیلر  
بوسبیلده مصر قوللری ایله اغار و اتباعی بینند اولان حسد و شقاق اشکان اولوب  
مجادله مقاتله یه موذی اولوب اهره برده بر قاج آدم تیف و بالاخره دفع فساد ایچون ینیه



والی مقر قتیله اغا اردن و اتباع اردن بعضی از ابریم نامیده طشیره گوید یارب سابقا  
 دارالسعادة اغاسی طاش یا ترعلی اغا ایله مصاحب مقصود اغا نازکانه مصدر دن چیقوب  
 سبکبار شامه کلدیلرندن منزل ایله آستانه یه کلوب احوالی سده سیننه شهر یاری یه  
 اعلام ایدوب عسکر مصرک کستما خانه وضعندن شکایت ایتدیله بوقعه ناملا ییدن  
 جمله مقر بین و مصاحب دارالسعادة اغاسی و سائر لرلی متکدر الخاطر اولدیله لکن  
 عصر مدار عصری اولمغه مضی ما مضی شکنجه ضروری سکوت اقتضا ایلدی اما  
 یوسفاده جرات مصر والیسنک تغافل بلکه تحقیقچه تحریکی اولدینی مقر بینک معلوملری  
 اولمغین یوکن درونلر نه درکین قالوب عاقبت خاصکی محب پاشای شمشیر قهر سلطانی  
 ایله تدبیر ایتدیله نعوذ بالله من سوء الافعال و مجازات الاعمال تفصیل احوال و وصول مهر  
 بابشیر پاشا وحدوت اراجیف مورخ بواحوالی بر مقدار تفصیل ایدوب دیرکه  
 دارالسعادة اغاسی بیرام اغا و مقر بینک رایله مهر شریف ابشیر پاشایه توجه  
 ایتدی وکی مذکور در آستانه ده قائم مقام کیم اولوردیو اسنشان اولند قده ملک احمد پاشا ملکی  
 خاتونه ملک بر منزلنی تملیک ایدوب بیع و قبض ثمن بختنی کوند رمشیدی بحسب الشفاعة  
 قائم مقاملق اکا توجه ایلدی مفتی افندی که لسان عصر و مقتضیات دولته عارف  
 اولوب والدینا قبای و نحن مع الزحمان نکتنه سنه واقف ایدیلر توجیه صدارت  
 استعصا ایتد دارالسعادة اغا سنه و درویش پاشانک و حیتنه همزبان اولدینی کبی  
 ملک پاشانک قائم مقام ملغنی ترجیح دخی عهد استان اولمشیدی و میراخور اولکه مقتول  
 موسی پاشا ادرزاد سی هم دامادی اولوب دباغ پاشا بجا نغیدراندرون اغاری قوتله درویش  
 پاشانک صحنی حالده بیوک میراخورلق منصبین خط ایله الوب سلفی اازه احمد اغا صفر الید  
 قالد قده درویش پاشا منیر بون تهدید و عتاب ایدوب شکر پان مالی سزنی بویه قورتدی دیو  
 ازار ایتد کده موکد خط همایون کتوردوب میراخورلق ضبط ووزیه غم ایتمشیدی و زردخی  
 ناچار میراخورلقی اکا ضبط ایتد یروب احمد اغایه وزارت الیو یروب قبه نشین ایدوب صاحب  
 چقمشیدی میراخور مزبور بر مخترک وطمعکار اولمغه میراخورلق بقدر ییک غروث  
 سنوی عائد سنه قناعت ایتیموب مهر ابشیر پاشایه کتمک محقق اولد قده دورت ییک  
 غروث بیل ایله شفاعت ایتد رملکه انکه ارسال اولمشیدی الی نفر ایله منزله سوار و حلیه  
 واروب باشنه قرمز می مقدم باو کباشی هیئتند یول لباسیله ابشیرک حضورینه کیروب  
 مهری نسایم ایتد کده ابشیر پاشا استقبال ایدوب انبساط وجه و تعظیم ایله مهری الوب  
 قویینه قوبقدن صکره مقامنه قعو دایدوب قاشلرین چاتوب وزارتین طاقندی  
 میراخور اغا قارشو سنه ایاغ اوزن طور دی شمدی او توردیوب التفات ایدرو حمرمله  
 محبتله داخل اولور زامید یله انتظار ده ایکن همان ابشیر پاشا باش قالدیروب  
 میراخور غصه ویا نه خطاب ایدوب معتاد قدیم مهر شریفی سروبان درگاه عالی  
 قرق نفر اسکفل قیوچی ایله کتور ملک ایکن به خوارده سایین سن کند واقرا لک بر قاج  
 اراذل ایله منزله بنوب بولونر قیافتیله مهر کتور ملک ندن اقتضا ایلدی و با شکه

صاردیفک قرمزی مقدمی ولوند لباسی چیقورمدن بو هیئت ایله حضورمه کلکدن  
 نچون خوف و حجاب ایلدک دیو وافر زار ایلدی میراخور اغا نکلف سز لک فکر نه  
 اولوب مهر کتور دم دیو کمال سرورلندن قصودمه نظر ایتدک دکل کونا کون اگر ام والتفاتیه  
 مظهر ایدرلر ملا حظة سنه ایکن و هله اولیده بو آزار عظمت اثار ی کوردک عقلی  
 باشندن کیدوب کندویه رعشه کلوب خو فندن بر جوا به قادر اولوب یوطقندی  
 طور دی بر زمان دخی وزیر و قور سرفرو ایدوب بعد باش قالدیروب طوغری  
 سویله مهری کتور ملک خد متن نجه یه آلدک طوغری سن سویله مز سگ سنی قتل  
 ایدرم دیدکده میراخور اغا برک بیدکی دتره یوب سلطانی سکر کینسه ویردم دیدی  
 ابشیر پاشا دخی کر جکسن سندن اول بکا خبر کلدی دیدی بابا نجه یی کیه ویردک دیدکده  
 ویردیکی یری سویلدی نکر از خطاب ایدوب یانیم خصمک منصبی که میراخور لقدرانی نجه یه  
 الدک ایدی انی دخی طوغری سویله دیدکده یکر می کیسه ویردم نکر ابرمقدار اعتبارین صکره  
 بر ساده خلعت کید یروب اشاغی رتبه ده اولان اغا لرینک برینه قوناق تعیین ایدوب  
 بردخی حضورینه کتور تمدی و رجوعنه دخی اذن ویرمدی سزون و محقر یا نند  
 الیقودی ابشیر پاشا در دولته مکتوب یازوب بوجا نباره قی چوقدن صاحب مهر و وزیر  
 چقما مغله بودیارلک احوالی زیاده فخل و مشوش اولمشد زبوتر فله نظام ویرلک ام  
 مهماتند ربنا علیه بواطرافک اغتلالنی دفع ایدوب نظام تام ویردکن صکره آستانه  
 طرفنه وارزدیونعلی حرکتی مشعر کلمات مصدرحه ایله اعلام ایتدی ابشیرک کاغدی کلدکده  
 کار دانان دولته وحشت و خشیت و مهر کوند رلد یکنه بشیمان و زامت کلوب طرف خلافت  
 اولنلرایسه بوند مراد پاشا کبی وزیر ذیشان طور رکن ابشیر مهر کوند رلنک نه مناسبی  
 وارایدی مقر بین ایله مفتی افندیک اتفاقریله اولش بر سو تدبیر در کیم ییلور عاقبتند  
 نه فضاحت اوله جقدر دیو کفتکو چوغالدی واقعا دارالسعادة اغاسی و مفتی اضطرار یه  
 دوشدیلر نکرار مشورت اولنوب بحال کله سن ئا خیره پاشا ایتیمه سن دیومو کد  
 خط شریف ایله خاصکی اغا کوند رلدی مفتی و سائر ابشیرک طرفدارلری دخی مکتوب  
 یازوب بر ساعت مقدم تشریف کز اهدر عومایمالک تحروسته انتظامی اچون بویانیدن  
 تدبیر و تدار که مشغول اولنکر مناسبدر نظام اطراف نامیده صاحب مهر بیوجه طشیره  
 کز مک بروجه لایق و موجه معنی دکلدر و ملا حظة دیگر ایله طبع شریفه و سوسه کلسون  
 دیو مطمئن الخاطر اوله حق سوزلایله یینلریازوب کوند ردیله خاصکی دخی واروب استسراع  
 ایتدکده ابشیر پاشا بر عالی دیوان ایتش ایدی جمله مواجهه سنه خاصکی یه عتاب  
 ایدوب بقه بره بو ستانجی سزنی سائر کبی قیاس ایدر سز عجله ایله استانبوله واریم و انده  
 کار ساز اولان حواشینک فرمان بری اولیم او توردیه لراو توره یم قالدیه لرا قالدیه چون  
 مهریکا کوند رلدی یه کون وزیر اعظم بوند مصر و بغداد و ارجه حلب و شام اناطولی و سائر  
 بلاد عومایرفتنه و اختلالدر بواختلاللری دفع ایتیمجه استانبوله وارمنک فائده سی ندز  
 بولره کرکی کبی نظام ویزوب بعد واردم ایشتمد پادشاهمک دولته اچرودن و طشیره دن



نجه كسبه لر مستولى اولاشار و عرض سلطنتى نخل اطوار چو غالمش جمله مناصب و خدمتى  
 رشوتله و بر رايش چور چوب صوباشيلىقنه وار نجه رشوتله و رايوب نظام دولته مضمر  
 حركته نهايت يوغيمش بو طرفه اولان اختلال دفع اولنوب على مهل وار زاول طرفه دخی  
 تكميل نظام دولته سعي ايدرز اديله اولميانلري نأديب و هر كسه حدین بيلد رزدي و وافر لاف  
 و كذاق ايدوب ينه كالاول انشاء الله تعالى بو اطرافك اختلالنى دفع ايتد كدن صكره و ايرز  
 ديومو حش خبر ايله خاصكى اغايى يوللادى خاصكى دامنبوس ايدوب چقدى مير اخور  
 اغايه واروب استا نبوله مكتوب و بر رايش ديد كده مير اخور بقه سلكوب قاج باشم واردر كه  
 مكتوب يا زلم نتم حالى و ذلتى كورد ك وار كورد يكك كى سويله ديدى بوندن صكره  
 ابشير پاشا كند و ايله معاهده و موافقت ايدن طوايف سپاه و الاى بيكره  
 و امرايه و كتخد ايرلينه و يكيچرى سردار لر ينك مشاهير لر ينه آد ملر پرا كنده ايدوب  
 دعوت مكتوبلري كوندردى و سويله ننبه ايديكه مجمع حكرای قوينه در هر بر يكر  
 بيشر اور آدم ايله سبكبكار اول نجهه كلوب بزه ملاقى اوله سز رفع رشوت و دفع مظالم  
 و نصيح امور دولت اچون مشورت مزواردر سويله معلوم اولسونكه سپاهك چالقرينى  
 نصيح ولد سترينى عنايت ايدوب و غلاميه لر ين دخی اليوريرم و اما خدمت  
 و ملازمت و برم اول مرتبه ايله قناعت ايتسونلو و پكيچريله دخی كا هو القانون قوللقرين  
 و بريرم و التونى يوز بكمى اچيه و غروشى سكسنه لولق اوزن و اونی بر درم چيل  
 اچيه ايله علوفه لر ين قسط بقسط ادا ايدرم منسا صب و كد كلر رشوتله صائله سنى  
 هالدين قالدردم ديو خير لكوندر دى زرامهر ابشير و اردقه اتباع و خدمتكاراندين محرم  
 اسرارى اولان مستشار لرى كند و به نصيحت ايدوب دولتلوسن بوقدر سنه در مناصب  
 عاليه ده زور بازو ايله كزوب حسن و رضا ايله عزل قبول ايتديك يوقدر مسند صدارته  
 كلان و زادن خوف ايدوب صيانت نفس اچون حد دن افزون بوقدر بيك آدم بسليوب  
 يقه مزى اله و بر ميه لم ديو چ عيتلوجه بولنه رق جلاليك ناميله مشهور و پادشاه ياتنه عدم  
 اطبا عتله مذكور اولدو غز ده شك يوقدر عدل و عدالت و رفع رشوت و نصيح  
 مملكت آوازه سنى اشاعت ايدوب و بولاف و كذاق ايله و فريب ايله عوام كالو املك عقلا رينى  
 او غورليوب و اوله كاذبه ايله اجناس حشرانى اوزر يمزه او شور دك ترخونچي پاشان صكره  
 كيف مايشاء متصرف مستقل بروزر كدى و كلنلرده مقامند چوق اكلندي و كاه آستانه ده  
 و كاه طشره ده و اطرافه امور ها ئله موانع ظهور ايتمكله بزه تغافل و امهال معامله سى  
 اولندي و الا مساعده وقت و جمع خواص دولت اوليدى مدبران سلطنت استيعمالنر اچون  
 نه داملر ترتيب ايند جكر نى الله يلموردى بوانه كلنجه صديون كلان اطوار يمز مسوع  
 هميون اولمشد و طرف دولته اولان كرك صداقت و كرك سر كشك و خيانت دن قدرى  
 فراموش اولنمز ولو بعد حين مكافات و مجازاتى ترتيب اولنور محمد الله تعالى شمدى فلك  
 مراد كراوزن دور ايدوب برفتنه احداثدن احتراز طوتك سمولته سزى آستانه كوتوروب  
 دامه دوشور مكه مبنى طوتك اعيان دولتدن طرفدار لركر سويله جرايم كذشته معفو

اولوب سز دى دعوا كزده موافق خدمت نافع ما مول ايتد كلى اچون طوتك الحاله هذه  
 مهرى اياغكزه كوندردى لر شمدى اهم و الزم اولان بودر كه طرف دولته احداث شروا يصال  
 مكر و ضرر مصدر اولان موانع حسن تدبير ايله دفع و رفع ايتد ككه استانبوله داخل اوليه سز  
 و طرف پادشاهى به كمال خلوص و اتقياد كوستروب مصباحه صدق نيته ياشوب وضع  
 سابق ترك ايند سز كه زور و غرور ايله طوتيلان ايش نتيجه و بر مزديد يلر خارج حبله شيخ ابوبكر  
 تكيه سنك شينى مصطفى دده كه بر بير صاف نهاده و مرد پاك اعتقاد ايدى پاشانك كند و به حسن  
 ظنى اولغله عكره معاستانه به كتور رمش ايدى عز زموى اليه و اعيان حبله بن برقج عاقل  
 روز كارديد پاشانك اتباعندن بونصيح ايدنلر ايله متفق اولوب به ياجه نصيح ايتش ايدى  
 اكر چه مستشار لك كلامى صادق و خير خواهلقي زندن پاشاني ايقاض ايتد كلى نفس  
 الامر مطابق ايدى لکن مشير و مستشارك امور دولت دقايقنه اطلاع و فراستلري و لازمه  
 مزاج عصر وقايع اصول تدبير ده حد اقل لري اولد و غندن بوشد و رانك تدارك نه ونه  
 حركت ايله اوله جفن متفطن اولاميب لايقي اوزن تدبير ايند مديروزمام تدبيرى ياكش  
 طوتوب طريقه قون و نجاحه كيد مديرتته كيم استاغيمد ذكر و لنسه كر كد رابش پاشانك ايسه  
 احوال و خصالى بالاده بر مقدار مسطور حرق اميانه رعوتى ايله زهد باردعا ميانه كسافتندن  
 مختزج بر مشرب غريب صاحبي اولوب كمال غرور وزارت ايله دنيا و مافيه ايه نظر استها تله  
 يا قديغندن كند و به حسن ظنى استعدادن زباده اولوب هزاروزراى عظام رستم داستانك  
 بازوى بختنى شكست ايلين كان سخت دولتى زور بازو سنه نسبت كپازه قياس ايدردى  
 و حركات افعالك نتيجه سى با جملله قهر رجال و جلب اموال و تربيه خونه و تسليط ظلم  
 ايكن ادعا و اقوالى دفع رشوت و اجراى حق و عدالت متعلق اولوب قولى فعلنه او يمز  
 بر دولتلوايديكه جور و جبروت ايله دنياى خلقك باشنه تنك ايتش ايكن بودن يا معمر  
 اولور سه بزم اليزله اولور دولته نظام و بر رسك ديورير زديوب كويالسان حاله مهدى آخر  
 زمان و ارايسه يز دعواسنى ايليموب خلقدن او ناغدو غي حيرت افزاى عقلا در هاله  
 كند و سنى كفتاى كردار دن فرق ايتمز راى دولتلونه سويلر سه سويلسون ايك اكثر احوالى  
 طرف دولته اولان مدبر لر و پادشاه بيلور لردى و مهرى راى مصاحبت كيندر مشاير ايدى  
 اما كند و قپوسند و حبله و استانبوله اولان خلقك اكثرى بمقوله اطوار ظلم آشاري  
 كوروب طور ركن ابشير پاشا صاحبان بلكه زمرة اولياد ندر بر مصاحبت كلور ايسه  
 يونك النندن كلور ديو اعتقاد فاسده به دوشوب اندن ايش اومان كسه لك غيا و نلري  
 غريب تماشا ايدى حاصل كلام بومقوله طبع و مشرب مقتضا سنج خود رايق ايدوب  
 سابقا معاهده ايتديكى اسراوسياه و سا تركروه متغلبه نى تمشيب مصاحبتنه آلت و كندى  
 جايه و تحفظ اچون قفادار ايلكه دعوت و مساعده سنه دولت عليه نك تحملى او كيان  
 مواعيد عرقويه ايله بر آلاى حشرانى باشنه بر كد زوب و عدل بلا و فاعداوت بلا سيب  
 مضمونك و خامت عاقبتى ملاحظه ايد مدي و شام و حلب و بغداد ايتلر نى دخی  
 كند و هوادار لر ينه و بر مشد رسته كم تفصيل كلسه كر كد رازين جانب خاصكى اغامر عربا



ابشیرك يانندن چيقوب آستانه يه كلوب پاشانك كاغد لاريني ويروب كوردوب استند كريني  
تقيروقطمير تقرر ايند كنه كارداران دولتك جان باشلرينه سحر ايوب انك مرادي بني  
وطغياندر ديو قرار وريدلر دارالسعادة اغاسي ومقر بان هنوز احوال عالم دقايقنه  
برخوش مطلع اولد قلرينه بناء وچوقلق تجربه لري سبق ايند يكتدن كندولر تلون  
واضطراب دوشوب مفتي افندي يه سن دفتر دان صدارته اولمز مهري اكا خلق چوق  
گور وديوب ابشيري استصواب ايلدك ومعقول درديدك استنه شمدى اطاعتدن چقوب  
بايه عظيم اولدى بزرگ يره بوخصوصه كندوكه تابع ايلدك ديو عتاب ايلد يرامانلا  
بر مقدار محرب روزگار توارنج كوروش سابقا دولترك دقايقنه وقوف تحصيل ايتمش بير  
ثبت شعار اولغله درونده مختي اولان خفقان اضطرابي قطع اظهار ايتيوب دارالسعادة  
انساننه اوغلم الم چكك پادشاهك حرم خاصندن چقمه بوقدر سلاق وزير عاليه شان  
خصوصا مهربانله اكرام اولنه عامي اولق احتمالي بوقدر ومسبوق المثل معنى دكلدر كلكنه  
مسارعت ايندى ديمخلقك اراجيفنه وجود ورميوب تكتن وقارايله معامله ايلك دولت عليه  
پر كرداب جاذبه كه صدر اعظمي بوقدر قيويله طشردا كند رميوب خواه وناخواه بواجبه  
جذب ايدرديوب تسلي ويردى اما سوز بر فردا منحصر دكل شركاي دولت وافر خلقك  
اغزني طومق متعسر بودلك احوالي فچه اولور ايشته مهر ويردكاري آدم دخي عصيان  
ايدوب كلدري بونك چان سى شو ايدى بوايدى ديوبوظيفه سى اوليان قاسوز لره ريشوب  
بولفصول چوق اولغله كونا كونا اراجيف شيوعنه سبب اولد يلو بواشاده سر كرده  
اولترك عده سى مون لي دفتر داركه فتق ورتق امور انك رايته مقوض ايدى اولدخي حالا  
پاش محاسبه جي اولان رئيس سابق موقوفاتي محافندي يه اقتدا ايدوب هر اموره انكله  
استشان ايدردى كذالك قائم مقام ملك احمد پاشا دخي موقوفاتي ايله مشورت ايدوب  
انك صواب ايدى اولان اموزي دفتر دان تفويض وانك ايديله تمشيت ايدردى حاصل مدار امور  
موقوفات اينك راي و تدبيرى ايدى و بو محرم علوفه سنى اختلال احوال سببيله ايفادن عاجز  
اولوب ايج خزينه دن ايكيوزاللى كينسه طلب واخذ ايند يلو عاقل كخور بعض غافل كسنه لر  
موقوفاتي يه اناطولى الدن كيدر ابشيرك هر كتي يماندربوكه علاج يودركنه بوقف بغدادوشام  
ومصر وسائر ايلاتلره امر لر كوندربولوب ابشير عاصي در انك طرفندن هر كيم كلورسه ايجرو  
قويمه سوز سوزى مغزول ايدرسه مغزول دكل سوز ايلاتلر يكتري ضبط ايدرسه دهنلندر والا  
توابعنى ايلاتلره نصب ايدوب يرلشدر رسته حال مشكل اولور ديه بوتد بيرى بحاله تميم واجيدر  
ديك يلو موقوفاتي اسانيله بوتد بير ملك پاشايه عرض اولند قلنه پاشا جواب ويوب بن سوزى  
كيمه سويليه يم كه سوز سويليه چك برشات صاحب آدم بوقدر سويليه سم دخي سن مهره  
طالب سمن ديو غرضه حمل ايدر لرديوب كمال عجز و خير سندن توهمات باطله يه تمشيت ايدر  
اولد يلو حتى منلائك اعداسى اولان بدكولر بوار القده فرصت بولوب مرجان اغا ابشيري  
وزرايند ملك ايجون مفتي يه اون يك التون رشوت ويردى استنه وزير ايشدر ديكى آدم  
جلالى اولدى كونه نه استلر لرديو ترهات وخطباته باشلدر بلامانلا ثبت كوستروب

شروع بولان اراجيف عوامه قطعاً قولاق طومبويوب اضطراب درونى كسه يه اظهار  
ايندى و مجلسنده وزير دن غيرى فتح كلام ايدلره طمطراق بنى محابايله جواب  
ويروب اسانلرند راجرفق تكلمه عسرت اولوب غين غنه ايله ديرلردى شمدى فى نفس  
الامع طشفه ده نجه اختلال امونغ واضطراب و اغدغ بوعصغه مهن شغيفك طشفه ده  
بولندوغى معقول اولدى اطغافده اولان اموغى كو غوب بعد كلوغلر ديمكدن غيرى سوز  
سوليدلر چون خاصكى اغاورودند نصيكره ابشيرك عجلاله كليه جكي وسپاه وامر ايله  
خبر كوندروب قوينه چمنه دعوت ايلديكى وياالتلري كندو هوادار لرينه توجه  
صد دنده اولديغى محقق اولدى مهر ك اكا كوندرباسنه باعث وبادى اولان مريان افك  
هايشه سلطانك باش اغاسي و جله الملكى و ابشيرك آستانه ده قهر كنداسى شكنده  
طرفدارى ايدى واندر ون اغاريله وطشردا اولان ايمان واركان ايله اختلاطى اولغله  
امور دولته مدخل عظيم صاحبي ودارالسعادة اغاسنه معادل وقع واعتبار مالك طواشى  
ايدى ايجرودعوت اولنوب پادشاه حضر تلري ووالده سلطان كندويه روى عتاب ايله  
خطاب ايدوب بونه اصل ابشدر مهر كو ندر ليدكدن صكره پاشاك طغيان ايلش  
ديكده مرجانك جان باشنه سحر ايوب خير دولته او پادشاهم ابشير پاشا لالا كز عصيان  
ايلز ينه پادشاهمزه نافع بعض خصوص ايجون عوق ايتشدر ككن كسه لر مبالغه ايدوب  
مخالف سويلر لر فرمان بيور رسكتر قولترواروب كتور يم ديدى ورايى كتور ديو  
ثنيه بيور لى تعهد ايله مرجان اغا چيقوب يكرى قدر نيردار ويد يكي ايله منزله نبوب  
حلبه روانه اولدى ايكي كوندن صكره صفه بكمجيسى دخي كوندردى نه در عقب  
استبحال ايجون خط همايون ايله خزينه دار مصاحب على اغا كوندردى ازين جانب وزير  
ابشير پاشا خبر كوندروب كوپرى قصه سندن تركان اغاسى ايازه بنى كتور ديو معاينه  
سابقه يه بناء ياتنه الوب معتبر و جله الملك اتخا ايلدى و كنجدا سى صالح اغا وباش  
تذكرة جيسى خير الدين زاده مجد افندي وصاحب صندلى پهاوانلر مقامده كورد محمد  
وبكراده عيسى وامثال مشاهير سياهدن نجه نامدارلر مقام خدمتده اوخر محرمده  
حلبدن حركت ايلدى اولاستانه ده باش دفتر دار مون لي طرفندن اناطوليه اولان  
اقلام مقاطعات با جله بيك التمش بش والتمش اتى سنده لى تدخيل سببيله فروخت  
ويشندلري النوب اكثر ينك اموالى تمام قبض اولنوب بقايا قلان دخي ديونه حواله اولنوب  
حقالتش ايدى صانجه مقاطعه دن بعضيلرينك بيك التمش يدى سنده سى پيشندلري  
يله التمش ايدى وبوجمله واردات خاينلر دفتري موجبجه ماردلى بازارلو مبايعات  
ومواجله وسائر مصارفه صرف اولنش ايدى حالاوز راعظم حضر تلري حلب وشام  
وارضوم ودياربكر وقرمان وغيرى بلاد دفتر دارلر بنى احضار ايدوب بيك التمش  
ش محرمى غره سندن جله اناطوليه واقع مقاطعاتى مالدار ومتعين آدلره فروخت  
ويشندلرينى وبلنكه اكثر ينك تمام مالى الوب قبض ايدى وتداخل نه ديمكدن برآلاي  
طمعكارلر ميرى بنى مديون ايتشدر خدمات پادشاهى اللرين قورتلر اولدى ديوب



بیتنی سیدی و در دولتیه عرض ایندی که حالا بزیر طرفه جمله مقاطعاتی صاغ ادماره دره  
ایدوب التمش بش محرمی غره سندن ضبط ایتمک اوزن فروخت ایلدک ویشناری آلدق  
اول طرفه مقاطعه توجیه ایتیمه سزوریش بوانه ورسکرده الدیغکیشناری اصحابه رد  
ایده سزمد اخله ایتیمه سز دیش بوقدر خلقک میری به کچمش اموال فراوانی هوایه کیدوب  
یا لکتر ابکی سته لک تداخل که بوقدر بیک کیسه افچه ایدر آچقده قالمغله خلقک بوقدر مالی  
ضایع اولوقی محذوری که ذالماقتن وشرور باعث اوله کیشدر بحسب الاقتصصا کلوب  
کوزندی بوقصیه ده همان غله کتخدانک خدمات ایچون دفتر دان وپردوکی بشیو  
کیسه سی و دلی برادرک سکریر زکیسه سی وطوب قبولی و معمار مصطفی سی و ترسانه  
امینی صالح افندی و غیر بیلرک بیکه بکتر اموال کثیره سی ضایع اولدی که مقدام واجب  
و مصارفه صرف اولمش ایدی بویضردن دفتر دار پاشا و اموال میری اعیانی اولان اغالر  
وخواجه کل مال ازلی و ملتزمی زهریه تمشه دونوب و ساویس و فتن غلیاننه سبب  
اولدی لریدن ماعد امداد و دولتیه بعض مناضب توجیه اولمشیدی جمله دن اناطولی  
ایالتی چتاک باش احمد پاشایه ایکموز کیسه یه ویرلش و مرعش دونمادن کلان سیدی  
پاشایه دیار بکر سابقا بغداد والیسی حالخی زاده مصطفی پاشایه مرعش و سیواس  
طاوچی پاشایه ویریاوب هر برندن تحملندن افزون جوائز التمش ایدی و هر بری منصلینه  
کوندریاوب وارک مرتب قیوکنرایله حاضر و آماده اولک آستانه دن نه خبر و ارایسه آکا کون  
حرکت ایله کزدیو تنبیه اولمش ایدی سیدی احمد پاشا حقوق سابقه یه بناء ابشیر پاشایه  
اوغرا یوب بولشد قه سیک کی وزیر دیلره مرعش آزدردیوب اناطولی ایالتن سیدی یه  
توجیه ایتیمه آنی دخی قوله الدی چتالباشک منسلمی ابشیره بولشوب سلطان بن پاشایه  
بوقدر اچقه بولندم و منصب در دولتندن ویرلدی شیدی ینه سیدی یه ویرلدی بن قولک  
نه ایشله یم حالمه مرحمت بیورک دیدکده جوابنده بن مملکتی معمر ایتیمک استرم رعایا  
قالمادی سز دین ایله مرانجه ایله ایکموز کیسه رشوت و یروب بیققم ایچون ولایت الورسن  
اچقه یی کیمه ویردک ایه وارانندن ال چیق به اصلاجق دیو طرد ایلدی زواللی چتالباش  
آچقده قالدی مرعش آکا ویرمک انصب ایکن ویرمیوب آخره ویردی قدیمی یارغاری طیار  
پاشا مر حومک اوغلی مصطفی پاشایه حلبی و یروب سکریرک فلوری یادشاهه و ابکی بیک  
فلوری و الله سلطان به یشمق بها جمعاون بیک فلوری جائزه اولوق اوزن کوندریاوب خط  
همایون ایله توجیه رجالیوب حلبی طیار اوغله ضبط ایتدرمشیدی ابشیرک آدمیله اون  
بیک فلوری درولته وصول بولدی قیومک حلاب منصبی قائم مقام و دفتر دار بز کیسه پیشین  
قصودی منصبندن کوندرلک اوزن یوز بیک غروش جائزه ایله سو یاشوب ویرمکه  
قرارداده اولوب امری یازلشیدی بوقش غریبک دخی ظهورندن زیاده دلکیر اولوب حلق  
ابریق مثل مثایه سنده قالدیلر و ابشیر پاشا نقان زن مصطفی پاشانی یا نجه شایخی ایدوب  
طوخیانه لی صازی بخودی چاوش باشی و هر مرتبه یه بر آدم استخدا ام ایدوب ضبط و ربط  
و عزل و نصب و استماع ظلمات ایدرک حلب دن انطاکیه یه طوغری آهسته آهسته کله حلب

حلب قاضیسی عزیر زاده احمد حلبی معتاد اوزن برابکی کونلک پول مشایعه ایدوب کیرو  
حلبه دوغشیدی حلبه و طشره ده دوشن دعواری انرا استماع ایدوب حکومنی ابشیره  
خوش کیشیدی انطاکیه دن بروکلده اطرافدن چوق شکایتچیلر کلوب دعواری کترتی  
اولمغین مخصوص امر کوندریوب احمد افندی بی دعوت و تکرار آستانه یه کلهجه مرافقه  
الزام ایتیمک اولدی حلبه اوغلی و نائبی قویوب کندوسی ابشیر آورد و سنده ماحق و دعاوی  
استماع ایدرک کوزلردی حنی شکاتی اولان قاضیلرک منصلین اوردوده بولنان قضات  
معزوللرینه ویردی بومال اوزن کله ایدیلر امار و جانبده ابشیرک کله سی استماع اولوب  
ذکری سبق ایدن اوضاع و حرکات دن انواع اراجیف حدوت ایتیمکه سبب اولان طرفدارلره  
و غیر یلره حیرت مستولی اولمشیدی خصوصاً دفتر دار پاشا زیاده خوفه دوشوب  
کمرک امینی حسن اغا و دلی برادر و امثالی بر قاج متعین اغالر که جمیع مقاطعات و جزیره  
بونلرک اللرنده ایدی اقتضایندیکه هر بری میری یه یوزر ایکیشریوزر کیسه پیشین  
و یروب ضرورت امداد ایدر لر و دفتر دارلره معان ایدیلر توجیه خدمات وقتند  
دیدلگری مقاطعه لری الوب خدمتلرنده پرونده اولمش اغیا یوللو خدمتکارلرینی  
کوندریوب تحصیل ایتدرلردی بوطرینه خدمت فایضندن ویردگری اچقه و دفتر  
حسابنده اولان خفیات انتفاعندن کندولر و اتباعلری ثروت و مکننت صاحبی اولمشلرایدی  
چونکه ابشیر پاشا سنده ابتدا سندن جمله خدماتی غیر یلره ویردی مزبور اغالرک میری یه یکن  
اچقه لری مضحیل اولدی جمله سی حرارت یأس ایله مسنشر اولوب دفتر دار ایلله اتفاق  
و ابشیرک زوالی تدارکنه عقد مشورت و جمله سی به خصوصه بدل ماله توطین نفس ایتدیله  
و دفتر دان دیدیلر که بزم و سارک مالی هوایه منقلب ایدوب غدرایان آدم یارین کلور  
جائزه ده سوء قصدا ایدر همان سن مهری المغه سعی ایله جمله مزمال و جائزله خدمتکره  
طور میشر دیوب معاهد و دفتر دار پاشا دخی غله شروع ایدوب ابشیر کلز مرادی  
اناطولی یه استیلادر مهر بکا ویرلسون بن واروب قاطرجی اوغلی چرخه جی ایدوب  
فلان ایدرم و حقندن کلورم دیدی بولکلام حضور همایونه تبلیغ قیلندی چون ابشیرک  
بطی حرکتی ووجه مشروح اوزن بوالفضولانه وضعی طع همایونی مغیر التمش ایدی آکا  
بناء طرفدارلرک سوقیله دفتر دارک صدارتنه نوع رضا صورتی کوسترلیدیکی  
قیودان پاشایک مسجوعی اولد قده مراد پاشا اگرچه دروتندن ابشیر پاشانی سومزدی  
و ابشیراندر و نون چقمه مراد پاشا او جاقدن کله اولمغله پیغلرند تضاد کلی و ارایدی اما  
بحسب الظاهر ویرمقضاای مقارنت وزارت مکاتبات و مراسلات ایله دوستلقاری و ارایدی  
و مراد پاشایه عرض وزارت و سلطنتی صیانت ایدر جز اچقه عاقبت کلزی ملاحظه ایدر  
دشمن عاقل ایدی همان بلاد دعوت حضور همایونه واروب بیر او یوب سعادت تلوی یادشاهم  
یونابده زنه رازی مضمان رجوع ایتیمه سز ویرمقوله سوزلری یادشاهمه القایدلره بن لالامی  
کتوردوم مهره نائل اولنلرده عصیان اولمز دیوب تحویل خاتمدن احتراز بیون سز  
والبقه لالا لک کوز بن کله جکنه متعهدم اول طشره ده ایکن صدارتی آخره توجیه



ایدر سکر و قوعندن احتراز اولنان فتنه ماحوظه اول زمان ظهور ایتک تحمیلد رزیرا  
کشی ماییس اولد قچه افندیسنه و غیره سوء قصد ایلمز و بدخواه اولردیوب مقدمات  
معقوله ایله پادشاه و والد حضرت نیرنی فسخ رأیدن تقریر ایلدی مراد پاشا سنه حدیجه  
کاردان وزیر اولدیغی بوئندن معلومدر که کندوسی مهره طالب ایکن ابشیر پاشا نیک عزل  
و استعصالی ظاهر اکندویه انفع کورینورکن دولت علیه بی اشغال و عباد اللهی اتعاب  
ایتمامک ایچون وظایف عاقبتی فکر ایدوب رضا و یرمدی ابشیر پاشا بوقدر کثرت  
رجال و قوت جاه و مال جمعیت اوزن ایکن عزل بی همتا کام ایله سرکشاک ایدوب حقیندن  
کلیجه یه دکن قتی چوق زحمتلر ککملک بلکه بر قاج وزیر تلف اولق مخدوری امر مقرر  
ایلدی و ابشیر پاشا بوجبروت ایله استانبوله کلد کک دخی برایش کون میوب بوقدر  
عباد اللهک اموالنه غدر صرچایتد و کچون جمله متولین کندویه عدوی جان اولوب قفادار  
اتخاذایتد و کی ارادیل و اشخاصک مأموللری مرتبه قایلرلی ایسه دولتک و سمعنده دکل  
بر معنی ایدی قلت ایراد و کثرت مصارف غائله سنه خود هیچ چار بولمیب کثرت شرکا  
و تخالف احواسی بیله وقت قریب بر بلایه اوغراسی عندالعقل ظاهر و بدیعی ایدی  
مراد پاشا عقل عوام پسند ایله بومعانیلری ملاحظه ایتد و کندن پادشاهی تبدیل وزارتدن  
تحویل ایله ابشیره صورتاد و مستلق ایدوب واقع حالی مکتوبلر ایله ییلد یوب خیر خواهلغنه  
اعتقاد و اعتماد ایتدردی بعده آستانه یه کلد کک بود و مستلق بر کاتنه جمله اولید شرندن امین  
اولوب ابشیرک رداوت تدبیر اتمک مؤداسی اولان علامات فساد ظهور ایتد کک اول وقت  
مراد پاشا فرصت بولوب خفیه عسکرک جمعیتنه و ابشیرک قتلنه باعث اولوب اسهل  
وجه اوزن مطلوبه نائل اولدیغی محله ککسه کر کدر مراد پاشا تمنای ایله بویخصوصه  
دفتر دارک سعی باطل اولوب سنا و یکجهتلر ایله متفق و والد حضرت نیرنه ملکی قادین  
و شمعان خلیفه و ساطه یله ییلد عبودیت ایدوب حمای حمایتلرینه دخول ایله استظهار ایتدیلر  
یوئشاده ابشیر پاشا شام و الیسی دفتر دار پاشا زاده مجد پاشایی دخی عزل ایدوب شامی  
شهرسوار اوغلی شاه غازی پاشایه و یروب تنفیذی ایچون خط همایون رجاسنه ناخیس  
ایتد کک قراء سلطنت استقباحیله مقبول اولوب بویخصوصه و سائر توجیهاتک  
تقریرینی کند و نک آستانه یه وصولنه تعلیق ایتد کار نکر الخاح اوزن ناخیس ایدوب  
مرادنجه خط اصدا ارایتدردی شهرسوار زاده نک باباسی مقدمادور عثمان خلیفه قلغای اولان  
دولت ککرایک غلام حاصلرندن بر جوان چرکس و ادایدی بعده سنجاعه چیقوب بعض  
اسفاردی یولقلری ظهور ایتکله کاتقری بکی اولشیددی بعد الوفات اوغلی مزبور دخی  
سنجاق بکی و بعده کاتقری میرلوسی ایکن مقدمه انقره جمعیتنه ابشیر پاشا رفقا سندن  
اولغله تقرب و تعین کسب ایتشیددی وزیر مشارالیه مزبورک هادرا نه اطوارندن زیاده خشنود  
اولغله صلا همت ایدوب حلبی طیار اوغله الیویردوکی کبی شامی دخی وزارتله بوکه الیویروب  
شامدن عزل ایتد بکی وزیر مجد پاشا علم و معرفتدن بهره ور وزیر معتبر ایددی لکن عجب و طمع  
غالب اولغله مقتضای عصره دخی مامشاة محرک طمع اولوب شام خلیفه افراط اوزن

جور و تعدی معامله سی ایلدی حتی بر قریه دن بر قاج نیک غروش جریمه انوب رعایا دخی  
تجاردن مراجعه ایله آلوب و یروب اداده عوق ایتلر ایله اقچه صاحبی عرفحال و تحصیلنه  
بر اغاسنی مباشر الدقه بعد التحصیل مبلغ معهودی اغایدندن ینه پاشا آلوب شمیدی بزم  
ضرورت و زواردر خر جلق ایله لم یازر کانه صکره بریدن حواله ایدرزدیوب سپورردی بومقوله  
اوضاع نامناسب سببیله و لایق ایله مایین اولوب او زرینه جمعیت ایتشلر و قلعه دن  
سراینه طویلر اتوب بر قاج آدمینی مجروح ایتشلر ابشیر بوخیری ایتشد کک عزل ایتش  
ایدی ابشیر خلیدن قالقوب انطاکیه یه اندن ادنه یه کلوب ادنه پاشاسی محمود پاشا  
برایکی قوناق استقبالی ایدوب ذخایر و هدایا بدندن و تکریمه تقصیرات ایتدی بعده  
محمود پاشایی ذخیره تدارکی ایچون ایلر و ادنه یه ککوندردی ادنه یه وارد قده اوتراق  
ایدوب ظاهر اکثر شکاتنه بناء و معنی حلق ایچون محمود پاشایی حبس ایتدی و سابقا  
استانبوله احساب اغاسی اولوب بعده خادم قرنداشی حسن اغانک خدمت لرینی الوب  
نجه دفعه انکله منازعه و مشاجره ایدوب بالاخره خادم قرنداشی قونیه دن اخراج و ازعاجه  
باعث اولان بوسنوی صاری محکمه حلواجی محمد دیمکله مشهور ایدی و مراده جیلرک  
جسور و بی ادب لرندن بر مرتشی شخص ایدی یوئشاده قرمان دفتر داری یوئشاده کثرت  
شکاتنه و خادم قرنداشیله نزاعه مبنی عثراتنه بناء قونیه دن احضار اولوب ایلغنده  
حضور وزیرده بونی اورلدی و دفتر دارلغی سلفی مراد افندی یه و یرلدی و قریس  
پاشاسی قبه صقال زین العابدین پاشاکه مستشاریدر دیر لرایدی آنی دخی بومپانه ایله  
حبس ایلدی و ابتدا مهری کتورن میراخو راغایه اذن انصراف و بر مشلر ایدی آخر صفرده  
دولت علیه یه کلوب کیفیت احوالی بتفصیلها اولمای نعمة اعلام ایلدی ربیع اول اول  
اوائلنه ابشیردن بر کاغذ دخی کلوب حال یوللر قیش و دعوی و شکوی قتی چوق اولغله  
مسارعتنه امکان یوقدر حالا قونیه ده اول بهار دگ مکث نصیم اولنشد راذن عالی رجا اولنور  
دیو عرض ایش و وصولنه قونیه ده جمعیت نصیمی سابقا استماع اولند و غنه بنابر حال  
دولت زیاده متالم اولوب نه قشلاق التماسنه مساعد جوابی ونه استعجال فرمائی کوندردیلر  
مفتی و یکچیری اغاسی و دفتر دار و سائر اعیان دولت قائم مقام پاشا و قیوان مراد پاشا و بونلوه  
هوادر اولنلر ابشیر پاشانک متغلبانه وضع و خشونت آمیز کلام و حرکاتی موضوع  
بحث ایدوب چون مطیع و منقاد در بوانه دگ نیچون کلدی دیومفتی افندی بی معاتب  
شکلند مخاطب ایتدیلر و مقدمه سترک راپیکر ایله اولش معنادر ایددی هر نه  
طریق ایله ممکن ایسه استمالت نامه لریازوب کتور تمسینه دخی اهتمام ایتک کر کسزد یو  
منلانی خیل تضییق ایتدیلر منلار رأی سابقدن سر مو انحراف و انقلاب کوستر میوب  
الیه کلورلر قشلاق التماسنه مساعد جوابی کوندرلسون استعجال ایچون کیدن قوز  
یکجیسی کلجه صبر اولنسون دیو ثبات قلب ایله جمله سنه تسلیت و یردی ابشیر قونیه یه  
داخل اوله جنی کون امراء اگر اددن برظالمک بونی اوردی و طرابلس شام پاشاسی قره  
حسن پاشانک کتخداسی صاری اسمعیل اغا طرابلسدن هدایا ایله کلد کک قبل الصنداره



کند و فرستاده لایحه امانت ایند کار شده جز آنکه دخی بوبنی آوردی و قوسه دن لادق و بولوادین  
 ستمنه توجه ایتدی بواسطه اوجاق محضری سلیمان اغاوزیرک استقبالیته کوند رانش  
 ایدی قره حصار ی کجوب ریح الاولک اون سکرته چوبانی نام موضع و وزیر ملاقی  
 اولدی خلاف قانون کندویه کورکلی خلعت وادی کیسه احسان و بولداستلرینه برکیسه  
 بخشیش و ربوب عظیم التفاتلر ایدی اما بروجانه کوریل مجید پاشا اول وقت معزول کورری  
 قصبه سنه ایدی وزیر استقبالی و کوتاهیه قریب بولشد قریب اختیار مد برآمدردیو  
 عظیم التفات ایدوب طرابلس ایالتی و ربوب خلعت کیدردی و ازینقه دیک بیلکه کتوروب  
 عظیم محرمانه محبتلر ایدی و کندویه چوق شی دانشدی اما اجر اسنه موفق اولمدی  
 طرابلس مقام طاعانی محرمی اولمغه تداخل سببیله ولایتک علی غنل اولمش ایکن  
 تنظیم ولایت ایچون کوریل یه مارتدن توجیه اولنوب ریح الاولک دودنده ازینقدن  
 مفارقت و طرابلس روانه اولدی کوریلینک اوغلاری احمد ییک افندی و مصطفی ییک  
 کوریلدن اغراق ایله قاقوب پدرلینک عقبینجه طرابلسه کتدیله لکن منصب برقرار  
 اولوب ابشیرک دولتی برکشته اولد قده آستانه دن ینه محرم دن اولمق اوزن اخره  
 ویریلوب کوریل نئی قالدی و عین ارسلان نام محلدن کره کورری یه معلودت ایتشدرد  
 وزیر کوتاهیه ده برقاچکون اوتراق ایدوب بعد کوچوب آستانه یه متوجه اولدی  
 سلسله ابتدای ریح الاولد محمول مدرسه لردن سلسله مدرسین واقع اولوب مورخ  
 شارح المنار زاده عشق حسن افندی برینه که پری حسن چای مجلو لندن سیف علی  
 پاشایه واردی پری نقیب زیرک زاده دامادی علامه زاده یه ویرلدی کرید جزیره سنه لمداد  
 ایچون بواسطه زغرچی باشی یوسف اغا ایله برقاچ قدرغه ملوک پیکری کوندردی وفات وزیر  
 سابق درویش پاشا مشارالیه فالج عارضه سیله خسته و عمل ماندا اولمغه مهر النوب  
 ابشیره کوندردی که الم عزل شدت مرضه سبب اولوب ماه ریح الاولک بشنجی کونی  
 وفات ایدی نفود و اشیا قنی جوق جمله دن طقسان بش ییک فلوری و سکر برکیسه  
 اسدی غره ش و سائر نفود و جواهر و آلات زروسیم و تحف و نوادر که مدت عمر دن جمع  
 ایتشیددی بوندن ماعد اکتخدا سی علی اغا پادشاهه بولشوب دفتر امور الی تسلیم  
 ایتد که خارج از دفتر جنا یا دن اولمق اوزن جواهره متعلق تحف ناد ایله مالا مال  
 ایکی صندوقه بوندن ماعد ایکی مرصع خنجر که مبالغه طریقله بیکر کیسه ایچ  
 قیمت تقدیر اولندی دیرلر پادشاهه تسلیم ایدوب عدد افندی اظهار ایدی بوندن  
 ماعد اسائر اجناس اموال و اسیا و کورکار و نقاشلر خصوصاً جبه خنه سنه زرنشان  
 تفنک و سیوف کونا کون دکه خرینه ده نظیری بولنر نوادر ایدی جمله سی خاصه همایون  
 ایچون قبض اولندی وزیر مشارالیه چرکسی الاصلدر طبانی بصی محمد پاشا نک اکتخدا سی  
 ایکن وزارتله شام ایالتی ویرلش ایدی تا اغالی زماندن برومالدار و ذی قوت اولمق  
 ملتزمه و پاشا ره و سائر احباب خدماته ایچ و ربوب اعمال ایدردی دائماً از مقدمه  
 ایدی و طرف دولت علیه ده تعینی اولمغه ایچ سنه جفا اولنوب وقتی ایله ادا اولنوب

و عظیم حصوله کوردی بطریق ایله ایکی ییک کیسه دن زیاده نفوده نل اولمشیدی  
 شام والیسی ایکن قیوسی مکمل اولد و غنه بناء بغداد فتح اولند قده ایالتی حسن پاشا دن  
 صکره بولک ویریلوب دیار عراقک عماری کندویه سپارش اولمشیدی برقاچ سنه متوالیه  
 بغدادده اولوب کرکی کی سن و آبادان ایتشیددی بصره ستمندن هند و عجمه نفود کوندروب  
 تحف و امتعه و لو اول کتوروب مناسب محله کوندوب حصول ایالتدن ماعد اسنوی  
 ییک کیسه قدر تجارتدن حاصل ایدردی بوندن ماعد بغدادده زعفرانیه و ابو غریب  
 و رضوانیه حورلین که اراضی حوران دن زیاده منبتدر قوت و عشرت صاحبی بعض  
 شیوخ عربان ایله بروجه مشارکت اکر یوب مجد یوب تیار لره صغماز محصولات پیدا  
 ایدردی و عجم مملکتدن بیلاق ایچون شهر زورحرالیه چیمقان اولوس طائفه سیمکه  
 قنی وافر قیون تربیه ایدرلر کارلری اودرانلردن قیون اشترا سنه بر اغاسی تعیین ایدوب  
 وافر ایچ ایله ارسال ایدردی اوجوزها ایله برقاچ ییک قیون الوب بغدادده کاجخیه دیک  
 لطیف مرعاه توزیع ورعی ایتدردی و بغدادده برقاچ یرده قصاب دکانی یاپد یوب  
 ککند و غنلری ذبح اولنوب تعیناته ویرلد کد نصکره زخندن بر ایچه اشاغی خلقه دخی  
 فروخت ایدرلردی کک لک برقاچ یرده فرون یاپد یوب اولد وایع اوغلانی  
 و اغوات اون ییک آدمه تمک ویرلد کد نصکره خلقه ده فروخت ایدرلردی برقاچ سنه  
 یوسباق اوزن بغدادده اکتوب کندو مطبخه و اتباع ولونداتی تعیناتنه و دله لک علف  
 و علفینه خلقدن ایچ ایله شی الیوب کندوشینی و ربوب و زیاده سنی فروخت ایدوب  
 اموال عظیمه پیدا ایدردی بغداددن عزل اولند قده یوز ییک غروشلق غلالی در انبار  
 بولمشیدی کلان منسله و ربوب و ولایت اعیانک کبارینه توزیع ایدوب جمله غلالی  
 تقد ایتد کد نصکره بغداددن حقمشیدی کذلک اتباعنه ویردیکی بلایق ملبسات  
 دخی بیلکه تدارک اولنوب چوقه یی حلبدن و سائر متاعی هنددن کتورمک ایچون مهر  
 سنه تجارت و امتعه احوالی بیلور اغالردن برینی حلیه و برینی بصره یه ویرینی هند بندرینه  
 کوندروب فلاقل هر برینه یوز کیسه سرمایه و ربوب کوندردی مثلاً حلبدن پیشین ایچ  
 ایله سایه چوقه نک ذراغنی اوج ییج غروشه آلوب پاشا سنک فرمانی و علفی قوتیله  
 بولکدوب دیار بیکره کتوروب اندن کلکیر ایله بغدادده کوردی کرک و سائر خرج راه  
 و تکالیف احتیاج یوق بغدادده اول چوقه نک ذراغنی یدی اسدی یه ویرلردی  
 کندویه و اتباعنه اقمه ایلدن عینیه قطع اولند قده نصکره قصوری مجاره ویریلردی  
 و مصر وفک بهاسی بیع ایتدی یکینک فائده سندن حصوله کله جک مرتبه فائده لرا ایتشید  
 کرک قاش و قطنی کرک دستار و سائر هند متاعی دخی یوسباق اوزن کوردی خلاصه  
 کلام بوقدر ییک عسکر ایله بوقدر سنه ملبس و شعبان و مرفه و پر عنوان وجه آسان  
 اوزن یکنوب ولایتدن کلان فوائد و عوائد خرینه سنه قالوردی وهم زمانده ولایت  
 معمور و آبادان و رعایا آسوده و شادمان اولوردی کتخدا سندن منقر و لدر سلفن حسن  
 پاشا بغدادده والی ایکن ایام صیفی لازم اولان قانون و قاپور وکیل خرج یدیله



الذوب بهر قانون اوج و بهر قاری و ز دروت پان به اوزم و سائر میوه که پاشا ایچون  
 انمیش بویله دفتر اولوب خواه و ناخواه بیش کیسه میوه آنچه سنی الذوب وکیل خرج  
 ایله ایجابیه مقاسمه ایتشمار بعد اده ایسه شطط طاشوب صکره حالت اولاسنه کلوب  
 شط کتارندک مقدار بر لری بصدر ایسه اوززل نه قانون قاریوز و سیزه یوستانلری ایدر لر  
 یوستانلره اذن و یروب عشر نامنه رسوم الموق خدمته شاطی مقاطعه سی دیر لر حسن  
 پاشان بکچر یلر مقاطعه بی آلوب بش کیسه به الوب و ویردکاری میوه بهاسی  
 نامیه ینه بش کیسه بی حسن پاشان المشاراماد و ویش پاشا مقاطعه مزین بی  
 بر آدمیسنه ویردی و قرب بغداد ده اولان بر لری مخصوص آدم قویب کندوسی  
 اکدردی کندویه و اندز و نه لازم اولان ندن افزون میوه حصص و آمدن صکره طشره  
 اعوانه و آنچه سائر تعینات کی قانون قاریوز تعیینی ویرد کردن صکره شهر ایچند  
 فروخت ایلدی کی میوه دن اول آدنه بش کیسه دن متجاوزا نه حصصه کلوب مقاطعه  
 رسوم بدن دخی میزی به اون یلک غروش حاصل اولدی و برحالی دخی تجارت خدمتند  
 اولان اعانه و بریلان رأس المالك هر یکرمی غروشدن بر غروش قانده دن ویرلک  
 اوزن اجرت تعیین ایتشیدی مزبور اغا دخی پاشا سنک نام و شان ایله وقوت  
 وجاهی ایله کند و مالی و غیرین مضاربه ایله ادر بی آنچه بی دخی بشقه خه اشیا به بوزوب  
 بسایه ولی النعمیه و افرت تجارت و انتفاع ایدر شش درویش پاشا صکره مرتضی  
 پاشا دخی به طریق ایله ساو ک ایدوب قوت مالیه ایله به یاجه ایدر شش لکن بالطبع جور  
 و تعدی به مائل اولغاه درویش پاشا مرخوم کی منتظم و مدوح اوله مدی نه کیم  
 تفصیلی کاسه کرد و نقل ایدر حکمر کلام قدمای حکمان منقولدر بعض عقلای عوام  
 درویش پاشان نقل ایتشمار دیشکدا کتساب مالک وجوه طبعیسی ذراعت و تجارت  
 و امارت و اوج شیئه منحصر در اکر چه صناعات متنوعه دخی بروجه عد اولمشدر  
 اکاکور دورت قسم اولمق اقتضا ایدر اما اصحاب صنعتک اکثری تدارک معاشلرندن  
 عاجز اولمعه صنعتلرینک قانده سندن کندویه انحق سدر مق مرتبه سی قالوب  
 قانده لرینک فخرله سی اول صنعتک تجارت ذوی الیسار نه عائد اوله کلکله طریقه کسبی وجوه  
 ثلاثیه به صحر صحیح اولور و قوت جاء و علونام نه مرتبه ایسه تجارت وزیر اعتدن اولمقدار  
 انتفاع اوله کلشد و زراعه و نام صا حینه خلق تقرب ایچون و بعد زمان حصصه کلکله جک  
 منافع ملا خطه سینه خدمت ایدوب مالا و بد نامناعی انتفاعلر بولور لاجرت عاجله  
 استمرار خلق بر قسمی دخی شرندن و تسلطندن خوف ایدوب منافع دن خصصه مأموله سن  
 اسقاط ایدر لکه انتفاعی ایچون اولدخی صنعتلر اولریش یایکی وجه ایله خلقک اجرت  
 خدمتلر برع مساعیلری صاحب جاهه عاید اولوب زمان قلیلده ثروت عظیمه به نائل  
 اولسه کردر هر قحانکه بروالی و کام تجارت و ذراعت ایله اصلاح مال و توفیر ایدر اکر مهمات  
 لازمه قادر اولیه ایکی نوع بلیه عظیمه به مبتلا اولوب دنیا و آخرت خسارتنه اوزر اری برکه  
 خلقک الله اولان تقوی و امواله مستولی اولوب ظلم اعباد الله مال و اشیا سنی غضب

انکه محتاج اولوب زمره ظلمه دن اولور ایکیجیسی بو که ظلم و قهر اخلاقدن آلدی  
 مالی ادخار ایدر میوب ضرور یا بدن اولان ماکولات و ملبوسات و سائر بومقوله لوازم  
 ایچون صرف ایدوب تحصیل ینه اصحاب احتکا روزمرانی تجارتلر ینه عائد اولوب  
 کندوسی سواد وجه اوزن معینون قانده کر کرد و معینه محکمر لر و مرابی تا جر لر ایچون  
 قرانمش اولور کندویه سوا اعمالک و زرو بالی قالور بو صور ثلحا کم تخیب مملکتدن  
 و تفرق رعیتدن غیری ایسه یرامزد یرایش و بعض اخلاق کتابلرندن ملوک و وزیرایه  
 و حکام و امرایه تجارت و زراعتی لایق کوز مشلر و بو صنعتلر ده تعالی و اشغال ایدر لر  
 دخی ایلق و ردیل الطبع اولور لر دیو طعن ایتد کارنک اصلی بو درکه و زراو حکام یا لکنر  
 جمع و ادخار اموال ایچون بو صنعتلری دایما کندور لایشلیوب غیری کسه لری زور بازو ایله  
 منع ایلیوب عباد الله کار و معاشلرینی تضییق ایدر جک مرتبه اشتغال ایلمک  
 عد الله مخالف و لکه جور صرفدر و مقصد دی کند و ضروریاتی تدارک و محکمر لرک  
 ذین و حیل سندن قوز ثلج حق مرتبه سی اولوب مطلقا ادخار مال ایچون بالشمق  
 ایسه اول صورنده مروت و سماحت و واجب اولان مکاری ترک ایدوب سوقیلر کی شرایف  
 انسانیندن منسلح اولمش اولور مبد موم اولان بودر و الا امر و احکام مضارف لازمه لرینی  
 تدارک ایدر جک مرتبه ضرمایه لرینی اعمال ایدوب ظلم ایله جمع اموال ارنکانه محتاج  
 اولمیه جق قد زراعت و تجارت ایله مشغول اولملری خرفه محضه و ضاعت  
 مذمومه ذکدر علی الخصوص لوازم اتباع و عیسی لنی کورد کردن صکره انشای  
 خیرات و بذل اصنان و مبرات ایله کرمکارلق ایلمن کبار نه قدر انصب و احسن  
 و عمارت بلاد و زرقه عباد نه باعث نه گوزل کار مستحسندر سلفه انبیاء عظام  
 علیهم السلام و خراس اولیا و صالحا و ائمه مجتهدین و سائر اکابرین بو صناعتنه طریق ایله  
 سلاو ایدوب و نجه تعیش ایتشمار در سیر و اخبار کتابلرندن مستطور در برینه صیده  
 رجوع ایدر لم مزبور درویش پاشا بغداد دن صکره اناطولی و بوسنه و سلسیره  
 ایالتلرینه متصرف اولدقدن صکره قنده دن اولمشیدی مالد اولمقله ترخسانه  
 و قیود اناق مهماتی کندویه چکدر ملک ایچون ترخونچی پاشا وزیر ایکن چوق تراکت ایتشیدی  
 اما ممکن اولوب قوت مال و جاه ایله ترخونچی پاشای ازاله و کندوسی وزیر اولمشیدی  
 بعد الصدرا کندوسی عدم احتیاج سببیلر بی نیازلق واد یسنده مستریج اولوب هر  
 ایشی مستقل صاحب نه سیارش ایدوب و وزیر لر عائد اولان غواید و رشوت و هدایا  
 هر نه ایسه جمله سنی میوی به ایراد قید ایدوب اعدا و حسادا فتر اسندن امین اولدی  
 و او قاتنی ذوق و صفایه صرف ایلدی فالج اولد قدر روح اضافیسی اولان  
 مهر دخی الذوب ابشیره ککوندرد کده مرتبه صدا رتدن مفارقت غمی اشتداد  
 علته سبب اولوب امانت خیانت مستعارین صاحب حقیقی سنه تسام ایدوب متوجه  
 دارالنعیم اولدی سنی تیشه قریب بریدر ایدی مالا و والد حامی قریب اولان دیکلی طاش  
 پاشا علی پاشا بمعنی خرمند دق اولمشدر مزبورک خزینه دار لغندن حقه حبله



ساکن مرتضی اغا که کلیس و عز و بوده لقلری ضبط ایدر بر پاك مشهور جندی روش اغا  
 ایدی نقل ایدر دیکه وزیر مشارالیه سفر و حضورده پاك مجلسه ولطافت لباسه مائل محشم  
 و موقر کسه ایتمش طعمه و نفیس و لذیذ ما کولات و مشروباته اهتمامی زیاده و تواج  
 پروایتمش صقالی کوسه مثال غایت از اولوب بیقلری تا کربیاتدن اشاخی ایتمش هر سنی  
 ایکی صقال قدر و ارایدی ذاتی لوندانه مشربی زندانه لطیفه یه مائل محشم و مترفه  
 روزیرایدی دستاری بر اعجوبه شکل ایدی طرزی سیاهیمانه خرتاوی قیافتند امام عصر  
 میکترینک دستارینه مشایه قفسی مثال و کورل زنده نظام و مساوات یوق یوله بوزق دوزن  
 طارطاغن صارردی مز نور مرتضی اغاده پاك سانه تقلید یوله بر اعجوبه بوزق دوزن  
 طارطاغن صارر مشرحهم الله بعض احوال ابشیر پاشا ربیع الاولک او اسطند ابشیر پاشا  
 مورلی دفتر دان التفات نامه کوندر ووب نیم اوخلم زوار محجه سیاهک علوفه لیتی و ووب  
 باوکارینی دوایتد راقچه لازم اولور سه بن کوندرم دیوار مشیدی بوقته کنبه اهل استانبول  
 اراستند اراجیف و مساوی چو غالوب خصو صادولت متعینلری مثل دفتر دار پاشا  
 وزیریس الکتاب و شعبان خلیفه و صاری محو ده کاوش باشی ایدی و کرک امینی حسنی  
 اغا و دلی برادر و صالح افندی و طوب قبولی و من خدا خد هم و غنی محو و غیر هم زیاده  
 اغطرابه دوستوب دورابواب و کونا کون مشور نلردن خلی دکل ایدیلر وزیر کلر کور سه ده  
 خبر ایتمز که یکجری استقر دیر لایکن خزینه دارعل اغا و مرجان اغا طر فندن کله جکی خبری  
 کلد کبره بمقوله اراجیف پیدا این بد خواهر تهر قالدیلر بود نصبر که غیری دورلور اراجیفه  
 باشلیوب یا نجه بعد لشکر و ارایمش ارکان دولتی مستولیان امور سلطنتی عو ما  
 حضورینه طلب ایدر ایتمش فلانی عزل فلانی نفی فلانی قتل ایدر جک ایتمش دیو خلطیاته  
 مشغول اولدیلر و پاشاده عقلا دن بری مفتی افندی یه سلطانم وزیر حقند یه کاذب باطله  
 شیوعی و خنک بو که اشتعالی ندر سلطنت و وزارتیه متعلق کفتن کور ساغ اولوب  
 لسانه لئلردن برقاجی ثادیب و نفی اولنسه قابل منع دکلیدر دید کله جناب متلاعاتلا نه  
 جواب و ووب هتوز کلام بر آدمه منحصره تبیین بر جانبه مخصوص دکل که خلقه اسپکات  
 تدبیرینه متعلق خصوص تمشیت اولنه بمقوله اراجیفک مبد آینه اعیان دولتدن کچین  
 لسانا مضبوط بعض نادانلر که لاش و اغطر ایلرینی انهار ایله خلقه سر رشته و ووب بوقدر  
 کفتنکه یه باعث اولدیلر دیش حقا که حکمتیه مبنی کلام محمدر روحل و عقد اربانی اولان رجال  
 دولت تجرع معایض و کتم رازده ثبت صا حبلری اولوب عوام هوا مه سر رشته و ووب رمر سه  
 اراجیف شرنندن امین اولور ابشیر پاشا کک قو کتخداسی خالد اغا و روزنامه جی حسین  
 افندی قرشو کیدوب سائر متعینلره دخی حرکت کورند که رئیس الکتاب شامی زاده  
 افندی اچره جانبیه عرض التجایدوب رئیس الکتاب شامی زاده آستانه دولتم لازم اولغله  
 کتمنه رضای همایو نم یوقدر چاوش باشی ایله ابکیسی اسکدرده استقبالی اینسونلر دیو  
 خط همایون اصدار اولندی رئیس افندی بعض دد ایا ایله بو خط شربی وزیر قرشو  
 کوندر ووب عرض اعتذار ایتدیکی شیوع یه لیدی سابقا استعجال اچون کیدن بوستانی

قوزنجیسی کلوب وزیر ربیع الاولک اخر خومه سنی یکیشهرده ادالیه چکدر دیو خبر صحیح  
 کتوردی مؤمن اغا امثالی و عجم محمدا فندی استقبال اچون کتدی ربیع الاخر پاشاده  
 دفتر دارر موجب فرموده وزیر علوفه چقروب و یردیکی اچیه زیوف اولغله المقدن امتناع  
 و طاش یاغدیروب زیاده تضییق ایتد کلر نده اوقاف حرمت مالندن یوز ککسه  
 استقراض ایدوب بحالته بو لوکلری دور اتمکله بر مقدار فتنه سکون بولدی قاطرجی  
 اوغلی پاشاده حمید سخا غنه متصرف اولوب ابشیر پاشا ایله قدیمی عداوتی وارایدی  
 شمیدی وزیر اولوب کلورکن حمید دن بعض رعایا واروب قاطرجی اوغلندن شکایت  
 ایتشیر ایدی قیودان مراد پاشا قاطرجی اوغلنک حامیسی اولغین کندویه مکتوب  
 یازوب شمیدلک اول رعایا دن الدوغک اچیه لری و ووب و نعدیدن فارغ اولوب واروب  
 کند و قریکله ساکن اوله سن دیویازمقلد قاطرجی اوغلی دخی موجب مکتوب ایله عمل  
 و قریه سنه کتمش ایدی بعد مراد پاشا ابشیر ده قاطرجی اوغلی حقنه شفاعت  
 نامه یازوب رعایت خاطریمز اچون جرایم سابقه سنی عفو و اطفله معافله بیوره سن  
 ینه ایشه یاراقولکدر در دیورجا ایتشیدی و قاطرجی اوغلنه دخی مکتوب یازوب وزیر  
 اول حوالیه قریب کلد که مناسب هدیه ایله واروب ایاغنه دوستوب تذلل ایله بندلک  
 کویستره سن دیو تعلیم ایتشیدی مورخ دیر که قاطرجی اوغلی حرامیلکدن نشأت  
 ایتش طاع آدمیسی ایکن انک طلمی سائر ولاتدن افل ایدوکی مجمع علیه در بو و قند  
 حیات مملکت نامنه اولان ولاته مقوله اولق ککرکدر قاطع الطریق انلردن اصلح  
 ایدوکنه اتفاق اولنه نعوذ بالله من فساد الزمان قاطرجی اوغلنک وزیر ملا قانی بووجهله  
 اولمشکه حمید سخا غندن عسکر فراوان جمع ایدوب وزیر ایساقلی منزله ایتکن واروب  
 عسکرینی بر طاع ازدنه قویوب اللی قدر کزیده اتلوا یله اولان ایازه نک خیمه سنه ایتدی  
 انکله کوریشوب اوکجه دلیل و شفیع اتخان و معاویره واروب وید بساطی و سلاحتی  
 چیقرمیوب اویاچه کیددی ویشکاه اوتاق بارگاهندن سکر دوب وزیرک ایاغنه یوز  
 سوروب ایتد پاشندن توغلغه سنی چیقروب بعد کند و سیفنی وزیرک اوکنه قویوب  
 دولتو وزیر جریمه معترف بر قولکم یوزیره قویوب سکا قوللوغه کادم استمه سیف ایشته  
 یونیم استر سگ قتل ایله دیلر سگ عفو ایله فرمان سنکدر عفو ایدر سگ بوکله یی اوغر که  
 فد ایلد نجه خدمت ایدرم دیوب تکرار ایاغنه دوستدی وزیر عالی جناب متعظم اولغین  
 پوتدل و اعتد اردن خط ایدوب خوش کلدک الم چکمه دیدیلر و سیفنی دفع و توغلغه سنی  
 لبسه اشارت ایدوب خلعت کیدردی و عفو و لطفه مظهر اولوب معیتنه ما مور  
 و محبوب اولشیدی بو معامله ادبانه یی قاطرجی اوغلنه مراد پاشا تعلیم و یازمشیدی  
 وقعه غریبه درسرای عامره برای ابشیر پاشا و زراعظم از نکیمه یا قشیدی خبری  
 کلوب ذکر اولنان اوضاع و اطوارندن خوفناک اولان کار دان دولت علی الخصوص  
 دفتر دار واکا هوادار اولان مغدورلر که کمال خوفلرندن بی حضور و بیقرار اولمشیر ایدی  
 بر مصیحت کورمکه تکرار هجوم و شروع ایدوب مقربین و مصیبت حین و ساطتیه

قوزنجیسی



دارالسعادة اغاسنه يازيدوب ابشيري ازاله ويزنه دفتر داري نصب ايندرمكه متعلق نه  
 ديد يوزسه ديد يادشاه عالميناخي تحويل و خاتم صدارت صدرينه ايتد پلور سيع الاخره  
 ايتد هفته سنده مفتي وقائم مقام ياشا و قيو دان مراد ياشا و سائر اعيان وار كان حضور  
 همايونه دعوت اولنوب عقد مجلس مشورت اولندي يادشاه بالذات مفتي يه وقائم  
 مقامه خطاب ايدوب ابشير ك رضاي همايونه مغاير جر كني و بعض علا ماتدن سو  
 نيتي معلوم اولدى مهري ايتدن الوب دفتر دار ياشا لاله و يرمك مراد ايدرم زير اطوغرى  
 قولدر و صداقت ايله خدمتي معلوم اولمشدر سز نه دير سز ديو بيورد ياز منلا و قائم مقام  
 يادشاهم اعلمدرد يوب ساكتاسر فروايتد پلور ايتدن دونوب مراد ياشا يه لالا سز نه  
 دير سز ديد كرنه مراد ياشا يي پروا جوابه شروع ايدوب دولتلو يادشاهم ابشير لالا كز  
 طوغرى قولدر در بالا كلوب يا قلسدى بر قاج كونه دك بونده در احباب اغراض  
 سوزيله بلا موجب عزل لايق دكدر نا طولينك قار شغلغنه سبب اولور مملكت قار جاشور  
 شايد خاطر همايونه كدر ويره جك ايش اقتصاسنه سبب اوله لالا كز كلوب  
 خا كيايه يوز سورد كد نصه كره هر نه مراد بيورد يوزسه اول وقت سهولتله اجرا ايدرسر  
 معقولى بودر فرمان يادشاهم كدر ديدى يادشاه تكرار مفتي وقائم مقامه باقوب  
 سز نه دير سز واقع بوميدرد ييد كنه ايكيشى دخی كمال خير تدن سكوت ايدوب فرمان  
 يادشاهم كدر ديمكدر غيرى بوسوزه جرأت ايدمديلر دارالسعادة اغاسى وسائر  
 مصاحبين كه دفتر دارك طرفدار لري ايد پلور منلا و ياشانك اضطرابدن ناشى سكونلرينى  
 كند و رايالرينى تصويب ايجون نأ ييدم حمل ايدوب همان جمله سى مراد ياشا يه نظر  
 قهر آلودايله كوزد بكوب حضور همايونه كلات ناسزايه اغا ز ايدوب يادشاهم سز مراد  
 ياشانك سوزينه قولاق طوتر سز پدريكز سلطان ابراهيمك قتلنه سبب اولان بو طالم  
 دكليدرد يوب مجلسه مشافهه و منازعه ايله هولناك اولوب بالاخره يادشاه  
 حضور نلري بيجضور اولغله وارك كيدك ديوا جازت ويردى حضوردن چقد پلر اغا  
 طشهره ده مراد ياشانك اوزينه اوشتوب سمنك تجبر و تسلطك يشمير صكارك برجلالى يه  
 صاحب چيقوب يادشاهمزه برتدبيرى ابطاله سعى ايدرسن ديومخاون ايدرك غوغا  
 قزيشوب مراد يادشاهانك اوزينه خنجر چكديلر و يانلرنه اولان بئرداران و اتباعه اورك  
 شونى ديمكله مراد ياشانك اوزينه پانلق نيتيله هجوم اولندي مراد ياشا مضيق  
 عظيমে دوستوب دفع صائل ايجون كند و دخی قبضه خنجره ال اوردى و طشهره يه  
 طوغرى كند و قورويه رق مسارعته چكديلوب كندى اغا ايسه مراد ياشانك اردندن  
 بوستانجىلر حيقروب يه قوماك اورك پانلك ديد پلر مراد ياشا ديوهيتت پهلوان قيافت  
 بومردن و مند ايدى ال خنجر قبضه سنده شاطر و چوقه دار مقوله سى ياتنه بولنسان  
 آدمزاردنجه قفادار اولوب كيدز و كوكره يوب بلند آواز ايله يادشاهمزه طوغرى ييلدن  
 چقاروب خلاف شيلر سوق ايتنك جراسنى عن قريب كورر سز نه واجب اولان حقى  
 صوليكدر يادشاهمزد يلسه طو تسون ديلر سبه طو تسون ديه رك مسارعته كند بكنى

بوستانجىلر كوروب واصلنى بيلرلر اركيلوب طو در پلر و مراد ياشا يه صومقندن خوف  
 ايتد پلر در حال بوستانجى ياشى ايريشيوب يره اركانسزلر اليكزى چكك ديمكله چكديلر  
 مصاحبلك اتبا عندن برى مراد ياشانك ارقه حننه برتبر زين حواله ايتشميكدر بوستانجى  
 ياشينك تهديدندن اولدنى ال چكدى مراد ياشا يه سالما چيقوب سز اينه كلى  
 اولدن اياغنده بومقدار تفرس شكننده وجعى وار ايدى انك استدادنى بهانه ايدوب  
 ابشير كد كچه ديوانه وارمى فرستادن خواجه ريحان اغا باستمالت ابشير ياشا و زير  
 اگرچه از نكميده كلى لكن اولدن د روتنه خوف اولوب حالا كند و حننه خواص  
 و مقرين روگردان اولوب دفتر داري وزير ايتك استد كرينى و مراد ياشا يه هجوم  
 قصه سنى استماع ايتد كنه بالكليله متردد اولوب از نكميدن برو حركت ايتدى و مفتي يه  
 نهانى مكتوب يازوب بونه اصل ايشدر سز ايدشاهيد و زرايه خنجر چكك و ماهر  
 همايون تحويلنه مدخله اولمق نه ديمكدر ديوفرا معاتبات ايتدى مفتي خواجه ريحان  
 اغا ييله والديه اعلام حال ايدوب خوف ايدرم ايش غيرى كونه اولور پلر حال ابشير مدارا  
 واستمالت لازمدر ديو ترغيب ايتلويله تكرار مجلس مشورت عقد اولنوب وزيرك اعتماد  
 ايدم جكي كيم كوندرك مناسبتدريوسوال و جوابند نصه كره يادشاهك خواجه سى  
 و واليه حضور تكينك معتمد و مستشارى و اغا رك علم و تقوى ايله معروف و مشهورى  
 ريحان اغا كوندرك مناسبت كور يوب استمالت و نوازشى متضمن خط همان و بر سمور  
 قبل خلعت و بر مرصع خنجر ايله جانب وزيره كوند ريلوب هر نه دير سك ديوب اعتماد  
 ايتد يوب عجماله كتورمك كركسن ديونثيمه اولندي مزبور ريحان اغا فقه و تفسير  
 استخراجنه قادرايات و محاضراتدن معلوماتى وافر سوز ييلور و الزامه قادر بر كامل  
 اغا ايدى ماه ربيع الاخره سكرنده ريحان اغا از نكميده يا قلسوب وزير خبردار اولد قده  
 بر قاج معتبر اغاسنى باوك باشيلر ايله استقباله كوندروب كلوب حضورينه داخل  
 اولد قده وزير او ج قدمه قدر استقبال ايدوب دونوب كند و سى صنده لى ضد ارنه  
 قرار ايدوب قار شوشنه بر صند لى دخی قور ديلر ريحان اغا خلعت فاخره يي ايله  
 لباس و خنجرى مياتنه طاقوب خط همايونى لويوب اليه ويردى و دونوب قرشو  
 وضع اولنان اسمكله اوزرنه قرار ايدى وزير خط همايونى الله آلوب او يوب قوينه  
 قويدى بعد ريحان اغا يه خوش كلى كز تعبيله التفات جزئى ايدوب بعد خلعت  
 كيد يوب كند و كند اسى صالح اغا يه خطاب ايدوب اغا يوز غوندر چادر يكه كوتور بومقدار  
 دك نيسون ديمكله اغا قاقوب كند ايله چادن كند ييلور يردم قاقوب ايجورده نه ايجاله سى  
 اولان اوبه يه كيدى و مستشارى ابازه حسن اغا و كورد محمد اغا و كاتب خيرالد بن زاده و امثالى  
 بر قاج عمر مليله يره كد ييلور و خط همايونى او قيوب احوال لرينى سويلشدر يلم مستشار لرينك  
 خلاصه كلامى ياشا يي تحذير و طرف خلاصه اولنلرى ازاله يه متعلق ديد ييلدى بعل  
 وزير ريحان اغا يي محل نهايه دعوت و كيغيت احوال دن استفسار ايتد كنه ريحان اغا بسط  
 كلام ايدوب سلطانم شوكتلو يادشاهمرك ضمير نه سرك حقه كزده ذوق قدر نه يور و نكدر



یوقدر سزدن خدمت نافعہ مأمول ایدر بعض احوال یلمز لک دهشتلر دن احداث  
 ایتد کیری کفیلگی و وجود و بر میده سز جنا بکرگی صحت یلند صاحبی منبع الجناب و سزدن  
 حواشی و خدام خوف ایدر کلمش لرد اولمقوله لاکثر یا تبعات سابقه لینه مجازات تربیتدن  
 قور قور اولمقوله هرزه دازلر طرف سلطنتدن رخصت کفتار و رور یلمشد روطا طر  
 شریف کیری خوش طوتک دیدی ابشیر پاشا تکیق ایدوب بقه اغا خان دولت بر آلائی  
 احقر القاسیه بنم قلم ضمیر پادشاهیه مصمم ایدو کئی یقینا ییلورم انجق بنم مرادم  
 حسبہ لله تعالی دین و دولتک خدمتک یولمقدور بن صدق و استقامتله خدمت  
 کونیم انلرده شان ملوکانه لینه لایق نه ایسه انی اینسونلردید کدر رحمان اغا و زیرک  
 خوف و وسوسه سنی دفع ایچون کلام الله کتور دوب حروف ثابته قسمیه ایله ایمان  
 مغلظه ایدوب پادشاهک و والہک کندویه سو قصد لری اولمق و غنه اینانلردی بویکن  
 صکره وزیر مطمئن الخاطر اولوب رحمان اغایه احسان و انعامله توقیر و اکرام ایدوب  
 بعد الیوم پادشاهمز و والہ یاننده قیو کتخداسی و طرفاداری اولمق اوزن معاهد  
 و موافق ایدوب طرفیندن برشی کتم و تقصیرات اولمق اوزن عهد و بین ایله ربط  
 مشراط الفت و صداقت ایتدیلر بر و جانیده اهل دیو ایلک خوف و خشیت ایله جانلری  
 اغزنه کشیددی خصوصاً رئیس و چاوش باشی اسکندارده قارستولیوب ایلر و کیمیلر  
 دیو خط همایون اصدار ایتدیر مشار ایدی حالا ایکسی دخی وزیر طرفیندن طلب اولمقوله  
 و وسوسه عظیمه یه دوشدیلر حتی چاوش باشی مراد پاشایه واروب سلطانمیز لردیوان  
 پادشاهی خدمتکار لری یوز کیمیوب اسکندارده استقبال ایتک بابنده خط شریف  
 اصدار اولمشیددی موجب خط ایله بوند قالمغه همت اید سزدید کدر مراد پاشا جوابنده  
 قالمق قابل دکل در سزی طلب ایدن صاحب مهر در قالمق ایچون خط اصدار ایتدیر دیککتر  
 معقول ایش دکل ایدی شمدی سز لری الیقومق سزده مضر در دیدی ایدی باری منصبیلر  
 اوزر یزده قالمغه و ابقا خلاعتی الباس اولمق رجاسنه مکتوب احسان ییورک قرشو کید لم  
 دیو ییواردی مراد پاشا دفع بالئی هی احسن ایله عمل ایدوب شمدی توجیه و ابقامقوله سی  
 امور ایچون مکتوب ویرمز ترک ادبدر شمدین امور مد اخله یه باشلدیلر دیو طعن  
 و تشنیه سبب اوله حق رجائی ایدر مرزان مثاله تعالی بو طرفه کادکار نه متفاها کدر و مز  
 رجائی دوب جمایه کیری التزام ایلکده باس یوقدر دیوب وعد کون ایله حسن مدافعہ ایلدی  
 رئیس الکتاب ایله چاوش باشی صاری محمود بالضروره استقباله کتدیلر ایرشی کرک امینی  
 مشهور حسن اغا ایله باوک کاتبی قلندر محمد افندی دخی معاصک کتدیلر کرک امینی ذی  
 قیمت مناسب هدایا و فلوری ایله ملوکیه جکر کوندر ووب و هله اولمق بازه حسن  
 اغایه اسکندارده اون کیسه لک بر ملاک مکلف سرائی هبه ایدوب بیع و قبض ثمن تجتنی  
 اوکنه قوبدی کذلک کورد محمد و بیگزاده علی سنه بر اطلس کیسه ایچند ایکیشریوز  
 فلوری نهائی و عروب اشکان امتعه یه متعلق مناسب هدیه لوسا ترکد کدرده اولمقوله  
 وزیر مشاور الیهک حضور نه تکلمه و بعض کیفیت واقع اولور سه عرض و افاده یه قادر معتبر

و مقبول و نافذ الکلام بولمق انلره علی مراتبهم و افراتون اشیا بزل ایلدی اوتنه یقه دن  
 کلمه لوند و خزله مقوله سی بر آلائی طمعکن و هدیه الملق لذت مند و مر اجعت و خلاوتنه  
 مفتون اولان دنیا برست غدارلر که دولت دنیا مکرندن غافل و دولت نه دیکدر  
 و هدیه و مر اجعت نه خصوص ایچوند رو عاقبتی نیه منجر اوله چقدر خاطر لینه  
 بیله کلز بر آلائی بواطل ایدیلر برو دن واران ایمان دولت و خدمه امور سلطنتک  
 تملق و تبصیر یی کور ووب بزل مال و تواضع و نکریات بد نیه ده بر لرینه تقدم  
 ایدرک عرض خلوص و عبودیت لرینه الدانوب پیمانه غرور غفلت ایله مست و لایعقل  
 اولدیلر بویله جهالتلرندن قطع نظر بازه حسن و کورد محمد و بیگزاده و امثالی مفسد لری  
 وزیر ک دولتکده باشمزه کون طوغدی فرصت غنیمتد رشیدن صکره توسیع دائره ایدر لم  
 و رجال دولتدن اولنلری زیر جمایه مزملوب ما کل ایدر لم دیو هریری برینه صاحب  
 چیتقوب بر سوادی باطل ایله بر لرینه کیروب مایدیلرند حساد عدوت قیوسنی آچدیلر  
 هنوز دولتکده کتدولر عرضی ایله حمایت اولنه حق نامی و مثانی ییلنه جک جزئی شیئه  
 نائل اولمزدن اولر رجال دولتدن اولان داهیه لری زیر جناحه آلوب حلق سوداسنه  
 دوشمک نه قبیح حماقت اولدوغین اکلدیلر و افندیلرینک یوز تبه یه نائل اولدوغی  
 گوکبه اول اراذلک اجتماع و اتفا قیلله اولدوغین ییلور لکن ایلک استحقاقی و مقامند  
 دوامی سمورت پذیر اولمزدن اول خلقی جاقلمق و اقچه قزاق سوداسیله بری بر لرینه دوشمک  
 و تفرقه یه باعث عدوت ایتک معنی افندیلرینک زوالنه علت و افندیلرینک زوالی  
 کتد و لرینک مضحک اولمزرینه سبب ایدو کئی ملاحظه ایدر مدیلر ابشیر یاننده وقع  
 عظیم صاحبی جمله دن زیاده بازه حسن بعد کورد محمد و بیگزاده اولمقوله واران طرفا  
 ایتدیلر ی حلوائی رشا ایله خلوص مذاق ایدوب و سا طیار لیه ابشیر بولشوب ملتفت  
 اولوردی مزبور لکرک امینی حسنک اوکنه دوشوب وزیر بولشدر دیلر اول آغر  
 هدایا سنی ویر دیلر مقبوله کچوب بری بری اوزرینه ایکی خلعت کیدردی و الم چکمه بن  
 سنک کی خدمته یرآدمی اول خدمتدن قالدیرم و ار همان بشیوز کیسه حاضر ایله دیوب  
 مسرور اعودته اذن ویردی دفتر امینی الا کوز محمد افندی که قیودان مراد پاشا شک  
 کتخداسی و حله الملکی بر مقبول آدم ایدی پاشا سنک وزیر ایله اولان دوستلغنه  
 مغرور اهدیه تدارک ایتیموب کمال خسته تندن الیوش و ارمقوله بولشوب دامنبوس  
 ایتد کدر اصلا بر حرف سو بلیوب خوش آمد التفاتی دکل کوشه نگاه ییلر ایتدی بر مقدار  
 قیامدن صکره تعریض کونه بعض عتاب ایدوب بعد طاش قران باوک باشی  
 چاغر سولردیدی صاری بخلر دن اول اهر من هیکل حضور یسه کلد کتد قلد رشتونی  
 چادر یکه کوتور مسافر کدر خوشجه کوزت دیو اول بچردن یابس مقصیری طاش قرانه  
 تسامح لیدی کویا لسان حالله سن قلد چچه تناول اولمزر سنک نکته سنی ایراد ایتدی  
 چاوش باشی صاری محمود و اردقد اصدار ایتدیر دکلری خط خصوص سیچون دلکیر اولمش  
 ایش عزل ایدوب عایشه سلطه کتخداسی احمد اغائی نصب ایتدی غرایبدر که



اول موضع الن بلوك اغالني جميعا عزل ايدوب كند وتوان بعدن معتمدی اولنلری تصدیب  
 ایتدی اشاعی انك اغاسی عثمان اغا كه ملكی وشعبان چراغی ایدی چاوشتل واروب  
 معزول اغالردن طوغلری آلوب منصوب اغالره كتور ديلر مزر بور عثمان اغایه وارد قده  
 طوغی وور میوب بن سا را اغالره می بکترم بن معلوم شهر یاری اولمش آدم هنوز واروب  
 دیوانه اوتورمدن پادشاهه استبدان ایتدن بنی نجه عزل ایدر دیو وافر احقانه وعناد  
 ایتدی کی طرفه مسخره لق ایدی چاوشتل بونکله چکشوب بره حریف سن دیوانه می  
 اولدك عالمی قبضه سنبه المشر بر و زره قرشوی قوسك كرك سنی وسکا صاحب  
 حیقانی عالمه کلامشده دوندنر باق شو مجنونك عنادینه دیوب خواه ونا خواه طوغی الدیلر  
 ورئیس الکتاب شامی زاده که هد ایاسنی مقدمه کوندر مشیدی اولدخی بولشد قده ایانغ  
 اوزن طوغدی اکافقط خوش کلدك دیوب بر مقدار افاقی مصاحبت ایله مطیب ایدوب بلا  
 خلعت انصرافه افن ویردی خلعت کیدر لم بکندن شامی زاده عزلنی تحقیق ایدوب  
 دیرت واضطر ایله قالدی ادله عبرت آمیز کال قدرت مسبب الاسباب ارباب عقول والیابه  
 میان اولدیغی مواد دندر که چون تحقیق احکامیان اوزن برج انتهاء قران مشتری طنه لیدن  
 اوله خروج خارجی به اول سنه ده متغیبلرک و مدعیلرک ظهورینه دلیل اولدیغی دفعاتله  
 تجربه اولنشیندی بیک اللی ایکی ذی الحجه سنه واقعه اولان قراب اصفراتیه سیکه مشتری  
 نوعا مستعلی و مریخ جدیده که خام سدر قوی الحال بولنوب اسد ثانی عشر حمل ثامن بولنشدی  
 برج انتهاء قوس اولدیغی سنه که الشمس بر سنه سی ایدی انقره ده ابشیر یاشا و طقسبان  
 بیک سنه جمع اولنشین ایدی برج قرانکه حوت در استوب بیک الشمس دورت ذایحه سنه ثامن  
 بولنوب مشتری اند ایدی و طالع سنه قرانکه سنبله ایدی هب بواج برج ذو جسدین  
 اولغله دلیل نکر ارمدا لولا تدر بوسالده برج انتهاء حوت واقع اولوب امر موعودك غایت  
 ظهوری بوسالده اولق کوریدی که هم خانه مشتری هم برج قراندر لاجرم ارکان دولتك  
 لا مرید بره الرحمن بصیرتلی باغلنوب مهری ابشیره کوندر ديلر و منزل ایله کلور امید یله  
 بولله ایتدی لرکن سنه لده باسنه جمع اولان وکند وایله عهد و پیمان ایدن عسکرینه  
 باسنه جمع اولور دیو خاطره کتور مدیلر انحق مشتری ثامن بیتنه قوی الحال بولغله  
 ضررونکت کلی بی دفاع بولنشیندی اکبناء ظهوری جلالینکینه صورت اطاعت دولتله  
 تعرض واشتراکی صورت اقتیاده اولغین اقتضا ایتشد ریو ائشاده کوریلان عجیب  
 و غریب رو یالردن بری کورمش که آسمانده بر قورقلی یلد زطوغوب در عقب آسمان دهان  
 پناه کی آچیلوب ایچینه ایکی جسد لامع بری بری اردنجه بره دوشر سابقا بکچیری اغاسی  
 قره حسن زاده حسین اغا کورمش که شرق طرفندن ایکی قرطوع ایدوب کیچه کوندر  
 کی اولمش بعد اول ایکی آبی بری بری اردنجه بریره دوشوب عالمی ظلمت قیلار اول محل ده جمله  
 منار لره آدم لر چیتوب آگاه اولك حلق سبز غضبی واردر جامع شریفه واروب تضرع  
 و نیاز مشغول اولك دیو خلقه ند ایدر زقاقلر فر لایله مالا مال اولوب خلق عالم  
 مساجده طولوب صباح نمازنی قیلوب دعا ایدر لر صباح اولور بولله کورر بری دخی

کورد مشکله برادر هادر یار ایکی شق ایدوب باشی چتلادی قیوده قوروغی حامل قیاسنه  
 کویا استانبول خلعتی به تمق ایچون دریادن بر ویر سوب کلور استانبول کوردک ایچو سوسمارل  
 ایله مالا مال اولوب بوسو سمارل چکر که کی پرتاب ایدوب چکر اولر بواته لک جمله سی  
 ابشیر یاشلک سو نیتی و قریبازوالنه اشارتی متضمن ایدوکی تعبیر شناس اولناره معلومدر  
 و بوند نصیkre اولان وزیر دخی ثابت قدم اولوب لرباب فتنه و اهل هوا فساد اوزن حرکت  
 ایدر چکرینه دلیل واضح ایدی خلاصه کلام بولله دلائل غنیمه چوغا لدیغندن  
 واقف اسرار اولان عقلا محیر اولوب کوشه کیرا زوال و لشلر وزیران کیمیدده بر قاج کون  
 آرام ایدوب اندن قلقوب هر سکه و کیموزه یه و طوزله و مال دپه یه کدی رسیع الاخرک  
 اون یدنجی کونی آلائی ننبیه اولندی استانبولک اولان سیاه انلریله ویکچیری یار جمله  
 اسکدان یکوب وزیر کر وهنگ اولی دخی اسکدان واصل اولدی و رسیع الاخرک اون  
 سکرنجی خیمس کونی مال دپه دن وزیر ی استقبال ایچون قول کتخداسی ارمی مصطفی اغا  
 اغاقیوسنه موحیره خطاب ایدوب یار بن جمله کر مسلح اسکدر د آلایه حاضر بولنه سکر  
 حاضر اولیان کلیان والله بو غارم دیو ننبیه لرایندی کذلک اوطه باشی وجوز باخیمره ننبیه  
 و حکمکه باشلدیلر وقت عصر حلولنده والد سلطاندن یکچیزی اغاسنه برالته چی  
 ایله تذکره کلوب مضمونه زهار یکچیریدن برفردی اسکدر ن کرمیه شن رضای  
 همایون یه قدر دیو ننبیه خفی مسطور اولغین اغاو کتخد ایلیک محیر قالوب انلره جمله  
 یکچیری یکد کد نصیkre خیمس کیچه سی سکرنجی ساعتک یکمک فکرده ایدیلر نقش  
 اخر ظهور ایتکین اسکله یه آدم لر ننبیه و هنوز یکمیان چور باجیلری و سارن نرقراقی  
 اسکله دن دوندروب کمنلره دخی آدم لر تعین ایدوب برو جانبه یکور دیلر کیچه شهر قیوسی  
 آحق قالوب یکن یکچیری تا صبحه دك برو جانبه طاشنوب اسکدر ایده بر یکچیری قالدی  
 آلائی ننبیه اولنشینکن نه یکچیری بی چور مکفنه سبب اولدوخی معلوم اولدی انحقینه  
 قیو خلقندن ایشیدیلن بوکه سرای همایوندن مال دپه جانبنه بر خاصکی ایله خط همایون  
 کوندر یابوب حضور نه ننه اگاه سن سنکله مکالمه اولنه حق امور وارد د یوزر دعوت  
 بیو رلش اولدخی خوفیه بناء عذر ایدوب یارین آلائی ایله حضور خاک درگاه یوز سورهم  
 دیوب بعض محذورات بیانیله کله مش اوله دخی بوکه بکتر احوال ضعیفه شیوع بولدی  
 ایرتمی خیمس کونی اوطه باشیلر و اوجاق اختیارلری با شقه جه مشورت ایدوب بونه اصل  
 وزیردر که آستانه یه یکرمی بیک آدم ایله کلور یونک مرادی بزی سیاهه قردیروب  
 آت میدان انتقامنی المقدراستانبولک یکرسه آلائی ایدرزوالا قرشو کتمز دیو اتفاق ایدوب  
 جمله یکچیری اوطه لر نده مسلح حاضر اولوب طور سونلر دیو اغاقیوسنه ننبیه اولندی  
 آمدن وزیر ابشیر یاشا باستانه بیک الشمس بش رسیع الاخرینک اون سکرنجی پنجشنبه  
 کونی وزیر مشارالیه مال دپه دن حرکت ایدوب خواجه رحمان اغا لبرو کلوب بو طرفدن  
 یا لکر یکچیری اغاسی موحیلر و کارخانه لیلر ایله و آتخد اوز غری و مضمونی و طور باچی  
 و غاصکیلر و ککک صا حیلری ایله استقباله مسارعت ایتدیلر نقرات کتدی و مفتی



نقرات تقدی و مفتی و وزراء صدرین و سایر اعیان اسکنداره پکوب بوستنجی باشی  
 کو پرستنده و خوری و اردیلر ابتدا درگاه عالی قیوچی باشیلری واروب بولشدیلر بعده  
 بیکچیری اغاسی که عان پاشا حرم همایون دن چقمه اولغین ابشیر پاشا انی سوردی واروب  
 بولشد قن که عان پاشا اتندن اینوب وزیر دخی اینوب پیاده کورشدیلرینه سوار اولوب سائر  
 جمله سیله آت اوزرنده کورشدی آلا یلک ایلر و سمنه قیوچی باشیلر آردنجه اوباق اغاری اردنجه  
 صدرین اردنجه و زرا تریب اوزن کلوب و زرادن قوجه یوسف پاشا ایلده دلاک مصطفی پاشا و  
 زریک طرفیننه یاشوب مصاحبت ایدرک کوردی تا که شیخ الاسلام افندی بیاض لباسلره  
 مستغرق اولوب جمله دمنکره کلوب و زیر ایلده آت او زردن کوریشوب همعنان اولوب  
 مصاحبتیه بولشد قن یوسف پاشا و مصطفی پاشا ایلر و یه استدی یلر وزیر اعظم مرغزاری صافی  
 سرخ لباسلره مستغرق اندامندن آثار جلالت نمایان اولمشیدی وزیرک اردنجه قفادارلی  
 ایازه و کوردی و بیکزاده علیسی و غیر هم جامه سیاه ایلده صنف اندر صف اولشلر ایدی  
 اسکنداره نصوص پاشا سرائی که عایشه سلطان که ابشیر پاشا منکوحه سیدر عظیم ضیافت ترتیب  
 اعیان ایلده ایندیله عایشه سلطان که ابشیر پاشا منکوحه سیدر عظیم ضیافت ترتیب  
 ایشملر ایدی مفتی وزیرک ضاغنه و قائم مقام ملاک احمد پاشا صولنده او توروب بره قدار  
 اسنایشد نصکره نامدار زور با اغار که زرین کلاهه مستغرق حضور وزیرده ال باغلیوب  
 ارسلان واری طور ردی وزیر نطقه کلوب اولایا ایزه بی مفتی یه تعریف ایدوب افندی  
 بو حسن اغا برار بهادر کسمنه در بیلور میسر دیوب دستموسه اشارت ایدی ایازه بعده  
 سائر اغار علی مراتبهم کلوب منلائک الینی او پدیلر منلائک مناسب سوز بولغی بیلوردی  
 مقتضای حاله کونهم صورت مدح و هم واقعه مطابق کلام بولوب سلطان بو شهباز  
 اغارک شجیم و بهادر اولد قلینیه سلطانک شهادتی کافیدر بویه ملتفت و منظوریکز اولد قلی  
 استعداد لرینه دلالت ایدر همان بر خوردار اولسونلر دیوب تازکانه جواب ایلده خاطر لرین  
 تطیب ایلدی بعده سلطان حضر نلرینک ترتیب اولنان سماطی چیقوب طعام تناول  
 اولد قن نصکره ارکان دولت جمله استانبوله کچدیله غرایبندر که ارکان دولت اذن ایلده  
 استانبوله کچد کاردن دفتر دار پاشا دخی کلوب کتشدی بعده العصر وزیر قن دفتر دار نیز  
 چاغزک دیوبور مغله چاوش باشی پیانی اوج چاوش تعیین ایدر دفتر دار ایزه خوفناک  
 و بیرغون هنوز سراینه کلس دولتمندی چیقارمش غلمانز یلیا زه ضالر لاندن بوزلوصو ایلده  
 ملو یارد افکه عادی اوزن اصلا لاندن دوشمزدی نوش ایدر کن چاوشلر اچر و کیروب اجب الوزیر  
 فرماتی تبلیغ ایدر لر خروش خوف ایلده جان با شنه سحر ایوب بنوب سریر عا اسکنداره پکوب  
 حضور وزیر و وزیر مونسلی بی کوردکن نه خبر دیر سلطانم استه مش سز دید که بن سنی  
 پوندن ایزه کلسون دیدم غلط اولمش دیونکر ارادن ویر بر مقدار عقلی با شنه کادی چاوش  
 باشی یه چاوشلره جرب چالهرق قایغه کیردی ینسویه قریب سراینه کادی لکن وزارتیه  
 طالب اولدیغی و ابشیرک ازاله سمنه سعی ایتدوکی کرلنور و فراموش اولدو معنی اولدیغنی  
 یلوردی صباحه دک کوزینه او یخو کیر میوب ناراضطرابه کیاب اولدی ونه طریقله تخلیص

کریبان ایدن جکفی اصلا ملاحظه ایدم مدی مفتی افندی اخشامه دک وزیرانده قلوب  
 سبت کونی استانبوله دخول اچون هر طائفه یه عظیم آلا ینیمه اولندی ایتسی جمعه  
 کونی عل الصبح وزیر و مفتی صلاحی اسکله سندن همان بر قاج خد متکاز ایلده مختصرجه  
 بر قایغه سوار اولوب سرای همایون نه چقدیلر و مخفی پادشاه ایلده ملاقات ایتدی یلر وزیر دخی  
 مقدم تشریف بر سمر کورک کیدرلدی یننه اول قایق ایلده اسکنداره کچدی یلر بعده مفتی افندی  
 اذن اولوب کند و منزلنه کتمکه حرکت ایلدی وزیرک خوفنه بناء تعلیمله اولمق ککر کدر  
 اغار دیدیلر که افندی سلطانم سزک وجود کز زه بر نوردر سز کیمه یور سز باری افندی عزی  
 یا لکتر راقه مخد و مکر افندی بی افندی یزک یا منده الیقوک دیوب فیض الله چلی بی اسکنداره  
 الیقودیلر بوکه خلق معنی ویردیله که امنیت قلب اولدیغندن مخدوم فیض الله چلی بی رهن  
 الیقومش اوله ر منلا ایزه ابشیر پاشا نک تمسیت امورینه و مقام صدائنه استخکامنه  
 پیک جان ایلده سعی و اهتمام ایدی ایتسی علی السحر سبت کونی مفتی و صدرین  
 و معزوللردن بالی زاده و خواجه زاده و حنفی و امام زاده و کمال زاده و عصمتی و شیخ زاده  
 و موالی و مدر سیندن الشمس اوج نفر علماء عظام و وزای ذوی الاحترام کمال زینت  
 و طمطراق مالا کلام ایلده آلا عظیم اولوب علی السحر طو پلر ایتیلوب وزیر اعظم  
 کمال زیب و وزیر ایلده اسکنداره ابواب انصاری یه پکوب اندن عمو ماو جاق خلایق و سائر  
 طوائف عسکر ایلده آلا عظیم اولوب ادر نه قیوسندن کیر یایوب سرای همایون نه دک و آلا  
 اولمشدر که سیر و تماشایه چقمق دی روح قالمیوب عهد قریبده نظیری کوزلما مشدر  
 بریم مشهور اولدی عمو ما بیکچیری اوجاخی ترتیب غریبیلری ایلده پکوب بعده سائر طوائف  
 پکوب وزیر ایلده مرافقت ایدن دلا و لر قاطرچی اوغل پاشا وسیدی احمد پاشا و ایازه حسن  
 اغا و امثالی که هر بری زنجیه رستم داستانه ز خلری طرح ایدن لعبت بازلدن یکنور لدی  
 پاشا لسیاه سمر کیوب غیری اشبهلر یولا دیوش ایدیلر یلر بعده علماء عرف و اضافت لرله  
 بعده نقیب الاشراف بعده صدرین بعده دفتر دار پاشا آلا ی مخصوصی ایلده بعده وزرادن  
 یوسف پاشا دلاک مصطفی پاشا بعده قیودان پاشا بحیب العنوان مراد پاشا و قائم مقام پاشا  
 آت باشی برابر جمله سی اخشام تام ایلده مر و رایتیلر بعده جانب یمینده صدر اعظم ابشیر  
 پاشا جانب یسارده مفتی ابوسعید افندی ایکسی دخی بیاض لباسلره مستغرق و اوکلرنه  
 سائر نفر بیکچیری شاعر لری باشلرنده کیجه وارقه لرنده بر قیلان پوستلری سینه لرنده طبل  
 واری چوکر لرین چله رق قد و قامت صاحب دیواندام حریر صدر لری بر ر ساعتلاک یردن  
 ایشیدیلر و آواز باند ایلده تور کبلرین چاغراق و هر بری نوبته رعایت ایلده تور کیسنی طایق ارق  
 با جمله سرای همایونه واصل اولجه بویا بجه کتدیله وزیر قفا کاهنده ملون براقلر ایلده  
 سپاه یلوکاری حد و حصر دن افزون ایدی و وزیرک صاری بجه ولونداتی عمو ما بیکچیری  
 لحاطه ایشملر ایدی وزیر استانبوله کلز کور سه ده کیمز و فلان فلان ایدر دینار و مفتی یه  
 یونی سن ایتدک ایشته جلالی اولدی دیه طعن ایدن لر جمله تحیل و شرمسار اولوب جناب  
 مفتی که هر وجهله رأی متینی بخت قویسی کی غالب کتشدی بود بدیه و طنطنه ایلده



وطنه ايله وزيرى كتوروب معاملات سلطان جهانہ فائز اولد يار شہه وزيرى  
 مہر يله ايلدي تسليم قصر هماين پيشكاهنه وارلد قہ ميدان آجيلوب وزير اعظم  
 وشيخ الاسلام آت قالد يروب مسارعت ايله پكر يلو معتاد قدیم علما فند يلو وزير اعظمك  
 سرايه كوروب افند دستموس ايكن وقت احوالى غيرى كونه تنك اولمغين چاوش باشى  
 سراى وزير قيو سندن طوروب افند يلو اچر وسى طاردر صفا كلد يكر بيورك ديوب انلر  
 دخی تارج بابده آت اوزر فند سلام يلوب طاغلد يلو زفاق وزير اعظم ايرتسى ماه ربیع الآخر ك  
 يكر مى برنجي احد كوفى وزير اعظم نامردى عايشه سلطان حضر ثلثينك عروسى اولوب  
 ليلاه اثنتيه وزير اعظم زفافه دخول ايتدى شروع وزير اعظم بنبد يلات مناصب وغدر  
 ومصادرات متمولين ربیع الآخر ك يكر مى ايكچي اثنين كوفى ابشير پاشا تمشيت امون شروع  
 ايدوب ابتدا مہرہ طلبكار اولان مونلى دفتر دارى حضورينه دعوت ايدوب علوفه همچون  
 مال طلب ايلدى مال يوقدرديد كہ يامہرا همچون پادشاہمزه بشيوز كيسه عرض ايلش من  
 اول اچہ قند درواز كتور مواجبه ويره لم ديوعتاب ايلدى مونلى صورت انكار دن  
 كلوب حاشا سلطانم بوبكا اسناد درديہ انكار ايديجك وزير اغلاط كلام ايدوب برہ  
 سفیه خاتن بوكلامى پادشاہ جهان حضر ثلثى مبارك لسان يله بيورد يلو پادشاہلر دہ  
 كذب واقتر الوردى ديوعبوس الوجه اولدى وقالدرك شوقى ديہ امر ايتدىلر وزير كنداسى  
 صالح اغا نك حيسنه كتورد يلو اول ساعت آدمير تعيين ايدوب سراين مہرلد يلو جميع  
 ماملكتين قبض ايدوب دار دفتر دارى كاسه زبايه دو ندر ديلر سابق امون پاشاسى  
 اولوب اوزون يوسف مادہ سندن محبوس بعد اطلاق اولنان كورد احمد پاشانى وزير  
 اعظم ابشير پاشا حضورينه چاغروب سن اهل وقوف سن مونيه وار دفتر دارك جملہ اموال  
 واشيا سنى قبض و دفتر ايدوب برادر لر ينى واتباعنى اخدايدوب تفتيش ايله اكر اخفا  
 ايتد كارى شى وارايسه ظہورہ كتور ديو مو كد نذيه وسپارش ايدوب يانته آدمير قوشوب  
 همال اول كچه مونيه ارسال ايتدى راوى ايد بر قايچ هفتہ مقدم كہ شدت شتادن  
 اورته اق بوزطوكش ايدى وهجوم رود تن بر فرد طشرہ چقمغه قادر دكل ايدى دفتر دار  
 مزبور دودرات چكر يكر مى اللى عربہ كہ زروسى ايله مالامال ايدى جوف ليلہ چيقروب  
 مونيه كوندرد يكي شايخ اولدى وزير اعظم احمد پاشانى مونيه كوندركه باعث بومعنا  
 ايدى اول اشاده وزير مرحوم درويش محمد پاشا نك كنداسى على اغاي چاغروب خلعت  
 ديدى على كند الباسيد توقف ايدوب سلطانم نه خدمت ايچوندر ديد كہ هله كى بعدہ  
 يلو رسن ديدى على اغاينه لبس خلعتدن ابا ايدوب دولتلافندم نه ايچون ايدو كنى  
 قولكزه بيورك لياقتم اولان خدمتيد رييله يم ديد كہ البته كى ديوارام اولمغين خلعتى  
 هلى كند نك دوشنه وضع ايتد يلو الله مبارك ايليه پادشاہمزه سنى باش دفتر دار  
 ايلدى ديد كہ على اغا يا غنہ صاريوب دولتوسلطانم لله ورسوله بن عهد سندن كل كہ  
 قادر دكل بر صالح ومتدين وزير سن ملا يطاق تحمیل ايتنوسن بو خدمتى عهد سندن كل كہ  
 قادر بر اهلنه احسان ايلك قولكزى هر نه خدمته استخدام ايدرسك قولل ايدرم ديو

کمال مرتبه اضطراب ايله استعفا و اظهار عجز و بگا ايلدى وزير غيرى جواب ملزم بوليوب  
 مکاره صورتى كوستروب وغضب آلود قاشلرين چاتوب يعنى عناد ايله سبكا دفتر دارلق  
 مشوكتلو پادشاہمزه ك قريحه ليدن ظهور ايلدى سنى بو خدمته لايق كورد يلو واستقامت ايله  
 خدمت كہ مقيد اول ديوب يوزنى طرف آخره تحويل ايلدى على اغا ناچار كيو چكيلوب  
 طشرہ چقدى على كند ايكى باش دفتر دارلق ايله على پاشا عنوانى بولدى حكایت  
 اسرار دولتن بختر اكابر دن بر قاصر النظر موقوفاتيه ديش كہ بغي افندى دولت عليه ده  
 بنى آدم نوعنه قحطى واقع اولدى بوقدر اعيان محترم وامور ديد احوال كورمش اسكى  
 آدمرو اريكى وزير جديدى على اغا كى حادث آدمى دفتر دار ايلك قى اغرب وعلى اغا نك  
 بوقدر ابا واستقامتسى اندن اعجب دكلمدر موقوفاتيه عاقلانه جواب ويروب سلطنتم  
 بودولاب متعسر الادواره ياتكر اطلاع واهليت ايله دونغزلد سرمايه اولد چچه قورى  
 بوش سوز ايله ايش تميز فى زمانتا على اغا نك سائر لره بر قايچ وجهله مرتضى واردر اول  
 پاشاسى درويش پاشا نك قارون قدر اموال واشيا سنىك تقير وقطيره وار چچه دفتر ينى  
 بلا جبر ولا برام پادشاہه ويروب ذن قدر كند اخفاسى ظهور ايتدى بوندن مساعد  
 خزينه دارى وجهله محرملى مطلع اولد ينى تحف وجواهر صند وقه لر ينى چيقارب  
 بر نسنه كتم ايتماكله استقامتى ثابت اولدى بو طوغريانى حسميله كندونك اموال فراوان  
 وسرمایه بنى حساني محفوظ قالدى وبوجهله مستقيم وقوت ومكنت صاحبي اولدوغندن  
 تمشيت امور و تدارك مهمات عسرت چكميه چكى بلندى دفتر دار اولنلر مہر حال ذى قوت  
 وصاحب يسار اولغه محتاجد كہ ميرى به صورت نظام وير يا چچه يه دك احتياج  
 ظهور نك مالدار لركندويه اعتماد ايدوب لازمه افلايس اولان طمع و خيالى خوفندن  
 جملہ سى امين اولوب تعاطى وتعاملدن اجتناب ايتمهلر تاكه حسن ظنه مبنى اولان  
 معاملات دائره سى نسق نظام اوزر دور ايليه لاجرم كند على اغا نك دفتر دار لغه صورى  
 ومعنوى لياقتى كلدى كوردى ديوب اسكات ايلش موقوفاتى خوفندن رأى وزير اعظمى  
 نصوب ايلش والا حق بودركه على اغا نك سرمايه سنى خرج ايتدر ملك ايچون دفتر دار ايتدىكى  
 على اغا قدير لندن امتناع ايدوب فریاد ايتدى كند معلومد ريس دفتر دار جديده منزلته  
 كند كہ دفتر دار سابق مونلى نك حيسنه كوندرد يلو كتاب اقلام جمع اولوب دفتر دارك  
 حسابنى كورمكه شروع ايتد يلو ملك احمد پاشا كہ سابقا وزير ايكن بگاش اقاوا جاق اغا لر نك  
 تسلطى ايامند اول كشيملر ايله متفق اولوب ابازہ نك تركان اغالغى آخره ويروب ابازہ مكر را  
 ديوانه وار وب شكایت و اظهار قطل ايتد كہ وجود ويروم يوب بالاخره ابازہ ناچار مايس  
 قالوب حضور وزير اعظم اطالة لسان وياوه كوياق ايله وزير كنداسى غلہ يه خنجر  
 چكروكى بالاده مسطور در بوقدر مالى مصادن وغدر ايتدى كند صكره اغار ابراميله ابازہ ينى  
 قتل واعدامه عازم اولوب بومكر دن صراف يهودى ابازہ ينى اكاه ايدوب اسكدر ادهش اون  
 كيسه مدخى واردر واروب كتون يم ديوبانه ايله سراى وزير دن صير يلوب طوغرى  
 اسكدر ان كحوب بردخى استانه سعاده مرو رايتدى زاع طوبل ويا سندن صكره آت



باشی انقره انجمنکا هند چاکوب ابشیره مغد و ریشتن عظیم شکایتلر آیتمشیدی  
 بو خصوص ایچون ابشیرک ملک پاشایه خاطر مانده لکی مقرر ایدی بوندن ماعد ادرویش  
 پاشانک مرضی ایا مانده و غایه مهره طالب اولدیغی و طر فدارلری وار قوتی با زویه  
 کتور وب حصوله قریب سعبه اولد قاری و بعد مهر ابشیره کوندردل که کارها  
 مفتی به بعض معاتبات و تعریضات ایلدیکی و صکره دفتر دار پاشا صدارته عمل  
 ایتد که اختیار اهن قاعده سنبه دفتر داری تقدیمه رضا و یروب اول عملده رأی بیله  
 اولدوغی مقرر ایدی بو جمله دن قطع نظر مقدمه وزیر اعظم قره مصطفی پاشا عصر مراد  
 خانی صدارت ایچون بغداد دن کاجه قائم مقام اولان دلی حسین پاشا بو قدر مقبول  
 پادشاهی و صاحب نام وزیر منیع المقام ابکن اصلا توجیهاته قارشیموب معضات امون  
 متعلق دفتر لری بیله ایچوب بعض خصوص مهمردیو کندویه الحاح اولند قچه  
 امانت صاحبی یا قلدشدی انکر کلد که کورلسون بز بر عارتی آد مز دیوب عباد اللهک  
 دعوی شرعیه و امور جزیه دن غیری بی شیشه قارشیدی غزل و نصب تو جیهاته  
 اصلا وضع قلم ایلدی بویله او صلوق و ادبانه حر کنی ایچون هم پادشاهک و هم  
 وزیرک هم جمله عقلانک یا ننده مقبول و مد و خ اولوب قره مصطفی پاشا وقتیه قطعاً  
 استنقال اولندی و ملک احمد پاشا ایسه قائم مقام اولدوغی کی وزیر کاجه صبر  
 ایتیموب جمله مصالحه قارشیدی و سابقه صدر اعظم اولمش دولتوتعین وجودنه اعتناسی  
 اولمین کیف مایشاء تصرفات ایدوب خواص صدارتدن اولان معضات توجیهاته  
 وار کجه مداخله ایتمشیدی بعض عاقل محرملری سلطانه ابشیر پاشا بی یلور سز نه  
 مرتبه غرور و جبروت صاحبیدریو وجهله مستقل نصر قانکره شاید مغیر اوله لر  
 دید کندن بره آدم بز نه یه زنده بر زمان اوله مقامک صاحبی وکیل مطلق دکلیدک پاشا  
 قرنده اشترک کلد پسندیده اولین ایشلریمزی مرا ملری اوزینه تبدیل و تحویل  
 ایلسونلر وزیر کلسون دیه همان بوستان ایغی کی او توروب بقالمی دیو جواب ویرمش و هر  
 اموری اهتمام ایلد کور مکه شروع ایدوب مال جعنده دقیقه فوت ایتما مشیدی وزیر اعظم  
 ایلد هم مشهری و نو عاقیویه لداشی شکله هم طینت ابکن بو مقوله اوضاع و حرکاتلرندن  
 دکلید اولوب وزیر کلدی کی جواسیس العیوب اولان فتانلر قائم مقام پاشا جزئی و کلی  
 هر نه الممش ایسه مکر دفتر ایشلر اولدفتری وزیر ویر مشلر ایش بر کون وزیر ملک پاشای  
 چاغرب و ان ایلتی توجیه ایدوب و سرانیده کتمکه افن ویر میوب همان وزیر سرانیدن اسکاره  
 کچوردی و عقبینجه دفتر ایلد مباشر تعین ایدوب قائم مقاملقد تحصیل ایتدی کی الممش  
 کیسه اچیه بی بالتکام اول کون تحصیل ایتدی لر و اکیجه چاوشلر ایلد ککبوزیه طوغری  
 یو لایوب اتباعی تدریجاً عقیبتن ن ایشلر سونلر دیو تنبیه اولندی موقوفه ای حد  
 ایتدی که سابق رئیس الکتاب و طالاباش محاسبه جی ایدی دفتر دار محبوسک نصب عینی  
 و سن پرده ده معلی و مرشدی اولق اوزن مشهور ایدی و ملک پاشانک قائم مقاملغنده  
 اولان امورک جمله سنی انک رأیله وجوده کلدشدر دیو مظهر فضیلت اولوب وزیر سلام

چاوشنه قالدردشونی کورتور او طاکه حبس ایلد دیدی سلام چاوشی بر تورک سترک  
 ایدی منقفا جی افندی کل دیوب قالدروب اوطه سنده حبس ایلدی و بیع الاخرک  
 یکر می بشی جمعه کونی ایدی موقوفاتی حبس اولندوغی کی دفتر دار سابق یدی قله یه  
 کوندردی کذلک رئیس الکتاب بولمان شامی زاده دخی عزل و حبس اولنوب جمله اموالی  
 تقشش اولنوب قبض اولغنه فرمان یازلدی و روم ایل بکر بکیمکی پایه سیمله سابقاً  
 رئیس الکتاب اولان صدق افندی نکرار مقام ریاسته اعاده اولندی و طوب قبولی  
 مصطفی اغالیکوز کیسه ویر میکی تعهد ایتمکین خلعت کیدر ییلوب خدمتنده تقریر اولندی  
 و باش باقی قولی ابراهیم اغا کذلک یکر می کیسه و یروب منصبی مقرر قلندی امدادی برادر  
 و امدادی قبلی جزیه داری آق علی محبوس اولدی لر و ترسانه امینی صالح چلبی مقرر قلندی  
 سابقاً ترسانه امینی اولان معمار مصطفی سنی استدر کندن خوف اوزن اولغین تختی اولدی  
 غده محرد کتخد ایسه حبسه قالدردی سائر ارکان دولت یوظالمانه بی پروا حرکندن  
 عموماً و هم و خوفه مبتلا اولدی لر و زیر ایسه دولتی تحکیم سودا سنده حرکات و سکناتی  
 کمال وقار و عظمت یوزندن اولوب دائمادیز چوکوب کسنه یه التفات ایتمز اصلاً سوز  
 سوبلر و زرا و علما و سائر مراتب صاحباری که علی حد هم اکرام و احتراملری شرعی  
 و قانونی ادا بدن ابکن هیچ بر فرده التفات ایتیموب شاید بر رجا ایلد لر و یارشی استه یه لر  
 دیوانبساط وجهه کوستر میوب منقبض و متعصب او تورردی عل الخصوص هدیه سی  
 اولمیان و حصول نفع ملا حظه ایتدی کی کسه لر تقدیر عزیز و محترم آدم ایسه دخی اصلاً  
 آشنالقی ایتیموب چهره غضب و چین چین کوستردی و خنده ایلدی کی کسنه  
 کورمشمیدی بو موخش و باردا اوضاع و اوار ایلد خلقی تحت القهر استخفاف ایدرم زعمله  
 خواص و عوامی تخویف ایچون بویاچه بر وادی طرح ایلش ایدی مجلسنه کیرنلر  
 معامله مغرورانه سندن البته متکدر و منکسر چیقاردی و غروشتی سکسان اچیه یه  
 تد ایتدردی اما تودو مختل اولغله لغو محض اولدی و سکه بی تحکیم ایتزدن اول بومقوله  
 تنبیه و منادیسی علامت حقه دیدی لر قتل دفتر دار سابق مونلی و موقوفات محرد افندی  
 و غده محرد کتخد امور لی دفتر دارک تفصیل احوالی بوکه مقدمه بار قاچکون وزیر کتخد لاسی  
 حبسندن چیقوب بر قاچکون دفتر دار جدید علی پاشا حبسندن یا توب صکره یدی قله یه  
 کوندردلش ایدی صکره یو ار القدر حسا بی کور ییلوب هر نه مالک ایسه خفی و ظاهر  
 جمله سی الذوب دخی مال مطالبه اولند قچه غیری بر اچیه م قلدی دیو جواب ویردی  
 بالاخره کثرت جرایمنه بناء قتل مقرر اولحق والد سلطان حضرملری طرفندن وزیر  
 خبر کلوب دفتر دار سابقک جمله مالی مصادن اولندی کندوی قتل ایتسونلر بریره  
 اجلا ایلد اکتفا ایتسونلر قله رضامتیو قدر دیشلر وزیر یوشفا عتدن دکلید اولوب آشکان  
 قتل رغا کورنگکه قره دن قیر سینه نفی ایچون ناخیمص ایدوب خط شریف اصدار ایتدردی  
 جمادی الاولی اوائل ایدی بر موجب خط همین امر یازیلوب کجه ایچنده چاوش باشی بی  
 یدی قله یه کوندروب قیر سینه نفی نامیله چیقاروب کندو خانه سنه کتوردی علی الصبح



بفر وقتنه يانته سكر نقر چاوش قوشوب اسكدان كچوروب قره دن قهر يسه كوندرك ملك  
 امرى اشاعت اولندي مورلى دردمند ارقه سندن سحرور فراجه سن چاوش باشى به  
 ووروب سفره مناسب برناقه كوركى آلوب كيدى اسكدان اوتنه حركت  
 اولند قه چاوشلر اول ناهه قوتوش كوركى آلوب برخد متكار چوقه سى كيد يروب  
 بر جمال ذابه سنه بندر ديلر يانته برخد متكار الهيم ديونيازايه كوردى رضاي و يرمديلر  
 ونسيه بويله در ديوب قايچ قوشا نغمه و جزمه كيمكه بيله اذن و يرمديلر دل معبريني كچدكه  
 ارقه سندن اول چوقه يي بيله الوب ارقه سنه برآر ناود كبه سى كيد رديلر بهر تبه تحقير  
 واز در آخرت سفرين ايتكه علامت اولدوغنى بچان مورلى ادراك ايدوب اغلامغه  
 باشلدى مال و متاع دولت دنيا و اعوان و انصار بي نفع و بى و فاهب لغو اولوب دينى  
 بي بقا نك افتخار ايدى جك شينى اولديغنى اولوقت فهم ايدوب آه جكر كاه حسرت ايدى رك  
 هر سك قريه سنه وار ديلر روستا بيلر عرطه بشوروب كتورديلر چاوشلر يوب پاشايه  
 نكليف ايديلر برلقمه اكل ايدى ميوب نيم ايشم بتدى ديوب اغلردى اندن كچوب قرق  
 كچرط اغلرئ ايجته روانه اولد قلند انا طولى به خدمته كتمش توابعدن برى كيف  
 مالتفق قارشودن كلور پاشاسنى اول حاله كور يچك اياغنه دوشوب هاى افندم بو حال  
 ندر ديو كريه يي اختيار ايدوب ارقه سندن كوركى و يروب كبه يي براقدردى پاشاسنك  
 ارقه سنده قطنى اولغين دفع بزد ايجون حريفك قيامه سن استدى حريف صوبوب  
 ويرر كنى چاوشلر صبر ايتيويوب بره نه قيامه در دنده سن هايد كيدلم ديوب بار كيرينه  
 قايچى باصوب كتيديلر كويالسان حالله شمدى قره طوبراق التغه كيره جك وجوديكه  
 قيامه تداركنه حاجت يوق كلامنه تلج ايتديلر طاع ايجنه چكيلوب كيدر لرايكن  
 عقلموندى ايكي بي امان تاتار ايلغار ايله كلوب ايرشديلر چاوشلاره بر فرمان ابراز ايتديلر  
 چاوشلر مورلى بي تسليم ايدوب كندو لر كير و عودت ايتك يورلش دفتر دارغرى  
 ماجرايى تحقيق ايدوب قوينده بر حسن خط مذهب كلام الله وار ايدى انى و مجوهر  
 بچاغنى و خاتمنى و ذى قيمت اشيدان قوينده و قولتوغنده هر نه وارايسه تاتارلردن كز لو  
 شونظالمه نصيب اولسون ديوب چاوشلر ك برينه و بردى وسكا و صيتم وارد ديه تنه  
 ره كوتوروب تسليم ايتدى لكن رفقاسى و تاتارلرشى و يرديكى فهم ايدوب  
 استانبوله كلكه چاوش باشى به غمز ايدوب فقيرى سوال و جواب بلا سنه اوغرا تديلر  
 تاتارلر پاشايى آلوب كه سار ايجنه كيدر كن ايكي تاتار بي امانكه وزيرك كندو تاتارلردن  
 ايدى كلوب دورت موكل مزبوري طاع ايجنه يولدن صبا بردن ايجنه كوتوروب ايندر ديلر  
 هله نماز و استغفار اذن و يرديلر دن صويندن آبدست الوب بر قاج ركعت نماز قيلولوب  
 توبه و استغفار و تضرع و نياز ايدى رك اولقد راغليوب التنى يره سوردى كه يوزى وجبهه سى  
 مالش زميندن صير يابوب خون آلود اولمش ايدى اول حاله بچان قتل و سپارش  
 اوزن بر يار كنار يي قازوب دفن ايدوب اثر يي محو و طمس ايدوب كتيديلر پاشاده دفتر دارك  
 اينرون خدا مندن برى وزيره واروب بر كچه جمالله ايكي غرايو كلوب كوندردى زه به

كتدوكى بلم ديدى جماللر كخداسى جماللايله احضار اولند قه اوغلان اول ايكي جمالى  
 قعين ايتكه سوال اولندي مرحوم و مشهور روزنامه جى ابراهيم افندي نك دامادى خواجه  
 برادري على افندى مرحومك كخداسى اشكلك لقييله ملقب بوسنوى حاجى احمد نام كسندك  
 منزلته كتوردكاريين بيان ايتديلر مزبور احضار اولنوب و اولوقت روزنامه جى ابراهيم افندي نك  
 دامادى چلبى كلوب اولاد دفتر دار بوماده اخفا سنى كندويه نكليف ايتدو كين و كندو استبداددن  
 ابلايدوب امين و مسلمان آدمدر ديواشكلكى سوق ايتدو كن بيان ايدى واقعا اشكلكدن  
 سوال اولند قه بلا تردد اقرار ايدوب ايكي غرار كوندردى دخی اول ربط ايله حالى اوزن طور  
 ايجنه واردر بلم ديدى غرار احضار اولندي ايجنه ايكي تحته صندوق هر برنده يكرمى بشر  
 ييك التونين اللى ييك التون چيقدى جمله سنى طوغرى پادشاهه كوندروب پادشاهم  
 استمه براچمه يوقدر ديويين ايدن آدمك صاقلاديني التون سائر اكاذيبى و خيالى  
 نچه اولق كر كدر ديه ناخيص ايتد كه بجزا لرمورلى دفتر دان مستحق ايش ديو  
 يور ديلر و ايديني سرايك دخی بعض مواضعى حفر اولنوب يوز كيسه مقدارى تقود دخی  
 اند بولندي و ملكى قوجه سى شعبان خليفه ده دخی سكسان كيسه اچه امانت  
 اولديغى خبر النغله بالتمام تحصيل ايتديلر شعبان خليفه اچيه يي و يروب كلوب دامنبوس  
 ايتدكه وزير كندويه بومال سندن الناندرديدى بومهم عبارت معنى و يرمكه عقلا  
 واز كيا عاجز قالدى حقاكه كلام بجل ايدى موقوفاتى محمد افندى كه رئيس سابقدر  
 ساحد اپاشايه منسب اولوب بعد مصره كتدك اوج سنه اوب پاشا وحيد راغا  
 زاده ازمانلرند مصرده ديهان افندي سى اولوب صكره امير الحاج رضوان بيك و هوادارى  
 اولان لشكر مصر اراده سيله قلعه ده حبس اولنوشيدى قغول حج قريب اولوب رضوان  
 بيك كه جك وقتى يقين اولد قه اگر كله دن خلاص اولنرسه صكره محال ايديكى بلدكه  
 مصر بچير يلر نك سر چشمه سى سوز صاحبى فضل بشد نام نخصه بر سوزيلور  
 خدمتكارى ايله يوز اللى فلورى كوندروب عيش و عشرت مجلسنده ايكى اولشدر رو بويله  
 ديركه ديهان افندي سى محبوس محمد افندى سزه سلام ايدى آخر الامر رضوان بيك  
 كلكه بزي صاغ قومز شو قلو ريجك ياغزده بولندي جلادله نصيب اولقدن سز  
 بر قوجاق شهبازيكت سز بزدن سزه هبه اولسون بارى روحزى خير دعايله ياد ايدرسز  
 ديدى فضل بشه يي تقريب بومعامله مرحمت انكيزدن ايتا بر اولوب فلور يي الدى  
 و بزدن افندى يه سلام ايله خير اوله ان شاء الله تعالى هج الم چكمه سونلر ديوب  
 ايرتسى مصر بچير يلرين جمع ايدوب ديوان مصره واروب ديوان افندي سى نجون حبس  
 اولنور جرعى ندر البته اطلاق اولنسون ديوب اطلاق ايتدرمش ايدى بعد استانبوله  
 سياوش پاشا وزير اولد قه مزبوري حبس ايتمش ايدى قيوجيلر كاتى كه حالا دكر  
 اوغريسى ديولر كابره رجا سى نافذ بر يهر معتبر ايدى و سلطان كخداسى سياوش پاشادن  
 مزبوري رجا ايدوب اوج كره اياغين اوپدى آخريه حسين افندى بندن يكا تمام  
 اندرون همايون طرفى عدوى عايد راولا سن بلز ميسر ساحل ار پاشا زمانى قره مصطفى



پاشا ایله بیلمونه شقاق و شقاق افلایدن بود کلیدر منافق و دورابواب ایدوب وارمیدی  
قیو وارمیدرسنگ معلومك د کلیدریدی حسنین افندی ینه رجاییدوب بهی افندم  
دورابواب ایتدیکی وهر ایشه قریشوب حرص دنیاده افراطی مقررلکن براختیار آمدور  
ینه امک اردر وایشه یارار بعد الیوم برکوشه یه چکیلیاب ادیده او تورسون مزی  
مسامی سزی وبالدن صا قنورم ناحق یره قانه کیر مک دیوب سبب تخلص  
اولمشیدی بدند نصکره ینه طمع خام بلا سیله متنبه اولیوب ملک پاشایه رئیس  
اولدقه جلالتک و مقامه لازم اولمیان امون مصدر اولمشیدی نقل ایدرلکه صباح  
آتین اکر ابوب مفتی و صدرین و بعضی ایلر و کله جک موالی یه و دفتر دارلر و معزول  
و منصوب خواجکانه و اغواته و ابوب هر یار یوله دورابواب ایدر مش موزلی دفتر دار  
اولدقه اکا دخی تقرب ایدوب نقد وقت اولوب بر ساعت مفارقت ایتزدی بلکه  
کیچک ل نصف اللیله دك محرمکانه محبتلر ایدرل دی ابشیره مهر کتد کد نصکره  
موزلی نك وزارت اچون سعی و عملی موقوفاتینک تعلیم و تدبیر یله درد یو تهمت  
ایتمشاییدی کذلک قائم مقام پاشا اکتخاسی غوغا اغازی قوت و مالدار کسنه  
ایدی ابشیر پاشا داخله اعتبار ایتیموب جمله خدمتلی سینه ابتدا سندن صا ابوب  
بروجه نقد ماللرینی الدقه خدمات متعدده تحمده غوغا محمد کتد مالک دفتر دار  
پیشین نامیله ویردیکی بشیوز کیسه هوا یه منقلب اولعله منکسرا خاطر اولوب  
سائر مغد و رزایله متفقاً ملک پاشایه یا خودد فیزداری وزیر ایتدر مته بدل  
امواله قرار ویرد کیری محقق ملک پاشایه وانه کوند کد نصکره وزیر ک غضبی مشتم  
اولوب محبوس اولان موفاتی یی و غوغا یی بر قایمه قویب قره دن قهر پسه نفی نامیله  
اسکدان پکوردیلر و بی غلام و خدام بر ربار کیره بدروب چاوشلر ایله از نیقه طوغری  
روانه اولدیلر اشاء طریقده کیر و دن دورت لوند کلوب محبوسلری آلوب چاوشلر  
کیر و دوندیلر منقولدر که از نیقه وارلزدن اول اشاء طریقده غوغا نك توابعندن اناطولیدن  
کلوریکرمی قدر سو ایدر ایله بر اهل خدمت اغایه راست کلورلر اغا ابوب غوغا نك  
انکئی او یوب وافر سو یاشورلر موکلر درت نهر دن غیری اولما غوغا اول اغاغه دن استیدان  
ایدر شولونلری دیه لیله وایکیمیزی دخی کنار سلامته چیقار لم دید که غوغا موقوفاتی یی  
چاغروب کشف راز ایدر موقوفاتی مانع اولوب هنوز یزی قتل ایدر جکری معلوم دکادر  
وقتی موجب تهمت یوق مؤکلری اولدر مک قتل موجب تهمت درزم جرم صدارتی اخر  
اچون حصیه سعی ایدر یلر دیوزیره پکدر کلر یدر لا جبری الطلب قاعده سی اوزن هر کس  
تحصیل منافع سعی ایدر حجره منع اولمز بوجرمز کرجک اولدیغی تقدیر چه نزه مشر عاقل  
ایجاب ایتزدید که همان اول اغامو موقوفاتینک یوزینه حایقروب یره افندی سن مجنونه  
بکزر سن یوسویلدیک خلطیات دشمنه کزک خاطرینه ییله کلر هیچ دنیاده مهر صدارت  
لهورینه قارشقدن بیه ک جرم وارمیدر و سزی یوله خدمتکار سزریان و سفیل یوللارین  
آدمک مرادی نفی دکدر استایولده قتل ایتد و کنه کیم ییلورنه ملا حظه سبب اولمشد

بوله جبار آدم تحت و فتوای استراستدیک صورتی سزک قتلکری تجویز ایدر جک تهمت  
و مسئله تدارکنده عاجز لمیدر یونی معنی سوزلی قوی یکامتابعت ایلیک شو صار یجه لری  
شمدی تمزیه لم سزی الوب بر یانمزیره کوتون لم دینلک حالی برقرار اوزن قالمز یو طوش ایله  
ابشیرک دولتی چوق سورمز سکره بر طریق ایله ظهون کلوب سلامت یولور سزدید که غوغا  
رضاوردی اما چونکه اجالری ککش موقوفاتی عناد ایدوب رضاوردی موقوفاتی موزلی  
دفتر دار طرفدار اولان مقربلر ربط قلب ایدوب بی قور تارلر دیو امیدوار اولدوغندن  
عنادا تمشیدی چکیلوب از نیقه طوغری کتدیلر احواللری عینی ایله قودوز فرهاد ایله  
سلطان یازید قضیه سینه نظیر اولدی از نیقه وار دقلر نه عقبایرندن ایکی شخص قتل  
یورلدی سنی کتوروب طوغری موقوفاتینک الله صوندی او قودقه غوغا ندر  
اول فرمان دید که موقوفاتی آه ایدوب ابشیر پاشا آخر نه کند و ایله حق دعواسنه  
یره تمسک کوند مش دید که بیجان غوغا وزیر اعظمه شتوم غلیظه و جبر و یه آغاز  
ایدوب عقلنه کلان بد دعائی سویلدی موقوفاتی منع ایدوب سو که بد دعایله البته  
انی بزم از دیمزجه قتل ایدرلر ما قتل ایله جزاسنی یولمز همان الله تعالی اخر ته  
ایمان سز کوندن دیوب وضو و نما زواستغفار استغفال ایلدی و اداء ناهله ایدر نجه  
غوغا یی بو غدیله بعد کندی بیجان موقوفاتینک کردنه صا ابوب اول پیر امکداری  
و هر و دارالقراراتیدیلر ایکسیمه از نیقه دن اولندی اما و جیمی تحریری اوزن هر سکره  
بو غدیله و مزارلری الله اولی اقتضا ایدر رحمه الله غوغا نك مملکی جمله میری یه  
النوب اشیا و اسباب و تحف و دواب سوقده بیع و میری اچون قبض اولندی بعضیلر  
دیرلر که موفاتی ایله غوغا یی قتل ایتیمه سنی دیور بجان اغا و یوسف اغا و سائر مصاحبان  
سعی ایله خط شریف کلشیدی وزیر بکرار ناخیم ایدوب غوغا مرایانه خپله ایله  
میری یی بشیوز کیسه مدیون ابلی بر خا یندر اول مبلغ دعواسندن فارغ  
اولیوب دا ثمافساده سعی ایدر و موقوفاتی ایتسه دا ثمنا وزرا محرمی و ملوک و وزرا ییغند  
اولان اسرار محرم بر مفسددر نفاقنک نجه دفته دولقه ضرری دکدی بهر حال  
قتلاری لازم دریدی تکرار قتلرینه رضای همایونم یو قدر قهر پسه نفی ایلیه سن دیو  
خط شریف کلکین قهریس نامیله سو یوب کند و حکمیله قتل ایتدردیکئی اندرون همایون  
طرفی ایتشد که وزیر دیکر اولوب متکدر لخال طراولمشلر شامی زاده دخی ریاستدن  
هزل و حبس و طلب مال ایله تضییقه ایدی بیکر غروشن دکر ممتاز ایلرینی و سوز کورکری یی  
ورختار و سائر زربین و سیمین اسباب احش سامنی باز ستانه دوکوب صا دی  
واستایبولد اولان ملک منزلی دلاله و یوب مراد ایتدردی التمش کیسه قدر  
کوخیله تدارک و تسلیم ایدر ییلدی زیرابوکه و موقوفاتی یه و غوغا کوند بر قاج کرم  
کریه اللقا صاری نجه جلاد لری کلوب اسکیجه لاتی کوستر و بعباد بالله تعالی اچه  
کورک یوخسه بو اشکیجه لری ایدرز دیو غوغا یی ایدر لری موقوفاتینک و غوغا نك  
جمله اشیا سنی سویلدوب ابوب بر شیلری قالد قدن صکره ایلری شهید ایتدیلر



پس شاهی زاده خو قندن نیه ما لك ايسه وروب اشيا سنی صاندی اما وزیر  
 بو وضعندن دكبر اولوب باقی ایشیر پاشانه مرتبه ظالمی رکه رئیس اثنانی واونی صاندردی  
 رئیس میوی یه قارشیدی جرمی ندر دیر لر نی لسانه دوستور سه کر کدر دیو غصبه  
 کادی اما ایشیر اتبا عندن وقرنا سندن شاهی زاده نك چوق طرفداری واریدی  
 زمان ریا ستند وزرا اتباعنك وسا ثر لک خاطرین تطیب ورجالینه مساعده  
 ایدردی خصوصاً دوستن اورا قلدندن خرج المامق والدر ما مق کبی جزئی  
 امور ایله جبر قلوبه سعی ایدردی و بعض مرتبه هدا یا بد لی ایله ایشیر مقر بلرنك  
 خاطرنی جبر ایشیددی انلر پاشانك یو غصبی کورد که یا سلطانم بر آدمدن آنچه استرسز  
 تقو دم و جودینی ویردی دخی استرسز ضروری اشیا و املا کنی صاتمق اقتضا ایدر کز لو  
 صائسه یوق بها سنه کیدر اشکان بیع من یزید ایله صا تر که دکر بها سیله فروخت ایدر  
 قصدی بودر انك جوابی بویله در که جمله ما ملکی صا حب ذولته ویر برم انلرک مواجبه  
 ضرورتلری واردین بو مالی و اشیا فی دولت سایه سنه قزاندم ینه دولت او غرینه  
 فدا ایدرم سایه دولته آج قالم حیانه قالد یغمز فائده عظمی بیلورم د ائمان سوزی بودردیو  
 قیو کخذ الق ایتد کلرنه و وزیر بو سوزدن حظ ایدوب تهوری ساکن اولدی و شاهی زاده یه  
 بوجلسی کز لو اعلام ایتد بیلر اول دخی بر عر خحال یازوب کندویه اسناد اولمان مواددن ذمتی  
 ابرایه متعلق و دفتر دارمون لی ماده سندن خبر واکام یوقدر ملک پاشا و موم لی قزلکتره چندان  
 رغبت و اعتبار ایتیر لردی مستشار لر ی غیر یلر ایدی جمله نك معلومیدر دیو ایمان غلاط ایلدی  
 و دفتر دار معرفتیه ملک پاشا طر فندن قاطرجی لو غلنه خطا باب ایشیر پاشا باغید ره ریه رجا  
 و امیدک و اراپسه مساعده اولنور دیو کوندر یان امر ده نهم معرفتم و رسیدم یوقدر خفیه مزور  
 یازدی لردیو انکار و راء ذمت ادعا ایدوب عظیم پمینلر ایشیر غصبه تبسم ایدوب  
 کورور میسر شونی کند و بی صوجسنر چیقار مق استراصلتی بیلدی یکمز شیلری انکار و مظلوملق  
 ادعا ایدوب بزی بلر ظن ایدردید که طر فدار لر ی فرصت بولوب سلطانم انکار و اعتذار توبه در  
 قبا یحه مقر اولمق جائز دکلر و روشکلر روز یاری عر خحال یازو جرایمه اعتراف ایتسه دیوب  
 علایم عفو ظهون کادی زیر دفتر دارمون لی جین قتلده الله بلا سنی ویرسون رئیسک اغواسیه  
 ین مهره طالب اولدم دیتمس کر چک یلان لکن بوسوزی مباشر لر وزیره ایشتدر د کلرنه  
 شاهی زاده یه سو قصدی مو کد اولمشید ی اما طر فدار ی اولان شفعاحسن ترینه ایدوب  
 دفتر دار ایله تختلط اولان رئیس موقوفاتی ایدی دیوب شاهی زاده یی قور تار دیلر ووزر ثقیل  
 مهمتی بیجان موقوفاتنك بو یئنه صار دیلر شاهی زاده نك تمام یوز سکسن کیسه سی النوب  
 جمله ماملکی کتد کد نصکره او توز بیک غروش قدر دوستلرینه و اتباعنه مدیون دخی اولدی  
 بر قاجکوندر نصکره وزیر شاهی زاده اچون شفعاحسنه دیشکه کند و بی اطلاق ایدم لکن  
 استانبول طور منسون دیلر سه حجه دیلر سه غیر یی ره کنسون جمادی الاخره او اخر نه  
 اطلاق اولنوب اول ننبیه اوزن حج شریف نیی ایله اسکدرده اولان خانه سنه نقل ایتدی  
 و خوفندن عارض و تقریر سن یئنه انحراف مزاج ایله محنتی قالدی هر نه طال ايسه

قتلدن خلاص اولوب بذل ماملک ایله تجدید حیات ایلدی و دلی برادر احمد اغا و امثالی  
 و سائر محبوس اغار الیشیر یوزر کیسه جریعه ایله بند بلادن کوچیله قور تیلوب مال لر نی  
 حائلرینه فدا ایتدی لرسائر مقولین و متعین اولان اکابر و اعیان بو وضع ظالمانه دن مختیر  
 قالب ایشیرک عاقبتی خیر اولیا جفته جمله سی اتفاق ایشیلر و اکثر خلق بو مقوله  
 اموری مفتی نك تعلیمی و دسیسه سیدر دیر لرایدی حق کلام بودر که وزیر منلایه استیذان  
 ایتک سزین برایش کور نزدی تمشیت اموره وزیرک اهتماسی اولد و غنمه اریب یوقدر  
 تنه کیم تحقیقی ذکر اولنسه کر کدر نوروز سلطانی جمادی الاولی نك اون ایکجی سبت  
 گونی بعد الغروب شمس اول جمله تحویل ایدوب نوروز اولدی طالع سسال میزانک  
 یکر منجی دن جبه سی ایدی شمس مشتری زهره عطارد جمله سی سا بعد که برج انتهادر  
 واقع اولغله احکامی هلاک وزرا و مقریان و اغایان حرم خاص دیو استخراج ایتیشلر ایدی  
 و زخل ثانی عشره ده سنبله ده مرغ ثالنه قوسده یینلر نه تربیع نظری اولغله خاندان قدیم  
 و بیوت اکا بر غارت و یغما اولغله دیو یاز مشلر ایدی وزیر قانون اوزر نوروزیه پیشکشنی ایله  
 صدارت پیشکشنی جمع ایدوب بردن ارسال ایلدی بر سهند وایکی غیر لون ات که او چنک  
 دخی دیاده نظیری بولماز سراپا جواهر ایله آراسته ذهب اجمردن معمول رخت و رکاب  
 و غدار و طپوز و سائر زردوز بساط ایله مزین ایدی و سائر اجناس تحف و طرایف کونا  
 کوندن بو یغچه لردن ما عدا بر عریه ده یوز کیسه لک فلوری و غروش کوندردی والیه  
 حضر تلرینه یکرمی کیسه لک قدر پیشکش ارسال ایدوب دارالسعاده اغاسنه و سائر  
 عظمای مصاحبینه و ساحدار اغایه و کدک صا حبلرینه بر حجه کوندرمدی و وزرای  
 سالقه دن عید و نوروز و سائر مواسم مستوفی هدیه لر و کیسه کیسه عطیه لر لغه  
 معتاد اولنور وزیر جدید دن بو وضع شدیدی مشاهد ایتد کلرنه عقللری پریشان  
 و یونکله حائلر نیچه اوله جقدر دیو تفکرده قالدیلر طوبخانه او کنده بنا اولمان قلیون  
 نوروزدن صکره تمام اولوب دریایه ایندر دیلر وزیر مفتی و وکلا جمع و یوم مشهود اولدی  
 مصرع سفینه شه دریادل ایتدی دریایه تاریخی شعرادن بری سوبیلدی تبدلات  
 او اخر جمادی الاولیه بولوی معزول اولوب یرینه مفتی زاده فیض الله افندی استانبول  
 قاضیسی اولدی هنوز نوظف مخدوم ایدی قول طولا شوب رخ احوالنه تقید ایلید  
 طولا کوستردی نظارت اوقاف مقدمه خط هما یون ایله شیخ الاسلامدن رفع اولنوب  
 بواوی مصطفی افندی یه تفویض اولمشید ی حالا وزیر ناخصی ایله بر مقصیل خط  
 شریف مفتی یه کلوب سنکه شیخ الاسلام افندی سن اکر سلاطین واکر غیری عامه  
 جمیع اوقاف نظارتی سکا توجیه و رایکه تفویض اولمشدر دیو بیورلش حقا که کوکب  
 اقبال منلا بر مرتبه صاعد درجه علیا اولدیکه مثل سبق ایتما مشدر و بواشاده بلوک کابی  
 قلندر ی محمد افندی حنفی افقه فوت اولوب و اوغلان شیخی دیمکه مغروف اولان اقسرا فی  
 شیخ ابراهیم او اخر ربیع الاخره فوت اولوب مراد پاشا جامعنه نمازی قیلنوب مسجدی  
 پیشکامنه دفن اولندی بیوک اوغلنی پانشین ایتدیلر عصرینک منکر لر ی لساندن اول



لقب ایله مشهور اولدی لکن معتقد اکابر رجال بر اهل حال عزیزی و من انشائه بیست  
سوزاسیسی سوزین آلور صورتی طیرا قده قالور حرکات ناصواب ابشیر یاشا و مبادی  
ظهور فساد و بلا چون وزیر آستانه یه توجه ایتدی سیاه زور بالرندن قتی چوق کسه لری  
عموده مواعیدی ایله با شنه جمع ایدوب کند و ننگ دخی صاریجه و سکه بانلری حد دن افزون  
اوله کروه ایله کلشیدی و سلفه صدور ایدن عدم اتقیاده بناء پادشاه طرفندن خوفي  
اولوب فی الحمله بکچری زمره سفدن دخی و همی اولغله بوقور خولردن تحفظه قفادار  
اولور لر زعمیله بوقدر حشراتی جمع ایدوب کتور مشیدی و استانبوله کتور مسی ممکن اولمیان  
صاریجه و سکه بانن سیدی احمد پاشایه تحمیل ایدوب چتال باش رفعدن اناطولی یی  
وردی و شویله سپارش ایلدیکه بولونداقی اناطولی ایالتندن خدمتندرو کوزت  
طاعتیه بوقنده بونلر زه لازم اولور دیدی سیدی احمد پاشایسه سابقا دور مراد خانیه  
میر آخور لقدن و الی مصر اولوب کلدک قتل اولنان قیصر یلی احمد پاشانک مصر دن  
کتور دیک جندی چرکس غلاملردن اولوب بعد سلطان ابراهیم ایامنه حرم خاصه بر ایچ  
اغاسنی خنجر ایله اوروب قتل ایتکله حاجی پیری اوغلی پهلوان علی ایله ایکسی دفعه  
مغضوبیا طرد اولمشلرایدی بعد ارغنی حسمیله قطع در جات و ضبط الویه ایدرک  
امیر لایمر اولوب دلا ابشیر پاشا اناطولی ایالتن کندویه توجه ایتدک تقدیس استقیابو جمع  
سلاح خدمتن دخی کندویه سپارش ایتمشیدی مذسلی واروب جور و ظلم ایله اول دیاری  
خرابه و پردکد نصمکره شکایتجیلری آستانه یه کلورکن اشاء راهل سیدی پاشا شکایت  
کلوب منسلدن شکوایه کتد کارین خبر آلدقه کیمی دوکوب کیمی زنجیره اوروب عنفا  
کیرویه دونردی حتی ارارنده بر سیاهی به بشیوز دنگ اورمش ایدی کندوسی کوتاهیه یه  
واردقه وزیرک سپارشی اولان لوند استقیاسنی ایالته پراکنده ایدوب جرایم و قبایح  
صومرق و تفنگ جمعی بهانه سیمله اللربنه بیورلدیلر و یروب مضاده اموال و تعذیب رجال  
ایله ملککی خرابه و یردی لر بکچری و سپاه و سادات و قضاة و ائمه و صاحبوا علمادن بر فرد  
حرمت و رعایت ایلوب در زنجیر ایدوب و ماللربن آکورلردی وزیر استناد اظلمه افراط ایتدی لر  
بووجه اوزن تعدی حدی تجاوز ایتکله کرو و گروه رعایا و عسکری استانبوله کلوب شکوا  
ایچون وزیر دیوانه کیدرکن یولی الوب داد و پیداد و فریاد ایله عنانگیر اولدی لر عرکال لریله دیوان  
پادشاهی یه کیروب ینه فریاد ایتدی لر طرف پادشاهیدن تنبیه اکید ایله سیدی  
پاشانی عزل و استانبوله احضار ایچون قیوجی باشی تعیین اولنوب اناطولی ایالتی کوز حسن  
پاشایه یرلدی کذلک بولی سنجاغنی و یوده لوق ایدوب کورد محله ویر مشیدی کورد ملعون  
دخی کاشته لرینی اول دیاره کوندروب یکر می ییک انچه لک دعوا دن اپکی ییک غروش الوب  
مدعی و مدعی غلبه زنجیره اوروب فقیر لری خاک نشین ایدنجه ماملکتی آکوردی دخی  
انواع ظلم و تعدی سفدن غیری ملعونلر حرم ناسه و اولاد و امر دانه تعرض ایدوب عیاذ بالله  
تعالی نجه خیانت ایلدی لر اللی ییک غروشلق بولی منصبندن اضعافی مرتبه اموال الوب  
اول دیاری خرابه و یردی لر بولی خلقندن بشیوز قدر رعایا استانبوله کلوب کروه شهر

ایچره کروب استکان بد دعا و دیوانلرده شکوایتیلر بالاخره کورد محمد انصاف ایدوب بکا  
هائید اولان شی قلیل بر لای اصلاحی ظلم الد قلمی مال ایچون بن بویه بد نام اولق لازم  
دکدر بواوی کیمه ویر سکز ویرک دیوب بوقدر یه نیک غروشی اکل و باغ ایتدکد نصمکره بولوی  
بر اقدی انصره توجه ایتدی لر کذلک حلب پاشاسی طیار اوغلندن حلب و انطا کیمه دن  
وافر آدم لر شکایت کلدیلر اولدخی ظلمه حلبی تمام ابلش کذلک وزیر قرق باوک باشی نام  
کاسه عقلی قرق و چهره عرض وادی صبرق بر سکه بانه اسکیدن امکدارم و مخاطره کونلرده  
یار غارم ایدی دیوا کر اما طرازون ییکر بیکلکتی ویر مشیدی طر بزون خلقنک خشونتی  
ولاز نا ساز لک رعونت و خیانتی معلوم بیاغی انصافله حکومه راضی دکلر ایکن قرق  
باوک با شیک جور بی اندازه سنه هیچ طاقت کتون میوب اوز رینه جمهور ایله خروج  
ایلدیلر مایینده قتال عظیم اولوب نجه نفوس تلف اولدی انلر دخی عرض محضرایله  
کلوب شکایت ایتدی لر حاصل کلام وزیر ضعیف التدبیر توابعی قایر مق سودا سیله  
بر آ لای اهر منلری منصبه کوندروب هم عباد و بلا دی پایمال و هم کند و پی  
لسانه دو شوروب مذموم اولدی جمادی الاخره ده وزیر ایله سیاه بیننه شقاق  
دوشوب متر یورلر وزیرک وعد لطفنه اعتمادا کلوب قوری امید ایله بر ابکی آی  
منتظر اولدی لر وعد و فاعلا متلری کورغدی یکندن جمله سی دلگیر اولمشلرایدی  
وحلی نکیه شیخ ابو بکر زاویه داری مصطفی دده و امثالی خیر خواهریکه مجلس  
وزیر محرم ایدیلر کندویه نصیحت ایدوب سکا و احمد کدشیدن صکره پادشاه اطاعت  
خالصه اوزن منقاد اولوب وضع سابق و عسکر ایله تحامی و قورغی وادیلرینی ترک  
ایلیه سن و سلامت بوند دردیلر یله وزیر دخی احترام اوزن معامله ایدوب جناب سلطنته  
کمال اتقیاد و خضوع و هر نه فرمان بیوریا و رسته تمشیه مسارعت کوستروب قفادار صاندیغی  
و خذلاته مراد لرینه مساعده دکل هیچ یوز ویر مز اولدی استبهلری اولان اراذل هفته ده  
بروز ترک یوزینی کوزه مز اولدی اسکنداره و استانبول خانلر دن خدمت و ولدش و مواجب  
نهیچی انتظار یله بکلیوب متر اکم اولان سیاه چولی و طور بانی صاوب بر حبه یه مالک  
اولد قلرندن غیری وزیر دن بواکشی چهره یی کوروب زیاده متالم اولدی لر و هر مجلس  
بری بر لینه بو حریف بزم قوتلر ایله وزیر اولدی سابقا و بالا پادشاه قاچندن واعداسی شرنندن  
بزم جایه مزله نجات ولدی بزم ایچون نه ایش بشا ردی و بوقدر وعدی و ار ایدی  
قتیسنه و فالتیدی ابازه و کورد محمد و سائر شرنندن خوف ایتدی بکی کدیله منصبلر  
و یوده لقر و یردی انلر و لایتلری بیقوب مال فراون قراندیلر بوند بویه آج و محتاج بکلر اول  
حریر یارک دخی اتوب طومسی بزم ایله دکلیدر دیوب استکان ذم و قدح و بید دعایه  
باشلر یلر و فتنه و فساد بهانه ارارلردی بواشاده اناطولی سیدی پاشانک و غیری ولاتک  
ظلمندن کلان شکاتله و عرو لایتک شکایتیله سپاهیلر دن کلوب سید پشک و غیر پشک  
صار یجه لری حرم لرینه قونوب بر باد ایدوب دیش کراسی نامنه بولد قلمی الد قدن صکره  
حرم لرینه دخی ال اوزاند قلمی خبر ویر کلر ند سپاهیلر دخی زیاده غیرت واضطرابه



دوشوب کتخداير ليني و زيره کوند زديلر واروب دولتلو اهل عيال مز اوته بقاده صار مجله  
المنه قالدی جائزه برمر حتمك يوق باری بزه اجازت ويرك كيمه لم هر شيدن پكدك  
ديويث شكوي اينديلر و زير دخی نه جواب و پره جگني بملوب اغار و يولد اشلر بوقدر صبر  
ايلديكز بر قاجكون دخی شود و نيم چيغجه يه دكين صبر ايلك بعد سرك احوال كرايله  
تقيدايد رزديه جواب ويردكده جمله سي يأس ايله چيقوب و زيره و زور باره شتو م ايدرك  
كتديلر بعض احوال بيلور اختيارلر ديديلر كه بو حريف مراد پاشادن قور قارد و نيماني صاونجه  
بزه مدارمد ارايدر صاودقن نصكره بزه يأس جوابي ويرروا شتهلر يميزي قتل ايدرم احوط  
بودر و معقول اولان بزم اچون اولدركه بو عهد و پيماننه طور مز غداري دفع غوائل ايتكه  
امان ويرميبوب دولتي بر كشته ايدنجه چالسه لم ديواتفاق ايتديلر نفس الامرده بشيرك  
تيمتي بويله ايدى بعد اناطولى لوندات زمرة سپاهك اموال و اشياريني تالان ايتدكردن  
ماعد احر مارينه تعرض ايدوب جمله سپاه لساندن بر رقه يه يازوب ياد شاهه صونديلر  
هر سخا للري اوزرينه شرعله كور ايدوب مطالبى دفع ايليه سن ديو خط همايون يازيلوب  
لالامه وارك ديوجواب و بر مكله طرف سلطنتدن دخی مراد لر مجه يه زبوله مد قلردن  
هيظ و حيرتلى مترايد اولدى نكر از زمرة شكات ايله مفتي به واروب افندي اناطولى  
اوندات ولايتلر يميزي ظلمه خراب ايتديلر اولر يزه قزوب ميرزا يلق مرتبه سي رعایت  
ايتدكمز دن صكره اخشام اولد قزوب نيز قاسق مخاسي كتورك ديوعورت طلب ايدوب  
عرض ناموس مري بر ياد ايتديلر حتى رينك بالغه قزوبه قصد ايتدكردن قزكند و ني صلب  
ايدوب عبا حيسى بااسنى اخذ ايدوب سن قزى نيم عناد صلب ايتدك ديوقتل مراد ايدوب  
ضرب شديد دصكره رقا جيوز غرو شنى الوپ اويله لقلديلر بوله بر قاج قضيه نصيحه نقل  
و شكات ايلد بلر مفتي افندي سمولته دفع و اديسنده اغارالم چكمك اول ظالمرك حقارندن  
كنوزند اركلري كورلشد و بر قاج كون صبر ايلك ديوبا شدن صاودى سپاهيلرندن قلقوب  
بومز كور اولان مظالم و قياحي بر كاغذ يازوب زمرة بكتاشيدن اعانت واستنصاري شتمل  
برتد كره تحري ايتديلر و متعينايرندن برى كوتوب اورتبه جامع و اعطى حسين افندي يه بعد وعظ  
صونوب افندي شو كاغذى استكان اوقى يولد اشلر استماع اينسونلر ديدى واعظ كاغذى كوزدن  
يگوروب بومصاحبت بز بلد يكمز بزه متعلق معنى دكلد رديه ب كاغذى ينه حريفك الله  
ويردى كاغذى ويرن مكر او قور يازار قسمندن يوركي يا نقلدن ايمش خوفى قلديروب همان  
اياغ اورزند يولد اشلر استماع ايد بكو زديوب باند آوازيه كاغذى اوقودى اناطولى اولان  
فسادات و بشيرين ظهورايدن جور مظالم و غرامات عموم اوزن كاغذده مندرج ايدى اگرچه  
اول كاغذدن بر اتش فتنه علونيموب ايشيدنلر جامعدن طاغذيلر لکن بچيريلر لساننه  
واو قار بيلنه سوزدوشوب هر كس حدندن زياده كفتكويه باشلدى شكايچيلرك كتر تى  
وسپاه كروهنگ بويله جمعيت و حركتى اراجيفه باعث اولدى على الخصوص وزيردن مجروح  
و مغرور اولنلر كين محنته فرصت كوزدوب وزيرك زوالنى اللهدن استيوب اواع حيله و مكر  
تعاليه خلقى تحريكه مشغول ايديلر وزير ايسه استقلال دعا سينه ظم و رابند يكندن

بر طرفدن مقرب شهر يارى اولنلرك خاطر مانده نكر نينى بيلور دى انلرك مكرندن امين دكل  
ايدى و بر طرفدن قبودان مراد پاشا كى بر اترد خصم افكن رقيبى اولوب آنى بر طريق ايله دفع  
ايتكمه عاجز قالمشيدى و بر طرفدن مواعيد كاغذيه ايله الديوپ كتوردى كى اراذللك رجاللرينه  
مساعده محال اولد و غندن اول زمرة عموم كنندويه عدوى جان اولد قلرينى ادراك ايدوب بوقدر  
مخدرات مشكله و بليات عظيمه اراستنه مخير قالمشيدى و حسن تدبير ده قادر اوله ميوب  
ساده عظمت و جبروت ايله خلقى قورقوب فسادلرني دفع و تسكين ايدرم ملا خطه سيله  
پرده غرور و نخوت و راسنه مبهور و مقبون اولمش ايدى و فكر ناقص مقتضا سنجه  
برتد بيز قبيحه ذاهب اولوب سنيانى هي فتنه يه تحريك ايدنلر مايينلرند بر قاج اشتهلر ايدر  
انلري قتل و تخويف ايدوب قاجر سق سائرلري برايشه قادر اوله مزملر ملا خطه سن ايتديلر  
پواتشاده زمرة سپاه بازيه و كوردنجد و امثالى سر قپلانلره واروب احواللرينى بيلدرديلر  
وسرلر هر بركزنائل منصب و مال اولد و كز بزم و ما بويله محروم قالدق يارين باشكزه بر حال  
كلدكده ينه بر سزله لازم اولمز ميوز عال عالم بر قرار و وزير مقامنده پايدار اولور مى ظن ايدرسز  
الحالقه هذه بزمه مزاولمكى اختيار ايتدك پاشا كزه احوال مزى سويلك كركسز والا هرچه  
باد اباد ديديلر انلر تبليغه تعهد ايدوب قضيه يى وزيره عرض ايتديلر و سلطانممكن مرتبه  
بونلرك رالرينه مساعده و فاطر لر ين تنظيم لازم درو الا بوقدر تقوس يد خواه و ساعى بالفساد  
اولق مشكل ايشدر صكره سمولته دفع اولنيمه جق منازعظهورندن قور قازديديلر و وزير  
ساده دل مهيا ايتدكي تدبير كيمى درميان ايدوب اغارلر سپاهيلره ايتدكيمز مواعيدى  
حضور همايون عرض ايتدك مساعده سنه اذن پادشا هي صدور ايتدى انحق ارالند  
اوج دورت ادمى پادشاه مزه ياكاشن اكتمه شلر انلرك اخذ نينى فرمان بيورديلر بزايسه عمود  
و موثيقه بناء جمله سنى عيانت ايدرز كونه لم انلري بر حال ايتدك نصكره دوتيماني دخی  
چيقاروب بعد جمله رالرينه مساعده ايدلم ديدى بازه و كوردنجد و امثالى وزيردن  
بومو حش كلامى ايشتد كلرى كى طشره اولوب هاى بونك بزه سو قصدى وارد ريو  
طائفه نك اشتهلر يى بز زنده اول اخذ اولنه جقلرده اخذ ايدوب امن و راحتلى  
كيدوب وزيردن خوفه دوشد يلر بازه ينه رجال دولت ايله مخلوط احوال بيلور دم  
ايدى بوسوز بيهوده بيراق اولد يفتى بيلوب وجود و پرمدي اما كور مجد دوامثالى كه  
طاغ ايوسى ايديلر و مظالم و مفسد لرى حصرو حردن بيرون ايدى انلر بالكلية خوفه  
دوشوب وزير مجلسنه وارمز اولد يلر بوار القه اسكد ارخا نلرند اولان وزير صاريجه لريله  
سپاه اراستنه محجه دفعه غوغا و زاع اولوب بالاخره بر سپاهى صاريجه لرك سر حشه سنى  
عزيز باو كياشى يى بر مخفى محله كوزوب اوروب قتل ايتديلر شهود اولما غله دى هدر اولدى  
ييمادده دخی علاوه معادات اولوب كتد كچه بيلنلرند خلاف و شقاق زياده اولدى  
صاريجه لرسپاهيلك شرطيله كرين كوندركه واغب اولد يلر عاجلا بلكه مساعده اولنيموب  
اما كرين وارلر سه و يرك شرطيله اوجيوز صاريجه و قاطر جى اوغلى صاريجه لرندن  
يوز صاريجه دوتيمانيه مامور اولوب وزير صاريجه لرينك ايدى اوچر غرو شندن آتني



ایلاق وظیفه لرحی تقد در کیسه باوک باشیله یینه تسلیم اولنوب هر برینه بشر غروش  
 خرج راه و پرباوب قلیونلره تسلیم اولندی قاطرچی اوغلی دخی بنفسه دونما ایله مأمور  
 اولدی اغراض مراد پاشا ازوزیر وایقراض فتنه وحر یک عسکر سابقا ذکر اولندیغی اوزن  
 مراد پاشا بعض ملا حظہ یه مبنی ابشیر پاشایه غائبانه طرفدارلق ایدوب آستانه یه  
 کلمه پیون صد ارتق ابقاسنه سبب اولدیغی مرور ایتشیدر ابشیر کلد که حرص وطمع  
 مقتضاسیله کبر و غرور وزارت داعیه سیله مراد پاشانک خاطرینی کوز تیموب سابقا  
 کتخداسی و حمله الملکی الاخوز محمد افندی که حالا دفتر امینی متمول بر خسیس لازیدی  
 از نکمیه استقباله هدی سز اردقله یوز ورمیوب باوکباشی یه ویر مشیدی بوندن ماعدا  
 استانبوله کلد که دلی برادر که مراد پاشایه منسب ایدی سائر متمول اغاری مواخذہ  
 ایتد که انی دخی چیس ایتشیدی مراد پاشا خبر کوندروب دلی برادرک منیریه ضایع  
 اولان بوقدر یوز کیسه سی کندویه ثا ریب کافیدر مصدا دن ایسه ده الحق اولور  
 خاطر بمنرا یچون اطلاق ایتسونلر دیور جا ایتشیدی اصغا ایتیموب او تو زیلک غروش  
 جریمه سن آلوب دلی برادری دیونه گرفتار ایتد کد نصمکه مراد پاشا خاطر یچون اطلاق ایلک  
 یوخسه بن آکانه ایشیرا حلیه حکمی یلور دم دیدی دخی بوک بکر ربارد معامله ایله خاطرینی  
 منکسر ایتشیدی بومقوله نیجه ماده ده شفاعتی رد ایدوب دروننده غیظی اولدیغی دخی  
 معامله سندن اشکان اولغین مراد پاشا بالکلیه اغراض ایدوب مغیرا طراولشیدی  
 مراد پاشا ایسه تاسلطان ابراهیم شهمیدک وقعه سندن برونغین صاحبی ولامر ماوالله  
 معظمه یه منسب وانلرک زیر نظر حمایه لرنده اولوب علوه متی مقتضاسیله وزیر اعظم  
 اولشیدی و دائما اهدای مالیه و متابعت اوامر ایله اول جانبه خدمت اید کیشیدی و تحصیل  
 دائما بذل و اتفاق دن خالی اولمغله اندرون و بیرونده قتی چوق احسان دیدسی و ارایدیکه  
 جمله آکا طرفدارو باسوسر خبر کند ارایدیلر ابشیرک ایسه اندرون و بیرونده بر منقر احسانه  
 مظهر اولش بوق بلکه غرامت مالیه ایله طرفندن مغدور اولش دشمنی قتی چوق ایدی  
 مراد پاشایو حمله نامنی آتش مشواری بلالوزیر اولوب علی الخصوص یوسال دن مقد حجه  
 روی دریاه خیملی خدمت وجوده کتور مکه مدوح عالم و پادشاه یانده موقر و محترم  
 اولشیدی بواشاده اندرون همایونده اولان طرفدارلری تقریبیلر پادشاه حضر نلری  
 کندوی حصور هما یونه دعوت ایدوب ابشیرک خبری یوغیکن شرف پایوسه مظهر  
 ایتدیلر بری بری اوزرینه ایکی خلعت سمور کید یروب لالا کون یم سنی دو تنما مورینه  
 تقید ایله سنه سابقه ده وجوده کتور دیکک خدمت دن زیاده سندن خدمت مأمول  
 همایوندر دیو استمالت بیور مالیه مراد پاشانک شان و عنوانی اضاعف اقرون اولدی وزیر  
 ابشیر پاشا اولدن دخی مراد پاشای استمقال ایدوب وجودینی قالد رمغه سعی ایدردی  
 کند وک خبری یوغیکن بوالتمفات شاهانه صد ورنن هزار مرتبه متالم اولوب حسد حبلی  
 وغیرت مقام دریا سنه طالوب و دقایق تدبیر اتدن غافل اولغین هوام هوام کی عداوتی  
 اظهار بشلیوب اسناد تقصیرات ایله زوالنه طریق بولمق خیالنه دوستوب ترسانه

مهماته لجه ویرمک وحوالات تحصیل اهتمامند قصور ایتک و مساعی مهم اولان  
 امورینه تعویق و تسویق ایله مغارض اولمق مثالو مکر و حیلل ایدوب دونما یی نیز قالد  
 دیو ابرام واستبحال ایله خبر لرنه کوند ر مکه باشلیدی صغیر و کبیر کند و یه دشمن جان ایکن  
 وزوالنه فرصت از لرکن مراد پاشا کبی توابع و لواحق چوق عالم لطفی کورمش والان لطف  
 و کرمندن امید واراوند قلری ید غالب صا حی بر وزیر ایله خصومت و اشکان عداوت  
 گو ستر مک تقدربنی معنی ایتشدر ملا حظہ اید مدی شعو و مامن ید الاید الله فوقه و ما ظالم  
 الاسبیل بظالم مفهومی اوزن قدرت الهیه ابشیر پاشان اخذ انتقام یچون مراد پاشای  
 اوزرینه تسلیم ایدوب محازات بوصورتله ظهور کلدی بواشاده دونما حقه سنک  
 وقتی قریب اولمغله وزیر قیودان مراد پاشایه هر کون مباشر لر له آدم کوندردیکه البته  
 دونمادارکنی عاجلا کوروب حقه تقید ایلسونلر الامعاتب او اور لردینا کید ایله ننبیلر  
 ایتدیکه مراد پاشا مبطن و محیل اولمغله نیاز کونه خبرل ایله جواب و یروب باش اوزرینه  
 فرمان افندی یز کدر لیل و نهار سعی و خدمتک یوز سر مو تقصیر یز یز قدر لکن دفتر دار  
 پاشا حاضر نلری دونما مهماته اقتضای دن لجه یی ویرمکه ثا خیر و تعلل اید یو ر بهر حال  
 لجه یه محتاج در احتسائ و کرم ایدوب بوقوللرینه ننبیه بیور دقلری ننبیه اکیدی دفتر دار  
 بیورسونلر که انلر لجه یز شدن والا بوقوللرینک خدمت و تدار کد قصوری یه قدر دیه جواب  
 کوندردی بو خبر و وزیر و وزیر دروننده اولان حسدی کتمه قدر اولوب پادشاه دن  
 واروب ایکی کورک کیان لجه یی دخی بولمق ککر کدر دیو اشکاره سویلدی وزیر مجلسنه  
 و خدمت اولنلردن مراد پاشانک جا سوسلری وافر ایدی اول ساعت مراد پاشایه  
 یتشدر دیلر غیر ی عداوت اشکاره یه خیقوب مراد پاشا کمر غیرتی میاننه بند ایدوب  
 هر کون وزیر رساله یه واروب اثناء مجلسنه مراد پاشایه خطاب ایتوب پاشابای حال بوهفته نک  
 اچمنه دونما نک اغراجنه یا دشا همز محکم ننبیه ایتشدر البته تدار کتری کوروب  
 چقمق کر کسر صکره جوابه قادر اوله مز سزدید که همان مراد پاشا تخخ وزیرانه ایله بو غاز  
 ایرتلیوب ایکی دیزی اوزرینه کلوب د لیرانه سلطانم الیوم تکمیل مهمات دونما یچون  
 درو تیز کیسه مصرفه احتیاج وارد حا لامد ادا اولند لجه دونما حیه مقغه امکان یوقدر  
 دینب قطعی جواب ویردی وزیر دیدیکه صد ار نکز ایامند سعادتو پادشاه مزدن درو تیز  
 کیسه استقراض ایدوب دین تمسکی ویرمش سز حالا بهور تمسک کز پیشخته لرنه در  
 بر قاج دفعه تحصیلنی بزه فرمان بیور دیلر خا طربکره رعایت ایتدیکه یچون استمهال  
 صورتند تعویق ایدوب شمدی دونما مهماته مشغولدر تصدیق ایتیمه لم بر مقدارینی  
 مهماته محسوب ایدرسک قصورینی دخی و قتیله ادا ایدر لر بحله بیور لمسون دیو جواب  
 ویرمشیدک حال بوله ایکن نکز اردونما تدارکی یچون بن پادشاه مزدن لجه استمکه قادر  
 دکلم و سکا بر کیسه لجه ویرم دینکری البته ادا ایتلیمز اول لجه یی بو مهماته صرف  
 ایلک دید که مراد پاشای سلطانم بن اول لجه یی مع زیاده ادا ایتشیدم لکن تمسکی  
 طلبه جرات ایدم دیدی وزیر اصغا ایتیموب مهماته اول لجه یی حواله سوزلندن



خبري سوز و بلدي مراد پاشا خبر شناس ایدی کوردیکه وزیر مرادی اظهار  
 عدوت در طرف سلطنت دخی کورک الباسیله تکریم ایدوب مهنامه لازم اولان اچیه فی  
 ویرمک وادیس اسکی تمسکی بهانه ایله صف التک تصویرینه قرار ویرمک در رضاه  
 تسلیم صورتی کوسستروب سلطام بویابه سزدن بر مقدار اولسون تقدیمت امیدند  
 ایدک که یک مضایقه حکمیه لم چونکه سز بویه فرمان بیوردیکر غیر لازم اولان مهمانی  
 بر تدارک ایدلم دولت پادشاهیه ماملکمزی اداء خدمته بذل ایدرز دیوب دفع مجلس  
 ایلدی و بر تدارک کوردیکه دو نماندن اول ابشیر پاشای مچر عده یوللیوب یرینه  
 وزیر اولدی سابقا ذکر اولتمشیدیکه ابازه حسن و کوردی و امثالی ابشیر پاشان خوفه  
 دوشوب اسکنداردن بروچمزل اولمشلایدی ترسانه ده وزیر ایله بوماناعه مجلسی اولدوغی  
 کونک اغشامنده مراد پاشا کیجه یله بر آدم کوندروب کوردی چاغردی ترسانه ده بر تنها  
 اوطه ده ملاقات ایتدیلر کوردی اچره کلدیکی کبی مراد پاشا قیامده بولنش ایدی دامنبوسه  
 سکرته کده مراد پاشا کوردی قوجقلیوب النندن اویدی و یانته الوب حددن افزون اکرام  
 ایتدکدن صکره بر کیسه ایچنده بشیوز فلوری چیقاروب بونی شمد یاک قهوه بها ایلاک  
 دیو قورینته صوقدی بعده بسط اعتدال و تقدیم قرامه آغاز ایدوب محدا غا جقم اوغلم سن  
 بر رارهادریکیت سن بزمه ک قدریک غیر یلر کی بلز اعلاییلور ز شمد یاک پک پریشانغیز  
 وارد بوقدرشی معذور طوت و بزمه کوکل برکننده اولوق کرکسن کوکل خوشلغی میسر  
 اولمسه هر مراد پاشا ده دخواه اوزن مساعده اولوق مقرر در وزیر مزاحوال بلز دوستلق  
 اکیز آدمدر غائبانه بزم اکایلدیکمزد میت و طرفدارلق عالک معلومیدر بلکه سندنخی  
 استندک مورلی دفتر دارمهری الوب بوک نفیر عام اولوق قوت قریبه یه ککش ایکن بز مانع  
 اولدوغز معلومدر کلان برویوقدر اصحاب عرضک ماللرین الوب عرضلرینی بیقوب  
 کیسنی دخی الحق یره قتل ایدی بر ماده ده بیه کندویه جامز نافذ اولدی شمد یسه بزی  
 استنقال ایدوب کوندن کونه جور و جفائی زیاده ایتکه باشلادی سز لری و سپاهلری هزار و عد  
 اطفاله بوطرفه معا کنور مسی پادشاهدن خوفناک اولدوغیچون ایدی عامه عالمی مصداق  
 ایله پادشاهه خوش الوب خوفدن امنیت کادی شمد نصکره رجالیته مساعده دکل بر بهانه  
 ایله وجود لریکری اعدام ایدجکی عندمزه ده محققدر بزی دوتما یله یوللد قد نصکره  
 جمله کزک حقندن کلک تدبیر نه اولدوغی بلکه سزه دخی معلوم اولمشدر  
 دیدی کورد در و نند چاپکیر اولان وسوسه بی مؤید بوسوزلری ایشندکده بویه فر صنی  
 اللهدن استردی سلطام بوسوزلریکزر چکدر بوجمله مزی صانع قومز و بونی جمله مز  
 ییلورز همان ستر برایش کورک بن جان و ناس ایله خدمت ایدرم و جمله سپاهی کندومزه  
 اویدرمغه تعهد ایدرم ستر غیر خصیصلری کورک دیوب عهد و میثاقه استحکام  
 ویردیاز نصف اللیلله کوردی ینه اسکندران یوللادی ایرنمی کیجه میرید ماللری ضایع اولان  
 مغدور لکه دلی برادر واق علی و معمار مصطفی سی و کورک امینی و صالح افندی بی و امثالی  
 کیار اعیاندر خفیه دعوت ایتدی کیمی بالکرمی بر خد متکار ایله بر ستمدن کلوب ترسانه

اموالکتری کیجه بز متعهد اولورز انلردخی مشتاق و منتظر اولد قلمری خبری ایشندکلمری  
 کبی کمال مطاوعت ایله علی الرأس والعین طرفدارلق و خدمتکارلق نه کون ایچندرمالز  
 کیچ اولمزه ده کچرک همان شوغداردن انتقام الوندوغین دوتما کوزیله کورسک دیوب  
 جمله سی متفق و متحد اولمغله ایمان مؤکد ایله قول و قرار ایتدیلر بوندن صکره یکچیری  
 اغالغندن متقاعد قره حسن اوغلی حسین اغا که اوجاق خلغننده عقل و تدبیر جهتندن  
 نظیری کلامش نحیف الجسم قوی القلب برداهیه ایدی لک دخی یار القده ایکموز کیسه سی  
 محو اولمغله ابشیره غیظ تامی و ارادی لکن مراد پاشا ایله بینلرند مصافات اولمیوب  
 چوق ییلور قوزناز تریا کبدر دیو سوزمزدی الحاله ده اوجا غل حاجی بکتاشی فتق  
 ورتقه قادر آدم اولمغله انی دعوت ایدوب اغا قزندان سزه اولان پروت وعداوتی در و نند  
 چیمقدق بعد الیوم اتفاق و اتحاد اوزن اوله لم خیل اچیه ک قره یه چالیدی ییلورز بزه  
 اعانت و موافقت بولنورسک جمله اچیه کزی کیجه تعهد ایدرز دیدکده امر سلطانمکدر  
 همان خدمت بیورک دیوب دامنبوس ایلدی اول مرشد کاردان بوجعیته منتظم اولمغله  
 مراد پاشا ک بازوی تدبیر یسه قوت کلدی بوند نصکره مجروح و مغدور لر بومعا هله یه  
 داخل و عموما یکدل اولدیلر مراد پاشا بوند ارکد نصکره شعبان خلیفه بی جوف  
 اللیلله یالیسندن چاغرتدی تک و تنها کلدی اکایدیک بقیه آدم بن دولتلو والد سلطان  
 افندی مرک چراغ خاصیم ابشیر پاشایی طشره یوللد قد نصکره مورلی دفتر دار  
 ایتدیکتی سزه ایدجکنی ییلور میسر اول ایسه جمله دن زیاده مجروح ایدی درد ایله کریان  
 اولوب یا فندم بزمه خوفیز بود کلید رمون لینک سند امانت مالی وارد در بوماملکمتری  
 لندی شمدی خوفزدن خلق ایله کور شیمک دکل خانه مزدن طشره یه چیقماز اولدق  
 شرندن اللهه صغندق دیدی مراد پاشا مزبون روی دل کوسستروب ایدی وار قادن  
 حضرت لرینه سلام ایله والد سلطان افندی مزه وارسون و بن قدیمی بنده سی اولدوغ  
 و صد اقم معلوم دوله لریدر حالا وزیر علیهمزه سی اوزن در افک و افترا ایله بزه بر تهمت و مکر  
 فکرند در تدارکتری کوردوب دوتما کیجه یه دکن اوزریمزه حسن نظر حمایه لری اولسون  
 حقمر ده برخلاف و افترا انانخیص ایدرسه اعتماد بیورلسون بز دریاه کتد کدن نصکره  
 نه حالی واریسه کورسون زیرا جمله خلق بوندن رو کردان اولوب دور لودور لو  
 اراجیف احداث ایدر اولدیلر بویه لیکه بر کون اول چیقوب روانه اولیدق وسوء افعالندن  
 خلقک عداوتی کوروب استنقال ایشندکلمری بی کناهلره تهمت و افترا فکرند در  
 سزدخی افترا سندن حذر اوزن اولوق کرکسنر الله اما تی مهد علیا حضرت لرینه تبلیغ  
 ایشونلردیو نازکانه اولطرقی یایدی شعبان خلیفه باش اوزن دیوب واروب زوجه سی  
 ملکی خاتونی بوخبر ایله والدیه کوندردی بعده مراد پاشا قول کتخداسنه و او جاقده  
 اولان اتباعنه و چراغ لرینه تعلیمی لازم اولان اموری تنبیه و تفهیم ایلدی مراد پاشا  
 یومقدما تر تریب ایتدکد نصکره سلخ جمادی الاخره ده ینه فرمان وزیر اوزن ایشند  
 صعی و اهتمام کوسستروب باشدرده یه فز لری نصب و اوج کوند نصکره دوتما کیلرینه



اونديازيسيدبرهفته دهنه مكره فلاندره آپ خلق اوزن تنبيه و ميدانه آنچه دو كوب ليل  
 ونهار پيشنده اهتمام كويستردى كويار قاج كونه دكين ايشين كوروب كتمك اوزن عيشكند  
 وزره قرفان راكني اظهار ايلدى رجب غره سنده خلق از اسنده براواز چقد يكه وزير  
 اعظم اوندى وسپاهيلرى استانبوله كوروب يكچيرى او طه لرني باصد روب زمرة  
 بكتاشيه ني قيود بره چقد زيود ايني خلقك لسانه دوشور ديلر كندا بيلك تنبيه  
 اوزن او طه لك طشره قبولينه كاربان سرايى مثالى اذير دخواني منع ايدن جك رنجيرلر  
 استيلوب قفالر اصد بلر كه هج معهود معنى دكل ايدى در عقب ابشير اسكند ان كروب  
 فرا ايدن جك در ديور اوازه دخی چيقار ديلر بوخبرلر بوجهله شيوع بولد يكه عامه خلق  
 اسواقه و اكابر او طه لنده دخی اطفال و نسوانه و انچه بون سويلر لردى عالم برى پيشه كوروب  
 وحشت عظيمه مبتلا اولدىلر بو اخبار كاذبه جمله مراد پاشا طرفندن اولنلر ك دوزمه سيد كه  
 وزيرى شاشروب اوجاق ايله وزير بيننه برويت القاسچيون احداث ايدلردى  
 جمعيت سپاه و قتل ابشير پاشا و نفي مفتي ابو سعيد افندى و صدارت مراد پاشا و مفتي  
 شدن حسام زاده عبد الرحمن افندى ماه رجبك اولنده كورد محمد اسكنداره وزيردن  
 مجروح و ما يوس اولان زمرة سپاهي كندويه اويدروب مراد پاشا ايله عهد و ميثاقنى  
 سويلوب ابشيرى وزارتدن قالد رسق مراد پاشا جمله رجار بزمه مساعده ايتكه متعهد  
 اولدى ديدى اذير دخی مجروح القلب اولغله فرصتى غنيمت سيلوب بويولدى يا جمله مرقنل  
 اولنور زيا و ايشى ياشه چيقار رزديو اتفاق ايدوب كورده متابعيت ايتديلر يكچيرى  
 اوجاغي ايشه ضابطه باغلو و در ضابطه جمله بيايشه قرار و بر مشر حدوث فساد  
 منتظر اولدىلر جبك ايكنجى سبت كونيكه كورد محمد سپاه كخداير لرى و زو بالردن  
 بشيوز قدر آدم ايله ات ميدانه وارديلر نظام دولته و رفع مظالمه متعلق سوياشه جك  
 سوزلر بزم واردر يكچيرى يولداشلى كاسونلر ديوا طه لره خبر كورد ديلر او طه باشيلى  
 نفر لرى او طه لره قيا يوب صورت معامله منع ايدوب يولداشلى عبيد بر آلاى لوندلر  
 اواسنه و ارمق سزله لايق دكلدرار كانسزلى ايتك ديه تهديد و مصلحت تنبيهلر ايايدلر اما  
 بجه و ر طرفندن مكر ر آدمك كد كده نفر او طه باشيلى دكلوب كروه ايله طشره اولدىلر  
 و كرچكدن منع صد دنده اولان مبتدى او طه باشيلى اموزليوب قلغا تلرني يارلديلر و هر  
 او طه يولداشلى او طه باشيلى زور ايله اوكلرينه قاتوب ميدانه كدديلر كورد محمد افسانه  
 باشيلىوب يولداشلى بوقديم الا يامدن پرو يولداشلى و قرداشلى ايكن مابينه منافع  
 كوروب ارامزه لايق اوليان فساد لر ظهور ايتدى مضى ماضى بزمه دين  
 قرداشلى بيوز و پادشاه قوللر بيوز خالا عالم ظلمه شويله اولدى اوتة يقا الدن كتمدى  
 شويله اولدى بويله اولدى ديويو قارودن بر وسويلن ان سوزلرى سويلدى  
 حالابو مقوله مظالمى دفع ايتك و دين و دولت امورينه نظام و يرلكه متعلق  
 تدبيرى مشورته كلك سوياشه جك خصوصاً و در اغا لى كز و ضابطه لى كز  
 بونده يوقدر معقول بودر كه بوزاروب سزك اغا لى كزى و ضابطه لى كزى اولردن چيقاروب

كتون لم سوز و اروب بزم ضابطه لى كزى ميدانه كتور مك كرسز ديويجه مقدمات  
 بسط ايلد كدن صكره جمله سى يك معقول ديديلر سپاه زمرة سى و اروب يك جان ايله  
 ميدانه كلكه طالب اولان يكچيرى ضابطه لى كزى صور تاجير و قهر ايله قالد روب يكچيرى  
 طائفه سى دخی سپاه اغا لى كزى و ضابطه لى كزى و مصلحتلرني ميدانه كتور ديلر ايكن او جاغك  
 ضابطه لى كزى و اغا لى كزى تمنع كوستروب يولداشلى عبيد و جمعيت ممنوعدر افنديلر بزمه  
 عرض ايدوب بر حال ايدرز مساعده سنده متكفلر ديوعلى ملاء الناس حايق روب مدافعه  
 و ممانعت كوستر لردى يولداشلى ايشه خير البته وار سز و سزلى زور ايله كوتور رزديو  
 هجوم و كسا كشور و طوپايله لايقه قياقتله جمله سن جمع ايايدلر حتى بوقته كنجه حدوث  
 ايدن فتنه لك اكثرينه جبهه جى داخل اولمش دكل ايكن اذير دخی ايشند كلى كى آدم وار مژدن  
 اول عوماجان اتوب كلديلر عوم عسكر ضابطه لى كزى حاضر اولد قلدن سپاه كخداير لردن  
 براغزى چلكلى حريف اياغ اوزن طوروب يكچيرى وسپاه بيننده مز و ايدن برو دق دفع  
 و بويكى قول برى بر ليله متفق اولد قلدن ترب ايدن قوت و منفعتى تفصيلات قري ايدوب  
 طرفينك درونده اولان كينه قديمه ني بالكله فراموش ايتدردى و يولداشلى رنق  
 دكش يك اولور بعد اليوم بى برى ايله كالاول سيمه صاف قرداشلى اولم و صدق ايله  
 اتفاق و اتحاد ايدلم ديدكده جمله سپاه بلى بلى يكچيرى اوجاغيله قرداشلى اولان  
 اولدى كيدن كتمدى بعد اليوم اتفاق زده ثابت قد مزديب كلبا نك قويايدلر يكچيرى  
 اوجاغندن دخی مشكل قياقتلو پيل اندام براوجاق اختيارى ايلر و كلوب سپاهيلرى  
 مخاطب طوتوب ايكن اوجاغك بارشمنه و اتفاقنه متعلق طول و دراز برافساله بسط  
 ايلدكده يكچيرى زمرة سندن دخی بلى بلى ايله در سپاهيلر بزم قرداشلى بزمه و صادق  
 يولداشلى بزمه مضى ماضى مرور ايدن وقعه خاطر لردن جمله اخراج اولنوب بارشمنزدن  
 ديويو و كلبا نك قويايدلر بعد بويكى پيرال قالد روب اوجاغلر بزمه بارغنه كوكلر  
 بر كنه فاتحه ديوب فاتحه او قوندن صكره اول ايكن قوجه قور جاقلشوب او بشتيلر  
 و ايكن طرفدن كلبا نك چكيلوب ايكن اوجاق بر لرى ايله سيمه صاف اولوب بارشديلر  
 بعد لايالى شكنده بر رة كلوب مشورته باشتيلر سپاهيلر در و نرنده اولان احوالى  
 ميدانه دو كوب اناطولى و اولان مظالمى و لوند اشقياسى اللرنده عياللى اسير كى اولوب  
 عرض و مال غرامتته متعلق اولان قضيه لرى وزيرك طشره ده و آستانه ده اولان مظالمى  
 على حده بيان ايتديلر اول بزمه دخی تصديق ايدوب بلى طشره ده اولان مظالمه بزمه  
 مطلع اولدق و بوند اولنلر كوردك ديديلر بعد ديديلر كه بويله ظلم و تعدى وجود ايله  
 ظلمه ني عالم اسلاميه به تسليط و بلاد و عبادى تخريبه سبب اولان وزيره شرعانه لازم  
 اولور ايد و كنه اطراف علماسندن فتوالتق مودجى اجرا اولتق لازمدر ديوب وافر  
 فتوالتق ريشل قماشه ياشد ير لاش چيقاروب او قوديلر يكچيرى دخی معيت كوستروب  
 بزمه سزكليه زبوفتوالتق مضمونلر اجرا اولتق باينه جمله مزسى ايدن رزديو اجراسى  
 مراد لى اولان نجه نجه افراض فاسدن لى ايراد و نعد ايدوب جمله صرف مقدر ايدرزديو



قول وقرار ایندینزه جمله نك اتفاقيله كورد محمد صاحب كلام تعیین اولنوب هر نه خصوصه  
متعلق سوز اولورسه جمله نك طرفندن سن سویله دیوانی صدر مجلسه کتوردیلر  
کورد محمد وارک مفتی بیورایه کتورک دیورکروه آدم کوندردی مفتی افندیك حقیقت خالدين  
پر خوش خبری یق عجب جمعیت نجه اولدی دیگرکن ناکاه اول کروه کلوب خانه سنه طولدی  
بر قاج اختیار افندی یه کیروب سلطانم یکچیری و سپاه اوجاقلری علی العموم آت میداننه  
جمع اولدیلر جنابکره سلام ایندیلر شرعاً بعض خیر لو مصاحته متعلق سوز لری وارد  
تشریفکاری رجایدر لر مخالفت متعسر بالضرور مفتی افندی سوار اولوب میداننه واردی  
قیام واکرامدن صکره بونلر تفصیل احوال لرینی مفتی یه سویلیوب البته واروب صد و  
اعظمی یوزایه کتور شرعاً دعوا من وارد دیدیلر مفتی یه تکلیف عینی تخلص جان ایچون  
غنیمت ییلوب اوغلار سوز لری بکر کر چکر راجرای حقّه تعید جمله مزه واجبدین واروب  
وزیری کتوریم دیوب مهلکه دن صیرلدی طوغری وزیر سراینه واروب کیفیت  
احوالی یلدر دکره اول وقت غافل دولتلو نك کوز لری خواب غرور و غفلتدن بیدار اولوب  
های افندی بونه اصل سوز دین یانار آتش ایچنه می کوتورسك کر کدر پان نك می  
استرسن دیوب مفتی بیورایه الیقودی کورد محمد سبت کونی کلوب بوفتنه بی قینادوب  
بازار کونی شیخ الاسلامی کتوروب وزیر کوندردکلرنه وزیر قضیه بی پادشاهه تاختیص  
ایدوب دفعی رجایلدی پادشاه عالمیناه خضر تری ترسانه با نجه سنه ایدی طرف  
پادشاهیدن قیو جیلر کتخداسی جمعیه واروب مراد لری ندر حضورمه اعلام ایدوب  
کندولری طاغلسونلر فرمانی تبلیغ ایندکله کورد محمد دیندن قلقوب امر پادشاهم کردو  
حضور همایونه یوز سورمک رجایدر ز عرخیلار وارد مساعده یورلسون دیدی بر قاج  
دفعه آدم واردی کلدی ماموللری وزیرک ازالهی ایدی مساعده اولندی اول کون اخشام  
ایر شمعین ابوالفتح و مرجع الدهاة مراد پاشا طر قندن ننبیه ایله یکچیریلر سپاه ضابط لرینی  
واغالزینی و اشبهرینی اوطه لره توزیع ایدوب قونق الدیلر اطعام واکرام ایله مراسم ضیافته  
رعایت ایندیلر اول کیچه سپاه یکچیری اوطه لرنه جبهه جی و طوپی و سائر نفقات میداننه  
کیچه لدیلر جمعیت ایکی کون متمادی اولوب خبرلر واروب انخلالنه سعی اولند کیچه مفید  
اولیوب کتد کیچه چوغلاروب ایکی کیچه یکچیری اوطه لرنه مسافر قالدیلر مراد پاشا ایسه  
ترسانه ده اصلا برو جانبه قولاق قبار تمیوب دو نمام همتانه دامن در میان ایدوب خدمتده  
ایدی جمعیتك ایکی کونی پادشاهه خبر کوندروب سرای همایونه تشریفکاری معقولدر  
دینکله وقت عصرده قایقلر ایله سرای عامر یه نقل یوردیلر قیودان مراد پاشا عظیم  
طوب شنلکی ایندردی قول کتخداسی مصطفی آغا ابشیرک طرفنده و احسان دپه سی  
اولغله جاسوسی کلوب خبر کتوردیکه سکاسو قصد واردر ابشیر پاشا نك معینیدر  
دید کلرینی سویلدی اولدخی تبدیل جامه ایله اختفا ایدوب جمعیه وارمیش ایدی آکا بناه  
مصنوعی باشی کچه جی اوغلی محمد آغا قول کتخداسی اولوب طور ناجیلقدن معزول  
اشعی علی آغا مصنوعی اولدی محضر سلیمان آغاده مخفی اولدی او جی کون علی السحر عامه

هسکر بحر مواج گی چالقبوب ولات ولوندات ظلمدن استانبوله دو کلوب کل رعایا  
وقفراوشکاینجیلر باشلرینه خضر یاقوب عسکرک اوکته دوشوب داد و فریاد ایدرک ات  
میدانندن قلقوب آت میداننه یور ییوب قبه آسمانی ولوله ایله پر صد ایندیلر و صلوة  
صبحدن صکره شهر قبولی قیناوب دخول و خروج منع اولندی آت میداننه وارد کلرنه  
یور قعه یازوب ابشیری و کتخدایکی استرزدیور براختیار ایله حضور همایونه کوندردیلر  
رقعه لری و صلوة پادشاه نصیح و پند ایچون یکچیری اغاسی کنعان پاشای کوندردی میداننه  
کلوب سعادت او پادشاهم یوردیلر ابشیر پاشا لالا مغیری یرده منصب و یروب دیار  
آخره کوندردم مهری غیری یه و یرم اوجاقلرینه متعلق و سائر جالینه مساعده اولنور  
طاغلسونلر یوردیلر دیو تبلیغ رسالت ایندکله جمله سی قیام ایدوب پادشاهه خبر دعایو  
ایندیلر فرمان پادشاهم کدر اما سنر پرمه قرق اسامه محلول استیوب اوطه با شیلرنا چار  
قالعه صاع یولد اشک اسامیلرینی محلوله ضبط و یرملرله بقدر یکتیری چالق و نامرادیدن  
طالم دکلیسن بره اورک دیوب هجوم ایندیلر کنعان پاشا آت یو بیننه دوشوب طولودز کین  
کوجله سرای همایونه جان آندی اول وقت فتانلر لساندن بر خبر شایع اولدیکه مفتی  
افندی ابشیر ایله متفقدر سپاه و یکچیریدن باغی اولنلرک قتللری لازمدر دیش اوله بو خبر  
هسکر اراسنه دوشدوکی کبی بره ظالمک یوکی مفتیدر ابشیر یه بقدر ظلمی تعلیم ایدن اودر  
پزانی وزیری کتورمه کوندردک اول واروب وزیر سراینه قیاندی حقمر ده فتوی و یرمک  
تدبیر نه در مفتی بی دخی استرزدیکه با شیلر یور و کتور حضور همایونه آدم کوندروب وزیر  
و مفتی بی و قول کتخداسی استرزدیدیلر ارلقدر مراد پاشا عیارلندن نجه فتنه کار لر غوغا  
قارشد رملق ایچون بره بوند نه طور رسر وزیر اسکر اوده اولان لوندلرین بر و سرایه یکروب  
سل سیف ایدوب جمهوری قراجقد رصدا سنی خلق اراسنه قیو یور دیلر عسکر یو صدایی  
ایشتمکاری کبی جوشه کلوب او بزم اوزنیزه کلزدن اول بزا نك اوزنیه وارلم دیوب وزیر  
سراینه طوغری یوریدیلر جمعیتك آخری هنوز میداننه ایکن ایلروسی وزیر سراینه واروب  
ایچره هجوم ایندیلر مکرو زیرک اتباع و غلامانی نیر و تفنك ایله حاضر طور لر ایش اوق سر یوب  
و تفنك بوشادوب هجوم ایندیلرک بر قاجنی مجروح ایندکاری کبی سائر لری کیر و دوشوب  
تحقیق بونک مرادی بزمه محاربه در دیوب اکثری سلاحسز بولنغله جمله سی آلات  
حرب ایله سلاحا ق ایچون دوندیلر سلاحی اولیا ناره تیغ و کینه تفنك و بالته و محاق  
تدارک ایدوب توزیع ایندیلر ازیین جانب وزیر دریای حیرته مستغرق نه ایشلیه جکن  
یلمز ایدی مفتی کندیوه خطاب ایدوب دولتلو بوننه طور ورز اتباعه و انجه خلق  
سزدن رو کردان اولدی طرفدار اولسه لر یله عسکر سلطان ایله محاربه محالدر عسکر  
سلاحلنوب شمدی کلور لر حال مشکل اولو ردیدکله افندی نه ایشلیه لم دیدی یورک  
پادشاهک یاننده یولنام سلامت انده در دیدی ابشیر پاشا کتخداسنه نگاه عجز ایله باقوب  
عجب اقر شویه کچمک و بر طریق ایله اسکر اوده بولنق نمکیندر دیدکله کتخداسی سلطانم  
اول تدبیر لک وقتی کدی شهر قبولی باغلودر همان شیخ الاسلام افندیك دیدوکی



گهی سرایه و ارمق گر کسر دیدی تور کچه بلنر بر بهادر ساجد اری و از ایدی اسکی امکداردی  
ایدی همان خشونت ایله اورتایه آتیلوب اسکدان کچمک فکرینی اول تدارک ایتمک کرک  
ایدی قایچ پاشی اوزرینه کلدن پوطره بی طویمیان آدمک حالی بودر سرایه وار سکده  
پادشاه و سرایه اولنوسنک صاعقه کی استیه جک دکدر بر وزیر ایچون عسکره قرشو  
طوری ورمی آخرت یراغنی کور دیوب فرلایوب چقمش وزیر اوغلانک سوزندن  
مناثر اولوب افندی قالدق سرایه کیده لم شو اوغلان قدر رشده و عقلمیز بوغیش خدمت  
ایله لم ملاحظه سیله جمله خلقی کند و مزه دشمن ایتشمر امر الله کدر دیوب ناسف کنان  
سرای همایونه کتدی لر وزیر چقمک دینی کی عسکرک کله جک خبری دخی ورود ایتمکله اتباع  
وزیر پراکنده و پریشان اولدیلر یارم ساعت کچمک دین یغما کران عسکر جرادمشربکی  
سرای وزیر طولوب یغمایه باشا دیلر یوقدر سنه دن بروا بشیرک جمع وادخار ایتدیکی  
ومهره نائل اولدن بروجع ایلدیکی بچمک فلوری و سائر تقود و جواهر و تفاریق و امته  
و فغفور و سمور نوادر که حد و حدردن افزون ایدی عموما یغما و تالان ایتدی لر هر شخص  
کو تون بیلدیکی قدرش ایله قدر نصبره جمال واری ارقه لرینه تحمیل ایدوب اوله کوتوردیلر  
ابشیرک خزینه کاتبی محمد چلبیدن منقولدر قبل الوقعه وزیر فلوری دفترین استدی دورت  
پوز بیک غرو شلق فلورسی در خزینه اولدیغی عرض اولندقد یوز کیسه لک فلوری  
ایروب حرمه کوتوردی غالباً سلطان حضر ثلینه همه ایتش سلطان عقلا دن اولغله اول  
فلوری بی کند و تقود و جواهری ایله دفن یا خود بر آخر ره نقل ایتدی دیرلر و یوز بیک غرو شلق  
فلورینی دخی دورت مختصر صند و قهیه یرلشد یروب ربط ایدوب دهلیزده بر نقل آسان  
پره وضع ایتدیرمشیدی ایرتسی غائب اولدی کیم کوتوردی و کیمه ویرلدی معلوم اولدی  
باقی قلا بوقدر تحف و نوادر و تقود و یغما جملر الله تالان اولدی دیو نقل ایلدی خلاصه  
کلام وقت عصره دك کار یغما تمام اولوب وزیر سرایه قوری حصیر سیله قالدی اندن چیقوب  
مفتینک خانه سنه وارمق استدی لر لکن شکارین المار کتم و اخفا ایچون پراکنده اولوب  
اخشام دخی قریب اولغله اول ایشی ایرته یه ایلقودیلر اول کجه علی العاده سپه ایملر  
یکچیر بلرده ضیف و سائر عسکر میداندان یا توب ایرتسی برکروه مفتینک خانه سنی یغمایه  
واروب یوزاللی سنه دن بروخاندان خستجاندان مدخر اولان نفایس و امته و بساط و کتب  
بقیسه و تحف و نوادر نادیده آن واحدده تاراج کرده دست بی ادبان اولدی منقولدر که رفع  
وتعاه قابل اولان اشیا دن اثر قالدقد مندرلری پان لیوب یول اورتاسنک براغوب محزنلرک  
تیمور قیولرینی و پنجره لرینی و صویرلرینی و بعض سقوفلک قوروشونلرینی حتی مفتینک  
کتابخانه سی و مخصوص اوطه سی اولان مکانک صد فکاری و خلکاری دولاب قباقرینی  
قویاروب کوتوردیلر حرمه اولان نسوان مهمانی و بساط و آوانی یه وارنجه غارت  
ایتدی لر سرخوش اراذل غارت ایتدکری اشیا بی یولدر راست کلدک لرینه جزئی بهالیه  
فروخته آدم آرلردی عسکر بوفساده جرأت ایتدکدن صکره کتدی که جمعیتلری  
کثرت بولوب مراملرینه مساعده اولنمق سزین دفعلری رتبه محاله واری ازین جانب

ابشیر پاشا و مفتی سرای عامره یه وارد قلدنک حضور همایونه داخل اولدی لر سائر روز و اعلا  
جمله دعوت اولنوب عقد مجلس مشورت اولنمشیدی دفعه ثلثه رفعلر ایچون آدملر واروب  
اصرار لرینی حضور اعلام ایدرلردی لکن مقصود دلری شتودر دیوزر و مفتیدن حجاب  
و پادشاه دن خوف ایدوب تصریح ایدرلردی ابشیر پاشا ساده دللک ایدوب پادشاه  
اندر فساد معتاد اولدی لر مرادلری پادشاهه سوء قصد در فرمان یوزک علم رسول الله علیه  
السلام چقسون و جمله شهر خلقی جمع اولسون بوستانجیلر و سائر سرایه اولنر قوشانسونلر  
اسکدارده اولان لوندات قایقیر ایله سرای اسکله سنه کلوب چقسونلر و جمله سنک  
حقندن کلنسون دیدی سابقه اولان جامع سلطان احمد وقعه سی کی بلکه برایش کوریلور  
ظن ایتدی خبری یوق که بوجعیت یا لکتر کند و ایچون ترتیب اولنمش ایدی عسکرید و شهر لید  
و سرای خلقه وزیر یاز قدر لفظی سویلر بر آدم یغیدی پادشاه امی اولغله ضرر عامدن  
ضرر خاص اهن ایدو کتی بلایوب ولوا رسول الله علیه السلام چیقوب امت محمد اولان  
سجاق التنه کلسون دیمک اول وقت اولوردی که بر قوم خلاف شرع تجمع و تحیر ایتمکله  
خروج علی السلطان ایدوب خواص و عوامک اکثری طرف سلطنته مطیع و محبت ایله  
منقاد بولنمش اوله لکه مطیع اولنلر جمع اولوب محافلیندن متمیز اوله ل جمع اولان مطیع لر ایله  
مخالفتینک اسلی صالنه اقتدار حاصل اوله امانت و بالله خلقک اکثری بلکه جمله سی طرف  
خلافه بولنوب کبار و خواصک رأی و تدبیرلری دخی انلری تأیید منعطف اولدیغی صورته  
علم رسول الله علیه السلام چیقارلسه ده جمله سی تحفته جمع اولوب عباد الله به نافع مصاحت  
بودر دیونه استدک لرینی ایدرلر خلقی جمع ایچون علم اجر ای حق و ابطال مظالم و ابطال  
ایچون اوله کلشد اجر ای باطل ایچون اخراج علم اولر خلاصه کلام جمهور عامه یه جواب  
ویرلر جمع دولتمرده اهل سیف متفق اولدقد استدکاری اموری اجر ایدر کلشدر چون  
فتنه متمادی اولوب وزیر و مفتینک سرائلرینی یغما ایتدکری سمع همایونه القا اولندی پادشاه  
حضر ثلری مضطرب اولوب بوجعیت و فساددن مرادلری ندر دیو سوار بیوردیلر مراد پاشا  
کوز اوجیه قول کتخداسی کجه جی اوغلی محمد اغایه اشارت ایتدی ایش بته جک محله کلدک  
سویله شکلند غزین ایله دستور و یردی پادشاهک سوالنه حاضریندن کسنه جواب  
ویرمیبوزر و اعلا و اعیان سرفرو ایدوب یره باقدیلر قول کتخداسی خلقک اشاغیسنده  
ایدی ال باغلیوب طور ردی مراد پاشا نک اشارتیه جرأت ایدوب ایلر و مقابله همایونه  
کلوب دعا و ساد نصبره دولتمرد پادشاه قوللری کتر جمله پادشاه مزدن خشنود و راضیلردر  
انجق وزیر لالاکی استمرلر دیوب ابشیر پاشای کوستردی پادشاه دخی نه استمرلر دیدک  
مفتی افندی استمرلر دیدی بوندن مقد مجه ایسه طرف پادشاه هیدن فرمان ایله  
واعظ ولی افندی جمعیه ککوندر لمشیدی مزبور ولی افندی اول وقت مشایخک  
مشهوری اکابر ایله مختلط بسط کلامه قادر بر مخرج عالم ایدی حتی اهل دنیا ایله  
و اکابر عوام و متمولان تجار و سرکارده اولان و جاقدر ضابطلری و نفراتیه عوام  
اختلاطی جهتندن علما داخل ایدوب ولی اغادیوب تزییف ایدرلردی یکچیریلرک لسانی



پلور و انرا ايله مختلط اولغين جمعيتي دفعه بلكه نصع و پند ايله سوز پكون ديو جمله نك  
 راييله مامورا كشميدي آت ميدانه كلوب جمله يه پادشاه دن سلام كتور و پ طاعنه  
 متعلق قدر تي مرتبه جرب زيانلق ايدوب سويلدي كورد محمد و سائر اختيار لر واعظ  
 افندي تاو زرايله مفتي قتل اولند قچه بز طاعنه زو بو طرفك حالي بويله انا طولينك حالي  
 مشويله ديوب يوقارودن بر و ذكر اولنان مظالم افسانه ليني على التفصيل يسان  
 ايلديلر اولدخ كوردی كه نصيحت ايله بته جك و دفع اولنه حق ايش دكل همان ريشخنده  
 ياشليوب كورد محمد تحسین یوزدن باشتی تحريك ايدرك و الله اغاركتابی سوز سويلدك  
 بوكچ ياشنده احوال عالمه بوقدر مطلع اولغه هزار آفرين عقل ياشنده دكل ياشنده در  
 ديدكاري كر چكدر بقه اغاشته داعيكر پوسوز لری هر برينه كراتله سويلدم الله اصلاح  
 ايدم چككري هيچ بريسي دكدي حنی كورسيه لر عزمه امت محمدا ثناء و عظمه ييله سويلدم  
 و عالمك حالنه اغلشوب اصلا حچون خير دعائر ايدرك اغچق دعا جي بلو كندن  
 اولغه اليزدن غیری هيچ ايش كلز حلا وانيم بومعقول سوز لري كزی پادشاه مره اعلام  
 ايدم ديدی كورد محمد و سائر بومد اهنه دن مخطوط اولوب بربر لینه اهل حق  
 هلمایي كورد يكر می هی بابام افندي الله عظيم الشان علمك از تورسون ديه رك تعظيم  
 ايله يوللا ديلر شيخ دخی قالمقوب سرايه اول وقت كدي كه كيچه جي اوغلي حضور همايونده  
 طور و پ و زيری و شيخ الاسلامي استه مزلديوب تبصر محاسوب و لي افندي كورد يكه  
 قضيه تحقيقي اوزن پادشاه معلوم اولوب غیری كتم و ستره مجال يوق اولدخ واقعي بيان  
 ايدوب پادشاه جمله سنك سوز لری بودروايكيسي دخی قتل اولند قچه طاعنه احتمال  
 يوقدر ديوب كيرو چكدي پادشاه تكرار سوال ايدوب يامفتي افندي يي نچون استمزل  
 ديدك ينه كچه جي اوغلي پادشاه وزيرك نامشروع امورينه تمشيت و پروپ رستوله چوق  
 مصالح كوردی بومظالم و مفاسد جمله انك اغماض عيني سببيله اولشدر ديدی و مفردات  
 قباچ اعماله متعلق ايكي سنك دخی جرایعندن و افر مواد ايراد ايدی كه حضار مجلس حيران  
 اولديلر نامراد ايشير پاشا كوردی كه اور تالق جمله كند و ازاله سچون يكر بان و كندودن  
 غیریسي بوقضيه ده متفق و همد استان اولشور مهر سلطانیدن بلكه حیات مستعار  
 مانیدن ما يوس اولوب تحت همايون پيشكاهنه واردی زمین بوس ايدوب پادشاه  
 حضور نارينه تضرع و نیاز ايلدی بيت عد و نواز شر دست كر ملاشاد اولسون همان يانكده شكست  
 دلم مراد اولسون مفهومنی اسان حال ايله بيان ايدوب مهري تسليم ايلدی پادشاه مهري  
 الوب بوستانجي باشی يه آل بوني كوتور بربرده او تورسون ديو امر ايلدی بوستانجي باشی دخی  
 ايشير پاشاني الوب حضوردن چيقاروب طشره بوستانجي طر فنده براوطه يه قيوپ  
 يانته مؤكلار تعين ايلدی پادشاه مهري مراد پادشاه طوغري طوتوب كل لالال مهري  
 ستي و زير ايلدم ديو بيورد قلنده مراد پاشاير اوپوب بسطاعتدار ايدوب اغليه رقي  
 پادشاه بن عهد سندن كله تم دونما خدمتده اوله يم و زرا قواللري كزندن برغير يسنه  
 احسان بيورك ديو مصنع ابا اوستغنا ايلدی تكرار ابرام اولنوب جنك زركري

وادي سنه تكليف و استغنا تكرار اولدقدن صكره الوب قبض ايلدی مراد پاشا  
 ثانيا وزير اعظم اولدی اندن پادشاه بالذات ابو سعيد افندي يه خطاب ايدوب  
 سنه وار براوطه ده او تور ديوب بيورد قتل اولدخ قلقوب اغليه رقي امر پادشاه مكر  
 ديو چكدي كتدی اردنجه بوستانجي باشی واروب بر مفر و شر با شقه او طه يه  
 كوتور و پ افندي بونكه كلنك انشاء الله تعالى بونده برشی يوقدر ديو نسلي ويردی  
 و منصب فتوى صدر رومدن معزول حسام زاده عبد الرحمن افندي يه توجيه اولنوب  
 سريره چاغرد قلنده دوراندينش و عاقل آدم اولغه استغنا و اعتذار ايلدی تكرار خط  
 دعوتله چاوش باشی كلد كن واروب حضور همايونده بياض صوف سمور خلعت الباس  
 اولنوب شيخ الاسلام نصب ايلديلر تكرار پادشاه شيخ ولي يي و بر آدمی دخی كوندروب  
 استه وزير و مفتي يي عزل ايتدم شمدی بر جزيره يه نفی ايدرم غیری طاعنه سويلدو  
 بطريق الرجا رسال بيورد قلنده اصفا ايتيموب عنا لر نده مصر و مد عالين تكرار ايلديلر  
 بالضرور ايكي سنك دخی قتلنه رضا و يراوب بوستانجي باشی يه ايكي جلاد و احضاری  
 فرمان بيورلدی اول محل مواليدين بعض عاقبتی فكر ايتمرك سنه لر ابو سعيد غرضلری  
 اولدوغندن بعض مظالمی ذكر ايدوب دفع فتنه اچون قتل اولنسون ديدك يركنه تعيب  
 الاشراف زيرك زاده جمله يه اعتراض ايدوب قتل اولنما سنه فساد عظيم وارد شيخ الاسلام  
 تامنه اولان آدم سائر اهل جرايم كي را يكان قتل اولنق نه مرتبه قبيحدر ارتق ناموس  
 علم ابراد اولور يارين بركون بر بهانه ايله هر بر يزی قتل ايدر لر بو محالدره فساد عظيمه سببدر  
 احكام شرعيه ده ييله تعزيرات هر كسك حال و شانته كور در عوامه اولان تعزيرات علمايه  
 اجرا اولنق جائز دكلدر ذوی العقولدن اولان بوكار خصمت و بر رمی بز جمله مز مقدم  
 قتل اولنما بجه مفتي قتل اولنمزد يوايق با صوب حقا كه عجب جرأت و تدبير ايدوب  
 مقدمات معقوله موخشه بسط ايتكله ابو سعيد افنديك قتلدن خلا صنه سبب  
 اولدی پادشاه بوستانجي باشی يه فرمان ايدوب وار ايشير پاشاني بوغديروب  
 ميني طشره براق ديدكده بوستانجي باشی چيقوب ايلرويه ايشيره خاصكي كوندروب تقدیر  
 بويله ايش و ضوة و نمازه مباشرت اينسونلر ديو خبر و يردی اول طلب اولنان ايكي  
 جلاد دخی كلوب او طه قپوسنده حاضر اولديلر ايشير پاشا بوستانجي باشيدن رجا  
 ايدوب براقو مش آدم بنم يانمك ييله اولسون و بكام اسم استغفار و توبه و انابتی  
 تعاليم اينسون خوف و خشيتدن شعورم يوقدر بوبا بل بكامداد اينسون ديو خبر  
 كوندردی بوستانجي باشی دخی كاتبي قوجه مجود افندي يي كوندروب و اير پاشايه تعاليم  
 استغفار ايله ديدی مجود افندي صلاح و تقوی ايله معروف بر پير مبارك آدم ایدی  
 ايشيرك او طه سنه كيروب آبدست الدپار و نما ز قیلوب زانو بز او قبله يه متوجه  
 او تورديلر و ايشيره كله شها دئين و ايمان دعا سي و استغفار تالقينه مشغول اولاش  
 ایدی قتله مباشر اولان خاصكي كه يونلرك نماز و نيازی تمام اولسنه منتظر ایدی  
 جلاد لره كلك اچر و ديو اشارت ايدوب كندوسي رقت قلمندن طشره جقه شمیدی



جلاد را بجز و کبر و ب چه بکشد قتل اولنه جلودن بری وزیر بری مفتی اولق اوزن  
 سوبانمش لیدی ابشیرایله زانو او توروب تاقینه مشغول اولان محود افندی بی مفتی  
 ظن ایدوب جلاد ک بری کند ی ابشیرک کردنه طاقوب چکدی کی یانده  
 اولان اعز من که عجمی جلادیدی کندنی محود افندی نیک بوینه اتوب در حال درکار  
 اولدیله محود افندی کند ی بو غازندن طو توپ بره کافر دیو حایقرد قده قیو اوکنده  
 طور انرا یحی و کبر دیلر بیچار محود افندی نیک بوغازینه کند ی کوب نزاع اوزن بولد بلر جلاده  
 حایقرب بره ملعون چک الکت دید که جلاد غلط اولدوغنی طو توپ ال چکدی زواللی  
 کند ی بو غازندن چیقار دق و جلاده بره کافر خنزیر الله بلا کی ویرسون صوروب سوال  
 ایتدین یه هجوم ایدرسک دیو سوکرک طشره اولدی سبحان الله حیو میتا بویه  
 کسه لک یانه یا قاشق نه مضرا یتمش دیمکه با شلدی سیماوش جلاد ابشیری بوغوب  
 برکسکین سکین عظیم شقره ایله باشتی کسدی جسدینی برکوشه دما لقیوب باشتی  
 بریشتمال ایله جمع لشکره کوندردیلر ابشیر یاشا کندویه قفاد اولق زعمیه کتوردیکی  
 کورد ملعون بیت لقدر بیت جر داطول د عمری فلما صار کلبا غرض رجلی مضمونی اوزره  
 ایاغنی طلق دکل ولی نعمتک کله سنی قویارد نجیچا لشدی با شک میدان کلدیکنی کورد که  
 سرور عظیم اظمهار ایدوب بیوردیکه برسیپا هی کله بی بر حربه اوجنه کوروب فلان  
 ایدنک وفلانک با شیدردیمتون میدانی کزدردیلر جمله سی کورد کدن صکره بر خطبک  
 اوجنه کوروب مستراح لک بامی اوزرینه دکل یلر اول کون ریا ح شدید اولمغله هیوب  
 روز کاردن صالوردی اخشام اولد قده وزیر مراد یاشا آدم کوندرب باشی کتوردوب  
 جته سنه الصباق ایدوب ایرتسی یوم الاربعاده بعض وزرا و علما ایله نمازنی قیلوب قره مصطفی  
 یاشا تربه سنه رهگذاره قارشو بر پنجره وراسنه دفن ایتدیلر حالاجوزله لی سنک مزاری  
 مشهور در وزیر مشار الیه میر اخور گمیرایکن وزارتله چیقوب بدون والیسی بعده وان وشام  
 و حلب ایالتارینه نصب اولندی بی محله مذکور در اصلنه بازاره یاشا خدمتده و طفل ایکن  
 اتک یانده تربیه اولغنین لوند مشرب ساده دل امی و عواقب اموری ملاحظه و تصوردن  
 غافل عدل و داد حکومتده انفرادک انجق سوزنی بیلور و مهابت و تحویف ایله خلقتک مالی  
 آسان وجهله الورامیانه خشونت زهد ایله متصف قهوه پینه اسیحق سوداچر دنان  
 ایچن یانده خمر ایچندن بدتر در صاحبو مشایخی سوریکنور اما برجه بیل ایتمز اکثر یا  
 رعایتی جمع ماله قادر ولایت یقمق فننه ماهر واجب القتل اراذله ایدی اکثر مهارتی  
 جبرید و مزراق اوینا تمق و قایمچ چالمق وات قولنمق و شکار احوالی سوباشمکه ایدی لکن  
 اغور همایونده و سبیل غزاده رده قدرایشه یرامدی دایمادیز اوزنده اوتور راز سوبلر  
 هیچ کولر کسنه یه قیام واکرام ایتمزدود مراسم و مراتبه رعایت ایتزدی خلق اکثر یا  
 غروردن مقهور ایدیلر جته سی صغیر و دستاری کبیر دکل چند یانه و لاسی چرکسی  
 ولونده قامتی قصیر حرکتی جست و چایکانه ایدی قوت بختی قدر تصرفات عقلیه سی  
 اولیدی جمله وزرای او نو تدرردی و ساکن اولدینی سرای وقعه منده عایشه سلطان

سر ایدر که حالا ایاصوفیه یولنده مرحوم کوپرلی زاده فاضل احمد یاشا بر قاج سرای دخی  
 الحاق و تعمیر ایتدیکی سرایه منظم اولمشد روزیر مشار الیه ک بود درجه و مال و قوتی و ارا یکن  
 حله بد ذمیلر محله سنه بر خان و بعض دکا کین و او قافندن غیر نامنی اکدر بر خیری  
 یوغیدی و ذکر جمیله باعث بر اثر حسنه سی قالمشدر علما و شعرا یه و بقاء اثنان قادر  
 اصحاب عرفانه بر حبه کرمی اولمیبوب حتی حقنه قصیده لرنه غزل ونه بر تاریخ سوبانده مشدر  
 بلکه مدحنه متعلق قطعا بر موزون کلام سوبانده مشدر در لر و ابو سعید افندی بی  
 محمد و میله بر قایغه وضع و کلمبولی یه نفی ایتدیلر چون ابشیر قتل و مفتی نفی اولندی  
 صکرینه طاقوب فلانی و فلانی استرزد یومقامی از در دیلر والد مکرمه حضر نری  
 وزیر و مفتی و علما بی جا غروب بعه یاشا حضر نری و افندی لربته بوجعیت یوکون طاقملودر  
 اراذله سوزدو شک کدر کونیم سزی بای حال واروب دفع ایتک ککر کسر دید کلرند  
 جمله سی علی الرأس والعین دیوب وزیر و مفتی طرفندن سفارت ایله بولوی مصطفی افندی  
 و اسعد افندی و عصمتی افندی و منقاری زاده بودورت منلا کوندردک معقول کوردلی  
 وزیر دیدیکه واروب جمله سنه بویه خبر ویرک یوکون طاقملو نربعه استمد کلری  
 کسمه لک جمعیت سر حقلندن کلورم و ولد شلرینی وروب مراد لرنه مساعده ایله خاطر لرنه  
 رعایت ایدرم یو جمله یه نعهد ایتمشدر مفتی افندی دخی ذکر اولنان افندی لره کوره یم  
 سزی عقل با شندن و برر مملکت ضبطنه قادر عالم و فاضل آدم لر ستر صاحب دولتک  
 قعهد بیورد قاری اموری بر خوش افهام و کوش قبول لرنه اصفا ایتدر مکه اتمام  
 ایدوب خاطر لرنی توطین ایچون اقتضایدن مواد مطلوبه لرنی تحریر ایدوب تحریر لرنی  
 مشتمل بر حجت یازمغله جمعیت لری طاقملو سزدیدی افندی لر جمعیتکاه روانه اولدیلر  
 بوجعیت ایسه الحاق اراذل و انضمام اوغادایله متکثر اولوب کیمی فلانی استرزد کیمی فلانی  
 پاره لرز کیمی کند و ضابطه لرنک اسککی قباحتلرینی و کیمی دشمنلر نیک جر ایم و مهمت لرنی  
 میدان کتوروب انواع ترهاته اغاز ایتمشلر ایدی او چاق کبارندن ارا لرنه بولنان قره  
 حسن اغازاده حسین اغا و کتخد اسککلکدن معزول قوجه سر خوش حمزه اغا قتل وزیر ایله  
 کار مطلوب وجوده کلوب ایش بتمد و کتی بیلور لر دی بوندن صکره نفراتک فلانی  
 استرزد فلانی دپه لرزدید کاری لغو محض ایدو کنی ادراک ایتمکه ایکسی معالبد ست  
 بهانه سیله قالقوب اوجاق اغازندن کزلو قاقچق مراد ایتدیلر اما سفهای نفرات آردلندن  
 ایریشوب طاش و یومرق اون رق زورایله ایکسینی دخی کتور دیلر ناچار اوتوروب  
 قالدیلر وقت عصرده وزیر طرفندن کوند ریان افندی لر کلوب علما کلیمورد یو خلق سنی  
 اولوب اول دورت منلا کلدیلر اغار و کورد محمد استقبال ایدوب صدر مجلسه او توردیلر و اغار  
 قرشورند و سائر عسکرات اندرقات جمله اطراف اطاطه ایدوب افندی لرک کلامنه و لاق  
 طو توپ طو ردیلر ولوی و عصمتی ایکسی سیه متکلم فصیح اللسان اولغنین اغاز کلام ایدوب  
 دولتلو یاد شاهزندان صداقت کار لری دین و دولتک مطیع و مستقیم خدمتکار لری  
 اولان یکجیری و سپاه قولرینه و ضابطان و اختیار لرنه و سائر نه التفات ملوکانه ایله سلام



ایندیلر دید که الله تعالی پادشاهم را که در دولتتی زیاده ایلسون دیوز غلغله قور یاردیلر که  
افندیلرک سامه لری بر طنین اولدی بعد فرمان یوردیلر که دین و دولتیه نافع اولیان  
ایشیر پاشا بی قوللم استدیلر جزاسنی ترتیب ایلدم و مفتی بی انگله متفقدر دیدیلر علمایه  
اعظم جز اولان تنی لک حقنه اجرا اولندی بوند نصکره رضای همایونی استر لسه  
جمعیتی طاعنسونلر دخی استمد کلری واریسه بلا جمعیت حقارندن کلنک اچون  
وزیر اعظمه خط وروب نسیه ایلدم و قانون اوزن رجاری هر نه ایسه مقبول همایوند  
مساعده اولنور در یاده شمن حرکتی معلوم دو نجا چقه حق و قدر امور مهمه تعطیلنه  
باعث اولسونلر و جمعیتی طاعیدوب غیرد عامه مظهر اولسونلر دیور مشلردیدیلر  
گوردیچ دیوکه امر پادشاهم کدر امامه سکرک دخی استمد کلری آدملر وارد جمعیت  
طاعنلر قد نصکره حقارندن کلنر و سیاهلک دخی رجاری و اولد شلری مساعده اولنر و سوزلر  
اوندیور دید که عسکی افندی جواب وروب بقه انا جمعیته محتاج اولان امر معظمه وزیر  
و مفتی احوالی ایدیکه بر طرف اولدی سائر لری جزئیات قبیلندیر علی الخصوص انلرک  
حقارندن کلکی و سیاهلک ماموللرینه مساعده اولنن پادشاه نسیه ایدوب طالا وکیل  
السلطنه اجرا سنه متعهد اولوب بزرگ شاهد اولد قد نصکره حصوله کلامک نه احتمالدر  
اول اشلری سرتش فرض ایدک بزم توسط ایلد یکمز امورده خلاف متصور دکلر  
سزل مسلم و موحد لر سزد نیا و آخر نکتری اوزریمزه صیانت لازمدر پادشاه اسلامک امرینه  
اتقیاد و نسیه لری طوتمق جمله مزه واجبدر ماموللر نکزه مساعده یوردل قد نصکره  
جمعیتده مصر اولاق ندو ذی الله خروج علی السلطان تهمتی ایجاب ایدر الله تعالی ناک  
ورسولینک آثار ضاسی یوقدر لایق یودر که بعد ازین طاعنلر سز ظل الله حاضر نلرینک  
غیر دعا سنی اله سز و شرع شریفه اطاعت و عرض دولتی صیانت ایتمکه عند الله  
و عند الناس مقبول اوله سزید که جمله سیلال اولوب بر جوبه قادر اوله مدیلر بعد اختیار لری  
ایندی یخصوصلر اجرا ولنه جفتی بر حجت ایدوب بزه ویرک دید کلرندن باش اوزرینه  
بسم الله دیوب عصمتی الذ قلم الدی مجلسده اولان مکالمه بی ورجایت کلری مواده مساعده  
بایند اولان مواعیدی مشتمل بر حجت یازوب مقتضای وقت اوزن نازکله بر قالبه افراغ  
و تحریر و دورت افندی امضا الیوب مهر لیوب اللری یوردیلر بعد فاتحه دفع اوقنوب  
ایندی برونده ایکن اغاروسوز صاحب لری یلورینه کتسمونلر و نفرات طاعنلر بشلسون که  
بزده کلامزده کاذب اولیوب واروب پادشاهیمزه اطاعتتیزی تبلیغ ایلیه دیدیلر ابتدا  
گوردیچده القوب سز لیه الله اصهار لدق دیوب بعد سپاه زمهره سی اردینه دثوب صماتیه  
اسکله سنه طوغری کیدوب اندن قایغه کیروب اسکدان یخدیلر سائر یکچری وجبه بی  
زمهره لری دخی طاعنلر یوز طوندیلر اول منلار جمعیتی طاعیدوب سائر احوال لری نه مساعده بی  
تدریجه ایقومغله عقد اجتماعه انحلال وروب سرای همایینه کلد و یارب محمد الله دولتکرده  
طاعنلر یلر دخی یوردیلر پادشاه و اولد محظوظ اولوب افندیاره بر کورکلو صوف احسان  
یوردیلر تیدیلر استایبول قاضیلر نامزد قدیمی اولان نجارانزاده محمد افندی به

۳۱ ویرلدی قیوداللق دلاک مصطفی پاشایه توجیه اولنشیکن بر قاج کوند نصکره عدم قدرت  
اظهار ایتمکه عزل اولنوب بوزجه اطه محافظه سنه اولان سورنازان مصطفی پاشایه  
عنایت اولندی دو تنای همایون حاضر و مهیا اولشیکن اخراجی قیودان جدید کلخنه  
تاخیر اولندی یکچری اغالغی ایشیر پاشایه مهر کوتورن موسی پاشا دامادی میر آخور  
محمد اغایه ویرلدی دفتر دارلق صوفی محمد پاشایه ویرلدی احوال لوندات و مبد اظهور  
ابازه حسن اغا ایشیر پاشا قتلنی اسکدارده اولان بیک قدر صارمجه و سکیان ایشیتکلری کی  
آلنرین اکر لیوب بعد الیوم بزه بودیار حر آمدردیوب همان اول ساعت جمله سی اناطولی به  
قرار ایتدیلر ابازه حسن اغا که سابقا وقعه مند ترکان اغا سیدر ایشیرک مقبول و مقرب  
اولغین کندی و ایله آستانه به کلوب زمان دولتند موتمن و مسنشار اولدینی مذکور در کورد  
محمد امثالی ایشیرک بعض اوضاعندن خاطر مانده اولوب اسکداردن بروچمد کلری ایامده  
ابازه دخی انلر و جمله سیاهه مامولات شگنده ایشیره خاطر مانده لک اظهار ایدردی امدار و نند  
محبتی اولوب علیهنه سعی واز اله سنه مراد ایتمشدی استمدادی مرتبه خیر خواهلغندن  
ثابت ایدی قچانکه مراد پاشا کورد عیدی دعوت و عطیه و وعده لایله اسمالت ایدوب  
تحریک فتنه به تعریض ایلدی و کوردیچ بر مقتضای طمع و جرات تشمیر ساق ایدوب  
اسکدان یکوب سیاهی لری کندویه اویدر مق بایند مشورت ایلدیکنی ابازه خبرالدی  
گوردی چاغروب بقه کورد سن یوفسادی قالددر سن اما سن ونجه یولد اشلرک بویولد  
تلف اولور سز ایشیر بزه قدریه زور میوب دشمنلک ایلر سه ده ینه سارندن بزه انفعدر زلر  
صعب عزتی و معاون دولتی اولدیغی یلور و حق خد متمزی اکلار یوقه دکلر بزه از لطف  
ایتمدی نه رجایلدک ایسه مساعده ایلدی سلیه سنه یوقدر مال و قوت صاحب اولدق سکا  
بولی سجناعتی ویرمدیمی ولایت یقدیروب یوز بیک غروش المادکی بوند نصکره یوحر یفک  
زوالنه سعی ایتمک ولد زنا لکدر دیو وافر نصح ایلدی کورد جواب ویروب مکرر بکابر سجناق  
ویرمک پراشیدر سیاهی یلد اشلری جمله کندویه عدودر انلر و عد ایتدیکنی شیلری ایتدی  
طوتالم بظرف دارلق ایدم لم دولت خلقی و اوجا قلی عموما کندوی استمر لر مراد پاشا کی  
دشمنی و اربابین غیر آدم لری یله سیاهی بی ایاغه قالدیروب ایشینی بتور لر زحرم قالورز  
ایوسی بودر که ینه بولیش بزم الیزله بتوب مراد پاشا ناک یاتنه معزز و مکرر اولم و دیلد یکمز  
منصبی کندودن آلام بر فلانک غیرتی نجه برچکه لم حسن اغا نصیحت ایدر کوردی مفید  
اولدی کورد جمله سیاهی بی و کند وکی زور باری اویدر قد نصکره ابازه به کلوب قالدق  
سنه بزمه اول دیدی حسن اغا غضبه کلوب وار بره خاش کورد قاینا تدیغک فتنه بی  
نجه یلورسک او یله ایله دیدی بن یو بلایه قارشم لوندات ار اذلنک علی الخصوص  
اکرادک حاللری بودر عقیب کی مضمر لر در هر کیمکه کندولر ایولک اید فرصت  
یولد قلی کی اناک باشنه قصد و نعتی سلب ایدر کلشدر دیو قاعده در سز یوخیاتنک  
البته جزاسنی جکر سز باری بن اراکرده بولنیه دیدی حسن اغا لک مخصوص  
ایکی بیک قدر تفننک ایدر اناهادر عسکری واریدی کورد شیطانلق ایدوب حسن اغا ناک







عاجز قالوب نه چان ايله جگني بيلوب تحير بچينه طالدي احوال عصري سابقا کن  
 صد ارقى وقتنه قياس ايدردى و بوهنگام ضرورتى قارون وقت زور باغالرك زمانته  
 كوردىكى وسعتنه موافق ظن ايلدى اما ملا حظه سى كى چقمى دارالسعاده اغاسى  
 پيرام اغا و سائر مصاحبان و مقر بين طرفندن و زراى ماضيه يه ايله كار كرى  
 رجا تذكرو لرى و نجه مصالح اچون حصولنى استمد عايه متعلق خبر لرى كلوب  
 مخالفت ايتديكى ماده والده محترمه طرفندن تنبيه و طرف پادشاهيدن خط هماين  
 كلكله زغما تمشيت اولنوردى اظهار شكائيت ايدوب مصرف چو قدر ايراد از در ديومور لرى  
 رجا ايدر لرين زنه دن كتون يم يم ايشمه نچون قار شور لر ديو خبر لر كوندرد كجه سن فتنه  
 قالد يروب بر آلاى استقباليه ولدش و يرمك و جالقي نامنه اولان زور باراذلى نصيح ايتيك  
 لازمى ايدى كند و كسب يد كدر ديو قهر و نكال يوزندن جوابلر كوردى بو كونه اتش قهريله  
 كباب اولدو غندن ماعدا انا طوليله ابازه حسن اغا نك طهور و جمعيتى دخى باشنه  
 بر قيد عظيم اولوب استانبولده ايقاظ ايتديكى نارفتنه هنوز سكون بولدى انا طوليله دخى  
 بو يوزدن فترت و اختلال ظهور ايتكله پاشاى مر قومك زمان حكومتى اوضاع غريبه  
 و حالات عجيبه ايله حيرت فزاى جمهور اولمشيدى بيت هب سعى و طلب كيدر بيانه  
 اخريد يكن ايدرزمانه مضمونى اوزن بو مشكلات عظيمه يه چان سازلقدن مآيوس  
 و عاجز اولوب بوبلاى ناكهاني ظهور ايتمزدن اقدام و طوفان محنت باشدن  
 اشوب زمام تدبير الدن كتمزدن مقدم بوو رطه هولنا كدن قورقلق كر كدر ديو چان  
 اند يش اولوب يرينه مآمون الغا ئله بر ريزى وضع ايدوب كندوسى حج شريفه كتمكه  
 قرار و يردى و شوالك اون التنى كوني وزارتدن قصريد ايدوب مهرى پادشاهه تسليم  
 ايتدى كند و التماسيله شام ايا لى كندويه توجه اولنوب حج شريفه اذن و يرلدى  
 و سايمان پاشا كه بعد زمان اسكدر ده ساكن اولوب نجه سال عمر سورن پير در مهر  
 مراد پاشا استصوابيله اكا و ير يلوب وزير اعظم اولدى و مراد پاشا در يادن اوج قدر غه  
 ايله كيدوب پياس اسكله سنه چيقدى ادينه دن و سيس و اول نوا حيدن مكارى  
 بار كير لرى كتوروب شاهه متوجها حليه واروب حماده علاقه كليه سى اولان ارناود  
 محمد پاشانك سراينه قوندى استانبولدن كثر ت همومدن مزاجى جزئى جه مخرف  
 اولوب پياسه ايكى كون او تور مغله اول ساحل پر هلا هلك سميت ماور خامت هواسى  
 شهبيله بعض اخلاط پيدا ايدوب حمايه واردينى كى حمايه مبتلا اولدى و حماي محرقه يه  
 ميدل اولوب مهمان اولدينى سراينه وفات ايتدى صاحب سراى محمد پاشا كند و اچون  
 تهيمه ايلديكى مزان دفن اولدى راوى ايدرا كر چه تاريخيلا مراد پاشا مهرى حسن  
 اختياريله براقدى ديو مسطور در لكن احواله واقف در دن منقولدر كه ايرادك قلى و مصرفك  
 افراط اوزره كثر تى سبيله عاجز اولوب طواشى اغالرك وجه اندرون همايون جانبك رجا  
 و نكاليفندن بيزار اولغين ايشير پاشانى مكريله دفع ايتدو كى كى اغالرى دخى استيصال  
 اچون بوجعيتنه درونى نصيم ايلش اما بوبابله مفتى افندى محرم اولد نجه ايش كورلر

بر ته باجلسه در درونى حسام زاده يه كشف ايدوب افندى نيم طاقم قالدى خزينه نك  
 بويله ضرورتى و جانب حرمك كثر ت شفاعتى چكلمز بر بلادر بوكنه وجهله تدارك ايدرم  
 ديدكله نه معناليه ناميج ايتديكى حسام زاده فهم ايدوب تجا اهل العارف مقتضا سبجه  
 جواب و يروب بونك چان سى تحمل و ممكن مرتبه مدارا در اكثر يا جمعيت و فساده  
 عقبنجه بو مقوله مقضيات ظه و رايه كلكشدر اور تالق برخوش آسوده اولسون انشاء الله  
 تعالى بسر حاصل اولورديش هر نه قدر اول واديدن سوز آچش ايسه اغزينه طقمش  
 حسام زاده دن مآيوس اولد قده عز لنه مژشمرا ولد يفتى افندى طويوب قضيه يي  
 پادشاهه و والده سويلمشيدى اما مراد پاشا بر مهيپ ادم و سابقا و طالا فتنه قوپارمش  
 قور قنج حريف اولغله بردن عز لنه جرأت اولنوب مفتى ايله استئشان اولنش مراد پاشا  
 طويور قده حضور همايون و زرا و علما ايله بر كون ضرورت خزينه اچون عقد ايتد كرى  
 مجلس مشورتنه شكائيت واضطراب يوزندن پادشاهم بن تدارك عا جز قالد ايراد  
 يوق مصرفى كون مز اولدق صور تندن و افر سوز سوناش مرادى بويامش كه چان سازلق  
 رآينه حواله اولنوب دارالسعاده اغاسنك و بعضيلرك تبعيدى اچون اياق باصه اما  
 پادشاه و والده مهرى المى اچون مفتى ايله سويلشمش لركن بردن طلبه جسارت  
 يوق همان مفتى اولجلسه اياغه قالقوب پاشا حضرت لرى چونكه بو خدمتدن اظهار عجز  
 ايد بوسون پادشاهه مر امانتى استيوار لور يرك بر غيرى قوللرينه تسليم ايتسونلور ديدك مراد  
 پاشا بوزياوب خوش افندى نه كوزل اما تى بر غير و ويرد كرى صور تده بو مشكلاته تدارك  
 و تدبير لازم دكليمدر اول تدبير مكالمه اولنق ممدريدى مفتى افندى اول تدبير اتى توجه  
 بيورد قلوى قوللريله سويلشمش سونلر جنبه كرده اولان مهابتدن و هر بار بويله مضطربانه  
 ايلديك كثر شكائيتدن طبع هماين مخطوط دكدر مهر شريفى و يرك ديو ابرام ايتدك مراد  
 پاشا زمين بوس ايدوب پادشاهم نم دخى ملحوظم حج شريفه واروب پادشاهه خيره عا  
 ايتمكد رواجداد كراميكزرو چچون اولسون شام ايا لى بو قولكزده احسان بيورك ديوب  
 مهرى تسليم ايلدى شام منصبى خطى و در يادن اوج فرقه كو تور مك خطى الوب  
 چقدى مهر سايمان پاشايه و يرلدى معن اوغلى مجموعه سنه ديشكه مراد پاشانك  
 بو بابين اولان سو تدبيرى و دولت عليه يه ضرر عظيمى بر جرم كيمير ايديكه قابل  
 عفو دكدر عسكر ك زياده لكنه و مصرفك نكثيرينه و ايرادك تقليلنه ابتدا كورجى  
 پاشا ثانيا مراد پاشا سببدر اما كورجينك ضررى بونك عشر عاشرى قدر بوقدر كورجى  
 پاشانك قصورى عدم شعورى و مغلوبيتدن بونك فضاحت نامحدورى قصده مقارن  
 تعصب و خشونتدن ناشى ايدى كندوسى باش قور تاروب ظه و ر مجازاتدن اقدام حماده  
 متواري توده خاك اولدى اما سو علمك و خا متى از زمانته ظهور ايدوب نيك و بد قى  
 چوق كسنه لر بوبولك هلاك اولدى شه كيم تفصيلي محالرينه كلسه كر كدر وقعه مرتضى  
 پاشا در بصره افراسياب اوغلارى ايله اولان وقعه در اوتوز سنه مقدارى زمين  
 بصره امير الامراسى اولان والى متغلب افراسياب اوغلى على پاشا اول مالكه بوقدر



زمان متصرف اولوب پکن سنه لده وفات لیتد کده اوغلی حسین پاشا جانشین پدر اولوب  
ایلد و مملکت ضبطنه مشغول ایکن عیلمی احمد بیگ وفقی بیگ کند و ایله منازعه ایدوب  
چون حسین پاشا ده بونله نسبت حد ائت و غر و دولت غالب ایدی و لایت اعیانندن  
وا هالیسندن بعضی یار یله سرد معامله ایدوب انلرخ بیعض مرتبه طرف خلافت اولوب  
احمد بیگه وفقی بیگه هوادارلق ایدوب بدلینه عرض محضر مثالو اوراق ویرملریله احمد  
بیگ وفقی بیگ بغداد کلوب محافظ بغداد وزیر مرتضی پاشایه که کوچی الاصلدر اکا عرض  
و محضر لری و یروب شکوی ایتدی و شویله تعهد ایتدی لکه عرض موجب بصره بی  
حسین پاشادن استخلاص ایدوب بونلرک برینه ویرسه اموال مملکت خزان بغداد  
عاید اولوب مرتضی پاشایه دخی مال فراوان ویره لر مرتضی پاشا دخی کتخدا سن بر مقدار  
عسکر ایله کوندروب حسین پاشای احضار یا خود اخراج و احمد بیگی وضع خصو سپیون  
سپارش ایلدی و لایتک کبار و صفاری اکثر حسین پاشا طرفند و سفله مقوله سی  
احمد وفقی طرفند ایدیلر مرتضی پاشا نلک کتخدا سی واردند حسین پاشا دوشوکت  
بونلغله هوادار لریله متفقمانع دخول اولوب کتخدا ای مطروحار جاع ایتد کتخدا مرتضی  
پاشا قضیه بی آستانه یه عرض ایدوب بصره اهالیسی عوما حسین پاشادن متالم و جور  
و ظلمندن متازی اولغله عیلمی احمد بیگ وفقی بیگدن بری والی نصب اولنورسه بصره  
ایالتنک شوقدر محصولی خزان بغداد ویرلمکه تعهد ایتد شلر در میریه عاید  
اوله حق شوقدر نفی واردرد یوا اعلام ایلدی کاردان دولت میری یه نفع صداسنی استماع  
ایتد کتخدا بی بصره حکو متنی احمد بیگه توجیه ایدوب واروب بصره یه وضع ایدوسن  
و حسین پاشای ای اخذ و فلا ایلیه سن دیوم مرتضی پاشایه او امر علیه اعدا ایتدی لیر  
او امر علیه وصول بولدی بی کتخدا مرتضی پاشا بصره یه سفرند ایتدی و ب عوما  
لوندانی و عسکری بغداد قوللریله قلعوب احمد بیگی وفقی بیگی یانه الوب بصره یه واردی  
و بغداد والیسی بروزی نامدار بوقدر عسکر جهاد ایله کدیکندن خلقه رعب مستولی اولوب  
حسین پاشا نلک هوادارلندن نجه اغنیا و اعیان احمد بیگ هوادارلینه متابعت کوستر دیلر  
حسین پاشا خلقه اختلاف مشاهده ایتدین ذهب و نقوده و لو و جواهره متعلق بر قاج  
قطار یوکلدوب کندویه معین بر عسکر نلک حمایه و اتجاسنه واروب مخفی اولدی مرتضی پاشا  
کدی بیکی کبی بلا مزاج بصره یه داخل اولدی اعیان و اهالی استقبالنه چیقوب توقیر  
و تعظیم مراسمی اجر ایتدی و احمد بیگ خلعت کیدروب بصره حکومتی ضبط ایتدردی  
والی جدیدک ترغیبیلر اعیان و لایت و ممولان مملکت تحف و امتعه و قماش متنوعه  
و شالار و عود و عنبر و هند و بحرین نوادری نفایس غریبه و کیسه کیسه لو و تر  
حق القدوم نامه مرتضی پاشایه اهدا ایتدی و جمله تجار و بندر نشین مالدار کذلک  
لایق اولان مرتبه دن افزون بونجه بونجه هدیه لر تریب ایدوب شیخ بندرلی بدلیله  
ویردی کذلک احمد بیگ وعده و فالیدوب فرار ایدن حسین پاشا نلک سرانیده بونلن تحف  
و نوادرتقوددن و تجاردن استدلاله ایله لدی بی احمد پاشای ویردی مرتضی پاشا بونلرک ایله

فاتح اولوب آب روی و قارایله بغداد عودت ایتدک لازم ایکن طبیعت کوزجینک لازم سی  
اولان خست و دناوت مقتضا سنجه قوت طامعه سی غالب اولوب منصب دجله ده  
واقع قیان خانیکه بر قلعه عظیمه البینا در تجار بلدانک اکثر یا اموالی انلر محفوظ دورردی  
انلر اولان اموالی البته کتورک دیو یورلدی یازدی احمد بیگ وفقی بیگ کلوب سلطان اول  
خان بندر دارالامن سلطانیدر انلر اولان اموالی بی حد هند و عرب و عجم و روم تجارندن  
بو قدر بیگ آدمک مالیدر سنین متطاوله دن پروان و امان بر کاتیلر کلوب کتیکه ما لوق  
اولش تجارک مالی آنلر طوررک سنه تعرض ایتدی بصره و سائر بندرلرک معموریتی تجار  
ایله در انلرک مالی غصب اولنق خرابی مملکته باعث در تجار پادشاهلرک معنوی خزینه سیدر  
بلاد اسلامیه ده و مالک کفره ده هیچ بریده تجار جور و ناحق یه ماللری اندی بی  
کورلمشدر لطف و احسان ایدک بونلرک داعیه دن فارغ اولک دیو یلوار دیلر دفع ممکن  
اولوب البته وارک کتورک فرمانه امثال ایدک یو خسه ستر یلور ستر دیو تهدید  
ایلدی کتخدا و دیوان افندیسی بعض محرم لریله نصح ایدوب بهی افندی عجم پادشاهلر  
بیله تعرض ایدن منزلفتنه جنکیرک سببی تجار ظلم و تعدی اولدوغنی توار یخدن ستر  
مذاکره ایدرکن شمیدی بویله ایشیه مشروعک معناسی ند دید کتخدا جمله سنی از ایدوب  
بر آلا ی فلا حارنه یا پیغه قادرلر در البته وارک کتورک دیو ابرام و الحاح ایلدی احمد بیگ  
قالبوب سلطان امریکتر اوزن واروب اول اموالی کتوررک لکن خوف اولدیرک برفتیه عظیمه  
حدوشنه باعث اوله صکره بکا عتاب بیورلمسون دیدی احمد بیگ وفقی بیگ  
ناظرینه بلو کباشیلر و بیگ قدرلوند قوشوب بوا مر قبی اجرا ایچون کوند ر قیان حاشه  
واروب بوقدر عباد اللهک اموال فراوانی سفینه لره طولدروب بصره یه نقل ایتدیکه  
پاشا لیر کبار و تجار بو حال کوروب بره بزوالی دیدیکتر رغما کر ایش بونه اولمز ایشدر دیوب  
بصره اطرافند بیدوی و عربان مشایخه خبر لا و چور دیلر و شهر و قرا دن خلق مجتمع اولوب  
جمعیه قرار ویردی لده مودی و منافق اکسک اولمز مکر بورای قبیجی مرتضی پاشایه تعالیم  
ایدر ادملر و ارایش کندوسی ساده دل و طبعند مرکوز اولان طمع مقتضا سنجه اتباع  
ایتمش ایش و لایتلینک بر جمعیتی و طشمره دن شهره عربلک فوج فوج عزیمتی خبر آلنوب  
پاشایه منعکس اولدقه مشا و ن نامه یانده محرم اتخاذ ایتدی بی مفسد فاجر لر ایله  
سویا شوب بوکده چان ایلیه لم دید کده اول شیاطین الانس بورای معقول کوردیلر که خلقی  
تحریرک ایلین احمد بیگد ر و قردا سیدر اول اموالی واروب کتورمکه تقد ر علل ایتدی لیر  
گورمدیکتری معقولی بودر که همان ابکستی دخی قتل ایدوب کله وجهه لرینی میدانه براغه ستر  
و بصره بی بر آدمکره و یروب خلعت کیدن ستر غیری خلق و عربان خوفله پراکنده و پریشان  
اولور منازع قائم مملکتی بی محابا ضبط ایدر ستر و خلقک بوقدر مالی سیور ستر دیدیلر پاشای  
ساده دل غشاوه جهل و طمع ایله بصر بصیرتی ضرر اولغنی بدیجی رتبه سنده اولان  
قضیه بی ادراک ایدر میوب بیگلر ایله قیان حاشه نقل امواله مشغول اولان بلو کباشی یه بون  
یورلدی و بر معتقد ادیمینی مباشر کوندروب بوساعت احمد بیگی وفقی بیگی قتل ایدوب



بجمله اینی عجلاله گوندن سن دیگه اول ظالم همان اول ساعت ایکسینده قتل ایدوب  
میتلرینی گوندردی خانه نقل امواله مشغول اولان عربان و شهرلی و حلال و بکرک  
اتباعندن بر فرد قالیوب بو عالی کوردکارنده لعنکم الله یا ظالمین دیه رک طاعنیلر پاشا  
اول مغدور مظلوملرک جسته لینی سرای میداننه القایدوب کویا خلقی تحویف مرادایتدی  
امامعی اول بیکاره کندوکی غدار و ستمکان التجا ایتد کارینک جزای سزاسنی کندو ترتیب  
ایلدی الاعتبار الاعتبار ولا ترموا الی الذین ظلموا فتمسکم النار احمد بیک بر معرفتلی اهل  
علم شجاعقلو کریم الخصال بیک ایدی اهالی بصره نک اکثری عاشق مثال اول امیر  
جلیل الخصالک ذات وصفاته مائل ایدیلر و طول عهد ایلر افراسیاب نسلی اولدیارده  
حکم فرما اولغله جمیع ناس نظرند عظیم القدر و شهرزاده شکنده محترم و موقر اولمشلر  
ایدی عامه ناس اینه انلری قتل دکل عرض و شت انلرینه متعلق وضع و حرکت اولنق  
اعتقاد لرینه مغایر ایدی شهر خلقی و عربان بوایکی بکر اده نک میتنی خون ایچنده غلطان  
گوردکارنده و ش هذایا فاین دیه رک جمعیتکاهلرینه شتابان اولدیلر غافل مرتضی پاشا  
کتخد اسنه خلعت کیند یروب عقابجه بصره و ایسی ایلدی بوقعه قبل العصر ایدی  
اولکیجه بصره نواحیسنندن هزاران عربان کلوب جوف لیلده عامه اهالی شهر اتفاق  
ایدوب صباحیسی نیجه بیک خلق سرای مرتضی پاشایه طوغری آلات حرب ایلر  
هجوم ایدوب بره ظالم بکراده لریمز نه جرمله اولدردک و تبارک مالنی غصب الموق نه  
منده هیدر جائزدر دیو غریو و فریاد ایدوب مایحل من الله دیه رک یوریدیلر مکر پاشای  
غدار خلقک خروج ایدوب چکرینی خلال لیلده تحقیق ایتد کد نصکره خزینه سنی یوکلدب  
لوندینه و ایچ اوغلانلرینه حاضر اولک دیو نیجه ایدوب صباح اوزرینه یورودکری محل  
مقاومت محال ایدوکنی بیلد کد نصکره کندوسی سوار اولوب ایچ اوغلانلرینی ولوندینی  
خزینه یه قوشوب طشره یوللادی بعد کندوسیمه قاجمق تدارکنی ایدی اما شهرک خارجی  
ییلر اطاعه ایتمشلر قورنلق ممکن دکل اول وقتده فرار و اختفا ایدن حسین پاشایه ده مکر خبر  
اولمش ایمن ظهور چی یقوب بصره لویه پیشو اولوب بره قوماک دیو تحریک ایتکین عامه خلق  
الحجر صداسین آسمانه چیقاروب مرتضی پاشا لویه کوشدیلر عسکریدن و بغدادیلر دن  
و اقر آدم قتل اولنوب جمله سنک انواب و ائقالتی الوب کندولرینی عربان و تالان چوله چیقاردیلر  
و مرتضی پاشا نک جمله خزینه سین کیر و جو یروب غصب الدقلری و کندولردن علی طریق  
الهدیه الدوغی اموال و اشیا یی الدقلر نندن ماعدل پاشا نک جمله بغداددن کتوردیکی  
اموال و اشیا و اسباب احتشامنی صوب الوب الوب بالآخره توسط مصباحون ایلر قتلدن تجاوز  
اولوب عربان بر آنلر ایلر ییل و یروپ بغداد طوغری قاجدیلر انلری یغما اولنان بی نهایت  
آدملر چوله دوشوب کی ایلقدن و کی عربان غدر نندن تلف اولدی حتی چوله حرارت  
هو او خوف عربانن اسنیلای رعب و عطش ایلر اکثر بیک دیل طشره چیقوب راست  
کلدکری چامورلی غدیردن صواب یوزلی و اغزلری طین و چامور بلاشمدن شکل مسوچه  
دوئوب بغدادیلریننه نیجه زمان محل چریده اغز بکی مرتضی الی اغزینه دوندردم دیو متداول

و ضرب المثل اولوب قالدی نعوذ بالله تعالی پاشای مرقوم مقتضای طمع ایلر عرض و ناموسی  
پایمال ایلدی و ناحق یره خلقک مالنه دست درازلق ایتکله کندو مالندن ایرلدی و یوبد  
حال ایلر بغداد کلدک بغدادیلر دخی سابقا اولان سلوکندن خوشنود دکلر ایدی  
بیکچر بلر اتفاق ایدوب شهره قومایوب مانع دخول اولدیلر بالضررون قوشلر قلعه سنه  
قونوب عزلی التماس ایچون آستانه یه عرض ایلدی صکره سیدی احمد پاشای اهلای خلب  
قبول ایتیموب محاصره و محادله واقع اولدق حلی مرتضی پاشایه ویردیلر نه کم محلمده  
کاسه کرکدر و حبش ایالتی مقدم بارفتنه ظهور ایدوب سودان طرفندن اسنیلر وضبط  
اولندینی مذکور در کافی الاولینه مصر طرفندن ضبط اولند و غنک خبری کلدی و یوسالده  
طاعون عظیم اولوب قتی چوق آدم وفات ایتدی و خاصه محرم و صفر خلافت زید  
مشتدا و لمشیدی علمادن بدری چلی و ایاصوفیه مدرسی چشمی زاده چلی و عوامدن  
قزل بیراق چاوشی طونبای محمد چاوش و حلواجی باشی سابق اویس اغاکه بعد الحریق  
قدرغه لیمانه شدادی بنالریان مالدار صاحب استهارد دخی نیجه مشاهیر مرحوم  
اولدی و قعه سیدی احمد پاشا و محاصره حلب الشهبه ابشیر پاشا صدارته کوردکن  
استانبوله کتورمسی ممکن اولمیان لوندات استقیاسنی سیدی احمد پاشایه قوشوب  
ایطاولی ایالتی و یردی و کویا بوساریجه و سکبان یادکار لری سزی ویزی قتل ایتد رجه  
خدمت ایتکله و ولایتلری یی قوب امت محمدی آتش ظلم ایلر کباب ایتکله لازم بر طائفه در  
یونلری بر خوش بسله وقتنده بزه لازم اولور طوقه طوت دیو سپارش ایتمش ایدی  
سیدی دخی وزیر اختصاص غرور ایلر بی باک و بی پروا اموال رعایایه دست تعدی یی دراز  
ایلر هر طرفدن بر رهبا نه ایدوب غارت و یغما یه آغاز ایتدیلر چورلری تحملدن قایبق  
گوتاهیه ایالتی خلقی استانبوله دو کیلوب دفعات یله تشکی و وزیرک عنایتنه صابریوب  
یوظالمی و لا بقره سن تسلط ایتدک دیو نیجه جرأت ایتمشلردی بالاخره پادشاهه رفع رقه  
ایدوب اصلنده سیدی پاشا نک جرعی یوغیکن عزل ایلر معاتب و یوغاز محافظه سنه  
تعیین اولمشیدی یوغاز حصارنده زمان قلیلده خیل خدمت ایلدی و کورد محمد دیدکری  
مشی آستانه ده مراد پاشا تحریک یله فتنه یی قلدروب ابشیری قتل ایتدردکن صکره  
خدمتی مقابله سنده خواه و ناخواه یکی ایل و یوده لغنی که بازه حسنک مطمح نظری اولان  
منصبدر کندویه توجیه ایتد یروب مراد پاشا دن دخواهنه موافق اولمر علیه الوب  
ضبطنه کتمشیدی اما بازه حسن اغا ابشیرک قتلندن متکدر و کورد محمد و غیری فتنه  
محرک رینه خاطری مغیر اولوب بیک قدر اناوسی ایلر اسکداردن قلقوب کتمش ایدی  
هر نه قدر ابشیر پاشا اتباعی و هوادار لری و ارایسه بازه حسنک باشته جمع اولوب ولی النعم  
اتحاد ایدوب سایه سنه التجا ایتمشلر ایدی کورد محمد بازه نک خوفندن و ییده لغنی  
ضبط ایدوب میوب عاجز امتزقب فرصت قونیه ده طرح اقامت ایتمشیدی اول اشارده  
سیدی احمد پاشایه خدمتی مقابله سنده اگر افرمان ایالتی توجیه اولنمغین یوغازدن  
قلقوب ایالت قرمانه واصل اولدی بازه حسن اغا سیدی احمد پاشا نک قونیه یه



کله چکن خبرالوب ابشیرپاشا محبازدن اولدوغنی یلمکله مکتوبلاشوب درونلرته  
اولان حزن وانکساری مکاتبه و مراسله ایله بربرینه اعلام و دوستلشوب بعدالیوم متحد  
و متفق اولاق یاشند عهد و میثاق ایدوب یکدل و یکجهت اولدیلر سیدی احمد پاشا قونیه  
یاقلشد قده کورد محمد کیری پره لنوب ابازه حسن ایله اتفاقی خبر المقله سیدی  
پاشان خورقه دوستوب قونیه یه دخولدن منع تدارکنه یاشلادی قونیه اهالی سنی و اعیانی  
یاغروب ستر سیدی پاشانک نه مرتبه ظالم و بی رحم اولدیغنی ییلور میسر انا طولی  
ایا لنته نه ایشلر اشلادی ایشتمدی کتر می بویه فتنه و اختلال وقتنده او یلظالمی قبول ایتک  
ولایتک خرابلغنه سببدر بن عسکر جمع ایدوب انی اوغراقم همان سز قدیمی والیکزک منسبان  
مقامنده بقا ایدوب سیدینک عزلی رجاسنه عرض و محضر لریازک ولایتی شو طالمک  
الندن خلاص ایدلم دیدی ولایتی دخی به سوز و اضر اولدیلر قونیه ده و اطرافنده کندو  
هو اداری اولان سپاعدن و غیرین اوج بیگ قدر تفنگ انداز جمع ایدوب شهره قیانونوب  
ولایتزه کلیه سن سنی استمر لر دیه ولایتی لساندن سیدی پاشایه مکتوب کوندروب  
و عولنده سیدی غصبه کلوب بره یو کدیر نه سویلر لریکا پادشاهک ویردیکی منصبی  
ضبط ایتدر مرز دیگ نه هرزه یکدر جمله سنی سیفدن پکوردم دیوب آتوب طوتدی  
وکورد محمد دیدکاری مفسد کافر انده در تحقیق بیفسا داک باشی التند نذر الله جانم  
المرسه انی بیگ پارچه ایدیم دیوب کلن حریفی سوردی و کخند و دخی عسکر جمعنه  
مباشرت ایلدی ابازه حسنه خیر کوندروب اولدخی امداده ایکی بیگ قدر تفنگ انداز  
یالادی سیدی دخی اوج دورت بیگ قدر لوندات و وایی ایله اوزینه واردی قونیه ده کورد  
محمد جمع ایتدیکی عسکر و شهر اودن و افراتو ایله قارشو چیقوب اوج ساعت قدر عظیم  
جنگ و قتالدن صکره قونیه عسکری منهرم اولوب قلعه یه طوغری فرار ایتدیلر  
سیدی عسکری اردلرینه دوستوب ایواب شهره دک یلشد کلرینه امان ویرمیوب  
اولقدر ادم قتل ایتدیلر که اطراف شهری کشته لردن یوزلش بوستانه دوندردیلر سیدی  
هسکرندن یوز قدر و قونیه عسکرندن دور تیوزدن متجاوز ادم دوستدی قلعه قیولری  
قیانونوب ایچرودن و طشره دن مشب و روز آمدند این پیکان جکر دوز ایله تفنگ  
چانسوز ایدی احوالری طرف سلطنته اعلام اولند قده قرمان ایالتی کورد حسین  
پاشایه و یروب سیدی احمد پاشایه حلب ایالتی احسان اولوب البته قونیه دن  
قالقوب حلبه کیم سن دیه خط همایون ارسال اولندی سیدی پاشانک ابازه ایله  
اتحادی در دولتمه مسوع اولغین ترکان و یوده لغی کورد محمد کرفعندن ابازه حسن اغلیه  
توجیه اولغله خاطری تطیب قیلندی و حلب ایالتی سیدی پاشایه ویرلمکله بری بندن  
یلملری تفریق و تبعید مراد اولندی کورد محمد عزلی دوید قده کورد مستانه کیدرم دیو قونیه دن  
چیقوب صیایلردن سرعت و استعجال ایله حلبه واردی و حلبدن عزل اولنان قره  
مصطفی پاشانی اغراز و توقیف ایدوب سیدی بویه ظالمدر بر کورتور مرعسکری وارد  
مقامکرده ثابت اولوب حلبه اوغراقم اتمک رجال دولت انک ظلمی و سرکشکی ییلورلر قتلنه

فرصت ارارلر لکن بردامه دوستون مدیلر قونیه لو قارشو قیوب اوغراقم بلر عرض ایتدیلر  
عرضلری موجب عجز اولندی دیوب نیجه مقدمات بسط ایدوب پاشانی میل ایتدردی  
و حلب اعیاننه دخی تخویف و توهم یوزندن بو قدر بیگ عسکری وارد کورتاهیه ده شویله ظلم  
ایلدی قونیه ده بویه قتل ایلدی خلقی اولدرمک و ناحق یره ماللرین المی یا نلرند برشی  
دکدر بی رحم و قتال ظالمدر حلبه کیر رسه سزی شویله ایدوب بویه ایدردیه رک اهالی ولایتی  
سیدینک ظلم و عنف ایله و کثرت لوند و مرجمت سزلک ایله شهرتی عالمی طوتمشیدی اول  
استهزار کورد محمد کسوزنی مصدق اولغین والیلمی مصطفی پاشانی شهرده ایضا ایتدیلر  
و سیدی احمد پاشانی استمر زعرض ایدرز کلورایسه مقاتله و محاربه ایله کتر لازم اولان اعانتی  
سزیه ایدرز دیدیلر سیدی احمد پاشا حلبه طوغری توجه و عزیمت ایتد کدیمت کوکله  
بیوده فکر کوی دلبر کلسون انده یریوق سا که عاشق خاطره یر کلسون مضمونی اوزن اهالی  
حلبک صغار و کباری والی سابق ایله متحد اولوب سیدی پاشانک متسلمی طرد ایدوب  
قلعه محافظه سی مهمانچون ادوات حرب و ضرب اعدا ایتدیلر دیه متسلمی قارشو کلوب  
تفصیلا خبر ویردک سیدی پاشا کمال غضبندن بر آتش اولوب حلبه طوغری یوریدی  
و ابازه حسن اغا و افر عسکر ایله سیدی پاشایه امداد و اعانت ایدوب حلب و ایسی قره  
مصطفی پاشادخی سیدی احمد پاشا کلزدن مقدم ایا لندن امر او اعیان و جنکه یرار کسنه لر  
و سپاه و یکچیری و سائر دن و انر عسکر جمع ایتدیلریدی بعد سیدی پاشا کلوب حلبی محاصره  
ایدوب مایینده عظیم مقاتله و محاربه واقع اولدی و سیدی پاشا اطراف ایا لندن فضا رل و لوازم  
کتوردوب مزفه قتاله اشتغال کوستردی شهر لوانک قنوات صوبنی کسوب و یخریه ذخیره قویو  
ویرمیوب و طشره ده اولان بسائین و باغ و بیوت و املاک مقوله سنی احراق و خراب ایدوب  
مختصمانی قضیق ایلدی اچروده اولان عسکر دن بیره جک سخاخی آلا ی بکیسی بر سپاه  
هرب بومعار کله ده عظیم بهادرلق ایدوب تفنگله سیدی پاشانک عسکرندن قتی چوق  
آدم هلاک ایتدی حکایه لری حالا اول دیارده سویانمورایام محاصره ایکی آیه وارنجه ممتد اولوب  
شهر لوزیاده مضطرب اولش لریدی سیدی احمد پاشا واقع حال اعلام ایدوب بای حال حلبه  
دخول ایتک مساعده رجا ایتشیدی اهالی حلب سیدینک ایتدوکی جور و ظلمی و تحریب  
مملکتی یازوب بویه والی بزه لازم دکدر اوزر یزدن رفع اولسون کیمه ویریلور سه ویرلسون  
دیو عرض ایدوب تظلم و شکوی ایتس لریادی طرف دولتمدن بر ایکی دفعه او امر و مکاتیب  
واروب سیدی یه نصیح و پند اولتمشیدی دکلیوب محاصره و مقاتله یه اقدام ایدوب باب  
الفرج دیدکاری قیو طرفندن طوپراق سوروب حصان برابر چیقوب یوریشه قتی آرقالمشیدی  
اهالی ولایت اوغرین قیودن ساعیلر ایله آستانه یه مکرر ا مکتوبلر و شکایت نامه لراوچروب  
حلبدن امیددی قطع ایله ک دیوشکوالر ایدر لردی والیه خاندان اولان مقول یازر کلر وزیر  
و مفتی یه و کارداران دولته شکایت ایدوب سیدی پاشانک رفعتی رجا ایتدیلر بالاخره  
اوزندن حلب رفع اولوب بغداددن معزول مرتضی پاشایه ویرلیدی و سیدی پاشایه سیواس  
ایالتی توجیه اولوب منصب امری و حلب اوزرندن قالقوب سیواسه کیمه سن خلاف



رضای همایون حرکتك بعد اليوم استماع اولسون دیونصح و توبخی مشعر خط همایون  
 قبر سدن معزول کله لی احمد پاشا ایله سیدی پاشایه کوندردی مشهور چاوش زاده  
 واعظ کله لی احمد پاشایه همراه قیلنوب واروب نصیح و مواعظه متعلق ترغیبات  
 و ترهیمات ایله سیدی پاشایه نصیحت اینسون دیو کوندراشیدی وصولر ناسیدی  
 احمد پاشا بالضرورن محاصره دن فازغ اولوب آه حلب دیه رك قالقوب سیواسه طوغری  
 عازم اولدی بو محاصره دن حلب خلقی اولر تبه ضرر چکدی لرك سیدی احمد پاشا داخل  
 اولوب ضبط اینسیدی اولر تبه ضرر چکمز دی کورد محمد دیکلری مفسد هنوز سیدی  
 احمد پاشا حلب النعمه ایکن ناکهانی قرار ایلدی سیدی پاشا خبر الوپ عقبه بیر اقلر تعیین  
 ایتدی کورد محمد واقف اولد قده قونیه کتخدایری عبد الرحمن و عرب سلیم و ساثرهم عناقوری  
 ایله قرق طراباس شامه واردیلرندن برسنه کی یه بنوب آستانه یه عزیمت اینشمیکن  
 ادنه یه قریب بر ساحله چیقوب خرجلق و مهمات سقر مقوله سی اشیا تدارکی ایچون  
 مکث ایتدی کلری خبری ادنه ده کوردچی پاشا برادری جعفر پاشا نك مسجوعی اولد قده بلوک  
 کوندروب طوتدردی کورد محمدی رفقا سیله قتل ایدوب باشلرینی طرف آستانه یه  
 کوندردی وزیر اعظم سلیمان پاشا فرینر اولسون دیونوازش نامه لر کوندردی حق بودر که  
 جعفر پاشا بله وعته ایله مشهور ایکن کورد محمد کی عالمی افساده قادری کی برادر و یار غاری  
 بر برندن ایروب فتنه ایله بری برینه قتل ایتدی رمکه ماهر واجب القتل شریری رفقا سیله  
 قتل ایتدی کی بر حسنه عظیمه درکه هزار تقصیر اته معادل اولور روز و زحشره دك پاشای  
 مشار الیهك مدد و مستحسن اولماسنه سببدر سیدی احمد پاشا و ایازه حسن اغا دخی  
 بر بلوک تعیین ایدوب محرك فتن اولان ابشیر و قعه مننه یه لبنان شقیلر دن اله کیر نلری  
 اخذ و ان پان ایتمکه اهتمام ایلدی لول شردمه دن جندی محمد نام زور با اخذ اولغله خنجر  
 سر بر ایله و جودخی غرباله دوندروب اشد سیاستله قتل ایتدی لول عبدی پاشا که سورلی  
 دفتر دارچراغیدر طراباس شام ایالته کوندریلوب کورپریل محمد پاشا معزول اولدی  
 و طراباسك سنه سی محرمی ایدی مارت ابتدا اسندن اولوق اوزن نصیح و تنظیم ولایت  
 شرطیه کورپریل محمد پاشا ابشیر پاشا دن الوپ واروب هنوز ضبط ایتدردن اول احوال رعکس  
 اولغین عبدی پاشا بر طریقه الوپ محمد پاشا نك دست قالدی و طراباسك نظام احوالی  
 ینه کورلیوب عبدی پاشا کی چاقر پنجه لی غدان ویرلدی جوزی چلی اصلنده استانبول  
 ظرفاسندن خوش نویس کاتیلرک بضاعه صاحبی ادباسندن بر کامل وجود ایدی شعر  
 و انشایه قادر معارف جزیه ده ماهر اولوب استخسانه سزا الطیف تاریخلری و اشعاری  
 و غرافیننده مرغوب خیل آثاری وارد در معایه متعلق بر رساله سی و مفردات طبعه متعلق  
 بر غریب منظومه سی وارد احوال شهور و حوادث جو بیاتنه ماحمه احکامی بر طرز غریب  
 اوزن نظم ایتشد روغایت سربع الکتابه خوش نویس اولغین چوق ارقلی وارد و خطی ایله  
 یکر میکی مثنوی شریف و صاری عبد الله افندیك قصود حکم شرعی و اخلاق علائیدن  
 بر قاج نسخه و نفحات الانس و دخی غیری نسخه لر و متعدد مجوعه لر و رسائل و دیوانلر و منشآت

کوردك سلطان مراد غازی مرحومك رئیس الکتابی اولان صاری عبد الله افندیك  
 اجزای مجلسندن و جمله اسرارندن اولغین انک نالیق لری غصه و صاودن و جوهره نامه اولان  
 تألیف غریبی کند و قلیله متعدد دیاز مشدر معن زاده مرحوم شهنامه و کنه الاخبار و و صاف  
 دخی یاز مشدر بزرگوردك دیونقل ایدرمش تعیشی کتباتله اولغین اکبر دولت حسن خط  
 و اهلیتله و سحت کتباتله رغبت ایدوب معتبر نسخه لری اکایاز در لرلدی و اول بهانه ایله انعام  
 و احسان ایدوب خاطر نی تطیب ایدر لرش حالا علما افندیلرک کتابخانه لرده و عرفا  
 بیننده آثار قلمی لایعد و لایحی در بوسا لک وقت ایشدر بعض اخوانی مصراع  
 جور یی نمون لطف ایله جناب کرد کار مصراعنی فوتنه تاریخ دیدیلر مرحومك خیل ناک  
 اشعاری وارد فوتنه قریب بر شعر نك بوم مصراعنی انطاق الهی و غایت نازک و خوشر آیند واقع  
 اولمش ایدی مصراع ناز و داسلم قالدی بوم نوال اوزن مرحوم مذاق اصحاب تجربه دن  
 حصه مند و سلاک صوفیه و نندن نشئه مند اولم این مؤنت لازمه سی قدر ایراد تحمیلنه  
 سعی ایدوب توسیع دائره و جاه و مناصب غائله سنه گرفتار اولوب قناعت ایله  
 یکنوز ایش و مدت عمرنی صحت یاران و جمعیت اخوان ایله مرفه و شادمان یکیروب  
 تعین و اقبال محنتنه گرفتار اولمش یوقناعت و توکل بر کاتیه دائما اکبر دولت کوزه دوب  
 آثار قلمی وسیله احسان ایدوب ضرورت چکدر مزلر ایش غریب احوالندن اولوق  
 اوزن معن زاده نقل ایدردیکه بشکطاش و غلطه و طوطخانه و یکی قیونکیه لریند علی الدوام  
 ملازمت اوزن ایدی بر کون منقطع اولدیغی یوغیدی غایت و سوسدلی اولد و غنندن دریاده  
 قایغه سوار اولقدن غایت مرتبه خوف ایدرمش حتی غلطه و بشکطاش نیکه لرینه بر کون  
 مقدم عزیمت ایدوب یاران ایله قره دن ایویه اندن کاغد خانه یه اندن نیکه لره پیاده  
 طولاشورمش یاران خاطر یچون بار کیره بنمزایش ظاهر ابو خوف مفرط ضعف قلب  
 چلبی لک نیه سی اولوق کرکدر هله وجودی دنیاده نادر کان بر معمر ذات ایدی رحمة الله علیه  
 وقایع سنه ست و ستین و الف سنه سابقه ده ذکر اولمشیدیکه سیدی احمد پاشایه  
 حلب نیالتی و بریلوب او طرفه توجه ایتد کده لوند اتنک کتزی و شدت شهنامه شهرتی اهالی  
 حلبك توم و عدم مطاوعته علت اولوب ظلم و تعدی سندن اندیشه مند اولدی لول محرك  
 فتنه بعض کسنه لک نعام و تحریر نیکه اعیان و اهالی بلد جمع اولوب والی معزول وزیر قره  
 مصطفی پاشانی حلب الیه قویوب حلب دیاری ابشیر پاشا تعدی سندن اندیشه مند زخم  
 خورده بریان مصیبت کشیده در سیدی پاشا کی لوندی چوق و قیوسی خرجنه کفایت  
 ایتیز بر قاج ایالت دخی اولور سه کران مصرف بر وزیر قاهره تحملی یه قدر حالا و البز قره  
 مصطفی پاشا دن خوشنود زدی در دولتله عرض محضر ایدوب سیدی احمد پاشا نك منسلتی  
 کیر و یه رد ایتشار ایدی سیدی احمد پاشا عسا کر موفون ایله و واروب حلبی محصور ایدوب  
 جنك و قتال ایله اهالی ولایتی تضییق ایلدی کی دولت علیه نك مسجوعی اولوب اهالی  
 ولایتك محضر لری معروض سنیه اولد قده سیدی احمد پاشا یه سیواس  
 ایالتی منشوری و حلب اوزرندن قالقوب منصبه که کید سن دیونصح و یندی مشعر فرمان



همان اصدار و اصلاح ذات البین همچون سابقا قریب بکلیس کله‌لی احمد پاشا  
 بدیه ارسال اولمشیدی فرمان شهر یاری وصولند سیدی احمد پاشا حلب محاصر سندن  
 فراغ و اول سودای نامدن فارغ اولوب سیواس منصبه عزیت ایله فرمان جهاتطاع  
 شهر یاری به اطاعت کوستردیکی معروض رکاب همایون اولدقه ایالت حلب بغداددن  
 معزول مرتضی پاشایه توجیه اولندی تمه خله محصور اولان وزیر قهره مصطفی پاشا  
 مدعو اولدولته کلورکن انشاء طریقاً اناطولی ایالتی امر شریفی کندونی استقبال ایدوب  
 لکن کندوسی بعض اعذار و افکاره بناء عزله طالب اولوب ایالت اناطولی مزبور کله‌لی  
 احمد پاشایه توجیه اولنوب قرب همایون اولان طرفدارل اعانیه قهره مصطفی پاشا  
 آستانه سعادت کلمه مأذون اولدی وقعه حبش بوسنه دفتر دار لغندن معزول  
 مصطفی نام بر سفیه روزگار و طول اندرچی برخیت نابکار زید و عمرودن نقود و اشیا  
 یوز کیسه قدر مال پیدا ایدوب بعض معرفله هدایا و یروب کار کذار ایشیلور آدم  
 ایدوکنه شهادت ایتلری ایله دفتر دار علی پاشایه انساب ایدوب التمس کیسه اچیه سی  
 الذوب مقابله سندن حبش ایالتی مزبور توجیه اولنوب میرینک مضایقه سی حسبیه رأی  
 معقول کورلشیدی مزبور مصطفی پاشا ایالت حبش منشورینی الدینی کی مصطفی اغا  
 نام بر قوی دایمی منسلّم ایدوب کوندردن لوجه مؤخر تاریخیه بر منسلّمک تمسکی دخی  
 یازوب خزینه داری نامنه معتمدی بر تازه اوغلاننه تسلیم ایدوب ناظر نامیه متسلّمه همراه  
 ایدر مزبور حبشه وصوللرند سواکن اسکله سینه متاع کونا کون ایله ملوا و ج قلیون کلور  
 قدیدن ایلردن کمرک نامنه متاع الله کلمه منسلّم مصطفی اغا الا جفی بر کون اول تخلیص  
 ایتیم فکر یله ضمه آسان اولسون دیونقد المتی سوداسنه دوستوب رسم قدیم اوزن  
 متاع المقدن امتناع ایدر اعیان ولایت و کبار تجار جمع اولوب اوله کلمش ایشه مخالف ایش  
 ایتیمک نام معقولد بومقوله سینه احدائی سفاین تجارک بوندردن انقطاعنه سبب ودخی  
 نجه وجوه ایله مضمرات کثیره حد و نه علت اولوردیو خیر خواهلوق یه زندن صورت  
 رجاده منع دفعه سعی ایدر لمفید اولوب مصطفی اغا امر اسم حکومتدن عاقل اچیه جانو  
 بر صوفی جاعل اولغین نه محله اعتراض و منع ایدن لره تحویف و تهدید ایله اسکات ایچون  
 غضب وحدت کوستردی منازعه و مجادله کند بکه مشتمد اولوب حبش قوللری دخی  
 بوندعتی احداث ایتدریمک خصوصند تجار و اعیان ایله متفق اولدیله ناظر اولان  
 خزینه دار تازه اوغلان پنه بر مقدار رشید اولغین بوضع بددن افندی سینه ضرر ترتب  
 ایدر چکنی ادراک ایدوب کانه چان سازلق ملاحظه سیله در حال قاضی یه واروب اعیان و تجاری  
 وقول ضابطه یی جمع ایدوب بومتسلّمک مشربی نا هموار اولوب پاشا مز ملاحظه ایله  
 احتیاطا بکا متسلّمک تمسکی و یروب و اگر نصیحت قبول ایتیموب نام معقول حرکت ایدر سه  
 سن منسلّم اولدو بکا سپارش و تفویض ایلدی الحاله هذه منسلّمکی بن ضبط ایدر مرسوم  
 سابق اوزن کمرک نامنه اشیا الوب تقد طلبیه تجاری رنجیده ایتیم دیو بوردی سنی ابراز ایدوب  
 اعیان و اهالی بدن اعانت و مساعدات طلب ایتدی همان خلق بکندل و یکران اولوب سرک

پاشا کزنه صایغیسر و نه جبهه کار آدم ایش منعمدی اولیان شخصی همچون منسلّم ایتدی  
 چون انی منسلّم ایلدی خفیه سکامتسلّمک کاغدی همچون ویردی سوزند دوام ثباتی یوق  
 یویله مزور و خیه کار اولان سیه رو و مکارک ظل حکومتی ارض حبشه محض ضرر در  
 دیوب قلا ده انقیاددن سرچکدیله و منسلّم اغارک اینکیستی ییله قلعه یه قالد یروب  
 حبش قوللرندن دلی درویش نام بر شیرینی نوایی ییتملرند مقام حکومته وضع ایدوب  
 صورت عصیان کوستردیلر پاشای بد عمل دخی هوس طول امل ایله جبه اسکله سینه  
 کلد کده بومو حبش قهره خبری ایشیدوب بی شعور اولدی بعض خواص و رفقا سنک سوء  
 ادبی اوزن اصلاح ذات البینه توسط ایچون مکّه مکرمه شریفندن براییکی معتمد آدم  
 وجبه یکی طرفندن براییکی آدم کتوروب استصحاب ایتدی و سفینه لایله سواکنه وارد قهره  
 اهالی ولایت نوازش و تطییب خاطر مشعر استمال نامنه لایزوب کوچک برادرینی بعض  
 اغار ایله شریفک وجبه بکینک آدم لمرینه قوشوب کوندردی اول کرفه فقیر لاساحل حبشه  
 وارد قهری کی دلی درویش دید کاری ظالمک پیچّه غد رینه دوستوب بونلر جبه سنی و منسلّم  
 مانیلری اولان تازه اوغلان قتل اولدیله فقط منسلّم مراجعه جی مصطفی اغایی و ارباشاکه  
 خبر و یرد یو اطلاق ایتدیله مصطفی اغا اعیان و کیزان کلوب خبر و یرد کده پاشا اینکیوز قدر  
 توابعی و سفینه نک دخی شقه لوز طویله باش قلعه یی محاصره یه مسارعت اوزن ایکن  
 حبش قوللری قرشو کلوب جنک هر ییله پاشای قلعه یه یاقاشند میوب کیرویه دوندردیلر  
 پاشا بر حرکت مذمومدن سودمند اولوب ناچار سفینه لایله جبه یه عودت ایدوب واقع  
 عالی مصر والیسی وزیر خاصکی محمد پاشایه عرض ایلدی وزیر مشارالیه حضر نلری دخی  
 عقد مجلس مشورت ایدوب صولیدید عقلا اوزن ایکی ییک قدر مصر قولی مرتب جبه غلّه  
 و طویله لایله تعیین و امراء مصر دن یوشناق احمد بیگ دخی اوزر لینه سردار نصب اولنوب  
 سویس قیودانی ایله کوندردیلر احمد بیگ دخی مصطفی پاشای جبه دن الوب معینه سواکن  
 اسکله سینه وارد قهره بعد الحار به دلی درویش اتباعیه فرار و مصطفی پاشا دار الحکومه  
 حبشه قرار ایتد کد نصبره تجمع استقیلا سندن تخلیص لازم کلان قلاع و بقاعی  
 تخلیه و تطهیر و مفسد لری ازاله و سرکشلری تسخیر خدمتی کایندنی متم اولنوب حکم  
 والی یه مانع و مزاحم اوله جق غلّه قالد قدر نصبره سردار احمد بیگ مصر قوللرندن  
 اینکیوز جنک اوزنفری احتیاطا محافظه نامیه حبشه ابقا ایدوب کندوسی مصره معاودت  
 ایلدی تمه حبشه بوقعه ظهور ایتدیکنک خبری مصر والیسنه کلوب احمد بیگ ایله  
 عسکر کوندردیلر که قرار و یرلد کده مصر قوللری جمله کبار و اعیان ایله یکران اولوب بزلر  
 دائم اعیان استقیاسی دفعه و خزینه کوندردیلر مکّه و امیر الحاج خدمتارینه مأمور اولوب هر یار  
 خدمتدن خالی دکلر طواشی اغارک قوللری و اتباعی بود دفعه بو خدمته وار سوندولت  
 یاد شاهید ایلر بوقدر مال و منال صاحبیلر یدر برایشه بولنسونلر یدیلر و اقعاحرم خاص  
 طواشیلرندن اولوقته او توزه قریب نامد ار اعلایمانندی اوزون سایمان اغا و غیره که  
 هر یی قوت و صاحب مکنت دولت لری ایدی آستانه دن کتورد کلمی اموال فراواندن



خیری مصرده معظم و منتفع بها قریه له ما کار و وظایف عظیمه و جرایایه متصرف  
اولوب هر رینک وافر منتظم الحال بنده سی و اتباعی و اریدی مصر قوللری و اعیان باند  
یونلرک وسعت و دولته حسد ایدوب اطهار غیظ و خصومت بهانه استرادی بوسیله  
ایله فرجه بولوب باری حبش خدمتته اغارک اتباعی تعیین اولنسون دیجه سی  
متفق الرأی اولدیلمر اما بوضوح اغایا نه تکلیف اولندقدن التفات پادشاهی ایله مقنن  
و مباهی اولد قلوبنه بناءه احتمالدر مصر قوللرینک ایشی ندردیو خواب ویردیلمر و فتح مصر دن  
برو حرم همایون و دارالسعاده میمنت مشکونه پروده و چراغ اولان خواص و مقربینه بو  
مقوله تکلیف عنیف اولدیغی وارمیدردی و لایحه منع کوستر دیلمر لول سبیدن مصر قوللریله  
طواشی اغار و اتباعلری بدینده شقاق و قتال واقع اولوب اغار غمالکندن بر مقداری قتل  
اولنوب والی مصر دخی اغارک طرف خلافتده اولغله اغراض عین معامله سن ایتمک جمله ناک  
معرفتیه اغارک بر قاجی عدم اطاعت تمهیله ابریه نفی و اجلا و بر قاجی دخی اختفا محنتنه  
گرفتار ایتدیلمر هله نه عال ایسه توسط مصاحبون ایله آتش فتنه سکون بولش ایدی بوقتنه  
اراسنه طاش یا تر علی اغا و مصاحب مسعود اغار طریقه خفیه فرار ایدوب بر ابکی خدم  
ایله سبکبار شاهانه آستانه یه کلوب مصر بیلدن شکوی ایتدیلمر مصر بیلدن دخی واقع عالی  
مبین عرض و محضر کلوب بوقعه هائله دن مصاحبان شهر یاری بلکه عموماً بیلدون همایون  
اغاری متکدر اخلال اولدیلمر لکن عصر مدارا عصری اولغله مضی ماضی دیوسکوت  
اقتضا ایدوب علی اغا و مسعود اغاز مره مصاحبیننه الحاقله مکرم اولدیلمر بوقعه ده مصر  
والیسی خاصکی محمد پاشا اغاص و مساحبه بلکه تحریک سمته مساعد تمهیل ایله اغار بدینده  
متهم اولوب سیف قهر سلطان ایله اعدام ایتدیلمر لکن بوقعه مکرم اولدولر لکن بوقعه  
خیر مرضیه مصر دن ظهور ایتدیلمر حسن حاله دفع شقاق و اغار ایله مصر یلرک  
مایینی اصلاح و اتفاقه تدبیر صائب اولنوب عنف و دعوت سببیه اراده محاربه اولنوب  
اراذل ناسک فتنه ناموسی و جرائلری منزع مفاسد عظیمه اولوب احوال عالمک فتنه یه  
استعدادی اولغله چوق یکم دین اول بی ادبک دار السلطنه العلیه طرفنه سرایت ایدوب  
اغار بوقعه سنی حد و تنه وسیله اولدی تبدیل دفتر دار ایشیر پاشا مقدم تحریر  
اولندیغی اوزن مون لی دفتر دار ایشیر پاشا غدر یله مقبول اولدقدن اول حمل ثقیل  
مرحوم وزیر اعظم دز ویش محمد پاشا کتخدا سی علی اغایه تحصیل اولنمش ایدی مزبور  
علی اغا دفتر دارلق رتبه سنه بلا تقریب تقدیمه باعث افندیسی مرحوم دریش پاشا ناک  
مکتوم و مخزون اعوان جواهرین بلا سوال و لا ابرام طرف پادشاهی یه بیلدیروب برجه  
کتم ایتمکله صداقتی ثابت اولدوغندن ماعد اکنده سی متول آدمدر خلق اعتماد  
ایدرو مواجبلده تدارک مال شخصه عسرت چکمز ملا خطه سیله اولدوغی مقدم  
ذکر اولنمشد زابشیر پاشا سایه سیله مستقل دفتر دار اولوب مال میوی بی تحصیل  
و دراجی تکمیل و عسرت چکمز دی ایشیر پاشا قتل و مراد پاشا وزیر اولدقدن بالاده خیر  
اولندوغی اوزن نصیح و ولدش محمد زینی ارتکاب ایدوب بکچیری و سیاه وجهه جی

وسا ترکرومی اضعاف مرتبه سنی از تر دیغندن ماعد ابقاظ فتنه ده کندویه عین  
و تحریک اشرارده هواداران خانن نابکارلرک متر حریف تذاکرین مجد دامعمول و محسوب  
راشیر یروب مغد و رایشیر پاشا بر طریقه ارباب طمع و اهل افساددن استرداد ایتدی بکی  
اموالی احبابنه رد و ابواب مصارفی فتح و درجه ارادی سد ایتمکله خزینه عامه یی خراب  
ایتمشیدی علی اغا بر مرد عاقل و دور اندیش اولغین عاقبت کارینه مخبر اوله جغندن خبر  
اولوب اندرون و بیرون اولان کار دان دولت بذل مال و صرف اعمال ایله کندوی خلاص  
ایدوب اول دام درد و محنته صوفی محمد پاشا گرفتار اولمشیدی اولدخی اناطولی و روم ایلی  
دیارلر دن اولان مناصب و خدماتی تبدیل و تحویل ایدوب کونا کون حیل و صنعتلریله  
ارتکاب کار ناصواب اچون نیجه مشقت واضطراب چکوب تحصیل ایتدی و شیلریله  
هر نه مال ایسه انجق بکچیری مواجبین تکمیل ایدوب سیاه طرفندن جروب و شتوم ایله  
نیجه دفعه فتنه سنه هجوم و ضرب الحیر ایله باملری بر قاج دفعه تجدید اولندقدن نصیره کاری  
پاشا جیقار مقدر نا امید و بر قاج کون دخی تحمل ایدرسه خیر غدر ایله شهید اوله جغنی  
ییلوب بر قاج مرتبه توسط شفعاء و عرض نیاز ایله عزلی رجا ایدوب ماه صفرک التبی احد  
کونی پاشا دفتر دارلق خدمتی اوجنی دفعه خالی زاده وزیر محمد پاشا یه الباس اولندی  
نقل عزیز افندی تاریخنه دیر که حیف و صد حیف که دولت احمد خایده باقی پاشا و انکی  
زاده احمد پاشا و امثالی عالی قدر و زراد فقر دارلق منصبی اوزرینه محاربه و مقاتله ایدوب  
طرف سلطنته بیحد بیشکش نثار و تقدیمدن ماعد دارالسعاده اغاسی مصطفی اغا  
شفاعتی و وزیر اعظم لک همته وجوده کوردی شمدی بر فقیر علی العیالویار کرانه مبتلا  
اولسه خلاص اولخیه دیک ماملکی صرف ایدر ظاهر ایتدی سبی مصر فلک اراده غلبه سیدرو  
دخی نیجه خفی سبیلری وارد اسرار دولت قبیلندند که ارابه معلوم زارادت علیه الهیه بلم  
یوخسه خلافتنه بی متعلق در دولت اصله خنده و خزینه نیک نهمینه سعی ایدن وزیر اعظم  
قتی از زمانه احباب افساد ایله ازاله اولنوب امر مهم حصوله کلک کا هو الواجب میسر اولماور  
سیدی احمد پاشا ذکر اولندوغی اوزن اگر چه فرمان هماینه امتثالاً حلب اوزرندن قالقوب  
منصبی اولان سیواسه طوغری عزیمت ایتدی لکن ایشیر پاشا ناک جمع ایدوب استانبوله  
معا کوردی لک لونداتک اکثری لک یاندا مجتمع اولوب بازه حسن اغانک دخی وافر لوندی  
و اتباعی جمله اون بیکدن زیاده اشخاص حلب اطراف غارت و تالان ایدوب رعایا فقر اسنک  
عرض و مالکینه تعرض و تعدی ایتدیلمر یله کروه کروه شکایتجیلری بر قاج دفعه پادشاه عالمیناه  
رفع رقعته شکوی ایتشیر ایدی از قالدیکه ابکیسی دخی مظهر غضب اوله وزیر اعظم سایمان پاشا  
اگر چه افرط صلب ایله این الجانب بردولت لوی لکن نه ملا خطه صحیحه صاحب اولدقلری  
اجلدن ایکسینی دخی پادشاهدن رجا ایدوب اوغور همایونده استخدامده سزا قوللر بکر در نصیح  
و تنبیه ایله تادیلمری قایلدر دیوسیف سیاستدن تخلیص ایدی و هنوز ایشیر پاشا بوقعه سی  
سببیه مشوش الحال اولان مالک محروسه ناک خصوصاً مره عسکرینک اختلالی  
بر طرف اولزدن اول بر مشکل ایش دخی حد و ث ایتسون دیوسه ولتله دفع شرتد بیرینه زاهب



اولوب سیدی احمد پاشایه رتبه وزارت و ابازده حسن اغایه ترکان اغاوغلی ایقوا و یکسیتی دخی  
 ارضا ایدوب یانلرنه اولان لوندات ایله بوغاز حصاری اطرافنی محافظه مآ مور ایلدی  
 ظفر یافتن خان تاتار با کفار قزاق اقلیم قریم خانی عسکر تاتار ایله قزاق ولایتنه عزیمت  
 ایدوب بوسالده قره دکزده بعض سواحلی سنی و غارت ایله خراب و ویران ایتمکله تقض  
 عهد و پیمان ایتد کلامینک جزاسنی ترتیب ایچون مسارعت ایلدی اول حزب خاصرین  
 مسقو و لیدن یوز بیک قدر عسکر ایله له کشورنده بر معتبر حصاری محاصره اوزن بولغین  
 خان عالی شان قزاق قلعه سنی بلا مزاج ضبط و تسخیر و بولد قلمی ملاعینی طعمه شمشیر  
 و بسته زنجیر ایتد کلام محاصره اوزن اولد قلمی قلعه جابینه جان اتدی ملاعین بو خبری  
 ایشند کارنده استخلاص حصاردن بیزار و کندی و لایتلرین غارنکران تاتار لندن  
 قور تارمغه طلبکار اولوب مسقو لشکرین دخی یانلرنه آلوب دارود یارلینه ایرشیمکه  
 شتاب ایتد پلر اشاء طریق مروری مشکل بر جامولی مضیق عسکر تا ظاهر و ایدوب  
 کفارک راه نجاتن سد ایتد پلر خنازیره بر مرثیه تیغ بی دریغ اوردیلر که العیبه علی الراوی  
 الکی بیک قدر قزاقک نهمفندن زیاده سی و یوز بیک مسقو و لیدن ثلثانی مقداری خاک  
 هلاکه دوستوب بعد الیوم اطاعت و تسلیم دائره سفندن تجاوز ایتماک اوزن قزاقک  
 بقایاسی دارالامان صاحبه التجا ایدوب وانلرک رجا سیه اوتوز بیک مقداری بقیه  
 السیوف مسقو و استقیاسی دخی مظهر عفو و احسان اولدی خلاص اولان مسقو و عسکری  
 معرکه دن اوج مرحله بعید اولد قد نصیحه عسکر تا تاردن برکروه انبوه ایریشوب اوتوز بیک  
 قدر کافرک بشیوزدن ماعداسی طعمه شمشیر اولدی عسکر تا تار سالما عودت ایدوب خان  
 اوردوسنه کاورکن چه قرالی طرفندن له مملکتنه مستولی اولدینی مرثیه سیه مسقو  
 قرالندن بشیوزنفر کافره راست کلوب شمشیر ایتد قلم ایله یدی کمنه دن ماعداسنی اعدام  
 ایتد یلرو خان عالی شان له قرالنی نکرار دارالاملاکنه تقریر ایتد تدبیری اوزن آدم کوندردیکی  
 اخبار ساره سی مقدمه مادولته وارد اولمشیدی واقعا چه قرالنه خبر کوندروب بوجه استبحال  
 له قرالنی ارسال ایدسن دیویر لیغ باغ خاننی ارسال ایتد شیدی بوار القده چه قرالی سر تاسرله  
 مملکتنه مستولی اولغین ید عادیه سفندن انتراع تدارک عظیمه یه محتاج اولد و سفندن ماعداس  
 شدت شتتا مانع اولغین اول امر عظیم اول بهاره توقیف اولنوب خان عالی شان بطریق الزم  
 بشی بیک تفنگ انداز قزاق ایله قریه داخل اولدینی خبری شهر ریمع الاخره ده معروض  
 درگاه پادشاهی اولدی احوال جزیره قندیه و کیری قندیه محاصره سنه اولان عسکر اسلام  
 طرفندن عرض و محضر کلوب بوجانبک احوالی یشاند عسکر قتلندن و موجود اولنلرک  
 دخی علوفه لری وقت وزمانیله کلوب ایرشمدینکندن ضعف حال کال اولوب دشمندن قلعه  
 الموقد کل شمدیه دکن النان قلاعی دخی محافظه یه اقتدار یوقدر بوسالده وزیر اعظم عوما بکچری  
 و سپاه اوجا قلمیله حرکت زحمتن اختیار ایدر لسه محتملدر که جزیره عوماد داخل قبضه  
 تسخیر اوله والا انجاء ضرورت حکمی ایله محافظه دن ال چکوب جانمزه امان ایله مقر  
 اسلام اولان قلاعی کفاره تسلیم ایدر زدیو فریاد ایتد شلر اوج کون علی التوالی حضور همایونه

مشورت اولنوب خق سوزی بلان سوبلکه قادر دکل سوبلینلر دخی کندی و غرض لینه و بجه  
 فکره مبتی خوف و ریاضه لرنین رعایت ایدرک سوبلیوب ایشه برار رشافی جواب سوبلیند بکدن  
 سوزا و زایب کوندزده حضور همایینه و کچه لرده وزرا و علما خانه لرنده مشاور ایدر لردی  
 اوچخی کون بعد کل کلام مقالات مشاور یه پیله ختام ویرلدی که حالا سلسله و الیمی  
 صدر اعظم سابق سیماوش پاشا عنوان سر عسکری ایله بنفشه دن کریمه یکوب ایشاغی  
 اولان باوک معاکیم لر و یونلری کریمه کورن بیک کیمیری ایله کریمه سردار اولان حسیت پاشا  
 آستانه سعانه کلوب تکمیل مهمات دونمادن صکره قیودا نایق شوکت و شانیه عزیم  
 دریای سفید ایتد اوزن رایینه قرار ویرلدی و سلسله ایلغنی و نی صاری کنعان پاشایه  
 ویردی لر عزل وزیر اعظم سلیمان پاشا صدر اعظم سلیمان پاشا قلمت ایراد و کثرت مواجب  
 و مصارفات هائله سنی کوروب امور دولته مستولی اولان شرکانک غلبه سفندن برتد بیره  
 قادر اولوب بارکران و کالت عظمی التمه عاجز و حیران قالمشیدی مراد پاشا اوجا قلمی  
 طولدنوب عسکرک انواعی اضعاف مرتبه سنه وارد یغندن غیری خزینه عامره ده اچیه  
 اولوب و سکه احوالی دخی مختل و مشوش اولوب خاخر عالم غروش سکسان اچیه یه  
 واسدی یتش اچیه یه رایج اولوب لکن مشوش و کعبه از غروش و یار و وزیر اچیه سبیلله  
 تعامل ناسه اختلال کلوب اهل سوق عیارلری و ملاعین صرف طمعکارلری راسنه یه مقوله  
 مغشوش و کعبه یار تقود عیار و مقدارینه کون قیمت ایله سبیلله غیر مسکو که کبی درهم و تراز و ایله  
 الینوب ویریا و ایدی به سبیلله سکه پادشاهی مفقود اولمشیدی سلیمان پاشا هر نه  
 طال ایسه توجیه مناصب و مصا در اتدن واستدانه طریقله بر قاجیه زکیسه پید ایدوب  
 مواجبه کفایت ایتما مکله دفتر دارک طرفنده ملتزم مفسد لرنک سوق و تعریفیلله  
 در کبسه اولان تقود خالصه بی صراف خانیلری الله و رب اول عصرده چنکانه و میخانه اچیه سی  
 دیمکه مشهور و مغشوش و قزل اچیه یه بونوب بر قسط علوفه یی هزار مختله تکمیل ایتد کدن  
 صکره بواحوالک نتیجه سی فساد و ان جغین فهم ایدوب صد ارتدن حسن رضا سیه فارغ  
 اولمق ایچون والد سلطان حضر نلرنه رجا و استعفا ایلدی لکن کارداران دولت  
 و متصرفان زمام سلطنت خصوصاً مراد پاشا طرفدار لنی ایله وایه دارا اولان متعینان  
 کبار سلیمان پاشا نک عزلی استمر لردی بر حایم و ملایم آدمدر رجا مری دفعه و بوجه  
 استقلال حل و عقد استمدیکی کبی کار داندلری ایش باشته کتور مر جزئی و کلی امورده  
 رایزه مراجعت ایدر او مقام بر قالب فرسوده کبی طوز سون قفق ورتق امور نهائی بزم الیزده  
 اولسون دولتن حصه مند اولد و غمز منافع ایله صفال نور زویله سهل المآخذ لین الجانب  
 آدمی عزل و غیری وزیر یی نصب خصوصاً سوق و تصویب اینسک شاید وزیر جدید  
 خزینه یه سعی و پادشاهی ارآت خدمت و عرض صداقت داعیه سیه استقلال  
 دعوا سینه دوشوب جهات فواید یزی قطع بلکه تعیین وجود ییزی ازاله و دفع ایله  
 دیو صد ارتدن عزلی استمر لردی فی ریمع الاخره قلایه معلومدر که مقربین و سائر  
 مدبرین خیر خواهلر نامیله حل و عقد امور دولته مستولی اولمق افات عظیمه



وادرزیرامد برلك زعميله مداخله امورايد نلر خير وشره مصدر اولغله شهرت بولوب  
نيك ويد امور دولت كندويه نسبت اولغله باشلر محاسني مستور و مسوارسي  
مذكور اوله رق مبعوض اولور مشي زعيم السقوم عازمهم مفه و منجه حدوت و بوايامه  
مبتلاي غرامات اولق اقتضايدير و كيل دولتك اموري نه استيلا ايتيك يالكتر منافع  
واردان سپور و بواجب و مصارفك جواني اول و پرسون و زهده پيدا ايدرسه ايتسون  
ملاحظه سييله ايسه بو خطاي فاحشد رزير اجز و تقصيري رخنه لري نمايان اولد قه  
ظهور ايدن جك ضرر يالكتر اكا عائد اولر جمله مشاركاره اولور بويله اد خار ماله آفت  
و وبال مقرر در مستولي امور اولنلر اختلاس ابرامه متفطن اولد قلري كي موجب  
و مصارف غائله سني انك كردنه تحمیل ايدوب كندولر لالاي اتوب طوتمق فكر نه  
اولد قلري نه غريب خطاي عظيم ايدوكي ملاحظه پيورييله معامله نامعقولنك ضرري قتي  
از زمانه ظهور ايدوب تدبير و تدارك قبولي ممكن اولوب آت ميد اتني وقعه سنه  
سبب اولدي جلب مال و حضور و راحت و تحصيل اموال اساس دولت عد اولنان  
معظمت امور منتظم الحال اولديغي زمانه اولسه كر كذريعيا ذابالله تعالى معظمت  
امورده و هنر و اختلال موجود ايكين اذكار مال و استقلالك فائده سي يوقدر يلكه ضرر  
عظيمه مويد در دولت و والد سلطان حضر تارينه منسوب معمار قاسم اغا كه كوييلي  
محمد پاشايي تعريف و صدا ته تقديم ايتمه سبب اولان كسبه در اوائل حاله  
اسكان كجوب سايمان پاشا سر ايتنه كيه لره ياتوب محبت دوستي اولغله نقل ايدر مشكه  
حقوق سابقه في عايت كون تها سنده بهي دولت و اور تالوك لي معلوم ايش كورمكه  
برخوش شروع ايشه كزه ديدم بنده خير نه قاردم نه اسثليه يم بلم ديدى اوجاق  
اما ايند قره حسن اوغلي حسين اغاي قو له آلوب بودور سايمان قول كخداسي ايله  
فلاني كيجري افنديسي ايدوب تسليل نفقات و ضبط محمولاته شروع ايله وسياه  
اوجاغنه كذلك مناسب ضابط قويوب بر مقدر حسيني طشره يولله سائر اوجاقلري دخی  
تسليل ايله تفحج ايدى بي آدملا اسخندم ايله وصارى علي في دفتر دار ايله امور مالمه بي ضبط  
ونجه امور نافه تعليم ايدرد يوسر كا كتون جك اون آدم قدر ياد ايدم لظهار عجز ايدوب  
بن قاسم اغا بوا ملر ايش ياد يكني بنده ييلورم لكن بو منصبلك هر برى برادر  
اغز نه در عزله قدرتم يوقدر باميلرندن خوف ايدرم ديه تعريف ايتديكك آدملردن  
وسائر مستعد رتبه اولنلر دن بريني ثهايه چاغروب مكالمه يه قادر دكلم حلا خد متمد  
كار سازاتك جاسو شلري وارد انلر طرفندن احوال طي و لوب في الحال برهانه ايله بنی  
بلایه او غرادر لرا طر اقر بنی محصور ايدن جاسو سلرد ائمال اول ديديكك آدملري يانده زم  
وقدح ايدوب قبايحي سويلر بوضو رند نجه تقريبا ايديم ديدى بن دخی كورد مكه  
باشنه درماني يوق بهي افندم ايشه يراميان آدمي كسبه ذم ايتنر لسانته المغه بيله نزل  
ايتنر زرخد مده دولت قور قدر قلري آدمي زم ايدر لر ستر بر حكيمانه صنعتله بيلري تقريپ  
ايتمه و در صانديغتر حشر ان حسن مد افعه ايله دفعه تادر اولمديغتر صورت معظمت

امور دولت اولان صعبه مصالحه هيچ برايشه قادر اوله مر سزباري درويش پاشا  
مر حوم كخداسي كه دفتر دار لقند هنوز معزول اولدي برمد براد مندراني تنهاجه كتور ميرى  
احوالني ييلور صورت و قوف عظمي و اراقل ادمد ديدم خلق انكيجون عياشدر ديد بلم  
نجه همصحب اوله يم و هم اغنيادن ايكين صورت افلاس كوستر وب بذل هدايا ايله  
تقريب معامله سين ايتنر نفه سزيره غچون قونشوب متهم اوليم ديدى كويى قصبه  
سنه ساكن طر ايلسدن معزول مجد پاشا واردر ككتور دوب ايلر و چك قائم مقام ايله  
مشكلات اموري كتر تسويه سنه اول كفایت ايدرد ديدم بهي آدم هر وارديغي پردن حسن  
سلوك ايدن ميوب غوغا ايله عزل اولنان مفلس آدمي بكا سوق ايدرسن اتني ككتور دوب  
ايشه قومغه استعداد كسب ايدن جك قدر او ازى كورمكه خر جلق و يرملو بزشندي  
عيد هدايا سي تدار كنه شوقدر ماله محتاجز بكا سوق ايدرسك شويله آدملري سوق  
ايله كه كندولر دن بر مقدار نقود امدادي متصور اوله بيله تنك وقتك عقل و تدبير  
وقوري سوز لقلقه سي نه ايشه راز راز دن سوز استمزلر ديه جواب وردى ييلدر مكه بچان  
اختيار ارباب استيلا نك قوردر قلري دام تز ويره كرفتار اولوب مصراع دستها بسته و مهمان  
شده بر خوان نعم مفه و منجه اول مقامه تعين وجودى بر شيخ مو هوم فتق و رتق اصحاب  
مصالحه زور بازوي نصرفاني معدوم حكمنه اولوب چار ساز لقند كچك بر عيديه و ير كيسي  
تدار كني غنيت عدا ايدن جك قدر مضطرب و بو عجز و نيله مذ كور لسانندن جز راناس ايله  
الف و اسعنا ته دخی قادر دكدر نيك ناملق زعميله زحمته دوشمش بو وجهله عجز و مدل ايله  
ينه هر كس دن جلب انتفاع سود اسيله اموري نه تلاش گلش بودولاب عسيرا لادان بي چور و ب  
برايشه ير ليه حق حالي اولد و غين فهم ايدوب اجيدم سلطانم بودولت عليه ده خزينه و ماله  
زحمت چككز لكن دولت اموري نظام تامني بولغه محتاج در همان الله تعالى توفيق ويره وسزى  
بو تحقير دن قور تاروب سلامت عاقبت احسان ايله ديو ب قطع كلام ايتدك ديويار انه  
حكمت ايدر مشي بينه صيده رجوع ايدن لم سايمان پاشا بواضطر ايدن كار داران دولت  
عليه ايسه عزلني چندان مستحسن كورمزلرايدى لكن قاعه جفراوزن مزبور ك مدت  
صداري انجق اسنك عددي قدر اولد و غني عصر ك ذوق و نلر دن بعضيلر استخراج  
ايتمشيدى اول حكم صادق واقعه مطابق دوشه جك ايش دين و دولت خير خواهر نلر دن  
بعضيلر اندرون هماين طرفنه خصو صا دار السعاده اغاسي طرفندن والد سلطان  
حضر نلر نه اخبار معقوله ارسال ايدوب عالمك معلومي ايشير پاشا وقعه سي جانشيني  
هنوز ذائقه ناسدن زائل اولمدي مراد پاشا سيئه سي اولان كثر ت موجب و قلت ايراد  
غائله سنه تدارك اولمجه امن و راحت متصور دكدر سايمان پاشا تنصير فائدن عاجز  
جان و عرضي خوفندن الى ايشه وارمزشروع ايشه ده البدن كتر برير ميار كدر  
برموجب ويرنجيه دك ارنكاب اولمديق كارنا هموار قالمدي اتني هزار محتله تدارك  
ايدوب هنوز نكميل ايدم مدي توزيع اولنان اقچه ايسه قلب و زيوف اولغله خلق بيننده  
كفتكواردر كندوسى مسن و اختيار اولغله حسن رضا سييله عزله طالبدر يوبيري



سلامت عرضیده چیتاروب اولقامه عهده سندن کلکه قادر بدولتو کتورمک  
 خصوصی در دولت علیه به نفع و احری فهم اولنور واقع حال سندن سینه پادشاهی به  
 اعلام اولنقه خیر خواهلوق مقرر در دیوبیلد ردیلر بالاقتضا کلمات موجهه معروض  
 رکاب پادشاهی اولوب حرمان دولت و مقر بان سلطنت ایله تنهجه مشهور اولدی  
 طشره ده اولان ایمانندن سرای عامر به منسوب اولنورک دخی مشکوئندیشه لرندن  
 اقتباس ایندیله هر گروه کندویه نفع واولی ملاحظه ایندیکی سمتی ترجیح ایتیکله سزای  
 صحیح تردد و صعوبت پرده سندن متواری اولدیله اسرار دولت اطلاق قلیل اولان ظاهر  
 یمینلر کیرید سرداری حسین پاشای ترجیح ایدوب الحاله هذه شجاعت و صلابته مثلی  
 قادر واعدانی قهر و عسکری ضابطه قادر در دیوبشر تنه بنهانی اختیار و پورائی معروض  
 هتبه علیه فاک مد اراپتدیله جمادی الاولینک ایکینجی کونی سلیمان پاشا عزل و مهر  
 همایون قیوجیانر کتخد اسبله سردار حسین پاشایه احسان بیوریاوب اگر سندن وجودک  
 کیرید جزیره سندن لازم دکل ایسه قره دن کلک سن اگر حرکتک دین و دولت ضرر ترتیب  
 اید جاک محذور احتمالی واریسه خدمت محاطه ده اوله سن دیو خط همایون اصدار  
 اولنوب مهر ایله منع اكوندرلدی قائم مقاملوق خلعتی قیودان سورنازن مصطفی پاشایه  
 الباس اولندی دفتر دارلق چون سلیمان پاشا اظهار عجز ایله پنجه محنتدن تخلص  
 کر بیان ایلدی دفتر دار حالجی زاده وزیر محم پاشا دخی مصاحبت کدارلقدن اظهار عجز  
 ایدوب و نفسنه لندن ایش کلیمه جکی جانب سلطنتک معلومی اولغین ایتسی عزل  
 اولنوب دفتر دارلق مرحوم وزیر مصطفی پاشا کتخداسی لفاف قره کوز محمد افادید کلری  
 لازه توجیه اولندی نتیجه سلیمان پاشا عزل و بتدیلات و تغیراتک لر و منی القا ایدن  
 خیر خواهلوق مرادی سروق تدبیر و خیر محض ایدی لکن ارایه اغراض فاسد قریشوب  
 توجیهاتی نامعقول وجه اوزن ایندی کلری ظهور امر قضایه وسیله اولدی ظهور فتنه و وقعه  
 چنار سلیمان پاشا یردیکی مواجبتک نصفی مقداری زیوف و کعیار اولوب صاف اولان  
 نقودک اکثرین دخی ضابطان عسکر زیوف اچیه به یوزوب ناقص و کاسد هرنه ایسه توجیه  
 ایتشیلایدی نفرات عسکر اهل سوقدن شی الوب بهاسنی اول اچیه دن ویردکارنده سوقیلر  
 المدیله یوز اچیه بی بز مواجبتدن الدق چل اچیه قنده بو لمل دیوب کیسه سن تحت اوزرلینه  
 سر نکون ایدر لردی و اهل حرف اگر اهیله فارشدروب بوندلحق اچیه یوق دیر لایدی  
 و عسکریدن بعض غصبوب و شر و کسمنه لر بو حاله چاک اولوب تحت بی دکان  
 صاحبک کلک سندن اوزوب کمی دخی الدینی شیشک بهاسنی اول اچیه دن براغوب شتوم  
 ایدرک کیدردی کونده یوزیدن زیاده بوله غوغا لظهور کوردی یکچیریان او طه لرینه کلوب  
 بونه اولیه جق حالدرا دیغمز علوفه اچیه سن بز دن الما زالمیانلری دوکوب سوکسک  
 بزه میدان ایدر سوزو سورلر دیو یر کفتکویه با شلیوب لسان عوام شرفشان دشنام  
 خصام اولقله ظهور نائره فتنه به استعدا تام کلشیدی قضای اسمانی چون ظهور  
 ایدر جاک ایش بواشاده کیریدن کلان بر قایموز سربا برهنه یکچیریلر اغاقیو سندن واروب

سلطان اول جزیره بی فریاده طاشی یصد نوب طوپراق دوستندک دین مبین اوغرتنه غزا  
 ایلدک حال طقو ز قسط مواجبت ویرلندی حالیزه مرحمت بیوروب مستحق اولد و غیز  
 مواجبتی احسان ایلمک دیوب اغلیوب قریا دایندیلر لایق اولان اناره روی شفقت  
 کوستریلوب یولد ایلر دفتر پادشاهی اسامیلر بکتره کون مستحق اولدی بکتر علوفه لیکری  
 عرض ایدوب البوریه یلم حکمک بر قایم کون صبرایک دیوب ضابطلری بوله تطیب و اسکات  
 ایتک واجب ایکن قول کتخداسی عثمان اغا حدث و شدت ایدوب بره از کتسزاد بسزراغا  
 قیو سندن بوله کروم ایله کلوب زور بالقی ایتک او باغز ده وارمیدر قنی بونرک او طه با شیلری  
 کورتورک یو اد بسزراک حقارندن کلک متنبه اولینلری بو غا زکسن قلعه سندن کوندروب  
 حقندن کلک لم دیو علف ایله تخویف و تهدید ایدوب جاتندن بیزار اولش برالای محنت  
 کشیده ییضا بطرینه تسام و او طه لرینه ارسال ایتدیله انلر دخی یأس و حرمان ایله  
 قریا دکنان یکچیری میدانه واروب کتخد ایتکدن کوزد کلری اذیت و جفادن یولد ایلرینه  
 چاک کریبان اشتکالتد کارنده زیوف اچیه ماده سندن جکر لری خون اولان یکچیریلر دخی بونه  
 اولیه جق ایشدر دیو اطاله لسان فتنه رسان ایله انلره همد استان اولدیله قضا ی ربانی  
 هنوز سیاه علوفه سی دخی تمام ویرلماش بو قضیه دن آگاه اولد قلند انلر دخی جمعیت  
 ایدوب مایینلرند هزاربان احمد پاشاک مهتر لکندن التیشرا اچیه علوفه ایله سیاهی اولش  
 حسن اغاوشامل محمد اغا نام ایکی در بدر و غلطه و یوده لغندن جهل و سفاهتله منکوب  
 اولش قره قاش محمد و بونلر امثالی بر قاج سوزیلور کستخا کسمنه لز و باباشی اولوب بقه  
 یولد ایلر مواجبت ز یوف اچیه چیقوب اولدی یکچیری به ویریلوب بز پنجه ماه بکارز  
 علوفه مزدور اولنر نصف علوفه الم دین دفتر قیاندی انشاء الله تعالی کاه جاک مواجبت و برز  
 صبرایک دیر لیم و بییه جک دین ایله خان کوسنه لرند اچ و محتاج بکلر الدیغمز علوفه طنجی به  
 اولان دینیزه کفایت ایتیز بو ذلت و خور لیمی پنجه به د کچکر زو ویرود دفتر دار انلر ایش  
 یوقدر بومضایقه به باعث شرکاء دولت ایدوکی معلوم دروان لم یکچیری یولد ایلرینه ایله  
 اتفاق ایدوب بو دردک چان سنی کون لم دیوب جمهور ایله او طه لره طوغری چکلدیله  
 جمادی الاولک التینی جمعه کونی ایدیکه زمرة سپاه یکچیری میدانه واروب احوال  
 مذکون متعلق مکالمه فتنه انکیز ایتدیله یولد ایلر سز و بزه یوقدر جور و اذیت  
 اولقه دو لتلو پادشاهنرک رضای شریفی یوقدر بونک مبدائی جمع مال سودا سندن  
 اولان شرکاء دولتک طمع خاملرندن رطشره ده ایمان دولت نامنه بر قاج ملتز محیله کارک  
 ایلریدر بز مله اتفاق ایدر سکر اولمقوله لرک وجودی ازاله ایدوب نظام دولت سنی ایدلم  
 دیدیلر طائفه بکتاشیه چونکه زیوف اچیه یولد ایلرینه قهر و طرد ماده لرند مغیرا لظن  
 ایدیلر سپاهک کلمات فتنه خیر لینه وجود و یروب متابعت کوستر دیلر او لکجه سپاهیلری  
 او طه لرده الیقویوب مهمان نوازلق ایدوب تا صباحه دک مشورت ایتدیله یوزو رای اوزن  
 قرار ویردیله که پادشاه حضر نلرندن ایاق دیوانی رجای دیوب بو خصو صلری شفاها  
 عرض ایدوب ازاله سن مراد ایتد کلری کسمنه لری اعدام ایتدن لر و اندرون همایون



و طشردده او تو زمقداری مشاهیرك اسامیسنی دقترا ایدوب معنی زاده میرحسین مرحوم  
 دیركه اول قوت خزینه كنداسی ایدم و سرکاتی خدمتی ایدردم طشردده صادق اللهجه  
 موثوق الكلام عقلا دن دوستاریمز واقف اولوب زما فاده ایتدككری حقیقت حال  
 یوله دركه اگرچه فتنه مزبوره نكظم و رینه سبب صورتا مواد مرقومه درلكن طرف  
 دولتمدن مغدورو مجروح غچه اعیان و كبرك خفیه تحريك و تعالیمی بو قضیه  
 عظیمه یه صورت ویرمشدركریددن كلنلری اغاقیوسنه كوندركمك و كندایسكه نا حق  
 یره از ارمو و اخذ ایتدیروب سپاهی یی كچه اولطه رده الیقویدروب عهد و میثا قدن  
 صكره متعینان دولتمدن او تو ز قرق كسنه بك دقترا لری نینه ویرمك و بودعوایه  
 لا زم اولان مقالات فاسدی او كرتك با حمله تحريك و تعالیم ایدی مناصب و فوائد  
 دولتمدن محروملرایله غرامات مالیه چكمش نامدار مدیونلرك افساد سعایتلری و مهر  
 و كالتله طلبكار محرمیتله داغدار اولان دولتلو لرك اعانیتله صورت پذیر اولوب  
 بو حادته هائله یه علت اولاش ایدی دیدی اسلملری تصدیق ایتیموب انحق جمله سی بهره مند  
 اولوب سیف سیاست ایله جزالری بولدیله رسته كم محلی ایله تفصیل اولنسه كركدرلكن  
 فقیر بر تقصیر بو كلامه نوع اعتراض ایدرمكه مزاج عالمه فتنه و فساد استعداد  
 اولوب تحريك و تعالیه حاجت اولدیغی یوقارودن بو تفصیل ایتدیكمز احوال دن معلوم  
 اولور ایتسی كه جمادی الاولینك التخی سبت كونی در علی السحر ركاب همایونه خبر  
 كوندروب پالمشا فیه عرض ایدكك دین و دولته نافع نچه امور و مهمه واردر ایاق  
 دیوانی اولمغه مساعده عنایت علیه پادشاهی رجالی رز دیو كستخانه عرض مرام ایتدیله  
 بو خبر ایدم جمع شریف شهر یاری یه وارد اولد قده اسناد تقصیر ایله بکچیری اغاسی محمد اغا كه  
 موسی پاشا دامادیدر عزل اولوب اغا لقی سكبمان پاشی محمد اغایه توجیه اولندی و دلی  
 برادر زاده نانیاسكمان پاشی اولدی و قول كنداسی عثمان اغا دخی سو تدبیر ته حیلله عزل  
 اولوب یرینه زغر جی پاشی نصب اولندی او جاقده سلسله اولدی معزول محمد اغا  
 و كندایك عثمان اغا علی السحر فرار و اختفا ایتمشلر ایش بوقتنه یی ایقاظ ایتكك و وزراء دیواندن  
 و علما و اعیان دن متعین كسنه لرمتمق الكلمه بولمغین بو تبدیلات ایله منحل اولوب جدید  
 نصب اولنلر دخی تسكینه اتمام ایتدیله رتقیب افندی و قوجه نشانی پاشا سهولتله  
 تسكین فتنه اچون مجملینه كوندردی طرف همایون دن ابلاغ سلام ایله نصیح ایتدیله  
 سودمند اولوب متنصح اولد یلر ایتسی كذللك اصرار لری از دیاد بولمغین وزیر طواقمی  
 پاشی و بولوی مصطفی افندی یی نوازشنامه همایون ایله جمعیتكاهه كوندریلوب تكرار  
 ایاق دیوانی رجاسنه اولد قلری جوان ویروب معایكی سپاهی دخی همراه ایتدیله  
 استانبول اسواقی جمعه كوندن برو قیابوب و زرا و علما و اعیان گروه گروه سرای عامره یه  
 كیشلر ایدی بووجه اوزن خبر كیدوب كلوب مدبران خردده بین یینمغه بو جمعیتك ضرری  
 اندرون و بیرونه اولان متعینانه اصابت ایدككی معلوملری اولمغه ایاق دیوانی معقول  
 كورمیدوب دفعنه سنی ایتدیله و غیری افندی تاریخنده دیركه حسام زاده عبدالرحمن افندی كه

قدمدن اغایان حرمك ایتسی و جلیساریدن اولوب صدر رسته و مقام فتوا یه تقدیم  
 انلرك همترلرینه مظهر اولمغین محجوب كرماری ایدی حق نعمته رعایة انلری صیانت  
 اچون مخالف رضای سلطانی ایاق دیوانی ایتدركمك امرنك عسكری طائفه سنی  
 تخطئه و تحجیل و مقربان حضرتیه سوء قصد لری خهشتدن جمهور تقسیم و تضلیل  
 ایدوب كيف جد وار قوامیله عاقبت مالی ملاحظه ایتككسزین عتاب و تمهور اظهار یله جمهورك  
 هناد و اصرارینه سبب اولدی علما و وزرا سرای عامره و جمعیت عسكرات مید ایتد  
 اول كچه بو حالت موحشه ایله مرور ایدوب ایتسی احد كونی سپاه و بکچیری بجمواج  
 كی خروش ایدوب آت میدانه كلدیلر و مد عالیه مساعده ییورلق رجا سیله ازلدن  
 حسن اغایان رسال ایتدیله زمره سپاه متعینلر دن قره عبدالله نام كسنه كه اور تالغك  
 مصاحبت كند ارفتنی ایدی قدیم دن حسام زاده بك احباسندن اولمغه مفتی اولد قده  
 ایش بیلور و سوزا كرا دمدر قولتوغزده بولنسون شكلمه رجا ایدوب موقوفات خواجه لغی  
 رتبه سنه نائل ایتمشیدی قره عبدالله ایسه نفسنه تقلیب دولته و تقربق  
 جمعیه قادر متكلم ایش بیلور ادم ایدی و بو مقوله جمعیتلر ده دائما طرف عالیه بولنوب  
 مصاحبت كوستروب سوز تعالیم ایتكك كبار یقینمغه مقبول ایدی و عسکر طرفنی دخی  
 الدن بر اقیوب انلره همرك كوریتوب نچه صنعتلر كوستر مش ایدی لکن بر قاج دفعه  
 بو مقوله اورته لره دخول ایدوب صكره یینه زیت یاغی كی اوزینه چیقوب وزرا و علما بك  
 مقبولی اولد و غندن سپاه قوقونوزلری كند و دن تنفر ایدوب نقا قله مقید اولدیغی  
 طوبی شلر ایدی اول اشناده مزبور قره عبدالله سرای ایدی كوردیكه مفتی افندی دن غیر یی  
 اغا لره طرفدار یوق یا كرم مفتی ایله ایشه لیش تمیز سالتله كیدوب كلان وزرا بك و علما بك  
 جوابلر دن بوقتنه بك دفعنه لازم اولان تدارك حاضریندن بری ملاحظه ایتیمور ملاحظه  
 و تدبیره قادر اولنلر ده مختیر طوروب قصد اسكوت ایتمشلر دفعی قابل اولیه جفی یلندی  
 اسكی عیار لغی اله آلوب مفتی افندی بك قارشوسنه كلوب سلطام شویله جواب ویرلسه  
 یوله اولسه دیو بعض مناسب سوز سولیدكك حسام زاده ایتدی سن وار دیوب جمعیه  
 یوللادی اول بیجان دخی واروب طرف عالیه بولمغه مصاحبت كزار اولوب یینه موقوفات  
 قالمق امید یله عجایب مقدمات و نازك كلات حاضر لیوب سوار اولوب جمعیه قشوراردی  
 مرادی افندی سنی اولان حسام زاده مقام فتوا ده قلوب سائر لری جمهور نچه دیر لسه  
 تمشیتنه سنی ایتكك ایدی آت میدانی قرینه جمعیت سپاهه ملاقی اولوب علت  
 جنبشنه مغرور ابره یولد شلر بونك اصلی ندر كند و اختیار لریكز ایله سولیشه بك احوال  
 وارده طورك فلان دیه یم دیركن زمره سپاهیان دن بریاوك سل سیف ایدوب بره منافق قره  
 طوكز سنك نه یرامز اولدیغی طوبیشلر دیرره اوغلار و الله سره قائمك لوسوزم وار ایدی دیکكه  
 قائم دی سنك سوزك و نصیحتك زره كركرد یوب سیف او شوروب قره عبدالله ریزه ریزه  
 ایدوب هر بریان سنی مهترانه طرا بز و نلری اوزن اویزان ایتدیله ایاق دیوانی امرنك عسكرك  
 لچ و عنادی ایتد اد بولوب حسن تدبیر ایله دفعه بحال بحال اولمغین سعادت سلطانی



محمد الاقبال حضرت تری با انصرون دخواه اسپاهه مساعده بیوروب جمله وزرا و علما ایل  
 شاهراهه مشرف اولان الای کو شکی نام قصر عالی به تشریف بیوردیلر طائفه  
 مسکرایسه آت میداندن قصر عالی التمه کلجه کمال ازدحام ایل جمع اولوب ایلموده پیاده  
 کیروده اهن پوش سپاه و سپاهزاده ل سوار اولوب عرض دیدار شهر اری به منته غرطور ردی  
 شهنشاه فلک جاه حضرت تری نیک قصر عالی به تشریف یلیرین کوردکاری کبی سابق الذکر  
 سپاه زمهره سندن مهتر حسن اغاوشاملی محمد و غلطه و یوده اغندن منکوب قره قاش  
 محمد ایلمویه چیقوب قصر عالی مقابله سندن ال باغدر بلر حسن اغا ال قلندریوب  
 محمد و ثنا ایل جناب پادشاه عالیجاه منتظم و مسلسل خیر دعا ایتمه با شلدی اول  
 دعا ایتیکه عامه لشکر آوزاری بئشد کجه یکبار امین و به چاغر رلردی بعد الدعا و التناء  
 حسن اغا دیدکاری نکیتی سوزه کلوب دولته پادشاهم حق تعالی وجودش یفکری  
 تحت سلطنته دائم و سایه سعادت کیری عباد الله اوزندن زائل بلیه قوللرک خاک درگاهه  
 به زسوریوب کلوب عرض حاللری بودرکه محمد الله تعالی سعادت تو پاد شا همز حد کماله  
 بالغ اولوب جوانخت بهادر و استقلال اوزره امور سلطنتی تصرفه قادر و بغه استعداد تام  
 محموله کشتدر کرب جزیره سندن وزرا و امر او عسکری قوللرک لیل و نهار کفار ایل حرب  
 و قتال زحمت چکوب مجرورده کفار خاکسارک انواع خسارتی پادشاه همزه افاده ایتیلر  
 اطراف ممالک غلبه خراب اولوب رعایانک چوغی دارا حرب فرالایدی پادشاه قول ایل  
 قول خزینه ایل خزینه رعایان حاصل اولور رعایا عدلله خوشحال اولور قوللرک حال دیگر کون  
 اولوب علی رفه یزین کونملر مغشوش بی حاصل و صافی باقر اچقه در اول ایه دارالسلطنه ده  
 راجع و لاز و زرا و دفتر دارا شرکای دولت تسلطندن خزینه و میری تحصیلنه قادر  
 دکلردر واقعی حضور همایونه عرض ایتمکدن حذر ایدر لر قرب پادشاهیده  
 اولان اغا لر و معاجلر عالی سر ایلمر یحدا اثر و خد منکار لر بسلیوب هریری جهات  
 منافعدن نجه امور قادر بشورل ادخار مال ایل کامران اولدیلر حمایه لرند اولان آدملرندن  
 مال میری تحصیل اولنر مراد لر نجه حرکت ایتیمین وزرا عزل و اعدام اولنور بوندن ماعدل  
 طشره ده اصل خدمت نامه بر قاج طمکار و ارکه اللری التمه قلب و زیوف اچقه تدارک  
 ایدر عمر افلری وارد در دفتر دارلرک مضایقه سی و قمنده و مغشوش و مقصود تقو دایله  
 مملر کیسه لری تسلیم ایتمکده دفتر داری محجوب و یا نجه ویرد کاردن ایکی اوج مرتبه زیاده  
 مزخرف تذکره لر محسوب ایدوب بر قاج ایل راهر استندن طرف میری په کله جک نفود  
 میوه نارسیه کبی خام ایکن تلف اولوب بوطر یقیله جانب میری بی بر قاجیه زکیسه اچقه  
 مدین ایدوب سنده آتیه به محسوب اولان اصاغ مقاطعه جکری الوب خالص التون  
 وغروش جمع واد خار ایدر لر بوطر یقیله ایکی سنده داخل اقتضا ایدوب خزینه عامره نک  
 طالی خراب اولدی پناه دولته سرمست اولان وایکی طائفه نک ازاله سی دین دولته  
 نافع اولوب حصو لنه بوندن غیری طریق ممکن اولد یغندن ضروری ارتکاب ایتدو کتر  
 وضع کستانه دامن غفوش شهنشاهی ایل مستور و قبح ظاریسی حسن عاقبتنه نظر امدور

بیورلق مر جودر اول کسینه لیرنلر در دیوب اندرون و بیروندن او تو قدر اسم و رسم لریله  
 تحریر اولنش بر دفتر چیقاردی وزه علوفه دیو ویردکاری اچقه بودر دیوب چیمندن بر  
 اوج زیوف اچقه چیقاردی اچقه منظور پادشا هی اولوب دفتر تمام او قند قله پادشاه  
 عالمینه حضرت تری خطاب ایدوب قوللرم بود دفترده اولان کسه لرک ماللری الذوب  
 کند و لری نفی بلد اولنسون قتللرندن فارغ اولک دیو بیور دقلرند قائم مقام مصطفی  
 پاشا شوکتلو پادشاهک کلام درر بارین طائفه عسکره تبلیغ ایلدی مفید اولدی  
 خیر قتل اولنم اچقه فراغت ایتیزر سنی دخی استمزد یوقائم مقام پاشای تحویف ایتدیلر  
 چونکه انجام کار بورتبه به ایرشدی دفع فساد ایچون بالضرور مسئولرینه مساعده  
 اقتضا ایدوب دولته پادشاه عالمینه حضرت تری بر درجه مقداری توقف و سکوت  
 ایتیمین بعد دوات و قلم طلب ایدوب بستانجی باشی اغایه بر خط همایون یازدی  
 دفتر لرینک اولندن مسطور اولان دارالسعاده اغاسی مرام اغا ایل قیو اغاسی بوسنوی  
 احمد اغانک ورا جواب اهریم اغانک قیدلری کوریلوب جسته لری سرای دیوارندن طشره  
 القا اولندی مکر جمعیت و روندن اول خاص اوطه باشی حسن اغا و خواجه بلال اغا  
 و خزینه دار یوسف اغا با نجه بد نلرندن ایلمرله دریا جائمه اینوب اسکندر فرار و اختفا  
 ایتیملر ایدی پادشاه حضرت تری خواجه سی بلال اغایی شفاعت ایلدی مفید  
 اولوب ایاق باصدی لر تفحص قرمان اولنوب حسن اغا بولدیر یلوب انک دخی قیدی  
 کوریلوب جسمای طشره القا اولندی مسعودزاده دیرکه محرک فتنه اولنلرک برسی  
 و رئیس سورنازان مصطفی پاشا لیدی لکن خاص اوطه باشی اولان حسن اغانک قتی  
 چوق لطفی و ایولکنی کورمشیدی انی عسکرلندن قور تارمغه ارجان و دل رجا ایلدی  
 سوز کمدی صکره کندویه ده ضرر لری طوقندی محرک و معلم اولنلرک بشیما نفی  
 قائده ویرمز بیت اکر صد سال کبر اتش قروزدا کیریکدم در و افتد بسوزد مفه و منجه  
 آتش فتنه و فساد اعلان و عجبانی دخی افنا ویرا دایر کلسار و عسکر و قور قصر کبی همایونه  
 کلد کده بوسته بی پاشی بستانیان ایل و سائر خدام سرای ایل مدافعه ایتیک  
 ایچون مأمور اولد قلمری آدملری تحصیل بعض مرتبه مساحه ممکن ایکن مصباح  
 خاطر مانده اولد و غیچون دفع و مساحه دکل نعام و تحریک شریک ایدوکی معلوم همایون ایدی  
 بحسب الاقتضا اغاض عین اولنوب عسکره کوریل محمد پاشا و فتنه بر سیه حرکت همایون  
 بیورلر قله اول بوستانجی باشی برو سنده قتل اولنوب جزای سراسی ترتیب اولنمشیدی  
 دیو قتل ایدر فرار ایدنلر بولند قله قتل اولنور دیو جواب ویرلدی خون نا حق لرینه تشنه  
 اولان بی مرتلر اول معذورلری سور یوب آت میداندن اولان چنان او نخته ایدوب سائر لری  
 دخی قتل اولنم اچقه طاعنا زدیو جمعیت لرینی بوز ماد بلر ازین جانب بومقدار ایل جمعیت نخل اولور  
 ملاحظه سیله دارالسعاده اغالی اسکی سرای اغاسی دلا و راغایه و قیو اغا لقی خزینه دار  
 باشی علی اغایه و خاص اوطه با شیلیق خاص اوطه اغا لرندن خلیل اغایه و خزینه دارلق  
 مصاحب صولاتی محمد اغایه احسان بیورلدی صدارت قائم مقام سورنازان مصطفی پاشا



مقدمایان اولندینی اوزن مهر شریف قیوجیلر کتخدانی ایله کزیک سوزداری دلی حسین  
 پاشایه کوندرلشیدی اولنکون قائم مقام سوزنازن پاشایه صدارت عظمی خلعتی الباس  
 اولنوب سیاهی محمد اغا نام کسینه مهر شریفی دوندرمکه علی الصباح استعجالا کوندرلدی  
 ارکان دولت وزیر اعظم تهنیه سنه دستمبوس ایدوب اولدخی قانون اوزن جمله سنه خلعتی  
 کیدردی عزل مصطفی پاشا درآن روز تو حیه صدارت سیاهوش پاشا ماسوزنازن مصطفی  
 پاشا نیک صدارتی عسکر طرفندن صواب کورلیموب مصطفی پاشا کتدو عالمنده برساکن  
 آدمدر آگاهی منصب پیراوب صدارت عظمی به برغیری مستعد قوللری نصب اولنق  
 مناسبتدر دیوزور به حسن اغا رکاب همایینه خبر کتوردکده توحیه وزارت وقتندن دردی  
 ساعت مصطفی پاشا عزل اولنوب مهر همایون صدراعظم سابق سلسله جانشین اولان  
 سیاهوش پاشایه لایق کوریه دده تنه خط شریف ارسال اولندی قائم مقامی یوسف  
 پاشا و معزلی حسام زاده و مفتی شدن مکت زده و بر ثانی یوسف پاشا قائم مقام  
 خاکی ایله سرافراز اولدی مفتی حسام زاده افندی قره عبد الله ک پانلندیکنی ایشندیکی  
 گبی متعیر اولوب پادشاهی ایاق دیدارندن منع ایدن و مصاحب اغا ره صاحب چیقوب  
 حمایت ایلم مفتی افندی در دیو عسکر اساتید مو یاندیکی دخی ایشیدوب بر آن مقدم باش  
 وین تحلیصی ایچون منصبندن فراغ ضروری ایله اظهار کزکا و قدس شریف قضاسنی  
 حجاب پادشاهیدن رجالیوب کندو برینه مکت زاده افندی بی سوق ایلدی مسوولی  
 اجاته قرین اولوب اول کون مقام افتا مکت زاده فندی به توحیه اولنوب انک اعلامیه  
 قدس شریف قضاسنی حسام زاده افندی به احسان اولنمشیدی عزل مکت زاده و مفتی  
 شدن خواجه زاده مسعود افندی با طلب عسکر اول وقتند خواجه زاده مسعود افندی که  
 گورچی پاشا زمانده دخی صکره والد سلطان الفات و معاونتله زمین تام کسب ایدوب  
 دولک حل و عقد و مصالحه قاریشوب حق سولک نامیه شهرت بولوب حضور همایونده  
 و دیو ندرده صدراعظم له مجالده و معارضه لایدوب پنجه لشمک ایله نام آوزا و لدینی یوقاروده  
 مفصله تخریر اولنمشدر اما البشیر پاشا و مراد پاشا زماننده چوقدق بیوزور امله کله متالم اولوب  
 کوشه ازوایه چکلوب داماراج دولک تعصبات ذکر ایدوب حرف اتاردی انسی افندی اکابر  
 طلاق عیاحی همدملری و ارایی اسی و اکامعادل بر قاج جوال الفتن تبدیل جامه و دستار  
 ایدوب عوام هیئتند سیاه و یکچیری اراسنه دخول ایدوب مکت زاده افندی بی مفتون نیک  
 واده و علم معرفت درونی ساده بر مرتشی آدم ایکن انک مفتی اولماسنه مناسبت ندربله وقتند  
 خواجه زاده کبی جری و جسد و حق سولکندن قورقر آدم مفتی اولنمختاجد رک مرادیکز  
 اولان نافع مصاحبه کتدو حله کله ایدی دیو تخم فسادی القا ایدوب چکلدیله سوزلر عسکر  
 یه نند منتشر اولان قند مکت زاده افندی بی استمرزانی مفتی ایدوب چکلرینه بر یکچیری اشجیسی  
 مفتی اولق دخی معقولدر دیا ایدین خارج سوزلر سولیموب البته خواجه زاده مسعود افندی  
 مفتی اولق کر کرد دیو جانب سلطنته خبر کتورد پیر مکت زاده بی چان مفتی اولدوغی وقتندن  
 اون اوج ساعت مرور فتنه عزل و مشیت اسلامیه عسکر تعیین ایله اناطولیدن معزله

خواجه زاده مسعود افندی به عنایت بیورلدی مورخ عزیز افندی نیک یوخلدی یازدینی  
 کلمات ناسراطی اولنمشدر مفتی فتنه لغظتی مسعود افندی نیک فتوا سنه تاریخ دوشنبره مشدر  
 دفترده مسطور اولنلر بولنوب قتل اولنمقچه طاعنا ز دیه جمعیتدن خبر کلکین بالضرور  
 مختفیلر الله کتوریلوب قیدلری کوریلده دیو بوستانچی باشی به مو کد خط همایون صدور ایدوب  
 خاص اوطه باشی حسن اغا و ایچ خزینه داری یوسف اغا له کیروب قیدلری کورلد کد نصکره  
 جته لری طشر مکوندرلدی ایرتسی کون والد سلطان حضرت نیرینک مصاحبه سی اولان  
 ملکی اوسته و ملکی اوسته نیک زوجی شعبان خلیفه که سیاهیلر اغا ای پابه سیده متقاعد  
 ایدی وزیرایه مخصوص اولان عزل و نصب امورینه مداخله ایدرلر دوشنبره یولمشرا ایدی  
 متعیرلر الله دوشنوب خواجه بلال اغا دخی گرفتار اولوب بعد القتل جته لری جمهور  
 الله ویرلدی یو بیجان لک جته لری جمله چنار اغاچی بوداغنه بردار واول درخت نامبارک  
 شجره وقواقه نمودار اولدی ان فی ذلک لعیبه لاولی الابصار استانبولک بر شاعر  
 پسندید طرزی اول وقت بوقطعه فی حاله مناسب نظم ایلمش نظم کوشی مریمجه ایدوب  
 طنطنه جاه و حلال لرزه نیک ایتدی بوغوغا کده آفاق اولدی فخور پیچه مست مدام دولت  
 جام اقباله نه طرح ایتدی بیانتر ساقی باغبان فلاک کینه کزاری سیرایت آت میدانه دندی  
 شجره وقواقی پیران پوست نشین بکتاشیه اغای جدید ایچون او جاقدن اغا اولدوغنه  
 رضا ویرمکین سکبان باشی لقدن اغا اولان محمد اغا اوچخی کون عزل و حرم همایوندن  
 چوقدار محمد اغا اخراج اولند قده چاوش باشی محمد اغا نیک جرمی یوق ولسانده مذکور  
 دکل ایکن لامر مهم برکون قیوجیلر اوطه سنه حبس اولنوب ایرتسی کون اطلاق  
 اولندی غنک سری معلوم اولدی بیجان خانه سنه واروب شکران خلاص بر قاج قیون  
 قربان ایلمش یکچیر بارقیوسی اوکنده خون قربانی کورد کلر نیک بزم زغمزله اطلاق ایتدیلر  
 دیوار امله اتفاق ایدوب خون ناحقنی احراق ایتد کندن صکره آنی دخی شجره چنان  
 اصدیلر مقتولی دفتر دار سابق حالچی زاده محمد پاشا دفتر دار سابق حالچی زاده محمد پاشا  
 یوق آقچه ویرمک تهمتی ایله ابتدا کون یدی قله ده حبس اولنمش ایدی خلاصه امکان  
 ز اولیموب دوردنچی کون کند جلاد بی امان ایله شهید اولوب جسدی اوج کون یدی  
 قله اوکنده الوده خاک اولد قدن صکره محمد پاشا جامع حرمنده دفن ایتدیلر عزل و حبس  
 دفتر دار قره کوز محمد افندی و دفتر دار شدن دفتر دار زاده محمد پاشا دفتر دار زاده وزیر محمد  
 پاشا و رت پدرا اولان دفتر دارلق منصبی ایله محصل الامال اولوب بش کونلک دفتر دار  
 قره کوز فقیر بش التي کون بند بلای حبس اسیر اولدی مصدوبلور دن ماعد اطلوب  
 اولان کرک امینی حسن اغا و ترسانه امینی محمد افندی و دلی برادر احمد اغا و طوب قبولی  
 مصطفی اغا و معمار مصطفی سی جمله فرار واختفایتملری ایله خانه لری مهرلنوب  
 تفحصلری ایچون آدملر پراکنده اولندی اغای سابق محمد اغا و اوچکون اغا اولان  
 سکبان باشی محمد اغا و کتخدان ایک عثمان اغا دخی تسیر و اختفایلا سنه مبتلا اولمشرا ایدی  
 اولمشرا ایدی لکن اغای سابق دن ماعد اسمک خانه لرینه تعرض اولندی بوسیاق اوزن بش



آلئی کون دکانر مستد و دوغنی و فقیرده امن خاطر مقفود اولوب هر کس کندویه نه کونه ستم اصابت ایدرد یوکر فتار حیرت اولمشلر ایدی مختفیلر اله کیروب عسکری یه بر مقدار قشقی غیظ حاصل اولد قد نصبرده ماه مزبورک اون ایکنجی کونی جمعیتلری منحل اولوب قصود قلان دفتر لوردخی اله کیرد یکه ازاله اولمق شیطیلر پریشان اولدیلر اسواق شهر و دکانین آجدر لوق ایچون تنبیه همایون صدور ایدوب یکچیری اغاسی قوله بندی لطیفه هنر آمیز هنر افندی تاریخنه دیر که مقفی جدید قانون قدیمی تجدید ایچون عرض او طه سنه دسته بوس سلطان ایلله مشرف اولمق ایچون اذن همایون رجاسنه رفع رقه نیازی ایدوب رجاسی نظر قبول ایلله اعزاز اولمقین روم ایل والیلرینه مخصوص قیایچه تعبیر اولنور قوشاقدن اشاعه یقالی بیاض چوقه ایلله دیوانی تشریف و اول طور عجیب و مشکل ایلله ارکان دولتی تحریف ایلدی سا بقارادر لری مرحوم و جناب مخدوم قصدی ایلله سویانن مصرع فیلدن قورقم ولیکن زور نشان قورقم مضمونی درجه عین الیقینه و اصل و مقابله شمس و زحل واقع اولد یعنی قصدی ایلله یوم محس مستمرده افتاب برج سلطنت حضر ثلرینه مقابل اولدی فی جمادی الاولی مخدوم نازک وادی افتاده اختراع ایتدیکی بضر و احترازی و گفتارده طمطراق الفاظ طنابیه ایلله طاق اسمانه طنین انداز لاق یوزندن سر اغازی با خصوص جامه و لباس مختاری اولان طرفه طراز مخصوص صغار و کبان غریب کورینوردی اولکون مشایخ اسلام معتاد اوزره اوله کلان احسان و نشر یقندن زیاده بر لطف ایلله دارات و احشاشای نضعیف اولندی ماه مزبورک اون یکنجی کونی فرار ایدن کنده ایلیک عثمان اغا مختفی اولد یعنی خانه ده بوغلاش بولنوب کردندن حریدن شلوار بند کتوروب چنان آصدیلر قابل معلوم اولدی بعضیلر و سوسه شیطانییه ایلله کند و کند وینی بوغدی دیدیلر لکن بعض عارفلر محرک فتنه اولان استاد مزه راختفا ایلدیکی یری بیلوردی تعلیم ایتدوکی دسیسه مشیوع بولسون دیوکر لوجه بوغدردی دیدیلر العلم عند الله اول الحق طمعکارک جمع ایتدیکی اموال کثیره طرف بیت المال قبض اولنوب کندوسی اخرته و بالی ایلله کندی وصول وزیر اعظم سیاوش پاشا با آستانه علیه وزیر سیاوش پاشا سلسله طر فندن انجق قرق الی آدم ایلله سریعا کلوب ماه مزبورک اون طبقونچی پنجه شنبه کونی استانه یه داخل و شرف دامن بوس شهر یاری یه واصل اولوب معتاد اوزن سمورلی و ساده ایکی قات خلعت فاخره ایلله مظهر عظیم و مقام عدارندن نیامقیم اولدی کرک امینی حسن اغا غلطه ده برفقیرک خانه سنه طوئیلوب بر قاجکون حبس و تفتیش اولند قد نصبرده تن بجائی سایه چنارده بر مقدار قرار بعد عزم کوشه مزار ایلدی توجیه ایالت ارض روم یوزیر سابق سورنازان مصطفی پاشا جمادی الاخره غره سنه قیود دانلقدن معزول سورنازان مصطفی پاشا دخی طفره حرکت شامینه مبتلا و اوج سا عتاک وزارت سببی ایلله گرفتار مخت وجفا اولوب ایالت ارض روم کندویه توجیه و عجماله جیقوب کتمه سی ایچون مو کد تنبیه اولندی ماه مزبورک ایکنجی کونی حلبدن کله اناطولیدن معزول قره مصطفی پاشا یه که مقتول حایچی زاده داماد رسورنازان مصطفی

پاشا یرنه قیود ائلق منصبی توجیه اولندی ماه مزبورک ایکنجی کونی مختفیلردن چنگانه بکی دل برادر دیکله معروف احمد اغا بکی قیو سمته بر دوستی خایه سنه اخذ اولنوب وزیر سرانیه یقه شکیجه جلاده گرفتار و جسدی بر قاج ساعت آسوده سایه چنار اولد قد نصبرده زیر خاک مزاره انتقال وارواح کند شتکان صنادید بشاتقه یه اتصال ایلدی حکایه غریبه مهر شریفی کرد سرداری دلی حسین پاشایه کوتورن کتخدای بوابان بنفشه دن اوج دفعه کرد صالوب عدم مساعده روز کار ایلله کنان یناشیق مهسرواماتی صاحبنه تسام مقدرا ولیوب اوحنی دفعه ده ینه بنفشه ساحلنه یناشیق ایدیک عود تنه مامور اولان ستیاعی محمد ایریشیوب تبلیغ فرمان جلیل الشان ایتیکله ایکسی معا هر کاب درد ولته کلوب خاتم سلیمانی سیاوش پاشایه تسام و حقیقی وزیر اعظم اولدی فی جمادی الاخره مزبور سیاوش محمد و صولنده قیوجیلر کتخداسی ینه مهر شریفی حسین پاشایه کتو رملک مراد ایدوب و معاودت رد ایدوب بعد نزاع عودت ایتدوکی مروب ریم مزبورده رسانه امینی صالح افندی وارمنی جزیه داری اولان طوب قیولی مصطفی محمد پاشا سمته صاوی صولاغک خانه سنه گرفتار دست طلبکاران و همان اول کچه وزیر اعظم سرانیه مهر کلدیکی شکرانه سی قربان اولوب زیر چنار بر دیل سایه سنه احیای لیل بعد محله خاموشانه جر ذیل ایتدیلر رفتن وزیر سابق اسکنداری سلیمان پاشا ایالت بوسنه ماه مزبورک التخی کونی وزیر اعظم سابق سلیمان پاشایه بوسنه ایالتی توجیه و سریعا کتمک اوزن شهر دن اخراج اولندی ماه مزبورک سکرنجی کونی معمار مصطفی سی دید کبری سفینه روز کار اسکنداره اخذ و سرای وزیرده قتل اولنوب جسدی سایه شجرة ملعونه معهوده ده بر قاج ساعت طورد قد نصبرده مدفون خاک مزار اولدی مکافات عبرت اندیز کورجی محمد پاشا مقدم اوزر اعظم اولد قد دولت پادروایه الد انوب صلفی سیاوش پاشا نک ازاله سنی مراد ایتدیدی لکن والده سلطان حضر تری سیاوشک جرم و کناهی ندر ناحق یره سو قصه رضامیه قدر دیو صاحب جیقوب پنجه سندن تخلص ایتدوکی جلد سابقه ذکر اولمشیدی سپهر دوارک اوضاع و اطواری چونکه بر طال اوزن بر قرار اولمش دکل حالا مقتضای قوت بخت ایلله نوبت صدارت سیاوش پاشایه دکوب ثانی اوزر اعظم اولدی کورجی پاشا دن صدور ایدن غدارلق سبب اغاض غیظ اولمغین ملکه عفوه و افضالی اعماله مجال اولوب ماه مزبورک التخی کونی کورجی پاشایه قیریس منصبی توجیه و طرف بحر دن سفینه ایلله ارسال ایدوب بو قدرجه انتقام ایلله اکتفا یوردیلر منفی شدن مقفی سابق ممک زاده بجانب بروسه ممک زاده افندی حین وقعه ده بر کوناک رتبه فتوا ایلله شاد کام و در عقب عزله مبتلای حزن و آلام اولوب ممتول و صاحب ثروت اولمق حسیله بذل مال فراوان ایتیمک جائنه منت و کوشه از واده برفتنه ظهورینی دخی کوزه در متر صد فرصت در دیور قبا ی دولتی جانب سلطنته غزای تمکین ماه مزبورک اونجی کونی تدارکنه استعجال وایکی چاوش ایلله بروسه یه ارسال اولندی نفی نقیب میرک زاده بمذاینه نقیب میرک زاده افندی سابقا و باق اغا لری وقعه سنه داخل جمعیت بکتاشیان اولمش ایکن مستند اولدینی ابو سعید افندی امداد ایلله جرم عزیز



افندی اوزرینه تحمیل اولنوب کندی و منصبند قرار بلکه التفات جانب سلطنت ايله مرجع  
ضمار و کبار اولمشیدی ابشیر پاشا و قه سنده دخی عامه عسکر مفتی ابوسعید افندی  
قتل طلب ایند کارنده سیرکراده افندی حضور همایونده سر بازلق ایدوب شیخ الاسلام  
نامه اولان آدمک قتل اولماسنده قسناد عظیم وارد جمله مر قتل اولند قچه مفتی  
افندی بقلنه خطا کتر دیو وافر سویلیوب ابوسعید افندی بقلنه تخمیننه سبب  
اولمشیدی بو وقعه دخی عسکرک مرادی دولته تفعدر مطلوب اغار و سائر لور لسون  
دیو بر قاج دفعه پادشاه عالمیناه حضرت نرینه سویلدوکی اجلدن خاطر عاطر سلطانی  
متکدر اولوب اندرون همایون جائی کندی و دن متنفر اولمشیر ایدی فتنه سکون بولدی  
کبی ماه مزبور ک اونچی کوئی چاوشان بی امان ايله اریه لقی اولان مدانییه نفی واجلا  
اولندی منصب محلول تقاب انقرووی مرحوم قوجه نقیبک محمد و منه توجیه اولندی  
رفقش شیخ الاسلام ابوسعید افندی به کلیبولی ابوسعید افندی بر قاج دفعه نفی واجلا  
وتغریب محنتنه مبتلا اولد قده طرف سلطنت علیه به عرض حاللر کوندر وب شعبان  
خلیفه و زوجه سی ملکی قادین و سالیله عرض حاللری مهد علیا حاضر تدرینه وصول بولوب  
مرحمة قرین عفو و عنایت و الطافنه معتاد اولدوغی جانب سلطنت همتی ايله آرادی  
نام چفته کندی قرار ایدوب شهره دخوله اذن همایون شوکتقر و تحمیلنه انتظار اوزن  
ایدیلر قضای آسمانی بو وقعه هائله ظهور ایدوب اعانتده بولنان بی کناهلر غدر حساد ايله  
معدوم اولمغین کین کیننه مکین اولان اعداسی فرحت بولوب قرب جو اردولندن  
دور وار په لقاری اولان کلیبولی سقری ايله مأمور ایتدیلر سکبان باشی ایکن  
ابتدای وقعه ده ضابط اولان اغایسه زوزه امهالی اهماله حمل ایدوب امن  
خاطر ايله ظهور چیقبوب خانه سنده قرار ایتشیدی نامه ایلبان سنجانی منشوری  
تحریر اولنوب بلا نا خیر مأمور اولدی نفی محله ایصال ایچون چاوشان بی امان ايله  
ارسال اولندی فی شهر مزبور بو وقعه یازما مشدر مهر شریف استردادینه کیدن  
سیاهی محمد قیوجیلر کتخداسی حقنه زور بار هجوم و طلبی ايله وزیر اولان آدم  
البته طرف سلطنتک رضالینه مغایر ضروری تعیین اولمشدر بن یومهر شریفی تعیین  
پادشاهی اوزن حسین پاشایه کوتوررم دیو وافر و صناد ایتدی هزار زور و زار ايله عودت  
ایتدردم دیو خفیه سیاوش پاشایه سویلیوب تقاق ایتشیدی اکابناء دوقه کین سنجانی  
توجیهیله قیوجیلر کتخداسی فقیر مظهر کین اولوب خدمت مقابله سنده سیاهی محمد  
التفات وزیره مستغرق و سر بوبان درگاه عالی زمره سنده مالحق اولدی و سابقا یکجری  
اغاسی اولان محمد اغا که جمعیت کیجه سی مختفی اولوب تحریک فتنه ده علاقه سی اولمغله  
متمم ایدی ماه مزبور ک اون طغوز بی کوئی ایاصوفیه قریه پنهان اولدی نفی بر طانه ده اله کیروب  
قتل اولندی و جمله اموال و اشیا سی جانب میری به ضبط اولندی ابوسعید افندی به  
مکه مکرمه نقیب سابق سیرکراده افندی به مدینه منون قضالری توجیه اولنوب ملک  
زاده کعبه یحجور ت ايله مأمور اولدی مفتی سابق عزیر افندی اول وقتده ساقز اریه لقی

ایله بروعه ده ایدی جری الحنان و حدید اللسان عارف و فاضل مخدوم جلیل العنون  
اولمغله زمانه سی دولتلورینه و علی الخصوص طریق علم رجالنه حرف اندازلندن خالی  
اولدی نفی جهتدن خواجه زاده مفتی مسعود افندی جرح لسانلریله مجروح خاطر  
ایدیلر اما اخذ انتقامه بروسیله یوق ساقز اریه لقی رفع ایدوب سیرک زاده محمولندن  
مدانییه اریه لقی توجیه ایدوب کوندر دیکه علوم مشربلری مقتضای سنجیه قبولدن نکول ایدر سه  
امر جلیل الشانه عدم اقیاد اسناد ایدوب یکیدن تغریب عن الشهر و نوبت دخی مظهر  
قهر سلطان دهر ایتدیروب فیمیند جایکیه اولان وجه اوزن اخذ انتقام ایلدیکن خواجه  
زاده صولت و جرأت ايله شهرتی معلوم عالم اولمغین عزیر افندی تجرع زهراب ستمه تحمل  
ایدوب مدانییه اریه لقی ساقز دن بر قاج مرتبه زاحجر لطف کزدن منون اولدق معامله سنی  
اظهار ایدوب شردن امین اولدی وزیر اعظم سیاوش پاشا حمای ر بهه مبتلا اولمغله  
آستانه سعادتده خسه حال کلوب کوندر کونه ضعف مزاج غالب اولمشیدی عنایتلو  
پادشاه عالمیناه حضرت نری بر قاج دفعه خاصه سمو رارسالیه قاب علیل محزوننه القای  
سرور و یور دقلندن ماعد اعیانه سی ایچین بالذات جناب سلطنت مایلری تبدیل  
طریقیه سراینه تشریف و طال خاطر لرین کمال النفات ملوکانه ايله تلطیف بیوردیلر  
قتل دفتر دار زاده محمد پاشا وزیر مشارالیه بوائنده مورث پدر اولان دفتر دار لاق منصبنه  
ناثل اولوب احتشام ملا کلام ايله تعین تام کسب ایدوب استعدادات و استحقاق مقام  
مقتضای سنجیه رتبه صدارته ناثل اولمغی السنه اکابرده سویلیوب اندرون همایون  
طرفنه اولان نوع انفسایله کندی و دخی خاتم و کالته لیاقت زعمه وجود و یروب مدارسیبی  
ایله شیخ الاسلام مسعود افندی ايله حسن زندگاری ایلد میوب پیدلندن عداوت دشمن  
ایدی صدر اعظم سیاوش پاشا اگرچه اسیر فرارش خسته و عافیندن مأیوس و شکسته  
ایدی لکن لازمه اهل دنیا اولان حرص دولت و مناعسه جاه و غیرت مقتضای سنجیه دفتر دار  
پاشایی استیقال ایدوب دفع مزاجم قیدنده و تدارکنده اهتمام تام اوزن ایدی شیخ الاسلام  
مسعود افندی بقلنه رخصت و اعانتی ایلر کاب همایون نه خلاف انها ایدوب دفتر دار پاشا  
بکرمی قدر مقتولک خصوصاً ملکی اوسته و شعبان خلیفه نک رشتک قارونی اولان اموال  
وارزاقنه وضع ید استیلا ایدوب طرف میری به عشر مرتبه سنی کوستر مدی خیانتلک  
جزاسی لازمدر دیو بر قاج دفعه ناخیم ایتشیدی حقیقت حال مفتی افندی ن سوال  
اولند قده کلام وزیری تصدیق ایتدین بیچار محمد پاشا مظهر قهر سلطان دهر اولوب غره رجه  
بر کیجه بوستانی باشی حسنند ایتلا نصیحه جان فدایتمکله قید دنیادن خلاص اولدی  
غرائب مجازانده درکه دفتر دار محمد پاشا قتل اولندی نفی کیجه سیاوش پاشا دخی فوت اولوب  
ایرتسی وقت ظهرده سیاوش پاشا نک نعشی سلطان احمد جامعده و دفتر دار پاشا نک سایمانیه  
جامعده مصلایه وضع و نک رلری بروقتده ادا اولندی دخی اغرب بودر که محمد پاشا قمر مان  
شهر یاری ايله بوستانی باشی حبسنه ویران کده والد سی ضعیفه مفتی مسعود افندی به  
واروب اغلیوب فریاد ایدوب سلطام افندی دارد نیاده برا و علم وار منصب و وزارت استمر



مشاعات ایدوب شیخ سیاحت سلطانیدن قورناروب بریره نفی ایلک دیونیز ایتدکده  
مفتی افندی رحم ایتیموب بره هی خاتون سنک اوغلاک بن عالم و فاضلم دیه کسنه یی بکنتر  
عظمتندن زیر یمزده اوتون مز اولدق انک قتل اولنماسی لازمدر دیو فقیر هی ردایتدی  
عرض نجفی بی آشکان ایتشیدی ناحق یره قتل عباده جبار منعمهم حضرت نرینک رضای  
شریفی اولماغله چوق یکمدین مسعود افندی دخی مجازات اعمال سرنی مشاهد ایتدیلر  
منه کیم تفصیل اشاعیده کلسه کرکدر دفتر داری صاری علی افندی دفتر دارمقتولک  
اموال و استیاسی طرف سلطنت علیه دن ضبط اولنوب غره رجب صاری علی افندی  
دفتر دار اولدی وزارت بونی یار لی محمد پاشا وزیر اعظم سیاوش پاشا ماه رجب  
غره سنه محرم فوت اولدی دکر اولمشدر توجیه وکالت خاتم ایچون حضور همایونه  
مجلس مشاوره عقد اولنوب کت و شنید دتصکره حالا محافظ شام اولان بونی یار لی  
محمد پاشایه توجیه اولنغی شیخ الاسلام مسعود افندی معقول کورمکن مهر شریف  
قیوخیلر کتد ایلیه مشارالیه ارسال اولنوب قبه نشین و زرادن قوجا یوسف پاشایه  
قائم مقاملق احسان اولدی فی غره رجب جمادی الاخره ساخته ساحد ارشهریاری  
چیل احمد اغا وزارت و دیار بکر ایلی ایله جیه مقرب معایه کیوزدن متجاوز غلمان ماه پان  
احسان ایله شادمان اولمشلرایدی ماه رجبک ایکنی کونی مشارالیه احمد پاشا طاعلرایله  
قبه نشین اولدی ماه مزبور رک التخی کونی خزینه کتداسی و کاتب السرا لان معن زاده  
حسین افندی قیوچی با شلیق رتبه سیله طشوره چیتوب یینه خاص اوطه لی پدشکیر  
غلامی پهلوان حسن اغا خزینه کتداسی اولدی و خاص اوطه اغا ایدن مصطفی اغا  
سرکنا بلنه تعیین یورانی قیودان وزیر قهره مصطفی پاشا قیودانق غائله سندن تخلیص  
کریسان ایچون بعض اعمال ایله استعفا یلوب ماه مزبور رک طقوزنجی کونی دخواهی  
حاصل ایدوب ایالت مصره دائل اولدی و قیودانق سلسلته بکر بکیمی وزیر کتدان  
پاشایه توجیه اولدی مرحوم توقیعی عبدالرحمن پاشا تار یخنده دیرکه قهره مصطفی  
پاشایه مصر توجیه اولدق شفاها بعض امور مهمه سیارشی ایچون برکوب  
دعوت یورایوب سنال پاشا کوشکندن حضور همایونه داخل اولدق سیارشی لازم کن  
امور بالجمله نذیه اولدق قد نکره وزیر مشاکرالیه زمین یوس جان اولوب کندی  
مصره و اصل اولدق مقدم سلفی جامع کی محسن پاشانک مصریلر محاسبه سن کوب و بکن  
دآب دیریلری اوزن عرض وزارت قهره تریب ایدر خک اوضاع نامناسب ایتیمه لکه عرض  
وزرا محضدا عرض واجب الصیانه پادشاهیدر ذمتندن ظم ورایدن مالی تمام ادا ممکن ایسه  
فیه امکائی یه غیسه ذمتندن قلاب مالی تمام دفتر و آستانه سعادتده یقصد زاده ایتیمک  
شرطیه بخت ایتدکد کندی و سن مصرده اکلندر میوب رسم قدیملی الای ایله چیقارب  
تشیمیم و توقیر کمال تعظیم ایتلمی لایمدر دیو عرض ایتیمک اول آن بو مضمون اوزن خط  
هماین شوکت مقرون تحریر و احسان یورایوب پاشای مشارالیه کتداسی غانه کلامی  
عرض وزارت سیاحت باشد خیر خواهانه رأی و اتمای استعسان اولندی زوربال

قتل اولنوب حسن تدبیر ایله اصحاب فسادک طغیان دفع اولندی بعدر مقدم اذکر اولندی  
اوزن اسافل اشخاص یوزدن اغار و قهره سی ظم ورایدوب اندرون و بیرونه امور  
دولته مدخله ایدنلر نامیده شهرت یولانلر چونکه زائل اولدی شهرت تعین اول جمعیتده  
صاحب کلام اولان بر قاجار اذله انتقال ایدوب سیاهی حسن اغار قاج دفعه حضور همایونه  
کلوب کتکله وجود تحصیل ایدوب شاملی مجد و قهره قاش مجد و قهره عثمان و عیاق علی و یونلر  
امثالی بر قاج بی ادب اول و قهره ده ماملکی دوستندن و یاشنک تراشی بنا کوشندن مفلوک  
و صعلوک ایکن مقتضای استدراج ایله سفها و اسلافله پیشوا و اشقیاء و اذله مقتدا  
اولوب هم جنسلی اولان مفسد لر قوتیله صاحب نام و کام و مرجع امور انام اولدق لری  
جهتندن و یغما و تاراجدن مال قارونی تحصیل و هر نوعدن هر بری اسباب احتشامی  
تکمیل ایدوب استانبول ایچنده بین الجمهور میدان اغاری عنو ایله مشهور اولدیلر اول  
واجبیلرک هر بری توابع و خدام نامنه اللیشر التیشرا اذل و سفها جمع ایدوب و صاحبانه  
مراجعة سمر بر مشهور سرای دوستدوب اعیان شهر اولوب اوتور دیر مقتوللرک مالندن  
و غیریلر دن یغما و غصب ایتدکاری برر کیسه لک رخس پیل اندامه کورخت و سیم  
رکاب و امیوانه آلات و احتشام ایله سوار اولوب یکر میشر سر اجله قائم مقام پاشا سرانیه  
وسائر کبار دولته واروب اظهار سر و سامان ایدر لردی بعض خدمات و بعض توجیهاته  
متعلق رجالینه بحسب الاقتضا و کلای دولت طرفندن مساعدت کوشتی یلوب بر قاج  
ماده ده کلاملری ناقد اولغین عاقبت حالی ملاحظه ایتیمز منصب حریصی ایله نادانلر اول  
صفهانک قبولینه ملازمته با شلیوب کیمی تحف نوادر وکی آت و اسباب و جواهریشکس  
ایله کلوب و کیمی کیسه لره تقود و یروب حصولی متعسر مکروه ایشلر تکلیف ایدر اولدیلر اول  
اراذل و نکبات ایسه نظام دولتی بلز معقول و مکروهی فرق ایتیمز ماللری الدقلری آدمک ایشی  
البته صورت بولسون دیو مدبران دولته ابرام و الحاحه با شلدیلر بعضیسنه مساعدت  
و بعضیسنه و قتله ایتدلم دیومد افعه سمتن طوتوب سرکارده اولانلر کس مکش محنته  
اوغرا دیر لر رئیس الکتاب شامی زاده و دفتر دار صاری علی افندی احوالک بو پریشانلی  
نیه و راجقدر بو توجیهات امور مالیه احوالی اشبو و خیمیلرک هجومی ایله خرابه واردی بوکچان  
کور ملیدر دیو سوق ایتلمیله پیرروشن ضمیر قائم مقام پاشا مفتی مسعود افندی ایله کر لوجه  
سویا شوب چان سازلق فکرین ایدر لردی بالاخره بو غائله نک دفعنه چان بیکیری اوجاغنی قوله  
الوب اعیان بکتاشیان ایله اتفاقه محتاجد ردیب بورایه قرار ویدیلر و نتیجه تدبیرلرین حرمان  
سلطنت و ساطتیه و الیه سلطانه خفیه و پادشاه حضرت نرینه اعلام واستیدان ایتدکن  
صکره طریقه بکتاشیانک مرشد پوست نشینی قهره حسن اوغلی حسین اغا که صورتا  
مریض و ضعیف و ناتوان اما سیر تا قوت عقل و تدبیر ایله اوجاق ارذری پهلوان زمان ایدی  
کیجه ایله انی دعوت ایدوب بو احوالک چان سندن سوال ایتدیلر اول مردد بر سوزده کلوب  
سلطانم چون تلاش اظهار ایدر سر لا نکر هوا الفتن فاتها حصاد المناقین حدیث شریفی  
و خواسته اگر چه فتنه صورتا مکر و مکرور یور بر ایشدر لکن ضمنند منافق لک زوالی



اولی شیه فائده من خالی دگدر و جمله نك مطلوب بود مد عانی دین و دولته نافع مصاحبت و  
 اشوار اذلك جمعیتی حسبی ایله اموز دولته مهارضه ایدن و زرا و وکلانك عزل و نصبینه مد اخله  
 ایلین اغار و مصاحب بر طرف اولدی و میری بی مد یون ایدوب سمسارلق حسانی ایله  
 خزینه مالی دیگر کون ایلین اغار تلف اولوب محسب فرح میر یله اولان بر قاج نیک  
 کیسه لری مضمحل اولد قد نصیحه اموال و استیاری دخی میری به عاند اولدی و لایق  
 سوزد کل ایسه ده معنای میری به انفع ایش اولدی دینور و و ایش اول اذلك یوزدن  
 ظهور کله ظاهر انلرده و علم رجه زمین بولد یلر چونکه انلرده کندی سلفار دن عبرت  
 الما دپلر فساد باشتل یلر انلرک دخی حقار دن کلنک برشی دگدر دولت پادشاه عید  
 نه مراد اولنور که حسن تدبیر ایله حصوله کلیه دیدی مفی افندی و قائم مقام پاشا بوردله  
 کلامی ایستمد کیر پسند ایدوب حسین اغا الله سندن زافی اوله دولت علیه نك قدیمی  
 خیر خواهی اولدی یگزمه شوکتلو کر امتا و پادشاه نك و جمله مرک علی وارد شدی بولری  
 دفعه اقتضا ایدن تدبیری سنک رایکه حواله اشدک نجه معقول کور رسک شروع ایدلم  
 دید یلر حسین اغا دید بکه اوجا نك عقلای کندی و سور و سفهاسی مهابندن قوتار  
 برکتند انصیب ایدرک بعد اول خبیثلرک نامدارلندن بش الی تفرشتی بی فرمان شهر یاری  
 ایله همان دیوانه قتل ایلاک ماعداسی فی الحال مضمحل اولوردیدی یا اول مقوله  
 کتخن اکیدر دید یلر کچه جی اوغلی محمد اغایی سوق ایلدی قائم مقام پاشا و مفی افندی  
 حسین اغایه شایدوب اگر امه یوللا دیلر مزبور کچه جی اوغلی واقع ایدلم عاقل و هم  
 چسور ضابط اولوب وزیر اعظم اولان مراد پاشا بشیر از الله سی اچون فتنه تحریک ایدرک  
 انی تسخیر ایتیمجه تحریک ایدر مدی اول وقتند قول کتخن داسی ایدیکه عسکر جمعیت  
 ایتدک حضور هما یولور بولنوب پادشاه عالمینه قوللرم نه استر دیدک کچه جی اوغلی  
 ایلر کلوب ناد شام قوللرک جمله پادشاه من خوشنود الحق وزیر اعظم ایش پاشا لالا که  
 و مفی ابوسعید افندی بی استقرار دیوزیر ایله مفتینلک مولجه سندن بی پروا سولدی و کی  
 سوزلری محله مفصل تحریر اولنشد و عسکر ضبطند اولان جرأت و جسارتی طرف  
 سلطنتک معاوی ایدی مراد پاشا وزارتدن عزل و در یادن شام منصبنه توجه ایتدک  
 اوجاق خلقی کچه جی اوغلی استنقال ایدوب نفی ایتدزمشیر ایدی قره حسن زاده سوقیله  
 لول کچه آدم تعیین اولنوب دعوت ایله طرف آستانه به کشیددی ایقاع فتنه بدین کفان  
 و زمره متغلبه و اتحاد ان طائفه مزبوره بتکلیف اخراج توغ همایون بولماده ایسه  
 انا طولین سیدی احمد پاشا نك استیلا ی شهرتی عالم کیر اولوب ایش پاشا فتنه لاندن  
 صکره هواداری اولان لوندات و سائر اشقیاء احمد پاشا نك و پازمه حسن اغلک یانلرینه  
 جمع اولوب حلب محاصره سندن نصیحه انا طولی بی ظلم و جور ایله پایمال ایتمشیر ایدی  
 و ناحق یره ایشیرک قتلنه جمعیت ایتدیکر دیوزمره سپاهدن فضولیجه اخذ انتقام  
 دعوا سنده پاشایه بولنوب انا طولی له کیرن سپاهی بی قتل و حبس و خانه لینی غارت و انواع  
 اها تته پاشا مشیردی و انلرک تعدی سندن قاجوب آستانه به کلن سماه و رعایا بر ایکی

دفعه رکاب همایونه عرض حال صونوب سید نك ظلمندن شکایت ایتمشیر ایدی میدان  
 اغاری نابکار لر زمره سپاهه صاحب چیقوب سیدی پاشا انا طولی بی خراب ایتدی  
 یولداش لری مصادق و قتل و اعا تته باشتدی کفارد و تناسی بوغازی سدا یدوب اق  
 دکره استیلا ایتدی سفر غا نك سی واریکن سیدی اوزرینه سر عسکر کوندر مکه  
 ایش بتز پادشاه عالمینه با لذات انا طولی به کتمکه محتاج در دیوار الزنه مشورت ایتدی یلر  
 اما قره حسن اوغلی و بعض عقلای مجلسلرینه کلن زور بال طرفدار لرینه اختلاف و قتل اخبار  
 منمک اولان جواسیس حوا دته نازکانه خبرلر قایدن مقنیتی ایله من غیر قصد یرلی  
 ایدیکه واقعا سیدی پاشا لوندات نك انا طولی خوری محقق اولدی حرکت سردار  
 دفعنه کفایت ایتد شدی انا طولی به سفر ایتدک تکلیف اولنسه دفع جوب و یرلک کوجدر  
 مع هذا انا طولی به سفر اولنسه صاحب خاتم و کالت بوزور بالر ایله انا طولی به کیمک اقتضا  
 ایتدک بولر صاحب مهری او رتایه آلوب بردخی بولرک زوالنه چان بولتی محال اولور  
 هله بر اوس میدان اغاری بو تدبیر دن غافلدر بولیمکه دعویا به پاشیمه لرینه استانبول  
 ایشلری کورلک اسهلدر دیو علی طریق الاسماع انلره مضر رأی تعالیم واد بستمک  
 تدبیرات مخوفه سولشور لر دی بو خبرلر منافقین لسانندن زور بالره تبلیغ اولنوب  
 رجال دولت انا طولی سفرندن خوف ایدر یولر انا طولی سزک بیتکرده و وزیر منضم اولدقدن  
 صکره زوالنکر محال ایش علا جمله سی بوخوفه ایش دیوسولیندک اول ایلر کرچک صانوب  
 انا طولی به سفر اولنغه مجد و ساعی اولد یلر بوماده جمله سی طعمه سیف اولغه باعث حیل  
 لید و کین ادراک ایدر مدیلر زعم فاسد لر نجه انا طولی به سفر ایله کمدود واملرینه سبب و بر  
 زمان اتوب طومغه بهانه ملا خطه ایتدی لر حبیبک اونچی کونی اذلك تعالیم و بحر بکیله عوما  
 سپاه آت میداننه جمعیت ایدوب سراقول و قرار ایتدکاری معنای اشکاره جه سولیلوب  
 جناب شهر یاری بالذات انا طولی به کوب سیدی پاشا اوزرینه سفر مهم اید و کنی حضور  
 همایونه عرض و اعلام ایدر لم دیه قائم مقام پاشا به و مفی به ارام ایتدی لر انلودخی نصنعه  
 کویا بحسب الضروره جمعیتک عا حب کلامی اولان سپاهی محدا و کنه دو شوب سرای  
 عامر هیه وارد یلر احباب جمعیتک مدعای حضور همایونه عرض اولند قد دفع جمعیت  
 اچون مصاحبت و قته بناء عزیمت صورتی کوستر یاوب ماه مزبورک اون دوردخی  
 کونیکه ثلثادر توغ همایون ظفر مقرون چیقوب جبهه خانه اوکته نصب اولندی میدان اغاری  
 و توابعلری اولان اراذل تمشیت مراملرینه مغرور و سفر تدارکنه مشغول اولدی لر ازین جانب  
 مدبران سلطنت قره حسن اوغلی رأی اوزره حرکت ایدوب چونکه سفر مقرر اولدی  
 احوال یلور آدم لازمدر دیود دعوت ایله آستانه به کلان کچه جی اوغلی محمد اغایی قالب مهیب  
 کی کلوب جبهه خانه دن چیقاروب بکچیرانه کتخن انصیب ایتدی لر و بدور سامان محضر یردی  
 کز اوخدر آی و تدبیری محکم ایدوب توغ همایون اخراجند نصیحه امر سفر اچون مشاوره  
 وارد دیوزرا و علما و بکچیری او جاغی و سپاه اغاری سرای عامر هیه دعوت اولندی لر جمله سی  
 کلوب میدان اغاری اولان استقیادخی بی ویرا خدم و حشم لر یله حاضر اولدی لر



دیوان مشورتی ترتیب اولوب هر کس کند و مقامند قرار ایتد کد نصکره  
یوسف پاشا حاضر نلری سوزه کاوب جمله به خطاب ایدوب یکچیری وسپاه اوجاخی  
ضابطلری واختیارلری اناطولی به بالذات حرکت همایونی نه مصاحبت مهمه اچون توغ همایون  
اخر اجنه ابرام اولندی شوکتلو پادشاهمز حضور نلری سوال یوروب سزاردن جواب استر  
دید کد زور با باشی حسن اغا کند و بی ات میداند قیاس ایدوب ایلروا تیلوب سیدی احمد  
پاشا یولداش لیمزه اهانن ورعایا به ظلم ایلله اناطولی بی خراب ایتدی بالذات پادشاهمز  
حرکت ایتد کد انک دفعی ممکن دکلرودخی بوکه بکزر بر مقدر خلطیات ایلدی شیخ الاسلام  
افندی به توجیه خطاب ایدوب افندی حضور نلری سیدی اوزرینه حرکت همایون ایلله  
منقر اولنق مشروعیدر دید کد مشروع دکلر نأدیب واطاعی اچون وزاردن بر قوللری  
تعیین اولنق کافیدرد یو جواب وپردی یکچیری اوجا غنه سز نه دیوسز دید کد قول  
کتخداسی ایلروکاوب دولتلوروزر شوکتلو کر امتلو پادشاهمز ک قاجی اوزوند رسیدی احمد  
پاشانک عصیان ایلدی وکی واقع ایسه انک حقندن گلاکه وزاردن بر قوللری کفایت ایدر بالذات  
پادشاهمز حضور نلرینک حرکتی اوجا غمز معقول کورمز لر دید کد سپاهی محمد ورفقاسی ایلرو  
اتیلوب میدانلرده جمعیتلرده سولید کاری کبی براغزدن خلطیاته اغا زایدوب بهی کتخدا  
بیگ نجون بویه سولر سز اناطولی الدن کتدی سن دون کد کتخدا بیگ اولد کد بوکون  
نافع مصاحبتی بوزمه پالیشور سن دید کد کرند قره حسن اوغلی بیر ضعیف الانام کبی باش  
قالد روب مفتی افندی به توجه ایدوب سلطانم تحکم علی السلطان ایدوب نظام مصالح  
امور عباده افسادینه سبب اولنلره شرعانه لازمدر دید کد مفتی افندی سیف سیاستله  
ازاله لری لازمدر دید کد طرف سلطانیدن اشارت صدور ایتدی کی قول کتخداسی کچه جی  
اوغلی و محضر بودر سلیمان او جاق اغا لرندن تدبیر و نسیبه ییله اولنلر حسن اغا و شاملی محمد  
ویاق علی و قره عثمان دید کاری دورت تقریر سراسحقیانک بقالینه یا بشوب فی الحال کله بی  
دولتلرین میدان سیاسته غلطان ایتدر دیلر طشره ده نلری یاننده اولان اتباعلری در حال  
پوشان اولدی بوستقیلره هوادار اولان ارادلک دخی جزالری ترتیب اولنق بایسته خط  
همایون صدور ایدوب اخذ و احضار لری خدمتی کتخدایک کچه جی زاده به سپارش  
یورلدی استانبول قیولری قیانونوب ایکی کون ایکی کچه تجسس اولنوب استقیانک  
مشهور لرندن یکر میدن متجاوز کسینه اخذ و قتل اولندی محمد الله تعالی سیف سیاست  
خسر وانی امور دولته مداخله ایلین سفهانک جزالرین ترتیب ایدوب بیت بر غز ایتد کد  
خوشنود ایلدک پیغمبری بانک دخی خیر لیدر والله اعلم بالرشاد بیتنک مصداقچه ماعدق  
اولد یلر مدبران دولتک حسن تدبیری ایلله دار السلطنه العلیه اسهل وجه اوزن  
زور بارک لوت وجود بد بود لرندن تطهیر اولنوب توغ همایون جبه خانه اوکندن  
رفع و مساوی سفر بالکلیه دفع اولندی مورخ عبدی پاشا مرحوم اول وقتد خاص  
اوطه اغا لرندن ایدی بو مصرای تاریخ دو مشور مشورتارنج قتل استقیانک ولدی  
غزای بی بدل قتل اولنلر زور به مقهور لرینک مدت نکبت انجاملری جمله تیش

کون اولوب اول وقت شیر گزاده تقیب سنا بق وانی افندی جفر جامعہ سنی  
یونلرک مدتی لفظ حبس عددی قدر دیو ایتد کاری استخر اجنه اصابت ایتمشلر در واقع  
زمان تسلطلر نده مصالح دولت نوعا معطل اولوب خبیثلر بو قدر زمان قلیله آتوب  
طوتوب ناحق یه خلقک مالی الوب نامستحققره طاغیدوب اسراف و اتلاف ایلله اجرا  
ایتد کاری سفا هته عرا لوب زعم فاسد لر نجه دنیا ی فایندن کام الدیق دیر لر ایدی زور با  
باشی حسن اغا بو قدر مدته اوج بیگ قدر ارادل ناسی سپاه نامنه چراغ ایتش قتلند تلف  
اولاندن ماعد اقبض اولنلر تقو و استیاسی ایکیموز کینسه به بالغ اولمش صکره چراغلرینک  
اسامه سی کوپر یلی محمد پاشا عصر نده چالینوب اکثری انک سیف قهری ایلله مقتول  
اولمشلر بو ائشاده اناطولیدن معزول رضوان پاشانک شاکیلری دیوان همایونه عر خحال  
صوتوب ظلم و تعدیسی متعین اولغین سیاسته قتل اولندی آمدن ایاجی هند بیگ  
التش اوج سنه سنه طرف همایوندن هند پادشاهنه ایاجی انک ایلله ارسال اولنلر متفرقه  
ذوالفقار اغا انک کتوردیکی نامه همایونک جوابی ایلله قاجی بیگ نام هند ایاجی می ماه مزبورک  
اون ییجی کونی جمع کوننده اسکندران واصل اولد قده طوغا نجیلر میدانده واقع اعیانندن  
بر کسینه انک خانه سنه قوندر یلوب بوجه اکرام مطبخ عامره امینی ایلله شجی باشی کوندر یلوب  
اطعام اولندی ایرتسی قدر غه ایلله استانبوله کور یلوب چاوش باشی اغا بر قاج نفر چاوشلر  
ایلله اسکله ده استقبال ایدوب کندویه منزل تغیین اولنلر مرحوم بوجه سیماوش پاشا  
سراینه ایصال ایلد یلر ماه مزبورک یکر می برنجی عالی کوننده ایاجی مزبور دیوان همایونه  
دعوت وقانون قدیم اوزن ضیافت قلندی بعد وزرای عظام عرضه کیرد کارنده اول دخی  
الباس اولنلر خلعت فاخره ایلله پایه سریر اعلا یه رویمال ایلد کدن صکره نامه سین  
و یروب هدایاسی ایکیموز اللی قیوجی یدیلله حضور همایونه عرض اولندی انوع تحف  
و تقاریق کثیره دن ماعد ابر قبضه کران پاشمشیر جوهر دار ایلله بر فاخر ذی قیمت خنجر که مصراع  
ایکیمی ییله سرایا الماسلر ایلله مزین و مرصع ایدی مزبور ذوالفقار اغا ایاجی تعیین اولند قده  
ایاجی کچیننده حدو ث ایلن خلطیاتنه متعلق لطائف بیگ التمش اوج سنه سند ذکر  
اولمشلر تبدیلات سیماوش پاشا وزیر اولد قده متصرف اولدیغی سلسلته ایالتی حکومتی  
دامادی صاری کنعان پاشایه ویرلشیدی قیودان اولان فراری مصطفی پاشا دور تیوز  
کینسه تسلیمی ایلله معمر منصبی تحصیل ایتد کد هنوز سلسلته ده مسند حکومه قعود  
ایتمین صاری کنعان پاشاینه قیودان اولمشیدی کورجی عثمان پاشا نام بر مرد فروملیه غرامت  
مال ایلله سلسلته منصبی تحصیل ایدوب ضبط ایتنر دن اول کفوی دکلدر دیو سلسلته دن  
روم ایل ایالتنه هنوز نقل اولمشیدی که قائم مقام صدارت عظمی قوجه یوسف پاشا که  
اعدا افترا سنه اوغرا یوب مقتوللرک ترکه سندن وافر التون وجواهر الوب اخفا ایتدی  
دیو خیانت و طمع اسناد و یکچیری اوجاخی طرفندن کند و بی استعقال ایدنلرک مکر و فساد  
یلاسنه اوغرا یوب مقامندن نزل و سلسلته ایالتنه نقل و تحویل اولند قد نصکره جیدر  
اغازده محمد پاشا ماه مزبورک یکر می اوخجی پنجه سنه کونی قائم مقای تعیین اولندی



وزیر مشاور الیه بکچری او با غندن نشأت ایتمکین بر قاج سینه در تقریر عرض مرصندن اسیر  
فرارش ایدی او با خلق خلقک ابرامی و دولت دنیا به اولان طمع خامی بلا سیله بش کوناک  
عزت ایچون کندونی مبتلای محنت ایلدی بکچری اغاسی وزیر مجود پاشا که وقعه ده  
چوقد ارلقدن چقمش ایدی وقعه و وقایع ده مقتول بولغان بکچری کتخدا سنک  
توکه سنندن و افرشی اکل و بلع ایتدیکندن ماعد اکرلوجه زور باز ایله اتحادی اولدیغی سمع  
همایونه القاولغین ماه شعبانک اون ایکنی کونی قتل اولوب بکچری اغالی حرم محترم  
چتره فیل اوغلی دیمکله معروف چوقد ارحسین اغایه عنایت و بعده مظهر پاشا وزارت  
بیورلدی نقل ایدر که اغای مقتول چوقد پاشا میدان اغالیله کاهجه کوریشوب تحاشی  
ایتدی بکچریون انلرله متفقدر دیورجال دولت کندوبه سوطن ایتیشلرایدی و اول استقبای  
اراذل پاشا اولان مشورنری کتخدا ایسک و غیر یلرایله خفیه ایدوب آنی محرم ایتما مشلرایدی  
زور باز کار تمام اولدقد نصیحه آنی دخی اعدام ایتدیلمر معن زاده دیر ایدیکه یوسف پاشا  
اسناد طمع ایله دفع اولوب حیدر اغا زاده نیک قائم مقام اغی و بکچری اغاسی مجود پاشا  
قتل مغنی مسعود افندی نیک القاسیله اولدیغی متفق علیه در معلوم اوله که دولت علیه ده  
هر عصر ده بر نافذ انکلام و منافعی جالب و هر وقت بحسب الاقتضا بر طائفه سائر لر  
غالب اوله کلمشدر حد اعتدالی تجاوز تو سمیع دائره ده افراط ایتد که اول زمره معاقب  
و مضحمل اولوب واستقلاللری وسیله زواللری اولان زمره به انتقال ایدر کلمشدر دولت  
علیه تسلط و استرا کدن معربر محبوبه رعنا و محکم اغیاردن سلیم الساحه بر محجوبه  
مسند نشاند که دائمی مشار کلرینی و مقاسمیرینی قهرایله جلاله ابتهاج و محکم و متوصلرینی  
اعدام ایله با زارینه راج حاصل اوله کلمشدر و جمله سلامت دلتما طرف دولتی حمایه ده  
اولوب اغراض نفسانیه تقاضا سیله صد اقتدن سر مواخراف اوزن اولمیناره ولوبعد چین  
مجازات اولنه کلمشدر مسعود افندی نیک ایتدای حالده طرف سلطنتدن روی التفات  
کوروب امور وزرایه مداخله و معارضه ایدر جک قدر تعین بولمشیدی صکره معزول  
اولوب ایشیر پاشا یوزوریمکله کوشه حمله قلمشیدی مراد پاشا شافتنه سیله ایشیر  
پاشا تلاف اولوب تعین تام مضاحب و مقرینه دوستوب طشردده نافذ الکلم قالماقله  
فتنه حدوث ایتد که مسعود افندی نیک بکچریک اولدوغندن غیری عسکر طلمی ایله  
مفتی اولق ایله نامناسب حرکت جرات ایتمشیدی چونکه مرادی حاصل اولدی معارضه  
قهر و اغدا ایله استقلال حاصل ایتمک سودا سنه دوستوب دفتر دار زاده محمد پاشای و محجه  
گسنه لری قتل ایتدر کدن صکره زور بازلی دخی قربان ویرمکله دولته خدمت اظهار ایلدی  
بعده بکچری اغاسی دخی اعدام و قائم مقامی عزل ایتدی یروب اسکی دوستی او با قدن ظمهور ایتمش  
حیدر اغا زاده بی قائم مقام ایتدردی بو قدر ظهورات مقتضای ایله غیظ نهانی اولدوغنی  
بیلر دکل ایدی اما قائم مقام و دفتر دار و سائر رجال دولت کند و بر کشید سی اولدقدینه بر زمان  
متمد اولوب بعض خدمت ملوده اظهار مساعی ایله تلافی مافات ممکن اولور اولدوغنی صورت  
بو قدر اغوان و انصاریله تعلیم دولته دخی امکانی اولغه محال دکلدره یونکثیر حواشی و توسیع

هاتره فکر نه دوستدی اما قره حسن زاده عاقل اولغین داماد ولت طرف گیری ایدی کندوسی  
او با قدن ایکن او با خلق اغاری طور لری تجاویز ایتد که بو بقاعد اختیار ایدوب علی بهانه ایلوب  
قارشمیدی کند و ایله اسنشان اولند قد اغارک از اله سی خدمت نه لازم اولان تدبیر خدمتی  
کور دی ایشیر ظهور زده ینه منزوی اولدی ایشیر جمله یه غدر ایلد که بو کده ضرر  
مالیه سی طوقتمش ایکن سکوت ایلدی قره مراد پاشا مقام خصم و متهم قیام ایدوب ایشیری  
اعدام فتنه سنه شروع ایتد که قره حسن او غلی اتفاقا دعوت ایلدی مغدور اولغین طرف  
دولتدن دفع فتنه ایچون کند و ایله معالسنشان اولند و غندن لاونم بر سوز سولیموب سکوت  
ایتدی ایشیر دفع اولندی مراد پاشا دخی وزارت بر اغوب کندی طشردده متعین فرد قالمیوب  
تعین جانب اندرونه دوستد که نصیحه میدان اغاری فتنه سی ظمور ایلدی ینه قره حسن  
زاده یه مزاجعت اولند قد میدان اغاری از اله سی تدبیر ینه دلیل اولوب بوند نصیحه  
مسعود افندی تعین یولوب و قره حسن زاده جا بجز در قائم مقام دخی او با قدن اولسون  
بعده مراد اوزن آتوب طو تارزدیو حیدر اغا زاده بی نصب ایتدی یروب حدی تجاوزه باشلد قد  
قره حسن زاده ینه کوشه کیر اولوب مسعود افندی نیک اختلاطدن دامن چین اولدی  
زیرا سالک اولدیغی طریقک منتها سی خذلان اولدوغین یلور دی و سیاوش پاشا  
فوتند نصیحه صدارت کیمه ویرمک معقولدر دیو مسعود افندی ایله اسنشان اولند قد  
شام والیسی یونیی یارلی محمد پاشای سوق ایلدی کی ساده دل برتر کمان آد میسدر  
اصلنده دولت قبوسنده خدمت کارلق ایله کلمشدر آنی قبضه تصرفه الحق اسناد  
فکر یله ایدی یونیی یارلی کلد که مسعود افندی ایله امتزاج ممکن اولمیوب قره حسن  
او غلی دخی و خامت عاقبت فکر نه در خانه سی بسته ایلدی سیدی احمد پاشا دورت  
پش آ سیواسی آتش ظمور و بی داد ایله خراب اباد ایدوب مأمور اولدوغنی بوغاز محافظه سیچون  
تخریب بلاد و تعذیب عباد ایدر که آهسته رفتار ایله قطع منازل ایدوب بر قاج ناستان سوخته  
معزول بکچریک یروش آلی نیک قدر صابحه سکبان استقبای ایله کوتا هیه اطرافند  
اولدوغنی در دولته وارد اولغین ارکان دولت صولایدی اوزن اول و حشمتی شکاری دام  
انتقامه دوستورمک امید یله سلسله ایالی توجیه بیور یولوب منشوری آستانه ده اولان  
قیو کتخدا سنه نسیم اولندی و کذشته جرایمی عفو اولوب موأخذه اولنمق بایشان  
امر شریف و ضرر کلیه جکنه او با غمز ایله کفیلر دیو او با خلق اغارلرین دخی استمالی مشهر  
مکتوبلر ارسال اولندی او امر شریفه و مکاتیب وصولند اکرچه سیدی احمد پاشا  
ظمور ایدن کستما خلقی و جرایم سابقه سی مجازاتدن خوف اوزن اولوب مخصوص وزرا  
اولان سلسله ایالی توجیهی کند و یو دامه دوستورمک ایچون دانه قریباید و کن ملاحظه  
ایدردی و یاننده اولان لویدات و سبب مفسد لر دولتلو ایتدی یکمز صوج بغسلنه جق  
مر تبه ده دکلدرم ایچون استانبوله وارمق قناریه کیر ملک ایله بر در دیوب اطاعتدن منع  
ایدردی لکن سلطان سعادت عنوان حضرت نرینک قوت بخت هما یونلری زمام اختیاری  
دست اقتداردن سلب و کشان و کشان باب مراجع دستکا هه جلب ایلدی پاشای



مشاور الیه عتیبه علیایه کلد که خاصه سلاطین آل عثمان اولان مرچت واحسان معامله شده  
 مظهر ایندوب صحیفه جرم عظیمه قلم عفو چکدی یکندن ماعد انشیریف وزارت الیه دخی  
 و تکریم اولنوب کوندرلدی قائم مقاملقدن مغزول قوجه یوسف پاشا که سلسله ریه  
 توجه ایتیشیدی سلسله سیدی احمد پاشایه ویرلد که یوسف پاشا نصف ظریقدن  
 هودت ایتدی پرللوب ملغره ده او تور مق فرمان بیورلدی حضور همایونه عرض حال  
 کوندرلوب حقندن اولان طمع و خیانت تهمتی بدخواه عدول افترا سیدر خبر واکام یوقدن  
 یوپر ضعیفک حالنه مرچت رجا اولنوردی یواستد عای عاطفت ایتیمکن شفعا و ساطتیه  
 ویرلکنه مرچته استعفا سی مقبول همایون اولوب خاصه توحیمیه متقاعدین زمره سنه  
 ملحق قلندی وندیک ملا عینی یوسالده روسای ملت مسیحیه دن استمداد ایدوب  
 مقدوری مرتبه سی بدل درهم و دینار الیه یتیش پان قدر انواع کیلر تدارک واحضار  
 ایدوب یوغازی سدا یتیمک فکرند اولد قلینک خبری پی در پی وار داولوب خواطر  
 اسلامی نکدر ایتیمکه باشلدی کفار دونماسندن برضام قیودان او تیز قدراتبا عیله  
 قرار ایدوب یوغاز محافظه سنه اولان جتال باش مصطفی پاشا غرضیه کلوب درد ولته  
 زویمال ایلد که شرف اسلام ایله سرینند اولوب زیاده وظیفه ایله ترسانه عامره ده  
 قیوداناق رتبه سیمیه بهره مند اولدی احوال سفر قیودان صاری کنعان پاسا و انزام  
 دو تهای همایون عبدی پاشا تاریخندن در که ماه شعبانک یکرمی او چخی سبت کونی  
 دو تهای همایون قانقوب اق دکره عزیت لولندی قرق بش پان قدرغه ویدی  
 مانوه ویکرمی یدی قلیون جمعا یتیش طقوز یاره کیلر اولوب لکن ایچلرنده کرکی کبی  
 جنگ اورعسکر یوغیدی نه حال ایسه یوغازه واروب اناطولی حصاری کنارند لکنر  
 انداز قرار اولوب قرشورند طوران کفار کیلرینی کثرت اوزره و مرمت و مکمل مشاهیر  
 ایلد کندن قیودان پاشا قایق ایله روم ایل جانینه کوب مشورت ایچون منعقد اولان  
 مجلسه لسانه کتوردکاری کلماتک مضونیدر که بیان اولنور حالا کفار کیلرینک جنگیچیلری  
 فراوان اولد و قندن غیری دریانک اقدیمی دخی ایلرک جانینه موافق جریان ایتیمکن در  
 یوم کیلر ییزه کفایت قدر جنگی قوتلیدی بومقدار عسکر قلیل ایله جنکه عزیت  
 اولنور سه نتیجه معلوم اولسا زواقه خالی آستانه یه عرض ایلد لم طرف دولندن مکمل  
 عسکر تدارک وارسال اولنور سه بعد کفارک اوزرینه واه لم دیوب احکاپ استشاره یه  
 خطاب ایتدن که اوجاق خلقنک ضابطلری بزر مجرد فرمانکره تبعیت ایله ما مورر عرض  
 و محضره متعلق اموردن مجورزدیو قطع جواب و دفع مجلس اولنوب قیودان پاشا علوفه  
 و بخشیش ایله مجده الونیه یازمغه شروع ایدوب لکن اول جنگ ایتسونلر بعد یازد قلری وجه  
 اوزره بخشیش و علوفه لرینی ویره لم دیملکه لوندات طائفه سی راضی اولوب یازیلانار  
 دخی اول ساعت پریشان اولدیلر رمضان شریفک دوردخی کونند قیودان پاشا یوغازه  
 کفار ایله جنگ ایتیمکه عزیت ایلد که کپارده جنگی قوت اوزره اولد یغندن  
 ماعد اموجود اولنرک دخی اکثری و همه دوشوب بومقدار عسکر ایله جنکه مباشرت

مناسب دکلدر دیو قیودان پاشانک امرینه اطاعت ایتیموب اکثری قلیونلردن زور ایله  
 چیقوب قریه دوکلدر قیودان پاشا ناچار قالوب نه حال ایسه کندویه تبعیت ایدن  
 چکدرمه لرایله کفار اوزرینه هجوم ایلدی اما دریانک اقدیمی اعدانک مرادی اوزره جریان  
 ایدوب و روزگار غدار دخی طرف خالفدن اسمکه باشلیوب دونما کیلری بررینه چاتوب  
 کورک کورکه سرن سرنه چکوب اهل اسلام مختیر اولدیلر یومحله کفار فرجه بولوب خیل  
 طوب جنگی ایتدی عسکری باشدن قره ایدوب طشره دو کیلن سفینه لری تخلیص  
 ایچون قیودان پاشا چکدرمه لرنعین ایتیشیدی لکن کفار کیلرینک تسلطندن یا قلا شفق  
 ممکن اولوب بر مقتضای قضای باری اسباب انزام متعاقباتاری اولوب با شترده  
 ایلیدی سکر ترسانه کیسی و محل معرکه ده حاضر اولنوردن اون ایکی امر اکیلری نجات  
 بولوب سکر پان قدرغه اسیر کفار و ماعداسی احراق بالناار اولوب کفار طرفندن انجق  
 بش پان کی احراق اولنیشیدی ذلک تقدیر العزیز العظیم عبدی پاشا نک بو تحریری  
 طرف سلطنت علیه نه ناخیم اولنان مفه و مدرکه قیودان پاشای تخلیص ایچون حسن  
 تربیه دن خالی دکلدر یوبابده مفتی عزیز اقدیدی و وجیهی و خاص اوطه لی محمد خلیفه  
 تاربخلوند واقعی یازمشلردر و معن زاده نک تقریرینده موافقدانلرک خلاصه کلامی  
 بوکه قیودان اسبق سورتازن مصطفی پاشا دریاده نام تحصیل ایلش میدانی معلوم ایشه  
 یرا قیودان اولوب ترسانه نک خائنینی ضبط و مصارف لازمه سنی تسخیر ایدوب  
 وقوف تام تحصیل ایتدیکنن غیری لطف و قهره قادر ضبط و ربط فنند ما هر جری  
 وجسور بر مهیب وزیر اولغین امر اولوندات هم کندودن قورقارلور هم احسان و کرمندن  
 ما یوسد کلر ایدی مصداحب اغالر و قعه سنه بر مقتضای قضا و قدر اوج ساعتک  
 صدارت سیمی ایله عیش و راحی مکدر اولوب سیاوش پاشا و کارداران دولت کندوبی  
 استیقال ایتیمکن ارضروم ایالتنه تدبیر بعد سورتازن پاشا تمام قیودانلق عهد سندن  
 کلور آدم اینک انی دفع ایلدیکریرینه کیمی قیودان ایلد لم دیو وافر مشورت ایتدیلر بالاخره  
 سیاوش پاشا و مفتی مسعود اقدیدی اتفاق ایدوب حلبدن کلن قره مجتطفی پاشا که  
 فراری دیملکه مشهور بر مالدار وزیر درانی قیودان ایلد لم اگرچه یقینده ساحدارلقدن  
 چقدی اویله احواله و قوفی یوقدر لکن قوت مالیه سنی وارد برینک بومضایقه سی وقتند  
 ترسانه مهماتی ولید تدارکنده ضروری اولان قصوری کند و مالندن تکمیل ایدوب ناموسی  
 صیانت ایچون مالی فد او بدیل ایدر یو وجهله ایش کورلک ما مولدر دیوب نخواه ناخواه  
 قیودان ایتیشلر ایدی مصطفی پاشا اگرچه قریبا خاص حرمدن چقمش مبتدی ایدی  
 لکن عقل ورشدی کالد نغم و ضرر نی ییلور صاحب فراست اولمغه قیودانلق احوالی  
 تفحص ایدوب کوردیکه سورتازن پاشا وقتند کوزیلان تدارکک انچه لری هنوز احبابه  
 ویرلدیکندن غیری اقل مایکون اوچیز کیسه نقد اولد قچه مراد اوزره مهمات ولوندات  
 تدارکی متصورد کلد روز یو دفتر دارک بعضی طوتدی نتیجه خزینه ده نقد انچه یوق  
 مقصودلری حوالات امریه باشدن صاومق مالدارلغنه طمعابو مصارفی کندویه



گورد زمك ايچون قيودان ايتد كارني فهم ايلدي و محرملري مشورتيله بومهماني كورمكه  
 يندل مال ايدوب دريايه چقلديغي صورته دشمن ديك تدارك عطيه سي شام و قاج  
 سنده در عسكر دريايه هزيمته مألوف اولمشور عياد بالله بر فضاحت ظهور ايدرسه تافت  
 مالدن غيري بدناملق بيله جانندن چقمق كوزنيور معقول بودر كه طمعده دوستد كلري  
 مدخر ماليزي عرضيوزنده ايكن ويروب مصر منصبني تحصيل ايدلم اول مال ايله بونلر  
 ديلرسه مهمات كور سونلر و قيو دانلغه دني بر مستحقني بولسونلر بن بو خدمت عسيره نك  
 بو وقتده اهل دكلم ديوب بو وجهله صدر اعظم واندرن همدين جانبنه بسط غدرواستعفا  
 ايتد كند نصكره دورتيوز كيسه اچيه تسليم ايدوب مصر منصبني المشيدي حق بودر كه  
 عهد سندن كلمه جك حمل ثقيلك تحفته دخول ايتديكي فراستنه حمل اولنور چونكه  
 قره مصطفی پاشا قيودانلق غائله سندن تحليص كريس ايلدي سلسلته واليسني  
 وزير صاري كنعان پاشاك قيودان اولمسن معقول كورديلر و باعث بولدي يكه بوضع  
 مصاحبتك عهد سندن كلور خدمت امور آوراده توجيه ايتسك تيزالدين بش القيووز  
 كيسه مصر في نقد استر حسن مدافعه ايله يوللا سق بر فضاحت ظهور نك نك قتل  
 ايله غائله مندفع اولموب بزرده معاتب اولوروز و بوجهله تربيه قابل اولر اما كنعان  
 پاشا سروسامان مغلوب و عنوان صاحبي و زيرد روم طول قامت و زيش در احكامه  
 حيله و صنعت بلر صاف دل دولتمودر عرضي و كلامي معمول به درو مهند عليا حيدر نيك  
 داماديدر طرف سلطنته اسنادي واردر اچنچيلر كي دولتك مضايقه سني بلر دكلدر سماحت  
 ايدوب ممكن مرتبه ايله چقمقه جرأت ايدر لر عياد بالله بر قضيه غير مرضيه ظهور ايدرسه  
 عرضي و كلامي معمول به در سائر كي لك قتلنه مسارعت اولنور تربيه و نصديق ايدرز اول دني  
 بوجاييك تقصير اتني بالكيه افشا ايتنر ديومشورت اولنوب كنعان پاشاني قيودان ايتديلر  
 اول وزير مبارك دني مصاحت كند دولت اولان فيلسوفلر ك حيله و افسوسنه الدانوب نه  
 قيودانلقدن فراغت ونه لزومي قدر تقدر بشي طلبنه جرأت ايدر ايلدي عاقبت ممكن  
 مرتبه تدارك و عسكر ايله ناچار قالقوب كتدي بوغاز حصارينه وارد قده مأمور اولان  
 عسكر ك انجق ثاتي موجود اولوب كيلرده اولان لوندات كفايت مرتبه سبك  
 ربعي قدر انجق و ارايدي و موجود اولنورده فسك دزمان و هرج مرج اقتضاسيله قوت  
 قلب و عزيمت صادق بوق ايددي بو صورته كفار كيلر ايله ايرا قدن مرجع ايتيك  
 و محافظه و مدافعه يه امكان حاله كور حركت سلامتة اقرب ايكن ممكن اولموب قيودان  
 پاشاك عرضي و وجود و ايلوب البته كفار اوزريشه وان سن و ملا عينك كيلر بن بوغاز  
 او كندن دفع ايدرسن ديوقطعي خط همدين خسرواني وارد اولغين مبارك كنعان پاشا  
 اولوقته نيه اوغرا ديقني بيلوب بوغاز اچمكه ياليلردن عسكر ياز مغه شروع ايتدي  
 اولدن نظام مضبوط اوزن مرتب و مهيا عسكر اولد اچيه اوليله حالت فحشه ده مجتمع  
 اولان عسكر نه ايشه يارامور دو تما نامضبوط هر كس بر تاقيه قايمق سوداسنده  
 اولمغه نيه نيك جكدرمه لرندن و دو تما سفينه لرندن تبديل قيافت نجه اراذل بخشيش

آكوز ديوكلوب يازلدلر اول ياليلر ك حرام زاده لرند كذاك نجه ايازدي  
 لكن اور تالغك نظامي اولمغه بخشيشي پيشنجه استديلر بخشيشاري و رلد يكي  
 صورته نه قائده ينه مجلنه جنك ايتيه جكلري عقلا نك معلومي اولغين قيودان  
 پاشاني اضاعت مالدن منع ايدوب امر اللهك موجو داولنلر ايله كفان هجوم ايدلم  
 ديديلر و امور ديدلر بعضيلر ك رأيي ايله عادت اوزن قليمو نلر ايلر و وارد نجه مألونه لر دني  
 اردنجه جكدرمه لرصف بغليوب بر موافق روز كار ايله طشره ده يتان كفار دو تما سني  
 اوزر لينه هجوم كوستر دكلري كي مقدماعلي پاشا و قعه سنده دست كفان گرفتار  
 اولان قليمون كه دولتل والي سلطان حيدر نلري ياپدر مشيدني و حوسودلر  
 تقصيرات ايدوب برنامبارك ساعتده دريايه ايندر ديلر اول مجله غرق اولوب صكره  
 اخراج و تعمير اولنش ايديكه تفصيل بالا ده مذ كورد اول كي ياكين اچوب ايلر و كلوب  
 طر فنيدين طوب دله لري يغمور كني يا غمه پاشلدي منتظم و مضبوط اوليان  
 عسكر لريز سفينه لري رئيسلرينه سل سيف ايدوب نير كني يي بر كناره طوغري  
 جكدرديوزر ايله عادت مستمره لري اوزره سمت كناره جكدر ديلر اول ايتاده بامر الله  
 تعالي اناط ديد كلري روز كار دني شدت ايله اسوب لك ضد مه سيله كيلر بري نيه  
 از دحامدن ناشي مقدم ملاحظه اولنان ترتيب بوز يلوب جمله قليمو نلر و مألونه لر و جكدر ديلر  
 حصول جائينه اناطولي ساحلنه يقين صفا جكدر بلر سبب حل يقين كوزنيوب  
 صيغ يرلر اولمغه كيلر كيمي دمور يا غوب كيمي قره يه چاتوب من بعد حركته و مدافعه يه  
 مجال قالمق كيدلر ده اولان عسكر هول جان ايله دريايه ايتلور بيشاور لك صنعتينه  
 ماهر اولنلر عريان كناره چيقوب اول فني يليميان نادانلر بر قاچ بيك آدم غزاوشهادت  
 متر فندن محر و ما هلاك اولديلر ماه رمضان شريفك در دني كوني ايديكه عسكر  
 دو نيمكايه بوانهزام وقع اولدي بي دردد سر نيزه و بي زحمت شمشير جمله كيلر  
 اعد ايه تسليم ايدوب فرا عين الر حف تهتميله متمم اولد قلرندن ماعد اغزا دن  
 رو كردن اولان جيلانلر ك اكثر غرق درياي عدم اولد يلر ذلك تقد ير الغرزالعظيم  
 قيودان با شترده سي دست گرفتار كفار اولق مصيبي مقرر اولش ايكن قيودان  
 علي پاشا زاده عبد القادر پاشا و ممي پاشا زاده لرك بيوكي دليوانه هجوم ايدوب قور تارديلر  
 يونلردن ماعد اممي پاشا زاده لرك كوچكي و اغريوزلي مصطفى بيك زاده لر و مهربان  
 پاشا و كيلر يوسف پاشا و مانجه چارق زاده و بيبي اكري مراد بيك و حيدر و بيكر زاده و بر مألونه  
 جنك مجلنه كلكه اقتداري اوليان عمل مانده قورو قلقات سكر تر سابه كيسه ساحل  
 سلامتة ايريشوب ولي بيك زاده و كسكن پاشا زاده و اياموره يكي اوغلي و اغريوزلي  
 و غماني اوغلي طشره ده بولنا غيله ورطه هلاكه دوشديلر پاشا دارده و سائر قورتلان  
 مذ كور كيلر اناطولي حصاري او كنه ديژياوب يا تديلر قلعه دزداري قيودان  
 پاشايه كلوب دولتمو وزير كفار كيلر اوزر نيزه هجوم ايتيك احتمالي واردر سزايسه دو تما  
 كيلر بني حصار البته ديژوب طوبلر نرك او كني سدا ياد يكر فرمان ايله كيلر اراذل بخشيش



چگونه اوب طو و بولر اوزر اوشا چو سولر ملا عین هجوم ایدر سه بولار درین طو و بولر ایله  
 ان شاء الله تعالی انلری اوغرا تم دیه کوردی مفید اولوب قلعه او کندن کیر و چکمدنی  
 دوز دارو طو و بولر باشی دخی ارام ایتد که ایپ دیوب ایکه سنی دخی چونده یه اصماق مراد ایلدی  
 انلر دخی فارغ اولدی و واقعا قلعه طو و بولرینی اعمال ممکن اولوب عبد الرحمن پاشا  
 و ترسانه کتدر اسی بخربیک و بیر ام بیک و همت بیک کیلری و اون قدر ترسانه  
 کیسی ویدی قلمبون پنجه کفان گرفتار اولدی و عبدی پاشا و مانجه چاق ابراهیم بیک  
 و اون بش قدر ترسانه کیسی وایکی ماونه ویکرمی قدر یور تون بود فیه ده احراق بالناز  
 او اوب عددی نامعلوم احرار مسلمان اسیر اولدی و با جمله یتیمشدن زیاده کی قبضه تملیک  
 کفان داخل اولوب ملا عین بیک قدر طوب و بی حد تفنک و مهمات و جبهه خانه و چکدری  
 درونلر ده اولان یدی سکر بیک قدر توانا روس اسیرلر نه مالک اولغله قوت بولوب  
 بدل مال ایله کیلرینه خروات و عاصی ارناودن جنگی تدارکندن بی نیاز اولدی و انالله وانا  
 الیه راجعون سلطان سلیم ثانی عصر نه طقوز یوزیمش طقور سنه سنه واقع صنفین  
 دو تناسی عنوانیه مشهور اولان شکست و هزیمتدن برو اهل اسلام بو جهله مظهر  
 انهم اوب کفار کا کسار لغتهم الله تعالی بی مرتبه شاد کام ظفر و اغتنام اولما مشهور لیکن  
 صنفین دو تناسنک انهم زمانه سبب بولایدیکه جمیع زمانه بر مصاحخته ایکی وزیر دیشانی  
 تعیین ایتیک اختلاف عسکره و تعطیل امور باعث ایکن اول وقت علی پاشا قیودان و پرتو  
 پاشا سردار اولغله افتخار وزارت مقتضای سنجه نام نیم اولسون دعوا سببیه اتفاق اید میوب  
 قیودان پاشایی وقت هجوم ایدوب شهید اولغله انهم وقوع بولاش ایدی و سائر لری  
 دخی نوع تقصیر اتدن خالی اولما غله اصغرا و لئز ایدی اما بود فیه ده ایکی وزیر بوق  
 جهله کنعان پاشایه مفوض ایدی بونک سببی دولتک منتظم اولدوغی و عسکری زمره سه  
 اطاعتدن خارج ادب سز لکه معتاد اولدوغی و کنعان پاشا نیک حسن ند بیرون خبری  
 اولد یغندن بوقدر محمد وزات جمع اولد قده عدم مساعده تقدیر دخی امر لازم در شعرای  
 عصر دن بعضی لری محاربه دن روگردان اولان عسکره طعن و تشنیعه متعلق پنجه اشعار  
 سوبی اوب مصراع ویردی کفار دوتماقی بی جنک وجدال مصراعنی تاریخ دستور دیلر  
 و اول وقعه ده کنان چیقوب قور بیلان بیعارل خلق ارا سنه مطعون و مسنوع اولوب  
 استوا قده بین الخلق با ییدن قره لقبیه مشهور اولدی و مفتی مرحوم عزیز افندی حضرت لری  
 تاریخ نه بو محله خبر خوا هلق یوز ندن شکایتی متضمن قنی چوق شی یازوب مدبران دولته  
 اعتراض ایتشد خلاصه کلامی بودر که سلطان ابراهیم عصر نه و ندیک کفاری آگاه  
 ایتزدن مقدم کرید جزیره سنی با صوب کرید کیلر ندن خیانت ظهور ایتما مشیمکن بودین  
 ایالتنه قتل نفوس و غارت اموال ایله استیصال ایتد کاری غدرک من عند الله جزاسی اوله  
 نایا کرید سفری بهانه سببیه انا طولی وروم ایلی مملکتلرینه انواع تکلیف تحصیل اولوب  
 انواع بدعت و مظالم ایله جمع مال ایتدی و خلق کوزیا شی و بد دعاسیه تدارک اولنان  
 دوتما نیک نتیجه سی بولله اولق اقتضا ایدر دیوب جمله قباحی سفر اهلنه و ظلم ایله مال جمع

ایتمکه عصرک مد برای بولنان قائم مقام حیدر اغازاده مفتی افندی نیک سو تدبیر لینه  
 تحصیل ایدوب حسن تدبیره متعلق اجمال اوزن بعض قواعد ذکر ایتشدن اگر چه کندول  
 صادق و کلام لری حقد و نظامه باعث اولان شیلرک مو انعی پنجه دفع اولنور و پریشان  
 و مختلف اولان امور نه اصل سرر شته ایله ضبط اولنورانی بیان ایتمشدر حسن  
 تدبیر لری معقول ایشلری اکثر خلق بیلور ایکن اول مقوله ایشلرک برر بخدوری و خمنده  
 بلای عظمی وارد رانی ملاحظه ایدوب معالجه سنی فهم ایدر آدم بیکه بزیه لئز غریب  
 حال در عقلا نیک بعضی سی خلفا وقتندن و بعضی سی سلف پادشا هلری زمانلر ندن بعض  
 حکایه لر حفظ ایدوب عصر لره حسن تدبیر و مساعده تقدیر مقتضای سببیه برر طریق  
 ایله نامدار اولان ملوک و وزرا نیک اطوار لری ندن بعض شی مدح ایدوب کند و عصرینی  
 یکمیز کویا سلفه اولان آدم لری قالدی دیو زمانه سی رجا لنه سو ظن و حقارت  
 ایله باقر لر اول مقوله لری سوبلشک یکملری مدح ایدر لر رأی و تدبیر طلب ایاسک  
 خلاصه کلام لری رقیب لری فو و کند و سنی مستقل اولغله چیه قمر سوز لیه عمل اولنسه نظری  
 بولله بر قاج محمد و رقا عصر النظر زمانه سی خلقی جمله طرح اولوب یکیدن یا غیری  
 اقامیدن آدم لرنه ارکنه محتاج اولور بولله آدمک بلد و کند خیر یو قدر آدم اولد رکه  
 بولندی عصر رجا لنی سلب ایتیمه بو وقت فلان وقت کی حرکت اولنسون دیو مزاج  
 عالمه مغایر وضعی معقول کور میه بلکه مراد ایتدیکی اطوار نافعیه ی رام ایتیک نه کونه  
 حکیمانیه حرکت ایله ممکن راندر ایتیک لازم در زیر اخلق حالی هر زمان بر قالب اوزن  
 قرار ایتیزه خنقک طبیعت لری بر عال اوزن دو رنهر دور ده جلب تق و دفع ضرر منافی  
 مقدمات عقل و شرعه خارجه چیه قمره قدار و لنه عاقل دیر لرو دقیقه په متفطن  
 اولما نلرک اعتبار اضائی چوقق اصغا اولنر دیر ایدی بعد الانهم قیودان کنعان  
 پاشا یاشد اولان کیلر ایله بعض خصوص اچون قوالیه طوغری کتمشیدی  
 سیدی احمد پاشا مکمل قیو سببیه سلسله هیه متوجه ایدی ویزه قرینه دوتماقی  
 همایونک انهم زامی خبری کندویه و اصل اولیحق فرمان همایون صدور ایتیمک سزین مرتب  
 عصر لریله بو غاز طرفیه عطف عنان مراجعت و کلید البحر قلعه سی محافظه سنه  
 مسارعت ایدوب اول سمتلر ده یا لیلر ده اولان غارت اچون کیلر دن چیقان کفاری  
 بر قاج دفعه با صوب کله واسیه الدینی خبری پادشاه عالمینه حضرت لری نیک مسوچی  
 اولد قده بو دلیرانه حرکتی منظور عین و تحسین اولوب سمور کورک و نحو هر شمشیر  
 کوندر یلوب خدمت محافظه ده اوله سن دیو ثنیه بیور لدی صدر اعظم یینی یارلی  
 محمد پاشا نیک آستانه سعادت کاد و کیدر شام شریفه مشار الیه مهر همایون وصوله  
 بولد قده منزل بمنزل آهسته آهسته حلبه کلدی سابقا دیار بکر ده بر مقبول باز رکان  
 قوت اولوب حسنا لردن بر خاتونی و اول خاتوندن بر اوغلی قالد قده محمد پاشا مالنه  
 و حسننه رغبه و انما نور تره ی ایدوب حلبه کتور مشیدی اول جهتنه حلبه بر ملاع  
 خانه سی بر مقدر علاقه سی واریدی حنی اول زوج آخردن اولان اوغلنه بونی یارلی



مشرقیه وزیرزاده علی بیگ دیرلر ایدی بیگ یوزحدودینه دك صاع ایدی حکام ایشلرله  
بولغه قادراعرب و ترکان ایله محتلط و کارکن اربو حریف ایدی حله ابرمقدار علاقه سی  
اولمغه برقاچکون اکنوب عرض احشام وزارت اییدی ویدی سکر سینه دن برو ضرب  
هست و قهر ایله یکی ایل و بوده لغنی مستقلا ضبط ایدن ابازه حسن اغایی کتوروب روی  
التفات کوستروب دیار بکر ایالتی ایله سرافراز و ترکان اغایی پنجه استقلالندن خلاص  
ایده میوب بالضر و ابازه حسنک کتخدا سی اولان حریفه توجیه ایلیوب بعض عقلا اعتراض  
ایدوب بهی سلطانم دست تسلطندن ترکان اغایی قور تارمق قابل اولمیان شخصیه  
دیار بکر منعمینی ویرمک معقول دکدر دینلره سز بیلر سز ابازه ایشه پرا آدم در رتبه ایالته  
نائل اولدقدن صکره فرمان پادشاهی یه مخالفت ایلر دیر اییدی لکن در وشنه و نیتند ایشیر  
پاشان برووزرا مقاملرله ثابت اولمیوب بر بهانه ایله عزل و اعدام اولنورلر کندوسی ابازه  
حسنی قوله اوب اناطولییه برنامدار جمعیت صاحبی آدمی اولقدن نجه کز لوفاند ملا حظه  
ایتمشیدی لکن برینه بر صورت ویره میوب حرمان ایله ذلیل اولدی الحاصل حلبدن  
قالقوب پیرانه حرکت ایله طی مراحل ایده رک ماه رمضان المبارکک اون برنجی کونی آستانه  
سعادت واصل و قانون قدیم اوزن انواع توقیر و تعظیم ایله التفات پادشاهی یه نائل اولوب  
حلبه ابازه حسن اغاییه توجیه ایندوکی دیار بکر ایالتی و کتخدا سنه ترکان اغایی معروض  
رکاب شهر یاری ایلد کد قبوله قرین و سفید پیورلیدی و شام شریف مصر دن معزول  
خاصکی وزیر محمد پاشایه توجیه اولندی رمضان شریفک نصفند کک لار ایدرون کتخدا سی  
جعفر اغایی قیوچی با شملق ایله چیقوب خاص اوطه لی بر ریاشی صالح اغا گلار کتخدا سی اولدی  
قتل میر علم برقاچکون مقدم میر علمک منصبی ایله حرم محترمدن اخراج یوریلان در بند  
غلامی مصطفی اغایام وقعه ده استقیما ایله کوریشوب سرای همایون اسرارینه متعلق  
بعض نامعقول کلماتی اول ازاله افشاء تعلیم فساد ایتدوکی تمثیله مغضوبیا قتل اولنوب  
ایچ کیلار کتخدا الغندن قیوچی با شملق ایله جبقان جعفر اغاماه مزبورک اون سکر کونی  
میر علم اولدی استیلای وندیک با یزجه آطه جزیره مزبور ده خلد استیان مرحوم ابو الفتح  
سلطان محمد خان حضرت نلرینک همت ملوکانه سیله معمور و آبادان و اول زماندن بروما وای  
جند اهل ایمان اولوب حربی کیلردن فرار ایدن سفاین اسلامیه لیمانه الحجا ایدوب  
نجات یلوردی کفارد و نماسی ذکر اولندیغی اوزن قوت عظیم بولدقدن صکره طوغری  
جزیره مزبور یه واروب محاصره ایتدیلر محافظه سنه مأمور اولان وزیر احمد پاشا طمع خام  
بلا سیله مقدم از غما و ارباب تیماری حقلیوب بر رهم کاه ایله اذن ویروب عسکری  
طاغتمشیدی یز لوقوللرینک مواجی دخی قرشو سنه ییغاسمتمه اولان محله دن معین  
ایدی دعا کوی نامنه اولان برالای صورت اوغریسی بطال لک علوفه سیله مقاطعه  
مالا مال اولوب محله یی تعهد ایدن ملتر ملری دعا گویان هجوملری قاجروب محله  
مطل قالوب اجنبی الله دوستوب حاصل اطرافدن اکل و باغ اولمغه بوزجه آطه ده  
اولان یز لوقوللرینک بر قاج سنه لک مواجی معطل و مضحک اولمشیدی چونکه جزیره

مستحق نظرندن و مهمات و ذخایر دن خالی بولندیغی و بعد المحاصره بر طریقله امداد دخی  
ممکن دکل محاصره نك طقوزنجی کونیکه ماه رمضانک یکریمی برنجی کونیدر امان ایله اولحصار  
نامدار دست استیلای کفاح کرفتار اولد یغنک خبری کلوب اهل اسلامی سوخته  
آتش احزان ایدوب دینه محنت دیدن لزندن اشک خون آلود روان اولدی الله وانا  
الیه راجعون عزل و تنفی و قتل خواجه زاده مسعود افندی و ظهور تبدیلات و تغییرات  
خواجه مسعود افندی متکلم و جسور اولمغه قاضی عسکر لکری وقتند و وزیرانک نامعقول  
حرکتارینه اعتراض ایدوب شویله اولمق معقولدر دیو دیوانلرده و مشورت مجلسلرندن  
سوزنی در یغ ایتیمیوب بیروا حق سوزیلر دیو شهرت بولندیغی ایچون دولتملر و والد سلطان  
حضرت نلرینک و شوکتلو پادشاه عالمیناه حضرت نلرینک نظر التفاتلرینه مظهر اولمشیدی  
صدر اعظم کورجی محمد پاشا ایله محاور لری و حددن خارج مجادله لری یو قاروده تحیر  
اولمشیدی ابوسغید افندی و سا طمیله ایشیر پاشا وزیر اولدقدن مسعود افندی یه  
چندان رغبت اولمغه مکدر اولوب مراد پاشا ایله و اوجاق خلق ایله کز لوجه اختلاط  
ایردی مراد پاشا و زیر اولدقدن محسب الظاهر استحقاق نمایان و اندرون اغالرینک  
محبت و انجذابی اقتضاسیله حسام زاده مفتی اولوب مسعود افندی یه منسی قالغه  
دخی زیاده مغیر الخاطر اولمشیدی چنار وقعه سنه بعض سوز صاحبیلرله کز لوجه معامله سی  
اولمغین عسکر طلبی ایله مفتی اولمشیدی واسکی خاطر مانده لکنی اوئند روب عسکر  
طلبیله نصب اولمشیدی اول تمتمدن تطهیر ذیل اتمک ایچون طرف سلطنته صد اقله  
تمخص ایدوب میدان زوربارلرینک ازاله سنه کرچکدن سعی و همت یتیمشیدی بو خصوصه  
ظهروه کلن خدمتی موافق طبع همایون شهر یاری اولوب شهید سعید سلطان عثمان  
حضرت نلرینک خواجه سی عمر افندی سابقا نائل اولدیغی سیواس اقلان مندن اون  
یک غرو شلق خاص کندویه احسان یورلمغه سائر مشایخ اسلامدن زیاده مظهر اکرام  
اولوب اوضاع گذشته سندن انماض دیش شکند مسامحه اولمشیدی مسعود افندی نك  
صورت طسار ده دعواسی امور دولتی تصحیح و احوال عالمک نظامنه اهتمام اییدی لکن  
درونی غرضدن خالی اولمیوب دولت دنیا یه و تعین تحصیلنه حرص زیاده اولمغه هر  
خصوصه سوز نیم اولسون و طرف سلطنته کسنه تقرب ایتیمسون حل و عقد و عزل  
و نصب نیم رایله اولسون دیوب دن قدر مرادینه مخالف عس ایتدیکی آدمی جروب  
و شتوم ایله عرضتی ییقوب ممکن ایسه قتلنه دك سعی لید ردی جمله ارکان دولت  
لسانندن خوف ایدوب ضروری مدارا ایدرلر دی سیاوش پاشا فوتند مهر شریفی بونی  
یانلی محمد پاشایه کوندلر که کندوسی معقول کوروب بر ساده دل ترکان آد میسیدر  
اصلنده در دولته خدمتکار لغله کلمکه عزت نفس دعواسندن خالی بر بیوعه عیفا الخالد  
ایستدیک کی زیر تحکمه اوب فتق و رتق امورده دلخواه اوزره مستقل اولمق ملاحظه سنه  
ذاهب اولدی اما وزیر اعظم کلدکه افندی حضرت نلرینک مطمع نظری اولان معامله یی  
ایتیمیوب تحصیل و استقلال ادعا سنه اولدیغندن ماعد افندی یی استقلال ایدوب



امورنده محرماته استنشاره ایتیموب حضور هماینه بالیکر کیدوب گلدیگندن افندی  
 یه حضور اولوب بوادی یاگلش سوق ایتیشز بومر کرک رجلی دکلدر غیری ادم تدارک  
 اقتضا ایدی دیوارکان دولتدن اولان همرازلی ایله سوباشوب نهانی والدیه سلطان  
 حضور تلپینه خبر کوندردی اسکیدن اولان ماجراسی ایسه دنور فراموش اولنمغله  
 کلامنه وجود وریلوب بوادی کندولر تعریف ایتدی و موجب عزل نه جرمی وار کفار  
 احوالی بویه دولتک ضرورت واختلالی معلوم بویه وقتله بلا جرم ایکی کوند بوزیر  
 تبدیل اولنق ضررینی ملاحظه ایتیدن نچون بویه خام فکره ذاهب اولور لردیو قطعی  
 جواب وریلوب کلامنه رغبت اولنمدی العهد علی الراوی و جیمهنگ وعزیز افندی  
 ماعدا ضبط وقایع ایدنلرک تقریری اوزن مسعود افندی بومغلوبیتنه صبر ایدمیبوب  
 جسارت جبلت مقتضاسیجه فکر قاسم ذاهب اولوب قائم مقاملقدن معزول حیدر  
 اغا زاده ایله کرم القنی اولمغله انکله مشورت ایدوب بومعتوهی بحسب الضرور  
 سوق ایدلرک شمدی ایا غزالمعه سعی اید یوز جانب سلطنته نصیحت خیری کوندردک  
 وکلندی کفار بوزجه اطه پی آلدی شمد نصیحه بوموضع مزه کون استا نیوله کلور  
 مصاحبت وقت بودرکه اوماغی تحریک ایله سلطان سایمانی اجلاس ایلیمه لم سن وزیر اول  
 عالمک نظامنه معاسی ایدلم دیئش اول احق دخی وزارت ارزوسیله بوطمع خامه وجود  
 ویروب زوربارک از الهی ماده سنده خدمت ایدن کتدایک کچه جی اوغلنه وواجندن  
 بغض متعین احقره کشف راز ایدوب اوجاق خلقی تحریک مراد ایتیش اوله بوار القه  
 سلطان سایمان والد سئک کتخداسی اولان قره علی اغا وقره جلی زاده ابو الفضل محمود  
 افندی مرحومک کتخداسی ابناء سپاهیاندن دیگر علی اغا که مفتی افندی هوادرلندن  
 ایدی لری فاسق تدبیرده متفق اولمش اوله لراکر واقع اگر غیر واقع بوی خبری وزیر اعظم کرلوجه  
 پادشاه عالمپناه حضور تلپینه ووالد سلطان اعلام ایتدک مسعود افندی ک ماجرای  
 سابقه سی وحیدر اغا زاده اول ذکر اولنان اشخاص ایله اتحادی ووزیرک عزلی مراد  
 ایدوب سوزی نافذ اولدیغندن متالم اولسی وزیرک کلامنی تصدیق ایدوب اول  
 ساعت دیاربکر قضاسی نامیه نفینه خط هایون تحریک ویرلدی ماه رمضانک یکرمی  
 بیشخی کونی سنان پاشا کوشکنده مشورت واردردیو مفتی افندی به جانب دولتدن  
 آدم واروب اعزاز ایله دعوت اولندی کلدیکی ساعت پادشاه ووزیری کوره میوبوب  
 بوستانجی یاشی معرفتیه برقایفه وضع ویش الی تقریر بوستانجی ایله بروسه یه نفی اولندی  
 وزیر اعظم عرضیه مشیخت اسلامیه روم ایلی قاضی عسکر لکندن معزول حنفی افندی به  
 توجیه اولندی بیکاره مسعود افندی اهانتیه عزیز افندی به توجیه ایلدی یکی  
 مدانیه اریه لغنه یکتا باشیه چیقوب یاننده بوستانجیلردن غیری آدم و خد متکار  
 یوق ایدی مدانیه نائی بار کزین ویروب بروسه یه یلادی کلوب بروسه ده معالی زاده لک  
 پانجه سنه نزول ایدوب مقدم پادشاه حجه ووالد سلطان حضور تلری طرفندن مظهر  
 اولدی اکرام والتفاتیه مغرورگاه ابوسعید افندی کبی مصراع نازرورد ووصاتم من بکا

هجیران بکامضوفی اوزن بزمه بویه معامله ندن اقتضا ایلدی جرمنز نفیس اولندی اعدام  
 افترا سنه وجود ویرلک لایق میدردیو عدم امتثال صورتی کوستردی کاهیه غلبه واهمه  
 ایله برکون اول دیاربکره کیده لم اعدامز اسناد دخی ایتسونلردی ایدی اول اشاده یوللر سیدی  
 احمد پاشاک وایازه حسن اغا نک لونداقی بقیه سندن خوف اولغین کندوی دیاربکره ایصال  
 ایچون بروسه ده برییراق سکبان یازمغه شروع ایلدی عاجلا دیاربکره متوجه اولوب  
 بروسه ده کلنسون دیو امر شریف ایله عقب سجه برچاوش کلش ایدی کوریل وقتله قتل  
 اولنان صدرالدین زاده روح الله افندی اول وقتله بروسه قاضیسی ایشر چاوش امر شریفی  
 منلایه تبلیغ ایتدک ملا افندی ک مکر مسعود افندی به خاطر مانده لای واریش طرف  
 دولتدن سپارش احوال واریوللر مخوفد رلوندات یازوب تدارک کن کوروب کتمک اوزن در  
 دیو نو عاقوب وئاخیزینه نامیچ ایدر بر عرض یازوب چاوش ایله آستانه سعادت کوندردک  
 وزیر اعظم عرضی الوب حضور هماینه واروب استه دیاربکره کتیز ایش اندک لوندا  
 جمع ایدر مشروطه اولان هوادرلرینک فتنه ایقلاظ ایتمه لرینه منتظر در دیو مدعاسنی  
 تقریر ایتدکین دریای غضب شهر یاری خروش ایدوب فرمان اولالامره اطاعت ایتیموب  
 مسکر جمنه مشغول اولغین قتل اولنه دیو خط هایون صادر اولمغله صدر اعظم بواسلوب  
 ایله آستانه سعادت اولان سائر معینلرینی دخی ازاله یه خط شریف تحصیل ایلدی  
 بروسه منلا سنه خطا با قتل ایچون تکرار امر شریف تحریر و مباشریدیه ارسال  
 اولنوب اکردیاربکره عزیمت ایدر بروسه دن برقوناق چقدوغی منزل  
 قتل اید سن اکر برقاچکون اکتمک احتمالی وارایسه بولدوغک یرده ازاله اید سن دیو یورلش  
 ایدی بروسه خلقنک بعض استبهارندن منقولدر قاضی صدرالدین زاده برمسیره ده ایدی  
 چاوش کلوب خلونده تبلیغ فرمان ایلدک اخفا ایدوب وقت عصره دک عالمده اولوب علی  
 العاده مجلس محبتی تکمیل ایدوب محکمه سنه کلش اول ولایت محکمه خد متنه اولان  
 شکاریلری خفیه احضار ایلش بعد الغروب نائی و بعض کسنه لری قوشوب اجرای  
 فرمان ایچون کوندرمش مسعود افندی ایسه معالی زاده نک اطرافه ناظر مرتفع کوشکنده  
 ساده عرچن ایله اوتورمش میوه تناول ایدوب صاحب خانه ایله احواله متعلق سوز  
 سوباشورایش شوالک اون برچی کچه سی وقت عشاءه اورتالق نورقرایله روشن صاحب  
 خانه پیچره دن خلاف معتاد وافر اشخاص مشاهد ایدوب اصلی نه اوله دیو طشره یه چیمیر  
 کوررکه منزلی دایر امدادار قوشاوب نائب افندی و صوباشی وغیری بر قاج آدم ایچرو کیر مشلر  
 قضیه یی صاحب خانه یه افاده ایدر لر مسعود افندی خیاللیوب پیچره دن طشره یه نظر  
 ایدوب خانه نک اطرافه صف چکن مسلح بر امانلری کوردک خردی طویار کندوسی  
 نفسنده بهادر زور بازو صاحبی آدم اولمغله بر معتبر قایچی وار ایدی داغایانندن اکسک  
 ایتزدی همان هول جان ایله دال قاق اولوب یوحر یفلر کلددر کچه ایله بوند نه اراد  
 میر صاحب خانه کلسون دیو نعره اورمغه باشلدی صاحب خانه برکوشه یه چکلوب  
 یوز کوسترمدی افندی بهلوان واری النده قایح خوف موت ایله حمله ایدر مباشر



قورقورلندن هجوم ایدیه میوب تردد کوسه تریله هله شکاری خیمه نلینک چسورلندن  
برقاجی اوطه ایچنه کیروب یا صد قلو سار بساط مقوله سی اشیا القایده رک سپرنه رک  
بردن هجوم ایدوب بر معرکه زخمیانه قویار دیلرکه افندی نلک ضربیدن برقاجنک کله سی  
زحدر اولدندن صکره هزارو زوزار ایله اخذ ایدوب کارین تمام ایتدیله عزیز افندی  
مرحوم دیرکه مسعود افندی کرچه نصاب عقل وشعور دن دور اولدیغی جهندن  
خدمت لازمه سی اولیان امور مدخله ایدوب کندوبی قیده مبتلا ایتدیکندن ماعدا  
سرکارده اولان وکلای دولته تحکیمیه حضور و راحت ویرمد کیچون جمله سی مقام اتقمامه  
قیام و مسند نلن ازاله امر نده سعی و اهتمام ایدوب قتل ایتدیرنجینه دک چالشدیلر نلکن  
اسناد اولیان اجلاس سندن بی خبر و بری الساحة اولوب محض افترا ایدوکنه شک  
یوقدر زمره علمادین برآمد مکبر سلطان ذی شان خضر نلینک همی ایله ریاست علما  
رتبه سنه اعتلا ایدوب همت احسان والتفاتیه مظهر و اول دولته من کل الوجوه موقر  
ایکن وزاسنده انکیچون دخنه کوبه رجا و مینعا و اردرکه حاشا نام کافر النعم اولق لعنندن  
تجاشی ایتیموب خسرو دنیا والاخره اولمغه رضا ویره نهایت بی جرم و بی گناه دفتر دار محمد  
پاشا کی عالم غارف و وجودی و یکچیری اغاسنی و دخی برقاج کسنه لری ناحق یره قتل  
ایتدیر مکبر کندوسی عله مستقله اولوب بشر القاتل بالقتل مضمون شریفی اوزن شمشر  
انتقام ایله مجازات اولتمق موافق ارادت الهیه اولمغین ترتیب جزای اعمالی واقع و غیر واقع  
یوقوله اسباب ظاهره یه مبتلا اولدی ان قتل قتل و سیقتل قاتلک مضمونی اوزن ناحق  
یره قتل نفس ایدن مقتول اولورانی دخی قتل ایدن مقتول اولور حکمت ربانیه و ارادت  
ازلیه بویه جاری اوله کلسن در نهایت شوقدر و ارکه مرحوم مسعود افندی التزام مالایلم  
شکله کوی اوکیل خلق عالم اولوب خدمت و صافقرا و علما و خیر جور و ستمندن زحدر ایدیلر  
الترین اوپه کلدیکی کباری نفی و اجلا ایله تحقیر ایتکی اقتضای ایدردی صغیر و کبیره باب  
لطف و مرحمتی سدا یتشیددی مقریان سلطنت ایله مدارا و تلافی ستمی بالکلیه ترک ایدوب  
وکلای سلطنت ایله تحکم یولندن معامله ایدردی ارباب حاجات و متظلمین شکایت ایچون  
وقت مخصوص تعیین ایدوب عرض حاللری قرأت ایچون و زرایه تقلید تذکره جی  
نصب ایتشیددی و نجه زماندن برومختل النظام اولان طریق علی زنجیه اصلاح قصدیه  
اربابی مطلبلرندن نازل و مطمح تطری سایمانیه اولان مدد مع مدرس افندیلری  
زویاسنده کورسه خیره یورما دقلری و پایه سی الحق مولوتلر توجیهی ایله تحقیر  
و تذلیل ایتشیددی و برآدم حقنه قلبنده مضمرا اولان شر قصدی قبل الوقوع اظهار  
ایدوب یهوده اوضاع ایله خلقی کندویه دشمن قاش ایدی دولت دنیا حریصلری  
اولان غدار لر عاقبت فرصت بولوب بی چار بی تیغ غدر ایله تلف ایتدیردیلر کرمی عیم رب  
رحیم مأمولدرکه براءت ذمتی بی رحم جلاددن کوردکی خورلق و ذلتی باعث عفو و خطا و ذلت  
اولوب شرف شهرت ایله سیئاتی عفو و ویرم اخیر الوای سلطان دشت کربلا ده محشور  
اوله وسیع عالم الدین ظلوا ای منقلب یتقلبون مقتضای طبعی اولان اسباب و احشام

تدارکنه اهتمام اوزن اولان برقاج کون بروسه ده توقفی استنداد غضب شهر یاری یه سبب  
اولوب یا بلا امهال امتثال فرمانه استبحال ایلسون یا خود قتل اولنسون دیو فرمان بی  
درمان صادر اولمش کرچه ایکی صورته دخی تخلص کز میان جانه امکان یوغمیش  
نکن بهر حال بروسه دن قالدیروب بر تنه ایدره حکم یرین یولق ممکن ایکن صوباشی عینسملری  
حواله اولتوب اذیت کونا کون ایله قتل ایتدیرنصکره قطع طریق ایدن اشرا و اشقیایکی  
جسدنی سر و برهنه یکتا کفن ایله خارج شهرده مذبله مذلت اوزن القا ایتدیر رضای  
الهی و فرمان پادشاهی یه مخالف وضع قبیح ایدیکی مقرر در حتی روز دیگر نعشی اوزرینه  
وضع ایدرک دلبند بولیموب فقرای اشرفیه دن بر مسلمان باشی اوزرنده اولان دستارن  
اعاده ایتدیک ثروت و احشاشانه مفتون اصحاب یسان اعتبار اولمغه صالحدر رتبه  
مشیت اسلامیه ده اولنره دکل احاد امتدن یرینه بویه اذیت و اهانت ناز و ایلدوکی اهل  
انصافه هویدا در منصب فتوی صاحب لری اون سنده دن برونقی و اجلا مرتبه سی پیدا اولمش  
ایکن حالا قتل و افکار تبه سی دخی علا و اولدیغی داغ بر بالای داغ اولمشدر بر مصیبت دخی  
اولدرکه نوبت دولت ابراهیم خایه بیگ للی ایدی سنده سنده مرحوم مسعود افندی بروسه  
قاضیسی ایکن برقاج محدث کنیسه یی هدم ایتدیک ایچون وزیر اعظم قره مصطفی پاشا  
طرفندن عزل و انواع ستمه مظهر اولوب تعا و نواعی البر و التقوی فرمان جلیل الشانه  
امتثال بولمغین اولان بروسه علماسی و اعیان تفتیشی ایله ازعاج و ترتیب جزا ایچون  
کند و وطنلرندن استانبول اخراج ایتدیر قاری محندن مفعلا یازلشد بحکم تقدیر و تقش  
تجربینه بروسه ده مظهر و ایدوب بی چار نه یردن مظهر اهانت و تحقیر اولدوغن محاذیل  
مشرکین کوردوب اظهار سرور و بشاشت ایدرک قول و فعل ستملری ایله اهل اسلامی مجروح  
القلب و مبتلای ماتم ایتشلر در غسل و تجویرینه حاضر اولان ثقاتدن مسموع در اول فقیر  
خاک مزالت اوزن یا تدوخی احوالی تماشایه کلان کفره صلوات شهید ثوابی قصدی ایله  
واران مسلمانلرک ضعف مرتبه سی ایش چوکنه فرمان بی درمان ایله کاری تمام اولدی  
اول کیجه مسکننده یا توب ایتسی امر تجویر و نکفینی اتمام اولوب کفره لنامه در غما جمع کبیره  
صلای عام صلواته اولتمغه خود حکم سلطانی یه مخالفت و مسلمانلرک رسمه مغایرت یغیدی  
یو امر خطیره تقصیر ایدرک ثامن کان د نیاده مهان و آخرنده مظهر سخط رحمان اولوب  
عاجلا مأمولندن خرمان ایله افتاده خاک خذلان اولدیغی مقرر در بیت چوبد کردی  
مشوایق زلفات یدی زاید بود اخر مکافات یو محله کلجه عزیز افندی مرحوم ملک قریدر  
مقتضای حکمت الهیه بروسه قاضیسی بولنان صدر الدین زاده روح الله افندی چوق  
یکم دین بوضع ناپسندک مجازاتیه مبتلا اولوب مسعود افندی نلک بد دعاسی یرین بولوب  
کوپریل محمد پاشا وقتنده سیف غدر ایله قتل اولمش ایدی شنه کم تفصیل استاغیده کلسه  
کرکدر چون وزیر اعظم مفتی افندی بی دفع ایدوب استقلال پیدا ایدی ایتسی رمضانک  
یکرمی برنجی کونلر روم ایل قاضی عسکری کمال افندی زاده وانا طولی قاضی عسکری  
انقره وی اسعد افندی بی عزل ایتدیروب روم ایلنی شعبان افندی یه وانا طولی بولوی



مصطفی افندی به توجیه اولندی قبولدانی منصبی امری اول کون بوغانحصاری  
محافظه سنده اولان سلسله والیسی سیدی احمد پاشایه کوندر یلوب بوغازده محرق  
اولان کفار بور تونلرینک ویزمکیلرک قهر در یاده کی التیوز قهر از در مثالی طوبلرینی  
اخراج بئل اموال و عمل مانده اولنلری ریخته قالب تجدد ایتمک ایچون استانبوله آدم  
ارسال ایدوب موجود کیلر ایله خدمت محافظه فی اتمامه صرف همت اوزن نئیه اولندی  
وقبودان سابق کنعان پاشا حقینده حکم سیاست اجرالولم یوب باری عامه خلقی اسکات  
والسنه طبعن واعتراض قطعی ایچون نفی و حبس و موأخذ لازم ایکن اصلان قدر عتابه  
بیله مظهر اولوب حامیلر و مریدلر اعانیه و صدراعظم طرفنه اللی کیسه قدر نفوذ سر بهر  
تسلیم ایتمکله خجده عظیمه سی نهانی مسکوت عتقاقلند یغندن غیری اغریبوز محافظه سی  
نامیه اول دیار اراالیسی اوزرینه تسلیم او لندخی و عقلای عصری مبهوت و مقیر ایشدر  
یوندن اقدام بوزجه اطه محافظه سنده اولان احمد پاشا زعمایار باب بیماری حقلیوب جزیره یی  
قلیه و کفار تسلیم ایتمکله علت مستقله اولمش ایکن بحکم الجنسیه علت الصیم قبولدان  
پاشانک زیرحمایه سنده اولغله اکادخی چین چین عتاب کوستر مدبکی دخی افح مسامحه در  
دیوخیرواحان دولت سوخته آتیش غیرت اولشدر عبیدی پاشا ایله یلک یوزاواخرنده ساقز  
محافظه سنده کیدرکن بوزجه اطه ده محبتلری ایله مشرف اولدق فی شوال المکرم تبدیل  
دفتر دار صدر اعظم حضرلری مهر حال دفتر دار کندی و آدمز اولغله محتاجدر دیوب ماه  
شوال اولنده صاری علی افندی یی معزول ایدوب کندی و قانی صاج باغی لقب محمد پاشایی  
دفتر دار ایلدی آستانه ده حیدر اغازاده و غیرلرک موأخذ و قتل صدر اعظم حضرلری  
مفتی افندی که مسعود افندی رقتل ایچون خط همایون الدقه آستانه ده انک هوادارخی ایله  
متم اولانلرک دخی جرالین ترتیب ایچون خط همایون الوب مرخص اولمش ایدی  
قام مقاملقدن معزول وزیر حیدر اغازاده محمد پاشایه سیدی احمد پاشادن منحل اولان  
سلسله منصبی توجیه ایدوب تقریس مرضی ایله اسیرغراش ایکن چفتلکنده بر قاج  
کون اکلنوب تدارکن کورسون دیواولکون شهر دن اخراج ایلدی اولدخی سلوریده اولان  
چفتلکنده اکلنوب تدارک قیدنده ایکن در عقب بوستانچی باشی ایریشوب کله سنی قطع  
ودرگاه عالی به ایضال ایلدی جسمد عیالا سلوریده مرناسه ناظر مرقدده مدفوندر سنده ثانی  
سلطان سلیمان والد سنانک کتخداسی علی اغانک و سپاهیان قره چلی زاده محمد افندی  
کتخداسی دیگر علی اغانک ذکر اولنان تهمت ایچون بوینلری اوریاوب مفتی افندی به حیدر  
اغازاده آخرت رفیقی اولدیلملک احمد پاشا و اندن معزول سرانده اوتروب حدوت فتنه  
انتظاردن خالی دکل ایدی حیدر اغازاده نک قتلند نصبره سلسله منصبی کا توجیه اولنوب  
ایرتسی کون منصبینه کتمک اوزن استانبولدن اخراج ایتدیلمر تهمت سابقه ده مشترک اولان  
کتخدای یکچیران کیچه جی زاده محمد اغانی دخی وزیر اعظم قتل مراد ایتد کی قره حسن زاده  
حسین اغا صاحب چیقوب سعادت تلو والد سلطان حضرلرینه خبر کوندر یوب پراشه یار  
آدمدر دولته از خدمت ایتدی نفی ایله اکتفا و لنق معقولدر دولت خدمت بئل جن ایله

یوله حرکت ایدن آدمی اولور اولر تهمت ایله قتل ایتمک کارکنلرک خوفنه و اظهار نه نه  
تقصیر انلرینه سببدر دیور جایتمکین میخالیجه اولان چفتلکنده نفی ایله مقهور و انده خائفا  
توق و اقامتله مأمور اولوب اشخی علی اغا کتخدایک اولدی پادشاه عالمینه حضرلری  
کسب هوا و تبدیل نشوونما ایچون خواص مقربین ایله ماه شوالک اونی کونی اسکدار  
بانچه سنده نقل اولمشلر ایدی ترسانه عامره امینی حضم مجد اغا دونما تدارکنده  
تقصیرات تهمتله مقدم محبس اولنق فرمان اولمشیدی وزیر اعظم محاسبه سن کور یوب  
خیانتی ظاهر اولمشیدی بوستانجیلردن باش یازی چنار وقعه سنده فرار و اختفا  
ایدن مقنول اغارک موضعلری تجسس ایدوب اوزرینه لازم دکل ایکن اراذله خبر و ردیکی  
تهمتله اخذ اولمش ایدی و قبائل ترکان سرکشلردن الحاجی احمد اوغلی نام کسنه نک  
وجوب قتل صدر اعظم ناخیم ایتمشیدی پادشاه عالمینه حضرلری ترسانه به  
نقل یوردقلری کون ذکر اولنان اوج کسنه نک حضور همایونده بیونلری اوریاوب  
اجرای سیاست ایله قلوب عوامه رعب القا اولندی شوال و اخرنده چوقدار شهر یاری  
حافظی مصطفی اغامسن و اختیار اولغین ایکوزاللی اچه تقاعد وظیفه و تعییناتی  
ایله حزم محترم مدن اخراج اولندی معن زاده حسین بکک اچیلکله هند کندی و کیدر اواثل  
ذی القعدة ده هند الحیسی قائم یلک هند ستانه کتمک استیذان ایچون اسکدار بانچه سنده محمد  
پاشا کوشکنده یایه سریر اعلا به روی مال ایدوب خلعت کیوب مأذون اولدی کتودردیکی  
نامه نک جوانی ایله شاه هند کیده جک هدیه همایون درگاه عالی قیوچی باشلردن ایلخی تعیین  
اولنان معن زاده حسین اغایه تسلیم اولنوب اکادخی بانچه مزبورده حضور پادشاهیده خلعت  
کیدر دیلر هدیه ملو کانه همایوندر که ذکر اولنور یکپان کبیر زمر دلی بر قطعه صور غوج و دورت  
رأس کیلان اتلر اوچی سر اسرچوللر ایله و بری جواهر رخت و مرصع اکسه لک و مرصع  
اکر و مرصع اوزنکی و التون زنجیر و انجولی عبایی ایله مزین و مکمل ایدی مزبور قائم یلک  
حلب یولندن کتمک اوزن مقدم یوللنوب بعده معن زاده حسین یلک دیا بکری یولندن روان  
اولوب بصره ده ملاقات اولوب معاهد ستانه کتمک اوزن قرار و مشلر ایدی استیلای  
کفره مجزیره لنی کتب متقدمینده جزیره ملنوز اسمیه موسوم و خاک پاک طین مختوم  
اولوب دانه سی یوزیکرمی میل و عیون جاریه سی مانند چیخون و نیل اولوب لنی  
اطه سیمکه مزارع و اقرفعی حد دن افزون و قراوضیاع پراشتاع حیطة و صنف و تعبیردن  
پیر و ن ایدی مقدمانچه یوز سنه اول جزیره آرامگاه مشرکین اولمش ایکن تقریباً تاریخ  
هجرتک التیوز سنه سی حد و نده بعض اسبابله مخاذیل فرنک اول جزیره یی بو شال دوب  
ایکیوز سنه دن زیاده مدت خالی طور یوب قورسان یتاغی اولمشیکن مرحوم و مغفور له  
ابو الفتح سلطان محمد حضر تلرینک فرمان همایونلری اوزن آبادان قیلنوب طوب و تفننک  
ومردان حرب و جنگ ایله معمور بر حصن حصین ایجاد و نکون اولنوب اولوقلقدن پرومکن  
اهل اسلام و منتفع بهار جزیره ایدی و نیک دو تناسی بوزجه اطه یی نسخیر ایلد کد نصبره  
لنی جزیره سنده واروب قلعه سنی محاصره ایلد یلر دونما نرماندن ناشی غجه ایام فی تحاشی



طوب دانه لرینی زیر و بالا دن سکان حصار اوزرینه یا غدیر و ب بچار لری عذاب نان  
 گرفتار ایلدیلر اگر چه قیودان پاشا قاج دفعه کلیمولی قایقاری ایله عسکر ار سال ایدوب  
 قره دن حصان هجوم ایدن ملاعینی ایکی اوج کره ضرب شمشیر قهر کین ایلدی بو مخصوصه  
 بذل مال ایله دامن حصار دن طرف دوابعاد و پنجه یو زیلک بی دینک خرمن خیاتی بر باد  
 ایتدیلر لکن واروش حصا ری ملاعین فرنگ پنجه سنه گرفتار اولوب ایچ حصار نده اولان  
 صر نجه آتش عطش تسکین ایدم جک صوقا لیوب و قلعه نك پردیواری صدمه طوب  
 ایله خراب اولغین مدافعه و مقاومت مجال اولیوب ایام محاصره نك اون طقوزنجی کونی  
 امان ایله ایچ قلعه دخی قبضه استیلا ی اعدایه داخل اولدی نفایس اموال بی حساب دن  
 ماعدایو زاللی یك قدر قیون و نقود نامعد و ددن غیری یا لکرانک سردار بکچریان اولان  
 شخصك التمش یك قدر زیال غروشی یغما کران فرنگ الله ده شوب استیمان ایدن  
 مسلمانلری ستر عورت ایدم جک مرتبه لبا سیله اخراج ایتدیلر فی اوائل ذی القعد  
 طین محتومك احوالی بو محله مناسب ایراد اولغین تحریر اولنمشیدی تذکره داود ده  
 دیرکه اول جزیره ده ارطیمس نامنه بر سر راهب و ار ایدی جزیره خلقندن برنگ ایاضی  
 شکست اولوب اول طینك منبعی یانه دو شمش راهب اول شخصك ایاضه طین  
 معهود دن طلا ایتیکله بامر الله تعالی زمان قلیلک افاقت بولمش راهب مزبور اول موضع  
 بر صومعه و بر هیکل مخصوصه یا یوب بو طین ایله انواع امراضه دوا بولمش اینه ورنک  
 نسقینه لرا ایله خسته لر کلوب علتلرینه معالجه ایچون راهبه عد ایا کتورر لایش و هر علت  
 بو طین ایله دوا اولغی راهبک سری و زوجانی طن ایدرر لایش بعد زمان راهب فوت  
 اولوب اقا پیندن بر عورت اول هیکله مسئولی اولد قده اول دخی کان مرضایه طین ایله علاج  
 ایدوب خاصه طینده اولدوغی شیوع بولغله طینی قرصه لرایدوب مرد اولان راهبک  
 صورتیه منقوش مهر یله مهر لیوب یونان پادشاهلرینه و ملوک رومه مدیه کونوب و تجاره  
 بیع ایتیکله باشلامش اول وقتک طین راهب اسمیه شهرت بولمش احوال علما ملک زاده  
 افندی وقته و وقایعه د نصکره بذل مال ایله نکرار مستند قوی تحمیل سودا سندن اولغین  
 بروسه یه نفی و بعد مکه مکرمه قضاسی توجیه اولنوب مجاورت ایله مامور اولمشیدی  
 دولت و حب جاه بلا سیله مخرون و مغموم آه و این ایدرک حلبه وارد قده ترک منصب  
 عیات ایدوب منزکاهی حفره نك سیاه اولدی رحمة الله علیه یه طین محتوم لحواله کلام  
 طین مزوره شهرت بولمش حتی جالینوش و حکمادن غیر یلر خاصه سین مشاهد ایدوب  
 کتابلرینه یا زمشار در بو طین شمس اسد بر جنبه تحویل ایتدک ترشح ایله ظهور بامشار حالا  
 وقت مخصوصه ده حاکم ولایت و اوزرینه مامور اولان آدمرواروب ابتدا ظهور ایدن  
 طین لطیفی چه قاروب جوز قدر قرصه لرایدوب مهر لیوب حفظ ایدرلر بعد آستانه  
 سعاته کفایت مرتبه کتوروب کیلار عامر ده ده حفظ ایدرلر ماعداسندن حاکم ولایت  
 بولنا ندر و اعیان جزیره لور لرحاله هذه طین محتوم اسمیه مشهور در وقتیه ابتدا  
 چیقان طینک رنگی حجره مائل یاغلی شکننده لطیف و رایحه سی عطر رایحه غالیله

یونند نصکره چقان صفرت خفیه به مائل طینده بر مقدار حدت وارد یونند نصکره چقان  
 ووقفسر اخذ اولنسان رنگی بیاض و طعمی طوزلو و عطری قوی آزاو لورو جله سی  
 نافع در لکن ابتدا چقان خاصه عظیمه سی اولغله غایتله لطیف در و عطری قوی  
 زیاده اولور بو طینک طبیعتی ایکنی درجه ده باردیو یا بسدر حمای و بایه و طاعونه غایت  
 نافع در دمک فسادینی و حما حرار نلرینی دفع ایدر اسهالی ونه موضع دن قان  
 کیدر سه قطع ایدر و سموم قتاله یی دخی دفع ایدوب زهر تناول ایدن آدمه شافیدر  
 و سوسزلنی کیدر و وطریق استعمالی صویه قویوب بر ساعت طور قد نصکره صوبین  
 ایچمکدر و جرمی نئزوه قرصه و جواهر معجز نلرینه داخل اولور لکن صوابله نصفیه  
 ایدوب قومنن پاک ایتد کد نصکره جرمی دخی استعمال اولور بد نك طشر سینه  
 طلا ایتیکله مومیا کبی اعضای مکسور یی جبر ایدر و صلابت لری کیده رکبک و اغنیا  
 بو طیندن باردق لری یا پدروب استعمال ایدر لرا اول باردق لری صوابچمک ایام  
 صیفه حرارتی قطع ایدر و طاعون و وبا و قتلرند صوبی اصلاح ایتیکله لانتیر در حاصلی  
 قدر و قینی یلنه جک مبارک طیندر لکن استانبولک اهل سوق عیارلری ابواب انصاری  
 صمتنه برداق یاپدق لری بیاضی چامور دن طین محتومه تقلید قرصه لرایوب مهر لیوب  
 اجمعه طین محتومدر دیویر لرا نك نفی یوقدر بلکه سن کتورر ضرری وارد زیاده  
 عالص اولانی سرای عامره یه کتورر کایدرا بوسعید افندی یه وقعه معهوده ده کعبه  
 مکرمه قضاسی امری کوندر یاوب روبراه عزیمت اولمش ایدی وزیر اعظم پوینو  
 یارملی محمد پاشا حلبدن کاورکن ارکیده بولنوب استطاعت مالیه مبدینه م یوقدر  
 دیوسفر حازدن استعفا و اذن رها ایتیکین وزیر اعظم و کالت مطلقه حسبیه کندولری  
 اند توقیف ایدوب استانبوله وصول بولد قده قضاء قدس شریف و بر هفت دن  
 صکره دمشق شام حکومتیه تظیف ایتیشلر ایدی لکن حب وطن مقتضایه  
 مولانای مشار الیه ار کلیدن اوتیه بر خطوه حرکت ایتیب استانبولک اولان  
 حسادت شریفلرین استیثقال ایدوب بالذات حرکت ایتیمک اوزن قضاء قونیه منشورینی  
 ارساله سبب اولدیلر لکن طرفدارلری اولان خیوخواه لرو ارقوتی بازویه کتوروب  
 حساده غلبه ایدوب اذن عودی متضمن امر شریف اصدارینه اهتمام مالا کلام ایتیلر یله  
 جانب استانبوله مسرور اعطف عنان رجعت ایدوب خانه لرنده آسوده کوشه راحت  
 وامن اولدیلر انا طولی صدارتدن معزول اسعد افندی سر سام ایله فوت اولدیلر  
 سوؤتد بیر وزیر اعظم تدارک و تدبیر دن عاجز و طمع و حرصی غالب بر بیر اولغین اذخار  
 مال سودا سندن و مانع مزاج لری دفع ایتیمک غائله سنه بر نافع ایشه الی دکیوب کفارک  
 یوزجه آطه و لانی یه استیلا سی خبری کلدو کی کبی شاید ملاعینک دو نماسی استانبوله  
 کله دیو خوفه دستوب استانبول حصار ینک دریا جانبده اولان دیوارینی سر اسر  
 بدانه ایله اغر تمق فرمان ایلدی که اعدایه جدید و مهیب کورینه بوندن ماعد اآخور  
 قیوسیه یی قلعه مایه نده باروی حصار اوزرینه مبنی اولان خانه لک دیوارینی هدم ایتدیروب



ووزیری اثر بنادن تخلیه او لندی اگر چه حصار اوزرنه اولان بنال بقلای معقول  
 ایش لکن کفارک بویه استیلاسی و هجومی وقتند شروع اید جنگ مصاحت دکل  
 ایدی استانبول خلقی بوحالی کورد کوری کبی های مدد کفار استانبول کلاک احتمالی  
 اولسه وزیر اعظم بوایشه شروع ایتمزدی دیو جمله و همه تابع اولوب مال اشکی و هام گفته  
 خوارلر کیمی حج شریف و کیمی غیر بیله ایله اسکدران جان آتوب اکثری اون کیسه دکر  
 خانه سنی و ملکنی بیک غروشه بلکه دخی تفصیله صا توب مقد حجه باش قور ترمق سودا سینه  
 دوست یلر نتیجه حاله واقف عارف و خفیف المونه اولان رند طریقی بواشاده اوجوز نه ایله  
 مزین سربا یرو مکلف منزللر ایشتر ایدوب حریص دنیا اولان قور قاقلرک قتی چوق املاک  
 و عقاری بووهم سمبیله یوق بهایه کندی نقل پا دشا عالمینه از اسکدر بسرای  
 عامره و مشاوره و مکالمه اتش فساد کفار انا فانا از دیاده و ملاک محروسه یه  
 تعدیلری استداد ده اولوب مقدمه و نمای هایون انکساری بعد لانی جزیره سی قبضه  
 کفان گرفتار اولد و غنک خبری شیوع بیلوب آق دکر یو غازی منسد اولغله ذخایر  
 معقه له سی یوزجه اطه ده تا لوب در عقب اشیا زیاده بهایه چیمقوب قحط و غلا عیالری  
 ظاهر ایلان عامه خنق قلوب نه دهشت دو شوب بر راجمن گفتگو عقد اولنوب  
 بدنه اصل وضع و حرکتد رو کلای دیات کند و اغراض فاسد لری اجرا سینه و جمع ماله  
 دو شوب دو نمای و جزیره لری کفاره وین آملره عتاب یوق اچیه سن آلوب منصب  
 ویرلر بخت دیله سی یوز الی اچیه سارشی دخی بهایه چیمقوب قحط ظهوردن غیر ی  
 وزیر اعظم تدبیر و تدارک عاجز کفار کاور دیه حصار اوزرنه اولان خانه لری یققد ردی  
 یو کارک عاقبتی نه کونه و نه و نه منجر اوله جقدر سعادت توپاد شاهنریسه اسکدر ده  
 ذوق و صفاسند احوال عالم ایله تقید لری یوق دیواشکان سویلند یکندن مساعد  
 یومضمون اوزره مفصل عرض حاللری ازوب علمای کرام و مشایخدن و او جاقدن اختیار آدملر  
 ایله رکاب پاشامی یه بر قاج دفعه دفعه ایتمزدی لری جزیره سنک اندیغی خبری  
 کلدکده بومقوله و خشت و گفتگو زاده اولوب بی غرض مسلمیندن قتی چوق کسینه اسکدره  
 یکوب پادشاه عالمینه حضر نلرینه عرض حاللر و نوب علما فریاد و فغان ایدیلر اهما لک  
 عاقبتی فننه ظهورینه منجر اولوق علما متلری ظهور ایتکله پادشاه عالمینه حضر نلری  
 ماه ذی القعدک اون اوچخی کونی سرای عامره یه تشریف ایدوب مشاوره فرمان  
 بیفر دیلر ماه مزیرک اون بشخی کونی وزرا و علما و ارکان و اعیان جمله دعوت اولنوب یالی  
 گوشه کده عقد مجلس مشورت اولندی هر طائفه دن اشخاص معدوده خواصه ماحق  
 اولوب حضور شهر یارید تمهید اولان مقدمات گفت و شنیدک نتیجه سی و وزیر اعظم  
 و اکا همراز اولنلرک رای سیدی بویه قرار داده اولدیکه مقدمه خواص هایونه الحاق  
 اولان ایدین و صارو خان سنجاقلری ایله وانا طولی و قرمان ایالتلریله بر رنده لری تطیب  
 بیوریلوب هرری از میر و ساقزه و استیا کوی و سایر موضع مهمه محافظه سینه ترغیب  
 اولنوب اول طرفلره عسکر و ذخیره سورمک ایچون بروسه و میخال و ساریرلره قیوچی

باستانلر از سال ایلدیلر و اجداد عظاملری وقتند اوله کلدیکی کبی ترسانه ده جمله جکدرمه  
 یا بیلوب بعد الیوم قلیونلر تاسی متروک قاله بومنون اولون اصدا فرمان لازم الامتثال  
 قیلندی خاص اولطه لی محمد خلیفه تاریخنه دیر که اول عقد اولنان مجلس مشورته  
 اندرون خزینه سندن بر مقدار مال و طشیره ده سلاطین و اعیان و ارکان و متوللر خالارینه  
 کون بر مقدار شی ویرلک تدبیر اولمشیدنی و اول وجهله هر کسدن امدادیه نامیده یوز  
 مقدار مال جمع ایدوب لکن جمله سی یوزینک غروشی تجا و زاتیم مکله وزیر اعظم سفر هایون  
 مهماتی کاینیغی و کورمک خدمتی تمهید ایدوب ایدوب اطهار عجز ایشیدنی اما بومجلس  
 مشاوره ده بر مصاحت نافع مکالمه اولنوب خواص هایون ندن اخراج اولنان ایدین  
 و صارو خان سنجاقلری وزیر اعظم کندویه منسوب برر شخص ایتره ویردی انا طولی  
 و قرمان ایالتلری کلدک مبلغ عظیم ایله بر آد مه صا تدی و کندویه سرای عامره  
 طرفندن نافد الملام اولنلره هدیه بدل ایدین بر قاج راشی قیوچی ناشی ظالمینک  
 شیشنی الوب ذخیره و عسکر سورمکه مأمور ایتدی که اندر ده واروب عسکری ورعا یانک  
 ماللرین الوب زیاده جه فساد پیدا سندن اهتمام ایله لر لکن پادشاه عالمینه حضر نلری  
 وزیر اعظمک حرکتی و رای و تدبیرینی بکنیموب بر اختیار و امور دیله آد مدرد یو سوق  
 اولنغله عظم و کالی احسان ایلدک کلدیکی کوندن بر طرف دولت علیه یه نفی عاید  
 بر مصاحت نافع کوردیکی یوق تمهید اجلاس ایله به قدر آدمی قتل ایتدردی و مناصبه  
 انتخاب استحقاقی سوق ایتیموب منسوباتن چراغ ایتک سودا سندن در عقد اولنان  
 مجلس مشورته نکه نتیجه سی خواص هایون ندن ایدین و صارو خان سنجاقلری الوب  
 دیلر بکی آد مه توجیه ایتدر مکله چیقاردی نه قوت سنجاعمله ایش کورمکه قدرتی وار  
 ونه زکا و فراستله حسن تدبیر ده مهارتی و ارام سفر ایچون اولان مشاوره ده تدبیر  
 و حرکت بویه می اولوردیو مکدر الحال اولمشلر ایدی اولکی مشورتدن بر هفته مرورند نصکره  
 نکرا مجلس مشورت عقد اولنوب پادشاه عالمینه حضر نلری بالذات سفر هایونه عظم  
 مقرر در بحر اورتا دارک مهماتی کرکی کبی اهتمام ایتک کر کسن دیوزیر اعظمه موکد  
 تنبیه یورلدقه پیروضعیف القلب اللارین اوشدروب حصار مجلسه استعانت  
 صورتده نگاه عجز ایدلرک سوزده کلوب شو کتلوو کر امتلوپاد شاهم حق تعالی  
 عمرود و لتکری برد و ام ایله اورتالغک اختلالی و عسکرک نامنصب و طلفی وقتند سفر  
 ایتک قتی متعسردر خزینه عامره نک ایسه ضرورتی تعبیر اولتمز غنیمت هایون  
 مهم اولدینی صورتده طرف پادشاهیدن بوجه تقدیر کیمی بیک کیسه اچیه امداد  
 بیورلغله اعانه محتاجدر که کاینیغی سفر تدارکی ممکن اوله والار و جمله سفر هایونه  
 اقتدار یوق قدر دیو قطعی جواب ویرمکین جناب پادشاهی سکوت غضب آلود ایدوب  
 غیری بر حرف سویانیموب مجلس مشورت طاغندی باعث عزل بویتی یانلی محمد  
 پاشا و صدارت کوپرلی محمد پاشا کوپرلی محمد پاشا ایسه مقدمه البشیر وزیر اعظم  
 اولوب آستانه یه کاورکن کوپری قصبه سندن بولنوب بیک الشمس سینه سی ربیع الاول



استقباله جیغوب گوتاهیه قربله بولشوب معا ازینق منزله دك گكشلاول وقت  
 طرابلس منصبی محمدن حجره توجیه اولغله والیرك تعدیسی وعدم نظام سبیلله  
 عتقل ومشوش اولمشیدی مارت ابتدا سنه اعتبار اولتیق اوزن ضبط ایدوب مال  
 خیری به ولایت نظام ورمك شرطیلله طرابلس منصبی کوریل محمد پاشایه توجیه  
 ایدوب خلعت ککیدروب همان ازینقدن عودت ایتدرمشلایدی صکره ایشیو  
 پاشا قتل اولنوب طرابلسی ضبط ایدوب میوب نهی دست کلوب کوریل قرار ایشیدی  
 بودقه وزیراعظم یونی یاره لی محمد پاشا حلبدن کورکن کوریل محمد پاشا کوریدن  
 قالدوب صدر اعظمی اسکی شهرده قرشولوب مطهرالتفات اولوب معا استانبوله  
 گكش ایدی اشاء طریق یونی یاره لویه محه امورود قایق تدبیر و تعالیم ایشلایدی استانبوله  
 کادک وزیر طرفندن بر مقدار تعیین ویریلوب سلطان یازید ستمده اولان سرای مشهورده  
 اوتوروب مضایقه حال ایله بر منصب ظم ورتیه مترقب ایدی سابقار رئیس الکتاب شاهی  
 زاده محمد افندی ایشیو وقتنده غرامت مالیه ایله تخلیص جان ایدوب حج شریفه مأذون اولوب  
 اتمام مناسك حج بیت الله الحرامك عودتده استانبوله کادک هنوز ارام وسکون حاصل  
 اولدین تکرار اوردیاریدن اجراج بیت فلك دل چقمادین کناره دخی روزگار ایدی بردیاره  
 دخی نجواسنجه زعامتی اولان طوسییه نفی وازعاج اولنوب برسنه یه قریب  
 زمان اذله معتكف کوشته تحول اولدقد دولتو والد سلطان حضرتکرتینك مقبولی  
 خزینه دار شهریاری صولاق محمد اغایه انشایی اولغین افرك تعریف ورجا سیله جرمی  
 عفو اولنوب اذن همایون ایله استانبوله کلوب خانه سنه متروی ایدی بو هتکا مد  
 معمار قاسم اغاوسرای خواجه سی محمد افندیله مختد القلب ومختد الکلمه دوستلر اولوب  
 کوریل محمد پاشا دخی کیجه ایله تبدیل صورت قاسم اغایه واروب احوال عالمك اختلالی  
 سویلشورل ایدی قاسم اغایله سابقلرده کوریل محمد پاشایی والد سلطان حضرت نرینه  
 مدح ایدوب دولتو سلطان رمدر و عاقل وامور دیده ادمدر بو اختلالی دفع ایتکه استعداد  
 اذن غیرین ملخوط دکلردید دفعاتیلله تعریف اولمشیدی حتی وزیر اعظم به تعریفدن  
 خبر اکوب دفعاتیلله قاسم اغایه اهانت ایشلایدی کورچی محمد پاشا ایسه والد کتخدالغندن  
 هزل ومالنی مصادره وزندان قالدوقیویه خیس وقیریه نفی ایشیدی عکیره یه والد  
 سلطان حضرت نرینك همیلله قورتیلوب خانه سنه اوتورمشیدی اماچه کوریلنك مدح  
 و تعریفندن خالی اولوب جواجه محمد افندی وبالقچه جی قره قاش و سا طیلله خزینه دار  
 صولاق محمد اغایه خبرلر اوچوروب انك لسانندن والد سلطان حضرت نرینه سوق ایلمکدن  
 خالی اولوب بوقضیه ده شاهی زاده دخی انك ایله یکدل ویکجهت اولوب احوال عالمدن خبر  
 الد قلمی اموری ووزیرك احوال واطواری وهر کیمدن مال هدا یا دن نه آلدیغنی تجسس  
 ایدوب کاه لسانا وکاه تذکره ایله اعلام ایدرلردی تبدیل دفتر دار وزیر اعظم ابتدای  
 صدر اتمه صاری علی افندی بی عزل ایدوب ککند وقایق صاحبباغی لقب محمد پاشایی  
 دفتر دار ایتدیکی ذکر اولمشیدی پاشای مزبور صاحبباغی دوران سنکدر تورکیسی ایکی ای

مقداری دللرده داستان ایدوب الشمس دیدن ماعد الشمس سترسته سی مقاطعه سی  
 دخی بخشیش قلندری ایتکه وزیرك وکندونك خزینه سی معور و خزینه سلطانی ویران  
 ایشیدی ایراد قیوسی تمام منسد اولوب مصارف ومهمات سفریه غائله لری ظهور  
 ایدوچك وزیراعظم کندوز غجه کندو قایق غرض ومالیه ورطه دن قورتازمق تدبیرن  
 ایدوب بعض مرتبه بدل مال و صنایع مکر و اختیال ایله دفتر دارلقدن عزل ایتدروب اول  
 حمل ثقیل صالح پاشا کتخداسی دورکلی محمد اغایه تحمیل ایتدودی صدر اعظم کتخداسی  
 احمد اغا دخی عاقبت اندیش ومالد از آدم اولغله افندی سنك اطوارین بکیمیه بواوضاع ایله  
 مقام صدر اذله قلمیه جف فهم ایتدیکندن غیری طمع مال مقتضایه غدرندن دخی امیق  
 اولدیغندن نهانچه معمار قاسم اغاوشانی زاده کی کوریل محمد پاشا طرفنه تمیل ایدوب  
 اذلدخی وزیراعظمی اغمال ایلك دمنده استخدام ایچون کتخداسی قوله الوب هزار کونه  
 وعد واطفله فریفته ایشلایدی اما هنوز بوزجه اطه یه نفازا استیلا سنك خبری کلدیکی  
 کی قاسم اغاوخواجه محمد افندی وشاهی زاده ووزیرك طرف خلافت اولنر والد سلطان  
 طرفنه خبرلر کونفروب بو وزیرك اندن ایش گلزنضام دولت مراد ایدر سکر کوریل محمد  
 پاشایی وزیر ایدر ستر بویه وقعه اندن غیری آدم بو صعب مصاحبتك عهد سنکدر گلزدیو  
 ار ایدره اولان وسایط ایله کرار امرارا خبرلشد کورینی ساجدار غا طویب غافل اولمه مهر  
 شریف آخره ویرلك احتمالی واردر دیووزیری آگاه ایتدکده همان طرابلس شام منصبی  
 کوریل محمد پاشایه ویروب اولگون کیم سن دیو فرما ایشیدی خرجلغه مضایقه سی  
 اولغین تجار دن بر قاج کیسه خرجلق پیداسنه کندوسی مشغول اولوب معینلری اذرون  
 هماینه مهر شریف تحمیل ایچون عملده اتمام اوزره ایدیلر لنی جزیره سنك دخی خبری کلوب  
 آتش دهشت علونوب مجلس مشورت فرمان بیورلد قند نکر ارجا سوسلر طرفندن وزیر  
 خبر کلوب بزه مهر شریف کتدی بوساعت کوریل بی بر حال ایلسون دیلریله ککندی  
 کتخداسی چاغروب بوقوجه یه منصب ویردك کتیبوب بوند مکث ایشید سنک سبی ندر غالباً  
 دماغی فسادده درنر شیدی آدم کونفروب دعوت ایله انك وجود ندن عدمی اولیدر دیدی  
 کتخدا پیلدیکه سر مخفی طویلش وکوریل بی قتل ایتك استر لن مصاحبتك اساسی  
 مستحکم اولدیغنه بناء اعتمادی وار ایدی یاغزه یه وجود ویر میوب سلطان بونی سزه القا  
 ایدن یا ککش القاتیش احترازیکر واریسه غیری نام وکام صاحبندن احتراز ایلك  
 کورولی پاشا کندو ضرورت حالندن عاجز عشاء اللیلله محتا خدر هر کون والد خانه تجار  
 واروب یول خرجلغی تدارکنه سی ایچون بو قدر اکلندی بوکون بس کیسه اچه بولسه  
 انخشامه قالمز قالمکیدردی دیدکده وزیراعظم ایدی زاوچ کیسه ویره لم همان بوکون یارین  
 یوللا دیری سلطان بش کیسه احسان ایله یارین دوراه اولنر سه نه حقارتك وار ایسه بکا  
 ایله دیوب غضبنی دفع ایلدی وخزینه وزیردن بش کیسه الوب کورولی پاشا نه کوزردی  
 مکر مصاحبت دخی تمام اولاش ایش بر قاجکون مر ورا ایتدین ایش بتدی راوی ایدر  
 چونکه وزیر اعظمک قرین سلطانیده اولان جاسوسلری عزلی رایحه سن استقام



ایدوب وزیر آگاه آمد کلمی و وزیر کوپری به سوره قصید اوزن اولدوغی طرف سلطنتک  
 معلومی اولدی مدبر القاسمه نعل باز کونه شکله بر نازک حبله و ظریفانه تدبیر ایندی  
 وزیرک معینی و کندویه نقل اخبار این صمد بقی ساجد ارمضطی اغایه ماه ذی القعدة نک  
 اون التخی کونی وزارتله شام شریف منصبی احسان اولنوب سلفی وزیر خاصکی محمد پاشایه  
 هالده استاله به کله سن دیو خط همایون کوند رلدی وزیر اعظم و جلاله سرای عامر ده  
 اولان و طشهرده اولنلر خاصکی محمد پاشا صدارت ایچون دعوت اولندوغنه قرار ویرب  
 کوپر یلی محمد پاشایه ظن و تخمیندن فارغ اولدیله حتی بوتد بیر خفیدن موزخ عبدی  
 پاشا غافل اولوب امورک ظاهرینه نظر اینکله تاریخنه یازمشکه خاتم وکالت خاصکی محمد  
 پاشایه ویر یله جک ایدی لکن شامدن کلمسه تأخیر ممکن اولوب بعض مقر بلر تعریفیه  
 مصالحت و قه بناء کوپر یلی محمد پاشایه توجیه اولندی دیش خاص اوطه و جلاله اندرون  
 اعازی یا خاصکی محمد پاشا و یا خود قره مضطی پاشا و وزیر اولد قچه ایش بتیز دیو طرفدار  
 اولوب حرم خاص پرورده لرینک مشهور لرین ماعدا هیچ کسسه کوپر یلینک وزیر اولسنی بجوین  
 اینتر لدی انلر کندوز علمری اوزن تعلیط و اسکات مصالحت تمام اولنجیه دک کوپر یلی  
 محمد پاشای ظن و تخمین و اعدادین تخلص ایچون اشته و تدبیری ایشملر ایدی عبدی پاشا  
 بود قیقه به متفطن اولما مشلر تیدیل اغای یکچیریان بعد وزیر یکچیری اغاسیله متفقدر شایه  
 عزل خوفیه رفنه احد اشته جزأت ایلمه دیو بر هفته دن صکره ماه ذی القعدة نک یکرمی  
 دوردنجی کوز که یکچیری اغای وزیر کورجی حسین پاشادن رفع اولنوب میراخور اول سهراب  
 محمد اغایه عنایت و برادری کوند نصکره مظهر یایه وزارت قلندی سهراب محمد اغایسه  
 وزیر اعظمک طرف خلافتنه کوپر یلی پاشا طرفنده اولنلر ایله دوست ایدی مکر کوپر یلی  
 محمد پاشا اراده توسط ایدن خیر خواعلق اینلره دیشکه والد سلطان افندی مرک حضورینه  
 لسانا عرض اولنه حق بر قاج خصوص رادر اکر اول شرطه اعانت اولنجی تعهد بیورر ل  
 ایسه بندخی صعوبتله نحد متک اداسنه متعهد اولورم دیو خبر کوند رمش ایش یکچیری  
 اغاسی تبدیل اولدوغی کون بعد العصر نبر دارلردن بری کلوب کوپر یلی بی نهانی سرایه قزل  
 اغاسی اوطه سنه اندن اغا و کنه دوستوب دولتلو والد سلطان حضر نلرینک سیرا پرده  
 ظیلاری حضورینه کتوروب زمین بوسد نصکره پاشا خوش کلدک دیو بیورلد قده دوام  
 عمر دولتنه شایدر بعد سعادت او پادشاه عالمیناه حضر تلری سزه خاتم صدارتی احسان  
 بیورمق مراد ایدر دین و دولته مطلوب اولان خدمتک عهد لندن کله بیلو میسن دیو  
 بیورلد قده دولتلو و سلطنت طرف سلطنت علیه دن بر قاج شروط ایله همت و عنایت بیورور  
 ایسه انشاء الله تعالی دولت پادشاهیه هر ایش کاینجی کور ملک ما مولدر دیدی اول شرط  
 ندر بیوردر یلمر مساعده اولور ایسه عرض اینیم دیدی هر نه عرض ایدر سبک مساعده  
 اولنوز سوزینی اوچکره نکرار بیوردر کور و لو محمد پاشا دلیرانه سوزده آغاز ایدوب دولتلو  
 پادشاه اولو حضور همایونه هر نه ناخیز ایدر رسم تنفید اولنوب خلا فی بیورلیه نیا  
 ادا دن اعلا یه و انچه مناصب و مراتب و مائر توجیهات خصوصند قطعاً بر طرفدن

سوق و شفاعتله یوقوللرینه ابرام بیورلیه که دولت پادشاهی به انفع اولان رجالی استخدا  
 قابل اوله زیرا الا فات تولد من الشفاعات مفهومیجه جمله اختلاک سببی شفاعت  
 تامه قوله در ثلثا و زرادن و وکلادن برینی یا مالنه رغبه یا حسن اعتقادنه بناء غیرم و شریک  
 مقامنه وضع ایدوب یوقوللرینک استقلالنه خلل ویرلیه را بعد یوقوللری  
 حقنه اصحاب اغراض اولان منافقینه رخصت کلام ویرلیه زیرا جمله عالم دولتن  
 حصه مند اولمق استر عالمی ارضاقابل دکدر اول جهتن بومقام صاحبنه حساد و خصما  
 قنی جو قدر هجوم ناسی قطع و فساد ی رفع ایتکه ذم و مساوی قیوسنی سدا یتکدن غیر ی  
 چان یوقدر بودورت شروط رعایت ایله مساعده بیورلیور سه عون حق ایله د عاکر برکات یله  
 خدمت وزارت عهد سندن کلک ممکند رد یوب ختم کلام ایلدی دولتلو والد سلطان  
 حضر تلری کلام حق قبول ایدوب والله العظیم بور جالریکه مساعده اولنور لفظی اوچکره  
 تکرار بیوردر بلرندن زمین بوس ایدوب چیقوب منزلنه کلدی ایرتسی کونکه ماه ذی القعدة نک  
 یکرمی بشخی جمعه کونی ایدی جمعه نمازیدن ایکی ساعت مقدم وزیر اعظم برینی یاره لی محمد  
 پاشایه بالته جیلر کتخدا سی کیدوب دعوت ایدوب کوپر یلی محمد پاشا دخی مقد مجده دعوت  
 اولنوب حاضر نشیندی وزیر اعظم کلوب حضور همایونه وارد قده سفر مهماتند اولان  
 تقصیرینه وعدم حسن تدبیرینه متعلق بر مقدار عتاب بیورلد قدن صکره مهر همایون  
 الذوب کندوسی بوستانجی باشی خبسنه کوند رلدی کوپر یلی محمد پاشا حضور همایونه  
 دعوت اولنوب صلوة جمعه ده خطیب منبرده ایکن خاتم وکالت کندویه عنایت بیورلدی  
 و سابقا ذکر اولنان دورت شرطی پادشاه عالمیناه حضر تلری لسانا برر بر ذکر ایلدی  
 یوشروطه رعایت اولنق اوزره سنی مستقلا وزیر ایدم کوره یم نجه خدمت ایدر سن  
 دیو خبر دعاء ملوکانه ایله مسرور بیوردر لکه کوپر یلی محمد پاشا دخی کریمان اولوب  
 انجوانده سی کی کوز یاشی منور صقاللری اوزره ریزان اوله رق شوکتلو کر امتکویاد شام  
 حق تعالی عمر و دولتکری بردوام ایلمه صدق و استقامتله خدمت شریفکزه صرف  
 اقتدار و اغور همایونکده بدل جان ایدرم دولتلو پادشاه همک همت علیه سی و خیر دعاسی  
 برکات یله حق تعالی توفیق احسان ایلمه دیو زمین بوس ایدوب چیقوب سرایه کلدی  
 اول وقت رئیس المجین بولنان مرحوم کوپر یلی به مهر شریف ویر لکه اول جمعه کونی  
 نصف النهار وقتی اختیار ایش حق بودر که اختیار وقت بویله کر کدر اول وقتک طالعی  
 و احکامندن بر قاج کلمات یاد کارا اولمق ایچون کند و نچوعه مجربا سندن بو محله نقل و تحریر  
 اولنق مناسب کورلشدر صاحب عاشر عطار دو عا شرف زهره ده عا شرفه  
 فکن محترق استقلال اوزن متصرف اولور صاحب بیت مریندر عا شرفه ایکن تحت الشعاع  
 حکمنده دست و مال اعدا و حسادک بعض مرتبه ظهوری نکدر با طرایدر لکن مفصل  
 اولوب غلبه ایدمزل و رسم الغیب ثانیه خزانه عامره یی تعمیر ایدوب اموال عظیمه  
 اقتناده وادخار ایدر لر رسم السعاده بیت الرها ده صاحب زخل عا شرفه اکثر خصوصه  
 دخلوا تلری اوزره مصالحت کوروب مانع و مزاحم استیلا سندن آسوده اوله لر رسم السعاده



خانه سنگ صبا حب شرفی ز خلد در شهر السعاده به کلبه ازاله او تو زرد رجه  
 وار مدت وزارت او تو زسنه اولوق اقتضا ایدر لکن صاحب طالع مشتری رابعه و بیستنه  
 و قمر صاحب بیت موت بیندند التمس دورت درجه دروهم طالعک و صاحب طالعک  
 لسیری دخی بش سنه دن صکره تربع نحسه و اردیغی و صاحب بیت موت قردن  
 دخی اول محله ایکی سنه ده نظرو اتصالی بومعنائی مؤید اولغین التمس دورت ماه مرورته  
 هجوم مرضی سبی ایلله قطوع حکمتک اثری ظهروا تیز اینه مدت وزارت او تیز اینه مدت  
 مسئولدر دیش انتهی واقع حاله منجم مرحوم بواختبارده و بوا حکامه اصابت ایشدر  
 انجق وزارت او تو زسنه یه ازمیوب پیش سنه مرورته قطوع حکم امر حق ایلله برین ولوب  
 هریضا فوت اولمشدر رتبه کیم محله ذکر اولغنه سه ککر کردان شاعله تعالی نجه وزیر  
 معزول بویی یاری محمد پاشاک جمله مملکی وجع ایتدی یکی تقود مؤفوره سی طرف  
 شهر بارین قبض اولوب قتل مراد اولند قده طقسان یاشنده بریدر داق صفتانده مرحمت  
 رجا اولوب کوپر یل محمد پاشا شفاعت ایتکله قتل اولوب برقاچکون بوسما نچی باشی  
 محبسنده مهمان بعد برقاچکون یددی قله ده مبتلای عفت و حبس زندان اولد قد نصکره  
 ملغره یه اجلا اولوب نجه ایدم نصکره قنیزه ایانی ایلله خاطر مکسورینی مجبور و بقای  
 چند روزه مرده سیله قلب حزینی مسره اولمشدر دفتر دارلقدن معزول صاج باغی  
 فخر پاشا که وزیر اعظم کندی و حایه دفتر دایدوب مال میزی به خیانت تهمتندن تخلص  
 ایچون کندی و عزاندن مقرر مجعزل ایتمشیدی فرمان شهر ری ایلله قیو خیما و طه سنه  
 محبوس و احتمال نجاتدن مایفس او تیش ایز یوزللی کیسه مقداری جریه مالیه ایلله  
 الحاق اولندی لکن خوفی خیر قهر ایلله بهره سی پاک اولغین ایتسی کون و قات ایلدی حالا  
 اول بیجان ک ب بر او غلی وارد طریق فدریه درویشلرندن بر ساکن فقیر الحال درویشدر  
 غریز افندی بویی یاره لی محمد پاشادن به و حله شکایت ایدر عجب تماشا در که وزیر مزبور  
 خدمت عدالتله مأمور اولد قده امور دیدن و کار آزموده سنی تسعینی متجاوز وزیر بر روشن  
 ضمیر درد بخلاق عالم شاد و حرم اوای طرفندن خیر نظهوری مأمول ایکن مناصب دولت  
 علمانیه و خدمات دیانیه بی اسلاف بی انصاف فی زحمتک اعصاب ایلله فروخت ایتد بکندن ماعد  
 علما فقرانی سندنله جوع ایدر جکاری بضاعت مزجانی دخواهی اوزن توجیه و تقسیم  
 ایدوب مولوتلری و مدرسه لری محصور لایحه قضالره و ارجحه رشوت ایلله توجیه ایدوب اخذ  
 بر اطیل و اشاعت ایا طیل ایلله اسلافندن هزار مرتبه زیاده طریق احوالنه اختلال و پردی  
 بندن فضلره اینه اصابت اعتقادی ایلله سوق خیر ایدر لک کلام حقنی سمع رضایله اصفا  
 انجیوب خصوص هما یونه اولان مشاوره لردن خلاف مرضی سوز سولیلره اظهار قهر و غضب  
 بلکه اصابه لسان و طعن فیسب ایتدی یکی ایچون سبب نصرت اسلام و اعدای دیندن  
 اخذ انتقام اوله جوق تدابیر مستحسنه مسکوت عنه قلوب خوش آمد کولر کلامی مستوع  
 اولغین مان تحو ست اقرار صدر تندر دین و دولته نافع بروض معقول صدور ایتدی  
 مانع استقلال اولور دیوخواجه زاده مسعود افندی بی اسناد و افترا ایلله قتل ایتدی یروبه

حقنی افندی کبی مبتلای صمم و علت فلج ایلله بر نیم ادبی بیو ضعیف الحال ایکن مصدق ایتلله  
 اصعاد ایلدی حقنی افندی صاغر در اثناء مخاطبه ده زیاده رفیع صوته محتاج در بویه پیری  
 نچون مفتی ایدر سز دینلره کاشکی کوزی دخی اولیدی زیاده معقول ایدی دیو جواب نام معقول  
 و یروبه ای فاسدنده اعتقاد اصابت اوزرینه اصرار و مقتضای طبیعت ترکینه اولان عنادینی  
 اظهرا ایددی اتی بلز ایدیکه مفتیلر احوال عالیدن خیر اولوب خیری و شری فرق ایدر نیکخواه  
 دولت بر محقق ادم اولدیغی تقدیر چه وزیر اعظم سنه قوی اولوب تقشیت امورنده دخل  
 عظمی اولوز بوقیر نامراده اوائل صدار تندر ظاهر احب ووداد اظهار ایدوب مدح و ثناسنه  
 متمخص کور تمکین مقتضای خلقتمز اولان دولت خیر خواهلغی اقتضای اوزره قره دن  
 سفره اهتمام بلکه بالذات کندوسی و یکپیری اغاسی ویاوک اغازی ایلله عزیمته سعی و اقدام  
 اولوق لازم درو مجر در یادن دو تهمالز سالیله اکتفا نارا ذریه بروسه دن یازمشیدم و ارایسه  
 کلام حق طبعنه کوج کلز باعث اغراض کلی اولوب طرفزه انجذاب و محبت بغض وعداوت  
 مبدل اولمشیدی تجا و زالله عن سیما ته قاضی زاده لیلر و قعه سیدر معلوم اوله که مسالک  
 صوفیه یه ذاهب اولان ارباب طریقله علمای ظاهر بینند اولان نزاع وجدال قبی اسکی اولوب  
 خلفای راستین عصر لرندن برودول سابقه ده و بغدادده و مصر ده و بلاد سائر ده  
 نجه دفعه مشاجره و محاوره لری مقاتله و محاربه یه مؤدی اولوق رتبه سنه ایرشدیکی کتب  
 تواریخیه مسطور درو یوایکی طائفه ک نتیجه مدعاری محقق لری نزاع لفظی یه چقاروب  
 کلام لری توفیق ایتمشیکن ینه فیصل بولوب هر عصر ده بعض کسمنلر تحصیل  
 شهرت و شان ایچون امر معروف و نهی عن المنکر صورتیه ظهور ایدوب بعض مسائل  
 مختلفه و بدع مشهوره یه یابشوب اسکی غوغا لری تحریک ایدر کلشدر دتا که مشایخ  
 زومدن قاضی زاده افندی ظهور ایدوب مشایخ طریقدن سیواسی افندی ایلله  
 تغایر مشرب مقتضای سببه از غه شوب اول دعوی قدیمی تجدید ایچون منازعه و مجادله  
 مقدماتی تمهید ایلدیلر کاتب چلبی اول ایکی عزیز ک احوالی یه یله تحریک ایدر که سیواسی  
 افندی دید کلری شیخ عبد المجید بن محرم بن زبیل حضر تلریدر مشایخ خلوتیه دن سیواسی  
 شمس افندی نیک خلیفه سی اولوب استانبوله کلد که سیواسی نیکه سی دیملکه مشهور  
 اولان زاویه ده شیخ اولوب سلطان احمد خان جامع جدیدی بنایلد که وعظمتی ویرمشیدی  
 بیک قرق طقوز جمادی الاخره سنه وفات ایلدی لر سنی یتیمشدن متجاوز وزیر بر روشن  
 ضمیر ایدی حقایق لطیفه و اسرار الهیه بی مشتمل بعض ترکی رساله لری و شخی مخلص ایلله  
 نجه الیملری و نجه منظوم کلاملری وارد و عطر لرندن اول خوش الحان ایلله سوره ق نجه  
 اوقیوب مستعینه صفا بخش اولور لری ایدی احبابی نجه کر امانت نقل ایدر جمله دن مقدم  
 مجد اغا امامی کفوی علی افندی دیر که شیخ بر کیه بکافعل شتیم ایلدی ایتسی نجه  
 مجلسنه واردم امام افندی الم چکمه سکوا وقع اولان بکا حضرت علی کر الله وجهه ایلله واقع  
 اولدی لک تعبیری نصرف باطنی ایلله قلب و قلبک معطر اولمشیدر و لوح نور کر امانته  
 شرط لارم اولان نصرفات خفیه عارفینه استعداد لری مرتبه صورت مشا هره



ایله مشهور اوله گمشد ز دیم یوز مشهور اما قاضی زاده افندی بالی کسربل  
طوغانی زاده افندی مصطفی افندی نام بر قاضی نیک اوغلی شیخ محمد افندی در دیار نیک بر کلی  
محمد افندی نیک شاکر دل زدن مقدمات فنونی تحصیل ایتد کد نصیحه استانبوله کلوب  
طورسون زاده مدرس ایکن اکامعید اولد قد نصیحه سمت مشیختی اختیار ایدوب بر زمان  
ترجان نکیه سی شیخی عمر افندی خدمتند تصفییه به اشتغال اوزن سمت تصوف مشربنه  
موافق کور نمیوب طریق نظره سلوک ایلدی بجه زمان مراد پاشا معتمد درس و یروب  
بر کلی زاده فضل الله افندی برینه سلطان سلیم واعظی اولدی خانه سی قرینه مسجد ده  
تدریس علمه مد اوم اولوب وعظ و درسیله اشتغال بولمشیدی بیک قرق بش سالی خلانده  
ایا صوفیه واعظی ایکن وفات ایلدی سنی خمیندن تجاوز زیر مشهور عزیز زیدی بوابکی شیخ  
زمانلور بری بر لیل صورت ظاهرده ضد کامل اولوب اختلاف مشرب حسیله ازلان جروب  
و شتوم قائم ایدی بین العلماء فیصل پذیر اولمیان بحثلر که یو نلردر اوله حقایق اشیا دن بحث  
ایدن علوم عقلیه و اریاضیه به توغلدن منع اولنق بچی تالیفات حضرت علیه السلام حیات  
ثالثا آواز لطیفه تفتی ونغماتی جائز کور مدکاری رابعا اصحاب طریقه رقص و دوری خامسا  
تصلیه و ترغیبه بچی ساد ساد فاک و قهوه نیک و سائر محدثاتک حل و حرمتی بچی سابعاً  
رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ایکن بچی ثمانفر عونک ایمانله کتمک بچی تاسعا  
شیخ محی الدین عربی قدس سره شاننده اولان اختلافات بچی عاشر العن یزید بچی  
اون بر بچی بدعت بچی اون ایکن زیارت قبور بچی اون او بچی جماعتله نوافل و رغایب  
وقدر نمازلی قانق بچی اون دورد بچی کبارک الین و یاضین و اتکین او بک و سلام المقده  
انجانب بچی اون بشیخی امر معروف ونهی عن المنکر بچی اون التبی رشتوت بچی یو بحثلورده  
قاضی زاده افندی بر طرفی طوتوب سیواسی افندی طرف اخره ذاهب اولوب افراط  
و تقریط سلکله کشلرایدی و ایکی شیخ اتباعی بری بر یله نزاع وجدال ایدرلردی و جناب  
پادشاه فردوس اشیان مرحوم سلطان مراد خان حضرت نلرینک اوائل سلطنتلر زور بارک  
شهرتی و اصحاب فسادک اکثری دفعات یله جمعیت کونا کون ایله فتنه و فساد جرات ایتد کوری  
محلله مفصله تحریر اولمشد مرحوم سلطان مراد حضرت نلری حسن تدبیر صاحبی عقل  
القاسمه تنظیم امور دولته همت ایدوب زور بار ایله تعاضد ایدن رجب پاشای زاله و طبانی  
یسی محمد پاشای وزیر اعظم ایوب زور بارک حقندن کلکه شروع بیورد قلری حکام خلق  
عالم قبضه اطاعتدن بالکلیه خارج ایدیلر استانبوله و بلاد ساثرده متعدد قهوه  
خانه لرا شایوب قهوه و خان بهانه سیله عسکری و شهرلیدن اشخاص مختلفه جمع اولوب  
خان و قهوه ایچون ذم و قدح ایله خلقی کسوب یچمک ایچون کونا کون اراحیف و اکاذیب  
پید ایدرلردی سلطان مراد حضرت نلری خلقی ضبط و تادیب ایچون قهوه خانه لری یقدر یروب  
دخان استعصالی منع بالکلیه وجود دینی رفع ایتمک اوزن یساع عظیم ایدوب متنبه اولمیانلری  
زجر و قتل ایله تخویف ایتد کوری اشاده قاضی زاده افندی واعظلرک اشهری بولنغین طرف  
شهریار معلا جنا بنه مد ارانساب اولمچون دنتک حرمتی خصوصی زعمجه اجتهاد و دلائل

عقلیه و نقلیه ایله اراد ایدوب مغلطه فی ایداره ایله قباب فلکه آوازه صالمشیدی  
بیت خلقی منع ایلدن ساکنه کررته چقار واعظایو خسه دخان ایله قیامتی قویاردیو  
اعتراض ایدنلره حرمت قطعی الثبوت اولدوغی صورتنه اولوالامرک منع ایتد سیله ترکی لازم  
اولوب ممنوع اولمیلری سلطان زمانه مخالفت سیبیه واجب القتلدر دیورد جواب ایدوب  
بو تقریبه مجلس شهنشاهی به وصول بولمغه کسب شهرت و شان و منع شرب دخان ایله  
زجر و قتل بجه زاید رک از زمانه مشاور الیه بالهمنان اولمشیدی پادشاه تریمان صولت  
حضرت نلری افراط فراست و نزاکت صاحبی اولغین عامه ناسی تخویف و تهدید و فرمان  
ملوکانه لری تنفیذ ایچون بویه ایله خلقی قتل ایتمکه قاضی زاده فی سیر ایدوب سطوت  
و مهابتلری عالمگیر اولمجه دیک بجه بیک دردمند بیکناهی شمشیر غضب و سیب ساسله  
تیاه ایتمشلرایدی لکن اینه قاضی زاده افندی به بالکلیه تعین و برمیوب نهانی  
سیواسی افندی به ده النفات ملوکانه لری اولمغه قاضی زاده افندی ایله ضد و شتوب  
هر بری آخرک قولی ابطال ایچون کونا کون قیل و قال ایدرلردی حاصل ایکی سید عصرینه  
کورن دینی و دولت مصاحبتنه بر ایدوب بر دیها نه ایله ملتفت جانب سلطنت و حصه مند  
نواله عنایت اولمغه حاللرینه کورن زور کاردن کام المشلرایدی قاضی زاده افندی نیک  
فوتدن سکره اتباعندن کرسی نشین اولان شیخلردی خالف تعرف در دینه مبتلا  
اولوب ایایاعث شهرت اولق ایچون قبه آسمانی نه یوزدن برصد الیفسک و مراتب علیه به  
نائل اولق قانون نه کونه اجرا ایدر باسک دیو حرمتی ادله قاطعه ایله ثابت اولمیان  
اوضاع و افعالک مستحق کافر اولدوغی کتب معتبره ده مصرح ایکن الیه مرتکبی کافر  
اولوردی بصلوة رغائب و کاء قدر و رات قلندر ماذع و کاه اذان و قرآنه لحن و تغنی ایله  
تزیین صوت ایدنلری دافع اولوب و جمعه لده تصلییه و ترغیبه به بالکلیه راضی اولمیلوب  
نعت خوانلری ایسه تفسیق و تدلیل ایدرلر محض الکلام حضرت رسول اکرم صلی الله  
علیه وسلم زمان شریفلرندن سکره حادث اولان بدعت مقوله سفک مرتکبی کافر در  
دیه حکم ایدوب و طوایف صوفیه نیک خود جماع و دور انلری رقص حکمنده و بالا جماع حرام  
اولمغه منع و دفع اولنلری اهل اسلام اولنلره بالضرور اقتضا ایدر دیو استدکاری  
کی کفتمکویه اجترایمیلر یله عوام ناسدن اکثری مذکورلرک تعصبلرندن ناشی  
اولان کلانلرینه اعتماد و اعتقاد ایدرک خلوتیه و مولویه و سائر صوفیه فقراسنه  
عداوت ایدوب مذکورلری تحقیردن ماعد انکیلرینه داخل اولنلر بیه کافر اولورلر  
دیلمکه جرأت ایدوب گروه مؤمنین موحدین فرقه فرقه اولوب مجالس و محافلده گوشه  
بکوشه مباحثه و غوغا و بیهوده معارضه لایله برلرین رسوال یتمکن خالی دکلرایدی  
سلطان محمد خان خیر قلرینک اوائل حاللر زده ذمام حل و عقد شرکای سلطنت اللرنده  
اولدوغی اثنا لده قاضی زاده لیلر شهرت پیدا ایتمشلرایدی سببی بوکه اهل طریق  
مشایخ نیک اکثری دنیا مانده حریص اولمیلوب قوت لایموت قناعتله بکنوب مال پیدا سنه  
لازم اولان حیل و تزییناتی بلرلر اما قاضی زاده لیلر زهد و تقوی صورتندن کورنمکی دیس



تخصیصه دام تزویر ایدوب اکثریایمراجه بی خبیثاری و محتکر نو انجیلاری و اهل سوقدن  
 مرانی قلاشیرینی نسخیر ایدوب پاشا و قاضی طر قندن دوشن مصاحبتارینی شفاعتله  
 حصوله کتوروب اوقاف و املا که متعلق ایشلرینی بتوروب مرادلرینی تمشیت ایدوب  
 خبیله را و کتوروب اول مقوله مالدار کسه لری قوله الورلر و ملبوسات و مقروشات  
 و ذخایر و سایر مویشلرند اول بهایمی استخدام ایدرلردی محصور لایحه زعامت مشکند  
 ذلثا حقارلردی سرای عامره خدامندن بالته جیلر و بوستانجیلر و قیو جیلر دن بعض  
 کسسه لر بوزمه نیک کر سیلرینه حاضر اولوب کی درس اولوب تحصیل دنیا یه مناسب  
 وسیله در دیو اختلاط و اتحاد ایدوب کیده رک ولوله شهرنلری اندرون همایونه منعکس  
 اولاشیدی تحصیل دنیا یه خریص اولان نیر داردن بعضیلرک تعریفیله اسطوانی افتدینک  
 معتقد عامه ناس اولدوغی دارالسعاده اغاسنه اندن والد سلطان حضرت نرینه افاده  
 اولوب مصاحبت التفاته مطهر و کاه کاه صره احسانیه خاطرینی جبر اتمکه باشلایلر  
 شیخ افندی دخی خواص مقرین التفاتیه قوت بولوب کند واره معتقد کچتن متمول  
 اشخاصه بعض مناصب و توجیهات و تبدیلات و بوکه متعلق نجه مصالح سویلشوب  
 پیاغی بازار ایدوب کز لوجه جاسوسلرایله مقرین طرفنه خبر کوندروب بخصوص  
 معقولدرودین و دولته نافعدر دیرلرایدی مهرلو کیمسه لر نهانی یوریه ب شیخ افندیلرک  
 معقول کوردکاری ایش صورت بولور دی واعظ و شیخ افندیلرک معقول کوردیکی  
 ایشه خطادردیمکه کیم قدرتی وارد علی الخصوص مطلوب اولان نفود کز لوجه انلرک  
 ضعیبله حصوله کله صورت صلاحه بیله فائده لی بازای هند تجاری بیله بوله مزدیوب  
 بوجهله براج سینه معاسلات و ادیسندره رواج بولغله حرم همایون اغاری و سایینه  
 توسط ایدن خدام سرای اموال عظیمه ادخارا تیشلرایدی و عزل و نصبیه متعلق برامره  
 مشروغ اولنسه افندیلر احسان صره سنی پیشین کیدردی اول خصوص مکروه ایسه ده  
 انلرمصنح حسنیانیش بواوب خلقه مدح ایتدیروب بالضروری معقول ایش اویش دیدرلر  
 لیدی واعظ افندیلرک بومقوله بازار نفاق تاوقعه و قواقه کججه کرم رواج اولوب حد  
 انصاف تجاو ز اولغله محروم و مغدور لر تحریکله بیچاره اغار ناخق ره تلف اولدقدن  
 صکره افندیلرک باب التفات بر مقدار سد اولنیش ایدی بونی یارلی محمد پاشا وزیر  
 اولدقدن طبیعت ترکایه مقتضای سنجده علمایه شیخ طاشمشق و انلرک مدح و ذمندن  
 اتم چکمک ندر ادراک ایتیموب اصلا کسینه یه وجود و یزمدی جمله منصبی آشکان جه  
 بیع من یزیدایله صائب حتی مولویتلری و قضااری توجیه اولنسان کسینه لری بیله  
 خقلیموب میرینک مضایقه سی وارددیر و رشوت تمتمندن احتراز ایتیموب مدبر  
 و عقلا کی پس پرده دن المغله تستر قیدینه دوشمیدی اول صنعت خفیه یه الت مقامده  
 اولان مصاحبت ککزار غرزلرک کارخانه سی بطل اولغین اضطرابه دوشوب  
 بونی یارلی یه عظیم عداوت ایتیشلرایدی دو نیمانه زم اولوب کفار و زحیه اطه ولای یه  
 مستولی اولدقدن بوخبر مصیبتی فرصت عدا ایدوب کورسیلرده و مجالس و محافل آستکاره

طعن و تشنیعه باشلایلر ظالم و مرتشی چوق امر شریف اجر اولنر مالک اسلامیه بدعتله  
 طولدی وزیر و مفتی اهل طریق مبتدع لرینی حمایت ایدرلر دیولسانلرینه کلان ترهائی  
 آشکان سویلر اولدیلر بونی یارلی و زارتدن عزل اولنوب کوپرلی محمد پاشا وزیر اولدقدن  
 زعملر نجه نظر اعتیان المیوب تعصبانه اشتداد پیدا ایتدیلر کوپرلی محمد پاشا وزیر  
 اولدوغنک سکرنجی کوئی ماهذی الحجه نک اوچجی جمعه کوئی ایدی سلطان محمد جامعده  
 سلوة جمعه ادا اولنور ایکن مؤذنر محفله نعت حضرت رسالت ایله نغمه سازلغه  
 سر آغاز ایتد کارنده قاضیلردن بر طائفه اسکانی ایچون شتوم مغلطه ایله زبان دراز لغه  
 آغاز ایتد کارنده طرف خلاقلرند اولانلر مانع اولوب معارضه کشاکش ایله آتش حدت  
 و تهور زبان کس اولار ق آرقالوب مقاتله و محاربه یه مؤدی اوله یار مشرایدی  
 بومر تبه دن صکره بالکلیه مشایخ صوفیه یه درونلرند اولان کینه دیرینه لرینی اظهار و محیه  
 قسطنطنیه و خارج شهرده اولان نکیه و خاقانلری جمع کثیر ایله هدم ایدوب طاش  
 و طوپراقلرین دریاه دوککه قرار ویردیلر مانع اولنلری دفع ایچون آلت حرب و قتال ایله  
 سلطان محمد جامعده جمع اولغله اتفاق ایدوب امت محمدن اولان یارین آلت حرب ایله  
 جامع حرمند حاضر اولسونلر امر معروف و نهی عن المنکر خد متندن معاونت ایلسونلردیو  
 کند و طرفلرند اولان خلقه ثنیه ایلدیلر مکر مشورتلری بوایشکه استاتبولنه قدر  
 نکیه و ارایسه هدم ایتد کدن صکره راست کلدکاری صاحب و تاجلی فقراسنی تجدید  
 ایمان ایتدن لر و قبول ایتیمیلری قتل ایدلر بعد جمهورایله پادشاه عالمپناه حضرت نرینک  
 حضورینه واروب جمله بدعتلری قالد رمغه اسنیدن ایدوب جمله سلاطین جامعلرند  
 بررمتان الیقویوب ماعداسنی ییقه ل حاصلی زمان نیوتدن صکره احداث اولنسان  
 شیشلری بالکلیه دفع ایدوب زعملر نجه اورتالغه بو طریقیله نظام ویره لر اول کیمه  
 بوغلغه شهر استاتبولنه منشر اولوب سوخته لر صوبه و کورده لر ایله و محتکر  
 مرانی سوقی و اهل حرف قسمند حاجی مندا ل و فاقی دونکل مطره بازلی شا کورد لری  
 و کوله لری اولان خوطمان قراق قاقوانلرینه سلاح قوشادوب دین دعواسنه کیدلم  
 مشکند کروه کروه مجتمع اولوب جامع سلطان محمد جمع اولغله باشلایلر احوال وزیر اعظم  
 حضرت نرینه منعکس اولدقدن ابتدا شیخ افندیلر آدم کوندروب فسادده مؤدی بومقوله  
 ایشلردن فارغ اولسونلردی نصیح ایتدیلر مفید اولدی انلردخی علماء عظام کثر هم الله تعالی  
 الی یوم القیام خضر اتن دعوت واستفسار بیوردقدن انلر فاقیلرک ادعا ایتدکاری  
 لهو الک بطلاننه ذاهب اولوب بومقوله یه کلمات نامقوله اجترایله ایقاظ فتنه یه باعث  
 اولنلرک شرعاً جزالری ترتیب اولنق لازم ایدوکنی افاده ایتلری ایله حقیقت حال حضور  
 سلطانی یه ناخیس اولنوب محرک فساد اولنلرک قتاچون اذن همایون صدور ایتیشمکن  
 ینه وزیر اعظم رجاسیله نفی اولنلریله اکتفا بیوریاوب اول ساعت اسطوانی و ترک احمد  
 و دیوانه مصطفی دیدکاری واعظلر اخذ و قبریسه نفی اولنلر تصرفات اولیاء کرام ایله  
 و عقلمجلس جمعیت متعصبین کسسته و شهرت کاذبه لری کی کتنام اولدیلر مضحکات



مصلحت دنیویه ایچون مزبور شیخاره تردد ایدن برظریف سوال ایدوب بدعت  
 حسنه بی وجهه سینه بی رفع اینسه کز کرک بوچقشیر و طون کیمک دخی بدعت درانی  
 دخی قالد در میسزدید که ترک احمد بلی انیده منع ایدرززارویشمال قوشانسونلردیمش  
 حریف نکرار سوال ایدوب یا قاستق استعما لیده بدعت درانی نه استلر سزدیمش اینده  
 قالد پررررطعامی اللریله یسونسونلریاغ وزفرنجس دکله یدکاری طعام اللرینه بولشمغله نه لازم  
 کاور حریف نجیب ایتدی ایددی افندیلر خلق عالمی صیوب کونی چیلای چول دربی  
 قیافتنه قومق استر سزدیوخند انیش حضار مجلسدن بری دخی یا سلط نام قستقلو  
 یساع اولدقده برالای قاشقی فقراسی نه استلردید که ترک احمد مسواک ونسبیج  
 یا یوب انکله کچنسونسونلردیمش ظریف مزبورینه ترک احمد نعریض مسواک ونسبیج  
 صنعتی کوره ده و طوقی ترکارینه استلر سزدی حرمین فقراسنه ده تعیش ایدجک  
 برصنعت بولک دیمش معن زاده نقل ایدرکه بو طائفه دن زهد وصلا حله مشهور قی  
 چوق مراییلر کوردیمکه مصراع دفع ایچون غم بلا سین او قورز قدح دغاسین مضونی  
 اوزر و راء پرده خفا ده انواع منهیاتی ارنکاب ایدوب بیت واعضان کاین جلوه در  
 محراب ومنبر میکنند چون بخلوت میروی ان کار دیگر میکنند بیستی حسب حالری  
 ایدی حتی متمو للردن بری که کروه فایه ناک نامداری ایدی بیقارینی تراش وز غنجه  
 هر حالتی سنت نبویه به تطبیق دعواسنه ایدی صورت ظاهرده اولادیرینه تربیه انیش  
 برنوجوان خدمتکاری واری ایدی چقشیرینه حریر قاشدن او جقورلق یا پدیرمش ایدی  
 و بر مشاریله حین وصاله حریر او جقورلقی کوروب بو خرام قاشی کیدرگاه ویکاه وجودمه  
 وقتوب بی معنی آثم اولورزدیمش افعال خنیه نظرینه کوز نموبله توتون ایچمک حریر کیمک  
 بیغن قرقامق و صوفیلرک سماعینه حاضر اولمق یا نلر نه جرم عظیم عد اولور معن زاده  
 شخص مرقومه محرم اولغله برکون سوال ایدوب بیغی افندی لذت نفسانیدن اولان  
 قبا بی جمله کز لوجه ارنکاب ایدوب صورت ظاهرده جزئیات مقوله سی اولان شیارده  
 تعصب ایدرسرینیک اصلی ندردید که عزیز سوزه کلوب بکم سن غایت احمق ایمشمن انسان  
 برحریمی ارنکاب ایتدی وکی زمان ضمنه یا مال تحصیل یا ذوق نفسانی ولدت جسمانی بولغنه  
 محتاجدر که کنه کار لغی عبث اولنجه یوخسه التون و کش اوانی قولانق حریر کیمک توتون  
 ایچمک و تغنی استماع ایتیک وسائر بوک بکرر شیلرده نه لذت وارد عاقل اولدر که بمقوله  
 لذت جزئیاتی ترک ایدوب بلکه صورت ظاهرده انکار و منعی باند تعصب کوسررررر عوام  
 الناس احمقارینی حسن جائنه اعتقاد ایتدینه محرم اسرار اولنلر ایله ورای پرده ده دیشوی  
 مصلحت و نفسانی لذت درکار اولغله مانع یوق جاهلرک سو طمنندن قوررتاش اولور  
 دیو جواب ویروب بی الزام ایلدی دیو نقل ایدردی مرحوم شیخ الاسلام یحیی افندی  
 حضرت نلردن منقولدر کندی عارف بالله ریو تصنع قیدندن ازاده اولوب اوائل  
 حاللر نه اصحاب ریایه چندان وجو دور مزرایدی شیخ الاسلام اولدقده بعض محرمینه  
 اصحاب ریاحرکاتک بعض حسنیبانه شمعی مطلع اولدق دیشلر سرنی سوال ایدنلر

جواب ویروب امر معروف ونهی عن المنکر بایند وسائر احکامی اجرا خصوصیه مراییلری  
 جری بولدم ظاهر پرست اولان عوام کالهام ریادن عاری مردان صاحب عرفادن  
 خوف وحیا ایتدور لر ریاشرک خفی منزله سنه اولغله صاحبنه مضر لکن بومصاحبه  
 بناء غیره نافع کورینور سابقا استتقال ایتدیمک مراییلری بعض مراتب جلیله یه وضع  
 ایتیمکه ضروری محتاج اولدق دیو سوز مشلر فقیردیمکه اگر چه ظاهر حال مراییلرک  
 بعض مرتبه لزومی مقرر لکن نتیجه ماله واقف اولان عارفله لازمدر که مصلحه معتبر  
 اولان اشخاصه ربط اعتقاد ایدوب افراط رغبتله چندات وجود ویرلیه ولزومی  
 مرتبه سندن زیاده التفات ایله ارخاعنان ایتدیرلیه بویقینلرده بووادیلک پهلوانی وانی  
 افندی داعیه زهد و تقوی ایله ظهرو ایدوب فواید دنیویه یه نه وجهله استیلا ایتدیکی  
 وزیر اعظم کوپر ییل زاده احمد پاشا ریاسنه الدانوب حسن طائفه استهوار ایچون قرین  
 پادشاهی یه سوق ایدوب اکرام و انعام ایله طیمور مق ممکن اولماغله بالاخره ولی نعمتی  
 ایکن وزیر اعظمک ذم و قدح نه نوجهله جرأت ایلدیکی تفصیلا مختلفه ذکر اولنسه  
 کرکدر حق سبحانه وتعالی حضرت نلری آدمی اکل دنیا یه دینی الت وزهد و تقوی بی جلب ماله  
 دام صنعت ایدن مکاررک شرندن عبادی حفظ ایلده آمین حکایه وانی افندی یه محملردن  
 بری سوال ایدوب سلطانم دعوی زهد و تقوی یه انفراد کز معلوم لکن ینه تحصیل  
 دنیا یه همتکز و نازک جاریه لر ولازمه زینت اولان انجور و جواهر و سمر و سائر امواله وجوه ایله  
 رغبتکز وار بونک سرنی ادراک ایدمدم دید که جواب ویروب بی نادان دینانک کندو  
 بعینها قبیح و مذموم دکلدی جمله ناک مطلوب و مرغوبی بر نعمت جلیله در ذم اولنان  
 جهت تحصیل و کیفیت تناولدر اخذ و تناول سن بکامشایه و مساوی دکلسن برلقه  
 تناول سکا حرام ایکن قوت علیه و تصرفات عقلیه ایله بکا حلال اولور دیمش حریف  
 بر تمثیل طلب ایتش مثلا طعام یکن دیشلری اراسنه کیرن لم پان سنی سنن خلایق  
 وزور ایله طسره چیقاروب یودار سن سکا مکروه اولورین نازکله تحریک لسانله قوررتاروب  
 یودارم بکا حلال اولور بر مثال دخی سز مال حرام ایله ما کولاتن الوب حرام بر سز زایسه  
 ما کولاتی و ملبوساتی دین ایله الورزای باشنده شبهه لی مالزدن ایدر زبوحیلله ایله حلال  
 بر زایسته مال دنیا یی اخذ و تناول خصوصیه دخی بجه عالماله تصرفات مزواردر که زه جائزدر  
 دیمش نتیجه احوالری بو حکله دن معلوم اولدی حکایه بعض ثقاتدن منقولدر که طائفه  
 مزبور عوفیه زمره مرقومه تسلطندن عاجز اولمیری ایله بووقعه دن مقدحجه مشایخ  
 طریق کبارندن عفووری عید افندی و جنت افندی وار دیل زاده احمد افندی و برقاج  
 عزیز لردخی حنفی افندی یه واروب ریای مفرط اصحابک تعذیلرندن و خلاف شرع  
 تکفیر و تضلیل ایله اطاله ید و لسان ایتد کلردن شکوی و منع و دفعلرین ربانیتلر  
 افاضل عصر دن بولوی مصطفی افندی و منقاری زاده و انلر امالی کبار علما دن  
 برقاج دولتلو حاضر بالمجلس ایشلر حنفی افندی دیشکه قاضی زاده لیلر بودولته  
 شاخ ویرک صالمش برکوکلی اغاچه بکرر برشاخی بوستا نجیلر اوچاغنه و برشاخی



یوستا نجیلر اوجاغندن برشاخی بالطه خیلر اوجاغندن تا سرای هماینه برشاخ عظمی  
 هامة اهل سوقة سراپت ایله استقامت بولمشور در رق و ملا یمتله نصیحت قبول ایتدورلر  
 نه وجهله دفع ایلم دیمش بولوی افندی سوزه کلوب بغی غرزل اهل الله ییئنده معروف باطن  
 قاجی واردانکله استقامه حواله ایتسکزه دیمش غفوری افندی صر فرو برده استماعه مشغول  
 ایدی باش قالدرب سلاطینم رظا هر امری ایله مصاحبت بنیسون دیر یوزخسه احوال باطنیه یه  
 قالور ایسه حضرت قهار منتقم دروا تقوا فتنه لا تصمین الذین طلوا مة کم خاصه آیت کریمه سن  
 اوقیوب فاتحه دیدی بعد جمه سی قالقوب کندیلر هفته سنه وارمدی نفی قضیه سی  
 ظهور ایدی بولوی افندی صکره مفتی اولوب بعد مصره اجلا اولمشلرایدی یوحکایه  
 ذکر اولندقدن خریلر باطن قاجین زیاده صالیدلر حتی اوجی بزه دخی طوقندی دیو  
 لطیفه ایدرمش شای زاده افندی نیک تحصیل رشیه صدارت مدخل عظمی اولغین اول  
 یابد سنی موفوری وزیر اعظم یاننده مشکور ایدی مقام سابق اولان ریاست کتاب  
 منصبه تقدیم واعزاز والتهفات ایله فوق الحد ثوقیر و نکریم اولندی قتل قره کوز محمد پاشا  
 ساقاد فتر دارلقدن معزول اولوب والد سلاطینک شفاعتیه طرایس شام والیسی  
 اولان قره کوز محمد پاشا منصبه عزیمت اوزن ایدی جرایم سابعه سی وزیر اعظمک معلومی  
 اولغین طرف سلطنته نفوذ کلامنی تجربه ایچون مزبور کتلی ناخیم ایدی بلا  
 تأخیر خط هماین صدور ایتدیکین ماه ذی الحجه نک اون سکرنجی کوفی قتل اولندی  
 مصر خزینه سیله آستانه سعاده کلان امراء مصردن محمد بیک فوت اولوب بکلکی خاص  
 اوطه اغازلدن مرزیفون حسین اغایه احسان بیورادی وزیر اعظم سیاوش پاشا  
 صاحب دارلقدن وزارت ایله جیقوب قیودانغله بیک اللی تاریخنده اراق قلعه سنه واروب  
 بیجودول فتح کلد کده عزل اولنوب بغض ایلتره متصرف اولوب الشمس بر مضانده صدر  
 اعظم اولوب یمش کوبدن صکره معزول و یوسنه ایالتی توجیهی ایله روانه اولوب حمای  
 ربع ایله مرصفا آستانه یه کلوب انحق بردفعه دیوانه واروب قرق طقوزنجی کوفی وفات ایدی  
 مرحوم مزبور صلابت و مهابتله مشهور تعدی یه مائل جسور ایدیلر ساده لوح اولد قری  
 جهتدن زمره علمایه چندان رغبت و محبتلری اولیوب مدة وزار لرینک ایکی دفعه سنه  
 دخی زمره علمادن نیچه کبار نفی و تغریب محنته گرفتار اولمشلرایدی ناحق یه دفتر دار زاده محمد  
 پاشای قتل ایتدردیکی کون بامر خدا کندوسی دخی وفات ایدوب ایکسینک جنازه سی  
 بروقتنه مصلا یه چقدوغی غریب مجاز ایتدرد که تفصیل بالاده مذکور در تجاوازالله عنه  
 دفتر دار محمد پاشا دفتر دار مصطفی پاشانک اوغلی در دیوان هماون خواجه لقرینه متصرف  
 اولد قدن صکره قیوجی باشی و بلاک اغاسی اولوب بعد ارض رومه و شامه والی اولوب  
 بروجه اریلق موم سجاغنه متصرف اولوب بعد یوسنه محافظه سنه کیدوب غایبده  
 دفتر دار اولمشیدنی چنار وقع سنه ملکی قادین و شعبان خلیفه نک مالکین تفتیش  
 خصم و سنه مفتی خواجه زاده انهاسیله مشهم اولوب بی کناه قتل اولندی وزیر مزبور  
 اهل علم و قورور و صاحب قضیلت و نیک خصیلت برجلی وزیر ایدی دفتر دار لغنه

صاحب وجود و صدارته استحقاقی مقرر اولغین وزیر اعظم سیاوش پاشا کندورنی  
 استنقال ایدی عالم و سخندان اولغله چندان ذل و تواضعی و مدارایی ارنکاب  
 ایتدورکی ایچون خواجه زاده عداوت ایدوب اتفاقله افترا ایدوب قتل ایتدردی  
 حالا براوغلی وارد درگاه عالی قیوجی یاشیلردن کور بیک دیکله معروف سایمانیه  
 قریبه اولان سرای کرکی سابق احمد اغاده در رحمة الله علیه حیدر اغازاده محمد پاشا  
 بیکچری اوجاغنده کتخدا بیک بعد میراخور کبیر اولوب وزارت ایله مصر و بغداد  
 حکومتلرینه واصل اولدی صکره قیودان پاشا بعد روم ایل بیکر بیکسی اولمشلر  
 ایدی قریس مرضیه علیل واستانبول منزوی ایکن خواجه زاده فتواسنده بر قاجکون  
 قائم مقام اولدی اجلاس تمینده خواجه زاده ایله مشورتک اولغین سلسله نامی ایله  
 شهر دن اخراج اولنوب بوستانجی باشی میاستریله چفتلکنده قتل اولندی وزیر مزبور  
 اوجاقدن حاصل اولغله بطل قیافت و ماریول طبیعت و بد زبان و حرف انداز ایدی لکن  
 ینه نفسنده چلبیلکدن خالی اولیوب محمد جلیله نشرینه نوعا مائل وارباب معرفت  
 و کماله بعض مرتبه التفات اوزن ایدی حتی مصر والیسی ایکن اول وقتله ارباب معارفدن  
 و مشاهیریندن روزناچه مصر شهر اب زاده بر تارنج و صاف نسخه سنی کندویه  
 اهدا ایتد کده مقابله سنه اتوز کیسه ذکر برقریه محمولدن کندویه و یرمش مجوزه  
 ایله مزاری سلوری طشره سنه در شیخ الاسلام عبد الرحیم افندی ادرنه ولایتندن  
 ظهور ایدوب تحصیل مبانئ علومدن صکره حسین خاخالی مجلسنه واروب تحصیل  
 انواع فنون ایلد کدن صکره رومه کلوب طریق علمایه داخل اولمش ایدی دور  
 مدارس ایدو رک سایمانیه مدرسه سنه کلوب اندن بیک شهر بعد سلطان  
 احمد مرحومک دارالحدیث بیک قرق طقوزشوالنده استانبول قاضیسی اولمشیدی  
 اما عزیز افندی تحریری اوزن نوبت دولت سلطان مراد خاتیه بعض ارکان دولت  
 همتیه آزدتده ابوسعید افندی محاسبه جیلکی رتبه سفدن صدر صدارته ارتقا  
 و بالواسطه محمد و می یرینه مسند فتویه اعلا ایدوب کمال تعین و استقلال ایله نائل عز  
 و اقبال اولمشلر ایدی اوجاق اغارینک هنگام تسلطلرند مراد پاشاغدری ایله عزل  
 و مکه مکرمه یه ارسال اولنوب بعد اداء الحج خدمت حکومت قدس شریف ایله مشرف  
 اولمشلرایدی اوجاق اغارینه ضروری مراجعت ایله عوده مأذون اولوب اسکدار  
 قضاسی و یرلش ایدی اغاروقعه سی حدوث ایدوب ابوسعید افندی نیک مسند  
 فتویه تشریف ایلد یکنده بلغراد قضاسیله نکرار در مراددن ابعاد اولنوب دورت بحق  
 سنه قدر بلغرادده مشغول خدمت عباد اولمشلر ایدی سنه مزبور ربیع الاخرینک  
 اونجی کوفی ارتحال ایدوب بلغرادده عمارت تعمیر اولنور جامع حرمند متواری خاک پاک  
 اولدیلر مولانای مزبور بحر زار علوم و اعتقادی پاک و صلاح حال ایله موسوم ایدیلر  
 حواش کتبه تحریرات مقوله سی اثار عند التحقيق مقبول و مرغوبدر لکن صلابت  
 زهد حبسیله جری و جسور ایدیلر اعیان مصره عدم ملا یمتله معامله ایتد یکندن



اکثر ناس کند و اردن تنفر ایشاد سلطان ابراهیم خان وقعه سنه صد و ایدن به  
 پروا حرکتی و حق کویلی وادیسند اطاله لسان و ارخای عنان ایتکه ظهون  
 کلان جراتی جلد سابقه مفصل تحریر و ایشاد خلاصه کلام لومه لا تمدن حذر  
 و عظام دنیا ایچون مقدار از کتاب ایشاد بر مرد متصلب ایدیلر و حقه الله علیه رحمة و احقه  
 خواجه زاده مسعود افندی فرزند و س آشیمان مرحوم و مغفور سلطان احمد خان  
 حضرت تکریمت الملی و معلی اولوب بیگ اون الی سنه سنه وفات ایدن مصطفی  
 افندی بیگ محمد و ملر بدر بین العوام بود ناز مفتی دیککه مشهور و ایشاد در شیخ الاسلام  
 اسعد افندی ملازم اولوب بحسب العاده دوزمدرس ایدر رک حلب و بروسه  
 قضاالیه اوغرایوب بعد انطولی قاضی عسکری اولدیله کارداران دولت عندیده  
 قوال بالحق اولیق اوزن شهرت بولغین طرف سلطنتک التفاتیه تعین تام کسب  
 ایدوب مقام صدارت صاحبیری ایل و مدبران دولت ایل محاون و مشاجره  
 مقامند قیام ایلدوکی یوقار و لده مفصل ذکر اولمشدر طوغری سوبلر بر آدمدر  
 شیخ الاسلام اولیق مناسبدر دیو قول رجاسیله مفتی اولمش ایدی خاص تعیینی ایل  
 خواجه سلطانی پایه سنی دخی احرار ایشاد ایدی دونهما زمانه سبب اولان کنعان  
 پاشای قیودان ایتیک مراد ایدر کاندلده سندن کوزر یار و وزیر در دیه حضور پادشاهیه  
 مفتی افندی به شهادت ایدر مشلر ایدی قضیه برعکس اولحق حقند پادشاه  
 عالیه حضرتلری مفتی افندی به سوطن ایتکه بحالنه گرفتار اولمش ایدی رجال دولته  
 اکثری حدت لسانندن مجروح اولغین بونی یان لی محمد پاشا وزارتده جلوس تهمی  
 اسنادند اتفاق اولوب دیار بکر قضاسی نامیه نفی و بروسه ده قتل اولند و غنک تفصیل  
 مر وراثت ایدی مرحوم جری و جسم و اولغله عامه یفنده حق کویلی نامیه مشهور  
 ایدی معارف جزئی به نائل و مراسم و قوانین دعواسند مستقل مخدوم ساده دل  
 ایشاد تغل ایدر لکه اوائل طریقندن برادرلری ایل تحریک مدرسه ایچون مفتی افندیله  
 ایوملر ایدوب خواجه زاده لاولق وسیله سیه حرم همایون اغاری طرفندن هر بار  
 شفاعت ایدر لر دی مرحوم یحی افندی حضرتلری ابراملر دن بیزار اولوب الله تعالی  
 خواجه افندی به رحمت ایلسونکه بوجلمیلری اوقما مشلر بو خالری ایل بزی عاجز ایدیلر  
 یا تحصیل علم و معارف ایدلردی بونلره کیم جواب ویرردی دیرلر ایشاد خلاصه کلام مخدوم  
 مشارالیه احوال روزگار دن غافل دولت دنیویه افراطله مائل اولغین لغرض بر قاج  
 مظلومک خون ناحقنی ریزان ایتکه سبب اولد قنوی اجلدن کند و لردخی معرض  
 انتقامده تلف وجود ایدیلر وقایع سنه سبع و ستین والف شروع وزیر اعظم کوپرلی  
 محمد پاشا بمهمات مصالح دولت و بیان تدبیرات آن دستور آصف متزلت سرای  
 عامر ده و طشر ده حقیقت حاله مطلع اولمیلر وزیر مشلر الیهک صدن کلدیکی  
 استغراب ایدوب زعم فاسد اصحابی نظر اعیان صالند زمدیلر دیکلری کیینه  
 امور مصالحه فارشیق سودا سندن اولدیله وزیر مشارالیه حدیجی تجاوز ایدنلری برورد

تأدیه باشلادی جمله دن سرای عامر ده خاص اوطه باشی خلیل اغا حدت سن  
 و سال اقتضاسیله خدمت حضور همایوند بین الامثال تحصیل استقلال سودا سندن  
 اولدی یعنی صدر اعظم استیقال ایتیکن ماه محرمک اون اوچنده ایکموزا حقه قیو اورته سی  
 تقاعد یله حرم همایوندن اخراج اولنوب خاص اوطه باشلیق سرای غلظه اغاسی  
 کورد سفر اغایه عنایت بیورلدی بوزجه اظه محافظه سندن اولان زما و ارباب تیماری  
 بر قاج الحقه لرینه طمعاعوده مأذون ایدوب خدمت لازمه محافظه بی تعطیل و جزیره  
 مزبور بی محاذیل فرنگه تسلیم ایله غیرت کشان اسلامی تحجیل ایدن ابازه احمد پاشا  
 قیودان سابق کنعان پاشا ایلده هم شهری و بر آستانه بلندن مننصب بولغله سایه بجای  
 شفعاده بر قاجکون مساحه طریقیه آسوده اولوب معینی اولان قیودان مقدم  
 آستانه به دعوت اولند قده کندوسی بوغازده قلوب شکیجه پنجه مو آخذنه دن  
 تحلیص کریان جان ایتیک امنیه سندن مرده عفو و امان انتظارند ایدی کوپرلی محمد پاشا  
 وزیر اولدی یعنی کی اول بی ناموس و غیرتک سیف سیاستله جزاسی ویرلک دامن دولندن  
 رفع الایش عار ایدر بر مصاحتدردیو آستانه به احضار ایدوب کلدوکی کی ماه محرمک  
 یکرمی اوخچی کونی ایدی بلالمان قتل ایلده جزاسی ترتیب و بوتقریه سائر سرکارده  
 اولنلر تریب اولندی پاشای مشارالیه دولتلر و والد سلطان حضرت تکریمت سایه حمایه  
 لرند ایدی لکن اصلا صاحب جقمیوب صدر اعظمک استقلالنه خلل ویرلدی خاصکی  
 محمد پاشاکه ساجدار لقند رتبه وزاته نائل اولوب هنوز مصر دن معزول ایدی مقدم  
 اصحا آستانه سعادت دعوت اولمش ایدی بغداده اسلام امری قرشو کوندلر لکن  
 عازم سمت عراق اولدی تبدیل مفتی حنفی افندی علت صحه مبتلا بیه ضعیف الحال  
 اولغین ماه صفرک اونخی کونی رفع اولنوب سابقاروم ایل قاضیه عسکر لکندن منفصل  
 بالی زاده مصطفی افندی شیخ الاسلام نصب اولندی شاه عجم طرفندن بعض خصوص  
 ایچون ابایی جقمه سنی اوازی بر قاج ایدن بروسماع سامعه جهانیانه طنین انداز ایدی  
 هزار غر و ناز ایلده طی مراحل ایدوب بر مقدارال ارغای و ر قاج قطر اشتر و بر عظیم فیل ایلده ماه  
 صفرک دور دنده مقرر سریرال عثمانی به واصل اولدی ماه مزبورک اونخی کونی بر عالی دیوان  
 همایون قویوب ابایی مزبور بر علی بعد الضیافه خلعت فاخره ایلده پایه سریر اعلا به رویال  
 ایشاد کد نصیکره استحکام صلح رسنه اولان نامه سنی ووروب پیشکشی عرض اولندی تبدیل  
 دفتر دارباشده سپاه زمره سی مواجبلرین طلبی ایچون دفتر داردیور کلی محمد پاشا به ابرام  
 و الحاح اوزن ایدیلر سالیانه ده دلی برادر خانه سندن اولوردیکه جالا اول خانه وزیر مکرم نعمان  
 پاشا حضرتلرینک سراینه منضم اولمشدر خزینه ده الحقه اولمغله لیت و لعل ایلده تاخیر ممکن  
 اولوب بالاخره زمره سپاه پرده بیرون کستاخلق ایدوب دفتر دارسرائی طاشلیوب  
 پخیزه و جامرینی خراب ایدیلر دفتر دار آرد قیودن فرار ایدوب صدر اعظمه کلوب خانه سنی  
 طاشلند یغندن چاک کریان شکو ایلدی آصف و قور غضب آلود تبسم ایدوب  
 بونک طالی بودرسن احوال عالمی یلمز میسن مضطرب اوله سافدن کان دفتر دارلردخی



یوغا ناله بی چکیشلردی سائین اولد قلمی سرالیک پیغمبره جاملری ایکی اوج قات  
 مهبطا طورردی ضرب حجر ایله شکست اولنلری جاچی دکانه کیدوب حاضر اولان  
 جاملری در عقب وضع اولنلردی حق تعالی حضرت قلمی نظام احواله توفیق احسان  
 لایحه دیک و زهر قهر تحریک عجمیل امری لازمدر صبر ایله کونلم دیدی امام دفتر دارمزبور  
 کونه بین و صدر اعظمک دور ادور فکر بی ادراکک عاجز اولمغین اول بار کرانه محفل  
 اولدیغندن ماه صفرک نصفه غزل اولنوب دفتر دارلق خلعتی باش باقی قوی احمد  
 اغایه الباس اولندی سیدی احمد پاشا شهرت و شان صاحبی قیودان اولغله کفازنا کسار  
 اراسنده دلی ترک دیملکه مشهور و السینه خلعتی شجاعت و اقدام ایله مذکور اولغله  
 ودخی اصلنده نیر دارلقدن کلدیکی جهتله او جاقدر استلریله کرم اختلاط اولمغین انور  
 و ساطتیه حرم همایون اغارندن و مصاحبان بدن بعضیلریله مخفیجه تذکره اشوب  
 تحصیل صدارت ایچون نهانی سعی اوزره ایدی اسرار دولندن غافلار و کوریل  
 پاشا لک ظاهر حالنه و عدم احتشامنه باقوب استقلالنی بلین و والد سلطان و پادشاه  
 جهان ایله اولان عهد و موثیقندن خبری اولیان جا هالار دامن در میان ایدوب  
 سیدی احمد پاشائی وزیر اعظم ایتدر مکه سزادر ختک نظرندک مهابت و رغبتی  
 اولیان آدم نه ایش باشرسه کرکرد وزارتیه لایق سیدی احمد پاشا درکه نام  
 و شانی جمله کافرستانی طوتمشدر دیو اندرون اغاری و مصاحبلری ترغیب  
 و تحریک ایدرلردی سیدی پاشا ک اتباعی دخی احوال بیلمز بر آلائی ساده دل  
 اسیر دنیا حریفلر پاشامزه مهر و عدا اولندی بو کون یارین وزیر اولسه کرکرد  
 گوییل پاشا اول مقامک صاحبی دکلدر عاریت تکلمه در دیو خلطیا نلر ایله شهر  
 استانبوله سو بسو و لوله باقدیلر ویدرغ بی فرغ سایه سنه اهالی مالدارلرک  
 پیشجه هدایا ربی آلوب هر برینه بر مرصع و عدیله کویا فریفته ایتدیله بو کفتکو  
 صدر عالیقدر حضرتلرینک سمعنه ایرشدکک اختلال نظام دولته باعث اولدو غیچون  
 حضور همایونه واروب ماه صفرک یکریمی دوردنجی کوننده ایالت بوسنه بی  
 سرع سکرلک عنایتله سپردی احمد پاشایه توجیه ایتدیروب بحالته روانه لوله سن دیو  
 خط همایین اصدار ایلدی و قیودانلق طمشوار دن معزول کن طویال محمد پاشایه  
 توجیه بیورلدی بوسنه دن فضل پاشا روم ایل ایالته نقل اولندی سیدی احمد پاشا  
 مهر همایونی قوینده بیلوب طرفدارلری و سائر خلق مقام صدارته تقدمنه منتظر  
 ایکن زو بازوی وزیر اعظمه اتلدیغنی کوردکاری کی ما موللریندن مایوس اولدیله وزیر  
 اعظم ماه ربیع الاولک نصفه ابواب انصار بد و افم یوسف پاشا پیغمبر سنه  
 عجم ایاجی سنه ضیافت ایلدی ماه مزبورک اون التخی ثلثا کوز عجم ایاجی سی استیدان  
 ایچون پایه سر راغلائی پادشاهی به رو بمال ایدوب خلعت کیدرلدی شاهین کتوردیکی  
 نامه نکل جوانی بر مقداره ایا ایله طرف پادشاهیدن ایلی تعیین اولنان مر قوم مراد  
 پاشا نکل قیو کتداسی اولان اسمعیل اغایه تسلیم اولنوب یوم مزبورده اکادخی الباس خلعت

وانصرافه اجازت بیورلدی هدییه همایون بونلر درکه ذکر اولنور ایکی کینلان آن بری  
 مرصع و مجوهره کر و مزین عبای و رکاب ملو کانه ایله مکمل ایدی و بر قاج پیغمبر فرنگی دیبا  
 و چوقه و فاخر جزایر احراملری و و لایحه لری ایله نفس مزبور ایلی اسماعیل اغا معتاددن  
 زیاده سیک قدر آدم ایله عزیمت ایدوب شاه عجم ایله اصفهانک پولشوب نامه همایون  
 ایله هدییه همایونی تسلیم ایلدکک اوج آئی مقداری اندک مکث و قرار دن صکره  
 استانبوله عودت ایدرکن بغدادده مرحوم اولدی فتنه جویان سپاه نکرار طغیان  
 ایدوب حسن تدبیر ایله جمعیتلرین تفریق و اشقیانک جزایری ترتیب اولند یغیدر  
 مقدما بشیر پاشا وقعه سنه عشاء اللیلیه محتاج سروپا برهنه واج نجه کدای بی  
 سرو سامانی صدر عالی شان و آل حسنجان خزینهلرین غارت ایدوب برکون  
 بر کچمه ده بی معارض و بی مزاحم اول خانه لردن یغمسایه ال اوروب خواجه کان بندرگاه  
 ثروت اولشلر ایدی بغه وقعه و قوا قیه ده مصاحبان و اعیانک قتل و صلی مادده سنه  
 دخی دنی و دون مفلس و مدیون نجه اسافل و اراذل خاک نکبتدن اوج رفعتیه ایریشوب سر  
 سودازده لری سیف انتقام ایله غلطان اولنجه کمال شوکت و احتشام ایله کامران اولشلر ایدی  
 و هر بری زنجیه اعیان و ارکان قیافته کیروب در نکبت مقررلری هر طرفدن احباب  
 حاجاته ماتجا اولوب هر مصاحبه قارشیمه افساد امور دن خالی دکلر ایدی و فتنه  
 جویایک جمله سنک ضمیرنده جاکیر اولوب عجب انجم کيسودار بمختصر قفنی ساعتمه  
 طلوع ایدوب باشمزه کون طوغار یغمار غارتیه فرصت بولایق برفتنه عطیه نه یوزدن ظهور  
 ایدر دیوب سائرستان سوخته نکبتلری ایله همیشه شر و فساد حدوشه منتظر ایدیلر  
 تا بنکام سیدی احمد پاشا قیودانلقدن عزل و بوسنه یه ائلق مادده سی ظهور ایتدیکی  
 کی کوشه از واده اولان اراذل و اشقیا فرصت غنیمتدر دیو شعله آتش کی ظهور  
 ایدوب آت میداتندک جمع اولدیله و صورت حقندن یومقوله غرض امیر خلطیا ته آغاز  
 ایتدیله که اعدای دین و دولت فترتی یومافیوما از دیادده یو طرفه ابواب فتوحات غیبیه  
 انسداده کورینور ایکن وکلای سلطنتک بصر بصیرت لری غشاوه غلغت ایله  
 مسدد و تدارک مهم امور دولته تقصیرلری نا محدود اولوب نخل ناموس شهر یاری  
 اطوارین همیشه کار و کسر عرض سلطنته موذی اولور اوضاعی نخبه افکار ایتمشلردن  
 دشمن دیندن مراد اوزن اخذ انتقام قره دن سفره منحصر اولوب دولتلو پادشاه  
 عالمیناه حضرتلری بالذات حرکت و سفر زحمتی ارتکا بدن اجتناب بیورمز لربکن  
 ارکان دولت نامه اولان بی ناموس و بی غیرت منع باشند همزبان اتفاق اولدقنلرین  
 ماعد امور مهمه سفر دریایی اتمامه کمال مرتبه اهتمام اوزن اولان سیدی احمد پاشا  
 کی شعیب وزیر مجرذ خلق اکا صدارت و وزارت تخمین ایدرلر دیو منصبینی تبدیل ایله  
 میناشر اولدو غی خدمت لازمه بی تعطیل ایتک شرط اسلامیدر ایدی سیدی احمد  
 پاشایه قیودانلق منصبی ابقا اولنمزا یسه بزدن سفره کیدر یو قدر دیو بومر حرف کلماتی  
 روپوش تمشیت مر ام و بومقدمه ایله فریب ایله عوام الناسی کند و شقاوت و فساد لرینه رام



ایند که صدراعظم ایسه دفتر دارک سرانی طاشلند و غندن سیاهک درون نلنده  
 قساده میل اولند و غنی بیلوب و سیدی احمد پاشایی بوسنه یه اتد و غندن اندرون  
 و بیرون سیدی طرفدار لری اولنلرک مکدر اولد قلربی و بوسبب ایله فتنه ایضا  
 اولنه جغی ملاحظه ایتیمیدی اچروده و طشرده هر طائفه نك احوالی تجسس ایذب خبر  
 گتوررجا سوسلری و ارایدی زمره سیاه بوقتنه یه شروع ایله جکربی خبرالدیغی کبی اولکجه  
 مغنی بالی زاده افندی یه تنه اجه واروب بعد کلام افندی حضرتلری بز وزیر اوله لی  
 بز دن خلاف شروع بوضع و عرض دولته محل بر حرکت صدور ایتدی دید که مفتی افندی  
 خبر جله افعال و اطوار یکنز مشروع و مستحسن در دید که افندی حسن حالری طرف  
 سلطنته تحریر و اعلام ایلاک دیدی مفتی دخی سرجه بیلور سکر تسوید ایلاک یازوب  
 مهر لیه لم دیدی شای زاده افندی دخوا و وزیر اوزن تسوید ایدوب مفتی افندی  
 کندی قلیله اول مضمونه برویقه ایدوب مهر لیوب وزیرک الله ووردی و سلطانی بواعلامه  
 احتیاج ندن اقتضا ایتدی دید که وزیر دیدی که الحاله هذه اقتضا یوقدر لکن مقصود من  
 وفادارلق مقامنه ثباتکری تجربه در اور تالق بر قاج سنه در تقاق ایله بر بر لری فدا  
 ایتکه معتاد اولمشلر طرف خلا فزده اولانلر سزید طرفلرینه اماله ایتیمه لر حین  
 حاجت احتیاج اچون احتیاطا حسن حالزه سزری اشهاد ایلدک دیوب مجتهد مفتی  
 افندی ایله ایمان غلاظ ایله عهد و میثاق ایتدیلر بعده حاجی بکتاشک پوست  
 نشینی قره حسن زاده قوجه حسین اغایه اول کجه تبدل صورت واردی محلی تنها  
 ایدوب بوجهل بسط مقال ایتدی که سز دولت علیه نك خیر خواعی و اوجا نك  
 معقدیسر یاکه کله حدوث ایدن وقعه لر جمله معلوم کزدر حالا کفار خا کسار بواغازه  
 کادی عسکر ضبط و ریظدن قالدی تم مقصودم دین و دولت خدمتی امرینه بو آخر  
 عمر مد بدل جان ایتکدر کفان غلبه ایله دولته نظام میسر اولور ایسه جمله مزاحمت اولور زوالا  
 و ظامت عاقبت مقرر در دیدی سیدی احمد پاشا نك شجاعتی معلوم لکن ظلم وعدولتی نه  
 مرتبه ده ونه کیفیتنه در بیلور سز قیودانلغه و سرداریت سرحدده لیاقتی مقرر در لکن  
 نظری خاتم و کالت غرضه مبنی نك طور مز صدارته لیاقتی و ارایسه بن حسن رضام ایله  
 فارغ اولیم انی و زیرایشونلر لکن اقراط هم و عدم تدبیر ایله بوقتنه نلرایسه کر کدر طرف  
 سلطنته تحض ایدوب یرانلق اچون عباد الله نه قانلر یوتد رسه کر کدر بیلور سز وانی وزیر  
 ایتکه سنی ایدنلرک مرادی دین و دولت مصالحی کورلک دکدر کندر و اغراض فاسده لرینه  
 تمشیت و بیروب مال و جاه تحصیل اچون نظام دولتی خراب ایتک استرلریس عاقبت  
 کاری ایشیره مشابه اوله جغنه اشتباه یوقدر بوضورت قیودانلقده قالسه ده مرادیمز  
 اوزن استخدام ایدم مز زانی انکی چون عزل ایدوب بوسنه طرفنه معزز و مکرم سردار  
 ایدم حالا فساد معتاد اولان سیاه زور بالری سید نك عزلی بهانه ایدوب فتنه ایضا طنه  
 شروع ایتدیلر بو آخر عمر مد بن شهید اولمقدن اصلا خوف ایتیم بو خصوصیه جنابکرزه  
 موافقت و یکجیری اوجاغی نصیح و پند ایله ضبط ایتکه عرض دولتی صیانت ایدر سکر اولمقوله

مفسد لک جمعیتی پریشان ایدوب کاهو مال مول ادای خدمته بزدنی متکفل اولم یوق  
 اگر اویاق خلقی ضبطه متعهد اولمز سکر و بز دن خوشنود دکل ايسکر زری آگاه ایلاک بزدنی  
 قضا و اللقدن ال چکوب قراغت ایدلم دیدی حسین اغایه مقوله جوابلر نه دیسون جمله سن  
 تصدیق ایلدی صدراعظم بعد الیوم حسین اغایک رای و تدبیرینه و رضای خاطرینه مخاف  
 حرکت ایتماک اوزن عهد ایله اعتماد ایتد بیروب ییتن و عهد ایله قول و قرار دنصکره  
 اویاق قوقنوزلرین ضبطه حسین اغایه عهد اولوب یکجیری اغاسی و قول کتخد اسی  
 نهانی اول مجلسه دعوت اولنوب صدق نیت ایله اتحاد و اتفاقه تعهد ایتدیلر ماه ربیع الاولک  
 اون سکر زنی کجه سنی ایدیکه صدراعظم قضیه دن خبر اولوب بوتد ارکری کوردی  
 ایرسی پخشینه کونی ایدیکه سیاه آت میداشت جمعیت ایدوب اغالریک خانه سن  
 طاشلیوب اسواق شهری قیادوب یولده راست کلد کبری ادبی جبر او قهر خواه  
 و ناخواه کندولره للاق ایله نکتیر سواد و ایقاظ فتنه و فساد شروع ایتدیلر واقع  
 مال صدراعظمک طرفندن حضور همایونه ناخص اولند قد سعادتو پادشاه عالمیناه  
 حضرتلری وزیر اعظمک عرض و اعلامی موجبجه اول آن یکجیری اغاسیله کتخد ایکی  
 حضور همایونه دعوت ایدوب اوجا کتر خیر خواه دولته راهل فسادک زاله سی و منعی  
 خصوصنه سز دن کلی خدمت مأمول همایوندر دیو مو کد تنبیه ملوکانه بیور دیلر  
 انلر دخی سمع و طاعة دیوب طائفه بکتاشیانی ضبط و ربط ایله مقید اولدیلر جمعیت  
 ایدن مفسد لک یکجیری گروهی دخی طرفلرینه اماله قصید یله یکی اوطه لره واروب ذکر  
 اولنلر مغلطه ایله فریب ایله انلر دخی هوادارلغه دعوت و وادی فساد موافق اتحادلری  
 اچون اظهار نیاز و ضراعت ایلدیلر لکن طائفه بکتاشیه ضابطلریک نصیح و پند یله کار  
 بند اولغین بی ایجاب موجب حرکت ایله باعث فساد اوله حق وضعه متابعت ایتدیلر  
 اول بواله و سیری مایوسا اوطه لردن رد ایتکه مقام رضای حضرت پادشاهیه ثبات  
 قدم کوستر دیلر راب طغیل زمره بکتاشیاندن روی التفات کور میبوب خیت  
 و خسرا نلر میداندن پریشان و هرری برکوشنده محتق و پنهان اولدیلر ایرتسی کون وزیر  
 اعظم سرایند مجلس مشورت عقد ایلنق اوزن فرمان بیور یایوب و زرا و امرا و اهل دیوان  
 و جمله قوا طائفه سنک اغالری و ضابطلری و سائر اعیان دعوت اولندی اول کجه  
 وزیر اعظم و یکجیری اغاسی قوله بیروب کجه ایله کمنه کمنه یه واریمق اوزن صباحه دک  
 شهر استانبولی کشت و کذار ایتدیلر ایرتسی جمعه کون جمله ببال دولت و اعیان مملکت  
 وزیر سراینه جمع و مجلس عظیم عقد اولند قد طرف پادشاه عالمیناه حضور تکریدن  
 خط همایین شوکت عترو و ورود ایلدی مضمون شریفی بوکه محل جلوسدن بوانه کله  
 سیاه استقیا سنک تعدیسی حددن تجاوز ایدوب حق نعمتی و رعایت احترام سلطنتی  
 بالکلیه فراموش ایتشلردر بومقوله استقیانک ازاله لری اهم مصالح دین و دلتدن  
 اولمقوله تدارک احواله وزیر اعظم حواله اولمشدر امدی ایاعن جد خیر خواه دولته اولنلر  
 اهل فساد معین اولوب جزالری ویرلک خصوصنه وزیر اعظمه معاونت ایتکه حق



مصلحتی بکامینگی اجرایه مشارعت ایلیوب خیر دعاء ملو کانه به مظهر اوله لر رئیس الکتاب  
 شامی زاده محمد افندی خط شریفی بلند آواز ایله قرأت ایدوب جمله نیک مسموعی اولدق  
 یکهچیری و سپاه ضابطری و جهوزک اکثری جواب و یروب فساد و فتنه دن بز دخی بیزار  
 اولدق محرک فساد اولان شقیارک ترتیب جزالی بایده اذن همایون صد و ریشه جمله من  
 منتظر ایدک استقبایه رغصت و برلمکه اصلار ضامنیه قدر فرمان سلطانی ایه بروجمله  
 مخالفت اولنمیوب ادای خدمت جان عزیزه منتقد امر فرمان دوله لوپاد شاهه مز کدر  
 دیو متفق الکلام اولدق قلمری رکاب هیسانه عرض و اعلام اولندقد بوانه کفجه ظهور  
 ایدن و جمعیتلرده داخل اولوب باعث فساد اولنلر تفتیش و تفحص اولنوب قتل اولنه لر  
 دیو قطعی فرمان سلطانی صادر اولمغین همان اول کون سابقا ساحدار اغا لغندن  
 معزول احمد اغا احضار والای کوشکی اوکنده نظر کا ه پادشاه عید طعمه تیغ خونبار  
 قیلندی انک عقبنجه جبه جیلر کخدا سی خلیل اغا قتل اولندی و کخدا ی پو ابان  
 خاصکی مصطفی اغا قتل اولنوب قوجه درویش محمد پاشا اتباعندن نوری اغا قیو جیلار  
 کخدا سی اولدی استانبولده واسکدارده خانلر یاعیلوب التمش نفر قدر مشهور زور بار اخذ  
 اولنوب سیف سیاستله کله لری غلطان و ماعد اسی پراکنده و پریشان اولدقدن صکره  
 آرامگاه سپاه اولان یکی جامع خان و اباحی خان تحلیله اولندی و کجه لرده وزیر اعظم بنفسه قول  
 طولاشوب یکهچیری اغا سی و سائر قول طولاشوق خدمت لازمه سی اولان ضابطلر دن  
 ماعد ابوک اغاری و جبه جی باشی دخی فرمان ایله قوله بنوب سمت سمت استانبول شهرین  
 کز لر ایدی یکهچیری و سپاه و جبه جی و طوچی و مهمتر و سائر طوایفدن جمعیتلرده بولنوب  
 مشق و تله مشهور اوللر و احد ابد و احد اله کتور یابوب قتللری عالمه عبرت نما و لاشه لری نفقه  
 حیوانات دریا اولدی بیدن ماعد اعسکریه دن خارج شهر لی زمره سندن بعض کسینه لکه  
 ارباب فساد ایله اختلاط اوزن اولوب مفسد لری خانه لرینه کتوروب قتنه و قتلر نه یغمالیتد کاری  
 اسبابی ارادندن صا تون الوب کارایتمکله سرماییه صاحبی اولمشلر ایدی و اکثر مفسد لریله  
 معاشرت ایدر لیدی اولقوله لک مشهور لر دن یکر میدن متجاوز کسینه نیک ات میدانده  
 علی ملاء الناس بیونلری اور یابوب غیر یلره موجب نصیحت اولدی والا کوز محمد افندی  
 دید کاری لازمه ساز که قتی چوقدن اور تالغک فتنه کاری و حیلله بازی اولوب بوانده  
 دفتر امینی به التمش ایدی بوسنه دفتر دارلنی و بر یابوب عجله ایله یو التمش ایدی قتل ایچون  
 ادرنه بو مستأجی بایش بسمه امر شریف ارسال اولنمشیدی ادرنه یه وصولند قتل ایدوب  
 کله سنی در سعادت ارسال ایدی ارضروم والیسی سورنازان مصطفی پاشا که اغا لر  
 وقعه سنه براقاج ساعت صدر اعظم اولمغله سرحد مزبور یه ارسال ایله دفع اولنمشیدی  
 بامر الله تعالی وفات ایشد یکی خبری معروض رکاب شهر یاری اولمغین اند و یونند اولان  
 خلفاتی طرف میردن مضبوط اولوب ماه ربیع الآخرک نصفند ایالت ارضروم مرعشه  
 اولان مراد پاشا دامادی وزیر کورچی مصطفی پاشایه توجیه اولندی و دیار بکرده اولان بازاره  
 حسن پاشایه ایالت حلب الشهبان و بر یابوب حلب اولان مرتضی پاشایه حکومت شام

جنت مشام انعام یوراندی مرتضی پاشا نیک مسلمی وارد قده اهالی شام قبول ایتیموب  
 والی معزول وزیر سیماوش پاشای ابرامله کند ولره رام ایدوب مرتضی پاشا رفع و والی  
 سابقه ایقا اولنمق ریاسنه طرف سلطنت علیه یه عرض و محضر ایلدی یلر مساعده اولنمیوب  
 توجیه سابق اوزن ضابط چون نکر ارحکم عالی شان اصدا اولنوب دولت علیه دن مایوس  
 اولمغله قوت قاهره ایله دخولدن منع ایچون جنک وجد اله حاضر و اماده اولدق لر دن  
 مرتضی پاشا دخی جمع لشکر و سپاه تدارکنده اولدوغی طرف سلطنت علیه یه منعکس  
 اولمغین بعد کل کلام اقتضای وقت حسبیه تکرار مرتضی پاشا دیار بکره و طیار اوغلی وزیر  
 احمد پاشا شام شریفه و شامدن معزول سیماوش مصطفی پاشا مرعشه فرمان یورلدی  
 هبد پاشا مر حومک تحریری بودر لکن واقع حال اولدر که سیماوش مصطفی پاشا ساحدار  
 ایکن خاتم صدارتی کند و او باقد اشتری ساحدار لقدن چقمه و زرای عطا مدن برینه  
 و برلمکه مراد ایدینوب اجا ندن وزیر اولماسنی معقول کورمز لیدی و بهینی یان لینک معیق  
 وظهیری اولوب کور یی پاشا غلندن اکاد ایتمشیدی کور یی پاشا و یور اولمزدن بر قاجا کون  
 اول وزارتله شام منصبیه چیقوب بعد کور یی صدر اعظم اولمشیدی بوسبیه  
 ارالنده برودت قلوب و تنافر و ارادی و کور یی پاشای نظراعتبان صالح اندر میوب لندن  
 ایش کلز بر قاجا کونند نصبره معزول اولور ملا حظه سیمیه انقیاد و اطاعت معاهده سن ایتیز  
 ایدی غراب بوندر که یالکتر مزبور سیماوش مصطفی پاشا دکل حرم هما یندن چیقان  
 و سائر نامدار و وزرائک جمله سی بلکه امر و اغاواته و ارنجه هر کس بوملا حظه ده اولوب  
 اشتهار شانی یوق بویه کنام آدم نه مصاحبه قادرا و له ییلور قحط رجال اقتضاسیه صدق  
 کتور دیر دیو بقای دولتنه کسینه وجود و یر میوب عزلی خبرینه منتظر ایدیلر اکابناء سیماوش  
 مصطفی پاشا عزلی قبول ایتیموب حرم اهما یونند اولان طرفدارلر اعنادا و وزیر اعظمه  
 اولان تنافر سابقه مقتضی منقاج و خصامه قیامه جرأت ایتمش ایدی لکن  
 اگر چه ضرورت وقت حسبیه شامی طیار اوغلنه و یروب و سیماوش مصطفی پاشای  
 مرعشه کوندر دی لکن پادشاه عالمپناهه ناخیم ایدوب خدمت پادشاهیه  
 علی الخصوص ساحدار لقدن چیقان آدم فرمان پادشاهی یه جمله دن زیاده اطاعت  
 و انقیاد ایتیک لازم و واجب ایکن وزیر مشارالیه شام استقیاسیه یکدل اولوب عزلی قبول  
 ایتدیکندن ماعد حکم جهات مطاعه مخالفت و عصیان ایتدیک کی جهندن ازاله سی لازم  
 و سائر لره عبرت ایچون جزاسی ترتیب اولنمق مهمتر دیو اعلام ایلیوب قتل ایچون خط  
 همایون اصدا ایتیه اتمام ایلدی پاشای مزبور ساحدار لقدن چقمه اولمغله ساحدار  
 و چوقه دار و رکابدار و سائر مرتبه صاحبی امقرولان اغا لر غیرت جنسیت مقتضی منقجه  
 صاحب چیقوب جمله سی اتفاقله مقام شفاعت قیام و تدبیر وزیره مخالفت پاشای مزبورک  
 عفو و اطلاق متضمن خط همایون اصدا رنه سعی و اقدام ایتدکاری وزیر اعظمک مسموعی  
 اولیحق علی الفور حضور پادشاهی یه و اروب زمام حل و عقد اموری غیر یلر الدن اولیحق اتمام  
 خدمت میسر اولمزد و یونند لرینک پایدوغنی غیر یلر بوز محق ایش کور ملک متصوورد کادر بر کون



بر کون تهمت تقصیر ایل طعمه شمشیر او لقتن ایسه مشغله وزارتدن فراغله تعریف  
دماغ اولمق اولی در دیوب مهر و زردی پادشاه عالی جا هک یید مؤیدینه صوندی  
سلطان ذیشان حضر ندری دخی عهد سابقه رعایه بعد الیوم بر فردک کلامی اصفا  
اولمق اوزن معامله لطف ایدوب وزیر تطیب یحون طورندن مجاوزامون مداخله  
ایدن بی ادبلره جزا ترتیبی وزیره تفویض بیور مشر لسان مایونندن صدور ایدین  
کلام یو ایشکه سنک ایشکه قاریشک انلرک جزاسنی سکا تفویض ایلدم نجه ییلورسک  
اوله ایل و بعد الیوم ایشکه کسنه قارشماسون مداخله ایدنلرک حقارندن کل اکرچه  
اول اغا لک جزا لری وزیر اعظمه تفویض اولندی لکن وزیر اعظم صیانت عرض پادشاهی  
ایچون ایکی آی قدر زمان مسامحه صورتده مقید اولوب تا جمادی الاخر اواخر ده  
بر کون ناکهانی رکابدار عنبر مصطفی اغا و دولبند اغاسی کورجی ابراهیم اغا قوجی با شیاق  
ایله اخراج اولوب و طوغاچی باشی عمر دخی سرای عامرهدن اخراج بعد مزعش  
پایه سیله تقاعد خاصری احسان اولندی ویرینه ایکنجی طوغاچی تریاکی ابراهیم اغا  
طوغاچی باشی اولدی و ساجدار ابازه مصطفی اغا دخی نظر التفات پادشاهیدن  
سقوط ایله اخراج اولندی و غره رجیده بروجه اریه لق مون سنجاغی ایله تطیب  
اولندی یو مواخذدن صکره بر فرد وزیرک تدبیرینه مخالف وضعه جرأت ایدم  
اولدی تقیب الاشراف فوجیه تقیب زاده عدم استعداد سببی ایله او اخر ربیع الاخر ده  
هزل اولوب خلعت منصب نقابت سید محترم محمد دوم عالی رسوم مکرر عریق الطرفین  
روم یل عدارتندن منفصل قدسی زاده شیخ محمد افندی کت قامت استعداد مادر زاد لرینه  
شوق افزای زین اولدی قتل شیخ سالم مفتی مقتول خواجه زاده مسعود افندی کت  
یارغاری و هر خصم و صدمه محرم اسراری اولان شیخ سالم نام مقربیکه اون بش سنه دن پرو  
رجال دولت ییتمده مشهور اولوب دعوت روحانیت و تصرفات و تخیرات ادعا ایدوب  
اصلی یه قدن خواص حروف و اسرار جفر جامعه زعم فاسد نجه عارف یکنوردی اولمقوله  
واجب السیر اولان علوم غریبه و اسرار الهیه یه مطلع اولنلر ستر و اخفا ایله مأمور  
اولد قنیده بیکانه ره کشف اسرار اولسون ایچون بلکه تحصیل و انکار صورتده کورنیورلر  
لکن اول خیمت عرب اشعوفنون مکتومه ده کمال دعواسن ایدوب تحصیل مال ایچون دروغ  
بی مروه غله کندویه استهوار ویرمیشیدی یو مقوله دعاوی باطله و مغلطه کاذبه سنه  
عوام الناس ایللری الدن ورق کرچکدن شهرت بولوب علمای ساده دل دخی دام تزویرینه  
صید اولمق مفتی مسعود افندی یه و وزیرایه انتساب ایدوب جمع مالده تصنع علر کوستردی  
واجب السیر اولان علوم غریبه و اسرار الهیه دعاواسنی کندویه اسناد ایدوب و اول حیل  
و خدعه فتنده ماهر نجه عیار روزگار اول قلیبانک اطرافنه جمع اولوب کونا کون دو زلر  
قورارل دی مثلا اکابر شهر دن شیخ مجلسنده بعض کسه لرا و توررکن ککولا هلی  
وزک آمیز دولامه لی برایکی ممنوع باله جی کلوب دست بوس ایدوب والد سلطان  
حضر نلرندن اولمق اوزن اغا یه یامیه صاریا یور حکم تدکرسه شیخک الله صونوردی

ور صبرده بر قاجوزالتون قبولی رجا ایدرک اوکته وضع ایدزدی شیخ دخی بازو استغنا  
ایله تذکره یی آچوب او قور صرمیه یا ییشمز درو شلری قالد یروب بعد تذکره یه جواب  
یازوب کوندر بر باله حیلره مصنع دوزمه دولامه و تذکره و التون شیخ طرفندن مزور  
خلقه جبهه صامتق ایچون کاه والد سلطان حضر نلرندن و کاهد ارا السعاده اغا سندن  
کاه صدر اعظمندن و سائر کبار دولتدن یو یله مصنع هدیه لرتذکره لردوزوب شهرتی  
عالم کبریا یلدی حاضر بالجلس اولان احقر خصم و صا طرف دولتدن رجا سی اولان مغبونلر  
یو دام تزویر الدانوب شیخ افندی کت نه مرتبه علو شانی وارد کره بو قدر التفات مظهر  
اولدی ماملکتی بدل ایتد کدن صکره دین ایله شیخ اوب شیخ افندی یه باغام باغ هدیه لر  
ویرلردی اول دخی هر برینی مواعید عرقوب ایله الدانوب قوزدوغی دولایله انتفاعه مشغول  
ایدی بر طرفه مسخره عرب ایدی لالرنده بر مقلری جمله ایکیشربو غوم اولمقله حضرت  
ابوبکر رضی الله عنه نسلندن اولمق اوزن ادعا ایدزدی عرق طاهر نیویدن و احباب  
گرام و اولیای عظام نسلندن خلقتلری و شکل و شمائلری نقص و عیبندن خالی  
اولمق شرط در مکر صکره دن برافت سببیله نقص ترتب اتیمش اوله قضیه یو یله ایکن  
مزبور عرب نسل صدیقندن اولدوغنه بعض غافلر اعتقاد ایدوب نقص ذاته دلیل اولان  
هقلی و انامل نقصاتی کالنه حمل ایدوب مزبور عربک شیطانی بیگ الشمس دورت  
سنه سی و قابعه مذکور در کتدن و میزان حریردن و سرجه اتدن یو میه بیگ آنچه قدر  
وظیفه سید ایشمیدی کورولی یا شاضرورت خزینه اقتضا سیله جمله وظایفی یو قلمغه شروع  
ایتمش ایدی اولوجه لکه کرکدن وظیفه سی اولنلردن صاحب سرمایه و غیره کار و کسبه  
قادر و واقفدن یاغیری جهتن جهت معیشتی اولنلری بالکلیه قطع ایلدی غیر وجهله  
معیشتی اولیانلری استحقاقه کون ابقا ایلدی و دوشن محلولک ایکی آنچه سندن ماعداسنی  
ویرمز ایدی و میزان حریرده و طشره محاحه لده اولان دعا کوی عموم اوزن رفع اولنوب  
حق تعالی حضرتی نصرت و وسعت احسان ایتد کده هر کس کلسون هالنه کون احسان ایدلم  
دیوب جواب ویرردی اول یوقلمه ارا سندن شیخ سالم صدر اعظمه کلدی و برائرنی میدانه  
دو کدی صدر اعظم دیدیکه استانبول کرکندن ایکوز آنچه ایلک شیخک معیشتنه  
کفایت ایدر قصور قلان التیوزیدی آنچه خزینه مانده اولسون عرب غضبه کلوب پادشاه  
احسان بیدر نچون قطع ایدر سرزدید کده صدر اعظم رفقه معامله ایدوب سفر اینسک  
کرکدر و هم خزینه کت مضایقه سی وارد رشمه بیک یو مقدار ایله اکتفا ایله انشاء الله وقت  
و سعته یته اگرام ممکن دریدی اما عرب بی ادب خوف و خیال پرده سن چاک ایلش مجلسدن  
قرلیوب بزمی کور نشلر دیو مرلدانه رق چیقوب کتدی صدر اعظم نسم غضب آلود  
ایدوب عسس باشی ذوالفقار اغایه هانی تنبیه ایتدردی عربی قاپوب طر قازلر خلاف مترع  
اوضاع و کلماتی صدر و ایتدی دیو طرف پادشاهی یه ناخیم ایدوب اول کجه بو غوب دریایه  
آندیلر مزبور عسس باشی ذوالفقار اغا دیرک صکره پیر لکی عالمده بکچری اغاسی اولوب  
وزارته نائل اولمش در اقل متیقن اوزن مزبور عسس باشی یو یله دورت بیکنن متجا و آدم



قتل و در پایه القاولند و غی کنند و سی عمر مرینه سویل را پیش صلب بطریق استانبول  
 روم بطریق اولان مفسد افلاق و بنده سی اولوب قسطنطنین نام پادشاه القای فساد  
 متضمن اکاذیبه ملوک و نرد یکی ورقه باطله طو تیلوب خیانتی ظاهر و بحق کند و به  
 گوشت بایوب سوال اولند قدر جوابند هر سینه صدقه تحمیل ایچون بومقوله کاغد کوندن  
 کلاش در دیواقرایتمکین پرمق قبوده صلب اولندی ملعونک کاغذند اولان مضمون  
 بیکه مدت دورا سلام تمام اولغه از قلاشدر و لوله دین عیسوی نکرار عالمگیر اوله جقدر  
 اکا کون تدارکده اوله سز عنقریب جمله ولایتلر مسیحیالر الله کیروب اصحاب صلیب  
 و ناقوس تمام مالک مالک اولسه کر کردیمش خذلهم الله تعالی بوندن ماعد استانبول  
 واقع اولان فتنه لده و اخر اقلده متین و توانا کفره لدولامه و فس کیوب بکچیری قیافتنه  
 کیروب بغما و تالان و امت محمداضرار و اهانته جرأت ایتد کاری اولوقته غایت  
 مشیوع بولمشیدی بطریق اخذ اولند قدر منزلی با صلوب قرق الی قات دولامه و فس  
 و بکچیری اوسکوفی چیقوب بولکلامی تصدیق ایتیش اصلی نفخص اولند قدر فنار قیومستی  
 بکلین چور باجی نفراتنکدر دیودفع تهمت ایتیشلر و ع تدارک سفر از جانب بحر و بر  
 و اخراج توغ پر فروغ دست استیلای کفان کر قنار اولان جزیره لک استرداد  
 اهم مهمات دین و دولندن اولغین دریای غیرت پادشاهی خوش و خروش ایدوب  
 قره دن سفر امر مقرر اولغله اجتماع عساکر و تدارک لوازم مهمات ذخائر ایچون بمالک  
 محروسه یه فرمانر ارسال اولنوب تنفیذ عسکراچون سورجیار و صورت و بدل  
 نزل جهنمه تحمیلدارلر کوندلمشیدی سنه ۱۰۹۷ جمادی الاولیسنک طقوزنجی کونی که  
 شباط رومینک یکریمی اوچخی کونی بازار ادرتسی لیدی دعاوشالیه توغ همایون چیقوب  
 باب السعاده اوکنده جبه خانه مقابله سنه نصب اولندی توغ اخراجی ایچون مبارک وقت  
 اختیار اولنش دونمای همایون تدارکی ایچون دخی بذل مقدورده قصور اولنوب زمان قلیله  
 همت ملوکانه ایله مجدد الشمس پانکی یا بلغه اهتمام ایله شروع اولنش لیدی کافر کیلری  
 بوغازه کلزدن مقدم دونمای همایونک اخراجی معقول کورلکله ماه جمادی الاولینک یکریمی  
 سکرنجی کونیکه مارتک اوچخیسی لیدی هوا لرقار و رودتک شدتدن فصل زمهریره مشابه  
 ایدی هنوز تمام اولنان سفینه لردن او توالنی چکدرمه دورت پان ماونه کفایت مقداری  
 لوندات جنگ اور بکچیری و سائر عسکر جبه خانه و مهماتلر ایله مال دوناوب قیودان  
 وزیر طوپال محمداشایب جانب بحر سفید ارسال اولندی باشدارده لرنکمیل اولنه جوق کیلر ایچون  
 الیقوغله قیودان پاشایک کیسمنه سوار اولوب اوچ فنار نصب ایتیشیدی مصحوب  
 سلامت بوغازدن چیقوب ساقر جزیره سنه وصول بولدوغنک خبری ماه جمادی  
 الاخره ده وزود ایلدی نصرت دونمای همایون قیودان پاشا ساقرده دورت بش کون قراردن  
 صکره ردوس جا بنه بادبان کشای عزیمت اولوب استاذکوی قرینه انجیر لیمانده مصردن  
 کلان ذخیره کیلرین شکار ایتک ایچون در کین اولان مالته قورصانلرین نامدار ایکی یوک  
 قلیونه راست کلوب بر مقدار طوب جنگندن صکره بری پروبال شکسته میدان جنگندن

و برین زنجیر نسیمه گرفتار ایدوب لکن طوب دانه لری ضربندن هر طرفی زخم از اولغین  
 غرق اولوب یوز سکسن قدر کافر اسیر اولوب تیمش قریب طوب نصیب اسلام اولدی پاشای  
 هازی تحریک رأیت سرافرازی ایدوب لریوز نام مختصر اطه لیمانه لنگراند از قرار ایکن بر عظیم  
 قلیونه راست کلوب اوج ساعتدن زیاده زمان طرفیندن طوب جنکی اولوب یالکر  
 قیودان پاشا باشدارده سندن یکریمی قدر غازی شهید و سائر کیلردن دخی وافر مجاهدین  
 عالم وجوددن نابید اولدی قلیوند اولان ملعونلرک اوچبوز قدر ملاح و عسکرک  
 اکثری نکو تسار حفره نار اولد قدن صکره بر طوب دانه سی باروت خانه سنه راست  
 کلوب پس مانده طوب و تفنگ اولان محاذیل فریک کیلر یله موج بحر و آتش قهرار اسنده  
 گرفتار عذاب بحیم اولدی لریکی قیودانی و پر قلیح اصحاب نام و شانی اسیر اولد یغنک خبر بهجت  
 اثری واصل در اقبال اولوب مصباحک فاحه سی بویه ذخیره اولدوغی حسن حاتم اولاجفته  
 براعت استهلال شکسته مبارک فال طو تندی عبدی پاشا دریکه ایکی پان کافر قلیونی  
 اوج قطعه ذخیره کیلرینی اخذ و گرفتار و بر لیمانه قرار ایتد کلرندن قیودان پاشا خبردار  
 اولوب تجسس ایدرکن بر لیمانه دخی بر مکمل کافر قلیونه راست کلوب همان ویرمیوب  
 بعدا محاربه نسیمه ایلد که ایچنه آتش دوشوب بغنه قتل و هلاک اولان نفوس خیمشده دن  
 ضیری خیل کفره اسارانی میری سلسله سنه قید ایدوب محل معرکه ده فورسه لری دوشن  
 بکره اسیر و یرمدی ایکی کوندن صکره اول ذخیره کیلرینی الان قلیونلرک اولد بقی اطه  
 لیمانه وصول بولوب اخشام و قنی اولغله لیال اغزنه لنگراند از قرار اولوب جنکی ایتیه  
 حواله ایلدی مکر تیانک اوتنه جانتند بر یوغازی واریش کفار قلیونلری ایسه  
 چیقوب قاجشار لیدی والد قری ذخیره کیلرینی انده بر افشار قیودان پاشا علی الصبح  
 قضیه دن اکاه اولد قدر ذخیره کیلرینی قبض ایتد کدن صکره فرار ایدن اول ایکی  
 قلیونک عقبتر نجه مساعت ایدوب یتشدی اما مقدما واقع اولان قلیون محاربه سنده  
 فورسه سی هلاک اولان بکره اسیر و یرمدی یکدن ناشی بکر کندودن متالم اولوب  
 انواع تعلل و بهانه ایله اوزرینه وار میوب صکره تعویق ایتلری ایله مزبور قلیونلر انکیمنه  
 طوغری آچیلوب فرار ایتدی لری بو حکایه محنه اقربدر و السلام علی من اتبع الهدی وقعه  
 احوال دونمای همایون و کفار و محاربه عظیمه در جزیره کربد کریده اولان  
 عساکر اسلام اوزرینه قلمه دن و دریادن بکریمی بیک قدر کافر چیقوب آتش حرب  
 و قتال دورت بش ساعت ممتد اولوب طرق اسلامیانن انجق بیک قدر مرد  
 میدان هنر سر مست رحیق شهادت اولوب اون یکدن زیاده خنازیر عازم بنس المصیر  
 اولوب میدان جنگله قاطرجی اوغلی محمداشایب لیتمن مضر اولان شجاعت  
 و هنری اظهار ایتدیکی خبری جمادی الاولیده وصول بولوب باعث سرور اهل اسلام  
 اولمشیدی بحکم خدادونمای اهل اسلام مبتلای انهم از اولد قد نصکره قیودان مشرکین  
 لعین بر دین او توز قدر چکدرمه ایله قندییه واروب بر قاجکون توقف و آرام و مهمات  
 جنگ و قتالی تمامد نصکره بر کون وقت فحاده اون بیک قدر پیاده و سواری ایله قلعه دن



چهارم قراول خد متنه اولان غزاة اسلام اوزرینه حواله شمشیر انتقام ایدوب بازار جنگ  
و قتال کرم اولدوغی خبری سر عسکر حسین پاشایه وارد اولیجق عامه سیاهه ابلاغ خبر  
استفسار و کندوسی بی توقف اول جانبیه ایغا ایدوب کندوی ماتمدا در صف کفان  
اوروب سر بازان طرفین بیننده بازار حرب و جنگ اوج ساعت ممتد اولوب مخذیل فرنگ  
میدان جنگه مغلوب اعازم حصار ویدی متعین قیودان و افراد عسکر دن ایکوز زبردست  
کافر اسیر اولوب بر قاچیموز دخی جان برجهنم درجات سجینه عزم ایلدی طرف اسلامیلان  
دخی اولوبنه سجاغندن معزول عمر بیک و روم ایلی اوجاق زاده لیدن بر قاجی عزشها دته نائل  
اولدیلر کافر چکدرمه لری مغلوبا کریددن دونوب ساقز طرفنه برقا چکون سایه انداز  
مخوست اولوب مصر دن کلور پرمه و شایقه لره سدره و التیسی کرفت روایکیستی  
تیمه ایتد کد نصیحه قیودان پاشا نک استاذ کویه ایدو کندن خبر دار اولغین بی پاکونی  
پروا اول جانبیه طوغری بال کشای بادبان اولمشیدی قیودان پاشا باضرون دفع صائل  
ملاحظه سیله ردوسه کیلری یا غلق مناسبی اول معقل عظیمه تحصینه بهانه ایتدین  
ملا این تکرار ساقز طرفنه کلوب جزایر سمتدن تخمینا اوتوز بیک کیل مقداری  
بغداد ایله ساقزه کلور کن بر قلیو فی اخذ ایتد کله ساقز اهالیسی خاطر پریشان ایتد کاری  
خبر موخس وصول بولدی وقعه سفاین جزایر اوجاق کیلری دخی مأمور اولد قاری  
اوزن دونمای همایونه ماحق اولق قصد یله دریایه چقمش لرای ایچلر دن سکرپان  
قلیون سائر لیدن پیشبازلق ایدوب بواشاده سقا قزده یکی قلعه اردنه  
بی پروا لکنر انداز اولان کافر دونمسانه صباح قرانلغندن مصادف اولوب اهل اسلام  
دونمسانی اولق تخمینیه فی تحاشی یقین وارد قلر نه عکس قضیه معلوملری اولدی امانه  
چان روز کار دخی ساکن اولوب کفار اول ساعت حرب و قتاله مباشرت اید یجک غزاة  
مسلمین دخی بدل مقدورده قصور ایتدوب تحصیل نام و ننگ ایچون ملا عین فرنگه رستمکه  
شویله جنگ ایتدیلر که صفحه زمرد فام دریا خون کشتکان ایله لعل رنگ اولدی برقاچیموز  
نفوس خیمه فی طعمه طوب و تفنگ ایتدیلر بشیموز دن متجاوز مجاهدین دخی شرف  
شهادتله عزم جانب علین ایلد کد نصیحه اوج قلیونلری دست کفان گرفتار و اوجی  
دخی صاحب لری عملیه احراق بالنار و بری غرق دریای خونخوار اولوب فقط بری بعون الله  
تعالی مساعده روز کار ایله صغاجق طرفنه چکدی مکر سفاین مصریه دن رضاء و امتعه ایله  
پربارون بش قدر شایقه مانعت کفار ایله صغاجق لیکنده طرح لکنر انداز قرار ایتدیلر ایکن  
کفار کا کسار خبر دار اولد قلعه اوزر لینه واروب مقدم مامور کد دن خلاص اولان جزایر  
قلیو فی ایله اول قلیونلری دخی زنجیر شخیره گرفتار ایدوب شایقه لری دخی ضبط  
ایتدیلر بلا مبالغه شایقه لره اولان اوج یوز بیک غرو شلق مصر متاعی ملا عینک قبضه  
اضرار لینه داخل اولدی صغاجق قلعه سنک اهالیسی ملا عینک بوجوهله هجومند ن  
اکاه اولد قلعه برکون مقدم اولادو عیال و خفیف الحمل اولان ماللری ایله اطرافه  
پریشان اولغین ملا عین قلعه ده پسمانده اولان اجمال و اثنالی بی مانع و مزاحم بهما

۴۲۷ و تالان ایدوب حاشا رغما جامع دخی ویران ایتدیلر بواشاده از میوزدن عسکر ایشیکه  
ایکی اوج کون جنگ فروان اولوب ایکوزدن و یلعه کافر اعازم باز عسکر اولوب الشمس  
قدری اسیر اولد کد نصیحه ملا عین حاجا قلعه یه آتش القالیدوب شایقه لری احراق ایله  
افنا ایلد کد نصیحه یه سفاین مخو سه لینه کیروب ساقز طرفنه رجعت ایلد کاری  
خبر کدورت اثری کلوب قلوب اهل ایمانی مغیر ایلدی خان دست و قیچان برمدن  
برو توافق و اتحاد اوزن اولق ایله قرداش قراخی عتوانیه مشهور افاق اولان طائفه  
طائغیه خطمانی درگاه مراجع دستگاه سلطانی یه عرض و عبودیتی متضمن ایلمی  
کوند روب طرف عالیدن افلاق و بغداد و یوده لینه اولدی کبی زردوز دن بوزک  
وتوغ و علم احسان بیورلق رجا ایلدی لکن اول بد نهاد ک اظهار ایتدیکی صورت  
انقیاده چندان اعتماد ایتدوب اکا احسان خان تلتان کران کلور ایدکی نمایان اولغین  
مسوولی مقبول اولوب همان خان طرفیه حسن معامله اوزن اولسون کد ایلر ایله اولان  
دوستلق یه بو طرفه زاجدر دیورد جواب بیورلدی فی رجب المرجب تبلا یلان  
مناصب علیه اوائل رجب اناطولی پایه سیله قاضی استانبول اولان عبد الرحیم زاده  
افتدی اهل سوق رفیع ملا حظه سیله حاجی بکتاش کوچک لردن بازار باشی اولان  
شخصی بن یکجری دوکم بازارچی دوکرم دیو علی طریق التجاهل ضرب عصا ایله نادیب  
ایتمکین بکتاشیه بیورلی مقام خصومتده قیام ایدوب یکجری زمهره سنی ضابط لری  
نادیب ایتک قانون قدیمدر سائر شهرلی رعایا کی قاضی فلقه سنه کیروب دکنک یلک  
نه دیمک ردیو عظیم کفتمک و ایتدیلر به توسط شفعایله نفی و اجلا دن بدل عزل ایله اکتفا اولندی  
فی غره شعبان ماه مزبور ک اوجی کونی روم ایلی قاضی عسکری شعبان افتدی عزل  
اولوب صدر اعظم حمایه سنه اولان اناطولی قاضی عسکری بولوی مصطفی افتدی  
صدارت رومه نقل ایلدی و استانبول دن معزول عصمتی افتدی اناطولی قاضی عسکری  
اولدی قدم طریق لری واریکن محروم اولد قاری جهتن تطییب استانبول دن  
منفصل ملقب بستان زاده یه صدارت اناطولی پایه سنی و عم زاده سی سارق النجوم  
چلی یه استانبول پایه سنی اولوب ارپه لقاری دخی تبدیل اولغله نو عالم کرام و نجیل  
قیلندی قدس شریف منصبی خط همایون ایله حسام زاده یه ابقا اولوب چاکر اغازاده  
نامنه و از میر منصبی منشوری تحریر اولندی اخراج موجب صدر اعظم اگرجه مصارف  
اسرافاتی تقلیل و دعا کویان و زواید و طایفی قطع و تنزیل ایدوب مقاطعات  
اموال امرتک نجما تصرفات نافعه یه شروع ایتدی لکن خزینه ده نقود موجود  
اولوب یکیدن طولی و سائر مهمات ایله بوقدر سفینه اقتضا سیله ترسانه  
مصارفی حد دن افزون اولوب قره دن سفیرتاری ایچون دخی بوقدر مهمات مضایقه سنی  
سببیه زمهره عساکره موجب ایچون نقود اقچه ندرکنده زیاده اضطراب چکوب  
حصولنه بوجهله امکان اولما مقله شیخ الاسلام افتدی بالی زاده و قاضی عسکر  
بولوی مصطفی افتدی ایله مشورت ایدوب نهائی طرف سلطنت علیه یه عسرت



اعلام اولنوب بالا سپاه و بکچری و سایر طوائف عسکره علی الفور مواجیلری ویر لک  
مقتضی اولوب خزینه ده حاضر اچده اولوب تدارکی بوجه له ممکن اولمغه اندرون همایون دن  
استقراض طریقیله بوقوللرینه اوج بیگ کیسه اچده امداد اولمق بجا اولنور دیوناخیص  
ایلدی و حضور رهمایو نه واروب صدر اعظم و مفتی افندی و روم ایلی قاضی عسکری  
اداسنه تعهد ایچون تمسک مهر لیب خزینه اندرون اوج بیگ کیسه دین المشرایدی  
ماه شعبانک سکرخی ثلثا کونی دیوان همایونده رخص مواجی چیقوب بکچری طائفه سینه  
توزیع اولنور کن سعادتلو پادشاه عالمیناه حضرتلری وزیر اعظمه بر وجه التفات  
واجلال بر سحر کورک و بر مرصع خنجر مصاحب اغایله ارسال یوردیلر صدر اعظم دخی  
اولجلان مقام صدر دن قیام ایدوب تعظیم ایله کورکی کیوب و خجری طائفوب اسلافندن  
زیاده نعل عز و اکرام و مظهر استقلال تام اولدی عزل مفتی بالی زاده شیخ الاسلام  
بالی زاده افندی رعایت مراسم طریق قیمندن از اده لایالی مشرب اولدوغندن  
مقام فتواده قراری معقول کورلیوب ماه شعبانک طقوزخی کوشنده عزل اولنوب منصب  
مشیت اسلامیه وزیر اعظم تعریف و تریه سیه روم ایلی قاضیه عسکری بولوی مصطفی  
افندی به عنایت بیوریاوب سید صنعی زاده روم ایلی صدرینه نائل اولدی مفتی معزول  
ارپه لق تعیین اولنان فلیه قضاسنه اجلا اولنوب اون کونلک غلطه قضاسیه بهر مند اولان  
مخدومی دخی رفا قتلله مأمور اولدی عزیزی افندی تحریری اوزن بالی زاده افندی علمای  
گرمه لازم بلکه واجب اولان متانت و قارندن خالی بین الما خذرنه لایالی اولدوغندن ماعدا  
قلم توجیه نده چند ان رسوخ ضبطلری یوغیش تفصیل عزیزی افندی تار یخندن مندرج  
بر سلسله مدخوله ترتیب ایلدیکندن غیری استانبول اولان اللی قدر سقایه و تریه بی  
خارج نامیه دون سن البلوغ صمیانه تقسیم ایدوب طریق علمیه بی بر همزده هرج و مرج  
ایتد کارندن غیری عزیزی افندی شکایت ایدراعده اسی بومقوله توجیهانی جلب مال غرضنه حمل  
ایتد یلر کند و لر زمان حکو متنده المدن کلدیکی قدر اصدقا و اشتغال می قیرمغه سعی ایدرم  
خلق نه دیر لسه دیسوتلردیر لایا مشربونیت کوزل علوه مت علامتیدر لکن بر جهت معتدله  
ایله اولمغه محتاج ولیاقت واستعداده دخی رعایت شرطدر که توجیهاتی مدخول اولان  
دولت لورک حل و عقدی مدوح و توجیهاتی مناسب استر تا که بعد زمان چراغلری مطرود  
و محزون اولیه مفتی فیض الله افندی نیک چراغلری کبی طریق علماده اولان توجیهات بالا  
مقام فتوایه تشریف ایدن افضل الما آخرین زخرا الکملین عریق و حسیب سید علی  
افندی حضرتلرینک توجیهات و نصرفائلری کبی اولمغه محتاجدر که هر حاله اعتداله کون  
ذات و زمان استقامت فانه ده رعایت بیوروب جمله منصبلر نه و صدرینه تشریف ارنه و حالا  
فتوایر نه برامعقول و جیحی صدور ایتیموب عفت و زراعتله عالمان یینندن مهر وف  
و موصوفلردر و هر طریقک ربالنه توجیهه مراتب مناصب نه مقدار قلت اوزن اولورایسه  
اول طریق مضبوط و اهالیسی عزیزی اولور جمله طریقیلر بویه مضبوط اولسه عالم تیر  
منتظم اووردیلر و قعه و ارقره مصطفی پاشا وزیر مشاور ایله مساعدارلندن چقمق

ایدی اغار و قعه سی عقبنده سورنن مصطفی پاشا برینه قیودان اولمش اینکن اختلال  
وقت سببیه قیودانلندن استعفا ایدوب بذل مال ایله مصر منصبی تحصیل ایلدیک  
بالاده مسطور در اوائل شعبانده صدر اعظم کوریل پاشا اعلامیه مصر حکومتی سیواسدن  
معزول اولان شهسوار اوغلی غازی پاشایه احسان اولنوب سلفی وزیر قره مصطفی  
پاشانک قتل ایچون خط همایون صدور ایلدی باغی بوکه مقدمه محبر و ایتدیکمراوزن  
سیدی احمد پاشا حلبی محاصره ایتدکنه مزبور قره مصطفی پاشا حلبی محصور رودست  
تحکم حلبیانده مأمور اولوب صدر اعظم کوریل مجد پاشا اول تاریخده معزولا سیدی  
اوردوسنه بولنشدی قره مصطفی پاشا طرفندن بعض مرتبه قول و فعل آزرده دله  
اولمشیدی حلبی محصور اولوب سیدی احمد پاشای دخیولدن منع ایلدیک قمران  
خلیفه روی زمینه مخالفت محض عصیاندر دیولوزوم قتلنه فتوی ایتد یروب ازاله سی  
ایچون خط شریف تحصیل ایلدی و قره مصطفی پاشا مصر دن کاورکن شامه اوغرا دق  
قتل ایلیه سن دیویم شام طیار اوغلی احمد پاشایه حکم همایون قطعی المضمون ارسال  
ایدوب اجمال و اثنالی و دواب و بغالی ضبط ایچون میراخور کبیر اغامباش کوندریوب  
آستانه ده سراینده اولان موجودی طرف میریدن ضبط اولندی وزیر مشاور الیهک برادری  
و سایر خیر خواهلری مسارعته کنه و یه خبر اوچروب بوخبر موخس مصطفی پاشایه  
چسریعقوب نام منزلده وارد اولغین الحق او توز قدر آدم ایله طرابلس اوستندن شامه  
کذار ایدوب خصمه اتباعنه ملاقی اولدقندن صکره نامعهود یولدن حلبی دخی  
یکوب پنجه طلبکارندن تخلیص کریان جان ایتک رچاسنه صالت و سبکبار آستانه  
سعادتیه متوجه اولور مکر میراخورده یو خدمته افضلا ایدرسه امداده اعانت ایلیه  
دیو محافظ حلب ابازه حسن پاشایه امر شریف و ارایش میراخورا ثنای طریقه ناکهائی  
مصطفی پاشایه راست کلوب عرض مدعایه اقتدار اید اولدوغندن بر غیری خدمته  
مأمور ایدوکن اظهار ایدوب یکوب حلبه جان آرمیراخورا غاده کند و قتاچون قرمان  
اولدوغی مصطفی پاشانک معلومی ایدی حتی مقر بلردن بعضیلری یناستوب سلطانم  
میراخور ایدوب طوتوب صویالم اوزرنده اولان اوامری الالم دیدکنه عاقل وزیر اولغین رضا  
ویر میوب دولت خدمتکارینی صوبوب عرضی بیقیمق ناموس دولتی هتک و بومعنایه جسارت  
ایلیک عصیان تهمتی تصدیقدر موجب قتل بزم جریمزده یوقدر جناب حقندن نجات  
مسئولدر دیوب میراخور تعرض اولغی تحویز ایتامش میراخور برق ططف کبی حلبه واروب  
حکم شریفی حسن پاشایه ابصال ایتدکنه حسن پاشانک دخی محاصره و قعه سندن مصطفی  
پاشایه غیظ مضمری اولغین اخذ انتقام ایچون اولساعت سپاه آراسته ایله حلبدن چیقوب  
مصطفی پاشای اخذ ایچون سرعت ایله یله کوردیکی اخبار موخسه مصطفی پاشای بنعاقب  
ایدوب حسن پاشانک پنجه هجومندن تخلیص جانه امکان اولما مفتی قونیه واصل  
اولدوغی کون تیدیل جامه و دستار ایله بر قاج برار خدمتکار ایله بر رخس صاعقه کردان سوار  
اولوب زر خالص العیار ایله ملبور بر پیراهن و فترا کورنده بر رهکبه پر ز سبکبار فرار ایلدیلر



حسن پاشا ايرشد که گوردیکه مصطفی پاشا رجال الغیب صحر و نه ماعق  
اولش اجمال و انتقال و جمله خزینه سن ضبط و دفتر ایدوب میرا خورایله طرف سلطنته  
ارسال ایلدی حلب اعیانلرینک بعض کاردانلرین مسموعدرکه بازه حسن پاشا اگر چه  
امثالاللامر مصطفی پاشای اخذ ایچون یوله کیردی لکن کندودخی صدر اعظم دن امین  
اولمغله برنامد اوزیرک قتل تهتمیله تلویث عرض ایلک نه عشقه دیوب خفیه فرار اید سن  
دیومقد مجه خبر کوندرمش مصطفی پاشا لک فراری اولیه اولسه خبر دن نشأت ایلش اولور  
بوروايت عقله ملایم رصکره بازه حسن پاشا وقعه لری مصدق قدر بویه نامد اوزیری قتلنه  
ما موراولان وز راومباشین یا انتقام الهی دن خوف و یا بومقوله کارمکرومه بولمقدن ابا  
ایتد کار ایچون کندونک علمی یق شکند نازکله خبر اوچوروب فرار و نجاته سبب  
اولد قلی قتی چوقدر حنی بعضیسنک محرم خدمتکاری اقتدیسنه خیانت و شخص  
مبعوضه دوستلق شکله خبر اوچوروب خلاصه سبب اولدوغنی کور مشردرمع  
هذا اول خدمتکارک خبر ارسال ایتیه سی اقتدی سنک کز لوجه اذنیله اولدوغنه شک  
یوغیدی نه کیم محله مفصلا ذکر اولنسه کرکدر و نفسنه برمدوح اشدر مشار  
الیه قره مصطفی پاشا استانبوله خفیه واصل اولوب نیجه ییلار کوشه اختفاده  
منزوی اولوب محمد و ملری فضل احمد پاشا زمانده مظهر عفو اولمشدر نه کیم تفصیل  
کاسه کدکدر رفتن کوزیل محمد پاشا بجانب بوغاز قیودان پاشا آق دکره ارسال  
اولندقد نصکره مجددا احداث اولنل سفیندن تکرار اون طوقوز قلیون و اون ماونه  
واوتوز چکدری ایلله باشترده مهمات لازمه وزا دوز واده ایلله ملو اولدی سکبان باشی  
چوبان قاسم اغا ایلله بر قاج بیگ یکجیری دلاوری وضع اولنوب و سپاه و ساحدار دن  
ترقی شرطیله ایکی بیگ سردنکجیدی یازیابوب یوز اللی پان قدر غهیه و فرقه یه  
طولدیریابوب شمس پاشا زاده باشترده ده قیودان و کیلی لولق اوزن باش و بوغ نعین  
اولنوب صدر اعظمک حرکتندن مقدم بشکطاش اوکته چقمش لرایدی ماه شعبانک  
یکرمی اوچنی کونی بوغاز جانبیه روانه اولد بار ماه شعبانک یکرمی دورنجی پخشنبه کونده  
وزیر اعظم سردارلق خلعتی ایلله اجلال اولنق ایچون عرض اوطه سنده پایه سریر  
اعلایه رومال ایلدی مزید عنایت خسروانیدن قانون قدیم اوزن باشته ایکی قطعه  
مرصع سرغوجلر نصب اولنوب ایکی خلعت فاخره بری کورکلی ویری ساده کیدریابوب  
صنجات شریفی کند و الیه الینه تسلیم و حصول فتح و طفر التماسیله بالذات لسان  
همایونلرین دعای اجابت اثر تقدیم اولندقد نصکره سردار عالیشان کریان و نالان  
حضور همایوندن وداع ایدوب دارات و احتشامیله الای ایلله سلوری قیوسندن  
چر یجیلر چایرند ضرب اولنلن او تاغه نزول ایتدی لیرکاب همایونده قائم مقاملق خدمتی  
بوغاز محافظه سندن دعوت اولنلن عنکبوت احمد پاشایه توجیه اولنوب کورکلی  
خلعت فاخره الباس اولندی شهر رمضانک غره سی پخشنبه کونده صدر اعظم  
و سردار مکرم اوردوی همایون ایلله چرچی چایرین خدمت و جمله یکجیری والی بلوک

خلقی ضابطلری ایلله و عوموز عمارت ارباب تیمار ایلله متوکلا علی الله تعالی بوغاز جانبیه عزیت  
ایدوب اول قوناق قره قالد رمه نزول اولندی و اول منزلت یوقلامه اولوب مأمور اردن موجود  
اولیان متفرقه و چاوش و زعمانک دیولکری آخره توجیه اولندی قسطمونی دیارندن مجد  
صادق نامند بر عاید زاهد کسنه صدر اعظمک معتقدی ایدی پادشاه عالمیناه حضر تهرینه  
دخی بولشوب دعای خیر ایتش ایدی صدر اعظم سفره واروب کلجه اندرون اغالرینک  
صالحاسندن مجد نامند طقسان ایکی آدم هریری برهفته ده طقسان ایکی کره سون فتح  
قراءت ایدوب جمعه کونی صلا وقتنده اتمام ایدوب جمله سی بردن فتح و نصرت ایچون خیردها  
و تضرع و نیاز درگاه کبریایله دیو شیخ منور تعالیم ایتش ایدی اغالردن و خلیفه اردن طقسان  
ایکی مجد دفتر اولنوب هر بریه انعام و احسان اولنوب خدمت خیریه یه تعیین اولنشلرایدی  
صدر اعظم طشره چقدوغی کوندن سون فتح شریف قراءتیه مباشرت ایدوب هر جمعه  
کونته دک طقسان ایکی مشردفعه نی تکمیل و وقت صلا ده عوم اوزن خیر عار یتب ایدر لرایدی  
وینه شیخ منورک تعالیمی ایلله بوندن ماعد اندرون رجالندن به زبر آدم کونده بیگ بر فتح شریف  
او قومق ننبیه اولندی سفر عود تنه دک مدت ایدیلر مقدمه فتح و طفر بو اشناده بوغاز  
حصاری محافظه سندن اولان چاوش زاده وزیر مجد پاشا لک اوزرینه دو نهای کفار دن سکزی بیگ  
مقدری ملا عین چیقوب جنک وجد اله اغا ایتد کارنده محافظه ده اولان عسکر اسلامدن  
خبردار اولنلر اطراف و جوانبیدن هجوم ایدوب حواله تیغ پیکان جان ستان ایتکله ملا عین  
آرام ایدیلر میوب کشتیلری طرفنه فرار ایلدیلر بشیموز مقداری اسیر و ایکیوزدن متجاوز طعمه  
شمشیر اولوب وزیر اعظم هنوز واصل اولدین بومر تیه فتح و نصرت رونما و لسی عسکر اسلام  
منظفرو کفار لثام مد مر اولماسنه برهان واضح عد اولنور صدر اعظم رمضانک کیمولی به بش  
کوندن صکره اناطولی طرفنه منتقل اولدی ماه رمضانک اون سکزی بیگ کونی قلعه  
سلطانیه اطراف قیودان ایلدی مجار به دو نهای همایون با کفار خسارت مقرون فرمان  
سر عسکر ایلله روم ایلی طرفنه صوغانلی دن سنده و اناطولی جانبیه کویچک کین تام محله  
دخی بعض مناسب اولان یرلده قلعه شکن برج افکن طویلر وضع اولنوب یوم عید سعید ده  
کین مقابله سنده قرار اوزن اولان کفاری و پورتونلرینی سنکسار ایتدی لیر ایکی ماونه و برقاج  
پورتونلر دانه طوب اصابت ایدوب زخنه دارا تمکین اولکجه برقاج میل کیر و چکیلوب کافر  
بو جاغی و بیوک کیر مایینده لکمراند از قرار اولدیلر ماه شوالک بشخی ثلثا کونی موجود اولان  
سفاین ایلله کفار با کسار اوزرینه عزیمت مقرر اولوب قیودان پاشا طشره ده بولمغله چرکس  
عثمان پاشا دو نجا عسکرینه سردار تعیین اولندی قلیون قلیونه و چکدرمه چکدرمه به حواله  
اولنوب متوکلا علی الله تعالی عازم جنک اولد قارند لشد کفارک برنامد ارماونه سی یکجیری  
سردن یکجیری ایلله ملو عمر قیودان ماونه سی وجیه خیالره ملو سلیمان قیودان ماونه سی  
و خلیل قیودان ماونه سی جاتوب باوج ماونه کافرک ماونه سنی طوب و تفنک و مردانه  
جنکله کوزا چدر میوب آن واحد ده قبضه تصرفه کتور مشر ایکن اولمغله برقاج ماونه لری  
پامداده ایشوب بری جانبیدن امداده واریر بولمغله شکار زخم خورده اولان کند و ماونه لری



پنجه اسلامیانند تخلص اند کارندن ماعد کفار با بنده قوت و کثرت له سلیمان قیودانک  
 ماونه سنی الوب واجینه وافر ملا عین دو کیلوب سفاین مخصوصه لری طرفنه چکوب کوتوردیلر  
 هر قیودانک ماونه سنی چاند قلمی کافر ماونه سنندن علی الفور مفارقت ایدوب کفار  
 گیلری اراسنه قلعله جنگ ایدره کجانب سلامتته چقدی امت ایچینه اولان اوچیوز  
 سرد نکچدی یکچیردن قرق اللی آدم انجوق قالوب ماعداسی شهید اولمشلرایندی  
 خلیل قیودانک ماونه سنی اثم جتککه دریایه غرق اولوب ایچینه بولنا نلرک اکثری  
 ضرر یق مج شها دت اولدی بعد سردار اکرم اول ماونه بی چقاروب کما کان دوناتدرمشدر  
 بو هجوم اشماسنه یکچیریلر سوار اولدیغی اوتوزیان چکدرمه وباشترده اول  
 ومله ده روم ایلی طرفنه کافر یوجا غی نام محله واروب ایراقدن تماشاچی اولغین  
 مزبورلردن ظهور این چنین ویدلک سائر کیلرده اولان اصناف عسکره ضعف وفتور  
 ایرات ایدوب اوج ماونه مزبور بوغاز غرنده روم ایلی صغایرینه و اوچی بیوک کپز ساحلنده القای  
 لنکرایوب ایچینه اولانلر هول جان ایله قره یه دو کیلوب فرار عن الزحف عارینی اختیار ایتدیلر  
 کفار خاکسار بند کمد تسخیر ایتد کلمی سلیمان قیودان ماونه سنی بقیت السیموف حیض  
 اولان اشخاص معد وده ایله قفان ارسالان کی کشان کشان کوتوزرکن علاییه سجایغی  
 پیکی اولان کوچک محمد نام میرباد بشر اوتوراق برایکی قایغه اللی النش قدر آدمو  
 ایله سوار اولوب ایرشدی و ماونه یه یناشوب جنگ ایدره اوزرینه چیقوب یک کلرین  
 کسوب ضرب شمشیر جلا تیله کفان گرفتار اولان ماونه ایچینه قوینلان یوز لیدن  
 زیاده کافر ایله یغادیلردن دو کوشه ده کشته قیودانوب چکوب کوتوردی زهی بنه نلک  
 بجلا نکه ولی نعمتی ضامن تحمیل و جا هدوا فی سبیل الله حق جهاده فرماتنه امتثال  
 عرضنی امیل ایچون اوتوز قرق آدمیسیله دورت پان کافر ماونه سینه شیرانه هجوم  
 ایدوب بکونه اظهار هنر له نامی سرد قتر ارباب استعداد در مراد ایلدی بر فحوا صدق  
 احدهای کم من قته قلیله غلبت قته کثیره باذن الله تعالی اثر باقیه مجزیه بویزدن  
 ظهور ایتدیکی منظور اولوب یکدست و هموار زمره مشرکینه سل سیف اقتدار  
 اولندیغی تقدیرجه بدون الله فتح و ظفر میسر اوله جفی ظاهر و اشکار ایکن معجزه یوش  
 هر تکرکی فرار و اختف اختیار ایدن بی عار للاف زن میدان شجاعت اولد قهرجه  
 ظاهر اقمه استمرا و التماق رو ادکادر بیت خلق الله للحروب رجالا ورجالا لقصه  
 ویرید قلیو نلر اینه محل محاره ده کفار کیلرینه یان باصدیدن بر یا یلم طوب آتوب  
 باد بانلر نه اولان منافق روز کارایله دریایه آجیلوب سافر و مدلی ستملرند قیودان پاشا ایله  
 اولان دو نیمه کیلری اوزلیوب کتمکله ورطه فحاطره دن قورتلدیلر بومور منظور و رور  
 غیور اولیچ شدت غضبندن بی شعور اولوب فی الحال بر قایغه بنوب روم ایلی طرفنه  
 یکدی و کافر وجانه تحضن این بی عسار لری قالد رغه صرف اقتدار ایلدی چونکه  
 اول طائفه طائفه نلک نهادلر ده شجاعت مباد داددن اثر یوغیدی وزیر اعظم اقد امیلیم  
 چانله حرکت المذبح کوشه توب کافر کیلری اوکندن استفاده ایدره کجمله واضطرار ایله

چکوب بیوک کپزه جان آتوب ساحله واصل اولد قلمی کبی مالت و دوقه چکدریلری بوغازدن  
 عرض دیدار مردار ایلد کلرینی کورد کلمی ساعت نکر اقران اغلازیدوب تحضن ایچون  
 قلعله التنه ایشمکه استبحال ایلدیلر اشاء فرارده یکچیری کتخاسنک یک کیسی قبضه  
 تسخیر کفان داخل اولوب باشلارده ایله اون ییدی پان قدرغه هزار زور و زار ایله کوچک کپز  
 یورق ستملرینه واصل اولدی بوندن ماعد اون بش پان قدرغه نلک فران اقتداری اولمغین  
 بر مقدار کتسلر ایکن شدت روزکار و هجوم کفار ایله یه بیوک کپزه دونوب خصم جانلری  
 الندن تخلص کر بیان ایتلر جاسنه ساحله قریب صغیره باشدن قره ایدوب ایچینه  
 اولان جنگی و کورکی دریایه دوکلدی وزیر اعظم غضبیه کوب نیزوغیر تسز لری  
 طعمه سیف ایشد و نلر دیو یاشده اولان عسکری مقابله لینه حواله ایتکله شناورلک  
 قنی بیلوب دریایه غرق اولندن ماعد اطشره جان اتانلرندن سیکر یوزمقداری  
 بی غیر تک کله مرداری خاک ادیان غلطان اولد قد نصکره بر مقداری خوف شیفدن کیرو  
 کیلرینه دونوب اکثری ساحه واسعه ارض الله پریشان وخلق عالم ایچینه مدلل  
 و مهمان اولدیلر سر عسکر ما مور بیوک کپزه دوشن اوج پان ماونه واون چکدرمه نلک باشلرین  
 دریایه دوندرمک انلری تسلط اعدادن حفظ ایچون جاجامتر سلقوردوروب کنار بدن  
 طویلر وضع ایتدردی طوایف عسکریدن اولکون ظهروایدن ضعف و جراتسزلک  
 مشاهد سندن اعدای دین دلیرو اولوب کمال سرور و رندن شامدن بامه و صبا خدن  
 اخشامه دگ طوب و تفنک یاغدیروب فشنگ شنگلی ایدوب آواز کوس شادمانی دریایه زلزله  
 و سرمست خنیر لری نعره سی ساحه خلقه ولوله ویرمشیدی انلر دریادن و اهل اسلام  
 قره دن اوچکون اوج کجه کله وفند قلمی بر برینه قطرات بازان کبی یاغدیروب ملا عینی کیلرینه  
 اوغراتمیلر و رود عنایت الهیه و مدد ناکه ظهور غیبیه باشدرده ویا نجه اولان اون  
 یدی پان چکدرمه عدم مساعدت روزکار ایله تجری الراح بالانشتهی السفن خواسی  
 اوزن کوچک کپز یورنی قایغه قادر اولوب قوم یورنی نام محله لنکر بر افغین انلری دخی  
 محافظه ایچون کنار بال یز طویلر چکدر یاوب متر سلقوضع اولمشیدی سادس شوال  
 اولان یوم اربعاده عصره قریب کفار دو نماسی اول سفینه لراوزرینه هجوم ایدوب اول شیاطین  
 اوزر لینه اینه طوب دانه لری رجوی متسلسل الورود اولغین خائبه مقررینه چکدریلر روز  
 دیگر که سابع شهر و یوم خمس ایدی سینه سابقه ده قیودان کفان پاشا ایله چقان دو نتما  
 انیز امنه واطله تسخیرینه سیم اولان کور قیودان دید کلمی شیطان لعین برایکی کوندن  
 حکم قضا و قدر عسکر اسلامک مظهر اولد قلمی ضعف و نلا شیه اعتبار اصدن ناشی  
 باشدرده سن چوقه و امتعه ایله دونادوب اسلوب غریب و طرز دلغریب اوزن بزم عشرت  
 ترتیب ایدوب کندویه همسری قیودان ایله اوتوروب بر غم روزکار سپهر یک رفقا ساقیان  
 قرتک الندن نوش باده لعل رنگ ایتشیدی سرور مغرورانه و غرور کافرانه ایله کیفیت  
 باده سر لغت زده سینه صعود ایدوب اخشامه بر ساعت قالمشدی که باشدرده و سائر کیلری  
 معجزه چکملک سودا سیله شعله آتش کبی رندن قویوب طبابخانه سن دو کدرک باشدرده



اوزینه هجوم و تخریب و ببال استیصال ایلدی اول احوال پراوانی مشاهده ایلده قره ده  
اولان اهل اسلامک ناله و فریادی قناب سبع شده پیوسته اولوب کلمتک الله الله ایلده  
امت عجزک غریب آتش زاری سکان هفت آسمانه ایشدی کیلر تمام و عسکر فرمانه رام دکل که  
سعی و اقدام ایلده باشته ده بی خشم لندن تحلیصه امکان اوله سردار اعظم بوطلی کورب  
متر سارده اولان طوبیجیلره طوب یا غدره حق اشارت ایدوب کمال خشوع و انکسار ایلده  
ضجین نیازه واروب شیخدن مأذون اولدوغی حزب النصر دعاسنی حالت سجده او قیوب  
زاری زاری اغلیوب ایکلیه رک درگاه قاضی الحاجات ته سوز و کداز ایلده عرض نیاز ایلدی  
ملعونک کیسی ایشوب زحم خورده شکارکی باشته ده بی بسته فتراک اقتدار ایمکه  
آز قانش ایکن ناکاه برخواستی صدق احتوای امن عجیب المعطر اذاعه سردار اکر ملک  
دعاسی مقبول و غیرت کشان دین اولان موحدینک نیازی مقرون اجابت اولوب  
قوم بوزنده اولان متر سارده قره محمد نام برطوبیجی مباشرتیه اتیلان برنامدار طویلع  
دانه سی پیش آهنگ قطار ملاعین قرنک اولان لعین بی دینک باشته ده سنک یاروت  
محزنه راست کلوب طرفه العین ایچنده قحی و سر بفلک کشیده اولان عودلری و ووست  
طبقه سی آلات بزم وادوات رزم ایلده اول کلب اعور هم چشملری اولان سکان سقرو بیگ قدر  
کورکی و عسکر کفار خا کسار ایلده قبه اوج هوایه آتیلوب شتران حجیم کی سائر  
گیلری اوزینه دو کلوب خس و خاشاک نارسق اولدی لر طرق اسلامیانده کمال  
ضعف و قوتور نمایان اولش ایکن مصرع فی اضیق الوقت یا فی الله بالفرج مصداقجه  
هون و عنایت الهی روتون و رأیت شوکت و مشرکین سرنگون اولوب شعبه بازده  
هستزه کاران غیر منقسمه عبرت اثر بویه برهنه معبر اظهرا ایلدی طعنه زجر من جبال  
واسیات اولان اول کشتی کوه شکوه هباء منثور کی تار مار اولحق یاننده اولان یکی  
دخی ناآثیر نحوشت جوار ایلده طعمه اژدر نار اولدی هنوز شمس عالمکاب غروب  
وارمش ایدی که با شسز و قسز تکه نلری دخی برخواستی ففشیهم من الیم ما غشیهم  
امواج بحر خونخوار ایلده نابدید و کم اولدی قلله الحمد والمخه حقا که بوموهبه الهیه ناک  
اداء خدمت شکر و سپاسی حد امکان کن گذران اولوب بی جنک و قتال بوسکونه  
بر عنایت بدیعی الظهور ایلده امت مرحومه احمدیه دلشاد و مسرور اولدوغی محضا  
معجزه باهره باقیه محمديه ایدوکی شک و شبهه دن دور در عقلای روشن رأی  
یافته بوقع مبین ملاعینک جمله دونمائی النقدن راجح اولوب سردار ظفر شجاع  
مایه الافکار اوله حق بر خدمت ایدوکی واضح و آشکار در زیا کور قیودان دید کلمی لعین  
فن حیل و تلبیسک ابوعلیسی صورت بشرده برابلیسی اولوب هم ملاتری بیفتنه و قور عقل  
و کمال تدبیر ایلده مشهور و پر دل غایت شجیع و بهادر بر کافر ایدی عموما دونمائی دست  
استیلای اسلامیه داخل اولوب شقی و مزبور تک و تنها میدان جنگندن رهبا اولوب  
پاش قور نارمش اولسه آرزمانده ینه مکمل دو تها تدارک ایدوب اهل اسلامی بی حضور  
و فی آرام ایتک مقرر ایدی هزار حمد و ثنا حضرت رب العالمینه که اول لعین مقور و شقی

و بشرو شورک سفینه وجودی گرداب هلاک غرق و نابود اولدی فتنه و فسادندن  
بلاد و عباد امین اولدی مضراع چنین باد همیشه دشمن دین شمعان و هنروران  
عسکر مظهر لطف و احسان و بی غیرت اولان جبار کفر و مہمان اولد قایدر  
ابتدا قبضه کفان گرفتار اولان ماونه بی قایق ایلده واروب تخلیص ایدوب کتورن  
کوچک محمد حضور سر داره کلوب دامن بوس اولد قده سردار اعظم اسکمله اوستند  
اوتور ایدی کل شهبازم یاد شاهک اتمکی سکا حلال اولسون سنک کی غیرتو دلاوری  
الله تعالی بر خوردار ایلسون دیوب النبی و کوز لرینی اویندی وار قاسنده اولان سمور  
گورکی چیقاروب کیدردی و کندی ایلده باشنه ایکی غازی چلمکی صوقدی و کندویه  
ایکیوزدن مجاوز التون و معا کیدن آدم لرینه توزیع ایتک ایچون بر کسسه غرور احسان  
و یروب بواسطه عدایکه رعایت ایچون سنی اقرانکدن ممتاز مرتبه یه نائل ایدر زالم چکمه دیو  
تطیب خاطر ایلدی کوچک محمد بوالنفات ایلده عزت و شان تحصیل ایدوب عسکر ییننده  
مشار بالبنان اولدی و کفار باشته ده سنه طوب یئشدرن طوبیجی قره محمدی حضورینه  
گتوردوب بر خوردار اول کرامت اولو یاد شاهک نعمی سکا حلال اولسون دیوب یتش ایچ  
سیاهیالک علوفه سی ایلده چراغ ایدوب یوزالتون خر جلق و برقات لباس فاخره و یروب قاجی  
مسرور ایلدی و غز و جهاددن یوزدوند و میوب صداقتله خدمته بذل همت ایدنلری علی  
مراتبهم خلع فاخره و احسان و افرده ایلده محسود اقران ایلدی فرهاد پاشا نام بیعار هنوز جنکه  
شروع ایتزدن مقدم بندی کی قلیونی روم ایل طرفه یه یاشدن قره ایدوب فرار عارینی  
اختیار ایتشیدی اولکیجه بر فلو قه کلوب مزبور قلیونی احراق بالنا رایلدی دورت کیجه دن  
صکره بوغاز اغز ندر روم ایل صیقلرینده یاشدن قره اولان ایکی ماونه بی دخی کفار فلو قه سی  
احراق بالنار و عزم فاسد لرجه اهل اسلامدن اخذ نار ایلدی فرهاد پاشای اخذ ایچون کوکلیلر  
تعیین اولنشیدی طوب کتورد کلمی کی سوء علمه کون جزاء چو کروب یونین آوردیلر  
یکچیری کتخداسی بیسف اغابکتاشیان دلاور لینی جنکه تحریر صا تیمیوب ابتدا کندی  
سفینه سی پیشرو فرار اولغله ید کئی کفان و یرد کی تهمت ایلده اخذ اولوب کند و ایلده  
قرار ایدن چور باجیلرک اشبه لرندن یدی چور باجی ایلده اوتاغلک آرد قیوسنده بوغیلوب  
چشملری دریایه القا اولندی و سابقا قیودان پاشا لمباحه یدک کیسمله عزم سفر ایتدین  
باشترده یه سیواس بکار بکیسی چرکس عثمان پاشا نیابه سوار اولمشیدی انک  
تقصیرات سابقه سی ترتیب جزا قضا ایتدین بونی اوریوب دریایه القا اولندی کفار  
احراق ایتد کلمی ماونه قیودانلریندن طوبیخانه لی سیاهی زاده محمد قیودان میدان جنکه  
ثابت قدم اولوب ساحل سلامت اوزلدی ایچون قتل اولندی و ینه ماونه قیودانلریندن  
یوصوله چی زاده محمد نام قیودان دخی میدان جنکه و قدرغه قیودانلریندن عرب قاسم و بونلر  
امثالی بر قاج کسه سلامت درکنار وادی سنه عزم اختیار ایدوب کیلرینی آتش غدن کر قنار  
ایلد کلمی چون عبرة للناس صلب اولوب علمتد اشتر اکی اولنلرک جمله سنی اخذ و سیاست  
و عامه عسکره موجب عبرت قلندیلر یکچیری اغاسی سهراب محمد پاشا صدر اعظمک



قدیمی دوستی اولوب اوائل حاله طرفدارلغه متعلق نجه خدمتی سبقت ایتیشیدی اول  
 حقوقه رعایه قتل ایتیموب اغا القدن عزل ایله کتفا و مقتول عثمان پاشا محلولندن سیواس  
 منصبی توجیه ایله ینه کامران ایلدی درگاه عالی قیوچی پاشا پیلندن خدمتله اوردوی  
 همایونده بولمان علی خواجه یه بکچری اغالی توجیه اولندی بعون الله تعالی مخاذیل  
 مشرکین صف سیاه مؤمنین قرشو سنه کککه اقتدار لری اولدیغندن بقیه  
 سفینه لری بوزجه اطه یه تحصن ایتیک فکر نه اولوب بحکم جنسیت امداد لینه کان  
 اون اوج یان دوقه و مسالته کیلری دخی دیار نحوست مدار لینه چکیلوب کتدی لر غ  
 الی حیث القت رحله ام قشع با مشترده ده و سائر کیلرده اولان کور کیلر و عسکر فراو  
 ایدوب کورک و بکسماط و سائر آلات و مهمات تار مار اولغله مجد داندک لوازم امر مهم  
 اولغین سردار اعظم اول مصباح ایچون مالک بحر و سه نک هر طرفه احکام شریفه  
 ارسال ایلدی و ماه ذی القعدة نک دور دخی کونی اوردوی همایون ایله انا طولی حصاری  
 حراسندن قالقوب بوزجه اطه قرشو سنه قریب اسکی استانبول نامیله شهرت  
 بولان محله پای باشی نام موضعه نزول ایلدی قیودان پاشا بعض مرتبه  
 خدمت مقصد تیزی و بر قاج ماده ده سو تدبیری ظم و رایت مکلفه وزیر اعظم موأخذه سندن  
 خوف اوزن اولغین بی پاک و بی پروا امتثال فرمانه استعجالدن تحاشی اوزن اولوب  
 بر مدت ایدی که مد لید مکث و آرام ایدوب برو طرفه کله سن دیو دعوت اوامری  
 وارد نجه بعض نامناسب بهانه لر پیدا ایدوب قتل و سیاست خوفندن کله میوب اعدا و  
 ضعیفه اذیانله تشبث ایتیش ایدی راوی اید روز اعظم جنکدن روگردان اولان بوقدر  
 آدمی قتل و صلب ایلدی کی قیودان پاشا نک و یاننده اولان بکیرک و قیودانلرک مسموعی  
 اولد قن جان با شری نه چهر ایدوب انگریزه ده سو قصدی و ازایسه همان اوجاق  
 گیلرینه بنوب جزایر و تونس فرار ایتکدن غیری جان مریو قدر دیه خواب و راحت کند و لره  
 حرام ایتیشلر ایدی صدر اعظم خوف و هراسلرین پیلوب لمصاحه و حشترین دفع ایتیک  
 ایچون ملاطفه حکیمانه تدبیرین ایدوب ذی القعدة نک اون بر نه بهرام نام موضعه واروب  
 اندن قیده دانه خلعت فاخره و بیك الثون خر جلق احسان کوندروب سزر محل معرکه ده  
 بولما مقبله عند ربکتر مقبول و دائره عتابدن خارج ستر حاضر اولدیکنر نه دیکترده  
 اولان شجاعت مقتضایه دلیرانه خدمت ایدوب سعی اید چکتر قینا ماحوظ مزید و  
 ان شاء الله تعالی بعد الیوم اغور پادشاه عید نصو و مزدن زیاده مساعی جمیله وجوده کتور مکر  
 تمامولرد و بواسطت نامه یازوب بو معامله عاقلانه ایله قیودانی آسوده حال زیر سایه  
 سایبان اطیمینان ایدوب جمله بیکار و جزایر و تونس و طرابلس کیلرینک دایم لینه دخی  
 خلعت و کسبه لر بدل و اتفاق ایلوب بو کونه نوازش و التفاتله جمله سنی استوقاق  
 ایدکد نصو کره عموما کله سربوزجه اطه نک استردا دینه اهتمام اید لم دیو دعوت امری  
 کوندروی آمدن قیودان پاشا بوغاز جنکی ایتاشنده بزم قلیو نلردن اون اوج یان قلیون  
 کفار قلیونلری اوزرنه بر یایل طوب بوشاندوب جنک اید و معرکه کاهدن ایدوب

روزگار حکیمله ساقره وارد قلری ذکر اولمشدر قیودان پاشا دخ اول قلیونلری و یاننده تر سله  
 کیلر نه اولان وارد یان اوجاق کیلرینی اوب مد لیدن دو تملای همایون رجعت ایتیشیدی  
 قلیون و چکدرمه جمله سکسن التی یان سفینه مجتمع اولدی استردا دیزجه اطه مقدمه بحر  
 اولند و غی اوزن ملاعین تاسرین مشاهیر باس و خرمانله تحصن و تحصین ایچون بوزجه اطه یه  
 بادبان کشای نحوست اولوب بوغاز غرنه انجق التی یان قلیون قوم شلر ایدی سردار اعظم  
 بوزجه اطه تخلیه صبه شروع ایدوب طائفه سپاهیدن اوج بیك مقداری نفرات بعد ادا  
 اخذ مه بشر اچقه ترقی و بر لک شرطیله سردن یکدی یاز یلوب بکچری و جبهه جی و طوبو مجبورون  
 یرلری چالمان ایکی بیك نفرک دخی اسامیلری تکیج اولمق اوزن دفتور لمان بش بیك قدر  
 کزیده مرد دلا و رلر ایله چقماق نام ساحله مجتمع اولشلر ایدی قورت پاشا نام بهادر اوزر لینه باش  
 و بوغ تعیین اولنوب قیودان پاشا فرمان صدر اعظم اوزر ییاشوب او تو ز اوج یان چکدرمه یه  
 بوذکر اولنان عسکری تحمیل ایدوب ماه ذی القعدة نک اون بخشی سبت کونی کجه سی  
 نصف الیلله کونوروب بوزجه اطه ده کرمز در سی ایدند کون سی نام موضع قره یه  
 چقاردی اول مبارزان میدان جنک جو جزیره حصاریه یاریشوب طلوع شمسدن مقدم  
 کوز جی دپه سی نام موضع ده دخواه لری اوزن متر س پید ایتدی کفار قضیه دن آگاه اولوب  
 سفینه لری ایله جزیره کناری نه کلوب عسکر اسلام اوزر نه طوب کله لینی طولی دانه سی کی  
 یاغدر دبلر و قلیه حفظ الهی ممانعتیله سربازان میدان دین اصابت ضرر دن امین اولوب  
 کسسه نک بورنی قنایموب کفار خا کسار خیمات و خسرا نه سبت ایدار چکدی سردار اعظم  
 امدادین کسمیوب ایرتسی کجه دخی ممکن مرتبه عسکر و مستوفی ذخیره و مهمات و باروت  
 ایرشدیروب کند و لراوردوی همایون ایله بوزجه اطه قرشو سندن مکث ایدوب پی در پی غزاة  
 موحده کرکی کی تقویت و تمکین ویر ممکن اهتمام تام ایلدی لر اعدای بدکار جزیره بی استعلاص  
 ایچون درکار اولان تدبیر و اهتمامدن خبردار اولد قلر نه مدافعه ایچون تدبیر ایدوب رأی  
 فاسد لر نجه بوکه قرار ویر مشلردر که اطه نک بر جاقنه عمو لا نمق بهانه سیله کشتیلر ایله عسکر  
 اخراج ایدوب قلعه ده اولنلردخی حاضر و آماده اولوب انلری کی جانبدن هجوم ایدوب  
 و سفینه لر دیادن طوبیلوب عسکر اسلامی احاطه ایتیکله بر فرد خلاص اولماق اوزن نال  
 مرام اوله لر غزات مسلین دخی حمله و تدبیر لردن آگاه اولوب کله جکری مواضع کیمکا هلرینه  
 بشر التیشریو زمقداری تفنگ انداز لر تعیین ایدوب ماعداسی میان میداند اعدای  
 بد فعالک خر و جنه منتظر اقرار ایتیشلر ایدی ماه ذی القعدة نک اون سکرنجی کونی اطه نک  
 سمت جنوبی سندن تکفور با نچه سی دیمکله بر مشهور یرده اولان ماء جاردن صولتق  
 بهانه سیله چقد قلری خبری عسکر اسلامه واصل اولغله ایکی بیکنن زیاده مرد درستم مثال  
 کروه مشرکینی استقباله استبحال ایتدی لر قلعه ده اولان ملعونلردخی طوب صداسی  
 اشارتیه خبر اولوب اتفاق اوزن عسکر مسلمینک اردلرین لاق ملاحظه سیله قلعه دن  
 چیقوب متر سلا و زرنه یرید بلردر کین اولان سرور لردخی چیقوب نیستانه دوشمش آتش  
 صوزان کی شمشیر بران ویر جانستان ایله ینشد کار نه امان ویر میوب بچکان ایلدیو



مجموعه کبرادین وقت عصره دك ايكي ردن آتش جنگ قروزان اولوب خون گشتگانين  
دامن كوه و حجر اوادي شقايق النعمانه دوندی گروه دشمنان عاقبت هجوم دلاورانه تاب  
وتوان كتون ميوب كاد كاري جانبه كزيان اولدي يلر برنامدار قيودانله بشپوز قدر ملاعين  
طعمه شمشير و ايكوز قدری بر معتبر قيودانله در زنجير اولدي سربازان ميدان  
دين عنايت حضرت ولي المؤمنين ايله ماحوظ و دامن امن و سلا متله مصبون و محفوظ  
اولغين طرف اسلاميانان انجق و توزع دمرد سعيد شهيد و اون نفر مجروح  
اولوب عساكر اسلام نيل نصاب ظفر ايله شادكام و كفرة لثام روسياه بحالت انزام  
اولدي يلر بو خبر مسرت اثر دن سردار اعظم خبردار اولوب عسكرا اسلامي تقويت  
اچون همان اول كچه ييك بشپوز قدر مرد دلاور دخی تعيين ايدوب ايكي عدد طوب  
قلعه كوب ايله اون سكرپان قدرغه يه تحميل و قيودان پاشا مباشرتيله جزيره يه نقل  
ايتدي يريابوب قيودان پاشا نصف الليه جزيره يه يناشوب طوي يري و عسكري اخراج  
ايدنجه عودتي صباحه قالمين كفار قليو نلري كوروب قدرغه لرك اوغورين  
المق سوداسيله هجوم ايتدي يلر قيودان پاشا قدرغه ايله جست و چايك ديره نوب ضرب  
طويله كفار قليو نلري ييك پروبان شكست و لواء عجب و غرور لرين يست ايدوب  
مصوب سلامت دنوب قرار كا هرينه واصل اولدي سردار اعظم قيودان پاشا يه  
بركورك و معاكيدن سفينه بيكرينه خلعتلر كيدردي و بو غارده لنگرلر از محوست  
اولان التي يان كفار قليو نلري اوز رينه واروب بر طرف ايتك اچون انا طولي ايا لئنه  
متصرف حسن پاشا سردار تعيين اولوب كوندرلدي يكرمي قدرغه ايله واروب  
بيت الصلايتندن غرويه قريب زمانه دك آتش حرب و قتال اشتعال بولوب اول جنگ  
دخی قدرغه لردن يكرمي قدرغازي شهيد و مخا ذيل فرنگدن يكيوزدن مجاوز يليلد مردود  
نايد ايد اولوب طرف كفارده ضعف حال بيدار اولدي ازين جانب و زجه طه ده اولان  
هسكرك ظفر رهبر ميسر اولان غلبه و نصرت و سردار طرفندن متعا قبا و ارد اولان  
امداد و تقويت سروزيله بي محابا قلعه محاصره سنه اقدام و دليرا نه جنگ و حربه بزل  
اقدام ايد يلر كفارغا كسا ر عسكرك جديد امداد بدن خبردار اولد قبه مقاومت اقدار لري  
اولدي يندن بالضرور دست ياسيله ابواب مقبالتله بي سد و بوز جه آله دن  
قصد ايدوب بر كچه قلعه ديوار لرين لنگ ايله افكندن صفحه تراب و داخل و خارج  
اولان بيوت و دكا كيني آتش قهر و كين ايله خراب ايتد كدن صكره كوتور مكه امكان  
اوليان او تونالتي و علي روايه قرق يدي يان قلعه كوب از درين طوي يلري پولاد چوي  
ايله بر قاچكون استعماله صلاحيت دن تعطيل و قلعه ده اولوب لنگ ايله منهدم اولان  
قله لرك ابيه مقلوعه سي التمه قلادن ماعد اجمله جيه خانه يي و جمله اطه  
سكانني ارزاق و امور اللري ايله كميله تحميل ايدوب ماه ذى القعدة نك يكرمي  
برنجي سبت كچه سي بر خواي الليله جنة الهارب قرار ي فران بيد ايتدي يلر  
احمد ليسر كل عسير اول قلعه مدد كاري عون حضرت رب العالمين ايله اسهل

وجه ايله يته قبضه تصرف سلطان الاسلام و السليته داخل و يگخواهان دولت ديتيه  
حضور سكينه حاصل اولدي بو خبر تحت اثر و مرده فتح و ظفر سردار بلند مقدار طرفندن  
تأخيص ايله ركاب هماينه وارد اولد قده على رغم الاعد الوج كچه دريا دو نهما سي و شملكار  
اولوب بو خدمت جليله نك مقابله سنه سردار مشار اليه توقير و تعظيم ايله خير دعاء  
شاهانه محتوي خط همايون تحريري و يريابوب طرف يادشاه هيدن بوجه التفات  
بر قبضه شمشير عدد و تدبير سلطاني و بره و رفاخره دوخته ايكي ثوب سراسر خلعت  
خسرواني مصاحب شهر ياري خزينه دار صولاق محمد اغا ايله ارسال اولندي عزيز  
افندي تاريخنده دير كه كفارغا كسار مكر كه قره جانبدين واسع و عميق برخندق حفرينه  
بذل مقدور ايدوب درياني اجريه تخمينان زراع يرقالئس و داترا مادار اطرافني محيط  
سد اسكندر اسامه مستحکم بنياد بر عريض سورچكمكه سعي نا محصور ايدوب نصفه قريپ  
يانلئش ايتش و دكر من دن سي نام محل اطراف جزيره يه مشرف مرتفع محله دخی بر متين  
قله و محافظه يه مناسب يره طايه لر بنا ايتمكه بوزجه اطه يي من بعد دست استيلا رندن  
چيقار مق سوداسيله كال مرتبه استحكام و يروب بوجه ايله اتمام ايتلار ايد يكه شروع  
ايتد كاري مرام قيرين اتمام اولش اولسه ييك يان كيله التوق امر حال اولوب انا طولي و روم  
ايل جاتلرندن بو غار دن ذخيره كيسي يكمك نه احتمال ايد ي دريا خود سربا و اطه لري  
عمومادست استيلاي كفان داخل و دين و دولته و هن عظيم حاصل اولوب مستقر  
سرب سعادت مصير محصور راه آمد مشد قره د كزه و طرف بره مقصور اولغله استيلاي  
اعد او قحط و غلا بلا سيله دار السلطنة العليه معيوب و اهالي سندن امن و راحت مسلوب  
اولغين العباد بالله تعالى حال مشكل اولوردي حقا كه بو بابده صدر رفيع الخصاب  
حكيمانه اسلوب مرغوب اوزن اعمال ايتديكي تدابير مستحسنه ده عقل عقيله دان رنگ  
و حيران اولوراهالي قرنك جزيره يه ياد كاري كي استحكامنه اتمام ايتمكه متانتی صدر  
چدان واستر دادی بحسب الطاهر خارج داتره امكان اولغله از قالمش ايد يكه هر طاشنه  
عجه ياش فد اولغله فتي ميسراو لسه غنيمت نادن عد اولور كن مجر د حسن التدبيرين  
بمساعدة التقدير قبضه تصرفه اد خال ايتك و زير مشرتي تدبيره عنوان جريده  
حسنات اعمال اولغله شايسته بر عمل نايسته در عمل مبرور و سعي مشكور اوله سردار  
اعظم پياي سبق ايتديكي اوزن صدر اعظم سفرده ايكن آستانه سعادتله اوليكاد يكي  
اوزن دعايه حقلماق فرمان بيور يابوب نصرت عساكر اسلام اچون مواضع معينه ده  
خير دعا اولوردي و شوكتلو ياد شاه حضرت تاري كاه و بيكاه تبديل طريقيه كشت و كذا  
ايدركن وقت صلاده كل جامعي قرب سنه مصادف اولوب جمعه يي انده ادا يور د قلزنده جامع  
مزنورك خطي ياد شاه عالميناعي فر استله بيابوب محرابه كند ككه ياد اوودا نا جعلناك  
خليفة في الارض فاحكم بين الناس بالعدل ايت كرميه سن قراءت ايلدي ياد شاه  
صاحب زكاح حضرت تاري ايت كرميه نك معنای شريفندن آگاه اولغين نمازي ادا ايتد كدن  
صكره چوقه دار كنهان اغا قوللرينه امر ايدوب وار خطييه سؤال ايله كنهنه دن



شکایتی وار میگردید و ارسال ایلدیلر خطیب مزبور جواب میدادند و به مشروطه اولان  
منزلی ویران اولوب متولسی ترمیمده اعمال ایند و کندن شکایتی اولد و غن عرض ایلد که  
همایتلو پادشاه عالمپناه حضرت ناری ناظر وقف اولان دارالسعادة اغاسی دلا و راغایه ننبیه  
بیور وب خطیبک خانه ویرانه سنی اباد ایتدر مکه قلب حزین دلشادی و دیلم مقام  
خلافت اولان سلاطین صاحب فرسته شرط و لازم اولان تیقظ و انباهی مشعر  
یومعامله رشیدانه ظهور دله خلق مسرور اولوب پادشاه عالمپناه حضرت نارینک علامت  
کرامت اولان محض فراستلرینه استخسان ایله دوام عمر دولتیرینه دعای خیر ایلدیلر  
معایت قره حسن زاده حسین اغا در حق صدراعظم و وفاتش در آن زمان تفصیل احوال  
حسین اغا که علت باسوره و اورام و بیثون مبتلا نحیف و ضعیف آدم اولوب دولت سورمش  
زوز کارک تغیر و انقلاب کور مش کار از موده کرک باران دید اولغین بعض وقعه لده  
دوات علیه طرفه خیر خواهلر یوزندن نجه تدبیرات نافعه القاید وب توفیق  
حق ایله تدبیری تقدیر موافق کلوب نتیجه سی خیره منجر اولغین دولتو والدر سلطان  
و سعادتلو مرحمتلو پادشاه عالمپناه حضرت ناری کندویه حسن ظن ایدوب دولت  
علیه نک عبادق خیر خراعی اولق اوزن اعتقاد ائمه لری ایله مسنشار سلطنت و محرم  
اسرار دولت اولق اوزن تعین و شهرت تحصیل ایشیددی بواعتبار سیبیه عمو مایکچیری  
اوباغی خلقی قبضه تسخیرینه رام اولوب رأیندن خارج حرکت بر فردک قدرتی یوغیدی  
حل و عقد مصالح سلطنت و عزل و نصب و کلای دولت مقوله سی معظمت امورده  
رأی و تدبیرینه مراجعت اولوب اتدرون همایوندن سوال بیوریلان خصوصاً صوره  
جواب یازاردی شفا هامکا له اقتضا ایدن اسرار خفیه ده علیل آدم اولغله عربیه ایله  
سرای همایونه واروب مجلس خاص الخاص استشاریه داخل اولوب اکثری حاله  
انک قولیه عمل اولنوردی بکمتاش اغا و قره چاوش و چلبی کتخدا بیک که بکتاشیان  
اوجا غمک عنادی ایدیلر حد لرینی تجا و زایتدکاری ایچون دولتری بر کشته  
اولنده مزبور کز لو جه صغنی و ارایدی بعد ایشیر پاشا وقعه سنه اندرون خلقی ایله  
خفیه مقتدا اولوب ایشیری قتل و مراد پاشانی وزیر ایتدر مکه تدبیری دخی مزبور ک  
رأی و تدبیری ایله صورت یولش ایدی بطش غضب سلطانیدن تخلص جان  
ایدوب صکره مراد پاشانی شام منعه بنه یوللیوب حمل ثقیل و زارتی قوجه سایمان  
پاشا اوزرینه تحمیل ایتدر مش ایدی بعد وقعه و قواقیه ده مصاحب اغا لک  
تلف اولسی مزبور ک مسامحه سی و عدم تقیدی ایله حدوت ایشیددی بعد اغا لک  
اعدامنه سبب اولان میدان اغا لری دیدکاری زوربارلی دیانده قتل ایتدر مشیدی  
حاصل هر کارده و هر تدبیرده خیر و فطیر صاحبی داعیه دهیا ایدی گورولی محمد پاشا  
صدر اعظم اولوب حل و عقد امور علی طریق الاستقلال شروع ایدوب مهر  
وزارت تحمین اولمان سیدی احمد پاشانی و غیر متعین وزاری دفع ایله شوکت  
شهر نارین قع ایتدیکچون زمره سپاه فتنه جویانده شروعله جمعیت ایتدکارنده

صدر اعظم عاقلاً نه دیره نوب علمان کارکنند اولنلری قوله آلوب مزبور حسین اغا نک  
زیرا رتبه واروب رضا جویان سمتن کوستر مکه اعتماد ایتدیروب اتفاق و اتحاد بانه  
عهد و پیمان ائیمکه یکچیری اوباغی دخی طرفکی ایشیددی حسین اغاده صدر اعظم  
طرف سلطنتله اولان عهد و مواثقه مطلع اولوب و کندویه تملقنی کوروب طوعاً  
و کرها طرفدارلق اختیار ایشیددی تا که صدر اعظم سفره کیدوب بوغاز جنکده  
غزادن روگردان اولنلری علی الخصوص کتخدا بیک یوسف اغا یی سکر متعین  
چور باجی ایله و برقاچوز یکچیری ایله قتل ایدوب پاشا لردن و قیودانلردن و سائر لردن  
نفوس کثیره یی طعمه سیف ایلدیکچیری خبری حسین اغایه منعکس اولدی های  
بو قوجه نک حرکتی حرکت دکلدر یکچیری اوباغنه قاج قویوب ضابطه قتلنه باشلادی  
برکون اول یونک تدارکی کورمک کرکدر دیوبیله نازک محله بی ملاحظه و خامت عاقبت  
کار تبدیل وزیره صرف مقدورده قصور ایشیوب حسن تدبیر وزیری صورت خطا  
و تعمیره ارات ائیمکین سلطان صاف نهادوبک اعتقاد حضرت نارینک و زیره اولان  
حسن ظمیری بر فحوا ی من یسم یخل تغییر و قلب شریفترین اول دستور اصف نظیردن  
تنفیر ایشیددی مثلاً یکچیری اوباغی دولت علیه نک ۶۴ عسکری ایکن الفرار مایطابق  
من سنن المرسلین فحوا سی اوزن کفار خاکسارک پرا تش سفینه لری او کندن ضروری  
قراری اختیار ایتدیلر دیوب ضابطه لری ایله قتل ایملک خطا ایدی عسکرک حالی بودرگاه فرار  
ایدلر سه ده ثبات اوزن قرار ایدلر لری جمع عسکری قرقمق قابل دکلدر هر حال مدارایه  
محتاجدریدی حضرت عمر و قتلنه قدس شریفه کوندریلان عسکر بحسب الاقتضا فرار  
ایدوب کلدکارنده خلق کندولره فرار ایلر دیوب طعن ایتدکچیری حضرت عمر ایشیدوب یوبله  
طعن ائیمکین بنلر فرار ایلر دکلدر کرار لرد دیوب خلقی طعن و تشنیعدن منع و خاطر عسکری  
تطیب ایله و حشترین دفع ایشیددی یوقدر آدمی قتلندن اقتضا ایدر دیوب تاریخ شناس  
اولغله بو حکایه یی حجت اتخاذ ایلدی اما مفتی یولوی آفندی وزیرک طرفداری اولغین  
حسین اغا نک دخل و تعرضی دفع ایدوب اوائل اسلامه علی الخصوص عرب مخاربه لرنده  
کرو فرقه اعظم معتبره ایدی اولوقت بدوت اسلام و شکیمه عصیت مقتضا سجه  
خشونت شجاعت و صلابت ایمان احبابی بر سمتدن فرار ایدلر سه سمت اخردن دلیوانه  
هجوم ائیمکین غیر نلری ایدی انلر اجرت مالیه ایچون رغبه و حاکم قهری و زجریه  
رهبه و کرهاد و کشمزلر ایدی و سردار لرینه غیظ و کین ایچون و بعض اغراضه مبنی  
تحاذیل و نکسار کوستر مزلردی اعلاء کلمه الله و نصرت دین ایچون مجاهد ایدلر لردی  
اخذ غنائم فائده سی بو جهادک تحتند بالعرض حصوله کلوردی انلر کی متفق  
و متصالب فی الدین عسکر بحسب الضمره فرار ایدلر سه باس یوقدر در عقب عودتله  
کرار اولور لر یوقه اول زمانه قیاس اولنلر شمدی بردقه فرار واقع اولدقه معاودته  
جرات احتمالی قلنرند داخل اغراض و فساد نیات ایله خلقت عالی مشوش اولمشد فرار  
عن الخف ایدلر نارینک ایشیلرینی قتل ایتدوکی مشروع و معقول اولمش سفرده ایکن وزیر



عزل اوله نك مفك سید عظیمه سنی واردرد یو حسین آغانك رانی تزیف واقوالنی  
ابطال ایدوب صدر اعظمه صاحب چقمش ایدی حتی مشاهیر دن بورزباقی چلبی که  
یکچیری او جاننده عارف و مجتهدان و صاحب تعین کسینه ایدی حسین آغانی بولوی  
افندی یه کوندر رکوب تبلیغ سلام ایدوب سلطانم اغا دعا جکر دید یکه کوپر یلی  
پاشایه صاحب چقمه سونلر یاد شاه عالینا هه احوالی افاده اولوب عزلی قرار داده  
ورینه قائم مقام عسکرت احمد پاشا پناهاده اولمق قوت قرینه یه گلش ایکن  
دفع و تحویلده سعی ایتمسونلر انك ظهور و حرکتی غایت موحشدر استحکام تام بولورسه  
پزی و کندولری و غیره متعینلردن کسه فی صانع قومیه حق علامتی وارد حمایت ایدر لسه  
صکره کندولری بشیمان اولور لردیو وافر ابرام و الحاح ایلدی مداراسی اهر آدم اولغین  
مفتی افندی حسن مدافعه سمته ذاهب اولوب آباقی چلبی شمدی سفر اوزری  
عزل کوچدر نوع ظفر ایله کافر کیلرینی بوغازدن قالدردی و بوزجه اطه فی فتح و تحلیصه  
مشغولدر سفر عودتته دك صبر اولنسون کورلم دیدیکه خیر سلطانم آغانك رانی بوکده بوزجه  
اطه فی ولتی فی الوب منصور کلورسه بردخی اکظفر بولمق مشکدر همنان فرصتی فوت  
ایتمام ککر کدر دیو ابرام و الحاحه مشغول ایکن قضای ربانی مفتی افندی نك کتخداسی افندیك  
قولاغنه قره حسن زاده حسین اغاشمدی فوت اولمش دیو خفیه خبر ووردی متعجبانه  
تبسم عبرت آمیز ایدوب سبحان الله القادر دیوب بورناز باقی بی آگاه ایلد کده باقی چلبی دخی  
تعجب ایدوب سلطانم الما مورعذ و رجوا سنجه بزم بومقوله کسه قافلغمز انك ابرام ایله ایدی  
دیو اعتذار ایلدی حتی عزیز افندی یوسر رسته یه انکشت اعتراضی پیچید ایدوب  
مومی الیه حسین اغایه بو وجهله طعن و دخل ایدر کده دائم مزبورک صنعتی خیر خواهان  
دولتی طرف سلطنته خلاف واقع غمز و افساد و نظر عاطفت سلطانیدن طرد و ابعاد  
اولغین رغبه اورهمه باب نحوست مائی مرجع ارباب حاجات و دستگاه شأمت پناهی  
القاء ضرورت ایله اصحاب حاجاته مایجا اولوب رضاسنه نوعا مخالفت اوزن حرکت ایدنلری  
اندرون همایونه بر اسناد ایله عرض و اعلام و عزلته بلکه قتلنه و ادنا مرتبه نفینه اقدام  
ایدردی و کندوسی مرض هائله ابتلاسی ایله اسیر فراش ایکن مصرع و من العجائب  
اعش کحال زنجیه مزاج ملک و دولته علاج کند و تدبیری انضمامه محتاج اولمق  
ادعا سنه اولوب اخر عمر نه بویه نازك محله عسکر اسلامه سفرده ایکن وزیر  
اعظمی بعض تهمت اسنادیله عزل ایتدرمکی قوت قرینه یه کتورمش ایکن فوت اولوب  
تسلط فتنه سندن خلق عالم خلاص اولدی دیو ذم ایدوب الحمد لله الذی اذهب  
هنا الخزن بهلاك الكلب الاحرب والخس الحرب ابن قره حسن فقره سی ایله ختم کلام  
ایتمشد لکن فقیر دیر مکه مزبور حسین اغا بومر تبه ده دم و قدحه مستحق آدم دکلدر غالباً  
عزیز افندیك عزلی و نفی ماده سنه نوعا علاقه سی اولغین مقتضای مشربلری  
اوزن انتقام احرف اندازلق آتش اوله لرمز بور حسین آغانك رانی و تدبیر نه اولان اصابت  
و قتن عظیمه ده و وقایع خیمه ده قوت عقل ایله دولت علیه یه ایلدوکی خدمت

انکار اولنارنته کم تفصیلاتی دفعاتله مرور ایتشد کوپر یلی پاشای عزلی ایتدرمک  
ایچون ایلدیکی سعی نامعقول ايسه ده ینه قابل توجیهدر دولت دنیا حال معلومدر  
اصحاب جاه زمره سنه اغراض دنیویه یه مبنی منازعه اکسک اولمظا هر اوجاغنه  
صاحب جیقوب وزیرک استیلا سندن خوفنه بناء رفع رقیب سوداسنه دوشمش اوله  
جمع عیویدن و نقایصدن خالی آدم دنیاده بولنر انجق حسن حالی قعیائنه غالب  
اولان نفس الامر ده مدوح اولان رجال ککبر زمره سندن معدود اوله گلشدر حسین  
آغانك بواحواله شروعی و در عقب انتقالی خبری صدر اعظمه منعکس اولد قده فوتته  
مجدد شکر ایلدی و صدر اعظم مقتول تارخونجی احمد پاشا کتخداسی کبار زعمادان  
مؤمن اغا و بالفعل سکبان پاشی چوبان قاسم اغا قره حسن اوغلی حسین اغلک جانبداری  
ایدیلر و مرور ایلدن زور بار و قعه سنه و خصوصاً صدر اعظم ابتداء صدر ایتد اولان  
سیاه جمعیتنه انك مدخل عظیمی اولوب لکن قره حسن اوغلک حمایه سیله  
حقارندن کتبه مش ایدی سفرده صدر اعظم نه ککونه حرکت ایلدی و نه مقدار  
آدم قتل ایلدی ايسه جمعه دفتر ایدوب تقیر و قضمیر احوالی قره حسن اوغلنه  
ارسال ایتد کیرنی صدر اعظم بیلوردی لکن ضروری صبر ایدردی قره حسن اوغلک  
قوتی خبری کلدکده مؤمن آغانك بوینن اوروپ زعامتن اخره ووردی و سکبان  
پاشی چوبان قاسم اغایه خداوند کار سنجاقی امرنی ارسال ایدوب اولکون قتل ایلدی  
ارسال عسکر برای استخلاص جزیره لمنی طرف پادشاهیدن خزینه دار صولاق محمد  
آغا ایله سردار اعظمه کوندر بلان خط همایونه لمنی جریره سنی استرداد ایدنجیه دك  
اول جائید مکاتیمک فرمان بیورلشیددی سردار صاحب الوقایه بوزجه اطه فی کرکی کی  
تعمیر ایدوب لزومی مرتبه طویل و جبهه خاتمه و نفرات و مستحفظین وضع ایدوب یکچیری  
اغالغندن سیواس ایالتی ایله چیقان وزیر سهراب محمد پاشای بوزجه اطه محافظه سنه  
تعیین ایلدی لمنی جزیره سنی استخلاص ایچون انواع عسکر دن دورت بیلک بشپوز  
قدر مرد دلاور چکدر برلره وضع ایدوب قیوان طویال محمد پاشای اوزر لرینه سردار  
تعیین ایلدوب کوندردی جزیره مزبور نك فتی احوالی کله جک سنه و قایعنه  
مفصلاً بیان اولنسه ککر کدر ذکر احوال سرحد منصور بوسنه و ایضی سیدی احمد  
پاشا و نیک کفاری سرحدنه اولان زادن قلعه سی اوزینه واروب یول اوزرنه  
واطراف قلعه ده واقع اولان باغ و باغچه و قرا و مزارع جمله سن آتشی قهر ایله خاکسار  
و ابنیه عالیه و منازل مرتفعه لرین خراب و بیاب وزیر وزیرت کدن صکره تسخیر  
ممکن مارنه نام قلعه نك اوزینه کیدرکن بر محل تنکده دورت بیلک مقداری کافر عزیمت لرینه  
مانع اولمق ملاحظه سیله اوغور لرینه جیقوب جنکه مباشرت اولد قده حمله سروان  
هزاره ایله لمح البصر ده تحت برکشته لری کی کیرزان و اطراف و جوانبه پریشان اولدیلر  
مجاهدان غزات یتشد کلرینه امان و بر میوب ایکی بیکدن زیاده ملاعینی طعمه شمشیر  
و سکر بوزی اسیر اولد قد نصکره قلعه مزبور دخی ایام قلیله فتح اولوب اموال و ارزاقی



غارت اولندی دشمن دین مملکتی ایچنده اولغله محافظه سی متعسر اولدوغنه بناءز روزیادوب  
منصور و مظفر عودت ایتدکاری خبری واصل سمع همایون شهر یاری اولد قده پاشای  
مشار الیمه نوازش نامه ایله سیف و قفتان کوند رلدی محاربه تاتارخان باردل له قرالی  
تاتارخان سابق ایله خصومت اوزن حرکت ایتد بکندن اون سنه مقداری اوزرینه سفر لر  
اولغله ممالک خراب و ویران ورعایاسی اسیر و عسکری پریشان اولغله حاللری دیگر کون  
وجکری پر خون اولمشیدی حالا ممالک تاتارده خان اولان محمد کرای ایله مصالحه  
ایدوب بر قاج زمان آسوده حال سانیه نشین امن و اطمینان اولمشیدی اردل قرالی اولان  
راقوچی نام لعین له مملکتی مختل و مشوش اولغله تسخیری ادنا توجه ایله ممکندر ملا خطه سیله  
مستقلا حکم فرما اولغیچون اسوج قرالندن استمداد و افلاق و بغداد و یوده لر ایله  
اتفاق و اتحاد ایدوب مقرر حکومتندن التمس بیک نامدار کفار ایله حرکت و ممالک له  
اوزرینه عزیمت ایتدی یکی خبری معروض سده سلطنت اولد قده تاتارخان عالیشان  
مذکورک اوزرینه سفر ایدوب ممکن مرتبه کوشمال ایتک ایچون مقدمه خط همایون صادر  
اولمشیدی خان مکارم نشان دخی بر موجب فرمان قضاء جریان ایکووز بیک عسکر تاتار  
عد و شکار ایله عزیمت ایدوب سرحد ممالک محروسه یه واصل اولمشار ایدی راقوچی  
سیل کوه انداز کی کشور له اوزرینه اقوب کلورکن خانک لشکر پیکرانله عزیمتندن خبردار  
اولغیچ ایشدی یکی محله طابو ر قوروب زعجه بحر زار تاتار اوکنه سد استوار چکدی  
اول نادانی واره صحرای پریشان ایتک ایچون خان یوز بیکدن زیاده عسکر ایله قاغغه  
سلطانی راقوچی و لابئی یغما و غارت و اها لیسنه ایصال خسارتیه تا مزد ایدوب اول  
لشکر تالان کری اردل کشورینه حواله و دارودیا لرینه سیل بلا آسا ساله ایدی  
بوتد بیر اصابت پند یردن راقوچی خبر اولوب و لابئی محافظه قیدینه دو شمعین  
له قرالغی ارزو سندن فرام و اول سودای خا مدن تخلیه دماغ ایدوب کند و لره حصن  
حصین اولق ایچون اعداد ایتدی یکی طابوری ترک ایدوب مملکتی محافظه یه عزیمت ایتدی  
یش و بیسی سلطان و خان ایله مسدود و تدارک کار خلاص مفقود اولغین مقابل اولد قمری  
کی بین العسکرین دریای جنگ و قتال موج انکیر اولوب بیت دام اعد ایله دستت جهانی  
لاله زار ایدی سپاه برق و قنار تاتارک نیربارانی مضمونی اوزن عاقبت نسیم فتح و ظفر طرف  
اسلامیاندن وزان اولوب پای سمنده مجاهدین اول عرصه هولنا کله جیش اعدائی یا عمل  
ایدوب دست برد قهرمانی ایله ناسخ دستان رستم و زال اولد بلریت و غاده اردلک اوستنه  
نقطه قوتیز ایتکی میان معرکه ده اردل اولد بلر زخم خدنگ طرف عسکر اسلامدن انحق  
طوقسان تاتار عازم دارالقرار اولمشیکن طرف کفاردن اقل متیقن بکرمی بیک مقداری  
قایچدن یکوب ید یوزدن متجاوز نامدار لر ایله بکرمی بیک اسیر و زنجیر اولدی  
سردار لر اولان لعین انحق اوچیز و مقداری کسنه ایله خلاص اولوب ماعداسی  
هلاک و اسیر و پریشان اولدیلر درهم و دنانیر ایله ملوکیسه لر و انواع امتعه و تحف  
قیمتدار ایله پر بارنجیه بیک عربیه و قلعه کوب یوزاللی عدد طوب مضبوط

کاشان خان عالیشان اولد قد نصکره له عسکری راقوچی و لابئی غارت و یغما ایله تالان  
و آنچه یوزم و مروضیاع پر انتفاعی خا کله یکسسان ایتدی یکی خبری وراقوچینک اقرب  
اقرباسی اولوب خانه اوچیز بیک غروشی قدیه خلاص و یردکاری خبری ایله  
براسر معتبری درد و ولته واصل اولدی مسرت بخش قلوب عالیشان اولق ایچون عظیم  
ستیکار اولوب بوخد منی مقابله سنده خان عالیشان قیو جیتر کتخداستی ایله نوازش نامه  
سلطانی و خلج فاخره خسروانی و خنجر و شمشیر و جوهر و مرقع زرین کرار سال قلوب  
قیمتیه محصول مجر و کان شایان اولان بر او تاغده پادشاهانه ایله توقیر و اجلال بیورلیدی  
یوار دل محاربه سی عزیز اقدینک و وجیهینک تقریر یردن عیسی زاده افندی و محمد خلیفه  
تاریخ ندر بوخصود منی بووجه له تقریر یرو خان تاتارک بوسفرده بر ناز کانه تدبیرین بوسیاق  
اوزن تحریر ایتشدر که بوندن اقدام اردل بانی مرد اولوب رینه یدی قله ده مجبوس اولان  
راقوچی اوغلی کورکی نام یله اردل بانلی احسان اولوب مقرر حکومتندن قرارداد  
اولد قده دماغی فساد اوزن اولغین زمان حبسند ظهرون کن حوادی و اختلال نظام  
معلق مطلق اولدوغی احوالی کروه کفره یه علی التفصیل عیان ایدوب آل عثمانک عسکر  
و خزینه سی احوالی ییلور دم مقاومتیه عدم قودرنلری مقرر و وکلا و عسکری بیننده خلاف  
و شقاقله حاللری مکدر و روندیک ملاعینی ایله طرفی دریادن استغفال اوزن ایتکی زده  
قره دن هجوم ایدلم استا نبوله و ارنجه او کومزه کلور و قار شوط و ر عسکر یوقد و  
دیوب اطرافنده اولان کفره ایله اتفاق و اتحاد عهد و میثاق ایدوب خصوصاً افلاق  
و بغداد و یوده لر ایله قول و قرار لری متعین اولغین خان تاتار محمد کرای خان تأدیب  
و کوشمال ایچون تعین اولمشیدی انحق افلاق و بغداد و یوده لری معام و جود اولوب  
برارو نامدار بویا لرین غوما عسکر ایله پاتنه کوند مشر ایدی راقوچی اوغلی  
کروه کفرا ایله طابو ر قور و د قمری موضعه ایکی قوناق قریب یزه عسکر تاتار کلد که  
بووجه له بر حدعه حکیمانیه ایتدی لکه کفاردن بر قاج دل التمشیدی عسکر تاتاردن  
بر قاج بیک دلاوری عثمانلی عسکری قیافته قویوب کیجه ایله اوردودن طشره کوند ریدلو  
و علی السحر دللری میدان سیاسته کتوروب سوبایدوب قتالزینه شروع اشنا سنده  
سرعتله بر قاج تاتار مرده جیشی دیوان جنکیزه کیروب خان مرده اولسون طرف  
پادشاهیدن اون بش بیک سبکبار عسکر کوند رماش حالا وصول بولد یلر دیو خبر و یردکارند  
کویا تشکر ادللری ازاد ایتدی لرد دیوان خا مدن چیقوب کروه کروه عثمانلی قیافته غایان  
اولان عسکری مشاهیر ایدوب طابور لری سمنه جان آتدی لرو راقوچی اوغله احوالی  
افاده ایدوب یو قدر بیک تاتار عسکریدن ماعد عثمانلی طرفندن دخی اون بش بیک عسکر  
امداد کلدی یو کیجه یار ته کیجه طابوری شیخون اید جکاری مقرر ددیو خبر و یردکارند  
راقوچی اوغله بیک جان باشنه چکرادی لکن عسکرینه بریشانلق کلمک و عسکر اسلام  
کند و لرینه پیروا و لمامق ایچون بوخبری شایع ایتدوب قریب اولان له قلاعندن بر قلعه بیک  
بیک بنی دعوت ایتدی ضیافته کیم رزم سوزله محرم و معتدل رندن بر قاج خنری



یافته الوب عسکر ندن ایرایوب فرارایتدی یکی کجه نك ایرتعی عسکر تارایوشوب  
کغان کوزاچدرمیوب قرق الی بیک قدر کافری قتل واسیرخذ لا نیله منورم ایتدیله  
اکثر رو سای اردل بومرکه ده اسیر وهلاک اولدی بو ظفر مسرت اثرایله عسکر تاراد  
منصور و مظفر اولوب عودت ایتدی کیری خبری بوزجه اطه فغندن مقد حجه کش  
ایدی ذکر اولنان اردل خوادئی ورودایدوب راقوچی اوغلیک فسادى و افلاق بغداد  
کفره سنک اکا اتباعی محقق اولوب سرحدل دن کلن عرض و محضرل ینک صدق  
تایان اولغین اولطر فلرک نظام احوالنه شروع اقمصد ایتدیکن صدراعظه خط شریف  
وقایح وقفن ان ارسال اولندی جزینه دارصولاق مجداعا عودت ایتدی که صدر اعظم اغای  
مشارایله ایلر کاب همایونه ناخص کوندروب بلاد شمالیه نك ذکر اولنان اختلافی  
دفع ایچون تختگاه قدیم اولان ادرنه یه توجه همایون مقتضی اولدیغنی اعلام ایتشیدی  
بناء علیه محر و سه ادرنه یه حرکت پاشاهی مقرر اولوب اوزمنه مباشرت اولندی شاهی  
فهمان افندی که مقد ماسافره نفی ایله مهان اولمشیدی بر مقتضای رزالت خلقت  
موتانی امر اوایمان جزیره یه تحمیل و کل غداة و عشی انلرک سفره سندن اقدی و تغشی  
ایتیکله کندونی رتبه مو هو مه سندن خط و نیریل ایدوب ایکی سنه یه قریب یوحا لله  
اول جزیره ده مبتلای حیرت اولمشیدی المهدی علی الراوی حاشاکه حضرت مریمه  
قشبه امناسر لرده عزالت کزین اولان نازنین قلا و ره لری باری هفته ده برکزه زیارت  
وانرا ایله بسط بساط انس والفت ایدردی بعد عوده اذنی منتظم حکم شریف و نیم  
نگاه التفات پادشاهی ایله تلطیف اولنوب برمدن بروهرنه حال ایسه استانبول  
عزالت کزین کج انزوا اولمشیدی زنجیه بر قاج دفعه مطلبی تحلفندن بی حضور اولوب  
حکومل مقصودی ایچون قائم مقام عنکبوت احمد پاشایه مضی و مختوم تذکره ایله عرض  
درهم و دینار ایدوب یونع بوالعجب مقدماندرن همایونه امد او استرداد ایتدی یکی  
دوات قضیه سی تذکیره سبب اولوب ارپه لئی اولان ادنوسه نفی اولندی سابقا تحریر  
اولندیغنی اوزر استانبول قاضیسی عبدالرحیم زاده افندی ارباب سوقي تریب  
قعدیله بازارباشی نامنه اولان محمود الحال بر بقالی نادیب ایدوب شخص مزبورک  
قیبه بکماشیه یه انسابی اولغین جناید قوم دامن عرضمزا لوده چرکاب لوم اولسون  
دیو خواه نا خواه مجذوبی نفی واجلا دن بدل غزل ایله کوشمال ایتدر مشل ایدی جرم  
نا کرده سی مضروب قلم نسیمان اولق احتمالیه صدارت تحلفندن اظهار انتقباض  
وجناب فتوای اندسابه اطاله زبان اعتراض ایتدین بوجه ارپه لقی نیره یه اجلا اولنوب  
اوج ماه تمام اولدی بن نافذ الکلام بعض شفعار جاسیله عفو و عطف طفت شهر یاری یه  
مقرون اولوب استانبول عود ایله مأذون اولدی فی واسط ذی الحجه وفات قاضی عسکر  
امام زاده محمد افندی نوبت دولت ابراهیم خان نیریل مال و مقریان همتری مقارنتی ایله  
قتی از زمانه صدر صدارت علایه صعود ایدن امام زاده محمد افندی اصابت عین الکمال ایله  
خسته اولوب برابکی سنه دن برو افتاده پستری نیازی اولوب عاقبت شجره وجودی

روضه شهر و ددن برکنک دست روز کار اولدی دفتر دارصاری علی افندی مرحومک  
احوالی عزیز افندی تاریخچه یه یله یازارکه ایتدی ای طلوع دولت عثمانیه دن  
بودمک دعا کویان نامیه خوشه چین انعام سلاطین کزین آل عثمان اولان خانات  
مستحقین و مشایخ عزلت کزین و علماء دین و فقراء صابرین و طایفنی قطع ایتدیروب بلاد  
عیله دن عباد الله مسلمینی بحسب الاقتضای کتاب سفره حاج ایدوب نجه مرتبه عناد  
ولیا جدن صکره هزار دردوزا رایله وظیفه معینه سنک الحق خمینی و بلکه هشری  
مقداری ابقاسیله سیله اظهار سرور و ابتهاج ایدن دفتر دار لعدن معزول صاری  
علی افندی مرک بخائی سر بنجه سنه گرفتار اولوب و مصادن اموال و احداث بدع  
و مظالم و افساد خزینه و کسر خاطر اکبر و اصاغر و قطع ارزاق اوزار یله عزم دار القبرار  
ایدوب کافه انام سب و دشنامده همزبان اتفاق و پیام هلاکتی باد صبا انباشتارت  
نامه ایله مرده رس سکان چارچت اتفاق اولد بلر مریدرکه جنازه سی بعد الصلوة سنک  
مصلادن رفیع اولد دن محملکه عارضه سکنه ایله بضی ساقط و خس و حرکئی منقطع  
اولغین مبادایله اظهار مد نفس ایلله دیو اذیت و جفا سندن جگر خون اولان ضعفا  
اول ظالم بی پروانک جثه سی بر خطوه قیره قریب اولسون دیو نعشی کتورمه که قوم طالوت  
تایوته ایتدی کیری اقبالدن زیاده از دام و لا حجب علی بی مزدو اجرت خدمت حمل و دفنه  
اهتمام ایدوب اتباع و اشباعه نوبت ذکر مشاعر حنی متعلقات و حواشی کمال حیرت و تلا شله  
سکر دوب حفره مزاره وارد قلندر خریف ظریفدن فقط بر توده خاک نشان کوروب  
یلدیرکه کوکمی اوچدی یه می یکدی پسری روح پدوی شاد ایتک و غمیله معتاد اوزن  
سر مزارنه بطریق التوارث اباعن جد تد اول ایدای ایله نوبت تصدی کندویه انتقال ایدن  
پیر صد ساله بر فقیر کوله بی اعتناق و تحری ایتک مراد ایدیمک اول یوم سعیدی روز عید  
ییلن ناامید لر فحشوم زحمت اولسون قول ازاد ایتیکه حاجت یوق دفع ثقل و جودی ایله  
جمله مزمر حومک ازاده کرده سی اولمشدر در دیو سر خمیر لرین اظهار ایتشدر فقیر  
دیرمه که مزبور صاری علی افندی عصر یزده دفتر دار بیک افندی دیو شهرت شعرا اولوب  
عصر سلطان سلیمانیه وزارت پایه سنه نائل اولد قد نصکره مرحوم اولان بیک  
افندی نك پدر لیر مال میری بی ضبط و استقامت اوزن نصرف و نامستحق لک جهاتن  
قطع و خزینه عامره خاینلرین قهر و دفع ایتک ایله متصف میری یه نافع و دولت علیه یه  
خدمتی سبق ایش استقامتله معروف کسنه ایش کوریل مجد پاشا وقتان نامستحق لری  
قطع و غیر بلری تقلیل شرطیله و طایف یه قلم سنه مأمور اولوب قطع اوزاق کی بر امر  
مکروهه سپر اولد و غیچون استقامتله اولان شهرتی مضمحل اولوب عامه خلق اراسته  
مذموم اولدی حقه نك عزیز افندی کی بر فاضل بنام شیخ الاسلامک عی رایتدی یکی کلات  
اخذ عیوت ایچون بو محله ایراد اولمشدر عقلای روشن رایه لایق اولان بودرکه کندو  
وضاسیله بویله کار مکروهه بولنوب خدمت ایدرم دعا وسیله قطع ارزاق ایدوب  
سهم سب و افنه سپر اولیه زیر دولت اسلامیة دن الی وقتک مذموم مضبوط اولان



اولان تواریخ و تجزیه عقلایه کون قطع از زانی ایدن حاکمک و اول خدمتده بولناتلرک  
 رزق و عمر لری زمان قریبه قطع اوله کلشدر خلفای ماضیه و ملوک سابقه زمانده  
 وقوعه کلامر تفصیل اولنسه تطویل کلامه سببدر یوقینه اوده جمله نک معلومی  
 اولان کوپرلی زاده مصطفی پاشا وقتنده اولان یوقله در وزیر مشا رالیه طریق  
 فزاده بذل مجهود ایدوب کف زکاید عادیه سندن بوقدر مالک محروسه استر دادی ایله  
 دین مینه خدمت ابلش ایکن و صلاح و صداد احوالده محود الخصال ایکن متقاعد  
 و کرک و طایفی یوقلیوب نامستقلری قطع ایتدوکی اچون عمو مادقراوا اکثر اغنیا  
 کند و دن دوگردان اولوب ذم وید دعا سنه جرات ایدر اولدیله اول ماده یه مپا شتر  
 اولان جمله الملک و مستشاری کتخدا ییک اکنل محمد اغا عاقبت قتل اولندی یا لکر یکچیری  
 او جانی مواجیندن میری یه سنوی دورت ییک کیسه نفع و خدمتی وجوده کلشیکن  
 ویر عاقل ایشه یرار حریف ایکن اصلا مرحمت اولنیموب قطاع الطريق کی سیاست  
 ایله بوعدیله و حالا جمله خلق سو ذکر لیه اکوب بد دعا ایدر لر صداقت وجوده کتونیم  
 دیو قطع ارزاق خلایقه خدمت کوسترن مخاصمه ماترک الحق لعمرین صدیق خواستجه  
 هامة ناس عداوت ایدوب انقلاب روزگار ایله جانب سلطنت دخی صاحب چقمیوب  
 مکر اعدا ایله محنت عظیمه یه گرفتار و مظهر جزای بهشمار اوله کلشدر یوحمله اعتراض  
 اولنوب خزینه عامره نک مضایقه سی و ارا بکن بر الای آدم کرکدن و سار مقاطعاتدن  
 بالغامایان وظیفه المانک مناسبتی ندرانلری قطع ایتک لازم دکلیدر قطع اولنقه بو  
 ذکر اولان محذور ملاحظه اولندوغی صورتده چان سی ندر دیو سوال وارد اولغین  
 کتب اسلافده و تواریخ معتبره ده بونلره متعلق مطلع اولدیغمز فوایدی عا جزانه جمع  
 ایدوب بو خصم و صده دستوز العمل اولق ملاحظه سیله بر فصل مشبع تحریقه جرات  
 اولندی قلت بضاعه ایله واقع اولان سهو و قصوری معذور یورلق موجود معلوم اوله که  
 کتب شرعیه ده یازلدیغی اوزن خزان بیت المال دورت قسمدر خزینه اولی مال  
 صدقاتدر کوة سیوایم و تجار مسلندن کرک نامه النان زکوتدر بخزینه نک مصرفی آیت  
 کریمه ناطق اولدیغی اوزره سکر صنفدر فقر و مساکین و بیت المال خدمتده اولان  
 هائلره مؤلفه قلوب و اسارای مسالین و مکاتب قوللری و فی سبیل الله غزاده بدن و مالی  
 غرامته مبتلا اولنلر و محتاج مسافر لر در مؤلفه قلوب اهل اسلام ایله کفار اراستنه تألیف  
 قلوب ایدوب واسطه اولنلر در که اصلاحه انلره حصه و یرلور دی کفوله تعالی الصدقات  
 للفقراء و المساکین و العاملين علیها و المؤلفة قلوبهم و فی الرقاب و الغارین فی سبیل الله  
 و ابن السبیل قریضه من الله و الله عزیز حکیم عزت اسلام قوت بولغله مؤلفه قلوب  
 ساقط اولمشدر ثانیاً مال غنا یمدن النان خمس و معادن و دفایندن حصوله کلان  
 مالدر بونک مصرفی یتیم و یتیم و مسکینلر و ابناء سبیلدر فقره ذوی القرب با دخی  
 داخلدر امام شافعی پاشنده اغنیایری دخی داخل اولور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه  
 و سلم حصه سی امام اعظم مذهبنده و ثانیله ساقط اولمشدر امام شافعی مذهبنده

حصه نبویه خلیفه انتقا ل ایشدر خلیفه وقت الورتا لنا خراج اراضی و مال جزیه  
 و طوایف مختلفه دن کل اموال مقررده و اهل ذمت و مستامن و جزیرلر تجارندن النان کرک  
 و صلح مقابله سندن کفار دن النان اموالدر بونک مصرفی اعدا ایله محاربه و مقاتله  
 ایدن عسکرک مواجی و سلاح و مهمات سفره متعلق اولمز لیدر بعد حصر عسکر لر  
 و والیلر و انلر خدمتده اولان غازیلر در بعد قضایه و فقها و مفسرین و مفتیلر و حفاظ  
 کتاب الله و علم و متعلملر و امور مسلمینه متعلق خدمتده اولنلر و دار اسلام مسالککی قطاع  
 طریقندن و حرامیلر دن محافظه ایدنلر در بعد قلعه و جسر لر و رباط و مساجد یا یابوب  
 ثغور مالکده اولان رخنه لر سد و تحصین اولنور بعد مصالح مسالینه فائده لی  
 مخصوصه لهما عظام اجرا ایتک کی تخی عام معنایه صرف اولنور رابعاً بلا وارث  
 قوت اولنلرک متروکاتی و لقطاتدر فقره مرضاتک ادویه و معالجه لرینه و بلا وارث فوت  
 اولان موتنک تجویز کفینه و کسبدن عاجز اولنلرک نفقه لرینه صرف اولنور قاعده  
 اصلیه بودورت خزینه باسقه باسقه حفظ اولنوب هریری متعین اولان مصرف لرینه  
 صرف اولنق لیدی اما مره زمان و مقتضیات عصر و دور انله باسقه باسقه ضبط  
 متعسر اولغین بری برینه مختلط اولدی نظر انصافله نظر اولنسه بودورت نوع  
 بیت المال ایچنره علما نک و صاحبانک و فقرا و ابناء سبیلک حصه شرعیه لری وارد و بو  
 حصه لرده اکثر علما مناعب و قضا و فتوی و مدرسه و سائر جهاتله حصه مند اولوب  
 میریدن حصه و یرلر سائر اصحاب حصه نک اکثری کرک مالنه منحصر اولمشدر دولت  
 علیه دن وجوه متنوعه ایله حصه مند اولان اغنیایر محمله نک اضافی ملاحظه ایتین  
 بعض کسه لر فقرای عباد الله کسدر مقرری برینه جهت و معیشتی ازلان بر قاج منقری چوق  
 کوروب و دبلیغی مقوله سنی بر الای حریف بوقدر وظیفه المانک مناسبتی ندر دیو  
 و زرای عظامی قطع ارزاق ستمنه شوق ایتدکاری خیر خواهاق دکلدر بو وظایف نک  
 تقلیل و طریق نسیجی بر قاج شرع طله نمکندر اولامحدث وظایف و یرلیموب دوستن  
 محمولاتک مرده کانی دخی براییکی ایچه سندن مساعدی و یرلیموب حفظ اولنه  
 ثانیاً اوقاف و ظایفی کی بو وظایف الذوب صائلق منع اولنه بو طریقله بر قاج  
 سنه ده خفت کلوب قتی چوق محمول خزینه عامره یه قالور و لایق قلوب قطع  
 و غلیلدر عجله اولنور سه نامستحق انتخاب ایدوب قطع ایتک متعسر در نیچه اغنیا  
 و در که مؤتی اوزرینه واجب اولان خدمتکارینه و مقاسمه و آنچه بر طریقله وظیفه  
 ایدمشدر یوقله ده برانلرینی مضراع پای در دست و دیک در دستار مضروبجه باشی  
 کوز لکی الی دکنکلی بر رفیق الحال اختیار انه و یروب کوندر لر کلوب یوقلند قدر هزار  
 سواله حاضر جواب بولنغین قطع ایتک متعسر اولور حاصلی اغنیایر و ذی قدرت اولنلر  
 اسامیلرین بر طریقله قور تاروب و یکس و فقرا اولنلرک و تعیشی اول وظیفه یه  
 منحصر بولنلرک وظیفه لری قطع و تقلیل اولنق اقتضا ایدر اول ضعیفایسه مضطرب  
 الحال اضطرار و فقر و انکسار ایله بد دعا ایتسه لر کر در دعوی بالله تعالی انلرک بد دعا دی



هنگامه البرز می بر باد ایله جگه شگ یوقدر غرایب احوال دن بری دخی بودر که سلفه  
 یومقوله یوقله ایدوب خلقک زرقنی قطع ایدنلر پیدا ایتدو کی محلوللردن کندی و اتباعی  
 و دوستلری قایر مغه هوس ایتیشلردر قایر دینی آدملرین خیرد عاسی متضرر اولنلر کید  
 د عاسی خیرینه د کد بکنی ملاحظه ایتماشلردر سا بقاعثمان پاشا اوغلی کرک یوقله سنه  
 مأمور اولوب پیدا ایتدی کی محلوللردن اون بش بکرمی قدر اتباعنه و مملو ککنه وظیفه  
 پیدا ایتدی غیرک زرقنی قطع ایدوب کند و مننسلرینه ویرمک ایچون بو خصوص بددعایه  
 مظهر اولمقدن کرکدن و غیری جهندن کسنه یه وظیفه توجیه ایتین حاکم غایتی بوکه قلنه  
 محسک دیو طغن ایدر ایددعایه ایتیرلر ایتسه لده لغو اولور اما بیه وظیفه یه بر طریقیله نائل  
 اولمش ادم مستحق اگر نامستحق حاکم نافذ الحکمک توجیه یله اول وظیفه یه اهل اولمش اولور  
 آنک وظیفه سنی تقلیل و قطع ایتک زرقنی کسمک و حقندن منع ایلانکر مغد و ریشتری خسیله  
 یزد عاری نافذ اولور خلاصه کلام یومقوله ایشلر کچ و تعدیل اولنق تدریجه محتاجدر  
 تدریج و تانی ایله قنی چوق مشکل مصالح حصوله کلام حکایت زمان اولده ملوک اراکدن برینک  
 صقالی یوغیش خلقی دخی کندی شکله اوله سن مراد ایتیش جمله خلقک صقاللری تراش  
 ایتدرد یوزرینه امر ایدر روزیری عاقل آدم ایتیش پادشاهم یایش تدریجه محتاجدر اوج سند مهلت  
 احسان ایله اول وقتنه دیک مملکتک زده بر صقالی آدم قالماق اوزن حکمتی اجرایه سی ایله یم  
 دیوب مهلت الور ایتد ایتکدن صقالی وضع ایدن نو خطره صقاللرین تراش ایتسوندردیه تنبیه  
 ایدر انلرک ضروری صقاللرین تراش ایتدردلر برمدند نصکره کوسه لک صقالی نامناسبدر انلرده  
 تراش ایتسوندردیون ایتدرد خلقک اکثری کوسه لری استمرز ایدوب واقعا کوسه صقالدن  
 تراش معقولدر دیوب نو خطره دخی بزه همرنک اولسونلردیه دعواچی اولوب جمله کوسه لری  
 تراش ایتدردلر نیجه ایامد نصکره عامه ناس صقاللرین تراش ایتسوندردیه ند ایتدرد رقبه  
 صقاللرین مخالفت کوسه لرد کده نو خطره و مزلفرد دعواچی اولوب بزم صقاللرین تراش اولندقدن  
 سز معقول کوردیکر سزده بزمه مساوی اولک دیو اجرای فرمانه مساعد ایدوب خواه ناخواه  
 جمله سن تراش ایتیشلر یو لطیفه ده حصه دقیقه واردر حکامه لازمدر که یومقوله امورده  
 تدریج و تانی ایله عمل ایلیه تدریج دخی و وزیرای عظام مقاملرین ثابت اولغه محتاجدر  
 خزینه احوالک اختلالی و او جا قلرده و کرکک و سایر مواضع اولان مواجب  
 و وظائفک کثرتی و سایر وجوه ایله ایراد و مضرفک هرج و مرجی بالجمله صدر اعظمک  
 هنرل و تبدیلندن اقتضای کیشدر مقام صد ارته کلن ذات مدبرهرا حواله اطلاع  
 تحصیل ایدوب امور دولته خصوصاً ایراد و مصرفنه نظام تام ویرمکه شروع ایدوب  
 اول امر عسکری قوه قریبه یه کتون جک زمانه سفر غائله سی یافتنه ظهوری یاخود  
 منافق لک و اصحاب اغراضک سعایتی ایله معزول یاخود مخذل اولوب مقامنه اخر  
 دولتلر کلد کلد آنک ترتیب ایتدی کی تدبیرلر مطلق اولور اولدخی سلفندن عبرت آلور  
 مصرا یله مدارایه مشغول اولور اهتمام ایله شروع جرأت ایدر سه مجامع مصالخی  
 سلفی رتبه سنه کتوز نجه خیل زحمت چکوب هنوز بر صورت ویرجه ک زمانه اولدخی

بعض بهانه سببیه سلفی محنته کرفتار اولور و هم جرا حال یومقوال اوزن اولمقین  
 یومقوله مصلوب یله مختل و مشوش قالمشدر ینس پادشاه عالمپناه ایله و قواه  
 حضرلرینه لایق اولان بودر که یومور مشکله یه نظام ویرمک مراده مایون یورلدقدن  
 وکلای روشن رایه استقلال تام احسان یوروب علی التدریج شروع ییونلر  
 موضع بحث کرک وظیفه سی و سایر فقرای مسکینک زکوتدن اولان حصه لری  
 اولمقین یومقدار ایله اکتفا اولندی بکچری و سپاه و سایر طوایف عسکری یه  
 مواجب لری تعدیل و تسویه یه متعلق اولان بحث صد دیزدن خارج اولمقین ذکر  
 اولندی سلطان سلیم خان مرحومک دستور العمل ایتدی کی رساله ارشاد که دیباجه  
 کتابده ذکر اولمشدر آنک ترجمه سنه موفق اولور سق اول امور مهمه ده اهم و الزم اولان  
 تدابیر دقیقه تفصیلاً آنک ذکر اولنسه کرکدر سنه ۱۰۶۷ و قایعندن بغدادده انهار  
 دجله و فرات عادنلرندن زیاده طغیان ایدوب قلعه بغداد دیارندن او چیو زار شون  
 مقداری منهدم اولمشدر وقایع سنه ثمان و ستین و الف حرکت همایون بجانب  
 ادرنه قره دن و ندیک کفاری اوزرینه سفر اولنق و راقوچی اوغلی فساد ایله  
 مختل اولان افلاق و بغدادن و سایر بلاد شمالیه احوالنه نظام ویرمک خصوصاً ییون  
 پادشاه عالمپناه حضرلری ادرنه یه توجه یوزمق قرار داده اولدوخی سنه سابقه ده  
 ذکر اولمشیدی بیک الشمسیدی ذی الحجه سی اوائلده اوردوی همایون طرفندن  
 اناطولی بکدر بکسی وزیر حسن پاشا قائم مقاملق ایچون استانبوله واصل و درو مال سریر  
 اعلا شرفنه نائل اولوب سلفی وزیر عنکبوت احمد پاشا وزیر اعظم دستگیر لکی ایله حضیض  
 منزلندن اوج عزته اعتلا ایتیشیمکن غالباً احسانلرین کفر ایله مقابله ایتک ذمیه سنی  
 اختیار ایدوب قره حسن اغا و علی حسین اغا ایله متفق و مهر صدارت تحصیل خصوصاً  
 مقد اولق تهمتیه قرمان لائی ویریلوب قرب همایوندن تبعید اولندی رکاب همایون  
 قائم مقاملقی وزیر قوجه نشانی پاشایه احسان یورلدی سنه ۱۰۶۷ ذی الحجه سنک  
 یگریمی بشخی پنجشنبه کوننده عظیم آلائی ترتیب اولنوب شوکتلو پادشاهم حضرلری  
 دارات خسروانی و خشت ادوات صاحب قرانی برله علی الصباح سرای عامره لزدن آفتاب  
 هالتهاب کی طلوع ایدوب خلق عالمه عرض دیدار و عیون ناسی پرانوار ایدرک داود پاشا  
 محرامنده نصب اولنان اوتاق کردون نطق ایلرینه شرف نزول یوروب بر مقدار مکث  
 و آرماد نصکره جمله خدام حرم و اغایان محترم بنده لری ایله عموماً و پادشاه سراینه عودت  
 و کوچ کوننده کین انده استراحت یوردی بیک الشمس سکر سنه سی ماه محرمک  
 اونچی پنجشنبه کونی شیخ الاسلام و صدرین افندیلر و زمره متفرکان و چاوشان  
 و سایر خدام دیوان ایله حرکت و ادرنه یه طوغری عزیمت یورادی منزل کوچک حکمجه ده  
 آستانه سعادت قائم مقامی وزیر حسن پاشا سعادت نو پادشاه عالمپناه قصبه مزبور یه  
 قریب بر محله پیاده سلاملیوب طرف همایوندن بر سهرولی خلعت فاخره ایله اکرام اولوب  
 کیزویه رجعت ایلدی محرمک اون برنجی جمعه کونی منزل یوک حکمجه یوم مزبورده عکک



خرابی دهنی با پنجه سندان واقع اولوب بعل بونستانچی بلشی عزاغا باریا سندان سلا ملیوب  
الباس خلعت و کبر و استانبوله عودت ایچون اجازت بیوردی و اون ایکنی سبت کونی  
منزل سلوری اون اوچنی بازار کونی منزل قنقلی اون دوردنی اثین کونی منزل چورلی  
اون بشنی ثلثا کونی منزل قارشدان اون التخی چهارشنبه کونی منزل رغوس اون ییخی  
پنجشنبه کونی و تراق اولنوب اولکون شهر یارکامکار حضرتلری دولته سوار اولوب  
اول اطراف کشت و کزار و مراد ملوکانه اوزن صید و شکار ایتدیله اون سکرچی جمعه کوندا  
منزل بابای عتیق بوم مزبورده رکاب کامیابلر نده اولان بندکان طرفینه جناحین اولوب  
حکرای مزبورده سورکون طریق اوزن صید و شکار ایتدیله رک کزار بیورمشلرایدی اون  
طوقوزنی جمعه ایرتسی منزل حفصه یکر مخی بازار کونی عظیم آلایله ایلله فقرایه بدله  
واحدان ایتدیله شهر ادرنه یه دخول و سرای سعادت قزالیینه شرف نزول بیوردیلر  
اهالی شهر ادرنه عموم اوزن صولاق چشمه سندن بر ساعت قدر مسافه ده واقع قره بایر نام  
محله دك استقبال و فرش پای انداز ایلله عرض تعظیم و اجلال ایدوب مشاهده دیدار پر  
انوار پادشاهی ایلله مسرور و البال و فرخنده قال اولمشلرایدی بعل دولته و والدیه  
سلطان حضرتلری خدام ذوی الاحتراملریله تشریف بیوردیلر ارکان دولت و خدام  
یارگاه سلطنته علی العاده قوناقلر ویرلدی خاص اوطه باشی سفرا غایق مرصنه  
مبتلا اولدوغندن ناشی حضور هما یونده استخدای نامعقول کورلمکین ماه صفرک  
اون برنجی کوندا متصرف اولدوغنی خاص ایلله سرای عامره دن اخراج اولنوب برینه  
سرای جدید اغاسی فرنک محمد اغا نصب اولندی فتح جزیره لمنی جزیره مزبورنک تسخیرینه  
ما مور اولان معزول و منصوب بر قاج بیگلر و خدایند کار سنجاغدنک ارباب تیمازی و مصوبی  
پاشیلر بر قاج بیگلر اوزورینه سردار تعیین اولنان طوپال محمد پاشا ایلله جزیره یه  
واروب بکچری متر یسه کوروب قلعه یی بیجا یچ قوشا تمشلرایدی بر قاج کون ایچینه بر اوچ  
صاعقه کردار ادره های بیکر طوپلر ایلله باروود یوزلرینک اکثری ویران و اطراف و جواتین  
خاک ایلله یکسان ایتدیله لکن قلعه مزبور مرتفع سنکستان اوزنده واقع اولغله یه ریش  
ایچون لغم ایلله هدم ایتک ممکن اولدوغندن التمش کون مقداری ایام محاصره متمادی  
اولمشیدی بوندن ماعد اسوخته آتش قهرالهی اولان کور قیودانک برادر کراهی پس ماندی  
دو نهای کفار اولان اون یدی پان قلیون ایلله واروب کندوسی قلعه یه کوروب محصیل نام واخذ  
انتقام سودای حامی ایلله محصور اولان ملاعینه قوت قلب اولمچون پیشوا اولمشیدی  
اون یدی پان قلیون طرف دریادن همیشه عسکر تازه و ذخیره ایلله امداد خدمتده  
اولغین فخره اشزارک استکبار و عنادی ایام محاصره نك امتداد ینه یادی اولمشیدی  
عسکر اسلام ایسه راحت و آرامی حرام ایدوب کجه و کوند زجنگ وجدال و حرب  
و قتال دلیله اقدام اوزن ایدیلر هکامه خریده نجه مبارز زور آوری روح و پنجه دلیله و دلاور  
مخروج اولوب حتی قیودان پاشا دخی زخمدار و مصوبی باشی دانه تفنگ ایلله  
بیچاره اولمشیدی بالاخره وجودلرین آتش کارزان لقا ایدن دلیران و غا قلعه نك

ایچروسته تاظر اولان بوکسک یلره طوپلر چیقاروب مختصن اولان ملاعینه  
حواله ایدوب کله صاعقه کردار ایلله بنای وجودلرین تارمارا ایتکله شوبله زیون اولمشلر  
ایدی که مارصفت سوراخلردن باش کویستر مکله اقتدارلری قالمامشیدی جزیره نك  
اطراف دخی غزاة اسلام ایلله محفوظ و مضبوط اولوب کیلردن و رود امداد طریقی سد  
ایتملری ایلله ملاعین خاسرین مایوس اولوب ماه صفرک سکرچی کونی و یره بیراغنی  
دیکوب قلعه دن آدم چیقاردیلر قیودان پاشا حضور ینه احضار و مرادلری اوزن استفسار  
اولند قده اهالی قلعه عموم اوجود اولان ادوات حرب و قتال و سازازاق و امواللری ایلله کافر  
کیمینه ایصال اولنق شرطیلر قلعه یی تسلیم ایتک استمد کاری اعلام اولند قده  
برجه نك چقما سینه رضا کویستر ملیوب سبکبار کیدر لسه امان ویرلسون و الادولت  
پادشاهی عسکر اسلامک بر وجهله عجزی و فتوری اولوب قوت قاهره ایلله التقی  
مقرر ایدن مرادلرینه مساعد ممکن دکلدر دیو رد جواب ایدوب کوندردیلر ملاعین اشزار  
ناچار سبکبار کیمینه رضا و یروب قلعه دن چقماغه باشلدیلر مختصن اولان کفار بیگ  
بشیوز قدر وار ایدی عسکر اسلام قلعه یه دخول ایدیلر اول امردن بر قاجیوز  
کافر طعمه شمشیر انتقام اولوب عقد عهد و امان همان طائفه فرنگلردی ایلری  
کیمینه ارسال ایدوب مقدمه و نمان زامنندن خلاص اولوب حصار مزبور محافظه سته  
بدل مقدور ایدن بشیوز قدر فورسه لری اسیر و درزنجیر ایتدیله دور تیوز مقداری رعایت نك  
ساعره عبرت اولسون دیو جنگ آور توانلردن بر مقداری قتل اولنوب قصوری جزیره ده  
ابقا اولندی بعون الله تعالی قلعه مزبور توابع و لواحق ایلله مجرودا قبضه تسخیر  
اسلامیانه داخل اولدی آمدن صدر اعظم و سردار مکرم رکاب شهنشاه عالم سردار  
اکرم بوزجه اطه یی فتح و تحمین ایدوب تعیین محافظین ایلد کدن صکره لمنی جزیره سی  
استخلاص چون نامزد اولان عسکر ظفر رهبر ایلله قیودان پاشا یی ارسال ایدوب  
کندوسی رکاب همایونه رویال ایتک اوزن دعوت بیورلمغین امتثالاً للامر العالی  
ادرنه یه معاونت ایتمشلرایدی کندولری هنوز کلیبولی جوارنده قواق نام منزله ایکن  
لمنی جزیره سنک فتح و تسخیری خبری وارد اولوب کندولر طرفندن ناخیز ایلله رکاب  
همایونه خبر مبشور و رود ایدوب علی رغم الاعداد درنه ده اوچکون اوچ کجه دو نمان  
و شملکر اولندی صدراعظم قلعه لمنی تعمیری ایچون لازم اولان مهمات بنا ایلله بنالر  
و محافظه سی ایچون مقدار کفایه عسکر ارسال ایدوب مصراع فتح و نصرت درمین و نان  
و نعمت در بشار رکاب همایون شهر یاری یه رویال ایچون استحال ایدوب ماه صفرک  
اون سکرچی کوندا ادرنه یه واصل و شرف دامن بوس پادشاهی یه نائل اولوب وجوده  
کلان خدمت مبروره سی مقابل سندان خلع فاخره خسروانی و سمور قاض السرور  
سلطانی ایلله مسرور و مظهر التفات نا محصور قیلمندی و اعدای دیندن اخذ  
انتقام یتیلر بلاد شمشیریه سفر مقداتی ترتیبه شروع اولنوب ممالک  
محرور سینه احکام موکده کوندردی و طوایف عسکره اطراف وجوانیدم



قشلاق ویریاوب یکپیری اغاسنه کوماجنه وشمی و هزار غراد و یکپیری زمهره سنه  
 قره قریه ورد و سبج قضااری تعیین اولندی شدت شتابا مرالله تعالی بوسالده ادرنه ده  
 مبالغه قاریاغوب تعمیر نامکن شتای شدید اولدی وجوانبار یعه ده عرب  
 یوللاری مسدود اولغین ادرنه وجوانبار قحط و غلا استیلا ایتدی بوندن اعراب دفع  
 پرودت ایچون آتش یقاجق خطب بولیموب بالضررون نجه اشجار مئمه نك قطع  
 ارنکاب و خوف مضمرات برودندن ترك راحت و خواب ایدوب ادرنه لیلر ك اكثری  
 تانه لرین ییقبوب و تخته بی اللهی اچیه یه صا توب یاتق ایچون منزللری کراسته سن اودن  
 پرینه فروخت ایتیمکه وافر سرمایه پید ایتدی لر سرای عامره خدای فرمان پادشاهی  
 ایله با نچه همایونده اولاب بلند جوزاغا چلرین و سائر اشجار عظیمه بی کسوب اولون  
 پرینه یاقدی لر و اواخر شتاده مهر طو نچه دخی جوش و خروش ایدوب بروجه له طغیان  
 ایلدی که سرای همایون با نچه سی مانند عمان اولوب تیمور قبو اچلق نامکن ایکن صو  
 شدت هجوم ایله اشیکندن ایچو سیلان ایدوب حجام کلخانه قریب لر دریا مثال  
 اولمشیدی بعض صادق المقال اصحاب سن و سالدن سوال اولندقدن بوانه کلجه بویله  
 شدت شتا و طغیان کورمدك دیو خبر ویردیلر هزار ضرورت و عسرت ایله ایام شتا  
 منقضى اولوب فصل بهار ایرشدکه اطراف وجوانبدن انواع ذخایر و او طون مستوق  
 ایریشوب غنیمت عظیمه حصوله کلدی تبدیل و یوده افلاق و بغداد و سرداری فصلی  
 پاشا بجانب ایشان مقدم ادرل قرالی اولان راقوچی اوغلی مقرر حکومتندن التمش بیك  
 عسکر ایله له کفاری اوزرینه عزیمت ایتدکه فرمان قضا جریان پادشاهی ایله تاتار خاندن  
 هزیمت بولادوغی بالاده ثبت و تحریر اولمشیدی افلاق و بغداد و یوده لری صورتا  
 طرف دولت علیه یه انقیاد اوزن لر ایکن خفیه تعیین مزبور ایله متحد و متفق اولدقلری  
 شیوع بولش ایدی جناب پادشاه جهان آرای روی زمین حضر نلری و نیک کفار ندن  
 اخذ انتقام ایچون توجه همایون بیورملری ایله افلاق و بغداد و یوده لرینه دخی ممکن  
 مرتبه ممالک کز عسکری ایله تدارک کوروب سفر طغر رهینه بولنه سردیو بر قاج  
 دفعه اوامر شریفه کوندرلش ایدی ملاعین خاسرین خزینه لرینه مقرر و رابعض  
 بهانه ضعیفه یه تمسک ایدوب عوق و ثا خیری مشعر جوابلر کوندرمش ایدی سلاطین  
 عظام آل عثمان ایدم الله الملائک العلام دارالنصر ادرنه یه تشریف بیوردقلرنه افلاق  
 و بغداد و یوده لری مقنن بیشکشلری ایله رکاب همایونه یوزشورمک و عزیمت همایون  
 بیوریلان سفر لده عسکرلری ایله خدمت ایلک قانون قدیم اولدوغنه بناء ادرنه یه دعوت  
 اولندیلر دماغلرنه اولان فساد مقرر اولغله یینه تعلل و بهانه طریقه سلوک ایدوب  
 کلدی لر حتی افلاق و یوده سی قسطنطنین دیدکلی کافر مد هوش کید رسم قایم ایله  
 کیمه رم دیووردوغی لاف و هدیان محرک غیرت اولوب تیدیللری اقتضا ایتدین  
 یوغازده اولان فضل پاشایه سلسلته و نیکبولی سخاقلری ویریاوب اول طرفه کوندرلش  
 ایدی ذکر اولنان ملاعین اتفاق سابقه لری اوزن تکرار بری رندن استمداد و اعانت ایله

اظهار عصبیه جرأت و مباشرت ایتدکلی مخاط علم جناب شهریاری اولغین اولان  
 خان عالی شان اوتوز قرق بیك تاتار عسکری ایله بر سردار نامدار کوندروب کیلی  
 و آق کرمان ستملرنه قرار ایدوب منتظر فرمان عالی شان اولملری ایچون خط همایون  
 سعادت مقرر کوندرلدی ثابا سلسلته محافظه سنه اولان فضل پاشایه سرحد  
 مذکور عسکری ایله حاضر و مهیا اولق فرمان بیوریلوب روم ایل امر اسندن بر قاج  
 عدد بکر دخی پاشای مومی الیه طرفنه ارسال اولندی فرمان جلیل الشان شهریاری  
 اوزن تاتار خان حضر نلری اوتوز بیك قدر لشکر تاتان قلعه سلطان غازی کرای سردار  
 ایدوب محل مأمون کوندی فضل پاشا دخی کندوسی قبوسی عسکری ایله و عامه  
 دوریجه ایچنده و اول اطرافده اولان یکپیری و سپاه و زعماء و ارباب تیماری سردار و کتخدا لرلی  
 و آلای بکلری و ولایت لرلی ایله قالدیروب روسجغه واروب اندک مجمع و قریانه منتظر  
 اولدقلری اثناده حجاز خارج سنندن اولان افلاق و یوده سی استغان و بغداد و یوده سی  
 قسطنطنین عزل اولنوب لرینه درگاه جهان پناه طرفندن اردل اوغلی میهنه نام دخی یه  
 افلاق ولیقه نام دخی یه بغداد و یوده لغی توجه بیوریلوب رسم قدیم اوزن دیوان همایونده  
 خلعت و اسکف کیدرلد کد نصیره چاوش باشی اولان اسمعیل اغا ایله مقرر حکومتلرنه افعاله  
 ایچون ارسال اولمشلر ایدی سلسلته یه داخل اولدقلرنه سلفلری معزوللقلرنه خبردار  
 اولوب تدارک عظیم ایله عسکر جمع ایدوب طابو رله کیروب جنگ وجداله حاضر و مهیا  
 اولمشلر ایدی اول اثناده عسکر تاتار اطراف وجوانبی غارت و خسارته نامزد اولوب  
 محالفت ایدنلری طعمه شمشیر و امان خواه اولنلری اسیر در زنجیر ایلدی لر بر آلای  
 دوزخی مقهور خزینه و جبه خانه موفون ایله طابو رله محصور و لمبری ایله عساکر بریشان  
 بی تدارک اوزرلرینه و ارمغه اقدام ایدوب اطراف وجوانبی یغما و تالان و قرا و مزارعی تالان  
 و غراب و ویران ایدوب گوشه بکوشه قیامت لر قویار مشلر ایدی سردار اولان فضل پاشا  
 ایسه بر مقدار عسکر ایله طابو رله اوزرینه واروب جنگ ایتیم شکست و پریشانلقدن  
 غیری معنایی منتج کلدردیو ایاق سور و مکده منوال مذکور اوزن بغما کرانک غارت  
 و خسارتندن رعایای مملکت مضطرب اولوب رجای امان ایله مطیع و منقاد اولدی لر طابورده  
 اولنلر دخی تدریج له بریشان اولغله لعین بی دین قرار ایدوب میوب متعلقات ایله اردل طرفنه  
 قرار ایلدی و یوده جدیدی مقرر حکومتنه اجلاس ایتدیروب غائله بر طرف اولدقد نصیره  
 افلاق اوزرینه عزیمت ایلدی لر و یوده مذکور دخی ایتدیکی تدبیر نتیجه پذیر اولوب بیورلری  
 و رعایا سنک نامدار لری کلوب اطاعت و انقیاد ایتدکلرنه کندوسی مال و منال و اهل  
 و عیال قالدروب اول دخی راقوچی اوغلی طرفنه فرار ایلدی و یوده افلاق دخی مقامنه  
 اقعاد اولنوب ایکسینک دخی غائله لری سهولت ایله بر طرف اولدی بی معروض بارگاه خلافت  
 پناه اولدقدن سردار عسکر تاتار اولان قلعه غازی کرای سلطان مظهر التفات  
 شهنشاه جهان اولوب قیوجیلر کتخدا سی قدری اغا ایله التون زنجیر و مرصع خنجر  
 کوندرلدی بو تحریر اولنان وجیهینک تقریر یدر امانعیسی زاده نك تفصیلا تحریری



بود که افلاق و توده سی قسطنطنین ملعونی بای حال اله کتور سن دیو فضل با حایه موکد خط  
همایون وارد اولمشیدی و بوده جدید اسکمله اغاسی ایلده رو بجعه کلوب عسکر تاتارک قریب  
کلد کاری خبری دخی و زود ایدوب اطراف و جوانیدن جمعیت کفان هجوم لازم ایکن فضل  
پاشا تدبیر و تداریدن عاری و هام ساده دل اولغله یروکی به بکرش بر منزل و ترغوبسته  
ایکی منزل ایکن افراط و همندن سهولتله جمعیتلری منحل اولسون بهانه سین ایدوب  
ثانی ایلده حرکت ایلدی قسطنطنین دید کلدی کافر جملة اموال اقبال ایلده مجار حد و دینه دخول  
ایتد کد نصکره اونیدی کونده کوچیله طولا شترق ترغوبسته به واروب خالی بولدوخی  
واروشی اجراق بالنار ایلدی العهده علی الراوی طابور اوزربنه واروب مقاتله ایتیموب  
قسطنطنین مال و عیالیه فرار ایلد عجمه دك عسکری تعویق ایتیمک ایچون ما پینده  
اولان ترجان کافریدیه خفیه عرض اولنان یکریمی بیش التونی قبول ایدوب خرص و طبعه  
بناء عسکری تعویق ایلدی دیواسناد ایلدیلر تاتار عسکری کویله ی اوزوب خلقتی اسیر  
ایتیمکه سردار مشیالیه یکرله آدمه قویوب اخذی ممکن اولان اسارانی تاتارالندن آلوب  
کفرته برامیانلری کندوسی اخذ ایلدی بوسبب ایلده تاتار عسکری کندودن دلگیر اولوب  
ققلغه سلطان ایلده سردار بیننه عداوت دوشمش ایدی میخه بی بکر شده نصب ایدوب  
یرکوی به عودت ایتد کارنده قیوخیلر کتخد اسی قیدری اغا ایلده ققلغه سلطان به زنجیر و خنجر  
و خاصکی ابراهیم اغا ایلده سردار سیف زرین و خلعت خسروانی کاش ایدی زعماء و اباب تیمار  
و سرداریا نند اولان سائر عسکر خاصکی ابراهیم اغایه شکایت ایدوب اگر سردار یزمراد  
ایدیدی قسطنطنین اله کتور ملک مقرر ایدی احوال اوزن حرکت ایدوب ایکی کونلک منزلی  
اونیدی کونده قطع ایدوب مال و امشاسیله فرار ایتیمک ایچون قصده مقارن قسطنطنینه  
میدان و یردی ایام شتاده بو قدر کون تیار اوزرنده یاتدی اکثر یزخسته و جمله مزخمت  
کشیده یوز هنره حال ایسه خا لا خدمت بندی بزمه اذن و یر قیوب اجازت آنچه سی استر دیو  
اطهار تظم ایدوب فضل پاشا دخی خسیس و دنی بوشتاق اولغله طرف دولتدن کلن آدمک  
تطیب خاطر ی اهم مهماتدن اولوب علی اعطی و ص سو فاعله بناء عامه عسکر کتد و دن  
ه اکثر اولوب و حقارنده یرکوا ولد قارینی سلورکن ستر عیوب ایچون طرف دولت کیده جگ  
کسینه بی ارض و اخیاتندن ایکن بخل و خستی مقتضایا سجه خاصکی ابراهیم اغایه رعایت ایتیموب  
مغیر الخاطر کوندردی اولدخی درد دولتله کلوب عسکر دن مسموعی اولان احوالی رکاب  
همایونه تبلیغ ایلدی ققلغه سلطان دخی قیوخیلر کتخد اسی قیدری اغایه شکایت ایدوب  
فضل پاشا نلک اطوار نکوهیده سن یلدی زوپ عقیبه پادشاهی به عرض و اعلام ایتیمک اوزن  
توصیه ایلدی مزبور لر رکاب همایونه کلد کارنده فضل پاشا نلک کیفیت عالی افاده ایدوب قتلنه  
سبب اولمشلرد زینه کیم محندن کاسیه کیدر ماه صفر ک یکریمی التخی کونی یاردق قور یسینه  
سوز کون آوی فرمان اولندی صدر عالی قدر خضر ثلری شوکت لو پادشاه عالمیناهه عالی  
ضیافت و رکاب همایونلرینه هدیه بهیه ایلده عرض عبودیت ایدوب التیفات خسروانیدن  
برقاخره و خلعتله مظهر اکرام اولندی تبدیل قیودان قیودان وزیر طوپال محمد پاشا

دخی انی مجزیه سنی استرداد ایدوب بعد ادای خدمت ادونه به رجعت ایتیش ایدی لئی  
محاصره سندن چیقان کافر قیودانن اسیر اولان ایکوز نفر آدمسیله پیشکش چکوب رکاب  
همایونه رویال ایتد کلد اگر چه خدمتی مقابله سندن خلعت فاخره الباس اولندی اما افراط  
اوزن مرئکب و ظالم اولد بخچون طبع همایون پادشاهی کندودن متغیر اولد و غندن ماعدا  
صدر اعظم بوغازده کفار ایلده محاربه اوزن ایکن قیودان مشیالیه مدلی طرفندن کلیوب  
پاشی خوفندن اعذار ضعیفه به تشبث ایدوب سردار اکرم یانه کلد احوال ایتمشیدی  
ودخی بر قاج و جهله سو تدبیری و تقصیری درون صدر اعظمه باعث عقد کین اولمشیدی  
اکتبا ماه ربیع الاولینک اون دور دخی کوند عزل اولنوب قیودانلق چاوش زاده محمد پاشایه  
احسان یورلدی مزبور طوپال محمد پاشا هنوز لئی قلعده سی کبی بر جزیه فخی خدمتده  
بولغین بی سبب ظاهر قتل جزا ستمار شکندن بین العامة مستقیم کورینور دیو اله سی نامناسب  
کوریوب سیات افعالنه ترتیب جزا وقت اخره تعویق اولنوب ساقر جزیره سی محافظه سنده  
کوندردی صکره ساقرده قتل ایتیشلرد زینه کم محندن کاسیه کیدر تبدیل اغای دارالسعاده  
خرینه دار شهر یاری صولاق محمد اغا یوزجه اطه فخی عقبنده خلعت خسروانی و خط همایون  
خاقان ایلده طرف سلطانیدن صدر اعظمه واردینی یوقاروده ذکر اولمشیدی اول وقت صدر  
اعظمه کریمیت معامله و حسن اتحاد اتخا ایدوب رکاب همایونه تشریفنده دارالسعاده  
اغاسی ایتد مرک اوزن وعد الوب کندو دخی مقام رضای آصفیه صدق و خلوص ایلده  
قشیده تعهد ایدوب بینلر نه عهد و مواتیق مستحکم اولمش ایتمش بناء علیه صدر اعظم  
وعد و فایده دارالسعاده اغاسی دلا و اغادن امین دکل خرینه دار صولاق محمد اغا قوللری  
افلاق خدمتده استخدام یورلق رجا اولنور دیو برایکی دفعه پادشاه عالمیناه حضر نلرندن  
رجا و شفاعت ایتمشیدی رجاسی مقبول همایون اولغین ماه ربیع الاخره غره سی  
پنجشنبه کوند دارالسعاده اغا لئی خزیندار صولاق محمد اغایه احسان یور دیوب سلفی  
دلا و راغا و طیفه نقاعد ایلده مصره کتمکه ماذون اولدی و مصاحب شهر یاری شاهین احمد  
اغاخزیندارلق رتبه سنده نائل و مصاحب اغالرز مره سنده علی اغا محمد داد اخل اولدی  
طوغا نجی پاشی تریاکی ابراهیم اغا حضور همایونده کندویه لازم اولیان کلماته جسارت  
وعد متنده نوعا خشونت اوزن اولد و غندن ناشی ماه ربیع الاخره کوردنجی کونی اگره  
ایالتیه اخراج اولنوب یرینه ایکنی طوغا نجی سلیمان اغا یولیه طوغا نجی پاشی اولدی  
خاص او طه پاشی فرنگ محمد اغا مضبوط اللسان اولوب زنجیه طرف سلطنت علیه نلک  
هوارض و مساور سندن بحث ایتیمکین قرب همایون خدمتده مناسب کور دیوب ربیع الاخره  
اوننجی سبت کونی او طه پاشلیق خزیندار پاشی ذوالفقار اغایه و خزیندار پاشلیق مزبور  
محمد اغایه و یرلدی طوغا نجی پاشی اولان مزبور سلیمان اغایه سلفندن زیاده التیفات و اعتبار  
اولنوب بین الاقران بر مقدار شهرت و شان بولاق وزنه ایکن رضای همایونه خمالف بعض  
احوالی ظهور ایتیمکین انجق اون برکون طوغا نجی پاشلیق خدمتده قرار ایتد کد نصکره اون  
ایکنی کون حقهده عبد و رایدن فرمان غضب آلود شهر یاری موجب عتاب و خاسر حرم



مختار مدن اخراج اولندی قتل اغای یکجیریان صدر اعظم بوغض از سفر ندی آوردی  
 همایونه عودت ایدوب یکجیری نکفور طاعنه واصل اولد قلندر طرف پادشاهیدن  
 کند و لره قشلاق تعیین اولنان کومالجه به کتمکده عناد و مخالفت ایدوب ادرنه ده قشلا در  
 دیو جمعیت صد دنه اولمشلرایدی صدر اعظم محرک فساد اولنلردن قتی چوق کسنه بی قتل  
 ایدوب سیف سیاست سلطانی مزبورلی تحریف ایدرک غائله این دفعه بانه حسن تدبیر  
 ایشیدیدی لکن بو مقوله بی ادبکه جرأتلری ضابطلرینک تحریر کی ایله در دیو یکجیری اغاسی  
 هل اغایه تمهت اولمشیدیدی قشلا غه وارد قلندر نصمکه به یکجیری اغالی آستانه سعادت  
 سکبان باشی اولان قوند اقچی زاده مصطفی اغایه احسان اولنوب عسکر طابنده کتمی فرمان  
 پیورلدی اغای جدیدک و سولندن اقدام علی خواجه عزلندن خیبر اولوب سائر عسکر  
 رجاسی ایله انقاسی خدمت و مناد بیدر اوزن اولدیغی معروض درگاه پادشاهی اولغین میرا خود  
 کیمیر شغبان اغا کوند ریالوب اغای سابق دیان ادرنه به احضار ایتدکده ماه جمادی الاخرک  
 طقوز بی کونی ایدی نظرگاه همایونه قتل فرمان اولنوب سر مقطوعی پیشگاه سرای  
 سلطانیده غلطان اولدی صدر اعظم بوغازدن ادرنه به کلجه و ادرنه ده هر کیجه یکجیری  
 و سپاه زمرة سندن مستعد فساد اولان مشاهیر دن قرق اللی آدمی خفیه اخذ و قتل  
 ایدردی شویله که ادرنه ک طوخیه صوبی کارنده یلنان باشسز آدم جسته لرنک حد و حصری  
 یوغیدی قیو اغاسی اسکوبلی علی اغا تقاعد ایله طشره چیقاریلوب برینه خزینه دار باشی  
 قرنگ محمد اغا قیو اغاسی اولدی کرید سرداری وزیر دلی حسین پاشای رکاب همایونه  
 کتورمک ایچون خاصکی اوزون ابراهیم اغا شغبانک یکرمی کونی ارسال اولنغین پاشای  
 مزبورک برینه سردار اولاق اوزن استانبول قائم مقامی وزیر کورخسین پاشا ادرنه به دعوت  
 اولنوب استانبول قائم مقامی ادرنه بوستانغی باستیسی قوچه سنان اغا امور دینه  
 و عباد الله نافع اولاق ملاحظه سیله وزار تله عنایت پیورلدی تبدیل صدر بن ماه رجب  
 اواسطه دروم ایلی قاضیه مسکری صنعی زاده معزول اولوب برینه قاضیه عسکرک  
 پایه سیله استانبولدن معزول مرآتقوز دیدکاری بوستان زاده افندی موصول اولدی  
 و اناطولی قاضیه مسکری عصمتی افندی عزل و برینه استانبولدن معزول بروسه لی اسیری  
 غیر افندی نصب اولندی حسب الامر العالی استانبولدن ادرنه به روانه اولدی یار  
 و استانبول قاضیسی عبدالفتاح افندی عزل و برینه ادرنه دن معزول عبدالقادر افندی  
 نصب اولندی مقتولی والی سلسلته فضل پاشا مقدمه ماذکر اولندیغی اوزن افلاق و بغداد  
 و یوده لرنی نصب ایدوب سابق و یوده لری اله کتورمک و اول بلاد نظام و برمک اوزن  
 سردار تعیین اولنان فضل پاشا ثانی و اهما ل اوزن حرکت ایدوب سو تدبیردن ناشی  
 عسکر کندودن دلگیر اولوب تا تارالنده اولانی اسیرلری الدیغی ایچون ودخی بعض اسباب  
 ایله قافله سلطان ایله ینلرینه برودت دوستوب کندی ویه خلعت و سیف کتورن خاصکی  
 ابراهیم اغایه دخی عدم رعایت سببیه مکدر اناطرا کوب عسکر دن استماع ایتدیکی سوء  
 هالی تفصیلا صدر اعظمه هل ایلدی قفله سلطانه کیدن قیوجیلر کتخداسی دخی کلوب

مسموخی اولان معنای صدر اعظمه و حضور همایونه عرض ایلدی قفله سلطانک  
 یازدیغی مکتوبلرده قدری اغا حقنه حسن تربیه اولوب کندوسی دخی ایشلری  
 اولغین اولجانیته احواله متعلق وقوف تحصیل ایتدیکی دقایق اموری بیان  
 ایدوب اظهار اهلیت ایتدیکین ماهر جبک اون التیسندک سلسلته ایالتی قدری اغایه  
 توجیه اولنوب سلفی فضلی پاشای ادرنه به احضار ایچون قیوجی باشی تعیین اولمشیدیدی  
 ماهر مضبانک اولنده ادرنه به کلدیکی کون حضور همایونه احضار اولندی لسان شهر یاریدن  
 یوجیه عتاب پیورلدیکه بن سنی افلاق اوزرینه سردار تعیین ایدم نچون قسطنطین  
 دیدکاری کافر اله کتورمک ایکی قوناق پی اونییدی کوند قطع ایدوب عسکری جنکدن  
 منع و شدت شتاعنی ایله تعذیب ایلدک ظاهر اقسطنطنینی مال و اتباعیله فراریتسون  
 دیورخصت ویردک بن سنی آدم صانور دم مکر سن محبت ایشسن عسکر اسلام یوز  
 اوزرندک طونه بی یکدکده روسحق قاضیسی بر اهل کیف آدم ایش او یقوده بولنوب  
 اواز طبلدن پیدار اولد قده سنی کچورمک ایچون بارکیرینه بولوب قوشه رقیوز اوزرندن قرشو  
 یقایه کچر بره ملعون سن سردار اوله سن اوتانندن بر قایقه ایپلر باغلیوب اوزرینه بنوب  
 قایغی یوز اوزرندن ایپلر ایله چکد یروب او یله کمش سن حتی باشکده طوینه نالی سر غوجک  
 ایله دلبنده ک قایغه بنر کن باشکدن دوشش مصاحب اغارم وقعه سنه زور باره دل صوقوب  
 مقبر بلریه اهانت قصد ایتدیکه بیلور سن اغور عیایه خدمته کلجه بویه حرکت ایدر سن  
 سنک کی غیرتسزک وجودندن عدمی اولی در جلا ددیو پیورلد قده جلا دضرایمش کلوب  
 اول ساعت حضور هماینده که سن ذکده غلطان ایلدی سعادت او پادشاه عالمینه حضرتلری  
 اجداد عظاملری کی جمله امور شریعه و عرفیه بی وکلای دولت وللرینه تفویض پیورلد قلندر  
 احقاق حقوق عباده کمال اهتمامدن ناشی خلقتک دعوائ نراغیرینی و رای قفسدن  
 بالذات استماع و کیفیت احوال لرنه تحصیل وقوف اطلاع ایچون فرمان همایو نلریله  
 سرای ادرنه ده واقع دیوانخانه یه ناظر بر کوشک احدث اولنوب انجره سنه قفس وضع  
 اولندی ظهور سفر اردل مقدم افلاق و بغداد ویه دملری سفر خضر رهبره دعوت  
 اولند قده اردل حاکمی اولان راقوچی اوغلنه دخی امر همایون کوند رلشیدیدی حکومت  
 مذکور مستقل قراللق اولوب جنت مکان مرحوم سلطان سلیمان بدون قلعه سنی  
 فتح ایدوب نیجه والامان مملکتلرنی ویران وتالان ایتد کلرندک اول ممالک دخی  
 مسخر اولوب حکامی طرف دولت علیه دن نصب اولنغی اوزن الترام خراج ایتمشلرایدی  
 الی هذا الان سنه ده اون بیک التون خراج ایله وزر اوارکان دولته وضع قدیم اوزن هدایا  
 و پیشکشلر سال بسال ارسا ایدوب افلاق و بغداد و یوده لری کی بری فوت  
 اولد نیجه قانونلری اوزرینه بنده کام اوله حق کسنه آستانه سعادت طرفنه مراجعت  
 ایدوب خلعت و سر غوج و یکجیری او جانغی طرفندن اسکوف و ریایه طرف دولت  
 علیه دن بر قیوجی باشی اسکوله اغاسی نامه ل ارسال اولنوب مقرر حکومتنه اجلاس  
 ایتد پیورلدی طالاحاکم اولان راقوچی اوغلی مرحوم سلطان ابراهیم طان حضرتلرنک



زمان سلطان منسوب اولوب بوزمانه دك حكومت ايدى جيلينه اولان خباثت  
 مقصدا سنجه دماغى فسادده اولغين بو دن اقدم كندوسى له قرالغى سوداسنه  
 دوستوب اوغلنى اردل حاكمى ايتك اوزن اسوج وافلاق وبغدانن استمداد ايله  
 عسكر عظيم جمع ايدوب له مملكتى اوزرينه يوريدو كند له قرالى عتبه عليه دن  
 استعانه ومراجعت ايتكيش قريم خانى تسليط اولنوب لغين مزبورن كركى كوشمال  
 ووردىكي بالاده ذكر اولمشيدى ينه متنبه اولنوب وارد اولان وامر عليه به چندان  
 انقياد ايتنوب اغدار ضعيفه به مبنى باطل جوابلار سال ايتشيدى وفرار ايدن افلاق  
 وبغدان ويوده لرى مر قومه الشجائيلر ايله مزبورلى درگاه عالمناهه كوندروب كندك دخی  
 تجدد حكومت ايجون رومال سده سلطنت ايله سن ديو دقعه ثالثه ده ارسال  
 اولنان فرمان عالیشان دخی امثال ايتدو كندن ونديك سفرى تا خير اولنوب  
 افلاق وبغدان احوالنه استحکام ومزبورن كوشمال ايله اخذ انتقام ايجون سفر مقرر  
 اولوب سنه مزبورن رجبك اوغنى كوتيكه اولهار محسته ائار ايدى اوطاق كردون  
 فطاق ادرنه حصار سنه قورلدى مقتولى عبدی پاشا تحصيلدار مون مونلى دفتر دار  
 مرحومك چراغى عبدی پاشا كمال مهربى جعنه قادر خد متكار مقدم وجسور تحصيلدار  
 ديه بيكر بگلك رتبه سنه ايصال ايتشيدى ايشير وقعه سنه كوپرولى پاشا اوزرنن  
 طرابلس شام منصبى الوب اول ديارده دخی فن مطالبه ده هزار صنعت اجر ايتشيدى  
 مقدم مامون تحصيلدارى ايكن مون خلقى مزبورن ظلم وتعديسدن در دولته شكايته  
 كلوب برقاچوز فقراد بيان همايونه دفعاتله رقم قعه ايتشيلر ايدى مونلى دفتر دار پاشا  
 حياه سيله وزير اعظم در ویش مجد پاشا صاحب چيقوب شاكيلر ائندن قورتا روب ينه  
 منصبى ابقاليه تخليص كر بيان ايتشيدى بواشاده نكرار بر قومك اوزرينه بلای عظيم كى  
 مسلط اولق ايجون بمنصب الملق نيقيه ادرنه به كاشيدى پادشاه عالمناهه حضرت نرى  
 وضد اعظم مزبورن تفصيل احوالنه مطلع ايديلر اوتاغ همايون طشيره چقدوغى كون  
 احضار وقتلى فرمان بيه رايوب طوغلر او كند مانده ذبحه قران خونى رزان وكله سنى  
 سلطان ايتد يلق فساد نقاش حسن ومقتولى اوو بعض از احباب فتن بوزجه اطه فتنه اناى  
 سپاهيانن سردنكچدى اغاسى نقاش حسن نام كسمنه به يرارلغى وخدمتى مقابله سنه  
 استانبولك احساب اغاسى احسان اولمش ايدى مضراع يارب مباد آنكه كداى  
 معتبر شو دمفهو منجه برمفلس في سروسامان ايكن تحصيل تجملات ايله ناموشان  
 پيد ايدوب ضمير نه جا يكي اولان قتنه جوياغه متعلق اولان امورده اناى جنسلر ايله  
 بعض كلاتى صدر اعظمك مسجوعى اولغين عزل ايدوب يراردمد برمله خدمت بولندى  
 ديه قتلدن تغافل ايتشيلر ايدى بواشاده عسكر اسلام اردل سفرينه مامور اولد قنده واروب  
 برمنفع منصب الايدى ادرنه به روانه اولوب كاه استانبول كركنه كاه حلب محصل غنه كاه  
 بركان اغالغنه صاحب چيقوب مامولى حصول پيد اولوب برخدمت پيد ايدى مد يكندن  
 مفهوم وديكر اولمشيدى صدر اعظم ايسه بو غاز سهرندن معاودت ايدى استقيا

نامناه سپاه ويكچيرين وغيرين نفوس كثيره في قتل ايدوب سيف قهر نزن عامه خلق  
 خوف وخشيمته مبتلا اولشيلر ايدى شقى مزبور نقاش حسن زمرة سپاهيانن نجه كسمنه  
 ايله سوياشوب بويو له بئل جان ايدرم بگا هوادار اولور سكر على الغفله برفتنه احداث  
 ايدوب وزير اعظمك اوتاغنه هجوم ايدوب كندويي قتل ايدلم ديواتفاق ايدى يكنند نصكره  
 ومضاتك اون التجي كوني كند واتباع وهوادارى برقاچ خذله ايله الات حربه مستغرق  
 اولوب ادرنه خارجدن آوردوى همايونه قريب پرده تجمع ايدوب بوز وزير اعظم پادشاه  
 قوللرين قتل ايدرمك حويلاسه كركدربويه خوزر ووزرزه لازم دكلدرانك سيف قهر نزن  
 نجات استين كلسون ديواواز بلند ايله چاغروب حايقرمغه پاشلدى خلق ايسه تحريك  
 فساد مترقب ايد يلقى الحال برقاچوز استقيا تجمع اولوب صدر اعظم اوتاغنى با حظه  
 توجه ايدى بوز وزير اعظم قضيه دن كاه اولد ينى ساعت يكيچرى اغاسيله قول كند اسنى  
 فقراتيله تعين ايدوب اشبو كروهى طاغيدوب حرك فساد اولنلرى احضار ايتلو سز ديو  
 كوندردى قول كند اسنى بودرسايمان اغا برقاچوز مسلح يكيچرى ايله جمله دن مقدم ايريشوب  
 ان واحد ده جمعيتلرين پریشان ايدوب نقاش حسن بش نفر فتيه ايله اخذ ووزر اعظم  
 خيمه سنه احضار ايتد يلق ساجد از اغاسى مصطفى اغامكر نقاش حسن ايله متفق ايدى قول  
 كند اسنك او كنه چيقوب حسن اغا ايدل اشمز در بر ضبط ايله رزديوالندن الموق مراد ايدل كد  
 قول كند اسنى او كنه ايدوب برزور بار شقى في طوبوق يولد استكر ايسه كلوب صدر اعظم  
 او كنه المغه محتاج سز ديو وير ميوب حضور وزيره كلد كبرى ساعت امان وير ميوب  
 نقاش حسن واتباعى طغمة سيف سياست اولند يلق وساجد از اغاسى مصطفى اغا  
 وائلور برادرى شقى مزبور ايله متفق اولق تهتميله اول كون حضور همايون قتل  
 اولند يلق شر وفساد مندفع اولدى واستثانه سعادت قائم مقامى وزير كور حسنين پاشايه  
 كريد سردار لى توجيه اولنوب بووقعه ده ادرنه ده ايدى بوقتنه ده لك صنعى دخی  
 وارايدوكى خبر انوب نقاش حسن استانبولك وادرنه ده اكثر ياوزير مشار اليهمه زيارته  
 متعلق واروب ومنسوب كندىكى اسنادى مصدق اولغين اول كون محل مامون روانه  
 اولنم سى تنبيه بيوريلوب من بعد ادرنه ده مكث ايتد يلق سفر اوزن اولغله قتلنه  
 مساحه اولندى لکن بوجرمى فراموش اولنوب صكره قتل ايجون كرى فرمان  
 همايون كوندردىلر تنه كيم محله ذكر اولنم كركد رنقل پادشاه عالمناهه به اوتاغ همايون  
 وسردارى صدر اعظم كوپرولى مجد پاشا با سفر اردل ماه رمضانك بكرمى ايكنى كوني  
 سعادت تلو پادشاه عالمناهه حضرت نرى ادرنه سر ايندن حركت بيوروب ادرنه حصار سنه  
 مهيا اولان اوتاغ عالیه شرفخش نزول اولد يلق وضد اعظم كوپرولى مجد پاشايى عسكر  
 منصوب به سردار تعين ايدوب بلشنه ايكي قطعه مرصع مجوهر سرعوجلر وضع ايدوب  
 ميانم برمرصع قاچ قوشاوب وخلعت فاخره ايله سمور كورك كيد يروب وجه سفره  
 مامور اولان قوللرينه دخی قانون قدیم اوزره عوم خلعتلرى الباس ودعاى خير بيقباس  
 بيور ديلر وزراء قبه نشينانن صارى كنعان پاشايه ركاب همايون قائم مقامى



نعمیش اولونوب کوردگو خفت فاخره کیمدرلدی مقتولی سیاوش مصطفی پاشا  
 بالاده ذکر ایتدی کمز اوزن وزیر مشارالیه ساحدار شهر یاری ایکن صدر اعظم سابق  
 یوننی یارلی محمد پاشایه طرفدار اولوب مهر صدارت تحصیل ایچون کوریل پاشانک  
 علمدن خبر اولغین وزیر کاه ایدوب ابطال مصاحته سعی ایتشیدی بعد شام  
 ایالتی ایله ساحدارلقدن اخراج اولونوب در عقب کوریل محمد پاشا صدر اعظم اولوب  
 مزین خاطر مانده لکی مقرر ایدی شامه وارد قد نصکره فرمان همایون ایله شام قوی  
 کرید سفرینه مأمور اولشدر ایدی اولوقت شام قوی نوما قبضه اطاعتدن خروجه  
 بیاده بانه حرکتی جری ایدی بینلرله بعض سوز صاحبی سفها بزعادت دریا سفرینه  
 کیمه کلش دکنرزم خدمت سرحد عرب اولان دمشق شامی محافظه وطریق حج  
 مشرفه مناوبه طریقله کیمدر افضلا ایدوب قزو سفرینه کیدیاورسه احوالری  
 در دولته اعلام ایله دیونیز ایلدیله مصطفی پاشایه لازم اولان امر پادشاهینک اجر اسنده  
 پندل قدرت و اطاعت ایتیمیری ترتیب جزایله موجب عبرت ایتمک ایکن شامیلر پندل  
 مال و مکر و اختیالنه الدانه هوا رینه میل ایدوب کرید سفریندن عفو اولملری ایچون  
 در دولته عرض و مکتوبلر ویرمیشیدی بوضع نامعقول طبع پادشاهی بی نکدی و شامدن  
 عزل ایله کندونی تحقیریه سبب اولوب ایالت شام حلب و الدی وزیر مرتضی پاشایه  
 توجیه اولونوب وارد قد شامیلر مرتضی پاشا نک شدت بطش و قهرمانی حرکتندن  
 خوف اوزره اولد قلمری ایچون متمسکی قبیل ایتیموب بزوالیزدن خوشنود مرتضی پاشانک  
 وفرت عسکر و کثرت مصرفه تحمیلر بوقدر دیو در دولته عرض ایتشدر ایدی  
 مساعده اولونوب توجیه سابق تنفیذ اولغی فرمان بیورلد قد مصطفی پاشا  
 قلعه یه کیروب شامیلر مرتضی پاشایه ضرب دستله دفع ایچون ادوات حرب  
 و قتال تدارکنه شرع ایتد کلمری مرتضی پاشانک مسموعی اولد قد اولدخی جمع عسکر  
 و تدارک مهمات جنگ و حربیه مباشرت ایلدی یکی طرف دولتک معلومی اولد قد اقتضای  
 وقت حسبیه سهولتله مندرقم اولق مراد همایون بیورلیوب شام ایالتی طیار اوغلی  
 احمد پاشایه وریلوب مرتضی پاشایه دیابکر و سیاوش مصطفی پاشایه دفع شتر  
 ایچون مرعش منجمی توجیه اولغی طیار اوغلی شامه وارد قد خواهنا خواه شام  
 قولندن بشیورن کرید جزیره سنه ارسال ایلدی بکارنا هموار صدر اعظمه سر رشته اولوب  
 سیاوش مصطفی پاشانک قتل ایچون خط شریف اصدار ایتدرمشیدی وزیر مشار  
 الیه ساحدارلقدن چقمه اولغله ساحدار و خوقه دار و سایر مرتبه صاحبیری اتفاق  
 ایله شفاعت ایدوب عفو و خط شریف تحصیل ایتد کلمری وزیر اعظمک مسموعی اولد قد  
 حضور همایونه واروب مهر شریفی پادشاه حضور نلرینه صوبوب نیم امریمی غییر افساد  
 ایدنجه ایش تیز دیو صدارتدن استعفا ایتد کده پادشاه عالیشان بومعنایه مدخله  
 ایدن اغارک جزاسنی وزیر تفویض ایدوب تدریججه جمله سنی اندرون همایوندن  
 اخراج ایتدیکی یوقارودمه مفصله تحریروانشدر لکن وزیر اعظم اول خط شریفی درونلر

مکین اولان علقه کین کی اخفتا ایدوب بوغاز منبیه اجر اسنده بحله ایتدی انجق  
 مصطفی پاشایه مرعشدن عزل ایدوب آستانه یه کلک ایچون فرمان کوندرمشیدی  
 بی چان مصطفی پاشا ایاق سور یوب عجب اعاقبت حال شه منجر اولوردیو برقوناغی بش  
 ایدرک آنی ایله کوردی وزیر اعظم منصوره اعدت ایتد کده بالضروره تمارض ایدوب  
 هاله نه حال ایسه استانیوله کلدی اندرون همایوندن اولان او یاقدا شلرینه ناخیم باندن  
 شفاعت رجاسنه نیاز نامه لریازوب بیلدردی اما کسنه ده شفاعته اقتدار لری اولوبوب  
 کونلم الدن کن دروغ دکلدر دیو جوابلر کوندردیلر هاله هزار خوفله قلقوب ادرنه یه واروب  
 صدر اعظمه بولشد قد صدر اعظم قیام ایدوب تعظیم و توقیر ایله پاشا قوندلش خوش  
 کلدی کتر نشریف کده چوقدن منتظر ایدک واستعداد بکتر معلوم شهر یارید رماول اولان همت  
 خسروانی یه مظهر اولور سنر حال سفره عازم جنبه کتر کبی وزیر روشن قد بیرک نیجه وجه  
 ایله لزومی وارد و شانکره لابق اولان جمله احوال ایله تقید ده علم الله اصلا قصود یز  
 یوقدر دیوب بوجمله بشاشت وجه و خند انبساط ایله معامله ایلدی که سیاوش پاشا  
 مطیب خاطر اولدی صدر اعظمک مشرینی بیلیملر مصطفی پاشانک جمیع جرایمندن  
 یکدی ظن ایتدیلر تذکره جی وحدی چلبیدن منقولدر که صدر اعظمک مصطفی پاشایه  
 لطف کونه سویلیدیکی کلمات جمله ذوالوجهمین اولغین معناسنی ملاحظه ایدلره  
 ضد قی ظاهر اولور قصه دینی بیلیملر بوقوله سوزلرینی لطف محضه جل ایدرلردی دائما  
 مشرینی بویادی که قهر یا خود قتل ایدرک ادمه روی دل و بشا شدت وجه کوسه توب  
 قتل ونفی و قتلرند اصلا غضبه کلزدی و طارلمزدی لطف ایدرک حکمی و یا خود منصب  
 ویره حکمی شخصه تبیس و آزار ایدوب اصلا یوزویر مزدی محرملرندن بری یونک  
 سرینی سوال ایتد کده جوابنده ترتیب جزا و قتل اولنه حق ادمه بالمواجبه ازاد و غضب  
 بحالت مخاطره در زیر غضب کلامی اجزاده عاجز اولنلرا یچوند وزیر اولنلرک حکمی  
 نافذ اولغین غضب بیوده ایله وجوده الم ویرمک حاق قدر و ترتیب جزا اولنه حقه احکدن  
 غضب کورمدیکه خلاص امیدینه دوشر سهولتله مصاحبت کوریاوراما لشکان تهوور  
 و غضب کور بجه مأیوس اولوب اندن یا لسانندن تدارکی قابل اولمیان بر خطا ظهور  
 ایدر احتمالی اولغله مخاطره درواستخدام و لطفه مظهر اولنلره تحت القهرده قالمق ایچون  
 روی التفات کوسه لملک لازمدر که حدادی تجاوز ایتیه لریو جواب ویر مشلردن  
 مصطفی پاشاهنوز ملاقاته کلدیکی ساعت رئیس افندی یه ناخیم ننبیه ایتش ایش  
 یازیاوب حضور همایونه کتمش مصطفی پاشا حضور صدر اعظمدن قلقوب زربان باشنه  
 اینه جنگ وقت قوز بکجیسی کلوب وزیر مشارالیه پادشاه عالیشان طلب ایلدی دیدی  
 وزیر دخی کوتورک شوکتلو پادشاهنرک سوالی اولق کر کدر دیوب همان اول ارادن  
 صریحه کتوردیلر حضور همایونه وارد قد پادشاه عالیه حاضر نلری بالذات عتاب ایدوب  
 شام قوللری ایله اولان اتفاقی و امر شرقیه انقیاد ایتدیکنی حاصلی جرایم کند شتمه سنی  
 برر بر لسان همایونلری ایله ذکر و توبیح ایتد کد نصکره قالدیرک دیو یوز قد قیماز اسنه



همین اولوب ماه شوالک یدنجی کوشه قتل ایلدیله قیودان شدن دلی حسین پاشا  
 سکریه جزیره سنده سردار اولان وزیر دلی حسین پاشا مقدما سردار لقند عزل  
 ورکاب همایونه دعوت اولمشدی قطع منازل ایده رک ادرنه یه واصل اولوب ماه شوالک  
 اون ایکنی جمعه کوشه رکاب همایونه رویال ایتدکله قتلنه قرار ویرلشیکن بر مقتضای  
 تقدیر یاری مظهر التفات شهر یاری اولوب ماه مزبورک اون دور دنجی بازار کونی قیوداناق  
 منصبی پاوش زاده محمد پاشانک عزلندن پاشای مشارالیه احسان اولندی بعض  
 اصحاب وقوف تعلی اوزن صدر اعظم دلی حسین پاشانک سوئما لنی وظلم و تعدی یه  
 متعلق احوالی پادشاهه بیلد یروب بو قدر سنه ده بو قدر بیک کیسه آنچه و مهمات  
 کوندرلدی خزینه ادخارینه مشغول اولوب برایش کورمدی و دخی بوکه بکزر علیهنه  
 نیجه کلمات سویلیوب کادیکی کبی قتل اولغی مصمم ایدی لکن مزبور تبردار لقند  
 چقمه اولغله دارالسعاده اغاسی کز لوجه صاحب چیقوب دارالسعاده اغاسی صولاق  
 محمد اغا صدر اعظمک اوغوللغی اولغله تخلیصی ایچون رجا ایشلردی رئیس الکتاب  
 مشای زاده و کورچی کخداسی صولاق محمد اغا ایله صاد قته محمد اولغین پاشای مزبوری  
 صدر اعظمک نیجه سندن تخلیص خصوصتی دارالسعاده اغاسی انره نثیه ایتدکدن  
 صکره سعادت اوواله سلطان خضر نرینه ده رجا ایش ایدی خلاصه کلام بو قدر  
 زماندر کربدکی بر جزیره ده خدمتی سبق ایدن یروزی نامدارنه تمثله قتل اولنسون  
 موجب قتل برتمتی بولنوب استغنا اولغله محتاجدر دیدیلر صدر اعظم ایاق باصوب  
 ظالمدر دید کله صلا شکارچیلری یوق بو اسباب خفیه ایله قتل ایتدک خلق اجرای غرضه  
 حمل ایدر لر بو تعداد ایتدیکتر تمثله ثبوت بولغله محتاجدر ثبوت بولدیغی تقدیرجه  
 استغنا اولغله درد یوجواب ویرلدی صدر اعظم مشای زاده یی کوندر وب مفتی افندی دن  
 فتوای قتل طلب ایدی مفتی افندی حسین پاشانک زیر حایه ده اولدیغنی بیلوردی  
 و صورت شرعیه یه افران اولغله حق برتمتی یوق اضطرابه دوشوب حسن حالله دفع  
 اولنسونی رئیس افندی یه رجا ایدوب صاحب دولته بزه خاطری قالمق اوزره یوکار مکروهی  
 بر حال ایتکی سزدن ییلورم دیوب ابرام و لحاح ایلدی رئیس افندی دارالسعاده طرفتی  
 ارضا ایچون دامن در میان ایدوب صدر اعظمه کلوب سلطانم شیخ الاسلام افندی  
 خیر خواه کز دعا ایتدی مطلق ظلمه بناء تجوز قتل ایچون فتوی ویریلور لکن اوزرینه  
 برشی ثبوت بیلمهغین بویله نامدارادی قتل ایتدکله محذورات وارد اخرتارین صدقند یغمر  
 کبی دنیا لرین دخی صیانت اوزرینه لازمدر دید یلور دیو اعتذار تصکره بورای و تدبیری  
 در میان ایتدیکه حسین پاشایه بر منصب ویریله خرج و شدت بطش مقتضای سیله لایذلم  
 ایاسه کر کدر شاکیلری تحریک اولنوب اول مهانه ایله حقندن کلنه صدر اعظم دخی تفکرایدوب  
 یوتد بیری مناسبت کوروب قتل ایچون ابرامدن فایز اولدی و قیوداناق منصبی توجیه  
 ایتدردیکه در یابکاردن واطه اردن جلب مال ایتدکله سر خمیر اجر اولغله لکن دارالسعاده  
 طرفندن وسائر اوجاقد اشاردن دلی حسین پاشانک طرفدارلری و اقرانلری کندویه نهانی

خبر و یروب اولغله که در یابکاردن و ترسانه دین واطه اردن جلب مال سودا سنده دوشمکه  
 شکا یچی کتون سن بیک چانک اولسه برنی خلاص ایدر من دینو نییه عظیم و تعلیم  
 ایتدیلر پاشای مزبورک قیومسی مکمل اتباعی چوق مصرفی زیاده ایدی لکن اسکندن  
 گریندن پید ایش مدخرو افراتونی اولغین قیودا نلقه جلب مال محتاج اولوب  
 خوفندن عفت اوزن حرکت ایدوب شکایت ایتدردی حنی امرای دریا عادتاوره  
 کلدگری غلام وساعت و جوقه و قاش و احرام مقوله سی هدایا یی قبول ایتدی دیو  
 منقولدر یوتد بیری هنر کارلغی سبیلله طفر بولدر قلیچون قیودا نلقدن عزل ایتدیلر صکره روم  
 ایلندن شکا یچیلری عرض و محضر لرله کلکین طفر بولنوب قتل ایتدیلر درشته کیم تفصیلی  
 کاسه کر کدر خروج جلالی حسن پاشا و الی حلب الشهبه ابازره حسن پاشا اصله ابناء  
 سپاهیان اولوب نه طریق ایله دولت و رفعته نائل اولدیغی محاررینه مخلصلا تحریر  
 اولمشدر شتی بد نهاد مائل ظلم و فساد اولوب جلب اموال ایچون رعایای مالکله ایتدیکی  
 جور و تعدی اجمالا یازلق اقتضای سنه مفصل بر کتاب اولوردی حضرت پادشاه عالمینه  
 واصل سن یلوع اولدن زیب بخش اورنک شاعی اولغله هجوم شرکاو تحالف آراسی ایله  
 سوز عسکری طرفنه دوشوب صدر اعظم از زمان قیلدک تبدیل اولغله ایله نظام دولته  
 خلل کلکله مالک محروسه ده خدمت ضبط این ظلمه و حکام بر کونه علم و فساد سائلک  
 اولوب اون بیک غروش میریسی اولان خدمتدن یکریمی بیک غروش تحصیل واللی بیک  
 اولان ضعفی مرتبه سن تکمیل ایچون ظلم و تعدیلر نه نهایت وجور و ستمینه غایت یوغیدی  
 هر بریسنک پاننه مجتمع اولان صاروجه و سکیان قراوقصباتی ویران و تالان ایدوب قضاة  
 مملکت و حکام ولایت دخی منصبلرین رشوت ایله المغه بر یوزدن کندور دخی حصه منف  
 اولیق ایچون مساعده و رخصت کویسترلردی اولجانبیدن ناامید اولملر آستانه سعادت  
 کلوب اظهار ظلم ایتدکارنده احقاق حق اولغی ایچون اخصارلری پاننه فرمان عالی  
 صادر اولد قده شتی مزبورک زیر حایه سنه التجا ایدوب فقرادن جبر اوقهر الدینی اموال  
 و استیادن هدیه کلوب حصه ویرنره یوز کزاق و قیچکر کسکین و براق اولسون ایشه  
 یارادم اولغله سزک کبی ککر کدر دیوب هزار کسین و افرین ایله صاحب چقوب نه  
 فقرای بی محاله حواله ایلک ایچون طالب اولد قلی مناصب و خدمتی آستانه سعادت  
 عرض و اعلام ایتدکارنده حکام دولته ضروری مساعده سیله امر ویرا تهری کوندر یلایوب  
 بالکلیه ترک خوف و خشیت و اولکیدن اضعاف و مضاعف ظلم و تعدی یه بطل قدرت  
 ایدرلردی فقرا ایسه موجودین بالکلیه نسایم ایتد کدن صکره اهل و عیال لری ایله جلای  
 وطن و هریری بر جایه پریشان اولوب قرای معمره بلکه قصبات مشهور خراب و جایگاه  
 یوم و غراب اولدی تحت حکومتلرند اولان ولایتلرند الله حق بولما غله اخیر دیارلرده  
 ساکن اولان عیول و دخی مالدارلردن خبردار اولد نیجه دورت بشیموز مقداری صاروجه  
 و سکیان ایله بر ظالم نهادی کوندر یوب بر اولمز همت اسنادیله درد مندرک خانمان نه  
 و غارت ایتد یروب بر زمان دخی جمع و تحصیل یوزدن مباشرت ایدر اولمشلرایدی بی ادبی



سفره گلری ایچون وارد اولان اوامر پادشاهیدن خوف جانده دوشوب اطراف و جوانی  
اولان اولان واستقیای جمع ایدوب ایشیر پاشاکی عسکری زمره سنی دخی نامیده دعوت  
ایدوب یانه جمع ایلدی وزیر اعظم بوغاز سفری عقبندن تادرنه یه کلجه وادرنه ده  
مقردن روگردان اولنلری وضابطرینه اتقیداده منتظر اولان بی ادبلی و مشهور وزیر باری  
تدریجی اخذ وقتل اتیمکه شروع ایدوب شوپلکه توجه نهرینک کناری جنبه انسانله  
مالامال اولمشیدی اکبناء خلقک درونه خوف دوشوب عسکری وغیری ناسدن  
کشد و طالع شمه سی و جغه سابقه سی اولنلر عموما فراییدوب ابازه حسن پاشا یانه  
جمع اولدیلر و اناطولی اولان عسکر دن کذلک اولقوله و همناک اولنلر تخلص جان  
ایچون جمعیت مزبور یه جان اندیلر و اناطولی حکامندن خائن دولت اولوب هوا سنه  
تابع امرا وزرا ایله خبر لشوب ایشیر پاشانک قاعده سیبه سی اوزن قونه صحراسنه  
مجمع اولقه قرار ویرلشیدی شام والیسی اولان طیار زاده وزیر احمد پاشا و اناطولی بکر  
بکیمی جان میز پاشا و بونلر دن ماعدا اون بشدن متجاوز منصوب و معزول بیکر  
بیکر خد متلر اولان صاروجه و سکیانن غیره مالک اناطولی اولان مفسد و غدله فی  
جمع ایدوب عموما فیوما تزیاید بوله رق قطره ایکن نیل و جدول ایکن سیل اولوب  
اوتوز بیکدن متجاوز استقیایله قونه صحراسنه جمع اولدیلر و اراقله عجلاله سفر همایونه  
کلوب ایرشملری بانه طرف دولتن اوامر استعجال و صدر اعظم دن مکتوبلر وارد  
اولد قچه امتثال و اطاعت جوابلرین مشعر مصنوع مکتوبلر کوندر و ب سعادت  
سلطانم استه جمع اولان عسکر ایله قولکرتده ایرشملک اوزنیم دیواغفال ایدردی صدر  
اعظم کوزدیکه خرمن وقی اولدی ابازه حسن طرفندن کلورکیدر یوق دماغی فسادده  
اولد یغنی بیلوب مصراع اوکنسون دشمن اوکنسون اگر قالورسه یانه دیوب بیلک  
التیس سکر ماه رمضانده موجود اولان عسکر ایله ادرنه دن حرکت واردلجاذب عزمیت  
ایتمشیدی ابازه حسن پاشا و سائر استقیادخی بالجمله کلوب ایرشجه بر قاج ایام قونه ده  
آرام ایدوب عموما کلدرنه سفره عزیمت خصوصنی مشاون ایچون عقد جمعیت  
ایدوب نافع اولانیه عامل اولق اوزن طرفیندن گفت و شنید دنصکره بومنوال اوزن  
یسط مقال ایلدیلر که دولت علیه عثمانیه ده مناعب علیه و مراتب سامیه یه نه طریقیه  
تائل و واصل اولدیمز محتاج بیان دکلر دوات علیه طرفندن هر بریزک حقندن  
کلمک مصالح مهده دن اولوب کرید سفری غائله سی ایله اجمال شکله امهال اقتضا  
ایتمکین استیعما لمر خصوصنی خاطر پادشاهیده مرکوز ایدوکنه شتک یوقدر باشقه  
باشقه دفع و رفع ایچون تجهیز عساکر و ایشار خرائن اقتضا ایتمکین خواب خرکوش ویریلوب  
صید یغره فرصت جویدر حالامقام عسارت عظماده بولنان دولتلر و خود و هوادار سلطنت  
اولوب اهل ظلم و فسادک دفعیه تقیدی و شمعی یه دیک بیدر کسنه بی سیفدن یکردیکی  
معلوم در سفر مهانه سیله مطلوبلری اولان بوقدر کسنه روم ایلمه یکوب بی زحمت اللربنه  
کیردکه یاغیله کلشی شکار مشاه سنک پر برر جمله مزی گرفتار کند انتقام و سیف سیاستله

قتل اقدام ایدو جگری مجل شبهه دکلدر بویه دریای بلایه دوشنلره ساحل نجاته  
ایرشمک نیجه میسر و تیغ پادشاهیدن باش و جان قور تازمق نه وجهله متصور در  
الحاله هذه طیار اوغلی وزرای ملک اراسنده رأی صائب ایله مشارالیه و باعن حد  
وزیر ابن وزیر وزیر و صاحب خانما ندر مهر وزارت عظمی مشارالیه تقویض اولنق  
خصوصنی مجمع اولان وزرا و امرا و ضابطان عسکر اتقاید رکاب همایون شهر یاری یه  
عرض و محضر اولنسون مساعده یوریاوب مومی الیهی خدمت و کالته تعیین  
ایدر لسه هرنه جانبیه تحریک عنان اتیمک فرمانلری اولور سه جمله مزروانه اولوب  
خدمتات دین و دولته دامن در میان و اغور همایونلرند ترک پاش و جان ایتمکدن قاجلر  
والامادامکه حل و عقد امور بالا صدر نشین و کالت کبری اولان محمد پاشانک یانه  
اولد قچه سفر نامیده اولطر قه عزیمت و برخطوه حرکت امر محالدر دیو قطع قیل و قال  
ایتد کلر نه تدابیر بی نتیجه لری علی زعمهم موجه کورملکه خصوص مزبورک استخکام ایچون  
رسوم عهد و پیمانی تجدید و ایمان مغلطه ایله تمهید و تأیید اولنسون دیواستانه سعادت  
هنوانه عرض و اعلامه قرار ویرمشلر ایدی اول ائشاده طرف شهر یار بلند اقتداردن  
خط همایون ایله بوستاجیلر خاصکیسی کلوب مضمون شریفند خدمت همایون غزده  
یومرتبه نکاسل واهماله باعث ندر سفر ظفر رهبرده ما موراولان وزرا و امرا و سائر  
عسکر معرکه آرا ایله ایکی قوناغی برلیدوب وزیر اعظم و سردار اکرم یانده موجود بولنه سنی  
دیو صدر ایدن فرمان قرین از عان واصل اولد قده ابازه حسن پاشا و وزرا فرمان  
شهنشاهی یه امتثالی مشعر کلماتیله اعتذار و باعث تأخیر مجمع عسکر ایچوندر جمله سی  
کلدرکه یوز سور ییوب سفر همایونه کیده رزدیوب رسم اطاعت اظهار ایتدیلر  
مقدماعهد و پیمان ایدن گروه اهل فساد یکزبان بسط کلام ویراغزندن بوجهله اظهار  
مرام ایتدیلر که حالا وزیر اعظم اولان دولتلر و ایله خدمت پادشاهی ادا سنه حرکت اولنق  
امر محالدر و مشارالیه ایله عزیمت تکلیف پیهمده خیالدر وزیر اعظم اولدن برو بوقدر  
بیلک یکچیری و سیاه و امرا و وزرای بی کناه قتل ایتدو کیچون هر بریز خوف جانده دوشمشزد  
مهر وزارت اخره عنایت اولند قچه نه پاشا لردن برکسنه نک کسنه رخصت ویریزر  
ونه عسکری طائفه سندن بریزک اوچانبه عزیمتی متصور دردیومد عالین ادا  
ایتدیلر و مساعده اولند یغنی تقدیرده اطاعت و اتقیدادن روگردان اولق کلماتنه اجترأ  
ایدوب بو مضمون اوزن رکاب همایون شهر یاری یه وارکان دولت طرفنه مکتوبلر  
یازیلوب جمله امرا و رؤسای عسکر دن دخی عرض و محضرلر ایله بوستاجیلری ارسال  
ایلدیلر مقال فساد استمکال لری معروض بارگاه خلافت پناه اولد قده سهولتله دفع  
اولنق ایچون سفر همایونه کله لردن فراغت اولنوب بغداد بهشت آباد محافطه سنه  
کتلر ایچون خط همایون صادر اولوب درگاه عالی قیوچی باشیلرندن سنجقلی اوغلی  
حسن اغایله ارسال ایلدیلر و وصولنده بالکلیه اظهار عصیان مشعر کلماتنه جرأت  
ایدوب وزیر اعظم قتل اولند قچه نه سفره و نه فرمانلری اولان جانبیه کتمک ممکندر



اون بش كونه دكيتن قطعي جوابه منتظر زمسانه اولنور سه قبه ها والا زده بلديكنه حرکت  
ايد زديو حسن اغايي بولايوب كند وركر وه مكر وه ايله بروسه اوز رينه طوغري عزيت  
ايتمشلرايدى مجمع اولان استقياب رسم قديملى اوزن تحريب ممالك عاد تلى و تحريب عالم  
مقتضاي جليله تلى اولمغه اطراف وجو ابني يغما و خسارت ايجون رخصت طلب  
ايتد كننده ابازه حسن پاشا و سائر پاشا استانه سعادت طرفندن بالكلية قطع اميد ايتيويوب  
حصوله كلك سلا حظه سنده اولد قلارندن آشكاره و غما و تالانه اذن و پر مد يار كن فقرادن جلب  
اموال ايجون بر غيري حيله تدبيرين ايتد يلز مقتضاي شرع له طرف سلطنتي كوشمال ايجون  
تجمع ايدن جنود مسلمانيك بر موجب دفتر زاد و زوالين واران مباشرت يله بالتمام ارسال يليه سفر  
ديو بيورلد يلر يازدروب ممالك محروسه ده اولان قصبات مشهور دن بو طريقه اوزريك  
ويكر ميشريك غروش تحصيل اولنوب اوندات واستقيايه توزيع و تقسيم اولنوردى گروه  
استقيا بروسه حواليسنه نزول ايتد كلرى مسموع شهر يارى اولغين ركاب همايونده قائم  
مقام وزير طوپال صارى كنعان پاشا رضاي پادشاهي به موافق خدمته موقوف اولدوغى  
ايجون اول مقامدن رفعي لازم كلىشدى ماه شوالك اون بشي كونه بروسه محافظه سى  
ايله كوند ر يابوب يرينه والده سلطان حضر نرينك كند اسي اولان دفتر دار سابق على اغا  
وزارت ايله ركاب همايونده قائم مقام نصب اولنوب كور كلى خلعت فاخره الباس اولندى  
پوشاده استقيا طر فندن تكرار اقوال فاسد لرني مشعر عرض و محضر ايله بروسه قاضيسى  
هاشم زاده و اعيان بروسه دن بعض گسنه لرى خواه و نا خواه تعين ايدوب يانلرينه سوز  
پيلور كند ايرلندن و قول طرفندن بعض اختيارلر قوشوب دزدولته كوند رديلر قائم مقام دخی  
على پاشا طرفندن ركاب همايونده عرض اولند قده پادشاه عالمينه كان آدملى حضور  
اخضر ايدوب سزى كيم كوند ردى ديه سوال بيورد قده انلردخی ابازه حسن پاشا قوليه تزييله  
يانشه اولان قوللر يكر كوند ردى ديو جواب و يرد كننده پادشاه عاليجاه مزبور له حمله عتاب  
ايدوب حاشا انلر قم قوللرم دكلدر انلر شيطان قوللر يدر له قرالى كافرايكن بوغزاي عطيه  
امداد ايلدى بونلر موتمن و موحد و پادشاه اسلام قوليه وزير لاهل دين و اهل اسلامه لايق  
اولان بوميدركه و سوسه شيطانيه ايله باشى قورقوسنه دوستوب بو قدر آدمي كندويه  
اويدروب كافرانعم اوله بوندن اقدام عفو و امان مشعر خط كوند ردم بو فكر فاسد دن فراغت  
ايدوب بوجانيه كلكدن خوف ايد رلر سه بغداد محافظه سغه وارسونلر يا خود جمعيتلرين پریشان  
ايدوب هر كس منصبى طرفنه كفسون وزير عزل اوله حق زمان دكلد رديم و بوندن  
صكره اولو الامره اطاعت ايتماك مسلمانلر قميند ر الله ايله عهد م اولسون بوند نصكره قتل  
هاتم ايله جمله سنى سيف سياستدن كچوروب برفرد ني يوز كارده صاغ قومايم و سزلى  
قتل ايد ردم لکن اياجي به زوال يوقدر وار ك يقيلك كيدك ديو جواب و يردى وسادات  
مواليدن بروسه قاضيسى هاشم زاده اصلا ح ذات الامين نيتيله و بروسه اوزرينه  
كلن استقيايك ايراميله كلديكي عذرى قبوله قرين اولمغين مظهر غضب شهر يارى  
اولوب قتل فرمان بيورلشدى لکن تعلقه رعايت و رعيله اكتفا اولندى و خط همايونله

ابازه حسن پاشايه واروب انلر ك عرض محضر ليله كلان قيوچى باشى حسن اغا كه جمهور  
استقيايك كثرين و وزير ك عزلى باينده اتفاقيله حر كنلرين كورد يكي كى حضور همايونده اعلام  
ايدوب وزير عزل اولد قچه بوفتنه ك اند قاعى محالدر ديش ايدى استقيا طر فندن مكر را  
كلن اوراق مزبور قيوچى باشى حسن اغايه و يريوب واقع احوالى و اصدراعظمه كورد و كاك كى  
اعلام ايله ديو فرمان و بر مختوم خط شريفه وزير اعظم طرفنه بحالته ارسال اولندى و وزير  
اعظم دارالخبره به قريب اولد ينى محله خط همايون و جلاليلرك كاغذ لرى قيوچى باشى  
صيفلى اوغلى حسن اغاييله وصول بولد قده احواله مطلع اولوب قيوچى باشينك كلامى  
مشيوع بولمغه شايد كه قساده مودى اوله ديو اول ساعت قتل ايدى و سفر ده كند و ايله  
همراه اولان بكچرى و سپاه صابظلرين و اختيارلرين جمع ايدوب استقيايك خروچى  
مشاورن و اقتضاسنه كور مكاله د نصكره هرا و جا قدن بر آدم اختيار و انتخاب ايدوب  
عرض و محضر ايله حضور پادشاهي به و ابازه حسن پاشا يانشه اولان قول طائفه سنده  
ارسال ايتد يلر عرض و محضر لرند يا زيلان يو كه اهل ايمان و اسلام ايسه كز بوجا نيه  
كله سز دين اوغرينه غزا و جهاد ايدوب كفان قايج اون لم اكر بوند نصكره عنا ديكزه مصر  
اولوب كلز سكر انشاء الله تعالى بوجانده جناب يارى فتح و فتوح ميسر ايتد كد الله ايله  
عهد يمز اولسون تا اوز ريكره واروب حقليكر دن كلد يكه قايجمى جقار ميه لم عسكر  
اسلام طرفندن كوند ريلان آدملر حضور پادشاهي به كاوب گروه عسكر ك نيجه كلا مرين  
افاده ايتد كد نصكره ابازه حسن بجهنده روانه اولوب انك يانشه اولان قول طائفه سنده  
عرض محضرى تبليغ ايتد يلر حسن پاشا بو قضيه دن خبر اولوب بو طرفدن قطع  
اميد ايدوب چونكه سوز يكر كمدى بوند نصكره بزي دخی شاه عجم كى بر قوى دشمن بلسونلر  
قيابعد روم ايل انلر كم ناطولى بزم اولسون بلد كلرندن قلمسونلر ديو كستما خنه ترهاته  
پاشلدى و يي پاك و پروا بروسه اطرافنه استيلا و حكامى سفرده بولنان ايات و سنجاقلرى  
پاشنه اولان امرايه توجيه ايدوب پادشاه عالمى شرع له ارشاد و كلا سنى تأديب ايجون  
جمع اولان عسكره ذخيره ديو قول قول بيورلد يلر كوندروب جمع مال و تعذيب رجاله استكان  
جرايه شروع ايتد يلر و دخی جمعيتلر بوند بولنيوب اداى خدمت پادشاهي ايجون سفره  
كيدن سپاه و بكچر يلرك اهل و عيالندن بر مقدار لچه اlob بعد تفتيش ايجون كلنلرى  
مواخذة ايتمه مك اوزن اللرينه همور كاغذ لرو يرد يلر خلاصه كلام استقيايك آتش  
قساى سه ولتله منطقي اولق ناممكن ايدى كى معلوم شهر يارباند اقتدار اولد قده جوابلرى  
زبان شمشيره حواله اولق اولى و اعلى و ادنا سى كرتار دام بلا اولق تدبيرينه شروع  
اولنوب تحكيم على السلطان ايتكه دملرى هدر و جنود مسلمين كفار ايله غزايه مامور  
ايكن تحريك فساد ايله فسح غريته باعث اولنلر كافردن استدر ديو قنواى شريفه  
و يريوب استانبولك اولان علمى اعلام و فضلاى ذوى الاحترام امضا ايتلرى ايجون  
قائم مقامه ارسال اولندى بعد الامضا صورتلرى نقل و تحري راولنوب نفير عام امر لرى  
ايله اطراف و جوانبه پراكند قيلملى و بغداد محافظه سنده تعين اولنان دريا ربكى



واللهي وزير مرتضى پاشايه سره سرگرك فرماني ارسال اولندي عموما كوردستان بيشگري  
 وديار بكر وارضروم عسكري مامور اولوب و حلب ايلالي ادرنه لي سوخته عموما پاشايه  
 وريلوب ايچ ايل عسكري ايله حاضر و آماده و سردار مومي ايله ايله بروجده استبحال  
 استقبای بد افعال استیصال چون ننبیه اولندي و همالك محروسه ده اولان قلاع و قصبای  
 حفظ و حراستده اهتمام مالا كلام ايتلمر چون او امر مؤكده تبليغ اولندي الحاصل  
 سعادت پادشاه عالمپناه حضرت نوري صدر اعظم قولريني حیات وصیانت خصوصاً  
 مشول مرتبه اظهار صلاحات و متانت بيوردیلر که حضور همایونك خلافت بر سوز  
 ضوئلكه كسندك زه سی قلمامش ایدی ارکان دولت و حواشی اکثری بلكه ناسك  
 مجموعی صدر اعظمك سیف قهریله تسلطندن خوف ایتدكلر چون ذوالنه مترقب و ابازه  
 حسن جمعی نتیجه پذیر اولمغه بلك جا نیله طالب ایدیلر اما تیغ بی دریغ شهر باریدن  
 هر اسان اولموی ايله وزیر علمینه بر حرف سونلكه قادر دكلر ایدی حتی بروسه محافظه سغه  
 كیدن كنعان پاشا وزیر طرفندن اولوب نظراته قات پادشاهیدن دخی مایس اولغین  
 بروسه یه وارد قیالیه مقالتله و شهری محافظه اچون شهر لودن و افر باروت  
 و قورستون ولوندي اچون نعل و ذخیره و وافر خرچلق جمع ایدوب و نهانی حسن پاشا ايله  
 مكه و باشوب كچه ايله باروت و قورستون و ذخیره كوندروب استقبایه امداد ایتدو كنی  
 بروسه خلقی طویوب اوزرینه غلوا ایدك زمانه حسن پاشا دن دعوت مکتوبی دخی  
 كلكین اول كروه متابعتی جانشه مفت بیلوب مخصوص آدمی و عسكریله واروب ابازه  
 حسن جمعیته ملحق اولوب جمع ایتدو كی باروت و قورستون و مهمانی پیشكش چكدی كنعان  
 پاشاك متابعتی استقبایك قوتیه سبب اولوب بروسه اطرافندن بی پاك و پر و اقرار ایتدیلر  
 اول حینده چاوش اوغلی محسن پاشا عسكرك جمع ایدوب كلیك محافظه سغه مامور اولمشیدی  
 مدانییه واروب بر قاج حسن پاشا لی قتل ایلدو كی خبری حسن پاشایه منعكس اولد قله  
 اوزرینه وافر لوند تعیین ایدوب مقاومت ممكن اولسا غله چاوش اوغلی قدر غنیه بنوب  
 مدانییه دن ایرلیدی و احوالی در دولته عرض ایلدی سپاه اغالغندن پاشا اولان قوناچی علی  
 پاشایه ناطولی ایالتی وریلوب سردار مرتضی پاشا كلیجه یه دك اول حدودی محافظه سپارش  
 اولوب و ادرنه بوستانچی باشی لغندن استانبول قائم مقامی اولان قرق ایاق دیدكاری سنان  
 پاشایه اسكدار محافظه سی فرمان بیور لغین اطاعت فرمان اچون ناچار عجزله بدل اقتدار  
 ایدوب اسكدار پكدی و متر سركس دیروب طویل وضع ایدوب استانبولده اولان اوتوراق  
 و قورچی ضعفاسنی و قیو اورنه سندن اولان وظیفه خوارلری متر سه وضع ایلدی خلاصه  
 كلام استقبایك جمعی كوندن كونه قوت بولوب شر و فسادلری خورفندن یولر منقطع  
 و همالك محروسه عموماً محصور و مسدود و بروسه دن بروسه اولان قصبای و قرا  
 اهالیسی اسكدار كلیجه اكثری اثواب و ائقالاتین استانبولده كوردی هجوم استقبای خورفندن  
 باغربنی بی وقت بوز دیروب انواع خسارته مبتلا اولدیلر و بركون بر در لو خبر كلوب فلان  
 یه كلسلر و فلان پری اور مشلر دیوار اچیف ظهور یله خلق عالم به حضور اولوب غرابه

پونده و ربطدن محفوظ اولیان مفسد لر و عالمك مرج و مرجین استین بجمای  
 قایكار لر بوقضیه ظهورینی فرصت بیلوب ازاله استقیما و تخیج خصوصاً اهتمك مدن  
 ناشی وزیر اعظمی اكثر خلق استتقال ایدوب ابازه حسنك غلبه سنی استرلردی حتی بعض  
 واعظ افندیلر و مشایخدن نجه طریقاً حسن پاشا مؤید صاحب ظهور در قرن حادی  
 عشرده مجددین اولان بودرونك یوزندن شویله خدمت و بویه مصباحت ظهور ایدك چكدر دیو  
 خلق اغزیه سوز و یروب شهر استانبولی كفت و كوالیه مالا مال ایتدیلر شویلكه شتی مزبورك  
 جمعیتی بومرتبه طغیان و اشتداد د نصبر كره متفرق اولق جمله نك تصورندن محال مرتبه سغه  
 وارمشیدی كوپریلی یاشادن دلكی و بی حضور اولان رجال دولت و سائر ناس دخی  
 پو كفته كودن نهانی مسرور اولوب ابازه حسن پاشاك غلبه سنی اللهدن استر اولدیلر سعادت پاد  
 پادشاه عالمپناه حضرت نوری خلقك بومرتبه جلالی طرفقه میلنی و صدر اعظمك نفرنی كوروب  
 وزیر اعظمه زیاده محبتلرندن ناشی بر خط همایون یاز دیلر مضمونی بوكه نیم لالام ابازه  
 حسن دیدك كاری شقیك حقیقه نفیر عام فرمان ایتدم لکن جمعیتلری كندیكه زیاده  
 اولقده در ضبط و ربط امور متعلق اولان خدمتكه حسب ایدوب سندن خوشنود  
 اولد قلیچون خلقك چوغی استقیما طرفقه میل اوزن ذر سه و لته دفع اولمز و اهمال  
 گو تورمز ایشدن رحا لاما مور اولدیك امور دن و فتح قلعه دن بوغا نكه نك دفعنی اهم و تقدیم  
 و مهور كا لیم سكالازم ایسه نا خیر و توقف ایتدوب بركون اول ایشیه سن دیور محرم  
 ینده ایلده ارسال بیوردیلر جلالیلر ك نتیجه احوال لری بوندن صكره ذكر اولنه جقدر  
 ذكر رفتن سردار اعظم بولا یت ادرل و فتح قلعه یانوه مقدمات تحریر اولندیغی اوزره  
 بیك الشمس سكر سینه سی رمضانك یكرمی ایكینی كونی وزیر اعظم عسكرك اسلام  
 ايله ادرنه دن قالقوب ادرل اوزرینه عزیت ایتمشیدی و تاتار خان عالیشان تاتار  
 و قزاق عسكریله مجحلا حرکت واردل اوزرینه توجه و عنان مسارعت ایتك اچون  
 مقدمات خط همایون شو كتمقرون ارسال اولمشیدی سردار اكرم طی مراحل ایدرك  
 بلغراد داخل اولوب بدون محافظی كنعان پاشا عامه سرحد عسكریله و سلسله بيشگر  
 یكیسی قدری پاشا كند و ایللی و دور بجه لوند ایتله و خان تاتاردخی پیشمارتا یار یله وله قرالی  
 طرا قندن اون ایکی یكدن زیاده عسكرك صدر اعظمه مامور همراه جها دایدیلر فلبه ده  
 بیرام غازی قیلنوب ادرله متوجه اولدیلر عسكرك ظفر رهبر ايله سرحد اعدایه و اصل  
 اولوب اول موضعك جاری اولان نام نهر اوزرینه مجدداً جسر ترتیب اولنوب عسكرك  
 دریا خروش سیل بی قرار كی اول جسر استواردن عبور و مملكت اعدایه مرور ایتدیلر  
 اول محله واقع كلیك ممالك كفاریا نوه نام قلعه استواركه مرحوم سلطان سلیمان خان  
 مملكت نجه والا مان سرفر زینه ارخای عتاز بیور قلعه مالحق ممالك عثمانی و داخل  
 ضبط حكام سلطانی اولمشیدی دور سلطان مجدیده ظهور ایدن مجار سفیرلی  
 قائله سنده بر طریقله كفار الله دوشوب حكام سرحد اعدایه یوزمانه دكین  
 قالمشیدی جمله دن اول قلعه مزبورنك فقی و استكای اهم اولماین اطرافنه نزول



اولنوب جو اني نه ب و غارت و بعمليه تعيين اولنان بكار بكيه علي الفور واروشا بحراق  
 يا لئلا رايوب قلعہ دین ماعدا اصلا شملکدن ائوقو مادیلر اعدای دین قلعہ به حصن  
 ایدوب آماده حرب و قتال اولمشلرایدی اول کجه بکچری متر یسه کیرمک فرمان اولنوب  
 نصف اللیلہ دک متر سترالنب هر کس گدیکنده حاضر و اماده اولد قد نصبر اطرافه بارو  
 مشکن و اژدر بیکرط و بلمر یوریکه قایل اولان یلر مامر لیلہ تفنکجیلر وضع اولنوب دائر امداد  
 هر وجهله محاصره اولد قد نصبره علی الصبح اعدای مقهور اطراف و جوانین عسکر  
 ذریا مثال لیلہ محصور اولد قلرین مشاهد ایتد کار نه خوفلرندن بیپوش اولوب واصل ساجه  
 نجات اولغه قلعہ بی تساییدن غیر ی چان بولد قلر یچون رجای امان ایلر بر قاج نامدارلرین  
 ارسال ایتدیلر العفوز کوة الطفر مضمونی اوزن زجاری قرین رضای دستور و قوریلغین  
 اولکون اخشامه دک چقمق شرطیلر امان ویرلدی ماه ذی القعدة غرسی ایدیکه متر یسه  
 کیریلوب ایتسی قلعہ مزبورن مسخر و مضبوط اولد قد نصبره ممالک اعدای نه ب و غارت اچون  
 اصناف لشکره رخصت وریلوب کروه کروه اول فرقه مکروهیه حواله قلندی غان تاتاریه  
 ايسه مقدمه و ایدین فرمان عالیشان اوزن اکیوز بیکدن مجاوز تاتار و قراق عسکر لیلہ  
 ضرر حد اید داخل اولد قد اوغراد قلری یلری یغما و تالان و اهلینسک اکثرینی کفی اسیر  
 و کفی بیجان اید رک لعین مزبک مقرر حکومتی اولان بلغراد نام شهره وصول بولد قلری کبی قراق  
 عسکر ی طوب و تفنکنه باقیموب علی الفور قلعہ نک التنه کیر دیر جنک وجدال اوج دورت  
 ساعت تمتد اولدین نردبان ایلر بالای حصان صعود ایدوب ابواب شهر ی کوشه بکوشه یغما  
 و اخذ تفاریق بی نظیر کیر ایتهدن تحصیل غنا ایلد یلر لعین بی دین اول طرفلرده قرار و آرام  
 اید میوب نجه سرحدینه قریب اولان بر قلعہ متینه دک فرار ایشیدی عسکر نامه قلانی  
 دخی سردار لری اولد و غندن باید ارا ولیوب صعب المرور کهسان التجالچون فرار ایلدیلر  
 ممالک مذکور بی سپاه و سردار اولغله عسکر کار کذارتا ناعد و شکاری خوف و خشیت  
 تاراج و خسارت ایدوب اکثرین طعمه سیف و اهل و عیاللرین اسیر ایلر عیالنامنه  
 اولنوب اعدای لشکر دن مضطرب اولوب اطاعت و انقیاد ایلر غرض تدلل و انکسار و رجای  
 اما نیله داخل اوردوی نصرت ممدار اولد قلرند رجاری مقبول و مشعوع و یغما کیران عسکر  
 ممنوع اولد قد نصبره اردل بکراده لریدن سابقا راقوچی اوغلیمنک دفتر دارلغی خدمتینه  
 اولان یارخغای لقوش نام بکراده اردل جا کبی نصب اولنوب طرف سلطنت علیه یه هر سینه  
 ادا اید کلب کلری لون بشین بیک الثون خراجینه بکرمی بشین بیک الثون دخی ضم اولنوب  
 قرق بیک الثون تمام و مقابله توجیه حکومتد مرکاب همایون شهر یاری یه یا لکیر بوسنه  
 بیک کیسه ارسال ایتدی قبول و التزام ایتد کد نصبره ماه ذی الحجه نک اون بشینی کونی  
 خلعت و قوقه و طپوز عنایت اولنوب طمشوار و الیسی اولان ایلر لور مق اوزن ایالت  
 اکره دن معزول چنکی زاده علی پاشایه ذی الحجه نک اون برنجی کونی توجیه اولندی  
 لعین مرقومک تحمین ایتدیکی قلعہ اوزرینه وارلق مصمم ایدی لکن طرف پادشاهیدن  
 استعجالا دعوت خط بشر فیله خاصکی اغا قلعہ محاصره سینه شروع ایشیدن کلش

ایدی سردار اعظم اخلایدوب دعوت خبرین اشاعت ایتد مشیدی یا نوبه فتحی مینسر  
 اولد قد نصبره دعوت همایونه اجابت و جلالیلری دفع غائله سی اچون ضروری ادرنه یه  
 هودت اقتضای تمکین راقوچی اوغلی خصوص یچون اول سرحدده اکلیک ممکن اولماغله بودین  
 والیسی اولان کنعان پاشایی سرحد عسکر یلہ یا نوبه محافظه سیچون الیقویوب اول ممالک  
 قصویه احوالنه متعلق اموری وزیر مشارالیه تفویض اولنوب سردار اعظم عسکر اسلام  
 ایلر ادرنه طرفنه مراجعته قرار وریوب یا نوبه قلعہ سنک فتحی خبری مرثه سیله ناخیتی  
 مصطفی اغایی تعیین ایدوب بکرمی کونه دک رکاب همایونه یوز سور مکه مسارعت  
 اولنوب طبع کرامت مشحون پادشاهی یه اصلا کد رعارض اولمسون دیو دعوت خط  
 مشرفنک جوابن یازوب خاصکی اغایی دخی ناخیتی مصطفی اغایه قوشوب رکاب همایونه  
 ارسال ایدی مرثه فتح و رکاب همایونه وصول بولد قد علی رغم الاعدایدی کونیدی کجه  
 ممالک محروسه ده دوغما فرمان میوریلوب سردار مشارالیه دخی خدمت مبرور سی  
 مقابلہ سنده بوجه اجلال برقبضه مرصع شمشیر جوهر دار ایلر بر کورکلی خلعت فاخره  
 ارسال اولندی و مرثه کتورن ناخیتی مصطفی اغایه کوچک میراخولق احسان  
 میوردی استانبول قائم مقامی وزیر قوجه سنن پاشا نجه یالار ادرنه ده بوستانچی پاشی  
 و قرق ایاق نامیلر شهرت شعار و اموردین پیر و اختیار اولغین مسند حکومه سزاور اولوق  
 قیاس اولنوردی لکن رتبه و زارته لازم اولان دقایق حکومتی بوستانچی باثیلق احوالنه  
 مشابه اولماغله خلا فی ظهور ایدوب مأمول اولان خدمتده تصصیرات ایدوب و غفلتی  
 متبیین اولغین فتح مرثه سی و رودندن مقدم عزل اولنوب یرینه میراخور اول اسمعیل اغا  
 وزارتله استانبول قائم مقامی نصب اولندی سردار طرفندن ممالک اردل احوالچون عقلا دن  
 و پیر ووشن خمیر دوستقرقل ایدرکه مزبور قوجه سنن پاشا مدت مدید ادرنه بوستانچی  
 پاشیلغندن نجه خدمات مدد و حه وجوده کتوردی و ضبط و بطله مشهور آفاق اولمشیدی  
 و وافر مال و رطوبت حال دخی پیدا ایتشیدی دارالسعاده طرفندن طرفکیرلر سوقیلر  
 استعدادی معلوم پادشاهی اولغله مخصوص چراغز اولسون دیو قائم مقام ایتشیلرایدی  
 لکن قوجه سنن پاشا کوریلنک انتصابی و مجامع امور ضبطنه شروعی و مدد و احوال  
 کسنه لری اسلثقال ایتدیکی و رفع مزاحمه اهتمامی و نفوذ کلانی کوروب نجه صولتندن  
 تخلص جانه اظهار تحق و اعلان تبلیه قدر وسیله اولدوغنی دخی ملا خطه ایتدیکچون  
 استانبول قیوسندن اچر و داخل اولدینی وقتد جمله تدبیرات و تصرفات فراموش ایدوب  
 هن قصد بر هبنقه روز کار و نصیرالدین مضحکه الاطوار اولمشیدی حتی نقل ایدرلر کیدی  
 قله دن بردعواچی کاوب شرعیله کورلکه بر فرمان طلیمیلر دیوانه کیردکیدی قله قاضیسی  
 افندی کورسون دیو یورمش تذکره جیلر استانبول قاضیسنه خطا بایوروب ارباب  
 دیوانه خنده ایتشیلر و کرم چیلر دن شکایت اولنوب کندولره اور نک ویرین قالمه کون  
 هوکیوب کرمدری کوچک تاصلاق یایوب باشندن صوارل دید کد جدید و عتیق  
 کرمدرلر دن نمونه کتوره و بوزن ایلش جدید تاصلاق کرمدا سکی و موزون و طویل



کردند و اگر کلد که برآمدند بکنند بکنند و اگر در بی معنی به شکایت رسد  
دید که در قتل پاشا که حقه مقتدر اولوب کتشیله قتی چوق مضحک حکایتی وارد  
ماه ذی الحجه که او بجای سبت کوئی رکاب همایونه ورودیدن ناخیم و قائم که عینی بوجه  
تحریر اولمشدر بودند اقدم اردل و لایتنانک اوج ملت اعیانی طرفند و کیلیری ایله ملک  
وکیل و بانی اولان بارچقانی نام کافر کلوب اوردوی همایونه واصل اولغین مذاکره امور  
بدون محافلی کنعان پاشا که رأیه حواله اولنوب ابتدا مجلسه طرفیندن صادر  
اولان سوال و جواب مقرر خصوص ایدی اندنصکره بر قاج دفعه عقد مجلس اولنوب اردل  
حکومتی راقوچی اوغلی دیدکاری خائینک اوزرندن رفع اولغله یتنه مقرر اولتیق شبهه سیله  
رعایا و بر پایه اختلال دوستوب عاقبت جمله وزرا و میر میران و امرا و یکچری اوجاخی  
والتی باوگ خلقی و سرحدک اعلا و ادنا سی احوالی یلور اختیار آدمایله مشورت  
اولنوب بان مزبورک عقل و فکری پسندیده اولند یغندن غیری هر سنه ویریلان اون  
بش بیک التون خراج سنوی یکرمی بش بیک دخی غم و ترقی اولنوب بهر سنه قرق بیک  
التون خراج ویرمه که تعهد ایدوب و بوسفره دخی کندوری باعث اولغله امداد مصرف  
ایچون دخی خزینه عامره یه انجق بوسنه بیک کیسه اچه ویرمه که متعهد اولوب  
و مقدمات مشوار والیری طرفندن ضبط اولنوب بهر سنه حرمین فقراسنه  
اوج بیک بشیوزالتون تحصیل اولنور کن ثعلبا ضبط ایلدکاری شیش و لغوش نام  
ایکی قلعه یی و اینجند اولان طوپلری و جیه خانه سیله و جمله اطرافند اولان کویلری ایله  
و یروب و سرحد کویلرندن کیم دوب اردل تابع اولش هر نه قدر رعایا واریسه جمله سن  
کرویه ویرمک اوزن عهد و شرط ایدوب اول جمعیت جمله نک اتفاقیه اردل حکومتنه  
قفتان کیم دیر یلوب فیصل ویرلشیدی بدون والیسی وزیر کنعان پاشا اردل بانی  
اولان بارچقانی ایله عقد مجلس ایلد که حین مکالمه ده اولان سوال و جواب و قرارداد  
اولان مواد دراولا و ارات قلعه سی تحلیه و طرف پادشاهی یه تسلیم اولتیق و شیش  
و لغوش و قریج پرلری دخی بمالک محروسه پادشاهی یه الحاق اولنوب اول سمیتدن  
حدود وضع اولتیق اقتضای مراد همایوندز بو مصاحبت بویه اولتیق کرکزدیو خطاب  
اولند قند جوابلرند امر صاحب فرمانکدر مملکت اردل جمله سی شوکتلو و عظمتلو  
پادشاه عالمپناه حضرتلرینکدر و رعایایسی خراج کد اوروالی بعلو قوللری یوزکن  
مرحوم سلطان سلیمان خان حضرتلرینک زمان شریفلرند اردل فقراسنه عنایت  
و احسان یوریلان عهد نامه همایوندز من بعد اردل ولایتندن قلعه و طپراق طلب اولتیق  
دیو قول و قرار اولندی مسطور در پوآنه کتجه بومقوله سنه تکلیف اولند یغندن ماعد  
شیش و لغوش رعایا سندن مدینه منوره ایچون بهر سنه اوج بیک بشیوزالتون تحصیل  
اولنوب خزینه پادشاهی یه ارسال اولنه کلدیکی وکلای دولتک معلوملریدر بوقلعه  
و طپراق ایچون یردن کوکه دیکرجا و منت ایلد که بوقوللرینه مرحمت ییور یلوب قادر اولدیغین  
اجلندن تکلیف اولتیق زرا و پرز دیسک دخی صکره جوابک عهد سندن کلکه قادر اولتیق

مجلس اولو رز و ذکر اولنان قلعه و طپراق ویرلدیکی صورتی راقوچی اوغلی خان  
و اطرافنده اولان جمله ملت نصاری اوزرینه هجوم ایدوب کولدرمک اقتضا ایدر  
او مارز که دولتلو و سعادتلو و صدراعظم و سردار اکرم حضرتلری بو خصوصیه  
پیور یلوب بطلب اولنان خصوصیه مقابله سنه قدر غم مرتبه سی ازدیاد خراجله مصاحبت  
کون لم فرمان شریفلری اوزن کوملکمز و ارنجه و یروب خزینه امدادی ایله مقدر و یوزی  
صرف ایدر زو یوباید فرمان عالیینه منتظر دیو جواب ایلدیلر ایچکی ماده یا نه  
قلعه سنه قدیمدن تابع اولوب دفتر خانه عامره ده مسطور اولان قریه لک ضابطی فیما  
بعد طرف سلطنت علیه دن لازمدر بو خصوصیه جوابکدر دینلد که یوباید زن قدر  
مخالفتمز یوقدر یا نه قلعه سی قدیمدن شوکتلو و عظمتلو پادشاهمک ملک مور و ثلریدر  
و هالیاسنه دخی علاقه و مدخلمز یوقدر انجق رجایمز بودر کد دفتر خانه عامره ده محررولایت  
قید ایلدکاری حدود قدیمه دستور العمل اولوب زیاده تجاوز اولتیق رخصت و رضا  
کوسترلیه دیو جواب ویردیلر اوجکی ماده یا نه قلعه سنه صولین سجاغنه قدیم الاپامدن  
محررولایت زعامت و تمار و اوقافه قید ایلدیکی قریه لک اکثری اطاعت ایتمک مکله  
کافی الاول بو طرفه اطاعت ایلد که مراد همایون پادشاهیدر یوباید جوابکدر دینلد که  
یوباید دخی دن قدر رضای همایون شهر یاری یه مخالف سوز یوز یوقدر نه پاپت بو کویلر  
جمله سی حید و شاق طائفه سنه در ولایت اردل دایما اختلال کوسترن واقعات ایدن  
پونلردر بوند نصکره بوققراکی سعادتلو پادشاه حضرتلرینک آستانه دولتلرینه درون  
و دلدن اطاعت ایدوب و ذکر اولنان قریه لری احبابنه ضبط ایلد رسوتلو دیوتنبیه ایله  
مور کد نصیحت نامه لک کوندر ز سوز یزایله عمل ایدوب رضای همایوند اولور لر سه دولت  
کند ولر کدر اول بوند نصکره فرمان همایونه مخالف حرکت ایدوب نصیحت قبول ایتمز لر ایسه  
و باللری کند و بیونلرینه یزدخی انلردن یوز جو یروب مخالفت اوزن اولد قارین در دولت  
علیه یه عرض ایلد رز بعلو غیرت پادشاهی مقتضای نه ایسه اجرا ییور یله دور دخی  
ماده راقوچی اوغلی بی دینک وجودینی دیادن قالد رفق مراد همایون پادشاهیدر دیو  
اول مصاحبت کورمکه ارا کرده کیم قادر در دیو سوال اولند قند بان مز بوز جوابند ایام دولت  
پادشاهیدر اشب و مصاحبت کورمکه سندن غیری کسنه قادر دکلدر حکومت اردل بوقوللرینه  
لایق کور یلوب اعیان ملت اتفاقیه احسان ییور یلور سه انشاء الله تعالی راقوچی اوغلینک  
وجودینی ازله ایتمکی عهد مه آلورم دیوب یا نه اولان اوج ملت اعیانی دخی وجه مشروح  
اوزن قادر در اولندن کور دیو سوزین تصدیق ایلدیلر بشینی ماده بوسفر خصوصیه  
شوکتلو و عظمتلو پادشاهم حضرتلرینک خزینه لردن کلی مصرف اولدوغین یلور سن  
جمله مرکز سببکرایله مصرف اولغین یتنه سزلردن نصین لازم کلدی بو خصوصیه جوابکدر  
نزدیو خطاب اولند قند امر و فرمان سعادتلو و صدراعظم حضرتلرینکدر فرمان عالیلری  
هر نه اولور سه قادر اولدوغین قدر خدمت ایدر زو قدر تمز احاطه ایلدیکی مرتبه دن  
قاجمز زو هر عالمه مرحمتلری رجا اولنور دیو جواب ایلدیلر بود کور اولنان احوال رکاب



همایونه عرض اولند و غی منوال اوزن جمله معلوم پادشاهی اولدی اما چونکه انی بویه  
ظهور ایدن جلای استقامتک فسادری کتدی که زیاده اولوب بای حال ندرکاری  
گوریلک اهم مهماتدن اولغین بعد الفتح صدر اعظم حضرت نارینک اول طرفرده مکینه جواز  
گوستریموب بروحه استعجال کاب همایون طرفنه عودتی ایچون خط همایون ارسال  
اولنشدی پادشاه هند حرم شاه بوسالده وفات ایدوب اوغلاری دورت شهرزاده  
بیننده سلطنت هند دعوا حیلله عظیم مقاتله و محاربه حد و شد نصکره فرزند اصغری اولان  
اورنک زب عقل ورشد صاحبی حسن تدبیر و اعانت وکلایله بالاستقلال تحت  
سلطنته جلوس ایلدی حیث جلوسه شاه اورنک زبک اولان وقایعی و دخی برادرلری  
ایله سمبقت ایدن سرگذشتی غایت مفصلدر تصحیح و تنقیح اولنوب بو حله ضم و الحاق  
اولنغه محتاج در ضبط و تحریری مهماتدن اولان وقایع ندر غفلت اولنیه وفات قره  
چلبی زاده عبدالعزیز افندی قره چلبی زاده حسام افندی نیک محمد و میدر ملازم و طریق  
عمله عازم اولوب مدارسه قاعده معتبره اوزن حرکت نصکره مکه مکرمه و استانبول  
قاضیسی اولوب سلطان مراد خان حضرت تازی ادر نه ده اطوار ناشایسته سنی استماع  
ایلد که قیر یسه نفی ایشلرایدی بعده سیاسته ثمره صلاح ظاهر اولمشدر دیو و کلای  
دولت جرایمی عفو و ربایند کارنده حیز قبوله قرین اولغین استانبوله کلمه اذن همایون  
ویرلشیدی و بیگ اللی تاریخنده دیمتوقه قضایسی اریه لق ویرلیدی اللی سکرده سلطان  
محمد خان حضرت ناری اجلاسی اثناسنده روم ایل قاضیه عسکری اولوب پادشاه عالمینه  
حضرت تلییه تالیف ایتدیکی تاریخی عرض ایدوب بهائی افندی یه رغما شیخ الاسلام  
پایه سی خطی تحصیل ایشلرایدی بعد العزل با نچه زند مقیم ایکن بالیوس ماده سنه  
اوجاق اغاری بهائی افندی بی عزل ایتدر دکه شیخ الاسلام اولمشلرایدی سیماوش  
پاشا صد ارتنه خواص مقرین اغاری ایچون اوجاق اغاری جمعیت ایتد که  
آتش فتنه علو کبر اولوب اوجاق اغاری نیک دولتی برکشته اولغله اوجاق اغاری  
طرفنده بولنق تهمتیه عزل و ساقز نه نفی فرمان اولندی بعده بروسه یه کلکه ما ذون  
اولوب اجدادن قلان وقف منزله مقیم ایکن سنه مزبور ربیع الاولی غره سنه انتقال  
ایلدی مولانای مزبور موقر و محدثم و عظمت بی اندازه صاحبی وسط القامه صاحب صدای  
ایچه کلامی سر بر سوزیلور الزام و افهامه قادر متعظم ایدیلر عیسی زاده تحریری  
اوزن غضوب و طعن و دخل ایله کسر خاطر مائل حرکئی نادر ایشلر علی قدر مشترک  
معرفتی اقرانلرینه غالب ایش اما حق بودر که تقریر و تحری رده سلامت تعبیر ایله صحت  
کلام و انشاده مهارت لری سارندن زیاده اید و کونه و رتبه علمیه متعدد آثاری شهادت ایدر  
جمله روضه الارانام تاریخ نیاز مشدر مبدأ آدمین سلطان محمد خان ابن ابراهیم خان  
حضرت نارینک جلوسنه کلمه علی طریق الاختصار تحریر ایتشدر صکره بروسه ده  
نکملنه همت ایدوب مبدأ جلوسدن بیگ الشمس سنه سنه کلمه اون سنه لک وقایعی  
مشتمل بر ذیل ترتیب ایتشدر لکن مشریرلری مقتضای سببه متعصب و ادیسن اختیار

اید و باب دولتش جمله سنه حرف انداز لقه تقصیرات ایتامشدر علی الخصوص  
بهائی افندی کی وجود محترمی خصم اتخاذا ایدوب حقندن هرل آمیزنه کونه انحرکه عجیبه  
یازدیغی مطالعه اید نلوه معلوم در مولانای مزبور اصلا کسنه دن احتراز واجتناب ایلیموب  
حق کو یلق واد بسن اختیار ایچون کبار دولته و وزلیه و ار نجه مدارا یتیموب خاطر مانده  
اولور لر ایتسه ده کلام حق بی محابا ایراد اید رمش سلطان ابراهیم خان خلعه کندی و لردن  
صدور ایدن جرأت و اقدام و اشکان سولیدی کی کلات خشونت امیر تحلندن مفعلا تحریرو  
اولنشد در صکره بروسه ده اول وضع نامناسبه بشیمان اولوب ذیل تاریخنده وارکان  
دولت و اخوانه کلان رساله لرنه نظم و نثر ایله اظهار خلوص و نیاز مندی بر له طرف  
سلطنته غیر خوا هلق عرض ایدوب بد خوا هلق سمبقت میل تمتمندن برای ذمته قتی  
چوق سعی ایتد بلر مفید اولیموب وقت جلوسه طمهور ایدن جنحه لسانی فراموش اولمامغه  
طرف سلطنته امن قلب و اعتماد کلی حاصل اولیموب بردخی مقام فتویه دکل استانبوله  
بیله تقرینه رخصت ویر لیموب اول حزن و کربت ایله متوجه دار آخرت اولنجه دیک دیار  
غربته مبتلای هجران و محنت اولمشدر در البلاء موکل بالمنطق فحوا سبجه انسان جمله بلایه  
لسانی اوچندن گرفتار اوله کلشدر نه کوزل بیت در بیت صمکتر محنت غم بیله کلدن کلدی  
قفسه کیردی بلایاشنه دلدن کلدی کلمه الشرب کدر کاسک و بطیر بر آسک مضمون نجه  
برش سوز صاحب نیک نعمتی منع بلکه کله سن قطعه سبب اولوق متفق علیه اولغین  
جمله انسان لسانی ضبط ایدوب نفع و ضررینی فکرا یتزدن مقدم بر سوزی سوبیامک  
لازم در علی الخصوص کبار دولتمدن وارکان سلطنتدن معدود اولان دولته و لره ضبط  
لسان زیاده اهم و الزم در ویر فرصت و وقتنده طوغری سوبیلر دیسونلر ملاحظه سیله  
اندازه دن خارج بر سوز سوبیلن البته ضرر چکر زیر روزگار بحال اوزن قالمز و احوال دولت و اطوار  
و حال مملکت بر سیاق اوزن طور مزاحوال کائنات انقلابه در شاید اول کلامدن متضرر اولان  
کسنه جانتبینه اقبال روزگار غدار توجه اید شامی چکلمک مقرر در خصوص صامو ک کرام و وزرای  
عظام حقندن خیر دعا و ذکر جمیلدن غیری حرف سوبیلک قطعاً بر ذکدر و واقعه مغایر مدح  
و ثنا ایله ارتکاب کزیدن توقی اولنور سه سکوت جمله دن اولی و انفعدر رزینه صدده کله لم  
مشار الیه عزیز افندی نیک خدمتنده تریه اولمش بعض سوزا کرا اوقور یا زار کسنه لردن  
منقولدر که مولانای مشار الیه ایا واجد ادندن موروث و افر ماله مالک اولوب کند و لردخی  
دینندن عاری اغنیادن اولغین مسکن و لباس و طعام و تربیه اتباع و خدمه و دارات و  
احتشامی وزیرانه بلکه ملوکانه ایدی طعامی نفیس حلویات سکری مجلسی پاک وقت طعامده  
متعین اتباعی و مسافر یولنان ادا بله حاضر اولوب بعد الطعام یاشد او تو رمز لردی زوار  
و مسافرین ایچون با شقه مزین او طه مخصوص ایدی طلب ایتدیکی آدم یاشنه دعوت  
اولنوب رشیح صحبت ایدردی اکثر اوقونده بالکریجه کاشانه مخصوصه سنه مطالعه کتب  
و تحریر مشغول اولور لردی سائر خدامدن ماعدات تازه رومپیان بش الی دانه نازنین حد  
مکاری اکسک اولر ایش پاک دامن و صالح ایدیلر لکن مشاهد جمال خوبان ایله متلذذ اولوب



اول قوله صورتی و سیرتی محبوب چلیبوری اولاد برینه ترینه ایدوب او قودوب یازار  
چراغ ایتمکه مائل ایدیلر حتی محن و مله ایام شتاده هند الاجه سی و میر زای و غاسی  
قیامه و شال قوشاق و ایام ضیفه انچه قریم کسی بیاض ساده و صوم صبرمه قولان  
قوشاق قوشاق دوب ایام معتدله ده سود مائیمی انچه بز جنتیانلر کید یروب جقه سیر  
کیدر مزایش و ساده لینگ یرتاج شکافی شا طرائکی مثال ایکی قارش مقداری  
اولوب بر ایکی بدن ربط ایچون التون قوجه دیگر زایش که مسافر حضورند اچلامق  
ایچون یرتاج لایکلنوردی سائر وقتله کشاده اولوب اشاء خد متله سرعتله  
امد شد ایتدی که شقی طولانی یرتاج لردن سیمین طوبق لک شمشعه سی مجلسه  
یرتاج لاردی افندی حضرتلری بو وجهله طوبق سیری و قریم کسی اسبابک  
شکافندن آینه سینه تماشاسن ایدوب بو قدرجه ایله قناعت ایدر مش لکن  
اعداد و حسادی بوسیمیله کندویه حرف کیرلک ایدوب فسق ایله تهمت ایدر لایمش  
ومزه خدام ولی نعمت لریلک خیر و کر شر احوال لری کتم ایتیز لر خدمتکار لری نقل ایدر لکه  
نظر ایله تلذذدن غیری بر فرده تقرب ایتدوکی بلکه بر یوسه آلدینی بو قدر دیو بین  
ایدر لایمش حتی محرم اسراری اولان کیماردن بری سلطانم بو تازمه او شا قاری  
استخدام ایتدو ککتر چندان مناسب کورلر دیدکده حسن صورت قابلیت سیرته  
علامتد بر الای قیج الوجه اهر من استخدامندن بونلر مناسبتد و بر الای فسقه  
شردن حفظ و تربیه ایله آدم ایتدی ککتر جهتهل مآجور اولورز دیمشلر اما سلطانم طرز  
لباسلرند مختار نکلیه فرده اعتنا کز سیمیله اعدا کز طعن و دو ستلر بکتر سوطن  
ایدر لر دیدکده تلذذ نظرندن غیری قصد یرتاج یوقدر جو اسیس عیوب اولنلر فحش  
ایده رک یا کباز لغزه مطلع اولوب سوطنندن قور تیلور حسد جبل بلا سیمیله ذم و غیبت  
ایدر لایمش غیری الورد حسن جمال خوبان مرات صنع یردان اولغین تحقیقیندن اولان عرفای  
کبار نظر عیو ثله مشاهده سی باخده مسلوب الاختیار لر در سلفه کلان کلین عارفیندن  
قنی چوق دولتمن و مخصوص ایچون حساد کج نظر طرفندن سهام طعن و تشنیعه سیر  
اولمشلر در کتاب اغانیله خلفا و ملوک و کبار سالک و محاسن و حکایاتی متکشف اولان  
کتب مفصله ده بو معنایه متعلق حکایات غریبه نهایت یوقدر جمله دن خواجه سعد الدین  
افندی تاریخ لاری ترجمه سی اولان ثمرات الادوار و مرقات الاخبار نام کتابده نقل ایدر که امام  
غزالی قدس سره حضرت قری حجة الاسلام و علم و عرفان و تقوی ایله مدوح خاص و عام ایکن  
ابن جوزی اول ذات عالی شان طعن ایدوب امامیث موضوعه نقل ایدر و تازمه و نورسته محبوب  
ترینه ایدوب جمال اوردان مشاهده سنه مائل ایدی دیو ذم ایتیشلر در تعجب و تعجب  
مصباحی ایچون عوامه انا حدیث ضعیفه نقل ایتیمک روا و انظار اولو ابصار محض ملاحظه  
صنع خد ایکن امام غزالی کی عزیز دغا لر طعنندن قور نلما مشدر و نورالدین شریف  
حضرتلری علم و صلاح و تقوی ایله معروف و مقتدای ملوک بر پادشاه صاحب سلوک ایکن  
بر محبوب ابریقاری و زایش اوقات خسته و کجه لوده نجد و قندهار ایتا ایدست و بر ملک

خدمت ایدوب یا نندن ابریمدوب هموار مشاهده جمال یا کیکله تحصیل وجد و حال ایدر لر  
ایش و زری مقامت اولان اسمعیل بر کون قصد ایدوب سلطانم بعض قاصر  
نظر لر حق کزده سوطن ایدوب ابریقاره محبتی واردر دیر لر دیدکده تبسم ایدوب بلی  
صورز و بر قطره نطفه قدرتی بو حسن و جماله نازل و بویله صفات جمیله و اخلاق جمیله  
واصل ایدن محبوب حقیقی نک بر تو جمال صنع یاکی مشاهده سنه آینه مزاولدوغی  
جهتندن ابریقارک مقتونی یوز دیو جواب و یرمشلر تاج التوار یخن مذکور در که  
نورالدینک آتش عشقی کتدی که متزاید اولوب ابریقارک بر خطه مفارقتنه طاقت  
ککتر میجک آشفته حال اولغین عرض سلطنته خلل ترتیب ایتدی یکی اجلدن بر کیکه  
خوف لیلله ال قالد یروب الهی مقصود حقیقی سنک جمال یا ککدر نفس ظالم بو  
حسن مجازی طرفنه زمام قابزی بالکیمه جذب تقاضا سن ایدوب یوره غلوب نفس  
اولوزدن اول طهارت اوزن اما شکی قبض ایله دیو دعا ایتد کده اول ساعت خسته لنوب  
ایرئسی مرحوم اولمش حسن و جماله میل و محبت ضروری اولدوغی بو حکایه لردن معلومدر  
مثنوی نفس سر ایدره شاهیه صفت حسن لعه خورشید الهیه صفت حسن انکه شراین  
سلسله بنیاد ازو لایحه حسن دهد یاد ازو صورت خوبی شاده ازوی عیان معنی  
پیچون شاده دروی نهان قبله هر دیو درین آینه است منظر اهل نظر این آینه است  
خلعت خوبانکه برار استند فتنه ارباب نظر ساختند کورچه داند که در آینه  
چیت عکس خود افکنده در آینه کیست بز دخی یا کباز اغله مشاهده سندن  
متلذذ اولدو غمز معنایی بر الای اجمق لک طعنندن خوف ایله ترک ایتیز لرافعال عبادک  
سیات و حسناتنه محاسب حق تعالی در قاصر النظر اولان جهال و ابتر لر نه دیر لر سه  
دیسونلر دیو جواب و یرمشلر حقیر دیر مکه مولای مشار الیهک مشربی تکلفات رسمیه  
چندان دلبسته اولمای آزاد عارف و ادب سیدر اما افعال و اقوالی فتوی منزله سنه  
اولان مقتدای ناس عظمای علمایه لازمدر که حقنه سوطن اولغنه باعث اولان شیلردن  
قدرتی مرتبه تطهیر ذیل چالشوب خیال خلقدن بد کانی قلع وید کویلر اساتی قطعه بدیل  
مجهود ایلیمه زیر احکام شرعه خصم و صامسند نشین فتوی اولنلر بویله لا قیدانه  
حرکتدن چوق ضرر واردر غرابت بوند در که عبدالعزیز افندی رتبه فضلی و شعری  
وانشاسی اثارندن اهلنه ظاهر درمهای افندی به تفوق و مزیننه اهل انصاف  
مقر ایکن عصر لرنه کندولر دنصکره الی وقتنه هذا جمیع خلق بهایی افندی بی  
مدح و ثنایله ترجیح ایدوب عزیز افندی بی سومر لر و علم و معرفتنه معترف اولوب  
مدح ایلر لر بو شبهه ارباب معارفه باعث خالجان خاطر اولمشدر سلطوره کبارک  
تقریری اوزن بهایی افندی نک اگر چه شعرندن غیری اثری یوقدر و آلوده کیف ایتیشلر  
لکن مزاج عالمی یلوب مقتضای عصره کون مدارا خصم و صاطرف سلطنته تخلص  
خالص ایله وفادارلق مراسمی اجرایه قادر ایتیشلر و امور لرنه چندان مغلوب توابع اولوب  
رایلرنه مستقل ایتیشلر و یوقدر لطافت مشرب و چلیبک ایله احباب رایه عیسه وجه



ایله شویله اظفار و قاریدلر مشکله کسینه نا معقول ریائی عرضه قادر اولوب دفع  
ایتمک کلام دخی اجویه مسکنه وحسن مدافعه ایله شویله دفع ایدرلر ایشکله خاطر لری  
مجرور اولماز وادیه مخالف منازعه و مشاجره یه موادی اولماز ایش التماسه مساب  
ایتمک کلامی کسینه لری غیر یوزدن قوی و فعلی بوجه مناسب ایله مطیب ایدرلر ایش  
مع هذا رویش مشرب خوش صحبت اولوب کبر و غرور یله خلقی کندودن تنفیر ایتیمکله  
هامة خلق محبتلرینه میل ایدوب ییلن بلین کامل چلی مفتیدر دیر لری اما عزیز افندی  
اگرچه محشم و مبدول النعم فاضل و کامل مخدوم کزیده ایدرلر کن حد و مراسم اجرایی  
قیدینه افراطله دلبسته و کندوستان و کالنه اعتنا صاچی اولوب دفع وحشت احیا  
و تطیب قلوب اودا ایچون لازم اولان طرح تکلف و معامله تلطفی هیچ بر فردله ایتیموب اکابر  
و اعظامدن هیچ کسینه یه مدارا و مدافعه معامله سنه نزل ایتیز لری و همدوم مجلسلریندن  
هر کسه رتبه دیویه سنه کون معامله ایتدیکندن ماعد اکابر و اصاغر ک جزئی و کلی  
صدور ایدن خجعه و قصور یی مد العمر عفو و عذرین قبول ایتیموب مجلسلرینده هر بار قدح  
لسان و صاحبی رسوای جهان ایدرلر ایش بوسبب ایله خلق کندودن نفرت ایدوب  
امثال عربدن من غیر عرب و من غریل الناس مخلوه مضمون خجعه جزئی قصورین لسانه  
طولا یوب حقنه افک و افترا ایله عامه ناسی کندولردن تنفیر ایدرلری و کالات و فضائاتی  
قدح ایدوب ترجیح عظیم ایله بهائی افندی بی مدح ایدرلری نتیجه کلام شرف فضل  
و کمال خلق مدح کون دکدر اکثر نامر طبعنه ملایم و موافق اولان کسینه بی مدح ایدرلر  
اول جهتله مدح و ذم لری معلل یا لاغراض در عزیز افندی سنک ندیم خاص و محرم بزمی جویری  
چایمیکه وجود کامل اولوب مقلد عرفان اولان بنده کوی لری مجلسنه تقریب ایتیزلر ایش بهائی  
افندی ایشه رجب الصمد رتی نیاز مشرب اولغله کیف الود یاران و گروه شعر اوقصه خوان لری  
داخل مجلس ایدوب معاشر لری استعکاف ایتیزلر جنت مکان مرحوم سلطان سلیمان خان  
حضر تاری بیورلر مشکله دنیا ده بزه و صاحبنه فائده لی هنر و عام پسند اولان هنر دوزیرا  
خواص پسند اولان هنر ک طالع و رانی بیکم بر بولنیز دیرلر ایش واقعا نفس  
الامر مطابق بر کلام حقد رعیتی زاده دیر که بروسه شهر نده صوبه احتیاج یو غیکن  
عزیز افندی حضر تاری روز معاد ایچون اعداد ایتیمک یتیمه بی نهاییه مال خرج ایدوب  
متعدد چشمه لری ایتیشدر لر رحمة الله علیه فضل یا شایسته نوی الاصل در حرم همایوندن  
چیقوب بدون بوسنه و سلسله ایالتلرینه متصرف اولوب قیودان دخی اولمشید بی  
بوسنه ده والی ایکن غرادر استقه اهالیسی طغیان اوزن اولغین قتل عام ایتیمکله عازم ایکن  
اندر مقدحجه یا شای مشار الیه ک اوزرینه کلوب طرفیندن خیل نفوس تلف اولمشید بی  
و کین قلعه سی اوزرینه کان قریک ایله محاربه ایتد کله منصور و مظفر اولمشدر و قومه  
و قوا قیبه ده استانبول بولنوب مصاحب اغار ه خاطر مانده اولغله استقبالی تحریک ایله  
متهم اولغین حقنه یادشاه حضر تاری اندن مغیر خاطر اولمشدر ایدی افلاق اوزرینه  
معن دار اولد قن طمع نامندن ناشی نکلسل ایدوب حر کتی قتلنه سبب اولدی

نته تفصیلی مرور ایتیشدر وزیر مزبور دیوانه مشرب لایع شئی غضبناک اولوب  
رعایتی لازم کسینه لک خاطرین شکست ایدوب و شئی ردیل ایچون ادانی یه یوزوروب  
کندوستانی بیست ایدرلر عواقب امور دن غافل بر طمعکار ذات ساده دل ایدی  
و قایع سنه تسع و ستین و الف آمدن صدر اعظم برکاب همایون و عودت یادشاه عا لیمناه  
ازادرنه باستانه مقدمه ذکر اولندوغی اوزن صدر اعظمی دعوت و استعجال ایچون خط  
همایون کوندرلر شیدی استانبول عزیمت همایون مقرر اولوب ماه محرک اوچخی کوئی  
طوغ بر فروغ چیقوب بشخی پنجشنبه کوئی اوتاغ همایون صولاق چشمه سی قرینه نصب  
اولندی صدر اعظم دخی فرمان شهر یاری اوزن یانوه فتحند نصکره اولجا بیلوده ارام ایتیموب  
اغری کیرودن کلک اوزن الیقویوب کندولر عسکر منصور ایله بوجه مسارعت رکاب همایونه  
رجعت ایدوب یانوه التمدن یکر میچی کونده کلوب ماه محرک اون دور دنجی کوئی ادر نه یه داخل  
و دامن بوس شهر یاری تشریفنه نائل اولوب سمور کورکلی خلعت فاخره ایله مظهر التفات  
واکرام بیورلری ایرنسی که محرک اون بشخی بازار کونیدر عجیب الایلو ترتیب اولنوب شوکتناو  
یادشاه خضر تاری کمال عزت شان و جلالت قدر و کوبه عنوان ایله اوتاق معلا پرگاه والالینه  
شرف نزل بیور دیلر دیوان مشاون اون یدنجی ثلثا کوئی اوتاغ همایونده ایاق دیوانی اولوب  
حضور یادشاهید و وزیرای عظام و شیخ الاسلام افندی و قاضیه عسکر افندی یلر و بکچری اغاسی  
ویا وک اغاری و جملة اعیان عسکر مجتمع اولوب بعده اوتاغ اچیلوب یادشاه عا ایچاه تحت عالی  
نحت اوزن صلابت و حشمت ایله قرار ایتیشلر طوایف عسکر یه خطاب ایدوب قوللرم بازه  
حسن دید کلامی ملعون امر همایونه انقیاد ایتیموب بوسنه مبارکده واقع اولان غزایه مانع  
اولوب کفار یاردم ایتیمکله عصیان اظهار ایلدی و برالای استقبالی باشته جمیع ایدوب اناطولی  
ممالککی یغما و غارت ایله فساد و یردی اوزرینه سفر م وارد کیمکر ما مول همایوندر کیدر میسنر  
دیو بیور دقلونده براغوردن الله تعالی عمر و دولتکری زیاده ایسون لغو رهمایونکده جان و ناشنر  
قد ادر کیدر زوعهد میز اوزن طور رزتا حق لردن کلند کجه قایم لری بلالیزدن چیمقار مرزکن  
یادشاه مرز دیر جالیدر زکده و هم و خوف لردن ناشی اول جمعیه داخل اولان بکچری و سپاه  
قوللری بکترک جرمی عفو بیور یله اوزرینه وارلد قل طرف اطاعت کلملری مظهر عفو بیور یله  
اند نصکره تعف ایدوب اول جمعیه قائل لردن دکالدر در جملة سنک جزای ویرایسون  
دید یلر یادشاه عا لیمناه حضر تاری رچالین قبول ایدوب حظ ایلدیلر لکن تمکین عزیمت  
استجماع قلوب مصاحنی ایچون اشاعت مضمون فتوی قصید یله صدر اعظم طرفندن تعام  
سابقه بنه از غریجی باشی سلیمان اغا و بعض اوجاق اختیار لری سوزده کلوب انلرده بزم کبی  
مسلمان بزم کبی موحد یکنور لر و اور دوزلر اندان اوقنوب و اوقات خیمه ادا اولنور حین  
مقا تله ده بزدن اولنلرک و اولدر نلرک حالی نجه اولور دید کلر نده شیخ الاسلام یولوی  
مصطفی افندی ابازره حقنه و یردیکی فتوی میدان دیوانه علی رؤس الاستهاد اوزلرند  
ایله اوقند قل جملة سی سمع و طاعة دیوب ابازره حسن و یاشنه مجمع اولان استقبالی  
حق لردن کلند کجه عسکر اسلام سلا ح لردن متجر دو موکب همایوندن متفرق



اولماق اوزن عهد و ميثا قلمی تحری و خج اولندقد نصکره جمله سی طاعا لدیله دی  
 اقلدی ابازه حسن خصو صته و یردیکی فتوی خروج علی السلطان و سنی بالفساد  
 مسئله سینه مبنی ایدی اولقوله طلبه و مفسد لک اباحه دمی ایچون صدر اعظم یرینه  
 و یرین فتوادرقناوای رازینه ده کتاب سیرده اقوال فقها دن ان قتل الابعونه و السعاة  
 و الطلبة فی ایام الفترة مباح لانهم یسعون فی الارض بالفساد و یشاب قاتلهم لان من  
 شروط الاسلام الشفقة علی خلق الله و الفرح بفرحهم و الحزن بحزنهم و هم علی عکسه  
 قولنی درج ایشیدی سعادت تو والد حضرت نوری ماء محرمک بکرمی برنجی سبت کونی  
 ادرنه دن عرب لره حرکت ایدوب یولرده امور محافظه لری کتخد القلری خدمتند  
 اولان رکاب همایون قائم مقام لغندن منفصل وزیر علی پاشایه فرمان اولمشیدی بکرمی  
 ایکنجی بازار کوننده شوکتلو پادشاهنر حضرت نوری اوردوی همایون ایله صولاق چشمه سندن  
 حرکت واستا نبوله دوغری عزیمت بیوردیلر ایالت حلب بوندن اقدم فرمان  
 پادشاهی ایله سوخته محود پاشایه توجیه اولنوب ابازه حسن پاشانک دامادی جماعی  
 اوغلنی بیک قدر لوند ایله منسل ایقوی شیدی محود پاشانک منسل و اردقه اهالی  
 حلب ولایتی تسام وضبط ایتدرمدیلر جماعی اوغلی کجه ایله حلبدن چیقوب کتمشیدی  
 حلب فرماتی مزبور محود پاشایه کتورن بوستانجی بوستانلرده اوردوی همایونه کلوب  
 محود پاشا طرفندن رکاب همایونه کتور دیکی مکتوبی دارالسعادة اغا سی محمد اغایه  
 تسام ایدوب زنجیه تحویل و قوف ایتدیکی خلطیاتر لسانادخی بیان ایتدکد نصکره وزیر  
 اعظم اولان مکتوبی کندوسی کو توروب تسام ایلدی وزیر اعظم بوستانجی بی بمقدار  
 سولیتدی سلطانم اناطولی الدن کتدی مرتضی پاشا و محود پاشا و غیری پاشا لرحسن  
 پاشایه غریم اوله مزبور روز بازو ایله دفع اوله حق ایش دکلر بوکا برو طرفدن بر غیری تدارک  
 کورللو دردیوب یاقره بی بصدی صدراعظمه بولشمر دن اول دارالسعادة اغا سته  
 بولشوب مکتوبی و یردیکی تهمت هضم اولنر ایکن سولیدوکی سوزک نتیجه سی وزیر اعظم  
 مقام صدارتدن کتدی کجه ایش بتمز مالنه مؤدی اولدوغنی ادراک ایدوب بیجان احق  
 کندولسانی بلا سیله ورطه هلاکده و شدی وزیر اعظم تنهاده بر خوش سولیدوب  
 خلاصه تقریر و سر خمیرینه مطلع اولدوغنی کبی چاوش باشی یه اشارت ایتدی  
 بوستانجی بی کو توروب اوتا غلک اردقبو سنده بو غدیله و فساد اختلاله سبب اطوار  
 و اقوالی ظهور ایتکله اعدای لازم کلکین جزاسی و یرلدی دیورکاب همایونه تانخیص  
 ایلدی ادرنه دن حرکت همایونک اون برنجی کونیکه ماه صفرک اوچجی چهارشنبه کونی  
 ایدی اوردوی همایون داو دپاشا منزلنه واصل اولدی اخراج مواجب درحرای  
 ککاغدا نه و نقل پادشاه عالیناه باسکدار لصاحه پادشاه عالیناه حضرت نوری  
 استا نبوله کیر میوب ایکی کوندن صکره اوتاغ همایون کاغدا نه صحرانسه نقل  
 اولندی تمام برف و باران ایامی و شدت شتاهنکامی ایدی قاسم علوفه سی دخی  
 لند مواجی کاغدا نه ده اخراج و توزیع اولندی بلوکلردورنده صدر اعظم زیاده

سرعت ایدوب صبا حدین تا غشامه دیک و کجه مشوله لره تا نصف اللیله دیک  
 توزیع علوفه ده عجله اولنوب جمله بلوکلریش کونده دور و تکمیل اولنوب دقتلر  
 قیلدی صدر اعظم خدمتند موجود اولان الی بلوکلر خلقندن واریاب  
 دیوان منسوباتندن حاضر بولغانلر و اول برقاچکون ایچنده ایشینلر علوفه لرین لوب  
 ماعداهر نه مقدار تاموجود وار ایسه اسامیلری عموم اوزن چالندی بعد  
 توزیع الواجب ماه صفرک اون التخی کونی حضرت پادشاه اسلام با تمام عسکر ایله  
 اسکدار صحرانسه نزول بیوردیلر شام منصبی قدری پاشایه و سیواس قبله لویه  
 و قرمان جتال باش پاشایه توجیه اولنوب مکمل قبولریله اسکدارن پکوردی بقیه  
 احوال استقیا سفر طفره رده ساجد اراغالی خدمتند اولان قوناغی علی اغایه اناطولی  
 ایالتی وزیرن حسن پاشایه انقره سنجانی توجیه اولنوب مقدمه ارسال اولمشلر ایدی  
 یوللر استقیاطر فندن مضبوط اولوب حرکت ممکن اولدی یغندن اسکدارده سردار  
 اولان یوسف پاشا یاننده قرار ایدوب برر متسلم کوندرمشلر ایدی اناطولی والیسینک  
 متسلمی برطر قله شهره کیر وب شقی مزبور طرفندن والی اولان جان میرزا  
 پاشانک منسلنی اهالی ولایت اتقاقیله اوجیوزدن متجاوز صاروجه و سکنا نریله قتل  
 ایدوب شهری ضبط ایشیدی بووقعه دن ابازه حسن خبردار اولدقه جان میرزا پاشای  
 دروت بیک مقداری استقیایله کو تاغیه اوزرینه تعیین ایدوب اهالی شهر دخی محکم  
 تدار کلرین کوروب حوالیسنه خندقلر حفر ایدوب الشمس کون مقدماری طرفیندن  
 جنگ وجدال و حرب و قتال منقطع اولیوب هر چند امداد ایچون آدم کوندر دکلر نه  
 مقهور و مغلوب اولوب شهره دخوله قادر اولمشلردی استقیایله منک نصفی مقداری  
 مقتول اولش ایکنینه قطع امید ایتیموب غلبه طمع و انتقام ایله خارج شهر ده آرام  
 ایتمشیدی اول ائاده استیصاللرینه سر دارن تعیین اولنان مرتضی پاشا عسکر فراوان  
 ایله سیواس سمترینه بقین کلدیکی خبری شایع اولدقه منمع قتل ابازه حسن و وسه  
 اوزرینن قالقوب اینه کول صحرانسه قونش ایدی لادن حرکت واسکی شهر اوزرینه عزیمت  
 ایدوب اطراف و جوانبه یریشان اولان استقیانک اجتماعچون خبر لر کوندرمشیدی  
 بوسبیلله جان میرزا دخی کو تاغیه دن قالقوب شقی مزبورک یاننه کتمکله کو تاغیه خلغی و فقرای  
 مملکت شترلرین قورتلشلر ایدی و انقره سنجانی توجیه اولنان حسن پاشا دخی برطر قله  
 شهره دخول ایدوب متسلمی سکینسان مقداری صاروجه سکنا نیله قتل ایدوب  
 محافظه شهره مشغول اولمشیدی سوخته محود پاشانک متسلمی دخی حلبه واروب  
 صورت فتوای شریف و نفیر عسام امری وصول بولغان حلب خلغی فتوای شریفه  
 اطاعت ایدوب ابازه حسنک دامادی و متسلمی جماعی اوغلنی بیک قدر لوندی ایله  
 شهر دن طشیره طرف ایتدیلمالک اناطولیله اولان قلاع و نواح بالکلیه قیایب استقیایله  
 جمعیت اولان امر او حکامک متسلمین برطر قله کتی قتل و کتی اخراج ایتدیلمالک  
 حکومتلر نه التجا و محسن ایدوبک برقلعه متین واستوار اولدی یغندن بولندقلری موضعه



ارامه قرار و دیروز وزیر اعظم ملک عودیتی استماعی ایله خود طرف سلطنتدن بالکلیه قطع مید  
 و سرب دولترین میدان فناده غلطان ایتمد یکجهری برندن جدا اولمالری ایچون عهود  
 سابقانی تجدید ایدوب اسکی شهر صخر اسنده جنگ جداله حاضر و قدوم سردار عالی شان  
 منتظر اولمشلریدی اناطولی و الیسی اولان قوناچی علی پاشا ایسه سردار مرتضی  
 پاشایه کاجیه ازینق سمتلرین محافظه ایچون بعضی امر ایله مقدمه ارسال اولمشیدی  
 طرف دشمنه اصلا وجود و یرمیوب شهرک اطرافنده اولان مسیره لده سیروسکان مشغول  
 ایدی هر چند مکرر اعدادن غفلت اولتمیوب احوال و مساهله دن احتراز لازم در دیونصح  
 و پند اولند قجه اولمقوله جمع و یریشان اهل طغیان و وجود و یرمک باعث کسر ناموس  
 دلاوریدر دیو کال غفلت و غرور و رندن اظهار مهابت غضنقری اوزن ایکن مکر اول کهنه  
 کورک حیلله باز ابازه حسن دید کلری غدار فتنه ساز علی پاشایی دام انتقامه گرفتار ایتک  
 ایچون تقمک انداز و خنجر کذار دورت بیک مقداری لشکر خو فخور انتخاب و ارسال  
 ایتشیدی بریوم جمعه ده خلق ادای صلوت و مشغول ایکن غافل یتان عسکرک اوزرینه  
 بالای کوسار دن سیل بلا کی نزول ایدنجه بر فردک حرکت اقداری اولوب انجق فران  
 امکان بولانلر تخلیص جان ایدوب ماعداسی جمله طعمه شمشیر بران و اوردولری یغما و تالان  
 اولدی پاشای رستم نشان ایسه مجروح و پر خشیت توابع لواحقن تسلیه ایچون دیت  
 گر کندی ایسه اسب و شتر باری هله باری به شکر لکه سبکبار اولدق دیه رک افغان  
 و حیران بروسه طرفه کرزان اولدی بواشاده مرتضی پاشانک محبه قونییه قریب  
 اولدوغی خبری محقق اولوب بروسه طرفندن دخی رایات فتح و اقبال ساحه اسکدان  
 سایه انداز اجلال اولوب علوفه چقدوغنی استقد کارنده ابازه حسن پاشا یاننده اولان  
 رفقا سیله بویه تدبیر ایتدیلر که یاننده مجتمع اولان بش بیکدن زیاده سپاه علوفه لرینی المق  
 پناه سیله تدریججه اوردوی همایونه کلوب داخل اولدقدن صکره سائر یولد اشترینی  
 دخی خفیة کندویه اوید یروب عهد و یمانی محکم و مطلب اعلا لری اولان خصوص  
 ایچون بنای میثاقی مستحکم ایدوب محل فرصتده علی الغفله جمعیتله وزیر اعظمک کارین  
 تمام ایتکله مقضی المرام اولمق ایچون یکیدن جمله سی عهد و یمانی ایدوب علوفه لرینی المق  
 ایچون بلوک باوک آستانه دولت آشیان طرفه کلکه باشلدیلر صدر اعظم ایسه سپاه  
 او جافی کار داندلرندن پیری چاوش و قوجه خلیفه دید کلری کاتب دائمانهانی احسانن  
 الوب جاسوسلری او جاقاننده اولان اسرار و اخباری تغییر و قطمیر نه ایسه کز لوجه افاده  
 ایدر لردی شویله که بونلرک صدر اعظمه انذسابن و محر میتن بر فرد بلیوب مایند بر مهتر  
 واسطه سیله جمله احوالی انلردن استعلام ایدر لردی مزبور لر زمره سپاهک حسن پاشا  
 ایله بیکونه مواعده سنی خبر الوب عادت لری اوزن وزیر اعظمی اکاه ایتد کلری کی بلوک کاتلرین  
 دفتر لری ایله حضور نه کتورتدی و مقد ماخذ مت غزایه مأمور ایکن اداسنده مساهله  
 و احوال ایدوب ابازه حسن جمعیتده بولمغله پادشاه اسلامه عصیان ایدن سپاهیلردن  
 یدی بیک نفرک اسامیلرینی دفتر عبودیتدن حاک و آخر اچ ایلدی و مقدمه توجیه

مطلب اولنوب مرتضی پاشا طرفه مأمور اولان پاشا لره موکد او امر شریفه کوندر یلوب  
 قصص و یمانی و فکر فاستد لری ابازه حسن پاشا جمعندن اوردوی همایون طرفه کلن سپاهک  
 بوطرفه عزیمتیه مانع اوله سرانامه مفسد و جلالی زمره سندن اولملری ایله دفتر پادشاهیدن  
 اسملری نحو اولمشدر قتل ایدوب جزالینی و یره سردیه موکد نذیمیه اولنغین بوللر محکم  
 ضبط اولنوب علی الغفله کچن سپاهیلری علوفه پناه سیله طعمه شمشیر خو فخور  
 ایدوب ماعداسی خبر الوب کیرویه قرار ایدنجه دیک برتا چکون ایچنده بیکدن تجاوز  
 سپاه قتل اولندی بر مقداری دخی مقدمه کلکه اسکدان واسطه نیوله داخل اولمش  
 بولندیلر اخذ لری ایچون آدم لر نغین اولنوب اله کیرنلرک اوتاغ همایون اوکند دملرین  
 ریزان و کله لرین غلطان ایدرک اوچیز و مقداری سپاهی دخی مظهر قهر جناب پاشاهی  
 و طعمه مأمور و ماهی اولدیلر و بش بیک شمشیر چکد یریلر و وضع اولنوب قول کتخداسی  
 ایله از نکمید محافظه سنه ارسال اولندی محمد خلیفه تاریخمند دیک ابازه حسن اوزرینه  
 بالذات حرکت همایون مقرر اولدوغنه بناء سعادت یو پادشاهن اسکدان نقل بیور مشای  
 ایدی لکن صدر اعظم و خیر خواهان دولت عزیمت شوی یاری ینی مناسب کور میوب صدر  
 اعظم کندی کتمک اوزر دخی سابقی تحویل ایشلر ایدی صکره بوسپاه قضیه سنی حدیث  
 ایدوب حسن پاشا جمعنده بولنق نامه ایدی بیک کسینه نک اسامیلری چلنوب کانلرک  
 دخی بولر و استانبول بیک قدری قتل اولنغین عسکرک قلمینه دهشت و پرودت دوستوب  
 لسانلردن بعضی نامعقول سوز ایشیدیلر اولدی مثلاً سفر خد متنی ادا ایتدک بز بوسنه  
 فکر اربوقش ایچنده سفر زحمتی نه بلادر کتمزدیر لیدی و اکثری بزچون دین قریب اشترین  
 و او جاقد اشترینه قیاح چکوب جنگ ایدر زانکی آدم بری برینه دوشمش انلر ایچون عباد اللهک  
 قانی دو کلک رو امید روزیر اعظم او جاعز ده دشمنک ایدر یورحالا بوقدر بیک آدمک اسامه سن  
 چالیدی و بوقدر برینه قتل ایتدردی بلکه کندی کمز صورنده و زیری طو توب حسن پاشایه  
 و پرور زم صاحب حاصل اولور دیر لردی اوردوا ایچنده بیکونه از احیف چو غالدوغنه بناء وزیر  
 اعظم دخی کتمک عزیمتی فسخ ایلدی لکن صورت ظاهرده سفر تدارکنه همت و عزیمت  
 حرکتی وضعی اظهار ایدردی لکن اول امری مرتضی پاشانک عهد اهتمانه تحمیل ایتک  
 کندوسی کتمه ملک درو شده قرارداد ایدی انهمزام سردار مرتضی پاشا در جنگ جلالی ابازه  
 حسن پاشا سردار مشارالیه انقره یه داخل اولدینی ائشاده امر پادشاهی ایله خدمت مزبور  
 تعیین اولنان پاشا لردن طلب توجیه اولنان محود پاشا و قارصدن معزول قوجه دلاور پاشا  
 معسکر سردار داخل اولمشلر ایدی و ابازه حسن پاشانک دامادی حلیمه شمشلی اولان  
 جماعی اوغلی دخی بیک قدر لوند ایله حلبدن طرد اولندقدن کوپا پادشاه طرفه اطاعت  
 صورتی کوسر توب مرتضی پاشایه واروب اقیام و متابعت اظهار ایتشیدی محود پاشا و دلاور  
 پاشا و جماعی اوغلی مکر نهانی اتفاق ایدوب حبلیت لرنده مرکز اولان علت و فساد مقتضایه  
 حسن پاشا ایله خبر لشوب حین معرکه ده اتباع و اعوانیله او جانبه اتباع ایتک اوزن قرار  
 وزیر مشلر ایدی ابازه حسن طرفه یاز دقلری مکته و بیکه بو خیانت اوزن اتفاق و اتحاد لرینی



مشعر ایدی جاسوس سلسله سرباز مرئضی پاشا کله که یروپ خیانتورنه مطلقا وندیدی  
 ساعت دعوت ایدوب محمود پاشایی و دلاور پاشایی و حاجی اوغلنی قتل ایدوب مکتوب  
 خیانت اسلوبه کله لرین دردولته کوندروب دشمن طرفنه هوادار دولت علیه طرفنه  
 بدخواهلقارین اعلام و جزای ترتیب اولندی دیو عرض ایتمکن خدمتی مقبول همایون  
 اولدی سردارا کرم مزبورلری قتل ایتدکد نصبر کرد اسکی شهر اوزرینه توجه ایتمشدی  
 برایکی قوناق قریب کلد کده شتی "مزبور اول موضعدن حرکت وقونیه اوزرینه عزیمت ایتدکله  
 سردار دخی پی در پی روان اولوب ایغا رایلله عسکری تضییق ممکن اولدوغندن انظر القیدی  
 منزله بونلر زول ایدرک ایلغین نام محله وصول بولد قلند شتی "مزبور مکالمه دن اظهار  
 عدم قدرت و صورت فرارده حرکت ایتدکله سی جانب خصمی اغفال و محل فرصتده آتش  
 قتالی اشغال ایچون اولغله منزل مزبور نزل ایتدکد نصبر کرد صباحه قریب خیمه و خرگاه  
 و باروینکا هله یین خالی براغوب پیاده و سوار باجمله سیمبکبار اوردولرینه قریب مواضعک  
 کینکا هله یینه دور در بشریک تفنگ انداز وضع ایدوب کندوسی باقی عسکرایله مخفی  
 یرده قدوم لشکره منتظر اولمشلر ایدی سردار مرئضی پاشا بومنوال اوزن پی در پی حرکتله  
 ادای خدمت امر محال وانظر القیدی یره بونلر قوناق وقت کچورمکله حصول مصاحبت  
 مستجاب الاحتمال در دیو منزل مزبورده اعیان عسکرایله مشورت ایدوب ایرتسی کرو عخصم  
 هنوز موضع لرندن حرکت ایتدندن اول بونلر سرعتله ایرشیمک تدبیرین ایتدیلر خواب  
 و اسایشی حرام ایدوب اول شبیدن اوج ساعت مرورنده متوکلا علی الله عزم راه اولمشلر  
 ایدی ماه ربیع الاولک اون بشی کیمه سی ایدی که طی مراحل ایدرک آثار صبح ظاهر  
 اولدوغنی اشاده محل معرکه کله اطرافنده واقع بشته لردن صحرا یه نزول ایدرک محله  
 مقدمه محارب و پیکار ایچون در کین اولان خصم بدآیین اطراف وجوانیدن هجوم ایدوب  
 پی خواب و پریشان کان عسکر فراولندن بر کرده اوزرینه حواله اولدیلر طرف بر طرف  
 یازار معرکه کرم اولد قلده هر فرقه انجق اوزرینه کان کینه جیر ایلر ترک جان ایدرک دلاورک  
 رسمی اجرا و برایکی ساعت مقداری تحریک دست و پا ایتدیلر لکن بریش شاق  
 حسبیله بری برینه امداد و معاونت ممکن اولدوغندن کندی که ضعیف و بی طاقت  
 اولوب در عقب ایرشیلر دخی بیم جانیه مقاومت جرات ایدرک میوب قراری فرار تبدیل  
 ایتدکارنده جنگ ایدلردخی بالکیمه پریشان و امید خلاص ایلر اطراف وجوانیه کیرزان  
 اولدیلر حمله اغراقاری یغما و غارت اولنوب اول معرکه ده طرفیندن سکر بیکدن متجاوز  
 کسمنه تلف اولدی مرئضی پاشا ایچ اغار یله قره حصاره کلوب اطرافه پریشان اولان  
 امر او عسکر مشارالیه ک یانه جم اولوب طرف خصم چشم و کوش اولق اوزن انده  
 قرار ایتمشلر ایدی بوقعه دن مقدمه سردار مرئضی پاشا ک بطوه اوزن حرکتی  
 واستقیا اوزرینه هجومدن ناخیر و تراضیسی صدر اعظمی شبهه یه دوستوروب  
 شاید اولدخی ارباب خلافتله نهانی اتفاق ایتک احتمالنه ذاهب اولدقلردن  
 هر عسکرک قیودان وزیر علی پاشا یه معمم اولمشیدی مقاتله و انهرام خبری سمع همایونه

وکیل اولد قلده مرئضی پاشا کله خاتمه و صد اقی نبوت بولغین بعد سردار اراق  
 کدیویه ابقا اولنوب هنگام شدت شتا قریب اولغین مجددا عسکر تدارکی اولمهمان  
 ناخیر اولندی و پای حال استقیانک حقندن کلکه مجد و ساعی اوله سن و اول بهاره دک  
 لزومی مرتبه عسکر کوندرباوردیو سردار مکتوب اوامر همایون ارسال یوریاوب  
 اسکندارده اولان قیو قولنه اذن و یرلدی صدر اعظمه استانبوله یکمک فرمان اولنوب  
 سعادت تلو بادشا همز حضر نلری اسکندارده اولان حد یقه همایونده طرح اقامت  
 پیوردیلر خبر یارد و رودندن خیر خواهان دولت متالم اولوب بدخواهله و مترقب  
 شروفساد اولنلر مسرور اولدیلر بوند نصبر کرد سعادت تلو یاد مشاهیر اسکندار با نجه ستم  
 مکث پیوردقلرین صدر اعظم مناسب کور میوب استانبوله نقل بایند تمهید مقدمات  
 معقوله ایتدکله اربعین ایچنده سرای عامر یه نقل یورلدی نقل ایدرک مرئضی پاشا  
 خدمتده اولان ایچ اغا لرندن لازیموسف و باوک با شیلردن کورد مجد نام ایکی شتی  
 بد اصل ابازه حسن پاشا کله جاسوسی ایتملر نهانی بونلره بشریوزالتون کوندروب  
 اشیمز اتمامه ایریشور سه بشریوزدخی و یره یم و مراد لر نجه کندولری جرائع ایدر یم  
 دیو قلیبرین تحویل ایلمش اول لازناسا زحائن امور سرداردن هر نه خصمونه مطلع  
 اولور سه اغزدن اول بلوکباشی یه خبر و یر اولدخی ابازه طرفنه خبر کوندرایمش  
 حتی سردار کیمه ایلر قاقوب علی الصباح خلقی غافلانه باصق تدبیرینی برکون مقدم  
 مشورت ایدرک اول اوغلان بلوکباشی و ساططیه جانب خصمی آگاه ایدوب سردارک  
 قوردیغی تدبیر و حیلله یی خصم طرفی مقدمه تدارک ایتدکله غالب اولمشدر حق سبحانه  
 و تعالی خائن توابع شربندن اکابر دولتی حفظ ایلیه عقلایه علی الخصوص وزرایه لا زمدرک  
 هر مصاحبتله با خصوص بویه معظمت امورده اطراف وجوانیدن اولان مقرب  
 خدا مندن غایت مرتبه حذر ایلایه زیر احکاماد عسکر درک محرم و مقرب اولان قرینلردن  
 دشمنلردن زیاده حذر لازمدر زیر دشمن بیگانه انساک دقایق احوالی یلملر اما قریب  
 و همد اولنلر هر احواله مطلع اولغله اضران قادر اولور لخصوصا مال طمعیه ولی النعمه  
 خیانت ایتک ابنای زمانک عاد تیدر مقتضای کتم سرو حسین تدبیرده شویله  
 حکیمانه حرکت کر کرد که معتمد علیه اولنلردن غیریسی واقف اسرار اولینه لرو کیفیت  
 تدبیرک اصلنی و ماهیتنی طیمور میوب توابعی تغلیط ایدرک صنفلر استماع ایتک بویه  
 اموره مهمات تدبیر ذکر استیصال استقیما مقدمالنا طولی و سیواس و فرمان بیکر بیکسی  
 و سائر لینه شام والیسی اولان قدری پاشا باش و بونع تعیین اولنوب سردار مرئضی  
 پاشا طرفنه کوندربلشیدی قره حصاره سردار مشارالیه ملاقی اولوب و حلب  
 ایالتی توحیه اولنلر توتساق علی پاشا دخی کلشیدی تحسین احوال استقیما ایچون بر قاج  
 ایام مکث اولندقد نصبر کرد عینتاب بایینه روانه اولدقلری محقق اولغله سردار مرئضی پاشا  
 دخی مجمع اولان امر او عسکر ایلر حلبه طوغری عزیمت ایتدیلر شتی "مزبور عینتابله  
 نزول ایتدکد نصبر کرد اطرافنده اولان قصبات و قرای عسکرینه قشلاق تعیین ایدوب



کند و سی بعض استبه قفاداری و اتباع خاصه عیبتان قرار می کشید می مرتضی و خادگی  
 ما موراولان بیکر بیکر ایلده حلبه ساکن اولوب کوردستان و عربستان و ترکان اسکرینه  
 امرلر و استمالات نامه زکوندروب شقی مزبورک اوزینه حواله اولمشلرایدی استقیاتک  
 اطراف و جوانی محصور اولوب بر فرد حرکته قادر اولما مغله مضطر خصوصاً ذخیره دن  
 دخی کال مرتبه تضمینق اولنهله احوال لری دیگر کون اولد و غیورن عربستان  
 سمتنه کتمکه قرار و یروب بیره جک سنجای بیکی دخی مذکورلک کله جکارندن آگاه  
 اولد قارندن سنجای عسکرله کینه پنهان اولوب علی الغفله مرور ایدرلر ایکن اوزرلرینه  
 اوغراد قله شیرانه هجوم ایدوب یلک نفر استقیادن ازدیاد کسه خلاص اولوب اکثری  
 طعمه شمشیر اولدیلر بومحله وزیر فضل پاشا حکایه سی بولنوب یازلنلور و جیهیده اولوق  
 کرکدر غفلت اولنیه اطراف ممالکه تغییر عام اوامری پراکنده اولغین شقی مزبورک  
 آدمولندن و ذخیره جیلندن دعا باطفر بولد قارینی قتل ایدوب شدت شتا سببیه  
 بوللر منقطع و قحط و غلامشند اولغین کتمک احوال لری مختل و مشوش اولغله نه بر  
 طرفه عزیمت قدر نلری ونه قران طاقترلی اولوب و امان عفو یا دشاهی به تشبیدن  
 غیری درد بی در مانلرینه علاج بوله میوب سردار مرتضی پاشا طرفندن  
 استدعای عنایته قرار ویدیلر اوای ایدر سردار مرتضی پاشا و حلب والیسی قوتلی قلی علی  
 پاشا بر حسن تدبیر ایدیلر که کار کزار بلوک باشیلرندن سوزیلور ایکی اوج آدم تبدیل  
 آجامه امان الله مکتوبی ایلده لوند اراسنه واروب سز بوجلا لیمک یاننده بوضرورت  
 ایلده نیجه بر بکر سز آل عثمان پادشاهینه مخالفت و غلبه ممکنیدر سلفیه ظهور  
 و عصیان ایدن جلا لیلرک قنغیسی سلامتیه ایرشدی علی الغفله مرتضی پاشایه غلبه  
 ایتیمکه مغرور اولمک اول بهارده عموم اوزن عسکر اسلام و جمله ممالک محروسه اولان  
 وزرا و امرا ایالتلری عسکرله اوزر یکره کلوب و جوانب تغییر عام امر لیه مسدود اولحق  
 حال نیه وان جفی معلوم عربستانه کیدر سه کز چولده عربان طائفه سنه طعمه شکار  
 اولور سز عجمه کیدر سکر سلفیه عجمه کیدر نلر خائب و خاسر ایران ویرانه لنده هلاک  
 اولد قاری مشهور در یلور سز بر طرفه سزک ایچون سلامت متصور دکلدر همان سکیان  
 و صاریحه اوجاغنه ضرر یکر طوقنور انلری جمله تغییر عام ایلده قتل ایدرلر همان مقصود بودر که  
 بر توسط ایلم جرمیکر عفو اولماسنه امان کاغدی و سرداردن سز کفایت مرتبه  
 خرج تذکره سی الیوره یم بر بهانه ایلده مفارقت ایدوب حلبه کلوب سردارک قیوسنه  
 انشساب ایلک بلا و محنت باش و یغ اولانه اصابت ایدر سز پادشاهک طوغریسی اولور سز  
 بر فردیکرک بورنی قنماز دیوب نامدار بلو کباشیلری اینلدر دیلور و خفیه سردار طرفندن  
 عهد و عینی مشتمل امان کاغدی کتور دیوب الیرینه تسام ایلدیلر و لوندی سردار جانینه میل  
 ایدر ملک ایچون باش بلوک باشی به پاشا لوق وعد اولندی چون ابازه حسنک اضمه حلالنه  
 ارادت علیه تعلق ایتش اسباب متعونه ظهرو ایددی مثلاً عسکرلر زباده قحط اولغین  
 برنج و قیون آنی بولمک مغله صفرو یکی آنی بولغور اولد دخی اقل قلیل تعیین و بر یاور مش

ابازه حسن تبدیل قیافت بر بار کیره بتوب اکثر زمان اورد و سنی دور ایدوب و انباهی  
 قشلاک کزنده کزوب خیر محسوس ایدر مش بر کون عادی اوزن لوند کرومی بیننده کزکن  
 تعیینات کتورن آدمینه باغور و وضع کتور دیککی لوندی کوردکلر به فلاشی فلان ایتد بکم دیو  
 الفاظ قبیحه و ستوم غلیظه ایلده پاشایه جرب چالوب زرا و غورن جان و باش و پرز اول بزی  
 و انلا یغری جلقدن قردی کوردی دیو طعن و تشنیع ایلد کربنی ابازه حسن کند و قولاغله  
 ایشیدوب قوناغله کلدی و باش بلو کباشیلرینی چاغروب بلی آدم بن سزک ایچون  
 پادشاهه عصیان ایلدم بوقدر زماندن بروقت ایدر غمز و عباد اللهک اوینی یاقوب بیقوب  
 آخره تمی بر یاد ایدوب پیدا ایلد بکم مالی سز و یردم بو آنه ذک قراوب ذوق و صفایله  
 یکنوب شمدی بر قاجکون قحط و غلام ضرورت اقتضاسی حسیله و یریان تعیین  
 یکنوب اشکار بکاشتم ایدرلر بوانصا قیدر بویکیتمکه دوشمری و صد اقلک لایق بومیدر  
 دیو وافر اغلدی و آه حسرت چکوب بویله دیر لکدن اولمک یکدر بر آ لای طوزاتمک حقی  
 فیملر لری طیمور مق ایچون ارتکاب مظالم ایلده دنیلوا آخر قده بد نام اولد و غزک جزاسی بودر  
 امر اللهک بعد الیوم قتلی اختیار ایتدم دیو تأسف و ندامت اظهار ایددی باش بلوک  
 باشی و شیطان و غدار حریف ایددی ابازه نک ضعفی و علالت ادبارینی فهم ایدوب  
 سلطانم لوند طائفه سید رارالنده اوصیلر و رایسه کندینی بلز دلیلر ده واردر  
 بعض جا هلاک سوزندن الم چکوب اوغور یکره باش و جان و یرر شهادتله خاطر مانده  
 اوله دنیا نک حالی بودر دیو هله خاطرین خوش ایلدی بعد بونک صوکی نیه  
 وار جقد رنه اسلیله دیو مشاوع یه کیز دیلر بلو کباشی فرصت بولوب سلطانم  
 بزم الیزده بر متین قلعه اولد قجه بزباشی بلشده چیه قارامز و حاصره ایلده قلعه المغه اقتدار  
 یوق بهر حال حیلله محتاج جز اول بهار کلوب اوزر یکره دریا کی عسکر یور و مزدن مقدم  
 بر تدارک ایدم لم دیدی بوسوز پاشاک عقلی اوغور لیوب یا نیجه ایدم فکر یکره کلن نه  
 ایدسه سوبله کون لم دیدی بلو کباشی حیلله مقدم ماتن بسط ایدوب جمله لوند سز دن  
 یوز چو یرمیه جکینه بن کفیل و یغمنزده کتاب و قلیج و توراتک لوزرینه یمین و عهد یمز واردر  
 ییلور سز نیم خاطر یه کلن بودر که استبه لوند ایلده معدود بر یقار یغری سز دن ای لوق صورت  
 سردار قیوسنه کزندن لم واروب حلبه کیز سونلر بعد سز دخی رای و امان طلب ایدوب سز ی  
 پادشاهدن ز جاو جرمکری عفو ایدر ملک قوی اوزن عهد و یمیندن صکره یا نکرده اولان  
 پاشا خواص خدامک ایلده حلبه کیز سونلر بقیه فلان لوند ایلده جمله مزدخی حلب الله و اروب  
 نزول ایدر ز آستانه طرفنه عرض کوندروب جواب کلنجه خیل زمان کزیر کیمه علی الغفله  
 خروج و حلبی ضبط و سردار و غیری مخالفلری قتل ایدر ز حلب کبی عظیم و بر متین قلعه الیزده  
 اولد قنغری هر ایش مراد اوزن شمشیر ممکندر دیدی چونکه حسن پاشا ابازه ایددی مبلغ  
 عقل و رشیدی معلوم بوحیلله یه وجود و یروب ایلندی سردار مرتضی پاشا طرفندن دخی  
 ذکر ایتد یکره اوزن لوند عهد و امان و تعیین و عده سبیله مکتوبلر ککشیددی قرق الی  
 بیراق قدر لوندی کزوب حلبه وار دیلر بلو کباشیلرینه عبالر کیدر یروب تعیینات تذکره لری



ویرلدی بولونلار سببیه وافر جنگ آورادیمسی ایریلوب مرتضی پاشایه یا شدی حسن  
 پاشا منفعل اولوب باوک باشی به می آدم ایچی ووطشده اغار یزدن وافر آدم خله کتمس  
 بونک اصل ندردید کله باوک باشی اغفال ایدوب بهی سلطانم لوند ایلده سوز بر اولنج ائلر کینه  
 وجودی وارد قو کتسونلر لوند سردار قیو سنده اولان سلاحد استلری بزم طرفه دونرد کدن  
 صکره ایش بتروقت طاعتی استکی ادملرک سکا مخالفت اید جک دکدر طوعا و کرهازه اتباع  
 ایدرلر اول طرفدن الم چکمه بن اصولی قیم ایدم دیردی بورای و تدبیر ده عینتساب مفتیسی  
 وکایس قاضیسی داخل ایدی دالمنا حسن پاشایه نصیح یوزندن فریب وروب حله دوشمرک  
 سعینه ایدیلریر قاجا کوند نصکره حله کیدن باوک باشیلری لسانندن مهر لیه مختوم  
 مکتوب دوزیاوب استه بزم سردار قیو سنده اولان لوندی کندیزه اویدردق انلرده سردار  
 حکمندن بیر ارایشلر اولیله فرصتی اللهدن استرلایش همان پاشادن اطمینان حاصل  
 اوله حق عهد و عین ایلده کلسون ایش اسان اولدی دیو محضر شکلنده باش باوک باشی به  
 کوندردی اولدخی سرور اظهار ایدره ک حسن پاشایه کو ستروب قوت قلبه  
 سبب اولدی بوار القه عینتساب مفتیسی ده حسن پاشایه کلوب سلطانم پادشا هارک  
 کرم و عاطفتلری بی نه یاه در سردار اگر مله بینکره واسطه اوله لم سزی درگاه یادشاهدن  
 رجا و جر مکرری عفو و بر منصب عالی ایله تطیب ایدرملک اوزن تعهد ایدوب سزه  
 وثوق و اعتماد حاصل اوله حق عهد و عین ایله ایستدرسونلر بوقتغه سهولتله مندفع  
 اولوب کرک اعدای دولت و کرک سزک دشمنلر یکنز رغبتنه عداوتکر صد اقله مبدل  
 و شقاقکر و فاقه متحول اولسون اصلا ح ذات البین اخر تکری تعمیر وصیانت  
 و دنیا ده باعث عز و سعادت اولد و غنله شک یوقدر دیو وافر نیاز و بسط مقدمات  
 ایلدی ابازه حسن پاشا غنجه قوردیغی تدبیر نه نتیجه وجود وروب بو توسطی فرصت  
 اتحاد ایتدین امدی افندی سن بزم مابینزه کیر دیدی مفتی افندی قلقوب حله  
 کلدی سردار اگر مله برخوش سویاشوب بو خصوصیه تصور اولنان معنا لک  
 مبانینه احسن وجه اوزن استیقام ویردی سردار مرتضی پاشا و قوناچی علی  
 پاشا رای ایتدیلر که رای الله امان الله سزک و یانکرده اولنلرک سرموینه ضرر کله ملک  
 اوزن شو عین بو عین دیو مفصل مکتوبلریازوب مفتی ایلده حسن پاشایه کوندردیلر  
 اما فی المثل قاضی عقبه کبی ابوالحیل اولان مفتی افندی و مزبور باش باوک باشی  
 حسن پاشانی برخو شجه ایستدرروب غفلتی زیاده ایتلک ایچون دیدیلرک سلطانم کرچه  
 سردارک بو عهد و عینلری صادق قدرلکن خاطریمز برخو شجه مطمئن اولماقله جمله شمه لار  
 مرتفع اولسون ایچون سردار اگر مله و یانکرده اولان پاشا لک جمله مهر لیه عهد و عینی  
 مشتمل بر تمسک ویر کلام الله ایلده سزه عین ایتلک ایچون بر متعین پاشانی وکیل ایدوب  
 کوندرسونلر بعد البین اول پاشا هن طریقیله بوندلوندات و اتباعکرا اسندن حفظ  
 اولنسون بعد سز حله تشریف ایلک که وجهان الوجوه خاطر یکره وهم و شبهه کله جک  
 معنی قلقوب احتمالات محذون بالکلیه مرتفع اولسون دیدیلر حسن پاشا بو تدبیر دن

مسرور اولوب مفتی افندی به صوف و باوک باشی به عبا کید وروب بر خورد از  
 و لای خیر خواهاق اولنج بویه کر کدر دیوب تحسین وافر شلر ایلدی مفتی بو خبری ایصمال  
 ایتدین سردار مرتضی پاشا اخسنه والیسی ارسلان پاشانی طرفندن وکیل ایدوب بر کلام  
 الله و عهد و امان مکتوبلری وروب حسن پاشایه کوندردی ارسلان پاشا کلوب حسن پاشا  
 حضورنده کلام الله ال اوروب کندی شک و اتباعک سز مولینه ضرر و زیان کلیوب عفو  
 اولنلری ایچون در دولته عرض ورجا ایتلک باند مرتضی پاشا طرفندن و کندی دخی احواله  
 بومنه وال اوزن اولد و غنجه جزم و بقیه تحصیل ایتدیکنه کرا او مرارا عین ایتد کدن صکره  
 حسن پاشایه اعتماد کلی حاصل اولوب یانکرده اولان و زراو بیکر بیکلر و مشاهیر اتباعیه  
 حله متوجه اولوب ارسلان پاشانی رهن صورتنه باش باوک باشی معرفتیه کویا  
 لوند مسافر ویردی عینتلابدن ایکنی کوند حله و وصول بولدیلر حلب بیکر بیکسی قوناچی  
 علی پاشا و سردار دن غیری نقدر پاشا لروارایسه و سردارک کتخداسی بر قاج ساعته  
 منزل راه استقباله چیقوب هن ارتو قیر ایله یکلک ایدوب مهتر خانه و آلا ی عظیم ایله  
 حله اولان سرای معهوده کتور دیلر سردار دخی خیل بر قرشو چیقوب اسنلشوب  
 تعظیم و تکریم فراوان ایله خاطر بن تطیب ایلدی و سباط عظیم چکوب اطعام و اکرام  
 ایله اغرلندن صکره جمله امر اووز را حلس سردار حاضراولوب حسن پاشا احوالی  
 مذاکره سته شروع اولندی سردار دیدیکه پاشا قیرنداش بزم و عین اوزن ثابت  
 قدمز استر سک رجانا مه لریازوب یا نکره معتمد علیه آدملر قوشوب رکاب همایونه  
 گوندن لم استر سک سن حله اکلوب ذوق و صفاده اول بزد و انت علیه طرفنه  
 شفاعت نامه لریازوب جر مکرری عفو ایتدن لم و سزه و یانکرده اولان و ز رایه و امرایه  
 بر منصب کتورده لم هر قنغی وجهی مراد ایدر سده کز همان کاغذ لریازلسون دیدی حلب  
 والیسی قوناچی علی پاشا سوزه کلوب سلطانم سزک شفاعت نامه کز واروب عفو و احسان  
 پادشاهی خبری کلوب وصول بولنج پاشا حضر نلری جمله رفیقاری ایلده حله اکلک  
 معقولردیدی حسن پاشانک دخی تدبیر سبب بناء سر ضیری حله مکث ایدی علی  
 پاشانک رأینی تصویب ایدوب بوند اکلنه مز معقولردیدی اول ساعت دیان افندیسی  
 دعوت اولنوب جمله نک مواجه سده صدر اعظم و دارالسعاده اغا سینه و شیخ الاسلامه  
 و سائر کار داران دولته مکتوبلر و جمله نک لسانندن جرملری عفو و بر منصبیه مسرور  
 پیورلق و جاسنه محضر یازیاوب جمله سی مهر لیوب چقال منزل یاز کیری ایله تاتارالنه  
 ویریاوب اخشابه قریب کوندردی حسن پاشا و رفقای رکاب شهر یاری به کاغذ لک کله  
 مطیب خاطر اولوب شمه دن قوتلایلر ده حسن پاشانی خواص خدامیه مرتضی پاشا  
 کند و سراینده مهمان ایقوبوب و سائر لری کند و اغارندن و ولایت اعیانندن برر مناسب  
 ذی قدرت دولتلونک خانه سته مهمان تعیین ایتدر دیلر اوز و ن کنعان پاشانی و طیار  
 اوغلر و وزیر احمد پاشانی قوناقلرینه کوندرمیوب اطعام و اکرام ایچون اول کیجه سرایده  
 ایقودی محو ای او توبر نفیر وزیر و بیکر بیک و اعیانندن کسینه لریایه بیکه بی جنگ وجدال



انتقام دامه دوست یاریت رخنه کرمک سرافکنده به دشمن بد عهد پراکنده به مقبوضی نوز  
 چله سیف سیاستدن کوریاوب هلاک اولماری معقول کوریاوب اخشام وقتی چله توناق  
 صاحبزیننه نهانی خبر کوندریاوب قلعه دن طوب اتلیدی وقت هرکس قوناغنه ولان  
 مسافرینی خدمتکارله قتل ایلسون بوسرافشا اولورسه ویاخودبری فرارایدسه صاحب  
 خانه قتل اولور دیو تنبیه اکیدايتدیلسردارا کر مک تنبیهی اوزن هرکس معتمد خدمتکارین  
 حاضر ومهیالیدوب خبره متروپ اولدیلاو لکجه که ماء جمادی اولمیک بکرمی دورنجی کجه سی  
 ایدی اخشام نمازی قلنوب سردار مرتضی پاشا حسن پاشا و کنعان پاشا و طیار اوغلی  
 احمد پاشا ایله مضی ماضی شکنده سرکشت مصاحبی و جان محبتی ایدوب بعد العشا  
 تناول ایتک ایچون میوه و حلوال اصهارلدی ینسون نمازینه آبدست المغه کندوسی قولن  
 چهره یوب کندی سرانی حمامنه طوغری کاهب پاشا قرداشلر یمنه آبدست ویرک دیو  
 ثنیه ایدوب کند وایچ اغاری چله تنبیهلی خنجرلین آماده ایتیشلرایدی پاشا له آبدست  
 ویرمک بهانه سیله یکرمی او تونقدر مانند اژدر دلاور لر اچر وکیروب ماعد اسی اوطه  
 قیوسنده و رای پرده ده طور دیر ایزه حسن بسم الله دیوب ایدسته چرمکه شروع  
 ایتد کده بر قاج پهلوان ایلر و واروب شمیر سیاعدی بهانه سیله قولنه یا پشوب همان بوغازن  
 دوشوروب خنجر اوشتور دیر کنعان پاشا و طیار اوغلی نه نامزد اولان دلاور لر اوشتوب  
 فی الحال اوچتی دخی بوغازلیوب کارلین تمام ایتدیلر پاشانک اول مزین اوطه سی مزبور لک  
 قابیله ساخانه مثلاً و خونه مال اولدی اول ساعت قلعه دیزدینه آدم اوچوروب  
 خبر ویردیلر حاضر ایتدیکی طویله آتش ویردی طوب صداسنی ایشتن کاری کی هرکس  
 خانه سنده اولان مهمانی قربان ایدوب وساعت ایچنده بلا زحمة یوقدر اژدر پرشرک  
 عقندن کلندی خادم قرداشی اوچ اوغلی ایله حلب والیسی قوناغچی علی پاشا قوناغنه  
 کوندراشیدی شدت غیظندن اوچتی دخی طوتد یروب کند والیله قتل ایشل ایدی  
 اولکجه حقارندن کلندوکی خبری مشعر مکتوبله دردولته آدم کوندردیلر بعد مقتوللرک  
 چله کله لرین قطع ایدوب همان طویله یروب نام یافته لری جبهه لرینه یا بشدریاوب  
 آستانه سعادت ارسال اولندی وجهه لری حلب باب الفرح خارجده اولان حوض سمتنه  
 القا اولندی شویله که حسن پاشا لی جنه سندن اول ساخانه مرده ایله مالامال اولش زمره  
 استقیانک قتلاری خبری مقدمه دردولته وصول بولن قدر سردار مشارالیه مرتضی پاشایه  
 التفات و غیر دعائی متضمن خط همایونه کراما قایم قفطان کوندریاوب یانده اولان پاشا له  
 و امرایه منجبلرینه کتبه اذن ویرادی واسطه جمادی الاخره ده مقتول ولان مشاهیر استقیانک  
 او تونز رعید کله لری دردولته وصول یروب بر عصا اوزرینه دیکلوب سعادت او پادشاه  
 عالمیناه عرض اوطه سنده ایکن پیشگاه شوکت دستگاهه عرض اولنوب چله سرای خلقی  
 سیر ایتد کد نصبره عبرة للناظرین باب همایون اوکنه القالیدیلر پاشا لک جبهه لرینه  
 یازیلن یافته لر و مرتضی پاشا طرفندن دفتر موجبجه مقتوللرک اسمایلی یونلرد که ذکر  
 اولور ابازه حسن پاشا طیار اوغلی وزیر احمد پاشا وزیر صاری کنعان پاشا علی میرزا پاشا

دلی مرهاد پاشا اوغلی محبت بیگ و طیار اوغلی و قرداشی مصطفی پاشا کتخدا سی و اوغلی ایله  
 حسن اغا و اوغلی ایله ابازه حسنک کتخدا سی کفه لی علی اغا قیو جیلر کتخدا سی محمود  
 اغا ابازه حسنک ترکان اغا غنه چراغ ایتدیکی بکراده و ابازه حسن اوردوسنده بکچر اغا غنی  
 فامنه اولان انقره کتخدا یری میرعلی و اوردو قاضیسی فامنه اولان نکه لی عبد الوهاب و مار دین  
 و بوده سی معنک خیاوش و نکه لی زوربه صائیس و ارضروملی باقی زاده بی اغا و بکتاشلی  
 توقای عمر اغا و شام زور بالرندن رشید چو رباجی و کور بیگ و مرعشلی عثمان بکراده و کنعان  
 پاشا انامی و قوناغچی ابازه مصطفی و کلیس کتخدا یری و بخاری اوغلی احمد و مال بکره اسکی  
 زور یا باشیلردن حسن ابازه حسن پاشا لک کیفیت ظهوری ونه وجهه نام و کام صاحبی  
 اولوب جلالی اولدوغی بالاده مفصله تحریرا و لیشیدی طیار زاده وزیر احمد پاشا فتح بقدا ده  
 صدر اعظم ایکن شهید اولان طیار محمد پاشا لک اکبر اولادیدر بوشانده والی شام و کوچک  
 برادری رقه بکتر بکیسی ایدی وزیر ابن وزیر اولغله غرور و نخوت جوانی و جلمیک مقصدا سنجه  
 صلوشان دعوا سندن اولغله پنا سندن قائمه جسور و مخترک توابع تحریک و افسادده  
 اولوب سابق الذکر وزیرک مقهور و محکومی اولمقدن ابوا امتناع ایدوب صدرا عظمه ابتداء  
 حالده سرکشک کوستردی صکره جان خوفنه دوشوب ابازه حسن بجهنه داخل اولمشدر  
 ویری طویال کنعان پاشا لیدی که روسی الاصل اولوب والی مصر قاهره اولان باقرچی احمد  
 پاشا خدمتده ایکن سلطان مرادخان حضر نلرک زمان دولتورنه چند یلکی تقریبیله داخل  
 حرم سرای سلطانی اولوب حسن شمائل و تناصب اعضا صاحبی تنومند قد و قامت صاحبی  
 اولغله خاص اوطه ده شهرت بولوب آخر دولت ابراهیم خانیده مشرف تقرب کسب ایدوب رکابدار  
 ایکن مساحجه لک رتبه سیله وزارت عنایت سیوریاوب صکره منکوحه لری خندان اغا زاده قزی  
 طلاق لکله ایله تطلیق ایتدیریاوب دختر پادشاه عالیجاه بک خان سلطان ترویج اولنماغله  
 مظهر التفات و اکرام اولمشیدی بعد بودین والیسی ایکن قیو دان اولد قده سو تدبیر  
 وعدم مساعده تقدیر ایله دو نهای همایونی کفارالوب خسارت عظیمه ظهور ایتمشیدی  
 یوقدر جرمندن اغماض عین اولنوب مظهر عفو پادشاهی ورکاب قائم مقام غیله نائل اعزاز  
 نامتناهی اولمشیدی بروسه محافظه سنه تعیین اولند قدر صدارت خواشیله اقتضایدن  
 حسمه بناء کور یلی محمد پاشایه غیظ درونیسی اولغین ابازه حسن پاشایه متابعت ولی  
 نعمتده عصیان ایدوب معغوض عالمیان اولوب جزاسن بولوب بی نام و نشان اولدی ییری  
 دخی علی میرزا پاشا که مشهور بهادر لدن اولغین انقره سنجاغی ویریاوب و سفره مأمور  
 اولوب بر موجب فرمان اسکدران کلشیکن ابازه حسنک خروج ایدوب قونیه یه کلد یکن  
 ایشتن کده علی اغا غله توابع ولوا حقیله فرار ایدوب اظهار عبودیت ایله یانده مرعوب  
 و مقبول ویرار لقی حسمیله نکه ولایندن زمره قضایندن عبد الوهاب افندی که  
 مقدم مالیه سنجاغنه متصرف اولان کور کویک دیملکه متعارف مصطفی پاشا  
 مصیان ایدوب اطالیه قلعه سنه قیادت قاضی مزبور اهالی ولایت اتقا قیله اطرافده اولان  
 رعایای جمع ایدوب و قهر اطراف دولت علیه اطاعت و اتقیساد ایتدردوب



دفع قتنه وفساد اتمکله ارکان سلطنتک ملتفتی اولوب متصرف اولدیغی منجه  
 بر قاج قضا دخی ضم والحق و خلاف عادت ابناء جنسی اولان شجاعت و مردانه لك  
 اظهارندن شهره افق اولمشیدی شتی مزبور ظهورندن تسویلات شیطانیه ایله ساحی  
 طریق باطل و تحت حکومت اولان اراذل و استقیا ایله جمعیتلرینه داخل اولد قه  
 آورد و قاضی ایلی توجیه اولنوب هوالرینه تبعیت ایله طرف سلطنته اهانت و مخالفت و بیگناه  
 قتل نفوس و غصب اموال فقرای حاشا مشر و عدردیو تجویز ایدر که مظهر التفاتلری  
 اولوب بعد اداء المصاحبه قاضیه عسکر اولمی خصم و صند عیالتلری اولغله اظهار تحجیل  
 و عنوان و زمام امور صدارت عظمای یدنده بلمله عرف علما و اسباب دیوان احضار  
 اولمشیدی ع زهی حلوای نومیدی خوشا پالوده حرما بری دخی قوتیه لی خادم قرینداشی  
 ویکله معروف حسن اغا که کاه ترکان کاه حلب اغاسی کاه صید او بیروت و پوده سی  
 اولوب قوتیه و لاینتک فقراسی ظلم و تعدی سندن ترك خاتمان و جلای اوطان ایشاش  
 ایدی و ماعداسی دخی مزبور لک توابعدن زعم فاسد لرحه شجیع و نامدار و هر بریسی  
 مخصوص بیکر و بشر یوز رسکبان و لوندات صاحبی اولوب تحریب بلاد ایدن فجار دن  
 ایدیلر کیمی پاشا لقه کیمی باوک اغا لفته حاضر لشمیکن جمله سی مظهر غضب عزیز دی  
 انتقام اولوب کله بی دولتاری غلطان و انداخته باب دیوان بلند ایوان قلندی  
 بیت بملکه صفه میان ارژ در زما لیدی سوراخ عدمه مکمل شعرای عصر دن بعضیسی  
 انشاء ایدر یکی رنج سکر چکدی دایر عدمه قوندی حسن معمر عن تاریخ دوشوردی  
 یوندن سکره بقیه السیرف ایلان ارباب بغی و عصیان بلکه جمله صارحه و سکبان  
 قتل عام اولمق ایچون حکام ممالکه خط همایین ایله معنون او امر عالی شان ارسال اولند قه  
 مشامیر استقیما بقیا سندن مجار احمد و امثالی و بر قاج بیگ استقیانک دخی حکام ممالک  
 هباشرتلری ایله جزای و یرایوب نامدار لریک باشلری درگاه عالی او کنده غلطان  
 و دیری احضار اولنلر حضور همایونده طمعه شمشیر خونبار اولوب بر سنه یه دک  
 علی التوالی میدان سیاست دیوان یکر میشر او توزر کله دن خالی دکادی بد دعای  
 مظلومان ستمدیه کان قرین اجابت درگاه سبحان اولوب عباد اللهی بی حضور ایدن  
 ظلمه و مفسد لک خار و خاشاک وجودلری تیغ آتش تاب قهر سیاست ایله نابوه  
 اولدیغندک لشکر اوجیهی بویکی بی تی وزیر اعظم مد خند ایراد ایشیدر بیت حق  
 بودر که نیجه سرکشلری پامال ایددی دولت قاهره آصف قرخنده شیم حق بودر که  
 ایلادی اصلاح مزاج عالم جوهر تیغ جهانگیر وزیر اعظم غریبه عجایب و قایعندر که  
 ابازه حسن پاشا حلبه کیروب اتباعیله قتل اولند قاری کیجه نک ایتسی که ماه  
 جهانی الاولینک یکر می دور دخی کونی ایدی وقت عصره قریب بر زلزله عظیمه اولدی که  
 استانبول خانه لریک اوجا قاری کرمیده برابر و نیجه کهنه بنار و خانه لریقیلوب زیروز بر  
 اولدی و بوزلزله اکثر ممالک طویلوب خلق عظیم خوف و حشیمه دوستدیکر ارسطو  
 ادوار واکر نام رساله سفند درکه هرینه زمانه ناس یتیمه بر سبب ایله قتنه دو متوب

روی ارضه ناحق ره عشقک دماء و ارقاق ارواح اولنه البته یاززلله ویا خسف ویا  
 غیر یی جهندن بر بلیه عظیمه ظهوری و جانب سها دن عاده مخالف بردامیه زولی  
 امر مقرر در ازمنه سابقه ده کچن ملاحم عظیمه که هر ماحمه ده نیجه بیگ نفوس هلاک  
 اولمشدر تتبع اولنسه هر ماحمه نک عقینک چوق یکمبوب بر موخس دامیه عظیمه  
 صاویه ویا خود بلیه ارضیه ظهور ایشیدر فسجله الله العظیم و جودانسانیکه  
 بنای ربانی و کفینه خفیه سبحانیدر که دکه باعث ایله هدم و افشاشنه رضای حق اولدیغنه  
 بومعنی دخی شواهد دن عد اولنغه صلا حقی واردر ابازه حسن پاشا واکا اتباع ایدن  
 بو قدر آدم و انور سه بیله قتل اولنا ی بو قدر کره بیگ آدم افنا سیله اوده علیه ازلیه  
 تعلق ایشیکن لکن حقیقت حاله حصن و قبی و صواب و خطای جناب حقه  
 معلوم و خبطه ادر اکزدن خارجدر ایحق ظاهر طالبین بحث ایدن علما نک بعضیسی  
 دیرلر مش که قتل عباد الله دن صدر اعظمک بومرتبه افراطیله اقدام نظام دولته انفع  
 ایدیکی حاله دخی چندان متین العا قبه اولیوب در عقب احراق کبیر ایله استانبول  
 بر باد اولوب کله ولدی معمر اولدیغی حوزیر لک و خا متندن اولمق زعمه ذاهب  
 اولمشدر العلم عند الله مخالفه تقض عهد و فسخ عین مرئضی پاشا یه دخی اوروب  
 بو قدر آدمی قتل ایلمک مبارک اولیوب چوق یکمدن اولدی اکر ادخیا تیلله  
 رسوایغله کشته تیغ انتقام اولدیغی مؤید مد عادر دیرلر ایش و قعه شام سائر سرحد  
 منصوریه قانون قدیم عثمانی اوزن اوج سنه ده بر نوبتی نامیله بر قاج اوطه یکچیری  
 ارسال اولنه کلدیکی اوزن شامه دخی کوندر ملک قانون ایکن ارکان دولت اهمالیه  
 بر قاج زمان فراموش اولنغله اولطرفدن یرلی قولی نامیله دفتره قید اولنوب مواجب لری  
 شام خزینه سندن تعیین اولمشیدی ایحق اغازی استانه سعادت طرفندن نصب  
 اولنوردی منافع ولایتی استیعال ایدر که قوت پیدا ایدوب تسلط و استیلا لری  
 بر مرتبه یه وارمش ایدیکه امور و مصالحتارینه حکامی مداخله ایدر میوب آستانه  
 طرفندن توجیه اولنه کن خدمتاری زور بازو ایله کند و لرضبط ایدوب مال پادشاهی  
 اداسنه بر مق حسابی کویستروب نقصان خزینه یه باعث اولمشدر ایدی والی ولایت  
 اولنلر مزبور لک شروستورندن احتراز اتمکله رسومات و محمولات و سائر عوایدی  
 بوجه قانون عشر عاشر ایله قناعت ایدوب انلره سرفروایتین والی حکومت ایتیک امر محال  
 ایدی دفع و رفعلرینه شروع بر فتنه یه مؤدی اولسون ایچون تدارک احوال لرینه وکلای  
 دولت جرأت ایدمد کندن طغیانلری بوماقبومامت اید اولوب استدکاری کی آتوب  
 طوتمقد ایدیلر ابازه حسن پاشا غائله سی بر طرف اولند قد نصکره مذکور لک احوالیه  
 تعید لازم کلکین استانه دولتدن مکمل بش اوطه نوبتی یکچیری تعیین و ارسال اولنوب  
 یرلی قولی نامیله اولنلردن طیار اوغلی ایله سفره مأمور ایکن اطاعت فرمان ایتوب  
 شتی مزبور ایله جمعیتک اولنلر قولق دفتر دن اخراج اولند قد نصکره شامه ساکن  
 اولیوب جلای وطن ایدلر مخالفت ایدر لسه قتل اولنلری فرمان یوزلشیدی یکچیری



اوطه لری واروب داخل اولدقده سطوت قاهره خسروانیه مخالفتیه قادر اوله واروب  
 اطراف و جوانیه پریشان اولدیله نوبتی تعین اولنانلر محافظه خدمتمند اولوب اهل  
 ظلم و فساد و تعدی و تجاوز ایله متعارف اولان بد نهاددن یوزدن متجاوزی قتل الانوب  
 اول خطه جنت نظیر دخی لوٹ وجود استقیانن تطهیر قلندی قتل دلی حسین پاشا  
 وزیر مشارالیه اکثر ناس مهر وزارت تحمین ایدوب شهرتی عالمگیر اولغین و دخی بعض  
 خصو و صلا ایچون صدر اعظم ازله سنه اتمام اوزن اولغین سنه سابقه ده ککریک  
 سردار لغندن عزل و ادرنه یه اخضار و قتل بایند طلب فتوا به ابرام و اتمام ایدوب  
 صکره دلار السعاده اغاسی و ساطعیه والد سلطان حضرت تری صاحب جیقوب  
 رئیس انکه سبک حسن تدبیری ایله شکایتچیلری کلد کرتد ایکی کورلسون دیه قیودان  
 ایتد کلری بالاده مسطوردر اما اندرون خلقتک نصیح و پندی و دوستلریک تحذیری ایله  
 قیودانلق عفت کوسرتوب کریددن وافر آلتون پیدا آیمکن جلب مال و تعدی یه  
 محتاج اولماغین شکایتچیمی کلد یکنندن ماه ربيع الاولک یدنجی کونند قیودانلقدن عزل  
 و روم ایل ایالتی و یارب قیودانلق والد سلطان حضرت نریک تخذ العندن چقمه وزیر  
 علی پاشایه ویرلشیدی و دلی حسین پاشایه صوری التفات اولوب روم ایل ایالتی ایله  
 ادرنه و قلمه و صوفیه هر قلمه دیلرسک مکث و ارام ایله دیورخصت و یارب کوندرلدی  
 وزیر مشارالیه قلمه و صوفیه یه واروب خزینه سنک تقو دقا لما مغله لوند علوفه سنه  
 و بعض مصارفیه امداد زعمیه اول اطرافدن بر مقدار ذخیره به اجمع ایدوب اغنیان  
 بر قاج کسینه بی غرامت مالیه ایچون تجریم ایلدی لکن ظلی ساف و الیرندن زیاده  
 و معتاد قدیم قیاسندن افراطله خارج دکلیدی اما چونکه وجودک ذنب لایقاس علیه  
 ذنب معنای شریفی اوزن و کلائی دولت یاتمه مستقیل و صدر اعظم تمسک اوله حق برهانه  
 اللهندن استردی روم ایل یه ارسال ایلدی ال اوزانلغینی استدیکی کی استانه سعاده  
 صورت التفات ایله دعوت ایچون امر شریف و مکتوب توقیر اسلوب ارسال ایلدی و ابازه  
 حسن غائله سنی بر طرف ایلدیک کی انک مزاحمه و تعلیمندن قورنلغیه عزیمت ایلدی العهد  
 علی الزوی قلمه قاضی سالیان افندی یه خفیه ادم واروب روم ایلنده دلی حسین پاشانک  
 تقد رظم و تعدیسی اولمش عرض و محضر ایله شاکیلر اسالیی ثعالم و تنبیه ایشیش دیرلر واقع غیر  
 واقع وزیر مشارالیه ک افراط اوزن ظلم و تعدیسی اول مالک فقر اسنه ایتدیکی جو و روستی  
 قاضی مرقوم قلمه کتوروب دخواه خصم اوزن مفصل و مشروح عرض محضر یازوب شکات  
 ید یله استانه یه اوچردیلر حسین پاشا دخی طاسندن مغرور ا کمال احتشام ایله استابوله کلدی  
 وصول یلانی کونک ایرنسی صدر اعظمه وارد قلمه قیام توقیر و ا کرام ایله ملاقات نصکره سمور کوزک  
 کیدروب انواع التفات ایله خاله سنه غودت ایتد یرلشیدی مکر صدر اعظم قلمه قاضی سالیان  
 کان عرض و محضر و شکاتک مواد متعدد مشتمل نامه لرین پادشاهه عرض ایدوب هرته القا  
 ایشیش سه دلی حسین پاشانک قتل خصو و صلا در یای غضب شهر یاری تحریک ایشیشلر ایرنسی  
 نرمان ایله حضور هما یوتنه وارد قلمه پادشاه قهرمان هیبت خطاب عتاب الودایله اوزن ش سنه

هسکریه سردار اولوب هر سنه خزانه عامر دن موجب و مهمات نامیه الدیفک بوقدر  
 بیگ کینه نك عشر عامترین محله صرف ایتیموب ادخارا تمکله تعطیل باعث اولدی یکن ن  
 قطع نظر محاصره اولان قلعه نك نسخیری حصوله اقرب اولمشیکن خطوط تقسایه یه  
 تبعیتک ابله اھمال و مساحه ایتدی کک حضور هما یوتنه بالکلیه ظاهر و نمایان اولوب بیت المال  
 مسلیندن بو طریقه اخذ ایتدی کک اموالک تقشیش و تحصیل موقوف فرمان ایکن اختیارلق  
 و امکان ارلغکه مرجه تقید اولنیموب یه نواله اصنامندن حصه مند و روم ایل منصفیه بهر مند  
 ایتمشیکن جلب اموال ایچون فقرایه ایتدی کک اذیت خصو و صلا حکام و لایتدن وارد اولان  
 عرض و محضر و جرایم سابقه کزه سود مند اولوب حقکدن کلنک لازم کلدی اغور هما یوتنه  
 خدمت و ضبط و ربط ایالتک حرکت ییله می اولوردی عتاب غضب آلود یورلد قچه آوان  
 کلام و تدارک جواب و تنویر مرامد عاجز می آدم اولغله آتش کینه خسروانی یرتسکین ایدر جک  
 بر جوابه قادر اوله میوب پادشاهم بکالید نری الله حواله ایلد مبنی چوقدن اولد رتک استرلردی  
 یو عرض و محضر ای صهار لیه ب کتوردیلر دیکدن غیر ی بر سوز سولیله مدی اخذ و حبسی  
 فرمان یورلغین یدی قلمه وضع اولوب شفعا رجاسی مفید اولایب ایکی کونند نصکره قتل  
 ایتد بلر وزیر مشارالیه ولایت اناطولیله یک شهر نام قعبه ده ظهور ایدوب اسکی سرای  
 یالته جیلرندن پهلوانلی و بهادرلی حسمیه مرحوم سلطان مرادخان حضرت نریک مظهر  
 التفاتی اولوب میر اخورلق بعد وزارت رتبه سنه نائل اولمشدرو طریق انسابی بویله  
 تقل ایدر لکه عصر مراد خایده عجمدن ایچی کاوب اظهار هنر ایچون بر قورلمش کان کتور و  
 یو کک کریشنی چیقاروب یه قورمغه قادر بر پهلوان مالک عثمانیه ده بولنور می دیو عرض  
 ایشیش واقع حاله شهر استانبولک نامد اروز و آو پهلوانینه عرض اولمش کان مزبور ی بوزوب  
 قورمق دکل کریشنی بیله تحریک ایلد مشر ایل کان دارالسعاده اغاسی اوطه سنه طوروب  
 خفیه قانی چکریم پهلوان تجسس اولنورمش دلی حسین پاشا اول وقت عجمی بالته جی ایشیش  
 اغا اوطه سنک او جاغنه ایام شتاده اودون طاشورمش بر کون اغا اوطه سنی تهابولور  
 تو بچیدن غیر کسیه یوق کانی کوروب قبضه یه الواصل حکایه دن خبری یوق بر قاج  
 کره کیازه واری چکوب طوررکن اول اتماده دارالسعاده اغاسی کلیور دید کارنده فلا شله  
 کانی براغوب کید راغا کاوب کانی موضعنه حالت اولاسی اوزن کور میوب بو کانه کیم یاشیدی  
 دیو سوال ایدر نوبتی محی اغا قور قوسندن بالته جی دلی حسین بر بالته جی او جاغه اودون  
 کتوردی کان الوب بر قاج کره چکدی سزک کله جکری ایشیدوب براغوب قاجدی  
 دید کارنده اغا مسرور اولوب نیر دلی حسین پیضاغریک دیدی بالته جی ضابطلری و اسکیلری  
 اولان اصحاب حسد بیجان یی آزار ایدوب اصلا جتی اغا اوطه سنه کیور سننک طور مر سن  
 اکابوکه یا بشور سننک طر تقریکی دو کلم دیو انجدرک کتوردیلر اغا کان الله و یروب چک  
 ایدی کونیم دید کینه الله الوب کیازه مثال بش اون کره کانی چکدی دارالسعاده  
 اغاسی تعجب و استعسان ایدوب نیر شمیدی یولداشی پاک طوله و کسوه ایله کیدرک  
 آدم شکله قوگ حضور هما یوتنه کور رسم ککریک دیو کتخدا یه تنبیه اولندی بی پان



دلی حسین ذلیل و نامراد ایکن آن واحدده انبای جنسی بیننده مغرور و مکرم اولدی دارالسفاده  
اغاسی سوقیله حضوره و راهبونه واروب کان مزبور ی چکوب اظهار هنر ایدوب مظهر تحسین  
اولدقد نصیحه کرده حضور پادشاهینده عجم ایاجیسی مواجهه سنه کان مزبور ی کبابه واری چکرکن  
زور بازو ایله شکست ایدوب پارچه لرین ایاجی اوکنه وضع ایتدکه پادشاه جهانک و سنیانک  
ایتهاج و مسرتلرینه و ایاجینک کمال انفعاله و بخالتنه سبب اولمشدر سلطان مرادخان  
غازی به ابتدا انتسابی بو طریق ایله اولوب صکره میر اخورلق ایله چیقوب سفر روان  
عودتده مصر قاهره بکر بکیسی بعلقبودان اولوب ازاق اوزرینه سر دار تعین اولنوب  
بر مصاحبه موقی اوله مدیغندن عزل اولنوب صکره بدون والیسی اولمشدر یو سنه  
وبعد ادایالتلرینه دخی متصرف اولمشیدی بعلقبون بش سنه کرید سرداری اولوب  
کفار ایله محاربه ده ار لکری داستان اولغله عظیم استهوار تحصیل ایتمشیدی لکن  
بر مقتضای تقدیر قندی فتنی کندویه میسر اولدیغندن اعداسی طمع و نکاسلنه حمل  
ایدوب ایش کورمدی نامه ایله عزل اولنوب یینه قبودان بعد روم ایل بکر بکیسی اولوب  
ابازه حسن پاشانک وجودی دفع اولندقد نصیحه ائک حقنه دخی تدارک اولنان ستم  
موقت کید وعد و لک وقت سرایتی ایریشوب مناقشه دنیا بلا سیله وجودی افنا اولندی  
وزیر مزبور کشته مشرب شوخ طبیعت اولوب عامیانه لطیفه لره و نصیر الدین  
واری حکایت و امثال مضحکه سوزلیدیکندن سلطان مرادخان مخطوط و منشرح  
اولغین اکثر اوقافده یا ندرندن منفک اولماز ایمن نقل ایدر لکه بر دفعه سفر عزیمتیه  
استانبولدن الای عظیم ایله چیمقارکن جمله خلق حق نسوان شویریله فوج فوج  
تماشا سنه چقمش لرزه و سر پناه ایله لوند له سوار اولوب رهگذرینه صف چکن  
خلقه اواز بلند ایله سلام و یروب رجای خیر دعا ایله تودیع ایدردی نسوان گروهنه  
اوغرادقه سلام علیکم قادنار جنت ریحانلری ویرملکری علما و صالحا ویرار قوچاق یکیدلر  
سزدن طو غار الله تعالی سوریکره برکت ویرسون بزی دعا دن اونو تمک دیو غروب  
سوزلردی رجال و نسوان غیرو و فریاد ایدر لک الله سنی پادشاهه باغشاسون قهرمان  
وزیر او انچه بیله کرک دیبجان و کولکن خیر دعا لایزلردی لکن لوند مشرب و بی پروا جری  
اولق حسبیله لسان چندان مضبوط اولیوب کرید ده درگاه عالی عسکر یله امتزاج و اتحاد  
ایده مدی طمع خامدن دخی خالی اولما غله بعض اوضاع ناهمواری اعداسنه حجت اولوب قتل  
ایتدردیلر اما بوقوله قباچ مستور سنه خلق عالم مطلع اولیوب شهرت و شجاعتنه متعلق  
عوام ناسک جمله سی مداح و طرفدار ی بولغله حیف صد حیف که بویه وزیر نامداری  
عرضه بقاء قتل ایتدردیلر دیو عامه خلق تحزن و نأسف اظهار ایتدیلر مجلسلرده بلکه اسواقده  
وبلا دده ائک روحنه شاور حجت و باعث اولنره طعن و دخل و غیبتنه نیجه مدت خلق عالم  
استغفال ایدیلر روم ایل ایالتی حسین پاشا مخلولندن خصم محمد پاشایه و یوسنه ایالتی ملک  
احمد پاشایه توجیه اولنوب یوسنه ده اولان سیدی احمد پاشایه بدون منصبی ویریاوب  
یانوه محافظه سنه مامور اولدی تبدیل شیخ الاسلام مفتی بولوی افندی دلی حسین پاشا

قتله فتوی ویرمیوب صدر اعظم طرفندن ابرام و الخاج اولند قچه اولقوله نامدار  
ادما چترنی جرمی سببیه قتل مشروع دکلدر بریره نفی ایتسونلر صکره دین و دولتک  
بر معاصرتنه یار دیمکدن غیری جواب ویرمش ایدی لکن صدر اعظم مستقل اولغین  
کلامنی تنفیذ ایدوب مفتینک عدم مساعد سی مفید اولمادی سعادت او پادشاه  
عالینا حضرت تارینک اول بهارده بروسه جانینه حرکت ییورملری قرار داده اولوب  
اناطولیه وجود استقیانک بالکلیه نام و نشان قومامق ایچون مهمات سفر کوریلک فرمان  
اولنوب عساکر طغر رهبر اسکیدار بحر اسنه جم اولملری ایچون اناطولی و روم ایلمده اولان  
حکامه و امر شریفه کوندرلدی یواشاده شیخ الاسلام بولوی مصطفی افندی بروسه یه  
هنرینی مستحسن کورمیوب مهمات دین و دولتدن اولان امر لازم و نایک کفرینه  
گوشمال ویرملک ایکن سنه سابقه ده بو قدر مال و خزینه اتلاف و اسراف اولمش ایکن ابازه  
حسن دید کاری شقی سببیه عودت و نأخیر اولتمشیدی بوسنه دخی سفر امری و کرید  
احوالی بالکلیه فراموش و اهمال اولنوب بیوجه بروسه یه عزیمت نامعقول فهم اولنور صدر  
نشین و کالت کبری اولان دولت و لک مرادی دین و دولت خد مت اولیوب احق کندی  
منصبی فهمندن حظ نفسی طرفنه ذاهب اولوب برره سانه ایله مزاجملری اعدام نیی ایله  
بیلدیکنی ایتک استر حسین پاشا قتل دخی بر امر نامعقول ایکن سعی و ابرامی ایله وجوده  
کلدی بومر تبه رخصت ویرملک لایق و مناسب د کلد رخیر خواه دولت  
اولدیغمر حسبیله واقع حالی اعلامه جرأت ایلشردر فرمان پادشاه هنر کدر بو  
تذکره بی پادشاه عالچاه صدر اعظمه و ردی کندولری حسن ظن و اعتقاد تاملری  
اولغله استقلال عظیم و یروب امور نه بر فردک مداخله سنه رضای همایونلری  
اولدیغنه بناء بیورمشلر که بواکه دکن تحت جایکده اولوب تربیه سیله تقید ایتدو کک  
منلا حقه یازدیغی جوابلری کورد کی قتل و نفی خصوص سنه محیر سن دلخواهک  
اوزن حرکت اولنور صدر اعظم تذکره بی الوب نفی ایله اکتفا اولمشی رجایدوب اناطولی  
قاضی عسکر ی بروسه وی محمد افندی پیرایه بخش مسند رفیع القدر فتوی اولدیلر و مشار  
الیه بولوی افندی میخالیجه نفی اولنوب استانبولدن منفصل عبدالرحیم زاده افندی  
اناطولی قاضی عسکر ی اولوب بو وقعه دن مقدمه عصمتی محمد افندی روم ایل قاضی عسکر ی  
اولمشلر در بوند ماعد اجزیره کرید ده سردار اولان وزیر حسن پاشا که بولوی افندی یله  
حسن اتحادی و ارایدی بو وقعه دن مقدم جناب منلایه مکتوب کوندروب کرید  
جبریه سی تمام فتح اولغله صدر اعظم بالذات بو طرفه کلکه محتاجدر مهر شریف کلدیکه  
بو جریه نک فتنی ممکن دکلدر دیو اعلام حال ایلش بولوی افندی بومکته و بی طرف سلطنته  
کوندروب وزیر اعظم کرید کتمه سنی معقول کورمشیدی صدر اعظم قضیه دن  
آگاه اولدقد کرید سرداری حسن پاشا بی وزیر اعظم ایتک استر دیو منلایه عداوت  
ایتمشیدی در عقب بوتذکره قضیه سی ظهور ایتکین عزل و تنفیله دفع مزاج ایلدی و کرید  
سرداری حسن پاشایه سابقا در نه عساکر اسنه ظهور ایدن نقاش حسن فتنه سنه مدخلی



وارد در دیو خاطر مانده اولمشیدی قتل ایچون امر کوند ردی لکن بامر الله تعالی فرحان  
 وصولندن برایکی کون مقدمه قوت اولدی بی خبری وصول بولغین ماه رجبتک اولم  
 سردار ارق کرید جزیره سی محافظه سنده اولان طاقچی مصطفی پاشایه توجیه قیلتندی  
 قیودان علی پاشا معتاد قدیم اوزن ماه جمادی الاخرک اون التخی کونیش قطعه چکدی  
 ایله آق دکره روانه اولدی ساقز جزیره سی محافظه سنده اولان طوپال پاشاکه سوء تدبیرینه  
 و ظلمه بناء مقدمه قیودان لقلدن عزل اولوب لاتی جزیره سی استخلاص سنده بولغله قتل  
 خدمت سنده مهلت ویرلشیدی ساقز و اغراض قدیم کارین تمام ایتمک ایچون قیودان جدید  
 هلی پاشایه فرمان ویرلکین ساقز و وارد قله عادت اوزن کورشمک ایچون طوپال پاشا  
 پاشترده یه کلد کله ملاقات و نکرید نصکره خط همایون کیده چک و قتل اراز اولوب انیان  
 ایندیریاوب اسیراره بوغدر دیلر قبض اولنان استیاسی ایله باشی استانه یه ارسال قیلتندی  
 هنگام شتا اولغله دو تنما کیلری بریره حرکت ایتیموب برقاج امام ساقز لیمان اکلنوب قیودان  
 پاشا ساقز تفاریقی وانتفاع پیدا سنده اشتغال ایلدی وقعه مصر قاهره ایازه حسن  
 اناطولی و عصیان ایتدیکی اشاده امراء مصر دن جرحه بکی محمد بیگ چرکس ناکس  
 همسکر اسلام روم ایله اولوب اناطولی دخی شتی مزبور سببیه اختلال اوزن اولدیغندن  
 وکلای دولت اید پیوند عثمانی اطراف وجوانیده ظم ورایدن خصمیه جوابیه عاجز اولق  
 ملا خطه سیله دفع و دفعیه تقید ایله میه جکارینه جازم اولوب اطاعت جناب پادشاه  
 اسلام دن خروج و بالای که سار مخالف و عصیان عروج ایدوب مصری ضبط ایتمک  
 مسود اسیمله اون بیگ آدم ایله خارج شهره کلوب قرار ایتشیدی عسکری زمره سنی ازدیاد  
 مواجب و غیره اطاعت ترغیب و امراء عمده دیوانی مناصب عالی و ترقی علیانه توجیه دخی  
 استمالت ایچون فریب و یروب تمیز حق و باطله عاجز اولان بعض کونه اندیشه لردن اطاعت  
 و انقیاده ملایکات ناموافق استماعیه زمام حکومتی قبضه تصرفند ییلوب والی مصر  
 اولان شاه غازای پاشایه قلعه دن اینوب مرته طرفه کیدرسه کتسون بر ساعت توقف  
 ایتیموب قلعه بی تسلیم ایلمون مخالفت ایدرسه متضرر اولق مقرر در دیو خبر کوند رکنده  
 وزیر مشایه دخی دولت علیه خبر خواهی اولان امراء کبار و عقلا نامدار ایله مجلس مشایون  
 عقد ایدوب اول بی عقل و ناتمیز کدخی خصوصی مذاکره اولند قله مجتمع اولاندیدیلر که  
 حاکم بر فرد پادشاه اسلام شهنشاه حرمین جنانه عصیان ایدوب بر بنده درم خزینه یه  
 اطاعت و انقیاد ایتیش اوله یوزا کر عسکر امنوا و امراء دن بعض کسینه خفیه عقد پیوند  
 موافقت ایتمک طرف خلافت اولور لایسه رای حسن و تدبیر مستحسن اولد که قلعه ده  
 اولان اردر سیکر طوپا و برضا ضرور همیا اولوب اطراف و حواتیه حواله اولسون شاید که طاعن  
 غراب اولقدن خوفه و شوب روگردان اوله لره الا ترک عناد ایتیموب اتفاق و اتحادی بر طرف  
 ایتیز لسه معمون شهری ضرب طوپله غراب و سیاب و جا بکاه بوم و غراب ایتد کد نصکره  
 مراد اسططت اولان دلاور لایله میدان مهر کده جانستان و خوف نشانلق ایتد مز مقرر در  
 مدراع کوره لم عاقبت خدایلدی قطع قیل و قال ایدوب قلعه ده اولان سوار و پیاده احضار

ادوات ضرب و حرب ایدوب خنک و جداله آماده اولمشلاییدی امر او مشایرک اکثری  
 قلعه ده بولنوب مذکور ایله خفیه اتفاق اوزن اولند دخی احوال تیه مفر اوله جفن  
 قلم ایتمکله حضور پاشایه کلوب ابراء ذمت اظهار اطاعت ایلدی لمر مذکور دخی تدبیر  
 ناپسندی نتیجه پذیر اولدیغندن موجود اولان عسکر یله نائل مرام اولق ایچون اول  
 جانب اولان امر ایدن جمع استقیا ایتیمک اوزن اولدیغنی والی مصر قاهره عرض لایله ایدوب  
 اوردوزی عسکر اسکدار عسکر ایکن کاغذ لری کلوب احوال معلوم اولد قد نصکره  
 دفعه مجد و ساعی اولم ایچون وزیر مشایرک و امراء مصره خط همایون کوند رلشیدی  
 شتی مزبور دخی مصر دن دونوب جرحه و اول حوالیدن او توز بیگ عسکر ایله مصره  
 مکر رالرخای عمان ایتد کله والی مصر قاهره دخی تدبیر عام ایله استقبالی ایدوب منصبی  
 اولان جرحه بی امرای مصریه دن احمد بیگه توجیه ایدوب مرتب و مسلح بیگ مقداری  
 عسکر خو و خوار نیزه کد ارا ایله مقدم ارسال ایلدی کی عسکر طی منازل ایدرک لشکر  
 مخالفینه مقابل اولد قتری کبی کوزا چدر میوب هجوم ایلدی لمر بازو حرب و قتال کرم اولوب  
 مقرص تیغله متاع وجود استقیای کسوب بجمکله ایکن امیر الحاج اولان قیطاس بیگ  
 دخی برکروه اتبوه ایله در عقب ینشوب کند ولین خاشان دولت الا بلرینه اوردی لمر  
 هجوم دلاورانه تاب و توانلری اولدیغندن عسکر با تکلیه ایرشیدن متفرق و پریشان  
 اولوب میرمذ کوردخی بر جانه یول بولوب روانه اولمشیکن میر الحاج قیطاس بیگ در عقب  
 ینشوب جمله سن اخذ ایتدیکدن صکره قطع نزاع ایچون نخد سربدی و لتلرین  
 کسوب استانه سعادت ارسال ایلدی لمر کلوب وصول بولد قله ادای خدمت ایلد کوری  
 سعی و اهتمام لری مقبول طمع پادشاهی اولوب والی مصر شاه غازای پاشایه  
 خلعت فاخره و مرصع شمشیر ایله معاهد متع بولنان امرایه دخی فردا فردا خط مشرینلو  
 یازیلوب نوازش و التفات ایچون ققتا نلر کوند رلدی شتی مزبورک جرحه ده عصیان  
 محله ککند و نامه خطبه اوقند بی دخی مسعود زالعهد علی الروی شتی مقتولک  
 محمولندن جرحه بکلکی خاص اوطه لی اغالردن طوره مصطفی اغایه احسان بیوریاوب  
 لک یرینه سفر لی اوطه سندن شاعر عبدی خلیفه بی ماه شعبانک سکر بی کچه سی  
 خاص اوطه اغالری زمره سنده الحاق بیور دیلر صکره وزارتله نشایجی اولان مورخ عبدی  
 پاشا مر حومدر کد خاص اوطه ده داخل اولد قلندر کد بی بوتاریخی سورلشدر تاریخ بویه  
 الهام اولندی تاریخ خاص اوطه عبدی مبارک باد عصیان کور بیگ در انطالیه بواشاده  
 اطلیه سبخانه بوجه ارباق ماصرف اولان کور بیگ دیمکله معروف مصطفی پاشاکه  
 مقدم اوزن سنده دن مجاوز سو بس قیودا بلغندن مهال عظیم تحصیل ایدوب بعد  
 جده یکی اولوب صکره برقاج دفعه اطلیه به والی اولمشیدی اطلیه قلعه سنک  
 ممتاز و استحکام منه اعتماد استانه سعادت اطاعت دن روگردان اولوب واران حکامی  
 اوغرا تیموب تغلبا ضبط ایتشیدی مقدمه دفعه قلعه به کیروب قیانب اطهار عصیان  
 ایتد کله اولجا بیگ قضا طائفه سندن و عاب قاضی دیمکله معروف کسینه که ایازه حسن



جمعیتند آورد و قاضی سی اولوب اول معرکه ده تلف اولدیغی ذکر اولمشد احوالی  
 ولایتدن اوج دورت بیک مقداری آدم ایله اوزینه واروب بر قاج ایام محاصره و بمقام اوزن  
 اولد قلمی معروض درگاه پادشاهی اولد قلم سهولتله دفع اولماسی ایچون قیوچی باسیلردن  
 اسمعیل اغا کوند ریابوب پاشای مزبور ایله وهاب قاضی یبخی اصلاح ایدوب قلعهدن اخراج  
 ایلشیدی بود قلعهدن جلیتمند مر کور اولان خیانت مقتضای سنجه ابازه حسن  
 ظهورنده دلیر اولوب ینه اطلیه قلعهدن تغلبه سنی ضبط وربط ایلش ایدی  
 استانه سعادت طرفدن منصب مزبور توجیه اولنان احمد پاشا وار دقله ضبط  
 آیتدر میوب اظهار عصیان اتمکله انا طولی بکر بکسی علی پاشا و مغنسیا سنجاغنه  
 متصرف اولان کوچک محمد پاشا ایالتی عکسریله شتی مزبورک اوزینه حواله اولنوب قیودان  
 پاشادخی دریادن دو نهای همایون ایله وار مق فرمان اولمشدی قیودان پاشادخی بر موجب  
 فرمان ساقزدن قلعوب اول جانبیه روانه اولمشیکن روز کار مخالف کشیلری پریشان ایدوب  
 نجق اون بش مقداری چکدر مه قیودان پاشایانده بولنوب پریشان اولنلردن ایکی  
 قادرغه نام موضعه وارد قلع کفارک یکریمی دورت قدر قدر غلری اوزر لرینه کلوب  
 بچکمه مباشرت ایتد کارند قیودان پاشادخی آگاه اولوب سفاین موجوده ایله امداده  
 ایریشوب اوج دورت ساعت مقداری جنگ و قتال اولوب فی نهایت کسنه لر مجروح و شهید  
 اولغله ناچار جنگدن قطع اید اولنوب ردوسه طوغروکیدر لر ایکن کفارخا کسارک او توز  
 سکر پان طوب چکر بر قلیون کوه پیکرینه راست کلد کلد متوکلا علی الله هجوم  
 ایلدی لر ایچمن اولان ایکی موزدن متجاوز کفرک یوز مقداری مرد اولوب یوزاون نفر اسیر ایله  
 قلیونی قبضه تصرفه کتوروب تلافی مافات میسر اولدی اوراد ن منصور و مظفر  
 اطلیه لیمان کلوب عسکری قان طرفنه چیقار دیلر قلعه محاصره سیچون طو بلردخی  
 اخراج اولنوب اسباب جنگ وجداله اشتغال اوزن لر ایکن اهالی ولایت رجای امان  
 ایله طشره چیقوب قیودان پاشایه کلدیلر و رای و امان احسان ایدرسک کور پاشایی  
 بی جنگ وجدال چیقاروب حضور بیکه کتورنم دیدیلر قیودان پاشادخی ظاهرندن  
 رای و امان فهم اولنه حق ذوالوجهین جوابلر ایله خاطر لرین تطییب اتمیکن انلردخی قلعهدیه  
 دونوب کور پاشایه استمالت و یروپ بو قدر تمایندن بر و نعمته مستغرق صفوا راحته  
 مألوف اولد بغک ولایتک خرابنه سبب اولوب عباد اللهک که عیالک منزله سنده اولان  
 و جال و نسوانی پامال اتمکله راضی اولور مسین بز قیودان پاشا ایله سوبلشدک سنی  
 پنجه انتقامدن تخلص ایچون جمله مالز قدر در رای و امان و یردی باشترده یه واروب  
 متوییش بر قاج بیک التون ایله خلاص ممکن ایسه بل جمع و تسام ایدلم دیمکله کور پاشایی  
 راضی ایدوب قریبدا شلری و کتخداسی و باش بلوک باشیسی و سایر اتباعیله اسکله یه  
 ایندی لر اول خون گرفته لردخی خونبها سنی سو یاشوب تسام ایتک ایچون صنداله  
 بنوب باشترده یه واردیلر باشترده اسکله سندن چیقوب قیوچیلر کتخداسی منقه سنه  
 کلدکاری کی اشارت اولندی لوند لر مزبور لرک بیونلرین دوستوروب یاز نلر لینه

ور دیلر کند و یر و برادر لرینی و معا باشترده یه چیقان اتباعی باغلیوب کله لرین قطع  
 و عریک جملهری دریایه القا اولندی قلعهدن و اول خوالید اولان اموال فراوان و استیاسی  
 جمله سبی قبض اولنوب باشلری ایله در دولت کوندلدی شتی مزبور اتباع ایدن  
 اهل فساددن و افر آدم دخی قتل و نفی و حبس ایله تأدیب اولنوب بو بهانه ایله قیودان  
 پاشا اطلیه خلقندن یوز کیسه دن متجاوز مال پید ایلدی سابقایدن والیسی ایکن متقاعد  
 اولان حمزه پاشا زاده وزیر محمد پاشا حتف انقه وفات ایلدی معن زاده حسین اغامقدما  
 هنده ایلچیک ایله کتمشیدی بوا ثا ده اسکدر ان کلوب صدر اعظم محمد پاشا و ساطتیه  
 محمد پاشا کوشکدن رکاب همایونه رویال ایدوب شاه جهان اوغلی سلطان مراد بخشیدن  
 کتور دیکی نامه و هدایای عرض ایلد کله مزید عنایت خسروانیدن مزبور حسین اغایه  
 و یکریمی نفر آدم لرینه بر خلعت فاخره الباس اولندی نامه نک مضمونی اظها ر خلوص  
 و محبت ایدی هدایا بر قطعه مرصع سر غوج اور تاسنده قرق الی قیراط بر طولانی  
 تحت الماس و اطراف کوبه شکلند و ترک الما سیر ایله مزین و بر قبضه التون قلمچ که جمله  
 غلافی و بندلری الما سیر ایله مرصع و اون بو نجه تفارق متنوعه ایدی پادشاه عالمیناه  
 معن زاده بی سولید وب هند اقامتده جمله دن اعجب نه کوردک دیو سوال بیور دقله  
 شوکتلو پادشاهم اول اقامدن قور تیلوب بو مملکت جنت مثاله وصول بولد یغمزی  
 جمله عجا یباتدن احسن کوردم دیو جواب و یروب پادشاه حضر نلری زیاده مخطوط  
 اولدی لر معن زاده سلطان هند جهان شاهه کتمشیدی لکن جهان شاه مرحوم اولوب  
 اوغلری دروت برادر بیننده نزاع ملاک ایچون قتال عظیم اولدیغی اتمال ده هنده واصل  
 اولمشیدی سلطان مراد بخش عظیم عسکرایله مملکتک بر و جاننده بولنا غله آدم لر  
 تعیین ایدوب معن زاده بی کتور دوب استقبال شاهانه ایله هدیه یی الوب نامه نک  
 جوابن و یروب عودت ایتدر مش ایدی صکره سلطان اورنک زیب غلبه ایدوب  
 اخوانک ارشد و اعقلی او لغله اتقا ق ارا ایله تحت سلطنته جلوس ایلوب ممالک  
 هنده استقلال تام ایله متصرف اولمشد راول اختلال سبی ایله مأمول مرتبه مرغی  
 اوله مدق دیو مرحوم معن زاده نقل ایدردی عزیمت پادشاه عالمیناه بجانب بروسه  
 سنه مزبور رمضان نک دور دخی کونیکه بازار ایتسید ریاب السعاده او کنه  
 توغار نصب اولنوب ماه مزبور کیدخی کوز او تاغ همایون اسکدر سحر اسنه قورلدی  
 ماه مزبور کون سکرخی کونی وزیر اعظم دخی عسکر اسلام ایله اسکدر ان کیدیلر لکون  
 بدون والیسی اولان سیدی احمد پاشادن طقسان عد دکه ایله یمش نفر عجار اسیری  
 کلوب ترسانه عامر مه تسام اولندی عید شوال تهینه سیچون وزرای عظام و علمای  
 کرام و سایر خدام ذوی الاحترام او تاغ همایون دامن بوس شهر یاری ایله شرفیاب  
 اولدی لر استقیادن ابازه حسنک دیوان افندیسی حین معرکه ده حلیدن فرار و اختفا  
 اتمیکن بر طریقله اخذ و در دولتله ارسال اولمشیدی و شام امیرا حاجی کتخداسی دخی  
 اصلنده شام زور لرین عربان صره سنی کتم ایله بحاجه ضرر تر بنه سبب اولغین احضار

جمعیتند آورد و قاضی سی اولوب اول معرکه ده تلف اولدیغی ذکر اولمشد احوالی  
 ولایتدن اوج دورت بیک مقداری آدم ایله اوزینه واروب بر قاج ایام محاصره و بمقام اوزن  
 اولد قلمی معروض درگاه پادشاهی اولد قلم سهولتله دفع اولماسی ایچون قیوچی باسیلردن  
 اسمعیل اغا کوند ریابوب پاشای مزبور ایله وهاب قاضی یبخی اصلاح ایدوب قلعهدن اخراج  
 ایلشیدی بود قلعهدن جلیتمند مر کور اولان خیانت مقتضای سنجه ابازه حسن  
 ظهورنده دلیر اولوب ینه اطلیه قلعهدن تغلبه سنی ضبط وربط ایلش ایدی  
 استانه سعادت طرفدن منصب مزبور توجیه اولنان احمد پاشا وار دقله ضبط  
 آیتدر میوب اظهار عصیان اتمکله انا طولی بکر بکسی علی پاشا و مغنسیا سنجاغنه  
 متصرف اولان کوچک محمد پاشا ایالتی عکسریله شتی مزبورک اوزینه حواله اولنوب قیودان  
 پاشادخی دریادن دو نهای همایون ایله وار مق فرمان اولمشدی قیودان پاشادخی بر موجب  
 فرمان ساقزدن قلعوب اول جانبیه روانه اولمشیکن روز کار مخالف کشیلری پریشان ایدوب  
 نجق اون بش مقداری چکدر مه قیودان پاشایانده بولنوب پریشان اولنلردن ایکی  
 قادرغه نام موضعه وارد قلع کفارک یکریمی دورت قدر قدر غلری اوزر لرینه کلوب  
 بچکمه مباشرت ایتد کارند قیودان پاشادخی آگاه اولوب سفاین موجوده ایله امداده  
 ایریشوب اوج دورت ساعت مقداری جنگ و قتال اولوب فی نهایت کسنه لر مجروح و شهید  
 اولغله ناچار جنگدن قطع اید اولنوب ردوسه طوغروکیدر لر ایکن کفارخا کسارک او توز  
 سکر پان طوب چکر بر قلیون کوه پیکرینه راست کلد کلد متوکلا علی الله هجوم  
 ایلدی لر ایچمن اولان ایکی موزدن متجاوز کفرک یوز مقداری مرد اولوب یوزاون نفر اسیر ایله  
 قلیونی قبضه تصرفه کتوروب تلافی مافات میسر اولدی اوراد ن منصور و مظفر  
 اطلیه لیمان کلوب عسکری قان طرفنه چیقار دیلر قلعه محاصره سیچون طو بلردخی  
 اخراج اولنوب اسباب جنگ وجداله اشتغال اوزن لر ایکن اهالی ولایت رجای امان  
 ایله طشره چیقوب قیودان پاشایه کلدیلر و رای و امان احسان ایدرسک کور پاشایی  
 بی جنگ وجدال چیقاروب حضور بیکه کتورنم دیدیلر قیودان پاشادخی ظاهرندن  
 رای و امان فهم اولنه حق ذوالوجهین جوابلر ایله خاطر لرین تطییب اتمیکن انلردخی قلعهدیه  
 دونوب کور پاشایه استمالت و یروپ بو قدر تمایندن بر و نعمته مستغرق صفوا راحته  
 مألوف اولد بغک ولایتک خرابنه سبب اولوب عباد اللهک که عیالک منزله سنده اولان  
 و جال و نسوانی پامال اتمکله راضی اولور مسین بز قیودان پاشا ایله سوبلشدک سنی  
 پنجه انتقامدن تخلص ایچون جمله مالز قدر در رای و امان و یردی باشترده یه واروب  
 متوییش بر قاج بیک التون ایله خلاص ممکن ایسه بل جمع و تسام ایدلم دیمکله کور پاشایی  
 راضی ایدوب قریبدا شلری و کتخداسی و باش بلوک باشیسی و سایر اتباعیله اسکله یه  
 ایندی لر اول خون گرفته لردخی خونبها سنی سو یاشوب تسام ایتک ایچون صنداله  
 بنوب باشترده یه واردیلر باشترده اسکله سندن چیقوب قیوچیلر کتخداسی منقه سنه  
 کلدکاری کی اشارت اولندی لوند لر مزبور لرک بیونلرین دوستوروب یاز نلر لینه



قیامت شدیدی و اوتاغ همایون اسکندر اسفند قورلدیغی کونله ایکسی دخی اوتاغ همایون  
 اوکنده قتل اولندیلر بازه حسن جمعینه اولان اناطولی والیسی جان مرز پاشای  
 گروه استقیارای و اما نیله حلبه داخل اولد قلند حمله ایله حلبی ضبط ایتک اوزن نهایی  
 تدبیرلری اولدوغنی مرتضی پاشایه بیلد یروب آگاه ایتکله اول ائشاده قتلدن خلاص  
 بولوب مرتضی پاشانک رجاسیله دیار بکره معاکمه اذن ویرلشیدی بعد قتل  
 اچون خط همایون کوندر لکله قتل اولنوب اندن ماعداد یاربکر کتخاری و بشیر پاشانک  
 زمان صدارتده ساحد ارغاسی اولان پرمقستر علی اغا وایکی معروف حقیقنک  
 دخی کله بی دولتلریله معاد دولته کلوب انداخته میدان دیوان قیلندی سعادت  
 پادشاه ائینه ادرنه ده ایکن کوچک میراخور اولان حسن اغا اوضاع سفیها نه سببیه  
 ابریه نفی اولنمشیدی عصیان ایدن سابق الذکر خرجه بکیمنک مدبر دولتی اولوب بعد اول  
 معرکه دن آت حجر اتمشیدی والی مصر طرفندن اخذینه مامور اولنلرله کتوروب قتل  
 اولنلرله سرپرنتکی آستانه یه کلدی و مرتضی پاشانک قتل ایتدیکی سوخته محمود  
 پاشانک همشیره زاده سی مرتضی پاشانک یا نندن فرار ایدوب ابازه حسن یاتنه  
 وارمشیدی استقیانک کارلری تمام اولد قد نصیره بریده قرار ایدوب بمقدار  
 استقیانله کاه طریابوس سمندر کاه ایچ ایل طاغورن کزوب تجسس حکامدن جای قرار  
 بوله مدیغندن تبدل شکل ایله استانبوله کلوب بابا سنک بر دوستی خانه سنده اختفا  
 ایلشیدی مرادی اوزن رعایت کورمین بر خد متکاری خبر ویر مکله اخذ اولنوب اتی  
 نفر خد متکاریله اوتاغ همایون اوکنده یونلری اورلدی خبر ویرن خد متکارینه دخی  
 امان ویرلیوب بیل قتل اولندیغی اصابت عظیم اولمشدر آستانه سعادت قائم مقاملق  
 اچون قائم مقام سابق وزیر اسمعیل پاشایه کورکلی خلعت فاخره الباس اولندی والد  
 سلطان حضرت نوری شهر شوالک سکرچی کونی الای ایله مقدحمه روانه اولوب وزیر  
 اعظم و شیخ الاسلام و قاضی عسکرار و سائر ارباب دیوان اوکنده دو شوب کمال توقیر  
 واخترام ایله تشییع اولندی ماه مزبور ک طقوزنجی کونی یکچیری اغاسیله توغلو  
 کیدوب ایتسی ائین کونیکه عاشر شوالدر مکمل الابلر ترتیب اولنوب شوکتلو پادشاه  
 عالمیناه حضرت نوری مزید دولت و سعادت و کویک شوکت مهانتله حرکت و بروسه  
 جاتینه عزیمت ایدوب منزل اول مال دیه نام موضعه نزول یوردیلر ایکچی منزل طوزله اوچنجی  
 منزل اینه حاجی درودنجی منزل چنارلی چایری بشنجی منزل از نکمید و وصول بولوب از نکمیده  
 بش کون اوراق اولندی از نکمید دن حرکت اولنوب الننجی منزل اولان طراقلی یهیدی  
 منزل دیگلی طاش سکرچی منزل ازبیک طقوزنجی منزل یکم شهره واریوب ایکی کون اند  
 اوراق اولندی بعد اوننجی منزل کستل بر کون دخی اند اوراق اولنوب ایتسی ماه  
 شوالک یکرمی سکرچی جمعه کونی که اسکندر دن اون برنجی منزل و اوراقلری ایله اون  
 سکرچی کونله الای عظیم ایله بروسه شهرینه دخول اولنوب بر قاج ایام اول شهر دلکشاده  
 آرام اولنق اچون شهرده مجد داینا اولنان سرای عامره یه نزول یوردیلر اهالی شهر

کمال عظیم واجلال ایله استقباله مسارعت ایدوب انواع امتعه دیبا و اتمه  
 زرد و زکریا یارلی فرس پای انداز خوش پادشاهی ایتکله بذل مقدور ایلدوب مشاهد  
 دیدار خضر وانی ایله مظهر سرور شادمانی اولد قلندن ماعداد زمره فقر و وضعفا  
 مستغرق عمان عطایا اولوب هر طرفدن اوازه دعا و ثنا پیوسته قباب سما اولشیدی  
 و یوم مزبوره الای مرور ایدرکن ساعی بالفساد مقوله سندن برنجی استقیان طریق عامه  
 صلب و سیاست و خلق عالمه موجب عبرت قلمشمار ایدی آر مکاه سلطانی اولان  
 سرای خسروانی دارا السعاده العلیه اولغله اندرون همایون اغالری جمله خانه لره  
 قوندر یابوب هر صنفه باستقه منزل لر تعیین اولنوب خانه دن خانه یه کور و لرو قیولر  
 احداث اولندی و خرقة شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ساحد ار  
 اغا ساکن اولدوغی اوطه نک بنجره سنه متصل بر صنفه مرتفعه نک کوشه سنده  
 گرسی اوزرنده وضع اولنمشیدی هر کجه معتقد قدیم اوزن خاص اوطه اغا لردن  
 فویچی اولنلر عودو عنبر ایله بخیر ایدوب قرب شریفند مقیم اولورلری ارکان  
 دولت جمله سی چادرلریله طشرده قونشمار ایدی ماه ذی القعدة نک ایکچی ثلثا کونی  
 اندر دخی جمله شهره کیروب قوناقلره یرلشیدیلر ماه مزبور ک دور دخی کونی استانبول  
 قائم مقاملغی صدر اعظم سابق اسکندرلی قوجه سلیمان پاشایه توجیه اولنوب قائم مقام  
 اسمعیل پاشا بروسه ایه دعوت اولندی التنجی سبت کونی شوکتلو پادشاه عالمیناه  
 حضرت نوری اجداد عظام و بعض صاحب کرام تریه لرین زیارت وارواح طیبه لرینه فاتحه شریفه  
 قرأت یوردیلوب فقر و وضعفای صدقات علیه لری ایله مسرور یوردیلر طقوزنجی کونی  
 خاص اوطه ده پیشکیز غلامی ارناود صالح اغایه مصرده بر بکلک احسان یوردلی  
 اون دور دخی کونی دولتمند غلامی احمد اغا قیونجی با شیلک ایله و مفتاح غلامی صالح اغا  
 متفرقه لغله مهرمند اولوب اون بشنجی کونده ساحدار عثمان اغا وزارتله دیار بکر  
 منضمی احسان یوردیلوب صدر اعظمه مهمان ویرلدی و دیار بکردن وزیر مرتضی پاشا  
 بغداده نقل اولندی یکرمی سبت کونی کشش طماغی نام جبله صعود یوردیلوب سیر  
 و تماشا اولندی آمدن اینچی نمچه ماه مزبور ک یکرمی اوچنجی کونر ثلثا کونده اوتغ همایون  
 دیوان اولنوب نمچه قرالندن کان الحی پیشکش وعدایا و نامه سیله سریراعلا یه رویال  
 ایلدی بعد نامه سی ترجمه و تاختیص اولند قد سابقا ردل حاکمی اولوب عصیان ایدن راقوچی  
 اوغلی دیدکاری خائن شفاعت سمتنه ذاهب اولدیغی بلدرمش بوشفاعت لایق دین  
 و دولت کورلیوب شوکتلو مهانتلو پادشاه عالمیناه حضرت نوری نامه شفاعتی قبول  
 ایتیموب پاسارک مقصودی البته بنجره معتقد اولان صالحی رعایت ایسه اولشیدی  
 اله کتوروب در دولت ارسال اینسون دیوجواب با صواب و یروب الحی یه اجازت  
 انصراف ویرلدی و اول بهارده اردل و لابنه نکر ارسفر اولق اچون تدارک کور ملک پاشا  
 فرمان شهر یازی صادر اولدی رفتن مفتش اسماعیل پاشا بجانب اناطولی وزیر مشارالیه  
 استانبول قائم مقاملغندن بروسه یه دعوت اولنمشیدی اسکندر دن تا عریستانه



هرستانه وارنجه اناطولی وقرمان و مرعش و سارولایاری تفتیشله مامور اولوب  
 مقدماجلالی طائفه سنك زمان عصیانلرله کندولایله شقاوتله بولنانلردن صكره  
 بكچیری و سیاه و چاوش و زعیم و متفرقه و كرك مدرس و قاضی و سادات و موالی و كرك  
 امر و میر بران هر كیم اولور سه اولسون هر قنده بولور ایسك و خبر الورسك تاخیر و توقف  
 ایتمیوب اخذ ایدسن و حقلرله ویریلن فتوای شریفه مو حبیبه حقلرندن كله سن ویر  
 وجه له امان و زمان ویرمه سن و عسكری زمره سندن اولیوب عسكركلك ادعا سنده  
 اولنلری رعایا زمره سنده ادخال ایدسن و ساداتی تفحص ایدوب نسبی ثابت اولمیان  
 متسیدلرك دستارلین اله سن و رعایا اللرنله اولان اساحه و آلات حرب و تفنگاری اخذ  
 و جبه خانه عامره یه ارسال ایدسن دیكندویه منوال مشروح اوزره قطعی و موكد خط  
 همایین ویرلدی صدر اعظم دخی مشارالیه اسماعیل پاشایه استقیانك حقلرندن كلكله  
 عهد و ساعی اوله سن و لکن حلبه وارد قده دولتلو والد سلطان حضرتلرنك خواص سندن  
 اولان كایس و عز و سائر خاصلری طرفه تعرض ایتمیه سن كه خاطر عاظر لری متكدر  
 اولیه دیو محكم ننبیه و نصیح ایتدكده كه ره ویراه ایتدیله بكچیری اوجاغندن زنبیر یكی پاشی  
 و سیاه اوجاغندن نامدار ايكی چاوش و قیپ طرفندن بر متعین چاوش و عیالان اوردو  
 قاضی شككده پراقندی حسن چشمه وکیل نامنه بر پیر ساظورده باو كباشی معا  
 قوشیلوب اناطولینك جمیع اموزی كندویه تفویض اولدی ایاصوفیه سمتمند ساكن  
 اولان عثمان پاشا زاده مرحوم مصطفی افندی كه كتا بدن تذكره جی صورتله كتابتی  
 خدمتمند ایدی نقل ایدرلكه مكمل قبول ایلر بروسه دن قاقوب روانه اولدیله اول ائاده  
 مشهور آتلاوایله ايكی اغاسی جناحینه تمین اولنوب اورتیه قولدن انلر و صناع وصول  
 قولدن كبدوب اوغرا دقلری یرده حسن پاشالی زمره سندن و انلرایله مختلط اولنلردن  
 مشتمبه الحال كسندلردن بولد قلرین اخذ ایدوب و خبر الد قلرین بای حال اله كتوروب  
 اسماعیل پاشا اوردوسنه كوندر لرلدی و شول وجهله تقید و اتمام اوزره تفتیش اولنوردیكه  
 پو اوج كروك او كندن زمره استقیان بر فرد قاقچق و یارب طریقله باش قورتار مق محال  
 ایدی اسماعیل پاشا ایسه هر كون دیوان ایدوب بولدیغنی قریه و قصبه و شهر ك خلقی  
 تدقیق اوزن تفحص ایدوب جزئی شقاوت رایحه سی بولنانلری و ظلم و تعد بسندن  
 ققرا وضعفا متشكى اولانلری اخذ ایدوب هر قنغی زمره زی و قیافتند ایسه ضابطه  
 تسلیم ایدوب بده بوغوب كله مجمع اولد قده آستانه یه كوندر ایدی برهانه ایلله اخذ  
 و حضه و رینه داخل اولان كسندكه ها الله صاع چقمزدی حتی قوشیه یه وارد قده طرفینه  
 تعیین اولمان اغارلك بریسی سكرتفر مولوی درویش طوب ارسال ایلش دیوانه كلكله  
 بولاری سولتدی مولوی فقراسیموز دیو جواب ویردیله بر مشنوی شریف ویرتی كتوروب  
 مولویلر مشنوی او قویان جلا و سماع ایدر سناخته چیقان پو اوج هنردن برینه عارف  
 اولان مولوی ر قعرض اولنمازیدی بریسی مشنوی او قودی بری فی چالیدی ايكیسی سماع  
 ایلدی انلاری اطلاق ایدوب باقی قلان دورت نفری بی هنر ایدی انلری خمس ایدوب

واقعا انلر حسن پاشالی زمره سندن دورت مشهور بولوك پاشیلردن ایش باش قورتار مق  
 ایچون كله پوش اولوب مولوی شككله كرمشیر احوال لری آشكاره اولد قده دوردندیه قتل  
 ایتدیله اول عصرده هرولایت و هر قصبه و قریه ده بكچیری و سیاه و لوندا تاصلا قچیلری  
 و مدرس و طالب علم و سادات نامنه قتی چوق كسندلر و ارایدیه كه اختلال عصر سببیه  
 هریری بر طریقله تعین كسب ایدوب اصلی یوق ادعا ایلله نكالیف پادشا هیدن كند و لر  
 معاف اولد قلدن ماعد اقر با و نعلقاتلرینی و خد متلرله اولان روستای اترك ارغادرین  
 دخی حمایت ایدوب اعشار شرعیه و رسوم رعیت عرفیه ییله ویرمز لر دی و هریری نجه ذمی  
 رعایای دخی جزیه دن قورتاروب مال میری یه و عوارض و نزول و سائر نكالیفه ضرر عظیمی  
 امر مقرر ایدی اوغرا دخی یرارده شقاوت و تجاوز ایلله مذکور اولانلری اخذ ایتدكده كه  
 اهل عرض نامیه باقی قلانلردن صحیح بكچیری و سیاه و سید قاضی و رعایتی واجب و اریسه  
 دفتر ایدوب محكمه ده سجله قید ایدوب ماعد اسنی جمله رعایا زمره سنده ادخال ایدردی  
 و عسكریك قیافتی یوزوب كچه كلاه الباس ایدردی اولمغوله تاصلا قچیلردن اون سنده دن پرو  
 اعشار و رسومدن نكالیف سلطانیه دن كتم ایتدكاری اموالی تحصیل ایتكله و افرخزینه  
 پیدا ایلدی متسیدلرك دستارین ائوب بر دخی دعوا یه سلوك ایدر سكر قتل اولنور سكر  
 دیو تهدید ایدردی ازكلی قصبه سنده سید نامنه ايكی یك سبز پوش و ارایكی خن لانسایه  
 حجت معتبره ایلله منسب اولمق اوزره بكرمی سید الیقوب قصه رینك جمله دستارلین الدی  
 اكرچه ناحق یه قتی چوق آدم قتل ایلدی لکن اناطولی و لایلرین استقیان و تاصلا قچیلر  
 زمره سندن رعایایه مسلط اولان یرواطمه دن برخوش پاك ایلدی و رعایا ده نه مقدار  
 تفنگ بولدی ایسه قبض ایدوب صاحب لرندن بهر تفنگ ایچون بش غروش آستانه یه  
 اجرت نامیه جمع ایدوب قطار قطار تفنگلرین آستانه یه ارسال ایدردی جبه خانه عامره یه  
 صكسن یك تفنگ تسلیم اولندوغنی مشهور در لطیفه اتر اكدن بری طاغ پاشنده اوتور  
 بر كلكله راست كلوب اوت كیدینك كلكلی اوت اسماعیل پاشا كی ارقك واربزده تفنگ  
 قومدی دیش مرحوم عثمان پاشا نقل ایدر كه وزیر مشارالیه اصلنده استانبولده احسناپ  
 اغاسی ایدی سوقیلری ضبط و نرخ خصوصنده خیل هنر اطهار ایلله شهرت بولدیغنه  
 بناء درگاه عالی قیوچی پاشیلری زمره سنده ماحق اولمشیدی بعد چاوش پاشی صكره  
 میر اخور صكره وزارت زمره سنده داخل اولمشیدی بازه حسن پاشایه الحاق ایلله مقتول  
 اولان وزیر كنهان پاشانك خلیله سی سلطان حضرتلرینه عقد ازدواجله نكیم اولمشیدی  
 لکن وزیر مشارالیهك رجولینی حكومتده اولان قوت شهامتله كور اولیوب علت علت  
 سببیه فراش سلطانی یه تقرب ایدم دیکندن كئندا قادین بر كون علی السهر بر اون كه  
 كتوروب پاشا حضرتلرینك او كنه وضع ایتدیكی مشهور در صدر اعظمك اكبر اولادی  
 احمد یك بروسه ده حضور همایه نه دعوت اولنوب ماه ذی الحجه نك ايكینی بنجشنبه كوئی  
 مزید عنایت خسروانیدن وزارتله ارضروم ایالتی عنایت و الباس خلعت بیورلدی مشارالیه  
 احمد یك پیری فوتند نصكره وزیر اولان فاضل احمد پاشا دراوا انلر ملازم و مدرس اولوب



طریق ۵۰۰ ساله ایست که در داخل طریق اولان بعضی غماز و هزاره عراض ناسه تعریف می  
 وری بر این ذم و قدح و غیبتله مساوی به استعلا لرین کور و ب تمام نفرت ایستاد اییدی  
 پیدری صدر اعظم اولدقده طریق قدن اخراج ایدوب مسلاک و زرایه ادرج ایستاد در قتل  
 مثالی نعمان افندی مزبور طمع و ارتشایله متهم شخص جسورا ولد یغنه بناء بر  
 قاج دفعه نفی و اجلا محنتنه مبتلا اولش اییدی یوتدن اقدام ادینه قاضیسی ایکن بعض  
 نامه قول حرکتی سمع همایونه القا اولغینینه بروسه یه نفی اولغیشیدی ابازه حسن  
 بروسه یه کلار کور مزبور دایرانه حرکت ایدوب اعیان دواتی جمع و اموال و عیال لری  
 ایله قلعه یه قیام نفی رای ایدوب جلالیله عدم انقیاد خصم و عینه جمله یه پیشوا اولغله  
 مردانه حرکت ایدوب طرف دولته نوع خدمت ایستد بکنه بناء بروسه قضاسی کند و یه  
 احسان بیولمشیدی غائله بر طرف اولد قد نصمکره جبهه یمنده اولان طمع خام بلا سیله  
 جلب مال سودا سنه دوشوب بروسه ده و اطرافنده ساکن اولان متمول و مالدار  
 کمسنه لک کیسنه سن جلالی مزبور ایله اتفاق اوزن ایدک و بعضی سنه سر زده امانت  
 وضع اولمش جلالی مالی وارد دیومو اخذ ایدوب به یانه ایله برقاج آدمی قتل  
 و بعضی سنی حمیس و تجریم ایدوب واقف مال پیدا ایتمشیدی ظلم و تعدیسمدن جگری  
 خون اولنلر پادشاه عالمیناه حضرت قلیزینک استقامتله جیقوب دفع رقعده تظلم  
 ایتمشولاییدی حقیقت حاله تحصیل اطلاع ایچون شکاتی دفع اولنوب بروسه ده  
 بعد التفحص محلی ظلم هر اولدقده حقیقت استقامت اولنوب جواب مسئله امرولی  
 اولولا امر ایله قتل و یرین قنوی موجبجه فرمان شهر یاری ایله عرقه کوفی قتل اولندی  
 مزبورک براوغل بوقه لوده بیکقوز قضا سنه متصرف واعی پیور سابقا بوستانچی  
 باشی بالظه جی حسن اغا حضور همایونه احضار اولنوب مقدم استانبولده کروه اشتقا  
 و ازل کوشک التمه کلوب مصاحب اغارک قتلن استد کلر زده نجون اول ساعت  
 بوستانچی زمره سنی سلاح و تفنگله اوزر لینه حواله ایدوب انارک فساد لرینی دفع و ازاله  
 ایتمک دعیب نکا سندن استفسار میوریلوب رشاقی جولیه قادیانلما یحی و تاغ همایون  
 اوکنده یینی اولدی آق دکنر بوغازنده قلعه لر تعمیر اولندی یقیدر جی سفید ده خایج  
 قسطنطنیه یه داخل اوله جق بوغازک طولی وافر میلدر مزحوم قاج سلطان محمد خان  
 استانبول فتحند نصمکره مرور و عبور سفاین اعدادن ممالک اسلامییه بی حراست ایچون  
 اشاقی جانبی که استانبول طرفیدر بری بری قارشو سنه ایکی عدد قلعه مستحکم و متین  
 بنیاد ایدوب هر برینه وضع اولغان طویلرک میانشدن روز روشنندن قطع نظر شب تارده  
 دخی سفاین و ذورق دکل بلکه رجو سمایی کذار آیمک مراد ایاسه کله طوب رعد  
 اسایله غریب کگرداب فتالولق مقرر اییدی اول شهنشاه اسکندر صلا بتک آثار  
 همتی ایله جانب بحر سفیددن خشیت اعدا با کیمه و طرف اولمشیکن و ندیک سفیری  
 ظهور زده کفارنا کسار هر سنه او توژ رو قرق سفاین ایله کلوب قلاع مذکور لک  
 بالاسنه ایکی جانبیه قرار ایتمکله ایچرودن طشره یه برکی بییقمانی ممکن اولیوب

طشره دن دخی کلنلر بی خبر اوکارینه اوغرا دقچه بی زحمت شکار اولوب اهل اسلامه  
 تعدیلرندن ماعداد و تنمایلری هر محل خروجیه نه مرتبه متضرر اولد قنری یوقا روده ذکر  
 اولمشدر مراد پاشا و زارتنده صاحبه اخبارات و الحسنات خلد اشیان مرحومه والد سلطان  
 ساعی غیر ارشاد یله بوداء عسیرا لدولتک علایجی و دو تنمک نیز احم سهولتله طریق اخراج  
 تدارکنه عزیت صادقانه و بومرانی اتمامه بذل همت مردانه ایدوب بوغازک بیوک دریاه  
 ایچلا جق محله قریب بری برینه مقابل اتا طولی و روم ایلی طرف لرینه بر قلعه سنکین  
 بنیاد ایجاد ایتمک توجه تام و بومهم عظیم ایچون قنایطیر مقتضیه صرفیه نفیسی رام ایتمش  
 کشف و تخمین ایچون تعیین ایتمدیکی معمار و کتخد اوساژ سرکارده اوله جق بدکار لک  
 مختار لری اولیوب مهمات بناء تعمیرینه ادنی مرتبه دور تیوزیک غروشدن زیاده الحقه  
 لازمدر ایدن ماعداد قلعه لره صوکتور مک حد امکاندن گذراندر و اطرافنده اولان  
 قرا سکانی قلعه لر بناء اولندی یقی تقدیرجه مأوی اراذل و اشتقا اولوب اطرافده دست  
 تعمیر لری دراز اولغله جمله مزه ترک وطن اقتضا ایدردیو منع یابنده نیاز لری اولدی یغنی  
 عرض و آنها ایستد کاری جهندن اول مناع للخیو شریر لک صورت حقدن سوق و تقوی  
 ایستد کاری مز خرف کلمات و ائله سلطان قبله بحکم من یسمع یحل نأثیر ایدوب اوله  
 خبر عظیمک متروک و معجور قلعه سیله اول دمدن برو دو نمای همایونک حکم تقدیر  
 ایله منهرم و مقهور اولماسنه سبب اولمشولاییدی عزیز لغندی دیرکه یو فقیرک قلینده  
 دائمایومعنی خاجان ایدوب ایواقعی نه منوال اوزن در دیواهل و قوف بیغرض مسلمانلردن  
 استفسار دن خالی دکل ایدم ناکه اتفاق ارای عقلا بونک اوزرینه قرار داده اولدی بکه  
 اتا طولی طرفنده یکشهر کیز یورننه و روم ایلی جانبنده دامله جق یورنندن اون پیک  
 غروش صرف اولغله در مکمل قلعه یا سیلوب قدر کفایه طوب و تفنگ و مردان حرب  
 وجنگ وضع اولنسه ایکی قلعه مابینی ایچق اوج میل اولوب معبر سفاین تک اولغله  
 باطفه تعالی من بعد کافر کیلری بوغازه کلک احتمالی امر محال اولور و روم ایلی طرفندن  
 برام نام قریه قریندن جریان ایدن نهر کیز غایت قریبدر شق جدول ایله بی تعب  
 قلعه یه صوکلور و اتا طولی جانبنده جاری صو اولق کرچه اوج کونلک مسافه دن کلکه  
 محتاجدر اما سلاطین کزین ال عثمان ناپید اسمانی و عون ربانی ایله مؤید لولوب مراد  
 ایستد کاری برادنا اشارتله حاصل اولور ایکن اول قدر مسافه دن احرا ی ما امر سهلدر  
 با خصم و صدم احتیاج ایچون صهر یج ایله احاطه مال اولنوب سائر از میانده خود قریبده الحقدن  
 جریان ایدن چالیدن صوالله و راهالی قرا طرفندن عرض اولغان معنی خود عن  
 اصل محض افترا داول فقر اقلعه لر کند ولره ملتی اولوب و سایه سنه کفره تک استیلا سی  
 دامن حال لرینه ایشید یکی جهندن فراغ بالله کار کسبلرین ایدو حکمری معلوم ایکن  
 احتیالمیدر که اوله کار ناصوله مخالفت مفسده سنی ارتکاب ایدو خلاصه کلام ذکر اولمانه  
 قلعه لک تعمیر لازم و مهم اولدی یغنی صدر اعظم حضور همایونده والد سلطان حضرت قلیزینه  
 افاده ایدوب بنا اولماسی بایسته فرمان همایون اصدار ایتمکین استانبولده اولان تجارت



وینالردن ماعداء مالک محروسه ده اولند دخی جمع و معمار خاصه ایله ارسال اولند یازیر  
وقت مبارکده طولا و عرضا اوچریو زذراع اولق اوزن طرفیندن ایکی قلعه  
بنامنه دقت تام و زمان قیلده صورت بولوب اساسلری بریزینه چیمقانی اوزن اتمام  
مالا کلام ایتدیرووالله سلطانک تخت الغندن چیمقه قیودان علی پاشا دعوت اولوب  
قلعه اوزینه مباشرت خدمته تعیین بیورلدی دونیا کیلری اساری ایله تعمیر قلعه  
اوزینه بذل مقدور ایتلری ایچون برسنه بوغاز حصارنده قشلاق فرمان اولندی  
تصرت عظیمه کرای خان دز محاربه عسکر کفار مسقود دولت علیه ده اون سنه دن  
متج و زوندیک کافری غائله سی بر طرف اولدی یغندن ماعداء اناطولی جلالیلری  
وگاه مجار فحاری سفری اقتضا سیله عسکر اسلامک کی جزیره لده وکی یالیلر محافظه سنه  
اولوب واکثر قلاع سرحد لده محاصره و محاصره ایله اشتغال ایله متفرق و بریشان  
بولمقله بریره نجمعلری خیر امکانده اولمق نصوری ایله مسقو قرالی محل فرصت در دیو  
یوجانیدن ظهور عسکر ییشمار و تحزیب دارو دیار ایله دولت اید پیوند عثمانی یه دغدغه  
پیشانی ویرمک سودای باطلنه دوشوب ایکی سنه دن متج و زجمع عسکر و تدارک  
مهمات سفر ایله تقید ایدوب الکفر مله واحد معدد اقچه مجار و افلاق و بغداد  
و یوده لرینک سرگردانلارندن بالکلیه مجال قالیوب اقتضای غلبه جمعیت و صیانت  
هر اسم دین و دولتلری و ملتاری ایچون حرکت شروع ایدوب اولان قراغی نامنه اولان  
گفار خاکسار که ماتقدیدن اول جانبازده اولان کفره حکامک اصلا بریزنه سرفرو  
وانقیاد اوزن اولوب اول موضعک صعب و بتاقلق پرانده مکان طووب فرصت ال ویردیکه  
شیقه لر ایله قره دکره چیمقوب لب دریا ده واقع اولان قرانی و قصبه ای یغما و تالان ایدوب  
سرحد اسلامیه دن اولان مواضعی غارت و خسارتدن حالی دکلدر مذکور له مبلغ  
یشمار ارسال ایدوب ممکن اولدی بری مرتبه شیقه لر ایله بی سپاه چیمقوب اطراف  
و جوانه کزنده اصابت ایتدر مسیحون ناکید ایدوب و اوزی قرالی که مقدمه له قرانده  
عصیان ایدوب مذکور دن اخذ انتقام ایچون اسلام کرای خان ایله اتفاق و اتحاد  
ایتمکله اون سنه مقدازی له بمکتبی در پی سفر ایله خراب و سیاب ایتدکاری محصورده  
مسقو قرالی ایله دخی عقد پیوند مصادقت و اخوت ایدوب مصالحه ایتیشلرایدی اکامفا  
مسقو قرالی دخی مذکور ایچی کوندروب مضمون نامه سنه اقصای مراد و نتیجه اما لمر  
ممالک اسلامیه یه عزیمت ایدوب همدم و هم ماتمر اولان طوائفک اخذ انتقام لرله  
مقضی المرام اولمقدور اولاهم مسکات دینیه مزدن اولان عسکر بیکران ایله تاتار  
اوزینه واروب اول سند سدید اهلی خراب و ویران ایتدکاری تمام اولد قد نصکره  
صائر مصالحه شروع تصمیم اولمشدر ایددی غیرت دین و حمایت مصالح این مقتضای  
یزمله معا بولنوب خدمت مکرده بروجه له نکاسل و اهمال تجویز ایتد سز دیو وعد و عیدی  
مشعر کلمات ایله قطع کلام و ارسال پیام ایلمس مفهوم نامه سنه مذکور دخی نشوینده  
دوشوب خان مکارم نشانله صلح و صلاح استقام ویرد کارنده بو قدر قلاع و بقاع

واراخی رانتفاعه خانان جنگیزیه امدادی ایله فائل اولد قری جهتدن نقص  
عین رضا ویرمقله متضرر اوله جقلینه جازم اولد قدن صکره بونی معقول کور مشلر  
ایدیکه خان عالیشان کاه ایدوب انلریندن حرکت ایتدین عسکر دیرامثال ایله مقدجه  
اوزینه واروب کوز آچدر میوب جمعیتلرین بریشان و مالکی یغما و تالان ایلمه لر بوموال  
اوزن واقعی بیان ایلد که خان عالیشان دخی علی الفور جمع عسکر ییشمار ایدوب متوکل  
علی الله سنه مذکور مضامنه کفار خاکسار اوزینه عزیمت ایلد یلر قرال  
مسقودخی قزاق عسکرینک تاتار خان طرفیندن انحراف ایتدوب کند و طرفنه  
میل و اعتبار ایلد یکندن کند یسی سرحد قزاقه قریب بعض قلا عنی انتر اعله کوشمال  
ویرمک ایچون عسکر ارسال ایتشیدی اول حمله مایجل نام قلعه اوزینه اون یدی  
یک عسکر ایله ایکی یویاری کلوب اطراف و جوانی یغما و غارت ایتدیلر بش یک مقداری  
قزاق عسکری دخی انلره تابع اولوب قلعه مذکور ی محاصره ایتیشلرایدی ستوالک  
خره سنه بعد صلوة العید عسکر تاتار عدو شکار ادل نام برنهر عظیمدن عبور  
ایدوب مسقو جانینه عزیمت اوزن لرایکن محاصره اولنان قلعه دن خبر اولد قزاق  
صنان عزیمتی اولجانبه تحریک ایلک مناسب کور یابوب مقدم اون بش یک عسکر  
جرار صبار فتار ایله فرانس یلک نام برامیونامداری سردار ایدوب ایغا ر ایله ارسال  
ایلد یلر ایرنسی علی السحر یاران بلاکی کوه دن سر کفان نزول ایلد یلر قریب اولد قزاق کی  
اهنک جنگ ایدوب اوج ساعت مقداری باز حرب و ضرب و رواج یولوب مددکاری  
هون باری ایله لشکر شیاطین رهبر منهنزم اولوب اون یک کافر دن یک مقداری انجق  
قور تیلوب ماعداسی حمله عقبکیر اولان دلاوران تاتارک ضرب شمشیری ایله افناد  
پناه سهیر اولد یلر اوزی قزاقندن مزبور له تابع اولوب محاصره قلعه ده بولنان بش یک  
تقر دن دخی بر فرد و اصل سرحد نجات اولوب درجات روز خد مکان بولد یلر طابور لری  
یغما اولنوب دیری اخذ اولنان بر قاج نامدار لری مرده فتح ایله خان عالیشان طرفنه  
ارسال ایدوب اول موضع قرالیدیلر کلن اسیرلر حضور خانیده بوجه ایله بسط کلام  
ایلد یلر که مسقو قرالی اوج سنه دن متجاوز در که تدارک اوزره لدر اول قصدی دفع  
حسا کر تاتار عدو شکار در بعد تحزیب دارو دیار ممالک اسلامیه در حال قزاق عسکری  
کند و به اطاعت و انقیاد ایتد یکندن سرحد لده قلاع نسخیزینه برنامدار یو یارلین  
حسا کر ییشمار ایله ارسال ایتشیدی بر دخی مامور اولد و غز اوزن یو قلعه اوزینه  
کلوب احوال مزبوره منجر اولدی دیو تحقیق مقال ایلد یکندن صکره ضرب شمشیر  
خون فشان ایله قطع قبل قال ایلدی بعد اطراف جوانی تجسس ایچون ارسال اولنان  
کسنه لر اول محله قریب قرالک تحت حکومتند واقع بر قلعه مسخکمه اوزینه الی یکندن  
زیاده مسقو عسکری اولوب خطمان دخی بی پروا اوزرینه وارمدن احتراز ایلکله التمس  
یک مقداری قزاق ایله قدوم خان عالیشان انتظار اوزن اولد قزاق خبر دار ایلد کلرند  
اول جانبه عزیمت ایچون تحریک رکاب ایله بر قاج منزل کید یابوب قریب اولد قزاق



خطمان خبردار اولوب موجود اولان عسکريله عساکر تاتاره ماحق اولوب دستبوس  
خان مکارم نشان ايله سرفراز اولدی قلعه اوزرنده اولان عساکر کفار دن دل المق  
ایچون یوز مقداری آدم تعیین اولنوب نتیجه احواله تحصیل اطلاع ایچون بر قاج آدم  
اولو وضعه قرار ایلدی تعیین اولنان سر بازان دخی جوانب قلعه ده پویان ایکن الی  
تفر کفار دوزخ مقره راست کلوب شکار ایلدی خضو رخانه کلد کارنده دیدیلر که حالا  
قلعه یه قریب اولان طابورده که تسخیرینه ما مور لر در الی بیکدن متجاوز آدم اولوب  
واللی بیگ مقداری پیاده و سوار تفنگ انداز نامدار لری طابورده اولنلری اوزرنده  
تاتار و قزاق عسکر ندن کله جگاری دفع ایچون بو نه عظیم کچد لری حفظ ایدوب  
قرار ایلدیلر ایدی بونلردن ماعد ابر پرده دخی جهیتلری اولوب جنک وجداله نامزد اولان  
گزیده عسکر ی با جمله بو نلردن د یو تقریر و بیان ایلد کارنده صکره مشا و اولنوب  
طابور دن مقدم اطراف نه رده اولان کفار ک اوزرنده وارلق مستحسن کور لمیوب قزاق  
عسکر ی ایلر و یور یوب اردنجه لشکر تاتار فوج فوج گروه گروه کشت کوه دشت  
ایدوب بتا قلری و صعب المرور منازلی قطع ایدر ک دشمن طرفنه روانه اولدیلر قریب  
اولد قیر نه انلر دخی خبردار اولوب دریای سیاه کی جوش خر و شنه کلوب تلاق  
صفین اولوب ایکی طرف دن تفنگ انداز لعه سرا غا ز ایلدیلر اولاقزاق عسکر ی هجوم  
ایدوب در عقب جنک اوران تاتار دخی یور یوب تیر فضلاء تا تیری صف دشمنه باران کی  
یا قدر دیلر خان عالی شان بر مقدار دلا ورن ایل بر مرتفع مکانده جرا کاهه ناظر اولوب  
درگاه قاضی الخاناتن فتح و ظفر رجا سنده روی عبودیتی خاک ذلت نه نهاده ایدوب  
نیازده ایکن نسیم فتح و ظفر استقباله استعجال ایدوب بر ساعت مقداری جنک  
وجدال اولدین عسکر کفار راه فرایه ز طو تبیلر سر بازان و دلیران اول عجرای بی  
پایان ندن عقیلر نجه سکر دوب کیمی اسیر در نجیرو کیمی طعمه شمشیر اولوب الی  
بیگ عسکر دن قرال بد فعال طرفنه ایصال خبر ایچون بر فرد خلاص اولدی عسکر  
ظفر عنوان مظفر و شادان خان عالی شان اولدو یغی موضعه کلوب تهینه فتح  
و ظفر ایلدیلر بز قاج کون اولو وضعه مکث اولنوب طابورده اولان کفار ک اوزرنده  
کیدلک مقر اولمغه تخفیف با کران ایدوب و سمکبار روان اولمچون اخذ لیتد کاری  
اسیر لری بهایه کسمک خضوصی مذاکره اولنوب قرار ویر دیلر طرف خاندن مضبوط  
اولان نامد ارلر بیگ ادا قاسمی یه زیبک التون ویر مکی در عهد ایدوب برو فوق دلخواه  
اسازی تدلرک مال شروع نه مهیا ایکن تاتار اخته ارنندن بعض امور دیدن و کار از موده لری  
یور آئی ناپسندی مستحسن کور میوب دیدیلر که کرچه قزاق عسکر ی بزمه بولنه دک  
صلح و صلاح لوز حرکت ایدوب نقض عهد و میثاقه متعلق اوضاع لری صادر  
اولا مشد در بویه ایکن ینه ارباب کفر و ضلال اولمغه اعتماد اولدی یغی ضواید عقل  
ایدی یکی مقر در احتمالدر که مسقو طرفله مصالحه ایدلر اول تقدیرده زده دشمنلک  
باتنر لرسده امداد دخی اتنر ملکمزدن یایلق بعیدر دشمن بی امان مملکتی ایچنده

منزل رحمت مغفود و راه سلامت نابود ایکن بویه محله اطراف و جوانی عسکر احواله  
ایمک اقتضایا در سه الیزده اولان او تو زیبک مقداری دشمنی دخی اوزرنده تسلط اتمش  
اولور ایدی قزاق عسکرینه مسقو جانندن عداوته استحکام و راه صلح و صلاح بالکلیه  
مسدود اولق ایچون اقام و طمع مالدن قطع ایدوب بالکلیه اسیر لری طعمه تیغ  
انتقام اتمکله اولور ارام تام ایتلر یله کلاملری صادق و نفس الامر مطابقی اولمغین عوما  
اساری قتل اولق ایچون عسکره تقیه اولندی اولا خان عالی شان او تاغی اوکنده  
نامدار لری بیگ یونلری اور لمغه هر کس اسیر لری کتور و ب قلیچدن پکور دیلر بونلرک  
کاری تمام اولد قدن صکره شهر شوالک اون سکر نی کوی قلعه اوزرنده اولان طابور  
عسکر یله مقابله یه عزیمت اولنوب وارد قلر نه قزاق عسکر ی مقابله لر نه متر یسه  
کیر دیلر و عسکر تاتار دخی قفا لر نه طور و ب طرفیندن طوب و تفنگ و اوچکون اوج  
کجه جنک وجدال و حرب و قتال ایل فاصله ویر لیدی عسکر تاتار کاهه بیکاه هجوم ایل  
تیر اوان ایتد کارنده نجه بیگ ملا عینی بیجان ایتدیلر کتد کچه زیون اولد قلر ندن فرار ایدوب میوب  
کجه ایچنده امید نجات ایل کلد ک لری بانیفه فرار ایتد کارنده دلیران جهان خبر دار  
اولد قلر نه در عقب روانه اولدیلر اولکجه اردلر دن ایلر یوب صباح وقت ظهر ده بر هر عظیم  
کنارینه کلد کارنده کفار خاکسار خورف جانله کفد و لری صوبه اوروب اکثری غرق  
اولدی عسکر اسلام دخی اول موضعدن جمع غنایم ایدر ک عودت ایلر یوب  
یان لیلرینه تیمار ایچون بر قاج ایام قرار ایتد کارنده صکره سرحد لر نه واقع رومنه نام قلعه  
اوزرنده واردیلر اهالی قلعه جنکه اقتدار لری اولمدیغن بیلوب بی نزاع وجدال قلعه بی  
خطمانه تسلیم ایلدیلر مسقو قرالی طرفندن قلعه حاکمی اولان لعینی بشیوز آد میله  
خضو رخانه احضار ایتد کارنده با جمله قتل اولنوب بعد اول حوالیه اولان قلاع  
تسخیرینه عزیمت ایلدی بعون الله تعالی هر بریسی سهولته محضر اولوب ایچنده اولان  
حسابط لری و مسقو ظ لری قلیچدن پکوب خطمان طرفندن ضبط ایچون آدم لرن نصب ایلدیلر  
بعد یوزون نام محله مکث اولنوب مسقو ایچنه بلوک باوک عسکر تاتار صبارفتار ارسال  
اولندی بریده طابور جمعی ایلر یوب لشکر کفار دن خوف و خشمیت بر طرف اولمغه دلا ورن  
فر اطراف ممالک بی پروا صالوب اول حوالیه نکل ابادان و معمور مملکتی و مشهور ولایتی  
وار ایه جمله سی نهب و غارت و تالان و خسارت اولنوب اون شش کین مقداری  
قاغت و سوخته دن صکره غنایم بیشمار ایل جانب خان عالی شان عودت ایتدیلر  
جنک مزبورده یوزاون ایکی بیکدن زیاده کفره لنام کشته شمشیر اهل اسلام  
اولد یغندن ما عدا غنایم بیشمار ایل الی بیکه قریب کفار خاکساری اسیر ایتدیلر  
اول موضع مسرت نامدار تحریر اولنوب استانه سعادت اشیانه و قریم جاننه  
اولا قرا یله ارسال ایتد کارنده خان عالی شان سالما و غا نما و طن ما و قلر نه عودت  
ایلدی بیت ایدوب شکسته و مقهور قلب اعدائی نشاط فتحیه مسرور و شادمان کلدی  
یو فتح و نصرت خبری پادشاه عالمیه نام حضر ت لری بیگ مسعودی اولدی یغی اشته بوسنه



والیسی ملک احمد پاشا تعیین و ارسال ایلدی یکی دلاوران سرحد کلیس اوزن اوچ بیک  
 کفار ایلله محاربه ایدوب شکست ایتلمه یله اوچیز عدد کله دخی کلوب انواع مسرت  
 و سرور لرندن شهر د و نتماسی فرمان بیور یلوب شهر استانبول دی کیجه  
 دوشمال اولوب خلق عالم سرور و نشاط ایلله شاد و حرم اولدی لرا احوال افلاق و بغداد  
 یونن اقدم بد و ن والیسی کورچی کنعان پاشا و سلسلته بکری بکیسی جان ارسلان  
 پاشا اردل و لایتنه نصب اولنان بان جدیدک امری استحکام بلاق ایچون ما مورا  
 اردل سمتند قرار ایتمشل ایدی افلاق و یوده سی میخنه و لایتنه کتمک ایچون کنعان  
 پاشا دن استیذان ایدوب جان ارسلان پاشا طرفندن اذنه مراجعت ایتمه مشیدی  
 مآذون اولد قد نصکره حین و داعی جان ارسلان پاشا اهانه میخنه بکک کو کسینه بر دجه  
 اوروب حضور نده ارقه سی اوزرینه یقار بره ملعون بن سلسلته والیسی اولم انصر افه  
 یندن استیذانه تنزل ایتن سن دیه تعزیر و تحقیر ایدر میخنه منکسر العرض چیقوب عهده  
 اولسون بولماتی قومام دجه اوزمق غجه اولور کورسون دیه لاف و کزاف ایلله اردل و لایتنه  
 کتمش ایدی بعد جان ارسلان پاشا دخی کنعان پاشا طرفندن ایلتنه کتمک مآذون  
 اولوب افلاق و لایتنه داخل اولد قد میخنه صور تا خلوص و محبت مراسمی ایلله عسکریان  
 و قوم افلاق ایلله جان ارسلان پاشا نیک اوزرینه هجوم ایدر مقاومت مجال اولمامله  
 جان ارسلان پاشا ناچار فراری اختیار ایدوب هزار محنت ایلله زشتوی مقابله سندن  
 طونه ییچوب احوالی در دولت عرض ایلدی میخنه مجار دن استمد اد ایتکله  
 وافر جمعیت پیدا ایلدی سا بقا افلاق و یوده سی ایکن فرار ایدن قسطنطین دخی  
 واقوچی اوغلی امداد ایلله کلوب بغداد نی تغلبا ضبط و اظهار فساد ایتکله اول سرحد لک  
 نظامی محتل و پریشان اولد یفی خبری کلدی یونن ماعد ایسان اولندیغی اوزن  
 اول زمانکه وزیر اعظم کویریل محمد پاشا یا نوه یی فتح ایدوب عصیان و فرار  
 ایدن اردل قرالی را قوچی اوغلی نیک یزیده اردل ایدن باهر چغای اقوشی نام کافر یی  
 طرف دولت علیه دن اردل قرالی نصب ایتمشیدی وقایع سنه سبعین و الف  
 هودت پادشاه عالمپناه از بر و سنه بجانب ادرنه ما محرمک اونچی کوشدن شوکت حاقانی  
 و کوبه خسروانی بر له بروسه دن حرکت همایون بیور یلوب منزل بمنزل چارطاغه  
 وارلد قد قدرغه لایله قرشو کلیبولی یه پکیلوب اوردوی همایون کلیبولی حراسندن  
 قرار ایتک اوزن شوکتلو پادشاه حضرت ناری بوغاز حصار لرینی سیر ایتک ایچون وزرای  
 نظام و شیخ الاسلام و قاضی عسکر افندیلر بعض خواص خدام ذوی الاحترام قوللریله تکرار  
 چارطاغه کذار ایدوب اناطولی یقاسندن سلطانیه قلعه سنه تشریف بیورد قدرندن روم  
 ایل جانینه عبور و اند اولان قلعه اهالیسنی دخی مسرور و بیوروب طرفیندن سکدرمه  
 طر یلر اندریا رب دزدار لینه و مستحق ظلمینه عطیه لاحسان اولندی بعد دولت و اولان  
 سلطان حضرت ناری نیک اثار حسنه لرندن حالا محمد دابنا اولنان قلعه لره اناطولی سمتندن  
 واریلوب ایتکیسی دخی مراد همایون اوزن سیر اولنوب و طو یلر ایدر یلوب مبسشرت

بنوا و خدمت محافظه ایلله ما مورا اولان و زراعت قیودان غلی پاشایه و وزیر عتکبوت احمد  
 پاشایه همورلی خلعت فاخره ایلله اکرام و عطایای وافره انعام بیورلد یغندن خبری سائر  
 خدام دخی صدقات علیه پادشاهی ایلله شاد کام اولدی لکن جدید قلعه لره هنوز تمام  
 اولوب دریا طرفی دخی طولدر لوق اوزن ایدی شوکتلو کر امتلو پادشاه حضرت ناری  
 تکمیل و اتمامی بایند اهتمام اولتیق اوزن عظیم نذیمه و نأ کید ایدوب اول حوالیدن بر مقدم  
 صید و شکار و کشت و کذا رسو رد قلرند نصکره یینه اناطولی طرفندن چارطاغه عودت  
 و اندن یینه قدرغه لایله کلیبولی یه رجعت ایدوب اوردوی همایون ناری تزل  
 بیورد قدر نده ادرنه یه طوغری توجیه عنان عزیمت ایتدی لره ماه صفر ک بکر مخی کوشدن  
 مشرادر نه یه معتاد قدیم اوزن عظیم الایر ایلله داخل اولدی لره ماه ربیع الاوله خاص  
 اوطه لی جندی محمد اغام صدر ده بریمکک احسانیه بر مرادی بیورلدی و جمادی الاخره نیک  
 اونچی جمعه کوشدن کوچک میراخور مصطفی اغایه سلسلته ایالتی احسان بیور یلوب  
 حضور همایون خلعت فاخره الباسیلله مظهر التتمات پادشاهی اولدی ماه شوالک  
 اوچندن شوکتلو کر امتلو مها بشلو پادشاه عالمپناه حضرت ناری شکار دن کلوب حرم  
 همایون ناری تزل بیورد قدر نده چوقدر رسید یوسف اغایه قارص ایالتی احسان بیور یلوب  
 نیک یزیده چوقدر اولان قاسم اغا دخی هفته سنه کری ایالتی ایلله اخراج اولندی  
 و خاص اوطه نیک عجمی اغا لرندن محمود اغایه چرم من سنجاقی عنایت بیورلدی  
 احوال شمالیه پادشاه عالمپناه حضرت ناری بروسه دن ادرنه یه کلد کلر نده  
 بلاد شمالیه ده اولان اختلالک دفع و رفعی بایند تدرکی صدر اعظم حضرت ناریه تنبیه  
 ا کید بیورملر یله بعد المشاورن بوسنه والیسی سیدی احمد پاشا بدون ایلتنه  
 نقل و یانوه محافظ سنه تعیین اولمشیدی الحاله هنده بار چغای اقوشی کتوروب اردل  
 یاناغی اکا ضبط ایتدی و بر افوچی دیدکاری خائنک فساد نی دفع ایتک مصباحی  
 وزیر مشار الیه سیدی احمد پاشایه سیارش اولنوب مؤکد امر همایون کوندرلدی  
 افلاق و بغداد و یوده لری نیک اوزرینه عسکر تا تار صبارفتار حواله و اتفق انساب کور لکین  
 حان عالیشان جنبه حکم قضا مضمون و شمشیر و خلعت ایلله خط همایون ارسال اولندی  
 و ایلبصان سنجاغده متصرف اولان احمد بیک که مقدم مالان افلاق و بغداد معرکه لر نده  
 بر اقلری ظهور کلاکله خدمتی مقابله سندن لواء مزبورن توجیه اولمشیدی بیک نفر  
 روم ایل شهبازی ایلله سلسلته ده قدوم لشکر تا تان منتظر اولوب اتفاقه اعدای دینی  
 تار و مار و دغوا و شهر یار کامکار اوزن بر خدمت وجوده کتورمکه بیل اقتدار ایلک نذیمه  
 اولنوب سرحد مزبورن کوندرلشیدی و سنه سابقه ده طرف دولت علیه دن  
 بغداد حاکم نصب اولنان کیفو که قسطنطین استیلا سندن فرار ایدوب ادرنه یه  
 کلشیدی افلاق و یوده لری مزبوره توجیه اولنوب و بغداد حکومتی دخی سابقا ولایت  
 مذکور یه بکر می سنه دن برو حاکم اولوب بعد حالیدی قله ده محبوس اولان کویرل  
 و یوده نیک اوغانه توجیه اولنوب ارسال اولندی لره یونان و اصل اولد قاری اثماده فرمان



مهریاری اوزن خان عالی شایک قلغاسی اولان غازی کرالی بیک مقداری عسکر ایله  
قرب کشیدی قزاق وله امداد ایچون برز مقدار عسکر کوندروب عسکر تاتان ماحق  
اولدیلر کفار خا کساردی چاش نام شهرک اوکنه ییدی عدد طابور قوروب سائر جنک  
چولردن ماعدالون اوج بیک تفنگ اندازی طایون قویوب واون ایکی عدد طوبالین  
اوکرینه وضع ایدوب حرب وقتاله امداد اولمشلرایدی و یوده جدید کوبولک اوغلنه اهالی  
ولایتدن بی نهایت رعایا و عسکری کلوب اطاعت ایتدیلر طابورک دفعی تدبیر اولوب  
عسکر اسلام اتفاقیه له و قزاق عسکرین ایلر و یوریدوب کند ولر دخی اردلر نجبه طابور  
اوزینه روانه اولدیلر واروب مقابله اولد قلمری کی حرب وقتاله مباشرت ایدوب در جنک  
اول ایلر و ده اولان له و قزاق عسکرینک اکثرین هلاک ایدوب پریشان ایتدیلر سائر  
عسکر اوزینه هجوم ایتدیلر کونر طابور اوزینه ملاعین ایله مقابله متعسر اولغله طابور دن  
ایریاب میدان چیه قارمق ایچون عسکر اسلام صورت انهزام کویستروب میدان معرکه دن  
سمت صحرا یه چکلدیلر کفار نابکار دخی اردلرینه دو شمیموب طابورلرینه عودت ایتکله  
اولکون جنکدن ال چکدیلر علی الصبح یینه هر طرفدن اوزلرینه وارلد قلم ملاعین  
مشرکین طوب و تفنگ ایله میدان جنکی چشم تاتان تیک ایدوب یا نلرینه یا قلشد رمدیلر  
اولکون دخی بو حال اوزن کچوب او چخی کون علی الصبح هر جاتیدن حرب وقتاله  
مباشرت ایلدیلر کفار خا کساجنکه عرض کر میت ایتدیکه عسکر اسلام دخی مغلوبیت  
صورتن کویستروب کیریوه کتلر یله کفار دوزخ قرار اوزلرینه هجوم ایله یوریدوب  
کندو طابورلرندن جدا اولدیلر عسکر اسلام دخی حبله ایله مذکورلری پریشان  
ایدوب بعد سهولتله کارلرین تمام ایتک ایچون الحرب خدعه مضبوطی نقش ضمیر  
صورت قرار دن عقب کیرلک ایچون تدبیر ایدوب همان اول محلدن یالی اغاسی اولان  
محمد بیک کندویه تابع اولان اوج بیک مقداری دلاوران ایله و معرکه کاهه قرب اولان  
جبالک طرفه روانه اولان غازی کرالی نامد دخی بقیه عسکر ایله پریشان اولق  
مشکله صحرا یه رو بر اه اولد قلم اعدای بدرای دخی کمال مرتبه مغلوبیتلرین ملا حظ  
ایدوب پراکنده اولان عسکری شکار اتمک سوادسی ایله فرقه فرقه عقب کیرلک  
سکر تدبیر بو طریق یله جمعیتلری پریشان اولوب صحرا و جباله طاغند قلمر نه دلاوران  
قزاق سربازان میدان و غلادوب دشمن دین اوزلرینه حواله تیغ حوز یزایدوب  
هر طرفدن شیر غران کی یورود کلمر نه اعدای بد فعالان واحدده مقهور و یایمال و صحرا  
و کوهی گشته لر دن مالامال ایتدیلر مدد کاری عون اله ایله حکم نصر من الله ظاهر  
اولغله اعدای دین مغلوب و مقهور و غزاة اسلام مظفر و منصور اولدیلر و یوده محذول  
شردمه قلبله ایله افلاق جانبته فرار ایدوب قفار نجبه روان اولان عسکر یتشد کلمر نه  
امان ویر میوب قلمدن کوزدیلر سپاه اسلام غنائم بی شمار ایله شاد کام اولوب  
و یوده جدیدی مقرر حکومتنه وضع ایتدیلر بر ایکی کون ارام اولد قلم  
مکره افلاق و یوده سن دخی رینه نصب ایتک ایچون اوجا نبه عزیمت ایلدیلر عصیان

ایدن افلاق و یوده سی میخنه دید کار می مقصد که تازه لکی ایامنده انجمنه قاتی قوجه  
کنعان پاشانک یکر می سنه دن تجاوز ایچ اوغلنلری اراسنده تریسه و لاش بر صاحب  
بجمال بر تازه رو اوغلان ایدی سمور قلباق و مسلمان واری البسه فاخره ایله مزین  
ونان و نعمته مستغرق اولوب عربی و فارسی و تورکی کتاب او قیوب یازوب علی مهل  
مسلمان اولورم دیردی مرحوم سلطان مراد خان غازی وقتند افلاق بکلکنه سی  
ایدردی بعد زمان بیکلک ایله کامیاب اولوب خاندان دولت علیه نیک نعمی ایله  
پرورده اولمشیمکن بو قدر فتنه و فساد به باعث اولوب عصیان و طغیان ایلدی  
حین خروجنه ملکند بولنان پیکدن زیاده تجاری قتل ایتدیلر یوروب مجاور و اتدن  
یانتنه مجتمع اولان بر فرقه کافره انکاء ایله طرف خلافت بولغله جرأت ایتشیدی  
بغدان و یوده سی کلوب بو قدر عسکر ایله مقابله ایدوب منتهزم اولدیلر خبر اولوب  
عسکر اسلام در عقب اوزینه کله جکلرندن کله اولد قلم خبیث بی جنیت بر خطه  
آرامه جزأت ایدوب میوب خراش و اموال قلدر یوروب اتیاعیله معار اوقچی اوغلی  
یانتنه فرار ایتدیلر در عقب عسکر اسلام دخی کلوب ملاعیندن نشان بوله مدیله راتنه  
سرحد و رانجه کروه کروه صحرا و کوهی کشت ایدوب مذکورلرک اتبا عندن  
خبر الد قلمری و راست کلد کارنی قایچدن یکر و اول ملکی مخالفلردن پاک و با جمله  
اون ایکی بیک یدییوزی هلاک و یوده جدید افلاق حکومتند قرار داده قلند یغی  
معروض جناب شهنشاه جهان اولد قلم سالار تاتار و سائر اماران طرف باهر الشرف لرندن  
مظهر نوازش و التفات اولد قد نصیحه رخصت یافته انصراف اولوب مقرر حکومتلرینه  
رجعت ایتدیلر مقتولی قدری پاشا شام والیدی اولان وزیر قدری پاشا محمولات  
شامدن طرف میردن ضبط اولنان موادک بعضینه مدخله ایتکله شام دفر داری ایله  
معارض دوشوب دفتر دار مرقوم مال میری یه و حجاج مسلمان مصارف نه خرج  
اولنه حق امواله تجاوز ایله غدر ایتک اوزن در دیو شکایتی متضمن مکتوبلر ایله احوالی  
عرض و ایتشیدی بالذات ایالت شام استقیاسندن خط همایه نه قتل فرمان  
اولنانلردن بعضی طمع مالیه یه بناء عفو ایدوب خلاف احکام شهریاری حرکت ایتکله  
ادر نه یه دعوت اولمشیدی کلد کله بر قیام قیوار اسندن حمید نصیحه سوء اعانله  
جزاء قتل اوانوب ایالت شام ارضرومدن مغزول وزیر مصطفی پاشایه توجیه اولندی  
محل عبرتد که مزبور قدری پاشا قیو جیلر کتخداسی ایکن افلاق و بغداد سفری عقبند  
قلغاسلطان طرف شهر یاریدن زنجیر و خنجر کو توروب سفر مزبورده سردار اولان وزیر  
فضل پاشایه عداوت ایدوب کلد کله واقع غیر واقع سوء افعالی و سیئات اعمالی  
صمغ پادشاه عالمیناهه القا ایتکله فضل پاشانک قلمنه سبب اولوب سلسله ایلتنه  
کندی می نائل اولمشیدی فضل پاشایه ایتدیگی غدر و حیفتک مجازاتی او چخی سنه ده  
بو صورتده ظاهر ایدوب کندی سی دخی جزئی ماهه ایله مظهر تیغ سیاست اولمشد رفیع جان الله  
القهار المنتقم ثنبیه و تدارک سفر و توجه دو نهای همایون بجانب قره دکر سفر نصرت



اثره لازم اولان تدارك و مهمات كوريابوب اولماي چخسته آتارده ادرنه بحر اسنه جمع اولون  
 عموملايت اناطولى امر اسنه اختلال و اختلاف دوشوب اكثر طرفه انقياددن روكردان  
 اولمشا در بويله اولمغله قراق كغره سى قره دكره بي نه ياه شيقه اخراج ايتك احتماللى واردر  
 مقدم تدارك كورلك لازم در ديو عرض و انما ايشا ايدى بوغاز حصارده بنا اولنان  
 قلعه ردخى اتمامه قريب اولوب وضع اولنان طوب از درها پيكر لادن كشتى كفارك دخولى  
 خالده سى مندفع اولمغله دو تنماي همايون سفينه لر يك چندان لزومى اولوب قراق  
 استقياسنك فسادنى دفع و شيقه اخراجى احتمالى منع ايجون قره دكره كوند رلمى مناسب  
 كورلكين موجود اولان او تويايكي قطعه قدر غله لر بوغازدن ترسانه عامره يه كلك فرمان  
 يورلدى و اوزى قلعه سنك يوقاروسندن جريان ايدن اوزى نهرندن غيزى بچلندن  
 قراق شيقه لر يك اخراجى ممكن اولماغله اول موضعك محافظه سيجون برقلعه بنا اولوب  
 مستحفظ لر تعيين اولنق لازم ايدوكى معروض بارگاه اولمشيدى مهمات قلعه و كفارت  
 مقدارى بناتدارك اولوب دو تنما سفينه لر ينه تحمیل ايدوب بوقيش مهمات دو تنماي كوروب  
 نوروزده عزيمت ايتك ايجون سابقا قيودان اولان وزيرهلى پاشا ادرنه يه دعوت اولمش  
 ايدى غريبه ترسانه عامره كخداسى اولان فرك احمد پاشا و داع ايجون قيودان على  
 پاشايه كتمك تدارك كوروب ترسانه كيا نندن برسييله عزيمت ايتمشيدى اول ليلدن براز  
 عشرت ايدوب هر كس مستانه خوابه وارمش ايدى سفينه ده اولان اسيرلر نلندن  
 خلاص اولوب ترسانه كخداسى ايله كمى صاحى بكك اوزرينه هجوم ايتد كارنده بعض بيدار  
 اولان اكاه اولوب فرياد كنان سل سيفت ايلدي لر لکن مفيد اولوب آفر من مثال بوقدر  
 خنزير لر جهله سى بو شامغله بردن يوريبوب ترسانه كخداسندن غيزى كم واريسه قتل  
 ايتدي لر كمى صاحى اولان يك دخى جامه خوابندن هول جان ايله بحر اوب كند و يي دريايه  
 آتوب كنان يقين اولمغله قار يه چقمشيدى لکن ايام شتا اولمغله اول دخى شدت برودتن  
 فوت اولدى ملا عين بيدن كخدای مومى اليه اسير ايدوب آق دكره طوغرى روانه  
 اولدي لر ايرتسى سائر سفينه لر خبردار اولوب تجسس ايجون در عقب برقاج كمى كوند رلدى  
 نه طرفه كند يكي متعين اولوب نام نشانى ظهور ايتدى سردارى على پاشا پادشاه  
 هالپناه حضرت نلرى هنگام شتاده مكث و مهمات و مقدمات سفره اشتغال اوزن اولوب فصل  
 بهارده ولايت اناطولى سقره مأمور اولانلر برلندن حركت و ادرنه طرفه عزيمت شروع  
 ايتد كارنده قيودان على پاشا كه دعوت اولوب ادرنه يه كلك ايدى ماه شعبانك بشيخى  
 كوند سردار نصيب اولوب حضور همايونده سمور كوركل خلعت فاخره الهاسيله مسرور  
 و باقراد طرفه مأمور اولدى عسكرا سلام طغر انجام با جمله مجتج اولمغله اولو وضعدن  
 حركت ايتوب مكث و آرام ايدوب بعد نه يوزدن فرمان على صادرا و لورسه اول يوزدن  
 حركت ايتك ايجون نتيجه اولمى و يكيچرى او باغندن اون بش او طه سردار طغر شعرايله  
 سقره مأمور اولوب زغرچى ايله مأمور اولدي لر وسيله بلوكرندن دورت بلوك اغالي رعا  
 تعيين وارسال اولمى شام منصبى اوضروم واليسى اولان مصطفى پاشايه توجيه اولوب

پاشاه اولان ديكر مصطفى پاشايه حكومت مصر قاخره احسان اولمى خاصكى محمد  
 پاشا بغداددن معزول و بر موجب فرمان عاليشان ادرنه يه كلكده محاسبه سى  
 كوريابوب مصر و بغداد مالندن حكام مالك مذكور يه ايصال ايتد كاري دقا تر موجب  
 ذمتنده اولان يدى يوز كيسه اقچه تحصيل اولوب بعد حكومت حلب الشهباء توجيه  
 اولمى محاربات سیدی احمد پاشا بالشكر محار سابقا اردل حاكمى اولان راقوچى اوغلى  
 مقدم احكومت مالك اردل سوداسيله بيك التمش يدى سنه سى او ايتلند مقرر حكومتند  
 التمش بيك مقدارى لشكر شياطين رهبر ايله عزيمت ايتمش ايكن برق شمشير تاتار ايله  
 خرمن جمعيتلرى برباد و خاكسار اولديغى محلنده بيان اولمشيدى مدبر دولتى اولان  
 كلبانوش نام لعين بد فرجام اول معرکه ده لشكر تاتاره كرفنار اولوب مدت مدت مد يد  
 محبوس ايدى بعد يوزيك التون و يرمك اوزن خلاصى رجا ايدوب احوالن خان عاليشاه  
 انما ايتد كه قبول ايدوب مبلغ مزبوري تحصيل ايجون طرفندن ولايتنه آدم كوند رمكه  
 و خصمت و يرلشيدى اقربا و تعلقاى مبلغ مذكورك جمعى ايجون سعى و اهتمام اوزن لر  
 ايكن افلاق و يوده سى اولان جوان بيك ديدكاري خبيث خبر دار اولوب علاقه  
 سابقه سى اولمغله خان عاليشاه خبر كوندروب تقدیر اولنان يوزيك التون فديه يي  
 كوند رمكه نعهد ايدوب كلبانوشى طلب ايتمش ايدى خان دخى اعتماد ايدوب برقاج نفر  
 تاتار نامدار ايله ارسال ايلدى كلبانوش ديدكاري لعين ايسه فن حيله و مكرده ماهر  
 ايليس پرتليسه بكثر بر كافر ايدى افلاق و يوده سنك ياننه كند كند انواع حيله نعايمى  
 ايله طرف شهر ياريدن تخويف ايدوب مقدم ما دخى نقش ضمير ايتديكى طغيانى  
 و عصيانى بالكلية اعلانه سبب اولوب طلب مال ايجون كلان تاتار لرى و ائدن ماعد  
 اول ما لكه بولنان بيكدن زياده تيجار اهل اسلامى شهيد ايتد كند نصكره كلبانوشى  
 راقوچى اوغلى ياننه ارسال ايدوب اون بيك مقدارى كفار كينه جوايله مهيا اولوب  
 اتفاق و اتحاد ينى و طرف دولت عليه يه عدم انقياد نى انما ايلدى كلبانوش لعين  
 ولى التمشى راقوچى اوغلى ياننه وارد قلعه ملك موروثى طلبنه ترغيب ايله انى دخى تحريك  
 و افساد ايدوب جمع عسكركه مباشرت ايلدي لر زمان قليله يكرمى بيك مقدارى مرتب  
 و مسلح كفار يد كردار ايله و يوده جديد اولان بارچقاي اقوشك اوزرينه عزيمت  
 ايتمشيدى مرقومك مقاومت ايتدى اولماغله احوالى در دولته اعلام ايتد كند سیدی  
 احمد پاشا بوسنه دن بدون ايلانته نقل اولوب يانوه محافظه سيله واردل مملكتمك  
 اختلالنى دفع ايله مأمور اولمشيدى راقوچى اوغلك قريب كديكى خبرى ايله و يوده  
 جديد آدم اوچوروب سیدی احمد پاشادان استمداد ايلدكه وزير مشار اليه دخى ياتند  
 موجود اولان سرحد عسكرتان دورت بيك مقدارى شجيع و نامدار افر ايدوب سياوش  
 پاشا قريشلى صارى حسين پاشا ايله مقدمه مذكورك امداد ينه ارسال ايلدى  
 و كندوسى مهمات لازمه سن كوروب در عقب روانه اولدى سالار كفار اولان بى دين  
 دورت بيك مقدارى دلاور لشكر ايله حسين پاشا نك اوزر لر ينه قريب كديكى و سردار



نامدارك دخی غصكر ميشمارايله در عقب كله جكندن خبر دارا وادقده يولاري ووزرنگه  
 واقع بر در بند صعب المرو و محافظه سنه عسكرا سلامي عبور دن منع ايجون بر مقدار  
 عسكرا عين و بيدن ارسال ايشا ايدي حسيث پاشا بوجيله دن اكاه اولد قده بوجه  
 استعجال سردان بر خبر اوچر ووب اكر لشكر كفار وارمزدن مقدم مرور ايتنر لايسته  
 ياتنده اولان غزاة اسلامدن بر فرد خلاص اواموب كشته تيغ دشمن اوله جقاريني  
 اعلام ايادي سردار رستم شعار دخی وصول بولديغي ساعت سنوار اولوب بعون الله  
 الملك المتعال عسكرا كفار بيشون در بند مزبور دن كذا ايتديلدن كندويه لقياد ايدن  
 دورت بش بيك عسكرا مقدم راى جمع ايدوب ويوده جديدا اولدوغى قلعه سنك اوزرينه  
 ككش ايدي قلعه ده اولان لايسته مهمات لازمى بالتمام كور ووب طرفيندن جنگ  
 وجداله شروع ايتشلا ايدي محافظه ده اولان عسكرا سلام كله و ييكاه تابور مقهورى  
 اوزرينه چيتموب وني بر واهجوبلر ايبوب بعون الله تعالى مغلوب اغدا اولديلر بومنوال  
 اوزن بش آي مقدارى متقادر اولوب پاشاى جليل الشان حضر نلرى امداد ايجون  
 ارسال ايتديكي آدمير بالدفعات كلوب باللرين اعلام ايتشلا ايدي لكن شدت شتاده  
 بر وجهله عركت ممكن اولد و غنندن فصل بهاره تاخير ايتشلا ايدي چونكه  
 ايام بهار ايتدي پاشاى معركه زادنى كندى چادرلرين حرايه چيتموب بمالك افغان عزيمت  
 ايجون موي اولد قدن عسكرا اهالى سرحد ايله عزم و رزم احوالى مشاور اولد قده  
 اردل قديمى اوج جنس اولوب بر فرقه سى كه جنگ جو و كينه خو اولوب تيغ ز لك و سر  
 شكملاك ايله موصوف و اول گروه مشو م ميانده حيدوق شاه ديكله معرفد اول  
 زمره نك ممالكى يغما و خسارت و قلاع و بقاءن خراب و اموال و اسباب سن نهب و غارت  
 ايتد كد نصكره بعون الله تعالى سا زرينه جواب و يرلك آساندرديو قطع كلام  
 ايتد كرنده بوراى صائب معقول و اول طرفه عزيمت اولوب سرحد منصوره ده اولان  
 غازيان و كند و خد متقنه اولان دلاوران ايله قانقوب طى مراحل ايتد ك حيدوق شاه  
 ايجنه داخل اولديلر فرقه مذكون دخی عسكرا اسلامك كله جكندن خبر دارا اولد قارنده  
 اول ممالكه متانت و استحكام ايله معروف وارات نام قلعه نك قيودانى راقوچى اوغل  
 اقر باسندن بارقوچى ديدكارى لعين اهل اسلامي ملكه نرينه دخول دن منع ايجون بكرمى  
 بيكندن متجاوز عسكرا ايله سرحد رنده واقع بر تنك وادينك يكدين الحق ايجون بوجه مسارعت  
 عزيمت ايتشلا ايدي بولر وادى مزبور دن مرور ايتد كارى محله ملاعين دخی كلوب عسكرا  
 اسلامك در بند دن كزارين مشاهده ايتد كارنده درونلرينه خوف و خشيت دوشوب  
 مقابله به عدم قدر نلرينى بللكه قرارى فرار تبديل و اقدامى انهمزاه تحويل ايدوب كادكارى  
 يوله دونديلر عسا كر شجاعت شعار دخی عقب بلر نجه ايلغار ايدوب ينشد كارين طعمه شمشير  
 و نجه لر ين كرفقار و اسير ايدوب آلاى طوپلرى و جبهه خانه لرى اخذ اولندي اورادن اوغرا دقارى  
 قرا و قصبه اتى غارت و قلاع و بلنقه لر ين احراق و خسارت ايتد ك متانتله  
 مشهور و بجاي نام قلعه سى اوزرينه نزول ايلديلر

ثم اخذ من تارنج نعيم بعون الملك المتعال على يد الحقير المحتاج الى رحمة ربه القدير ابراهيم  
 الطابع من متفرق كان درگاه عالى فى البلدة الطيبة قسطنطينيه دامت زين عمارتها  
 على يد صاحبها بالايمة البهية فى اواسط شهر جمادى الاولى لسنة سبع  
 واربعمائة ومانه و الف من هجرة النبوية على صاحبها  
 كل الصلوة والتحية



## بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب تالیف دل پذیر نعیامرحومك بعض احوالی و تاریخ مرقومی جمع و تحریره موجب اسباب نه اید و کی و نه وجهله مباشرت اولندی و اون بش سنه سنه ظهور ایدوب محله تفصیل اولنان فیض الله افندی وقعه سی بو محله نه تقریب ایله ایراد و کشیده سالك مسطور قلندی نعیامرحومك کندی دست خطیله اولوب ظفریاب اولد و غمز اوراقه مسطور اولغله اوراق مرقومه نك عبارت بیعنه نقل اولنوب جلد ثانی آخرینه ضم و الحاق اولندی اما بعد بوداعی فقیر مصطفی نعیام خیر دولت ابد پیوند عثمانی تواریحی متعدد مسوده لدن بیاضه چکوب نجه فوائد جلیله الحاقیله ترتیب و تکمیل ایدوب طغوز یوز سکسن ایکی تاریخند ن بیک الشمس بش سنه سنه سنه دك اولان وقایع جامع مدون بر نسخه لطیفه تحریر اولنش ایدی و سنه مزبور دن بو وقته کله اولان وقایع و حوادثی اگر چه ارباب معارف دن بعضی اری اطلاع و دانش لری مرتبه جسته جسته یازمش لکن تاریخند مطلوب اولان دقایق نافع و شایع مفیده بی متضمن بر مرتب تاریخ جمع و تالیف اولنماشدر اول نسخ متعدد و اجزای پراکنده بی جمع ایدوب ثقات دن ایشید یل فوایدی و مشاهد اولنان غرایب و قایع ضم ایلیوب بیک الشمس بش سنه سنه سنه الی وقتنا هذاجله حوادثی مشتمل بر تاریخ و عناوین جلد اوله تتمه و ذیل اولوق اوزنینه اول سیاقه لطیف و مفید بر کتاب دلارائا لیف و تحریر ایلک مصمم ایدی بو بنده کینه بی مکارم جمیله و عطایای جزیره ایله جلد اول تحریرینه ترغیب ایدوب اوله بر اثر نادره انشاء سنه باعث اولان وزیر اعظم حسین پاشا حاضر ثلری ارتحال ایدوب بعده چوق یحمد بن ارادة علیه حضرت مولی ایله مرآت کائنات نقش دیگر هویدا اولوب هجوم عام ایله فیض الله افندی وقعه سی ظهور ایدوب هر صورت جلال ضمیمه بر شیوه جمال اظهار ایدن جناب پرور دکار جلالت عظمته حضرت ثلری نك حکم علیه سی استقلال شان دولت ایچون تجد دلباس سلطنته تعلق ایتمکله سعادت او و مهابت لوسلطان بن السلطان السلطان احمد خان بن السلطان محمد خان ادام الله عزه و اید سلطنته حضرت ثلری نك تحت والا بخت اوزن جلوس مهمنیت ما تواسلرین میسر ایلدی و حسن تدبیر شهنشاهی ایله نازه فتن و اختلال اند قاعه یوز طو تدقه مقام صدارت عظمی دستور آصف نظیر وزیر صائب التدبیر حسن پاشا حضرت ثلری نك ذات پسندیدن سما ثلریله مشرف اولوب اول مشیر کار د انك تدابیر مستحسنه لری بر کاتیله بقایای آثار اختلال بکلیه منسحل اولدی دولتا و عنایت لوصدر هالیقدر حسن پاشا حاضر ثلری تاریخ سابق مطالعه بیوروب فوائد لطیفه سندن طبع مدبر لری مخطوط اولغله مصمم اولان جلد اخیرك دخی صورت پذیر اولماسنه همت



فایده لری تعلق ایدوب به عبدعاجزه اصد ار فرمان بیور ملریله متو کلا علی الله تعالی  
ترتیب و تحریرینه شروع اولنشدر حق جل و علا موانع و عوائقدن حفظ ایدوب صفحه  
ضمیر ده جایگیر اولان سیاق غریب و اسلوب دلفریب اوزن تکمیل و تحریرینی نیسیر ایلیمه  
آمین ایمین مقدمه سابق الذکر فیض الله افندی وقعه سی که مثلی نادیده خصوصاً  
بودولت علیه ده نظیرینک و قوعی ناشنیده بر قضیه غریبه در کرکی کی تفصیل احوالی  
و مبداء ظم و زدن اضمحلا لته و ارنجه اولان حکایات غرائب اشتمالی یک ز  
اون بش سنه سی و قایعی اناسند مفصل و مشروح ذکر اولنسه کرکر لکن کرامت  
شو کتلو ناد شاهزاده عز الله انصان حضرت نلرینک محض کرامت اولان بعض حالنرینی  
و وقعه عظیمه اناسند طور شامخ و جبل راسخ کی ثبت و غیرت و شجاعتنرینی  
تقریر و بیان اچون و دستور فلاطون شعور حسن پاشای غیور حضرت نلرین  
ظهور کن آزای صائبه و افکار ثاقبه و دین و دولته نافع غیر عقول مشاهده اولنان  
تدبیرات غامضه و تصرفات عمیقہ لرندن بر شمه سنی بحر پروعیان ایتیک اچون  
وقعه مذکور دن بر مقاله جزویه و اول حکایه طوبله دن حصه قلیله بودیاجه ده  
درج اولنق معقول کورلدی تا که عنوان ککتاب مدایج پادشاه اسلام و اوصاف  
وزیر عالی مقام ایلد مزین اولوب ضمناً اصحاب اولو الالباب به نازکانه نصع و غیر و عقلای  
روشن رایه اسرار خفیه دن نجه یاد کار معتبر انخاف اولنش اوله و الله الموفق مفتی و مرقوم  
فیض الله افندی بلاد شرق و اعظم لرندن وانی افندی ینک دامادی اولوب کو پر ولی زاده  
مرحوم احمد پاشا ضرور و ولیسی ایکن زهد و تقوی جهمیله وانی افندی به حسن اعتقاد  
ایتیکله صدر اعظم اولد قده قرب سلطانی به سوق و تعریف ایتد کرند و اعظم شهر یاری  
اولمش ایدی فیض الله افندی دخی طریق علمه عازم اولوب همت خاقانیه ایلد قطع  
مراتب ایدر رک شهنشاده کان عالی شان حضرت نلرینک خواجه لق خدمت لرینه تعیین اولنش  
ایدی بیک طقسان یدی سنه سنه کانه معالک خدمت جلیله سنه اولد یارمولای  
مشار ایلد حد دن زیاده تعزز و احشامه راغب و خلوت و محبة عبسه و جلسه ایلد مقور  
عظم مقرط صاحبی و لعلله بعض اطوار ککران وضعی معیار نظر ملو کانه ده مستثقل  
کوننش ایدی بیک طقسان یدی سنه سنه ادرنه ده بر کون عسکر اسلام اچون دعایه  
چیقیلوب پادشاه عالیمپاه و اعیان عامه خلق عموماً چقمش ایدی که جمله دن صکره  
فیض الله افندی یکرمی قدر بر اطله لی یکیم یار تامل کمال فر احشام ایلد میدان دعایه  
کار وکی پادشاه خمد نلری کور دکن متکدر اولوب دار السعاده اغاسی یوسف اغایی  
همان اول مجلسه چاغروب بعد الیوم خواجه افندی خدمت بر اطله کیدر مسون علمادن  
اولان آدم میرا خورافا کی بر سوری بر اطله لی کزدره مه نلک مناسبتی ندر جمله خدمتکار لری  
دلبند صار نسون دیو خیفه تنبیه بیور ملریله ایتسی کون خدای دلبند صار ندر بر علم  
چوق یکمدی اناطولی قاضی عسکری اولان ادرنوی ابراهیم افندی خواجه لق خدمتینه  
تعیین اولنوب فیض الله افندی کوشته از واده قرار ایتد یار طقسال صکره سیایان پاشا

انجام عسکر دن زور بار ظهوری و نظام دولتش اختلالی و وقعه کلوب طقسان طقوز  
اولنک سلطان محمد خان حضرت نلری خلج و سلطان سیایان خانی اجلاس دن صکره و زور  
سیاوش پاشا ایلد زور بار آستانه علیه به کلوب ذکر می مستحق منازعه و مصادق مثالو  
و تابع قبیحه ظهور رایتد یکی ایشا لرده فیض الله افندی بین العلماء مستشار کل بو لکوب  
کاردار درون و بیرون اولنق حیثیتی ایلد بر قاچ کون مفتی اولمش ایدی سیاوش پاشا محرم  
عسکر ایلد قتل اولنوب بعد اهلای شهر هجومیله زور بار دخی ستمضال اولنوب نشانی اسمعیل  
پاشا صدر عالی به کلد کده دباغ زاده محمد افندی یدی مفتی ایلدوب فیض الله افندی بی ارض و مه  
کوندر مشیدی یدی سنه مقداری ارض و مه کک ایدوب بیک یوزالتی سنه سنه سلطان  
مصطفی ابن سلطان محمد خان حضرت نلری تحت سلطنته جلوس ایتد کاری کی تعلیم و تعلم  
حقوقه رعایه کند واری دعوت ایدوب استاد صاحب ریشا مدر علماده نظیری نادر عالم  
و قور و متجر در دین و دولت امورینه نظارت و دنیا و اخره تیمی ضیانت خدمتی اچون بوبله بر خیر  
خواه قدیمه محتاجز دیوب مشیخت اسلامییه مقامند نصب ایدوب عهدده ملو کانه لرینه  
واجب اولان تعلیم علم شریف حقن پرینه ککوردی و حسن حالنه اعتماد و جمله اقواله  
اعتقاد ایلد کمال مرتبه استقلال و تدبیر و یردی اما انلار کک مشربنی اسلاف علمامسکی اولان  
مائیسر ایلد قناعت و زخرف دنیا به عدم رغبت و ادیسنه منافی اولوب طبعی اصلندن بانی  
پرو از و حب دنیا ایلد مشکون و اولاد و اتباعی دخی حد و حصر دن افرون بولنوب نفوذ کلام  
و التفات پادشاهی کند و بی طول امل غائله سنه دوشوردی پادشاه صاحب  
همتک سایه سلطنته جمله اولاد و منسوباتی منتفع منصب لرله و خوراهلری اوزن  
قایلنق و جمله صد و دولت عد اولنان مراتبی قطع ایدوب املاک فاخره و سراهای عالیله  
صاحب لری اولوب دولت علیه نلک جزوی و کلی منافع استیعاب ایلوب بو طریقله  
مشید الارکان بر خاندان اولوب قر نابعد قر اعقابی دخی اتابک دولت اولنق و ادیسنه ذاهب  
اولد یار مطلوبی اولان بو تعین و استقلال رفیق ایلد و حسن تدبیر ایلد زمان طویله  
حصه و له کله حک معنایکن زجر و قهر ایلد دفعه نائل اولنکله بی محابا مسارعت ایدوب اول  
مصلحت تدبیریه بی زمان قلیله دفعه کک تحصیل ایتیکله تعجیل ایلد یار دولت علیه نلک  
ابتد اسندن برو مثل مسبوق اولیان توجیهات ایلد فحایم و اتباعی تقدیم ایلدوب طریق  
علیه شیوخانک خاطر لرین مخزون و اعتراضندن متوهم اولدوغی ککبارک نفی و غدر ایلد  
حاکم بن دیکر کون ایلدی محصور و لیچه قضا له و ارنجه کند و توابعنه مخصوص اولوب طریق  
قضا فقر اسنک آه و فریادی آسمانه پیوسته اولدی اعتراض اگر مناصب عالیله و سائر  
مراتب علیه غیری افراد کحق صریح دکل جناب خلافت پناه اصحاب استحقاق و جینه  
و تقلید ایدر لر بونلر ده استحقاق تام ادعاسیله سائر تقدیم ایدوب عنایت شهر یاری ایلد  
مکرم اولمش ایدر بونلر نه لازم کور خواجه سعد الدین افندی شیخ الاسلام و یکی  
اوغل قاضی عسکر ایدر یار سائر توابعی ده کک لک کزیر مناصب صاحب لری ایدر یار و یانی  
افندی مفتی ایکن عبد الغز بر افندی به پایه فتوی ویر لشن ایدی بو خصوصاً صلدن



نه لازم گاورديله ورسه جواب ويرزكه عايت پادشاهي ايله اكرام و تقدیمه كوزل كنن جهت  
معتدله ايله اولمغه محتاج دركه بعضي مردم ح ايد رسه بعض آخر قدح و قلم آئيمه لوحيت  
وليافت شروطي دخی ممكن مرتبه دركار اولوب پادشاه اسلامك نور عاطفتن ياكز كنندويه  
تخصيص و مرادی اوزن تصريف ايتدروب مستحقين بالكلية محروم ايتمكه انكسار خواطر  
و بدعايه سبب اوليه خواهجه سعد الدين افندي دريای فضل و هنر و التفات ملوك  
عاليه شان ايله معزز و موقر ايكن صدرينه كن ايكي اوغلي پنه طريق حسبي ايله زمان هديده  
كاوب تقدم فاحش ايتديلر اسعد افندي خصم و صاحب افندي فاضل يكانه و وحيد زمانه  
اولوب پدري مفتي و پوتار قاضي مسكر فند قل ساحلنده اولان ياليد اولوب اوجي دخی  
ملو شان ايله اول بائجه به صفحه بشمار ايدى طرف سلطنتدن و وكلاي دولتدن اعطا  
اولان سمورلى و پونجه و عود و عنبر مقوله سى هداياي صاوب بعض معارفه صرف  
ايدر لايى بويه عقيف دولتور خلق عداوت ايتدروب پادشاهي ملا بسه سيله بر قاج  
مرتبه اولان تقدمه و اكرامه چله سى راضيل در حرف اندازلمغه بالكلية عداوت ايدر ملر  
عبد العزيز افندي فضيلان و قره چلبى عرقندن بر محمدوم كزين اولوب تاليف ايتدوكي  
صير نبوى عليه السلام و دولت عليه توارخي و غيري نجه آثارندن رتبه كمالى معلوم  
ايكن و ذاتا و زمانا بحسب الطريق مقام افتايه لياقتي محقق ايكن مفتي هياي افندي به  
تواضعي تحيل ايدر ميروپ طرف سلطنتدن پايه فتوى خط شريفني تحصيل ايتدكه  
هقنده قدر كفتكولر اولوب و بالفعل روم ايل قاضي مسكرى بولند قلى حسبيله ديانه  
همايون پايه فتواي اجر اصد دنده اولد قى و زرا كند و و اومور ليوب افندي مفتي ايسك  
او كى او تور قاضي مسكر ايسك مقام معينكه طور ديوم مقامنه دك سوب و وضع خفايله  
جكر خون ايتدكاري جلد اولد مفصلا يازلمشدر قضيه بويه ايكن تعيب افنديك پايه  
فتوا سندن قطع نظر اوضاع تحمل كدازي حسن توجيه ايتدكه و اويل و لئو اكر چه بو خصوص  
عدوت و قعه به علت تامه اولامز لكن طريق علمي رجالتك تا سوخته واته و ارنجه حسنه  
و غبطه نينه سبب اولوب بسط مقال و اداره كلامه قادر اولنلر دم و قد حنه مشغول  
اولماسنه و نجه اسناد و افترا الر دخی ضم ايدوب مساوي سنى عوام الناسه و ارنجه اشاعت و تفهيم  
ايتمكه باعث بر اهر تحطورد و بوندن غيري هر خصوصه جانب سلطنتك كند و لره اعتمادى  
و صدق قول و اصابت رأي نينه اعتقادى اولمغه التزم مالا يازم قبيلندن نجه امور مد اخله  
ايله اتعاب وجود ايلد يلر مالك عليه ده ايكي اچه لك وظيفه دن مناصب عليه و سيفيه به  
وارنجه باكه تا وكالت كبرى مقامنه ارنجه جمله تبديلات و توجيهات انلك رضا و اطلاعه  
مقرون المد قچه وجود يلامز ادي اول سبب دن ضعفادن و زرايه و ارنجه جميع خلق انلك  
قبوسنه التجايه سى ايدوب اولاد و اتباعندن برينه بر طريقه انسابدن غيري مطالب  
مصدولنه طريق يوق ايدى خلق بومد اخله عظيمه به جلب ثمن و ترزيق تواب معناسن  
و روبرو القدر حسبي واقع اولان مناسبت ايشلره دخی معلل بالا غرض در دير ايدى  
اهتراض اكر مقام فتواده اولانك دين و دولت مصالحنه و امور كايه و جزويه به نظارت

عام سنى و ار در على الخصوص جانب سلطنتك كند و به حسن اعتقادى اولمغه بونلر  
معتدله اوله شكند ايد يلر هر خصوصه رأى صوابلرى اوزن اولمغه نه بأس و ار در بونلر  
پاينندن كوزيان امور غير ايله البته كورللو ايدى و اول غير يلر جلب مال آئيمه چكى  
وايشلر بوندن معقول كوريله چكى ندن معلو مدر دينور سه جواب ويرزكه ملوك  
عظام حضراتي عقيف و پرهيز كار اولان فحول علمي معتدله اوله اتخاذايتدكاري  
سر كرده اولانك اوزر نينه ناظر شكند اولسون ايچوندر كه دولته مضر ايشلر اوليه بوخسه  
دولتك امورى نسق اصلندن چيقوب وكلا اكا مغلوب اولمغه جمله ايشلر انك ايله  
كوريلوب خزينه و چراغلر پيدا ايتسى ايچون دكار راول معتدله اولان كسه به دخی  
واجب بودر كه دين و دولته نافع ايشلره و دينوى و اخروى منافعى توقير ايدر چك مستحسن  
تدبير لره وكلاي ارشاد ايدوب ولى نعمته فائده لى مصالحنلر ده حقت و خلقك مبعوضي  
اولمق سزين مهارتار كوستره يوقسه كند و اتباعى منافعى ايچون غرض آميز  
تصرفات و فوئدى جنبه مخصر ايدر چك تبديلات و توجيهات ايتدروب ولى نعمته  
مضر و جميع خلقك طبعنه مغاير قهر و غلبه ايله منفرد و بندا دولته استيلا ايتدكاري  
كلينك برندن مسموع دكار و خفي اوليه كه مقام صدارت كبرى رتب ملوكيه نك  
اعلاسى و مناصب سلطانيه نك اشرف و اولاسيدر لفظ وزارت موازن دندر معاونت  
معناسنه در عباد و بلادك ترفيه و تعميرى و خزينه و عسكرى توفيرى و ضبط  
و تربيه سى و سرحد و ثغور محروسه نك سد و محافظه سى و سفر و حضرده اعدا ايله  
مقاتله و مصالحه امورى حاصلى دولت عليه نك جميع مصالحنه نظام و انتظام و يرلك  
خدمتى و بوقدر امور معظمه تحتند مندرج اولان مصالح لايحه بيه جناب خلافت  
پناه بالذات تعيد پيور مق متعسر اولمغين اول مقام عالى صاحب بومورك تمشيتنه  
وكيل اتخاذايدوب اول ذات مستعد دخی امور مذ كوره اتقائى تحمل ايدوب وسى  
مرتبه بديل مقدور ايتمكه كويا معين اولد قلى جهتن معنى معاونت ظاهر اولور  
پس اول رتبه عاليه صاحبك عزت شانى جمله دن زياده و حرمت قدر عنوانى سائر اردن  
هزار مرتبه اعتلا ده اولق لازم و رأى صائب و تصرفات پسنديد سى مقبول و قولى  
جارى و حكى نافذ اولق مهمدر كه متعهد اولد ينى امور عسيره نك عهد سندن كلك  
ممکن اوله چنانكه مراتب دولت اربانندن يا خود قرب سلطنت احبابندن و كيل مطلقه  
بر معارض ظهور ايله و التفات پادشاهي ايله تفوق ايدوب و كيل مطلقك قولنى تقض  
و فعلنى فسحه قادر اوله لاجرم امور دولت نظام طبيعي اوزن كوريلوب كند كچه اختلاله  
بوزطو تار على الخصوص اول معارض اولان كسسه معتدله قول اولوب اضارندن  
و كيل مطلق خوف ايدوب ضرورى مدارا و تذلل قبول ايله مقام وكالتك نعينى  
بالكلية زائل و عيون ناسدن مهابت و سطوتى مضمحل اولوب قوه جلالت جاه و رفعت  
اول شخص معتز ضمه حاصل و بحال مملكت انك اطاعتى جانبه مخول اولسه لركر در خلقك  
عالى و بدنى خد متارى ضمنده اولان منافع اول شخص معتز ضمه تراكم ايدوب و ارنجه



شانی رفیع و دولتی وسیع اوله رق وکیل مطلقه غلبه رتبه سنی دخی پکوب جناب سلطنته  
مشارکت حالته وارسه کردر امور دولته ايسه وکیل مطلقدن غیري کيسه نک  
استقلالنه عبادالله کوزی وکوکلی مالوف اولماغله لاجزم اول شخص معارضه عامه  
ناسک عداوتی مقرر اولوب کندودن مستفید اولنر بيله زوال دولتنه مترقب اولورلر  
وکیل مطلق اولنر بوضوئنه مغلوبیت شامی ايله مضطرب الحال اولوب تدابیر صائبه  
و تصرفات معقوله دخی ایشملر و قلعاری ضعیف اولماغله بین اخلاق سوزلری چندان  
دکلمز و ایشلری شوت بولز اولور بوز اهاز حالتدن ملکته دولته مضرتی چوق فسادلر  
ظهور اید کلمدر مولای مشارالیه ايسه عزت استقلال و شدت استبداد ايله نه  
رتبه عظیمه یه واصل اولدنی جمله نک معلومیدر و رای پرده ده جمله احل و عقد  
و تدبیر و تصرف اکا مخصوص اولوب وکالت مطلقه مقامه کن دولتور بر ساده  
نام و قوری احتشام ايله قالوب مصارف و مواجب ایچون خزینه تداریکی کبی بر بار کرانک  
التنه زاری زاری ایکلمه رک افقای وجود اید بحیه دک نه محنت چکد کیری خود معلوم  
عقلادر یواضاع ايسه حقل و خلقک یاننده مغضوب و مخدول اولماغله باعث شنیع و قبیح  
ایشلردر اشته مولانای مزبورک باشنه کن وقعیه یه علت مستقله عد اولنه حق احوال  
مخدون نک بری بودر حکایت فیض الله افندیکن حیاتنه انک ملتفی و جانبداری اولان  
کبار علمانک بری ايله بر مجلس عالیله صحبت واقع اولدی افتخار کونه بسط کلام  
ایدوب چانب سلطانیدن افندیلرینه اولان توقیر و اجلالی و وریرین استقلالی و صدر  
اعظم حسین پاشا صناع طرفه یوریدوب مولد شریف جمعیتلرنده عجمانی کندولره  
ویروب زیارت و ارد قچه بر حمله قدر موضع صولایوب سیوریوب مستقملین قارشو واروب  
استقبال و تشیید عده جناب صدارت ردبان پاییه ده دک اینوب کندویه و اوغلاری  
تعیب افندی یه دخی بوکا بکتر اولان توقیرات عجیبه بی سولیدی و طر فلدن واران  
رجا لک بریسی ردا و لیموب رضاری اولدنی ایشلرک تشییتنه بر فردده پارای قدرت  
اوندوغنی نقل ایدوب مباهات ایلدی حقیر صبر ایدوب دیدم که اعتقادیکر اوزن افندی  
حضر ثلری اعقل عقلادر افرات شهرت آفتندن احتراز ایدوب خلقک کوزی وکوکلی  
مالوف اولمه مش خارج از حد بویه تعظیم شانی نچون اختیار ایتدیلر همان افندی یه  
مکاره غضبی مستولی اولوب دجاجة هندیه کبی قراروب دیدیکه علمای عظامه تعظیم  
واجب دکلمدر اسلافه علمایه کونا کون نه تعظیم اولمشدر ایدوب صف حضر ثلرینه  
خلافه وقت نه توقیر اشدی آل حسنجاندن کن مشایخ اسلام نه مرتبه مکرم اولمشدر  
سلطان مراد کبی غازی پادشاه محیی افندیکن اللریقی تقبیل ایشلر در تاریخ  
شناس اولوب یومغلاری بلمک غریبدر دیوب مغلطه یه باشلادی حقیر دخی بی محابا  
جواب ویروب بلی ابوبوسف و عدالت و غنمه موضوع کبار مجتهدین جنابلرینه خلفادن ظهور  
ایدن توقیرات مشهوردر و علمای عاملینه تعظیمک و جوی محل نزاع دکدر لکن قدر کفایتدن  
زیاده خطام ذیلجه محبت ایدوب جمع ماله حرص ايله شهرت بولان عالمک علمه علم لایفیع

نصیحه یورلدنی کتب آثار ده منظوریکر اولمشدر زمان سلفدن بووقته کلمجه هر  
دولته بین الخلق حدوث ایدن فتن و منازعه نک ماده سنی اکثر یاجاه و دولت و مال  
ونعمت ایچون اولان تحاسد و تنافسدر حضرت عثمان رضی الله عنه بر حق خلیفه  
ایکن منصبلرک چوغنی بنی امیه دن مستحق اولان اقر با و علقاتنه ویردیکی ایچون  
واصلنده کندولر اموال عظیمه و غنای تامه صاحبی اولماغله شیخین مکر مین رضی الله  
عنهم کاندن جزو حیه زیاده توسیع دائره حشمت و نعمت ایدوب بحسب الاقضاء شرعا  
مباح اولان مرتبه مسکن و ملا بسط و تربیه خدم و حشمه تنعم و توسع کوستر دکلری  
ایچون بر مقتضای بشریت عامه یه ککوج کلوب اول ذات عدالت سمک  
طرف خلافنه یکوب حرف انداز طعن اولماغله باشلادیلر حتی مصر منصفی فاتح قاهره  
اولان عمرو بن العاصدن قالدیر یلوب غیره ویرلش ایدی مصر دن شاکیلر کلد کده  
برکون عمرو بن العاص دیوان خلافت اعیانی کبار اصحاب اره سنده جناب ذی النورینه  
کتر جور عمالک فاعدل و اعتزل دیدی یعنی مفاعبه کورند دک عاملرک جور و تعدیلری  
چوغالیدی خلق شکایت اید یور لریا عدا لک ايله یا خلافتدن فارغ اولوب کندیکی  
هزل ايله دیمکدر حضرت عثمان رضی الله عنه بولکلام باردن مغیر الخاطر اولوب قلات  
جیمک یا عمرو من عزلت عن مصر جوابله تأدیب ایتدیلر یعنی یا عمرو مصر منصبندن  
معزول اولالی قضا نک کوله لندی دیمکدر مراد مصر دن عزل اولمد و غندن بروخر چلغک  
قلات اوزن اولوب مصره طالب سن و صراحة طلب ایدوب میوب شکایتلر کلد و کنی  
پاشا عدا ایدوب بیوجهله طلبه فرعت بولک دیمکدر عاقبه لامر طرف خلافت  
اولانر تحمل ایدوب میوب تکرار مصر دن هجوم ايله کن گروه مکروهه حر مین رجالدن  
جناب ذی النورینه خاطر مانده اولان جمع کثیر منضم اولماغله طرف خلافت بولانلر  
قوت بولوب فتنه عظیمه قالدردیلر و خلافتدن قصرد ایشسون دیوننده نرند محاصره  
ایتدیلر حضرت عثمان رضی الله عنه مسلمین بدینه تفرق کله و شقاق دوشمشسون  
دیواوزلرینه سل سیف ایتدی و خلافتدن دخی قصرد ایلدی بلا خره اول خلیفه  
مظلومی شهید ایتدیلر یوار القدر اهل خلافتدن کن خبر لری و جناب ذی النورینک  
ویردکلی جوابلری کتب مقصوده مطالعه ایدنر ماده نزاع نه اولدوغنی بر خوش ادراک  
اید حضرت عثمان رضی الله عنه جمله اقوال و افعالی شرعه موافق خلیفه برحق ایکن  
مال و جاه پاییه سی سبی ايله اطاعتدن خروج ایتدیلر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه  
و سلم حضر ثلری منعم عدل و معدن احسان و فضل ایکن بعض غزلرده اغتمام اولان  
مال غنای غزات بدینه توزیع و تقسیم یور دقلرند بعض مبرم طلبکارلردن حوصله  
تحمیلدن خارج نه اوضاعلر کوروب شان عالیلرینه نامناسب نه سوزلر ایشملردر  
تقصیلر اشته اطلاع مراد ایدنر کتب سیر مقصولاتنه مراجعت ایشسون مال و جاه جمیع  
خلقک مطلوب و مرغوب بویه امر مخطور اولماغنی علما و عقلا سیرت انبیاء علیه السلام  
و طریقه خفاء کرامه افندی ایدوب قدر کفایت ايله قناعت کوستر مکه حقدن غفلت



ایتمه مشاغل و خلقك بغض و حسدی شدن ممکن مرتبه قورنشا در بومعنايه بناء كثر  
خلق خصوصاً عوام كالهوم علما و مشايخك ابتدا مال و جاهه و غبنه نظر ایدرلر اگر مال  
و منصب بختنه دن قدر میل و محبتی حسن ایدرلر سه فضائل با هره و کرامات ظاهره صاحبی  
ولور سه ده حسن اعتقاد ایلر رغبت و محبت ایتزلر و سوزینی دگلیوب اتباع و اتقیاد  
کوستر مزلر اما حمالایفهم مقوله سی رجاهل مبهم خلقه صورت صلاحدن کورینوب  
دنیا به رغبتی طویور سه و بذل و ایشار اولنان اموالی قبولدن ابا ایدوب مستغنی کورنسه  
هوام ناس مدح و ثنا قنادلر لیلانی آسمانه اوچر وب اعل همت صاحب کرامت اولوق اوزن  
استهوار ویرلر عنایت ملوک و اکابر ایلر بلا تعسف و تکلف مال و مرتبه حصولنك اسلا دیاتنه  
و کرامته و صلاح حخته ضرری یوغمیکن خلق یو اعتقاد اوزرینه مجبوللردر از هدما فی لیدی  
الناس یحبك الناس حدیث شریفنه بومعنايه اشارت واضح و اورد چون قضیه بویه در  
افندی حضرتلری ممکن مرتبه وجه مرضیه و طریقه معتدلر بی تجاوز ایلوب افراط  
مجد و عنوان ایلر بومر تبه مشار بالبنان اولقدن توقی اینسه لکنده و انفع واسلم ایدی  
زیر انلرک اندازه همت عالیله لینه کورن توسیع دائره یه بود دولت علیه نك تحمل یو قدر دولت  
اسلامیه علی الخصوص سلطنت عثمانیه نك اسرار خفیه مقوله سی فیجه خاصه سی  
وارد بعض بواعث معلومه سببی ایلر عسکر بیننده کاه کاه فتن عظیمه ظهور ایتیکله انقلاب  
امور دخی خاصه معینه سندنلر و هر عصر ده اولوقوله فتنه لک ضرری ادخال سال و نفوذ  
کلام ایلر صاحب کام و نام بولندن دولت لوره عائد اوله کادوکی کتب توارینجه مضبوطدر  
لایق بودر که بومر تبه شهرت ایلر السنه عالمه مذکور اولمانك و خامت عاقبتندن توقی  
واحتر از اولنه دیب ختم کلام ایلرک شخص مخاطب تأمل بسیار دن صکره حقه راضی  
اولوب سوزینکتر یزندن در اما نچه ایدلم دوه یه بند کدن صکره چالی اردنک کز نلک اولمز  
افندی نك مدبراموری اولان محرم لردن بری نصیح و خیر خواهلر یوزندن بر کون بوکابکتر  
بعض کلمات معقوله عرض ایتدک افندی مز جواب و یروب بزم طالعز محیطان فورتنه یه  
مصادف اولان سفینه یه بکتر دیا کنار سلامت یا لیمان امان بولجیه دك و وزکارک اوکنه  
دو شوب کتمکدن غیر چاره مز یوقدر قصور و ایا قلیق ایتك غلبه حساده سیددر  
دواندن اختیاری چقمق رضامزلر بلایه اوغرامقد رینه لازم اولان بودر که عزیمتری باشه  
چقارنجیه دك همت و نهایت عمره دك بذل مقدوره غیرت ایتکدر دیدی اول مرد هاقل  
یو جوان ایشمدک خوش سلطام سفینه یه تشبیه کز کوزل لکن فورتنه یه اوغرایان  
سفینه لریلکئی روزکان کون قوللانور لراقتضایا یدر سه کوچک یلکن قورکاه اولور ساده  
قالوب هیچ یلکن قوماز کاه اولور که سلامت بولوق ایچون اجمال و اثنالی دریایه اتوب جمله  
ستیمنی قد ایدرلر دیدک منقبض اولوب ساکتاچین جبین کوستردی دیوتقل ایدوب الله  
صوکنی خیر ایلر دیدی فائده بودخی معلوم اوله که بعض اوقائده اقتضا حسبیلر حیلر و صنایع  
دولانی آدانه قادر بر شخصه دولتم عارضی وجود و یرویلور ملوک و وکلا توقیری ایلر تعین  
و شهرت کسب ایدر عوام الناس شهرت کاذبه سنه الدنوب شمدی فلان صاحب کلامدر

جمله دن مقبولدر هرايش انکله بتر دیو فوج فوج قبوسنه وارلر کی جلب تقم و کی دفع ضرر  
و کی تحصیل نام و کام ایچون هرینه مالک ايسه بذل ایتیکله اکا تقرب ایتك استرلر اولدخی  
برینی نائل مرام ایدر سه بشتی وعد کون ایلر کلندر وب اموال و املاک تحصیلنه مصنع  
و ادیلر طرح ایدر کویا دایره دولتن خارج کیر لوجه برکارخانه مصاحبت قوروب خلقه  
اولان نازک تحفه لری و کیر لوجه مسرف الی دکه مشمسک التونلری و منتفع بها املاک عقالری  
صنعت شیشه بازی ایلر الوب ادخار ایدر بوضعت ايسه نظام طبیعیدن خارج اولغین  
صاحبی البته لسانه دوشر بوقت ضرورت فدا اولنوب اموال و املاک و اشیای دولتی  
ضرورتی سده مد اراو لوب ککندویه مرحمت اولنور سه برکوشه ده سلامتله نجات  
بولور مفرط ايسه تاف اولور بوخطور مصاحبت آلت اولان آدم حیلر سنی طویور هنر هزار  
فن استر علمایه زیاده عیددر اوچیزواللی تاریخندن خندندل لقبیلر مشهور ایلر الشوارب  
عبدالله بن عتبه نام کسنه خلیفه معزالدوله دن بغداد قضایا سنی سوزی ایتیموز یلک دره سه  
الترام ایدوب بودولانی قورمشیدی اما لکی سنه یه واریموب سری افشا اولدی  
و ککندوسی معزول اولوب احکام و سجنلر قلم ابطال چکدی عوام الناس حیلر کارلرینك  
صنعتی علما رنگاب ایتك زیاده عیددر واقعایکی سنه مرور ایتدکدن تقریر یزک عینی ظهور  
ایلدی خلاصه کلام مولانای مشارالیه سلطان مصطفی خان حضرتلرینك سایه  
سلطنته کمال استقلال اوزن کامروا و مقام فتواده احباب سیف و قلم یلکه عامه عالمه مآجرا  
اولوب ککند و عالمنه ایتک یلک یوزاون بش سنه هجریه سنه که پادشاه عالمینه عومارکان  
دولت ایلر ادرنه ده ایدیلر ماهر بیع الاولی اوائلندن استانبولده جبه جیل طائفه سی کدشته  
مواجیلری مطالبه سیچون ایدوب بالاده ذکر ایلر کمر احوال سببی ایلر مزاج عالمه  
دخی فتنه یه استعداد تام کلوب قضیه ده مدخلی اولیکلر ییلر انقلاب امون مختصر  
خصوصاً جسور و متحرکار بریها نه ظهورینه مترقب اولغله فرصت غنیمتدر دیوب خلقه  
تجمعی زیاده اولغله بشلدی چون تقدیر الهی بوغائله عظیمه نك وقوعنه تعلق ایتمش دفعی  
تدارکنه ابتداء حسن تدبیره موفق اولنوب زمزمه بوستانیان و عسکری نامنده وزینه  
اولانلر عوماجعه یته مالحق اولغله آتش فتنه اوچکیر اولدی آستانه قائم مقامی عبدالله  
پاشا ضروری اختفایا دیوب سکبان باشی هاشم زاده هجوم جهور ایلر قتل اولنوب سیادت  
و سوخته وات و اراذل ناسه و انجمنی مانع و مزاحم آت میدانه واروب داخل جمعیت اولدیله  
واطراف و جوانیدن لب دریاده اولان و لایتلردن ایشیدنلردخی کلکه مسارعت ایتدیله  
ارالرنده ایشیلور حوال الفتن کسنه لک تعامیلر استانبول قاضیسی داماد سید محمود  
افندی فی میدانه احضار ایتدیروب غصبا اکامراسله لریازدر دیوب صدور علما و موالی و مشایخ  
و نامی معلومه قدر رجال و اعیان و ارايسه میدانه دعوت ایتدیروب کلکدن امتناع کوسترلری  
یینلرندن گروه تعیین ایدوب خواه و ناخواه کشان کشان احضار ایتدیله واسکی زور بالردن  
چالق احمد اغا کزمره بکماشیه نك جسور متعینلرندن ایدی ارالرنه یکچیری ضابطی  
تعیین ایتدیله جمعیتک مناسی کدشته علوفه طلبی ایتک مفتی افندی دولته مضردر



گندوستی و اولاد و اتباعی عالمه استیلا و ادخار مال ایلله خلق عالمی فقیر ایندی یلرانی استیز  
دیوب بارکران بلیه بی انک اوزرینه یقیدیلر و بومضمون اوزن عامه نك لساندن جناب  
سلطنته محضر کونه رقعہ یازدیوب مشاهیر اعیانه خواه و نا خواه مهرلدوب علما و مشایخدن  
وسایر زمره دن معلوم الاسم کسمنه لرله رکاب همایونه کوندر دیلر بوموخس خبر ادرنه ده  
ایشمدلر کله مفتی افندی صدرده بولنان دده افندی و محمدوم افندی لرله بی مسئله سنه  
تمسک ایدوب قهر و تهدید ایلله مقابله و مقاتله رآینه ذاهب اولدی لر مسئله بغیده ایلله ابتداء  
بغا نك شبهه سنی کشف و محنت و المرینی دفع ایتمک اول مصاحت اولدوغنه بناء جمهورک  
محضری حضور پادشاهی به عرض اولنق و نتیجه کلاملرینه اطلاع نصکره مقتضای حاله  
کون تدارک کورلک مناسب بلکه رأی صائب ایکن افندی حضر تری غوغا نك نتیجه سی  
کندویه چقاچقن و بوزلرله کوه اندارک ضرری کندویه طوقنه خغن یلدیکی ایچون عرضلر  
رکاب پادشاهی به کلسون و ترها تری مسموع و معلوم همایون اولسون دیوایاق باصوب  
قار شوا ملر کوندر و کاغدری احراق و قاصدری بلاد بعیده به نفی ایتدردی اوتیه طرفه  
رقعه لریانوب حضور همایونه ایشمدوکی و کوتون آدمک نفی اولند قلی ایشمدیلوب  
علی الخصوص جمله سنه بغات اطلاق اولنوب اوزرینه سل سیف استیصال تدارکنده  
اولد قلدن خبر الد قلدن سہ ولتله ایش تمکدن ناامید و خوف سیفله جانلندن مأیوس  
اولدیلر اکر چه برو طر فاعرضلرک احراق اولندوغی کجه نك ایرتسی بوضع سوء تدبیر  
ایدوکی ملقمیان خیر القاسیله معلوم همایون اولوب ارضای عامه ایچون اهون شربی ارتکاب  
مشکله مفتی افندی بی و اوغلرینی و مشاهیر ائباعی اولکجه عربله ره وضع ونفی ایدوب  
خانه لرین مهر لیوب اشیالرین ضبط مثلاً و تدبیر مبادرت اولنوب جمهور طرفندن کان  
قاعد لر تقیدن عود ایتدردی و نصیح و بندی مشعر خط همایون یازیلوب جمهورک مختاری  
اولان افندی لر مشیخت اسلامیة و قاضیه عسکر لکلر توجیه اولنوب کوندرلدی اما  
پان سازلق فرضی فوت اولوب اشتعال آتش فتنه اشتداد بولغین حسن تدبیر مدارا  
مفید اولدی و جلله نك ضمیرنده مستتر اولان بویادی که پادشاه عالمیناه خواجه سندن  
یکمزاله و پر میوب بوقدر ایاق با صد قد نصکره شمدی بحسب الاضطرار نفی مصنعدر  
جمعیت منحل اولد قد نصکره ینه کتور دوب مفتی ایدر اولدوغی بوجعه بولنانلری اعدامه  
اهتمام ایلوب جلله مزی طعمه سیف سیاست ایتدیر دیر لدی عامه خلقک اعتقادی  
بومعنا اوزرینه منعقد اولغین امن و اطمینان درونلندن بالکلیه رفع اولدوغی ایچون نصیحت  
نامه همایونه کوش قبول طوع و تمیوب خلع لباس سلطنته شمیر ساق اتفاق ایتدیلر  
اطر افرندن مجتمع اولان اشخاص مختلفه ایلله جمعیت کاه مجری پایانه دونوب اراذل ناسدن نیجه  
سوز صاحب لری پند اولغین ارا لینه ضروری دوشن عقلانک سوزلری دیکلر اولدی چالق  
جلله نك عامه سی و یکجیری اغاسی دیوب علی اغا کتخد ابکلک رتبه سنه استعد اد ایلله اغا نك  
همپاسی قره قاش و طون جان کله سن میدانه قومش زوریه باشی کوچک حسین اغا ایسه  
تلمی ایستندن درس و یرر طائفه نك متنسک قلاشی ایدی و اور تالغک مزین و مطنطن

میان ایدیمی معن اوغل صالحی دیدکاری قبه نك سفیه کیدیسی ایسه یندل مال  
ایلله جمعیت اغا تلوولی نعمت لکر و ستر و ب نالی بیک کی کندوئی دوزوب قوشوب  
میدانک بر مفتعل اغاسی ایدی حاصل ذاتی مجهول اراذلدن سوز صاحبی و سرد نکجیدی  
اغاری قتی چوق ایدی عموما اتفاق ایدوب نسا نجلقدن متقاعد وزیر احمد پاشایی  
صدر اعظم و مفتی سابق امام محمد افندی بی مفتی ایدوب صدرینه وسائر مناصب علیه  
وسیفیه ارا لرندن بر رادی نصیب ایتدیلر و سابقا خوف قتلدن فرار و اختفا ایدن  
شهر زوری حسن پاشا بوقعه حدوئی مناص ظهور ملاحظه ایتکدن آشکار چقمش  
ایدی انی استانبول نام مقام لیکور یوب اوزم و مهمات حرب و قتال ایلله ادرنه به توجه  
ایتدیلر ادرنه ده دخی مدافعه و مقابله به عظیم تدارکار کور یاب او جاق خلقیله عقد  
هود و مواثیق نصکره عموما قرشو چقدیلر اما یوقارودن پروذکر ایتدیه مز بواعث  
متعدده و علل مختلفه سببی ایلله خلقک خطر لری متکسر و درونلری مجروح و متوغر اولغین  
هیچ بر فردک قلبندک جداسل سیف مقاتله به عزیت یوغیدی ایا کم و اعراض الرجال مضونجه  
صیافا بالله تعالی سرمایه اقیام و اطاعت اولان سکینه امن و محبت عامه خلق قلبندن  
بالکلیه زائل اولنجه مصاحت قتی صعوبتلی اولور بر پادشاه ایلله روز پر قهرمان زمان اولسه لر  
فائده و یرمز تقابل صفین اولردن آقدم ریح الاخرک سترنجی ثلثا کجه سنی ایدی حفصه  
متزلزه قریب یرده بعد الغروب زمره یکجیر یانه مترس التیق نثیمه اولتمشیدی اتر تفیکلرین  
پوشادوب طویلری الو ب بی ترس و مترس الله الله دیه رک طرف جمهور چکیم یوب کتدی لر  
مکر چالق احمد اغا و سائر او جاق مقیمینلری مقدحجه ال التمدن خبر لر کوندر و ب اخرقه  
فر صحتوی اولان او جاق داسلرینی کند و جانب لری نه جذب ایتمشلر ایش یوتخا ذل نامحدو طدن  
پرو جانیک عقد جمعیتنه انحلال کلوب جوف لیلک معاودت اولندی و کلا و متعینینان  
مال و جاهدن یکوب بالضررون بکتا باشلرله اختفا اختیار ایدوب هر کس اراده علیه بویله  
ایش دیوب مشغول ورد لا حول اولوب طور دیلر بوقعه غریبه و داعیه عجبیه ظهورندن  
سلطان مصطفی خان حضر ترینه حیرت استیلا ایدوب لاری من لا بطاع مفهومی حسب  
حالی واقع اولغین بالضررون غائله سلطنتدن تفریح قلب و مشغله دنیویه دن تخلیه خاطره  
توطین نفس ایدوب همان اولکجه مباحثانه عزلت آرام و قرار ایلدیلر چونکه نتیجه حال  
پوکیفیته منجر اولدی سلطنت علیه به وارث عالی تبار شهرزاده جوان بخت بلند اقتدار  
شهنشاه اسکندر نشان سلطان ابن السلطان السلطان احمد خان حضر تری قوت  
مهاره احتشاق تام و استعداد مالا کلام ایلله و رای مشرق خفادن خورشید عالم آراکی  
ظهور ایدوب ایرتسی کون که ماه ریح الاخرک طقوزنجی اربعا کونی ایدی بر مقتضای  
وراثت تحت عالی بخت سلطنته بالاستقلال جلوس بیوروب سرای عامره ده اولان  
خواص مقربین و خدام کرام دستبوس بیعت مساعت ایدوب وجود دولت و سلطنت  
گویا تازه جان بولوب ابدان عباد و بلاد حیات جدیدیه نائل اولدی ازیل جانب جمهور  
هسکر لیه معهوده نك ایرتسی حرکت ایدوب ادرنه به قریب موضعه کلوب طویلری و آلات



فتا للزيلة سابقا نصيبم لری اولان ترتیب ایله تادرنه یه هجوم و غارت ایتمک فکرند اولدی قای  
شبیوع بولدی ادرنه ده صدارت عظمی قائم مقامی اولان خیرخواه دین و دولت امکد ارسند  
سنیه سلطنت وزیر روشن ضمیر سعاد تلو حسن پاشا حاضر تیزی سائر و کلا کبی  
اختفا اختیار ایتدیوب بویله هرج و مرج وقتند دین و دولت ناموسنی صیانت و عباد اللهک  
دما و عرض و ماللرین حمایت مصباحی اوزریمزه و اجند رایثار موجود بوندل وجود  
ایتمکله خدمتدن استعنا کاف ایلیم دیوب قنبت ایتش لردی جمهور طرفنه خبر کوندروب بونه  
اصل فکر فاسد و ملاحظه کاسد درمقالتیه منتهی شکند ادرنه یه کاور سکر عامه عباد الله  
وقع عن الحریم مقامند قیام ایدوب جمله مسلمین عرض لری و ماللری اوغرنده بئل جان ایدوب  
شهید اولمغی اختیار ایدر لر مسلمین یقینه قتال دوشوب الی آخر الزمان دفعی قابل اولمیه حق  
کساد ظهورینه باعث اولمق شرعاً و عقلاً جائز دکلد در شوکتلو کر امتلو سلطان احمد خان  
افندیز حضرت لری وراثت و استخفا قلری حسبیلده مسند سلطنته جلوس بیور مشردر  
مقتدای انام امام زمان اولان خلیفه نافذ الاحکام پادشاه اسلام طرفندن  
توجه مراتب و تقلید مناصب ایله امور دین و دولته نظام و برلزدن اول اجرای احکام  
واقامت حدود و سائر امورده تصدیق فائز نجه مشرع اولور دیو خبر کوندر دکرنده جمهور  
هسکر دخی بولکلام حق کوش قبول طو و تب صدر اعظم و شیخ الاسلام و سائر علما  
و وجهه هسکر شرف بیعت سلطانی ایله مشرف اولمغه بیلک جان ایله طلبکار اولدیلو  
لکن صدون کلن اوضاع کستنا خانه سببی ایله تیغ قهر پادشاه دهر دن خوف اوزن اولد قارینی  
سعاد تلو وزیر روشن ضمیر حسن پاشا حاضر تیزینه عرض و توست شفاعت لرین التماس  
ایلدیلر اول دستور مد بر حضرت لری دخی احوال لرین سنده علیه پادشاهی یه عرض ایدوب  
قرین عفو خداوند کار اولمغی بابت شفاعت ایتمکله رأی صائبی قبول خسروانی یه  
قرین بیور لغین وزیر اعظم احمد پاشا و مفتی محمد افندی و صدرین و ضابطان هسکر و سائر  
منصب لرنده تقریر اولمق اوزن خط امان سلطان احسان بیور لغین طرف شهریاریدن  
یوزلان ضرر و کزن دایر شمه مک اوزن وزیر مشاور ایله حضرت لری کفیل و شفیق اولمغین  
افند دخی مطمئن خاطر اولوب عتبه بلند مرتبه خاقانی یه یوز سور مک شتاب ایلدیلر  
و کروه هسکر یی اولد قلری معسکرده الیقویب وزیر اعظم و شیخ الاسلام و صدرین  
و علما و مشایخ و جمله ارکان و ضابطان هسکر کلوب پای سریر خلافت یوز لرسوروب  
جمله سی شرف بیعت شهریار عالی بختله احرار شرف ایدوب مصاحبت وقت مقتضایا سنج  
هر کس منصبند بقا و لغله انلانده نوعاً من قلب حاصل اولدی یوم خیمسه طلوع  
افتابدن اوج ساعت مرو رنده بیعت عامه امری دخی تمام اولدی بعون الله الملك العلام  
جلوس شرف مانوس لری وقت سعید و مبارک و وقوعه کلوب صاحب طالع همایون لری اولان  
زهره زهرایت طالع کمال قوت و سعادت اوزن و جوزه هر سعید عاشده سائر ادله  
و شواهد دخی بحکمة خدا قوی الحال بولمشدر حق سبحانه و تعالی حضرت لری  
مسعود و مبارک ایله بعد اتمام الیه ارکان دولت چادر لره کیدوب ینه وقت ظهرده کلوب

حرب الفرمان توغ همایونی طشره اوردوبه چقادر یلر ماه ربیع الآخر ک اون دور دخی  
ایشین کونی عاد تالای ملو کانه ایله شهنشاه و الابه حضرت لری ادرنه سرایندن حرکت  
و استابوله عزت بیت ایله طشره ده همیا اولان اوتاق گردون نطافه سایه انداز عزت اولدیلو  
سعاد تلو شوکتلو مها بتلو پادشاه عالیه افندیز خضر لری بیک کمال رشد و فطنت  
ورثه قرانت و شجاع لری بیامند در اولابرادر روشن کهر لری سلطان مصطفی خان  
حضرت لری بیک زمان لرنده فیض الله افندیز بیک سابق الذکر اولان احوالنه اجمالاً متفطن  
اولد قلرنده عالیه نه نصیح و پند ایدوب سعاد تلو برادر باند اخترم حضرت لری خواجه  
افندی یه حسن طمکزه بناء ویرد کترو قع و الید و کتزال تفات تعلیم و تعلم حقنی رعایت ایتسه انجق  
اولورامور عالیه استیلا و فروغ سلطنته غلبه و استعلا مرتبه سی هیچ رفیده رخصت ویرلمک  
مقام خلافتک تحمل اولمادیغی معلوم کترو در عز پادشاهی کفی الحقیقه بر تونوالهی در عالم ظاهرده  
عباد اللهک اقبال و ادبار لری اول نور ضیادان قرب و بعد لری اعتبار ایله اولمغه عامه خاق  
اول فروغ قدسیه نک اطرافند پروانه مثال سماع شوق ایتمکله در پس لمعه التفات کترو  
یا کترو کیمسیه بلکه بر طائفه یه افراط ایله مخصوص اولمق خواطر ک احراقنه باعث ایدوکی  
محتاج تعریف دکلد رمن بعد معامله توجه کترو نسبت معتدله اوزن اولوب چندان اراخی  
هنان ایتدر لمامکله محسودیت آفتندن انلاری دخی قور تارمق لابق شان سلطنت  
وانلان دخی نافع مصاحبت در فهم اولور ینه حقیقت حاله رأ بتر اعلم در دیمشدر بر قاج دفعه  
یوسمایق اوزن نصیح و پند بیور دقلرینی جاسو سراسا نندن مولانا ی مزبور خبر الوب  
مصرف الضمیر اولمشدر ایدی تانیابو جمعیت عظیمه نک خبری ادرنه یه وصول بولدیغی کون  
شوکتلو پادشاه آگاه حضرت لری کمال حزم و احتیاط اوزن دیره نوب الملك عقیق فوا سنج  
ذات سلطنت اچون پدر لرا اولادینه اولادیدر لرینه برادر لر بری لرینه سو قصد و ایضا ل  
کز ندایتد کار ی سلفند خصوصاً فتنه هنگا ملرنده وقوع بولمش معتاد رشیدی ایتسه  
بدخواه لری طرفندن تعلیم و تحریک دخی امر بعید دکلد دیو ملاحظه بیوروب همان  
اول کون سیوف و تفنگکرو تیر و کمان وزره مقوله سی آلات قهرمانی جمع ایدوب شرایط  
تحفظ دارکته بکمال امر اعادن صکره کند و بند لری و خیرخواه لری و وثاق مخصوصه سنند  
تحصین ایلدی و متعین کلن ماکولات و مشروباتی دخی نسیم شائیه سنندن قبول  
ایتمیوب اطعمه و اشربه سنی کند و معتد خدمتکار و پرستار لری اول مکان حصین  
رأی البین طبع و تدارک ایدر لردی تا جمعیتک حالی ذکر ایتد و کترو کیفیت مجرا اولوب  
اجلاس دعوت اچون سرای عامره ارکانی کلنج اول پادشاه غیور و زریع شجاعت  
موقور آلات حرب ایله مقام نیقصد ثابت قدم اولوب جاسو سراسا نندن و بدخواه اولان  
تمک بحراملردن بر فردی دائره عالیه لرینه اوغرا تمدیلر حق جل و علا حضرت لری  
وجود همایون لرین دائمیات و اکداردن حفظ ایدوب طول عمر ایله معمر ایله آمین یامین  
مالک ادر نه ده جلوس همایون وقوعنک بشخی ایشین کونی که طشره لو تاغه تشریف  
شهریاری مقرر اولوب صدر اعظم و مفتی و صدور و ارکان و جمله اعیان و ضابطان الای



لیا آمدن مختلط اولان اشخاصك گفته كوتی سیمی ایله طشیره دن برصد اوقوب چله  
بخششلی میزلی الما بجه الایه وارماز شكننده نغند و تردد لریك خبری كلدی پادشاه  
بغور شید طلعت هنوز بخشش شیر هیبتلرینه سوار اولوق صد دنده اینک بو خبر مسعودی  
اولدی یغی کی دریای غضبعلری موخیز او لب و كلا وضای بطاره نظر کوه کد از خشم ایله  
نگاه ایدوب بونه بی ادبانه حرکت در شمدی کله لریك طعمه شیر شمشیر اولوب قانلریكزی  
میدان سیاهسته زهرای ایدرم دیوب تهدید ملوکانه ایندی لرواصلا تردد و توقف  
گوستر میوب آت دیو فرمان بیورد قلند و كلا وضای بطانك عقالری باشتندن کیدوب  
در حال ارالردن منتصب تا سحر او چروب اول آند کروه عسکری بی رکاب همایونه  
سپیل دریاغروش کبی یورتلر و چادرلردن سرای عالی به کلبجه الایک ایکی  
پا نهندن سلام شهر یاری به دست بر سینه تواضع صاف با غلاتدیلر پادشاه  
اسکنه در غلام هزار اعزاز و اکرام ایله طشیره چیقوب اوتاق بلند رواق خسرو انبارین  
مشرف ایندی یار حق یورده بحر مواجه بکزر بویه کروه عظیمه واجناس متنوعه دن  
مجمع جمعیت جسمیه نظر زبانیلرند پر مکس قدر کور نمیوب بی تلغم و تردد وضای بطری  
تهدید و رکاب عزیمته وضع قدم اقدام بیورملری نهاد لرنده اولان فراست و شجاعت  
دلیل قاطع و بوعزیمت صادق ایله عجاله طشیره چقما لرنه نجه فوائد عظیمه و ارایی  
چله دن پری ادرنه شهری غارنکران عسکرک هجی مندن امین اولوب اول دیار بکلیه  
ضرر کشیده قهر و دمار اولدوغیدر ربعا طشیره ده طوایف عسکری به جلوس  
بخششلی و علوفه لری تدارك و تسلیم اونجه دك عامه عسکر دن کروه کروه اشخاص  
یعنی مجادله رومنازه لریکون نابرجا کلبسا نکرو موخش غلغله رایله فوجا فوج  
معسکراره سنده کزوب برایکی دفعه حاجا لرنی عرض ایچون اوتاغ همایونه واردیلر  
جناب خلافت پناه دام فی حفظ الاله حضرت قلی عدل کوشکننده کال ثبت و شوکت ایله  
قعود ایدوب وضع و حرکت ملوکانه لرنه تغیر کلیوب عرضحال لرنه بی محابا جواب  
صواب و یروب خط همایون اصدا اولنه جق خصو صله شرع و قانونه موافق خط  
شریفی قریحه همایون کرامت مقر و نلردن تحریر یوروب قرق منبه دن برو مقام  
سلطنته چله امورک غورینه اطلاع تام تحصیل ایدلردن زیاده و قوف ورشد اظهار  
ایلیوب مراسم اعتدال اوزن عجب پسندیده حرکت بیوردیلر ثقاتدن استماع  
اولندی که طوایف مزین عدل کوشکی التمه کلوب بووجهله عرضحال ایشلر شوکتلو  
کرامتلو پادشاه بوامر عظیمه اختیاری اگر اضطراری بولند و غر سبب ایله چله من  
خروج علی السلطان تهمی ایله صوچلی اولدق و تحکم علی السلطان دینه جک مرتبه  
پردن نجه بی ادبانه حرکت صد و رایتدی چله مزسیف انتقام خسرو ایندن خوف و خشیت  
اوزن یوز اصلنده بوکار مخوفه شروع ایتد و کز تحت سلطنت شوکتلو پادشاه مزه تخصیص  
ودولت شرکادن تحلیص اولمق مصاحفی ایچون ایدی بونیت خیریه اگر چه حصول  
پدراولدی لکن اراغده کند و بی بلزلردن نجه نامناسب اوضاع واد بدن خارج احوال

و خدمت و رایادی جمعیتلرک عالی بوله اوله گلاشد راجد اعظم اکبر روح شریف ایچون  
اولسون چله قوللریک کز ضروری الوقوع اولان جرایم و خطایاسی صحیفه سنه قلم عفو  
واحسن چکلوب من بعد بوجرم ایچون بزلر موأخذ و اولنامق مضمونده برخط شریف مرحمت  
صفوان چله مزه حرز کردن جان اولوق ایچون احسان بیورلوق رجا اولنور دیو سوزو کد از ایله  
تضرع و نیاز ایتد کلرنده بلا تفکر و تأمل اول آند شرع و قانونه موافق خط شریف یوروب  
احسان بیور مشلر خط همایونک مضمونده مندرج اولان مفهوم بودر که مادام که سزلردن  
شرع و قانونه مغایر دین و دولته مضر و وضع و حرکت صد و رایتیه طرف ملوکانه مدن  
عتاب و عقاب ظهور ایلز امین اوله سز بیور مشلر هزار احسنت اصابت رأی و مهارت  
ملوکانه لرنه صدر بارک الله که عتاب و عقاب و قوعنی انلردن خلاف شرع و قانون  
حرکت صد و رینه تعلیق بیوردیلر یو جواب حکیمانه تحتنه قی نازک مزایای خفیه  
واردر که اهلنه معلومدر و اقعاشوکتلو پادشاه مزه حضرتلری بوعده و قایدوب خط  
شریفلری مضمونده راعی اولدی لرو اول زمره دن مخالف شرع و قانون وضعی ظهور  
ایتد کجه برنی موأخذ ایتدی لرو عده مخالف کار قبیح ارتکاب ایدلری طریق ایله موأخذ  
ایدوب اعدام واجلا مقتضای حاله کون جزالین ترتیب ایتدی لرنه کملحنه تفصیلاتی  
ذکر اولنسه کرکدر خامسا نظام امور دین و دولته و تعمیر خزینه به درو بجه همت عالیلری  
اولمقین ابتدای جلوسلرند سرکارده بولنلر تقلیل مصرف تدبیرین عرض ایدوب  
ابتدا مطبخ و کیلا رهمایون تعیناتی تنزیل اولمق عامه به بحث شکننده شروعه اوفقدرد  
دید کلرنده ترجما للعباد قبول بیوروب سرای عامره و مطبخ و کیلا رخاصه معینا تندن  
قتی چوق شی رفع و تنزیل بیوروب انصافله انصافلرین اعلان ایتدی لرو حاصل کلام  
صلاح حال و فراست و شجاعت و استقلاللرینک اوصافنه غایت و نهایت اولمامغله  
بودی بجاهه ده بمقدار ایله اکتفا اولنوب تفصیل اوزن بیان احوال لرنی محله ابقا ایلدک  
حق سبحانه و تعالی حضرت قلی سایه دو لرنده بوتاریحک تکمیل و ختام منی میسر  
و مدح و ثناری خدمتی ماحوظم اوزن بوعبد احقره مقدر ایلک مسئولدر آمین  
باجیب السائلین تمه و قعه سابقه ازین جانب پادشاه عالمینا حضرت قلی ادرنه ده  
اوتاغ چیقوب عسکرک بخشش و علوفه لری توزیعنه شروع ایشا سنده فیض الله  
افندی بی اولاد و اتباعلری ایله بی اولند قلی موضعدن کثور مکه وزیر اعظم احمد پاشا  
طرفندن حسب الامر مباشر لرو عسکر طرفندن آدمه تعیین اولنمش ایدی گلد کلرنده  
مراتب علییه صیانه ابتدا کند و به و نقیب افندی به سخاقت امرلری و یروب طریق علمادن  
اخراج و سایر لرنک ایشلری دقتدن حک اولنوب بعد زندانه حبس و استتقاقد نصکره  
زنداندن چیقارکن علی ملا الناس عامه اشخاص الله مقتول اولدی موکب همایون  
جمادی الاولی اولند دار السلطنه علییه شریف ایدوب مزبورک اولاد و اتباعی محبوسا  
کلوب یدی قله ده حبس اولمشلر ایدی نقیب افندی سو صنیع و اطوار نکوهیده سنه  
جزا قتل اولنوب کله صی عبرة للمناظرین باب همایونه وضع اولندی سبحان الله العظیم



بونه حکمت غریبه در که قطاع طریقیدن اولان بعض کسسه لرقتل و جزایه گرفتار  
اولد قلندرینه ناس بیننده حالنه مرحمت ایدر پولنور کیمی مشکل و شما یلنمه و کیمی بهادرانغه  
البته بر حالته فریفته اولوب حیف اولدی دیو آجیق بعضیلردن مشاهد اولنوردی  
بونا ریسه ساداتن علمادن معد و دز علم نجه طسا هر الذبل متدین یکتوب  
بو قدر زمان دولت سورمش و خلقدن قتی چوق کسسه معا و نت و همتری  
گورمش ایکن بو نلرک حقنه کیمسه دن روی مرحمت کوریاوب خواص و عوامدن کله  
شفقت ایشیدلدی اشته بوسرک اصلی و حقیقتی بالاده ذکر و تفصیل ایندو کتر محذوری  
ملاحظه ایدن عارفله معلوم اولور حق تعالی حضر نلری عبادینی افرط ایله شهرتدن  
و دولت استندراجیه الذاغله سو فعال و حرص و غفلتدن حفظ ایایه تقییمک  
قتلندن صکره سائر اولاد و اتباعی ترجاجزیره لره نفی ایله اکتفا اولندی کندینک و اوغلی  
تقییمک و سائر اولادینک اوضاع و حرکات لری ذکر اولنل اجمالدن بر مقدار فهم اولنور  
لکن اتباعندن طشره مولوتلره و سائر منصبلره کیدن آدم لری هزار بار بونلردن  
استد اولوب وار دقلری ولایتک حاکم لری کرک وزیر کرک بکر بکیر اولسون قهر  
و غلبه ایله و هزار گونه شرت و شیطنه ایله مغلوب ایدوب حکام عرف قبولینی  
سد ایند کدن صکره امت محذک ویم و دونصارانک عرضلرینه و ماللرینه ال اوزادوب  
ولی نعمتلرین طیمون حق و اولاد و اتباعی ارضه ایله جک قدر و بوندن ماعد اولد  
نانه صرافله و یروب مراجحه شهریه سندن مصصارف یومیه لرین چقاراجق  
قدر مال جمعنه حسارت ایدوب هریری واردینی ولایتی ظلم ایله خراب و ویران ایکن  
حجاج و تیمون نظیر ایدیلر حق سبحانه و تعالی حضر قلری دارالسلطنه علیه بی کندولرک  
بشرو شوردن و مالک محروسه بی اتباع و چراغلرینک تسلط پرز و رندن تخلف  
ایلدیکی شکری جمله یه واجب بحب نعمت جلیله در هریرینک تفصیل احوالی بمقدمه ده  
درج اولمق متعسر اولغین تفصیل اوزن حکایت لری بیک یوزاون بش سغه سنده  
تحریر اولمق ایچون ایقا اولنشدن برینه صده کله لم چون انلارک غائله سی برطرف  
اولدی جمادی الاولی و جمادی الاخره اشبوا یکی ایله سعادتلو مهسا بتلو پادشاه  
عالیه حضرت قلری تیقظ و بصیرت شروطی مشتمل و قاروسکون اوزن  
اولوب اختلال و قته بناء دیوان اتمدیلر و مواجب تداریکی ایچون و کلا یه مؤ کد  
تنبیهلر ایدوب کندولر خفیه تبدیل کروب احوال عالمک و امور عامه نک تقیر  
و قطنیر تفصیلاتنه اطلاع تحصیل ایله مشغول اولدیلر ضابط بکتاشیان اولان منبع  
قطنه یالق احمد اغا ایسه ادرنه محر اسنده وزارت رتبه سنی تحصیل ایتکله تبیین سوداسنه  
دو شوب رؤسای جمعیت اولان مشهور لری و سردن یکدی اغالینی طاعتیوب  
انلر ایله مظاهر و تغلب یوزندن امور دولته استیلا یه با شلیوب اخذ رشوت ایله شنیع  
و قبیح نجه ایشلر کور دوروب جلب مال و تحصیل استقلال مفا سدینه شروع ایشلر  
ایندی عقل ناقصی مقتضا سنجه حل و عقد امور جمله کندور ایله کوریاوب کیده رک

طریق بکتاشیه به قوت تاسه کلد کدن صکره دور تیوز حنه دن بر و سلا بعد نسل  
استقلال ملوک ایله مضبوط و منتظم اولان دولت عثمانیه یی جزایرو تونس  
اوجاقلری کی جمهوریتی و مجمع دولتی قیافتند قویوب زعم فاسدی اوزن اورتاغی  
بویله باطل ترتیه قومق سعیده ایدی لکن حق تعالی حضر نلری بودولت علیدک  
حافظ و ناصری اولوب رتبه خلافت عظمی نک مطلوب اولماسنه رضای شریفی اولماسنه  
هر بار که سلطنت علیه جانیته غلبه و مشارکت داعیه سینه دوستلر طم و رایده البته  
میخ بی دریغ قهر و انتقام ایله اعدام اولنمه کاشدر چونکه عسکرک مواجی حضر لنوب اولد  
غائله مهمه نک تدارکی کورلش ایدی جمادی الاخره نک ساتی که سمیت کونی ایدی عادت  
ملوکانه اوزن حضور هما یونده مباحثه علیه ایچون علما افندیلر سرای عامریه وار مشلر  
گویا بر غیر خصوص ایچون وزیر اعظم احمد یاشا و چالق احمد اغا سرای عامریه دهوت  
اولنوب بر مکمل بک چکدریسی دخی مکر سرای یورننده حاضر لشم ایدی ناکاه سر پرده  
سلطنتدن قبریس منصبی چالق احمد اغایه توجیه اولنشدن دیو خط شریف صدور  
ایتدیکی ساعت چالق احمد اغایه خلعت کیدیر یابوب و قولتقلیوب با نچه طرفندن  
امسکله یه اندن سفینه یه طو یارلدیلر چالغک بکتری چا لوب نیه اوغرا دوغنی یلدی وزیر  
احمد یاشا دخی یوناما حظ مصباحت ناکه طم و وردن مخیر اولندی حق تعالی حضر نلری  
دولتو یادشا همزک عمر و دولتلرین زیاده ایلیوب دین و دولت خیر خواهی مدبر  
دعاجیلرینی رکاب عالی لرندن دور ایلیه که میجات دین دولتک ذقایق لازمه سنی تبلیغ  
خدمتی ایلیه لر سکبان با شیلقدن معزول چلبی محمد اغا که جمهور ایله ادرنه یه کتمه مش  
منتظم الحال دولت خیر خواهی بر ساکن اغا لیدیکی معلوم پادشاهی اولغین یکجیری اغالینی  
اکا توجیه اولنوب اوچاغک ضبط و ربطی و نهج و استمالت خصوص صیچون خط هما یون  
صدوری کماله الواجب رعایت و اجرا قلندی و زمرة مزین مة یینلرندن کتد ابک  
دیو علی اغا برو سده اجلا و محضر اغا بلغرا ده اغالینی نامیله ارسال اولنوب امکدار لردن  
غیر خواهی جنب دولتک معلومی اولان یوسف اغا کتد ابک نصب اولندی چالق  
احمد اغا حرص و طمع و سوء افعال مجازاته کرفتار اولوب چوق یکمدین سیف  
سیاست خسروانیله قتل اولندی وزیر اعظم احمد یاشا دخی العهد علی الراوی طرف  
سلطنته انفع حرکات معتدله یه موفق اولد یابوب حل و عقد امور و توجیهات و تبدیلات  
فورینه و قوفز متعسر و تفصیلنه اطلاع حدیث دن خارج اولان بعض خصوصلره  
پادشاه عالی پناه حضر نلری مطلع اولغله ماه رجب المرجبک یدنجی سمیت کونی علی الصبح  
دعوت اولنوب کندودن مهر شریف النوب یو ستانجی باشی حبسنه کوند ریاوب خاتم  
وکالت کبری مدت مدیددن برو قایم مقام صدارت عظمی اولان خیر خواه دین  
و دولت اتابک مشکلی کشای امور سلطنت وزیر صائب التدریس حسن یاشا حضر نلرینه  
هنکایت و احسان یورلدی وزیر معزول احمد یاشا بر قاج کون مرورندن ینه مراجع عالم  
شمول شهر یاری یه مظهر اولوب ساقز جزیه سی محافظه سنده ارسال اولندیلر در ستایش



وزیر اعظم دستور معظم حسن پاشا بسرا الله با خیر ما یرید و ما بشا اوزر مشاور الیه حضرت قری  
مردوم و مغفور سلطان محمد خان ابن السلطان ابراهیم خان حضرت تباریک زمان سلطنت کردند  
هرم هما یونیه پرورده اولوب بحسب الاستعداد و الاستحقاق مساعدارعا لبقدر اولمشار  
ایدی دولت محمديه ده بش سقیه قریب استقلال اوزن مساعدارلق مقامنده قائم  
اولوب یك طقسنا طقوز سنه سی بحر مینك اونچی كونی مساعدارلقدن وزارتله  
حقیقوب مصدر نادره العصر منصبی ایله مكرم اولمشار ایدی بعد بعض مناصبه و ثغور  
مالك محروسه دن بعض مواضع بزل مجبور دایله اوقات كذار اولوب یك یوز بر  
سنه سنه اكر امالشانه دره صدیقه عصمت جوهره پاكیزه كان سلطنت علیه الذات  
صفیه الصفات كریه عزیزه سلطان محمد خان یعنی سعادت تلو خدیجه سلطان  
حضرت تباریک شرف ازدواج ایلله قرین عزتها ج یوریوب و كاپ عزت اکتساب  
سلطانیته صدارت عظمی قائم مقامی رتبه سن احرار ایشلار ایدی تاشوكتو كرامتو  
سلطان احمد خان حضرت تباریک طایع غره سلطنت قری وقتنه كلیجه یه دك اول مقام  
معتبره معزز و موقر ایدیلر كال تعین و اقبال و مجد و معالی لری عالم کبر ایکن اعتدال  
اخلاق و لطافت طبع و استقامت لری مقصدا سنجه اول مقام عالیله بر مرتبه  
حسن سلوك پیمنندین حرکات ایشلار ایدینه و نلای دولت و خیر خواهان سلطنت  
بالله طری اشرف لینه مجذب القاب اولوب كروه اخبارك صفا و كبراندن بر فرد  
نه كند و ایدینه اتباع كرامتدن رنجیده اولما مشلردی سلطان مصطفی خان حضرت تباریک  
ایم سلطنت کردند معنی انندیك جمله علمه تسلط و استیلا سی زمانه وزیر مشاور الیه  
حضرت قری و تباریکه ایلله غایت مدوح عاقلانه حرکت ایدوب نه طبع یاد شاهی  
قندیر اینجك بوضع ایدی و نه معنی جاننده قانوندن خارج تلاق و تواضع کوستردی  
امور دنیا ایچون اول طرفه تمحض مدارا ایتیمه مردانه و عاقلانه بروجهله سلوك  
ایتدیلر كه خساء و رقباتی احرف انداز اولاجق ذن قدر سرورسته لرینه ظفر بولا مدیلر  
اولا بوقعه عظیمه ظهورینك خبری ادریه كدك سلطان مصطفی خان حضرت تباریک  
کندیلری قائم مقاملق نامیه استایوله کوندرمك و مقتضای حاکم کون مقاتله ایدوب  
حقیردن کلاک ایچون عسکر قوشوب سردار شکنده ار سال اتمک تکلیف ایلد که  
زمین بوس استغفال ایدوب سعادتو بادشاهم برین قولك بزل جان اتمکله بو غائله نك  
و فی متصدی ایسه اعور هما نه جلم فد اولسون لکن بو مرتبه ده شعله نتمکه استعداد  
پیدا ایلین آتش قتمه که دلارکاب سلطنته بولنل خیر خواهر لری ایلله جمله مزاجان  
قدردن عاجز اولمشردر سهولته دفع اولنق و بالکری بوقولنر وارمقله بر طرف اولاق  
متعسر در وادغم صورتده مصاهرت پادشاهی حسیه طرف هماینه تمحض و سعی  
ادراك ایتدیلر ایچون رأی معقول و کلمات مقبوله یی دخی اصعا ایتدیلر قهر الیه لری ایچون  
صل سیف اولنق خصومه ایسه اگر جیت بر زمزمه نك و بالکری رایکی فرقه نك اولایدی  
دولت علیه کزده پای حال دفع ایدوب نسکیمیلری متعسر اولدوغی صورتده

سیفین کورمک دخی سهل ایدی اما جمله اوجا قرو خواص و عوامدن مرطافه  
بو جهوه ماحق اولد قری استماع اولنور عا مه نامه صل سیف و قتل عام  
اولنق سلفده واقع اولش ایسه قولنر دخی اول خدمتدن روگردان اولم مقاتله یه  
قدام اولندیغی صورتده بعض رجالینه مساعد ایلله بلکه دفع اولنق امید و اراکن  
سیف حیف حواله ایتدیلر اول ما مولدخی بر طرف اولوب غلبه مزنا معلوم اولدوغندن  
قیری بین المسالین حرب و قتال ایقاعیه بوقوللری معلوم اولمقا پادشاهی عاید بر فائز  
قصور اولما زرکاب هما یونیه اقتضا ایدن خدمتله بوقوللری بزل مقدر و ایدوب بوکار  
عظیم اقدامه طلبکار بر غیر قوللری تعین بیورملق دخی مناسب و رأی صائب ملاحظه  
اولنور دیوب عباد الله کاتنی اهراق و بالی ارنکاب ایتدیلر ثانی تفرق و معاودت  
کیجه سی و کلا وارکان دولت بحسب الاقتضا اختفا ایتدیلر کندولر اوضاع نامعقول ایلله  
لسانه دو شمش ذکر جمیل ایلله مذکور بین الخلق مشکور و مدوح بولمقله متوکلا علی الله  
تعالی مقاملرند طوروب تخلفی اولما مشلردی حتی خیر خواهان اتباعدن بعضیسی  
دولتو وزیر بوقوله هجره عامه قاروشوسنده آشکاره طور مق و کورنك مقول دکلدر  
برسمته چکوب بر قاج کون اختفا ایتمک مناسبدر دیکلر ارنکاب ایتیمه ارادت الهیه  
تعلق ایتدوکی معالیه ظهیر ایتدو در ییله هرج و مرج وقتنه حرم سلطنت علیه خدمتی  
ویوشهر عظیمه اولان عباد لله کاتنی براغوب خوفله بر جانبه حکمک شرط  
مروت دکلدر هرچه باد اید اصلاح دات البین وصیانت اعراض مسلین نئی ایلله  
طور مق اولی در دیوب فراری ارنکاب ایتدیلر و افعارای و تدبیر لنده اصابت بولنوب  
توسط شفاعة مایینه کیروب احباب مناصبی ایقا ایتدیرمکه دفع فساد و عرض و مال  
عباد الاهی صیانت ایدیلر بعد اتمام الیمه وزیر اعظم و معنی افندی و صدرین سر ایلرینه  
واروب انلاردخی مقتضای حاکم کون اطعام و کرام ایلله انلره تو قیر ایدوب عسکری  
ضبط و مجاوزدن منع و عباد الاهی صیانت و اعتدال اوزره حرکت ایتلری ایچون روسای  
قومه و ضابطله تابکانه و افر نصیح و پند ایدیلر و بحسب الاقتضا جهورک احوالنه  
الحلاع تحمیل ایچون و خیر کرش مشرو اید چکری امورک نتیجه سندن خبرالمق ایچون  
و نه وقتی کلدلر ارا لینه ظفر بولاق مقدمه لری سهل اولسون ملاحظه سیله اول  
کر و هک مشهورلر دن قابل خطاب برقا چنه صورنا التفات کوستروب بعض  
مرتبه لباس و بساط و انعام ایلله خاطر لرین تطیب ایدوب استمالله و حشمتلرین زائل  
ایدی و تقسند کندر دولت علیه نك امکداری و سلطنت عثمانیه نك و جیه و وقور  
وزیر اعظم الاعتباری اولاق حسیه استایولدن کلن خودرسته کیا رواعیان و عسکری  
اد نادن اعلایه و ارنجه کندر و لردن احتیج ایدوب علوشانلری برکاتیه پرده بیرون حرکتدن  
احتر از ایدلردی حسن تدبیر و مدارای حسیه قتی چوق اهل عرضی بلکه ادرنه خلقنك  
اکثرینی هجوم اذل استیلا سندن حفظ ایدوب یخه لرینه دوشن بیجانلری دخی تحلیف  
ایدی اگر چه شری دفع و عرضلری صیانت ایچون بعض اراذله بر قاج کون مدار ایلدی



اما عسكره اعمال شديده لربك جزاى تريب ايدوب اسهل وجه ايله شويله عقل بند  
كادى كه اصل صيت و صد اري ايشيدى حق بود كه عجايب تدبير ال اظهار  
ايتد يلمر تا لياستحقاق ذاتى و زمانى ايله رتبه صدارت كند و لك حقى و استعداد  
متنوعه حسيله مقام طبيعيلرى ايكن و پادشاه عاليميناه حضرت نلى ذات  
و شانريك قدرين يلوب خاتم وكالت كبرايى كند و لدن دريغ ايتنر لايكن عقل و فراستلى  
كامل اولقله مقدم او حالا طلب اظم ازا ايتيوب احمد ياشانك عزل و رفعى ايجاب ايتد كه  
بالاستحقاق التام اول مقامه لياقت امانت و كفايت جهتيله كند و له منحصر اولغين  
بالا قضا وكالت عظماني قبول و صداقة خد مات سلطنت تعهدى تحتنه دخول ايتد يلمر  
ونه مرتبه ده منصف و كريم الشان دولتور كه سلفى احمد ياشاني قهر سلطانيدن تخليص  
ايدوب ساقزه كوئدر مكله بقاى حيا تنه سبب اولد يلمر بوندن ماعد ارامى محمد ياشا  
حضرت نلى كه مقام صدارته كند و سعى و طلميله تقدم ايتيوب مقتضيات وقت حسبي ايله  
قبول ايتمش ايدى قضاي الهي بشن التي سنه دن برو خلق عالم حد و ثنه منتظر اولد قلى  
بو وقعه عظيمه دخی انك وقتنه مصداق دوشوب بوقضاي مبرم سبيله كويا ايكي آتشك  
يغندل حيران اولمش تلمش ايدى و خلقى ترهيب و قتال ايله تحويف ايدرك فسادى دفع  
ايديم ديركن قضيه يوكامجر اولغين جانب سلطنت او غورينه اموال و عيالنى ترك ايدوب  
مختفى اولد قده جمله اموال و اشيائى يغمايه كيدوب عيال و اتباعى بيجان لر غريان  
وسر كردان قالمش ايدى مرحمتلو صاحب دولت حضرت نلى عرض وزارتى صيانه هجوم  
اراذلن عيالنى صيانت ايجون بر معتبر اغاسنى متعدد رجال ايله خانه سنى محافظه يه  
تعيين بيورد يلمر كچه اموال و اشيائى كتمش ايدى لكن بحمد الله تعالى عرض و ناموسلى  
مصدون قالمه سبب اولد يلمر بوندن ماعد اخاتم وكالت كند و له منتقل اولد قده ارامى  
محمد ياشا حضرت نلى حقه جناب مرحمت پناه شهر يارى يه شفاعت ايدوب بعض  
تقصير اتلى و ارايسنه ده عفو ر جاسيله نياز ايد يلمر و عفو و اما فى مشعر خط همايون  
اصدارن صكره قبرىس منصبيله مطيب خاطر ايدوب عرضلرين تكميل ايله عامه  
خلقه ضيافت معنويه ايتد يلمر حضرت مولانا محمد و دولتلىن افزون ايليه بويله ملك  
سريت خاتم طبيعت غرضدن خالى جمله عباد الله خير خواه وزير عظيم الشانك بويقينلرده  
قطبرى كورلما شيدى و زراى ماضيه دن نجهل دفع رقيب ملاحظه سيله اسلاف  
واقرانلرينه نه نامعقول غدر لر ايدوب صكره كند و ورده غدر لريك مجازاته مبتلا اولد قلى  
كتب توارىخ كونا كون ضبط اولمشدر بودستور صاحب انصافك سينه فى كينه لرى  
بعض و غرضدن پاك و صاف اولد و غي بومد و ح و مقبول ايشلردن معلوم در بعون الله تعالى  
كند و لك دخی عاقبتى خير و سلامته مجر اولاجندن انشا الله استبانه يوقدر و سابقا بلاد  
بعيد يه نفى ايله عياللريندن دور و خاطر لرى مخزون و مكسور اولان شيوخ علما و كبار فضلايى  
مكالمه كند و مكره سبب اولوب خاطر لرين طيب ايتد مكله پادشاه اسلام حضرت نلى  
خير دعالم ايتد رمشدر و فيض الله انند ييك ايتام صفارى و صغفاى عيال

ديوان الباورينه كيروب ساكن اولاجق بر مسكن يوقدر فى خانمان قالدق اقارب  
و آشنا دن هر كچه رينك خانه سنه اكلنوب سفيل و پريشان حال اولدق  
ديور خيال ايتد كاردن افراط شفقتدن و زرحايم حضرت نلىك ديدلر لره كريبه  
مرحمت نمايان اولوب فيض الله افنديك ياپيدرد و غي مدرسه عظيمه مقبلا يلمر اسكى  
خانه سى كه جانب ميريدن فروخت اولمش ايدى استر ايدن شخصه اچه سى طرف  
عاليلردن و ريب اول خانه ايتا مندر اولنسون ديور مان بيورد يلمر ايعال لغيرت  
و حيتلى مقتضا سنجه نظام دولت و تعمير مملكت خصوصنه اهتماملى فوق الغايه اولقله  
خواب و راحت و حضور و استراحتى وجود لرينه حرام ايدوب صياحلدن اخشانه دك  
واخشاملردن كچه نك ثلث و نصفى قدر زمانلره دك اوقات صلوة و طعامدن غيزى  
جميع اوقاتى مهمات دين و دولته و مصالح عباد الله صرف اولنوب و زراى سلف بر مقدار  
حضور و نزهت ايجون تعيين ايتد كلى هفته ده ايكي تعطيل كونلرينى بيله بونلر اختيار  
ايتيوب متواليه كچه كونلر مصالح بلاد و عباد استغال كوستر مشلردن و اسرافلردن  
معدود اولان زينت و رونق و حشمته متعلق داراته و مفرح بنااره و مله و سسات  
و مفر و شاته اچه صرف ايتيوب مهمات دوللك الزم لوازمندن اولان ادوات حرب و سفر  
مقوله سى طوب و تفننك و مهمات جبه خانه و تريب و تقويت عسكره تقيد كوستر مكله  
مشوكت اسلاميه نك ترايدينه سعى اوزن در لر خام ساعفت و مرحمت و حلم و سخاوت ايله  
متصف اولد قلى اجلدن اعتدال و زراعت اوزن حركت ايدوب زمانلر نك منصبلردن  
اچه التوق و كيسه نك مالنه و عرضنه غدر صريح اولنق ايشيدى لوب ممالك محروسه ده  
اولان ايلاللى و دايه دولته اولان مراتب و مناصبى اهلنه و امكد اولره توجيه ايتد مكله  
افراغ جهد ايدوب نامعقول توجهات و نصرفاتلى شيوع بولما مشدرود ديوان عاليلرينه  
كبرن اصحاب مصالحه لطف و رفق ايله معامله ايدوب مصاحبتنه ظفر بولان بولن  
دعاى خير ايدرك حضورندين مطيب خاطر چقارلر و هر ديو اند طريفنه سيم و زر  
يغلوب ضرورت طلندن و محنت افلاسدن بشتكوى ايدن فقر او ضعفاى مسلمينه  
بذل احسان ايتمكله سعادت و مهابته پادشاه عاليميناه حضرت نلى سنده دعاى خير اليوزمك  
هر كون عادت حسنه سيدر خلاصه كلام عامه عباد الله لازم در كه شوكتلو  
سعادت لو پادشاه عاليميناه افند من حضرت نلىك وزير روشن ضمير لريك اخلاق حميده  
و خصائل جيله لرين ثامل ايدوب سايه دولتلى عامه عالمه محض نعمت و جمليه  
صرمليه امن و راحت اولد و غنى قدر و قيمتى يلوب دوام عمرو دلتلرينه خلوص بال ايله  
استغال كوستر لر فائده جليله عقللى روشن رايه معلوم در كه بو طهور ايدن وقعه عظيمه يه  
ارادت عليه ربانيه تعلق ايدوب سماوى وارضى اسباب و معدات و دلائل و استعدادات  
حاضر و مهيا اولمش ايدى جمله دن برى يوزاون دورت سنه سنه اولان قران علويين  
حكى كه آيين نو و هلاك عظم او تغيير ملك و انتقال دولت ديو آشكار يازاش ايدى مدلولى  
بو وقعه لر اولد و غناه شك يوقدر و قرانك حكى همان واقع اولد ينى سنه لرده ظهور



ایتمک امر لازم اولوب کیم برسنه کیمی ش سنه کیمی دخی صکره ظهور ایدر غایت دخی  
یکرمی سنه یه دك اولدوغی اعلیه معلوم دیوایسه چوق اکتیوب برسنه صکره ظهور  
ایتدی دخی وقران واقع اولمازدن دورت بش سنه اول سره واقف اولان دین و دولت  
خیر خیر اعلی مخفیجه یوقراندک وقوعه کله جکئی وحکمئی استخراج ایدرب آیابو قصیه  
عظیمه نه صورتله وقوعه چقارونه شکل ظهور ایدر یو حکم ضروری الو قوعه مظهر  
اولا حق کیملردر دیتنها لده سوباشوب کمال خوف ودهشت ایلله ظهورینه منتظر ایدیلر  
واقف راز اولاندن ایشته بکیمزه کون فیض الله افندی دخی غافل اولوب بعض کمالردن  
بو قصیه نک خبرین المیش لکن نجه کذاب سوز بنه وجود و یروب و علم جفردن روحنک  
خبری یوق مصنع سوز لرله اکبری الدامق سودا سنده اولان خبیث قلمبازلر کمالان  
کاغذ لریته اعتماد ایدوب کندوبه قرق سنه مفتی اولاجقسن دیودخی بو کابکر خلطیات  
یاز دقلری رساله الدانوب تدارک ایلله دفع ایدرم زعمه دوشدی و یوقوله بلای  
عظیمه دن احتیاره تدارک کبر و طمعدن وغدردن ال چکوب خلقت حسد و مذمت  
وعداوتندن امین اولمق ایکن غلط فکره دوشوب قهر و غلبه ایللش کوررم ظن ایتدیلر  
مصطفی پاشاقلندن صکره ایسه فتنه یه مستعد اولدوغی یقینا لدرک ایدوب داماد لریک  
برینی استانبول تاضیسی برینی قائم مقام ایتدوب سائر رتبه لره ده چراغ لرین کنور مکه  
محافظه فکرند اولدی لکن قضای مبهم تدبیر و تدارک کله دفع ایلتمک راسته سباب  
سماییدن بو کابکر دایملر اولدیغی کیم عالم ارضیه دخی علوتام و شهرت مالا کلام ایلله  
مستولی عالم و محسود عامه ایم فیض الله افندی یولوب دخی نجه دلائل خفیه ایلله  
بو حکم سماوی یه مظهر به بلیه ضروری الو قوعه سپر اولغی بلیت واستعدا داندلده  
واولاد و اتباعند پیداومو وجود اولمش ایدی و خلقت ضرورت لری و منافع مالیه نک  
بر ستمه مختصر اولمسی واورت لعل انقباض و اضطرار و هر طریقک اختلال نظامی  
علی الخضر ص پادشاهک بردخی استانبوله تشریفندن خلعتک مأیوس اولمسی میرده  
مضایقه کمال اولوب اوجا قرق کذشته مواجبلری ایر کیلوب قلمه سی و میرده لاجفی  
اولاندن سالیمری حدی بلندن قطع امید ایم سی و یوقدر عسرت و محنت ارا سنده فیض الله  
افندی اتباعی مناعبه و منه افعه استیلا ایدوب بیکانه بولنانلرک محروم و منکوب قلمه سی  
یوقدر سیمار مجتمه اولوب مزاج عالم دخی فتنه و فساد استمداد مهیا اولمش ایدی که  
ادبایع ایلله قضیه ظهور ایدوب آتش علوندن سماوی وارضی یوقدر اسباب و علامات  
حاضر اولوب بو محله تحریری ممکن اولین دخی نجه دور لو سیمیلر ایلله مزاج عالم و آدم  
استعدا داندلده اولنجه فتنه یه حرکت لازمیدر و تعایمه احتیاج وارمیدر یوکا حکم قضا و قدر  
دیر مزاج عالمه یوقدر بر اولمان اسبابدن سبب حاضر اولماق نجه هزار کیمسه سی ایسه  
جمیع ظواهر الیک الحالات قبیلندن رئیس اهل انصاف اولان عقلا یه لایق اولان  
بودر که بخصه صده غوام الناسک کلامنه و اسرار دولندن بیبر احققارک سوبایدکاری  
خلطیات و وجود ویر میوب امورک یا لکن ظاهریه باقیه لری و یقینا هله سوء ظن ایتیمه لری

فلان تبریک ایتدی فلان اولدی فلان بونی استردی فلان تقصیرات ایتدی دیو  
همچ برف ده طعن و دخل ایتیمه لخلقت ظن و تخمین ایلله غرض نفسه بناء سوبایدکاری  
اراجیفه وجود ویر میوب خلا ف واقع کسنه یه افترا و یقینان ویا لاندن اجتناب ایایه لری  
حقیقت حال بودر که یوقعه زهر و تریاق ایلله قاریشوق بر ترکیب شکله نجه نفع و نجه ضرر  
ایلله منتزج بر معنا اولدی فیض الله افندی نک اولاد و حواسیسی مصالچ دولته و هر طریق  
قارشوق مندفع اولوب امر سلطنت و وزارت قید مشارکتدن قور تیلوب مجرای  
قدیمندن عدول ایدن امور دولت قاعده سابقه طریق سنه میل ایتدیکی و عامه خلعه  
مشقای صدر حاصل اولوب طرف سلطنت علیمیه خلوص لری منعقد اولدیغی مناقعدن  
عد اولنور واریاب فراسنه معلوم تفصیل حاجت یوق دخی نجه فوائد ملاحظه اولنور  
اماطرف محذوری بودر که سلطان محمد خان مرحومک خلعی وقتدن پرو طوایف  
عسکری بلکه عامه خلقت بحجاب هیبت اردنده مستور و مقهور ایکن بی ادبانه حرکت  
وقتیه جویافته جرأت ایتیمک خاطر لرینه کلدی و یکجری و سیاهی وجهه جی و طویجی  
سنه سابقه دم اولان مقدارندن چوق زیاده اولوب سادات نامنه کرکدن وظیفه  
الانلردخی ضم اولوب دولت علیه مصر فی ترقی بولدی هله بو محذوراتک حسن تدبیری  
صاحب دولته تدبیر مجا علاجی کویا لور اما جمله دن مشکل محذور بودر که جمله دولته  
صن و قوفی تجا و زایدوب طور رابع و خامسه وارد قلم جلد سابق دیبا جه سنه  
بیان اولندیغی اوزن بهر حال مصرف چو غا لوب ایراد کفایت ایتیموب خزینه ده  
ضعف ظهور ایدر کلمشدر اولله وقتلده پادشا هلدار الملک اولان بلده عظیمه لری  
لوتروب هر خصوصی مقمن و معروف اولان وجه اوزن کور مکه غایت صعوبت  
اولور بهر حال اقتضا حسبیه پادشا هلو کلا و خواص خدم ایلله یاز یارت و تماشا  
یا خو دشکار و سیران بهانه سیلله یا خود بر طرفه سقر لواز منی ترتیب بهانه سیلله  
بر مختصر موضعه واروب اول موضعندن دار السلطنه نک و سائر مکاتبت تدبیرین  
کور مکه محتاج اولور لر تا یو طریقله اشترا و نکالیفه و قلت مصارفه و لواز م و عسکرک  
لر و منندن نقصان ایلله کتفا یه ظفر ممکن اولوب خزینه عامه یه تقو دجم ایدر جک  
کیرلوجه نجه تدبیر لر ایلله تقلیل مصرف و نکثیر ایراده فرجه بولنه امادار الملکده او تور دقلری  
حاله یوقوله ایشلره شروع و عده مخاطره مقرر اولوب هر شی اولیکن رسم اوزن کور یابوب  
تقصیر و تنزیل و مواجبلری تدویق و تقلیل و هر خصوصی مراد اوزن تبدیل و تحویل ممکن  
اولر بیع و شرا و کار و کسب ایدر دولندن بلوغ مبالغ منفع اولوب خزینه انلاردن  
فائده لیمک و میری یه نفع اخذ و عطا کوج اولور عسکری و سائر مواجب خوار لری  
تقلیل و مواجبلر نه وجه معقول اوزره تصرفات و تاخیره هیچ مساعی بولنماز یوقوله  
اموره شروع اولمسه ده دار الملکده فتنه حدوت ایتیمک غایت سهلدر زیرادار الملک خلعتک  
طبیعتلر نه حضرت رسوخ بولمشدر جمله سی حالنه کور دولندن منفع اولمق استلر  
سوق دولته متاعلری راجع و صنعتلری لازم اولدیغی قدر فائده لور اولر سبب ایلله



انلارک دخی مصرفی ازوب دولتن پیدایه کی اشفاق ایله خلقی الیایه کیمک  
استرل انک ایچون جله سی دولت علیه فی ظان به الوب کویا اطرافنی محاصره ایدوب  
تیک وید هرته ظهور ایدرسه اسانلرینه طولار لر ضروری از اجیف ظهوری اقتضا  
ایسه کرک وکرک موجب کرک اشیا واثواب و اعمال قیمتری هرته ایسه وقتی ایله طلب  
ایدوب استمهال بلزلر خزینه مضایقه سنک ایسه بو محاصره به طاقت و تحمل یقدر  
مقصود اصل ایسه نازکانه تدبیر ایله بوداثره چوریابوب هم مصالح بتوب هم مضایقه  
دولت طبعور لمقدر تجارک بیع وشر ادرنه بعض حیل شرعیه ایله مالی ارتق دقلری  
کار وکسب اولدیغی کبی دولت علیه ناک دخی فائده سی وخرینه به عایده سی یاولسه  
کرکدر بوخداقت ایسه دارالملک احرال وخلق یک کوچدر اکابناء خلفاء عباسیه ده وسائر  
دولتمنده کبار ملوکدن هیچه ای یوغا ناله سبی ایله دارالملک ندرن محصور کی معذب اولمندن  
بیز از اولوب غیری مناسب موضعله نقل اختیار ایتمشور در ایدنا سده بونک مثالی یودر که  
برآمد مک خله سندن عیال وحواری وخدامی چه حق اولوب کتد که مصرفی ایرادن زیاده اولسه  
بهر حال کندوسی منزلته اولدیغی انلرک ما کولانی و مشروبات و مله و سالتاری و سائر خرج  
و مصرفی و یونلردن ماعد اهر رینک انتفاعی و آنچه جمع ایتیه سی کون کلدکاری و معتاد  
اولد قلمی منوال اوزن تدارک اولموردن تقصیرات وکم ایدرسه حرمتدن ساقط  
اولور اسرافاتی بردن قطع ایتیمک و دایره سن حالته کون نیریل ایتیمک دخی دفعه قادر اوله مرانک  
ضمندن دخی نیجه محذور و وارد هر حال تدبیر نیجه محتاجدر که نظام بیت یوولیه آخره دینی دخی  
واریسه دایلم مضایقه حالی بلزلر کلوب تقاضا ایدر اول کیسه برهانه معقوله ایله  
یادولت طرفندن برخد مت وجبایته یا حیح شریفه یا رهل منصب دغوتیه بر طرفه سفر  
ایدوب عیال وخدام و بوج صا حیلرینی برامنیه به براغوب استمالت ویرسه بهر حال  
انلر انتظار امیدیه صبر ایدوب قوت لایمونه قناعت ایدرلر اقتضا ایدرسه کیسه لرندن  
صرف ایدوب اسرافات قید نده اولرلر اصحاب دیون دخی صبر ایدوب فتوحات میسر  
اولد قد ویررد یو ثقلت ایتیزلر بلکه بعض مرتبه اعانت دخی یونلور لر تا اول شخصه عون  
حق ایله یسر احسان اولنوب نظام حالته استعداد مهیا اولنجیه دک هم کندی راحتله  
وقت کچور هم دیون غائله سی خفته بر طرف اولور هم عیال واتباعی نظمیب اولنور  
دولت اجتماعیه انسانیه ده دخی ال یوله در قبل الفتح استقامت یوله مالک اولان ملوک  
قصداری دخی دولتمند و سعادت یولوب طبیعت ملکن اولان احشام و اسرافات مصارفی  
زیاده اولد قد بعض اعیانیه سیران و شکار بهانه سیه ادرنه ایله استقامت یوله سندن بعض  
مختصر موضع نقل ایدوب انده اکملکه اصول ایله خرج و مصرفلرین مختصر ایدوب  
قصد طبیعه و سائر ملکرک نظام نه و عسکرلرک امورینه لزومندن نقصان وجهی اوزن  
کیرلوجه تدبیرلر و تصرفلر و خزینه لرنه یقود مجتم اولاجق صنعتلر ایدرلر ایش که  
تواریخلرند مستطوق در اصله ملوک و حکام دارالملک اولان مزین شهرلری براغوب حضورین  
توک ایدوب کاه شکار کاه غیری بهانه ایله طشیره ده کر دکری یوسرخنی ایچون ایدی که

ضرورت دولت عامه به معلوم اولوب هر زمان برهانه ایله ویر جدید آمدورفت  
طنطایه سی ایله خلقی اشغال ایدوب برامنیه ایله کلندن لر و هم کند ولر که فتنه  
وارا جیفندن قول قلمی دخی اولوب خواص مقبوله سیه لذت و رفاه هیتله وقت بکروب  
رسوم مقننه ثقلندن بر مقدار مستخرج و عامه محاصره سی مضایقه سندن بر مقدار  
ازاده اوله لر یوخسه بر و بیابانده تضییع وقت ایچون یهوده کز مرلردی عوام الناس بلکه  
امورک یا اکثر ظاهرینه نظر ایدن اکثر خواص یوسرد قیقی ادرک ایدوب عجباملوک  
کرام یوسکار دهنه لذت یولدیله دیواعتراض ایله خشونت ایلرل اما بودخی معلوم اولق  
کرکدر که یوخه صوص اصله غایت مدوح و مقبول مصالحت دکدر بلکه بحسب الضروره  
اقتضایین امورندن دارالسلطنه ده احسن تدبیر ایله یومطلوب اولان فولدک تدارکته  
دخواه اوزن ظفر و ملق میسر اولورسه فتمه المطلوب یوز جمللر انکابه یروقتدن احتیاج  
یوقدر و اختیار ایتیمک نامعقولدر اما چونکه ایلای ضرورت ایله یوتد بیره شروع مقتضی  
اوله بهر حال برجهت معتدله ایله اولمغه محتاجدر که طشیره مصارفی دارالسلطنه مصارفه  
غلبه ایتیموب افراط اشتغال ایله اتلاف دواب و کثرت خرج و حواشیغک یو بهانه ایله  
درآمدی ازوب تکلیف مالایطاق و مکانلرین تضییق ایله فقر تعذیب اولمیه مرحوم  
و مغفور سلطان محمدخان حضرت تاری کویریل محمد پاشا و اوغلاری احمد پاشا و قلملرینه دک  
یومغایه نازکانه سلوک ایدوب کاه ادرنه ده کاه استقامت یوله کاه شکار ده کاه بروسه ده کاه  
دستبوت یا بلا غفله مناسبتلر و بهانه لر ایله اکلنوب هم بهانه ذوق و صفا سوردی هم وکلا  
هالده اصلیه اولان ایشلره ممکن مرتبه رعایت ایدوب خزینه مضایقه سی عیاله چقمادی  
و همینه استقامت یوله بوش قویوب کاه کاه شریف ایله خلقنی مایوس ایتدی اما مقتول  
مصطفی پاشا و قلملر انلارک کلامنه چوقلق وجودی ممکنه اخذ و عطا و اسرافاتده افراط  
اولنوب سفر لر دخی متعاقب اولدیغندن غیری تحالف اهوا و تحاسد اعیان سبی ایله  
عدم استقلال وکلا و ذخی نیجه یواغت ایله نظامه تفرقه کلوب تعمیر خزینه خصوصندن  
اتقان یولنوب مطلوب اولان فائده معدوم اولمش ایدی پس بوضو رتده طشیره ده  
کزنک عیث اولوب مطلق ذوق و صفا ایچون اولمش اولور اول فائده  
اولا نیجه کتد یکدم سرمایه نظامه ده خلل کلوب عاقبت خلع فتنه سته  
وارنجیه دک حدوت ایتدی یو ذکر ایتد بکمز نصر فاته ادرنه شهر ی غایت مناسبت  
واوفق ایدی مرحوم و مغفور سلطان مصطفی خان حضرت قلمی ایسه استقامت یوله طرفنی  
صکره لر ده بالکلیه خاطر دن چقاروب ادرنه ده طرح اساس اقامته شروع  
یوز دخی عامه به طبعور مغله خلقک مطمع امنیه لر یو بالکلیه کسیلوب هر کس اولاد  
وعیال و اتباع وخدامنی الدائمغه پکند کاری مال خولیا مقوله سی امید ورجاری  
دوکتوب مایوس اولد قلمی اجلدن یوقعه ده جله سی متفق اولدیله و یادشاهان  
جهان ادرنه ده و طشیره مسیر لده ایکن استقامت یوله جمیع اولوب  
واروب خلع و اجلاسه تصدی ایتد کاری ابتدای دولتن یوقته کلجه مثل



مستحق دکل رقصیه غریبه در شمدی بود کراولنان تدارک شروع مشکل اولدی عی محل  
کلام دکلدر اگر چه هیئات بر دخی دولته فیض الله افندیك نظیری بر ایدم ظهور  
ایتمک و بوقدر اسباب و علامات ایله مزاج عالمه فتنه یه استعداد حاصل اولق و خلق  
بر دخی بلا موجب بویله فتنه یی ارتکاب ایتمک امر محالدر لکن هله بود کراولنان تدارک  
توابع عوبیت پید اولد و غنمه شک بوقدر ان شاء الله تعالی شوکت و کرامت و پادشاه  
عالمیناه حضرت نرینک همت علیه سی و صاحب دولت و وکلای خیر خواهک صدقله  
خد متلری بر کاتیله بوجم و زلر اسهل وجهله دفع اولنوب دخواهلی اوزن ذوق و راحت ایدر  
فتیحه التتجه دولت ابد پیوند عثمانی جمله عباد اللهک ولی نعمتی اولوب امت محمدک حضور  
و راحتی بود دولت علیه سایه سندن اولغین مالی و بدنی خد متنده بولمق قدرتی اولاناره  
لازم و واجب اولدوغی کبی عقلا ولسا نادخی هر کس معلوم و مسموعی اولان فوائدی اعلام  
ایدوب خیر خواهلق کوستر مک تعیب اولنماز خد ماضی دع ما کدر مفهومی اوزن کلام  
معقول مقبول اولوب عصره مناسب اولیان سوزلر متروک قالغله یینه فائده دن تعی اولمیوب  
ایراد کلام ایدن خیر خواهه طعن و اعتراض وارد اولماز اکابناء فقیر بر تقصیر دخی عقل  
قاصر محیط اولدوغی مرتبه بوالفضوللق ایتدوکی کستاخلق عفو بیور لوق موجودر  
الحاله هذه محمد الله تعالی باند همت صاحب دولت افندیز حضرت نرینک تنظیم امور دولته  
سعی و اجتهاد لری کالیه احسن و حل و عقد مصالحه مساعیلری شویله مستحسندر که  
امور مهمه دولت بویله شروط طیله کورلدیکی و هرایشه مقتضای طبیعیتی اوزن  
بویله شروع اولدوغی بویقیندرده مسموع دکلدر حق جل و علا کاهو الواجب نظام و انظام  
و دفع ضرورت خزینه یه اقتدار ایلایه دولت علیه امورینک زیاده ام و لازمی و مشکلات  
سلطنتک مهماتی مقامند جمله سندن اصعب و اعظمی بش مصالحه در که هر عصره  
ملوک عظامی و وزیرا و وکلای عالی مقامی عاجز و حیران ایدن بویخصه و صلور بوبش ماده یه  
گماذبغی نظام و یریان دولته من بعد تغییر و اختلال ظهور یینه غالب حاله احتمال قالماز اولا  
ایراد و مصرف خصوصتی حکیمانیه برابر ایتکه بلکه مصرفی تزیله بر طریقه شروع اولنه که  
نه قطع ارزاقه خلقدن بد دعا الله و نه تعیناتی تنزیل و وظایفی قطع ایله بر فرده شکایت  
ایتد ریله و نه تکالیف و بدعتلر احداثه حاجت قاله ثانیا حیل فیلسوفله ایله تداخل  
رفع و اول بار بلای خزانه عامره اوزریدن دفع ایتکه بر طریقه شروع اولنه که میرید  
مالم قالدی دیور فرده تظلم و شکو ایتد ریله ثالثا طوایف عسکری یه بر کیفیت  
مفتدله ایله نظام و یریله که او جاقدر معمور اولوب هم وقت حاجت دشمن مقابله سنده و ارمغه  
مستعد اولر و هم اطراف ممالک اولان تا صلاقی زمره سی کتم حقوق ایله میری یه وزغا  
و اوقافه غدر ایدمیه لر و هم آستانه ده و طشره ده اطاعتدن خروجه و فساد قادر  
اولا میوب اولو الامر عبد ملوک کبی منقاد اولر را باعاطشده ایا لتله وجهه مملکتیه بر حالت  
ایله تصرفات و تدبیرات اولنه که هم رعایا و برابا آسوده و دیار اسلامیه معمور اوله و هم  
اموال میری یه نقصان ترتیب ایتمیوب و الیر و حاکم دخی انتفاع لردن قالمیوب قبولی

حال لری کون مکمل و مرتب اوله خامسا بعض تدبیرات خفیه ایله شویله دلفغر بیانه حرکت  
اولنه که پادشاه اسلام دخواهلی اولان وجوه معقوله اوزن ذوق و صفایر نند منشرح  
الصدر اوله و محبت و هیبتلری معافلوب ناسه اشراپ اولنوب من بعد دارالمنک و طشره  
ممالک خلق فتنه و جمعیت ایتمک دکل اولمقوله مفسد خاطر لرینه ییله خطور ایتمیوب  
جانب سلطنته و وکلای دولته بالطوع الصاف مطیع و مستخر اولر توفیق ربانی سهولته  
په مضاحکری میسر ایلد کدغیری بر مشکل قالمیوب اعدای دین و دولته دخی جواب  
و یرلمک و هرايش مراد اوزن کورلمک قی آسان اولور اعتراض اولنوب اگر دینور سه که  
بویخصه و صلور ممکن دکلدر بومعنا لری بر لرینه ضد و منافی اولمغه جمع اصداد قیبلندندر  
ایراد و مصارف برابر اوله نه بدعتلر ظهور ایدنه قطع ارزاقدن شکایت ایدر هم تداخل قالقه  
هم میری یه مالم ضایع اولدی دیو شکایت ایتیه لر هم او جاقدر معمر اوله هم پرده بیرون حرکت  
ایتیه لر هم رعایا و بلاد معمور اوله هم والیر انتفاعدن قالمیه لر هم پادشاه عالمیناه دخواه  
اوزن حرکت ایدر هم فتنه احتمالی بالکلیه منفذ اوله بویخصه و صلورک برینه شروع اولنسه  
مخد و ر آخرک ظهوری امر مقرر در زمان قلیلک خصوصاً بویقتلرده بوشیلره صورت و یروب  
خارج چقارمق محال کوریه و دینور سه جواب یریلور که ممکن و میسر در پادشاه عالمیناه  
حضرت نرینک صدر عالی قدر حضرت لرینه کمال استقلال و یروب اناردخی سعی اصفانه لری  
بر کاتیله حصه له منظر اولق مسه لدر شمدیه دکن موفق اولد قلری اصابت رأی  
و سهولته کور دکلری مصالح مشکله بویکا شاعدر در خصوصه نظام امور متعلق نیجه  
اسرار خفیه و مفید و نافع فوائد لطیفه وارد که اربابی اول قوائدی جناب اصفی یه عرض  
و تبلیغ ایتکه مشقتلر در اولمقرله امور اطلاع انضمامیه قی منظم ایشار ظفره لنو محمد الله  
تعالی دولت علیه نک شمدیکی عالی صغی یوقدر بویتاریخت جلد سادگی مقدمه سندن  
تحریر اولندی اوزن تاریخ هجرتک دور تیوز طقسان سنده سی حدودن بر طرفدن مغول  
عسکرینک فساد و بر طرفدن افکارا کسارک هجری و بر طرفدن طوایف عسکری  
و وکلای دولته عدم اتحاد لری و بغض و خصومتلری سدی ایله دولت اسلامیه  
ملوکنه ضعف و تلاش حال و نظام مملکتیه اختلال دماض اولمغه فرنگ رخصت بولوب  
آق دکرده عربستان یالیریه مستولی اولدی و نیجه مملکتی تا قدس شریفی الوب مصر  
و شام و حلب بلکه جمله عربستان ضبطه آرقالمش ایدی اگر ایا یوبیه دن ملک صلاح الدین  
ظهور ایدوب حسن تدبیری بر کاتیله دولت اسلامیه قوت بولوب اول ولا یتلری کفاردن  
استرداد ایلدی شیوخ علمائک کبارندن اول وقفه ابو العجیب دیر لیر دولتمو وار ایدی که  
ملک صلاح الدین ایله بابا و اوغل مشا به سندن علاقه محبت اوزن ایدیلر تدبیر مملکتیه  
و اسرار سلطنته متعلق بر مختصر رساله یا زوب صلاح الدینه و یروب هر امر دیر بونکه عمل  
ایله عمر بکترده فسحت و رایسه اسکندر قدر عالمکیر اولور سزدی و وصیت ایش صلاح الدین  
دخی اول رساله یی حر زجان ایدوب دالما انکه عمل ایدردی مرحوم عثمینی افندی دولت علیه  
تولین تحریره شروع ایدوب نازک تدبیرات ایله و اقربا زمش ایش بورد سس له نک احوالی



و سلطان سليم طريق وصولك تفصيل انك مسوده سندن نقل اولمشد و سندن  
 صكره مرتب تاريخي ميدانه چقمدي انك مسوده لري كعبه ده مرحوم اولان باشي  
 احمد افندي يه نقل ايلدي ديرلر زير احمد افندي دخی بر مفصل تاريخه شروع ايتيمدي  
 اما رساله يه عصمتي دخی استنباق عرض ايدوب ظفر بولوق ممكن اولمادی ديوناسف اظهار  
 ايلمشد واقع حاله كون كوندن شوكت و دولتي قوت بولوب بشيوز التمش يدي تاريخنده  
 مستقلا پادشاه اولدي حق يودر كه دين و دولته برخدمت ايلمشد كه ملوك كدن  
 پرينه ميسر اولما مشد تاريخ كتابلري اول ذات شريفك مدح و تناسيله مالا مال  
 اولمشد و بشيوز سكسن طقوز حد و دنده ملك صلاح الدين وفات ايدوب رساله  
 مزبور قدرين بيلور شخص الله دوستوب ظهور ايتيمدي بعد الله انتقال ايدرك  
 نسخه سي منتشر اولماز دن اول طقوز يوز يكرمي ايكي تاريخنده صدارت و مدن  
 متقاعد افوت اولان مو يدي عبدالرحمن افنديك الله دو شمس افندي يه  
 طقوز يوز يكرمي ايكيمه ارتحال ايدن مقرب درگاه باري السيد احمد البخاري حضر نزيله  
 صقيعه صقيعه كور شوب محبت خاص ايدر لر ايش ايشاي محبة سلطان بايزيد  
 خان وقتنده حدوث ايدن فتن و اختلال احوالي سويلشوب و عسالة معهوده يي  
 درميان ايدوب بوقول ايله عمل و مضومني اجرايه مستعد بر صاحب همت اولسه  
 ديومحرمانه سويلشور لر مش امير بخاري حضر تاري انلره دير مش كد بولسا  
 جليله يه امين اولاجق صاحب رأي متين زمانه مزده شهنزاده سليم خان واردر  
 اكاملاتي اولور سر بواما نتي اكايصال ايلك كرك سر ديو وصيت ايتاش شهنزاده  
 سلطان سليم طر برون منصبنه كيدر كن عبدالرحمن مو يدي كندويه  
 بولشوب حضرت امير بخاريك سلا مني تبليغ ايدوب شهنزاده م بوسيف قاطع  
 و نورلامع سزه لا يقدر بولسا ر الهيه دفينه سنه اهل و اتصافه مستعد چنا بكر درديوب  
 رساله يي وير مش و اول رساله ابوالنجيبك خطي ايله اولان اصل نسخه ايش سلطان  
 سليم خان دخی اكثر اوقات مطالعه ايدوب ادريس بتليسي ايله محرمانه سويلشور لر مش  
 حتي خواجه لري حليم چلبی محرم اولموب آيا ادريس ايله مدا كره ايتد كاري نه رساله در  
 ديو تجسس ايتديكي ايجون نظر التفاتدن ساقط اولاش ايدى مولانا ادريس اول  
 رساله يي كندی خطي ايله استنساخ ايلش انلارك خطيله اولان نسخه يي سابقه حقير  
 بركيمسه ده كوروب جزويجه مطالعه ايتمش ايدم نسخه اصل بلكه خزينه عامره ده  
 واردر يغيسته سعي ايله ظفر بولوق بلكه ممكن اوله لسان عربييه بزدفينده غلطي درلكن  
 شمدي اولمقوله يك كتابي علما و كتاب اوقيوب سرينه مطلع اولد قلري صورت  
 اللرنه ايش اولمغله دولته دن قدر فائده سي يوقدر اما لسان توركي يه ترجمه اولنوب  
 مقام صدارت صاحبك معلومي اولسه دنيا قدر نفی اولوردي قتي چوق زماندر  
 يوقير جناب حقدين نياليدردم كه روزر عالي همتك كوشه نظر عنايتلرينه مظهر  
 اولمغله رساله ظفر بولوب لسان توركيه ترجمه ايتيمكي بوننه نخلصه نصيب ايله بر نسخه سي

خزينه عامره بر نسخه سي مقام صدارت صاحبك محفوظ طور منه لايق بر اثر عظيم  
 اولوردي و الله العظيم جمله اخلاق كتابلري و حكمت مولفاني و تاريخ و همايون نامه  
 و قانون نامه لر كي هزار مصطلح كتابك نتيجه سي اول مختصر رساله ده مندرج اولد و غندن  
 ذيري خاطر خطور ايتمه مش قولاقرايشته مش نجه كير لوفائده ره و عقول حيران اولاجق  
 اسرار عظيمه يه اطلاع حاصل اولوردي حاصل جوق منافع مشاهد اولمغله اقتضان سزاي  
 دفينه زيبا اولوردي و بور رساله خلق ان سنده مشهور اولان رساله سهرورديه دكلد و  
 بور رساله اخلاق و تدبير منزل و تدبير مملكت و دوات و سلطنتك مشكلات حقايقنه و عالم  
 كون و فساد و تصرفات ربانيه اسرارينك خلاصه و نتيجه سنه متعلقدر امور نفس الامريه يي  
 بوش مرتبه ده توفيق و تطبيق ايدوب جلب نفع و دفع ضرر تالرين خارجه چقارمق  
 ابد الابد شروط و قاع اولان فوائدي التزام ايتمشد رجناب حق ظفر بولوقه ميسر ايله  
 استنباله بالاده ذكر اولنان مصداق كرك بر برينه متناقص كوزنكلكه اشيدنر بواوليه حق  
 ايشلردر دير لر اول رساله عظيمه يه ظفر بولنسه بر مشكله صعوبت قالميه جفي قتي آشكار  
 اولوردي صاحب دولت و كثر المرحمت افندي مير حضر نلرينك همت عليه لري  
 يا و اولور سه بلكه ظفر بولوق ميسر اولوب بوتار محك تحري  
 اثناسنده در بحار ترجمه سنه سعي ايدوب مشكور اولاجق  
 برخدمته مظهر اولاش اولوردي قول و عميا  
 عون و عنايت خدای متعال بر له دولت عليه ايد استمرا رعتمانيه ده فن طبع و تمثيل كتب  
 ظهور ايدوب فن هر قوم ايله تكثير و توفير كتمه مبد استروع اولان يك يوز قرق سنه سندن  
 استنبوت عيانك صنعت مر قومه ايله طبع و توفير ينك تاريخ خاتمه سي اولان يك يوز قرق يدي  
 جهادي الاولى اواسطنه كنج كتب و رسا نلدن جمعي صغير و كبير  
 وارطبا عه عامره ده حصول پذير اولان نسخ مرغوبه  
 يونلردر كه دفتر و تعداد اولندي  
 ترجمه صحاح الجوهری لمحمد بن مصطفى الوانی لغت وان قولي دنيكلكه معروف در جلد ۱۰۰۰  
 تحفة الکبار فی اسفار البحار كتاب چلبی جلد ۱۰۰۰ ترجمه تاريخ سياح لطابع الكتاب جلد  
 ۱۲۰ تاريخ هند غربي المسمى بحديث نوجلد ۵۰ تاريخ تيمور كوركان لنظمي زاده بغدادی  
 جلد ۵۰۰ تاريخ مصر قديم و مصر جديد المسمى بدرة البتیه لسهيل جلد ۵۰۰ كلشن خلفا  
 لنظمي زاده بغدادی جلد ۵۰۰ اصول الحكم في نظام الامم لطابع الكتاب جلد ۵۰۰  
 فيوضات مقنا طيسيه لطابع الكتاب جلد ۵۰۰ جهان نما كتاب چلبی جلد ۵۰۰  
 تقويم التواريخ لكتاب چلبی جلد ۵۰۰ جلد اول من تاريخ نعيم جلد ۵۰۰  
 جلد ثاني من تاريخ نعيم جلد ۵۰۰ يگون كتب مطبوعه جمعا جلد  
 ۸۲۰۰ يالكر سكر يك ايكي يوز جلد كتابلر